

حضرت آیة الله العظمی مشکینی (ره)

مِفتاحُ الجِنان

و

مصباحُ الجَنان

تألیف:

حضرت آیة الله العظمی مشکینی قدّه

بازنگری و ترجمه:

سید مرتضی قافله باشی

سر شناسه	: مشکینی اردبیلی، علی، ۱۳۰۰ -
عنوان و نام پدیدآور	:مفاتیح الجنان و مصباح الجنان/تألیف آیة الله مشکینی: بازنگری و ترجمه مرتضی قافله باشی
وضعیت ویراست	: ویراست ٤
مشخصات نشر	: قم : الهادی، ۱۳۸۷.
مشخصات ظاهری	: ۸۰۸ ص.
شابک	: 7 - 099 - 400 - 964 - 978
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
یادداشت	:فارسی - عربی
موضوع	: دعاها
موضوع	: زیارتنامه‌ها
شناسه افزوده	: قافله باشی، مرتضی مترجم
رده بندی کنگره	: ۱۳۸۷ ۷م ۵ م / ۸ / BP ۲٦۷
رده بندی دیویی	: ۲۹۷ / ۷۷۲
شماره کتابشناسی ملی	: ۱۲۱٦٦۰٤
تاریخ درخواست	: ۱۳۸۷/۰۲/۳۰
تاریخ پاسخگویی	: ۱۳۸۷/۰۳/۱۲
کد پیگیری	: ۱۲۱٦۳۲۱

□ مفتاح الجنان و مصباح الجنان

■ مؤلف: .... حضرت آیت الله العظمی علی مشکینی(ره)

■ بازنگری و ترجمه: .... سید مرتضی قافله باشی

■ ناشر: .... انتشارات الهادی

■ چاپ: .... موسسه چاپ الهادی

■ نوبت چاپ: .... چهارم، ۸۷

■ شمارگان: .... ۵۰۰۰ نسخه

■ شابک: .... ISBN:۹۷۸ - ۹۶۴ - ۴۰۰ - ۰۹۹ - ۷

دفتر مرکزی: قم، میدان الهادی، تلفن: ۶۶۱۱۱۲۵ فاکس: ۶۶۱۶۱۲۲

دفتر تهران: خیابان انقلاب، خیابان فخررازی، کوچه دیده‌بان، شماره ۱۱۰

تلفن: ۶۶۴۶۵۸۲۶

بسمه تعالی

کتاب

مِفْتاحُ الجِنان

و

مِصْباحُ الْجَنان

در دعاها و اذکار و زیارت حرمهای مطهر معصومین﷈ و امام زادگان

در این کتاب در هر موردی ملاحظه اختصار شده، و در دعاهای ایام هفته و اعیاد متبرکه، و ماه شریف رجب و شعبان و ماه مبارک رمضان، و زیارت حرمهای مطهر معصومین معتبرترین و مختصرترین دعاها و زیارتها انتخاب گردیده و در اغلب موارد معرفی و راهنمائی لازم از دعا و زیارات انجام یافته، امید است مورد رضایت خداوند و اهل بیت عصمت علیهم السلام و سبب تسهیل امر برای اهل دعا و زیارت قرار گیرد، و در هر خانه زینت بخش قفسه‌ها و سجاده‌ها باشد و از مطالعه مقدمه این کتاب غفلت نشود.

گفتار مترجم

کتاب نفیس مفتاح الجنان و مصباح الجنان که جامع ادعیه و زیارات و اذکار و اعمال ایام و ماههای سال است و توسط حضرت آیت الله العظمی مشکینی ﷺ تألیف گردیده است. چاپ مکرّر آن دلهای جویندگان راه هدایت و معرفت و خودسازی را آرامش، و تشنگان آب حیات را با تأسی به پیامبر اعظم ﷺ و اهل بیت معظّم ﷺ تسکین بخشیده است.

استقبال مؤمنین معظّم له را بر آن داشت که در چاپ اخیر کتاب تجدید نظر فرمایند، لذا این حقیر را مفتخر نموده و مأمور کردند تا قسمتی دیگر از ادعیه را پس از ترجمه به آن افزوده و تمام کتاب را مورد بازبینی قرار دهم و ترجمهٔ آن را اصلاح نموده و منابع ادعیه را در پاورقی ذکر نمایم، اینک پس از حمد خدای متعال بر این توفیق، از درگاه ربوبی خاضعانه درخواست دارم که آن را به بهترین وجه پذیرفته و از باقیات الصالحات قرار دهد و روح مطهّر ایشان و والد مکرّم را در اعلی علیّین از رحمت واسعهٔ خویش متنعّم و جزای خیر عطا فرماید و ما را از رضای خویش و عنایات حضرت ولی الله اعظم ـ عجل الله تعالیٰ فرجه الشریف ـ بهره‌مند سازد.

در پایان جا دارد از تمامی عزیزانی که در تهیه و تدوین این اثر با اینجانب همکاری و همراهی نمودند صمیمانه تشکّر و قدردانی نمایم.

از عموم مؤمنین ضمن التماس دعا تقاضا دارم در صورت ملاحظه مورد قابل اصلاح و یا پیشنهاد مطلوب و سازنده با مکاتبه با ناشر محترم برای رفع ایراد احتمالی در چاپهای بعدی، تذکّر لازم را ارسال نمایند.

فَإِنَّ ٱلذِّكْرَىٰ تَنفَعُ ٱلْمُؤْمِنِينَ

سیدمرتضی قافله‌باشی

۲۹ ربیع الأوّل ۱۴۲۹ق

۱۸ فروردین ۱۳۸۷

فهرست

پیشگفتار ... ۳
بخش اول : سبب تألیف کتاب ... ۵
بخش دوم : معنی دعا از دیدگاه قرآن و سنت ... ۱۰
دعا از دیدگاه قرآن ... ۱۱
دعا از نظر روایات اهل بیت علیهم السلام ... ۱۲
بخش سوم . چرا باید دعا بخوانیم ؟ ... ۱۴
بخش چهارم . قصد «ورود» و قصد «رجاء» ... ۱۹
بخش پنجم : معنی استغفار معصوم از گناه ... ۲۰
بخش ششم . توسّل به معصوم ... ۲۳
بخش هفتم : نیابت در زیارت و خواندن قرآن و سایر اعمال نیک ... ۲۸
بخش اوّل : نمازها و تعقیبات نمازها و اعمال هفته ... ۳۱
فصل اوّل : نمازهای واجب ... ۳۳
وقت نمازهای یومیه ... ۳۴
فصل دوم : تعقیبات نمازهای واجب و مستحبّ ... ۳۵
فصل سوم : نافله‌ها ... ۴۳
اول : نوافل نمازهای پنجگانه : ... ۴۳
دوم : نماز غفیله ... ۴۵

سوم :نماز اوّل ماه ۴۶
چهارم : نماز جعفر طیّار(رض) ۴۸
فصل چهارم : اعمال روزها ۴۹
فصل پنجم : دعاهای ایّام هفته ۵۱
● دعای روز شنبه ۵۱
● دعای روز یکشنبه ۵۲
● دعای روز دوشنبه ۵۴
● دعای روز سه‌شنبه ۵۷
● دعای روز چهار شنبه ۵۹
● دعای روز پنجشنبه ۶۰
● دعای روز جمعه ۶۲
فصل ششم : زیارت چهارده معصوم ﷺ در ایّام هفته ۶۴
زیارت حضرت امیر المومنین ﷺ ۶۸
زیارت حضرت فاطمهٔ زهرا ﷺ ۶۹
زیارت حضرت امام حسن ﷺ ۷۰
زیارت حضرت امام حسین ﷺ ۷۱
فصل هفتم : فضیلت شبها و روزهای جمعه ۷۸
اعمال شبها و روزهای جمعه ۸۱
● اعمال شبهای جمعه ۸۱
● اعمال روزهای جمعه : ۸۵

بخش دوم : ذکرها و دعاهای مختلف ۹۱
۱ـ ادعیهٔ قرآنی ۹۴
۲ـ دعای صباح حضرت امیرالمومنین ﷺ ۱۰۲

۳ـ دعای کُمیل ۱۰۸
۴ـ دعای سمات ۱۲۳
۵ـ دعای مکارم اخلاق ۱۳۱
۶ـ دعا برای حسن عاقبت : ۱۴۳
۶ـ دعا در حقّ پدر و مادر : ۱۴۴
۸ـ دعا برای ادای دین و پرداخت قرض : ۱۴۹
۹ـ دعا برای حل مشکلات ۱۵۱
۱۰ـ مناجات خمسة عشر ۱۵۳
۱۱ـ مناجات منظوم حضرت امیر المؤمنین علیّ بن ابی طالب ؑ ۱۸۷
۱۲ـ دعاء حضرت مهدی ؑ ۱۹۰
۱۳ـ دعاء فرج ۱۹۲
۱۴ـ دعاء توسّل به چهارده معصوم ؑ ۱۹۳
۱۵ـ دعای استغاثه و توسّل به حضرت صاحب الزّمان ؑ ۲۰۰
۱۶ـ دعای جوشن کبیر ۲۰۳
۱۷ـ دعای نور ۲۴۰

بخش سوم : اعمال ماههای قمری ۲۴۱
دعای رؤیت هلال ۲۴۳
فضیلت و اعمال ماه رجب ۲۴۵
اعمال مُشترک ماه رجب ۲۴۶
اعمال مخصوص ماه رجب ۲۵۶
روز سیزدهم ۲۵۷
نیمهٔ ماه ۲۵۷
روز بیست و پنجم ماه ۲۷۲

فهرست

شب بیست و هفتم ۲۷۲

□ روز بیست و هفتم ۲۹۱

□ روز آخر ماه ۲۹۵

اعمال ماه شعبان ۲۹۵

اعمال مشترک ماه شعبان ۲۹۵

اعمال مختصّ ماه شعبان ۳۰۷

روز سوّم ۳۰۷

شب نیمهٔ شعبان ۳۱۱

روز نیمهٔ شعبان ۳۲۱

شب آخر ۳۲۱

اعمال ماه مبارک رمضان ۳۲۵

فصل اوّل : فضیلت ماه رمضان ۳۲۵

فصل دوّم : اعمال مشترک ماه رمضان ۳۲۶

قسم اول : اعمال شبها و روزها ۳۲۷

دعای شریف افتتاح ۳۳۲

قسم دوّم ـ اعمال سحرهای ماه رمضان ۳۴۵

دعای بزرگ ابو حمزه ثمالی ۳۴۹

قسم سوّم . اعمال روزهای ماه رمضان ۳۸۵

فصل سوّم: اعمال مخصوص روزها و شبهای ماه رمضان ۴۱۸

□ اعمال شب نخست ۴۱۸

□ اعمال پانزدهم رمضان ۴۲۸

□ اعمال شب نوزدهم ۴۲۸

□ اعمال مشترک شبهای قدر ۴۲۸

اعمال مخصوص شب نوزدهم: ۴۳۲

اعمال مخصوص شب بیست و یکم و بیست و سوم: ۴۳۳
دعاهایی که در هر شب از دهۀ آخر ماه رمضان باید خوانده شود: ۴۳۶
□ اعمال مخصوص شب آخر ماه رمضان : ۴۵۲
دعای روز آخر ماه: ۴۵۸
اعمال ماه شوّال ۴۵۹
شب اول شوال: ۴۵۹
روز اول شوّال: ۴۶۰
روز بیست و پنجم: ۴۶۳
اعمال ماه ذی القعده ۴۶۴
اعمال ماه ذی‌الحجّة ۴۶۵
□ اعمال مشترک ۴۶۵
□ اعمال مختص روز اوّل ۴۶۹
□ روز هفتم ۴۶۹
□ شب نهم ۴۶۹
□ روز نهم (روز عرفه) ۴۸۳
□ روز دهم ۵۲۲
□ روز پانزدهم ۵۲۵
□ روز هیجدهم (عید مبارک غدیر) ۵۲۵
□ روز بیست و چهارم ۵۶۶
□ روز بیست و پنجم ۵۶۷
اعمال ماه محرم ۵۶۷
□ روز نهم ۵۶۸
□ شب عاشورا ۵۶۸
□ روز عاشورا : ۵۶۸

□ روز بیست و پنجم ۵۷۰

اعمال ماه صفر ۵۷۰

□ روز اول ۵۷۰

□ روز هفتم ۵۷۰

□ روز بیستم ۵۷۰

□ روز بیست و هشتم ۵۷۱

□ روز آخر ماه ۵۷۱

اعمال ماه ربیع الاوّل ۵۷۲

□ روز هشتم ۵۷۲

□ روز هفدهم ۵۷۲

اعمال ماه ربیع‌الثانی ، جمادی الاولی و جمادی الثانیة ۵۹۹

□ دهم ربیع الثّانی ۵۹۹

□ روز ۱۳ ، ۱۴ و ۱۵ جمادی الاولی ۵۹۹

□ روز سوم جمادی الثانیه ۶۰۰

□ روز بیستم جمادی الثانیه ۶۰۰

بخش چهارم : زیارت حرمهای مطهر معصومین(ع) ۶۰۱

فصل اوّل: زیارت حرم مطهر رسول گرامی حضرت محمدبن عبدالله صلی الله علیه و آله ۶۰۳

زیارت دوم ۶۱۲

فصل دوم: زیارت چهار امام معصوم علیهم السلام در بقیع ، در مدینه ۶۱۷

فصل سوم : زیارت حرم مطهر امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام در نجف اشرف ۶۲۲

زیارت امین الله ۶۲۴

زیارت جامعهٔ کبیره ۶۲۸

زیارت وداع ائمه(ع) ۶۴۴

فضیلت مسجد کوفه ۶۴۷
اعمال مسجد کوفه ۶۴۸
اعمال مقام ابراهیم علیه‌السلام ۶۵۱
اعمال بیت الطشت ۶۵۳
اعمال دکة القضا ۶۵۴
اعمال وسط مسجد (دکّة المعراج) ۶۵۵
اعمال ستون هفتم ۶۵۶
اعمال ستون پنجم ۶۶۲
اعمال ستون سوم، مقام امام زین العابدین علیه‌السلام ۶۶۴
اعمال باب الفرج، مقام نوح علیه‌السلام ۶۶۷
اعمال محراب امیرالمومنین(ع) ۶۶۸
مناجات حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام ۶۶۸
اعمال دکة حضرت امام صادق علیه‌السلام ۶۷۳
زیارت مسلم بن عقیل الشهید رضوان الله علیه ۶۷۴
زیارت هانی بن عروة ۶۷۶
مسجد سهله ۶۷۷
اعمال مسجد سهله ۶۷۸
فصل چهارم: زیارت حرم مطهر حضرت امام حسین علیه‌السلام و سایر شهدای کربلا ۶۸۲
زیارت وارث ۶۸۷
زیارت عاشورا ۶۹۱
فصل پنجم: زیارت حضرت ابوالفضل عباس بن علی بن ابیطالب علیهما‌السلام، در کربلای معلی ۷۰۷
فصل ششم: زیارت حضرت موسی بن جعفر و امام محمدتقی علیهما‌السلام، در کاظمین ۷۱۱
فصل هفتم: زیارت حضرت علی نقی و حضرت حسن عسکری علیهما‌السلام، در سامراء ۷۱۷
امامزاده سیدمحمّد فرزند امام هادی علیه‌السلام ۷۲۱

فصل هشتم : زیارت حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام ۷۲۲
زیارت خاصهٔ حضرت رضا علیه السلام ، از نزدیک ، در حرم مطهر ۷۲۶
فصل نهم : زیارت حضرت ولی عصر علیه السلام ۷۴۲
دعای ندبه ۷۴۶
دعای عهد ۷۶۴
بخش پنجم : زیارت امامزادگان معظم و اهل قبور ۷۶۹
فصل اوّل: زیارت حضرت معصومه علیها السلام ۷۷۲
فصل دوم : زیارت حضرت عبدالعظیم ۷۷۷
فصل سوم : زیارت اهل قبور ۷۸۲

بخش ششم : آداب متفرقهٔ اسلامی. ۷۸۵
فصل اوّل: نماز میت ۷۸۷
نماز میت (مختصر): ۷۸۸
نماز میت (مفصل): ۷۸۸
نماز وحشت ۷۹۲
فصل دوم : استخاره ۷۹۳
فصل سوم : عقد اخوت و پیمان برادری ۷۹۵

بسم الله الرحمن الرحیم

حمد بی پایان از آنِ رحیم منان است که دعا را وسیلهٔ تقرب و حضور در محضرش بدون وسائط، و توسل به ذات اقدسش بدون اسباب، و تکلم با حضرتش بدون حجاب، و تشرف به دیدارش بدون اذن و رخصت، و راز و نیاز به درگاهش بدون تعیین وقت، و عرض حاجت و طلب خواسته بدون تعیین مکان، قرار داد. و درود فراوان به روان اقدس معصومین، پیامبر گرامی و اهل بیت او علیه السلام، که وسائط فیض تکوینند که نعمتهای بی‌کران وجود، به برکت ذات پاکشان به پهنهٔ شهود افاضه می‌شود، و وسائل فیض تشریع‌اند، که احکام نورانی آسمانی به خاطر وجود پر فیضشان به جامعه بشری اهدا می‌گردد.

و بعد: این کتاب دارای یک پیشگفتار و شش بخش است. پیشگفتار نیز دارای هفت گفتار است که سزاوار است همه، بویژه کسانی که اهل راز و نیاز و دعا و زیارتند به آنها توجه کنند.

اما هفت گفتار عبارتند از:

اول: سبب تألیف کتاب

دوم: حقیقت دعا از دیدگاه کتاب و سنت

سوم: هدف از خواندن دعا و مناجات

چهارم: قصد "ورود" و قصد رجا"

پنجم: کیفیت تقرب به ذات اقدس حضرت حق

ششم: طریق توسل به ساحت مقدس معصومین ﷺ

هفتم: راه نیابت از خویشان در دعا و زیارت معصومین ﷺ

و اما بخشهای کتاب عبارتند از:

بخش اول : تعقیبات نماز و اعمال هفته

بخش دوم : اذکار و دعاهای مختلف

بخش سوم : اعمال ماهها

بخش چهارم : زیارت حرمهای مطهّر معصومین ﷺ

بخش پنجم : زیارت امامزاده‌گان معظّم و اهل قبور .

بخش ششم : آداب متفرقهٔ اسلامی

پیشگفتار

بخش اول: سبب تألیف کتاب

یکی از دوستانم پیشنهاد کرد کتاب دعایی تألیف کنم. چنین مطرح شد که گرچه کتاب دعا زیاد است و از مصباح المتهجد مرحوم محقق طوسی گرفته تا مفاتیح الجنان محدث قمی (ره) همه کتاب دعا و قابل استفاده‌اند، لکن اغلب کتب فوق به زبان عربی‌اند و استفاده از آنها برای همگان ممکن نیست؛ و آنچه به زبان فارسی است اکثر علاقه‌مندان دعا و مناجات ـ یعنی قشر فهمیده و روشن آنها ـ روی جهات زیر رغبت بسزایی به آنها نشان نمی‌دهند:

۱ ـ نقل مطالبی که برای افکار عمومی قابل هضم نیست و نیازمند توضیح و توجیه و استدلال است؛ مانند ذکر ثوابهای اغراق‌آمیز برای برخی از دعاها.

۲ ـ ذکر دعای مخصوص یا دعاها و اذکار برای رفع هر درد و بهبود یافتن از هر مرضی، به‌طوری که چنین توهم می‌شود که دعا جایگزین دارو و معالجهٔ اطبّا خواهد بود، بدون توجیه اذهان به‌مراد و یا ضعف سند برخی از آنها.

۳ ـ عدم‌بیان مدارک و مآخذ ادعیه و اذکار و عدم ذکر نشانه و آدرس آنها.

۴ ـ ذکر مطالب توهین‌آمیز نسبت به بعضی از اصحاب و تابعین پیامبر اکرم ﷺ که در جو فعلی جهان پی‌آمدهای سوء زیر را دارد:

الف: ایجاد یا تشدید تفرقه بین مسلمانها.

ب: عکس‌العمل نامطلوب دیگر فرقه‌های اسلامی نسبت به شیعهٔ امامیه.

ج: قرار گرفتن شیعه در معرض حمله و نفرت مسلمین و محدود و ممنوع شدن کتابهای ارزنده و پرارج آنها.

د: بی‌اطلاع ماندن فرقه‌های مختلف مسلمان از مقام والای علمی و اخلاقی ائمهٔ اهل بیت ﷺ و محرومیتشان از کلمان حیات‌آفرین و روح‌بخش آنها.

۵ـ نقل روایات مختلف بدون توجه به صحت یا ضعف راویان و روشن نکردن راه عمل و چگونگی نیت آنها؛ مانند: "قصد ورود" و "قصد رجا" و غیره؛ در صورتی که ادعیه و زیارات از عبادتهای اصیل اسلامی و نیازمند فهمیدن طرز عمل و نیت خاص است؛ چنانچه در بخش چهارم پیشگفتار خواهد آمد.

۶ـ ذکر دعاهای ضعیف که نقل آنها از معصوم به ثبوت نرسیده و یا معلوم است که از ساخته‌های غیر معصوم‌اند، در صورتی که صاحبان همین کتب، جعل و اختراع دعا را ناروا شمرده‌اند؛ مثلاً در بعضی از این کتابها نوشته شده است: قیصر روم کلاهی برای معالجهٔ سردرد مأمون عباسی فرستاد. وی احتیاطاً آن را در سردرد چند نفر آزمایش کرد و چون مؤثر یافت، بر سر خود نهاد؛ سردردش ساکت شد. تعجب کرد و کلاه را شکافت و دعای زیر را در میان آن پیدا کرد: بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ كَمْ مِنْ نِعْمَةٍ لِلّٰهِ فِي عِرْقٍ سَاكِنٍ حم....

آیامی‌شود دعایی‌که مخترع‌یا ناقل آن قیصر روم و خوانندهٔ آن مأمون عباسی[۱] و اثر آن زائل شدن‌درد بنحواعجازباشد موردِاعتمادقرار گیرد؟

۷ـ ذکر نام و یادآوری و یا احیاناً تجلیل و تعظیم از برخی سلاطین، در ضمن نقل زیارات و ادعیه، در صورتی که این عمل برای آگاهان از تاریخچهٔ زندگی آنها و جنایت‌های سری و پنهانیشان، سبب بدبینی به علمای تشیع و کتابهای آنها و محرومیت این عده از منافع دعا و سود دنیوی و اخروی اعمال و اذکار

۱ـ که لابد وضویش با خون سادات مبارز حسنی و مصلایش بر جسدهای قطعه قطعه شدهٔ پیروان صمیمی اهل بیت بوده است.

می‌شود؛ با توجه به اینکه خضوع سلاطین در مقابل قبور ائمهٔ اهل بیت ﷺ و تشرفشان به زیارت آنان، جز به‌منظور کسب عظمت برای خود و تظاهر و عوام فریبی نبود و در این امر فضیلتی برای معصومین و اهل بیت ﷺ نیست.

ضمناً متذکر می‌شود طبق تحقیقات زیاد و آشنایی با کتب و مذاق و اخلاق و شرح حال علمای بزرگ تشیع ـ که نامشان مشهور و کتابهای سودمندشان در قسمتهای مختلف علوم اسلامی در دست است ـ، ما مطمئن هستیم که ساحت مقدّسشان از توهمات و گمانهای سوئی که دربارهٔ آنها شده است، منزّه و بری است؛ و اگر چنانچه احیاناً گرایشی از آنهابه بعضی از سلاطین و جائران زمان خود دیده می‌شد، منشأش تظاهر دروغین و اظهار علاقهٔ خلاف واقع سلاطین نسبت‌به اسلام‌و تبلیغات کاذبشان توأم با سادگی و پاکی طینت برخی از علمای عصر بوده و یا امید آنکه می‌توانند آنها را در مسیر صلاح قرار دهند.

امور فوق سبب شد که به تألیف کتابی در این زمینه اقدام شود و در این تألیف، مطالب زیر در رأس انگیزه‌های دیگر قرار گیرد:

۱ ـ تنظیم گوشه‌ای از برنامه‌های عبادی و دعاهای وارده.

۲ ـ آشنا ساختن فِرَق مُسلمین به مقامات معنوی امامان شیعه و اهل بیت پیامبر بزرگ اسلام ﷺ.

۳ ـ توجّه دادن عموم دانش پژوهان به درجات علمی آنها در ابعاد مختلف دانش، تا آن حد که از درک سخنان پر بار آنها در مقام دعا و مناجات ظاهر می‌شود.

۴ ـ معطوف داشتن اذهان به کمالات اخلاقی، قداست ذات و صفات ملکوتی آنان.

۵ـ چگونگی انس و مناجاتشان با آفرینندهٔ خویش و عمق روابطشان با خدای بزرگ.

۶ـ ژرفای معرفت آنها به صفات جلال و جمال پروردگار و کمال توجّه و آگاهی آنها به وظائف انسان در زندگی فردی و اجتماعی در رابطهٔ با خدا و اجتماع.

باید دانست که همهٔ این مکارم و معارف، از سخنان بلیغ و شیوایشان که بغایت دقیق، زنده، آموزنده و سرشار از معنویّت و صفا می‌باشد و در اوج پرواز روح و اندیشه بیان شده‌اند، واضح و روشن است. کلمات و جملاتی که از آشنایی نزدیکشان با عالم بالا و مبدأ فیّاض لایتناهی حکایت می‌کند.

به راستی سخنان پیشوایان معصوم ما، هر فکر بی آلایش و روح تشنه و بی‌غرضی را در شگفتی و اعجاب و تحت تأثیر قرار می‌دهد!

تصدیق این مطلب و باور به آن، با اندکی تأمّل در سخنانشان و کمترین تعمّقی در خواسته‌ها و هدفهایشان تحقّق می‌یابد؛ به‌شرط آنکه تأمّل و تعمّق مزبور بدون تعصّب و با دید صحیح و دیدهٔ انصاف انجام گیرد. لذا پس از آشنایی بامواضع اهل بیت علیهم‌السلام در برابر خدا و بررسی راز و نیازهای آنان با پدیدآورندهٔ جهان هستی، باید به‌همهٔ خداپرستان جهان گفت:

اگر می‌خواهید با خدای خویش رابطه پیدا کنید، با او به خلوص و صمیمیّت سخن گویید، بدان روش که لایق جلال و عظمت اوست به‌حضورش نایل آیید، عرض ادب کنید و حاجت بخواهید، بیایید این راه و رسم را از امامان شیعه فراگیرید و از خاندان وحی و رسالت الهام پذیرید!

شایان ذکر است که غرض ما در اینجا آوردن ادلّه‌ای برای اثبات امامت آنان نیست؛ بلکه منظور این است که سخنان عمیق و متین و سرشار از حقایق و

معارف معنوی آنها را، بر اثبات کمالات روحی و روابط باطنیشان با معبود یگانه گواه قرار دهیم و سپس طالبان حق و حقیقت را - پس از توجّه بشخصیّت والای این راهنمایان راستین - از نزدیکترین راهی که اینان برای رسیدن به قُلّهٔ انسانیّت و خدا پرستی در اختیار سالکان می‌گذارند، مطلّع سازیم.

بدیهی است که در اجابت این دعوت، برای احدی - حتّی برادران اهل سنّت - نیاز به اعتقاد به امامت و رهبری آنها از طریق انتصاب الهی نیست؛ زیرا برادران تسنن، گرچه به تعیین امامت اهل بیت ﷺ توسط پیامبر اکرم ﷺ معتقد نیستند، ولی ناگزیر "ذَوِی ٱلْقُرْبَیٰ" بودن آنها را قبول دارند، و بر طبق آیهٔ شریفهٔ:

﴿قُلْ لا أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْراً إِلَّا ٱلْمَوَدَّةَ فِي ٱلْقُرْبَىٰ؛[1] بگو من هیچ پاداشی از شما بر رسالتم نمی‌خواهم مگر دوست داشتن اهل بیتم﴾.

باید سخنان ایشانرا بپذیرند. زیرا "مَوَدّت" عبارت از حُبّی است که نتیجه بخشد و منشأ آثار عملی شود.

علاوه بر این، روایت زیر که به نحو تواتر از نبی گرامی اسلام بدست ما رسیده و علمای تشیّع و تسنّن آنرا پذیرفته‌اند، لزوم و وجوب اتّخاذ روش اهل بیت را ثابت می‌کند:

قَالَ رَسُولُ ٱللهِ ﷺ: ﴿إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمُ ٱلثَّقَلَيْنِ كِتَابَ ٱللهِ وَعِتْرَتِي مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا أَبَداً؛[2] من در میان شما دو متاع گرانبها باقی می‌گذارم. چنانچه دست به دامن آن دو بزنید، هرگز گمراه نخواهید شد﴾.

واضح است که حدّاقل معنی دست زدن به دامن اهل بیت ﷺ این است که امّت اسلامی آنها را در مرتبهٔ یکی از روات احادیث محسوب داشته، آنچه را که از پیامبر اکرم ﷺ نقل می‌کنند، قبول نمایند؛ زیرا بر طبق روایات مُسلّمی که از خود

۱ـ شوری: ۲۳.　۲ـ احقاق الحق: ج ۹، ص ۳۰۹ـ۳۷۵.

پیشوایان معصوم رسیده‌است، آنان هرچه می‌گویند از رسول خدا ﷺ می‌گویند و هر حکمی را که بیان می‌دارند از احکامی است که جبرئیل امین ﷺ بر رسول اکرم ﷺ نازل کرده و آن حضرت در خانوادهٔ خویش به ارث گذاشته است.

امید است مندرجات این مجموعه تفاهم بیشتری در میان فِرَق مسلمانان ایجاد نماید و سبب آشنایی همهٔ آنان با گفتار ائمهٔ اهل بیت و روش شیعهٔ امامیّه گردد.

البته باید توجه داشت که جنبه‌های تبرّی در این کتاب در واقع همان است که در آیات قرآن کریم مطرح شده است؛ یعنی کافران، منافقان، ستمگران و دشمنان پیامبر و مؤمنان، مورد لعن و نفرین قرار گرفته‌اند. چنانچه در برخی از دعاها می‌خوانیم:

﴿اَللّٰهُمَّ مَنْ صَلَّيْتَ عَلَيْهِ فَصَلاتي عَلَيْهِ وَمَنْ لَعَنْتَ فَلَعْنَتي عَلَيْهِ[1] خدایا، بر هر کسی که تو درود فرستی، درود من بر او باد. و بر هر کسی که تو لعنت کنی، لنت من بر او باد﴾.

بخش دوم: معنی دعا از دیدگاه قرآن و سنت

دعا در لغت به معنی صدا زدن و به یاری طلبیدن، و در اصطلاح اهل شرع، گفتگو کردن با حق‌تعالی به نحو طلب حاجت و درخواست حلِّ مُشکلات از درگاه او و یا به نحو مناجات و یاد صفات جلال و جمال ذات اقدس اوست.

بطوریکه از آیات قرآن کریم و روایات معصومین ﷺ استفاده می‌شود، دعا از بهترین عبادتهاست و دارای دو جنبهٔ «اصالت» و «مقدمیّت» است؛ یعنی ذاتاً مانند نماز و روزه دارای اجر و پاداش نیک است، و سبباً وسیلهٔ گشایش گره‌های بستهٔ زندگی و حلِّ مشکلات امور به الهام خداوند و یاری او و سبب برآورده شدن حاجات دنیا و آخرت است.[2]

---

۱ ـ اعمال روز جمعه، بخش اول همین کتاب.

۲ ـ اصول کافی: ج ۲، ص ۳۳۸ کتاب الدعاء.

دعا از دیدگاه قرآن

در موارد زیادی از قرآن مجید به رجحان و مطلوبیّت دعا توجّه داده شده و توصیه‌های اکیدی در بارهٔ آن وارد شده است که برخی از آنها را در اینجا می‌آوریم:

پروردگار شما می‌گوید: مرا بخوانید و درخواست کنید تا پاسخ دهم! البته آنانکه از پرستش من تکبّر ورزند، پس از اندکی، ذلیلانه وارد دوزخ خواهند شد![۱]

خدای را با خلوص نیّت بخوانید، گرچه کافران را خوش نیاید![۲]

خدای خود را با گریه و زاری و در خلوت بخوانید، چه آنکه خدا تجاوز کاران را دوست ندارد![۳]

برای خدا نامهای نیک [والقاب حاکی از عظمت و جلال] است؛ پس او را بوسیلهٔ آنها بخوانید و دعا کنید![۴]

هنگامیکه بندگانم راجع به من از تو بپرسند، [بگو] البته که من به آنها نزدیکم. کسی راکه مرا بخواند اجابت می‌کنم![۵]

[ای رسول من] بگو اگر به سوی خدا متوجّه نشوید و دعا نکنید، پروردگارم به شما اعتنا نخواهد کرد![۶]

آیا جز او کسی هست که دعای بیچاره و درمانده را اجابت کند و عذاب را بر طرف سازد![۷]

ای پیامبر، نباید آنان راکه هر صبحگاه و شبانگاه خدا را می‌خوانند، از پیش خود برانی![۸]

۱ـغافر: ۶۰. ۲ـغافر: ۱۴. ۳ـاعراف: ۵۵.
۴ـاعراف: ۱۸۰. ۵ـبقره: ۱۸۶. ۶ـفرقان: ۷۷.
۷ـنمل: ۶۲. ۸ـانعام: ۵۳.

[ابراهیم گفت:] سپاس خدای را که پس از فرا رسیدن زمان پیری، اسماعیل و اسحاق را به من عطا فرمود! براستی که پروردگار من شنونده دعاست![1]

او [زکریّا] در نهان، خدای خود را خواند و چنین گفت: پروردگارا! استخوانهایم [در اثر پیری] سست و ناتوان شده و موهای سرم [مانند برف بر قُلّه کوه] سفید و درخشان گشته است؛ و هیچگاه تاکنون از نتایج دعا و خواندنت محروم نبوده‌ام![2]

و آنگاه که زکریّا پروردگار خویش را [چنین] ندا کرد: «خدایا! مرا تنها وامگذار! که براستی تو بهترین وارثانی!» ندایش را پاسخ داده، یحیی را به وی عطا کردیم و به همسرش قابلیّت زاییدن بخشیدیم؛ زیرا که آنان به کارهای نیک شتاب می‌ورزیدند و با امید وبیم ما را می‌خواندند...

دعا از نظر روایات اهل بیت ﷺ

دعا بهترین عبادتهاست. دعا کنیدو برآنچه تشویق شدید،رغبت بورزید. دعوت خدارااجابت کنید،تارستگار شوید و از عذابش نجات‌یابید! امام‌باقر ﷺ

دعا همان عبادتی است که خدا اعراض کننده را وعدهٔ عذاب داده است. حتماً دعا را ترک ننمایید؛ زیرا وسیله‌ای بهتر از آن برای تقرّب به سوی حق نیست! و از دعاکردن به جهت کوچکی حاجت خودداری نکنید؛ زیرا برآورندهٔ حاجتهای بزرگ و کوچک، یک مقام است. بنابراین ابداً از دعا خسته نشوید؛ زیرا دعا در نزد حق‌تعالی منزلتی بس بزرگ دارد! امام صادق ﷺ

عاجزترینِ مردم کسی است که در دعاکردن کوتاهی نماید و بخیل‌ترین مردم کسی است که از سلام دادن خودداری کند! نبی اکرم ﷺ

آری! اجابتها و هدفها در پناهگاه دعاها، مانند باران در میان ابرها مخفی و

۱ـ ابراهیم: ۳۹. ۲ـ مریم: ۲ـ۴.

پنهان است. دعا کن تا مورد کرمش واقع شوی! علی ﷺ مردی کثیر الدّعا بود. او می‌فرمود: دعا سپر مؤمن [در مقابل بلاها] است، و اگر درب خانه‌ای را زیاد بکوبی عاقبت به رویت باز شود! خداوند دوست دارد بندگانش از او درخواست کنند و به پاداش دعای آنان در روز قیامت، مانند عملهای دیگرشان بهشت خواهد داد. امام صادق ﷺ

مسلمانی که دعا می‌کند اگر دعایش در بارهٔ قطع رحم و انجام گناهی نباشد، یکی از سه هدف خواهد رسید:

خداوند در برآوردن نیازش سرعت فرماید، یا نعمتی را برای او ذخیره سازد و یا شر و آسیبی را از او دور نماید.

دعا مغز و روح عبادتهاست. هیچ دعایی بی اثر نمی‌ماند و لا اقلّ کفّارهٔ بعضی از گناهان واقع می‌شود. بنابراین در دعا سخت بکوشید! چه آنکه حقتعالی از اعطاء خسته نگردد، بلکه شما از خواستن خسته می‌شوید.

وقتی خدا توفیق بندهٔ خود را برای دعا فراهم نمود، علامت آن است که درهای رحمت را به روی او گشوده است.

کسی که به دعا توفیق یابد، بدبختی ندارد. رسول خدا ﷺ

خداوند از خواسته‌های دل آگاه است، ولی دوست دارد نیازها به پیشگاهش عرضه شود. پس هرگاه دعامیکنی تمام حاجتهایت را نام ببر!

پیش از طلوع و غروب آفتاب در دعا کردن بکوش وهیچ امری نباید تو را از این کار مانع بشود. البته هرگز نباید بگویی: "خواستهٔ من مهمّ است، شاید برآورده نشود"! از خدا بخواه که او هر امری را بخواهد، انجام می‌دهد! از خدا بخواه و گمان مبر که کار از کار گذشته است! (یعنی داشتن ایمان به قضا و قدر نباید انسان را در طلب حاجتها و کوشش در برآوردن آنها باز دارد).

دعا کلید نجات است. بهترین دعا آن است که از سینه‌ای پاک و دلی ترسناک برآید. مناجات سبب پاکی نیّت و وسیلهٔ رهایی [از حوادث ناگوار دنیا و آتش جهنّم در آخرت] است. پس هرگاه ناراحتیها هجوم آوردند، به خدا پناه ببرید! امام صادق علیه السلام

بخش سوم. چرا باید دعا بخوانیم؟

آیا دعا جایگزین کار و کوشش می‌شود؟

دعا ـ چنانچه گفتیم ـ از یک نظر عملی مستقّل، عبادتی بذاته مطلوب و از گرانبهاترین پرستشهاست که از آن به «مُخُّ العبادة: مغز پرستش» تعبیر شده است. از نظر دیگر وسیلهٔ برآورده شدن خواسته‌ها و سبب رسیدن به هدفهاست و دارای آثار، فواید، ثمرات و نتایج فراوانی است.

دعا وسیلهٔ برقراری رابطهٔ معنوی با خدای تعالی، توجّه قلب و تعلّق روح به ذات اقدس اوست.

دعا عامل تقویت ارتباط و دوام رابطه با ذات عظیم و مبدأ بی نهایتی است که همهٔ شئون مادّی و معنوی انسان وابسته به عنایت او و متعلّق به فضل و کرم اوست؛ والبته انسان هر چه بیشتر با آفریدگار خود مأنوس گردد، این ارتباط افزونتر و مؤثرتر خواهد بود.

دعا سبب توسعهٔ بینش و معرفت به عظمت مقام ربوبی، و تابش اشعّهٔ غیبی در دل است، تا دیدهٔ دل باز شده، معبود خویش را از مرحلهٔ نزدیکتری مشاهده کند، اوصاف جلال و جمالش را واضحتر و روشنتر دریابد و روشنایی خویش را در اثر نور معرفت احساس نماید. آری! به‌وسیلهٔ دعا، خواستار وصال حق، جلوه‌های گوناگون او را به دیدهٔ دل واضح و نمایان بیند و نفس را توجّه تامّ به ساحت اقدسش حاصل آید! آنچنانکه آثار توجّه مزبور در اعضا و جوارح، و

ثمرات آن در افعال و کردار وی ظاهر گردد.

دعا حالت اُنس و اُلفت روح و دل با ذات باریتعالی و حصول آرامش و سکون برای نفس است؛ همانند مشتاقی که دوست خود را یافته، از دیدارش خوشحال و از سخنانش لذّت می‌برد؛ مشکلاتش را با کمال اطمینان در میان گذارده، پرده از رازهای دل بر می‌دارد؛ آرزوهایش را مطرح می‌سازد و برای انجامش از وی یاری می‌طلبد؛ از دیدارش خوشوقت و از گفتگویش خرسند می‌گردد؛ غبار غفلت از چهرهٔ جسم و جان زدوده، حجاب ماو من را کنار می‌زند؛ دیدهٔ دل به محبوب دوخته، در انتظار مهر و انعامش می‌نشیند! آری! این گونه تماس در روح و روان انسان اثری بس عمیق می‌گذارد که مدّتها باقی می‌ماند. در دعاهای وارده به جملاتی برمی‌خوریم که در مضمون آنها، گویی دعاکننده عزیزترین و مهربانترین دوست خود را دیده، با او سخن می‌گوید مانند:

«یا شَفیقُ، یا رَفیقُ، یا رُکْنِیَ اَلْوَثیقُ، یا جارِیَ اَللَّصیقُ...؛ ای مهر ورزم! ای دوست و رفیقم! ای پشتیبان مورد اعتماد! ای همسایهٔ وابسته به روحم (که جداییم از مقام منیع و شمول اِنعامت محال، و حضورم در جوارت همیشگی است)».

دعا سبب پشیمانی از نا فرمانیها و وسیلهٔ عروض حالت انفعال و شرمندگی در درون دعاکننده است؛ زیرا هر چه انسان با خدای خویش بیشتر انس و الفت گیرد و به او نزدیک‌تر شود، بیشتر خواهد کوشید که در ادای وظایف بندگی و پیروی از فرمان الهی آماده‌تر باشد و عملی بر خلاف رضای او انجام ندهد و از آنچه انجام داده پشیمان گردد و هر چه دعا و توجّه بیشتر باشد حالت ندامت، شدیدتر و افزونتر می‌شود.

حصول این حالت، خود حقیقت توبه است؛ چه آنکه توبه جز ندامت و شرمندگی چیز دیگری نیست و این توبه وسیلهٔ آمرزش هر گناهی است که

شخص از ارتکاب آن پشیمان گشته است. وه که دعا را چه اثراتی عظیم و نتایجی پر بار است!

دعا از مصادیق بارز تلقین اعتماد بنفس، بی نیازی از غیر خدا و تعلیم توحید و اوصاف جلال و جمال خداوند است. در این مورد دعاهای: عشرات، جوشن کبیر، افتتاح و غیر آن ملاحظه شود.

برخی از دعاها عامل تلقین اعتقاد به نبوّت و امامت و لزوم رهبری معصومین ﷺ و انسانهای عادل در جامعه، مولّد امید و آرزوی صلح و صفا در جوامع بشری، مژدهٔ پیاده شدن قوانین حیات آفرین و سعادت بخش اسلام در میان همهٔ ملّتها و تشکیل مدینهٔ فاضله در جهان است. برای نمونه به مضامین دعای ندبه، افتتاح و غیر آنها رجوع شود.

دعا تمیز دهندهٔ فضائل و رذائل از یکدیگر، آموزندهٔ اخلاق فاضله، آداب معاشرت، اِتّصاف به فضائل انسانی و اجتناب از صفات حیوانی و قبایح روانی است. در این باره دعای مکارم الأخلاق و بعضی دیگر از دعاهای صحیفهٔ سجّادیة را ملاحظه کنید.

دعا پدید آورندهٔ حالت بیم و امید در باطن، زنده کنندهٔ روح، نیرو بخش اندیشه، مولّد مهر و عطوفت نسبت به همنوعان، هم کیشان و مؤمنان و بالآخره محرّک درونی شخص به انجام اوامر الهی و مراعات اخلاق انسانی و اسلامی است.

دعا مولّد روح انقیاد و تسلیم در برابر حق و قضا وقدر عالم تکوین، بیدارکنندهٔ روح عصیان و طغیان در مقابل جور و ستم، انگیزندهٔ جهش و شورش علیه هر ستمگر، متجاوز، متمرّد و شیطان، آموزندهٔ جنبه‌های گوناگون تولّی و تبرّی و امر بمعروف و نهی از منکر است.

دعا شجاعت بخش، تحریک آور بسوی انقلاب، عامل پیدایش دوستی و محبّت در دلها نسبت به خدا و دوستان او و موجب بوجود آمدن بغض و کینه نسبت به دشمنان خدا و مخالفان راه حقیقت و جانبداران باطل است.

دعا وسیلهٔ دفع آسیبها و حوادث ناگوار، سپری محکم در برابر مصیبتها و بلاها و گرفتاریها، تحقق بخشندهٔ شرائط قبولی اعمال و سبب شمول رحمت حقّ است.

دعا مولّد صفت توکّل و التجا به مبدأ قدرت است؛ مبدئی که بر همه چیز مسلّط و در همهٔ موجودات متصرّف می‌باشد.

دعاهای وارده علاوه بر آنکه روشنگر حقائق و آموزندهٔ بعضی از علوم و معارفند، انسان معتقد را به انجام آنچه که باید بجا آورد و ترک اعمالی که باید از آنها دوری نماید، وادار می‌کنند.

برخی چنین می‌پندارند که: دعا عبارتهایی مانند «ورد» و «طلسم» است که هنگام گره خوردن کارها باید خوانده شود تا بسبب اثر فزیکی آن، گره از مشکلات باز و حاجتها روا گردد. بنابر این عقیده، دعا غالباً نقشی جز مُقدّمیت برای خواسته‌های دنیوی ندارد و اسلام که در بارهٔ آن تحریص و تشویق فراوان نموده، آنرا بجای کار و کوشش دانسته و جایگزین عمل در زندگی قرارداده است. چنانچه برخی نیز خیال کرده‌اند: دعا در برنامه‌های اسلامی وسیلهٔ تخدیر اذهان ملّت، مانع از حرکت و جنبش علیه ستم، دست آویز برای توجیه سستی و تنبلی است.

فساد و بطلان این پندارها از آنچه سابقاً آوردیم روشن می‌شود؛ چه آنکه اولاً: دعا تنها جنبهٔ مقدمیّت ندارد، بلکه خود عبادتی است مستقّل، دارای آثار مخصوص و نتائج فراوان. ثانیاً: اگر فرض کنیم که دعا فقط وسیله‌ایست برای رسیدن به هدف، باز هم این اشکال که دعا در اسلام جانشین کار و کوشش است

و اذهان عمومی را تخدیر می‌کند، وارد نیست؛ زیرا این تصوّر ناشی از غفلت و عدم توجّه به فلسفهٔ دعاست؛ زیرا تحقّق هدفهای انسانی غالباً احتیاج به چندین مقدمه دارد که غرض اصلی پس از تحقق آنها جامهٔ عمل می‌پوشد. چنانچه می‌دانیم حصول برخی از مقدّمات در تحت اختیار انسان نیست؛ بلکه تابع علل و اسباب تکوینی و غیر ارادی است.

مثلاً کشاورزی که می‌خواهد چند برابر بذری که پاشیده محصول بردارد؛ شخم کردن و آماده ساختن زمین، بذرافشانی، آبیاری و دفع موانع ظاهری به عهدهٔ خود اوست. ولی شرایط دیگری برای روییدن، رشد کردن، بارور شدن و رسیدن به مرحلهٔ استفاده لازم است که از توانایی و اختیار او بیرون می‌باشد؛ مانند باران مناسب، تابش آفتاب و مصونیّت از سیل و تگرگ و غیر اینها. همچنین شفا یافتن بیمار بوسیلهٔ معالجه و مصرف دارو.

اسلام می‌گوید: ابتدا باید اسباب و مقدّمات هدف را انجام داد و شرایط اختیاری رسیدن به آن را آماده نمود: باید تخم را بزمین پاشید و آبیاری نمود، باید دارو خورد و پرهیز کرد. در این مراحل دعا کردن به‌هیچ‌وجه جانشین این کارها نمی‌شود. ولی نباید این امور را علت تامّه، و بی نیاز کنندهٔ از مبدأ غیب دانست و از او غفلت کرد و علل مادّی را نقطهٔ اعتماد قرار داد؛ بلکه باید به او امید بست و اصل هدف را از او خواست، مشغول کسب و کار شد و نتیجه را از او توقع داشت.

بنابراین نه تنها میان دعا و کوشش تضادّی نیست، بلکه هر دو به هم مربوطند؛ یعنی دعا بدون کوشش و انجام وظیفه، بی نتیجه است و تلاش بدون دعا و توسّل به آفریدگار، غفلت و خلاف شکر نعمت است.

بخش چهارم. قصد «ورود» و قصد «رجاء»

دعا و درخواست حاجت از خدا بر دو قسم است:

● دعاهای مطلق؛ یعنی دعاکننده خواسته‌ها و نیازهای خود را به زبان خود و به هر شکل و بیانی که می‌تواند برای خدا اظهار کند. این قسم را دعاهای غیر وارد نامند.

● دعاهای مأثور؛ یعنی الفاظ و کلمات مخصوصی که از معصومی رسیده است. این قسم را "دعاهای وارد" یا "ادعیهٔ مأثوره" نامند که بعضی باید در وقت مخصوص و یا در مکان معلومی خوانده شود و برای بعضی دیگر زمان و مکانی تعیین نشده است.

ثواب و فضیلت دعاهای مأثور برای کسی که آشنا به معنای آنها باشد، بیش از قسم اوّل است؛ زیرا معصومین ﷺ -یعنی پیام آوران و امامان- به امراض روحی فرد و جامعه آشناتر، و در نحوهٔ درخواست حاجت و بیان و طرح آن و کیفیّت راز و نیاز با حق‌تعالی آگاهتر و بیناترند. آنان می‌دانستند که بشر واجد چه نقصها و فاقد چه کمالهایی است؛ چه باید بگوید و چه باید بخواهد. امّا سایر انسانها چون غیر معصومند گاهی به جای خیر خویش، شرّ، و عوض سود خویش، زیان، و به جای سعادت خویش، شقاوت می‌طلبند:

﴿وَيَدْعُ ٱلإِنْسَانُ بِالشَّرِّ دُعَآئَهُ بِالْخَيْرِ وَكَانَ ٱلإِنْسَانُ عَجُولاً﴾[1] این انسان [گاهی از روی نادانی] شرّ خود را می‌خواهد، همانند آنکه خیرش را درخواست می‌کند. و او شتاب کار است.

به همین جهت سزاوار است دعاکننده، طرز بیان حاجت و درخواست خود را، از معصوم فرا گیرد؛ تا امید برآورده شدن حاجتش بیشتر و اجر و پاداشش

۱ـ اسراء: ۱۱.

فزونتر باشد. و این در صورتی است که دعاکننده معنی دعای وارد را بفهمد؛ و گرنه طلب کردن حاجت بزبان خود با توجّه قلبی، بهتر از خواندن دعاهای مأثور به لَقْلقهٔ زبان است.

لکن تشخیص دعاهای وارد و سخنان معصوم، کار آسانی نیست. اگر کسی بتواند از مدارک موجود، با موازین علمی، صدور دعا از معصوم را بدست آورد، می‌تواند آن را به قصد نسبت به معصوم بخواند. ولی اگر دلیل معتبر و قابل اعتمادی نیابد ـ که متأسّفانه اغلب دعاها از این قبیل است ـ نباید آنرا به طور جزم به معصوم نسبت دهد؛ بلکه به امید درک ثواب بخواند؛ که انشاء الله ثواب آن خواهد رسید.

بنابراین کسانی که نمازهای مستحب و ادعیه و زیارتها را از روی کتابهای مختلف به جا می‌آورند، سزاوار است قصدشان "رجا" و امید ثواب باشد.

تذکّر: گاهی دعا یا عملی مربوط به زمان یا مکانی خاص است؛ مانند دعاهای ماه رمضان یا مناجات مسجد کوفه. اگر کسی بخواهد آنها را در غیر آن زمان و آن مکان انجام دهد در اینصورت هم باید به عنوان رجا و احتمال ثواب به جا آورد. بنابراین مناسب است خواندن زیارتهای مخصوصِ مشاهدِ مشرّفه؛ مانند زیارت جامعهٔ کبیره و امین الله و وارث و غیره، در غیر محل مخصوص به این طریق باشد. خواندن دعاهای مخصوص مانند کمیل و افتتاح و غیره در غیر اوقات اختصاصی آنها نیز به همین صورت است.

بخش پنجم: معنی استغفار معصوم از گناه

در ضمن دعاهایی که از معصومین (پیمبران و امامان) ﷺ رسیده است، طلب مغفرت و توبه از گناهان، زیاد به چشم می‌خورد، و این مطلب با یک اصل مُسلَّم کلامی که مورد اتّفاق علمای تشیع و جزء معتقَدات مذهب امامیّه است، سازش

ندارد؛ زیرا پیغمبران و امامان همگی معصومند، و ابداً گناهی از آنها حتی در حال طفولیّت و قبل از مرحلهٔ نبوّت و امامت سر نزده است، چه گناه صغیره باشد چه کبیره؛ چراکه عدالت و عصمت در نزد شیعه یکی از شرائط مُسلَّم رهبر مَنصوب جامعه است. آری! معصومان برتر از فرشتگانند و خداوند در بارهٔ فرشتگان می‌فرماید:

﴿لَا یَعْصُونَ اللهَ مَا أَمَرَهُمْ وَ یَفْعَلُونَ مَا یُؤْمَرُونَ؛[1] هرگز از فرمان خدا سرپیچی نمی‌کنند و هرآنچه را فرمان داده شده‌اند، بدون کم و کاست اجرا می‌کنند﴾.

معصومان‌برای‌تصفیه و تزکیهٔ نفوس‌و جانها،و تطهیر و تکمیل روانها آمده‌اند، چگونه می‌شود خودشان ناقص و آلوده به رذائل اخلاقی و پلیدی گناه باشند! خلاصه اقرار کردن معصوم به گناه یا استغفار از گناه که از ادعیهٔ وارده استفاده می‌شود با عقاید مسلم شیعه سازگار نیست. این حاصل اشکال.

و اما جواب: برخی از علما بدین طریق جواب داده‌اند که صدور این دعاها برای تعلیم و تفهیم دیگران و آموختن کیفیّت درخواست است که مردم چنین بگویند و نه آنکه خود آنها برای خود دعا می‌خواندند. لکن این جواب صحیح نیست؛ زیرا در این صورت باید گفت: "معصومین ﷺ خودشان دعا و مناجات جدّی و حقیقی نداشته و یا آنکه دو رقم دعا می‌خوانده‌اند: حقیقی و تعلیمی". و چنین تقسیمی از دعاها و روش آنها استفاده نشده است.

بعلاوه، از مطالعهٔ حالات آنها معلوم می‌شود که وقت خواندن دعا آنچنان متوجّه معبود خود می‌شدند که گویا از این جهان منقطع‌اند. انقلاب حال و گریه و اشکشان شاهد صادق این مدّعاست.

عجبا! چگونه می‌توان گفت شخصی کلماتی راکه مفهوم آن انطباق به حال

۱ـ التحریم: ۶.

خود او ندارد و فقط برای تعلیم دیگران است در حال ترس و لرز و توأم با اشک چشم بگوید.

جواب صحیح این است که: گناه و هر عمل زشت یا زیبایی، به تناسب مقام انسانها و تفاوت دانش و خرد و فراتری و فروتریِ منزلت آنها متفاوت است. زشتیِ یک عملِ قبیح از فرد عادی و بی دانش، کمتر است تا انسانی دانا و خردمند. خلاصه خوبی و بدی کرداری که از انسانی دارای اراده و اختیار صادر می‌شود مطلق نیست بلکه نسبی و اضافی است، ممکن است عملی از شخصی صادر شود و سزاوار ملامت نگردد، در حالیکه از شخص دیگر سبب توبیخ و ملامت باشد.

معروف است مضمون اشعار زیر را چوپانی در مقام مناجاتش با خداوند می‌گفت و حضرت موسی علیه السلام استماع نمود:

تو کجائی تا شوم من چاکرت	چارقت دوزم کنم شانه سرت
دَستکت بوسم بمالم پایکت	وقت خواب آیم بروبم جایکت

وی گرچه مورد بی مهری و عتاب حضرت موسی علیه السلام قرار گرفت، ولی مسلّم است این کلام از آن چوپان اگر مبغوض هم باشد، بدان مرتبه نیست که مثلا از خود موسی علیه السلام صادر شود.

حال می‌گوییم: ممکن است کاری از پیغمبر و امام صادر شود که از نظر حکم شرعی و قوانین عمومی نه حرام باشد و نه مکروه، اما نسبت به شأن و مقام آنها امری نالایق باشد؛ مثلاً اگر شخص معصوم، مقداری از وقت خود را بدون اشتغال به وظیفه بگذراند و یا عمل مستحبی را ترک کند ـ گرچه مشغول انجام مستحبّ پائین‌تری شود ـ قهراً بعد از توجّه به موضوع، کار خود را خلاف ادب و جرم می‌شمارد و خود را ظالم به نفس می‌بیند؛ ناراحت می‌شود و بسا هست گریه کند. حال می‌توان گفت مواردی که معصومین علیهم السلام اقرار به گناه کرده یا

استغفار و توبه نموده‌اند، از این قبیل بوده است، نه از قبیل گناهانی که دیگران انجام می‌دهند؛ زیرا آنان خود می‌دانستند که دارای مقام ولایت و عصمتند و خود می‌فرمودند صاحب این مقام از گناه صغیره و کبیره مصون است.

بنابراین می‌توان گفت گناه بر دو قسم است: گناه حقیقی؛ یعنی عمل مخالف اوامر و نواهی خداوند. و گناه نسبی و اضافی، یعنی عملی که با ملاحظهٔ مقام و شخصیّت عامل، غیر مناسب است. آنچه مسلّم است گناه قسم اوّل از معصومین سر نمی‌زند ولی قسم دوّم ـ که به تعبیر اهل فنّ "ترک اولی" نامیده می‌شود ـ صدورش از معصوم ممکن است. والبته کیفر این قسم ـ اگر بخشوده نشود ـ به تناسب خودش خواهد بود.

علی الظاهر گرفتاریهای بعضی از انبیا ـ نظیر ابتلای حضرت یعقوب به فراق فرزندش، حضرت یوسف به زندان طویل المدّت و حضرت یونس به حبس و تبعید تحت البحری ـ کیفر این‌گونه اعمال بوده‌است، گرچه احتمالات دیگری هم هست.

بخش ششم. توسّل به معصوم

برخی از مسلمین راجع به درخواست حاجت از معصوم و متوسّل شدن به ارواح مطهّر آنها و بوسیدن در و دیوار حرمها و مشاهد مشرّفه، ایراد و اعتراض دارند و آن را سخت تقبیح می‌کنند. معترضان چنین می‌پندارند که این اعمال، نوعی بدعت، و یکی از گناهان کبیره است.

عدّه‌ای از اینان افراطی‌اند و این اعمال را شعبه‌ای از کفر و شرک می‌بینند؛ چه آنکه این کارها پرستش مخلوق است و عبادت مخلوق، کفر و شرک است.

لکن این‌گونه پندارها غیر صحیح و بی دلیل است؛ بلکه صادر شدن چنین فتواهایی، ریشه‌های سیاسی و استعماری دارد و منشأش ایجاد تفرقه میان

مسلمین است؛ زیرا بسیار روشن است که صرفاً یاد کردن از ارواح و احترام و عرض ادب به آنها و اظهار ارادت بوسیلهٔ بوسیدن امکنه و آثار مربوط به آنان، اگر از نظر شرع و عقل پسندیده و مطلوب نباشد، بدون تردید نه کفر است و نه فسق.

توضیح آنکه درخواست حاجت از معصوم بر دو قسم است:

۱ ـ با اعتقاد به آنکه او شخصی است مستقل و توانا، قادر به برآوردن حوایج و نیازها، بدون احتیاج به استمداد از خداوند، بطوری‌که او هم در مقابل الله، معبودی است مستحقّ خضوع و پرستش. این اعتقاد قطعاً کفر و شرک است، ولی بی تردید احدی از اهل تشیّع ـ یعنی فرقهٔ امامیه، که لباس این بهتان را بر قامت آنها دوخته‌اند ـ چنین عقیده‌ای ندارد و همهٔ آنها این‌گونه اعتقاد را شرک و کفر می‌شمارند. این شما و این کتابهای کلامی و فقهی شیعه که بحمد الله کتابخانه‌ها را پر کرده است و در دسترس همهٔ اهل تحقیق قرار دارد.

۲ ـ توسّل جستن با این عقیده که معصوم از مخلوقات برگزیدهٔ حق است. او مشمول عنایات الهی، دارای منصب نبوّت یا امامت و مقامی بلند در مراحل دانش و ایمان و تقوا است.

آری! معصومین گرچه مافوق انسان نیستند ولی انسانهای ما فوقند و به اعلی درجهٔ انسانیّت رسیده‌اند. آنها نزدیکترین افراد به درگاه خدا هستند و پس از مرگشان نیز در جوار رحمتش زنده و مشمول نعمتهای اویند.

معصومین در حال حیات خود از خداوند حاجت می‌طلبیدند و برآورده می‌شد. حضرت نوح ﷺ هلاکت همهٔ کفّار را طلب کرد؛ به اجابت رسید:

﴿رَبِّ لَا تَذَرْ عَلَى ٱلْأَرْضِ مِنَ ٱلْكَافِرِينَ دَيَّاراً﴾[1] خدایا! هیچ یک از کفار را بر روی

۱ ـ نوح، ۲۶.

زمین باقی مگذار!﴾

حضرت ابراهیم علیه السلام درخواست زنده شدن مرده نمود؛ اجابت یافت: ﴿رَبِّ أَرِنِي كَيْفَ تُحْيِ الْمَوْتَىٰ؛[1] پروردگارا! به من نشان بده چگونه مردگان را زنده می‌کنی!﴾

حضرت موسی علیه السلام طلب کرد که خداوند اموال فرعونیان را نابود سازد و دریا را بر او بشکافد، حضرت یوسف علیه السلام زندان طلبید، حضرت زکریا علیه السلام فرزند صالح خواست، حضرت عیسی علیه السلام مائده خواست، حضرت یونس علیه السلام برای قومش کیفر طلبید وبالاخره پیامبر اسلام تغییر قبله خواست؛ همهٔ این درخواستها به درجهٔ اجابت رسید.

حال اگر شخصی آنها را پس از رحلت نیز زنده و جاوید و والاترین مصداق آیهٔ زیر بداند:

﴿وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللهِ أَمْوَاتاً بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ؛[2] و کسانی را که در راه خدا کشته شده‌اند، مرده مپندار! بلکه آنها زنده‌اند و نزد خدای خود روزی می‌خورند﴾

و به این امید، متوسّل به ارواح آنها بشود که وساطت کنند و خواسته‌هایش را از خدا بطلبند و شفیع و واسطه در برآوردن حوایجش باشند ـ آن هم با علم به این که ممکن است آنها وساطت را نپذیرند و یا آنکه خداوند وساطت آنها را نپذیرد و برآوردن هدفش را صلاح نبیند ـ، آیا می‌توان گفت این عمل حرام، یا کفر است؟ و اگر کفر است! به چه دلیل و به چه بیان!

باید بی تردید گفت نه شرک است و نه فسق بلکه این رویّه از شئون اعتقاد به نبوّت و امامت و از لوازم تجلیل مقام آنهاست.

۱ـ بقره: ۲۶۰.

۲ـ آل عمران: ۱۶۹.

برادران یوسف پیامبر، هنگامی که خیانت آنها در نزد برادرشان روشن شد و از کردار خویش پشیمان شدند، متوسّل به ذیل عنایت پدر شدند و او را وسیلهٔ آمرزش گناه و شفیع درگاه حق کردند:

﴿یا أَبانَا اسْتَغْفِرْ لَنا ذُنُوبَنا إِنّا كُنّا خاطِئِینَ؛[1] ای پدر! در بارهٔ گناهان ما طلب آمرزش کن زیرا ما راه را به خطا رفتیم!﴾

یعقوب پیامبر قول داد شفاعت کند و وفا کرد و شفاعت نمود:

﴿سَوْفَ أَسْتَغْفِرُ لَكُمْ رَبِّي إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِیمُ؛[2] آری! بزودی از خدایم طلب غفران می‌کنم چه آنکه او آمرزنده و مهربان است﴾.

او نفرمود که: "شما خطای دیگری کردید یا مرتد شدید که مرا بوساطت خواندید. شما خود مستقلاً بسوی حق روید و طلب مغفرت کنید!". بوسیدن ضریح حرمها و مشاهد مُشرّفه هم روی همین اعتقاد است؛ زیرا علاقهٔ قلبی و عشق و محبّت به شخصیّتی، مستلزم محبّت به آثار و منسوبین اوست و این امر فطری و جبلّی بشر است:

﴿مَنْ اَحَبَّ شَیْئاً اَحَبَّ اٰثارَهُ؛ کسی که چیزی را دوست بدارد، آثار آن را نیز دوست خواهد داشت﴾.

شما قهراً به قبیله و محله و خانهٔ محبوبتان عشق می‌ورزید و با دیدن آثار او، نوعی خرسندی و سرور در دلتان می‌یابید. کسی که مدّتی در غربت، رنج تنهایی کشیده باشد، از دیدار هموطن خویش خوشحال می‌شود. این همان علاقه به آثار و از شئون حبّ دیار است. مگرنه این است که در تواریخ می‌گویند مجنونِ عاشق، دیوارهای کوی لیلی را بوسه می‌زد و به آنان که از راز دلش و سِرّ عشقش مطّلع نبودند و او را به باد مسخره می‌گرفتند می‌گفت:

۱ـ یوسف: ۹۷. ۲ـ یوسف: ۹۸.

أَمُرُّ عَلَى ٱلدِّيارِ دِيارَ لَيْلىٰ ... أُقَبِّلُ ذَا ٱلْجِدارَ وَذَا ٱلْجِدارا
وَما حُبُّ ٱلدِّيارِ شَغَفْنَ قَلْبِي ... وَلٰكِنْ حُبُّ مَنْ سَكَنَ ٱلدِّيارا

اینجا محیط لیلی است و این کوی را انتساب به اوست. این کوچه منتهی به خانه‌ای است که مسکن حبیب من است. و بدین سبب است که این دیوار و آن دیوار را می‌بوسم، نه بدان جهت که به سنگ و کلوخ مهر می‌ورزم؛ بل محبّت آنکس که ساکن این محیط است در سویدای دل و شغاف قلبم فرورفته است!

گاهی مادر مهربان که فرزندش را از دست داده لباسهای او را نگه می‌دارد و هنگامی که آرزوی گل می‌کند و گلستان را خراب می‌یابد، از جامهٔ گل گلاب می‌سازد و آتش دل با استشمامش فرو می‌نشاند.

آن مرد مؤمن که سر تا پا علاقه و محبّت به پیامبر و امام است، در و دیوار حرم و اطراف ضریح را می‌بوسد، بدان سان که روحش با روح محبوب تماس می‌گیرد و روابطهٔ معنوی را با چشم دل می‌بیند و تلاقی جانها و روانها برایش مشهود می‌گردد: ﴿فَما تَعارَفَ مِنْها ٱئْتَلَفَ؛ (ارواح، سپاهیانی سازمان‌دهی شده‌اند) هر کدام از آنها که با هم توافق داشته باشند، با یکدیگر ائتلاف کرده یکی می‌شوند (و آنها که اختلاف دارند، از هم جدا می‌شوند.)﴾[1] نه قائل به الوهیّت اوست و نه متجاوز از حدود شرع است و نه دلیلی بر حرمت چنین عرض ادبی می‌توان یافت.

ما می‌دانیم ایادی مرموزی از روز اوّل بذر نفاق و تخم کینه در دلهای مسلمین کاشتند. آنان را دشمن سرسخت یکدیگر و مشغول نابودی هم نمودند تاکار به اینجا کشید که می‌بینید ـ و چه می‌دانم شاید بیش از این هم بشود ـ. مسلمین بدانند که استعمارگران راجع به دین و اعتقاد و اتحادشان آنچنانند که قرآن فرماید: ﴿وَدُّوا لَوْ تَكْفُرُونَ كَما كَفَرُوا فَتَكُونُونَ سَوٰآءً﴾؛[2] دوست دارند شمانیز مانند

۱ـ بحار الانوار، جلد ۲، باب ۳۲، حدیث ۱۸.
۲ـ نساء: ۸۹.

آنان کافر شوید، تا برابر گردید﴾.

و راجع به دنیایشان همانند که قرآن گوید:

﴿مَا يَوَدُّ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ ٱلْكِتَابِ وَ لَا ٱلْمُشْرِكِينَ أَنْ يُنَزَّلَ عَلَيْكُمْ مِنْ خَيْرٍ مِنْ رَبِّكُمْ؛[۱] نه آن گروه از اهل کتاب که کفر ورزیدند و نه مشرکین، دوست ندارند خیری از جانب پروردگارتان برای شما نازل گردد آنها دوست دارند که همگی کافر شوید و با آنان در عقیده یکسان باشید﴾.

بخش هفتم: نیابت در زیارت و خواندن قرآن و سایر اعمال نیک

بدان که ارواح مردگان پس از مرگ و خارج شدن جانها از بدن، ثابت و باقی، و به‌نوعی از حیات که مناسب آن جهان است زنده‌اند؛ ولی بدین تفصیل که: صاحبان‌ایمان خالص‌و عقایددرست ـ بویژه شهدای راه حق ـ در آن عالم که عالم برزخ و زمان فاصلهٔ بین مرگ و روز قیامت است، در عیش و رفاه و برخوردار از الطاف و نعم پروردگارند. کفّار و منافقین تا روز رستاخیز در عذاب و شکنجه‌اند؛ و افراد متوسّط و مستضعف ـ یعنی کسانی که از حقائق مذهب مطّلع نبوده‌اند مانند بچه‌ها و کسانی که بالذّات قلیل الادراکند، یا آنکه افکارشان زیر سلطهٔ استعمار، بی اطلاع مانده و مرده‌اند و یا آنکه در مکانهای دور از محیط دین اسلام در حال جهلِ قصوری به اصول و فروع، از دنیا رفته‌اند ـ پس از مرگ در حالتی شبیه خواب و اغما ـ تا آنگاه که قیامت بر پا شود ـ خواهند بود.

در بعضی از روایات نیز آمده است "کسانی که ارکان عقایدشان درست است و از نظر اصول دین و مذهب عقاید حقه را دریافته‌اند، جزء زنده‌های عالم برزخند". غرض از تذکّر این مطلب آن است که: یاد کردن مردگان، اقوام و دوستانی که رهسپار عالم دیگر شده‌اند و انجام عمل خیر به نیابت آنها از قبیل

۱ـ بقره: ۱۰۵.

دعاها، زیارتها و انفاقات، بسیار مطلوب و جزء دستورات اکید اسلامی است. هر عمل خیری اگر به قصد آنها انجام یابد بدون تردید به آنها می‌رسد و آنها خوشحال و خرسند می‌شوند. خیرات ارسالی، گاهی وسیلهٔ تخفیف عذاب و نجات آنهااز حبس و شکنجه و گاه سبب رفاه حال و ارتفاع مقام و درجه می‌شود. به‌هرحال صاحب احسان را می‌شناسند، ولو در دنیا ندیده باشند و برای او دعا می‌کنند. بسا می‌شود فرزندی که عاق پدر و مادر بوده است، با اهدای عملهای نیک از گناه عاق بودن پاک می‌شود. یا فرزندی صالح، به وسیلهٔ ترک‌احسان‌و فراموش‌کردن ،عاق‌والدین‌شده ،مشمول‌نفرین‌آنهامی‌گردد.

لذا مقتضی‌است مسلمانان در همه حال ـ خاصّه در ایّام متبرّکه ـ از رفتگان خویش غفلت نکنند و بوسیلهٔ ادای دیون آنها و زیارت و احسان و صدقات‌از‌حال‌شان‌تفقدنمایند .البته‌رسانیدن‌کارخیربه‌آنهادوراه دارد: یکی آنکه عمل را به نیابت و عوض آنها انجام دهند ـ مثلاً قصد کنند این نماز یا زیارت یا خواندن قرآن را عوض پدر و به نیابت او بجا می‌آورند ـ. دوم، آنکه عمل را انجام دهند و ثوابش را به روح او اهدا کنند، و طریقهٔ اول بهتر است.

امام صادق ؈ فرمود: چه مانعی دارید از اینکه نیکی به پدر و مادر کنید! ـ زنده باشند یا مرده ـ حتماً به نیابت آنها نماز و روزه و تصدّق و حج کنید که پاداشش برای آنها و شما نوشته می‌شود؛ به علاوه ثواب صلهٔ رحم را نیز برده‌اید![1]

و نیز فرمود: همانا روزه و تصدّق و حج و عمره و هر عمل نیکی از شما میّت را سود می‌بخشد و از عذاب نجات می‌دهد و به‌وی ابلاغ می‌شود که این پاداش به‌وسیلهٔ فرزند یا برادر دینی توست.[2]

و فرمود: از طرف میّت حج و روزه و همهٔ کارهای نیکش را قضا کنید! حقیر

۱ـ اصول کافی: ج ۲، ص ۱۲۷، باب البرّ بالوالدین.

۲ـ وسائل: ج ۵، ص ۳۶۸، حدیث ۱۵.

گوید: نماز و روزهٔ واجب انسان در حال زندگیش نیابت بردار نیست؛ولی اگر قادر بحج شده ونرفته وفعلاً ازجهت پیری یا مرض دائمی عاجز شده باشد، می‌تواند کسی را به جای خود به نیابت بفرستد.[۱]

و معلوم باشد که انجام هر کار خیری از طرف میّت مطلوب است؛ از قبیل اعانت فقرا و یتیمان، ساختن مسجد، دار الأیتام، پل و مدارس دینی، تهیهٔ وسائل بازی و تربیتی برای کودکان، چاپ و نشر کتابهای مذهبی و اخلاقی، حفرچاه‌آب برای شرب و زراعت محتاجان، احداث قنات و احیا کردن زمینهای موات به نفع بیچارگان، تهیهٔ وسائل آب و برق مستمندان، زیارت خانهٔ خدا و مَشاهد معصومین علیهم السلام، خواندن قرآن و دعا و تعلیم آنها، بیان مسائل مذهبی، امر بمعروف و نهی از منکر و نظائر اینها که می‌توان همهٔ اینها را به نیابت انجام داد یا ثوابشان را هدیه نمود، پس یکی از وظائف حجّاج محترم و زائران مشاهد ائمه علیهم السلام و کسانی که در هر محلّی موفّق به کار خیرند، یادکردن گذشتگان و ارحام و دوستان و برادران دینی است. خدای بزرگ همهٔ پیروان قرآن را آشنا به وظائف دینی و موفق به انجام آن بفرماید.

وَالسَّلامُ علینا و علی عباد الله الصالحین

الاقل علی مشکینی

۱ـ وسائل: ج ۵، ص ۳۶۷.

بخش اول

نمازها و تعقیبات نمازها و اعمال هفته

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعالَمينَ، وَ الصَّلٰوةُ وَ السَّلامُ عَلىٰ خَيْرِ خَلْقِهِ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطّاهِرينَ، وَ لَعْنَةُ اللّٰهِ عَلىٰ أَعْدآئِهِمْ أَجْمَعينَ.

فصل اوّل

نمازهای واجب

بدانکه در شرع اسلام عبادتهای اصلی یازده قسم است: وضو، غسل، تیمم، نماز، روزه، اعتکاف، حج، عمره، زکاة، خمس، کفارات. معنای عبادت اصلی این است که اینها را به عنوان عبادت و تقرّب به حق خواسته است و گرنه باطل است.

و غیر اصلی این است که ذاتاً عبادت نیست ولی می‌توان آن را به وسیلهٔ قصد تقرّب عبادت قرار داد. مثل شستن لباس، خوردن غذا و غیره که با نیّت تقرّب عبادت می‌شوند.

در شرع اسلام برترین عبادتها نماز است و نماز بر دو نوع است: نماز واجب و نماز مستحب.

نماز واجب پنج قسم است:

اوّل نماز یومیه: یعنی شبانه‌روزی (نمازهای پنج گانه) خواه ادا باشد یا قضاء، قضاء خودش باشد یا قضاء پدر و مادر یا قضاء میت به واسطه اجیر.

نمازهای یومیه افضل نمازهای واجب است و افضل نمازهای یومیه نماز جمعه است که همان نماز ظهر در روز جمعه است که دو رکعتش کم شده و نماز جمعه نامیده می‌شود. و امام صادق؈ فرمود: خداوند از روز جمعه تا جمعه دیگر ۳۵ عدد نماز واجب فرموده که افضل آنها نماز جمعه است.

نمازهای یومیه پنج عدد است در سه یا پنج وقت خوانده می‌شود.

نماز صبح دو رکعت در بین الطلوعین یعنی در فاصلهٔ میان فجر صادق و طلوع آفتاب و نماز ظهر و عصر هر یک چهار رکعت از زوال آفتاب تا مغرب و نماز مغرب سه رکعت و نماز عشا چهار رکعت از اوّل مغرب تا نصف شب و اگر نتوانست تا صبح صادق بجا آورد.

این نمازها در رأس همهٔ عبادات هستند زیرا شبانه‌روز پنج بار به معراج رفتن روح مؤمن است و شستشوی جان از معاصی و آلودگیهاست. و وسیلهٔ تقرب به حضرت معبود و کفارهٔ گناهان است.

دوم نماز طواف: مثل نماز صبح دو رکعت است با همه شرائط آن

سوم نماز آیات: هنگام گرفتن خورشید و ماه و زلزله و هر حادثه ترس‌آور آسمانی واجب می‌شود و وجوب آن فوری است. (با نیّت نماز آیات مربوط به آن حادثه خاص)

کیفیت نماز آیات: دو رکعت است در هر رکعت پنج رکوع دارد و دو سجده و مجموعاً دارای ده رکوع و چهار سجده است و این نماز را به چند طریق می‌توان انجام داد.

۱ـ در هر رکعت پس از خواندن حمد یک سوره کامل بخواند و به رکوع برود و پس از رکوع دوباره حمد و یک سوره بخواند و به رکوع دوم برود و به همین ترتیب تا رکوع پنجم را بجا آورد سپس دو سجده بجا آورد و رکعت دوم را هم مثل رکعت اوّل بجا آورد.

۲ـ در هر رکعت پس از خواندن حمد یک سوره را پنج قسمت کند و پس از هر قسمت یک رکوع بجا آورد و پس از رکوع پنجم دو سجده بجا آورد. رکعت دوم را هم مثل رکعت اوّل بجا آورد. مثلاً در رکعت اوّل بعد از حمد، بسم الله الرحمن الرحیم و آیه اوّل سوره انا انزلنا را بخواند و به رکوع رود بعد از رکوع آیه دوم و سپس به رکوع رود پس از رکوع دوم آیه سوم را بخواند و رکوع سوم سپس آیهٔ چهارم و رکوع چهارم و آیه پنجم و رکوع پنجم و سپس به سجده برود.

چهارم نماز میت: در بخش ششم کتاب بیان شده است.

پنجم نماز نذر و عهد و قسم: نمازی است که انسان به عهده خویش واجب کند.

فصل دوم

تعقیبات نمازهای واجب و مستحبّ

باید دانست که تعقیب پس از هر نمازی خاصه نمازهای یومیه، مستحب بسیار مؤکد است، و تعقیب عبارت است از اشتغال به ذکر و دعا و خواندن قرآن و اعمال خیر دیگر، مانند مطالعهٔ کتاب خدا، کتب دینی، فکر در عظمت و اوصاف الهی، یاد کردن عالم آخرت و گریستن از خوف خداوند و آن برای برآورده شدن خواسته‌ها تأثیری بسزا دارد و منافع دنیوی و اخروی آن بی نهایت است. و لازم نیست تعقیب به زبان عربی و اذکار مخصوصی باشد، بلکه به هر

زبانی انجام شود نیکو و مطلوب است؛ گرچه بطرزی‌که از معصوم رسیده است، عمل شود بهتر و ثوابش بیشتر است.

ما در اینجا بعضی از تعقیبات مهم و مأثور راکه محقق یزدی در کتاب فتوایی خود ـ عروة الوثقی ـ نقل فرموده است، ذکر می‌کنیم و لازم نیست این تعقیبات همه باهم خوانده شود، بلکه هر مقدار خوانده شود، نیکوست. امید است مؤمنین به خواندن آنها پس از نمازهای فریضه مداومت فرمایند.

اول ـ بعد از سلام هر نمازی سه مرتبه ﴿اَللّٰهُ أَكْبَرُ﴾ بگو و در هر تکبیر دستها را تاکنار گوشها بالا ببر! سپس بخوان:

لا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ وَحْدَهُ، أَنْجَزَ وَعْدَهُ، وَنَصَرَ عَبْدَهُ،

خدایی جز الله نیست. یکتای یگانه، وعده خود را صورت واقع داد و بنده‌اش را یاری فرمود

وَ أَعَزَّ جُنْدَهُ وَ غَلَبَ الْأَحْزابَ وَحْدَهُ، فَلَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ

و سپاهش راعزت بخشید و به تنهایی بر همهٔ احزاب چیره گردید. پس مُلک، برای

الْحَمْدُ، يُحْيِي وَ يُمِيتُ، وَ هُوَ حَيٌّ لا يَمُوتُ، بِيَدِهِ الْخَيْرُ،

وحمدشایسته‌اوست؟ او را. زنده می‌گرداند و می‌میراند و او زندهٔ جاوید است و خیر،

وَ هُوَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ؛[1]

تنها به دست اوست و او بر همه کار بسی قدرتمند است.

دوم ـ بخوان تسبیحات فاطمهٔ زهرا ؈ را و آن ۳۴ مرتبه ﴿اَللّٰهُ أَكْبَرُ﴾ و ۳۳ مرتبه ﴿اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ﴾ و ۳۳ مرتبه ﴿سُبْحانَ اللّٰهِ﴾ است. امام صادق ؈ فرمود: اگر عبادتی بالاتر از این بود خداوند آنرا به حضرت زهرا ؈ هدیه می‌کرد. و بهترین تعقیب پس از هر نماز فریضه و نافله همین تسبیح است. و آن ذکر کثیر وارد در قرآن است و در خانواده همانگونه که به خواندن نماز دستور می‌دهید به آن نیز

۱ـ وسائل الشیعه، جلد ۶، ابواب تعقیب، باب ۱۴.

دستور دهید و این تسبیح در زبان صد است ولی در میزان عمل هزار است و امام صادق علیه السلام فرمود: تسبیحات حضرت زهرا علیها السلام به دنبال هر نماز برای من محبوب‌تر از خواندن هزار رکعت نماز در هر روز است.[1]

سوم ـ بخوان: اَللّٰهُمَّ اهْدِنی مِنْ عِنْدِکَ، وَ أَفِضْ عَلَیَّ مِنْ فَضْلِکَ

پروردگارا، مرا از نزد خودت هدایت و از فضل خویش بر من نثار فرما

وَ انْشُرْ عَلَیَّ مِنْ رَحْمَتِکَ، وَ أَنْزِلْ عَلَیَّ مِنْ بَرَکاتِکَ؛[2]

و رحمت خود بر من بپراکن و برکات خود بر من نازل گردان.

چهارم ـ بگو: اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ أَجِرْنی مِنَ

بار خدایا، بر محمّد و خاندان محمّد صلوات فرست و مرا از آتش

النّارِ، وَ ارْزُقْنِی الْجَنَّةَ، وَ زَوِّجْنی مِنَ الْحُورِ الْعِینِ؛[3]

دوزخ پناه ده و بهشت را روزی من ساز و حور العین را همسر من فرمای

پنجم ـ بگو: أَعُوذُ بِوَجْهِکَ الْکَرِیمِ، وَ عِزَّتِکَ الَّتی لا تُرامُ،

بارالها، پناه می‌برم به وجه کریم تو و به عزت تو که دست یافتنی نیست

وَ قُدْرَتِکَ الَّتی لا یَمْتَنِعُ مِنْها شَیْءٌ مِنْ شَرِّ الدُّنْیا وَ الْآخِرَةِ،

و به قدرت تو که هیچ چیز در برابر آن توانایی سر پیچی ندارد از شر دنیا و آخرت

وَ مِنْ شَرِّ الْأَوْجاعِ کُلِّها؛[4]

و از شر همهٔ دردها.

۱ـ وسائل الشیعه، جلد ۶، ابواب تعقیب، باب ۹.

۲ـ وسائل الشیعه، جلد ۶، ابواب تعقیب، باب ۲۴، حدیث ۱۰.

۳ـ وسائل الشیعه، جلد ۶، ابواب تعقیب، باب ۲۲، حدیث ۳.

۴ـ وسائل الشیعه، جلد ۶، ابواب تعقیب، باب ۲۴، حدیث ۷.

ششم ـ بگو: اَللّٰهُمَّ إِنّي أَسْئَلُكَ مِنْ كُلِّ خَيْرٍ أَحاطَ بِهِ
بارالها، از تو همهٔ خیرهایی را درخواست می‌کنم که علمت به آنها احاطه دارد

عِلْمُكَ، وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ كُلِّ شَرٍّ أَحاطَ بِهِ عِلْمُكَ، اَللّٰهُمَّ إِنّي
و از هر بد که علم تو بر آن احاطه دارد به تو پناه می‌برم. بارالها،

أَسْئَلُكَ عافِيَتَكَ في أُمُوري كُلِّها، وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ خِزْيِ
در همهٔ کارهای خویشتن از تو سلامت و تندرستی می‌طلبم و از خواری دنیا

اَلدُّنْيا وَ عَذابِ اَلْآخِرَةِ؛[1]
و عذاب آخرت به تو پناه می‌برم.

هفتم ـ بخوان دعای حافظه را که پیغمبر صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام تعلیم فرمود:

سُبْحانَ مَنْ لا يَعْتَدي عَلىٰ أَهْلِ مَمْلَكَتِهِ، سُبْحانَ مَنْ لا يَأْخُذُ
پاک است خدایی که به اهل حاکمیتش ستم روا نمی‌دارد. پاک است خدایی که اهل زمین

أَهْلَ اَلْأَرْضِ بِأَلْوانِ اَلْعَذابِ، سُبْحانَ اَلرَّؤُفِ؛ اَلرَّحيمِ،
را به عذابهای گوناگون فرو نمی‌گیرد. پاک است خدای بنده نواز و مهربان.

اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ لي في قَلْبي نُوراً وَ بَصَراً وَ فَهْماً وَ عِلْماً، إِنَّكَ
بارالها، در دلم نور و بینش و فهم و علمی قرار ده که تو

عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَديرٌ[2]
بر هر کار توانایی.

---

۱. وسائل الشیعه، جلد ۶، ابواب تعقیب، باب ۲۴، حدیث ۱
۲. بلد الامین، صفحه ۵۳۵

هشتم ـ محمد بن سلیمان به امام صادق علیه السلام عرض کرد: "شیعیان تو می‌گویند ایمان بر دو قسم است: ثابت و مستقر، متزلزل و عاریه، به من دعایی بیاموز که ایمانم کامل و ثابت باشد" حضرت فرمود: بعد از هر نماز واجب بخوان:

رَضِيتُ بِاللهِ رَبّاً وَ بِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ نَبِيّاً وَ بِالْإِسْلامِ

راضی گشتم که خداوند، پروردگارم و محمّد صلی الله علیه و آله پیامبرم و اسلام، دینم

دِيناً وَ بِالْقُرْآنِ كِتاباً وَ بِالْكَعْبَةِ قِبْلَةً وَ بِعَلِيٍّ(ع) وَلِيّاً وَ إِماماً

و قرآن، کتابم و کعبه، قبله‌ام و علی علیه السلام ولیّ و امامم

وَ بِالْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ وَ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ

و حسن و حسین و علی بن الحسین و محمد بن علی

وَ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ وَ عَلِيِّ بْنِ مُوسىٰ

و جعفر بن محمّد و موسی بن جعفر و علی بن موسی

وَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ

و محمد بن علی و علی بن محمد و حسن بن علی

وَ الْحُجَّةِ بْنِ الْحَسَنِ صَلَوٰاتُ اللهِ عَلَيْهِمْ أَئِمَّةً. اللّٰهُمَّ إِنّي

و حجّة بن الحسن صلوات خدا بر آنان باد، امامان من باشند. خدایا من از

رَضِيتُ بِهِمْ أَئِمَّةً فَارْضَني لَهُمْ إِنَّكَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَديرٌ؛[1]

آن که ایشان، امام من باشند راضی‌ام، آنان را هم از من راضی بدار که تو بر هر کاری توانایی.

نهم ـ مستحبّ است خواندن آیة الکرسی[2] و آیهٔ شَهِدَ الله و آیهٔ مُلك بعد از همهٔ نمازها. آیهٔ شهد الله و ملک عبارت از دو آیه زیر است:

---

۱. وسائل الشیعه، جلد ۶، ابواب التعقیب، باب ۲۰ حدیث ۱.

۲. بقره، ۲۵۷ ـ ۲۵۵.

شَهِدَ ٱللهُ أَنَّهُ لا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ وَ ٱلْمَلائِكَةُ وَ أُولُوا ٱلْعِلْمِ قائِماً

خداگواهی می‌دهد که همانا جز او خدایی نیست و فرشتگان و صاحبانِ علم نیز

بِالْقِسْطِ لا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ ٱلْعَزِيزُ ٱلْحَكِيمُ، إِنَّ ٱلدِّينَ عِنْدَ ٱللهِ

گواهی می‌دهند که خدایی نیست جز او که صاحب عزت و حکمت است. همانا که دین نزد خدا

ٱلْإِسْلامُ وَ مَا ٱخْتَلَفَ ٱلَّذِينَ أُوتُوا ٱلْكِتابَ إِلَّا مِنْ بَعْدِ

تسلیم در مقابل حقیقت (اسلام) است وکسانی که کتاب آسمانی به‌آنهاداده شده اختلاف

ما جاءَهُمُ ٱلْعِلْمُ بَغْياً بَيْنَهُمْ وَ مَنْ يَكْفُرْ بِآياتِ ٱللهِ

نکردند مگر پس‌از آنکه آگاه شدند واز حسد و برتری جونی. هرکس به آیات خدا کفر ورزد

فَإِنَّ ٱللهَ سَرِيعُ ٱلْحِسابِ؛[۱]

پس خداوند به سرعت حساب رسی کند.

قُلِ ٱللّٰهُمَّ مالِكَ ٱلْمُلْكِ تُؤْتِي ٱلْمُلْكَ مَنْ تَشاءُ وَ تَنْزِعُ ٱلْمُلْكَ

بگو بار خدایا، همهٔ هستی تو راست. مُلک را به هر کس که خواهی بخشی و از هر کس که

مِمَّنْ تَشاءُ وَ تُعِزُّ مَنْ تَشاءُ وَ تُذِلُّ مَنْ تَشاءُ، بِيَدِكَ ٱلْخَيْرُ

خواهی بازگیری. هر کس را بخواهی عزیز گردانی و هر که را بخواهی خوار کنی. خیر به دست توست.

إِنَّكَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، تُولِجُ ٱللَّيْلَ فِي ٱلنَّهارِ وَ تُولِجُ

همانا که تو بر همه چیز توانایی. شب را در روز فرو می‌بری

ٱلنَّهارَ فِي ٱللَّيْلِ وَ تُخْرِجُ ٱلْحَيَّ مِنَ ٱلْمَيِّتِ وَ تُخْرِجُ ٱلْمَيِّتَ

و روز را در شب فرو می‌بری. زنده را از مرده بیرون می‌آوری و مرده را

---

۱. آل عمران، ۱۸ و ۱۹

مِنَ ٱلْحَيِّ وَ تَرْزُقُ مَنْ تَشاءُ بِغَيْرِ حِسابٍ؛[1]
از زنده. و هر کس را بخواهی بیحساب روزی می‌رسانی.

دهم ـ بعد از نماز، عرض سلام و تحیّت به پیغمبر اکرم ﷺ مستحبّ است.
ابو نصر بزنطی از حضرت رضا ؑ سؤال کرد: چگونه باید به رسول اکرم ﷺ صلوات گفت؟ حضرت فرمود: می‌گویی:

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا رَسُولَ ٱللهِ وَ رَحْمَةُ ٱللهِ وَ بَرَكاتُهُ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ
سلام بر تو ای فرستادهٔ خدا و رحمت و برکات او بر تو باد. سلام بر تو باد

يا مُحَمَّدَ بْنَ عَبْدِ ٱللهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا خِيَرَةَ ٱللهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ
ای محمّد بن عبدالله. سلام بر تو باد ای برگزیدهٔ خدا. سلام بر تو باد

يا حَبِيبَ ٱللهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا صَفْوَةَ ٱللهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا اَمِينَ ٱللهِ،
ای دوست خدا. سلام بر تو باد ای برگزیدهٔ حقّ. سلام بر تو باد ای امین خدا.

أَشْهَدُ اَنَّكَ رَسُولُ ٱللهِ، وَ أَشْهَدُ اَنَّكَ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ ٱللهِ، وَ أَشْهَدُ اَنَّكَ
گواهی می‌دهم که تو فرستادهٔ خدایی و گواهی می‌دهم که همانا تو محمّد بن عبدالله می‌باشی و گواهی می‌دهم که تو

قَدْ نَصَحْتَ لِأُمَّتِكَ، وَ جاهَدْتَ فِي سَبِيلِ رَبِّكَ، وَ عَبَدْتَهُ
به امت خود با خیرخواهی پند دادی، و در راه پروردگارت جهاد نمودی و او را چندان عبادت

حَتّىٰ أَتاكَ ٱلْيَقِينُ، فَجَزاكَ ٱللهُ يا رَسُولَ ٱللهِ أَفْضَلَ ما جَزىٰ
کردی تا به دیدار خدا رسیدی. پس یا رسول الله، خدا تو را بهترین پاداشی عنایت فرماید

نَبِيّاً عَنْ أُمَّتِهِ، اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ أَفْضَلَ
که پیمبری را از امت او داده است. خدایا بر محمّد و آل محمّد صلوات فرست مانند برترین

۱. آل عمران، ۲۶ و ۲۷.

مٰاصَلَّيْتَ عَلىٰ إِبْرٰاهِيمَ وَ آلِ إِبْرٰاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ؛[1]

صلواتی که بر ابراهیم و آل ابراهیم فرستادی. همانا که تو حمید و مجیدی.

یازدهم ـ مستحبّ مؤکّد است سجدهٔ شکر بعد از هر نماز، و همچنین در هر حالی که انسان را نعمتی برسد، یا رسیدن آنرا یادآور شود، یا خطر و حادثه‌ای از انسان دفع شود، یا متذکّر دفع آن گردد؛ و همچنین مستحبّ است پس از انجام هر امر خیری ـ حتّی مانند اینکه موفّق شود میان دو مسلمان را با هم صلح و آشتی دهد ـ و حداقلّ آن، نهادن پیشانی بر زمین است، و بهتراست یکمرتبه یا سه مرتبه یا صد مرتبه بگوید: **شُكْراً لِلّٰهِ** و هر چه سجده را مکرّر کند و طول دهد و حوایج خود را به حضرت حقّ عرضه کند و گریه و زاری نماید، مطلوبتر و به اجابت نزدیکتر خواهد بود.[2]

تبصره ـ سزاوار است جدّاً که قلب نمازگزار در حال نماز، بطور کامل متوجّه حق باشد، در عظمت و جلالش بیندیشد، تا خود را در پیشگاهش کوچک ببیند، و در بارهٔ احسان و نعمتش فکر کند، دل را پراز امید سازد، و در غضب و عِقابش تأمّل کند، تا خائف و ترسناک شود؛ و بالآخره با او باشد و او را ببیند و با او سخن گوید، معنی گفته‌هایش را درک کند، متوجّه حقیقت عمل خویش باشد که در مقابل حضرت حقّ ایستاده است. گاهی خم می‌شود و رکوع می‌کند. گاه به خاک مذلّت می‌افتد و سجده می‌کند. البتّه مراتب این توجّه متفاوت و مختلف است. هر چه توجّه نمازگزار به معبود خود بیشتر و دلش بسوی او راغبتر باشد، تأثیر عمل در روحش عمیق‌تر و راسختر خواهد بود. چنین نمازی می‌تواند انسان را از هجوم نیروهای شیطانی و شعله‌های فتنه و فساد و فحشا و منکر حفظ نماید. در احادیث است: از نماز مؤمن آن اندازه را که متوجّه به خدا بوده

---

۱. وسائل الشیعة / ۶ / ۴۷۲ طبعة مؤسسة آل البيت قم.

۲. وسائل الشیعه، جلد ۷، ابواب سجدتی الشکر روایات باب اول تا هفتم.

می‌نویسند و گاهی از یک نماز، بیش از یک سجده نوشته نشود.[۱]

پس باید نمازگزار حقیقی بکوشد تا توجّه قلب حاصل آید، و سعی کند آنرا تا آخر نماز ادامه دهد. فکرش به هر سو نرود و روحش به هر جانب متوجه نشود، گمشده‌اش را در حال نماز نیابد، که چنین نمازی نیرو بخش روح و روان بخش جان نخواهد بود. به خویشتن تلقین کند که روح نمازم، توجّه دل است و پیکرش، اعمال و افعال. بدن بی‌روح را جنازه نامند، نه موجودی زنده. علاوه بر مطالب فوق، بر هر مسلمان لازم است مسائل نماز را یاد بگیرد و ارکان و شرایط و موانع آنرا بیاموزد؛ زیرا قالب عمل نیز همانند روحش مطلوبست.

فصل سوم

نافله‌ها

یکی از عبادتها در اسلام، به جا آوردن نوافل یعنی نمازهای مستحبّی است و اقسام آنها زیاد است و ما در اینجا به چند قسم که استحبابش اکید و مواظبتش بسیار مطلوب و مرغوب است؛ اشاره می‌کنیم:

اول: نوافل نمازهای پنجگانه:

نوافل نمازهای پنجگانه یعنی نمازهایی که به منزلهٔ مقدّمه و تعقیب و زینت بخش و متمّم نواقص و مکمّل ثواب فرایض است. مراعاتش بسی مؤکّد و مداومتش از آثار ایمان است و کیفیّت آنها بدین نحو است:

قبل از نماز صبح دو رکعت نماز مثل نماز صبح به نیّت نافلهٔ آن بجاآورد؛ و هشت رکعت ـ هر دو رکعت به یک سلام ـ قبل از نماز ظهر، به نیّت نافلهٔ ظهر؛ و هشت رکعت قبل از عصر، به نیّت نافلهٔ عصر؛ و چهار رکعت ـ به دو سلام ـ بعد از نماز مغرب به نیّت نافلهٔ آن؛ و

---

۱. وسائل الشیعه، جلد ۴، ابواب افعال الصلوة، باب ۳.

دو رکعت نشسته بعد از نماز عشا به نیّت نافلۀ عشابنام «وُتَیره» بجا آورد؛ ویازده رکعت نافلۀ شب ـ پنج تادو رکعتی و یک رکعت با یک قنوت و یک سلام ـ همه به نیّت نماز شب بخواند. و ممکن است هشت رکعت آن را به قصد نافلۀ شب و دو رکعت بنام شفع و یک رکعت بنام وَتر انجام دهد.[۱]

تذکّر: کامل‌ترین نماز وتری که بندگان صالح، و عارفان درگاه، و عابدان آگاه، در اواخر شب انجام می‌دهند، بدین طرز است: پس‌از تکبیر نماز و خواندن حمد و یک سوره از قرآن، قنوت بگیرد و هفتاد مرتبه در قنوت بگوید ﴿أَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ رَبّی وَأَتُوبُ إِلَیْهِ﴾ و سپس هفت مرتبه بگوید ﴿هٰذٰا مَقٰامُ الْعٰآئِذِ بِكَ مِنَ النّٰارِ﴾ و بعد چهل نفر از مؤمنین از زنده‌ها یا مرده‌ها را بنام دعا کند یعنی بگوید اَللّٰهُمَّ اغفر لفلان وفلان، و سپس سیصد مرتبه بگوید ﴿اَلْعَفْو﴾ و قنوت را تمام نماید.

امام‌باقر علیه السلام فرمود: «آیۀ ﴿اَلَّذینَ هُمْ عَلیٰ صَلاتِهِمْ دٰآئِمُونَ﴾.[۲] دربارۀنماز نافله است، و انجام نوافل سبب تکمیل نواقص نمازهای واجب است.» و نیز فرمود: «خداوند بزرگ می‌فرماید: "گاهی بندۀ من به‌واسطۀ انجام نوافل به تدریج به من نزدیک شود تا آنجا که او را دوست دارم و چشم و گوش و زبان و دستش را در اختیار خویش قرار دهم، اگر مرا بخواند جواب گویم و اگر حاجت طلبد عطا کنم."»[۳] و ضمناً نوافل فوق و هر نماز مستحبّی دیگر بیش از دو رکعت نیست و به صورت نماز صبح است. همچنین هر نماز مستحبّی را (به‌استثنای موارد معدودی) می‌توان در هر رکعت با حمد تنها ـ بدون سوره ـ و همچنین در حال نشستن انجام داد. و نیز اگر کسی وقتش وافی نیست در حال راه رفتن هم می‌تواند آنها را به جا آورد، بدین صورت که ﴿اَللّٰه اَكْبَرُ﴾ بگوید و مشغول حمد شود و رکوع و سجود را با اشارۀ سر و ابرو انجام دهد. و نیز اگر کسی موفق به خواندن

---

۱. وسائل الشیعه، جلد ۳، باب ۱۳، عدد فرائض و نوافل.

۲. معارج، ۲۳.

۳. وسائل الشیعه، جلد ۴، صفحه ۷۲.

آنها نشد، مستحب است در هر وقت بتواند، قضای آنها را به جا بیاورد.[۱]

دوم: نماز غفیله

نماز غفیله دو رکعت است، بین نماز مغرب و عشا با فضیلتی بسیار و تأثیری مخصوص در بر آورده شدن حوایج دنیوی و اخروی. و کیفیّت آن چنان است که: می‌خوانی در رکعت اوّل، بعد از حمد آیهٔ:

وَ ذَاالنُّونِ إِذْ ذَهَبَ مُغاضِباً فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ فَنادىٰ فِي

صاحب ماهی (حضرت یونس) چون خشمگین رفت پنداشت هرگز بر او تنگ نخواهیم گرفت. پس در

الظُّلُماتِ أَنْ لاإِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظّالِمِينَ،

ظلمات ندا کرد که: جز تو خدایی نیست. تو منزّهی! همانا که من از ستمکارانم.

فَاسْتَجَبْنا لَهُ وَ نَجَّيْناهُ مِنَ الْغَمِّ وَ كَذٰلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ؛[۲]

پس او را اجابت کردیم و از غم رهائیش دادیم و مومنین را اینچنین نجات می‌دهیم.

و در رکعت دوّم بعد از حمد، آیهٔ زیر رابخواند:

وَ عِنْدَهُ مَفاتِحُ الْغَيْبِ لا يَعْلَمُها إِلَّا هُوَ وَ يَعْلَمُ ما فِي الْبَرِّ

و کلیدهای غیب نزد اوست و جز او کسی آنرا نمی‌داند و آنچه در خشکی

وَ الْبَحْرِ وَ ما تَسْقُطُ مِنْ وَرَقَةٍ إِلَّا يَعْلَمُها وَ لا حَبَّةٍ في

و دریاست می‌داند و برگی بر زمین فرو نمی‌افتد و هیچ دانه‌ای در تاریکیهای

ظُلُماتِ الْأَرْضِ وَ لا رَطْبٍ وَ لا يابِسٍ إِلَّا في كِتابٍ مُبِينٍ؛[۳]

زمین نیست مگر که از آن آگاهست و تر و خشکی نیست مگر که در کتاب روشن ثبت است.

بعد دستها را به قنوت برداشته و این دعا را می‌خوانی:

---

۱. وسائل الشیعه، جلد ۴، صفحه ۷۵. ۲. انبیاء، ۸۹-۸۸. ۳. انعام، ۶۰-۵۹.

اَللّٰهُمَّ إِنّي أَسْئَلُكَ بِمَفاتِحِ الْغَيْبِ الَّتي لا يَعْلَمُها إِلّا أَنْتَ أَنْ

بارالها، تو را به اسرار غیب ـ که جز تو کسی آن را نمی‌داند سوگند می‌دهم

تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تَفْعَلَ بي....؛

که بر محمّد و دودمان او صلوات فرستی و در بارهٔ من برآورده کن....

و حاجات خود را به هر زبانی که بتوانی از خدا می‌خواهی، و پس از آن می‌گویی:

اَللّٰهُمَّ أَنْتَ وَلِيُّ نِعْمَتي وَ الْقادِرُ عَلىٰ طَلِبَتي تَعْلَمُ حاجَتي

بارالها، تو ولی نعمت من هستی و به برآوردن نیاز من توانایی و حاجت مرا می‌دانی.

فَأَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمُ السَّلامُ لَمّا قَضَيْتَها لي؛[۱]

سوگند به حق محمّد و آل او ـ سلام بر او و بر آنان که حاجت مرا برآوری.

تذکر: نمازگزار می‌تواند این دو رکعت غفیله را با دو رکعت از نافله مغرب متحد کند و قصد کند که هم نافلهٔ مغرب باشد و هم غفیله؛ یعنی دو عنوان منطبق بر یک مصداق شود و در نتیجه بعد از نماز مغرب با چهار رکعت، ثواب شش رکعت را ببرد؛ نظیر اتحاد غسل جمعه و جنابت در یک غسل.

سوم: نماز اوّل ماه

در روز اوّل هر ماه قمری خواندن دو رکعت نماز مستحب است. وقت این نماز از اوّل صبح تا مغرب است. در رکعت اوّل بعد از حمد سی مرتبه ﴿قُلْ هُوَ اللّٰهُ أَحَدٌ﴾ و در رکعت دوّم بعد از حمد سی مرتبه ﴿إِنّا أَنْزَلْناهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ﴾ بخواند و پس از نماز به مقدار امکانش تصدّق بدهد. امید است که سلامت جان خود را در آن ماه از خداوند بخرد[۲] و نیکوست بعد از نماز بخواند:

---

۱. وسائل الشيعة، جلد ۸، صفحه ۱۲۱ ۲. وسائل الشيعه، جلد ۸، صفحه ۱۷۰.

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ وَ مٰا مِنْ دٰابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلّٰا عَلَى اللّٰهِ

بنام خداوند بخشندهٔ مهربان. هیچ جنبنده‌ای در روی زمین نیست مگر اینکه روزی او بر عهدهٔ

رِزْقُهٰا وَ يَعْلَمُ مُسْتَقَرَّهٰا وَ مُسْتَوْدَعَهٰا كُلٌّ فِي كِتٰابٍ مُبِينٍ، بِسْمِ

خداوند است و قرارگاه او و محل مرگ او را می‌داند و همه در کتاب مبین ثبت است. بنام

اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ وَ إِنْ يَمْسَسْكَ اللّٰهُ بِضُرٍّ فَلٰا كٰاشِفَ لَهُ إِلّٰا هُوَ،

خداوند بخشندهٔ مهربان. و اگر خدا زیانی بتو رساند جز او بر طرف کنندهٔ آن زیان نباشد.

وَ إِنْ يُرِدْكَ بِخَيْرٍ فَلٰا رٰادَّ لِفَضْلِهِ يُصِيبُ بِهِ مَنْ يَشٰاءُ مِنْ عِبٰادِهِ،

اگر خیری بهرهٔ تو کند، فضل او را مانعی نیست؛ آن را به هر یک از بندگانش که بخواهد می‌رساند.

وَ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ. بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ سَيَجْعَلُ اللّٰهُ

و او آمرزنده و پر مهر است. بنام خداوند بخشندهٔ مهربان. خداوند زود پس از دشواری،

بَعْدَ عُسْرٍ يُسْراً، مٰا شٰاءَ اللّٰهُ لٰا قُوَّةَ إِلّٰا بِاللّٰه، حَسْبُنَا اللّٰهُ وَ نِعْمَ

آسانی را مقرر فرماید ـ آنچه خدا خواهد هیچ نیرویی جز او نیست. خدا ما را کافی است و بهترین

الْوَكِيلُ وَ أُفَوِّضُ أَمْرِي إِلَى اللّٰهِ إِنَّ اللّٰهَ بَصِيرٌ بِالْعِبٰادِ، لٰا إِلٰهَ إِلّٰا

وکیل است و کار خود یکسره به خدا واگذار می‌کنم. همانا که خدا به بندگان بیناست. خدایی جز

أَنْتَ سُبْحٰانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظّٰالِمِينَ رَبِّ إِنِّي لِمٰا أَنْزَلْتَ إِلَيَّ

تو نیست. پاک و منزهی، من از ستمکارانم. پروردگار من، من به هر خیری که بر من

مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ، رَبِّ لٰا تَذَرْنِي فَرْداً وَ أَنْتَ خَيْرُ الْوٰارِثِينَ؛[۱]

فرو فرستی نیازمندم. پروردگار من، مرا تنها مگذار و تو بهترین ارث برندگانی.

---

۱. بحار الانوار، جلد ۹۴، صفحه ۱۳۳.

چهارم: نماز جعفر طیّار(رض)

هنگامی که جعفر طیّار از هجرت حبشه به مدینه برگشت و به حضور نبیّ اکرم ﷺ مشرف شد، آن حضرت بسیار مسرور گشت و میان دو چشمان جعفر را بوسید و این نماز را به عنوان جایزه و انعام به وی تعلیم فرمود:

-ای جعفر! آیا تو را عطیّه‌ای نبخشم، انعامی نکنم؟

-بلی یا رسول اَللّٰه! مردم گمان کردند که شمش طلایی یا سکّهٔ نقره‌ای به وی خواهد داد. از هر سو گردن کشیدند و چشم بسوی حضرتش دوختند.

-عملی بیاموزمت که اگر هر روز یا هر ماه یا هر سال یکبار بدان موفّق شوی، امید است که در بخشوده شدن گناهانت اثری بسزا بخشد. سپس نماز معروف را به او آموخت. این نماز چهار رکعت است -با دو سلام- در هر رکعت بعد از حمد هر سوره‌ای بخواهی می‌خوانی و پس از سوره، قبل از اینکه به رکوع روی تسبیحات اربعه را؛ یعنی: ﴿سُبْحَانَ اَللهِ وَ اَلْحَمْدُ لِلهِ وَلاَ إِلَهَ إلاَّ اَللهُ وَاَللهُ أَكْبَرُ﴾ را پانزده مرتبه می‌گویی. و بعد به رکوع می‌روی و پس از ذکر رکوع، آن تسبیحات را ده مرتبه می‌خوانی. همچنین بعد از برداشتن سر از رکوع در حال قیام و در سجدهٔ اوّل و بین دو سجده و در سجدهٔ دوّم و بعد از سجدهٔ دوّم در هر یک ده مرتبه. باز برمی‌خیزی و رکعت دوّم را هم به همان طرز انجام می‌دهی تا چهار رکعت تمام شود. بنابراین در هر رکعت تسبیح مزبور هفتاد و پنج مرتبه و در مجموع نماز سیصد مرتبه گفته می‌شود. بهترین وقت این نماز، طرف صبح روز جمعه است. خوب است در رکعت اوّل بعد از حمد سورهٔ: ﴿إِذَا زُلْزِلَتِ اَلْأَرْضُ﴾ و در دوّم ﴿وَاَلْعَادِيَاتِ﴾ و در سوّم ﴿إِذَا جَآءَ نَصْرُ اَللهِ﴾ و در چهارم ﴿قُلْ هُوَ اَللّٰهُ أَحَدٌ﴾ خوانده شود. این نماز را به جای چهار رکعت نافلهٔ نماز مغرب، یا به جای چهار رکعت از نماز شب هم می‌شود خواند.

اگر شخصی عجله داشته باشد، می‌تواند اصلِ چهار رکعت را بخواند و سیصد تسبیح را بعداً بگوید.[۱]

فصل چهارم

اعمال روزها

۱ـ مستحبّ اکید است که هر روز صد مرتبه گفته شود ﴿لاٰ حَوْلَ وَلاٰ قُوَّةَ إلاّٰ بِاللّٰه﴾. امام ششم ﷺ فرمود: کسی که صد مرتبه این ذکر را بگوید، خداوند تعالی از وی انواعی از بلیّه را دفع کند که آسانترینِ آنها غم و غصّه است.[۲]

۲ـ مستحبّ مؤکّد است که ده مرتبه پیش از طلوع آفتاب و ده مرتبه پیش از غروب آن این دعا خوانده شود:

لاٰ إِلٰهَ إِلَّا ٱللّٰهُ وَحْدَهُ لاٰ شَرِيكَ لَهُ، لَهُ ٱلْمُلْكُ وَ لَهُ ٱلْحَمْدُ

جز خدا معبودی نیست. یکتا و بی شریک است. پادشاهی برای اوست و حمد سزاوار اوست.

يُحْيِي وَ يُمِيتُ وَ يُمِيتُ وَ يُحْيِي وَ هُوَ حَيٌّ لاٰ يَمُوتُ بِيَدِهِ

زنده می‌کند و می‌میراند و می‌میراند و زنده می‌کند. و او زنده‌ای است که نمی‌میرد. خیر به دست

ٱلْخَيْرُ وَ هُوَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.[۳]

اوست و او به هر کار تواناست.

۳ـ هر روز، قبل از طلوع و غروب آفتاب خوانده شود:

اَللّٰهُمَّ مُقَلِّبَ ٱلْقُلُوبِ وَ ٱلْأَبْصارِ ثَبِّتْ قَلْبِي عَلىٰ دِينِكَ

بار خدایا، ای برگردانندهٔ دل و دیده، دلم را در دینت ثابت نگاهدار

---

۱. وسائل الشیعه، جلد ۸، صفحه ۴۹ ۲. وسائل الشیعه، جلد ۷، ابواب الذکر، باب ۲۸، حدیث ۷.

۳. وسائل الشیعه، جلد ۷، ابواب الذکر، باب ۲۹، حدیث ۴.

وَ لا تُزِغْ قَلْبي بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَني وَهَبْ لي مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً
و زان پس که هدایتم کردی دلم را منحرف مساز و از پیش خود رحمت بر من ببخش که تو

إِنَّكَ أَنْتَ ٱلْوَهّابُ، وَ أَجِرْني مِنَ ٱلنّارِ بِرَحْمَتِكَ. ٱللّٰهُمَّ
بسیار بخشنده‌ای و به رحمت خود از آتش پناهم ده. بارالها،

ٱمْدُدْ لي في عُمْري وَ أَوْسِعْ عَلَيَّ في رِزْقي، وَ ٱنْشُرْ عَلَيَّ
زندگیم را دراز کن و روزیم را وسعت ده و رحمت خود را

رَحْمَتَكَ، وَ إِنْ كُنْتُ عِنْدَكَ في أُمِّ ٱلْكِتابِ شَقِيّاً فَاجْعَلْني سَعيداً،
بر من بپراکن. و اگر نزد تو در «ام‌الکتاب» (لوح محفوظ) بدبخت باشم مرا نیکبخت گردان.

فَإِنَّكَ تَمْحُو ما تَشاءُ وَ تُثْبِتُ وَ عِنْدَكَ أُمُّ ٱلْكِتابِ؛[1]
پس تو آنچه را که بخواهی محو می‌کنی و ثابت می‌کنی و «ام الکتاب» (لوح محفوظ) نزد توست.

۴ـ مستحبّ است در هر صبح و شام خوانده شود:

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ ٱلَّذي يَفْعَلُ ما يَشاءُ وَ لا يَفْعَلُ ما يَشاءُ غَيْرُهُ،
ستایش خدایی را که هر چه خواهد کند و آنچه غیر او بخواهد انجام ندهد (تابع ارادهٔ دیگری نیست).

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ كَما يُحِبُّ ٱللّٰهُ أَنْ يُحْمَدَ، اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ كَما هُوَ أَهْلُهُ،
حمد خدا را آن سان که دوست دارد حمد شود حمد خدا را همان گونه که شایسته اوست.

اَللّٰهُمَّ أَدْخِلْني في كُلِّ خَيْرٍ أَدْخَلْتَ فيهِ مُحَمَّداً وَ آلَ مُحَمَّدٍ،
بارالها، مرا در همهٔ خیرها ـ که محمّد و خاندان محمّد را در آن داخل کردی داخل فرمای

وَ أَخْرِجْني مِنْ كُلِّ شَرٍّ أَخْرَجْتَ مِنْهُ مُحَمَّداً وَ آلَ مُحَمَّدٍ،
و مرا از هر شرّی ـ که محمّد و خاندان محمّد را از آن خارج کردی خارج فرمای.

۱. بلد الامین، صفحه ۲۳.

صَلَّى ٱللّٰهُ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ؛[1]
صلوات خدا بر محمّد و آل محمّد باد.

فصل پنجم

دعاهای ایّام هفته[2]

● دعای روز شنبه

بِسْمِ ٱللّٰهِ ٱلرَّحْمٰنِ ٱلرَّحِيمِ بِسْمِ ٱللّٰهِ كَلِمَةُ ٱلْمُعْتَصِمِينَ وَ مَقالَةُ
بنام خداوند بخشندهٔ مهربان. بسم الله کلمهٔ پناهندگان و گفتار

ٱلْمُتَحَرِّزِينَ، وَ أَعُوذُ بِاللّٰه تَعالىٰ مِنْ جَوْرِ ٱلْجائِرِينَ وَكَيْدِ
پناه جویان است. و از ستم ستمکاران و حیلهٔ حسودان و تجاوز ظالمان

ٱلْحاسِدِينَ وَ بَغْيِ ٱلظّالِمِينَ،وَ أَحْمَدُهُ فَوْقَ حَمْدِ ٱلْحامِدِينَ،
به خداوند تعالی پناه می‌برم و او را برتر از ستایش ستایندگان می‌ستایم.

اَللّٰهُمَّ أَنْتَ ٱلْواحِدُ بِلاٰشَرِيكٍ، وَ ٱلْمَلِكُ بِلاٰ تَمْلِيكٍ،
بار خدایا، تو یکتایی، بی شریکی و فرمانروایی مستقلی.

لاٰ تُضادُّ فى حُكْمِكَ وَ لاٰ تُنازَعُ فى مُلْكِكَ، أَسْئَلُكَ أَنْ
فرمان تو مورد مخالفت قرار نگیرد و در بارهٔ حکومت تو گفتگویی نباشد. از تو تمنا دارم

تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَ رَسُولِكَ وَ أَنْ تُوزِعَنى مِنْ شُكْرِ
که بر محمّد بنده و فرستادهٔ خود صلوات فرستی و مرا تا سر حد رضایت خود شکر گزار

---

۱. وافی، صفحه ۲۳۵، نقل از کافی. ۲. ملحقات صحیفهٔ سجادیه و صحیفهٔ سجادیه، صفحه ۶۵ ـ ۵۰.

نَعْمٰآئِكَ مٰا تَبْلُغُ بي غٰايَةَ رِضٰاكَ، وَ أَنْ تُعِينَني عَلىٰ طٰاعَتِكَ
نعمت هایت قرار دهی. و به لطف و عنایت خود مرابرای طاعت

وَ لُزُومِ عِبٰادَتِكَ، وَ ٱسْتِحْقٰاقِ مَثُوبَتِكَ بِلُطْفِ عِنٰايَتِكَ،
و لزوم بندگیت و شایستگی پاداش خود یاری دهی.

وَ تَرْحَمَني بِصَدّي عَنْ مَعٰاصيكَ مٰا أَحْيَيْتَني وَ تُوَفِّقَني لِمٰا
و مرا به رحمت خود تا وقتی زندگی می‌دهی از نافرمانی باز داری. و به آنچه نفع من

يَنْفَعُني مٰا أَبْقَيْتَني، وَ أَنْ تَشْرَحَ بِكِتٰابِكَ صَدْري، وَ تَحُطَّ
در آن است توفیق دهی. سینه‌ام را به کتاب خود گشایش دهی. و گناهانم را

بِتِلاٰوَتِهِ وِزْري وَ تَمْنَحَنِي ٱلسَّلاٰمَةَ في ديني وَ نَفْسي،
با تلاوت آن پاک نمایی و در دین و جان من سلامت بخشی.

وَ لاٰ تُوحِشَ بي أَهْلَ أُنْسي، وَ تُتِمَّ إِحْسٰانَكَ فيمٰا بَقِيَ
و کسانی را که به من انس دارند از من هراسان نسازی و احسان خود را در،

مِنْ عُمْري كَمٰا أَحْسَنْتَ فيمٰا مَضىٰ مِنْهُ، يٰا أَرْحَمَ ٱلرّٰاحِمينَ.[1]
باقیمانده عمرم همچون گذشته کامل فرمایی ای مهربان‌ترین مهربانان.

● **دعای روز یکشنبه**

بِسْمِ ٱللهِ ٱلرَّحْمٰنِ ٱلرَّحيمِ، بِسْمِ ٱللهِ ٱلَّذي لاٰ أَرْجُو إِلاّٰ فَضْلَهُ
بنام خداوند بخشندهٔ مهربان. خدایی که جز به فضل او امیدوار نباشم

وَ لاٰ أَخْشىٰ إِلاّٰ عَدْلَهُ وَ لاٰ أَعْتَمِدُ إِلاّٰ قَوْلَهُ وَ لاٰ أُمْسِكُ إِلاّٰ
و جز از عدل او نهراسم و جز به قول او تکیه نکنم و جز به ریسمان او در نیاویزم.

۱. بحار الانوار / ۸۷ / ۱۵۲

بِحَبْلِهِ، بِكَ أَسْتَجِيرُ يٰا ذَاالْعَفْوِ وَ الرِّضْوٰانِ مِنَ الظُّلْمِ وَ الْعُدْوٰانِ،

از تو پناه میجویم ای دارای بخشایندگی و خشنودی و از ستم و دشمنی

وَ مِنْ غِيَرِ الزَّمٰانِ وَ تَوٰاتُرِ الْأَحْزٰانِ وَ طَوٰارِقِ الْحَدَثٰانِ،

و دگرگونیهای روزگار و پیاپی بودن اندوهها و پیشامدهای کوبنده

وَ مِنِ انْقِضٰاءِ الْمُدَّةِ قَبْلَ التَّأَهُّبِ وَ الْعُدَّةِ، وَ إِيّٰاكَ أَسْتَرْشِدُ

و از سر آمدن زمان عمر پیش از آمادگی و توشه بر گرفتن و در چیزی که در آن

لِمٰا فِيهِ الصَّلاٰحُ وَ الْإِصْلاٰحُ، وَ بِكَ أَسْتَعِينُ فِيمٰا يَقْتَرِنُ بِهِ

سامان و نیکویی است تنها از تو هدایت می‌جویم و در آنچه که با رستگاری

النَّجٰاحُ وَ الْإِنْجٰاحُ، وَ إِيّٰاكَ أَرْغَبُ فِي لِبٰاسِ الْعٰافِيَةِ وَ تَمٰامِهٰا،

و موفقیت همراه است، از تو یاری می‌خواهم؛ و از تو میخواهم عافیت و تمامیت آنرا.

وَ شُمُولِ السَّلاٰمَةِ وَ دَوٰامِهٰا، وَ أَعُوذُ بِكَ يٰا رَبِّ مِنْ هَمَزٰاتِ

و سلامتی و استمرار آن را. و ای پروردگار من، از وسوسه‌های

الشَّيٰاطِينِ، وَ أَحْتَرِزُ بِسُلْطٰانِكَ مِنْ جَوْرِ السَّلاٰطِينِ فَتَقَبَّلْ

شیطان به تو پناه می‌آورم و از ستم پادشاهان به سلطنت تو می‌گریزم. پس نماز

مٰا كٰانَ مِنْ صَلاٰتِي وَ صَوْمِي وَ اجْعَلْ غَدِي وَ مٰا بَعْدَهُ أَفْضَلَ

و روزه‌ام را بپذیر و فردای مرا و روزهای‌بعد از آن را با فضیلت‌تر از این

مِنْ سٰاعَتِي وَ يَوْمِي، وَ أَعِزَّنِي فِي عَشِيرَتِي وَ قَوْمِي، وَ احْفَظْنِي

ساعت و امروز قرار ده و مرا در خانواده‌ام و عشیره‌ام عزت بخش

فِي يَقْظَتِي وَ نَوْمِي، فَأَنْتَ اللّٰهُ خَيْرٌ حٰافِظاً وَ أَنْتَ أَرْحَمُ

و در خواب و بیداری حفظ کن تو ای خدا بهترین حفظ کننده و تو مهربان‌ترین مهربانانی.

آلرّاحِمینَ، اَللّٰهُمَّ إِنّی أَبْرَءُ إِلَیْكَ فی یَوْمی هٰذا وَ ما بَعْدَهُ
بار خدایا، من به تو پناه می‌برم در این روز یکشنبه و در یکشنبه‌ها که پس

مِنَ آلْآحادِ مِنَ آلشِّرْكِ وَ آلْإِلْحادِ، وَ أُخْلِصُ لَكَ دُعائی تَعَرُّضاً
از این فرا می‌رسد، از شرک و الحاد. و از روی خلوص دعا می‌کنم

لِلْإِجابَة، وَ أُقیمُ عَلیٰ طاعَتِكَ رَجاءً لِلْإِثابَةِ، فَصَلِّ عَلیٰ
تا اجابت شود و برای اینکه پاداش نصیبم گردد به طاعت تو بر می‌خیزم پس صلوات فرست

مُحَمَّدٍ خَیْرِ خَلْقِكَ آلدّاعی إِلیٰ حَقِّكَ، وَ أَعِزَّنی بِعِزِّكَ آلَّذی
بر محمّد بهترین آفریده‌ات که به حق تو دعوت کننده بود و مرا عزت ده به عزت تو که

لا یُضامُ، وَ آحْفَظْنی بِعَیْنِكَ آلَّتی لا تَنامُ، وَ آخْتِمْ بِالْإِنْقِطاعِ
زوال ناپذیر است و با دیده‌ات که به خواب نمی‌رود مرا نگاهدار و عمرم را با بریدن

إِلَیْكَ أَمْری، وَ بِالْمَغْفِرَةِ عُمْری، إِنَّكَ أَنْتَ آلْغَفُورُ آلرَّحیمُ.[1]
از همه و روی به سوی تو آوردن، و با آمرزیدن پایان بخش. همانا تو آمرزنده مهربان هستی.

● **دعای روز دوشنبه**

بِسْمِ آللهِ آلرَّحْمٰنِ آلرَّحیمِ آلْحَمْدُ لِلّٰهِ آلَّذی لَمْ یُشْهِدْ أَحَداً
بنام خداوند بخشندهٔ مهربان. سپاس خدایی را که هنگامی که آسمانها و زمین

حینَ فَطَرَ آلْأَرْضَ و آلسَّمٰواتِ، وَ لا آتَّخَذَ مُعیناً حینَ بَرَءَ
را گسترد هیچکس را به گواهی نطلبید و آنگاه که جانداران را آفرید هیچکس را به

آلنَّسَماتِ، لَمْ یُشارَكْ فِی آلْإِلٰهِیَّةِ وَ لَمْ یُظاهَرْ فِی آلْوَحْدانِیَّةِ،
یاری نگرفت. در خدایی شریک و در یکتایی پشتیبان ندارد.

---

۱. بحار الانوار / ۸۷ / ۱۶۴

كَلَّتِ ٱلْأَلْسُنُ عَنْ غٰايَةِ صِفَتِهِ وَ ٱلْعُقُولُ عَنْ كُنْهِ مَعْرِفَتِهِ،

زبان از نهایت صفت او و خرد از کُنه معرفت او ناتوان است.

وَ تَوٰاضَعَتِ ٱلْجَبٰابِرَةُ لِهَيْبَتِهِ، وَ عَنَتِ ٱلْوُجُوهُ لِخَشْيَتِهِ،

و جباران از هیبت او فروتن باشند و چهره‌ها از بیم او خاکسار

وَ ٱنْقٰادَ كُلُّ عَظِيمٍ لِعَظَمَتِهِ، فَلَهُ ٱلْحَمْدُ مُتَوٰاتِراً مُتَّسِقاً وَ مُتَوٰالِياً

و هر بزرگی در برابر بزرگی او تسلیم. پس حمد پیاپی و منظم و پیوسته

مُسْتَوْسِقاً (مُسْتَوْثِقاً «خ ل»)، وَ صَلَوٰاتُهُ عَلىٰ رَسُولِهِ أَبَداً

و متعاقب در حال انقیاد، او را سزاست. و صلوات او جاودانه بر فرستاده‌اش باد

وَ سَلاٰمُهُ دٰائِماً سَرْمَداً. اَللّٰهُمَّ ٱجْعَلْ أَوَّلَ يَوْمي هٰذٰا صَلاٰحاً

و سلام او پیوسته و همیشه نثار او باد . بارالها، آغاز[۲] امروز مرا صلاح

وَ أَوْسَطَهُ فَلاٰحاً وَ ٰاخِرَهُ نَجٰاحاً، وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ يَوْمٍ أَوَّلُهُ

و میانروز مرا رستگاری و پایانش را کامیابی قرارده. و از روزی که آغاز آن ناشکیبایی باشد

فَزَعٌ وَ أَوْسَطُهُ جَزَعٌ وَ ٰاخِرُهُ وَجَعٌ. اَللّٰهُمَّ إِنّي أَسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ

و میانروز آن بیقراری و پایان آن ناراحتی، به تو پناه می‌برم. بارالها، از[۲] هر پیمانی که بسته باشم

نَذْرٍ نَذَرْتُهُ وَ كُلِّ وَعْدٍ وَعَدْتُهُ وَ كُلِّ عَهْدٍ عٰاهَدْتُهُ ثُمَّ لَمْ أَفِ

و هر وعده‌ای که داده باشم و هر عهدی که بر عهده گرفته باشم و آنگاه به آن وفا نکرده باشم،

بِهِ، وَ أَسْئَلُكَ في مَظٰالِمِ عِبٰادِكَ عِنْدي فَأَيُّمٰا عَبْدٍ مِنْ عَبِيدِكَ

و از تو آمرزش می‌طلبم[۲] از حقوق بندگانت که نزد من[۲] باشد و حق هر بنده از بندگانت

أَوْ أَمَةٍ مِنْ إِمٰائِكَ كٰانَتْ لَهُ قِبَلي مَظْلِمَةٌ ظَلَمْتُهٰا إِيّٰاهُ في نَفْسِهِ

- از زن و مرد - که نزد من باشد که به جان یا به آبروی او

أَوْ في عِرْضِهِ أَوْ في مٰالِهِ أَوْ في أَهْلِهِ وَ وَلَدِهِ، أَوْ غيبَةٌ اَغْتَبْتُهُ

یا در مال و اهل و فرزندش ستمی کرده باشم، او را غیبتی کرده‌ام.

بِهٰا أَوْ تَحٰامُلٌ عَلَيْهِ بِمَيْلٍ أَوْ هَوىً أَوْ أَنَفَةٍ أَوْ حَمِيَّةٍ أَوْ رِيٰآءٍ

به میل و هوس ، یا از روی رشک یا حمیت یا ریا یا تعصب،

أَوْ عَصَبِيَّةٍ ، غٰآئِباً كٰانَ أَوْ شٰاهِداً وَحَيّاً كٰانَ أَوْ مَيِّتاً، فَقَصُرَتْ

در حضور یا غیابش، در زندگی یا مرگش، از او بدی گفته باشم، پس دستم از جبران کردن

يَدي وَضٰاقَ وُسْعي عَنْ رَدِّهٰا إِلَيْهِ وَ اَلتَّحَلُّلِ مِنْهُ، فَأَسْئَلُكَ

آن کوتاه و فرصتم تنگ شده و نتوانسته باشم از او تقاضا کنم که مرا حلال کند پس از تو می‌خواهم

يٰا مَنْ يَمْلِكُ اَلْحٰاجٰاتِ وَ هِيَ مُسْتَجيبَةٌ لِمَشِيَّتِهِ وَ مُسْرِعَةٌ إِلىٰ

ـ ای که مالک خواسته‌هایی و اجابت آن زیر فرمان تو و سرعت صورت گرفتنش

إِرٰادَتِهِ أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تُرْضِيَهُ عَنّي

به ارادهٔ توست ـ که بر محمّد و آل محمّد صلوات فرستی و او را به هر نحو که خواهی

بِمٰا شِئْتَ، وَ تَهَبَ لي مِنْ عِنْدِكَ رَحْمَةً، إِنَّهُ لاٰ تَنْقُصُكَ اَلْمَغْفِرَةُ،

از من خشنود فرمایی و بر من رحمت فرستی؛ همانا که آمرزش از تو نمی‌کاهد

وَ لاٰ تَضُرُّكَ اَلْمَوْهِبَةُ، يٰا أَرْحَمَ اَلرّٰاحِمينَ. اَللّٰهُمَّ أَوْلِني في كُلِّ يَوْمِ

و بخشایش به تو زیان نمی‌رساند ای مهربان‌ترین مهربانان. بارالها، هر دوشنبه

اَثْنَيْنِ نِعْمَتَيْنِ مِنْكَ ثِنْتَيْنِ، سَعٰادَةً في أَوَّلِهِ بِطٰاعَتِكَ وَ نِعْمَةً في اٰخِرِهِ

دو نعمت عطا فرما: سعادتی که آغاز آن پیروی و فرمانبرداری تو و پایان آن نعمت

بِمَغْفِرَتِكَ، يٰا مَنْ هُوَ ٱلْإِلٰهُ وَ لاٰ يَغْفِرُ ٱلذُّنُوبَ سِوٰاهُ.[۱]

آمرزش تو باشد. ای کسی که او إله است و جز او هیچکس گناهان را نیامرزد.

● دعای روز سه‌شنبه

بِسْمِ ٱللهِ ٱلرَّحْمٰنِ ٱلرَّحِيمِ، ٱلْحَمْدُ لِلّٰهِ وَ ٱلْحَمْدُ حَقُّهُ كَمٰا

بنام خداوند بخشندهٔ مهربان. سپاس خدا را، و سپاس شایستهٔ اوست؛

يَسْتَحِقُّهُ حَمْداً كَثِيراً، وَ أَعُوذُ بِهِ مِنْ شَرِّ نَفْسِي إِنَّ ٱلنَّفْسَ

هم آن سان که سپاس فراوان او را سزد. و از شر نفس خویش به او پناه می‌برم که نفس

لَأَمّٰارَةٌ بِالسُّوءِ إِلاّٰ مٰا رَحِمَ رَبِّي، وَ أَعُوذُ بِهِ مِنْ شَرِّ ٱلشَّيْطٰانِ

به بدی فرمان می‌دهد؛ جز نفس آن کس که پروردگارم به او رحمت کند. و از شر شیطان

ٱلَّذِي يَزِيدُنِي ذَنْباً إِلىٰ ذَنْبِي، وَ أَحْتَرِزُ بِهِ مَنْ كُلِّ جَبّٰارٍ

- که گناه بر گناهم می‌افزاید - به او پناه می‌برم و از هر جبّار گناهکار و سلطان

فٰاجِرٍ، وَ سُلْطٰانٍ جٰائِرٍ، وَعَدُوٍّ قٰاهِرٍ. اَللّٰهُمَّ ٱجْعَلْنِي مِنْ جُنْدِكَ

ستمگر و دشمن مسلط، به پیشگاه او پناهنده می‌گردم. بارالها، مرا از لشکریان خود قرارده

فَإِنَّ جُنْدَكَ هُمُ ٱلْغٰالِبُونَ، وَ ٱجْعَلْنِي مِنْ حِزْبِكَ فَإِنَّ حِزْبَكَ

که لشکریان تو چیره‌اند و مرا از حزب خود به حساب آور که حزب تو

هُمُ ٱلْمُفْلِحُونَ، وَ ٱجْعَلْنِي مِنْ أَوْلِيٰائِكَ فَإِنَّ أَوْلِيٰائَكَ لاٰ خَوْفٌ

رستگارانند. و مرا از دوستان خویش معین فرمای که دوستان تو نه بمناکند

عَلَيْهِمْ وَ لاٰ هُمْ يَحْزَنُونَ، اَللّٰهُمَّ أَصْلِحْ لِي دِينِي فَإِنَّهُ عِصْمَةُ

و نه اندوهگین شوند. بار خدایا، دین مرا اصلاح فرمای که آن نگاهدار من است

۱. بحار الانوار ۸۷/ ۱۷۶.

أَمْرِي، وَ أَصْلِحْ لِي اٰخِرَتِي فَإِنَّهٰا دٰارُ مَقَرِّي وَ إِلَيْهٰا مِنْ

و آخرت مرا اصلاح کن که آن سرای قرارگاه من است و از

مُجٰاوَرَةِ اللِّئٰامِ مَفَرِّي، وَ اجْعَلِ الْحَيٰوةَ زِيٰادَةً لِي فِي كُلِّ

همسایگی فرومایگان به آن فرار می‌کنم. زندگی را برای من افزایش

خَيْرٍ، وَ الْوَفٰاةَ رٰاحَةً لِي مِنْ كُلِّ شَرٍّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ خٰاتَمِ

در امر خیر قرار ده و وفات را آسودگی از هر شر. بار خدایا، بر محمّد خاتم

النَّبِيّينَ وَ تَمٰامِ عِدَّةِ الْمُرْسَلِينَ، وَ عَلىٰ اٰلِهِ الطَّيِّبِينَ الطّٰاهِرِينَ

پیمبران و کامل کنندهٔ عدهٔ فرستادگان، بر خاندان طیب و طاهر او صلوات فرست

وَ أَصْحٰابِهِ الْمُنْتَجَبِينَ، وَهَبْ لِي فِي الثُّلَثٰاءِ ثَلاٰثاً: لاٰ تَدَعْ

و بر یاران بر گزیده‌اش. و در سه شنبه سه چیز بر من ببخش: برای من

لِي ذَنْباً إِلّٰا غَفَرْتَهُ وَ لاٰ غَمّاً إِلّٰا أَذْهَبْتَهُ،وَ لاٰ عَدُوّاً إِلّٰا دَفَعْتَهُ،

گناهی مگذار و آن را بیامرز، اندوهی مگذار و آن را از بین ببر و دشمنی مگذار و او را بران.

بِبِسْمِ اللهِ خَيْرِ الْأَسْمٰاءِ، بِسْمِ اللهِ رَبِّ الْأَرْضِ وَ السَّمٰاءِ، أَسْتَدْفِعُ

سوگند به نام اللّه که بهترین اسمهاست، به نام اللّه پروردگار زمین و آسمان

كُلَّ مَكْرُوهٍ أَوَّلُهُ سَخَطُهُ، وَ أَسْتَجْلِبُ كُلَّ مَحْبُوبٍ أَوَّلُهُ

هر مکروهی را که اولش خشم اوست از خود دور می‌کنم و هر دلخواهی را که آغازش

رِضٰاهُ فَاخْتِمْ لِي مِنْكَ بِالْغُفْرٰانِ يٰا وَلِيَّ الْإِحْسٰانِ.[1]

خشنودی اوست به خود جلب می‌سازم. پس ای صاحب احسان، کار مرا به آمرزش پایان بخش.

۱. بحار الانوار/ ۸۷/ ۱۸۷

● دعای روز چهار شنبه

بِسْمِ ٱللهِ ٱلرَّحْمٰنِ ٱلرَّحِيمِ،ٱلْحَمْدُ لِلّٰهِ ٱلَّذي جَعَلَ ٱللَّيْلَ لِباساً

بنام خداوند بخشندهٔ مهربان. حمد خدایی را که شب را برای آسایش آفرید

وَ ٱلنَّوْمَ سُباتاً، وَ جَعَلَ ٱلنَّهارَ نُشُوراً، لَكَ ٱلْحَمْدُ أَنْ بَعَثْتَنی

و خواب را برای راحت و روز را برای حرکت و جستار. تو را حمد که مرا

مِنْ مَرْقَدي وَ لَوْ شِئْتَ جَعَلْتَهُ سَرْمَداً، حَمْداً دائِماً لا يَنْقَطِعُ

از خوابگاهم برانگیختی و اگر می‌خواستی، آن را خوابگاه جاوید می‌ساختی. حمد دایم، که هرگز

أَبَداً وَ لا يُحْصي لَهُ ٱلْخَلائِقُ عَدَداً. ٱللّٰهُمَّ لَكَ ٱلْحَمْدُ أَنْ

قطع نگردد و آفریدگان به شمارهٔ آن نرسند. بار خدایا، تو را حمد که

خَلَقْتَ فَسَوَّيْتَ، وَ قَدَّرْتَ وَ قَضَيْتَ، وَ أَمَتَّ وَ أَحْيَيْتَ،

آفریدی و آفرینش را استوار و مرتب کردی؛ اندازه عطا فرمودی و فرمان دادی؛ می‌راندی و زنده گرداندی؛

وَ أَمْرَضْتَ وَ شَفَيْتَ، وَ عافَيْتَ وَ أَبْلَيْتَ، وَ عَلَى ٱلْعَرْشِ

بیمار کردی و بهبودی بخشیدی؛ عافیت دادی و به بلا آزمودی؛ بر عرش

ٱسْتَوَيْتَ وَ عَلَى ٱلْمُلْكِ ٱحْتَوَيْتَ، أَدْعُوكَ دُعاءَ مَنْ ضَعُفَتْ

استواری و بر فلک اختیار داری. تو را می‌خوانم؛ خواندن کسی که وسیله‌اش

وَسيلَتُهُ، وَ ٱنْقَطَعَتْ حيلَتُهُ،وَ ٱقْتَرَبَ أَجَلُهُ،وَ تَدانىٰ فِي ٱلدُّنْيا

ضعیف است و چاره‌جویی او گسیخته و اجلش نزدیک؛ و در دنیا آرزویش

أَمَلُهُ، وَ ٱشْتَدَّتْ إِلىٰ رَحْمَتِكَ فاقَتُهُ، وَ عَظُمَتْ لِتَفْريطِهِ

گریبانگیر و نیازش به رحمت تو بسیار؛ و حسرتش برای تقصیرش

حَسْرَتُهُ، وَ كَثُرَتْ زَلَّتُهُ وَ عَثْرَتُهُ، وَ خَلُصَتْ لِوَجْهِكَ تَوْبَتُهُ،
بزرگ و لغزش و فروافتادنش فراوان و توبه‌اش به درگاهت خالص.

فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ خاتَمِ ٱلنَّبِيّينَ، وَ عَلىٰ أَهْلِ بَيْتِهِ ٱلطَّيِّبينَ
پس، صلوات فرست بر خاتم پیمبران و بر اهل بیت طیب

ٱلطّاهِرينَ، وَ ٱرْزُقْني شَفاعَةَ مُحَمَّدٍ صَلَّى ٱللّٰهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ،
و طاهر او. و شفاعت محمد صلی الله علیه و آله را روزی من گردان

وَ لا تَحْرِمْني صُحْبَتَهُ إِنَّكَ أَنْتَ أَرْحَمُ ٱلرّاحِمينَ. اَللّٰهُمَّ
و از مصاحبت او محرومم مفرمای که تو مهربان‌ترین مهربانانی. بارالها،

اقْضِ لي فِي ٱلْأَرْبَعاءِ أَرْبَعاً اِجْعَلْ قُوَّتي في طاعَتِكَ وَ نَشاطي
در روز چهارشنبه چهار حاجت مرا برآور: نیروی مرا در طاعت خود قرارده؛ فعالیت مرا

في عِبادَتِكَ وَ رَغْبَتي في ثَوابِكَ وَ زُهْدي فيما يُوجِبُ لي
در بندگی خود؛ اشتیاق مرا در ثواب؛ و پرهیزکاری مرا از آنچه مایهٔ عذاب

أَليمَ عِقابِكَ، إِنَّكَ لَطيفٌ لِما تَشاءُ.[1]
دردناک گردد. و تو به هر چه خواهی بسیار لطیف و عنایت داری.

● دعای روز پنجشنبه

بِسْمِ ٱللّٰهِ ٱلرَّحْمٰنِ ٱلرَّحيمِ، اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ ٱلَّذي أَذْهَبَ ٱللَّيْلَ
بنام خداوند بخشندهٔ مهربان. حمد خدایی را که شب تیره را به قدرت خود

مُظْلِماً بِقُدْرَتِهِ، وَ جاءَ بِالنَّهارِ مُبْصِراً بِرَحْمَتِهِ، وَ كَساني
می‌برد و روز روشن را به رحمت خود می‌آورد و روشنی آن را بر من می‌پوشاند؛ حال آن که

۱. بحار الانوار / ۸۷ / ۲۰۰

ضِيائَهُ وَ أَنَا في نِعْمَتِهِ. اَللّٰهُمَّ فَكَما أَبْقَيْتَني لَهُ فَأَبْقِني لِأَمْثالِهِ،

من مشمول نعمت اویم. بارالها، چنانکه مرابرای آن روز باقی گذاشتی، پس برای روزهای دیگر نیز

وَ صَلِّ عَلَى النَّبِيِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ لا تَفْجَعْني فيهِ وَ في غَيْرِهِ

باقی دار؛ و بر پیمبر، محمّد و بر خاندان او درود فرست. و در این روز و در سایر شبها

مِنَ اللَّيالي وَ الْأَيّامِ بِارْتِكابِ الْمَحارِمِ وَ اكْتِسابِ الْمَآثِمِ،

و روزها، با مرتکب شدن کارهای حرام ودست زدن به گناهان، مصیبت زده‌ام مفرمای

وَ ارْزُقْني خَيْرَهُ وَ خَيْرَ ما فيهِ وَ خَيْرَ ما بَعْدَهُ، وَ اصْرِفْ عَنّي

و خیر آن روز و خیر آنچه را در آنست و خیر پس از آن را روزی من گردان و شر آن و شر

شَرَّهُ وَ شَرَّ ما فيهِ وَ شَرَّ ما بَعْدَهُ. اَللّٰهُمَّ إِنّي بِذِمَّةِ الْإِسْلامِ

آنچه در آنست و شر پس از آن را، از من بگردان. بارالها، من به علت تعهدی که به اسلام

أَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ، وَ بِحُرْمَةِ الْقُرْآنِ أَعْتَمِدُ عَلَيْكَ، وَ بِمُحَمَّدٍ

دارم به تو متوسل می‌گردم و به حرمت قرآن تو تکیه می‌کنم و به محمّد

الْمُصْطَفى ﷺ أَسْتَشْفِعُ لَدَيْكَ فَاعْرِفِ اللّٰهُمَّ ذِمَّتِيَ الَّتي

مصطفی ﷺ از تو شفاعت می‌طلبم. پس، بار خدایا، ذمهٔ مرا که به آن

رَجَوْتُ بِها قَضاءَ حاجَتي يا أَرْحَمَ الرّاحِمينَ. اَللّٰهُمَّ اقْضِ

امیدوارم تا نیازم بر آورده‌گردد، به حساب آور؛ ای ارحم الراحمین. بار خدایا،

لي فِي الْخَميسِ خَمْساً لا يَتَّسِعُ لَها إِلّا كَرَمُكَ، وَ لا يُطيقُها إِلّا

در روز پنجشنبه ، پنج نیاز مرا برآور که آن نیازها را جز کرم تو فرانگیرد و جز نعمت تو

نِعَمُكَ، سَلامَةً أَقْوى بِها عَلى طاعَتِكَ وَ عِبادَةً أَسْتَحِقُّ بِها جَزيلَ

توانائی آن را ندارد سلامتی که به عبادت تو نیرو داشته باشم و عبادتی که با آن شایستهٔ پاداش

مَثُوبَتِكَ، وَ سَعَةً فِي ٱلْحالِ مِنَ ٱلرِّزْقِ ٱلْحَلالِ، وَ أَنْ تُؤْمِنَني

فراوان تو گردم؛ و گشایش حال در روزی حلال؛ و اینکه مرا در موضع بیم و هراس با امنیت

فِي مَواقِفِ ٱلْخَوْفِ بِأَمْنِكَ، وَ تَجْعَلَني مِنْ طَوارِقِ ٱلْهُمُومِ وَ ٱلْغُمُومِ

خود ایمن گردانی؛ و از اندوه و غم نابود کنندهٔ مرا در دژ امنیت خویش

فِي حِصْنِكَ، وَ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ ٱجْعَلْ

حفظ فرمایی و بر محمّد و آل محمّد صلوات فرست و در روز رستاخیز

تَوَسُّلي بِهِ شافِعاً يَوْمَ ٱلْقِيٰمَةِ نافِعاً، إِنَّكَ أَنْتَ أَرْحَمُ ٱلرّاحِمينَ.[۱]

توسل مرا برای شفاعت به حضرت او سودمند قرار دهی. همانا که تو مهربانترین مهربانی.

● دعای روز جمعه

بِسْمِ ٱللهِ ٱلرَّحْمٰنِ ٱلرَّحيمِ، ٱلْحَمْدُ لِلّٰهِ ٱلْأَوَّلِ قَبْلَ ٱلْإِنْشاءِ

بنام خداوند بخشندهٔ مهربان. حمد خدایی را که پیش از پدید آوردن جهان هستی و جان

وَ ٱلْإِحْياءِ، وَ ٱلْآخِرِ بَعْدَ فَناءِ ٱلْأَشْياءِ، ٱلْعَليمِ ٱلَّذي لا يَنْسىٰ

بخشیدن، اول بود، و پس از نابودی همه چیز، آخر است. دانایی که فراموش نکند کسی را که به

مَنْ ذَكَرَهُ، وَ لا يَنْقُصُ مَنْ شَكَرَهُ، وَ لا يَخيبُ مَنْ دَعاهُ،

یاد اوست و نکاهد از کسی که شکرانهٔ او به‌جای آورد نکاهد و محروم نکند کسی را که خدا را بخواند.

وَ لا يَقْطَعُ رَجاءَ مَنْ رَجاهُ، اَللّٰهُمَّ إِنّي أُشْهِدُكَ وَ كَفىٰ بِكَ

و قطع نکند امید کسی را که امید وار به اوست خدایا تو را گواه میگیرم و گواهی تو بس،

شَهيداً، وَ أُشْهِدُ جَميعَ مَلائِكَتِكَ وَ سُكّانَ سَمٰواتِكَ وَ حَمَلَةَ

و گواه می‌گیرم همهٔ فرشتگان وساکنان آسمانهای تو را و حاملان

---

۱. بحارالانوار ۸۷/۲۱۱.

عَرْشِكَ، وَ مَنْ بَعَثْتَ مِنْ أَنْبِيٰآئِكَ وَ رُسُلِكَ، وَ أَنْشَأْتَ مِنْ
عرش تو را و هریک از پیمبران و فرستادگان که تو برانگیختی و از

أَصْنٰافِ خَلْقِكَ، أَنّي أَشْهَدُ أَنَّكَ أَنْتَ آللّٰهُ لاٰ إِلٰهَ إِلّاٰ أَنْتَ
آفریدگان گوناگونت که بوجود آوردی، و گواهی می‌دهم که تو خدایی یگانه‌ای

وَحْدَكَ لاٰ شَريكَ لَكَ، وَ لاٰ عَديلَ وَ لاٰ خُلْفَ لِقَوْلِكَ وَ لاٰ تَبْديلَ،
و شریک و مانندی نداری و گفتارت را خلاف و تبدیلی نباشد و گواهی می‌دهم

وَ أَنَّ مُحَمَّداً ﷺ عَبْدُكَ وَ رَسُولُكَ، أَدّىٰ مٰا حَمَّلْتَهُ إِلَى آلْعِبٰادِ،
که محمّد ﷺ بندهٔ تو و فرستادهٔ توست؛ هر چه بر عهده‌اش گذاشتی به بندگان رسانید

وَ جٰاهَدَ فِي آللّٰهِ عَزَّوَجَلَّ حَقَّ آلْجِهٰادِ، وَ أَنَّهُ بَشَّرَ بِمٰا هُوَ حَقٌّ
و در راه خدای عزیز و بزرگ حق جهاد را به جای آورد و همانا که او به آنچه از ثواب

مِنَ آلثَّوٰابِ، وَ أَنْذَرَ بِمٰا هُوَ صِدْقٌ مِنَ آلْعِقٰابِ. آللّٰهُمَّ ثَبِّتْني
سزاوار بود، مژده داد و به آنچه از عقاب راست بود،بیم داد. بارالها، مرا تا هنگامی که

عَلىٰ دينِكَ مٰا أَحْيَيْتَني وَ لاٰ تُزِغْ قَلْبي بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَني،
زندگی عطا می‌کنی، در دینت استوار فرمای و زان پس که هدایتم کردی روی دلم رابه باطل مگردان.

وَهَبْ لي مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ آلْوَهّٰابُ، صَلِّ عَلىٰ
و از پیشگاه خود مرارحمت بخش؛ همانا که تو بسی بخشنده‌ای. صلوات بر

مُحَمَّدٍ وَ عَلىٰ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ آجْعَلْني مِنْ أَتْبٰاعِهِ وَ شيعَتِهِ،
محمّد[ﷺ] و بر خاندان محمّد[ﷺ] نثار فرمای و مرا از پیروان و شیعیان او گردان

وَ آحْشُرْني في زُمْرَتِهِ وَ وَفِّقْني لِأَدٰآءِ فَرْضِ آلْجُمُعٰاتِ
و با گروه او محشور ساز و به ادای فریضه‌های جمعه و آنچه از طاعتها

وَ مٰا أَوْجَبْتَ عَلَيَّ فيهٰا مِنَ اَلطّٰاعٰاتِ، وَ قَسَمْتَ لِأَهْلِهٰا
که در آن روز بر من واجب ساخته‌ای توفیق ده و از عطایی که در

مِنَ اَلْعَطٰاءِ في يَوْمِ اَلْجَزٰاءِ، إِنَّكَ أَنْتَ اَلْعَزيزُ اَلْحَكيمُ.[1]
روز رستاخیز قسمت آنان کرده‌ای بهره‌مند کن؛ همانا که تو عزیز و حکیمی.

فصل ششم

زیارت چهارده معصوم ﷺ در ایّام هفته

صقربن ابی دلف در سامرّاء به حضور امام هادی ﷺ ـ در حالیکه آن حضرت در حبس متوکّل بود ـ می‌رسد و معنای این روایت را: ﴿لاٰ تُعٰادُوا اَلْأَيّٰامَ فَتُعٰادِيَكُمْ؛ با روزها دشمنی مکنید! که با شما دشمنی می‌کنند.﴾ می‌پرسد.

آن حضرت می‌فرماید: مراد از ایّام، ماییم و دشمنان و معادیان ما مورد غضب خداوند و غضب ما قرار می‌گیرند. شنبه، نام رسول خدا ﷺ و یکشنبه، امیر المؤمنین ﷺ و دوشنبه، حسنین ﷺ و سه‌شنبه، علیّ بن الحسین و محمّد بن علیّ وجعفر بن محمّد ﷺ و چهارشنبه موسی بن جعفر و علیّ بن موسیٰ و محمّد بن علیّ و علیّ بن محمّد ﷺ و پنجشنبه، حسن عسکری ﷺ و جمعه، حضرت ولیّ عصر ﷺ است.[2]

روایت در اینجا خاتمه یافته است و ارباب کتب ادعیه و مزار، زیارتهای ذیل‌را بنام آن معصومین نقل کرده‌اند. بسیار خوب است مؤمنین به عنوان رجاء با این زیارات به ساحت مقدّسشان عرض ادب کنند. طبق اخبار متواتر، پیامبر گرامی اسلام و خاندان معصوم آن حضرت، مقام والای شفاعت‌رادر رابطه با

---

۱. بحار الانوار / ۸۷ / ۱۳۴.
۲. بحار الانوار، جلد ۹۹، صفحه ۲۱۰

نیازهای دنیاو آخرت‌مردم دارند، و لازم است انسانِ معتقدبه امامت و عالم آخرت، درهر حاجت ومشکلی به‌آنهامتوسل شود و در حالی که مقدمات و اسباب ظاهری کار را فراهم می‌کند، توکل و اعتمادش به امداد غیبی، بیش از اسباب ظاهری باشد:

(وَأُقَدِّمُكُمْ أَمَامَ طَلِبَتِي وَ حَوَائِجِي فِي كُلِّ أَحْوَالِي وَأُمُورِي؛

شما را برای خواسته‌ها و حاجتهای خود در هر حالی شفیع قرار می‌دهم. زیارت جامعه کبیره)

و بداند که هر انسانی به محض فروبستن چشم از این جهان و گشودن آن به جهان دیگر، برزخ و قیامت، حکومت مطلقهٔ حضرت حق‌تعالی، جریان امور بدست فرشتگان و اِشراف و نظارتِ ارواحِ پاکِ معصومین را به روشنی مشاهده خواهد کرد و بدین جهت به همهٔ مؤمنان و معتقدانِ عالمِ پس از مرگ توصیه می‌شود روابط معنوی خود را با خاندان وحی و اهل بیت عصمت ﷺ قوی‌تر کنند و به وسیلهٔ دعا و زیارت ـ هر چند از دور ـ و رعایت مراسم روزهای ولادت و سوگواری آنها، رضایت خداوند و خیر دنیا و سعادت عقبا را تحصیل نمایند، که از جملهٔ آنها مواظبت به زیارت ایام هفته است:

روز شنبه ـ به قصد زیارت رسول خدا ﷺ بگو:

أَشْهَدُ أَنْ لا إِلٰهَ إِلَّا ٱللّٰهُ وَحْدَهُ لا شَرِيكَ لَهُ، وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ

گواهی می‌دهم که خدایی نیست جز اَللّٰه؛ یگانه است و بی شریک و گواهی می‌دهم که تو

رَسُولُهُ وَ أَنَّكَ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ ٱللّٰهِ، وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ بَلَّغْتَ

فرستادهٔ اویی و همانا تو محمّد فرزند عبداَللّٰه می‌باشی. و گواهی می‌دهم که تو

رِسَالاتِ رَبِّكَ وَ نَصَحْتَ لِأُمَّتِكَ، وَ جَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ ٱللّٰهِ

رسالتهای پروردگارت را رساندی و برای امتت خیر خواهی نمودی و در راه خدا

بِالْحِكْمَةِ وَ الْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ، وَ أَدَّيْتَ الَّذي عَلَيْكَ مِنَ
با حکمت و موعظهٔ شایسته باز کوشیدی و حقی که بر گردنت[۲] بود ادا فرمودی

الْحَقِّ، وَ أَنَّكَ قَدْ رَؤُفْتَ بِالْمُؤْمِنينَ وَ غَلَظْتَ عَلَى الْكافِرينَ،
و همانا که به مؤمنین، مهر ورزیدی و با کافران خشن بودی

وَ عَبَدْتَ اللهَ مُخْلِصاً حَتّٰى أَتيٰكَ الْيَقينُ، فَبَلَغَ اللهُ بِكَ أَشْرَفَ
و همهٔ عمر مخلصانه خدا راعبادت کردی پس خداوند ترا به شریف‌ترین مقام بندگان

مَحَلِّ الْمُكَرَّمينَ، اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذي اسْتَنْقَذَنا بِكَ مِنَ الشِّرْكِ
گرامی رسانید سپاس خدای را که به وسیلهٔ تو ما را از شرک و گمراهی

وَ الضَّلالِ، اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ اجْعَلْ صَلَواتِكَ
برهانید. بار خدایا، بر محمّد و خاندان او صلوات فرست و صلوات تو و

وَ صَلَواتِ مَلائِكَتِكَ وَ أَنْبِيائِكَ وَ الْمُرْسَلينَ، وَ عِبادِكَ
صلوات فرشتگانت و پیمبرانت و رسولان و بندگان

الصّالِحينَ، وَ أَهْلِ السَّمٰواتِ وَ الْأَرَضينَ وَ مَنْ سَبَّحَ لَكَ
صالحت و اهل آسمانها و زمینها و هر تسبیحگوی تو

يا رَبَّ الْعالَمينَ مِنَ الْأَوَّلينَ وَ الْآخِرينَ، عَلىٰ مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ
ای پروردگار جهانیان از نخست تا پایان بر محمد بنده

وَ رَسُولِكَ وَ نَبِيِّكَ وَ أَمينِكَ وَ نَجيبِكَ وَ حَبيبِكَ وَ صَفِيِّكَ
و فرستادهٔ تو و پیمبر تو و امین تو و نجیب تو و حبیب تو و برگزیده تو

وَ صَفْوَتِكَ وَ خاصَّتِكَ وَ خالِصَتِكَ وَ خِيَرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ،
و بندهٔ پاک و مخصوص و خالص و بهترین آفریدهٔ تو باد

وَ أَعْطِهِ ٱلْفَضْلَ وَ ٱلْفَضِيلَةَ وَ ٱلْوَسِيلَةَ، وَ ٱلدَّرَجَةَ ٱلرَّفِيعَةَ،

و به او فضل و فضیلت و وسیله و مرتبهٔ بلند بخش

وَ ٱبْعَثْهُ مَقاماً مَحْمُوداً يَغْبِطُهُ بِهِ ٱلْأَوَّلُونَ وَ ٱلْآخِرُونَ، ٱللّٰهُمَّ

و او را به مقامی محمود برانگیز که نخستین مردم جهان و آخرین آنان، مشتاق آن مقام باشند. بارخدایا،

إِنَّكَ قُلْتَ وَ لَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا ٱللّٰهَ

تو گفته‌ای که اگر آنانکه بر خویشتن ستم روا داشتند به درگاه تو روی آورند و از خدا آمرزش طلبند

وَ ٱسْتَغْفَرَ لَهُمُ ٱلرَّسُولُ لَوَجَدُوا ٱللّٰهَ تَوّاباً رَحِيماً، إِلٰهِي

و فرستاده تو[ص] برای آنان آمرزش طلبد، خدا را بسیار توبه پذیر و مهربان خواهند یافت. خدایا

فَقَدْ أَتَيْتُ نَبِيَّكَ مُسْتَغْفِراً تائِباً مِنْ ذُنُوبِي فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ

بسوی تو آمده‌ام بوسیلهٔ فرستاده‌ات، در حال طلب آمرزش و توبه از گناهانم پس صلوات فرست بر محمّد

وَ آلِهِ وَ ٱغْفِرْها لِي. يا سَيِّدَنا أَتَوَجَّهُ بِكَ وَ بِأَهْلِ بَيْتِكَ إِلَى

و آل او و بیامرز گناهانم را. ای سرور ما، روی آورده‌ام به تو و به اهل بیت تو،

ٱللّٰهِ تَعالىٰ رَبِّكَ وَ رَبِّي لِيَغْفِرَ لِي. (سپس ۳ بار بگو:) إِنّا لِلّٰهِ وَ إِنّا

به سوی خدای تعالی پروردگار تو و پروردگارم تا مرا بیامرزد. ما از خدا آمده‌ایم

إِلَيْهِ راجِعُونَ. (سپس بگو:) أُصِبْنا بِكَ يا حَبِيبَ قُلُوبِنا فَما أَعْظَمَ

و به سوی او بازمی‌گردیم. ای محبوب قلبهای ما، در مصیبت تو ما مصیبت زده‌ایم؛ چه بزرگ

ٱلْمُصِيبَةَ بِكَ حَيْثُ ٱنْقَطَعَ عَنَّا ٱلْوَحْيُ وَ حَيْثُ فَقَدْناكَ، فَإِنّا

است مصیبت تو. آنگاه که وحی از ما قطع گردید و تو را از دست دادیم از سوی

لِلّٰهِ وَ إِنّا إِلَيْهِ راجِعُونَ، يا سَيِّدَنا يا رَسُولَ ٱللّٰهِ صَلَواتُ ٱللّٰهِ

خدا آمده‌ایم و به سوی او باز می‌گردیم ؛ ای سرور ما،ای رسول خدا صلوات خدا

عَلَيْكَ وَ عَلىٰ آلِ بَيْتِكَ الطّاهِرِينَ (الطَّيِّبِينَ «خ ل»)، هٰذا يَوْمُ
بر تو و بر خاندان طیب و طاهر تو باد. امروز

اَلسَّبْتِ وَ هُوَ يَوْمُكَ و أَنَا فيهِ ضَيْفُكَ وَ جارُكَ، فَأَضِفْني
شنبه است و آن روز توست و من در این روز میهمان و پناهنده به توام. پس مرا بپذیر

وَ أَجِرْني، فَإِنَّكَ كَريمٌ تُحِبُّ الضِّيافَةَ وَ مَأْمُورٌ بِالْإِجارَةِ،
و پناهم ده که تو کریمی پذیرفتن میهمان را دوست داری و به پناه دادن، فرمان یافته‌ای.

فَأَضِفْني وَ أَحْسِنْ ضِيافَتي، وَ أَجِرْنا وَ أَحْسِنْ إِجارَتَنا،
پس مرا بپذیر و نیکو پذیرا باش و مرا پناه ده و نیکو پناهمان بخش.

بِمَنْزِلَةِ اللهِ عِنْدَكَ وَ عِنْدَ آلِ بَيْتِكَ، وَ بِمَنْزِلَتِهِمْ عِنْدَهُ،
سوگند به منزلت خدا نزد تو و به منزلت خاندان تو در پیشگاه خدا

وَ بِما اسْتَوْدَعَكُمْ مِنْ عِلْمِهِ، فَإِنَّهُ أَكْرَمُ الْأَكْرَمينَ.[1]
و سوگند به علمی که نزد شما به ودیعت نهاده است، پس او کریمترین کریم است.

روز یکشنبه ـ روز حضرت امیرالمؤمنین ؑ و حضرت زهراء مرضیه ؑ است.
زیارت آن دو بزرگوار بدین صورت است:

زیارت حضرت امیر المومنین ؑ

اَلسَّلامُ عَلَى الشَّجَرَةِ النَّبَوِيَّةِ وَ الدَّوْحَةِ الْهاشِمِيَّةِ، الْمُضيئَةِ
سلام بر درخت پیغمبری و شاخهٔ پر ثمر هاشمی که به وسیلهٔ پیغمبری درخشان

الْمُثْمِرَةِ بِالنُّبُوَّةِ، الْمُونِقَةِ بِالْإِمامَةِ، وَ عَلىٰ ضَجيعَيْكَ آدَمَ
و پر بار و به امامت شگفتی زای است و سلام بر آدم

---

۱. بحار الانوار/ ۹۹/ ۲۱۱-۲۱۲.

وَ نُوحٍ عَلَيْهِمَا ٱلسَّلاٰمُ، ٱلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ وَ عَلىٰ أَهْلِ بَيْتِكَ

و نوح علیهما سلام که دو همجوار قبر مطهر تواند. سلام بر تو و بر اهل بیت

ٱلطَّيِّبِينَ ٱلطَّاهِرِينَ، ٱلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ وَ عَلَى ٱلْمَلاٰئِكَةِ ٱلْمُحْدِقِينَ

طیّب و طاهر تو باد. سلام بر تو باد و بر فرشتگانی که پیرامون تو

بِكَ وَ ٱلْحَافِّينَ بِقَبْرِكَ يٰا مَوْلاٰيَ يٰا أَمِيرَ ٱلْمُؤْمِنِينَ، هٰذٰا يَوْمُ

و گرداگرد قبر پاکت در طوافند. ای سرور من، ای امیر مؤمنان، امروز

ٱلْأَحَدِ وَ هُوَ يَوْمُكَ وَ بِاسْمِكَ، وَ أَنَا ضَيْفُكَ فِيهِ وَ جٰارُكَ،

یکشنبه است و آن، روزتوست و به نام تو و من در اینروز میهمان تو و در پناه توام.

فَأَضِفْنِي يٰا مَوْلاٰيَ وَ أَجِرْنِي، فَإِنَّكَ كَرِيمٌ تُحِبُّ ٱلضِّيٰافَةَ وَ مَأْمُورٌ

پس، ای سرورم، مرابپذیر وپناه ده چه، تو کریم هستی و پذیرایی از میهمان را دوست می‌داری و مأمور

بِالْإِجٰارَةِ، فَافْعَلْ مٰا رَغِبْتُ إِلَيْكَ فِيهِ وَ رَجَوْتُهُ مِنْكَ، بِمَنْزِلَتِكَ

پناه دادنی.پس آنچه در این روز خواهانم و از تو امید برآوردنش را دارم،عمل فرمای. به منزلت تو

وَ آلِ بَيْتِكَ عِنْدَ ٱللهِ وَ مَنْزِلَتِهِ عِنْدَكُمْ وَ بِحَقِّ ٱبْنِ عَمِّكَ رَسُولِ ٱللهِ

و منزلت خاندانت در درگاه خدا، و به منزلت خدا نزد شما و به حق پسر عمویت رسول ٱللّه

صَلَّى ٱللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ وَ عَلَيْهِمْ (عَلَيْكُمْ «خ ل») أَجْمَعِينَ.[1]

صلی ٱللّه علیه وآله و سلّم و صلوات بر آنان و برشما همه بادا!.

زیارت حضرت فاطمهٔ زهرا علیها السلام

ٱلسَّلاٰمُ عَلَيْكِ يٰا مُمْتَحَنَةُ، ٱمْتَحَنَكِ ٱلَّذِي خَلَقَكِ فَوَجَدَكِ لِمٰا

سلام‌بر تو ای آزمایش شده. آنکه تو را آفریده، آزمودت. پس بر آنچه تو را آزمود بردبار

---

۱. بحار الانوار /۹۹/ ۲۱۲/ ۲۱۳.

آمْتَحَنَكِ صٰابِرَةً، أَنَا لَكِ مُصَدِّقٌ صٰابِرٌ عَلىٰ مٰا أَتىٰ بِهِ أَبُوكِ

یافت و من برآنچه پدرت آورد و وصی او آورد ـ صلوات اللّٰه علیهما تصدیق کننده

وَ وَصِيُّهُ صَلَوٰاتُ آللّٰهِ عَلَيْهِمٰا، وَ أَنَا أَسْئَلُكِ إِنْ كُنْتُ صَدَّقْتُكِ إِلّٰا

و پایدارم و من از تو درخواست دارم ـ اگر تصدیق من پذیرفته باشد به سبب آن مرا

أَلْحَقْتِني بِتَصْديقي لَهُمٰا لِتُسِرَّ نَفْسي فَاشْهَدي أَنّي ظٰاهِرٌ (طاهِرٌ

در تقرب به درگاهشان یاری فرمایی تا روانم را شاد گردانی. پس گواه من باش که من

«خ ل») بِوَلاٰيَتِكِ وَ وِلاٰيَةِ آلِ بَيْتِكِ صَلَوٰاتُ آللّٰهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعينَ.[1]

به ولایت تو و ولایت آل بیت تو ـ که صلوات خدا بر همهٔ آنان باد آشکارا اقرار دارم.

دوشنبه ـ روزحضرت امام حسن وحضرت امام حسین ﷺ است. زیارت آن دو بزرگوار بدین صورت است:

زیارت حضرت امام حسن ﷺ

آلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ يٰا بْنَ رَسُولِ رَبِّ آلْعٰالَمينَ، آلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ

سلام بر تو ای پسر رسول پروردگار جهانیان. سلام بر تو ای

يٰا بْنَ أَميرِ آلْمُؤْمِنينَ، آلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ يٰا بْنَ فٰاطِمَةَ آلزَّهْرٰاءِ،

پسر امیر مؤمنان. سلام بر تو ای پسر فاطمهٔ زهرا.

آلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ يٰا حَبيبَ آللّٰهِ، آلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ يٰا صِفْوَةَ آللّٰهِ،

سلام بر تو ای حبیب خدا. سلام بر تو ای برگزیدهٔ خدا.

آلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ يٰا أَمينَ آللّٰهِ، آلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ يٰا حُجَّةَ آللّٰهِ،

سلام بر تو ای امین خدا. سلام بر تو ای حجت خدا.

---

۱. همان.

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا نُورَ اللهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا صِراطَ اللهِ،
سلام بر تو ای نور خدا. سلام بر تو ای راه خدا.

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا بَيانَ حُكْمِ اللهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا ناصِرَ دينِ اللهِ،
سلام بر تو ای بیان حکم خدا. سلام بر تو ای یاور دین خدا.

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ أَيُّهَاالسَّيِّدُ الزَّكِيُّ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْبَرُّ الْوَفِيُّ،
سلام بر تو ای بزرگوار پاک. سلام بر تو ای نیکو کردار با وفا.

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْقائِمُ الْأَمينُ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعالِمُ
سلام بر تو ای قیام کنندهٔ امین. سلام بر تو ای دانا

بِالتَّأْويلِ،اَلسَّلامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْهادِي الْمَهْدِيُّ،اَلسَّلامُ عَلَيْكَ
به تأویل آیات قرآن سلام بر تو ای هدایتگر هدایت یافته. سلام بر تو

أَيُّهَا الطّاهِرُ الزَّكِيُّ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا التَّقِيُّ النَّقِيُّ، اَلسَّلامُ
ای پاک پاکیزه. سلام بر تو ای پارسای برگزیده. سلام

عَلَيْكَ أَيُّهَا الْحَقُّ الْحَقيقُ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الشَّهيدُ الصِّدّيقُ،
بر تو ای حق حقیق. سلام بر تو ای گواه راستین.

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا أَبا مُحَمَّدٍ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ وَ رَحْمَةُ اللهِ وَ بَرَكاتُهُ.
سلام بر تو ای ابا محمد حسن فرزند علی و رحمت و برکات خدا بر تو باد

زیارت حضرت امام حسین ﷺ

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ رَسُولِ اللهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ أَميرِ الْمُؤْمِنينَ،
سلام بر تو باد ای فرزند رسول اَللّه. سلام بر تو باد ای فرزند امیر المؤمنین.

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ سَيِّدَةِ نِساءِ الْعالَمينَ، أَشْهَدُ أَنَّكَ

سلام بر تو باد ای پسر سرور بانوان جهانیان. گواهی می‌دهم که تو

أَقَمْتَ الصَّلٰوةَ وَ اٰتَيْتَ الزَّكٰوةَ، وَ أَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَيْتَ

نماز بر پای داشتی و زکات پرداختی‌و به کار نیکو فرمان دادی و از کار ناشایسته

عَنِ الْمُنكَرِ، وَ عَبَدْتَ اللّٰهَ مُخْلِصاً، وَ جاهَدْتَ فِي اللّٰهِ حَقَّ

جلوگیری فرمودی و خدا را از روی اخلاص پرستیدی و در راه خدا چنان که باید

جِهادِهِ حَتّىٰ أَتيٰكَ الْيَقينُ، فَعَلَيْكَ السَّلامُ مِنّي ما بَقيتُ

جهاد کردی تا به یقین دست یافتی. پس، تا من باقیم و شب و روز باقی است از من

وَ بَقِيَ اللَّيْلُ وَ النَّهارُ، وَ عَلىٰ اٰلِ بَيْتِكَ الطَّيِّبينَ الطّاهِرينَ،

بر تو سلام باد. و سلام بر خاندان طیب و طاهرت باد.

أَنَا يا مَوْلايَ مَوْلىً لَكَ وَ لِاٰلِ بَيْتِكَ، سِلْمٌ لِمَنْ سالَمَكُمْ

من، ای مولای من، خدمتگزار تو و خاندانت هستم. تسلیم آن کس هستم که تسلیم شماست

وَ حَرْبٌ لِمَنْ حارَبَكُمْ، مُؤْمِنٌ بِسِرِّكُمْ وَ جَهْرِكُمْ، وَ ظاهِرِكُمْ

و با او که با شما در جنگ باشد در جنگم. به‌نهان وآشکارتان و به ظاهر

وَ باطِنِكُمْ، لَعَنَ اللّٰهُ أَعْدآئَكُمْ مِنَ الْأَوَّلينَ وَ الْاٰخِرينَ، وَ أَنَا

و باطنتان ایمان دارم. خدا لعنت کند از نخستین تا آخرین دشمنان شما را و من به

أَبْرَءُ إِلَى اللّٰهِ تَعالىٰ مِنْهُمْ، يا مَوْلايَ يا أَبا مُحَمَّدٍ، يا مَوْلايَ

درگاه خدای تعالی‌از آنان بیزاری می‌جویم، ای مولای من ای ابا محمد . ای مولای من،

يا أَبا عَبْدِاللّٰهِ، هٰذا يَوْمُ الْإِثْنَيْنِ وَ هُوَ يَوْمُكُما وَ بِاسْمِكُما،

ای اباعبدالله ، امروز روزدوشنبه است و این روز شما دو امام و به نام شما دو امام است

وَ أَنَا فيهِ ضَيْفُكُمٰا، فَأَضيفٰاني وَ أَحْسِنٰا ضِيٰافَتي، فَنِعْمَ مَنِ

و من در این روز میهمان شمایم، پس مرا به میهمانی بپذیرید و نیکو پذیرایی فرمایید. خوشا آن کس که

اسْتُضيفَ بِهِ أَنْتُمٰا، وَ أَنَا فيهِ مِنْ جِوٰارِكُمٰا، فَأَجيرٰاني فَإِنَّكُمٰا

شما میزبان او باشید و من در این روز از پناهندگان شمایم. پس، پناهم دهید؛ همانا که شما

مَأْمُورٰانِ بِالضِّيٰافَةِ وَ الْإِجٰارَةِ، فَصَلَّى اللّٰهُ عَلَيْكُمٰا وَ آلِكُمٰا الطَّيِّبينَ.[1]

به ضیافت و پناه دادن فرمان دارید. پس، صلوات خدا بر شما دو بزرگوار و بر خاندان پاکیزهٔ شما باد.

روز سه‌شنبه ـ به اسم حضرت امام زین العابدین و امام محمد باقر و امام جعفر صادق ﷺ است. زیارت کن ایشان را بدین زیارت:

اَلسَّلاٰمُ عَلَيْكُمْ يٰا خُزّٰانَ عِلْمِ اللّٰهِ، اَلسَّلاٰمُ عَلَيْكُمْ يٰا تَرٰاجِمَةَ

سلام بر شما باد ای گنجینه‌های عِلم خدا. سلام بر شما باد ای ترجمان

وَحْيِ اللّٰهِ، اَلسَّلاٰمُ عَلَيْكُمْ يٰا أَئِمَّةَ الْهُدىٰ، اَلسَّلاٰمُ عَلَيْكُمْ

وحی اللّه. سلام بر شما باد ای پیشوایان هدایت. سلام بر شما باد

يٰا أَعْلاٰمَ التُّقىٰ، اَلسَّلاٰمُ عَلَيْكُمْ يٰا أَوْلاٰدَ رَسُولِ اللّٰهِ، أَنَا عٰارِفٌ

ای نشانه‌های پرهیزگاری. سلام بر شما باد ای فرزندان رسول اللّه ﷺ. من حق

بِحَقِّكُمْ، مُسْتَبْصِرٌ بِشَأْنِكُمْ، مُعٰادٍ لِأَعْدٰائِكُمْ، مُوٰالٍ لِأَوْلِيٰائِكُمْ،

شما را می‌شناسم و به شأن شما بصیرت یافته‌ام. دشمن دشمنان شما و دوستدار دوستداران شمایم.

بِأَبي أَنْتُمْ وَ أُمّي، صَلَوٰاتُ اللّٰهِ عَلَيْكُمْ، اَللّٰهُمَّ إِنّي أَتَوٰالىٰ

پدر و مادرم فدای شما باد؛ صلوات خدا نثار شما باد. بار خدایا، آخرینشان را

---

۱. بحار الانوار، جلد ۹۹، صفحه ۲۱۳.

اٰخِرَهُمْ كَمٰا تَوٰالَیْتُ اَوَّلَهُمْ، وَ أَبْرَءُ مِنْ كُلِّ وَلیجَةٍ دُونَهُمْ

همانگونه دوست می‌دارم که اولینشان را؛ و کفر می‌ورزم

وَ أَكْفُرُ بِالْجِبْتِ وَ اَلطّٰاغُوتِ وَ اَللاّٰتِ وَ اَلْعُزّٰى، صَلَوٰاتُ اَللّٰهِ

به جبت و طاغوت و لات و عزیٰ. صلوات خدا

عَلَیْكُمْ یٰا مَوٰالِیَّ وَ رَحْمَةُ اَللّٰهِ وَ بَرَكٰاتُهُ، اَلسَّلاٰمُ عَلَیْكَ

بر شما باد ای سروران من و رحمت و برکات او. سلام بر تو

یٰا سَیِّدَ اَلْعٰابِدینَ وَ سُلاٰلَةَ اَلْوَصِیّینَ، اَلسَّلاٰمُ عَلَیْكَ یٰا بٰاقِرَ

ای سرور عبادت کنندگان و چکیدهٔ اوصیاء. سلام بر تو ای باقر

عِلْمِ اَلنَّبِیّینَ، اَلسَّلاٰمُ عَلَیْكَ یٰا صٰادِقاً مُصَدَّقاً فِی اَلْقَوْلِ

و شکافندهٔ علم پیمبران. سلام بر تو ای که در گفتار و کردار صادق

وَ اَلْفِعْلِ، یٰا مَوٰالِیَّ هٰذٰا یَوْمُكُمْ وَ هُوَ یَوْمُ اَلثُّلَثٰاءِ، وَ أَنَا فیهِ

و گواهی شده‌ای . ای سروران من، امروز روز شماست و آن، روز سه‌شنبه است و من در این روز

ضَیْفٌ لَكُمْ وَ مُسْتَجیرٌ بِكُمْ، فَأَضیفُونی وَ أَجیرُونی بِمَنْزِلَةِ

میهمان شما و پناهندهٔ به شمایم. پس شما را به حق منزلت خدا نزد شما

اَللّٰهِ عِنْدَكُمْ وَ اٰلِ بَیْتِكُمُ اَلطَّیِّبینَ اَلطّٰاهِرینَ.[۱]

و خاندان طیب و طاهر شما سوگند می‌دهم که مرا بپذیرید و پناه دهید.

روز چهارشنبه ـ به اسم حضرت موسی بن جعفر و امام رضا و امام محمد تقی و امام علیّ النّقی ﷺ است. بگو در زیارت ایشان:

۱. بحار الانوار، جلد ۹۹، صفحه ۲۱۴.

اَلسَّلامُ عَلَيْكُمْ يا أَوْلِياءَ اللهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكُمْ يا حُجَجَ اللهِ،
سلام بر شما ای اولیای خدا. سلام بر شما ای حجتان خدا.

اَلسَّلامُ عَلَيْكُمْ يا نُورَ اللهِ في ظُلُماتِ الْأَرْضِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكُمْ
سلام بر شما ای نور خدا در تاریکی‌های زمین سلام بر شما،

صَلَواتُ اللهِ عَلَيْكُمْ وَ عَلىٰ آلِ بَيْتِكُمُ الطَّيِّبينَ الطّاهِرينَ، بِأَبي
صلوات خدا بر شما و بر آل بیت طیب و طاهر شما. پدر و مادرم

أَنْتُمْ وَ أُمّي لَقَدْ عَبَدْتُمُ اللهَ مُخْلِصينَ، وَ جاهَدْتُمْ فِي اللهِ حَقَّ
فدای شما؛ همانا که خدا را از سر اخلاص پرستیدید و در راه خدا در خور او

جِهادِهِ حَتّىٰ أَتيٰكُمُ الْيَقينُ، فَلَعَنَ اللهُ أَعْدآئَكُمْ مِنَ الْجِنِّ
جهاد کردید تا به یقین رسیدید. پس خدا همهٔ دشمنان شما را از جن

وَ الْإِنْسِ أَجْمَعينَ، وَ أَنَا أَبْرَءُ إِلَى اللهِ وَ إِلَيْكُمْ مِنْهُمْ، يا مَوْلايَ
و انس لعنت کند و من از آنان به درگاه خدا و نزد شما بیزاری می‌جویم. ای مولای من،

يا أَبا إِبْراهيمَ مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ، يا مَوْلايَ يا أَبَا الْحَسَنِ عَلِيَّ
ای ابا ابراهیم موسی بن جعفر؛ ای سرور من، ای ابوالحسن علی

ابْنَ مُوسىٰ، يا مَوْلايَ يا أَبا جَعْفَرٍ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ، يا مَوْلايَ
بن موسی؛ ای مولای من، ای ابوجعفر محمد بن علی، ای مولای من،

يا أَبَا الْحَسَنِ عَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ، أَنَا مَوْلىً لَكُمْ مُؤْمِنٌ بِسِرِّكُمْ وَ جَهْرِكُمْ
ای ابوالحسن علی بن محمد؛ من خدمتگزار شمایم و به نهان و آشکارتان مؤمنم

مُتَضَيِّفٌ بِكُمْ في يَوْمِكُمْ هٰذا وَ هُوَ يَوْمُ الْأَرْبَعاءِ وَ مُسْتَجيرٌ
و در این روز که چهارشنبه است و روز شماست، میهمان شمایم و پناهندهٔ به شما.

بِكُمْ فَأَضيفُوني وَ أَجيرُوني بِآلِ بَيْتِكُمْ ٱلطَّيِّبينَ ٱلطَّاهِرينَ.

پس شما را سوگند به خاندان طیب و طاهرتان که مرا ضیافت و میزبانی فرمایید و پناه دهید.

روز پنجشنبه ـ روز حضرت امام حسن عسکری ﷺ است. بگو در زیارت آن حضرت:

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وَلِيَّ ٱللهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا حُجَّةَ ٱللهِ وَ خالِصَتَهُ،

سلام بر تو باد ای ولی الله. سلام بر تو باد ای حجة الله و برگزیدهٔ پاک او.

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا إِمامَ ٱلْمُؤْمِنينَ وَ وارِثَ ٱلْمُرْسَلينَ، وَ حُجَّةَ رَبِّ

سلام بر تو باد ای پیشوای مؤمنان و وارث مُرسلان و حجت پروردگار

ٱلْعالَمينَ، صَلَّى ٱللهُ عَلَيْكَ وَ عَلىٰ آلِ بَيْتِكَ ٱلطَّيِّبينَ ٱلطَّاهِرينَ،

جهانیان. صلوات خدا بر تو باد و بر خاندان پاک و پاکیزه‌ات.

يا مَوْلايَ يا أَبا مُحَمَّدٍ ٱلْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ، أَنا مَوْلىً لَكَ وَ لِآلِ بَيْتِكَ،

ای سرور من، ای ابو محمد الحسن بن علی؛ من خدمتگزار تو و خاندان توام.

وَ هٰذا يَوْمُكَ وَ هُوَ يَوْمُ ٱلْخَميسِ، وَ أَنَا ضَيْفُكَ فيهِ وَ مُسْتَجيرٌ بِكَ

امروز که پنجشنبه می‌باشد روز توست و من در این روز میهمان تو

فيهِ فَأَحْسِنْ ضِيافَتي وَ إِجارَتي بِحَقِّ آلِ بَيْتِكَ ٱلطَّيِّبينَ ٱلطَّاهِرينَ.[1]

و پناهنده به توام. پس تو را به حق خاندان طیّب وطاهرشما سوگند که مرا به نیکویی بپذیر و پناه ده.

روز جمعه ـ روز حضرت صاحب الزّمان ﷺ و بنام آن جناب است و در چنین روزی ظهور خواهد فرمود. بگو در زیارت آن حضرت:

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا حُجَّةَ ٱللهِ في أَرْضِهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا عَيْنَ ٱللهِ

سلام بر شما ای حجت خدا در زمین او. سلام بر شما ای چشم خدا

---

۱. بحار الانوار / ۹۹ / ۲۱۲ / ۲۱۵.

فِي خَلْقِهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا نُورَ اللهِ الَّذِي يَهْتَدِي بِهِ الْمُهْتَدُونَ،

در آفرینش او. سلام بر شما ای نور خدا، که با آن نور هدایت شدگان هدایت گردند

وَ يُفَرَّجُ بِهِ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمُهَذَّبُ الْخائِفُ،

و مؤمنان را گشایش دست دهد و سلام بر شما ای مهذّب خدا ترس.

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْوَلِيُّ النّاصِحُ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا سَفِينَةَ

سلام بر شما ای ولیّ ناصح. سلام بر شما ای کشتی

النَّجاةِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا عَيْنَ الْحَياةِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ صَلَّى اللهُ

نجات. سلام بر شما ای سر چشمهٔ حیات. سلام بر شما و صلوات خدا

عَلَيْكَ وَعَلىٰ آلِ بَيْتِكَ الطَّيِّبِينَ الطّاهِرِينَ،اَلسَّلامُ عَلَيْكَ عَجَّلَ

بر شما و بر خاندان طیب و طاهر شما باد. سلام بر شما باد؛ خدا شتاب دهد

اللهُ لَكَ ما وَعَدَكَ مِنَ النَّصْرِ وَ ظُهُورِ الْأَمْرِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ

در نصرت دادن به شما و ظهور کردن امر شما. سلام بر شما

يا مَوْلايَ، أَنَا مَوْلاكَ عارِفٌ بِأُولٰيكَ وَ أُخْرٰيكَ، أَتَقَرَّبُ

ای سرور من. خدمتگزار شما هستم و به آغاز و انجام شما معرفت دارم و به خدای تعالی

إِلَى اللهِ تَعالىٰ بِكَ وَ بِآلِ بَيْتِكَ،وَأَنْتَظِرُ ظُهُورَكَ وَ ظُهُورَ الْحَقِّ

بوسیلهٔ شما و به وسیلهٔ خاندانت، نزدیکی می‌جویم؛ و در انتظار ظهور شما و ظهور حق

عَلىٰ يَدَيْكَ، وَ أَسْئَلُ اللهَ أَنْ يُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ،

به دست شما می‌باشم و از خدا می‌خواهم که بر محمّد و خاندان محمّد صلوات فرستد

وَ أَنْ يَجْعَلَنِي مِنَ الْمُنْتَظِرِينَ لَكَ، وَ التّابِعِينَ وَ النّاصِرِينَ لَكَ

و مرا از کسانی قرار دهد که در انتظار شما و از پیروان و نصرت دهندگان شما

عَلیٰ أَعْدآئِكَ، وَ ٱلْمُسْتَشْهَدِينَ بَيْنَ يَدَيْكَ فِي جُمْلَةِ أَوْلِيآئِكَ،
بر دشمنانت هستند و از شهیدان در حضور شما در گروه دوستانت قرار دهد.

يٰا مَوْلايَ يٰا صٰاحِبَ ٱلزَّمٰانِ، صَلَوٰاتُ ٱللهِ عَلَيْكَ وَ عَلیٰ
ای مولای من، یا صاحب الزمان صلوات‌خدا بر شما و بر اهل بیت شما باد،

آلِ بَيْتِكَ، هٰذٰا يَوْمُ ٱلْجُمُعَةِ وَ هُوَ يَوْمُكَ ٱلْمُتَوَقَّعُ فِيهِ ظُهُورُكَ،
امروز روز جمعه است و روز شماست و ظهور شما در چنین روزی انتظار می‌رود.

وَ ٱلْفَرَجُ فِيهِ لِلْمُؤْمِنِينَ عَلیٰ يَدَيْكَ، وَ قَتْلُ ٱلْكٰافِرِينَ بِسَيْفِكَ،
و در این روز گشایش گرفتاریهای مؤمنان به دست شما، و کشتار کافران به قدرت شما واقع می‌شود.

وَ أَنَا يٰا مَوْلايَ فِيهِ ضَيْفُكَ وَ جٰارُكَ، وَ أَنْتَ يٰا مَوْلايَ كَرِيمٌ مِنْ
و من، ای سرور من، در این روز میهمان و پناهنده به شما هستم و شما ای سرور من، کریم

أَوْلادِ ٱلْكِرٰامِ، وَ مَأْمُورٌ بِالضِّيٰافَةِ وَ ٱلْإِجٰارَةِ، فَأَضِفْنِي
و فرزند کریمان و مأموربه ضیافت و میزبانی و پناه دادن هستید. پس، مرا به میهمانی بپذیر

وَ أَجِرْنِي صَلَوٰاتُ ٱللهِ عَلَيْكَ وَ عَلیٰ أَهْلِ بَيْتِكَ ٱلطّٰاهِرِينَ.[1]
و پناه ده. صلوات خدا بر شما و بر اهل بیت پاک شما باد.

فصل هفتم

فضیلت شبها و روزهای جمعه

خداوند جهان فرشته‌ای را صبحگاهانِ هر شب و در شبهای هر جمعه، به نزدیکترین محلّ از بالای سر مردم نازل می‌فرماید، که ندا در دهد: آیا توبه

۱. بحار الانوار / ۹۹/ ۲۱۵/ ۲۱۶

کننده‌ای هست تا توبه‌اش را بپذیرم! ای طالبان خیر بیایید و ای دنبال کنندگان شر کوتاه آیید![۱] و خداوند تعالی از میان روزها چهار روز را به فضیلت و شرافت برگزید: روز جمعه، روز ترویه، روز عرفه و روز عید قربان.[۲]

و روز جمعه سیّد روزهاست و مقام آن در نزد خداوند از روز عید فطر و اضحی بالاتر است.[۳] در آنروز قائم ما خروج کند و هیچ عملی در آن از صلوات بر محمّد و اهل بیتش، افضل نباشد.[۴] و اگر کسی را بسوی پروردگار حاجتی باشد آنرا در سه وقت بخواهد: روز جمعه، و اوّل زوال آفتاب هر روز وساعت آخر شب هر شب.[۵] ودر روزجمعه ساعتی است که خداوند درخواست‌کننده را بی‌بهره ردّ نکند، و آن وقتی‌است که نصف قرص‌آفتاب غروب کرده‌باشد.[۶] در روی زمین روزی غروب نمی‌کند که آزاد شدگان آتش از روز جمعه بیشترباشد. کسی که درشب یا روز آن بمیرد ـ درصورتیکه معتقد به امامت اهل بیت باشد ـ عذاب قبرش بخشیده گردد.[۷]

و گاهی بنده‌ای دعا کند و اجابت آن را به روز جمعه حواله دهند. و خداوند از روزها، جمعه؛ از ماهها، رمضان و از شبها، شب قدر را برگزیده است.[۸] و آنگاه که پسران یعقوب از کردهٔ خویش پشیمان شده و از پدر طلب آمرزش نمودند یعقوب فرمود: شب جمعه برسد که در سحرِ آن برای شما دعا کنم.[۹]

جمعه‌بهترین روزی‌است که آفتاب در آن طلوع کند. در آن‌روز حضرت آدم

---

۱. بحار الانوار، جلد ۸۹، صفحه ۲۷۹ و الاحتجاج، صفحه ۲۲۳.
۲. بحار الانوار، جلد ۸۹، صفحه ۲۶۷، حدیث ۵.
۳. همان مدرک.
۴. بحار الانوار، جلد ۸۹، صفحه ۲۶۸، حدیث ۷ و خصال، جلد ۱، صفحه ۱۰۷.
۵. بحار الانوار، جلد ۸۹، صفحه ۲۶۹، ذیل حدیث ۷.
۶. بحار الانوار، جلد ۸۹، صفحه ۲۶۹، حدیث ۸.
۷. بحار الانوار، جلد ۸۹، صفحه ۲۷۲، حدیث ۱۴.
۸. بحار الانوار، جلد ۸۹، صفحه ۲۷۳، حدیث ۱۷.
۹. بحار الانوار، جلد ۸۹، صفحه ۲۷۱، حدیث ۱۳ و صفحه ۲۷۴، حدیث ۲۰.

آفریده شد،در آن به‌بهشت وارد گردید ودر آن از آنجا بیرون آمد. و نیز در آن روز قیامت بر پا گردد. خداوند در آن روز حسنات بندگان را دو برابر دهد. از گناهان درگذرد. مقام نیکان را بالا برده، دعاها را مستجاب فرماید. غصّه‌ها را از دلها بزداید و خواستهٔ بزرگ را عطا فرماید. کسی که آنرا بی احترام شمرد و انجام وظیفه نکند، مستحقّ آتش باشد.[1]

جمعه را حقّی است بزرگ و لازم. مبادا آنرا ضایع کنید، یا آنکه در عمل نیک و ترک محرّمات کوتاهی‌نمایید! همانافرمان پروردگار درشب جمعه در رسدو پیشاپیش آن‌دو فرشته‌ندا کنند: خداوندا! آن کس‌را که‌در راه‌تو انفاق کند عوض ده و مال آنکس راکه مضایقه کند نابود کن![2]

﴿... وَمٰا أَنْفَقْتُمْ مِنْ شَیْءٍ فَهُوَ یُخْلِفُهُ وَهُوَ خَیْرُ ٱلرّٰازِقِینَ[3] و هرچه در راه رضای‌خدا انفاق کنید،پاداش آن رابه شماخواهد داد و او بهترین روزی‌دهندگان است﴾.

شبها و روزهای جمعه را بهشتیان و دوزخیان نیز بفهمند؛ چه آنکه، بر نعمت آنان و بر عذاب و آتش اینان افزوده گردد. و کسی که بخواهد عمل خیری از قبیل تصدّق و روزه انجام دهد، خوب است که در روز جمعه باشد که پاداشش چند برابر گردد.[4] و ساعتی که امید اجابت دعا در آن بیشتر است، روز جمعه ساعت اوّل ظهر، و در نماز جمعه پس از فارغ شدن امام از خطبه تا آنگاه که صفها منظّم باشد، و ساعت آخر روز است تا وقتی که خورشید غروب کند.[5] چون روز جمعه و روز عید فطر و عید اضحی شود، فرشتهٔ رضوان که خازن بهشت است به دستور حقّ تعالی ندا دردهد: ای ارواح مؤمنین! شما آزادید؛ از غرفه‌های بهشتی در آئید و به زیارت خانواده و دوستان خود بروید. آنها با جلال و شکوه

---

۱. بحارالانوار، جلد ۸۹، صفحه ۲۷۴، حدیث ۲۰.

۲. بحارالانوار، جلد ۸۹، صفحه ۲۷۹ و تفسیر القمی، صفحه ۵۴۱.

۳. سباء، ۳۹.

۴. بحارالانوار، جلد ۸۹، صفحه ۲۸۳.

۵. بحارانوار، جلد ۸۹، صفحه ۲۸۴، حدیث ۳.

خاصّی سوی اهل دنیا رهسپار شوند؛ آنچه راکه شادی بخش است از وضعیّت اهل دنیا ببینند و خوشحال شوند، و آنچه راکه ملال آور است نبینند. و همانا اهل دوزخ پیوسته در عذاب و عقابند تا آنگاه که قیامت قیام کند.[۱] و البته مقامات اشخاص در این باره مختلف است.

اعمال شبها و روزهای جمعه

● اعمال شبهای جمعه

۱ـ خواندن سورهٔ مبارکهٔ یس، واقعه، جمعه، شعراء، قصص، احقاف و دخان.[۲]

۲ـ صلوات فرستادن بر محمّد ﷺ و اهل بیتش که هر چه بیشتر انجام دهد بهتر خواهد بود.[۳]

۳ـ دعا کردن در حقّ مرده‌ها و زنده‌های مؤمنان و درخواست مغفرت برای آنان و طلب رفع گرفتاری و قضای حوایج آنها؛ زیرا خداوند دعای مؤمن را در حقّ مؤمن دیگر زودتر بشنود و قبول فرماید و چند برابر آنرا به خود دعاکننده مرحمت کند.[۴]

۴ـ این دعا را بخواند که بنا بر نقل مرحوم کفعمی و شیخ طوسی و سیّدبن طاوس در شبهای جمعه و روزهای آن و در شب عرفه و روز آن وارد شده است:

اَللّٰهُمَّ مَنْ تَعَبَّأَ وَ تَهَيَّأَ وَ أَعَدَّ وَ ٱسْتَعَدَّ لِوِفٰادَةٍ إِلىٰ مَخْلُوقٍ،

پروردگارا، هر کس آماده و مهیا و مجهّز می‌گردد و به امید جایزه و عطا

---

۱. بحارانوار، جلد ۸۹، صفحه ۲۸۴، حدیث ۳۱.

۲. بحارالانوار، جلد ۸۹، صفحه ۲۸۹، حدیث ۲ و صفحه ۳۱۰ و ۳۱۳، حدیث ۲۰.

۳. بحارالأنوار، جلد ۸۹، صفحه ۲۸۹، حدیث ۳.

۴. بحارالانوار، جلد ۸۹ و صفحه ۳۱۳، حدیث ۱۹.

رَجٰاءَ رِفْدِهِ وَ طَلَبَ نٰائِلِهِ وَ جٰائِزَتِهِ، فَإِلَيْكَ يٰا رَبِّ تَعْبِئَتي

و طلب پاداش از مخلوقی، به او روی آورد؛ پس ای پروردگار من،

وَ تَهْيِئَتي وَ إِعْدٰادي وَ آسْتِعْدٰادي، رَجٰاءَ عَفْوِكَ وَ طَلَبَ

استعداد و آمادگی من به امید بخشش تو و درخواست عطا و جایزهٔ

نٰائِلِكَ وَ جٰائِزَتِكَ، فَلاٰ تُخَيِّبِ الْيَوْمَ دُعٰائي، يٰا مَنْ لاٰ تَخيبُ

تو است. پس دعایم را باز مگردان، ای که هیچ سائل از درگاهت

عَلَيْهِ سٰائِلٌ وَ لاٰ يَنْقُصُهُ نٰائِلٌ، فَإِنّي لَمْ آتِكَ ثِقَةً بِعَمَلٍ صٰالِحٍ

ناامید بازنگردد و هر کس از تو بخششی دریافت دارد تو کاستی نیاورد، پس من نه با اطمینان

عَمِلْتُهُ، وَ لاٰ لِوِفٰادَةِ مَخْلُوقٍ رَجَوْتُهُ، أَتَيْتُكَ مُقِرّاً عَلىٰ نَفْسي

به عمل صالحی بسوی تو آمده‌ام و نه آمدنم امیدوارم کند. به درگاه تو آمده‌ام در حالی‌که

بِالْإِسٰاءَةِ وَ آلظُّلْمِ، مُعْتَرِفاً بِأَنْ لاٰ حُجَّةَ لي وَ لاٰ عُذْرَ، أَتَيْتُكَ

به بدکاری و ستمکاری بر نفس خویش اقرار دارم مرا نه دلیلی است نه بهانه‌ای. به امید

أَرْجُو عَظيمَ عَفْوِكَ آلَّذي عَفَوْتَ بِهِ عَنِ آلْخٰاطِئينَ، فَلَمْ

بخشایش عظیم تو که با آن خطاکاران را می‌بخشایی و طول

يَمْنَعْكَ طُولُ عُكُوفِهِمْ عَلىٰ عَظيمِ آلْجُرْمِ أَنْ عُدْتَ عَلَيْهِمْ

پایداریشان در گناهان بزرگشان مانع آن نمیگردد که از سر رحمت به آنان

بِالرَّحْمَةِ، فَيٰا مَنْ رَحْمَتُهُ وٰاسِعَةٌ وَ عَفْوُهُ عَظيمٌ، يٰا عَظيمُ

درنگری، به درگاهت آمده‌ام. پس، ای که رحمتت پر دامنه است و بخشایشت بزرگ، یا عظیم

يٰا عَظيمُ يٰا عَظيمُ، لاٰ يَرُدُّ غَضَبَكَ إِلاّٰ حِلْمُكَ، وَ لاٰ يُنْجي مِنْ

و یا عظیم و یا عظیم، خشم تو را جز بردباری تو بازنگرداند و از ناخشنودی تو

سَخَطِكَ إِلَّا ٱلتَّضَرُّعُ إِلَيْكَ، فَهَبْ لي يٰا إِلٰهي فَرَجاً بِالْقُدْرَةِ
غیر از زاری در آستانت نرهاند. پروردگارا، مرا گشایشی ده با قدرتی

ٱلَّتي تُحْيي بِهٰا مَيْتَ ٱلْبِلاٰدِ، وَ لاٰ تُهْلِكْني غَمّاً حَتّىٰ تَسْتَجيبَ
که با آن سرزمینهای مرده را زنده می‌کنی مرا از اندوه هلاک مگردان

لي وَ تُعَرِّفَني ٱلْإِجٰابَةَ في دُعٰائي، وَ أَذِقْني طَعْمَ ٱلْعٰافِيَةِ إِلىٰ
و دعای مرا را اجابت کن و معرفت اجابت در دعا عنایت فرما. پروردگارا مزهٔ عافیت را تا به

مُنْتَهىٰ أَجَلي، وَ لاٰ تُشْمِتْ بي عَدُوّي، وَ لاٰ تُسَلِّطْهُ عَلَيَّ،
هنگام مرگ بر من بچشان و دشمنم را به سرزنش من قدرت مبخش او را بر من چیره مکن

وَ لاٰ تُمَكِّنْهُ مِنْ عُنُقي، يٰا إِلٰهي إِنْ وَضَعْتَني فَمَنْ ذَاٱلَّذي
و بر گردنم سوار مفرما. پروردگارا، اگر مرا فروگذاری کیست

يَرْفَعُني، وَ إِنْ رَفَعْتَني فَمَنْ ذَاٱلَّذي يَضَعُني وَ إِنْ أَهْلَكْتَني
که مرا بالا برد؟ و اگر مرا بلند گردانی چه کسی می‌تواند مرا بر اندازد؟ و اگر مرا هلاک کنی

فَمَنْ ذَاٱلَّذي يَتَعَرَّضُ لَكَ في عَبْدِكَ أَوْ يَسْئَلُكَ عَنْ أَمْرِهِ،
کیست که مانع تو از بنده‌ات شود یا از کار بنده‌ات از تو پرسشی کند؟

وَ قَدْ عَلِمْتُ أَنَّهُ لَيْسَ في حُكْمِكَ ظُلْمٌ وَ لاٰ في نَقِمَتِكَ
همانا می‌دانم که در حکم تو ستمی و در شکنجه و عذاب تو شتابی نیست؛

عَجَلَةٌ، وَ إِنَّمٰا يَعْجَلُ مَنْ يَخٰافُ ٱلْفَوْتَ، وَ إِنَّمٰا يَحْتٰاجُ إِلَى
کسی شتاب می‌ورزد که برای از دست رفتن فرصت بیم داشته باشد و کسی ستم می‌کند

ٱلظُّلْمِ ٱلضَّعيفُ، وَ قَدْ تَعٰالَيْتَ يٰا إِلٰهي عَنْ ذٰلِكَ عُلُوّاً كَبيراً،
که ناتوان باشد و همانا ـ یاالهی تو از این گونه امور بسیار برتری.

اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ فَأَعِذْنِي، وَ أَسْتَجِيرُبِكَ فَأَجِرْنِي،

پروردگارا به تو پناه آورده‌ام، پس پناهم ده؛ و از تو پشتیبانی می‌طلبم، پس پشتیبانیم فرمای؛

وَ أَسْتَرْزِقُكَ فَارْزُقْنِي، وَ أَتَوَكَّلُ عَلَيْكَ فَاكْفِنِي، وَ أَسْتَنْصِرُكَ

و از توروزی می‌طلبم پس روزی ده و به تو توکل می‌کنم پس مرا کفایت کن؛ و از تو

عَلىٰ عَدُوِّي فَانْصُرْنِي، وَ أَسْتَعِينُ بِكَ فَأَعِنِّي، وَ أَسْتَغْفِرُكَ

بر دشمن پیروزی می‌خواهم پس پیروزیم ده، و از تو استعانت می‌جویم، پس مرا یاری کن؛ و از تو

يٰا إِلٰهِي فَاغْفِرْ لِي، آمِينَ، آمِينَ، آمِينَ.[1]

آمرزش می‌خواهم، پس ـ پروردگارا مرا بیامرز. آمین، آمین، آمین.

۵ـ بخواند دعای کمیل راکه بیاید، انشاء اللّٰه تعالی.[2]

۶ـ بخواند دعای: ﴿اَللّٰهُمَّ يا شاهِدَ كُلِّ نَجْوىٰ﴾ راکه در شب عرفه خوانده می‌شود.[3]

۷ـ بخواند ده مرتبه:

يٰا دائِمَ الْفَضْلِ عَلَى الْبَرِيَّةِ، يٰا بٰاسِطَ الْيَدَيْنِ بِالْعَطِيَّةِ،

ای که پیوسته برمخلوقات احسان می‌کنی، ای که برای عطا کردن، دستت باز است،

يٰا صٰاحِبَ الْمَوٰاهِبِ السَّنِيَّةِ، صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ خَيْرِ

ای که دارای مواهب بلندی، صلوات فرست بر محمّد و آل او سرشت او از همهٔ

الْوَرىٰ سَجِيَّةً، وَ اغْفِرْ لَنٰا يٰا ذَا الْعُلىٰ فِي هٰذِهِ الْعَشِيَّةِ.[4]

آفریدگان برتر است. و ای صاحب عظمت در این شب ما را بیامرز.

۱. بحار الانوار / ۸۶ / ۲۹۴.
۲. بخش دوم همین کتاب.
۳. بخش سوم همین کتاب.
۴. مصباح الکفعمی / ۶۲۷.

● اعمال روزهای جمعه:

۱ـ بعد از نماز صبح این دعا را بخواند:

اَللّٰهُمَّ إِنّي تَعَمَّدْتُ إِلَيْكَ بِحاجَتي، وَ أَنْزَلْتُ إِلَيْكَ الْيَوْمَ فَقْري

بار خدایا، من برای نیاز خود به سوی تو کمر بسته‌ام و امروز فقر و مسکینی

وَ فاقَتي وَ مَسْكَنَتي، فَأَنَا لِمَغْفِرَتِكَ أَرْجىٰ مِنّي لِعَمَلي،

و بینوائیم را نزد تو آورده‌ام و من به آمرزش تو بیش از عمل خویش امیدوارم

وَ لَمَغْفِرَتُكَ وَ رَحْمَتُكَ أَوْسَعُ مِنْ ذُنوبي، فَتَوَلَّ قَضاءَ كُلِّ حاجَةٍ

و همانا آمرزش و مهر تو از گناهان من گسترده‌تر است پس همه حاجتهای مرا برآور

لي، بِقُدْرَتِكَ عَلَيْها، وَ تَيْسيرِ ذٰلِكَ عَلَيْكَ، وَ لِفَقْري إِلَيْكَ، فَإِنّي

که به آن توانایی و آن بر تو آسان است و من به تو نیازمندم

لَمْ أُصِبْ خَيْراً قَطُّ إِلّا مِنْكَ، وَ لَمْ يَصْرِفْ عَنّي سُوءً قَطُّ أَحَدٌ

پس همانا که جز از تو چیزی به من نرسد و همانا که جز تو هیچکس هیچ بدی از

سِواكَ، وَ لَسْتُ أَرْجو لِآخِرَتي وَ دُنْيايَ، وَ لا لِيَوْمِ فَقْري، يَوْمَ

من بازنگرداند. و من در آخرت و دنیای خود و برای روز تنگدستی خود؛ روزی

يُفْرِدُنِي النّاسُ في حُفْرَتي، وَ أُفْضي إِلَيْكَ بِذَنْبي سِواكَ.[1]

که مردم مرا در گودال قبر تنها می‌گذارند، و من با گناهم به سوی تو روآورم امیدی جز تو ندارم.

۲ـ سورهٔ الرّحمٰن را بعد از فریضهٔ صبح بخواند که ثواب بسیار دارد.[2] و بعد از هر ﴿فَبِأَيِّ الاٰءِ رَبِّكُما تُكَذِّبانِ﴾ بگوید: ﴿لابِشَيْءٍ مِنْ الآئِكَ رَبِّ أُكَذِّبُ﴾

۳ـ خوب است: اصلاح سر،[3] گرفتن ناخن و شارب، استعمال عطر، پوشیدن

---

۱. بحار الانوار / ۸۶ / ۳۳۱. ۲. بحارالانوار، جلد ۸۹، صفحه ۳۲۵.

۳. بحارالانوار، جلد ۸۹، صفحه ۳۵۸ و ۳۶۰، حدیث ۳۸.

جامه‌های نو و پاکیزه و تصدّق دادن که ثوابش چندین برابر روزهای دیگر است.[۱] و نیز توسعه بر اهل و عیال با خریدن میوه، شیرینی و غیره که آنان نیز به احترام جمعه آگاه شوند و به وظایف آن روز آشنا گردند.[۲]

۴ـ غسل جمعه کند که مستحبّ مؤکّد است و مناسب است در حین شروع به غسل، غسلهای دیگری را هم که در ذمّه دارد، یا احتمال می‌دهد داشته باشد، نیّت کند و همه را به یک غسل انجام دهد، که اگر بعداً معلوم شود مثلاً غسل مسّ میّت یا جنابت یا حیض و امثال آنها را در ذمّه داشته است، همه برداشته می‌شود. و فضیلت بسیار برای غسل جمعه ذکر شده است. وقت آن از طلوع صبح تا ظهر جمعه است و بعد از ظهر رجاءً انجام دهد.[۳]

۵ـ دعای ندبه رابخواند

۶ـ مهمتر از همهٔ موارد فوق این است که در شب و روز جمعه نیز مانند روزهای دیگر از گناهان و فحشا و منکرات پرهیز نماید و در شب نشینیها و مجالسی که خدای نکرده گناه و خلاف رضای حضرت حق انجام می‌گیرد شرکت نکند و خدا را از خویش به غضب درنیاورد، روح خود را با پلیدی گناه آلوده نسازد، اوقات عمر به هدر ندهد و عذاب آخرت را برای خود نخرد.

مخصوصاً برای جوانهایی که در اوقات تعطیلی برای استفاده از مواهب و مناظر طبیعی به کوه و صحرا و باغ می‌روند وصیّت می‌شود گرچه تفریح و استراحت در دامن طبیعت از نظر اسلام حلال است ولی باید در حدود و چهار چوب مذهب و رضای خدا باشد. پس جوانان عزیز بخورند و بگویند و بخندند و مشاعره کنند و بازیهایی از قبیل فوتبال، والیبال، بسکتبال، پینگ پنگ، کشتی، دوچرخه سواری، دو و میدانی و نظایر اینها را ـ البته بدون برد و

---

۱. بحارالانوار، جلد ۸۹، صفحه ۳۴۶، حدیث ۱۷.

۲. بحارالانوار، جلد ۸۹، صفحه ۳۴۴، حدیث ۱۰.

۳. بحار الانوار، جلد ۸۹، صفحه ۳۵۸.

باخت ـ انجام دهند و از سخنرانیهای مذهبی و اخبار رادیو و فیلمهای علمی تلویزیون ـ مثلاً دربارهٔ عجائب خلقت و زیبائی‌های طبیعت ـ استفاده کنند و از میوه‌ها و نوشابه‌های غیر الکلی میل نمایند ولی در میان خوشی خود غضب خدای را فراهم نیاورند و برای تفریح چند ساعت، آلودهٔ گناه نشوند! در حدیثی از اهل بیت پیامبر بزرگ چنین آمده است:

«مَنْ أَذْنَبَ ذَنْباً وَهُوَ ضاحِكٌ دَخَلَ ٱلنّارَ وَهُوَ باكٍ؛[1] کسی که گناه کند در حالی که خندان است، وارد آتش دوزخ شود در حالی که گریان است!»

خلاصه بسیار خوبست که جوانها در عین حال که استراحت و خوشی و تفریحشان را انجام می‌دهند، خدا را نیز در نظر بگیرند و از سعادت خود در راه هوای نفس غفلت نکنند! حضرت علی ؑ می‌فرماید:

«شارَكُوا أَهْلَ ٱلدُّنْيا فِي دُنْياهُمْ وَلَمْ يُشارِكْهُمْ أَهْلُ ٱلدُّنْيا فِي آخِرَتِهِمْ[2] آری پرهیزکاران، با اهل دنیا در بهره‌گیری از نعمت‌های دنیا شرکت دارند، ولی مترفین و اسراف کاران دنیا، در کسب آخرت با آنها شریک نمی‌شوند».

۷ـ در مجالس مذهبی حاضر شود و هر هفته مقداری از وقت خود را برای یادگرفتن اعتقادات مذهبی و فضائل اخلاقی و فروع عملی مصرف کند تا رفته رفته بر کمال و انسانیّت خویش بیفزاید. از حلال و حرام و برنامه‌های قرآن و دستورات الهی و سایر امور مربوط آگاه شود. امام صادق ؑ می‌فرماید: بر هر مسلمانی لازم است روزهای جمعه را در آموختن مسایل دینی مصرف کند.

«أُفٍّ لِلرَّجُلِ ٱلْمُسْلِمِ أَنْ لا يُفَرِّغَ نَفْسَهُ فِي ٱلْأُسْبُوعِ يَوْمَ ٱلْجُمُعَةِ لِأَمْرِ دِينِهِ فَيَسْئَلَ عَنْهُ[3] اُف بر مرد مسلمانی که در روز جمعهٔ هفته، وقت خود را به امر دینش و سؤال در پیرامون آن، اختصاص ندهد!»

---

۱. وسائل الشیعه، جلد ۱۱، صفحه ۲۶۸، حدیث ۵ به نقل از عقاب الاعمال، صفحه ۱۴.

۲. نهج البلاغة، نامه ۲۷.

۳. بحار الانوار، جلد ۸۹، صفحه ۳۴۷، حدیث ۱۹.

و از اهمّ این امور آموختن قرآن و نهج البلاغه، با تفسیر و شرح و بررسی معانی و تفکّر در مطالب آنها و مطالعهٔ کتابهای آموزنده و بیدار کنندهٔ دینی است. امید است که مسلمین -بویژه جوانان- به این امر اهتمام ورزند.

۸- برای روز جمعه نمازهای مستحبی زیادی در شرع وارد شده است، لکن بهتر از همه، نوافل خود روز جمعه است که بر نافله‌های ظهر و عصر هر روز، چهار رکعت دیگر اضافه شده و مجموعاً بیست رکعت بنام نافله روز جمعه تشریع شده است. وقت این نوافل تمام روز است ولی بهتر است اوایل آفتاب، شش رکعت، و قبل از ظهر، شش رکعت، و متصل به ظهر، دو رکعت و بعد از فریضهٔ ظهر یا جمعه، شش رکعت خوانده شود، چنانچه می‌تواند همه را قبل از ظهر یا بعد از ظهر به جا آورد.[1] البته باید بیست رکعت با ده سلام خوانده شود، و اگر شخصی قضاء نماز یومیهٔ داشته باشد می‌تواند بجای این نوافل مقداری از آنها را قضا کند، به امید آن که خداوند ثواب هر دو را عطا فرماید و چه نیکوست که هر بندهٔ صالحی، نماز قضای والدینش رابجا آورد تا نزد والدین نیز در عالم دیگر رو سفید باشد.

و اگر کسی توفیق بجا آوردن نمازهای مستحبّی را دارد، سزاوار است از نماز جعفر طیّار[2] غفلت نکند.

۹- بخواند دعای چهل و ششم از صحیفهٔ کامله راکه در عید فطر نیز خوانده می‌شود و اوّل این دعا این است: ﴿يا مَنْ يَرْحَمُ مَنْ لاٰ يَرْحَمُهُ الْعِبادُ...﴾

۱۰- بخواند دعای چهل و هشتم از صحیفه راکه در عید اضحی نیز خوانده می‌شود و اوّل آن اینست: ﴿اَللّٰهُمَّ هٰذا يَوْمٌ مُبارَكٌ مَيْمُونٌ﴾

۱۱- در عصر جمعه مواظبت کند بخواند دعاهای مربوط؛ مانند دعای زیر که وارد شده است هر کس آن را بخواند آل محمّد ﷺ را مسرور نماید:

---

۱. وسائل الشیعه جلد ۷، سی جلدی ص ۳۲۳.

۲. همین بخش کتاب.

اَللّٰهُمَّ يٰا أَجْوَدَ مَنْ أَعْطىٰ، وَ يٰا خَيْرَ مَنْ سُئِلَ، وَ يٰا أَرْحَمَ مَنِ

خداوندا،ای بخشنده‌ترین کسی که می‌بخشد و ای نیکوترین کسی که ازاو چیزی خواهند، ای مهربان‌ترین کسی که

اَسْتُرْحِمَ، اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ اٰلِهِ فِي الْأَوَّلِينَ، وَ صَلِّ

از او مهر جویند، خداوندا، بر محمّد و آل او در اولین و صلوات فرست

عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ اٰلِهِ فِي الْاٰخِرِينَ، وَ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ اٰلِهِ

بر محمّد و آل او در آخرین صلوات فرست. و بر محمّد و خاندانش

فِي الْمَلَاءِ الْأَعْلىٰ، وَ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ اٰلِهِ فِي الْمُرْسَلِينَ،

در عالم بالا، صلوات فرست. و بر محمّد و آل محمّد در بین رسولان صلوات فرست.

اَللّٰهُمَّ أَعْطِ مُحَمَّداً وَ اٰلَهُ الْوَسِيلَةَ وَ الْفَضِيلَةَ، وَ الشَّرَفَ

خدایا به محمّد و آل او واسطه شدن، بزرگواری، برتری

وَ الرِّفْعَةَ وَ الدَّرَجَةَ الْكَبِيرَةَ. اَللّٰهُمَّ إِنِّي اٰمَنْتُ بِمُحَمَّدٍ صَلَّى

و بلندی مقام و درجهٔ عالی عنایت فرما. خدایا من به محمّد ـ که صلوات

اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهِ وَلَمْ أَرَهُ فَلَا تَحْرِمْنِي فِي الْقِيٰمَةِ رُؤْيَتَهُ وَ ارْزُقْنِي

خدا بر او و خاندانش باد ایمان آورده‌ام، در حالیکه او را ندیده‌ام؛ پس در قیامت مرا از دیدارش محروم مکن

صُحْبَتَهُ،وَ تَوَفَّنِي عَلىٰ مِلَّتِهِ، وَ اسْقِنِي مِنْ حَوْضِهِ مَشْرَباً

و گفتگو با او را نصیبم ساز. مرا بر دین او بمیران و از حوض او (کوثر) سیرابم ساز؛ با نوشیدنی

رَوِيّاً، سٰائِغاً هَنِيئاً لَا أَظْمَأُ بَعْدَهُ أَبَداً، إِنَّكَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ

گوارا که هرگز تشنه نشوم. خدایا،تو بر همه کار

قَدِيرٌ. اَللّٰهُمَّ إِنِّي اٰمَنْتُ بِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَ اٰلِهِ وَ لَمْ أَرَهُ

توانائی. بار خدایا، من به محمّد ـ که صلوات خدا بر او و خاندان او باد ایمان آورده‌ام در حالی که او را

فَعَرِّفْني فِي ٱلْجِنٰانِ وَجْهَهُ.ٱللّٰهُمَّ بَلِّغْ مُحَمَّداً صَلَّى ٱللّٰهُ عَلَيْهِ

ندیده‌ام؛ پس چهرهٔ او را در بهشت بمن بنمای. بار خدایا، به محمّد و خاندانش ـ که صلوات خدا بر او باد

وَ آلِهِ مِنّي تَحِيَّةً كَثيرَةً وَ سَلاٰماً.[1]

از سوی من سلام و احترام بسیار برسان.

۱ . بحارالانوار جلد ۹۲ صفحه ۸۵.

بخش دوم

ذکرها و دعاهای مختلف

در مقدمهٔ کتاب، دربارهٔ سند روایات، بحثی به نحو اجمال انجام گرفت و توضیحی راجع به دعاها و زیارات ضعیف السّند داده شد و اشاره کردیم که هر چند بسیاری از دعاها و زیارات، از نظر سند نقص فنّی دارند، ولی از نظر دلالت، بر عکس است و صدور بیشتر ادعیه و زیارات، از نظر سلاست عبارت، شیوایی سخن، جاذبهٔ بیان و دقّت و عمق معانی برای اهلش تا حدّی اطمینان آور است و مانعی ندارد دربارهٔ تشخیص صدور و عدم صدور ادعیه و زیارات و قبول آنها، احیاناً به جنبهٔ معنا تکیه کردن و با توجّه به عمق مطالب و اوج معانی نگریستن، چنانچه قضاوت روشنفکرانهٔ روز حتّی در موارد غیر دعا ـ از احکام و برنامه‌های اسلامی ـ نیز چنین است و بعید نیست علّت عدم پی جویی عمیق علمای گذشته در مدارک دعاها، مبتنی بر همین نکته باشد.

بهر حال ما برای مراعات این موضوع، قبل از ذکر دعاهای وارده از اهل بیت ﷺ، منتخب و مجموعه‌ای از ادعیهٔ قرآنی را در اینجا درج می‌کنیم که خواندن مجموع یا هر جزئی از آنها در هر حال و مکانی مطلوب و بدون شبهه است؛ چه آنکه بحمد اللّٰه کتاب آسمانی ما از نظر سند، متین و مبرم، و از حیث دلالت، عمیق و محکم است: ﴿ذٰلِكَ ٱلْكِتٰابُ لاٰ رَيْبَ فِيهِ...﴾

چقدر خوب‌است مؤمنین لا اقلّ ادعیهٔ قرآنی را حفظ کنند و در قنوت نمازها و هنگام عبادت، در مساجد و مشاهد مشرّفه و امکنهٔ دیگر به خواندن آنها مداومت نمایند. بدین جهت ما آنها را به عنوان دعاهای اوّل این بخش نقل

می‌کنیم و به عنوان راهنمایی در بارهٔ خواندن همهٔ دعاها، عرض می‌کنیم:

گاهی هدف دعاکننده، تحصیل روابط معنوی با پروردگار، تکمیل روح، تصفیه باطن، توجّه به انوار معبود، حضور در محضر، و راز و نیاز با محبوب است بی‌تردید این عمل مغز عبادتها، زیباترین عملها و والاترین حالات معنوی انسان است و چون برایت حاصل شد غنیمت دانش! و گاهی هم دعا برای طلب حاجت دنیوی یا اخروی است. در این صورت باید متوجه شد که دعا جانشین کوشش در عمل و توسل به اسباب ظاهری نیست. بلکه باید به عمل همت گماشت و از ماورای طبیعت استمداد جست، و هیچ یک از دیگری بی‌نیاز نمی‌کند.

۱ ـ ادعیهٔ قرآنی

۱) رَبَّنا اٰتِنا فِی الدُّنْیا حَسَنَةً وَ فِی الْاٰخِرَةِ حَسَنَةً وَ قِنا عَذابَ النّارِ[۱]

ای پروردگار ما، در دنیا و آخرت به‌ما خیر و خوبی عطا فرما و ما را از شکنجهٔ آتش حفظ نما.

۲) رَبَّنا لا تُؤاخِذْنا اِنْ نَسینا اَوْ اَخْطَأْنا، رَبَّنا وَ لا تَحْمِلْ

ای پروردگار ما، اگر انجام دادن فرمانی را فراموش کنیم یا در کاری از ما خطا سرزند ما را به گناه آن

عَلَیْنا اِصْراً کَما حَمَلْتَهُ عَلَی الَّذینَ مِنْ قَبْلِنا، رَبَّنا وَ لا تُحَمِّلْنا

مگیر. ای پروردگار ما، آن سان که بار سنگین تکلیف بر پیشینیان ما نهادی، بر دوش ما مگذار. ای پروردگار ما،

ما لا طاقَةَ لَنا بِهِ وَ اعْفُ عَنّا وَ اغْفِرْ لَنا، وَ ارْحَمْنا اَنْتَ

چیزی‌که در خور توانایی ما نیست بر ما تحمیل مفرما، ما را ببخشای و ما را بیامرز و بر ما رحمت آور،

مَوْلانا فَانْصُرْنا عَلَی الْقَوْمِ الْکافِرینَ.[۲]

تو مولای مایی؛ پس ما را بر گروه کافر نصرت ده.

۱. قرآن کریم: ۲/۲۰۱.
۲. قرآن کریم: ۲/۲۸۶

۳) رَبَّنا لاٰ تُزِغْ قُلُوبَنا بَعْدَ اِذْ هَدَیْتَنا وَهَبْ لَنا مِنْ لَدُنْكَ

پروردگارا! زان پس‌که ما را راهبری فرمودی، دل ما را به باطل مگروان و از جانب خود ما را

رَحْمَةً اِنَّكَ اَنْتَ اَلْوَهّابُ.[1]

رحمت عطا فرما! همانا که تو بخشش‌گری.

۴) رَبَّنا اِنَّنا اٰمَنّا فَاغْفِرْ لَنا ذُنُوبَنا وَ قِنا عَذابَ اَلنّارِ.[2]

ای پروردگار ما، همانا که ما ایمان آورده‌ایم؛ پس گناهان ما را بیامرز و ما را از عذاب آتش نگاه دار.

۵) سَمِعْنا وَ اَطَعْنا غُفْرانَكَ رَبَّنا وَ اِلَیْكَ اَلْمَصیرُ؛[3]

وعدهٔ آمرزش تو را شنیدیم و اطاعت کردیم پروردگارا، و بازگشت به سوی توست.

۶) رَبِّ هَبْ لی مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّیَّةً طَیِّبَةً اِنَّكَ سَمیعُ اَلدُّعاءِ؛[4]

پروردگارا ! از رحمت خود بر من نسلی پاکیزه ببخش ! همانا که تو شنوای دعایی.

۷) رَبَّنا اٰمَنّا بِما اَنْزَلْتَ وَ اتَّبَعْنَا اَلرَّسُولَ فَاكْتُبْنا مَعَ اَلشّاهِدینَ؛[5]

پروردگارا، به آنچه‌فرو فرستادی ایمان آوردیم‌و از فرستاده‌ات پیروی کردیم. پس‌ما را در زمرهٔ گواهان بنویس.

۸) رَبَّنا اَغْفِرْ لَنا ذُنُوبَنا وَ اِسْرافَنا فی اَمْرِنا وَ ثَبِّتْ اَقْدامَنا

پروردگارا، گناهان ما و زیاده روی ما را در کارمان بیامرز و قدمهای ما را استوار فرمای

وَ اَنْصُرْنا عَلَی اَلْقَوْمِ اَلْكافِرینَ؛[6]

و ما را بر گروه کافر نصرت بخش.

۹) رَبَّنا اِنَّنا سَمِعْنا مُنادِیاً یُنادی لِلْاِیمانِ اَنْ اٰمِنُوا بِرَبِّكُمْ فَاٰمَنّا

ای پروردگار ما، شنیدیم ندا دهنده‌ای به ایمان دعوت می‌کرد که به پروردگار خود ایمان آورید؛ پس ایمان آوردیم.

---

۱. قرآن کریم: ۳/۸. ۲. قرآن کریم: ۳/۱۶. ۳. قرآن کریم: ۲/۲۸۵.

۴. قرآن کریم: ۳/۳۸. ۵. قرآن کریم: ۳/۵۳. ۶. قرآن کریم: ۳/۱۴۷.

رَبَّنٰا فَاغْفِرْ لَنٰا ذُنُوبَنٰا وَ كَفِّرْ عَنّٰا سَيِّئٰاتِنٰا وَ تَوَفَّنٰا مَعَ ٱلْأَبْرٰارِ؛[1]

ای پروردگار ما، پس ما را بیامرز و بدیهای ما را جبران کن و ما را با نیکان بمیران.

۱۰) رَبَّنٰا وَ آتِنٰا مٰا وَ عَدْتَنٰا عَلىٰ رُسُلِكَ وَ لاٰ تُخْزِنٰا يَوْمَ ٱلْقِيٰامَةِ

ای پروردگار ما آنچه به وسیلهٔ فرستادگانت به ما وعده داده‌ای بر ما عطافرما و ما را در روز رستاخیز خوار مساز،

اِنَّكَ لاٰ تُخْلِفُ ٱلْمِيعٰادَ؛[2]

هماناکه تو در وعدهٔ خود خلاف نمی‌کنی!

۱۱) وَ آجْعَلْ لَنٰا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيّاً وَ آجْعَلْ لَنٰا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيراً؛[3]

و برای ما از پیش خود، سرپرستی فرست و از جانب‌خود برای ما مدد کاری قرار بده.

۱۲) رَبَّنٰا ظَلَمْنٰا أَنْفُسَنٰا وَ اِنْ لَمْ تَغْفِرْ لَنٰا وَ تَرْحَمْنٰا لَنَكُونَنَّ

ای پروردگار ما، ما به خویشتن ستم کردیم و اگر ما را نیامرزی و بر ما رحمت نیاوری همانا

مِنَ ٱلْخٰاسِرِينَ؛[4]

از زیانکاران خواهیم بود.

۱۳) رَبَّنٰا اَفْرِغْ عَلَيْنٰا صَبْراً وَ تَوَفَّنٰا مُسْلِمِينَ؛[5]

پروردگارا، قلب ما را از بردباری سرشار فرما و ما را مسلمان بمیران.

۱۴) رَبِّ آغْفِرْلي وَ لِأَخي وَ اَدْخِلْنٰا في رَحْمَتِكَ وَ اَنْتَ

پروردگارا، مرا و برادرم را بیامرز و ما را در سایهٔ رحمت خویش در آور و تو

اَرْحَمُ ٱلرّٰاحِمِينَ؛[6]

مهربان‌ترین مهربانانی.

---

۱. قرآن کریم: ۳/۱۹۳.
۲. قرآن کریم: ۳/۱۹۴.
۳. قرآن کریم: ۴/۷۵.
۴. قرآن کریم: ۷/۲۳.
۵. قرآن کریم: ۷/۱۲۶.
۶. قرآن کریم: ۷/۱۵۱.

۱۵) اَنْتَ وَلِيُّنا فَاغْفِرْ لَنا، وَ ارْحَمْنا وَ اَنْتَ خَيْرُ الْغافِرِينَ؛[۱]
تو سرپرست و صاحب اختیار مایی، پس ما را بیامرز و تو بهترین آمرزگاری.

۱۶) وَ اكْتُبْ لَنا في هٰذِهِ الدُّنْيا حَسَنَةً وَ فِي الْآخِرَةِ، اِنّا هُدْنا اِلَيْكَ؛[۲]
و برای ما در این دنیا و در آخرت نیکویی‌کردار بنویس، زیرا ما به سوی تو باز گشته‌ایم.

۱۷) فاطِرَ السَّمٰواتِ وَ الْأَرْضِ اَنْتَ وَلِيّي فِي الدُّنْيا وَ الْآخِرَةِ
ای آفرینندهٔ آسمانها و زمین، تو در دنیا و آخرت سرپرست منی؛
تَوَفَّني مُسْلِماً وَ اَلْحِقْني بِالصّالِحينَ؛[۳]
مرا مسلمان بمیران و به نیکوکاران بپیوند.

۱۸) رَبَّنا آتِنا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً وَ هَيِّئْ لَنا مِنْ اَمْرِنا رَشَداً؛[۴]
ای پروردگار ما، از نزد خویش ما را رحمت فرست و کار ما را راه چاره‌ای آماده فرمای ا

۱۹) رَبِّ اشْرَحْ لي صَدْري وَ يَسِّرْ لي اَمْري وَ احْلُلْ عُقْدَةً
پروردگارا، به من شرح صدر عنایت کن و کارم را بر من آسان فرمای. گره
مِنْ لِساني يَفْقَهُوا قَوْلي؛[۵]
از زبانم بگشای تا سخنم را بفهمند.

۲۰) رَبِّ اجْعَلْني مُقيمَ الصَّلاةِ وَ مِنْ ذُرِّيَّتي رَبَّنا وَتَقَبَّلْ دُعاءِ؛[۶]
پروردگارا، مرا و فرزندانم را بر پای دارندهٔ نماز قرارده و دعایم را بپذیر.

۲۱) رَبَّنَا اغْفِرْلي وَ لِوالِدَيَّ وَ لِلْمُؤْمِنينَ يَوْمَ يَقُومُ الْحِسابُ؛[۷]
ای پروردگار ما، مرا و پدر و مادرم و مؤمنین را در روزی که حساب برپا می‌گردد بیامرز.

---

۱. قرآن کریم: ۷/۱۵۱. ۲. قرآن کریم: ۷/۱۵۶. ۳. قرآن کریم: ۱۲/۱۰۱.
۴. قرآن کریم: ۱۸/۱۰. ۵. قرآن کریم: ۲۰/۲۵. ۶. قرآن کریم: ۱۴/۴۰.
۷. قرآن کریم: ۱۴/۴۱.

۲۲) رَبِّ اَدْخِلْنی مُدْخَلَ صِدْقٍ وَ اَخْرِجْنی مُخْرَجَ صِدْقٍ
پروردگار من، مرا (در انجام هر کاری) از راه صدق وارد کن و از راه صدق خارج کن.

وَ اجْعَلْ لی مِنْ لَدُنْکَ سُلْطاناً نَصیراً؛[۱]
و برای من از جانب خود سلطهٔ پیروز قرار ده.

۲۳) رَبِّ اِنّی مَسَّنِیَ الضُّرُّ وَ اَنْتَ اَرْحَمُ الرّاحِمینَ؛[۲]
پروردگارا، به من آسیب رسیده است و تو مهربان‌ترین مهربانی.

۲۴) لا اِلٰهَ اِلّا اَنْتَ سُبْحانَکَ اِنّی کُنْتُ مِنَ الظّالِمینَ؛[۳]
خدایی جز تو نیست. پاک و منزهی. همانا که من از ستمکارانم.

۲۵) رَبِّ لا تَذَرْنی فَرْداً وَ اَنْتَ خَیْرُ الْوارِثینَ؛[۴]
ای پروردگار من، مرا تنها وامگذار و تو بهترین وارثی.

۲۶) رَبِّ اغْفِرْ وَ ارْحَمْ وَ اَنْتَ خَیْرُ الرّاحِمینَ؛[۵]
ای پروردگار من، بیامرز و رحمت آور، تو بهترین مهربانانی.

۲۷) رَبَّنا اصْرِفْ عَنّا عَذابَ جَهَنَّمَ اِنَّ عَذابَها کانَ غَراماً؛[۶]
ای پروردگار ما، شکنجهٔ دوزخ را از ما بگردان، همانا که شکنجهٔ آن سخت است.

۲۸) رَبَّنا هَبْ لَنا مِنْ اَزْواجِنا وَ ذُرِّیّاتِنا قُرَّةَ اَعْیُنٍ وَ اجْعَلْنا
پروردگارا، از همسران و تبار ما، ما را روشنایی چشم بخش و ما را

لِلْمُتَّقینَ اِماماً؛[۷]
پیشوای پارسایان فرما.

---

۱. قرآن کریم: ۱۷/۸۰. ۲. قرآن کریم: ۲۱/۸۳. ۳. قرآن کریم: ۲۱/۸۷.
۴. قرآن کریم: ۲۱/۸۹. ۵. قرآن کریم: ۲۳/۱۱۸. ۶. ۲۵/۶۵.
۷. قرآن کریم: ۲۵/۷۴.

۲۹) رَبِّ هَبْ لي حُكْماً وَ اَلْحِقْني بِالصّالِحينَ وَ اجْعَلْ لي
پروردگارا، مرا حکمت موهبت کن و به نیکوکاران بپیوند و در آیندگان چنان کن که یاد مرا

لِسانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرينَ، وَ اجْعَلْني مِنْ وَرَثَةِ جَنَّةِ النَّعيمِ،
به راستی برند و مرا از ارث‌برندگان جنت نعمت‌بخش قرارده. و مرا خوار مفرما در آن

وَ لا تُخْزِني يَوْمَ يُبْعَثُونَ، يَوْمَ لا يَنْفَعُ مالٌ وَ لا بَنُونَ اِلّا مَنْ
روزی که همه برانگیخته گردند، روزی که مال و فرزند سودی نبخشد مگر کسی که

اَتَى اللهَ بِقَلْبٍ سَليمٍ؛[1]
با قلب سلیم به درگاه پروردگار آید.

۳۰) رَبِّ اَوْزِعْني اَنْ اَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتي اَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَ عَلىٰ
پروردگارا، مرا توفیق عنایت فرمای تا نعمت تو را شکر کنم؛ نعمتی که به من و به پدر و مادرم

والِدَيَّ وَ اَنْ اَعْمَلَ صالِحاً تَرْضاهُ وَ اَدْخِلْني بِرَحْمَتِكَ في
عنایت فرمودی. و توفیق عنایت فرمای تا کاری شایسته انجام دهم که تو را خشنود سازد و به رحمت خود،

عِبادِكَ الصّالِحينَ؛[2]
مرا در زمرهٔ بندگان صالحت درآور.

۳۱) رَبِّ نَجِّني مِنَ الْقَوْمِ الظّالِمينَ؛[3]
پروردگارا، مرا از چنگ گروه ستمکار رهایی بخش.

۳۲) رَبِّ اِنّي لِما اَنْزَلْتَ اِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقيرٌ؛[4]
پروردگارا، همانا که من به هر خیری که بر من فرو فرستی نیازمندم.

---

۱. قرآن کریم: ۲۶/۸۹. ۲. قرآن کریم: ۲۷/۱۹. ۳. قرآن کریم: ۲۸/۲۱.
۴. قرآن کریم: ۲۸/۲۴.

۳۳) رَبِّ انْصُرْنی عَلَی الْقَوْمِ الْمُفْسِدینَ؛[۱]

پروردگارا، مرا بر قوم فسادانگیز یاری ده.

۳۴) رَبِّ هَبْ لی مِنَ الصّالِحینَ؛[۲]

پروردگارا، به من (فرزندی) از شایستگان ببخش.

۳۵) رَبَّنا وَسِعْتَ کُلَّ شَیْءٍ رَحْمَةً وَ عِلْماً فَاغْفِرْ لِلَّذینَ

ای پروردگار ما، رحمت و علم تو همه چیز را فراگرفته است؛ پس کسانی را که توبه می‌کنند و راه تو

تابُوا وَ اتَّبَعُوا سَبیلَکَ وَ قِهِمْ عَذابَ الْجَحیمِ رَبَّنا وَ اَدْخِلْهُمْ

را پیروی می‌نمایند بیامرز و از شکنجهٔ دوزخشان نگاه‌دار. ای پروردگار ما، علاوه بر آمرزش و نگاه‌داری

جَنّاتِ عَدْنٍ الَّتی وَعَدْتَهُمْ وَ مَنْ صَلَحَ مِنْ آبائِهِمْ وَ اَزْواجِهِمْ

از شکنجهٔ دوزخ، آنان را و پدران و همسران و فرزندانشان را که صالح باشند، از آتش دوزخ برهان و در

وَ ذُرِّیّاتِهِمْ اِنَّکَ اَنْتَ الْعَزیزُ الْحَکیمُ وَ قِهِمُ السَّیِّئاتِ وَ مَنْ

باغهای بهشت که وعده فرموده‌ای داخل فرما. زیرا تو عزیز و حکیمی. و آنان را از کردارهای ناشایسته نگاه دار،

تَقِ السَّیِّئاتِ یَوْمَئِذٍ فَقَدْ رَحِمْتَهُ وَ ذٰلِکَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظیمُ؛[۳]

وکسانی راکه‌در چنین‌روزی از کردار ناشایسته‌نگاه‌داری،همانا که بر او رحمت آورده‌ای،و این‌کامیابی‌بزرگی‌است.

۳۶) رَبَّنَا اکْشِفْ عَنَّا الْعَذابَ اِنّا مُؤْمِنُونَ؛[۴]

ای پروردگار ما، عذاب را از ما بگردان که ما گرویدگانیم.

۳۷) ربِّ اِنّی مَغْلُوبٌ فَانْتَصِرْ؛[۵]

پروردگارا، من مغلوب شده‌ام؛ پس مرا یاری فرما.

---

۱. قرآن کریم: ۲۹/۳۰. ۲. قرآن کریم: ۳۷/۹۹. ۳. قرآن کریم: ۱۰ـ۴۰/۸.
۴. قرآن کریم: ۴۴/۱۲. ۵. قرآن کریم: ۵۴/۱۱.

۳۸) رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَ لَا تَجْعَلْ

ای پروردگار ما، ما را بیامرز و برادران مارا که درایمان برما پیشی‌گرفتند بیامرز و کینهٔ کسانی

فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ؛[1]

را که ایمان آورند در دل ما مگذار. ای پروردگار ما، همانا که تو رؤوف و رحیمی.

۳۹) رَبَّنَا عَلَيْكَ تَوَكَّلْنَا وَ إِلَيْكَ أَنَبْنَا وَ إِلَيْكَ الْمَصِيرُ؛[2]

ای پروردگار ما، به تو توکّل داریم و به تو روی آورده‌ایم و بازگشت به سوی توست.

۴۰) رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا وَ اغْفِرْ لَنَا رَبَّنَا إِنَّكَ

پروردگارا، نزد آنان که‌کفر می‌ورزندما راوسیلهٔ آزمایش ونیشخند قرارمده وما را بیامرز.

أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ؛[3]

همانا‌که تو عزیز و حکیمی.

۴۱) رَبِّ لَا تَذَرْ عَلَى الْأَرْضِ مِنَ الْكَافِرِينَ دَيَّاراً، إِنَّكَ

پروردگارا، بر روی زمین هیچ کافری را باقی مگذار. همانا که اگر تو آنان را باقی گذاری،

إِنْ تَذَرْهُمْ يُضِلُّوا عِبَادَكَ وَ لَا يَلِدُوا إِلَّا فَاجِراً كَفَّاراً، رَبِّ اغْفِرْ

بندگانت را گمراه سازند وجز گنهکارِ بسیار کافرِنعمت، و نا سپاس نزایند. پروردگارا، مرا

لِي وَ لِوَالِدَيَّ وَ لِمَنْ دَخَلَ بَيْتِيَ مُؤْمِناً، وَ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ

و پدر و مادر مرا و هر مؤمن راکه به خانهٔ من درآید و همهٔ مردان و زنان مومن را بیامرز؛

وَ لَا تَزِدِ الظَّالِمِينَ إِلَّا تَبَاراً؛[4]

و بر ستمکاران جز تباهی میفزا.

---

۱. قرآن کریم: ۵۹/۱۰.
۲. قرآن کریم: ۶۰/۴.
۳. قرآن کریم: ۶۰/۵.
۴. قرآن کریم: ۷۱/۲۸.

۲ ـ دعای صباح حضرت امیرالمومنین

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمٰنِ ٱلرَّحِيمِ، ٱللّٰهُمَّ يٰا مَنْ دَلَعَ لِسٰانَ ٱلصَّبٰاحِ

به نامِ خدای بخشنده و مهربان، ای خدائی که صبح روشن را با نطق فصیح اشراق

بِنُطْقِ تَبَلُّجِهِ، وَ سَرَّحَ قِطَعَ ٱللَّيْلِ ٱلْمُظْلِمِ بِغَيٰاهِبِ تَلَجْلُجِهِ،

و زبان‌گویای نور آشکار ساختی، و قطعاتِ ظلمتِ هول‌انگیز شب را به عالم فرستادی،

وَ أَتْقَنَ صُنْعَ ٱلْفَلَكِ ٱلدَّوّٰارِ فِي مَقٰادِيرِ تَبَرُّجِهِ، وَ شَعْشَعَ ضِيٰاءَ

و فلکِ در گردش را در مدار دقیق آراستی، و پرتو خورشید را با نور

ٱلشَّمْسِ بِنُورِ تَأَجُّجِهِ، يٰا مَنْ دَلَّ عَلىٰ ذٰاتِهِ بِذٰاتِهِ، وَ تَنَزَّهَ عَنْ

فروزان مشعشع نمودی، ای آنکه ذات او دلیل بر وجود اوست، و از شباهت به

مُجٰانَسَةِ مَخْلُوقٰاتِهِ، وَ جَلَّ عَنْ مُلاٰئَمَةِ كَيْفِيّٰاتِهِ، يٰا مَنْ قَرُبَ مِنْ

مخلوقات پیراسته و از کیفیات عالم خلقت برتر است. ای خدایی که (وجودش) با دیدهٔ

خَطَرٰاتِ ٱلظُّنُونِ، وَ بَعُدَ عَنْ لَحَظٰاتِ ٱلْعُيُونِ وَ عَلِمَ بِمٰا كٰانَ

باطن و عقل نمایان و از چشمهای ظاهر بین دور است، و قبل از ایجاد همه

قَبْلَ أَنْ يَكُونَ، يٰا مَنْ أَرْقَدَنِي فِي مِهٰادِ أَمْنِهِ وَ أَمٰانِهِ، وَ أَيْقَظَنِي

چیز بر آن داناست. ای خدایی که مرا در مهد امن و امان خود به خواب بردی،

إِلىٰ مٰا مَنَحَنِي بِهِ مِنْ مِنَنِهِ وَ إِحْسٰانِهِ، وَ كَفَّ أَكُفَّ ٱلسُّوءِ عَنِّي

و به انواع نعمت و احسان خود بیدار ساختی، و دستان بد خواهان را از

بِيَدِهِ وَ سُلْطٰانِهِ، صَلِّ ٱللّٰهُمَّ عَلَى ٱلدَّلِيلِ إِلَيْكَ فِي ٱللَّيْلِ ٱلْأَلْيَلِ

من با قدرت و سلطنت خود کوتاه نمودی، خدایا صلوات فرست بر رسولی که در شب بسیار ظلمانی

وَ ٱلْماسِکِ مِنْ أَسْبابِکَ بِحَبْلِ ٱلشَّرَفِ ٱلْأَطْوَلِ وَ ٱلنّاصِعِ

جاهلیت به سوی تو راهنمایی کرد و از اسباب معرفت تو به بلندترین ریسمان شرف چنگ زده است.

ٱلْحَسَبِ فِي ذَرْوَةِ ٱلْکاهِلِ ٱلْأَعْبَلِ وَ ٱلثّابِتِ ٱلْقَدَمِ عَلیٰ

او که گوهر پاک و اصالتش در والاترین مرتبه بود و از لغزشهای دوران جاهلیت

زَحالِیفِها فِی ٱلزَّمَنِ ٱلْأَوَّلِ، وَ عَلیٰ آلِهِ ٱلْأَخْیارِ ٱلْمُصْطَفَیْنَ

بر خداپرستی ثابت قدم بود و بر اهل بیت نیک و برگزیده و نیکوکار او

ٱلْأَبْرارِ، وَ ٱفْتَحِ ٱللّٰهُمَّ لَنا مَصاریعَ ٱلصَّباحِ بِمَفاتیحِ ٱلرَّحْمَةِ

صلوات فرست، خدایا درگاه صبح را با کلید رحمت و رستگاری

وَ ٱلْفَلاحِ، وَ أَلْبِسْنِی ٱللّٰهُمَّ مِنْ أَفْضَلِ خِلَعِ ٱلْهِدایَةِ وَ ٱلصَّلاحِ،

بر ما بگشای و خدایا بهترین خلعت هدایت و صلاح را بر من بپوشان

وَ أَغْرِسِ ٱللّٰهُمَّ بِعَظَمَتِکَ فِی شِرْبِ جَنانِي یَنابیعَ ٱلْخُشُوعِ،

و خدایا به عظمت خود چشمه‌های خشوع را در قلب من قرار ده،

وَ أَجْرِ ٱللّٰهُمَّ لِهَیْبَتِکَ مِنْ آماقِي زَفَراتِ ٱلدُّمُوعِ وَ أَدِّبِ ٱللّٰهُمَّ

و خدایا اشک مرا از ترس خود جاری ساز و خدایا نفس سرکش

نَزَقَ ٱلْخُرْقِ مِنّی بِأَزِمَّةِ ٱلْقُنُوعِ، إِلٰهِی إِنْ لَمْ تَبْتَدِئْنِی ٱلرَّحْمَةُ

مرا با مهار قناعت ادب کن، خدای من اگر از ابتدا رحمت تو مرا توفیق

مِنْکَ بِحُسْنِ ٱلتَّوفیقِ فَمَنِ ٱلسّالِکُ بِی إِلَیْکَ فِی واضِحِ

نمی‌بخشید چه کسی مرا در راه روشن به سوی تو هدایت می‌نمود.

ٱلطَّریقِ، وَ إِنْ أَسْلَمَتْنِی أَناتُکَ لِقائِدِ ٱلْأَمَلِ وَ ٱلْمُنیٰ فَمَنِ

و اگر مدارای تو مرا به دست آرزوها و هوس‌ها می‌سپرد دیگر

اَلْمُقیلُ عَثَراتی مِنْ کَبَواتِ الْهَویٰ، وَ إِنْ خَذَلَنی نَصْرُکَ عِنْدَ
که مرا از لغزش‌های هوس باز می‌گرداند. و اگر کمک تو در جنگ با

مُحارَبَةِ النَّفْسِ وَ الشَّیْطانِ فَقَدْ وَکَلَنی خِذْلانُکَ إِلیٰ حَیْثُ
نفس و شیطان مرا رها می‌کرد خواری و بدبختی مرا به

النَّصَبِ وَ الْحِرْمانِ، إِلٰهی أَتَرانی مٰا أَتَیْتُکَ إِلّا مِنْ حَیْثُ الْآمالِ
ناامیدی می‌کشاند. خدایا تو می‌دانی که چیزی جز امیدواری مرا بدرگاه تو نمی‌آورد

أَمْ عَلِقْتُ بِأَطْرافِ حِبالِکَ إِلّا حینَ بٰا عَدَتْنی ذُنُوبی عَنْ دارِ
و چون گناهان مرا از وصال تو دور کنند جز به رشتهٔ لطف و کرم تو چنگ

الْوِصالِ، فَبِئْسَ الْمَطِیَّةُ الَّتی امْتَطَتْ نَفْسی مِنْ هَواها فَواها
نمی‌زنم. این مرکب سرکش که هوای نفس من بر آن سوار است مرکب بدرفتاری است. وای بر

لَها لِما سَوَّلَتْ لَها ظُنُونُها وَ مُناها وَ تَبّاً لَها لِجُرْأَتِها عَلیٰ
این نفس که آمال و آرزوهای باطل در نظرش زیبا جلوه کرده است. و مرگ بر این نفس که در مقابل

سَیِّدِها وَ مَوْلیٰها، إِلٰهی قَرَعْتُ بابَ رَحْمَتِکَ بِیَدِ رَجائی،
سید و مولای خود جرأت عصیان می‌کند. و خدایا درِ رحمت ترا به دست امید می‌کوبم

وَ هَرَبْتُ إِلَیْکَ لاجِئاً مِنْ فَرْطِ أَهْوائی، وَ عَلَّقْتُ بِأَطْرافِ
و از شدّت هوای نفس به سوی تو می‌گریزم، و به رشته‌های مهر

حِبالِکَ أَنامِلَ وَلائی، فَاصْفَحِ اللّٰهُمَّ عَمّا کُنْتُ (کانَ) أَجْرَمْتُهُ
و عنایت تو دوستانه چنگ می‌زنم. خدایا از جرائم و لغزش‌ها

مِنْ زَلَلی وَ خَطائی، وَ أَقِلْنی مِنْ صَرْعَةِ رِدائی، فَإِنَّکَ
و خطاهای من در گذر و مرا از هلاکت حفظ کن. پروردگارا تو

سَيِّدي وَ مَوْلايَ وَ مُعْتَمَدي وَرَجائي، وَ أَنْتَ غايَةُ مَطْلُوبي
سرور و مولا و محل اعتماد و امیدواری من هستی و تو نهایت خواسته

وَ مُنايَ في مُنْقَلَبي وَ مَثْوايَ، إِلٰهي كَيْفَ تَطْرُدُ مِسْكيناً اَلْتَجَأَ
و آرزوی من در دنیا و آخرت هستی، خدایا چگونه فقیری را که به تو پناه آورده

إِلَيْكَ مِنَ الذُّنُوبِ هارِباً، أَمْ كَيْفَ تُخَيِّبُ مُسْتَرْشِداً قَصَدَ
و از گناهان به سوی تو فرار کرده، از درگاهت می‌رانی؟ یا چگونه کسی را که مشتاقانه

إِلىٰ جَنابِكَ ساعِياً (صاقِباً)، أَمْ كَيْفَ تَرُدُّ ظَمْآناً وَرَدَ إِلىٰ حِياضِكَ
ترا طلب می‌کند محروم می‌کنی؟ یا چگونه تشنه‌ای را که برای سیراب شدن به دریای رحمت تو می‌آید

شارِباً، كَلّا وَ حِياضُكَ مُتْرَعَةٌ في ضَنْكِ الْمُحُولِ، وَ بابُكَ
رد می‌کنی؟ هرگز چنین نخواهی کرد در صورتی که دریای رحمت تو در بیابان خشکی هم پر آب است، و درِ تو

مَفْتُوحٌ لِلطَّلَبِ وَ الْوُغُولِ، وَ أَنْتَ غايَةُ الْمَسْئُولِ، وَ نِهايَةُ
برای طلب و پناهندگی باز است و تو هدف درخواست‌ها و منتهای

الْمَأْمُولِ، إِلٰهي هٰذِهِ أَزِمَّةُ نَفْسي عَقَلْتُها بِعِقالِ مَشِيَّتِكَ، وَ هٰذِهِ
آرزوها هستی. خدایا این مهار نفس من است که با ریسمان ارادهٔ تو بسته‌ام و این

أَعْباءُ ذُنُوبي دَرَأْتُها بِعَفْوِكَ وَ رَحْمَتِكَ، وَ هٰذِهِ أَهْوائِيَ
بار گناهان من است که با عفو و رحمت تو بر زمین نهادم، و این آرزوهای

الْمُضِلَّةُ وَكَلْتُها إِلىٰ جَنابِ لُطْفِكَ وَ رَأْفَتِكَ، فَاجْعَلِ اللّٰهُمَّ
گمراه کننده را به لطف و مهربانی تو وا می‌گذارم. پس خدایا در این

صَباحي هٰذا نازِلاً عَلَيَّ بِضِياءِ الْهُدىٰ وَ بِالسَّلامَةِ فِي الدّينِ
صبحگاه نور هدایت را با سلامت در دین و دنیا بر من نازل

وَ ٱلدُّنْيٰا، وَ مَسٰآئي جُنَّةً مِنْ كَيْدِ ٱلعِدىٰ وَ وِقٰايَةً مِنْ مُرْدِيٰاتِ

کن، و شامگاه را سپری در برابر مکر دشمنان و حفاظ هوس‌های مهلک

ٱلْهَوىٰ، إِنَّكَ قٰادِرٌ عَلىٰ مٰا تَشٰآءُ، تُؤْتِي ٱلْمُلْكَ مَنْ تَشٰآءُ،

قرار ده، تو بر آنچه بخواهی توانایی، به هر کس بخواهی قدرت می‌بخشی

وَ تَنْزِعُ ٱلْمُلْكَ مِمَّنْ تَشٰآءُ، وَ تُعِزُّ مَنْ تَشٰآءُ، وَ تُذِلُّ مَنْ تَشٰآءُ،

و از هرکس بخواهی حکومت را باز می‌ستانی و هر کس را بخواهی عزت می‌دهی و هرکه را بخواهی ذلیل می‌کنی

بِيَدِكَ ٱلْخَيْرُ، إِنَّكَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَديرٌ، تُولِجُ ٱللَّيْلَ فِي

نیکی بدست قدرت توست و تو بر همه چیز توانایی. شب را در روز

ٱلنَّهٰارِ، وَ تُولِجُ ٱلنَّهٰارَ فِي ٱللَّيْلِ، وَ تُخْرِجُ ٱلْحَيَّ مِنَ ٱلْمَيِّتِ،

پنهان می‌کنی و روز را در پردهٔ شب می‌پوشانی. و زنده را از خاک مرده بر می‌انگیزی

وَ تُخْرِجُ ٱلْمَيِّتَ مِنَ ٱلْحَيِّ، وَ تَرْزُقُ مَنْ تَشٰآءُ بِغَيْرِ حِسٰابٍ،

و مرده را از زنده بیرون می‌آوری، و به هر که بخواهی رزق و روزی بی‌حساب می‌دهی،

لٰا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحٰانَكَ ٱللّٰهُمَّ وَ بِحَمْدِكَ مَنْ ذٰا يَعْرِفُ قَدْرَكَ

جز تو خدائی نیست، خدایا تو منزّه هستی، و همه به ستایش تو مشغولند،کیست که قدر تو را بشناسد

فَلٰا يَخٰافُكَ، وَ مَنْ ذٰا يَعْلَمُ مٰا أَنْتَ فَلٰا يُهٰابُكَ، أَلَّفْتَ

و از عظمت تو ترسان نباشد؟ و کیست که بداند تو کیستی و از هیبت تو لرزان نباشد؟ با قدرتِ

بِقُدْرَتِكَ ٱلْفِرَقَ، وَ فَلَقْتَ بِلُطْفِكَ ٱلْفَلَقَ، وَ أَنَرْتَ بِكَرَمِكَ

خود میان گروه‌های پراکنده الفت انداختی و با لطف خود سپیدهٔ صبح را شکافتی با کرم خود شب تار

دَيٰاجِيَ ٱلْغَسَقِ، وَ أَنْهَرْتَ ٱلْمِيٰاهَ مِنَ ٱلصُّمِّ ٱلصَّيٰاخيدِ عَذْباً

را روشن کردی، و نهرهای آب گوارا و ناگوار را از دل سنگ

وَ أُجاجاً، وَ أَنْزَلْتَ مِنَ ٱلْمُعْصِراتِ ماءً ثَجّاجاً، وَ جَعَلْتَ

خارا جاری نمودی و از ابرهای متراکم آب باران فرو فرستادی، خورشید

ٱلشَّمْسَ وَ ٱلْقَمَرَ لِلْبَرِيَّةِ سِراجاً وَهّاجاً، مِنْ غَيْرِ أَنْ تُمارِسَ

و ماه را برای مخلوقات چراغ فروزان قرار دادی بدون آنکه

فِيمَا ٱبْتَدَأْتَ بِهِ لُغُوباً وَ لا عِلاجاً، فَيا مَنْ تَوَحَّدَ بِالْعِزِّ

از ابتدای آفرینش به خستگی و بیماری دچار شوی، باری ای خدائی که در عزت

وَ ٱلْبَقاءِ، وَ قَهَرَ عِبادَهُ بِالْمَوْتِ وَ ٱلْفَناءِ، صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ

و بقاء بی همتایی و بر بندگان خود با مرگ و فنا غلبه داری، بر محمد و آلِ

وَ آلِهِ ٱلْأَتْقِياءِ، وَ ٱسْمَعْ نِدائي، وَ ٱسْتَجِبْ دُعائي، وَ حَقِّقْ بِفَضْلِكَ

پرهیزکار او صلوات‌فرست و ندای مرا بشنو و دعای مرا اجابت کن و به فضل و کرم خود عمل

عَمَلي وَ رَجائي يا خَيْرَ مَنْ دُعِيَ لِكَشْفِ ٱلضُّرِّ وَ ٱلْمَأْمُولِ،

و آرزوی مرا محقق گردان. ای بهترین کسی که برای دفع گرفتاری و آرزوها خوانده می‌شوی،

لِكُلِّ عُسْرٍ وَ يُسْرٍ بِكَ أَنْزَلْتُ حاجَتي فَلا تَرُدَّني مِنْ سَنِيِّ

و در هر سختی و راحتی بدرگاه تو روی حاجت آوردم. پس مرا از عالیترین

مَواهِبِكَ خائِباً، يا كَريمُ، يا كَريمُ، يا كَريمُ، بِرَحْمَتِكَ يا أَرْحَمَ

الطاف خود محروم نکن، ای خدای کریم ای کریم و ای مهربان‌ترین

ٱلرّاحِمينَ، وَ صَلَّى ٱللّٰهُ عَلىٰ خَيْرِ خَلْقِهِ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ أَجْمَعينَ.

مهربانان و خدایا صلوات فرست بر بهترین خلق محمّد و آل او.

(پس سجده برو و بگو:) إِلٰهي قَلْبي مَحْجُوبٌ، وَ نَفْسي مَعْيُوبٌ،

خدایا قلب من در حجاب است، و نفس من دچار عیب

وَ عَقْلی مَغْلُوبٌ، وَ هَوَائِي غَالِبٌ، وَ طَاعَتِي قَلِيلٌ، وَ مَعْصِيَتي

و عقل منْ مغلوب، و هوای نفس منْ چیره است، و طاعتْ من اندک، و گناهان منْ

كَثِيرٌ، وَ لِسَانِي مُقِرٌّ بِالذُّنُوبِ، فَكَيْفَ حِيلَتِي يَا سَتَّارَ ٱلْعُيُوبِ،

بسیار، و زبان منْ به گناهان اقرار می‌کند. پس چه چارهْ کنم ای پوشانندهٔ عیبها

وَ يَا عَلَّامَ ٱلْغُيُوبِ، وَ يَا كَاشِفَ ٱلْكُرُوبِ، إِغْفِرْ ذُنُوبِي

و ای دانای غیب و ای بر طرف کنندهٔ گرفتاری‌ها از همهٔ گناهان منْ

كُلَّهَا بِحُرْمَةِ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، يَا غَفَّارُ، يَا غَفَّارُ، يَا غَفَّارُ،

در گذر به حرمت محمّد و آل محمّد، ای بخشنده ای بخشنده ای بخشنده

بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ ٱلرَّاحِمِينَ.[1]

به حق رحمت تو ای مهربان‌ترین مهربانان.

۳ ـ دعای کُمیل

دعای کمیل از معروفترین و بهترین دعاهاست و دعای حضرت خضر است که امیرالمؤمنین علیّ ﷺ به کمیل بن زیاد ـ که از اصحاب خاص آن حضرت بود ـ تعلیم فرمود. این دعا در هر شب جمعه و شب نیمهٔ شعبان و برای محفوظ ماندن از شرّ دشمنان و گشوده شدن درهای روزی و آمرزش گناهان خوانده می‌شود.

و آن دعا این است:

اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ بِرَحْمَتِكَ الَّتي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ، وَ بِقُوَّتِكَ

بار خدایا، سوْگند به رحمت تو که همه چیزْ را در بر گرفته است وْ به نیروی تو که

۱. بحار الانوار، ج ۸۲ ص ۳۳۹ ـ ج ۹۱ ص ۲۴۳

اَلَّتى قَهَرْتَ بِها كُلَّ شَىْءٍ وَ خَضَعَ لَها كُلُّ شَىْءٍ وَ ذَلَّ لَها
با آن بر همه چیز چیره‌ای و همه چیز در مقابل آن خاکسار است و همه چیز در برابر آن

كُلُّ شَىْءٍ، وَ بِجَبَرُوتِكَ اَلَّتى غَلَبْتَ بِها كُلَّ شَىْءٍ، وَ بِعِزَّتِكَ
رام است و سوگند به جبروت تو که با آن بر همه چیز چیره‌ای و سوگند به بزرگواری تو

اَلَّتى لا يَقُومُ لَها شَىْءٌ، وَ بِعَظَمَتِكَ اَلَّتى مَلَأَتْ كُلَّ شَىْءٍ،
که در مقابل آن چیزی قرار نتواند گرفت و به عظمت تو که همه چیز از آن سرشار است

وَ بِسُلْطانِكَ اَلَّذى عَلا كُلَّ شَىْءٍ، وَ بِوَجْهِكَ اَلْباقى بَعْدَ
و به فرمانروائی تو که بر همه چیز سایه افکنده است و به ذات ابدی تو که پس

فَناءِ كُلِّ شَىْءٍ، وَ بِاَسْمائِكَ اَلَّتى مَلَأَتْ اَرْكانَ كُلِّ شَىْءٍ،
از نابودی همه چیز جاوید است و به نامهای تو که پایه‌های همه چیز از آن سرشار است

وَ بِعِلْمِكَ اَلَّذى اَحاطَ بِكُلِّ شَىْءٍ، وَ بِنُورِ وَجْهِكَ اَلَّذى
و به علم تو که همهٔ چیز را فرا گرفته است و به نور جمال تو که همه چیز

اَضاءَ لَهُ كُلُّ شَىْءٍ، يا نُورُ يا قُدُّوسُ، يا اَوَّلَ الْاَوَّلينَ وَ يا آخِرَ
به آن روشن است، ای نور، ای معبود پاک، ای سر آغاز هر نخستی و ای سرانجام

اَلْآخِرينَ، اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِىَ الذُّنُوبَ الَّتى تَهْتِكُ الْعِصَمَ،
هر پایانی، بارالها از تو در خواست می‌کنم گناهانی را که پردهٔ عصمت را می‌درند بر من ببخشای.

اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِىَ الذُّنُوبَ الَّتى تُنْزِلُ النِّقَمَ، اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِىَ
بارالها، در خواست می‌کنم گناهانی را که مایهٔ تیره بختی است بر من ببخشای. بارالها، گناهانی را

اَلذُّنُوبَ الَّتى تُغَيِّرُ النِّعَمَ، اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِىَ الذُّنُوبَ الَّتى
که موجب تغییر دادن نعمتهاست بر من ببخشای. بارالها، گناهانی را که از اجابت

تَحْبِسُ ٱلدُّعٰاءَ ٱللّٰهُمَّ ٱغْفِر لِيَ ٱلذُّنُوبَ ٱلَّتي تُنْزِلُ ٱلْبَلاٰءَ،

دعا جلوگیری می‌کند بر من ببخشای. بارالها، گناهانی را که مایهٔ فرود آمدن بلاست بر من ببخشای.

ٱللّٰهُمَّ ٱغْفِرْ لِيَ الذُّنُوبَ ٱلَّتي تَقْطَعُ ٱلرَّجٰاءَ ٱللّٰهُمَّ ٱغْفِرْ لي

بارالها گناهانی که موجب ناامیدی می‌شوند بر من ببخشای. بارالها، هر گناهی که

كُلَّ ذَنْبٍ اَذْنَبْتُهُ وَ كُلَّ خَطيئَةٍ اَخْطَأْتُهٰا، ٱللّٰهُمَّ اِنّي اَتَقَرَّبُ

به جای آورده‌ام و هر خطایی که مرتکب شده‌ام، بر من ببخشای. بارالها، من با یاد کردن

اِلَيْكَ بِذِكْرِكَ وَ اَسْتَشْفِعُ بِكَ اِلىٰ نَفْسِكَ وَ اَسْئَلُكَ بِجُودِكَ

تو به تو نزدیکی می‌جویم و در پیشگاه تو، تو را شفیع می‌آورم؛ و سوگند به بخشش تو

اَنْ تُدْنِيَني مِنْ قُرْبِكَ وَ اَنْ تُوزِعَني شُكْرَكَ وَ اَنْ تُلْهِمَني

که مرا به خویش نزدیک سازی و به نعمت شکرانه‌ات موفقم فرمایی و یاد خود را به

ذِكْرَكَ، ٱللّٰهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ سُؤٰالَ خٰاضِعٍ مُتَذَلِّلٍ خٰاشِعٍ اَنْ

من الهام نمایی. بارالها، از تو تقاضا دارم تقاضای فروتنی خوار و خاشع.

تُسٰامِحَني وَ تَرْحَمَني وَ تَجْعَلَني بِقِسْمِكَ رٰاضِياً قٰانِعاً وَ في

که از من چشم‌پوشی کنی و بر من رحمت آوری و به داده‌ات خشنود و خرسندم سازی

جَميعِ ٱلْأَحْوٰالِ مُتَوٰاضِعاً، ٱللّٰهُمَّ وَ اَسْئَلُكَ سُؤٰالَ مَنِ ٱشْتَدَّتْ

و در همه حال فروتنم داری. بارالها، از تو می‌خواهم مانند کسی که تهیدستی او

فٰاقَتُهُ، وَ اَنْزَلَ بِكَ عِنْدَ ٱلشَّدٰائِدِ حٰاجَتَهُ وَ عَظُمَ فيمٰا عِنْدَكَ

رو به فزونی باشد و هنگام گرفتاری نیاز خود را به حضرت تو عرضه دارد و رغبت او به آنچه

رَغْبَتُهُ، ٱللّٰهُمَّ عَظُمَ سُلْطٰانُكَ وَ عَلاٰ مَكٰانُكَ وَخَفِيَ مَكْرُكَ

نزد توست عظیم باشد. بارالها، فرمانروایی تو بزرگ است و مکان تو بلند و چاره جویی تو پنهان

وَ ظَهَرَ اَمْرُكَ وَ غَلَبَ قَهْرُكَ وَ جَرَتْ قُدْرَتُكَ، وَ لاٰ يُمْكِنُ

و فرمانت آشکار، قهرت چیره و توانت جاری و از زیر حکومت تو گریختن

اَلْفِرارُ مِنْ حُكُومَتِكَ، اَللّٰهُمَّ لاٰ اَجِدُ لِذُنُوبِي غٰافِراً وَ لاٰ لِقَبٰآئِحي

امکان ندارد. بارالها، جز تو کسی را نمی‌یابم که گناهانم را بیامرزد و زشتیهای مرا

سٰاتِراً، وَ لاٰ لِشَيْءٍ مِنْ عَمَلِيَ اَلْقَبيحِ بِالْحَسَنِ مُبَدِّلاً غَيْرَكَ،

بپوشاند و چیزی از کردار زشت مرا به خوبی تبدیل کند

لاٰ اِلٰهَ اِلّا اَنْتَ سُبْحٰانَكَ وَ بِحَمْدِكَ، ظَلَمْتُ نَفْسي وَ تَجَرَّأْتُ

نیست خدایی جز تو منزهی و ستایش مخصوص توست. بر خویشتن ستم کردم و از سر نادانی

بِجَهْلي وَ سَكَنْتُ اِلىٰ قَديمِ ذِكْرِكَ لي وَ مَنِّكَ عَلَيَّ،

گستاخ شدم و با یاد کردن همیشگی تو از من و منتهای تو بر من آرامش یافتم.

اَللّٰهُمَّ مَوْلاٰيَ كَمْ مِنْ قَبيحٍ سَتَرْتَهُ، وَ كَمْ مِنْ فٰادِحٍ مِنَ اَلْبَلاٰءِ

بارالها، ای مولای من، چه بسیار کار زشت که آنرا پوشاندی و چه بسیار رویداد ناگوار که از من

اَقَلْتَهُ، وَ كَمْ مِنْ عِثٰارٍ وَقَيْتَهُ، وَ كَمْ مِنْ مَكْرُوهٍ دَفَعْتَهُ وَ كَمْ

بازداشتی و چه بسیار لغزش که مرا از آن نگاه داشتی و چه بسیار امر ناخوشایند که آن را از من دور کردی

مِنْ ثَنٰآءٍ جَميلٍ لَسْتُ اَهْلاً لَهُ نَشَرْتَهُ، اَللّٰهُمَّ عَظُمَ بَلاٰئي

و چه بسیار ثنای جمیل که شایستهٔ آن نبودم و آن را در میان مردم پراکنده ساختی. بارالها، بلای من عظیم گشته

وَ اَفْرَطَ بي سُوءُ حٰالي وَ قَصُرَتْ بي اَعْمٰالي وَ قَعَدَتْ بي

و حال بد من از اندازه گذشته است و اعمال من دستم را کوتاه کرده است. و زنجیرهای هوس

اَغْلاٰلي وَ حَبَسَني عَنْ نَفْعي بُعْدُ اَمَلي وَ خَدَعَتْنِي اَلدُّنْيا

مرا زمینگیر و آرزوی دور و دراز مرا از سود بردن بازداشته است و دنیا

بِغُرُورِها، وَ نَفْسي بِجِنايَتِها وَ مِطالي، يا سَيِّدي فَاَسْئَلُكَ

با فریب خود و نفسم با جنایت و سهل انگاری، نیرنگ به کارم کرده‌اند. ای سرور من، سوگند

بِعِزَّتِكَ اَنْ لا يَحْجُبَ عَنْكَ دُعائي سُوءُ عَمَلي وَ فِعالي،

به عزّت تو از تو می‌خواهم که زشتی کار و کردارم، دعای مرا از تو نپوشاند

وَ لا تَفْضَحْني بِخَفِيِّ مَا اطَّلَعْتَ عَلَيْهِ مِنْ سِرّي وَ لا تُعاجِلْني

و از راز نهانم که به آن آگاهی رسوایم نسازی و شتاب نکنی

بِالْعُقُوبَةِ عَلىٰ ما عَمِلْتُهُ في خَلَواتي، مِنْ سُوءِ فِعْلي وَ اِسائَتي،

در کیفر زشتی کردار و بد رفتاری من که در خلوت انجام داده‌ام

وَ دَوامِ تَفْريطي وَ جَهالَتي، وَ كَثْرَةِ شَهَواتي وَ غَفْلَتي، وَ كُنِ

و ادامه دادن به کوتاهی و نادانی و شهوت زیاد و بیخبری

اَللّٰهُمَّ بِعِزَّتِكَ لي في كُلِّ الْأَحْوالِ رَؤُفاً، وَ عَلَيَّ في جَميعِ

و سوگند به عزتت - بارالها - که در همهٔ احوال به من مهربان باشی و در همهٔ کارها به

الْأُمُورِ عَطُوفاً، اِلٰهي وَ رَبّي مَنْ لي غَيْرُكَ اَسْئَلُهُ كَشْفَ ضُرّي

من توجه کنی. خدای من و پروردگار من، جز تو کیست که از او بخواهم تا رنج مرا بر طرف سازد

وَ النَّظَرَ في اَمْري، اِلٰهي وَ مَوْلايَ اَجْرَيْتَ عَلَيَّ حُكْماً

و در کارم نظر افکند؟ بارالها و سرورا، بر من حکمی روان ساختی که در اجرای آن

اتَّبَعْتُ فيهِ هَوىٰ نَفْسي وَ لَمْ اَحْتَرِسْ فيهِ مِنْ تَزْيينِ عَدُوّي

از هوای نفس پیروی کردم و از آراستن گناهان از طرف شیطان مواظبت نکردم

فَغَرَّني بِما اَهْوىٰ وَ اَسْعَدَهُ عَلىٰ ذٰلِكَ الْقَضاءُ فَتَجاوَزْتُ

پس آن دشمن، به آنچه می‌خواست مرا فریفت و قضا و قدر در این کار او را یاری کرد. و با آنچه

بِما جَرىٰ عَلَيَّ مِنْ ذٰلِكَ بَعْضَ حُدُودِكَ وَ خالَفْتُ بَعْضَ

بر من گذشت گرچه از بعضی حدود تو تجاوز کردم و با بعضی از فرمانهایت مخالفت ورزیدم،

اَوامِرِكَ فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَيَّ في جَميعِ ذٰلِكَ وَ لا حُجَّةَ لي

پس در همهٔ این امور سپاس تو بر عهدهٔ من است و من عذری ندارم در آنچه قضای تو

فيما جَرىٰ عَلَيَّ فيهِ قَضاؤُكَ وَ اَلْزَمَني حُكْمُكَ وَ بَلاؤُكَ،

جاری شد و حکم و امتحان تو مرا به آن ملزم ساخت.

وَ قَدْ اَتَيْتُكَ يا اِلٰهي بَعْدَ تَقْصيري وَ اِسْرافي عَلىٰ نَفْسي

و بسوی تو آمدم ای خدای من بعد از کوتاهی و اسراف بر نفس خود،

مُعْتَذِراً نادِماً مُنْكَسِراً مُسْتَقيلاً مُسْتَغْفِراً مُنيباً مُقِرّاً مُذْعِناً

عذر خواه و پشیمان و شکسته خاطر و بخشایش طلب و آمرزش خواه و گریان و اقرار کننده و با اذعان

مُعْتَرِفاً لا اَجِدُ مَفَرّاً مِمّا كانَ مِنّي، وَ لا مَفْزَعاً اَتَوَجَّهُ اِلَيْهِ

و اعتراف و از آنچه کردم نه گریزی دارم و نه پناهی که به آنجا روی آورم

في اَمْري، غَيْرَ قَبُولِكَ عُذْري وَ اِدْخالِكَ اِيّايَ في سَعَةٍ مِنْ

جز اینکه عذرخواهی مرا بپذیری و مرا در گسترهٔ رحمت خود

رَحْمَتِكَ، اَللّٰهُمَّ فَاقْبَلْ عُذْري، وَ ارْحَمْ شِدَّةَ ضُرّي، وَ فُكَّني

درآوری. بارالها، پس عذرم بپذیر و بر شدت پریشانیم رحمت آور و از بند سخت هوای نفس

مِنْ شَدِّ وَثاقي يا رَبِّ ارْحَمْ ضَعْفَ بَدَني، وَ رِقَّةَ جِلْدي

آزادم کن. ای پروردگار، بر ضعف بدنم رحمت فرمای و بر نازکی

وَ دِقَّةَ عَظْمي، يا مَنْ بَدَءَ خَلْقي وَ ذِكْري وَ تَرْبِيَتي، وَ بِرّي

پوست و شکنندگی استخوانم ببخشای. ای آنکه آفرینش مرا و نام و نشان مرا و تربیت مرا و نیکی مرا

وَ تَغْذِيَتي، هَبْني لِابْتِدآءِ كَرَمِكَ، وَ سالِفِ بِرِّكَ بي،

و روزی دادن به مرا آغاز فرمودی، به حق آغاز کرمت و سابقهٔ نیکیت با من، بر من ببخشای.

يا اِلهي وَ سَيِّدي وَ رَبّي اَتُراكَ مُعَذِّبي بِنارِكَ بَعْدَ تَوْحيدِكَ،

خدای من سرور من و پروردگارم آیا مرا در آتش عذاب می‌کنی؟ بعد از پذیرفتن یگانگی تو

وَ بَعْدَ مَا انْطَوىٰ عَلَيْهِ قَلْبي مِنْ مَعْرِفَتِكَ، وَ لَهِجَ بِهِ لِساني

و پس از آنکه معرفت تو در قلبم جای گرفت و زبانم

مِنْ ذِكْرِكَ، وَ اعْتَقَدَهُ ضَميري مِنْ حُبِّكَ، وَ بَعْدَ صِدْقِ

به نام تو گویا و دلم از محبت تو سرشار شد و بعد از اعتراف

اعْتِرافي وَ دُعائي خاضِعاً لِرُبُوبِيَّتِكَ، هَيْهاتَ اَنْتَ اَكْرَمُ مِنْ

صادقانه و دعای خاضعانهٔ من به پروردگاری تو؟ هرگز چنین نیست. تو کریمتر از آنی که کسی را

اَنْ تُضَيِّعَ مَنْ رَبَّيْتَهُ، اَوْ تُبْعِدَ مَنْ اَدْنَيْتَهُ، اَوْ تُشَرِّدَ مَنْ اوَيْتَهُ،

که پرورده‌ای تباه سازی؛ یا کسی را که به درگاهت نزدیک ساختی، از آن برانی؛ یا کسی را که جای دادی آواره کنی؛

اَوْ تُسَلِّمَ اِلَى الْبَلاءِ مَنْ كَفَيْتَهُ وَ رَحِمْتَهُ، وَ لَيْتَ شِعْري

یا کسی را که کفایت کردی و رحمت نمودی به بلاسپاری. و کاش می‌دانستم

يا سَيِّدي وَ اِلهي وَ مَوْلايَ، اَتُسَلِّطُ النّارَ عَلىٰ وُجُوهٍ خَرَّتْ

ای سرور من و خدای من و مولای من آیا آتش می‌زنی بر چهره‌هایی که در برابر عظمت تو

لِعَظَمَتِكَ ساجِدَةً، وَ عَلىٰ اَلْسُنٍ نَطَقَتْ بِتَوْحيدِكَ صادِقَةً

سجده کردند و زبانهایی که از سر راستی به یکتایی تو گویا شده

وَ بِشُكْرِكَ مادِحَةً، وَ عَلىٰ قُلُوبٍ اعْتَرَفَتْ بِاِلهِيَّتِكَ مُحَقِّقَةً،

و به شکرانهٔ تو سپاس گفته‌اند و به دلهایی که از سر تحقیق به خداوندگاری تو اعتراف کرده‌اند

وَ عَلیٰ ضَمٰائِرَ حَوَتْ مِنَ اَلْعِلْمِ بِكَ حَتّیٰ صٰارَتْ خٰاشِعَةً،

و به نهادهایی که از علم به تو چندان سرشار شده که خاکسار گردیده‌اند

وَ عَلیٰ جَوٰارِحَ سَعَتْ اِلیٰ اَوْطٰانِ تَعَبُّدِكَ طٰائِعَةً، وَ اَشٰارَتْ

و براندامهایی که به سوی پرستشگاههای تو فرمانبردار و شتابانند و با اعتراف،

بِاسْتِغْفٰارِكَ مُذْعِنَةً، مٰا هٰكَذَا اَلظَّنُّ بِكَ وَ لاٰ اُخْبِرْنٰا بِفَضْلِكَ

آمرزش تو را خواستار شده باشند، چنین گمانی دربارهٔ تو نیست. و از فضل تو چنین خبری به ما

عَنْكَ یٰا كَرِیمُ یٰا رَبِّ، وَ اَنْتَ تَعْلَمُ ضَعْفِی عَنْ قَلِیلٍ مِنْ

نداده‌اند ای کریم ای پروردگار. در حالی که تو ضعف مرا در برابر

بَلاٰءِ اَلدُّنْیٰا وَ عُقُوبٰاتِهٰا، وَ مٰا یَجْرِی فِیهٰا مِنَ اَلْمَكٰارِهِ عَلیٰ

بلای اندک دنیا و شکنجه‌ها و نا خوشایندی آن بر اهل دنیا

اَهْلِهٰا، عَلیٰ اَنَّ ذٰلِكَ بَلاٰءٌ وَ مَكْرُوهٌ قَلِیلٌ مَكْثُهُ یَسِیرٌ بَقٰائُهُ

می‌گذرد، می‌دانی. با آنکه آن بلا و نا خوشایندی گذرا است و کم دوام

قَصِیرٌ مُدَّتُهُ، فَكَیْفَ اَحْتِمٰالِی لِبَلاٰءِ اَلْاٰخِرَةِ وَ جَلِیلِ وُقُوعِ

و کوتاه مدت است، پس چگونه بلای آخرت و رویداد ناخوشایندی عظیم

اَلْمَكٰارِهِ فِیهٰا، وَ هُوَ بَلاٰءٌ تَطُولُ مُدَّتُهُ وَ یَدُومُ مَقٰامُهُ وَ لاٰ یُخَفَّفُ

در آن را بر خویشتن هموار سازم که بلائی طولانی مدت و پایدار است و برای اهل آن

عَنْ اَهْلِهِ لِاَنَّهُ لاٰ یَكُونُ اِلاّٰ عَنْ غَضَبِكَ وَ اَنْتِقٰامِكَ وَ سَخَطِكَ،

کاستی ندارد؛ چون جز از خشم و انتقام و نارضایی تو سر چشمه نگرفته است

وَ هٰذٰا مٰا لاٰ تَقُومُ لَهُ اَلسَّمٰاوٰاتُ وَ اَلْاَرْضُ، یٰا سَیِّدِی فَكَیْفَ

و این چیزی است که آسمانها و زمین را توان آن نیست چه رسد به من ای سرور من

لِي وَ اَنَا عَبْدُكَ الضَّعيفُ الذَّليلُ الْحَقيرُ الْمِسْكينُ الْمُسْتَكينُ،
که بندهٔ ناتوان و خوار و حقیر و رام و فروتن توام.

يا اِلٰهي وَ رَبّي وَ سَيِّدي وَ مَوْلايَ لِاَيِّ الْاُمُورِ اِلَيْكَ اَشْكُو،
الها، پروردگارا، سرورا، مولای من، از چه چیز شکایت آورم و از کدامیک از آنها

وَ لِما مِنْها اَضِجُّ وَ اَبْكي، لِاَليمِ الْعَذابِ وَ شِدَّتِهِ، اَمْ لِطُولِ
شیون کنم و بگریم ؟: از عذاب دردناک و شدت آن، یا از دوام بلا

الْبَلاءِ وَ مُدَّتِهِ، فَلَئِنْ صَيَّرْتَني لِلْعُقُوباتِ مَعَ اَعْدائِكَ
و درازی مدت آن؟ پس اگر مرا برای عذاب با دشمنانت همراه کنی

وَ جَمَعْتَ بَيْني وَ بَيْنَ اَهْلِ بَلائِكَ وَ فَرَّقْتَ بَيْني وَ بَيْنَ
و مرا با اهل بلاء در یک جا جمع‌آوری و میان مرا با دوستان

اَحِبّائِكَ وَ اَوْلِيائِكَ، فَهَبْني يا اِلٰهي وَ سَيِّدي وَ مَوْلايَ
و اولیای خود جدایی افکنی! پس مرا ببخش ای خدای من و ای سرور من و ای مولا

وَ رَبّي صَبَرْتُ عَلىٰ عَذابِكَ فَكَيْفَ اَصْبِرُ عَلىٰ فِراقِكَ،
و پروردگار من گیرم بر عذابت شکیبایی کنم چگونه بر جدایی تو صبر کنم؟،

وَ هَبْني صَبَرْتُ عَلىٰ حَرِّ نارِكَ فَكَيْفَ اَصْبِرُ عَنِ النَّظَرِ اِلىٰ
گیریم بر گرمای آتشت شکیبا باشم چگونه بر چشم پوشی از کرامتت

كَرامَتِكَ، اَمْ كَيْفَ اَسْكُنُ فِي النّارِ وَ رَجائي عَفْوُكَ، فَبِعِزَّتِكَ
صبر کنم؟، یا چگونه در آتش جای گیرم حال آنکه امید به بخشایشت دارم؟ پس ای

يا سَيِّدي وَ مَوْلايَ اُقْسِمُ صادِقاً لَئِنْ تَرَكْتَني ناطِقاً لَاَضِجَّنَّ
سرور من و مولای من، به عزّتت سوگندی از سر راستی که اگر مرا رخصت دهی که سخن بگویم

اِلَيْكَ بَيْنَ اَهْلِها ضَجيجَ اْلآمِلينَ، وَ لَاَصْرُخَنَّ اِلَيْكَ صُراخَ

در بین اهل دوزخ چون امیدواران بسوی تو شیون می‌کنم و چون نالهٔ کسانی که

اَلْمُسْتَصْرِخينَ، وَ لَاَبْكِيَنَّ عَلَيْكَ بُكآءَ اْلفاقِدينَ، وَ لَاُنادِيَنَّكَ

فریادرس می‌خواهند ناله می‌کنم و مثل کسانی که عزیز از دست داده باشند، می‌گریم و تو را ندا می‌دهم

اَيْنَ كُنْتَ يا وَلِيَّ اْلمُؤْمِنينَ، يا غايَةَ امالِ اْلعارِفينَ، يا غِياثَ

که کجایی ای مولای مؤمنان؟ ای نهایت آرزوی عارفان، ای دادرس

اَلْمُسْتَغيثينَ، يا حَبيبَ قُلُوبِ الصّادِقينَ، وَ يا اِلهَ اْلعالَمينَ،

دادخواهان، ای حبیب قلب راستگویان، و ای خدای جهانیان.

اَفَتُراكَ سُبْحانَكَ يا اِلهي وَ بِحَمْدِكَ تَسْمَعُ فيها صَوْتَ عَبْدٍ

ای خدای منزه ای خدای من که حمدْ سزاوار توست آیا ممکن است که بشنوی صدای بندهٔ

مُسْلِمٍ سُجِنَ فيها بِمُخالَفَتِهِ، وَ ذاقَ طَعْمَ عَذابِها بِمَعْصِيَتِهِ،

مسلمانی که در آتش زندانی شده و طعم شکنجهٔ آن را به سبب نافرمانی از تو چشیده است؟

وَ حُبِسَ بَيْنَ اَطْباقِها بِجُرْمِهِ وَ جَريرَتِهِ، وَ هُوَ يَضِجُّ اِلَيْكَ

و به جرم و گناه خود میان طبقه‌های آتش زندانی شده و مانند امیدوار به رحمت

ضَجيجَ مُؤَمِّلٍ لِرَحْمَتِكَ، وَ يُناديكَ بِلِسانِ اَهْلِ تَوْحيدِكَ،

تو، فریاد بر کشد و به زبان اهل توحید تو را ندا دهد

وَ يَتَوَسَّلُ اِلَيْكَ بِرُبُوبِيَّتِكَ، يا مَوْلايَ فَكَيْفَ يَبْقى فِي

و به پروردگاری تو متوسل گردد ای مولای من چنین کسی چگونه در عذاب باقی

اْلعَذابِ وَ هُوَ يَرْجُو ما سَلَفَ مِنْ حِلْمِكَ، اَمْ كَيْفَ تُؤْلِمُهُ

خواهد ماند؟، حال آنکه امیدوار به حلم گذشتهٔ توست؟ یا چگونه شراره آتش او را

اَلنّارُ وَ هُوَ يَأْمُلُ فَضْلَكَ وَ رَحْمَتَكَ، اَمْ كَيْفَ يُحْرِقُهُ لَهيبُها

فرا می‌گیرد، حال آنکه امیدوار به فضل و رحمت توست؟! یا چگونه شراره‌اش او را می‌سوزاند؟

وَ اَنْتَ تَسْمَعُ صَوْتَهُ وَ تَرىٰ مَكانَهُ، اَمْ كَيْفَ يَشْتَمِلُ عَلَيْهِ

حال آنکه بانگ او را می‌شنوی و جایگاه او را می‌بینی؟ یا چگونه شعله‌های آتش او را

زَفيرُها وَ اَنْتَ تَعْلَمُ ضَعْفَهُ، اَمْ كَيْفَ يَتَقَلْقَلُ بَيْنَ اَطْباقِها

در بر می‌گیرد؟ حال آنکه ناتوانی او را می‌دانی؟ یا چگونه میان طبقات آتش به خود می‌پیچد

وَ اَنْتَ تَعْلَمُ صِدْقَهُ، اَمْ كَيْفَ تَزْجُرُهُ زَبانِيَتُها وَ هُوَ يُناديكَ

حال آنکه صداقت او را می‌دانی؟ یا چگونه زبانهٔ آتش او را می‌آزارد؟ در حالی که فریاد می‌زند

يا رَبَّهُ،اَمْ كَيْفَ يَرْجُو فَضْلَكَ في عِتْقِهِ مِنْها فَتَتْرُكَهُ فيها،

ای پروردگار من؟ یا چگونه به فضل تو امید دارد که از آتش آزادش کنی؟ او را در آتش واگذاری.

هَيْهاتَ ما ذٰلِكَ الظَّنُّ بِكَ، وَ لَا الْمَعْرُوفُ مِنْ فَضْلِكَ،

هیهات، که چنین گمانی به تو نمی‌رود و چنین کاری از فضل تو کس سراغ ندارد

وَ لا مُشْبِهٌ لِما عامَلْتَ بِهِ الْمُوَحِّدينَ مِنْ بِرِّكَ وَ اِحْسانِكَ،

و شبیه آنچه از روی نیکی و احسانت با یکتاپرستان کرده‌ای نیست؛

فَبِالْيَقينِ اَقْطَعُ لَوْلا ما حَكَمْتَ بِهِ مِنْ تَعْذيبِ جاحِديكَ،

و من به یقین قطع دارم که اگر به شکنجه کردن منکرانت فرمان نداده بودی

وَ قَضَيْتَ بِهِ مِنْ اِخْلادِ مُعانِديكَ لَجَعَلْتَ النّارَ كُلَّها بَرْداً

و به جاودان ساختن دشمنانت دستوری تغییرناپذیر نداده بودی، همانا آتش را بر همهٔ آنان «سرد

وَ سَلاماً، وَ ما كانَ لِاَحَدٍ فيها مَقَرّاً وَ لا مُقاماً، لٰكِنَّكَ تَقَدَّسَتْ

و سلامت» می‌کردی و برای هیچ کس در آتش، قرارگاه و اقامتگاه نبود. اما تو که نامهایت

اَسْمٰاؤُكَ اَقْسَمْتَ اَنْ تَمْلَأَهٰا مِنَ اَلْكٰافِرِينَ، مِنَ اَلْجِنَّةِ

مقدس است سوگند یاد کرده‌ای که دوزخ را از کافران، جن و انس

وَ اَلنّٰاسِ اَجْمَعِينَ، وَ اَنْ تُخَلِّدَ فِيهٰا اَلْمُعٰانِدِينَ، وَ اَنْتَ

پر کنی و معاندان را جاودانه در آن نگاهداری و تو را

جَلَّ ثَنٰاؤُكَ قُلْتَ مُبْتَدِئاً، وَ تَطَوَّلْتَ بِالْاِنْعٰامِ مُتَكَرِّماً، اَفَمَنْ

ستایش عظیم سزاست در آغاز گفته‌ای و نعمت طولانی عنایت فرموده‌ای: آیا کسی

كٰانَ مُؤْمِناً كَمَنْ كٰانَ فٰاسِقاً لاٰ يَسْتَوُونَ، اِلٰهِي وَ سَيِّدِي فَاَسْئَلُكَ

که مؤمن باشد مانند کسی است که فاسق باشد ؟ نه؛ این دو مساوی نباشند. خدای من و سرورم،

بِالْقُدْرَةِ اَلَّتِي قَدَّرْتَهٰا، وَ بِالْقَضِيَّةِ اَلَّتِي حَتَمْتَهٰا وَ حَكَمْتَهٰا،

سوگند به آن قدرتت که مقدر فرمودی و سوگند به فرمانی که آن را حتمی کردی و به آن دستور دادی

وَ غَلَبْتَ مَنْ عَلَيْهِ اَجْرَيْتَهٰا، اَنْ تَهَبَ لِي فِي هٰذِهِ اَللَّيْلَةِ وَ فِي

و بر هر کس که آنرا اجرا کردی بر او چیره گشتی که در این شب و این

هٰذِهِ اَلسّٰاعَةِ كُلَّ جُرْمٍ اَجْرَمْتُهُ وَ كُلَّ ذَنْبٍ اَذْنَبْتُهُ، وَ كُلَّ قَبِيحٍ

ساعت هر جرمی که به آن دست زده‌ام و هر گناهی که مرتکب شده‌ام و هر کار زشت که انجام

اَسْرَرْتُهُ، وَ كُلَّ جَهْلٍ عَمِلْتُهُ كَتَمْتُهُ اَوْ اَعْلَنْتُهُ، اَخْفَيْتُهُ اَوْ

داده‌ام و هر کار که از سرنادانی کرده و آنرا پنهان کرده‌ام یا آشکار ساخته‌ام، مخفیانه یا

اَظْهَرْتُهُ، وَ كُلَّ سَيِّئَةٍ اَمَرْتَ بِاِثْبٰاتِهَا اَلْكِرٰامَ اَلْكٰاتِبِينَ اَلَّذِينَ

آشکارا انجام داده‌ام، و هر کار ناپسند که فرمان ثبت کردن آن پردازد، به آن فرشتگان که آنان را

وَ كَّلْتَهُمْ بِحِفْظِ مٰا يَكُونُ مِنِّي، وَ جَعَلْتَهُمْ شُهُوداً عَلَيَّ مَعَ

موکّل کردی تا آنچه من می‌کنم محفوظ بدارند و آنان را با اعضای بدن من شاهد بر من

جَوٰارِحي، وَ كُنْتَ اَنْتَ اَلرَّقيبَ عَلَيَّ مِنْ وَرٰائِهِمْ وَ اَلشّٰاهِدَ
قرار دادی، و تو خود از ورای آنان مراقب من بودی و شاهد چیزی که

لِمٰاخَفِيَ عَنْهُمْ، وَ بِرَحْمَتِكَ اَخْفَيْتَهُ وَ بِفَضْلِكَ سَتَرْتَهُ، وَ اَنْ
از آنان پنهان است و به رحمت خود آن را پنهان کردی و به فضل خویش آن را پوشاندی، و می‌خواهم

تُوَفِّرَ حَظّي مِنْ كُلِّ خَيْرٍ اَنْزَلْتَهُ اَوْ اِحْسٰانٍ فَضَّلْتَهُ، اَوْ بِرٍّ
که حظّ مرا فراوان دهی از همهٔ خیرها که فرو فرستادی یا از احسانی که تفضّل فرمودی، یا از هر خوبی

نَشَرْتَهُ اَوْ رِزْقٍ بَسَطْتَهُ، اَوْ ذَنْبٍ تَغْفِرُهُ اَوْ خَطَأٍ تَسْتُرُهُ،
که پراکندی، یا از هر روزی که گستردی، یا از هر گناه که آمرزیدی، یا هر خطا که می‌پوشانی،

يٰا رَبِّ يٰا رَبِّ يٰا رَبِّ، يٰا اِلٰهي وَ سَيِّدي وَ مَوْلاٰيَ وَ مٰالِكَ
ای پروردگار ای پروردگار ای پروردگار من، ای خدای من و سرور من و مولای من، ای مالک

رِقّي، يٰا مَنْ بِيَدِهِ نٰاصِيَتي، يٰا عَليماً بِضُرّي وَ مَسْكَنَتي،
و صاحب من، ای که هستی من در دست توست، ای که به تهیدستی و مسکنت من دانایی،

يٰا خَبيراً بِفَقْري وَ فٰاقَتي، يٰا رَبِّ يٰا رَبِّ يٰا رَبِّ، اَسْئَلُكَ
ای که از فقر و فاقهٔ من آگاهی، ای پروردگار من، ای پروردگار من، ای پروردگار من، به حق

بِحَقِّكَ وَ قُدْسِكَ وَ اَعْظَمِ صِفٰاتِكَ وَ اَسْمٰائِكَ اَنْ تَجْعَلَ اَوْقٰاتي
و قداست و بزرگترین صفت و نام تو از تو می‌خواهم که اوقات شب و روز

مِنَ اَللَّيْلِ وَ اَلنَّهٰارِ بِذِكْرِكَ مَعْمُورَةً، وَ بِخِدْمَتِكَ مَوْصُولَةً،
مرا با یاد خود آباد و پیوسته در خدمت خود قرار دهی.

وَ اَعْمٰالي عِنْدَكَ مَقْبُولَةً، حَتّٰى تَكُونَ اَعْمٰالي وَ اَوْرٰادي كُلُّهٰا
و اعمال من در نظرت مقبول افتد؛ چندان که کردار و گفتارم همه

وِرْداً واحِداً، وَ حالي في خِدْمَتِكَ سَرْمَداً، يا سَيِّدي يا مَنْ
یکسان و خالص گردد و حالم از خدمت تو سرمدی شود. ای سرور من، ای که تکیه‌ام

عَلَيْهِ مُعَوَّلي، يا مَنْ اِلَيْهِ شَكَوْتُ اَحْوالي، يا رَبِّ يا رَبِّ
بر توست، ای که از احوال خود به تو شکوه می‌آورم، ای پروردگار من، ای پروردگار من،

يا رَبِّ، قَوِّ عَلىٰ خِدْمَتِكَ جَوارِحي، وَ اشْدُدْ عَلَى الْعَزيمَةِ
ای پروردگار من، اندامهای مرا برای خدمت خود نیرومند فرما؛ و اراده‌ام را برای این فداکاری

جَوانِحي، وَ هَبْ لِيَ الْجِدَّ في خَشْيَتِكَ، وَ الدَّوامَ فِي
محکم کن و بر من جدیت در خشیت تو و مداومت در

الْاِتِّصالِ بِخِدْمَتِكَ، حَتّىٰ اَسْرَحَ اِلَيْكَ في مَيادينِ السّابِقينَ
ارتباط با حضرت تو عطا کن، چندان که در میدان پیشتازان به سوی تو تازم

وَ اُسْرِعَ اِلَيْكَ فِي الْمُبادِرينَ (الْبارِزينَ)، وَ أَشْتاقَ اِلىٰ قُرْبِكَ
و در زمرهٔ مبارزان به اشتیاق لقای تو شتابم و در میان مشتاقان به قرب تو

فِي الْمُشْتاقينَ، وَ اَدْنُوَ مِنْكَ دُنُوَّ الْمُخْلِصينَ، وَ اَخافَكَ
مشتاق باشم و چون نزدیک شدن مخلصان به سوی تو نزدیک گردم و آن سان که اهل یقین از تو

مَخافَةَ الْمُوقِنينَ، وَ اَجْتَمِعَ في جِوارِكَ مَعَ الْمُؤْمِنينَ اَللّٰهُمَّ
خائفند از تو خائف باشم و در آستانت با مؤمنان حضور یابم. خدایا

وَ مَنْ اَرادَني بِسُوءٍ فَاَرِدْهُ، وَ مَنْ كادَني فَكِدْهُ، وَ اجْعَلْني
کسی که به من ارادهٔ بد کند، کیفرش فرمای؛ و کسی که به من مکر کند، مجازات فرما. و به من

مِنْ اَحْسَنِ عَبيدِكَ نَصيباً عِنْدَكَ، وَ اَقْرَبِهِمْ مَنْزِلَةً مِنْكَ،
در پیشگاه خود بهترین نصیب و نزدیک‌ترین منزلت و مخصوص‌ترین تقرب

وَ اَخَصِّهِمْ زُلْفَةً لَدَيْكَ، فَاِنَّهُ لاٰ يُنٰالُ ذٰلِكَ اِلّٰا بِفَضْلِكَ،

به خود عنایت فرما. همانا کسی جز به فضل تو به چنین مقام نتواند رسید.

وَ جُدْلِي بِجُودِكَ، وَ اعْطِفْ عَلَيَّ بِمَجْدِكَ، وَ احْفَظْني بِرَحْمَتِكَ

و از جود خود به من جودکن و با مجد خود به من توجه فرمای و به رحمت خود مرا حفظ کن

وَ اجْعَلْ لِسٰاني بِذِكْرِكَ لَهِجاً، وَ قَلْبي بِحُبِّكَ مُتَيَّماً، وَ مُنَّ

و زبان مرا در یاد خود توانایی ده و قلبم را به دوستی خود مشتاق گردان و با حُسن

عَلَيَّ بِحُسْنِ اِجٰابَتِكَ وَ اَقِلْني عَثْرَتي وَ اغْفِرْ زَلَّتي، فَاِنَّكَ

اجابت خود بر من منت گذار.از لغزشم چشم پوش و خطایم را بیامرز همانا تو

قَضَيْتَ عَلىٰ عِبٰادِكَ بِعِبٰادَتِک، وَ اَمَرْتَهُمْ بِدُعٰائِكَ وَ ضَمِنْتَ

به بندگانت فرمان عبادت دادی و آنان را امر فرمودی تا تو را بخوانند

لَهُمُ الْاِجٰابَةَ، فَاِلَيْكَ يٰا رَبِّ نَصَبْتُ وَجْهي، وَ اِلَيْكَ يٰا رَبِّ

و اجابت آن را برای آنان بر عهده گرفتی؛ پس ای پروردگار من، رو به تو آورده‌ام و پروردگارا

مَدَدْتُ يَدي، فَبِعِزَّتِكَ اسْتَجِبْ لي دُعٰائي، وَ بَلِّغْني مُنٰايَ،

دستم را به سوی تو دراز کرده‌ام پس به عزّت تو سوگند که دعایم را اجابت کن. و به آرزویم برسان

وَ لاٰ تَقْطَعْ مِنْ فَضْلِكَ رَجٰائي، وَ اكْفِني شَرَّ الْجِنِّ وَ الْاِنْسِ

و به فضل خود رشتهٔ امیدم را قطع نکن و مرا از شر دشمنان جنّ و انس کفایت

مِنْ اَعْدٰائي، يٰا سَريعَ الرِّضٰا اغْفِرْ لِمَنْ لاٰ يَمْلِكُ اِلَّا الدُّعٰاءَ،

فرمای. ای که از گنهکاران زود در می‌گذری، آن را که جز دعا چیزی در دست ندارد بیامرز.

فَاِنَّكَ فَعّٰالٌ لِمٰا تَشٰاءُ، يٰا مَنِ اسْمُهُ دَوٰاءٌ، وَ ذِكْرُهُ شِفٰاءٌ

پس همانا که تو هر چه بخواهی انجام می‌دهی ای که نامت دوا است و یادت شفا

وَ طٰاعَتُهُ غِنیً اِرْحَمْ مَنْ رَأْسُ مٰالِهِ الرَّجٰاءُ وَ سِلاٰحُهُ الْبُکٰاءُ،

و طاعتت توانگری، به آنکس که سرمایه‌اش امید است و ساز و برگش گریه است، رحمت آور.

یٰا سٰابِغَ النِّعَمِ، یٰا دٰافِعَ النِّقَمِ، یٰا نُورَ الْمُسْتَوْحِشینَ فِی الظُّلَمِ،

ای نثار کنندهٔ نعمتها، ای دفع کنندهٔ بلاها، ای نوردل وحشتزدگان در تیرگی‌ها،

یٰا عٰالِماً لاٰ یُعَلَّمُ، صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ وَ افْعَلْ بی

ای دانای تعلیم ندیده، صلوات فرست بر محمّد و آل محمّد و آنچه شایستهٔ توست

مٰا اَنْتَ اَهْلُهُ، وَ صَلَّی اللّٰهُ عَلیٰ رَسُولِهِ وَ الْاَئِمَّةِ الْمَیٰامینَ

با من انجام ده و صلوات خدا بر رسول او و امامان با میمنت

مِنْ اٰلِهِ وَ سَلَّمَ تَسْلیماً کَثیراً.[1]

از تبار او، و سلام فراوان بر آنان باد.

۴ـ دعای سمات

اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الْعَظیمِ الْاَعْظَمِ الْاَعَزِّ الْاَجَلِّ

بار خدایا! من از تو می‌خواهم به نام تو کهٔ عظیم و اعظم و اعزّ و اجلّ

الْاَکْرَمِ الَّذی اِذٰا دُعیتَ بِهِ عَلیٰ مَغٰالِقِ اَبْوٰابِ السَّمٰاءِ لِلْفَتْحِ

و اکرم است آن نامی که چون بر درهای بستهٔ آسمان خوانده شوی تا به رحمت

بِالرَّحْمَةِ انْفَتَحَتْ، وَ اِذٰا دُعیتَ بِهِ عَلیٰ مَضٰائِقِ اَبْوٰابِ

گشوده شود باز گردند و چون بدان بر درهای تنگناهای

الْاَرْضِ لِلْفَرَجِ انْفَرَجَتْ، وَ اِذٰا دُعیتَ بِهِ عَلَی الْعُسْرِ لِلْیُسْرِ

زمین برای فرج خوانده شوی گشایش یابند و اگر بدان خوانده شوی برای آسان شدن

---

۱. اقبال صفحه ۷۰۶، مصباح کفعمی صفحه ۵۵۵.

تَیَسَّرَتْ، وَ اِذا دُعیتَ بِهِ عَلَی الْاَمْواتِ لِلنُّشورِ انْتَشَرَتْ،
سختی، آسان گردد و چون بدان خوانده شوی برای برخاستن مرده‌ها بپا خیزند

وَ اِذا دُعیتَ بِهِ عَلیٰ کَشْفِ الْبَأْساءِ وَ الضَّرّاءِ انْکَشَفَتْ،
و چون بدان خوانده شوی برای رفع سختی و زیان برطرف شوند

وَ بِجَلالِ وَجْهِکَ الْکَریمِ، أَکْرَمِ الْوُجُوهِ وَ أَعَزِّ الْوُجُوهِ الَّذی
و به جلال وجه کریم آن کریم‌ترین وجه و عزیزترین وجه که

عَنَتْ لَهُ الْوُجُوهُ وَ خَضَعَتْ لَهُ الرِّقابُ وَ خَشَعَتْ لَهُ
همهٔ وجوه در برابر آن خوارند و همهٔ گردنها خضوع کرده‌اند

الْاَصْواتُ وَ وَجِلَتْ لَهُ الْقُلُوبُ مِنْ مَخافَتِکَ، وَ بِقُوَّتِکَ الَّتی
و صداها در برابر آن خاشع و قلبها از خوف تو ترسان هستند به نیروی تو که

بِها تُمْسِکُ السَّماءَ اَنْ تَقَعَ عَلَی الْاَرْضِ اِلّا بِإِذْنِکَ وَ تُمْسِکُ
بدان آسمان را نگه‌داشتی تا بر زمین نیفتد مگر با اجازه‌ات و آسمانها

السَّمٰواتِ وَ الْاَرْضَ اَنْ تَزُولا، وَ بِمَشِیَّتِکَ الَّتی دانَ لَهَا
و زمین را نگه‌داشتی که از جای خود نروند و بخواست تو که همه جهانیان بدان

الْعالَمُونَ، وَ بِکَلِمَتِکَ الَّتی خَلَقْتَ بِهَا السَّمٰواتِ وَ الْاَرْضَ،
دل نهاده و بدان کلمه‌ات که به آن آسمانها و زمین را آفریدی

وَ بِحِکْمَتِکَ الَّتی صَنَعْتَ بِهَا الْعَجائِبَ وَ خَلَقْتَ بِهَا الظُّلْمَةَ
و به حکمت خود که بدان شگفتی‌ها را ساختی و به آن تاریکی آفریدی

وَ جَعَلْتَها لَیْلاً وَ جَعَلْتَ اللَّیْلَ سَکَناً، وَ خَلَقْتَ بِهَا النُّورَ
و آن را شب قرار دادی و شب را برای آرامش قرار دادی و بدان روشنی را آفریدی

وَ جَعَلْتَهُ نَهاراً وَ جَعَلْتَ ٱلنَّهارَ نُشُوراً مُبصِراً، وَ خَلَقْتَ بِهَا
و روزش نامیدی و روز را بینایی بخش قرار هادی و بدان حکمت خورشید را

ٱلشَّمْسَ وَ جَعَلْتَ ٱلشَّمْسَ ضِيآءً، وَ خَلَقْتَ بِهَا ٱلْقَمَرَ
آفریدی و خورشید را تابش دادی و بدان ماه را آفریدی،

وَ جَعَلْتَ ٱلْقَمَرَ نُوراً،وَ خَلَقْتَ بِهَا ٱلْكَواكِبَ وَجَعَلْتَها نُجُوماً
و ماه را نورانی ساختی و بدان حکمت کواکب را آفریدی و آنها را اختران

وَ بُرُوجاً وَ مَصابيحَ وَ زينَةً وَ رُجُوماً، وَ جَعَلْتَ لَها مَشارِقَ
و برجها و ستارگان و زینت آسمانها و سیارات قرار دادی. و برای آنها مشرق

وَ مَغارِبَ، وَ جَعَلْتَ لَها مَطالِعَ وَ مَجارِيَ، وَ جَعَلْتَ لَها
و مغرب مقرر ساختی و برای آنها طلوع و مدار برپا ساختی و برای آنها

فَلَكاً وَ مَسابِحَ، وَ قَدَّرْتَها فِي ٱلسَّماءِ مَنازِلَ فَأَحْسَنْتَ تَقْديرَها،
فلک و منظومه و کهکشان آفریدی. و اندازه و جایگاه آنها را در آسمان بهترین اندازه قرار دادی

وَ صَوَّرْتَها فَأَحْسَنْتَ تَصْويرَها، وَ اَحْصَيْتَها بِأَسْمآئِكَ إِحْصاءً،
و به صورتهای فلکی در بهترین صورتها درآوردی و آنها را به نام خود آمار کردی

وَ دَبَّرْتَها بِحِكْمَتِكَ تَدْبيراً وَ أَحْسَنْتَ تَدْبيرَها، وَ سَخَّرْتَها
و در تدبیر آنها به حکمت خود نیکوترین تدبیر را بکار بستی آنها را با تسلط

بِسُلْطانِ ٱللَّيْلِ وَ سُلْطانِ ٱلنَّهارِ وَ ٱلسّاعاتِ وَ عَدَدَ ٱلسِّنينَ
شب و روز و ساعات و شمارهٔ سال و ضبط حساب تسخیر

وَ ٱلْحِسابِ، وَ جَعَلْتَ رُؤْيَتَها لِجَميعِ ٱلنّاسِ مَرْئِيً واحِداً،
کردی. و رؤیت آنها را برای همه مردم یکنواخت ساختی

وَ أَسْئَلُكَ اَللّٰهُمَّ بِمَجْدِكَ اَلَّذي كَلَّمْتَ بِهِ عَبْدَكَ وَ رَسُولَكَ
و از تو می‌خواهم خدایا به مجدت که بدان سخن گفتی با بنده و رسولت

مُوسَى بْنَ عِمْرانَ عَلَيْهِ اَلسَّلامُ فِي اَلْمُقَدَّسينَ فَوْقَ إِحْساسِ
موسی بن عمران علیه السلام در مقام مقدسین برتر از احساس

اَلْكَرُوبِينَ، فَوْقَ غَمٰائِمِ اَلنُّورِ، فَوْقَ تٰابُوتِ اَلشَّهٰادَةِ، فى
ملائکهٔ عرش، فوق حجاب‌های نور، بالای تابوت شهادة در

عَمُودِ اَلنّارِ، وَ في طُورِ سَيْنٰاءَ، وَ في جَبَلِ حُورِيثَ فِي اَلْوٰادِ
عمودی از آتش در طور سیناء و در کوه حوریث در وادی

اَلْمُقَدَّسِ، فِي اَلْبُقْعَةِ اَلْمُبٰارَكَةِ، مِنْ جٰانِبِ اَلطُّورِ اَلْاَيْمَنِ مِنَ
مقدس در بقعهٔ با برکت از آن درخت در جانب راست طور

اَلشَّجَرَةِ، وَ في أَرْضِ مِصْرَ، بِتِسْعِ اٰياتٍ بَيِّنٰاتٍ، وَ يَوْمَ فَرَقْتَ
و در زمین مصر با نُه معجزهٔ روشن و روزی که برای

لِبَنِيَ إِسْرٰائيلَ اَلْبَحْرَ، وَ فِي اَلْمُنْبَجِسٰاتِ اَلَّتى صَنَعْتَ بِهٰا
بنی اسرائیل آب را شکافتی. و در چشمه‌هایی که (از سنگ جوشید) با آن عجایبی

اَلْعَجٰائِبَ في بَحْرِ سُوفٍ، وَعَقَدْتَ مٰاءَ اَلْبَحْرِ في قَلْبِ اَلْغَمْرِ
در دریای سوف خلق کردی. و راه آب دریا را در دل گرداب چون

كَالْحِجٰارَةِ، وَ جٰاوَزْتَ بِبَنِيَ إِسْرٰائيلَ اَلْبَحْرَ، وَ تَمَّتْ كَلِمَتُكَ
تخته سنگ بستی. و بنی اسرائیل را از دریا گذراندی و وعدهٔ نیکوی تو

اَلْحُسْنىٰ عَلَيْهِمْ بِمٰا صَبَرُوا، وَ اَوْرَثْتَهُمْ مَشٰارِقَ اَلْاَرْضِ
دربارهٔ آنها برای شکیبایی‌شان انجام شده و آنها را وارث گردانیدی بر مشرق

وَ مَغارِبَهَا الَّتِي بارَكْتَ فِيها لِلْعالَمِينَ، وَ أَغْرَقْتَ فِرْعَوْنَ

و مغرب زمین که در آن بر عالمیان برکت داده بودی و فرعون

وَ جُنُودَهُ وَ مَراكِبَهُ فِي الْيَمِّ، وَ بِاسْمِكَ الْعَظِيمِ الْأَعْظَمِ الْأَعَزِّ

و لشکرش و مراکبش را در دریا غرب نمودی و قسم به نام عظیم اعظم و اعز

الْأَجَلِّ الْأَكْرَمِ، وَ بِمَجْدِكَ الَّذِي تَجَلَّيْتَ بِهِ لِمُوسىٰ كَلِيمِكَ

و اجلّ و اکرم و به مجد خود که تجلّی کردی بدان برای موسی کلیمت

عَلَيْهِ السَّلامُ فِي طُورِ سَيْناءَ، وَ لِإِبْراهِيمَ عَلَيْهِ السَّلامُ خَلِيلِكَ

علیه السلام در [۲] طور سیناء و برای ابراهیم علیه السلام خلیلت

مِنْ قَبْلُ فِي مَسْجِدِ الْخَيْفِ، وَ لِإِسْحٰقَ صَفِيِّكَ عَلَيْهِ السَّلامُ

پیش از آن [۲] در مسجد خیف و برای اسحاق صفیّت علیه السلام

فِي بِئْرِ شَيَعٍ، وَ لِيَعْقُوبَ نَبِيِّكَ عَلَيْهِ السَّلامُ فِي بَيْتِ إِيلٍ،

در [۲] چاه شیع و برای یعقوب پیغمبرت علیه السلام [۲] در بیت ایل

وَ أَوْفَيْتَ لِإِبْراهِيمَ عَلَيْهِ السَّلامُ بِمِيثاقِكَ، وَ لِإِسْحٰقَ بِحَلْفِكَ،

و برای ابراهیم علیه السلام به پیمانت وفا کردی. و برای اسحاق به سوگندت

وَ لِيَعْقُوبَ بِشَهادَتِكَ، وَ لِلْمُؤْمِنِينَ بِوَعْدِكَ، وَ لِلدّاعِينَ

و برای یعقوب به گواهیت و برای مؤمنین به وعده‌ات و برای آنان که ترا خواندند

بِأَسْمائِكَ فَأَجَبْتَ، وَ بِمَجْدِكَ الَّذِي ظَهَرَ لِمُوسَى بْنِ عِمْرانَ

به نامهایت و اجابت کردی و به مجدت که برای موسی بن عمران

عَلَيْهِ السَّلامُ عَلىٰ قُبَّةِ الرُّمّانِ، وَ بِآياتِكَ الَّتِي وَقَعَتْ عَلىٰ

علیه السلام در قبه‌ی الرمان پدید آمد و به معجزاتی [۲] که در زمین

أَرْضِ مِصْرَ بِمَجْدِ ٱلْعِزَّةِ وَ ٱلْغَلَبَةِ بِآيَاتٍ عَزِيزَةٍ، وَ بِسُلْطَانِ

مصر به مجد عزت و چیرگی با نشانه‌های عزیز واقع شد و به نیروی مسلّط

ٱلْقُوَّةِ وَ بِعِزَّةِ ٱلْقُدْرَةِ وَ بِشَأْنِ ٱلْكَلِمَةِ ٱلتَّامَّةِ، وَ بِكَلِمَاتِكَ

و به قدرت بی‌نظیر و به مقام کلمه تامه و به کلماتت که

ٱلَّتِي تَفَضَّلْتَ بِهَا عَلَىٰ أَهْلِ ٱلسَّمٰوَاتِ وَ ٱلْأَرْضِ وَ أَهْلِ

به آن تفضل کردی بر اهل آسمانها و زمین و اهل

ٱلدُّنْيَا وَ أَهْلِ ٱلْآخِرَةِ، وَ بِرَحْمَتِكَ ٱلَّتِي مَنَنْتَ بِهَا عَلَىٰ جَمِيعِ

دنیا و اهل آخرت، و به رحمتت که به آن بخشش کردی به همهٔ

خَلْقِكَ، وَ بِاسْتِطَاعَتِكَ ٱلَّتِي أَقَمْتَ بِهَا عَلَى ٱلْعَالَمِينَ،

خلقت، و به توانت که با آن عالمیان را بر پا داشتی

وَ بِنُورِكَ ٱلَّذِي قَدْ خَرَّ مِنْ فَزَعِهِ طُورُ سَيْنَاءَ، وَ بِعِلْمِكَ

و به نورت که از هراس طور سیناء به لرزه افتاد. و به علم

وَ جَلَالِكَ وَ كِبْرِيَائِكَ وَ عِزَّتِكَ وَ جَبَرُوتِكَ ٱلَّتِي لَمْ تَسْتَقِلَّهَا

و جلال و کبریائت و عزّت و جبروتت که زمین توان آن را

ٱلْأَرْضُ، وَ ٱنْخَفَضَتْ لَهَا ٱلسَّمٰوَاتُ وَ ٱنْزَجَرَ لَهَا ٱلْعُمْقُ

ندارد. و در برابر آن آسمانها فرو افتادند و سیاه چالهای بزرگ

ٱلْأَكْبَرُ، وَ رَكَدَتْ لَهَا ٱلْبِحَارُ وَ ٱلْأَنْهَارُ، وَ خَضَعَتْ لَهَا ٱلْجِبَالُ،

تسلیم شدند و برایش دریاها و نهرها راکد شدند. و کوهها برای آن خضوع کردند

وَ سَكَنَتْ لَهَا ٱلْأَرْضُ بِمَنَاكِبِهَا، وَ ٱسْتَسْلَمَتْ لَهَا ٱلْخَلَائِقُ

و زمین بر مدار خویش آرام گشت و تسلیم آن شدند

كُلُّهٰا، وَ خَفَقَتْ لَهَا ٱلرِّيٰاحُ فِي جَرَيٰانِهٰا وَ خَمِدَتْ لَهَا ٱلنِّيرٰانُ

همه خلائق، و برایش بادها در وزیدن خود پریشان شدند و خاموش شد برایش آتش‌ها

فِي أَوْطٰانِهٰا، وَ بِسُلْطٰانِكَ ٱلَّذِي عُرِفَتْ لَكَ بِهِ ٱلْغَلَبَةُ

در وطنهای خود، و به سلطنت تو که بدان در همهٔ دهر پیروزی برای تو

دَهْرَ ٱلدُّهُورِ، وَ حُمِدْتَ بِهِ فِي ٱلسَّمٰوٰاتِ وَ ٱلْأَرَضِينَ،

شناخته شد، و بدان در آسمانها و زمین‌ها حمد شدی.

وَ بِكَلِمَتِكَ كَلِمَةِ ٱلصِّدْقِ ٱلَّتِي سَبَقَتْ لِأَبِينٰا اٰدَمَ عَلَيْهِ ٱلسَّلاٰمُ

و به کلمهٔ تو کلمهٔ راستی که پیش درآمد رحمت شد برای پدر ما آدم علیه السلام

وَ ذُرِّيَّتِهِ بِالرَّحْمَةِ،وَ اَسْئَلُكَ بِكَلِمَتِكَ ٱلَّتِي غَلَبَتْ كُلَّ شَيْءٍ،

و نژادش، و از تو خواهم به کلمهٔ تو که غالب شدی با آن بر هر چیز

وَ بِنُورِ وَجْهِكَ ٱلَّذِي تَجَلَّيْتَ بِهِ لِلْجَبَلِ فَجَعَلْتَهُ دَكّاً وَ خَرَّ

و به نور وجهت که بدان تجلّی کردی در کوه و آنرا فرو پاشیدی

مُوسىٰ صَعِقاً، وَ بِمَجْدِكَ ٱلَّذِي ظَهَرَ عَلىٰ طُورِ سَيْنٰاءَ فَكَلَّمْتَ

و موسی بیهوش درافتاد و به مجد تو که در طور سیناء پدید شد و بدان

بِهِ عَبْدَكَ وَ رَسُولَكَ مُوسَى بْنَ عِمْرٰانَ، وَ بِطَلْعَتِكَ فِي

با بنده و رسولت موسی بن عمران سخن گفتی و به پرتو بخشیت

سٰاعِيرَ وَ ظُهُورِكَ فِي جَبَلِ فٰارٰانَ بِرَبَوٰاتِ ٱلْمُقَدَّسِينَ وَ جُنُودِ

در ساعیر و پیدایشت در کوه فاران در تپه‌های مقدسان و لشکرهای

ٱلْمَلاٰئِكَةِ ٱلصّٰافِّينَ وَ خُشُوعِ ٱلْمَلاٰئِكَةِ ٱلْمُسَبِّحِينَ،وَبِبَرَكٰاتِكَ

فرشتگان صف در صف و خشوع فرشتگان تسبیح خوان و به برکاتت

اَلَّتی بارَکْتَ فیها عَلیٰ إِبْراهیمَ خَلیلِكَ عَلَیْهِ اَلسَّلامُ فی

که مبارک کردی آنها را بر ابراهیم خلیلت علیه السلام در

أُمَّةِ مُحَمَّدٍ صَلَّی اَللّٰهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ، وَ بارَکْتَ لِإِسْحٰق صَفِیِّكَ

امت محمّد صلی الله علیه و آله و مبارک کردی برای اسحاق صفیّت

فی أُمَّةِ عیسیٰ عَلَیْهِمَا اَلسَّلامُ، وَ بارَکْتَ لِحَبیبِكَ مُحَمَّدٍ

در امت عیسی علیهما السلام و مبارک کردی برای حبیبت محمد

صَلَّی اَللّٰهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ فی عِتْرَتِهِ وَ ذُرِّیَّتِهِ وَ أُمَّتِهِ، اَللّٰهُمَّ

صلی الله علیه و آله در عترت و نژاد و امتش بار خدایا !

وَ کَما غِبْنا عَنْ ذٰلِكَ وَ لَمْ نَشْهَدْهُ وَ آمَنّا بِهِ وَ لَمْ نَرَهُ صِدْقاً

چنانچه ما نبودیم در آن دقایق و حضور نداشتیم و ندیده براستی

وَعَدْلاً أَنْ تُصَلِّیَ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تُبارِكَ عَلیٰ

و درستی آن معتقد شدیم صلوات فرست بر محمّد و آل محمد و مبارک گردان بر

مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ تَرَحَّمَ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ کَأَفْضَلِ

محمد و آل محمد و رحمت نما بر محمد و آل محمد همانند بهترین

ما صَلَّیْتَ وَ بارَکْتَ وَ تَرَحَّمْتَ عَلیٰ إِبْراهیمَ وَ آلِ إِبْراهیمَ

صلوات و برکت و ترحمی که بر ابراهیم و آل ابراهیم فرستادی

إِنَّكَ حَمیدٌ مَجیدٌ فَعّالٌ لِما تُریدُ وَ أَنْتَ عَلیٰ کُلِّ شَیْءٍ قَدیرٌ

زیرا تو حمید و مجیدی و هر چه خواهی انجام دهی و تو بر هر چیز توانایی

(پس حاجت خود را ذکر می‌کنی و می‌گویی:) اَللّٰهُمَّ بِحَقِّ هٰذَا اَلدُّعاءِ

بار خدایا ! به حق این دعا

وَ بِحَقِّ هٰذِهِ الْأَسْمٰاءِ الَّتِي لاٰ يَعْلَمُ تَفْسِيرَهٰا وَ لاٰ يَعْلَمُ بٰاطِنَهٰا
و به حق این اسمائی[۲] که تفسیر باطنش را جز تو
غَيْرُكَ، صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ افْعَلْ بِي مٰا أَنْتَ أَهْلُهُ
کسی نداند، صلوات فرست بر محمد و آل محمد و با من آنچه لایق تو است انجام ده
وَ لاٰ تَفْعَلْ بِي مٰا أَنَا أَهْلُهُ وَ اغْفِرْ لِي مِنْ ذُنُوبِي مٰا تَقَدَّمَ مِنْهٰا
و با من آنچه[۲] لایق من است مکن و بیامرز از گناهانم آنچه گذشته
وَ مٰا تَأَخَّرَ وَ وَسِّعْ عَلَيَّ مِنْ حَلاٰلِ رِزْقِكَ وَ اكْفِنِي مَؤُونَةَ
و آنچه آید و وسعت رزق حلالم بده و کفایت کن از[۲] من رنج
إِنْسٰانِ سَوْءٍ وَ جٰارِ سَوْءٍ وَ قَرِينِ سَوْءٍ وَ سُلْطٰانِ سَوْءٍ إِنَّكَ
آدم بد و همسایهٔ بد و همنشین بد و سلطان بد را زیرا
عَلىٰ مٰا تَشٰاءُ قَدِيرٌ وَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ آمِينَ رَبَّ الْعٰالَمِينَ.[۱]
تو بر هر چیز خواهی توانایی و به هر چه دانایی، آمین رب العالمین.

۵ ـ دعای مکارم اخلاق

این دعا یکی از بهترین و جامع‌ترین دعاهای رسیده از اهل بیت علیهم‌السلام است و کمتر دعایی پیدا می‌شود که این چنین جزئیات حاجتها و نیازهای مؤمن را در محضر حضرت حق بازگو کند. خواندن این دعا در حال توجه و حضور قلب، در هر مکان و زمانی بسیار مناسب است و اگر کسی معانی آن را نداند، عرض کند: "خداوندا، الفاظ از من و قبول معانی و بذل مفاد آن از تو" و مطمئن باشد که ان شاء الله قبول خواهد شد. دعا این است:

---

۱. بحار الانوار / ۸۷/ ۹۶ـ۱۰۰.

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَ اٰلِهِ وَ بَلِّغْ بِإِيماني أَكْمَلَ ٱلْإِيمانِ،
بار خدایا، بر محمّد و آل او صلوات فرست و ایمانم را به بالاترین درجهٔ ایمان رسان

وَ ٱجْعَلْ يَقيني أَفْضَلَ ٱلْيَقينِ، وَ ٱنْتَهِ بِنِيَّتي إِلىٰ أَحْسَنِ ٱلنِّيّاتِ،
و یقینم را عالیترین درجهٔ یقین گردان و نیّم را به نیکوترین نیّت منتهی ساز

وَ بِعَمَلي إِلىٰ أَحْسَنِ ٱلْأَعْمالِ. اَللّٰهُمَّ وَفِّرْ بِلُطْفِكَ نِيَّتي، وَ صَحِّحْ
و کردارم را به بهترین کردار. بارالها، نیّت مرا به لطف خود موفور گردان و یقینم را به آنچه

بِما عِنْدَكَ يَقيني، وَ ٱسْتَصْلِحْ بِقُدْرَتِكَ ما فَسَدَ مِنّي. اَللّٰهُمَّ
نزد توست صحیح فرما و به قدرت خود آنچه از اخلاق من تباه شده باشد،اصلاح کن. خدایا

صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ اٰلِهِ، وَ ٱكْفِني ما يَشْغَلُنِي ٱلْاِهْتِمامُ بِهِ،
صلوات فرست بر محمّد و آل محمد. و از آنچه مرا به خود مشغول می‌دارد بی‌نیاز گردان.

وَ ٱسْتَعْمِلْني بِما تَسْأَلُني غَداً عَنْهُ، وَ ٱسْتَفْرِغْ أَيّامي فيما
و مرا به کاری بگمار که فردا از من می‌پرسی و روزگام را برای چیزی فراغت بخش که برای

خَلَقْتَني لَهُ، وَ أَغْنِني وَ أَوْسِعْ عَلَيَّ في رِزْقِكَ، وَ لاٰ تَفْتِنّي
آن مرا آفریده‌ای؛ و مرا بی‌نیاز فرما و روزی خویش بر من گشایش ده. و مرا به فریب و فتنهٔ

بِالنَّظَرِ، وَ أَعِزَّني وَ لاٰ تَبْتَلِيَنّي بِالْكِبْرِ، وَ عَبِّدْني لَكَ وَ لاٰ تُفْسِدْ
چشم گرفتار نکن و عزیز کن. و به خودبینی مبتلا مکن. مرا به عبادت خود وادار کن و بندگیم

عِبادَتي بِالْعُجْبِ، وَ أَجْرِ لِلنّاسِ عَلىٰ يَدَيَّ ٱلْخَيْرَ وَ لاٰ تَمْحَقْهُ
را با غرور تباه مساز و به دست من به مردم نیکی رسان و آن را با منّت گذاشتن

بِالْمَنِّ، وَ هَبْ لي مَعالِيَ ٱلْأَخْلاقِ وَ ٱعْصِمْني مِنَ ٱلْفَخْرِ.
نابود مساز. به من خویهای عالی عطا کن و از فخر فروشی نگاهم‌دار.

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ اٰلِهِ، وَ لاٰ تَرْفَعْني فِي ٱلنّٰاسِ دَرَجَةً

خداوندا صلوات فرست بر محمّد و آل او و در میان مردم پایهٔ مرا بالا مبر،

إِلّٰا حَطَطْتَني عِنْدَ نَفْسي مِثْلَهٰا، وَ لاٰ تُحْدِثْ لي عِزّاً ظٰاهِراً

مگر اینکه مرا نزد خودم به همان اندازه خاکسار سازی؛ و هیچ عزت ظاهری برایم ایجاد مکن،

إِلّٰا اَحْدَثْتَ لي ذِلَّةً بٰاطِنَةً عِنْدَ نَفْسي بِقَدَرِهٰا. اَللّٰهُمَّ صَلِّ

مگر که به همان اندازه در باطن خویشم خوار کنی، خدایا صلوات فرست

عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ، وَ مَتِّعْني بِهُدىً صٰالِحٍ لاٰأَسْتَبْدِلُ

بر محمّد و آل محمّد. و مرا از هدایت صالحی بهره‌مند ساز که آن را با چیزی

بِهِ، وَ طَرِيقَةِ حَقٍّ لاٰ أَزيغُ عَنْهٰا، وَ نِيَّةِ رُشْدٍ لاٰ أَشُكُّ فيهٰا،

عوض نکنم و از راه حقّی که از آن سرنپیچم و از نیّت والایی که در آن شک نکنم.

وَ عَمِّرْني مٰا كٰانَ عُمْري بِذْلَةً في طٰاعَتِكَ، فَإِذٰا كٰانَ عُمْري

و تا وقتی عمرم در طاعت تو می‌گذرد مرا زندگی بخش، اما وقتی عمرم

مَرْتَعاً لِلشَّيْطٰانِ فَاقْبِضْني إِلَيْكَ قَبْلَ أَنْ يَسْبِقَ مَقْتُكَ إِلَيَّ، أَوْ

چراگاه ابلیس گردد مرا نزد خودبر . قبل از آنکه خشم تو مرا فرا گیرد، یا

يَسْتَحْكِمَ غَضَبُكَ عَلَيَّ. اَللّٰهُمَّ لاٰ تَدَعْ خَصْلَةً تُعٰابُ مِنّي إِلّٰا

به غضب تو محکوم شوم. بار خدایا، هیچ خصلت نکوهیده در من مگذار جز این که آن را به

أَصْلَحْتَهٰا، وَ لاٰ عٰائِبَةً أُؤَنَّبُ بِهٰا إِلّٰا حَسَّنْتَهٰا، وَ لاٰ أُكْرُومَةً فِيَّ

اصلاح آوری؛ و هیچ نقیصه‌ای که وسیلهٔ سرزنشم باشد، جز این که آن را نیکو گردانی؛ و هیچ صفت کریمه‌ای

نٰاقِصَةً إِلّٰا أَتْمَمْتَهٰا. اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ

را در من ناقص مگذار مگر که آن صفت را به کمال رسانی. خدایا صلوات فرست بر محمّد و آل محمّد.

وَ أَبْدِلْني مِنْ بَغْضَةِ أَهْلِ ٱلشَّنَانِ ٱلْمَحَبَّةَ، وَ مِنْ حَسَدِ أَهْلِ
و دشمنی[۲] اهل خصومت را به محبت تبدیل فرمای و حسد اهل

ٱلْبَغْيِ ٱلْمَوَدَّةَ، وَ مِنْ ظِنَّةِ أَهْلِ ٱلصَّلاحِ ٱلثِّقَةَ، وَ مِنْ عَداوَةِ
ستم را[۲] به مهر؛ و بدگمانی اهل صلاح را به اطمینان و عداوت فرومایگان را

ٱلْأَدْنَيْنَ ٱلْوَلايَةَ، وَ مِنْ عُقُوقِ ذَوِي ٱلْأَرْحامِ ٱلْمَبَرَّةَ، وَ مِنْ
به دوستی؛ و اذیت خویشاوندان را به نیکوکاری و ترک یاری نزدیکان

خِذْلانِ ٱلْأَقْرَبِينَ ٱلنُّصْرَةَ وَ مِنْ حُبِّ ٱلْمُدارِينَ تَصْحِيحَ
را به یاری؛ و دوستی ظاهری و مدارا کنندگان را به دوستی راست

ٱلْمِقَةِ، وَ مِنْ رَدِّ ٱلْمُلابِسِينَ كَرَمَ ٱلْعِشْرَةِ، وَ مِنْ مَرارَةِ خَوْفِ
و واقعی، و رانده شدن از طرف سختگیران را به کرامت در معاشرت؛ و تلخی بیم از

ٱلظّالِمِينَ حَلاوَةَ ٱلْأَمَنَةِ. ٱللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ،
ستمکاران را به شیرینی ایمنی تبدیل فرمای. خدایا صلوات فرست بر محمّد و آل محمّد

وَ ٱجْعَلْ لِي يَداً عَلىٰ مَنْ ظَلَمَنِي، وَ لِساناً عَلىٰ مَنْ خاصَمَنِي،
و مرا بر کسانی که به من ستم کنند، دست چیرگی عطاکن. و بر آن کس که با من دشمنی ورزد، زبان تعرض؛

وَ ظَفَراً بِمَنْ عانَدَنِي، وَ هَبْ لِي مَكْراً عَلىٰ مَنْ كايَدَنِي،
و به آن که با من ستیزه کند پیروزی؛ و در مقابل آن کس که بر ضد من توطئه کند چاره‌جویی،

وَ قُدْرَةً عَلىٰ مَنِ ٱضْطَهَدَنِي، وَ تَكْذِيباً لِمَنْ قَصَبَنِي،
و در مقابل آن کس که مرا تحت فشار می‌گذارد قدرت و کسی که از من بدگوئی کند تکذیب،

وَ سَلامَةً مِمَّنْ تَوَعَّدَنِي، وَ وَفِّقْنِي لِطاعَةِ مَنْ سَدَّدَنِي،
و از کسی که تهدیدم کند سلامتی؛ و مرا موفق به اطاعت از کسی که مرا تأیید کند

وَ مُتَابَعَةِ مَنْ أَرْشَدَنِي. اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ اٰلِهِ،
و از کسی که هدایتم کرد دنباله‌روی عنایت فرما. خدایا صلوات فرست بر محمّد و آل محمّد.

وَ سَدِّدْنِي لِأَنْ أُعَارِضَ مَنْ غَشَّنِي بِالنُّصْحِ، وَ أَجْزِيَ مَنْ
و یاریم ده تا با کسی که فریبم داده است، با پند و اندرز برخورد کنم و کسی را که

هَجَرَنِي بِالْبِرِّ، وَ أُثِيبَ مَنْ حَرَمَنِي بِالْبَذْلِ، وَ أُكَافِيَ مَنْ
مرا ترک کرده باشد به نیکی پاداش دهم و به کسی که مرا محروم گردانیده بذل و بخشش کنم و کسی را که

قَطَعَنِي بِالصِّلَةِ، وَ أُخَالِفَ مَنِ اغْتَابَنِي إِلىٰ حُسْنِ الذِّكْرِ،
از من بریده با دیدار کردن مکافات دهم و از کسی که غیبت مرا کرده است به نیکی یاد کنم؛

وَ أَنْ أَشْكُرَ الْحَسَنَةَ، وَ أُغْضِيَ عَنِ السَّيِّئَةِ. اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ
و شکرانهٔ نیکی به جای آورم و از بدی چشم پوشم. خدایا صلوات فرست بر

مُحَمَّدٍ وَ اٰلِهِ، وَ حَلِّنِي بِحِلْيَةِ الصَّالِحِينَ، وَ أَلْبِسْنِي زِينَةَ
محمّد و آل محمّد. و مرا به زیور صالحان بیارای و زینت پارسایان

الْمُتَّقِينَ فِي بَسْطِ الْعَدْلِ، وَ كَظْمِ الْغَيْظِ، وَ إِطْفَاءِ النَّائِرَةِ،
بر من بپوشان. و در گستردن عدل و فرو خوردن خشم و خاموش کردن آتش دشمنی

وَ ضَمِّ أَهْلِ الْفُرْقَةِ، وَ إِصْلَاحِ ذَاتِ الْبَيْنِ، وَ إِفْشَاءِ الْعَارِفَةِ
و آشتی دادن اهل اختلاف و اصلاح ذات البین و فاش ساختن خوبی

وَ سَتْرِ الْعَائِبَةِ، وَ لِينِ الْعَرِيكَةِ وَ خَفْضِ الْجَنَاحِ، وَ حُسْنِ
و پوشاندن عیب و نرمخویی و فروتنی و خوشرفتاری

السِّيرَةِ، وَ سُكُونِ الرِّيحِ، وَ طِيبِ الْمُخَالَقَةِ، وَ السَّبْقِ إِلَى
و آرامش خاطر و اخلاق خوب، و سبقت گرفتن در

ٱلْفَضيلَةِ، وَ إيثارِ ٱلتَّفَضُّلِ، وَ تَرْكِ ٱلتَّعْييرِ، وَ ٱلْإِفْضالِ عَلىٰ
فضائل و ایثار در بخشش و ترک کردن سرزنش و نیکی به کسی که

غَيْرِ ٱلْمُسْتَحِقِّ وَ ٱلْقَوْلِ بِالْحَقِّ وَ إِنْ عَزَّ، وَ ٱسْتِقْلالِ ٱلْخَيْرِ
استحقاق ندارد و سخن حق گفتن با همهٔ دشواری و اندک شمردن نیکی گر چه در گفتار

وَ إِنْ كَثُرَ مِنْ قَوْلي وَ فِعْلي، وَ ٱسْتِكْثارِ ٱلشَّرِّ وَ إِنْ قَلَّ مِنْ
و کردار من زیاد باشد، و بسیار دانستن شر اگر چه در گفتار

قَوْلي وَ فِعْلي، وَ أَكْمِلْ ذٰلِكَ لي بِدَوامِ ٱلطّاعَةِ وَ لُزُومِ
و کردار من اندک باشد و اینها همه را برای من به کمال برسان، علاوه بر دوام طاعت

ٱلْجَماعَةِ وَ رَفْضِ أَهْلِ ٱلْبِدَعِ، وَ مُسْتَعْمِلِ ٱلرَّأْيِ ٱلْمُخْتَرَعِ.
و لزوم جماعت و دوری از بدعتگزاران و پرهیز از قانونگزاران ضد دین.

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ ٱجْعَلْ أَوْسَعَ رِزْقِكَ عَلَيَّ
خدایا صلوات فرست بر محمّد و آل محمّد. و گسترده‌ترین روزی خود را برایم

إِذا كَبِرْتُ، وَ أَقْوىٰ قُوَّتِكَ فِيَّ إِذا نَصِبْتُ وَ لا تَبْتَلِيَنّي
هنگام پیری و قوی‌ترین نیروی خود را برایم هنگام فرسودگی قرار ده و مرا مبتلا نکن

بِالْكَسَلِ عَنْ عِبادَتِكَ، وَ لَا ٱلْعَمىٰ عَنْ سَبيلِكَ، وَ لا بِالتَّعَرُّضِ
به کسالت از عبادت تو و گمراهی از راهت و روی آوردن بر خلاف

لِخِلافِ مَحَبَّتِكَ، وَ لا مُجامَعَةِ مَنْ تَفَرَّقَ عَنْكَ، وَ لا مُفارَقَةِ
محبّتت و نه همنشینی با آن کس که از تو کناره جوید و نه دوری جستن

مَنِ ٱجْتَمَعَ إِلَيْكَ. اَللّٰهُمَّ ٱجْعَلْني أَصُولُ بِكَ عِنْدَ ٱلضَّرُورَةِ،
از کسی که به تو می‌پیوندد، بارالها، چنانم کن که به هنگام ناچاری به تو روی آورم

وَ أَسْئَلُکَ عِنْدَ ٱلْحاجَةِ، وَ أَتَضَرَّعُ إِلَیْك عِنْدَ ٱلْمَسْکَنَةِ،
و به گاه نیاز از تو بخواهم و هنگام بیچارگی به درگاه تو زاری کنم.

وَ لا تَفْتِنِّي بِالْاِسْتِعانَةِ بِغَيْرِكَ إِذَا ٱضْطُرِرْتُ، وَ لا بِالْخُضُوعِ
مرا آزمایش مکن با استمداد از غیر تو به هنگام درماندگی و فروتنی برایِ

لِسُؤالِ غَيْرِكَ إِذَا ٱفْتَقَرْتُ، وَ لا بِالتَّضَرُّعِ إِلىٰ مَنْ دُونَكَ إِذا
درخواست از غیر تو هنگام تهیدستی و نالیدن نزد غیر تو

رَهِبْتُ، فَأَسْتَحِقَّ بِذٰلِكَ خِذْلانَكَ وَ مَنْعَكَ وَ إِعْراضَكَ،
هنگام ترس. مباد با این رفتار سزاوار خذلان و دریغ و روی‌گردانی تو شوم

يا أَرْحَمَ ٱلرّاحِمِينَ، اَللّٰهُمَّ ٱجْعَلْ ما يُلْقِي ٱلشَّيْطانُ في
ای مهربانترین مهربانان. بارالها، هر آرزو و بدگمانی و حسد که شیطان در

رُوعِي مِنَ ٱلتَّمَنِّي وَ ٱلتَّظَنِّي وَ ٱلْحَسَدِ ذِكْراً لِعَظَمَتِكَ،
دلم می‌افکند را یاد آور عظمت تو و اندیشه

وَ تَفَكُّراً في قُدْرَتِكَ وَ تَدْبِيراً عَلىٰ عَدُوِّكَ، وَ ما أَجْرىٰ عَلىٰ
و در قدرت تو و تدبیر بر ضد دشمن تو قرار ده. و آنچه شیطان بر زبان من

لِساني مِنْ لَفْظَةِ فُحْشٍ أَوْ هُجْرٍ أَوْ شَتْمِ عِرْضٍ أَوْ شَهادَةِ
جاری کند از قبیل دشنام یا ناسزا یا آبروریزی، یا شهادت

باطِلٍ أَوِ ٱغْتِيابِ مُؤْمِنٍ غائِبٍ أَوْ سَبِّ حاضِرٍ وَ ما أَشْبَهَ ذٰلِكَ
باطل یا غیبت مردم مؤمن یا بدگویی مؤمن حاضر و مانند اینها را

نُطْقاً بِالْحَمْدِ لَكَ، وَ إِغْراقاً فِي ٱلثَّناءِ عَلَيْكَ، وَ ذَهاباً في
تبدیل کن به سخن در ستایش تو و ثنای فراوان تو و رفتار در

تَمْجيدِكَ، وَ شُكْراً لِنِعْمَتِكَ، وَ آعْتِرافاً بِإِحْسانِكَ، وَ إِحْصاءً
تمجید تو و شکرانهٔ نعمت تو و اعتراف به احسانت و شمارش

لِمِنَنِكَ. آللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ لاٰ أُظْلَمَنَّ وَ أَنْتَ
منّتهای تو. بارالها، بر محمّد و آل او صلوات فرست و مرا نگاهدار که مورد ستم قرار نگیرم، که تو

مُطيقٌ لِلدَّفْعِ عَنّي، وَ لاٰ أَظْلِمَنَّ وَ أَنْتَ آلْقادِرُ عَلَى آلْقَبْضِ
بر دفع ستم از من توانایی، و بر کسی ستم نکنم، که تو در جلوگیری از من

مِنّي، وَ لاٰ أَضِلَّنَّ وَ قَدْ أَمْكَنَتْكَ هِدٰايَتي، وَ لاٰ أَفْتَقِرَنَّ وَ مِنْ
قدرتمندی و گمراه نگردم که همانا هدایت کردن برای تو آسان است و تهیدست نگردم، که

عِنْدِكَ وُسْعي، وَ لاٰ أَطْغَيَنَّ وَ مِنْ عِنْدِكَ وُجْدي. آللّٰهُمَّ إِلىٰ
گشایش روزی من در دست توست و طغیان نکنم، که قدرت من از توست. بار خدایا،

مَغْفِرَتِكَ وَفَدْتُ، وَ إِلىٰ عَفْوِكَ قَصَدْتُ، وَ إِلىٰ تَجٰاوُزِكَ
به سر منزل آمرزش تو فرود آمده‌ام و به سوی بخشایش تو روی آورده‌ام و به عفو تو مشتاق

أَشْتَقْتُ، وَبِفَضْلِكَ وَثِقْتُ وَ لَيْسَ عِنْدي مٰا يُوجِبُ لي مَغْفِرَتَكَ،
شده‌ام و به فضل تو وثوق یافته‌ام و در من چیزی نیست که مرا شایستهٔ آمرزش تو سازد

وَ لاٰ في عَمَلي مٰا أَسْتَحِقُّ بِهِ عَفْوَكَ، وَ مٰا لي بَعْدَ أَنْ حَكَمْتُ
و در عمل من چیزی نیست که مرا سزاوار بخشایش تو گرداند و در من ـ زان پس که خود را محکوم کنم

عَلىٰ نَفْسي إِلّا فَضْلُكَ، فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ تَفَضَّلْ
جز فضل تو چیزی نماند. اینک بر محمّد و خاندان او صلوات فرست و بر من

عَلَيَّ آللّٰهُمَّ وَ أَنْطِقْني بِالْهُدىٰ وَ أَلْهِمْنِي آلتَّقْوىٰ، وَ وَفِّقْني
تفضّل نما خدایا و مرا به هدایت گویا ساز و بر دلم پرهیزگاری الهام فرمای و به پاکترین‌ها

لِلَّتي هِيَ أَزْكىٰ، وَ ٱسْتَعْمِلْني بِمٰا هُوَ أَرْضىٰ. اَللّٰهُمَّ ٱسْلُكْ

توفیقم ده، و مرا به آنچه پسندیده‌تر است، وادار کن. بار خدایا، مرا به راه

بِيَ ٱلطَّرِيقَةَ ٱلْمُثْلىٰ، وَ ٱجْعَلْني عَلىٰ مِلَّتِكَ أَمُوتُ وَ أَحْيىٰ.

راست راهی کن و چنان کن که بر ملّت تو بمیرم و زنده گردم.

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ مَتِّعْني بِالْاِقْتِصٰادِ، وَ ٱجْعَلْني

بارالها، بر محمّد و آل او صلوات فرست و مرا از میانه روی بهره‌ور ساز و مرا

مِنْ أَهْلِ ٱلسَّدٰادِ، وَمِنْ أَدِلَّةِ ٱلرَّشٰادِ، وَ مِنْ صٰالِحِي ٱلْعِبٰادِ،

اهل درستکاری و از راهنمایان رستگاری و از بندگان شایسته گردان.

وَ ٱرْزُقْني فَوْزَ ٱلْمَعٰادِ، وَ سَلاٰمَةَ ٱلْمِرْصٰادِ. اَللّٰهُمَّ خُذْ لِنَفْسِكَ

و کامیابی در رستاخیز و سلامتی در کمین گاه قیامت روزی کن. بار خدایا، از من آنچه

مِنْ نَفْسي مٰا يُخَلِّصُهٰا، وَ أَبْقِ لِنَفْسي مِنْ نَفْسي مٰا يُصْلِحُهٰا،

مایهٔ رهایی من است بپذیر و آنچه شایستهٔ من است باقی گذار؛

فَإِنَّ نَفْسي هٰالِكَةٌ أَوْ تَعْصِمَهٰا. اَللّٰهُمَّ أَنْتَ عُدَّتي إِنْ حَزِنْتُ

چه، نفس من به سوی هلاک می‌رود، مگر تو او را حفظ فرمایی. بار خدایا، اگر اندوهگین گردم، تو اندوختهٔ منی

وَ أَنْتَ مُنْتَجَعي إِنْ حُرِمْتُ، وَ بِكَ ٱسْتِغٰاثَتي إِنْ كَرِثْتُ،

و اگر محروم شوم، تو پناهگاه منی و اگر دربند اوفتم، فریادرس من تویی.

وَ عِنْدَكَ مِمّٰا فٰاتَ خَلَفٌ وَ لِمٰا فَسَدَ صَلاٰحٌ، وَ فِيمٰا أَنْكَرْتَ

و جای‌گزین آنچه از دست رود نزد توست و آنچه تباه شود درست آن در درگاه توست و آنچه را زشت شماری

تَغْيِيرٌ، فَامْنُنْ عَلَيَّ قَبْلَ ٱلْبَلاٰءِ بِالْعٰافِيَةِ، وَ قَبْلَ ٱلطَّلَبِ بِالْجِدَةِ،

تغییرش در اختیار توست. پس قبل از بلا بر من عافیت را منت‌گذار و قبل از طلب کردن بی‌نیاز

وَ قَبْلَ ٱلضَّلاٰلِ بِالرَّشٰادِ، وَ ٱكْفِنِي مَؤُونَةَ مَعَرَّةِ ٱلْعِبٰادِ، وَ هَبْ

و قبل از گمراهی ارشاد فرما و از رنج تن آسائی مردم نگاهم دار و آسایش روز رستاخیز

لي أَمْنَ يَوْمِ ٱلْمَعٰادِ، وَ ٱمْنِحْني حُسْنَ ٱلْإِرْشٰادِ. ٱللّٰهُمَّ صَلِّ

بر من ببخش. و نیکی ارشاد عطا فرما. بار خدایا، بر محمّد

عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ ٱدْرَأْ عَنّي بِلُطْفِكَ، وَ ٱغْذُني بِنِعْمَتِكَ،

و آل محمّد صلوات فرست و به لطف خویش مرا مصون دار و به نعمت خویش تغذیه فرمای

وَ أَصْلِحْني بِكَرَمِكَ، وَ دٰاوِني بِصُنْعِكَ، وَ أَظِلَّني في ذَرٰاكَ،

و به کرم خود شایسته‌ام ساز و به سازندگی خود درمانم کن و در سایهٔ رحمتت مکانم ده

وَ جَلِّلْني رِضٰاكَ، وَ وَفِّقْني إِذَا ٱشْتَكَلَتْ عَلَيَّ ٱلْأُمُورُ لِأَهْدٰاهٰا،

و خلعت رضایت خویش بر من بپوشان و هنگامی که کارها بر من دشوار گردد، مرا به درستترین آن موفق گردان.

وَ إِذٰا تَشٰابَهَتِ ٱلْأَعْمٰالُ لِأَزْكٰاهٰا، وَ إِذٰا تَنٰاقَضَتِ ٱلْمِلَلُ

و آنگاه که کارها بر من مشتبه شود پاکیزه‌ترین آن را بشناسم و وقتی ملّتها اختلاف کنند

لِأَرْضٰاهٰا. ٱللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ تَوِّجْني بِالْكِفٰايَةِ،

پسندیده‌ترین را برگزینم. بارالها، بر محمّد و خاندانش صلوات فرست و تاج کفایت بر تارکم

وَ سُمْني حُسْنَ ٱلْوِلاٰيَةِ، وَ هَبْ لي صِدْقَ ٱلْهِدٰايَةِ، وَ لاٰ تَفْتِنّي

و علامت حسن ولایت بر من بگذار و راستی هدایت را به من عطا کن و مرا به رفاه

بِالسَّعَةِ، وَ ٱمْنِحْني حُسْنَ ٱلدَّعَةِ، وَ لاٰ تَجْعَلْ عَيْشي كَدّاً كَدّاً،

مبتلا نکن و آرامش نیکو به من عنایت فرمای. و زندگی مرا رنج و سختی قرار مده،

وَ لاٰ تَرُدَّ دُعٰائي عَلَيَّ رَدّاً، فَإِنّي لاٰ أَجْعَلُ لَكَ ضِدّاً، وَ لاٰ أَدْعُو

و دعایم را رد نکن. زیرا من ضدی برای تو قرار ندهم و همتائی

مَعَكَ نِدّاً. اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ امْنَعْني مِنَ
با تو نخوانم. خداوندا صلوات فرست بر محمّد و آل او و مرا از[۲] اسراف

السَّرَفِ، وَ حَصِّنْ رِزْقي، مِنَ التَّلَفِ، وَ وَفِّرْ مَلَكَتي بِالْبَرَكَةِ
بازدار، و روزی مرا از تباهی حفظ فرمای و استعداد مرا با برکت بخشیدن به آن فراوان کن،

فيهِ، وَ أَصِبْ بي سَبيلَ الْهِدايَةِ لِلْبِرِّ فيما أُنْفِقُ مِنْهُ. اَللّٰهُمَّ
و مرا به راه هدایت برای نیکی در آنچه که انفاق و بخشش می‌کنم، برسان. خداوندا،

صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ اكْفِني مَؤُونَةَ الْاِكْتِسابِ، وَ ارْزُقْني
بر محمد و خاندانش صلوات فرست. و مرا از رنج کسب بی نیاز ساز و روزی

مِنْ غَيْرِ احْتِسابٍ، فَلا أَشْتَغِلَ عَنْ عِبادَتِكَ بِالطَّلَبِ، وَ لا أَحْتَمِلَ
بی‌حساب به من عنایت کن تا از عبادت تو به طلب روزی مشغول نگردم و دشواریهای

إِصْرَ تَبِعاتِ الْمَكْسَبِ. اَللّٰهُمَّ فَأَطْلِبْني بِقُدْرَتِكَ ما أَطْلُبُ،
به دست آوردن روزی رابه دوش نکشم. بار خدایا، آنچه در طلب آنم به قدرت خود نصیبم کن

وَ أَجِرْني بِعِزَّتِكَ مِمّا أَرْهَبُ. اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ،
و سوگند به عزّتت پناهم ده از هر چه بگریزم خدایا صلوات فرست بر محمّد و آل محمد.

وَ صُنْ وَجْهي بِالْيَسارِ، وَ لا تَبْتَذِلْ جاهي بِالْإِقْتارِ فَأَسْتَرْزِقَ
و به بی‌نیازی آبرویم رانگاهدار و به سبب تنگدستی اعتبارم را مبر که از روزی خواران

أَهْلَ رِزْقِكَ، وَ أَسْتَعْطِيَ شِرارَ خَلْقِكَ، فَأَفْتَتِنَ بِحَمْدِ مَنْ
تو روزی بخواهم. و از بندگان شرور تو عطا خواهم. پس ناچار گردم به سپاسگویی کسی که بر من

أَعْطاني، وَ أُبْتَلىٰ بِذَمِّ مَنْ مَنَعَني، وَ أَنْتَ مِنْ دُونِهِمْ وَلِيُّ
عطایی کرده‌است و به نکوهش کسی که از من دریغ داشته دچار شوم؛ حال آنکه تو در مقابل

اَلْإِعْطٰاءِ وَ اَلْمَنْعِ. اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ اَرْزُقْنى

آنان صاحب عطا و منعَی. خدایا صلوات فرست بر محمّد و آل او. و به من تندرستی

صِحَّةً فى عِبٰادَةٍ، وَ فَرٰاغاً فى زَهٰادَةٍ، وَ عِلْماً فِى اَسْتِعْمٰالٍ،

در عبادت و آسایش در پارسایی و دانش همراه با به کاربستن آن

وَ وَرَعاً فى إِجْمٰالٍ. اَللّٰهُمَّ اَخْتِمْ بِعَفْوِكَ أَجَلى، وَ حَقِّقْ فى

و پرهیزگاری با کردار جمیل روزی بخش. بار خدایا، عمر مرا با بخشایش خویش به پایان رسان و آرزویم را

رَجٰاءِ رَحْمَتِكَ أَمَلى، وَ سَهِّلْ إِلىٰ بُلُوغِ رِضٰاكَ سُبُلى،

در امید به رحمت خود محقق گردان و راههای مرا در رسیدن به خشنودی خود هموار فرما

وَ حَسِّنْ فى جَميعِ أَحْوٰالى عَمَلى. اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ

و در هر حال احوال مرا نیکو گردان. خدایا صلوات فرست بر محمد

وَ آلِهِ، وَ نَبِّهْنى لِذِكْرِكَ فى أَوْقٰاتِ اَلْغَفْلَةِ وَ اَسْتَعْمِلْنى

و آل او. و مرا در هنگام غفلت، هشدار ده که به یاد تو باشم و در روزگار مهلت

بِطٰاعَتِكَ فى أَيّٰامِ اَلْمُهْلَةِ، وَ اَنْهَجْ لى إِلىٰ مَحَبَّتِكَ سَبيلاً

به طاعت خویش وادار و به محبت خود راهی آسان پیش پایم گذار

سَهْلَةً، أَكْمِلْ لى بِهٰا خَيْرَ اَلدُّنْيٰا وَ اَلْآخِرَةِ. اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ

با طاعت تو خیر دنیا و آخرت برای من کامل فرما. بار خدایا، بر محمّد

مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، كَأَفْضَلِ مٰا صَلَّيْتَ عَلىٰ أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ قَبْلَهُ

و خاندانش صلوات فرست. مانند بهترین صلوات که پیش از او بر هر یک از آفریدگانت نثار

وَ أَنْتَ مُصَلٍّ عَلىٰ أَحَدٍ بَعْدَهُ، وَ آتِنٰا فِى اَلدُّنْيٰا حَسَنَةً وَ فِى

فرموده‌ای و برکسی پس ازاو نثار خواهی فرمود. و در دنیا و در آخرت به ما

ٱلْاٰخِرَةِ حَسَنَةً، وَقِنِي بِرَحْمَتِكَ عَذَابَ ٱلنَّارِ.[1]

پاداش عطا فرما و به رحمت خود ما را از عذاب دوزخ حفظ کن.

۶ ـ دعا برای حسن عاقبت:

يٰا مَنْ ذِكْرُهُ شَرَفٌ لِلذّٰاكِرِينَ، وَ يٰا مَنْ شُكْرُهُ فَوْزٌ لِلشّٰاكِرِينَ،

ای که یادت شرف یاد کنندگان است و ای که شکرانه‌ات شکرگزاران را مایهٔ رستگاری است

وَ يٰا مَنْ طٰاعَتُهُ نَجٰاةٌ لِلْمُطِيعِينَ، صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ اٰلِهِ،

و ای که طاعتت وسیلهٔ نجات مطیعان است. صلوات فرست بر محمّد و آل او.

وَ ٱشْغَلْ قُلُوبَنٰا بِذِكْرِكَ عَنْ كُلِّ ذِكْرٍ، وَ أَلْسِنَتَنٰا بِشُكْرِكَ عَنْ

و دلهای ما را از هر یاد، به یاد خود و زبانهای ما را از هر شکرانه،

كُلِّ شُكْرٍ، وَ جَوٰارِحَنٰا بِطٰاعَتِكَ عَنْ كُلِّ طٰاعَةٍ فَإِنْ قَدَّرْتَ لَنٰا

به شکرانهٔ خود و اندامهای ما را از هر طاعتی، به طاعت خود مشغول فرمای. و اگر ما را

فَرٰاغاً مِنْ شُغْلٍ فَاجْعَلْهُ فَرٰاغَ سَلاٰمَةٍ لاٰ تُدْرِكُنٰا فِيهِ تَبِعَةٌ،

فراغتی از کار مقدر کرده‌ای پس آن را فراغت سلامت قرار ده که در آن گناهی دامنگیر ما نشود

وَ لاٰ تَلْحَقُنٰا فِيهِ سَأْمَةٌ، حَتّىٰ يَنْصَرِفَ عَنّٰا كُتّٰابُ ٱلسَّيِّئٰاتِ

و در آن هیچ کیفری به ما نرسد، تا نویسندگان گناهان با

بِصَحِيفَةٍ خٰالِيَةٍ مِنْ ذِكْرِ سَيِّئٰاتِنٰا، وَ تَتَوَلّىٰ كُتّٰابُ ٱلْحَسَنٰاتِ عَنّٰا

نامه‌ای خالی از بدیهای ما بازگردند و نویسندگان کارهای خوب از آنچه

مَسْرُورِينَ بِمٰا كَتَبُوا مِنْ حَسَنٰاتِنٰا. وَ إِذَا ٱنْقَضَتْ أَيّٰامُ حَيٰاتِنٰا،

از کردار نیکوی ما نوشته‌اند، شادمان به ما روی آورند. و هنگامی که روزهای زندگی ما پایان رسد

---

۱. صحیفهٔ سجادیه، دعای ۲۰.

وَ تَصَرَّمَتْ مُدَدُ اَعْمارِنا، وَ اسْتَحْضَرَتْنا دَعْوَتُكَ الَّتي لا بُدَّ

و رشتهٔ عمر ما بگسلد و دعوت تو که فرا می‌رسد و ناچار باید آن را بپذیریم ما را فراخواند،

مِنْها وَ مِنْ اِجابَتِها، فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ اجْعَلْ خِتامَ

آن فرشتگان از ما دلشاد باشند. پس صلوات فرست بر محمّد و آل او و پایان آنچه را که

ما تُحْصي عَلَيْنا كَتَبَةُ أَعْمالِنا تَوْبَةً مَقْبُولَةً لا تُوقِفُنا بَعْدَها

نویسندگان اعمال ما برای ما شمرده‌اند توبه‌ای پذیرفته قرارده و بعد از آن ما را به هیچ

عَلىٰ ذَنْبٍ اجْتَرَحْناهُ وَ لا مَعْصِيَةٍ اقْتَرَفْناها وَ لا تَكْشِفْ عَنّا

گناهی که به آن آلوده شویم و هیچ معصیتی که به آن متهم گردیم، آشنا مکن و در

سِتْراً سَتَرْتَهُ عَلىٰ رُؤُوسِ الْأَشْهادِ، يَوْمَ تَبْلُو أَخْبارَ عِبادِكَ.

برابر چشم مردم پرده‌ای را که بر ما پوشانده‌ای کنار مزن، در آن روز که اخبار بندگان تو فاش می‌شود؛

إِنَّكَ رَحيمٌ بِمَنْ دَعاكَ، وَ مُسْتَجيبٌ لِمَنْ ناداكَ.[1]

همانا تو با آن که تو را خواند مهربانی و به کسی تو را صدا زند جواب گویی.

۶ ـ دعا در حقّ پدر و مادر:

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَ رَسُولِكَ، وَ اَهْلِ بَيْتِهِ الطّاهِرينَ،

خدایا، بر محمّد بنده و فرستاده‌ات و بر اهل بیت طاهر او صلوات فرست.

وَ اخْصُصْهُمْ بِأَفْضَلِ صَلَواتِكَ وَ رَحْمَتِكَ وَ بَرَكاتِكَ وَ سَلامِكَ،

و آنان را به بهترین صلوات و رحمت و برکت و سلام خود مخصوص گردان.

وَ اخْصُصِ اللّٰهُمَّ والِدَيَّ بِالْكَرامَةِ لَدَيْكَ وَ الصَّلوٰةِ مِنْكَ

و خداوندا به پدر و مادر من نزد خود کرامت خاص و رحمت از ناحیهٔ تو عنایت کن

---

۱. صحیفهٔ سجادیه، دعای ۶۳.

يا أَرْحَمَ ٱلرّاحِمينَ. اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ ٰالِهِ، وَ أَلْهِمْني

ای مهربان‌ترین مهربانان. خدایا، بر محمّد و آل او صلوات فرست و آگاهی به حقوق

عِلْمَ ما يَجِبُ لَهُما عَلَيَّ إِلْهاماً، وَ ٱجْمَعْ لي عِلْمَ ذٰلِكَ كُلِّهِ

واجب پدر و مادر بر من الهام فرما و علم همهٔ آن واجبات را به تمامی برای من

تَماماً، ثُمَّ ٱسْتَعْمِلْني بِما تُلْهِمُني مِنْهُ وَ وَفِّقْني لِلنُّفُوذِ فيما

گرد آور پس مرا به کار بگمار به آنچه که الهام کردی و مرا موفق کن بر نفوذ

تُبَصِّرُني مِنْ عِلْمِهِ حَتّىٰ لا يَفُوتَني ٱسْتِعْمالُ شَيْءٍ عَلَّمْتَنيهِ،

در بصیرتی که از آن آگاهی می‌دهی تا چیزی از آنها هنگام بکار بستن فوت نشود

وَ لا تَثْقُلَ اَرْكاني عَنِ ٱلْحُفُوفِ فيما اَلْهَمْتَنيهِ. اَللّٰهُمَّ

و اعضای من از انجام وظیفه به آنچه آگاه کردی باز نماند. خدایا

صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ ٰالِهِ، كَما شَرَّفْتَنا بِهِ، وَ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ

بر محمّد و آل او صلوات فرست چنان که ما را به آن شرف دادی. و صلوات فرست بر محمّد

وَ ٰالِهِ، كَما اَوْجَبْتَ لَنا ٱلْحَقَّ عَلَى ٱلْخَلْقِ بِسَبَبِهِ. اَللّٰهُمَّ

و آل او چنان که به سبب او حق ما را بر مردم واجب ساختی. بارالها

ٱجْعَلْني اَهابُهُما هَيْبَةَ ٱلسُّلْطانِ ٱلْعَسُوفِ، وَ أَبَرُّهُما بِرَّ ٱلْأُمِّ

چنان کن که از هیبت پدر و مادر مانند هیبت سلطان سخت گیر بیم داشته باشم و همچون رأفت مادری مهربان

ٱلرَّؤُوفِ، وَ ٱجْعَلْ طاعَتي لِوالِدَيَّ وَ بِرّي بِهِما اَقَرَّ لِعَيْني

بر آنان نیکی کنم و طاعتم را از پدر و مادرم ومهرم را به آنان، در چشمم از خواب

مِنْ رَقْدَةِ ٱلْوَسْنانِ، وَ أَثْلَجَ لِصَدْري مِنْ شَرْبَةِ ٱلظَّمْـٰانِ حَتّىٰ

خواب آلودگان شیرین‌تر ساز و در کامم از آب نزد تشنه لب گوارا‌تر فرمای تا آرزوی

أُوثِرَ عَلىٰ هَوايَ هَواهُما، وَ اُقَدِّمَ عَلىٰ رِضايَ رِضاهُما،
آنان را بر آرزوی خود برتر شمارم و خشنودی آنان را برخشنودی خویش مقدم دارم

وَ اَسْتَكْثِرَ بِرَّهُما وَ اِنْ قَلَّ، وَ اَسْتَقِلَّ بِرّي بِهِما وَ اِنْ كَثُرَ.
و نیکی آنان را به‌خود هر چند اندک باشد، بسیار انگارم و نیکی خویشتن را دربارهٔ آنان،هر چندبسیار،اندک شمارم.

اَللّٰهُمَّ خَفِّضْ لَهُما صَوْتي وَ اَطِبْ لَهُما كَلامي، وَ أَلِنْ لَهُما
بارخدایا! آوایم را برای‌آنان آهسته کن و سخنم‌را خوشایندفرمای و خوی‌مرا برای

عَريكَتي، وَ أَعْطِفْ عَلَيْهِما قَلْبي، وَ صَيِّرْني بِهِما رَفيقاً
آن دو نرم، و دلم‌را بر آنان مهربان ساز و مرا برای آنان رفیق

وَ عَلَيْهِما شَفيقاً. اَللّٰهُمَّ اَشْكُرْ لَهُما تَرْبِيَتي، وَ أَثِبْهُما عَلىٰ
شفیق قرار ده. بارالها، به آنان پرورش مرا، پاداش‌نیکو عنایت فرما و بر گرامی داشتن من

تَكْرِمَتي، وَ احْفَظْ لَهُما ما حَفِظاهُ مِنّي في صِغَري. اَللّٰهُمَّ
به آنان ثواب عطا کن و آنچه در کودکی برای من نگاه داشته‌اند برای آنان محفوظ دار. خدایا،

وَ ما مَسَّهُما مِنّي مِنْ أَذىً اَوْ خَلَصَ إِلَيْهِما عَنّي مِنْ مَكْرُوهٍ،
هر آزار که از من به آنان رسیده باشد و هر کار ناخوشایند را که من با آنان کرده باشم

اَوْ ضاعَ قِبَلي لَهُما مِنْ حَقٍّ فَاجْعَلْهُ حِطَّةً لِذُنُوبِهِما، وَ عُلُوّاً
یا حق آنان را که به وسیلهٔ من تباه گردیده باشد وسیلهٔ ریختن گناه و بالا بردن

في دَرَجاتِهِما، وَ زِيادَةً في حَسَناتِهِما، يا مُبَدِّلَ السَّيِّئاتِ
درجات و بسیاری حسنات آنان قرار ده. ای که بدیها را به چندین

بِاَضْعافِها مِنَ الْحَسَناتِ. اَللّٰهُمَّ وَ ما تَعَدَّيا عَلَيَّ فيهِ مِنْ
برابر خوبی تبدیل می‌سازی. بار خدایا، هر تعدی که آن دو در گفتار بر من

قَوْلٍ، اَوْ أَسْرَفٰا عَلَيَّ فيهِ مِنْ فِعْلٍ أَوْ ضَيَّعٰاهُ لي مِنْ حَقٍّ،

روا داشتند یا هر زیاده روی که در کردار با من کردند یا هر حقی از من که ضایع کردند

أَوْ قَصَّرٰا بي عَنْهُ مِنْ وٰاجِبٍ فَقَدْ وَهَبْتُهُ لَهُمٰا، وَجُدْتُ بِهِ

یا از هر واجب که در حق من کوتاهی ورزیدند همه را به آنان بخشیدم و آن را وسیلهٔ نیکی

عَلَيْهِمٰا، وَ رَغِبْتُ اِلَيْكَ في وَضْعِ تَبِعَتِهِ عَنْهُمٰا، فَإِنّي

و احسان به آنان ساختم و به تو رغبت جستم با بخشیدن گناه آنان که من

لٰا أَتَّهِمُهُمٰا عَلىٰ نَفْسي، وَ لٰا أَسْتَبْطِئُهُمٰا في بِرّي، وَ لٰا أَكْرَهُ

آنان را در مورد خویشتن متهم نمی‌دانم و در نیکوئی‌کردن‌شان در بارهٔ من‌درنگ کننده و سهل‌انگار نمی‌شناسم

مٰا تَوَلَّيٰاهُ مِنْ أَمْري يٰارَبِّ، فَهُمٰا أَوْجَبُ حَقّاً عَلَيَّ، وَ أَقْدَمُ

و آنچه در کار من‌بر عهده گرفتند ناخوش نمی‌پندارم. پروردگارا آن دو از من سزاوارترند که حقشان رعایت شود

إِحْسٰاناً إِلَيَّ، وَ أَعْظَمُ مِنَّةً لَدَيَّ مِنْ أَنْ أُقٰاصَّهُمٰا بِعَدْلٍ،

و احسانشان برمن مقدم است، و منّتشان نزد من بزرگتر از آن که بخواهم در عوض آنان را قصاص کنم

اَوْ أُجٰازِيَهُمٰا عَلىٰ مِثْلٍ،أَيْنَ إِذاً يٰا إِلٰهي طُولُ شُغْلِهِمٰا بِتَرْبِيَتي،

یا آنان را مجازات به مثل کنم. اینک ای خدای من، مدت مشغول بودن آنان برای پرورش من‌چه خواهد شد

وَ أَيْنَ شِدَّةُ تَعَبِهِمٰا في حِرٰاسَتي، وَ أَيْنَ إِقْتٰارُ هُمٰا عَلىٰ

و شدت رنجشان در نگاهداری من چه خواهدشد و آن تنگی‌که برای آسایش من تحمل کردند

أَنْفُسِهِمٰا لِلتَّوْسِعَةِ عَلَيَّ، هَيْهٰاتَ، مٰا يَسْتَوْفِيٰانِ مِنّي حَقَّهُمٰا،

چگونه‌جبران خواهد شد ؟ افسوس، که‌آن دو هرگز به حق خود نخواهند رسید

وَ لٰا أُدْرِكُ مٰا يَجِبُ عَلَيَّ لَهُمٰا، وَ لٰا أَنٰا بِقٰاضٍ وَظيفَةَ خِدْمَتِهِمٰا،

و من نمی‌توانم حقوق واجب آنان را دریابم و شرط خدمتگذاری آن دو را به جا آورم.

فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ اٰلِهِ، وَ اَعِنّي يٰاخَيْرَ مَنِ اسْتُعينَ بِهِ،

پس بر محمّد و خاندان او صلوات فرست و ای بهترین کس که از او می‌توان یاری خواست، یاریم کن؛

وَ وَفِّقْني يٰا أَهْدىٰ مَنْ رُغِبَ إِلَيْهِ، وَ لاٰ تَجْعَلْني في أَهْلِ

و ای بهترین راهنما که به او روی توان آورد توفیقم بخش و مرا از اهل

الْعُقُوقِ لِلاٰبٰآءِ وَ الْأُمَّهٰاتِ يَوْمَ تُجْزىٰ كُلُّ نَفْسٍ بِمٰا كَسَبَتْ

نافرمانی پدر و مادر قرار مده در آن روزی که هر کس جزای آنچه را که انجام داده است می‌بیند

وَ هُمْ لاٰ يُظْلَمُونَ. اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ اٰلِهِ وَ ذُرِّيَّتِهِ،

و هرگز به کسی ستم نمی‌شود. خدایا صلوات فرست بر محمّد و آل او

وَ اخْصُصْ أَبَوَيَّ بِأَفْضَلِ مٰا خَصَصْتَ بِهِ اٰبٰآءَ عِبٰادِكَ الْمُؤْمِنينَ

و به پدر و مادرم بهترین چیزی را که به پدران و مادران بندگان مؤمن خود اختصاص داده‌ای،

وَ أُمَّهٰاتِهِمْ، يٰا أَرْحَمَ الرّٰاحِمينَ. اَللّٰهُمَّ لاٰ تُنْسِني ذِكْرَهُمٰا

اختصاص بده ای مهربان‌ترین مهربانان. خدایا چنان کن که فراموش نکنم یاد آنان را

في أَدْبٰارِ صَلَوٰاتي، وَ في إِناً مِنْ اٰنٰآءِ لَيْلي، وَ في كُلِّ سٰاعَةٍ

در پی نمازهایم و در هیچ وقت از اوقات شب و روز و در هیچ ساعت

مِنْ سٰاعٰاتِ نَهٰاري. اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ اٰلِهِ، وَ اغْفِرْ

از ساعات روز. بارالها، بر محمّد و آل او صلوات فرست و مرا به وسیلهٔ

لي بِدُعٰآئي لَهُمٰا، وَ اغْفِرْ لَهُمٰا بِبِرِّهِمٰا بي مَغْفِرَةً حَتْماً،

دعا برای پدر و مادرم و آنان را به سبب نیکیشان بر من با آمرزش حتمی بیامرز

وَ ارْضَ عَنْهُمٰا بِشَفٰاعَتي لَهُمٰا رِضىً عَزْماً، وَ بَلِّغْهُمٰا بِالْكَرٰامَةِ

و به شفاعت من، از آنان به خرسندی قطعی، خرسند باش و به کرامت خود آنان را به

مَوٰاطِنَ ٱلسَّلاٰمَةِ. اَللّٰهُمَّ وَ إِنْ سَبَقَتْ مَغْفِرَتُكَ لَهُمٰا فَشَفِّعْهُمٰا

جایگاههای سلامت برسان. بار خدایا، اگر آمرزش تو، پیش از من، آنان را فرا گرفته باشد آنان را

فِيَّ، وَ إِنْ سَبَقَتْ مَغْفِرَتُكَ لي فَشَفِّعْني فيهِمٰا، حَتّىٰ نَجْتَمِعَ

شفیع من گردان و اگر آمرزش تو پیش از آنان مرا در برگرفته باشد مرا شفیع آنان کن تا با مهر تو

بِرَأْفَتِكَ في دٰارِ كَرٰامَتِكَ وَ مَحَلِّ مَغْفِرَتِكَ وَ رَحْمَتِكَ، اِنَّكَ

در سرای کرامت تو و در مجلس آمرزش تو و رحمت تو گرد یکدیگر آییم. همانا که تو

ذُوالْفَضْلِ ٱلْعَظيمِ،وَ ٱلْمَنِّ ٱلْقَديمِ، وَ أَنْتَ أَرْحَمُ ٱلرّٰاحِمينَ.[۱]

دارای برتری بزرگ و نعمت دیرینه‌ای و تو مهربان‌ترین مهربانانی.

۸ ـ دعا برای ادای دین و پرداخت قرض:

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَهَبْ لِيَ ٱلْعٰافِيَةَ مِنْ دَيْنٍ تُخْلِقُ

خدایا، بر محمّد و خاندانش صلوات نثار فرما. و مرا عافیت ده از قرضی که از آن

بِهِ وَجْهي، وَ يَحٰارُ فيهِ ذِهْني، وَ يَتَشَعَّبُ لَهُ فِكْري، وَ يَطُولُ

آبرویم بریزد و خاطرم حیران شود و اندیشه‌ام پراکنده گردد و گرفتاریم

بِمُمٰارَسَتِهِ شُغْلي. وَ اَعُوذُ بِكَ يٰا رَبِّ مِنْ هَمِّ ٱلدَّيْنِ وَ فِكْرِهِ،

با سر و کار داشتن با آن به درازا کشد. ای پروردگار من، به تو پناه می‌برم از اندوه بدهی و اندیشهٔ آن

وَ شُغْلِ ٱلدَّيْنِ وَ سَهَرِهِ، فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ أَعِذْني

و اشتغال به وام و بیخوابی آن. پس بر محمّد و خاندان او صلوات فرست و از وام پناهم ده.

مِنْهُ، وَ أَسْتَجيرُبِكَ يٰا رَبِّ مِنْ ذِلَّتِهِ فِي ٱلْحَيٰوةِ، وَ مِنْ تَبِعَتِهِ

ای پروردگار من، از ذلت وامداری در زندگانی و از وبال آن پس از وفات از تو

۱. صحیفهٔ سجادیه، دعای ۲۴ و مصباح کفعمی ص ۲۳۰

بَعْدَ ٱلْوَفاةِ، فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ أَجِرْني مِنْهُ بِوُسْعٍ

زنهار می‌جویم. پس بر محمّد و خاندان او صلوات فرست و مرا با وسعت بسیار

فاضِلٍ أَوْ كَفافٍ واصِلٍ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ ٱحْجُبْني

یا روزی باندازه از وام برهان. خدایا، بر محمّد و خاندان او صلوات فرست. و مرا از

عَنِ ٱلسَّرَفِ وَ ٱلْإِزْدِيادِ، وَ قَوِّمْني بِالْبَذْلِ وَ ٱلْاِقْتِصادِ،

اسراف و زیاده روی بازدار و با گشاده دستی و میانه روی برپا دار.

وَ عَلِّمْني حُسْنَ ٱلتَّقْديرِ، وَ ٱقْبِضْني بِلُطْفِكَ عَنِ ٱلتَّبْذيرِ،

و اندازه نگاهداری در خرج به من بیاموز و به لطف خود از ولخرجی نگه‌دار

وَ أَجْرِ مِنْ أَسْبابِ ٱلْحَلالِ أَرْزاقي، وَ وَجِّهْ في أَبْوابِ ٱلْبِرِّ

و از اسباب حلال روزیم را روان کن و انفاق مرا متوجه راههای خیر

إِنْفاقي، وَ ٱزْوِ عَنّي مِنَ ٱلْمالِ ما يُحْدِثُ لي مَخيلَةً أَوْ تَأَدِّياً

گردان و مالی را که در اندیشه‌ام خود پسندی پدید آورد، یا به

إِلىٰ بَغْيٍ أَوْ ما أَتَعَقَّبُ مِنْهُ طُغْياناً. اَللّٰهُمَّ حَبِّبْ إِلَيَّ صُحْبَةَ

ستمگری برساند، یا به سرکشی کشاند باز دار. بار خدایا، همنشینی تهیدستان را بر من

ٱلْفُقَراءِ، وَ أَعِنّي عَلىٰ صُحْبَتِهِمْ بِحُسْنِ ٱلصَّبْرِ، وَ ما زَوَيْتَ

محبوب گردان و مرا در شکیبایی شایسته و مصاحبت با آنان یاری ده و آنچه از

عَنّي مِنْ مَتاعِ ٱلدُّنْيا ٱلْفانِيَةِ فَادْخَرْهُ في خَزائِنِكَ ٱلْباقِيَةِ

کالای دنیای گذرا از من باز می‌ستانی در گنجینه‌های باقی خود مرا ذخیره فرمای

وَ ٱجْعَلْ لي ما خَوَّلْتَني مِنْ حُطامِها، وَ عَجَّلْتَ لي مِنْ

و آنچه را که از ریزه‌های خوان دنیا به من ارزانی داشته‌ای و آنچه را از متاع دنیا برای من پیش انداخته‌ای

مَتاعِها بُلْغَةً إِلىٰ جِوارِكَ وَ وُصْلَةً إِلىٰ قُرْبِكَ، وَ ذَرِيعَةً إِلىٰ

و به من عطا فرموده‌ای، برای رسیدن من به جوار تو و پیوستن به مقام قرب تو و وسیله‌ای به سوی

جَنَّتِكَ، إِنَّكَ ذُوالْفَضْلِ الْعَظِيمِ، وَ أَنْتَ الْجَوادُ الْكَرِيمُ.[1]

بهشت خود قرار ده؛ همانا که تو دارای فضل عظیم و بخشنده کریم هستی.

۹ ـ دعا برای حل مشکلات

يا مَنْ تُحَلُّ بِهِ عُقَدُ الْمَكارِهِ، وَ يا مَنْ يُفْثَأُ بِهِ حَدُّ الشَّدائِدِ،

ای‌که گره ناگواریهابه تو گشوده‌می‌گردد وای که تندی سختی‌ها به مدد تو فرو می‌نشیند،

وَ يا مَنْ يُلْتَمَسُ مِنْهُ الْمَخْرَجُ إِلىٰ رَوْحِ الْفَرَجِ. ذَلَّتْ لِقُدْرَتِكَ

ای که راه بیرون شدن به سوی راحت گشایش را از تو می‌طلبند. به قدرت تو

الصِّعابُ، وَ تَسَبَّبَتْ بِلُطْفِكَ الْأَسْبابُ وَ جَرىٰ بِقُدْرَتِكَ

دشواریها آسان گردد و به لطف تو سبب‌ها برقرار می‌شودو به قدرت تو حکم

الْقَضاءُ، وَ مَضَتْ عَلىٰ إِرادَتِكَ الْأَشْياءُ، فَهِيَ بِمَشِيَّتِكَ دُونَ

قضا جریان می‌یابد و کارها به ارادهٔ تو می‌گذرد. پس‌همه چیز به‌محض مشیّت تو بی‌آنکه

قَوْلِكَ مُؤْتَمِرَةٌ، وَ بِإِرادَتِكَ دُونَ نَهْيِكَ مُنْزَجِرَةٌ. أَنْتَ الْمَدْعُوُّ

بگویی فرمان پذیرند و به مجرّد ارادهٔ تو بی‌آنکه نهی کنی بازداشته‌اند. تویی که‌حل

لِلْمُهِمّاتِ، وَ أَنْتَ الْمَفْزَعُ فِي الْمُلِمّاتِ، لا يَنْدَفِعُ مِنْها إِلّا

مشکلات را از تو می‌خواهند و تویی که در بلاهاپناهگاهی. بلایی دفع‌نمی‌شود مگر که تو آن را

ما دَفَعْتَ، وَ لا يَنْكَشِفُ مِنْها إِلّا ما كَشَفْتَ، وَ قَدْ نَزَلَ بِي

دفع کنی و چیزی از آن‌بر طرف‌نمی‌شودمگر آنچه که تو بر طرفش فرمایی. پروردگارا، بلایی بر من فرود

---

۱. صحیفهٔ سجادیه، دعای ۳۰.

يا رَبِّ ما قَدْ تَكادَني ثِقْلُهُ، وَ أَلَمَّ بي ما قَدْ بَهَظَني حَمْلُهُ،

آمده‌است که سنگینی و گرانی آن مرا به زانوا درآورده‌است و دشواری‌یی به من روی آورده که تحمل آن مرا وامانده

وَ بِقُدْرَتِكَ اَوْرَدْتَهُ عَلَيَّ، وَ بِسُلْطانِكَ وَجَّهْتَهُ اِلَيَّ، فَلا مُصْدِرَ

کرده‌است. و آن‌را تو به قدرت خود بر من‌فرود آورده‌ای‌و به چیرگی خود آن را به‌سوی من متوجه ساخته‌ای. پس

لِما اَوْرَدْتَ، وَ لا صارِفَ لِما وَجَّهْتَ، وَ لا فاتِحَ لِما أَغْلَقْتَ،

کسی نمی‌تواند آنچه را که‌تو وارد کنی بازگرداند و چیزی را که تو متوجه ساخته‌باشی تغییر دهد و آنچه را که تو

وَ لا مُغْلِقَ لِما فَتَحْتَ، وَ لا مُيَسِّرَ لِما عَسَّرْتَ، وَ لا ناصِرَ

بسته باشی بگشاید و آنچه را که تو گشاده باشی بر بندد و آنچه تو مشکل ساخته باشی آسان کند و کسی را که تو

لِمَنْ خَذَلْتَ. فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ افْتَحْ لي يا رَبِّ

خوار کرده‌ای یاری دهد؛ پس بر محمّد و آل او صلوات فرست و از سر رحمت ـ پروردگارا ـ در آسایش

بابَ الْفَرَجِ بِطَوْلِكَ، وَ اكْسِرْ عَنّي سُلْطانَ الْهَمِّ بِحَوْلِكَ،

به رویم بگشای‌و چیرگی غم‌را بر من به قوت خود بشکن

وَ أَنِلْني حُسْنَ النَّظَرِ فيما شَكَوْتُ، وَ أَذِقْني حَلاوَةَ الصُّنْعِ

و مرا در آنچه شکایت می‌کنم به حسن نظر نایل فرما و در آنچه از تو مسئلت دارم، شیرینی رفتارت را

فيما سَأَلْتُ، وَ هَبْ لي مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً وَ فَرَجاً هَنيئاً،

به من بچشان و از درگاه خویش‌رحمت و گشایش دلنشین‌به من ارزانی فرما

وَ اجْعَلْ لي مِنْ عِنْدِكَ مَخْرَجاً وَحِيّاً، وَ لا تَشْغَلْني بِالْاِهْتِمامِ

و هرچه زودتر از نزدخود مرا راه خلاصی از این بلا مقرّر نما و از همت گماشتن به رعایت

عَنْ تَعاهُدِ فُرُوضِكَ، وَ اسْتِعْمالِ سُنَّتِكَ. فَقَدْ ضِقْتُ لِما نَزَلَ

واجبات خود و به کار بستن مستحبات خود باز مدار؛ پروردگارا از این بلا که بر من فرود

بي يٰا رَبِّ ذَرْعاً، وَ امْتَلأتُ بِحَمْلِ مٰا حَدَثَ عَلَيَّ هَمّاً،

آمده است دچار پریشانی و ناتوانی گشته‌ام و از برداشتن آنچه بر من روی نموده است لبریز از اندوه گردیده‌ام

وَ أَنْتَ الْقادِرُ عَلىٰ كَشْفِ مٰا مُنيتُ بِهِ، وَ دَفْعِ مٰا وَقَعْتُ فيه،

و تو به برطرف ساختن آنچه به آن گرفتار آمده‌ام و دفع کردن چیزی که در آن افتاده‌ام توانایی؛

فَافْعَلْ بي ذٰلِكَ وَ إِنْ لَمْ أَسْتَوْجِبْهُ مِنْكَ، يٰا ذَاالْعَرْشِ الْعَظيمِ.[1]

پس ای صاحب عرش عظیم، در بارهٔ من چنین کن؛ هر چند از سوی تو شایستهٔ آن نباشم.

۱۰ ـ مناجات خمسة عشر

این مناجاتها را مرحوم مجلسی از بعضی از کتب اصحاب نقل کرده و واقعاً مملوّ از صفا و معنویّت است.

از مجموع این مناجاتهای شریف و نورانی استفاده می‌شود که هدف امام انشای مناجاتهای بین المللی بوده است؛ یعنی این مناجاتها برای کسانی است که حد اقل به مبدأ و معاد معتقد باشند؛ زیرا در این مناجاتها اسمی از انبیا و ائمه علیهم السلام و فرشتگان و درود بر آنها برده نشده و چیزی از خصوصیات اسلام و ادیان دیگر ذکر نشده است. بهر حال توجه به معانی و مفاهیم این دعاها برای خواننده حالت خاصی از عرفان و انقلاب روحی ایجاد می‌کند. برای هر مؤمنی مناسب است هرچند گاهی درون خود را به وسیله برخی از این صحیفه‌های نور جلا و آرامش دهد.

گمان نمی‌رود کلام و عبارتی، از گوینده و نویسندهٔ صاحب فصاحتی این چنین مختصر و بدین سان پر محتوا صادر شود که شرح نیاز و فقری را از بنده، و جلال و غنایی را از مولا، نقص و عجزی را از عبد و مقامی و کمالی را از ربّ به رشته بیان کشیده باشد! آری این گونه انشاء جز از معصومین اهل بیت علیهم السلام ساخته نیست.

۱. صحیفهٔ سجادیه، دعای ۸ و مصباح کفعمی صفحه ۳۱۲.

اول: مناجات توبه‌کنندگان

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحيمِ، اِلٰهي أَلْبَسَتْنِي الْخَطايا ثَوْبَ

به نام خداوند بخشنده مهربان. خدایا، خطاها جامهٔ مذلت بر من

مَذَلَّتي، وَ جَلَّلَنِي التَّباعُدُ مِنْكَ لِباسَ مَسْكَنَتي وَ اَماتَ قَلْبي

پوشانیده است و دوری از تو لباس بینوایی بر تنم کرده است و جنایت بزرگ من دلم

عَظيمُ جِنايَتي، فَأَحْيِهِ بِتَوْبَةٍ مِنْكَ يا أَمَلي وَ بُغْيَتي، وَ يا سُؤْلي

را میرانده است؛ پس ای آرزوی من و ای دلخواه من، با توبه به درگاهت، آن را زنده ساز. ای منظور

وَ مُنْيَتي. فَوَعِزَّتِكَ ما أَجِدُ لِذُنُوبي سِواكَ غافِراً، وَ لا أَرىٰ

و آرزوی من، به عزت تو سوگند که جز تو گناهان خویش را آمرزنده‌ای نمی‌یابم

لِكَسْري غَيْرَكَ جابِراً، وَ قَدْ خَضَعْتُ بِالْاِنابَةِ إِلَيْكَ، وَ عَنَوْتُ

و شکستگی خود را جز تو جبران کننده‌ای نمی‌بینم و همانا که با ناله به درگاهت سر فرود می‌آورم

بِالْاِسْتِكانَةِ لَدَيْكَ فَاِنْ طَرَدْتَني مِنْ بابِكَ فَبِمَنْ أَلُوذُ، وَ إِنْ

و با خاکساری قصد پیشگاهت می‌کنم؛ پس اگر مرا از در خود برانی به چه کسی پناهنده گردم و اگر

رَدَدْتَني عَنْ جَنابِكَ فَبِمَنْ أَعُوذُ، فَوا أَسَفاهُ مِنْ خَجْلَتي

از آستانت دورم کنی به چه کسی پناه برم؛ پس افسوس بر شرمساری

وَ افْتِضاحي، وَ والَهْفاهُ مِنْ سُوءِ عَمَلي وَ اجْتِراحي. أَسْئَلُكَ

و رسوائی من و دردا بر بدی کردار و جنایتکاریم. از تو می‌خواهم

يا غافِرَ الذَّنْبِ الْكَبيرِ، وَ يا جابِرَ الْعَظْمِ الْكَسيرِ، أَنْ تَهَبَ لي

ای آمرزگار گناه بزرگ و ای درمان کنندهٔ استخوان شکسته، که گناهان

مُوبِقٰاتِ اَلْجَرٰآئِرِ، وَ تَسْتُرَ عَلَيَّ فٰاضِحٰاتِ اَلسَّرٰآئِرِ، وَ لاٰ تُخْلِنِي

کشنده‌ام را ببخشایی و رسواییهای نهانم را بپوشانی و در

فِي مَشْهَدِ اَلْقِيٰامَةِ مِنْ بَرْدِ عَفْوِكَ وَ غَفْرِكَ وَ لاٰ تُعْرِنِي مِنْ

شهودگاه رستاخیز از لذت بخشایش و آمرزش خود محرومم نفرمایی و از عفو

جَمِيلِ صَفْحِكَ وَ سَتْرِكَ. إِلٰهِي ظَلِّلْ عَلىٰ ذُنُوبِي غَمٰامَ

جمیل و خطاپوشت مرا عریان نکنی. خدایا، سایهٔ ابر رحمتت را بر گناهان

رَحْمَتِكَ، وَ أَرْسِلْ عَلىٰ عُيُوبِي سَحٰابَ رَأْفَتِكَ. إِلٰهِي هَلْ

من افکن و سحاب مهرت را بر عیبهایم بباران. خدای من، آیا

يَرْجِعُ اَلْعَبْدُ اَلاٰبِقُ إِلاّٰ إِلىٰ مَوْلاٰهُ، أَمْ هَلْ يُجِيرُهُ مِنْ سَخَطِهِ

بندهٔ فراری جز بسوی مولای خویش بازمی‌گردد؟ یا کسی جز مولا او را از خشم پناه

أَحَدٌ سِوٰاهُ. إِلٰهِي إِنْ كٰانَ اَلنَّدَمُ عَلَى اَلذَّنْبِ تَوْبَةً فَإِنِّي

می‌دهد؟ خدایا، اگر پشیمانی از گناه بازگشت باشد پس، همانا سوگند به

وَ عِزَّتِكَ مِنَ اَلنّٰادِمِينَ، وَ إِنْ كٰانَ اَلاِسْتِغْفٰارُ مِنَ اَلْخَطِيئَةِ

عزت تو که من از پشیمانانم. و اگر آمرزشخواهی از خطا، مایهٔ ریختن

حِطَّةً فَإِنِّي لَكَ مِنَ اَلْمُسْتَغْفِرِينَ، لَكَ اَلْعُتْبىٰ حَتّٰى تَرْضىٰ.

گناه باشد پس من در درگاه تو از آمرزشخواهانم. آنچه خواهی کن تا خشنود گردی.

إِلٰهِي بِقُدْرَتِكَ عَلَيَّ تُبْ عَلَيَّ، وَ بِحِلْمِكَ عَنِّي اُعْفُ عَنِّي،

الهی، سوگند به قدرتی که بر من داری، توبهٔ مرا بپذیر و به شکیبایی که دربارهٔ من داری، مرا ببخشای

وَ بِعِلْمِكَ بِي اِرْفَقْ بِي، إِلٰهِي أَنْتَ اَلَّذِي فَتَحْتَ لِعِبٰادِكَ بٰاباً

و به علمی که به من داری، با من مدارا کن. خدایا، تویی که بروی بندگانت دری

إِلىٰ عَفْوِكَ سَمَّيْتَهُ ٱلتَّوبَةَ، فَقُلْتَ: تُوبُوا إِلَى ٱللهِ تَوْبَةً نَصُوحاً،

به سوی بخشایش گشودی و آن را توبه (یا بازگشت) نامیدی. پس گفتی: به سوی خدا توبه کنید، توبهٔ نصوح.

فَمٰا عُذْرُمَنْ أَغْفَلَ دُخُولَ ٱلْبٰابِ بَعْدَ فَتْحِهِ، إِلٰهي إِنْ كٰانَ

پس، بهانهٔ کسی که پس از گشودن در، از وارد شدن غفلت ورزد چیست؟ خدایا، اگر گناه

قَبُحَ ٱلذَّنْبُ مِنْ عَبْدِكَ فَلْيَحْسُنِ ٱلْعَفْوُ مِنْ عِنْدِكَ. اِلٰهي مٰا اَنَا

از بنده‌ات زشت است اما بخشایش از تو زیباست. خدایا، من نخستین کس

بِاَوَّلِ مَنْ عَصٰاكَ فَتُبْتَ عَلَيْهِ، وَ تَعَرَّضَ لِمَعْرُوفِكَ فَجُدْتَ

نیستم که تو را نافرمانی کرده باشد و تو توبهٔ او پذیرفته باشی و دست به دامان تو شده باشد

عَلَيْهِ. يٰا مُجيبَ ٱلْمُضْطَرِّ، يٰا كٰاشِفَ ٱلضُّرِّ، يٰا عَظيمَ ٱلْبِرِّ،

و به او بخشش کرده باشی. ای پاسخگوی درمانده ای بر طرف کنندهٔ زیان، ای دارای احسان بزرگ،

يٰا عَليماً بِمٰا فِي ٱلسِّرِّ، يٰا جَميلَ ٱلسَّتْرِ ٱسْتَشْفَعْتُ بِجُودِكَ

ای دانای راز نهان، ای که به زیبایی پرده بر گناهان می‌پوشانی، جود

وَ كَرَمِكَ اِلَيْكَ، وَ تَوَسَّلْتُ بِجَنٰابِكَ وَ تَرَحُّمِكَ لَدَيْكَ،

و کَرَمت را نزد تو شفیع آورده‌ام. و به آستان تو و مهری که نزد توست دست توسل می‌زنم؛

فَاسْتَجِبْ دُعٰائي، وَ لاٰ تُخَيِّبْ فيكَ رَجٰائي، وَ تَقَبَّلْ تَوْبَتي،

پس دعای مرا اجابت فرمای و از آستانت نومیدم مساز و توبه‌ام را بپذیر

وَ كَفِّرْ خَطيئَتي، بِمَنِّكَ وَ رَحْمَتِكَ يٰا اَرْحَمَ ٱلرّٰاحِمينَ.[1]

و خطایم را جبران فرمای؛ به بخشش و رحمت تو، ای مهربان‌ترین مهربانان.

---

۱. بحار الانوار / ۹۱ / ۱۴۲

دوّم: مناجات شکایت کنندگان ـ از هوای نفس و شیطان و قساوت قلب

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحيمِ، اِلٰهى اِلَيْكَ أَشْكُو نَفْساً بِالسُّوءِ

بنام خداوند بخشندهٔ مهربان. خدایا، نزد تو شکایت دارم از نفسی که پیوسته به بدی

أَمّارَةً، وَ إِلَى الْخَطيئَةِ مُبادِرَةً، وَ بِمَعاصيكَ مُولَعَةً، وَ لِسَخَطِكَ

فرمان می‌دهد و به خطا روی می‌کند و به نافرمانی تو آزمند است و در معرض خشم

مُتَعَرِّضَةً، تَسْلُكُ بى مَسالِكَ الْمَهالِكِ وَ تَجْعَلُنى عِنْدَكَ اَهْوَنَ

تو قرار می‌گیرد، نفسی که مرا به راههای نابودی می‌کشاند و در پیشگاه تو مرا پست‌ترین

هالِكٍ، كَثيرَةَ الْعِلَلِ، طَويلَةَ الْأَمَلِ، اِنْ مَسَّهَا الشَّرُّ تَجْزَعُ،

هلاک شده می‌گرداند، نفسی بهانه ساز و دراز آرزو؛ اگر شرّی به او رسد بیتابی کند

وَ إِنْ مَسَّهَا الْخَيْرُ تَمْنَعُ، مَيّالَةً اِلَى اللَّعِبِ وَ اللَّهْوِ، مَمْلُوَّةً

و اگر به خیری دست یابد خودخواه گردد و پیوسته به لهو و لعب مایل و غرقهٔ

بِالْغَفْلَةِ وَ السَّهْوِ، تُسْرِعُ بى إِلَى الْحَوْبَةِ، وَ تُسَوِّفُنى بِالتَّوْبَةِ.

بیخبری و فراموشی است؛ با شتاب مرا سوی نیاز برد و توبه‌ام را به تأخیر اندازد.

اِلٰهى أَشْكُو اِلَيْكَ عَدُوّاً يُضِلُّنى، وَ شَيْطاناً يُغْوينى، قَدْ مَلَأَ

الهی به تو شکایت آورده‌ام، از دشمنی که گمراهم کند و شیطانی که فریبم دهد همانا که

بِالْوَسْواسِ صَدْرى، وَ أَحاطَتْ هَواجِسُهُ بِقَلْبى، يُعاضِدُ لِيَ

وسوسه، سراسر سینه‌ام را فرا گرفته است و توهم آن قلبم را احاطه کرده‌است. هوس مرا

الْهَوىٰ، وَ يُزَيِّنُ لى حُبَّ الدُّنْيا، وَ يَحُولُ بَيْنى وَ بَيْنَ الطّاعَةِ

دستیار است و دوستی دنیا را در نظرم می‌آراید و میان من و طاعت حق و آخرت تو

وَ ٱلزُّلفىٰ. إِلٰهي إِلَيْكَ أَشْكُو قَلْباً قٰاسِياً، مَعَ ٱلْوَسْوٰاسِ مُتَقَلِّباً،

جدایی می‌افکند. خدایا، به تو شکایت می‌کنم از دلی سخت که با وسوسه دگرگون گشته

وَ بِالرَّيْنِ وَ ٱلطَّبْعِ مُتَلَبِّساً، وَ عَيْناً عَنِ ٱلْبُكٰاءِ مِنْ خَوْفِكَ

و در پردهٔ تاریکی و بی توفیقی پیچیده و از چشمی که اشک خوف بر آن

جٰامِدَةً، وَ إِلىٰ مٰا يَسُرُّهٰا طٰامِحَةً. إِلٰهي لاٰ حَوْلَ لي وَ لاٰ قُوَّةَ

نمی‌گذرد و به آنچه خرسندش سازد میل کند. خدایا، مرا توان و نیرویی جز

إِلّاٰ بِقُدْرَتِكَ، وَ لاٰ نَجٰاةَ لي مِنْ مَكٰارِهِ ٱلدُّنْيا إِلّاٰ بِعِصْمَتِكَ،

قدرت تو نیست و نجاتی برای من از ناگواریهای دنیا جز عصمت تو نیست.

فَأَسْئَلُكَ بِبَلاٰغَةِ حِكْمَتِكَ، وَ نَفٰاذِ مَشِيَّتِكَ أَنْ لاٰ تَجْعَلَني

پس از تو مسئلت دارم که به رسایی حکمتت و نفوذ مشیّتت چنان کنی که جز به بخشش تو

لِغَيْرِ جُودِكَ مُتَعَرِّضاً، وَ لاٰ تُصَيِّرَني لِلْفِتَنِ غَرَضاً، وَ كُنْ

به هیچ چیز روی نیاورم و مرا هدف فتنه‌ها نگردانی و مرا بر

لي عَلَىٰ ٱلْأَعْدٰآءِ نٰاصِراً، وَ عَلَى ٱلْمَخٰازي وَ ٱلْعُيُوبِ

دشمنان پیروز فرمایی و بر رسوائیها و عیبهای من

سٰاتِراً، وَ مِنَ ٱلْبَلاٰءِ وٰاقِياً، وَ عَنِ ٱلْمَعٰاصي عٰاصِماً بِرَأْفَتِكَ

پرده پوش باشی و از بلا نگاهداری و از معصیتها حفظ کنی؛

وَ رَحْمَتِكَ يٰا أَرْحَمَ ٱلرّٰاحِمينَ.[۱]

به مهر و رحمت تو، ای مهربانترین مهربانان.

۱. بحار الانوار / ۹۱ / ۱۴۳.

سوم: مناجات خداترسان

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ، إِلٰهِي أَتُرَاكَ بَعْدَ الْإِيمَانِ بِكَ تُعَذِّبُنِي،

بنام خداوند بخشندهٔ مهربان. خدایا، آیا تو چنانی که مرا پس از آنکه به تو ایمان آورده‌ام، عذاب کنی؟

أَمْ بَعْدَ حُبِّي إِيَّاكَ تُبَعِّدُنِي، أَمْ مَعَ رَجَائِي لِرَحْمَتِكَ وَ صَفْحِكَ

یا پس از آن که تو را دوست داشته‌ام، از خویش دور سازی؟ یا با امیدی که به رحمت و بخشایش تو دارم،

تَحْرِمُنِي، أَمْ مَعَ اسْتِجَارَتِي بِعَفْوِكَ تُسْلِمُنِي، حَاشَا لِوَجْهِكَ

محرومم کنی؟ یا با اینکه به بخشایش تو پناه آورده‌ام، دست از من بداری؟ حاشا از وجه

الْكَرِيمِ أَنْ تُخَيِّبَنِي. لَيْتَ شِعْرِي أَلِلشَّقَاءِ وَلَدَتْنِي أُمِّي،

کریم تو که نومیدم نمایی. کاش می‌دانستم که مادرم مرا برای بدبختی بدنیا آورد.

أَمْ لِلْعَنَاءِ رَبَّتْنِي، فَلَيْتَهَا لَمْ تَلِدْنِي وَ لَمْ تُرَبِّنِي، وَ لَيْتَنِي عَلِمْتُ

یا برای رنج پرورشم داد. پس ای کاش که او مرا نمی‌زاد و نمی‌پرورد. و ایکاش می‌دانستم که

أَمِنْ أَهْلِ السَّعَادَةِ جَعَلْتَنِي وَ بِقُرْبِكَ وَ جِوَارِكَ خَصَصْتَنِي،

آیا مرا از نیکبختان قرار داده‌ای و به نزدیکی درگاه و جوار رحمتت مخصوص گردانیده‌ای؟ تا

فَتَقَرَّ بِذٰلِكَ عَيْنِي، وَ تَطْمَئِنَّ لَهُ نَفْسِي. إِلٰهِي هَلْ تُسَوِّدُ

چشمم بدان روشن می‌شد و روانم آرام می‌گرفت. خدای من آیا چهره‌هایی را که در

وُجُوهاً خَرَّتْ سَاجِدَةً لِعَظَمَتِكَ، أَوْ تُخْرِسُ أَلْسِنَةً نَطَقَتْ

آستان عظمتت به سجده افتاده‌اند سیاه می‌کنی؟ یا زبانهایی را که

بِالثَّنَاءِ عَلٰى مَجْدِكَ وَ جَلَالَتِكَ، أَوْ تَطْبَعُ عَلٰى قُلُوبٍ انْطَوَتْ

به ثنا و بزرگی و جلالت تو گویا بوده است گنگ می‌سازی؟ یا دلهایی را که با مهر تو در هم

عَلىٰ مَحَبَّتِكَ، أَوْ تُصِمُّ أَسْماعاً تَلَذَّذَتْ بِسَماعِ ذِكْرِكَ فِي

پیچیده است مُهر تیرگی می‌زنی؟ یا گوشهایی را که با شنیدن یاد تو در ارادت تو لذت برده‌اند

إِرادَتِكَ، أَوْ تَغُلُّ أَكُفّاً رَفَعَتْهَا الْآمالُ إِلَيْكَ رَجاءَ رَأْفَتِكَ، أَوْ

ناشنوا می‌سازی؟ یا دستهای آرزومندی را که به امید رأفت تو به درگاه تو بلند شده است به زنجیر می‌بندی؟

تُعاقِبُ أَبْداناً عَمِلَتْ بِطاعَتِكَ حَتّىٰ نَحِلَتْ فِي مُجاهَدَتِكَ،

یا بدن‌هایی را که کوشش در طاعت تو کرده‌اند تا لاغر شده‌اند شکنجه می‌کنی؟

أَوْ تُعَذِّبُ أَرْجُلاً سَعَتْ فِي عِبادَتِكَ. إِلٰهِي لا تُغْلِقْ عَلىٰ

یا پاهایی را که در بندگی تو سعی کرده‌اند عذاب می‌فرمایی؟ خدایا، درهای رحمتت را

مُوَحِّدِيكَ أَبْوابَ رَحْمَتِكَ، وَ لا تَحْجُبْ مُشْتاقِيكَ عَنِ النَّظَرِ

بر یکتاپرستان خود مبند و مشتاقان خود را از نظر به دیدار جمیل خویش

إِلىٰ جَمِيلِ رُؤْيَتِكَ. إِلٰهِي نَفْسٌ أَعْزَزْتَها بِتَوْحِيدِكَ كَيْفَ

محجوب نفرمای. خدایا، کسی را که به توحید خود عزیز فرمودی چگونه به پستی

تُذِلُّها بِمَهانَةِ هِجْرانِكَ وَ ضَمِيرٌ انْعَقَدَ عَلىٰ مَوَدَّتِكَ كَيْفَ

دوری از خود خوار می‌گردانی و خاطری که به دوستی تو منعقد شده است چگونه به

تُحْرِقُهُ بِحَرارَةِ نِيرانِكَ. إِلٰهِي أَجِرْنِي مِنْ أَلِيمِ غَضَبِكَ وَ عَظِيمِ

گرمای آتشت می‌سوزانی؟ خدایا، مرا از دردناکی خشمت و عظمت غضبت

سَخَطِكَ. يا حَنّانُ يا مَنّانُ يا رَحِيمُ يا رَحْمٰنُ يا جَبّارُ يا قَهّارُ

پناه ده. ای خدای پر مهر، ای پر احسان، ای رحیم ای رحمان، ای جبار، ای قهار،

يا غَفّارُ يا سَتّارُ نَجِّنِي بِرَحْمَتِكَ مِنْ عَذابِ النّارِ وَ فَضِيحَةِ

ای آمرزگار گناهان و ای پوشانندهٔ عیبها، مرا به رحمت خویش از شکنجه آتش و افتضاح رسوائی

اَلْعارِ، إِذَا امْتازَ الْأَخْيارُ مِنَ الْأَشْرارِ، وَ حالَتِ الْأَحْوالُ

رهایی بخش هنگامی که نیکان از اشرار جدا می‌شوند و حالتها دگرگون می‌گردد

وَ هالَتِ الْأَهْوالُ، وَ قَرُبَ الْمُحْسِنُونَ وَ بَعُدَ الْمُسيئُونَ،

و ترسها آشکار می‌شود و نیکو کاران به قرب می‌رسند و بدکاران از آن دور می‌گردند

وَ وُفِّيَتْ كُلُّ نَفْسٍ ما كَسَبَتْ وَ هُمْ لا يُظْلَمُونَ.[۱]

و هر کس به آنچه به دست آورده است می‌رسد حال آنکه بر آنان ستمی نمی‌رود.

چهارم: مناجات امیدواران

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحيمِ، يا مَنْ إِذا سَئَلَهُ عَبْدٌ أَعْطاهُ، وَ إِذا

بنام خداوند بخشندهٔ مهربان. ای که وقتی بنده‌ای چیزی از تو خواست به او عطا می‌کنی و چیزی

أَمَّلَ ما عِنْدَهُ بَلَّغَهُ مُناهُ، وَ إِذا أَقْبَلَ عَلَيْهِ قَرَّبَهُ وَ أَدْناهُ، وَ إِذا

را آرزو می‌کند او را به آرزویش می‌رسانی؛ وقتی کسی به تو روی آورد او را به خود نزدیک کنی و آنگاه

جاهَرَهُ بِالْعِصْيانِ سَتَرَ عَلىٰ ذَنْبِهِ وَ غَطّاهُ، وَ إِذا تَوَكَّلَ عَلَيْهِ

که آشکارا به تو نافرمانی کند، گناهش پنهان داری و بپوشانی و چون به تو توکّل کند،

أَحْسَبَهُ وَ كَفاهُ. إِلٰهي مَنِ الَّذي نَزَلَ بِكَ مُلْتَمِساً قِراكَ فَما

به کار او برسی و کفایتش کنی. خدایا، کیست که با التماس میزبانی به درگاه تو آید

قَرَيْتَهُ وَ مَنِ الَّذي أَناخَ بِبابِكَ مُرْتَجِياً نَداكَ فَما أَوْلَيْتَهُ، أَيَحْسُنُ

و تو از او پذیرایی نکرده باشی و کیست که با دل امیدوار در پیشگاهت بایستد و تو به او

أَنْ أَرْجِعَ عَنْ بابِكَ بِالْخَيْبَةِ مَصْرُوفاً، وَ لَسْتُ أَعْرِفُ سِواكَ

احسان نکرده باشی؟ آیا شایسته است که نومید از درگاه تو بازگردم؟ حال آنکه جز تو

---

۱. بحار الانوار ۹۱/ ۱۴۳.

مَوْلیً بِالْإِحْسانِ مَوْصُوفاً، کَیْفَ أَرْجُو غَیْرَکَ وَ الْخَیْرُ کُلُّهُ

مولایی نمی‌شناسم که به احسان معروف باشد. چگونه بجز تو امید بندم در حالی که همهٔ خیرها

بِیَدِکَ، وَ کَیْفَ أُؤَمِّلُ سِواکَ وَ الْخَلْقُ وَ الْأَمْرُ لَکَ، ءَأَقْطَعُ

به دست توست و چگونه به جز تو امیدوار باشم حال آنکه آفرینش و فرمانروایی تراست. آیا رشتهٔ امید

رَجائی مِنْکَ وَ قَدْ أَوْلَیْتَنی ما لَمْ أَسْئَلْهُ مِنْ فَضْلِکَ، أَمْ تُفْقِرُنی

خویش از تو بگلسم؟، حال آنکه آنچه از تو نطلبیده‌ام از فضل خود عنایت فرموده‌ای؛ یا به کسی به

إِلیٰ مِثْلی وَ أَنَا أَعْتَصِمُ بِحَبْلِکَ، یا مَنْ سَعَدَ بِرَحْمَتِهِ الْقاصِدُونَ،

مانند خودم نیازمند می‌کنی در حالی‌که به رشتهٔ لطف تو آویخته‌ام. ای که آنان که به رحمت تو روی آورند نیکبخت

وَ لَمْ یَشْقَ بِنِقْمَتِهِ الْمُسْتَغْفِرُونَ، کَیْفَ أَنْسٰاکَ وَ لَمْ تَزَلْ

گردند و آنان که طلب مغفرت می‌کنند به عذاب تو مشقت نبینند. چگونه فراموشت کنم حال آن که پیوسته

ذاکِرِی، وَ کَیْفَ أَلْهُو عَنْکَ وَ أَنْتَ مُراقِبی. إِلٰهی بِذَیْلِ کَرَمِکَ

به یاد منی و چگونه دل به دیگری بندم در حالی که تو نگاهبان منی. خدای من دست به‌دامان

أَعْلَقْتُ یَدی، وَ لِنَیْلِ عَطایاکَ بَسَطْتُ أَمَلی فَأَخْلِصْنی بِخالِصَةِ

کرم تو آویخته‌ام و برای رسیدن به عطاهای تو آرزوی خویش‌گسترده‌ام؛ پس به خلوص یگانگی خود مرا

تَوْحیدِکَ، وَ اجْعَلْنی مِنْ صَفْوَةِ عَبیدِکَ، یا مَنْ کُلُّ هارِبٍ إِلَیْهِ

خالص گردان و مرا از بندگان‌برگزیده‌ات قرارده. ای‌که هر گریزنده به تو

یَلْتَجِیءُ، وَ کُلُّ طالِبٍ إِیّاهُ یَرْتَجی، یا خَیْرَ مَرْجُوٍّ وَ یا أَکْرَمَ

پناه آورد و هر جوینده به تو امید بندد، ای بهترین کس برای امید بستن و ای کریمترین

مَدْعُوٍّ، وَ یا مَنْ لا یَرُدُّ سائِلَهُ، وَ لا یُخَیِّبُ امِلَهُ، یا مَنْ بابُهُ مَفْتُوحٌ

خوانده شده، ای که سائل خود را رد نمی‌کنی و ای که آرزومند به خود را مأیوس نمی‌گردانی، ای که درگاهت

لِداعیهِ، وَ حِجابُهُ مَرْفُوعٌ لِراجیهِ، أَسْئَلُكَ بِكَرَمِكَ أَنْ تَمُنَّ عَلَيَّ

به روی دعاکننده باز است و حجاب او از مقابل امیدواران برداشته شده، به کرم تو قسم از تو می‌خواهم که بر من از

مِنْ عَطآئِكَ بِما تَقِرُّ بِهِ عَیْني، وَ مِنْ رَجآئِكَ بِما تَطْمَئِنُّ بِهِ نَفْسي،

عطای خود چیزی ببخشی که چشمم بدان روشن گردد؛ از امید چیزی، که دلم به آن آرام گیرد؛

وَ مِنَ الْیَقینِ بِما تُهَوِّنُ بِهِ عَلَيَّ مُصیباتِ الدُّنْیا، وَ تَجْلُو بِهِ

از یقین چیزی، که ناگواریهای دنیا به آن آسان شود و پرده‌های

عَنْ بَصیرَتي غَشَواتِ الْعَمیٰ بِرَحْمَتِكَ یا أَرْحَمَ الرّاحِمینَ.[۱]

کوردلی از بصیرتم کنار رود. سوگند به رحمتت ای مهربان‌ترین مهربانان.

پنجم: مناجات مشتاقان

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحیمِ، إِلٰهي إِنْ كانَ قَلَّ زادي فِي الْمَسیرِ

بنام خداوند بخشندهٔ مهربان. خدای من اگر در حرکت به سوی تو توشهٔ من اندک است،

إِلَیْكَ فَلَقَدْ حَسُنَ ظَنّي بِالتَّوَكُّلِ عَلَیْكَ، وَ إِنْ كانَ جُرْمي

همانا که در توکل به تو حسن ظن دارم و اگر جرم من مرا

قَدْ أَخافَني مِنْ عُقُوبَتِكَ فَإِنَّ رَجآئي قَدْ أَشْعَرَني بِالْأَمْنِ مِنْ

از عقوبت کردن تو به هراس انداخته اما امید من خبر می‌دهد که از خشم تو

نِقْمَتِكَ، وَ إِنْ كانَ ذَنْبي قَدْ عَرَضَني لِعِقابِكَ فَقَدْ آذَنَني

در امانم و اگر گناه من مرا در معرض عقوبت قرار داده است، حسن اعتمادم مرا از

حُسْنُ ثِقَتي بِثَوابِكَ وَ إِنْ أَنامَتْنِي الْغَفْلَةُ عَنِ الْاِسْتِعْدادِ

ثواب تو آگاه می‌کند و اگر مرا غفلت از آمادگی دیدارت به خواب فرو

۱. بحار الانوار / ۹۱ / ۱۴۴.

لِلِقٰآئِكَ فَقَدْ نَبَّهَتْنِي ٱلْمَعْرِفَةُ بِكَرَمِكَ وَ ٱلاٰئِكَ، وَ إِنْ أَوْحَشَ

برده است، همانا که شناخت کرم و نعمتهای پنهانت مرا بیدار کرده است و اگر بسیاری نافرمانی

مٰا بَيْنِي وَ بَيْنَكَ فَرْطُ ٱلْعِصْيٰانِ وَ ٱلطُّغْيٰانِ فَقَدْ اٰنَسَنِي بُشْرَى

و سرپیچی[۲] میان من و تو را تیره کرده است، اما مژدهٔ آمرزش[۳] و رضوان

ٱلْغُفْرٰانِ وَ ٱلرِّضْوٰانِ. أَسْئَلُكَ بِسُبُحٰاتِ وَجْهِكَ وَ بِأَنْوٰارِ

تو مرا مأنوس کرده است. سوگند به جلالت و به انوار قدست، از تو درخواست

قُدْسِكَ، وَ أَبْتَهِلُ إِلَيْكَ بِعَوٰاطِفِ رَحْمَتِكَ وَ لَطٰآئِفِ بِرِّكَ أَنْ

دارم و به عواطف رحمت و به لطایف احسانت نزد تو زاری می‌کنم که

تُحَقِّقَ ظَنِّي بِمٰا أُؤَمِّلُهُ مِنْ جَزِيلِ إِكْرٰامِكَ وَ جَمِيلِ إِنْعٰامِكَ،

حاجت مرا[۴] روا کنی در آنچه از فراوانی اکرام و نیکویی انعامت

فِي ٱلْقُرْبىٰ مِنْكَ، وَ ٱلزُّلْفىٰ لَدَيْكَ، وَ ٱلتَّمَتُّعِ بِالنَّظَرِ إِلَيْكَ،

در تقرب به تو و نزدیکی به درگاه تو و بهره‌مندی از نظر به سوی تو، آرزومندم،

وَ هٰا أَنَا مُتَعَرِّضٌ لِنَفَحٰاتِ رَوْحِكَ وَ عَطْفِكَ، وَ مُنْتَجِعٌ غَيْثَ

هان، اینک من در جستجوی بوی خوش و مهر تو و در طلب باران

جُودِكَ وَ لُطْفِكَ، فٰارٌّ مِنْ سَخَطِكَ إِلىٰ رِضٰاكَ، هٰارِبٌ مِنْكَ

بخشش و لطف تو هستم. و از خشمت به سوی خشنودیت و از تو به سوی تو

إِلَيْكَ، رٰاجٍ أَحْسَنَ مٰا لَدَيْكَ، مُعَوِّلٌ عَلىٰ مَوٰاهِبِكَ، مُفْتَقِرٌ إِلىٰ

گریزانم، امیدوار به بهترین چیزی که نزد توست، معتمد بر بخششهای تو، و نیازمند به

رِعٰايَتِكَ. إِلٰهِي مٰا بَدَأْتَ بِهِ مِنْ فَضْلِكَ فَتَمِّمْهُ، وَ مٰا وَهَبْتَ

سرپرستی تو هستم. خدایا،[۲] آنچه را که از فضل خود در بارهٔ من آغاز فرموده‌ای به انجام رسان و آنچه را که

لِي مِنْ كَرَمِكَ فَلاٰ تَسْلُبْهُ، وَ مٰا سَتَرْتَهُ عَلَيَّ بِحِلْمِكَ فَلاٰ تَهْتِكْهُ،

از روی کرم به من بخشیده‌ای باز مگیر و آنچه که از سر بردباری پوشانده‌ای افشا مکن

وَ مٰا عَلِمْتَهُ مِنْ قَبيحِ فِعْلي فَاغْفِرْهُ. إِلٰهي ٱسْتَشْفَعْتُ بِكَ

و هر کار زشتی را که از من می‌دانی بیامرز. خدایا، از تو بسوی تو

إِلَيْكَ، وَ ٱسْتَجَرْتُ بِكَ مِنْكَ، أَتَيْتُكَ طٰامِعاً في إِحْسٰانِكَ،

یاری می‌طلبم و از تو به تو پناه آورده‌ام . به سوی تو آمده‌ام؛ طمعکار به احسانت

رٰاغِباً فِي ٱمْتِنٰانِكَ، مُسْتَسْقِياً وٰابِلَ طَوْلِكَ، مُسْتَمْطِراً غَمٰامَ

و راغب به امتنانت. تشنهٔ باران رحمت توام و از ابر فضل تو

فَضْلِكَ، طٰالِباً مَرْضٰاتَكَ، قٰاصِداً جَنٰابَكَ، وٰارِداً شَريعَةَ رِفْدِكَ،

بارش می‌طلبم. خواهان خشنودی تو روی بر آستانت نهاده‌ام بر رودبار احسان تو وارد شدم

مُلْتَمِساً سَنِيَّ ٱلْخَيْرٰاتِ مِنْ عِنْدِكَ، وٰافِداً إِلىٰ حَضْرَةِ جَمٰالِكَ،

و خواستار خیرات شکوهمند تو به پیشگاه جمالت آمده‌ام،

مُريداً وَجْهَكَ، طٰارِقاً بٰابَكَ، مُسْتَكيناً لِعَظَمَتِكَ وَ جَلاٰلِكَ،

خواستار وجه تو. کوبندهٔ درگاه و خاکسار بزرگی و جلال توام.

فَافْعَلْ بي مٰا أَنْتَ أَهْلُهُ مِنَ ٱلْمَغْفِرَةِ وَ ٱلرَّحْمَةِ وَ لاٰ تَفْعَلْ

پس با من از آمرزش و رحمت، آن کن که از تو سزد، نه چنان که من

بي مٰا أَنَا أَهْلُهُ مِنَ ٱلْعَذٰابِ وَ ٱلنِّقْمَةِ، بِرَحْمَتِكَ يٰا أَرْحَمَ ٱلرّٰاحِمينَ.[1]

از عذاب و عقوبت شایستهٔ آنم. سوگند به رحمت تو ای مهربان‌ترین مهربانان.

۱. بحار الانوار / ۹۱/ ۱۴۵.

ششم: مناجات شکرگزاران

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ، إِلٰهِي أَذْهَلَنِي عَنْ إِقٰامَةِ شُكْرِكَ

بنام خداوند بخشندهٔ مهربان. خدای من فضل و عطای پیاپی تو، از یادم برده است که شکرانهٔ تو را

تَتٰابُعُ طَوْلِكَ، وَ أَعْجَزَنِي عَنْ إِحْصٰاءِ ثَنٰائِكَ فَيْضُ فَضْلِكَ،

بجای آورم و ریزش فضل تو از شمردن ثنای تو ناتوانم ساخته است

وَ شَغَلَنِي عَنْ ذِكْرِ مَحٰامِدِكَ تَرٰادُفُ عَوٰائِدِكَ، وَ أَعْيٰانِي عَنْ

و پی در پی بودن نعمتهای تو از ذکر ستودگی تو بازم داشته است و دوام نعمتهایت

نَشْرِ عَوٰارِفِكَ تَوٰالِي أَيٰادِيكَ، وَ هٰذٰا مَقٰامُ مَنِ اعْتَرَفَ بِسُبُوغِ

از منتشر ساختن آن خسته‌ام کرده است؛ و این مقام کسی است که به بسیاری نعمتهای تو

النَّعْمٰاءِ، وَ قٰابَلَهٰا بِالتَّقْصِيرِ، وَ شَهِدَ عَلىٰ نَفْسِهِ بِالْإِهْمٰالِ

اعتراف کرده و در مقابل آن نعمتها تقصیر کرده است و به سهل انگاری خود

وَ التَّضْيِيعِ، وَ أَنْتَ الرَّؤُوفُ الرَّحِيمُ الْبَرُّ الْكَرِيمُ، الَّذِي

و تباه ساختن نعمتها گواهی دهد؛ و تونی آن مهرورز و مهربان و نیکی رسان و کریم که قاصدان

لٰا يُخَيِّبُ قٰاصِدِيهِ، وَ لٰا يَطْرُدُ عَنْ فِنٰائِهِ آمِلِيهِ، بِسٰاحَتِكَ تَحُطُّ

درگاهش را نومید بازنگردند و امیدواران به کرمش را از آستانش نرانند. بر درگاه تو

رِحٰالُ الرّٰاجِينَ، وَ بِعَرْصَتِكَ تَقِفُ آمٰالُ الْمُسْتَرْفِدِينَ، فَلٰا تُقٰابِلْ

امیدواران بار نهند، و آرزوهای یاری طلبان به ساحت تو منتهی می‌شود. پس آرزوهای ما

آمٰالَنٰا بِالتَّخْيِيبِ وَ الْإِيٰاسِ، وَ لٰا تُلْبِسْنٰا سِرْبٰالَ الْقُنُوطِ وَ الْإِبْلٰاسِ.

را با محرومی و نومیدی روبرو مفرما و جامهٔ ناکامی و سرافکندگی بر ما مپوشان.

إِلٰهِي تَصٰاغَرَ عِنْدَ تَعٰاظُمِ الآئِكَ شُكْرِي، وَ تَضٰآئَلَ فِي جَنْبِ
خدای من شکرانهٔ من در برابر بزرگی نعمتهای تو کوچک است و سپاسگویی و فزونی گفتار من در برابر

إِكْرٰامِكَ إِيّٰايَ ثَنٰآئِي وَ نَشْرِي، جَلَّلَتْنِي نِعَمُكَ مِنْ أَنْوٰارِ
بخشندگی تو بسی نا چیز می‌نماید. نعمتهای تو از نور ایمان جامه‌های زیور بر من

آلْإِيمٰانِ حُلَلاً، وَ ضَرَبَتْ عَلَيَّ لَطٰآئِفُ بِرِّكَ مِنَ آلْعِزِّ كِلَلاً،
پوشانیده است و لطایف نیکی تو تاج مرضع عزت بر تارکم نهاده

وَ قَلَّدَتْنِي مِنَنُكَ قَلاٰئِدَ لاٰ تُحَلُّ، وَ طَوَّقَتْنِي أَطْوٰاقاً لاٰ تُفَلُّ،
و منتهای تو گردنبندها برگردنم آویخته است که گشوده نگردد و طوقها که نشکند.

فَـآلاٰئُكَ جَمَّةٌ ضَعُفَ لِسٰانِي عَنْ إِحْصٰآئِهٰا، وَ نَعْمٰآؤُكَ كَثِيرَةٌ
پس نعمتهای تو چندان فراوان است که زبانم از شمارش آن ناتوان است و داده‌های تو چنان بسیار است

قَصُرَ فَهْمِي عَنْ إِدْرٰاكِهٰا فَضْلاً عَنِ آسْتِقْصٰآئِهٰا، فَكَيْفَ لِي
که فهم من از ادراک آنها کوتاه است، چه رسد به شمارش آنها! پس چگونه شکرانهٔ

بِتَحْصِيلِ آلشُّكْرِ، وَ شُكْرِي إِيّٰاكَ يَفْتَقِرُ إِلىٰ شُكْرٍ، فَكُلَّمٰا
به جای آورم؟، حال آنکه هر شکرانهٔ تو به شکری دیگر نیازمند است. پس هربار

قُلْتُ لَكَ آلْحَمْدُ، وَجَبَ عَلَيَّ لِذٰلِكَ أَنْ أَقُولَ لَكَ آلْحَمْدُ.
که حمد تو گویم برای این توفیق بر من واجب می‌گردد که حمد تو گویم.

إِلٰهِي فَكَمٰا غَذَّيْتَنٰا بِلُطْفِكَ، وَ رَبَّيْتَنٰا بِصُنْعِكَ، فَتَمِّمْ عَلَيْنٰا
الهی، پس آنسان که مارا به لطف خود خوراندی و با صُنع خویش پروردی، پس آسایش و گسنادگی نعمتها

سَوٰابِغَ آلنِّعَمِ، وَ آدْفَعْ عَنّٰا مَكٰارِهَ آلنِّقَمِ، وَ آتِنٰا مِنْ حُظُوظِ
را بر ما به کمال رسان و نا خوشایندی‌های عذاب از ما بگردان و از بهره

اَلدّارَیْنِ أَرْفَعَها وَ أَجَلَّها عاجِلاً، وَ لَكَ اَلْحَمْدُ عَلىٰ حُسْنِ

هر دو جهان بالاترین و با جلالترین و سریعترین لذت را نصیب ما کن. و تو را سپاس بر خوبی

بَلائِكَ وَ سُبُوغِ نَعْمائِكَ حَمْداً یُوافِقُ رِضاكَ وَ یَمْتَرِی اَلْعَظیمَ

آزمایشت و بر بسیاری نعمتهایت، سپاسی که خشنودی تو فراهم آورد و به اندازه

مِنْ بِرِّكَ وَ نَداكَ. یا عَظیمُ یا کَریمُ، بِرَحْمَتِكَ یا أَرْحَمَ اَلرّاحِمینَ.[۱]

بسیاری دهش و احسان عظیم تو باشد. یا عظیم یا کریم به مهربانی تو ای مهربان‌ترین مهربانان.

هفتم: مناجات مطیعان خدا

بِسْمِ اَللهِ اَلرَّحْمٰنِ اَلرَّحیمِ، اَللّٰهُمَّ أَلْهِمْنا طاعَتَكَ، وَ جَنِّبْنا

بنام خداوند بخشندهٔ مهربان. بار خدایا، طاعت خود را بر ما الهام فرمای و از نافرمانی

مَعْصِیَتَكَ، وَ یَسِّرْ لَنا بُلُوغَ ما نَتَمَنّىٰ مِنِ اَبْتِغاءِ رِضْوانِكَ،

خویش دورمان ساز و رسیدن به آنچه را که مایهٔ خشنودی توست بر ما آسان کن

وَ أَحْلِلْنا بُحْبُوحَةَ جِنانِكَ، وَ اَقْشَعْ عَنْ بَصائِرِنا سَحابَ

و ما را در میان بهشت خود جای ده. ابر تردید از جلوی چشمان ما

اَلاِرْتِیابِ، وَ اَكْشِفْ عَنْ قُلُوبِنا أَغْشِیَةَ اَلْمِرْیَةِ وَ اَلْحِجابِ،

کنار زن و از دلهای ما پرده‌های بدگمانی و حجاب بردار

وَ أَزْهِقِ اَلْباطِلَ عَنْ ضَمائِرِنا، وَ أَثْبِتِ اَلْحَقَّ فی سَرائِرِنا، فَإِنَّ

و از ضمیر ما نقش باطل بزدای و در باطن ما حق را ثابت نگاهدار؛ زیرا،

اَلشُّكُوكَ وَ اَلظُّنُونَ لَواقِحُ اَلْفِتَنِ وَ مُكَدِّرَةٌ لِصَفْوِ اَلْمَنائِحِ

شک و ظن بذر فتنه میکارد و صفای بخشش و دهش را تیره

۱. بحار الانوار / ۹۱ / ۱۴۶

وَ الْمِنَنِ. اَللّٰهُمَّ احْمِلْنا فِي سُفُنِ نَجاتِكَ وَ مَتِّعْنا بِلَذيذِ

می‌سازد. بارالها، ما را با کشتی نجات خویش ببر و از لذت مناجات

مُناجاتِكَ، وَ أَوْرِدْنا حِياضَ حُبِّكَ، وَ أَذِقْنا حَلاوَةَ وُدِّكَ

بهره‌مند فرما. و به سر چشمهٔ محبّت خود وارد کن و شیرینی مهر و قرب خویش

وَ قُرْبِكَ، وَ اجْعَلْ جِهادَنا فيكَ، وَ هَمَّنا في طاعَتِكَ، وَ أَخْلِصْ

را به ما بچشان و جهاد ما را در راه خود و کوشش ما را در طاعت خود قرارده و نیتهای ما را

نِيّاتِنا في مُعامَلَتِكَ، فَإِنّا بِكَ وَ لَكَ، وَ لا وَسيلَةَ لَنا إِلَيْكَ إِلّا

در رفتار با تو خالص گردان. پس همانا که ما از توایم و برای توایم و جز تو به سوی تو

أَنْتَ. إِلٰهِي اجْعَلْني مِنَ الْمُصْطَفَيْنَ الْأَخْيارِ، وَ أَلْحِقْني

وسیله‌ای نداریم. خدای من مرا از برگزیدگان نیکو قرار ده و به صالحان

بِالصّالِحينَ الْأَبْرارِ، السّابِقينَ إِلَى الْمَكْرُماتِ، الْمُسارِعينَ

نیکوکاری ملحق کن که پیشروان به سوی نیکیها و شتابندگان

إِلَى الْخَيْراتِ، الْعامِلينَ لِلْباقِياتِ الصّالِحاتِ، السّاعينَ إِلىٰ

به طرف خیرات و عمل کنندگان به کارهای شایستهٔ جاودان و تلاشگران به سوی

رَفيعِ الدَّرَجاتِ، إِنَّكَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَديرٌ، وَ بِالْإِجابَةِ جَديرٌ.

درجات عالی هستند. همانا که تو بر همه کار توانایی و بر اجابت شایسته‌ای.

بِرَحْمَتِكَ يا أَرْحَمَ الرّاحِمينَ.[1]

به مهربانی تو ای مهربان‌ترین مهربانان.

۱. بحار الانوار / ۹۱ / ۱۴۷.

هشتم: مناجات مُریدان

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحیمِ، سُبْحانَكَ ما أَضْيَقَ الطُّرُقَ عَلىٰ
بنام خداوند بخشندهٔ مهربان. تو پاکی و منزّه. چقدر تنگ است راه بر کسی

مَنْ لَمْ تَكُنْ دَليلَهُ، وَ ما أَوْضَحَ الْحَقَّ عِنْدَ مَنْ هَدَيْتَهُ سَبيلَهُ،
که تو راهنمای او نباشی، و چقدر حق واضح است، نزد کسی که تو او را هدایت نمائی.

إِلٰهي فَاسْلُكْ بِنا سُبُلَ الْوُصُولِ إِلَيْكَ، وَ سَيِّرْنا في أَقْرَبِ
الهی، ما را رهنورد راهی کن که به تو می‌رسد و برای رسیدن به تو ما را

الطُّرُقِ لِلْوُفُودِ عَلَيْكَ، قَرِّبْ عَلَيْنَا الْبَعيدَ، وَ سَهِّلْ عَلَيْنَا
از نزدیکترین راه سیر ده. راه دور را بر ما نزدیک و دشوار شدید را

الْعَسيرَ الشَّديدَ، وَ أَلْحِقْنا بِعِبادِكَ الَّذينَ هُمْ بِالْبِدارِ إِلَيْكَ
آسان گردان. و ما را به آن بندگانت بپیوند که برای سبقت به آمرزش

يُسارِعُونَ، وَ بابَكَ عَلَى الدَّوامِ يَطْرُقُونَ وَ إِيّاكَ فِي اللَّيْلِ
تو می‌شتابند و پیوسته در رحمت تو می‌کوبند و در شب و روز تنها

وَ النَّهارِ يَعْبُدُونَ، وَ هُمْ مِنْ هَيْبَتِكَ مُشْفِقُونَ، الَّذينَ صَفَّيْتَ
تو را می‌پرستند و از هیبت تو بیم دارند؛ به آن بندگانت که آبشخورشان

لَهُمُ الْمَشارِبَ،وَ بَلَّغْتَهُمُ الرَّغائِبَ، وَ أَنْجَحْتَ لَهُمُ الْمَطالِبَ،
را پاکیزه گردانیدی و آنان را به آنچه بر آن اشتیاق داشتند، رساندی و برای رسیدن به هدف به آنان توفیق دادی

وَ قَضَيْتَ لَهُمْ مِنْ فَضْلِكَ الْمَآرِبَ، وَ مَلَأْتَ لَهُمْ ضَمائِرَهُمْ
و از فضل خود آنچه را خواستند برآوردی و ضمیرهاشان را از محبت خود

مِنْ حُبِّكَ، وَ رَوَّيْتَهُمْ مِنْ صافي شِرْبِكَ، فَبِكَ إِلىٰ لَذيذِ

سرشار فرمودی و از آبشخور زلال سیرابشان کردی و بوسیلهٔ تو به لذّت

مُناجاتِكَ وَ صَلُوا، وَ مِنْكَ أَقْصىٰ مَقاصِدِهِمْ حَصَّلُوا. فَيا مَنْ

راز و نیاز رسیدند. و از تو دورترین مقصودشان حاصل گردید. ای که به کسانی

هُوَ عَلَى الْمُقْبِلينَ عَلَيْهِ مُقْبِلٌ،وَ بِالْعَطْفِ عَلَيْهِمْ عائِدٌ مُفْضِلٌ،

که به تو روی می‌آورند، روی می‌آوری و به آنان توجه می‌نمایی و احسان می‌کنی

وَ بِالْغافِلينَ عَنْ ذِكْرِهِ رَحيمٌ رَؤُوفٌ، وَ بِجَذْبِهِمْ إِلىٰ بابِهِ

و به آنان که از یاد تو غافلند، رئوف و رحیمی و برای جذب کردن آنان ـ به درگاه خود ـ

وَدُودٌ عَطُوفٌ، أَسْئَلُكَ أَنْ تَجْعَلَني مِنْ أَوْفَرِهِمْ مِنْكَ حَظّاً،

پر مهر و پر عاطفه‌ای، از تو مسئلت دارم که حظّ مرا از معرفتت از حظّ آنان بیشتر قرار دهی

وَ أَعْلاهُمْ عِنْدَكَ مَنْزِلاً، وَ أَجْزَلِهِمْ مِنْ وُدِّكَ قِسْماً، وَ أَفْضَلِهِمْ

و مقام مرا نزد خویش از آنان بالاتر کنی و بهرهٔ مرا از مهر خود بیشتر گردانی و نصیب مرا از

في مَعْرِفَتِكَ نَصيباً، فَقَدِ انْقَطَعَتْ إِلَيْكَ هِمَّتي، وَ انْصَرَفَتْ

معرفت خود بیش از نصیب آنان کنی؛ همانا که همت من به سوی تو از دیگران قطع گردیده است و اشتیاقم همه

نَحْوَكَ رَغْبَتي، فَأَنْتَ لا غَيْرُكَ مُرادي، وَ لَكَ لا لِسِواكَ سَهَري

به جانب تو مصروف است و تنها تو مراد منی و بیداری و خواب من تنها برای

وَ سُهاري، وَ لِقاؤُكَ قُرَّةُ عَيْني،وَ وَصْلُكَ مُنىٰ نَفْسي وَ إِلَيْكَ

توست و دیدار تو روشنایی چشم من است و رسیدن به تو آرزوی من و شوق من

شَوْقي، وَ في مَحَبَّتِكَ وَلَهي، وَ إِلىٰ هَواكَ صَبابَتي، وَ رِضاكَ

به سوی توست و شیفتگی من در محبت تو و دلدادگی من در هوای تو و مقصود من

بُغْيَتي، وَ رُؤْيَتُكَ حاجَتي، وَ جِوارُكَ طَلَبي، وَ قُرْبُكَ غايَةُ

خوشنودی تو، و دیدار تو حاجت من است. و جوار تو را می‌طلبم و قرب تو نهایت

سُؤْلي، وَ في مُناجاتِكَ رَوْحي وَ راحَتي، وَ عِنْدَكَ دَواءُ

خواستهٔ من است و روح و راحت من در مناجات توست و داروی

عِلَّتي، وَ شِفاءُ غُلَّتي، وَ بَرْدُ لَوْعَتي، وَ كَشْفُ كُرْبَتي، فَكُنْ

بیماری و درمان اشتیاق و آرامش درون من و بر طرف شدن اندوه من نزد توست، پس در

أَنيسي في وَحْشَتي، وَ مُقيلَ عَثْرَتي، وَ غافِرَ زَلَّتي، وَ قابِلَ

وحشت من انیس من باش و بخشندهٔ لغزشم و آمرزندهٔ خطایم و پذیرای

تَوْبَتي، وَ مُجيبَ دَعْوَتي، وَ وَلِيَّ عِصْمَتي، وَ مُغْنيَ فاقَتي،

توبه‌ام و پاسخ دهنده به دعوتم و نگاهدارندهٔ عصمت من و بی‌نیاز کنندهٔ تهیدستی من باش.

وَ لا تَقْطَعْني عَنْكَ، وَ لا تُبْعِدْني مِنْكَ. يا نَعيمي وَ جَنَّتي،

و رشتهٔ امیدم را از خویش مگسل و مرا از خود دور مکن، ای نعمت من و مینوی من،

وَ يا دُنْيايَ وَ آخِرَتي،[1] (يا أَرْحَمَ الرّاحِمينَ).

و ای دنیای من و آخرت من. ای مهربان‌ترین مهربانان.

نهم: مناجات محبّان خدا

بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمنِ الرَّحيمِ، إِلهي مَنْ ذَا الَّذي ذاقَ حَلاوَةَ

بنام خداوند بخشندهٔ مهربان. خدای من، کیست آنکه شیرینی

مَحَبَّتِكَ فَرامَ مِنْكَ بَدَلاً، وَ مَنْ ذَا الَّذي أَنِسَ بِقُرْبِكَ فَابْتَغى

محبت تو را بچشد و دیگری را به جای تو بر گزیند؟ و چه کسی با قرب تو انس گرفت

---

۱. بحار الانوار / ۹۱ / ۱۴۷.

عَنْكَ حِوَلاً. إِلٰهي فَاجْعَلْنا مِمَّنِ اصْطَفَيْتَهُ لِقُرْبِكَ وَ وِلايَتِكَ،

و دوری تو را برگزيد. خدای من ما را از كسانی قرار ده كه برای قرب و ولايت خود برگزيده‌ای،

وَ أَخْلَصْتَهُ لِوُدِّكَ وَ مَحَبَّتِكَ، وَ شَوَّقْتَهُ إِلىٰ لِقآئِكَ، وَ رَضَّيْتَهُ

و برای دوستی و محبت خود خالص كرده‌ای و به ديدار لقای خود تشويق فرموده‌ای و به قضای خود

بِقَضآئِكَ وَ مَنَحْتَهُ بِالنَّظَرِ إِلىٰ وَجْهِكَ، وَ حَبَوْتَهُ بِرِضاكَ،

خرسند نموده‌ای و نظر كردن به وجه خود را به او عطا كرده‌ای، و خوشنودی خود را به او بخشيده‌ای

وَ أَعَذْتَهُ مِنْ هِجْرِكَ وَ قِلاكَ وَ بَوَّأْتَهُ مَقْعَدَ الصِّدْقِ في جِوارِكَ،

و از دوری و خشم خود پناهش داده‌ای و در جوار خود در جايگاه صدق نشانده‌ای

وَ خَصَصْتَهُ بِمَعْرِفَتِكَ، وَ أَهَّلْتَهُ لِعِبادَتِكَ وَ هَيَّمْتَ قَلْبَهُ لإِرادَتِكَ،

و معرفت خود را به او اختصاص داده‌ای و او را شايسته عبادت خود نموده‌ای و دل او را شيفتهٔ ارادت خود ساخته‌ای.

وَ اجْتَبَيْتَهُ لِمُشاهَدَتِكَ، وَ أَخْلَيْتَ وَجْهَهُ لَكَ، وَ فَرَّغْتَ فُؤادَهُ

و او را برای مقام شهود خود برگزيده‌ای و چهرهٔ او را برای خود پرداخته‌ای، و دلش را برای مهر خود

لِحُبِّكَ، وَ رَغَّبْتَهُ فيما عِنْدَكَ، وَ أَلْهَمْتَهُ ذِكْرَكَ، وَ أَوْزَعْتَهُ

فارغ كرده‌ای و او را به آنچه نزد توست متمايل كرده‌ای و ياد خويش را به او الهام كرده‌ای و شكر گزاری را

شُكْرَكَ، وَ شَغَلْتَهُ بِطاعَتِكَ، وَ صَيَّرْتَهُ مِنْ صالِحي بَرِيَّتِكَ،

نصيبش نموده‌ای و به طاعت خود مشغول داشته‌ای و او را بندهٔ شايستهٔ خود گردانده‌ای

وَ اخْتَرْتَهُ لِمُناجاتِكَ، وَ قَطَعْتَ عَنْهُ كُلَّ شَيْءٍ يَقْطَعُهُ عَنْكَ.

و برای راز و نياز خود اختيار كرده‌ای و از هر چيز كه پيوندشان را از تو بگلسد، گسستی.

اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنا مِمَّنْ دَأْبُهُمُ الارْتِياحُ إِلَيْكَ وَ الْحَنينُ، وَ دَهْرُهُمْ

بارالها، ما را از زمرهٔ كسانی قرار ده كه شيوهٔ آنها خوشدلی و مهر به توست، و روزگارشان

اَلزَّفْرَةُ وَ الْأَنينُ، جِباهُهُمْ ساجِدَةٌ لِعَظَمَتِكَ، وَ عُيُونُهُمْ ساهِرَةٌ

آه و ناله به درگاه توست. پیشانی آنان از عظمت تو بر خاک است و چشمهاشان در

في خِدْمَتِكَ، وَ دُمُوعُهُمْ سائِلَةٌ مِنْ خَشْيَتِكَ، وَ قُلُوبُهُمْ

خدمت تو بیدار و اشکشان از بیم بزرگی تو روان و دلهاشان به محبت

مُتَعَلِّقَةٌ بِمَحَبَّتِكَ، وَ أَفْئِدَتُهُمْ مُنْخَلِعَةٌ مِنْ مَهابَتِكَ يا مَنْ أَنْوارُ

تو وابسته و درونشان از مهابت تو از همه چیز گسسته. ای که انوار

قُدْسِهِ لِأَبْصارِ مُحِبّيهِ رائِقَةٌ، وَ سُبُحاتُ وَجْهِهِ لِقُلُوبِ عارِفيهِ

قدس تو دیدگان محبانت را خرمی افزاست و ستایش جمالت برای دل عارفان

شائِقَةٌ، يا مُنىٰ قُلُوبِ الْمُشْتاقينَ، وَ يا غايَةَ آمالِ الْمُحِبّينَ،

اشتیاق آور، ای آرزوی دل مشتاقان و ای نهایت آرزوی دوستداران،

أَسْئَلُكَ حُبَّكَ وَحُبَّ مَنْ يُحِبُّكَ، وَ حُبَّ كُلِّ عَمَلٍ يُوصِلُني

محبت تو را آرزومندم و محبت آن کس را که محبت تو دارد؛ و محبت هر کاری را که مرا

إِلىٰ قُرْبِكَ، وَ أَنْ تَجْعَلَكَ أَحَبَّ إِلَيَّ مِمّا سِواكَ، وَ أَنْ تَجْعَلَ

به پیشگاه قرب تو رساند. و از تو می‌خواهم‌که خود را در دل من محبوبتر از ماسوای خود بگردانی؛ و محبتم را

حُبّي إِيّاكَ قائِداً إِلىٰ رِضْوانِكَ، وَ شَوْقي إِلَيْكَ ذائِداً عَنْ

راهبر به سوی بهشت خود قرار دهی و اشتیاقم به تو را بازدارنده از

عِصْيانِكَ، وَ امْنُنْ بِالنَّظَرِ إِلَيْكَ عَلَيَّ، وَ انْظُرْ بِعَيْنِ الْوُدِّ

گناه سازی. و بر من منت گذار تا نظری به سوی تو افکنم و با چشم مهر

وَ الْعَطْفِ إِلَيَّ، وَ لا تَصْرِفْ عَنّي وَجْهَكَ، وَ اجْعَلْني مِنْ

و توجه مرا بنگر و از من روی خود مگردان و مرا از اهل سعادت

أَهْلِ ٱلْإِسْعٰادِ وَ ٱلْحُظْوَةِ عِنْدَكَ، يٰا مُجِيبُ يٰا أَرْحَمَ ٱلرّٰاحِمِينَ.[۱]
و منزلت خود قرار ده. ای اجابت کننده، ای مهربان‌ترین مهربانان.

دهم: مناجات متوسّلان به حضرت حق

بِسْمِ ٱللّٰهِ ٱلرَّحْمٰنِ ٱلرَّحِيمِ، إِلٰهِي لَيْسَ لِي وَسِيلَةٌ إِلَيْكَ إِلَّا
بنام خداوند بخشندهٔ مهربان. خدای من بسوی تو وسیله‌ای ندارم جز

عَوٰاطِفُ رَأْفَتِكَ، وَ لاٰ لِي ذَرِيعَةٌ إِلَيْكَ إِلَّا عَوٰارِفُ رَحْمَتِكَ
عاطفه‌های رأفت تو، و دست‌آویزی ندارم جز مهربانی رحمت تو

وَ شَفٰاعَةُ نَبِيِّكَ نَبِيِّ ٱلرَّحْمَةِ، وَ مُنْقِذِ ٱلْأُمَّةِ مِنَ ٱلْغُمَّةِ، فَاجْعَلْهُمٰا
و شفاعت پیامبرت پیامبر رحمت و رهائی بخش امت از اندوه و بلاء، پس این دو را

لِي سَبَباً إِلىٰ نَيْلِ غُفْرٰانِكَ، وَ صَيِّرْهُمٰا لِي وُصْلَةً إِلَى ٱلْفَوْزِ
برای من سبب رسیدن به آمرزش قرارده و دستاویز رسیدن

بِرِضْوٰانِكَ، وَ قَدْ حَلَّ رَجٰائِي بِحَرَمِ كَرَمِكَ، وَ حَطَّ طَمَعِي
به بهشت گردان. پس، امید من در حریم کرم تو بار انداخته است و چشم طمع من به ساحت

بِفِنٰاءِ جُودِكَ فَحَقِّقْ فِيكَ أَمَلِي، وَ ٱخْتِمْ بِالْخَيْرِ عَمَلِي
بخشش تو است. آرزویم را در مورد خود برآور و کارم را به خوبی به پایان رسان

وَ ٱجْعَلْنِي مِنْ صَفْوَتِكَ ٱلَّذِينَ أَحْلَلْتَهُمْ بُحْبُوحَةَ جَنَّتِكَ،
و مرا از برگزیدگانی قرار ده که در میان بهشت خود جای دادی

وَ بَوَّأْتَهُمْ دٰارَ كَرٰامَتِكَ، وَ أَقْرَرْتَ أَعْيُنَهُمْ بِالنَّظَرِ إِلَيْكَ يَوْمَ
و در سرای کرامت خود نشانده‌ای و روز دیدارت چشمانشان را با نظر به سویت

۱. بحار الانوار / ۹۱ / ۱۴۸.

لِقٰآئِكَ، وَ أَوْرَثْتَهُمْ مَنٰازِلَ ٱلصِّدْقِ فِي جِوٰارِكَ. يٰا مَنْ لاٰ يَفِدُ

روشن می‌گردانی و آنان را وارث خانه‌های صدق در جوار خود کرده‌ای. ای که وارد شوندگان

ٱلْوٰافِدُونَ عَلىٰ أَكْرَمَ مِنْهُ، وَ لاٰ يَجِدُ ٱلْقٰاصِدُونَ أَرْحَمَ مِنْهُ،

به کریمتر از تو وارد نخواهند شد و مهرجویان مهربان‌تر از تو نیابند،

يٰا خَيْرَ مَنْ خَلاٰ بِهِ وَحِيدٌ، وَ يٰا أَعْطَفَ مَنْ أَوىٰ إِلَيْهِ طَرِيدٌ،

ای بهترین مونس خلوت کسان. ای مهربان‌ترین مأوا دهندهٔ آوارگان،

إِلىٰ سَعَةِ عَفْوِكَ مَدَدْتُ يَدِي، وَ بِذَيْلِ كَرَمِكَ أَعْلَقْتُ كَفِّي،

دستم را به سوی گستردگی بخشایش تو دراز می‌کنم و به دامان کرمت در می‌آویزم.

فَلاٰ تُولِنِي ٱلْحِرْمٰانَ، وَ لاٰ تُبْلِنِي بِالْخَيْبَةِ وَ ٱلْخُسْرٰانِ، يٰا سَمِيعَ

پس، مرا محروم نکن و به نومیدی و زیانکاری دچارم مساز، ای شنوای

ٱلدُّعٰآءِ[1] (يٰا أَرْحَمَ ٱلرّٰاحِمِينَ).

دعا ای مهربان‌ترین مهربانان.

یازدهم: مناجات نیازمندان

بِسْمِ ٱللهِ ٱلرَّحْمٰنِ ٱلرَّحِيمِ، إِلٰهِي كَسْرِي لاٰ يَجْبُرُهُ إِلاّٰ لُطْفُكَ

بنام خداوند بخشندهٔ مهربان. خدای من، شکست مرا جز لطف و مهر تو جبران نمی‌کند

وَ حَنٰانُكَ، وَ فَقْرِي لاٰ يُغْنِيهِ إِلاّٰ عَطْفُكَ وَ إِحْسٰانُكَ، وَ رَوْعَتِي

و تهیدستی مرا جز توجه و احسان تو تبدیل به توانگری نمی‌کند و هراس مرا جز

لاٰ يُسَكِّنُهٰا إِلاّٰ أَمٰانُكَ، وَ ذِلَّتِي لاٰ يُعِزُّهٰا إِلاّٰ سُلْطٰانُكَ، وَ أُمْنِيَّتِي

امان دادن تو آرامش نمی‌بخشد و خواری مرا جز چیرگی تو عزت نمی‌دهد و جز فضل

---

۱. بحار الانوار / ۹۱ / ۱۴۹.

لاٰ يُبَلِّغُنيهاٰ إِلَّا فَضْلُكَ، وَ خَلَّتي لاٰ يَسُدُّهاٰ إِلَّا طَوْلُكَ وَ حاٰجَتي
تو مرا به آرزویم نمی‌رساند و اندوه و گرفتگی مرا جز احسان تو مسدود نمی‌کند و حاجت مرا

لاٰ يَقْضيهاٰ غَيْرُكَ، وَ كَرْبي لاٰ يُفَرِّجُهُ سِوىٰ رَحْمَتِكَ، وَ ضُرّي
غیر تو روا نمی‌کند و گرفتاریم را جز رحمت تو برطرف نمی‌سازد و بیچارگی مرا

لاٰ يَكْشِفُهُ غَيْرُ رَأْفَتِكَ، وَ غُلَّتي لاٰ يُبَرِّدُهاٰ إِلَّا وَصْلُكَ،
جز رأفت تو درمان نمی‌کند و سوز درونم را جز وصل تو فرو نمی‌نشاند و آتش دلم را

وَ لَوْعَتي لاٰ يُطْفيهاٰ إِلَّا لِقاٰؤُكَ، وَ شَوْقي إِلَيْكَ لاٰ يَبُلُّهُ إِلَّا آلنَّظَرُ
جز لقای تو خاموش نمی‌سازد و شوقم به تو را جز نظر به روی تو

إِلىٰ وَجْهِكَ وَ قَراٰري لاٰ يَقِرُّ دُونَ دُنُوّي مِنْكَ، وَ لَهْفَتي
سیراب نمی‌کند و جز در نزدیکی به تو آرام و قرار ندارم و جز خرمی تو

لاٰ يَرُدُّهاٰ إِلَّا رَوْحُكَ، وَ سُقْمي لاٰ يَشْفيهِ إِلَّا طِبُّكَ، وَ غَمّي
افسردگیم را دور نمی‌کند و جز طبابت تو بیماریم را شفا نمی‌دهد و جز قرب تو

لاٰ يُزيلُهُ إِلَّا قُرْبُكَ، وَ جُرْحي لاٰ يُبْرِئُهُ إِلَّا صَفْحُكَ، وَ رَيْنُ
اندوه مرا نمی‌برد و زخم مرا جز بخشش تو التیام نمی‌دهد و زنگار قلبم

قَلْبي لاٰ يَجْلُوهُ إِلَّا عَفْوُكَ، وَ وَسْواٰسُ صَدْري لاٰ يُزيحُهُ إِلَّا
را جز عفو تو جلا نمی‌دهد و وسواس سینه‌ام را جز فرمان تو

أَمْرُكَ. فَياٰ مُنْتَهىٰ أَمَلِ آلْآمِلينَ، وَ ياٰ غاٰيَةَ سُؤْلِ آلسّاٰئِلينَ،
نمی‌زداید، پس ای نهایت امید امیدواران و ای نهایت خواهش خواهشمندان،

وَ ياٰ أَقْصىٰ طَلِبَةِ آلطّاٰلِبينَ، وَ ياٰ أَعْلىٰ رَغْبَةِ آلرّاٰغِبينَ،
ای بالاترین مطلوب جویندگان و ای برترین شوق مشتاقان

وَ يا وَلِيَّ الصّالِحينَ، وَ يا أَمانَ الْخائِفينَ، وَ يا مُجيبَ دَعْوَةِ

و ای ولی صالحان، و ای امان ترسندگان، و ای اجابت کنندهٔ درخواست

الْمُضْطَرّينَ، وَ يا ذُخْرَ الْمُعْدِمينَ، وَ يا كَنْزَ الْبائِسينَ،

درماندگان، و ای اندوختهٔ تهیدستان و ای گنجینهٔ مستمندان

وَ يا غِياثَ الْمُسْتَغيثينَ، وَ يا قاضِيَ حَوائِجِ الْفُقَراءِ وَ الْمَساكينَ،

و ای فریادرس فریاد خواهان، و ای برآورندهٔ نیاز تهیدستان و مسکینان،

وَ يا أَكْرَمَ الْأَكْرَمينَ، وَ يا أَرْحَمَ الرّاحِمينَ، لَكَ تَخَضُّعي

و ای کریمترین کریمان و ای مهربان‌ترین مهربانان، فروتنی و خواهش من

وَ سُؤالي، وَ إِلَيْكَ تَضَرُّعي وَ ابْتِهالي. أَسْئَلُكَ أَنْ تُنيلَني

برای توست و زاری و شیون من به سوی تو؛ از تو درخواست دارم که نسیم رضوان خود

مِنْ رَوْحِ رِضْوانِكَ، وَ تُديمَ عَلَيَّ نِعَمَ امْتِنانِكَ، وَ ها أَنَا بِبابِ

بر من بوزانی و نعمتهای امتنان خود را بر من پیوسته داری. اکنون من که بر درگاه

كَرَمِكَ واقِفٌ، وَ لِنَفَحاتِ بِرِّكَ مُتَعَرِّضٌ، وَ بِحَبْلِكَ الشَّديدِ

کرم تو ایستاده‌ام، وزش نیکی تو را خواستارم و به رشتهٔ استوارت

مُعْتَصِمٌ، وَ بِعُرْوَتِكَ الْوُثْقىٰ مُتَمَسِّكٌ، إِلٰهي ارْحَمْ عَبْدَكَ

درآویخته‌ام و به حلقهٔ اطمینان بخش تو چنگ زده‌ام. الهی، رحم کن بر بندهٔ

الذَّليلَ، ذَا اللِّسانِ الْكَليلِ، وَ الْعَمَلِ الْقَليلِ وَ امْنُنْ عَلَيْهِ

ذلیل خود که زبانش گنگ و کردارش ناچیز است و به بخشش بیدریغت

بِطَوْلِكَ الْجَزيلِ، وَ اكْنُفْهُ تَحْتَ ظِلِّكَ الظَّليلِ، يا كَريمُ

بر او منت گذار و در زیر سایهٔ پهناور خود پناهش ده، ای کریم،

يٰا جَميلُ يٰا أَرْحَمَ آلرّٰاحِمينَ.[۱]
ای جمیل، ای مهربان‌ترین مهربانان.

دوازدهم: مناجات عارفان

بِسْمِ آللّٰهِ آلرَّحْمٰنِ آلرَّحيمِ، إِلٰهي قَصُرَتِ آلْأَلْسُنُ عَنْ بُلوغِ
بنام خداوند بخشندهٔ مهربان. خدای من، زبانها از رسیدن به ثنای تو آن سان

ثَنٰآئِكَ كَمٰا يَليقُ بِجَلاٰلِكَ، وَ عَجَزَتِ آلْعُقُولُ عَنْ إِدْراكِ كُنْهِ
که شایستهٔ جلال توست کوتاه و خردها از یافتن ژرفای

جَمٰالِكَ، وَ آنْحَسَرَتِ آلْأَبْصٰارُ دُونَ آلنَّظَرِ إِلىٰ سُبُحٰاتِ
جمالت، درمانده‌اند. و چشمها از نظر کردن به جلوه‌های روی تو

وَجْهِكَ، وَ لَمْ تَجْعَلْ لِلْخَلْقِ طَريقاً إِلىٰ مَعْرِفَتِكَ إِلّٰا بِالْعَجْزِ
در حسرتند و آفریده‌ها را جز اعتراف به ناتوانی از شناخت ذات تو

عَنْ مَعْرِفَتِكَ. إِلٰهي فَاجْعَلْنٰا مِنَ آلَّذينَ تَرَسَّخَتْ أَشْجٰارُ
راهی نگشاده‌ای. خدایا، ما را از کسانی قرارده که درختان شوق در باغهای

آلشَّوْقِ في حَدٰآئِقِ صُدُورِهِمْ، وَ أَخَذَتْ لَوْعَةُ مَحَبَّتِكَ
سینه‌هاشان ریشه دوانیده است و شعلهٔ مهر تو سراسر دلهاشان را

بِمَجٰامِعِ قُلُوبِهِمْ، فَهُمْ إِلىٰ أَوْكٰارِ آلْأَفْكٰارِ يَأْوُونَ، وَ في
فرا گرفته؛ پس آنان در آشیان افکار جای گرفته‌اند و در

رِيٰاضِ آلْقُرْبِ وَ آلْمُكٰاشَفَةِ يَرْتَعُونَ، وَ مِنْ حِيٰاضِ آلْمَحَبَّةِ
باغ‌های نزدیکی و مکاشفه کام بر می‌گیرند و با جامهای ملاطفت از

---
۱. بحار الانوار / ۹۱ / ۱۴۹.

بِكَأْسِ ٱلْمُلاطَفَةِ يَكْرَعُونَ، وَ شَرَايِعَ ٱلْمُصَافَاتِ يَرِدُونَ،
آبگیر محبت می‌آشامند و در جویبارهای زلال در حرکتند؛

قَدْ كُشِفَ ٱلْغِطَاءُ عَنْ أَبْصَارِهِمْ، وَ ٱنْجَلَتْ ظُلْمَةُ ٱلرَّيْبِ عَنْ
همانا که پرده از چشمشان کنار رفته است و تاریکی شبهه از عقیده‌ها

عَقَائِدِهِمْ وَ ضَمَائِرِهِمْ، وَ ٱنْتَفَتْ مُخَالَجَةُ ٱلشَّكِّ عَنْ قُلُوبِهِمْ
و ضمیرهاشان بر طرف گردیده است و از دلها و نهادشان خلجان شک رخت

وَ سَرَائِرِهِمْ، وَ ٱنْشَرَحَتْ بِتَحْقِيقِ ٱلْمَعْرِفَةِ صُدُورُهُمْ،
بر بسته است و سینه‌هاشان با تحقیق معرفت گشاده شده است

وَ عَلَتْ لِسَبْقِ ٱلسَّعَادَةِ فِي ٱلزَّهَادَةِ هِمَمُهُمْ، وَ عَذُبَ فِي
و همتهاشان برای پیش افتادن در راه سعادت پرهیز گاری اوج گرفته و آشامیدنشان در

مَعِينِ ٱلْمُعَامَلَةِ شِرْبُهُمْ، وَ طَابَ فِي مَجْلِسِ ٱلْأُنْسِ سِرُّهُمْ،
چشمه‌ساران کردار گوارا شده و در انجمن همدلی رازشان عطر آگین گردیده

وَ أَمِنَ فِي مَوْطِنِ ٱلْمَخَافَةِ سِرْبُهُمْ، وَ ٱطْمَأَنَّتْ بِالرُّجُوعِ إِلَىٰ
و جمعشان در محل ترس ایمنی یافته، و جانهاشان در بازگشت به

رَبِّ ٱلْأَرْبَابِ أَنْفُسُهُمْ، وَ تَيَقَّنَتْ بِالْفَوْزِ وَ ٱلْفَلَاحِ أَرْوَاحُهُمْ،
ربّ الارباب اطمینان یافته و ارواحشان به رستگاری و کامیابی یقین یافته

وَ قَرَّتْ بِالنَّظَرِ إِلَىٰ مَحْبُوبِهِمْ أَعْيُنُهُمْ، وَ ٱسْتَقَرَّ بِإِدْرَاكِ ٱلسُّؤْلِ
و چشمشان با نظر به محبوب خویش روشن شده و قرارشان با ادراک منظور

وَ نَيْلِ ٱلْمَأْمُولِ قَرَارُهُمْ، وَ رَبِحَتْ فِي بَيْعِ ٱلدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ
و رسیدن به مقصود، مستقر گردیده و تجارتشان در فروختن دنیا به آخرت سود

تِجارَتُهُمْ. إِلٰهي ما أَلَذَّ خَواطِرَ ٱلْإِلْهامِ بِذِكْرِكَ عَلَى ٱلْقُلُوبِ،

کرده است. خدای من چه لذت بخش است خاطره‌های الهام یاد تو بر دلها،

وَ ما أَحْلَى ٱلْمَسيرَ إِلَيْكَ بِالْأَوْهامِ في مَسالِكِ ٱلْغُيُوبِ

چقدر گوارا و چه شیرین است راه سپردن به سوی تو با اندیشه در راههای غیب،

وَ ما أَطْيَبَ طَعْمَ حُبِّكَ، وَ ما أَعْذَبَ شِرْبَ قُرْبِكَ، فَأَعِذْنا

و چه خوشایند است طعم محبت تو و چه خوشگوار است جام قرب تو؛ پس، ما را

مِنْ طَرْدِكَ وَ إِبْعادِكَ، وَ ٱجْعَلْنا مِنْ أَخَصِّ عارِفيكَ، وَ أَصْلَحِ

از راندن و دور کردن پناه ده و ما را از خصوصی‌ترین عارفان خود و از شایسته‌ترین

عِبادِكَ، وَ أَصْدَقِ طائِعيكَ، وَ أَخْلَصِ عُبّادِكَ، يا عَظيمُ

بندگان و صادق‌ترین فرمانبرداران و خالص‌ترین عبادت‌کنندگان خود قرار ده ـ ای بزرگ

يا جَليلُ يا كَريمُ يا مُنيلُ بِرَحْمَتِكَ وَ مَنِّكَ يا أَرْحَمَ ٱلرّاحِمينَ.[1]

و ای جلیل، ای کریم و ای عطا بخش ـ به رحمت و منّت تو، ای مهربان‌ترین مهربانان.

سیزدهم: مناجات ذاکران

بِسْمِ ٱللهِ ٱلرَّحْمٰنِ ٱلرَّحيمِ، إِلٰهي لَوْلَا ٱلْواجِبُ مِنْ قَبُولِ أَمْرِكَ

بنام خداوند بخشندهٔ مهربان. خدای من، اگر قبول فرمانت واجب نبود، تو را از یاد آوری

لَنَزَّهْتُكَ مِنْ ذِكْري إِيّاكَ، عَلىٰ أَنَّ ذِكْري لَكَ بِقَدْري لا بِقَدْرِكَ،

تو پاکیزه و منزه می‌داشتم؛ چرا که یادآوری تو از طرف من به اندازهٔ ارزش من است نه به اندازهٔ ارزش تو؛

وَ ما عَسىٰ أَنْ يَبْلُغَ مِقْداري حَتّىٰ أُجْعَلَ مَحَلاً لِتَقْديسِكَ

و ارزش و مقدار من به چه پایه رسد تا محل تقدیس تو قرار گیرم

۱. بحار الانوار / ۹۱ / ۱۵۰.

وَ مِنْ أَعْظَمِ ٱلنِّعَمِ عَلَيْنا جَرَيانُ ذِكْرِكَ عَلىٰ أَلْسِنَتِنا وَ إِذْنُكَ
و از بزرگترین نعمتها که نصیب ما شده است روان شدن یاد تو بر زبان ماست و اجازه‌ای

بِدُعائِكَ وَ تَنْزِيهِكَ وَ تَسْبِيحِكَ. إِلٰهِي فَأَلْهِمْنا ذِكْرَكَ فِي
که داده‌ای تا بتوانیم تو را بخوانیم و تنزیه و تسبیح کنیم. خدای من، یاد خود را

ٱلْخَلاٰءِ وَ ٱلْمَلاٰءِ، وَ ٱللَّيْلِ وَ ٱلنَّهارِ، وَ ٱلْإِعْلانِ وَ ٱلْإِسْرارِ،
در خلوت و در اجتماع، در شب و روز، در نهان و آشکار،

وَ فِي ٱلسَّرّاءِ وَ ٱلضَّرّاءِ، وَ آنِسْنا بِالذِّكْرِ ٱلْخَفِيِّ، وَ ٱسْتَعْمِلْنا
در خوشی و ناخوشی به ما الهام کن و ما را با ذکر مخفیانه دمساز کن و در کردار پاکیزه

بِالْعَمَلِ ٱلزَّكِيِّ وَ ٱلسَّعْيِ ٱلْمَرْضِيِّ، وَ جازِنا بِالْمِيزانِ ٱلْوَفِيِّ.
و کوشش مورد رضای خود، به کار وادار و با وزنه تمام پاداشمان ده.

إِلٰهِي بِكَ هامَتِ ٱلْقُلُوبُ ٱلْوالِهَةُ وَ عَلىٰ مَعْرِفَتِكَ جُمِعَتِ
خدای من، قلبهای شیفته سرگردان تو هستند و خردهای پراکنده بر معرفت

ٱلْعُقُولُ ٱلْمُتَبايِنَةُ، فَلا تَطْمَئِنُّ ٱلْقُلُوبُ إِلّا بِذِكْراكَ، وَ لا تَسْكُنُ
تو اجماع دارند؛ پس، دلها جز به یاد تو آرام نمی‌گیرند و جانها جز

ٱلنُّفُوسُ إِلّا عِنْدَ رُؤْياكَ، أَنْتَ ٱلْمُسَبَّحُ فِي كُلِّ مَكانٍ،
با دیدن تو تسکین نمی‌یابند، تو در همه جا تسبیح می‌شوی

وَ ٱلْمَعْبُودُ فِي كُلِّ زَمانٍ، وَ ٱلْمَوْجُودُ فِي كُلِّ أَوانٍ، وَ ٱلْمَدْعُوُّ
و در هر زمان تو را می‌پرستند و در همه وقت تو موجودی و با هر زبان

بِكُلِّ لِسانٍ، وَ ٱلْمُعَظَّمُ فِي كُلِّ جَنانٍ وَ أَسْتَغْفِرُكَ مِنْ كُلِّ لَذَّةٍ
تو را می‌خوانند و در هر دل، تنها تو تعظیم می‌شوی. از هر لذت اگر در آن به یاد تو نباشم،

بِغَيْرِ ذِكْرِكَ، وَ مِنْ كُلِّ راحَةٍ بِغَيْرِ أُنْسِكَ، وَ مِنْ كُلِّ سُرُورٍ

آمرزش می‌طلبم و از هر راحت، که با تو انس نداشته باشم، و در هر شادمانی،

بِغَيْرِ قُرْبِكَ، وَ مِنْ كُلِّ شُغْلٍ بِغَيْرِ طاعَتِكَ، إِلٰهي أَنْتَ قُلْتَ

که تقرب به تو نباشد و از هر شغل، که طاعت تو نباشد، استغفار می‌کنم. خدای من، تو گفتی

وَ قَوْلُكَ الْحَقُّ يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا اذْكُرُوا اللهَ ذِكْراً كَثيراً

و گفتار تو حق است: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خدا را بسیار یاد کنید

وَ سَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَ أَصيلاً، وَ قُلْتَ وَ قَوْلُكَ الْحَقُّ فَاذْكُرُوني

و او را بامدادان و شبانگاه تسبیح گویید»؛ خدایا تو گفتی و گفتار تو حق است: «مرا یاد آرید،

أَذْكُرْكُمْ، فَأَمَرْتَنا بِذِكْرِكَ، وَ وَعَدْتَنا عَلَيْهِ أَنْ تَذْكُرَنا تَشْريفاً

شما را یاد می‌آورم»؛ پس ما را به یاد آوری خود فرمان داده‌ای و به آن ما را وعده داده‌ای که برای شریف گرداندن ما

لَنا وَ تَفْخيماً وَ إِعْظاماً، وَ ها نَحْنُ ذاكِرُوكَ كَما أَمَرْتَنا، فَأَنْجِزْ

و حرمت و بزرگ داشت ما، یادمان کنی و اینک ما - آن سان که فرمان دادی - یاد آورندگان توایم؛ پس

لَنا ما وَعَدْتَنا يا ذاكِرَ الذّاكِرينَ، وَ يا أَرْحَمَ الرّاحِمينَ.[1]

آنچه را به ما وعده داده‌ای تحقق بخش، ای به یاد آورندهٔ تسبیحگویان و ای مهربانترین مهربانان.

چهاردهم: مناجات پناهندگان

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحيمِ، اَللّٰهُمَّ يا مَلاذَ اللّائِذينَ، وَ يا مَعاذَ

بنام خداوند بخشندهٔ مهربان. بارَ خدایا، ای پناهگاه پناه جویان، و ای مأوای

الْعائِذينَ، وَ يا مُنْجِيَ الْهالِكينَ، وَ يا عاصِمَ الْبائِسينَ،

پناه خواهان و ای نجات دهنده تباه شدگان و ای نگاهبان تیره روزان

---

۱. بحار الانوار / ۹۱ / ۱۵۱.

وَ يا راحِمَ الْمَساكينَ، وَ يا مُجيبَ الْمُضْطَرّينَ، وَ يا كَنْزَ
و ای رحم کننده بر مسکینان و ای اجابت کنندهٔ درماندگان و ای گنجینهٔ

الْمُفْتَقِرينَ، وَ يا جابِرَ الْمُنْكَسِرينَ، وَ يا مَأْوَى الْمُنْقَطِعينَ،
نیازمندان و ای جبران کنندهٔ شکسته شدگان و ای جایگاه آوارگان

وَ يا ناصِرَ الْمُسْتَضْعَفينَ، وَ يا مُجيرَ الْخائِفينَ، وَ يا مُغيثَ
و ای یاور ناتوانان و ای پناه بخش بیم زدگان و ای دادرس

الْمَكْرُوبينَ، وَ يا حِصْنَ اللّاجينَ إِنْ لَمْ أَعُذْ بِعِزَّتِكَ فَبِمَنْ
گرفتاران و ای حصار پناه جویان، اگر به عزت تو پناه نیاورم، پس به چه کسی

أَعُوذُ، وَ إِنْ لَمْ أَلُذْ بِقُدْرَتِكَ فَبِمَنْ أَلُوذُ، وَ قَدْ أَلْجَأَتْنِي
پناهنده شوم و اگر به توانایی تو روی نیاورم به که روی آورم؟؛ همانا که گناه مرا

الذُّنُوبُ إِلَى التَّشَبُّثِ بِأَذْيالِ عَفْوِكَ، وَ أَحْوَجَتْنِي الْخَطايا
ناچار کرد تا به دامان بخشایشت چنگ زنم و خطا، نیازمندم کرد

إِلَى اسْتِفْتاحِ أَبْوابِ صَفْحِكَ، وَ دَعَتْنِي الْإِساءَةُ إِلَى الْإِناخَةِ
تا درِ بخشایشت را بکوبم و زشتکاری مرا برانگیخت تا به آستان

بِفِناءِ عِزِّكَ، وَ حَمَلَتْنِي الْمَخافَةُ مِنْ نِقْمَتِكَ عَلَى التَّمَسُّكِ
عزت تو فرود آیم و بیم از خشم تو، بر آنم داشت تا به حلقهٔ

بِعُرْوَةِ عَطْفِكَ، وَ ما حَقُّ مَنِ اعْتَصَمَ بِحَبْلِكَ أَنْ يُخْذَلَ
مهرت درآویزم. و حق آنکس که به رشتهٔ مهرت در آویخته، نیست که خوار گردد

وَ لا يَليقُ بِمَنِ اسْتَجارَ بِعِزِّكَ أَنْ يُسْلَمَ أَوْ يُهْمَلَ. إِلٰهي
و سزاوار آنکس که به عزت تو پناه آورده، نیست که رها گردد یا واگذاشته شود. خدای من،[۲]

فَلا تُخْلِنا مِنْ حِمايَتِكَ، وَ لا تُعْرِنا مِنْ رِعايَتِكَ، وَ ذُدْنا عَنْ
حمایت خود از ما مگیر و جامهٔ جانبداری خویش از ما وامستان و ما را از

مَوارِدِ الْهَلَكَةِ، فَإِنّا بِعَيْنِكَ وَ فِي كَنَفِكَ وَ لَكَ، أَسْئَلُكَ بِأَهْلِ
موارد نابودی نجات ده؛ که ما در منظر تو و در حمایت تو و از توایم. از تو می‌خواهم به حق

خاصَّتِكَ مِنْ مَلائِكَتِكَ، وَ الصّالِحينَ مِنْ بَرِيَّتِكَ أَنْ تَجْعَلَ عَلَيْنا
فرشتگان مخصوص و به حق بندگان صالح تو که بر ما نگاهبانی گماری

واقِيَةً تُنْجينا مِنَ الْهَلَكاتِ، وَ تُجَنِّبُنا مِنَ الْآفاتِ، وَ تُكِنُّنا مِنْ دَواهِي
ما را از نابودی رها سازد و از آفتها نجات بخشد و از مصیبتهای بزرگ

الْمُصيباتِ، وَ أَنْ تُنَزِّلَ عَلَيْنا مِنْ سَكينَتِكَ، وَ أَنْ تُغَشِّيَ وُجُوهَنا
دور کند؛ و مسئلت دارم که از حضور خود آرامشی در دل ما فرو فرستی و چهره‌های ما را

بِأَنْوارِ مَحَبَّتِكَ، وَ أَنْ تُؤْوِيَنا إِلىٰ شَديدِ رُكْنِكَ، وَ أَنْ تَحْوِيَنا
غرق انوار محبتت فرمایی و ما را در پناهگاه استوارت پناه دهی و در سایهٔ

فِي أَكْنافِ عِصْمَتِكَ، بِرَأْفَتِكَ وَ رَحْمَتِكَ، يا أَرْحَمَ الرّاحِمينَ.[۱]
محافظت خود جای دهی؛ به مهربانی و رحمت تو، ای مهربان‌ترین مهربانان.

پانزدهم: مناجات زاهدان

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحيمِ، إِلٰهي أَسْكَنْتَنا داراً حَفَرَتْ لَنا حُفَرَ
بنام خداوند بخشندهٔ مهربان. خدای من، ما را در سرایی نشیمن دادی که گودال‌های نیرنگ خود

مَكْرِها، وَ عَلَّقَتْنا بِأَيْدِي الْمَنايا في حَبائِلِ غَدْرِها، فَإِلَيْكَ
را برای ما کنده است و با چنگالهای مرگ، ما را در دامهای حیلهٔ خود در آویخته است؛ پس از

۱. بحار الانوار / ۹۱ / ۱۵۲.

نَلْتَجِئُ مِنْ مَكَائِدِ خُدَعِهَا، وَ بِكَ نَعْتَصِمُ مِنَ الْاِغْتِرَارِ بِزَخَارِفِ

نیرنگهای فریبش به تو پناه آورده‌ایم و از مغرور شدن با پیرایشهای زیور دنیا به تو تمسک می‌کنیم

زِينَتِهَا، فَاِنَّهَا الْمُهْلِكَةُ طُلَّابَهَا الْمُتْلِفَةُ حُلَّالَهَا الْمَحْشُوَّةُ

که ما را نگاهداری؛ زیرا دنیا کشنده جویندگان خویش و تلف کنندهٔ تازه واردان؛ و سرشار از آفات

بِالْآفَاتِ الْمَشْحُونَةُ بِالنَّكَبَاتِ. اِلٰهِي فَزَهِّدْنَا فِيهَا، وَ سَلِّمْنَا

و آکنده از نکبت است. خدای من ما را در این سرا پارسا نگاهدار و ـ به توفیق و عصمت خود ـ ما را از گزند

مِنْهَا بِتَوْفِيقِكَ، وَ عِصْمَتِكَ وَ انْزَعْ عَنَّا جَلَابِيبَ مُخَالَفَتِكَ،

آن بسلامت دار و جامه‌های فراخ مخالفت با تو را از تن ما بیرون کن

وَ تَوَلَّ اُمُورَنَا بِحُسْنِ كِفَايَتِكَ، وَ أَوْفِرْ مَزِيدَنَا مِنْ سَعَةِ

و با حسن کفایت خویش، کارهای ما را سرپرستی فرما و از گسترهٔ رحمت خود،

رَحْمَتِكَ، وَ أَجْمِلْ صِلَاتِنَا مِنْ فَيْضِ مَوَاهِبِكَ، وَ أَغْرِسْ فِي

سهم افزون ما افزون کن و صله‌های ما را از فیض مواهب خویش نیکو ساز و در دل ما

أَفْئِدَتِنَا أَشْجَارَ مَحَبَّتِكَ، وَ أَتْمِمْ لَنَا أَنْوَارَ مَعْرِفَتِكَ، وَ أَذِقْنَا

درخت دوستی خود بنشان و انوار معرفت خود بر ما به کمال رسان و شیرینی بخشایش

حَلَاوَةَ عَفْوِكَ وَ لَذَّةَ مَغْفِرَتِكَ، وَ أَقْرِرْ أَعْيُنَنَا يَوْمَ لِقَائِكَ

خویش و لذت آمرزش خود را به ما بچشان و چشم ما را روز لقای تو به دیدارت،

بِرُؤْيَتِكَ، وَ أَخْرِجْ حُبَّ الدُّنْيَا مِنْ قُلُوبِنَا كَمَا فَعَلْتَ

روشن فرما. و محبت دنیا از قلب ما بیرون کن آنسان که با

بِالصَّالِحِينَ مِنْ صَفْوَتِكَ وَ الْأَبْرَارِ مِنْ خَاصَّتِكَ بِرَحْمَتِكَ

شایستگان برگزیده‌ات و با نیکان خاص خود کردی سوگند به رحمتت،

يا أَرْحَمَ ٱلرّاحِمينَ، وَ يا أَكْرَمَ ٱلْأَكْرَمينَ.[1]

ای مهربان‌ترین مهربانان و ای کریمترین کریمان.

۱۱ ـ مناجات منظوم حضرت امیر المؤمنین علیّ بن ابی طالب(ع)

بِسْمِ ٱللّٰهِ ٱلرَّحْمٰنِ ٱلرَّحيمِ

بنام خداوند بخشندهٔ مهربان.

لَكَ ٱلْحَمْدُ يا ذَا ٱلْجُودِ وَ ٱلْمَجْدِ وَ ٱلْعُلىٰ تَبارَكْتَ تُعْطي مَنْ تَشاءُ وَ تَمْنَعُ

ای دارای بخشش و بزرگواری و برتری، سپاس ترا. مبارک تویی به هرکس بخواهی عطا می‌کنی و باز می‌ستانی.

إِلٰهي وَ خَلّاقي وَ حِرْزي وَ مَوْئِلي إِلَيْكَ لَدَى ٱلْإِعْسارِ وَ ٱلْيُسْرِ أَفْزَعُ

ای خدای من و ای‌آفرینندهٔ‌من‌و ای‌نگاهدارندهٔ‌من‌و ای‌پناهگاه‌من، بهنگام سختی و آسانی بسوی تو می‌نالم.

إِلٰهي لَئِنْ جَلَّتْ وَ جَمَّتْ خَطيئَتي فَعَفْوُكَ عَنْ ذَنْبي أَجَلُّ وَ أَوْسَعُ

خدایا، اگر خطای من بزرگ است و بر هم انباشته، اما بخشایش تو از گناه من بالاتر و گسترده‌تر است.

إِلٰهي لَئِنْ أَعْطَيْتُ نَفْسِيَ سُؤْلَها فَها أَنا في رَوْضِ ٱلنَّدامَةِ أَرْتَعُ

خدایا، اگر خواسته‌های نفسم را اجابت کنم هم اینک من، در چمن پشیمانی می‌گذارنم.

إِلٰهي تَرىٰ حالي وَ فَقْري وَ فاقَتي وَ أَنْتَ مُناجاتِي ٱلْخَفِيَّةَ تَسْمَعُ

خدایا، حال من و تنگدستی من و نیاز مرا می‌بینی و راز و نیاز پنهانم را می‌شنوی.

إِلٰهي فَلا تَقْطَعْ رَجائي وَ لا تُزِغْ فُؤادي فَلي في سَيْبِ جُودِكَ مَطْمَعُ

خدایا، امیدم را قطع مکن و دلم را به گناه مایل مفرما؛ پس من به ریزش بخششت چشم از دوخته‌ام.

إِلٰهي لَئِنْ خَيَّبْتَني أَوْ طَرَدْتَني فَمَنْ ذَا ٱلَّذي أَرْجُو وَ مَنْ ذا أُشَفَّعُ

خدایا، اگر مرا نومید کنی یا برانی، پس به که امید بندم و از چه کسی تقاضای شفاعت کنم؟

---

[1] . صحیفهٔ سجادیه.

إِلٰهِي أَجِرْنِي مِنْ عَذٰابِكَ إِنَّنِي أَسِيرٌ ذَلِيلٌ خٰائِفٌ لَكَ أَخْضَعُ

خدایا،از عذاب خود پناهم بخش؛ چه، من بنده‌ی خوار و بیمزده‌امو در پیشگاه تو از هرکس فروتن‌ترم.

إِلٰهِي فَآنِسْنِي بِتَلْقِينِ حُجَّتِي إِذٰا كٰانَ لِي فِي ٱلْقَبْرِ مَثْوىً وَ مَضْجَعُ

خدایا، وقتی در گور منزل و خوابگاه دارم با تلقین حجت آرامشم بخش.

إِلٰهِي لَئِنْ عَذَّبْتَنِي أَلْفَ حِجَّةٍ فَحَبْلُ رَجٰائِي مِنْكَ لاٰ يَتَقَطَّعُ

خدایا، اگر هزار سال عذابم کنی رشتهٔ امیدم از تو نگسلد.

إِلٰهِي أَذِقْنِي طَعْمَ عَفْوِكَ يَوْمَ لاٰ بَنُونَ وَ لاٰ مٰالٌ هُنٰالِكَ يَنْفَعُ

خدایا، روزی که نه فرزند به کار آید و نه مال، طعم بخشایشت را به من بچشان.

إِلٰهِي إِذٰا لَمْ تَرْعَنِي كُنْتُ ضٰائِعاً وَ إِنْ كُنْتَ تَرْعٰانِي فَلَسْتُ أُضَيَّعُ

خدایا، اگر رعایت من نکنی تباه گردم و اگر رعایت من کنی پس تباه نمی‌گردم.

إِلٰهِي إِذٰا لَمْ تَعْفُ عَنْ غَيْرِ مُحْسِنٍ فَمَنْ لِمُسِيءٍ بِالْهَوىٰ يَتَمَتَّعُ

خدایا، اگر غیر از نیکو کار را نبخشی پس کیست که گنهکار و بلهوس را بیامرزد ؟

إِلٰهِي لَئِنْ فَرَّطْتُ فِي طَلَبِ ٱلتُّقىٰ فَهٰا أَنٰا إِثْرَ ٱلْعَفْوِ أَقْفُو وَ أَتْبَعُ

خدایا،اگر در جستجوی تقوی کوتاهی کرده‌ام اینک من در پی بخشایش، حرکت و آن را دنبال می‌کنم.

إِلٰهِي لَئِنْ أَخْطَأْتُ جَهْلاً فَطٰالَمٰا رَجَوْتُكَ حَتّىٰ قِيلَ مٰا هُوَ يَجْزَعُ

خدایا،اگر از سرنادانی‌راه خطاپیموده‌ام اما چندان‌بتو امید بسته‌ام‌که می‌گویند: از چه‌روی اندوهزده است؟

إِلٰهِي ذُنُوبِي بَذَّتِ ٱلطَّوْدَ وَ ٱعْتَلَتْ وَ صَفْحُكَ عَنْ ذَنْبِي أَجَلُّ وَ أَرْفَعُ

خدایا، گناهان من از کوه بلندتر است و گذشت تو از گناه من بزرگتر و بالاتر است.

إِلٰهِي يُنَحِّي ذِكْرُ طَوْلِكَ لَوْعَتِي وَ ذِكْرُ ٱلْخَطٰايَا ٱلْعَيْنَ مِنِّي يُدَمِّعُ

خدایا، یاد بخشایش تو، آتش درونم را فرو می‌نشاند و یاد خطاها، چشم مرا اشک آلود می‌سازد.

إِلٰـهِي أَقِلْنِي عَثْرَتِي وَ آمْحُ حَوْبَتِي ... فَـإِنِّي مُـقِرٌّ خَائِـفٌ مُـتَضَرِّعُ

خدایا،از لغزشم در گذر و گناهم را بستر؛ هماناکه من به گناه خویش اقرار می کنمو بیمناک و نالانم.

إِلٰـهِي أَنِـلْنِي مِـنْكَ رَوْحاً وَ رَاحَـةً ... فَـلَسْتُ سِـوىٰ أَبْـوَابِ فَضْلِكَ أَقْـرَعُ

خدایا، مرا به آرامش و آسایش برسان؛ من جز درهای فضل تو را نکوبم.

إِلٰـهِي لَـئِنْ أَقْـصَيْتَنِي أَوْ أَهَـنْتَنِي ... فَـمَا حِـيلَتِي يَـا رَبِّ أَمْ كَـيْفَ أَصْـنَعُ

خدایا، اگر مرا از خود دور سازی یا زبونم کنی ـ پروردگارا ـ چه چاره اندیشم یا چه کنم؟

إِلٰـهِي حَـلِيفُ آلْـحُبِّ فِـى ٱللَّـيْلِ سَاهِرٌ ... يُـنَاجِي وَ يَـدْعُو وَ آلْـمُغَفَّلُ يَـهْجَعُ

خدایا، عاشق قسم خورده در شب، بیدار است و با تو راز و نیاز می‌کند و تو را می‌خواند؛ اما بیخبر خواب است.

إِلٰـهِي وَ هٰـذَا آلْـخَلْقُ مَا بَـيْنَ نَـائِمٍ ... وَ مُـنْتَبِهٍ فِـي لَـيْلِهِ يَـتَضَرَّعُ

خدایا، این دو گروه آفریده‌های تو ـ که در شب گروهی به خوابند و گروهی بیدار و به درگاه تو نالان ـ،

وَ كُـلُّهُمُ يَـرْجُو نَـوَالَكَ رَاجِـياً ... لِرَحْمَتِكَ آلْـعُظْمىٰ وَ فِـي آلْـخُلْدِ يَـطْمَعُ

همه در آرزوي رحمتِ بزرگِ تواند و چشم امید به بهشتِ تو دوخته‌اند.

إِلٰـهِي يُـمَنِّينِي رَجَائِـي سَـلَامَةً ... وَ قُـبْحُ خَـطِيئَاتِي عَـلَيَّ يُشَـنِّعُ

خدایا، امید من، مرا آرزومند سلامتم می‌کند اما زشتی خطاهایم مرا رسوا مى‌سازد.

إِلٰـهِي فَـإِنْ تَـعْفُو فَـعَفْوُكَ مُنْقِذِي ... وَ إِلَّا فَـبِالذَّنْبِ آلْـمُدَمِّرِ أُصْـرَعُ

خدایا، اگر مرا ببخشایی، پس بخشایش تو رهایی بخش من است و گرنه باگناه به هلاکت مبتلا گردم.

إِلٰـهِي بِـحَقِّ آلْـهَاشِمِيِّ مُـحَمَّدٍ ... وَ حُـرْمَةِ أَطْـهَارٍ هُـمُ لَكَ خُـضَّعُ

خدایا، به حق محمّد هاشمی و به حرمت پاکانی (اهل بیت عليهم السلام) که در درگاهت فروتنند،

إِلٰـهِي بِـحَقِّ آلْـمُصْطَفىٰ وَ آبْـنِ عَـمِّهِ ... وَ حُـرْمَةِ أَبْـرَارٍ هُـمُ لَكَ خُشَّـعُ

خدایا، به حق مصطفی و پسر عم او و به حرمت نیکانی که آنان در پیشگاهت از همه خاضع‌ترند،

إِلٰهي فَأَنْشِرْني عَلىٰ دينِ أَحْمَدَ مُنيباً تَقِيّاً قانِتاً لَكَ أَخْضَعُ

خدایا مرا بر دین احمد در روز رستاخیز زنده گردان، تائب و پرهیزکار و عابد در پیشگاهت خضوع می‌کنم

وَ لا تَحْرِمَنّي يا إِلٰهي وَ سَيِّدي شَفاعَتَهُ الْكُبْرىٰ فَذاكَ الْمُشَفَّعُ

ای خدای من و ای سرور من، از شفاعت بزرگوار او مرا بی بهره‌مساز و محروم مفرمای، که او شفیع است.

وَ صَلِّ عَلَيْهِمْ ما دَعاكَ مُوَحِّدٌ وَ ناجاكَ أَخْيارٌ بِبابِكَ رُكَّعُ [1]

خدایا مادام که یکتاپرستی نورامی‌خواندوخوبان با تو در مناجات و رکوع هستند بر آنان صلوات فرست.

سه سخن از حضرت امیرالمؤمنین علیّ ؑ

إِلٰهي كَفىٰ بي عِزّاً أَنْ أَكُونَ لَكَ عَبْداً، وَ كَفىٰ بي فَخْراً أَنْ

خدایا! این عزت مرا بس که بندهٔ تو باشم و این فخر مرا بس که پروردگار من باشی.

تَكُونَ لي رَبّاً. أَنْتَ كَما أُحِبُّ فَاجْعَلْني كَما تُحِبُّ. [2]

تو آنچنانی که من دوست می‌دارم؛ پس مرا چنان کن که تو دوست می‌داری.

گمان نمی‌رود کلامی و عبارتی، از صاحب فصاحت و بلاغتی صادر گشته باشد که این چنین مختصر و بدین سان پر محتوا باشد! کمالی را از بنده و جلالی را از مولا، دعایی را از عبد و مقامی را از ربّ به بیان کشیده باشد.

۱۲ ـ دعاء حضرت مهدی ؑ

اَللّٰهُمَّ ٱرْزُقْنا تَوْفيقَ ٱلطّاعَةِ، وَ بُعْدَ ٱلْمَعْصِيَةِ، وَ صِدْقَ ٱلنِّيَّةِ

بار خدایا، توفیق طاعت و دوری از معصیت و صدق نیت

وَ عِرْفانَ ٱلْحُرْمَةِ، وَ أَكْرِمْنا بِالْهُدىٰ وَ ٱلاِسْتِقامَةِ، وَ سَدِّدْ

و عرفان حرمت، روزی ما فرما. و ما را با هدایت و پایداری گرامی دار و زبان ما را

---

۱. صحیفهٔ علویه.
۲. صحیفهٔ علویه، صفحه ۱۶۹.

أَلْسِنَتَنا بِالصَّوابِ وَ الْحِكْمَةِ، وَ امْلَأْ قُلُوبَنا بِالْعِلْمِ وَ الْمَعْرِفَةِ،
در گفتار درست و حکیمانه استوار ساز و دل ما را از دانش و معرفت سرشار کن

وَ طَهِّرْ بُطُونَنا مِنَ الْحَرامِ وَ الشُّبْهَةِ، وَ اكْفُفْ أَيْدِيَنا عَنِ
و درون ما را از حرام و مال شبهه‌ناک پاکیزه گردان و دست ما را

الظُّلْمِ وَ السَّرِقَةِ، وَ اغْضُضْ أَبْصارَنا عَنِ الْفُجُورِ وَ الْخِيانَةِ،
از ستمگری و دزدی بازدار و چشم ما را از فجور و خیانت بپوشان

وَ اسْدُدْ أَسْماعَنا عَنِ اللَّغْوِ وَ الْغِيبَةِ، وَ تَفَضَّلْ عَلىٰ عُلَمائِنا
و گوش ما را از شنیدن سخن بیهوده و غیبت بربند و به عالمان ما

بِالزُّهْدِ وَ النَّصِيحَةِ، وَ عَلَى الْمُتَعَلِّمِينَ بِالْجُهْدِ وَ الرَّغْبَةِ،
زهد ورزیدن و نصیحت گویی تفضل کن و بر دانش پژوهان کوشش و رغبت آموختن،

وَ عَلَى الْمُسْتَمِعِينَ بِالاتِّباعِ وَ الْمَوْعِظَةِ، وَ عَلىٰ مَرْضَى
و بر شنوندگان پیروی و موعظه شنیدن، و بر بیماران مسلمان

الْمُسْلِمِينَ بِالشِّفاءِ وَ الرّاحَةِ وَ عَلىٰ مَوْتاهُمْ بِالرَّأْفَةِ وَ الرَّحْمَةِ،
شفا و راحت و بر مردگانشان رأفت و رحمت نصیب فرما.

وَ عَلىٰ مَشايِخِنا بِالْوَقارِ وَ السَّكِينَةِ، وَ عَلَى الشَّبابِ بِالْإِنابَةِ
و به پیران ما وقار و آرامش عنایت کن و به جوانان توبه

وَ التَّوْبَةِ، وَ عَلَى النِّساءِ بِالْحَياءِ وَ الْعِفَّةِ، وَ عَلَى الْأَغْنِياءِ
و بازگشت، و به زنان حیا و عفت، و به توانگران

بِالتَّواضُعِ وَ السَّعَةِ، وَ عَلَى الْفُقَراءِ بِالصَّبْرِ وَ الْقَناعَةِ،
افتادگی و گشاده دستی، و به تنگدستان شکیبایی و قناعت،

وَ عَلَى ٱلْغُزاةِ بِالنَّصْرِ وَ ٱلْغَلَبَةِ، وَ عَلَى ٱلْأُسَراءِ بِالْخَلاصِ

و به جنگجویان پیروزی و چیرگی بر دشمن، و به اسیران رهایی

وَ ٱلرّاحَةِ، وَ عَلَى ٱلْأُمَراءِ بِالْعَدْلِ وَ ٱلشَّفَقَةِ، وَ عَلَى ٱلرَّعِيَّةِ

و آسایش، و به حکمرانان عدل و شفقت، و به تودهٔ مردم

بِالْإِنْصافِ وَ حُسْنِ ٱلسّيرَةِ، وَ بارِكْ لِلْحُجّاجِ وَ ٱلزُّوّارِ فِي

انصاف و خوشرفتاری عنایت فرما. قافلهٔ حاجیان و زوار را در توشه و مخارج

ٱلزّادِ وَ ٱلنَّفَقَةِ، وَ ٱقْضِ ما أَوْجَبْتَ عَلَيْهِمْ مِنَ ٱلْحَجِّ

برکت ده، و آنچه از حج و عمره بر آنان واجب

وَ ٱلْعُمْرَةِ، بِفَضْلِكَ وَ رَحْمَتِكَ يا أَرْحَمَ ٱلرّاحِمينَ.[1]

کرده‌ای آسان گردان؛ به فضل و رحمتت، ای مهربان‌ترین مهربانان.

۱۳ ـ دعاء فرج

این دعا را حضرت صاحب الأمر ﷺ به شخصی محبوس تعلیم فرمود و سبب نجات وی شد. دعا این است:

إِلٰهي عَظُمَ ٱلْبَلاءُ، وَ بَرِحَ ٱلْخَفاءُ، وَ ٱنْكَشَفَ ٱلْغِطاءُ، وَ ٱنْقَطَعَ

خدای من، بلا سنگین شد و درون ریش گردید؛ پرده کنار رفت و رشتهٔ

ٱلرَّجاءُ، وَ ضاقَتِ ٱلْأَرْضُ وَ مُنِعَتِ ٱلسَّماءُ، وَ أَنْتَ ٱلْمُسْتَعانُ

امید گسست و فضای زمین تنگ گشت و آسمان از ایثار باز داشته شد. و یاری رسان تویی

وَ إِلَيْكَ ٱلْمُشْتَكىٰ، وَ عَلَيْكَ ٱلْمُعَوَّلُ فِي ٱلشِّدَّةِ وَ ٱلرَّخاءِ.

و داد خواهی به سوی توست و در سختی و آسانی تکیه به توست.

۱. مصباح کفعمی، صفحهٔ ۲۸۰.

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ، أُولِی الْأَمْرِ الَّذینَ
بارالها، بر محمّد [ص] و خاندان او صلوات فرست؛ صاحبان امر که

فَرَضْتَ عَلَیْنا طاعَتَهُمْ، وَ عَرَّفْتَنا بِذٰلِكَ مَنْزِلَتَهُمْ، فَفَرِّجْ عَنّا
فرمانبرداری از آنان فریضهٔ ماست و با این فریضه مقام و منزلت آنان را به ما شناسانده‌ای؛ پس، سوگند به حق

بِحَقِّهِمْ فَرَجاً عاجِلاً قَریباً کَلَمْحِ الْبَصَرِ أَوْ هُوَ أَقْرَبُ،
آنان که گشایشی زودرس و نزدیک ـ به زودی یک چشم بر هم زدن یا زودتر از آن ـ در کار ما عنایت فرمایی.

یا مُحَمَّدُ یا عَلِیُّ یا عَلِیُّ یا مُحَمَّدُ اکْفِیانی فَإِنَّکُما کافِیانِ،
یا محمّد، یا علی، یا علی، یا محمّد، مرا کفایت کنید، همانا شما کفایت کننده‌اید،

وَ انْصُرانی فَإِنَّکُما ناصِرانِ، یا مَوْلانا یا صاحِبَ الزَّمانِ،
و مرا یاری کنید که شما یاری کننده‌اید. ای مولای ما، ای صاحب زمان،

اَلْغَوْثَ الْغَوْثَ الْغَوْثَ، أَدْرِکْنی أَدْرِکْنی أَدْرِکْنی، اَلسّاعَةَ
بفریاد رس، بفریاد رس، بفریاد رس، مرا دریاب مرا دریاب مرا دریاب، اکنون

اَلسّاعَةَ السّاعَةَ، اَلْعَجَلَ الْعَجَلَ الْعَجَلَ، یا أَرْحَمَ الرّاحِمینَ.
اکنون اکنون، شتاب کن شتاب کن شتاب کن، ای مهربان‌ترین مهربانان

بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ اٰلِهِ الطّاهِرینَ.[1]
بحق محمّد و آل پاک او.

۱۴ ـ دعاء توسّل به چهارده معصوم علیهم السلام

این دعا را مرحوم نراقی در صفحه ۳۷۳ کتاب خزائن از کتاب بحار الانوار مرحوم مجلسی نقل نموده است. مجلسی هم آن را از بعض از کتب شیعه،

---

۱. بحار الانوار، صفحه ۲۷۵.

از محمد بن بابویه از ائمه علیهم السلام نقل کرده و آن را سریع الإجابة دانسته است.

دعا این است:

اَللّٰهُمَّ إِنّي أَسْئَلُكَ وَ أَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ بِنَبِيِّكَ نَبِيِّ ٱلرَّحْمَةِ مُحَمَّدٍ

خدایا من از تو مسئلت دارم و به سوی تو روی آورده‌ام. به حق پیغمبرت ـ که پیغمبر رحمت است، محمّد

صَلَّى ٱللّٰهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، يٰا أَبَا ٱلْقٰاسِمِ يٰا رَسُولَ ٱللّٰهِ يٰا إِمٰامَ ٱلرَّحْمَةِ،

صلی الله علیه و آله،ای ابوالقاسم، ای رسول الله، ای پیشوای رحمت،

يٰا سَيِّدَنٰا وَ مَوْلاٰنٰا، إِنّٰا تَوَجَّهْنٰا وَ ٱسْتَشْفَعْنٰا وَ تَوَسَّلْنٰا بِكَ

ای‌سرور و مولای ما، ما به تو روی آورده‌ایم و شفاعت می‌طلبیم و توسل می‌جوئیم

إِلَى ٱللّٰهِ، وَ قَدَّمْنٰاكَ بَيْنَ يَدَيْ حٰاجٰاتِنٰا، يٰا وَجِيهاً عِنْدَ ٱللّٰهِ،

در درگاه خدا و تو را بر حاجتهای خویش مقدم کرده‌ایم. ای که در پیشگاه الهی آبرومندی،

ٱشْفَعْ لَنٰا عِنْدَ ٱللّٰهِ. يٰا أَبَا ٱلْحَسَنِ يٰا أَمِيرَ ٱلْمُؤْمِنِينَ يٰا عَلِيَّ بْنَ

نزد خدا از ما شفاعت فرما. ای ابوالحسن ای امیر مؤمنان، ای علی بن

أَبِيطٰالِبٍ يٰا حُجَّةَ ٱللّٰهِ عَلىٰ خَلْقِهِ، يٰا سَيِّدَنٰا وَ مَوْلاٰنٰا، إِنّٰا

ابیطالب، ای حجت خدا بر آفریدگان او، ای سرور ما و ای مولای ما، ما به تو

تَوَجَّهْنٰا وَ ٱسْتَشْفَعْنٰا وَ تَوَسَّلْنٰا بِكَ إِلَى ٱللّٰهِ، وَ قَدَّمْنٰاكَ

روی آورده‌ایم و تقاضای شفاعت داریم و توسل می‌جوئیم به درگاه خدا و تو را بر حاجت

بَيْنَ يَدَيْ حٰاجٰاتِنٰا، يٰا وَجِيهاً عِنْدَ ٱللّٰهِ، ٱشْفَعْ لَنٰا عِنْدَ ٱللّٰهِ.

خود مقدم کرده‌ایم ای آبرومند نزد خدا ما را شفاعت کن نزد خدا.

يٰا فٰاطِمَةُ ٱلزَّهْرٰاءُ يٰا بِنْتَ مُحَمَّدٍ يٰا قُرَّةَ عَيْنِ ٱلرَّسُولِ،

ای فاطمهٔ زهرا و ای دختر محمّد، ای نور چشم فرستادهٔ خدا،

يٰا سَيِّدَتَنٰا وَ مَوْلاٰتَنٰا، إِنّٰا تَوَجَّهْنٰا وَ اسْتَشْفَعْنٰا وَ تَوَسَّلْنٰا بِكِ

ای سرور و مولای ما، ما به تو روی آورده‌ایم و تقاضای شفاعت داریم و دست توسل دراز کرده‌ایم

إِلَى اللّٰهِ، وَ قَدَّمْنٰاكِ بَيْنَ يَدَيْ حٰاجٰاتِنٰا، يٰا وَجِيهَةً عِنْدَ اللّٰهِ،

در درگاه خدا و قبل از نیازهای خود تو را پیش انداخته‌ایم. ای که در درگاه خدا آبرومندی

اِشْفَعِي لَنٰا عِنْدَ اللّٰهِ. يٰا أَبٰا مُحَمَّدٍ يٰا حَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ، أَيُّهَا

نزد خدا از ما شفاعت فرمای. ای ابو محمّد، ای حسن بن علی، ای

الْمُجْتَبىٰ يَابْنَ رَسُولِ اللّٰهِ يٰا حُجَّةَ اللّٰهِ عَلىٰ خَلْقِهِ، يٰا سَيِّدَنٰا

مجتبی، ای فرزند رسول الله، ای حجت خدا بر آفریدگانش، ای سرور

وَ مَوْلاٰنٰا، إِنّٰا تَوَجَّهْنٰا وَ اسْتَشْفَعْنٰا وَ تَوَسَّلْنٰا بِكَ إِلَى اللّٰهِ،

و مولای ما، ما به تو سوی خدا روی آورده‌ایم و طلب شفاعت داریم و دست توسل دراز کرده‌ایم در درگاه خدا

وَ قَدَّمْنٰاكَ بَيْنَ يَدَيْ حٰاجٰاتِنٰا، يٰا وَجِيهاً عِنْدَ اللّٰهِ، اِشْفَعْ لَنٰا

و تو را بر نیازهای خود پیش انداخته‌ایم. ای که در درگاه خدا آبرومندی، از ما نزد خدا

عِنْدَ اللّٰهِ. يٰا أَبٰا عَبْدِاللّٰهِ يٰا حُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ، أَيُّهَا الشَّهِيدُ،

شفاعت فرما. یا ابا عبدالله، یا حسین بن علی، ای شهید،

يَابْنَ رَسُولِ اللّٰهِ، يٰا حُجَّةَ اللّٰهِ عَلىٰ خَلْقِهِ، يٰا سَيِّدَنٰا وَ مَوْلاٰنٰا،

ای فرزند رسول الله، ای حجت خدا بر آفریدگانش، ای سرور و مولای ما،

إِنّٰا تَوَجَّهْنٰا وَ اسْتَشْفَعْنٰا وَ تَوَسَّلْنٰا بِكَ إِلَى اللّٰهِ، وَ قَدَّمْنٰاكَ بَيْنَ

ما به تو روی آورده‌ایم و طلب شفاعت داریم و دست توسل دراز کرده‌ایم در درگاه خدا و تو را

يَدَيْ حٰاجٰاتِنٰا، يٰا وَجِيهاً عِنْدَ اللّٰهِ، اِشْفَعْ لَنٰا عِنْدَ اللّٰهِ.

بر نیازهای خود پیش انداخته‌ایم. ای که در درگاه خدا آبرومندی، از ما نزد خدا شفاعت فرمای.

يٰا أَبَا ٱلْحَسَنِ يٰا عَلِيَّ بْنَ ٱلْحُسَيْنِ، يٰا زَيْنَ ٱلْعٰابِدِينَ،
ای ابا حسن، ای علی بن حسین، یا زین العابدین،

يَابْنَ رَسُولِ ٱللّٰهِ، يٰا حُجَّةَ ٱللّٰهِ عَلىٰ خَلْقِهِ، يٰا سَيِّدَنٰا وَ مَوْلاٰنٰا،
ای فرزند رسول خدا، ای حجت خدا بر آفریدگانش، ای سرور و مولای ما،

إِنّٰا تَوَجَّهْنٰا وَ ٱسْتَشْفَعْنٰا وَ تَوَسَّلْنٰا بِكَ إِلَى ٱللّٰهِ، وَ قَدَّمْنٰاكَ بَيْنَ
ما به تو روی آورده‌ایم و طلب شفاعت داریم و دست توسل دراز کرده‌ایم در درگاه خدا و تو را بر نیازهای

يَدَيْ حٰاجٰاتِنٰا، يٰا وَجِيهاً عِنْدَ ٱللّٰهِ، ٱشْفَعْ لَنٰا عِنْدَ ٱللّٰهِ. يٰا أَبٰا جَعْفَرٍ
خود پیش انداخته‌ایم. ای که در درگاه خدا آبرومندی، از ما نزد خدا شفاعت فرمای. ای ابا جعفر،

يٰا مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ، أَيُّهَا ٱلْبٰاقِرُ يٰا بْنَ رَسُولِ ٱللّٰهِ، يٰا حُجَّةَ ٱللّٰهِ
یا محمّد بن علی، ای باقر، ای فرزند رسول اَللّه، ای حجت خدا

عَلىٰ خَلْقِهِ، يٰا سَيِّدَنٰا وَ مَوْلاٰنٰا، إِنّٰا تَوَجَّهْنٰا وَ ٱسْتَشْفَعْنٰا
بر آفریدگانش، ای سرور و مولای ما، ما به تو روی آورده‌ایم و طلب شفاعت داریم

وَ تَوَسَّلْنٰا بِكَ إِلَى ٱللّٰهِ، وَ قَدَّمْنٰاكَ بَيْنَ يَدَيْ حٰاجٰاتِنٰا، يٰا وَجِيهاً
و دست توسل دراز کرده‌ایم در درگاه خدا و تو را بر نیازهای خود پیش انداخته‌ایم ای که در

عِنْدَ ٱللّٰهِ، ٱشْفَعْ لَنٰا عِنْدَ ٱللّٰهِ. يٰا أَبٰا عَبْدِٱللّٰهِ يٰا جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ،
درگاه خدا آبرومندی، از ما نزد خدا شفاعت فرمای. یا ابا عبد اَللّه، یا جعفر بن محمّد،

أَيُّهَا ٱلصّٰادِقُ يٰا بْنَ رَسُولِ ٱللّٰهِ، يٰا حُجَّةَ ٱللّٰهِ عَلىٰ خَلْقِهِ،
ای امام صادق، ای فرزند رسول اَللّه، ای حجت خدا بر آفریدگانش،

يٰا سَيِّدَنٰا وَ مَوْلاٰنٰا، إِنّٰا تَوَجَّهْنٰا وَ ٱسْتَشْفَعْنٰا وَ تَوَسَّلْنٰا بِكَ
ای سرور و مولای ما، ما به تو روی آورده‌ایم و طلب شفاعت داریم و دست توسل دراز کرده‌ایم

إِلَى ٱللهِ، وَ قَدَّمْنٰاكَ بَيْنَ يَدَيْ حٰاجٰاتِنٰا، يٰا وَجِيهاً عِنْدَ ٱللهِ،

در درگاه خدا و تو را بر نیازهای خود پیش انداخته‌ایم. ای که در درگاه خدا آبرومندی،

ٱشْفَعْ لَنٰا عِنْدَ ٱللهِ. يٰا اَبَا ٱلْحَسَنِ يٰا مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ، أَيُّهَا

از ما نزد خدا شفاعت فرمای. ای ابوالحسن، ای موسی بن جعفر، ای

ٱلْكٰاظِمُ يَابْنَ رَسُولِ ٱللهِ، يٰا حُجَّةَ ٱللهِ عَلىٰ خَلْقِهِ، يٰا سَيِّدَنٰا

امام کاظم، ای فرزند رسول اللّه، ای حجت خدا بر آفریدگانش، ای سرور

وَ مَوْلاٰنٰا، إِنّٰا تَوَجَّهْنٰا وَ ٱسْتَشْفَعْنٰا وَ تَوَسَّلْنٰا بِكَ إِلَى ٱللهِ،

و مولای ما، ما به تو روی آورده‌ایم و شفاعت می‌طلبیم و توسل می‌جوئیم در درگاه خدا

وَ قَدَّمْنٰاكَ بَيْنَ يَدَيْ حٰاجٰاتِنٰا، يٰا وَجِيهاً عِنْدَ ٱللهِ، ٱشْفَعْ لَنٰا

و ترا بر حاجت خود مقدم کرده‌ایم ای که در درگاه خدا آبرومندی، از ما نزد خدا شفاعت فرمای.

عِنْدَ ٱللهِ. يٰا أَبَا ٱلْحَسَنِ يٰا عَلِيَّ بْنَ مُوسىٰ، أَيُّهَا ٱلرِّضٰا

یا اباالحسن، یا علی بن موسی، ای امام رضا،

يَابْنَ رَسُولِ ٱللهِ، يٰا حُجَّةَ ٱللهِ عَلىٰ خَلْقِهِ، يٰا سَيِّدَنٰا وَ مَوْلاٰنٰا،

ای فرزند رسول خدا، ای حجت خدا بر آفریدگانش، ای سرور و مولای ما،

إِنّٰا تَوَجَّهْنٰا وَ ٱسْتَشْفَعْنٰا وَ تَوَسَّلْنٰا بِكَ إِلَى ٱللهِ، وَ قَدَّمْنٰاكَ بَيْنَ

ما به تو روی آورده‌ایم و طلب شفاعت داریم و دست توسل دراز کرده‌ایم در درگاه خدا و تو را بر نیازهای خود

يَدَيْ حٰاجٰاتِنٰا، يٰا وَجِيهاً عِنْدَ ٱللهِ، ٱشْفَعْ لَنٰا عِنْدَ ٱللهِ. يٰا أَبٰا جَعْفَرٍ

پیش انداخته‌ایم. ای که در درگاه خدا آبرومندی، از ما نزد خدا شفاعت فرمای. ای ابا جعفر،

يٰا مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ، أَيُّهَا ٱلتَّقِيُّ ٱلْجَوٰادُ يَابْنَ رَسُولِ ٱللهِ،

ای محمّد بن علی، ای امام تقی جواد، ای فرزند رسول اللّه،

يٰا حُجَّةَ ٱللّٰهِ عَلىٰ خَلْقِهِ، يٰا سَيِّدَنٰا وَ مَوْلاٰنٰا، إِنّٰا تَوَجَّهْنٰا

ای حجت خدا بر آفریدگانش، ای سرور و مولای ما، ما به تو روی آوردهایم

وَ ٱسْتَشْفَعْنٰا وَ تَوَسَّلْنٰا بِكَ إِلَى ٱللّٰهِ، وَ قَدَّمْنٰاكَ بَيْنَ يَدَيْ

و طلب شفاعت داریم و دست توسل دراز کردهایم در درگاه خدا و تو را بر نیازهای خود

حٰاجٰاتِنٰا، يٰا وَجِيهاً عِنْدَ ٱللّٰهِ، ٱشْفَعْ لَنٰا عِنْدَ ٱللّٰهِ. يٰا أَبَا ٱلْحَسَنِ

پیش انداختهایم. ای آبرومند در درگاه خدا، از ما نزد خدا شفاعت فرما. یا اباالحسن

يٰا عَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ، أَيُّهَا ٱلْهٰادِي ٱلنَّقِيُّ، يَابْنَ رَسُولِ ٱللّٰهِ،

یا علیّ بن محمد، ای امام هادی نقی، ای فرزند رسول اللّٰه،

يٰا حُجَّةَ ٱللّٰهِ عَلىٰ خَلْقِهِ، يٰا سَيِّدَنٰا وَ مَوْلاٰنٰا، إِنّٰا تَوَجَّهْنٰا

ای حجت خدا بر آفریدگانش، ای سرور و مولای ما، ما به تو روی آوردهایم

وَ ٱسْتَشْفَعْنٰا وَ تَوَسَّلْنٰا بِكَ إِلَى ٱللّٰهِ، وَ قَدَّمْنٰاكَ بَيْنَ يَدَيْ

و طلب شفاعت داریم و دست توسل دراز کردهایم در درگاه خدا و تو را بر نیازهای خود

حٰاجٰاتِنٰا، يٰا وَجِيهاً عِنْدَ ٱللّٰهِ، ٱشْفَعْ لَنٰا عِنْدَ ٱللّٰهِ. يٰا أَبٰا مُحَمَّدٍ

پیش انداختهایم. ای که در درگاه خدا آبرومندی، از ما نزد خدا شفاعت فرمای. ای ابا محمّد،

يٰا حَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ، أَيُّهَا ٱلزَّكِيُّ ٱلْعَسْكَرِيُّ، يَابْنَ رَسُولِ ٱللّٰهِ،

یا حسن بن علی، ای امام پاک عسکری، ای فرزند رسول اللّٰه،

يٰا حُجَّةَ ٱللّٰهِ عَلىٰ خَلْقِهِ، يٰا سَيِّدَنٰا وَ مَوْلاٰنٰا، إِنّٰا تَوَجَّهْنٰا

ای حجت خدا بر آفریدگانش، ای سرور و مولای ما، ما به تو روی آوردهایم

وَ ٱسْتَشْفَعْنٰا وَ تَوَسَّلْنٰا بِكَ إِلَى ٱللّٰهِ، وَ قَدَّمْنٰاكَ بَيْنَ يَدَيْ

و طلب شفاعت داریم و دست توسل دراز کردهایم در درگاه خدا و تو را بر نیازهای خود

حاجاتِنا، یا وَجیهاً عِنْدَ اللهِ، اِشْفَعْ لَنا عِنْدَ اللهِ. یا وَصِیَّ

پیش انداخته‌ایم. ای که در درگاه خدا آبرومندی، از ما نزد خدا شفاعت فرما. ای وصی

الْحَسَنِ وَ الْخَلَفَ الْحُجَّةَ، أَیُّهَا الْقائِمُ الْمُنْتَظَرُ الْمَهْدِیُّ،

حسن و خلف حجت، ای قائم منتظر، ای مهدی،

یَابْنَ رَسُولِ اللهِ، یا حُجَّةَ اللهِ عَلیٰ خَلْقِهِ، یا سَیِّدَنا وَ مَوْلانا،

ای فرزند رسول الله، ای حجت خدا بر آفریدگانش، ای سرور و مولای ما،

إِنّا تَوَجَّهْنا وَ اسْتَشْفَعْنا وَ تَوَسَّلْنا بِكَ إِلَی اللهِ، وَ قَدَّمْناكَ بَیْنَ

ما به تو روی آورده‌ایم و طلب شفاعت داریم و دست توسل دراز کرده‌ایم در درگاه خدا و ترا بر نیازهای خود

یَدَیْ حاجاتِنا، یا وَجیهاً عِنْدَ اللهِ، اِشْفَعْ لَنا عِنْدَ اللهِ.

مقدم کرده‌ایم. ای آبرومند درگاه خدا، از ما نزد خدا شفاعت فرما.

سپس حاجات خود را بطلبد که برآورده می‌شود انشاء الله تعالی. در روایت دیگر وارد شده است که بعد از این بگوید:

یا سادَتی وَ مَوالِیَّ، إِنّی تَوَجَّهْتُ بِكُمْ أَئِمَّتی وَ عُدَّتی لِیَوْمِ

ای سروران و مولایان من، من به شما روی آورده‌ام که پیشوایان و ذخیره‌های سعادت من برای روز

فَقْری وَ حاجَتی إِلَی اللهِ، وَ تَوَسَّلْتُ بِكُمْ إِلَی اللهِ، وَ اسْتَشْفَعْتُ

تهیدستی و نیاز من، در درگاه خدا هستید، و بوسیلهٔ شما به درگاه خدا توسل جسته‌ام

بِكُمْ إِلَی اللهِ، فَاشْفَعُوا لی عِنْدَ اللهِ، وَ اسْتَنْقِذُونی مِنْ ذُنُوبی

و شفاعت می‌جویم؛ پس در درگاه خدا از من شفاعت کنید و نزد خدا مرا از گناهان

عِنْدَ اللهِ، فَإِنَّكُمْ وَسیلَتی إِلَی اللهِ، وَ بِحُبِّكُمْ وَ بِقُرْبِكُمْ أَرْجُو

رهایی بخشید؛ همانا که شما وسیلهٔ من در درگاه خدا هستید. و به سبب مهر و قرب شما

نَجاةً مِنَ ٱللهِ، فَكُونُوا عِنْدَ ٱللهِ رَجٰائى، يٰا سٰادَتى يٰا أَوْلِيٰآءِ ٱللهِ،
از عذاب خدا امید نجات دارم؛ پس در درگاه خدا امید مَن باشید. ای سروران من، ای اولیاء الله،

صَلَّى ٱللهُ عَلَيْهِمْ أَجْمَعينَ، وَ لَعَنَ ٱللهُ أَعْدٰآءَ ٱللهِ ظٰالِميهِمْ مِنَ
صلوات خدا بر همهٔ آنان نثار باد و لعنت خدا بر دشمنان خدا که به آنان ظلم کردند از

ٱلْأَوَّلينَ وَ ٱلْاٰخِرينَ، اٰمينَ رَبَّ ٱلْعٰالَمينَ.[۱]
اولین و آخرین. آمین، پروردگار جهانیان.

۱۵ ـ دعای استغاثه و توسّل به حضرت صاحب الزّمان عليه السلام

در هر کجا باشی دو رکعت نماز بخوان و به وجود مبارک آن حضرت هدیه کن. سپس رو به قبله و زیر آسمان بایست و بگو:

سَلاٰمُ ٱللهِ ٱلْكٰامِلُ ٱلتّٰآمُّ ٱلشّٰامِلُ ٱلْعٰآمُّ، وَ صَلَوٰاتُهُ ٱلدّٰآئِمَةُ،
سلام کامل و تمام و سلام شامل و عام خدا و صلوات پیوستهٔ او

وَ بَرَكٰاتُهُ ٱلْقٰآئِمَةُ ٱلتّٰآمَّةُ، عَلىٰ حُجَّةِ ٱللهِ وَ وَلِيِّهِ فى أَرْضِهِ
و برکات استوار و تمامش، نثار حجت خدا و ولی او در زمین

وَ بِلاٰدِهِ، وَ خَليفَتِهِ عَلىٰ خَلْقِهِ وَ عِبٰادِهِ، وَ سُلاٰلَةِ ٱلنُّبُوَّةِ، وَ بَقِيَّةِ
و بلاد او باد و بر خلیفهٔ او بر آفریدگان و بندگان او باد بر آن سلالهٔ نبوت و باقیماندهٔ

ٱلْعِتْرَةِ وَ ٱلصَّفْوَةِ، صٰاحِبِ ٱلزَّمٰانِ، وَ مُظْهِرِ ٱلْإيمٰانِ، وَ مُلَقِّنِ
عترت و صفوت، صاحب الزمان و آشکارا کنندهٔ ایمان و آموزندهٔ

أَحْكٰامِ ٱلْقُرْاٰنِ، وَ مُطَهِّرِ ٱلْأَرْضِ، وَ نٰاشِرِ ٱلْعَدْلِ فِى ٱلطُّولِ
احکام قرآن و پاکیزه کنندهٔ زمین و منتشر کنندهٔ عدل در

۱. خزائن نراقی، صفحه ۳۷۳.

وَ ٱلْعَرْضِ، وَ ٱلْحُجَّةِ ٱلْقَآئِمِ ٱلْمَهْدِيِّ، ٱلْإِمامِ ٱلْمُنْتَظَرِ ٱلْمَرْضِيِّ،
سراسر جهان و حجت قائم، مهدی، امام منتظر و پسندیدهٔ حق

وَ ٱبْنِ ٱلأَئِمَّةِ ٱلطّاهِرِينَ، ٱلْوَصِيِّ بْنِ ٱلأَوْصِياءِ ٱلْمَرْضِيِّينَ
و فرزند پیشوایان پاک. وصی فرزند اوصیاء مورد رضای خداوند،

ٱلْهادِي ٱلمَهْدِي ابْنِ ٱلأَئِمَّةِ ٱلْمَعْصُومِينَ، ٱلسَّلامُ عَلَيْكَ
فرزند امامان معصوم هدایت یافته و هدایت‌گر سلام بر تو،

يا وارِثَ عِلْمِ ٱلنَّبِيّينَ وَ مُسْتَوْدَعَ حِكَمِ ٱلْوَصِيّينَ، ٱلسَّلامُ
ای وارث علم پیامبران و امین حکمت‌های اوصیاء سلام

عَلَيْكَ يا مُعِزَّ ٱلْمُؤْمِنِينَ ٱلْمُسْتَضْعَفِينَ، ٱلسَّلامُ عَلَيْكَ يا مُذِلَّ
بر تو، ای عزت بخش مؤمنان مستضعف؛ سلام بر تو، ای خوار کنندهٔ کافران

ٱلْكافِرِينَ ٱلْمُتَكَبِّرِينَ ٱلظّالِمِينَ، ٱلسَّلامُ عَلَيْكَ يا مَوْلايَ
خودبین ستمکار؛ سلام بر تو باد، ای مولای من،

يا صاحِبَ ٱلزَّمانِ، يَابْنَ رَسُولِ ٱللهِ، ٱلسَّلامُ عَلَيْكَ يَابْنَ
ای صاحب الزمان؛ ای فرزند رسول خدا، سلام بر تو ای فرزند

أَمِيرِ ٱلْمُؤْمِنِينَ، ابْنَ فاطِمَةَ ٱلزَّهْراءِ، سَيِّدَةِ نِساءِ ٱلْعالَمِينَ،
امیر مؤمنان؛ و فرزند فاطمهٔ زهرا، سرور زنان جهانها؛

ٱلسَّلامُ عَلَيْكَ يَابْنَ ٱلْحُجَجِ عَلَى ٱلْخَلْقِ أَجْمَعِينَ، ٱلسَّلامُ
سلام بر تو باد، ای فرزند حجتهای حق بر همهٔ آفریدگان؛ سلام

عَلَيْكَ يا مَوْلايَ، سَلامَ مُخْلِصٍ لَكَ فِي ٱلْوِلاءِ، أَشْهَدُ أَنَّكَ
بر تو باد، ای مولای من؛ سلامی از سوی کسی که در ولایت تو، به تو خلوص دارد. گواهی می‌دهم که تو،

اَلْإِمٰامُ ٱلْمَهْدِيُّ قَوْلاً وَ فِعْلاً، وَ أَنَّكَ ٱلَّذي يَمْلَأُ ٱلْأَرْضَ

از حیث گفتار و کردار امام مهدی (هدایت شده) هستی و تو آن کسی که زمین را از عدل و داد

قِسْطاً وَ عَدْلاً، فَعَجَّلَ ٱللهُ فَرَجَكَ، وَ سَهَّلَ مَخْرَجَكَ، وَ قَرَّبَ

سرشار خواهد کرد خدا در گشایش کارت بشتابد و زمینهٔ ظهورت را آماده فرماید و زمانت

زَمٰانَكَ، وَ كَثَّرَ أَنْصٰارَكَ وَ أَعْوٰانَكَ، وَ أَنْجَزَ لَكَ مٰا وَعَدَكَ،

را نزدیک سازد و یاران و دوستانت را زیاد کند و آنچه به تو وعده داده است عملی نماید.

فَهُوَ أَصْدَقُ ٱلْقٰائِلينَ «وَ نُريدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى ٱلَّذينَ ٱسْتُضْعِفُوا

پس او راستگوترین گوینده است که «و برآنیم که برکسانی که در روی

فِي ٱلْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ ٱلْوٰارِثينَ» يٰا مَوْلاٰيَ يٰا

زمین مستضعف باشند منت نهیم و آنان را پیشوایان و وارثان قرار دهیم» ای مولای من، ای

صٰاحِبَ ٱلزَّمٰانِ، يَابْنَ رَسُولِ ٱللهِ، حٰاجَتي...(و حاجات خود را ذکر کند)

صاحب الزمان، ای فرزند رسول الله، حاجت من...

فَاشْفَعْ لي في نَجٰاحِهٰا، فَقَدْ تَوَجَّهْتُ إِلَيْكَ بِحٰاجَتي، لِعِلْمي

پس مرا شفاعت کن برای برآورده شدن آنها، همانا که برای حاجت خود به سوی تو روی آورده‌ام چون

أَنَّ لَكَ عِنْدَ ٱللهِ شَفٰاعَةً مَقْبُولَةً، وَ مَقٰاماً مَحْمُوداً، فَبِحَقِّ مَنِ

می‌دانم که برای شما نزد خدا شفاعتی پذیرفته و مقامی پسندیده است. پس سوگند به حق کسی که

ٱخْتَصَّكُمْ بِأَمْرِهِ، وَ ٱرْتَضٰاكُمْ لِسِرِّهِ، وَ بِالشَّأْنِ ٱلَّذي بَيْنَكُمْ وَ بَيْنَهُ،

امر خود را به شما اختصاص داده است و برای اسرار خویش پسندیده است و سوگند به منزلتی که نزد خدا میان

سَلِ ٱللهَ تَعٰالىٰ في نُجْحِ طَلِبَتي، وَ إِجٰابَةِ دَعْوَتي، وَ كَشْفِ كُرْبَتي.[1]

خود و او دارید، از خدای تعالی بخواهید که حاجتم برآید و دعوتم را اجابت فرماید و اندوهم بر طرف آید.

---

۱. بحار الانوار/۹۸/۳۷۳

۱۶ ـ دعای جوشن کبیر

در یکی از جنگها که بر بدن حضرت رسول ﷺ جوشن و زرهی سنگین بود، جبرئیل(ع) این دعا را نازل کرد و به آن حضرت عرض کرد: پروردگارت سلام می‌رساند و میفرماید این دعا امان است برای تو و امّت تو. نوشتن آن در کفن و خواندنش در اوّل ماه رمضان مستحبّ است. سه بار خواندن آن در ماه رمضان، سبب می‌شود که داخل بهشت گردد و خداوند فرشته‌ای را مامور فرماید تا او را از گناهان باز دارد. این که مرحوم مجلسی این دعا را در اعمال شبهای قدر نوشته‌است، شاید اشاره بهمین روایت باشد که وی آن را با شبهای قدر تطبیق کرده است. هر کس از این دعای مبارک هر فصل یا فصلهایی را، در هر زمان و مکانی به امید نزدیکی به حق و روا شدن حاجت بخواند، بسیار خوب و مطلوب است. این دعا صد فصل دارد و هر فصلی شامل ده اسم از اسمای الهی است و در آخر هر فصل باید گفت ﴿سُبْحانَكَ يا لا إِلٰهَ إِلاّ أَنْتَ اَلْغَوْثَ، اَلْغَوْثَ خَلِّصْنا مِنَ اَلنّارِ يا رَبِّ﴾. دعا این است:

(۱) اَللّٰهُمَّ اِنّي أَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ يا اَللّٰهُ يا رَحْمٰنُ يا رَحيمُ

(۱) بارالها، من از تو مسئلت دارم، سوگند به نامت یا اَللّٰه و یا رَحمٰنُ و یا رَحیمُ

يا كَريمُ يا مُقيمُ يا عَظيمُ يا قَديمُ يا عَليمُ يا حَليمُ يا حَكيمُ،

یا کریم و یا مقیم و یا عظیم و یا قدیم و یا علیم و یا حلیم و یا حکیم

سُبْحانَكَ يا لا إِلٰهَ إِلّا أَنْتَ اَلْغَوْثَ، اَلْغَوْثَ خَلِّصْنا مِنَ اَلنّارِ

منزهی تو ای که خدایی جز تو نیست. به فریاد رس، به فریاد رس ـ پروردگارا ـ ما را

يا رَبِّ. (۲) يا سَيِّدَ اَلسّاداتِ يا مُجيبَ اَلدَّعَواتِ يا رافِعَ

از آتش برهان. (۲) ای سرور سروران، ای برآورندهٔ خواهشها، ای بلند کنندهٔ

اَلدَّرَجاتِ یا وَلِیَّ الْحَسَناتِ یا غافِرَ الْخَطیئاتِ یا مُعْطِیَ
درجه‌ها، ای دارندهٔ خوبیها، ای آمرزندهٔ خطاها، ای بخشندهٔ

الْمَسْئَلاتِ، یا قابِلَ التَّوْباتِ، یا سامِعَ الْأَصْواتِ، یا عالِمَ
خواسته‌ها، ای پذیرندهٔ توبه‌ها، ای شنوندهٔ آواها، ای دانای

الْخَفِیّاتِ، یا دافِعَ الْبَلِیّاتِ. (۳) یا خَیْرَ الْغافِرینَ، یا خَیْرَ
نهانی‌ها، ای گردانندهٔ بلاها. (۳) ای بهترین آمرزنده، ای بهترین

الْفاتِحینَ، یا خَیْرَ النّاصِرینَ یا خَیْرَ الْحاکِمینَ، یا خَیْرَ
گشاینده، ای بهترین یاور، ای بهترین حکم کننده، ای بهترین

الرّازِقینَ، یا خَیْرَ الْوارِثینَ، یا خَیْرَ الْحامِدینَ، یا خَیْرَ
روزی دهنده، ای بهترین ارث برنده، ای بهترین سپاس گوینده، ای بهترین

الذّاکِرینَ، یا خَیْرَ الْمُنْزِلینَ، یا خَیْرَ الْمُحْسِنینَ. (۴) یا مَنْ لَهُ
یادآورنده، ای بهترین میزبان، ای بهترین احسان کننده. (۴) ای که

الْعِزَّةُ وَ الْجَمالُ، یا مَنْ لَهُ الْقُدْرَةُ وَ الْکَمالُ، یا مَنْ لَهُ
عزت و جمال تو راست، ای که قدرت و کمال تراست، ای که

الْمُلْکُ وَالْجَلالُ، یا مَنْ هُوَ الْکَبیرُ الْمُتَعالُ، یا مُنْشِئَ
ملک و جلال تو راست، ای که تو بزرگ و برتری؛ ای که پدید آورندهٔ

السَّحابِ الثِّقالِ، یا مَنْ هُوَ شَدیدُ الْمِحالِ، یا مَنْ هُوَ سَریعُ
ابرهای سنگین از بارانی، ای که سخت نیرویی، ای آنکه زود

الْحِسابِ، یا مَنْ هُوَ شَدیدُ الْعِقابِ، یا مَنْ عِنْدَهُ حُسْنُ
حسابرس و سخت کیفری، ای که پاداش نیک نزد توست، ای که بهترین پاداش‌ها

اَلثَّوابِ، یا مَنْ عِنْدَهُ اُمُّ الْکِتابِ. (۵) اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ
نزد توست. ای که ام الکتاب نزد توست. (۵) بار خدایا، همانا که من تو را

بِاسْمِكَ، یا حَنّانُ یا مَنّانُ یا دَیّانُ یا بُرْهانُ یا سُلْطانُ
به نامت می‌خوانم، یا حنان و یا منّان و یا دیّان و یا برهان و یا سلطان

یا رِضْوانُ یا غُفْرانُ یا سُبْحانُ یا مُسْتَعانُ یا ذَا الْمَنِّ وَ الْبَیانِ.
و یا رضوان و یا غفران و یا سبحان و یا مستعان و یا صاحب منت و بیان.

(۶) یا مَنْ تَواضَعَ کُلُّ شَیْءٍ لِعَظَمَتِهِ، یا مَنِ اسْتَسْلَمَ کُلُّ شَیْءٍ
(۶) ای که همه چیز در برابر بزرگی تو فروتن است، ای که همه چیز در برابر قدرتت

لِقُدْرَتِهِ، یا مَنْ ذَلَّ کُلُّ شَیْءٍ لِعِزَّتِهِ، یا مَنْ خَضَعَ کُلُّ شَیْءٍ
تسلیم است، ای که همه چیز در برابر عزتت خوار است، ای که همه چیز در برابر هیبتت

لِهَیْبَتِهِ، یا مَنِ انْقادَ کُلُّ شَیْءٍ مِنْ خَشْیَتِهِ، یا مَنْ تَشَقَّقَتِ
خاضع است، ای که همه چیز از بیم تو فرمانبردار است، ای که از هراس تو

الْجِبالُ مِنْ مَخافَتِهِ، یا مَنْ قامَتِ السَّمٰواتُ بِاَمْرِهِ، یا مَنِ
کوهها از هم می‌پاشد، ای که آسمانها به فرمانت بر پای ایستاده‌اند، ای که

اسْتَقَرَّتِ الْاَرَضُونَ بِاِذْنِهِ، یا مَنْ یُسَبِّحُ الرَّعْدُ بِحَمْدِهِ، یا مَنْ
طبقات زمین به اذن تو استقرار یافته است، ای که تندر به سپاس تو تسبیح گوی است، ای که

لا یَعْتَدی عَلیٰ اَهْلِ مَمْلَکَتِهِ. (۷) یا غافِرَ الْخَطایا، یا کاشِفَ
به اهل حکومت خود ستم و تجاوز روا نمی‌داری. (۷) ای آمرزندهٔ خطاها، ای بر طرف کنندهٔ

الْبَلایا، یا مُنْتَهَی الرَّجایا، یا مُجْزِلَ الْعَطایا، یا واهِبَ
بلایا، ای نهایت امیدها، ای بخشندهٔ عطاها، ای بخشندهٔ

اَلْهَدٰايٰا، يٰا رٰازِقَ اَلْبَرٰايٰا، يٰا قٰاضِيَ اَلْمَنٰايٰا، يٰا سٰامِعَ اَلشَّكٰايٰا،
هدیه‌ها، ای روزی بخش مردمان، ای بر آورندهٔ آرزوها، ای شنوندهٔ شکایتها،

يٰا بٰاعِثَ اَلْبَرٰايٰا، يٰا مُطْلِقَ اَلْأُسٰارىٰ. (٨) يٰا ذَا اَلْحَمْدِ وَ اَلثَّنٰاءِ،
ای بر انگیزندهٔ خلق، ای رهایی بخش اسیران. (۸) ای دارندهٔ سپاس و ستایش،

يٰا ذَا اَلْفَخْرِ وَ اَلْبَهٰاءِ، يٰا ذَا اَلْمَجْدِ وَ اَلسَّنٰاءِ، يٰا ذَا اَلْعَهْدِ
ای دارندهٔ فخر و شکوه، ای بلند پایه و برتر، ای دارندهٔ عهد

وَ اَلْوَفٰاءِ، يٰا ذَا اَلْعَفْوِ وَ اَلرِّضٰاءِ، يٰا ذَا اَلْمَنِّ وَ اَلْعَطٰاءِ،
و وفا، ای دارای بخشایش و رضا، ای دارای نعمت و عطا،

يٰا ذَا اَلْفَصْلِ وَ اَلْقَضٰاءِ، يٰا ذَا اَلْعِزِّ وَ اَلْبَقٰاءِ، يٰا ذَا اَلْجُودِ
ای دارندهٔ فصل و قضا، ای دارندهٔ عزّت و بقا، ای دارندهٔ گشاده دستی

وَ اَلسَّخٰاءِ، يٰا ذَا اَلْآلاٰءِ وَ اَلنَّعْمٰاءِ. (٩) اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْئَلُكَ
و سخا، ای دارندهٔ رحمتها و نعمتها. (۹) بارالها، همانا که منْ به نام تو

بِاسْمِكَ يٰا مٰانِعُ يٰا دٰافِعُ يٰا رٰافِعُ يٰا صٰانِعُ يٰا نٰافِعُ يٰا سٰامِعُ
از تو مسئلت دارم؛ ای مانع و ای باز دارنده، ای سازنده، ای سود بخش، ای شنونده،

يٰا جٰامِعُ. يٰا شٰافِعُ يٰا وٰاسِعُ يٰا مُوسِعُ. (١٠) يٰا صٰانِعَ كُلِّ مَصْنُوعٍ،
ای جامع، ای شفاعت کننده، ای گشایش دهنده، ای گسترش دهنده. (۱۰) ای سازندهٔ هر ساخته شدٌه،

يٰا خٰالِقَ كُلِّ مَخْلُوقٍ، يٰا رٰازِقَ كُلِّ مَرْزُوقٍ، يٰا مٰالِكَ كُلِّ
ای آفرینندهٔ هر آفریده، ای روزی دهندهٔ هر روزی گیرنده، ای مالک هر

مَمْلُوكٍ، يٰا كٰاشِفَ كُلِّ مَكْرُوبٍ، يٰا فٰارِجَ كُلِّ مَهْمُومٍ،
مملوک، ای برطرف کنندهٔ هر گرفتاری، ای گشایش بخش هر غمزدٌه،

یٰا رٰاحِمَ کُلِّ مَرْحُومٍ، یٰا نٰاصِرَ کُلِّ مَخْذُولٍ، یٰا سٰاتِرَ کُلِّ
ای رحم کنندهٔ هر مورد ترحم، ای یاور هر شکست خورده، ای پوشانندهٔ همهٔ

مَعْیُوبٍ، یٰا مَلْجَأَ کُلِّ مَطْرُودٍ. (۱۱) یٰا عُدَّتِی عِنْدَ شِدَّتِی،
عیبناکها، ای پناهگاه هر رانده شده. (۱۱) ای یاور من به هنگام سختیها،

یٰا رَجٰائِی عِنْدَ مُصِیبَتِی، یٰا مُونِسِی عِنْدَ وَحْشَتِی، یٰا صٰاحِبِی
ای امید من در مصیبت من، ای همدم من هنگام وحشت من، ای دوست من

عِنْدَ غُرْبَتِی، یٰا وَلِیِّی عِنْدَ نِعْمَتِی، یٰا غِیٰاثِی عِنْدَ کُرْبَتِی،
در وقت تنهایی من، ای سرپرست من هنگام نعمت من، ای فریادرس من هنگام گرفتاری من،

یٰا دَلِیلِی عِنْدَ حَیْرَتِی، یٰا غِنٰائِی عِنْدَ افْتِقٰارِی، یٰا مَلْجَأِی
ای راهنمای من در وقت سرگردانی من، ای توانگری من هنگام تنگدستی من، ای پناهگاه من

عِنْدَ اضْطِرٰارِی، یٰا مُعِینِی عِنْدَ مَفْزَعِی. (۱۲) یٰا عَلاّٰمَ الْغُیُوبِ،
در وقت ناچاری من، ای یاور من هنگام ترس من. (۱۲) ای دانای غیبها،

یٰا غَفّٰارَ الذُّنُوبِ، یٰا سَتّٰارَ الْعُیُوبِ، یٰا کٰاشِفَ الْکُرُوبِ،
ای آمرزگار گناهها، ای پوشانندهٔ عیبها، ای برطرف کنندهٔ اندوهها،

یٰا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ، یٰا طَبِیبَ الْقُلُوبِ، یٰا مُنَوِّرَ الْقُلُوبِ،
ای دگرگون کنندهٔ دلها، ای طبیب قلبها، ای روشنگر دلها،

یٰا أَنِیسَ الْقُلُوبِ، یٰا مُفَرِّجَ الْهُمُومِ، یٰا مُنَفِّسَ الْغُمُومِ
ای همدم دلها، ای گشایندهٔ اندوهها، ای برکنار کنندهٔ غمها.

(۱۳) اَللّٰهُمَّ إِنِّی أَسْئَلُکَ بِاسْمِکَ، یٰا جَلِیلُ یٰا جَمِیلُ یٰا وَکِیلُ
(۱۳) بارالها، از تو مسئلت دارم به نامت، ای جلیل و ای جمیل و ای وکیل

يٰا كَفِيلُ يٰا دَلِيلُ يٰا قَبِيلُ يٰا مُدِيلُ يٰا مُنِيلُ يٰا مُقِيلُ يٰا مُحِيلُ.

و ای کفیل و ای دلیل، ای پذیرنده، ای چرخاننده، ای بخشنده، ای در گذرنده، ای جابجا کننده.

(۱۴) يٰا دَلِيلَ الْمُتَحَيِّرِينَ، يٰا غِيٰاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ، يٰا صَرِيخَ

(۱۴) ای راهنمای سرگردانان، ای فریادرس فریادرسان، ای یاری کنندهٔ

الْمُسْتَصْرِخِينَ، يٰا جٰارَ الْمُسْتَجِيرِينَ، يٰا أَمٰانَ الْخٰائِفِينَ،

یاری خواهان، ای پناه پناه جویان، ای امان بیمناکان،

يٰا عَوْنَ الْمُؤْمِنِينَ، يٰا رٰاحِمَ الْمَسٰاكِينِ، يٰا مَلْجَأَ الْعٰاصِينَ،

ای یاور مؤمنین، ای رحم کننده بر مسکینان، ای پناهگاه نافرمانان،

يٰا غٰافِرَ الْمُذْنِبِينَ،يٰا مُجِيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ.(۱۵) يٰا ذَا الْجُودِ

ای آمرزندهٔ گناهکاران، ای برآورندهٔ دعای بیچارگان. (۱۵) ای صاحب بخشش

وَ الْإِحْسٰانِ، يٰا ذَا الْفَضْلِ وَ الْاِمْتِنٰانِ، يٰا ذَا الْأَمْنِ وَ الْأَمٰانِ،

و احسان، ای دارای برتری و امتنان، ای صاحب امن و امان،

يٰا ذَا الْقُدْسِ وَ السُّبْحٰانِ، يٰا ذَا الْحِكْمَةِ وَ الْبَيٰانِ، يٰا ذَا الرَّحْمَةِ

ای دارای قدس و بی آلایشی، ای دارای حکمت و بیان، ای صاحب رحمت

وَ الرِّضْوٰانِ، يٰا ذَا الْحُجَّةِ وَ الْبُرْهٰانِ، يٰا ذَا الْعَظَمَةِ وَالسُّلْطٰانِ،

و رضوان، ای صاحب حجّت و برهان، ای صاحب عظمت و چیرگی،

يٰا ذَا الرَّأْفَةِ وَ الْمُسْتَعٰانِ، يٰا ذَا الْعَفْوِ وَ الْغُفْرٰانِ. (۱۶) يٰا مَنْ

ای دارای رأفت و یاوری، ای دارای بخشایش و آمرزش. (۱۶) ای

هُوَ رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ، يٰا مَنْ هُوَ إِلٰهُ كُلِّ شَيْءٍ، يٰا مَنْ هُوَ خٰالِقُ

پروردگار همهٔ موجودات، ای خدای همهٔ موجودات، ای آفرینندهٔ

كُلِّ شَيْءٍ، يا مَنْ هُوَ صانِعُ كُلِّ شَيْءٍ، يا مَنْ هُوَ قَبْلَ كُلِّ
همهٔ موجودات، ای سازندهٔ همهٔ موجودات، ای پیش از همهٔ
شَيْءٍ، يا مَنْ هُوَ بَعْدَ كُلِّ شَيْءٍ، يا مَنْ هُوَ فَوْقَ كُلِّ شَيْءٍ،
موجودات، ای بعد از همهٔ موجودات، ای بالای همهٔ موجودات،
يا مَنْ هُوَ عالِمٌ بِكُلِّ شَيْءٍ، يا مَنْ هُوَ قادِرٌ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ،
ای دانا به همهٔ موجودات، ای توانا به همهٔ موجودات،
يا مَنْ هُوَ يَبْقىٰ وَ يَفْنىٰ كُلُّ شَيْءٍ. (۱۷) اَللّٰهُمَّ إِنّي أَسْئَلُكَ
ای که تو باقی هستی و همهٔ موجودات فانی هستند. (۱۷) بارخدایا به نام تو از تو
بِاسْمِكَ يا مُؤْمِنُ يا مُهَيْمِنُ يا مُكَوِّنُ يا مُلَقِّنُ يا مُبَيِّنُ يا مُهَوِّنُ
مسئلت دارم، ای مؤمن، ای مهیمن، ای بوجود آورنده، ای تلقین کننده، ای روشن کننده،
يا مُمَكِّنُ يا مُزَيِّنُ يا مُعْلِنُ يا مُقَسِّمُ. (۱۸) يا مَنْ هُوَ في مُلْكِهِ
ای آسان کننده، ای زینت بخش، ای آگاهی‌بخش، ای تقسیم کننده. (۱۸) ای که در حکومت خود
مُقيمٌ، يا مَنْ هُوَ في سُلْطانِهِ قَديمٌ، يا مَنْ هُوَ في جَلالِهِ
ثابتی، ای که در چیرگی خود قدیمی، ای که در جلال خویش
عَظيمٌ، يا مَنْ هُوَ عَلىٰ عِبادِهِ رَحيمٌ، يا مَنْ هُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ
عظیمی، ای که بر بندگانت رحیمی، ای که به همه چیز
عَليمٌ، يا مَنْ هُوَ بِمَنْ عَصاهُ حَليمٌ، يا مَنْ هُوَ بِمَنْ رَجاهُ
دانایی، ای که با کسی که از تو نافرمانی کرد بردباری، ای که به هر کس به تو امید می‌بندد
كَريمٌ، يا مَنْ هُوَ في صُنْعِهِ حَكيمٌ، يا مَنْ هُوَ في حِكْمَتِهِ
کریمی، ای که در صنع خویش حکیمی، ای که در حکمت خود

لَطيفٌ، يٰا مَنْ هُوَ في لُطْفِهِ قَديمٌ. (۱۹) يٰا مَنْ لاٰ يُرْجىٰ إِلّا

باریک بینی، ای که در لطف خود قدیمی. (۱۹) ای که جز به فضل تو

فَضْلُهُ، يٰا مَنْ لاٰ يُسْئَلُ إِلّا عَفْوُهُ، يٰا مَنْ لاٰ يُنْظَرُ إِلّا بِرُّهُ، يٰا مَنْ

امیدی نیست، ای که جز بخشایش تو تقاضایی نیست، ای که جز به نیکی تو انتظاری نیست، ای که

لاٰ يُخٰافُ إِلّا عَدْلُهُ، يٰا مَنْ لاٰ يَدُومُ إِلّا مُلْكُهُ، يٰا مَنْ لاٰ سُلْطٰانَ

جز از عدل تو بیمی نیست، ای که جز ملک تو را دوام نیست، ای که جز تسلط تو

إِلّا سُلْطٰانُهُ، يٰا مَنْ وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ رَحْمَتُهُ، يٰا مَنْ سَبَقَتْ

تسلطی نیست، ای که رحمت تو از همه چیز گسترده‌تر است، ای که رحمتت

رَحْمَتُهُ غَضَبَهُ، يٰا مَنْ أَحٰاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمُهُ، يٰا مَنْ لَيْسَ

بر خشمت پیشی گیرد، ای که علمت همه چیز را فرا گرفته است، ای که هیچ کس

أَحَدٌ مِثْلَهُ. (۲۰) يٰا فٰارِجَ ٱلْهَمِّ، يٰا كٰاشِفَ ٱلْغَمِّ، يٰا غٰافِرَ

مانند تو نباشد. (۲۰) ای گشایندهٔ اندوه، ای برطرف کنندهٔ غم، ای آمرزندهٔ

ٱلذَّنْبِ، يٰا قٰابِلَ ٱلتَّوْبِ، يٰا خٰالِقَ ٱلْخَلْقِ، يٰا صٰادِقَ ٱلْوَعْدِ،

گناهان، ای پذیرندهٔ توبه، ای آفرینندهٔ آفریدگان، ای درست پیمان،

يٰا مُوفِيَ ٱلْعَهْدِ، يٰا عٰالِمَ ٱلسِّرِّ، يٰا فٰالِقَ ٱلْحَبِّ، يٰا رٰازِقَ

ای بجای آورندهٔ عهد، ای دانای نهان، ای شکافندهٔ دانه، ای روزی رسان

ٱلْأَنٰامِ. (۲۱) اَللّٰهُمَّ إِنّي أَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ، يٰا عَلِيُّ يٰا وَفِيُّ

مردم. (۲۱) بار خدایا، من به نام تو از تو مسئلت دارم؛ ای بلند پایه، ای وفا کننده،

يٰا غَنِيُّ يٰا مَلِيُّ يٰا حَفِيُّ يٰا رَضِيُّ يٰا زَكِيُّ يٰا بَدِيُّ يٰا قَوِيُّ

ای توانگر، ای دارا، ای مهربان، ای خشنود، ای پاکیزه، ای آغاز کننده، ای نیرومند،

يا وَلِيُّ. (۲۲) يا مَنْ أَظْهَرَ ٱلْجَمِيلَ، يا مَنْ سَتَرَ ٱلْقَبِيحَ، يا مَنْ
ای دوستدارنده. (۲۲) ای که زیبایی را آشکار می‌فرمایی، ای که زشتی را می‌پوشانی، ای که

لَمْ يُؤاخِذْ بِالْجَرِيرَةِ، يا مَنْ لَمْ يَهْتِكِ ٱلسِّتْرَ، يا عَظِيمَ ٱلْعَفْوِ،
کسی را بیدرنگ کیفر ندهی، ای که پردهٔ آبروی مردمان ندری، ای بزرگ بخشایش،

يا حَسَنَ ٱلتَّجاوُزِ، يا واسِعَ ٱلْمَغْفِرَةِ، يا باسِطَ ٱلْيَدَيْنِ
ای دارندهٔ چشم پوشی نیکو، ای گسترندهٔ آمرزش، ای توسعه دهندهٔ

بِالرَّحْمَةِ، يا صاحِبَ كُلِّ نَجْوىٰ، يا مُنْتَهىٰ كُلِّ شَكْوىٰ.
رحمت، ای که همراه هر رازگویی، ای آخرین پناه هر شکایت کننده.

(۲۳) يا ذَا ٱلنِّعْمَةِ ٱلسّابِغَةِ، يا ذَا ٱلرَّحْمَةِ ٱلْواسِعَةِ، يا ذَا ٱلْمِنَّةِ
(۲۳) ای صاحب نعمت بی‌پایان، ای دارای رحمت بی‌اندازه، ای دارای منت

ٱلسّابِقَةِ، يا ذَا ٱلْحِكْمَةِ ٱلْبالِغَةِ، يا ذَا ٱلْقُدْرَةِ ٱلْكامِلَةِ،
پیشین، ای دارای حکمت رسا، ای صاحب قدرت کامل،

يا ذَا ٱلْحُجَّةِ ٱلْقاطِعَةِ، يا ذَا ٱلْكَرامَةِ ٱلظّاهِرَةِ، يا ذَا ٱلْعِزَّةِ
ای دارای دلیل قاطع، ای دارای بزرگواری آشکارا، ای صاحب عزت

ٱلدّائِمَةِ يا ذَا ٱلْقُوَّةِ ٱلْمَتِينَةِ، يا ذَا ٱلْعَظَمَةِ ٱلْمَنِيعَةِ. (۲۴) يا بَدِيعَ
جاویدان، ای دارای قوت استوار، ای دارای عظمت بلند. (۲۴) ای پدید آورندهٔ

ٱلسَّمٰواتِ، يا جاعِلَ ٱلظُّلُماتِ، يا راحِمَ ٱلْعَبَراتِ، يا مُقِيلَ
آسمانها، ای آفرینندهٔ تاریکی‌ها، ای مهرورز به اشکها، ای گذشت کننده

ٱلْعَثَراتِ، يا ساتِرَ ٱلْعَوْراتِ، يا مُحْيِيَ ٱلْأَمْواتِ، يا مُنْزِلَ
از لغزشها، ای پوشانندهٔ عیبها، ای جانبخش به مردگان، ای فرود آورندهٔ

اَلْآياتِ، يا مُضَعِّفَ اَلْحَسَناتِ، يا ماحِيَ اَلسَّيِّئاتِ، يا شَديدَ

آیات، ای که کار نیکو را چندین برابر کنی، ای که بدی‌ها را نابود فرمایی، ای دارای

اَلنَّقِماتِ. (۲۵) اَللّٰهُمَّ إِنّي أَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ، يا مُصَوِّرُ يا مُقَدِّرُ

شکنجه‌های سخت. (۲۵) بار خدایا! به نام تو از تو مسئلت دارم؛ ای تصویر بند صورت، ای تقدیر کننده،

يا مُدَبِّرُ يا مُطَهِّرُ يا مُنَوِّرُ يا مُيَسِّرُ يا مُبَشِّرُ يا مُنْذِرُ يا مُقَدِّمُ

ای تدبیر کننده، ای پاکیزه کننده، ای روشن کننده، ای آسان کننده، ای مژده دهنده، ای ترساننده، ای پیش دارنده،

يا مُؤَخِّرُ. (۲۶) يا رَبَّ اَلْبَيْتِ اَلْحَرامِ، يا رَبَّ اَلشَّهْرِ اَلْحَرامِ،

ای به عقب اندازنده. (۲۶) ای پروردگار خانهٔ با احترام ای پروردگار ماه با حرمت،

يا رَبَّ اَلْبَلَدِ اَلْحَرامِ، يا رَبَّ اَلرُّكْنِ وَ اَلْمَقامِ، يا رَبَّ

ای پروردگار شهرستان با احترام، ای پروردگار رکن و مقام، ای پروردگار

اَلْمَشْعَرِ اَلْحَرامِ، يا رَبَّ اَلْمَسْجِدِ اَلْحَرامِ، يا رَبَّ اَلْحِلِّ

مشعر الحرام، ای پروردگار مسجد الحرام، ای پروردگار حلال

وَاَلْحَرامِ، يا رَبَّ اَلنُّورِ وَاَلظَّلامِ، يا رَبَّ اَلتَّحِيَّةِ وَ اَلسَّلامِ،

و حرام، ای پروردگار نور و ظلام، ای پروردگار تحیت و سلام،

يا رَبَّ اَلْقُدْرَةِ فِي اَلْأَنامِ. (۲۷) يا أَحْكَمَ اَلْحاكِمينَ، يا أَعْدَلَ

ای پروردگار قدرت در مردم. (۲۷) ای که از همهٔ حکم دهندگان حکم تو استوارتر است، ای که از همهٔ عادلان

اَلْعادِلينَ، يا أَصْدَقَ اَلصّادِقينَ، يا أَطْهَرَ اَلطّاهِرينَ، يا أَحْسَنَ

عادلتری، ای راستگوترین راستگویان، ای پاکترین پاکان، ای بهترین

اَلْخالِقينَ، يا أَسْرَعَ اَلْحاسِبينَ، يا أَسْمَعَ اَلسّامِعينَ، يا أَبْصَرَ

آفرینندگان، ای سریعترین حسابگران، ای شنونده‌ترین شنوندگان، ای بیننده‌ترین

اَلنّاظِرِینَ، یا اَشْفَعَ الشّافِعِینَ، یا اَکْرَمَ الْاَکْرَمِینَ. (۲۸) یا عِمادَ
بینندگان، ای شفیع‌ترین شفاعت کنندگان، ای اکرم الاکرمین. (۲۸) ای پشتیبان

مَنْ لا عِمادَ لَهُ، یا سَنَدَ مَنْ لا سَنَدَ لَهُ، یا ذُخْرَ مَنْ لا ذُخْرَ لَهُ،
کسی که پشتیبان ندارد، ای تکیه‌گاه کسی که تکیه گاهی ندارد، ای ذخیرهٔ کسی که ذخیره‌ای ندارد،

یا حِرْزَ مَنْ لا حِرْزَ لَهُ، یا غِیاثَ مَنْ لا غِیاثَ لَهُ، یا فَخْرَ مَنْ
ای امن گاه کسی که او را پناهگاهی نیست، ای فریادرس آن کس که فریادرس ندارد، ای فخر کسی که

لا فَخْرَ لَهُ، یا عِزَّ مَنْ لا عِزَّ لَهُ، یا مُعِینَ مَنْ لا مُعِینَ لَهُ،
فخری ندارد، ای عزت کسی که عزتی ندارد، ای یاور کسی که یاوری ندارد،

یا اَنِیسَ مَنْ لا اَنِیسَ لَهُ، یا اَمانَ مَنْ لا اَمانَ لَهُ. (۲۹) اَللّٰهُمَّ
ای همدم آن کس که همدمی ندارد، ای امان کسی که امانی ندارد. (۲۹) بارالها،

اِنّی اَسْئَلُکَ بِاسْمِکَ، یا عاصِمُ یا قائِمُ یا دائِمُ یا راحِمُ
تو را به اسمت می‌خوانم و از تو مسئلت می‌کنم؛ ای نگاهدار، ای پای استوار، ای جاودانی، ای رحم کننده،

یا سالِمُ یا حاکِمُ یا عالِمُ یا قاسِمُ یا قابِضُ یا باسِطُ.
ای دارای سلامت، ای حاکم، ای عالم، ای قاسم، ای قبض کننده، ای بسط کننده.

(۳۰) یا عاصِمَ مَنِ اسْتَعْصَمَهُ، یا راحِمَ مَنِ اسْتَرْحَمَهُ، یا غافِرَ
(۳۰) ای نگاهدارندهٔ کسی که از تو نگاهداری‌خواهد، ای مهرورز به کسی‌که از تو مهر جوید، ای آمرزندهٔ

مَنِ اسْتَغْفَرَهُ، یا ناصِرَ مَنِ اسْتَنْصَرَهُ، یا حافِظَ مَنِ اسْتَحْفَظَهُ،
کسی که از تو آمرزش خواهد، ای یاری دهندهٔ کسی‌که‌از تو یاری خواهد، ای‌حافظ کسی‌که‌از تو حفاظت خواهد،

یا مُکْرِمَ مَنِ اسْتَکْرَمَهُ، یا مُرْشِدَ مَنِ اسْتَرْشَدَهُ، یا صَرِیخَ مَنِ
ای اکرام کنندهٔ کسی‌که از تو اکرام‌خواهد، ای رهنمای کسی‌که از تو راهنمایی‌طلبد، ای فریادرس کسی‌که از تو

اَسْتَصْرَخَهُ، یٰا مُعینَ مَنِ اَسْتَعٰانَهُ، یٰا مُغیثَ مَنِ اَسْتَغٰاثَهُ.

فریادرسی خواهد، ای یاور کسی که از تو کمک خواهد، ای دادرس کسی‌که‌از تو دادرسی خواهد.

(۳۱) یٰا عَزیزاً لاٰ یُضٰامُ، یٰا لَطیفاً لاٰ یُرٰامُ، یٰا قَیُّوماً لاٰ یَنٰامُ،

(۳۱) ای عزیزی که شکست‌ناپذیر است، ای‌برمهری که هدف‌قرار نگیرد،ای قیومی که نمی‌خوابد،

یٰا دٰائِماً لاٰ یَفُوتُ،یٰا حَیّاً لاٰ یَمُوتُ، یٰا مَلِکاً لاٰ یَزُولُ،یٰا بٰاقِیاً

ای جاویدی که از میان نرود، ای زنده‌ای که‌نمیرد، ای سلطانی‌که برکنار نشود، ای همیشه جاودانه‌ای

لاٰ یَفْنیٰ، یٰا عٰالِماً لاٰ یَجْهَلُ، یٰاصَمَداً لاٰ یُطْعَمُ، یٰا قَوِیّاً

که هرگز فانی نشود، ای عالمی که دچار جهل نگردد، ای رفیعی که خورش نخواهد، ای نیرومندی که

لاٰیَضْعُفُ. (۳۲) اَللّٰهُمَّ إِنّي أَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ، یٰا أَحَدُ یٰا وٰاحِدُ

ناتوان نشود. (۳۲) بارالها بنام تو از تو مسئلت دارم؛ ای یکتا، ای یگانه،

یٰا شٰاهِدُ یٰا مٰاجِدُ یٰا حٰامِدُ یٰا رٰاشِدُ یٰا بٰاعِثُ یٰا وٰارِثُ یٰا ضٰآرُّ

ای حاضر، ای بزرگوار، ای ستوده، ای راهنما، ای برانگیزنده، ای ارث برنده، ای آسیب رسان،

یٰا نٰافِعُ. (۳۳) یٰا أَعْظَمَ مِنْ كُلِّ عَظیمٍ، یٰا أَكْرَمَ مِنْ كُلِّ كَریمٍ،

ای سود بخش. (۳۳) ای بزرگتر از هر بزرگی، ای کریمتر از هر کریمی،

یٰا أَرْحَمَ مِنْ كُلِّ رَحیمٍ، یٰا أَعْلَمَ مِنْ كُلِّ عَلیمٍ، یٰا أَحْكَمَ مِنْ

ای مهرورزتر از هر مهرورزی، ای داناتر از هر دانایی، ای خردمندتر

كُلِّ حَكیمٍ، یٰا أَقْدَمَ مِنْ كُلِّ قَدیمٍ، یٰا أَكْبَرَ مِنْ كُلِّ كَبیرٍ،

از هر خردمندی، ای قدیمتر از هر قدیمی، ای بزرگتر از هر بزرگ،

یٰا أَلْطَفَ مِنْ كُلِّ لَطیفٍ، یٰا أَجَلَّ مِنْ كُلِّ جَلیلٍ، یٰا أَعَزَّ مِنْ

ای لطیفتر از هر لطیف، ای جلیل‌تر از هر جلیل، ای عزیزتر از

كُلِّ عَزِيزٍ. (۳۴) يٰا كَرِيمَ ٱلصَّفْحِ، يٰا عَظِيمَ ٱلْمَنِّ، يٰا كَثِيرَ ٱلْخَيْرِ،
هر عزیز. (۳۴) ای بزرگوار بخشنده، ای دارای منت عظیم، ای دارای خیر بسیار

يٰا قَدِيمَ ٱلْفَضْلِ، يٰا دٰائِمَ ٱللُّطْفِ، يٰا لَطِيفَ ٱلصُّنْعِ، يٰا مُنَفِّسَ
ای دارای فضل قدیم، ای دارای لطف دائم، ای دارای صنع لطیف، ای برطرف کنندهٔ

ٱلْكَرْبِ، يٰا كٰاشِفَ ٱلضُّرِّ، يٰا مٰالِكَ ٱلْمُلْكِ، يٰا قٰاضِيَ ٱلْحَقِّ.
اندوه، ای دورکنندهٔ زیان، ای مالک ملک، ای قاضی به حق.

(۳۵) يٰا مَنْ هُوَ فِي عَهْدِهِ وَفِيٌّ، يٰا مَنْ هُوَ فِي وَفٰائِهِ قَوِيٌّ،
(۳۵) ای که بر سر پیمانی، ای که در وفاجویی خود نیرومندی،

يٰا مَنْ هُوَ فِي قُوَّتِهِ عَلِيٌّ، يٰا مَنْ هُوَ فِي عُلُوِّهِ قَرِيبٌ، يٰا مَنْ
ای که در نیرومندی خود بلند پایه‌ای، ای که در بلند پایگی خود نزدیکی، ای که

هُوَ فِي قُرْبِهِ لَطِيفٌ، يٰا مَنْ هُوَ فِي لُطْفِهِ شَرِيفٌ، يٰا مَنْ هُوَ
در نزدیکی خود لطیفی، ای که در لطف خود شریفی، ای که

فِي شَرَفِهِ عَزِيزٌ، يٰا مَنْ هُوَ فِي عِزِّهِ عَظِيمٌ، يٰا مَنْ هُوَ فِي
در شرف خود عزیزی، ای که در عزت خود عظیمی، ای که در

عَظَمَتِهِ مَجِيدٌ، يٰا مَنْ هُوَ فِي مَجْدِهِ حَمِيدٌ. (۳۶) اَللّٰهُمَّ إِنِّي
عظمت خود بزرگواری، ای که در بزرگواری خود ستوده‌ای. (۳۶) بار خدایا، من به

أَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ، يٰا كٰافِي يٰا شٰافِي يٰا وٰافِي يٰا مُعٰافِي يٰا هٰادِي
نام تو از تو تقاضا دارم؛ ای کفایت کننده، ای شفا دهنده، ای وفادار، ای عافیت بخش، ای رهبر،

يٰا دٰاعِي يٰا قٰاضِي يٰا رٰاضِي يٰا عٰالِي يٰا بٰاقِي. (۳۷) يٰا مَنْ كُلُّ
ای دعوت کننده، ای قاضی، ای راضی، ای عالی، ای باقی. (۳۷) ای که همه چیز

شَيْءٍ خاضِعٌ لَهُ، يا مَنْ كُلُّ شَيْءٍ خاشِعٌ لَهُ، يا مَنْ كُلُّ شَيْءٍ
در آستانت سر فروتنی در پیش دارد، ای که همه چیز در درگاهت فروتن است، ای که همه چیز

كائِنٌ لَهُ، يا مَنْ كُلُّ شَيْءٍ مَوْجُودٌ بِهِ، يا مَنْ كُلُّ شَيْءٍ مُنيبٌ
از تو هستی یافته است، ای که همه چیز به تو جامهٔ وجود گرفته است، ای که همه چیز به سوی تو

إِلَيْهِ، يا مَنْ كُلُّ شَيْءٍ خائِفٌ مِنْهُ، يا مَنْ كُلُّ شَيْءٍ قائِمٌ بِهِ،
باز می‌گردد، ای که همه چیز از تو بیم دارد، ای که همه چیز از تو برپاست،

يا مَنْ كُلُّ شَيْءٍ صائِرٌ إِلَيْهِ، يا مَنْ كُلُّ شَيْءٍ يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ،
ای که مسیر همه چیز به سوی توست، ای که همه چیز به سپاس تو تسبیحگوست،

يا مَنْ كُلُّ شَيْءٍ هالِكٌ إِلّا وَجْهَهُ. (۳۸) يا مَنْ لا مَفَرَّ إِلّا إِلَيْهِ،
ای که همه چیز ـ جز روی تو ـ نابود شدنی است. (۳۸) ای که جز به سوی تو گریزگاهی نیست،

يا مَنْ لا مَفْزَعَ إِلّا إِلَيْهِ، يا مَنْ لا مَقْصَدَ إِلّا إِلَيْهِ، يا مَنْ لا مَنْجا
ای که جز به سوی تو پناهگاهی نیست، ای که جز به سوی تو مقصودی نیست، ای که از تو

مِنْهُ إِلّا إِلَيْهِ، يا مَنْ لا يُرْغَبُ إِلّا إِلَيْهِ، يا مَنْ لا حَوْلَ وَ لا قُوَّةَ
جز به سوی تو رهایی نیست، ای که جز به سوی تو اشتیاقی نیست، ای که جز از تو جنبش

إِلّا بِهِ، يا مَنْ لا يُسْتَعانُ إِلّا بِهِ، يا مَنْ لا يُتَوَكَّلُ إِلّا عَلَيْهِ،
و نیرویی نیست، ای که جز از تو کمکی نخواهند، ای که جز به تو توکل نکنند،

يا مَنْ لا يُرْجىٰ إِلّا هُوَ، يا مَنْ لا يُعْبَدُ إِلّا إِيّاهُ. (۳۹) يا خَيْرَ
ای که جز به تو امیدی نبندند، ای که جز تو را نپرستند. (۳۹) ای والاترین کس

الْمَرْهُوبينَ، يا خَيْرَ الْمَرْغُوبينَ، يا خَيْرَ الْمَطْلُوبينَ، يا خَيْرَ
که باید از عقاب تو بیم داشت، ای بهترین مورد اشتیاق، ای بهترین مطلوب، ای بهترین

اَلْمَسْئُولينَ، يا خَيْرَ اَلْمَقْصُودِينَ، يا خَيْرَ اَلْمَذْكُورِينَ، يا خَيْرَ

مسئول، ای بهترین مقصود، ای بهترین کس که یادش کنند، ای بهترین کس

اَلْمَشْكُورِينَ، يا خَيْرَ اَلْمَحْبُوبِينَ، يا خَيْرَ اَلْمَدْعُوِّينَ، يا خَيْرَ

که شکرانه‌اش به جای آورند، ای بهترین محبوب، ای بهترین خوانده شده‌ها، ای بهترین کس

اَلْمُسْتَأْنِسينَ. (۴۰) اَللّٰهُمَّ إِنّي أَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ يا غافِرُ يا ساتِرُ

که به او انس گیرند. (۴۰) بار خدایا، به نام تو از تو مسئلت دارم؛ ای آمرزنده، ای پوشاننده،

يا قادِرُ يا قاهِرُ يا فاطِرُ يا كاسِرُ يا جابِرُ يا ذاكِرُ يا ناظِرُ

ای قدرتمند، ای پیروز، ای آفریننده، ای شکننده، ای جبران کننده، ای یاد آورنده، ای نظر کننده،

يا ناصِرُ. (۴۱) يا مَنْ خَلَقَ فَسَوّىٰ، يا مَنْ قَدَّرَ فَهَدىٰ، يا مَنْ

ای یاور. (۴۱) یا که آفریدی و موزون ساختی، ای که مقدّر کردی و راه نمودی، ای که

يَكْشِفُ اَلْبَلْوىٰ، يا مَنْ يَسْمَعُ اَلنَّجْوىٰ، يا مَنْ يُنْقِذُ اَلْغَرْقىٰ،

بلا را برطرف می‌سازی، ای که راز را می‌شنوی، ای که غرقه را می‌رهانی،

يا مَنْ يُنْجِي اَلْهَلْكىٰ، يا مَنْ يَشْفِي اَلْمَرْضىٰ يا مَنْ أَضْحَكَ

ای که گرفتاران هلاکت را می‌رهانی، ای که بیماران بهبودی می‌بخشی، ای که می‌خندانی

وَ أَبْكىٰ، يا مَنْ أَماتَ وَ أَحْيىٰ، يا مَنْ خَلَقَ اَلزَّوْجَيْنِ اَلذَّكَرَ

و می‌گریانی، ای که می‌میرانی و زنده می‌گردانی، ای که جفت نر و ماده را

وَ اَلْأُنْثىٰ. (۴۲) يا مَنْ فِي اَلْبَرِّ وَ اَلْبَحْرِ سَبيلُهُ، يا مَنْ فِي اَلْآفاقِ

آفریدی. (۴۲) ای که را شناخت تو بیابان است و دریا، ای که نشانه‌های وجودت

آياتُهُ، يا مَنْ فِي اَلْآياتِ بُرْهانُهُ، يا مَنْ فِي اَلْمَماتِ قُدْرَتُهُ،

در آفاق است، ای که در نشانه‌ها برهان وجود توست، ای که قدرت تو در میراندن است،

يا مَنْ فِى الْقُبُورِ عِبْرَتُهُ، يا مَنْ فِى الْقِيمَةِ مُلْكُهُ، يا مَنْ فِى
ای که عبرت اندوزی از تو را در گورستان باید یافت، ای که در قیامت مُلک توست، ای که در

الْحِسابِ هَيْبَتُهُ، يا مَنْ فِى الْميزانِ قَضائُهُ، يا مَنْ فِى الْجَنَّةِ
حساب ترس از توست، ای که در میزان داوری توست، ای که پاداشی که می‌دهی در بهشت

ثَوابُهُ، يا مَنْ فِى النّارِ عِقابُهُ. (۴۳)يا مَنْ إِلَيْهِ يَهْرَبُ الْخائِفُونَ،
است، ای که عِقاب تو در آتش دوزخ است. (۴۳) ای که خائفان به سوی تو می‌گریزند،

يا مَنْ إِلَيْهِ يَفْزَعُ الْمُذْنِبُونَ، يا مَنْ إِلَيْهِ يَقْصِدُ الْمُنيبُونَ،
ای که گناهکاران به سوی تو پناه می‌آورند، ای که توبه کنندگان به سوی تو روی می‌آورند،

يا مَنْ إِلَيْهِ يَرْغَبُ الزّاهِدُونَ، يا مَنْ إِلَيْهِ يَلْجَأُ الْمُتَحَيِّرُونَ،
ای که پارسایان به سوی تو رغبت می‌کنند، ای که سرگردانان از تو پناه می‌جویند،

يا مَنْ بِهِ يَسْتَأْنِسُ الْمُريدُونَ، يا مَنْ بِهِ يَفْتَخِرُ الْمُحِبُّونَ،
ای مونس سالکان مجذوب، ای که دوستداران به تو می‌نازند،

يا مَنْ فى عَفْوِهِ يَطْمَعُ الْخاطِئُونَ، يا مَنْ إِلَيْهِ يَسْكُنُ
ای که خطاکاران به بخشایشت چشم طمع می‌دوزند، ای که صاحبان یقین به تو

الْمُوقِنُونَ يا مَنْ عَلَيْهِ يَتَوَكَّلُ الْمُتَوَكِّلُونَ. (۴۴) اَللّٰهُمَّ إِنّى
آرامش یابند، ای که توکل کنندگان به تو توکل می‌کنند. (۴۴) بارالها، به نام تو

أَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ، يا حَبيبُ يا طَبيبُ يا قَريبُ يا رَقيبُ
از تو مسئلت دارم؛ ای حبیب، ای طبیب، ای نزدیک، ای نگهبان،

يا حَسيبُ يا مُهيبُ يا مُثيبُ يا مُجيبُ يا خَبيرُ يا بَصيرُ.
ای حسابرس، ای پاداش ده، ای پاسخگوی، ای اجابت کننده، ای بسیار آگاه، ای بینا.

(۴۵) يَا أَقْرَبَ مِنْ كُلِّ قَرِيبٍ، يَا أَحَبَّ مِنْ كُلِّ حَبِيبٍ،
(۴۵) ای نزدیکتر از هر نزدیک، ای محبوبتر از هر محبوب،

يَا أَبْصَرَ مِنْ كُلِّ بَصِيرٍ، يَا أَخْبَرَ مِنْ كُلِّ خَبِيرٍ، يَا أَشْرَفَ
ای بیناتر از هر بینا، ای آگاهتر از هر آگاه، ای شریفتر

مِنْ كُلِّ شَرِيفٍ، يَا أَرْفَعَ مِنْ كُلِّ رَفِيعٍ، يَا أَقْوىٰ مِنْ كُلِّ قَوِيٍّ،
از هر شریف، ای بالاتر از هر بالا، ای نیرومندتر از هر نیرومند،

يَا أَغْنىٰ مِنْ كُلِّ غَنِيٍّ، يَا أَجْوَدَ مِنْ كُلِّ جَوَادٍ، يَا أَرْأَفَ مِنْ
ای توانگرتر از هر توانگر، ای بخشنده‌تر از هر بخشنده، ای مهربانتر از

كُلِّ رَؤُوفٍ. (۴۶) يَا غَالِباً غَيْرَ مَغْلُوبٍ، يَا صَانِعاً غَيْرَ مَصْنُوعٍ،
هر مهربان. (۴۶) ای پیروز شکست ناپذیر، ای سازندهٔ ساخته نشده،

يَا خَالِقاً غَيْرَ مَخْلُوقٍ، يَا مَالِكاً غَيْرَ مَمْلُوكٍ، يَا قَاهِراً غَيْرَ
ای آفرینندهٔ آفریده نشده، ای مالک مملوک نبوده، ای قاهر

مَقْهُورٍ، يَا رَافِعاً غَيْرَ مَرْفُوعٍ، يَا حَافِظاً غَيْرَ مَحْفُوظٍ، يَا نَاصِراً
مقهور نشده، ای بالا برندهٔ بالا بردهٔ نشده، ای حفظ کنندهٔ غیر محفوظ، ای یاور

غَيْرَ مَنْصُورٍ، يَا شَاهِداً غَيْرَ غَائِبٍ، يَا قَرِيباً غَيْرَ بَعِيدٍ.
از هیچ کس یاوری نشده، ای آشکاری که هرگز نهان نیستی، ای نزدیکی که هرگز دور نیستی.

(۴۷) يَا نُورَ النُّورِ، يَا مُنَوِّرَ النُّورِ، يَا خَالِقَ النُّورِ، يَا مُدَبِّرَ
(۴۷) ای نور نورها، ای روشنگر نور، ای آفرینندهٔ نور، ای تدبیر کنندهٔ

النُّورِ، يَا مُقَدِّرَ النُّورِ، يَا نُورَ كُلِّ نُورٍ، يَا نُوراً قَبْلَ كُلِّ نُورٍ،
نور، ای اندازه بخش نور، ای نور هر نور، ای نور پیش از هر نور،

يٰا نُوراً بَعْدَ كُلِّ نُورٍ، يٰا نُوراً فَوْقَ كُلِّ نُورٍ، يٰا نُوراً لَيْسَ
ای نور پس از هر نور، ای نور برتر از هر نور، ای نوری که

كَمِثْلِهِ نُورٌ. (۴۸) يٰا مَنْ عَطٰائُهُ شَرِيفٌ، يٰا مَنْ فِعْلُهُ لَطِيفٌ،
مانند تو نور نیست. (۴۸) ای که عطایت بزرگ است، ای که فعلت لطیف است،

يٰا مَنْ لُطْفُهُ مُقِيمٌ، يٰا مَنْ إِحْسٰانُهُ قَدِيمٌ، يٰا مَنْ قَوْلُهُ حَقٌّ،
ای که لطفت پایدارست، ای‌که احسانت قدیم است، ای که گفتارت حق است،

يٰا مَنْ وَعْدُهُ صِدْقٌ، يٰا مَنْ عَفْوُهُ فَضْلٌ، يٰا مَنْ عَذٰابُهُ عَدْلٌ،
ای که وعده‌ات راست است، ای که بخشایشت فضل است، ای که عذابت عدل است،

يٰا مَنْ ذِكْرُهُ حُلْوٌ، يٰا مَنْ فَضْلُهُ عَمِيمٌ. (۴۹) اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْئَلُكَ
ای که یادت شیرین است، ای‌که فضلت همه‌جا کشیده است. (۴۹) بارخدایا، به نام تو از تو

بِاسْمِكَ، يٰا مُسَهِّلُ يٰا مُفَصِّلُ يٰا مُبَدِّلُ يٰا مُذَلِّلُ يٰا مُنَزِّلُ
مسئلت دارم؛ ای آسان کننده، ای‌جدا کننده، ای‌تغییر دهنده، ای‌خوار کننده، ای فرود آورنده،

يٰا مُنَوِّلُ يٰا مُفْضِلُ يٰا مُجْزِلُ يٰا مُمْهِلُ يٰا مُجْمِلُ. (۵۰) يٰا مَنْ
ای عطا بخش، ای نیکی کننده، ای افزاینده، ای مهلت دهنده، ای نیکوکار. (۵۰) ای که

يَرىٰ وَلاٰ يُرىٰ يٰا مَنْ يَخْلُقُ وَ لاٰ يُخْلَقُ، يٰا مَنْ يَهْدِي
می‌بینی و دیده نمی‌شوی، ای که می‌آفرینی و آفریده نشده‌ای، ای که راه می‌نمایی

وَ لاٰ يُهْدىٰ، يٰا مَنْ يُحْيِي وَ لاٰ يُحْيىٰ، يٰا مَنْ يَسْئَلُ وَ لاٰ يُسْئَلُ،
و رهبری نمی‌شوی، ای که زنده می‌کنی و زنده نمی‌گردی، ای که از تو می‌خواهند و از هیچ کس نمی‌خواهی،

يٰا مَنْ يُطْعِمُ وَ لاٰ يُطْعَمُ، يٰا مَنْ يُجِيرُ وَ لاٰ يُجٰارُ عَلَيْهِ، يٰا مَنْ
ای که می‌خورانی و هیچ کس به تو نمی‌خوراند، ای که پناه می‌بخشی و پناهنده نمی‌گردی، ای که

يَقْضي وَ لا يُقْضىٰ عَلَيْهِ، يا مَنْ يَحْكُمُ وَ لا يُحْكَمُ عَلَيْهِ،
قضاوت کنی و بر علیه تو قضاوت نشود، ای که حکم کنی و بر علیه تو حکم نشود،

يا مَنْ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُواً أَحَدٌ. (۵۱) يا نِعْمَ
ای که فرزند نیاورده‌ای و زاییده نشده‌ای و هیچ کس همتای تو نیست. (۵۱) ای حسابرس

اَلْحَسيبُ، يا نِعْمَ اَلطَّبيبُ، يا نِعْمَ اَلرَّقيبُ، يا نِعْمَ اَلْقَريبُ،
نیکو، ای درمانگر نیکو، ای نگاهدارندهٔ نیکو، ای نزدیک نیکو،

يا نِعْمَ اَلْمُجيبُ، يا نِعْمَ اَلْحَبيبُ، يا نِعْمَ اَلْكَفيلُ، يا نِعْمَ
ای پاسخ دهندهٔ نیکو، ای محبوب نیکو، ای سرپرست نیکو، ای وکیل

اَلْوَكيلُ، يا نِعْمَ اَلْمَوْلىٰ، يا نِعْمَ اَلنَّصيرُ. (۵۲) يا سُرُورَ
نیکو، ای مولای نیکو، ای یاور نیکو. (۵۲) ای مایهٔ شادی

اَلْعارِفينَ، يا مُنَى اَلْمُحِبّينَ، يا أَنيسَ اَلْمُريدينَ، يا حَبيبَ
عارفان، ای آرزوی دوستداران، ای همدم مریدان، ای محبوب

اَلتَّوّابينَ، يا رازِقَ اَلْمُقِلّينَ، يا رَجاءَ اَلْمُذْنِبينَ، يا قُرَّةَ عَيْنِ
توبه کنندگان، ای روزی بخش تهیدستان، ای امید گناهکاران، ای روشنی چشم

اَلْعابِدينَ، يا مُنَفِّسَ عَنِ اَلْمَكْرُوبينَ، يا مُفَرِّجَ عَنِ اَلْمَغْمُومينَ،
عبادت کنندگان، ای گشایش دهندهٔ گرفتاران، ای رهاننده از اندوه،

يا إِلٰهَ اَلْأَوَّلينَ وَ اَلْآخِرينَ. (۵۳) اَللّٰهُمَّ إِنّي أَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ،
ای خدای پیشینیان و آیندگان. (۵۳) بار خدایا، به اسم تو از تو مسئلت دارم؛

يا رَبَّنا يا إِلٰهَنا يا سَيِّدَنا يا مَوْلٰينا يا ناصِرَنا يا حافِظَنا
ای پروردگارا، ای اله ما، ای سرور ما، ای مولای ما، ای یاور ما، ای نگاهدارندهٔ ما،

يٰا دَليلَنٰا يٰا مُعينَنٰا يٰا حَبيبَنٰا يٰا طَبيبَنٰا. (۵۴) يٰا رَبَّ ٱلنَّبِيّينَ

ای دلیل ما، ای معین ما، ای حبیب ما، ای طبیب ما. (۵۴) ای پروردگار پیمبران

وَ ٱلْأَبْرٰارِ، يٰا رَبَّ ٱلصِّدّيقينَ وَ ٱلْأَخْيٰارِ، يٰا رَبَّ ٱلْجَنَّةِ

و نیکان، ای پروردگار راستان و خوبان، ای پروردگار بهشت

وَ ٱلنّٰارِ، يٰا رَبَّ ٱلصِّغٰارِ وَ ٱلْكِبٰارِ، يٰا رَبَّ ٱلْحُبُوبِ وَ ٱلثِّمٰارِ،

و دوزخ، ای پروردگار کوچک و بزرگ، ای پروردگار دانه‌ها و میوه‌ها،

يٰا رَبَّ ٱلْأَنْهٰارِ وَ ٱلْأَشْجٰارِ، يٰا رَبَّ ٱلصَّحٰاري وَ ٱلْقِفٰارِ،

ای پروردگار رودبارها و درختان، ای پروردگار بیابانها و دشتها،

يٰا رَبَّ ٱلْبَرٰاري وَ ٱلْبِحٰارِ، يٰا رَبَّ ٱللَّيْلِ وَ ٱلنَّهٰارِ، يٰا رَبَّ

ای پروردگار خشکی‌ها و دریاها، ای پروردگار شب و روز، ای پروردگار

ٱلْأَعْلٰانِ وَ ٱلْأَسْرٰارِ (۵۵) يٰا مَنْ نَفَذَ في كُلِّ شَيْءٍ أَمْرُهُ، يٰا مَنْ

آشکار و نهان. (۵۵) ای که فرمانت در همه چیز روان است، ای که

لَحِقَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمُهُ، يٰا مَنْ بَلَغَتْ إِلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قُدْرَتُهُ،

علمت به همه چیز رسیده است، ای که قدرتت بر همه چیز چیره است،

يٰا مَنْ لٰا تُحْصِي ٱلْعِبٰادُ نِعَمَهُ، يٰا مَنْ لٰا تَبْلُغُ ٱلْخَلٰائِقُ شُكْرَهُ،

ای که بندگان یارای شمارش نعمتهایت را ندارند، ای که آفریدگان به شکرگزاری تو نمی‌رسند،

يٰا مَنْ لٰا تُدْرِكُ ٱلْأَفْهٰامُ جَلٰالَهُ، يٰا مَنْ لٰا تَنٰالُ ٱلْأَوْهٰامُ كُنْهَهُ،

ای که جلال تو را فهم‌ها ادراک نمی‌کنند، ای که اوهام به کُنه ذاتت نتوانند رسید،

يٰا مَنِ ٱلْعَظَمَةُ وَ ٱلْكِبْرِيٰاءُ رِدٰائُهُ، يٰا مَنْ لٰا تَرُدُّ ٱلْعِبٰادُ قَضٰائَهُ،

ای که عظمت و کبریاء جامهٔ توست، ای که بندگان نتوانند قضای تو را رد کنند،

يٰا مَنْ لاٰ مُلْكَ إِلّا مُلْكُهُ، يٰا مَنْ لاٰعَطٰاءَ إِلّا عَطٰائُهُ. (۵۶) يٰا مَنْ

ای که مُلکی جز مُلک تو نباشد، ای که عطایی جز عطای تو نباشد. (۵۶) ای که

لَهُ ٱلْمَثَلُ ٱلْأَعْلىٰ، يٰا مَنْ لَهُ ٱلصِّفٰاتُ ٱلْعُلْيٰا، يٰا مَنْ لَهُ ٱلْاٰخِرَةُ

مثل اعلی تراست، ای که صفات والا ـ تو راست، ای که دنیا و آخرت

وَ ٱلْاُولىٰ، يٰا مَنْ لَهُ ٱلْجَنَّةُ ٱلْمَأْوىٰ، يٰا مَنْ لَهُ ٱلْاٰيٰاتُ

تراست، ای که جایگاه بهشت از آن توست، ای که آیات بزرگ

ٱلْكُبْرىٰ، يٰا مَنْ لَهُ ٱلْأَسْمٰاءُ ٱلْحُسْنىٰ، يٰا مَنْ لَهُ ٱلْحُكْمُ

تراست، ای که نامهای نیکو تراست، ای که حکم و قضا

وَ ٱلْقَضٰاءُ، يٰا مَنْ لَهُ ٱلْهَوٰاءُ وَ ٱلْفَضٰاءُ، يٰا مَنْ لَهُ ٱلْعَرْشُ

تو راست، ای که هوا و فضا تو راست، ای که عرش و خاک

وَ ٱلثَّرىٰ، يٰا مَنْ لَهُ ٱلسَّمٰوٰاتُ ٱلْعُلىٰ. (۵۷) اَللّٰهُمَّ إِنّي أَسْئَلُكَ

تو راست، ای که آسمانهای بلند از آن توست. (۵۷) بار خدایا، به نامت

بِاسْمِكَ يٰا عَفُوُّ يٰا غَفُورُ يٰا صَبُورُ يٰا شَكُورُ يٰا رَءُوفُ

از تو می‌خواهم؛ ای بسیار بخشاینده، ای آمرزگار، ای شکیبا، ای قدر شناس، ای مهربان،

يٰا عَطُوفُ يٰا مَسْئُولُ يٰا وَدُودُ يٰا سُبُّوحُ يٰا قُدُّوسُ. (۵۸) يٰا مَنْ

ای بسیار با عاطفه، ای درخواست شده، ای دوستدار، ای بسیار منزّه، ای بسیار پاکیزه. (۵۸) ای که

فِي ٱلسَّمٰاءِ عَظَمَتُهُ، يٰا مَنْ فِي ٱلْأَرْضِ اٰيٰاتُهُ، يٰا مَنْ فى كُلِّ

عظمتت در آسمان است، ای که آیاتت در زمین است، ای که دلائل وجودت

شَيْءٍ دَلاٰئِلُهُ، يٰا مَنْ فِي ٱلْبِحٰارِ عَجٰائِبُهُ، يٰا مَنْ فِي ٱلْجِبٰالِ

در همه چیزاست، ای که شگفتیهای آفرینشت در دریاهاست، ای که گنجینه‌هایت

خَزآئِنُهُ، یٰا مَنْ یَبْدَءُ ٱلْخَلْقَ ثُمَّ یُعیدُهُ، یٰا مَنْ إِلَیْهِ یَرْجِعُ ٱلْأَمْرُ

در کوههاست، ای که آفرینش را آغاز می‌کنی سپس آن را باز می‌گردانی، ای که همهٔ کارها به تو

کُلُّهُ، یٰا مَنْ أَظْهَرَ فی کُلِّ شَیْءٍ لُطْفَهُ، یٰا مَنْ أَحْسَنَ کُلَّ شَیْءٍ

باز می‌گردد، ای که لطفت در همه چیز آشکار است، ای که همه چیز را نیکو

خَلَقَهُ، یٰا مَنْ تَصَرَّفَ فِی ٱلْخَلائِقِ قُدْرَتُهُ. (۵۹) یٰا حَبیبَ مَنْ

آفریده‌ای، ای که قدرتت در همهٔ آفریده‌ها تصرّف دارد. (۵۹) ای دوست کسی که

لا حَبیبَ لَهُ، یٰا طَبیبَ مَنْ لا طَبیبَ لَهُ، یٰا مُجیبَ مَنْ

دوست ندارد، ای طبیب کسی که طبیب ندارد، ای پاسخگوی کسی که

لا مُجیبَ لَهُ، یٰا شَفیقَ مَنْ لا شَفیقَ لَهُ، یٰا رَفیقَ مَنْ لا رَفیقَ

پاسخگو ندارد، ای دلسوز کسی که دلسوز ندارد، ای رفیق آنکه رفیق

لَهُ، یٰا مُغیثَ مَنْ لا مُغیثَ لَهُ، یٰا دَلیلَ مَنْ لا دَلیلَ لَهُ، یٰا أَنیسَ

ندارد، ای فریادرس آنکه فریادرس ندارد، راهنمای کسی که راهنما ندارد، ای همدم

مَنْ لا أَنیسَ لَهُ، یٰا رٰاحِمَ مَنْ لا رٰاحِمَ لَهُ، یٰا صٰاحِبَ مَنْ

کسی که همدم ندارد، ای رحم‌کنندهٔ بر کسی که مهربان ندارد، ای یار آنکه

لا صٰاحِبَ لَهُ. (۶۰) یٰا کٰافِیَ مَنِ ٱسْتَکْفٰاهُ، یٰا هٰادِیَ مَنِ

یار ندارد. (۶۰) ای کفایت کنندهٔ کسی که از تو کفایت جوید، ای رهبر کسی که از تو

ٱسْتَهْدٰاهُ، یٰا کٰالِئَ مَنِ ٱسْتَکْلاٰهُ، یٰا رٰاعِیَ مَنِ ٱسْتَرْعٰاهُ،

هدایت جوید، ای نگهبان کسی که از تو نگهبانی جوید، ای رعایت کنندهٔ حال کسی که از تو رعایتِ حال خواهد،

یٰا شٰافِیَ مَنِ ٱسْتَشْفٰاهُ، یٰا قٰاضِیَ مَنِ ٱسْتَقْضٰاهُ، یٰا مُغْنِیَ مَنِ

ای بهبودی بخش کسی که از تو بهبودی طلبد، ای قاضی کسی‌که از تو قضا خواهد، ای بی‌نیاز کنندهٔ کسی که

اَسْتَغْناهُ، یا مُوفِیَ مَنِ اسْتَوْفاهُ، یا مُقَوِّیَ مَنِ اسْتَقْواهُ، یا وَلِیَّ
از تو بی‌نیازی طلبد، ای وفاکننده به کسی که از تو وفا جوید، ای نیروبخش کسی که از تو نیرو خواهد، ای سرپرست کسی

مَنِ اسْتَوْلاهُ. (۶۱) اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ، یا خالِقُ
که از تو سرپرستی طلبد.(۶۱) بارالها، به نام تو از تو می‌خواهم؛ ای آفریننده،

یا رازِقُ یا ناطِقُ یا صادِقُ یا فالِقُ یا فارِقُ یا فاتِقُ یا راتِقُ
ای روزی دهنده، ای گوینده، یا راستگو، ای شکافنده، ای جدا کننده، ای پاره کننده، ای وصل کننده،

یا سابِقُ یا سامِقُ. (۶۲) یا مَنْ یُقَلِّبُ اللَّیْلَ وَ النَّهارَ، یا مَنْ
ای سبقت گیرنده، ای والامرتبه.(۶۲) ای که روز و شب را دگرگون می‌سازی، ای که

جَعَلَ الظُّلُماتِ وَ الْاَنْوارَ، یا مَنْ خَلَقَ الظِّلَّ وَ الْحَرُورَ،
تاریکی و روشنایی را می‌آفرینی، ای که سایه و گرما را می‌آفرینی،

یا مَنْ سَخَّرَ الشَّمْسَ وَ الْقَمَرَ، یا مَنْ قَدَّرَ الْخَیْرَ وَ الشَّرَّ،
ای که خورشید و ماه را در تسخیر داری، ای که اندازهٔ خیر و شر را معین می‌کنی،

یا مَنْ خَلَقَ الْمَوتَ وَ الْحَیوٰةَ، یا مَنْ لَهُ الْخَلْقُ وَ الْاَمْرُ،
ای که مرگ و زندگی را می‌آفرینی، ای که آفرینش و امر تو راست،

یا مَنْ لَمْ یَتَّخِذْ صاحِبَةً وَ لا وَلَداً، یا مَنْ لَیْسَ لَهُ شَریكٌ فِی
ای که همسر و فرزند نمی‌گیری، ای که در مُلک و فرمانروایی

الْمُلْكِ، یا مَنْ لَمْ یَکُنْ لَهُ وَلِیٌّ مِنَ الذُّلِّ. (۶۳) یا مَنْ یَعْلَمُ
شریک نداری، ای که ناتوان نیستی تا یاور داشته باشی. (۶۳) ای که منظور هر کس را

مُرادَ الْمُریدینَ، یا مَنْ یَعْلَمُ ضَمیرَ الصّامِتینَ، یا مَنْ یَسْمَعُ
که ارادهٔ کند می‌دانی، ای که ضمیر خاموشان را می‌دانی، ای که نالهٔ ناتوانان

أَنِينَ ٱلْوٰاهِنِينَ، يٰا مَنْ يَرىٰ بُكٰاءَ ٱلْخٰائِفِينَ، يٰا مَنْ يَمْلِكُ

را می‌شنوی، ای که گریهٔ ترسیدگان را می‌نگری، ای که نیاز تقاضا کنندگان

حَوٰائِجَ ٱلسّٰائِلِينَ، يٰا مَنْ يَقْبَلُ عُذْرَ ٱلتّٰائِبِينَ، يٰا مَنْ لاٰ يُصْلِحُ

در دست توست، ای که عذر توبه کنندگان را می‌پذیری، ای که عمل فسادانگیران را

عَمَلَ ٱلْمُفْسِدِينَ، يٰا مَنْ لاٰ يُضِيعُ أَجْرَ ٱلْمُحْسِنِينَ، يٰا مَنْ

اصلاح نمی‌فرمایی، ای که پاداش نیکوکاران را تباه نمی‌سازی، ای که از

لاٰ يَبْعُدُ عَنْ قُلُوبِ ٱلْعٰارِفِينَ، يٰا أَجْوَدَ ٱلْأَجْوَدِينَ. (۶۴) يٰا دٰائِمَ

دل عارفان کناره نمی‌گیری، ای بخشنده‌ترین بخشنده. (۶۴) ای پایدار

ٱلْبَقٰاءِ، يٰا سٰامِعَ ٱلدُّعٰاءِ، يٰا وٰاسِعَ ٱلْعَطٰاءِ، يٰا غٰافِرَ ٱلْخَطٰاءِ،

جاویدان، ای شنوندهٔ درخواست، ای گستردهٔ عطا، ای آمرزندهٔ خطا،

يٰا بَدِيعَ ٱلسَّمٰاءِ، يٰا حَسَنَ ٱلْبَلاٰءِ، يٰا جَمِيلَ ٱلثَّنٰاءِ، يٰا قَدِيمَ

ای آفرینندهٔ آسمان، ای نیک آزماینده، ای که ثنایت جمیل است، ای نور

ٱلسَّنٰاءِ، يٰا كَثِيرَ ٱلْوَفٰاءِ، يٰا شَرِيفَ ٱلْجَزٰاءِ. (۶۵) اَللّٰهُمَّ إِنِّي

بی‌آغاز، ای پر وفا، ای نیکو پاداش دهنده. (۶۵) بارخدایا، به نام تو

أَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ، يٰا سَتّٰارُ يٰا غَفّٰارُ يٰا قَهّٰارُ يٰا جَبّٰارُ يٰا صَبّٰارُ

از تو مسئلت دارم؛ ای که پیوسته زشتیها را می‌پوشانی، ای آمرزگار، ای پیروز، ای چیره، ای بردبار،

يٰا بٰارُّ يٰا مُخْتٰارُ يٰا فَتّٰاحُ يٰا نَفّٰاحُ يٰا مُرْتٰاحُ. (۶۶) يٰا مَنْ خَلَقَنِي

ای نیکی کننده، ای گزیننده، ای گشاینده، ای بخشنده، ای شادی آفرین. (۶۶) ای که مرا آفریدی

وَ سَوّٰانِي، يٰا مَنْ رَزَقَنِي وَ رَبّٰانِي، يٰا مَنْ أَطْعَمَنِي وَ سَقٰانِي،

و موزون ساختی، ای که روزیم دادی و مرا پروردی، ای که طعامم دادی و سیرابم کردی،

يٰا مَنْ قَرَّبَنى وَ أَدْنٰانى يٰا مَنْ عَصَمَنى وَ كَفٰانى، يٰا مَنْ
ای که مقربم کردی و نزدیکم نمودی، ای که مرا نگه داشتی و کفایت فرمودی، ای که
حَفِظَنى وَ كَلاٰنى، يٰا مَنْ أَعَزَّنى وَ أَغْنٰانى، يٰا مَنْ وَفَّقَنى
حفظم کردی و پشتیبانیم فرمودی، ای که عزتم دادی و توانگرم ساختی، ای که موفقم کردی
وَ هَدٰانى، يٰا مَنْ آنَسَنى وَ آوٰانى، يٰا مَنْ أَمٰاتَنى وَ أَحْيٰانى.
و هدایتم نمودی، ای که همدمم شدی و پناهم دادی، ای که مرا می‌میرانی و زنده می‌گردانی.
(۶۷) يٰا مَنْ يُحِقُّ ٱلْحَقَّ بِكَلِمٰاتِهِ، يٰا مَنْ يَقْبَلُ ٱلتَّوْبَةَ عَنْ عِبٰادِهِ،
(۶۷) ای که با کلماتت (قرآن) فارق حق و باطلی، ای که از بندگانت توبه می‌پذیری،
يٰا مَنْ يَحُولُ بَيْنَ ٱلْمَرْءِ وَ قَلْبِهِ، يٰا مَنْ لاٰ تَنْفَعُ ٱلشَّفٰاعَةُ إِلاّٰ
ای که میان انسان و دلش حامل می‌گردی، ای که شفاعت جز به اجازهٔ تو
بِإِذْنِهِ، يٰا مَنْ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبيلِهِ، يٰا مَنْ لاٰ مُعَقِّبَ
سود نبخشد، ای به کسی که به فرد گمراه داناتری، ای که حکم تو را تأخیر
لِحُكْمِهِ، يٰا مَنْ لاٰ رٰادَّ لِقَضٰائِهِ، يٰا مَنِ ٱنْقٰادَ كُلُّ شَيْءٍ لِأَمْرِهِ،
و درنگی نیست، ای که داوری تو را رد کننده‌ای نیست، ای که همهٔ موجودات فرمانبر فرمان توأند،
يٰا مَنِ ٱلسَّمٰوٰاتُ مَطْوِيّٰاتٌ بِيَمينِهِ، يٰا مَنْ يُرْسِلُ ٱلرِّيٰاحَ بُشْراً
ای که آسمانها در دست قدرت توست، ای که بادها پیشاپیش مژدگانی
بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ. (۶۸) يٰا مَنْ جَعَلَ ٱلْأَرْضَ مِهٰاداً، يٰا مَنْ
رحمتت را دهند. (۶۸) ای که زمین را بستر قرار دادی، ای که
جَعَلَ ٱلْجِبٰالَ أَوْتٰاداً، يٰا مَنْ جَعَلَ ٱلشَّمْسَ سِرٰاجاً، يٰا مَنْ
کوهها را میخ زمین نهادی، ای که آفتاب را چراغ آفریدی، ای که

جَعَلَ ٱلْقَمَرَ نُوراً، يٰا مَنْ جَعَلَ ٱللَّيْلَ لِبٰاساً، يٰا مَنْ جَعَلَ
ماه را نور دادی، ای که شب را پوشش قرار دادی، ای که روز را

ٱلنَّهٰارَ مَعٰاشاً، يٰا مَنْ جَعَلَ ٱلنَّوْمَ سُبٰاتاً، يٰا مَنْ جَعَلَ ٱلسَّمٰآءَ
مایهٔ کسب روزی فرمودی، ای که خواب را مایهٔ راحت نمودی، ای که آسمان را

بِنٰآءً،يٰا مَنْ جَعَلَ ٱلْأَشْيٰآءَ أَزْوٰاجاً،يٰا مَنْ جَعَلَ ٱلنّٰارَ مِرْصٰاداً.
افراشتی، ای که همه چیز را جفت آفریدی، ای که آتش را در کمین نافرمانان گذاشتی.

(۶۹) اَللّٰهُمَّ إِنّي أَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ، يٰا سَميعُ يٰا شَفيعُ يٰا رَفيعُ
(۶۹) بارالها، از تو به نام تو مسئلت دارم؛ ای شنوا، ای شفاعت کننده، ای بلند پایه،

يٰا مَنيعُ يٰا سَريعُ يٰا بَديعُ يٰا كَبيرُ يٰا قَديرُ يٰا خَبيرُ يٰا مُجيرُ.
ای منیع، ای سریع، ای پدید آورنده، ای بزرگ، ای نیرومند، ای آگاه، ای پناه دهنده.

(۷۰) يٰا حَيّاً قَبْلَ كُلِّ حَيٍّ، يٰا حَيّاً بَعْدَ كُلِّ حَيٍّ، يٰا حَيُّ ٱلَّذي
(۷۰) ای که پیش از همهٔ زندگان زنده بوده‌ای، ای که پس از همهٔ زندگان زنده خواهی بود، ای زنده‌ای

لَيْسَ كَمِثْلِهِ حَيٌّ، يٰا حَيُّ ٱلَّذي لاٰ يُشٰارِكُهُ حَيٌّ، يٰا حَيُّ ٱلَّذي
که زنده‌ای مانند تو نباشد، ای زنده‌ای که هیچ زنده‌ای شریک تو نباشد، ای زنده‌ای که

لاٰ يَحْتٰاجُ إِلىٰ حيٍّ،يٰا حَيُّ ٱلَّذي يُميتُ كُلَّ حَيٍّ، يٰا حَيُّ
به زنده‌ای نیاز نداری، ای زنده‌ای که همهٔ زندگان را می‌میرانی،

ٱلَّذي يَرْزُقُ كُلَّ حَيٍّ، يٰا حَيّاً لَمْ يَرِثِ ٱلْحَيٰوةَ مِنْ حَيٍّ،
ای زنده‌ای که همهٔ زندگان را روزی می‌رسانی، ای زنده‌ای که زندگانی را از زنده‌ای به ارث نبرده‌ای،

يٰا حَيُّ ٱلَّذي يُحْيِي ٱلْمَوْتىٰ، يٰا حَيُّ يٰا قَيُّومُ لاٰ تَأْخُذُهُ سِنَةٌ
ای زنده‌ای که مردگان را زنده می‌کنی، ای زنده، ای پاینده، که او را نه چرت فراگیرد

وَ لاٰ نَوْمٌ. (۷۱) يٰا مَنْ لَهُ ذِكْرٌ لاٰ يُنْسىٰ، يٰا مَنْ لَهُ نُورٌ لاٰ يُطْفىٰ،

نه خواب طولانی. (۷۱) ای که یاد تو فراموش نگردد، ای که نور تو خاموش نشود،

يٰا مَنْ لَهُ نِعَمٌ لاٰ تُعَدُّ، يٰا مَنْ لَهُ مُلْكٌ لاٰ يَزُولُ، يٰا مَنْ لَهُ ثَنٰاءٌ

ای که نعمتهای تو به شمار در نیاید، ای که مُلک تو زوال نپذیرد، ای که ثنای تو

لاٰ يُحْصىٰ، يٰا مَنْ لَهُ جَلاٰلٌ لاٰ يُكَيَّفُ، يٰا مَنْ لَهُ كَمٰالٌ

به حساب درنگنجد، ای که چگونگی جلال تو ادراک نشود، ای که کمال تو

لاٰ يُدْرَكُ، يٰا مَنْ لَهُ قَضٰاءٌ لاٰ يُرَدُّ، يٰا مَنْ لَهُ صِفٰاتٌ لاٰ تُبَدَّلُ،

به درک درنیاید، ای که داوری تو رد نشود، ای که صفات تو دگرگونی نپذیرد،

يٰا مَنْ لَهُ نُعُوتٌ لاٰ تُغَيَّرُ. (۷۲) يٰا رَبَّ الْعٰالَمِينَ، يٰا مٰالِكَ يَوْمِ

ای که چگونگی صفاتت تغییر نکند. (۷۲) ای پروردگار جهانها، ای صاحب روز

الدِّينِ، يٰا غٰايَةَ الطّٰالِبِينَ، يٰا ظَهْرَ اللاّٰجِينَ، يٰا مُدْرِكَ

پاداش، ای نهایت آرزوی خواستاران، ای پشتیبان پناهندگان، ای دریابندهٔ

الْهٰارِبِينَ، يٰا مَنْ يُحِبُّ الصّٰابِرِينَ، يٰا مَنْ يُحِبُّ التَّوّٰابِينَ،

فراریان، ای که بردباران را دوست می‌داری، ای که توبه کنندگان را دوست می‌داری،

يٰا مَنْ يُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ، يٰا مَنْ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ، يٰا مَنْ هُوَ

ای دوستدار پاکیزگان، ای دوستدار نیکوکاران، ای که

أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ. (۷۳) اَللّٰهُمَّ إِنّي أَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ، يٰا شَفِيقُ

به حال هدایت شدگان داناتری. (۷۳) بار خدایا، از تو به نام تو مسئلت دارم؛ ای بسیار مهربان،

يٰا رَفِيقُ يٰا حَفِيظُ يٰا مُحِيطُ يٰا مُقِيتُ يٰا مُغِيثُ يٰا مُعِزُّ يٰا مُذِلُّ

ای رفیق، ای بسیار نگاهدارنده، ای فراگیرنده، ای روزی رسان، ای فریادرس، ای عزت بخش، ای خوار کننده،

يٰا مُبْدِئُ يٰا مُعيدُ. (۷۴) يٰا مَنْ هُوَ أَحَدٌ بِلاٰ ضِدٍّ، يٰا مَنْ هُوَ فَرْدٌ
ای آفریننده، ای بازگرداننده. (۷۴) ای آنکه یگانه است و ضد ندارد، ای آنکه یکتاست

بِلاٰ نِدٍّ، يٰا مَنْ هُوَ صَمَدٌ بِلاٰ عَيْبٍ، يٰا مَنْ هُوَ وِتْرٌ بِلاٰ كَيْفٍ،
و همتا ندارد، ای آن بی‌نیاز است و عیب ندارد، ای آنکه یکتاست و چگونگی ندارد،

يٰا مَنْ هُوَ قٰاضٍ بِلاٰ حَيْفٍ، يٰا مَنْ هُوَ رَبٌّ بِلاٰ وَزيرٍ، يٰا مَنْ
ای که قضاوت کند خلاف ندارد، ای پروردگار بی‌وزیر، ای

هُوَ عَزيزٌ بِلاٰ ذُلٍّ، يٰا مَنْ هُوَ غَنِيٌّ بِلاٰ فَقْرٍ، يٰا مَنْ هُوَ مَلِكٌ
عزیز بی‌خواری، ای توانگر بی‌فقر، ای سلطان

بِلاٰ عَزْلٍ، يٰا مَنْ هُوَ مَوْصُوفٌ بِلاٰ شَبيهٍ. (۷۵) يٰا مَنْ ذِكْرُهُ
عزل ناشدنی، ای که در اوصاف خود بی مانندی. (۷۵) ای که یادت

شَرَفٌ لِلذّٰاكِرينَ، يٰا مَنْ شُكْرُهُ فَوْزٌ لِلشّٰاكِرينَ، يٰا مَنْ حَمْدُهُ
یادآوران را شرف است، ای که سپاست رستگاری سپاسگزاران است، ای که ستایشت

عِزٌّ لِلْحٰامِدينَ، يٰا مَنْ طٰاعَتُهُ نَجٰاةٌ لِلْمُطيعينَ، يٰا مَنْ بٰابُهُ
عزت ستایشگران است، ای که فرمانبرداریت رهائی فرمانبرداران است، ای که درگاهت

مَفْتُوحٌ لِلطّٰالِبينَ يٰا مَنْ سَبيلُهُ وٰاضِحٌ لِلْمُنيبينَ، يٰا مَنْ آيٰاتُهُ
بر جویندگان باز است، ای که راهت برای توبه کنندگان روشن است، ای که آیاتت

بُرْهٰانٌ لِلنّٰاظِرينَ، يٰا مَنْ كِتٰابُهُ تَذْكِرَةٌ لِلْمُتَّقينَ، يٰا مَنْ رِزْقُهُ
برهان اهل نظر است، ای که کتابش یاد آور پرهیزگاران است، ای که روزیت

عُمُومٌ لِلطّٰائِعينَ وَ الْعٰاصينَ، يٰا مَنْ رَحْمَتُهُ قَريبٌ مِنَ
بر فرمانبران و نافرمانان فراگیر است، ای که رحمتت به نیکوکاران

اَلْمُحْسِنينَ. (۷۶) يا مَنْ تَبارَكَ اسْمُهُ، يا مَنْ تَعالىٰ جَدُّهُ،

نزدیک است. (۷۶) ای که نامت مبارک است، ای که فیضت بلند است،

يا مَنْ لا إِلٰهَ غَيْرُهُ، يا مَنْ جَلَّ ثَنٰاؤُهُ، يا مَنْ تَقَدَّسَتْ أَسْمٰاؤُهُ،

ای که جز تو الهی نباشد، ای که ستایش تو والاست، ای که نامهایت مقدس است،

يا مَنْ يَدُومُ بَقاؤُهُ، يا مَنِ الْعَظَمَةُ بَهاؤُهُ، يا مَنِ الْكِبْرِياءُ

ای که بقایت جاودانی است، ای که عظمت جلوهٔ تو است، ای که کبریاء

رِداؤُهُ، يا مَنْ لا تُحصىٰ آلاؤُهُ، يا مَنْ لا تُعَدُّ نَعْماؤُهُ. (۷۷) اَللّٰهُمَّ

پوشش توست، ای که نعمتهایت به شماره درنیاید، ای که نعمتهایت تعداد ندارد.(۷۷) بار خدایا،

إِنّي أَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ، يا مُعينُ يا أَمينُ يا مُبينُ يا مَتينُ

به نام تو از تو مسئلت می‌کنم؛ ای کمک کننده، ای امین، ای آشکار کننده ای استوار،

يا مَكينُ يا رَشيدُ يا حَميدُ يا مَجيدُ يا شَديدُ يا شَهيدُ.

ای پای برجا، ای رشید، ای حمید، ای مجید، ای شدید، ای شهید.

(۷۸) يا ذَا الْعَرْشِ الْمَجيدِ، يا ذَا الْقَوْلِ السَّديدِ، يا ذَا الْفِعْلِ

(۷۸) ای صاحب عرش بلند، ای دارای گفتار درست، ای دارای کردار

الرَّشيدِ، يا ذَا الْبَطْشِ الشَّديدِ، يا ذَا الْوَعْدِ وَ الْوَعيدِ، يا مَنْ

برازنده، ای گیرنده به شدت، ای دارای سخن وعده و بیم، ای

هُوَ الْوَلِيُّ الْحَميدُ، يا مَنْ هُوَ فَعّالٌ لِما يُريدُ، يا مَنْ هُوَ

سرپرست ستوده شده، ای که بر هر چه خواهد بسیار تواناست، ای که

قَريبٌ غَيْرُ بَعيدٍ، يا مَنْ هُوَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهيدٌ، يا مَنْ هُوَ

نزدیک است و دور نیست، ای که بر همه کار گواه است، ای که

لَيْسَ بِظَلاّمٍ لِلْعَبيدِ. (۷۹) يا مَنْ لا شَريكَ لَهُ وَ لا وَزيرَ، يا مَنْ
به بندگان هیچ ستم روا ندارد. (۷۹) ای که نه شریک داری نه وزیر، ای که

لا شَبيهَ لَهُ وَ لا نَظيرَ، يا خالِقَ الشَّمْسِ وَ الْقَمَرِ الْمُنيرِ،
نه شبیه داری نه نظیر، ای آفریننده خورشید و ماه منیر،

يا مُغْنِيَ الْبائِسِ الْفَقيرِ، يا رازِقَ الطِّفْلِ الصَّغيرِ، يا راحِمَ
ای توانگرساز بیچارهٔ فقیر، ای روزی دهندهٔ کودک صغیر، ای رحم کننده

الشَّيْخِ الْكَبيرِ يا جابِرَ الْعَظْمِ الْكَسيرِ، يا عِصْمَةَ الْخائِفِ
به پیرمرد کبیر، ای پیوند دهندهٔ استخوان درهم شکسته، ای نگاهدارندهٔ شخص

الْمُسْتَجيرِ، يا مَنْ هُوَ بِعِبادِهِ خَبيرٌ بَصيرٌ، يا مَنْ هُوَ عَلى
بیمناک، ای که بر بندگانت بسیار آگاه و بینایی، ای که بر

كُلِّ شَيْءٍ قَديرٌ. (۸۰) يا ذَا الْجُودِ وَ النِّعَمِ، يا ذَا الْفَضْلِ
همه کار توانایی. (۸۰) ای دارای بخشش و نعمت، ای دارای فضل

وَ الْكَرَمِ، يا خالِقَ اللَّوْحِ وَ الْقَلَمِ، يا بارِئَ الذَّرِّ وَ النَّسَمِ،
و کرم، ای آفرینندهٔ لوح و قلم، ای آفرینندهٔ ذره و جاندار،

يا ذَا الْبَأْسِ وَ النِّقَمِ، يا مُلْهِمَ الْعَرَبِ وَ الْعَجَمِ، يا كاشِفَ
ای دارای خشونت و انتقام، ای الهام‌بخش عرب و عجم، ای برطرف کنندهٔ

الضُّرِّ وَ الْأَلَمِ، يا عالِمَ السِّرِّ وَ الْهِمَمِ، يا رَبَّ الْبَيْتِ وَ الْحَرَمِ،
آسیب و درد، ای دانای نهان و تصمیم، ای پروردگار کعبه و حرم،

يا مَنْ خَلَقَ الْأَشْياءَ مِنَ الْعَدَمِ. (۸۱) اَللّهُمَّ إِنّي أَسْئَلُكَ
ای که همه چیز را از نیستی برآورده‌ای. (۸۱) بارخدایا از تو بنام تو

بِاسْمِكَ، يٰا فٰاعِلُ يٰا جٰاعِلُ يٰا قٰابِلُ يٰا كٰامِلُ يٰا فٰاضِلُ

مسئلت دارم؛ ای فاعل، ای آفریننده، ای پذیرنده، ای کامل، ای فاضل،

يٰا وٰاصِلُ يٰا عٰادِلُ يٰا غٰالِبُ يٰا طٰالِبُ يٰا وٰاهِبُ. (۸۲) يٰا مَنْ

ای واصل، ای عادل، ای غالب، ای طالب، ای بخشنده. (۸۲) ای که

أَنْعَمَ بِطَوْلِهِ، يٰا مَنْ أَكْرَمَ بِجُودِهِ، يٰا مَنْ جٰادَ بِلُطْفِهِ، يٰا مَنْ

به فضل و عطای خود نعمت بخشی، ای که به بخشش خود اکرام فرمایی، ای که به لطف خود جود کنی، ای که

تَعَزَّزَ بِقُدْرَتِهِ، يٰا مَنْ قَدَّرَ بِحِكْمَتِهِ، يٰا مَنْ حَكَمَ بِتَدْبِيرِهِ،

به قدرت خود عزت بخشی، ای که به حکمت خود مقدر گردانی، ای‌که به تدبیر خود حکم کنی،

يٰا مَنْ دَبَّرَ بِعِلْمِهِ، يٰا مَنْ تَجٰاوَزَ بِحِلْمِهِ، يٰا مَنْ دَنىٰ فِي عُلُوِّهِ،

ای که به علم خود تدبیر نمایی، ای‌که به شکیبایی خود گذشت فرمایی، ای‌که در کمال بلندی مقام نزدیک گردی،

يٰا مَنْ عَلٰا فِي دُنُوِّهِ. (۸۳) يٰا مَنْ يَخْلُقُ مٰا يَشٰاءُ، يٰا مَنْ يَفْعَلُ

ای که در نزدیکی خود بلند مقامی. (۸۳) ای که هر چه خواهی آفرینی، ای که هر چه

مٰا يَشٰاءُ، يٰا مَنْ يَهْدِي مَنْ يَشٰاءُ، يٰا مَنْ يُضِلُّ مَنْ يَشٰاءُ،

خواهی کنی، ای که هر که را خواهی رهبری فرمایی، ای که هر که را خواهی گمراه سازی،

يٰا مَنْ يُعَذِّبُ مَنْ يَشٰاءُ، يٰا مَنْ يَغْفِرُ لِمَنْ يَشٰاءُ، يٰا مَن يُعِزُّ مَنْ

ای که هر که را خواهی عذاب کنی، ای که هر که را خواهی آمرزی، ای که هر که را خواهی

يَشٰاءُ، يٰا مَنْ يُذِلُّ مَنْ يَشٰاءُ، يٰا مَنْ يُصَوِّرُ فِي الْأَرْحٰامِ

عزت بخشی، ای که هر که را خواهی خوار گردانی، ای که در رحمها به هر صورت

مٰا يَشٰاءُ، يٰا مَنْ يَخْتَصُّ بِرَحْمَتِهِ مَنْ يَشٰاءُ.(۸۴) يٰا مَنْ لَمْ يَتَّخِذْ

که خواهی آفرینی، ای که هر که را خواهی به رحمت خود اختصاص دهی. (۸۴) ای که نه

صٰاحِبَةً وَ لاٰ وَلَداً، يٰا مَنْ جَعَلَ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْراً، يٰا مَنْ
همسر گیری و نه فرزند پذیری، ای که برای هر چیز اندازه‌ای مقرر فرموده‌ای، ای که

لاٰ يُشْرِكُ فِي حُكْمِهِ أَحَداً، يٰا مَنْ جَعَلَ ٱلْمَلاٰئِكَةَ رُسُلاً،
در حکمرانی خود هیچکس را شریک نمی‌گیری، ای که فرشتگان را فرستادگان قرار داده‌ای،

يٰا مَنْ جَعَلَ فِي ٱلسَّمٰاءِ بُرُوجاً، يٰا مَنْ جَعَلَ ٱلْأَرْضَ قَرٰاراً
ای که در آسمان برجها تعبیه کرده‌ای، ای که زمین را قرارگاه قرار داده‌ای،

يٰا مَنْ خَلَقَ مِنَ ٱلْمٰاءِ بَشَراً، يٰا مَنْ جَعَلَ لِكُلِّ شَيْءٍ أَمَداً،
ای که بشر را از آب آفریده‌ای، ای که برای هر چیز زمانی معین فرموده‌ای،

يٰا مَنْ أَحٰاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْماً، يٰا مَنْ أَحْصىٰ كُلَّ شَيْءٍ عَدَداً.
ای که علمت همه چیز را فراگرفته است، ای که شمارهٔ همه چیز را می‌دانی.

(۸۵ اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ، يٰا أَوَّلُ يٰا آخِرُ يٰا ظٰاهِرُ
(۸۵) بارالها، به نام تو از تو مسئلت دارم؛ ای آغاز همه چیز، ای پایان همه چیز، ای ظاهر،

يٰا بٰاطِنُ يٰا بَرُّ يٰا حَقُّ يٰا فَرْدُ يٰا وِتْرُ يٰا صَمَدُ يٰا سَرْمَدُ.
ای باطن، ای نیکو کار، ای حق، ای یگانه، ای یکتا، ای حمد، ای سرمد.

(۸۶ يٰا خَيْرَ مَعْرُوفٍ عُرِفَ، يٰا أَفْضَلَ مَعْبُودٍ عُبِدَ، يٰا أَجَلَّ
(۸۶) ای بهترین موجود شناخته شده، ای والاترین معبود عبادت شده، ای بزرگترین موجودی که

مَشْكُورٍ شُكِرَ، يٰا أَعَزَّ مَذْكُورٍ ذُكِرَ، يٰا أَعْلىٰ مَحْمُودٍ حُمِدَ،
شکرانمات بجای آمده‌است، ای عزیزترین یاد شده‌ای که یاد شده‌ای، ای برترین سپاس شده‌ای که سپاست بجای آورده‌اند،

يٰا أَقْدَمَ مَوْجُودٍ طُلِبَ، يٰا أَرْفَعَ مَوْصُوفٍ وُصِفَ، يٰا أَكْبَرَ
ای قدیمترین موجودی که در طلبت هستند، ای بالاترین مورد وصف که وصف شده، ای بزرگترین

مَقْصُودٍ قُصِدَ، يا أَكْرَمَ مَسْئُولٍ سُئِلَ، يا أَشْرَفَ مَحْبُوبٍ عُلِمَ.

مقصود قصد شده، ای گرامی‌ترین مورد پرسشی پرسش شده،ای شریفترین محبوب معلوم.

(۸۷) يا حَبِيبَ ٱلْباكِينَ، يا سَيِّدَ ٱلْمُتَوَكِّلِينَ، يا هادِيَ ٱلْمُضِلِّينَ،

(۸۷) ای دوستدار گریه کنندگان، ای سرور توکل کنندگان، ای رهبر گمراهان،

يا وَلِيَّ ٱلْمُؤْمِنِينَ، يا أَنِيسَ ٱلذّاكِرِينَ، يا مَفْزَعَ ٱلْمَلْهُوفِينَ،

ای ولی گروندگان، ای همدم یادآوران، ای پناهگاه غمزدگان،

يا مُنْجِيَ ٱلصّادِقِينَ، يا أَقْدَرَ ٱلْقادِرِينَ، يا أَعْلَمَ ٱلْعالِمِينَ،

ای رهایی بخش راستان، ای تواناترین توانا، ای داناترین دانا،

يا إِلٰهَ ٱلْخَلْقِ أَجْمَعِينَ. (۸۸) يا مَنْ عَلا فَقَهَرَ، يا مَنْ مَلَكَ

ای خدای همهٔ آفریدگان. (۸۸) ای که برتر است و سلطه دارد، ای که مالک است

فَقَدَرَ، يا مَنْ بَطَنَ فَخَبَرَ، يا مَنْ عُبِدَ فَشَكَرَ، يا مَنْ عُصِيَ

و تواناست، ای که پنهان است و آگاه، ای که پرستیده شود و قدرشناس، ای که نافرمانی شود

فَغَفَرَ، يا مَنْ لا تَحْوِيهِ ٱلْفِكَرُ، يا مَنْ لا يُدْرِكُهُ بَصَرٌ، يا مَنْ

پس آمرزد، ای که در اندیشه‌ها جای نگیرد، ای که چشم تو را درنیابد، ای که

لا يَخْفىٰ عَلَيْهِ أَثَرٌ، يا رازِقَ ٱلْبَشَرِ، يا مُقَدِّرَ كُلِّ قَدَرٍ.

هیچ اثری از تو پنهان نماند، ای روزی بخش بشر، ای تعیین کنندهٔ هر تقدیر.

(۸۹) اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ، يا حافِظُ يا بارِئُ يا ذارِئُ

(۸۹) بار خدایا من به نام تو از تو مسئلت دارم؛ ای حفظ کننده، ای آفریننده، ای پدید آورنده،

يا باذِخُ يا فارِجُ يا فاتِحُ يا كاشِفُ يا ضامِنُ يا آمِرُ يا ناهِيُ.

ای بلند پایه، ای شکافنده، ای گشاینده، ای برطرف کننده، ای به عهد گیرنده، ای فرمان دهنده، ای باز دارنده.

(۹۰) يٰا مَـنْ لاٰ يَعْلَمُ ٱلْغَيْبَ إِلّٰا هُوَ، يٰا مَنْ لاٰ يَصْرِفُ ٱلسُّوءَ إِلّٰا هُـوَ،
(۹۰) ای که جز او نهان را کس نداند، ای آنکه جز او بدی را بازنگرداند،

يٰا مَنْ لاٰ يَخْلُقُ ٱلْخَلْقَ إِلّٰا هُوَ، يٰا مَنْ لاٰ يَغْفِرُ ٱلذَّنْبَ إِلّٰا هُوَ،
ای که جز او آفریدگان را نیافریند، ای که جز او گناهان را نیامرزد،

يٰا مَنْ لاٰ يُتِمُّ ٱلنِّعْمَةَ إِلّٰا هُوَ، يٰا مَنْ لاٰ يُقَلِّبُ ٱلْقُلُوبَ إِلّٰا هُوَ،
ای که جز او نعمت را به تمامی نرساند، ای که جز او دلها را دگرگون نسازد،

يٰا مَنْ لاٰ يُدَبِّرُ ٱلْأَمْرَ إِلّٰا هُوَ، يٰا مَنْ لاٰ يُنَزِّلُ ٱلْغَيْثَ إِلّٰا هُوَ،
ای که جز او امر را تدبیر نکند، ای که جز او باران را نبارد،

يٰا مَـنْ لاٰ يَبْسُطُ ٱلرِّزْقَ إِلّٰا هُـوَ، يٰا مَنْ لاٰ يُـحْيِي ٱلْمَوْتىٰ إِلّٰا هُوَ.
ای که جز او روزی را نگستراند، ای که جز او مردگان را جان نبخشد.

(۹۱) يٰا مُعِينَ ٱلضُّعَفٰاءِ، يٰا صٰاحِبَ ٱلْغُرَبٰاءِ يٰا نٰاصِرَ ٱلْأَوْلِيٰاءِ،
(۹۱) ای یاور ناتوانان، ای همدم غریبان، ای یار دوستان،

يٰا قٰاهِرَ ٱلْأَعْدٰاءِ، يٰا رٰافِعَ ٱلسَّمٰاءِ، يٰا أَنِيسَ ٱلْأَصْفِيٰاءِ، يٰا حَبِيبَ
ای پیروز بر دشمنان، ای برفرازنده آسمان، ای مونس برگزیدگان، ای دوستدار

ٱلْأَتْقِيٰاءِ، يٰا كَنْزَ ٱلْفُقَرٰاءِ، يٰا إِلٰهَ ٱلْأَغْنِيٰاءِ، يٰا أَكْرَمَ ٱلْكُرَمٰاءِ. (۹۲) يٰا كٰافِياً
پرهیزگاران، ای گنجینهٔ تهیدستان، ای خدای توانگران، ای کریمترین کریمان. (۹۲) ای کفایت کنندهٔ

مِنْ كُلِّ شَيْءٍ، يٰا قٰائِماً عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ، يٰا مَنْ لاٰ يُشْبِهُهُ شَيْءٌ،
هر چیز، ای مسلط بر هر چیز، ای که هیچ چیز مانند تو نیست،

يٰا مَنْ لاٰ يَزِيدُ فِي مُلْكِهِ شَيْءٌ، يٰا مَنْ لاٰ يَخْفىٰ عَلَيْهِ شَيْءٌ، يٰا مَنْ
ای که به مُلک تو چیزی نیفزاید، ای که هیچ چیز از تو پنهان نماند، ای که

لاٰ يَنْقُصُ مِنْ خَزٰائِنِهِ شَيْءٌ، يٰا مَنْ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ، يٰا مَنْ لاٰ يَعْزُبُ

از گنجینه‌های تو چیزی نکاهد، ای که هیچ چیز مانند تو نباشد، ای که از علم تو

عَنْ عِلْمِهِ شَيْءٌ، يٰا مَنْ هُوَ خَبِيرٌ بِكُلِّ شَيْءٍ، يٰا مَنْ وَسِعَتْ رَحْمَتُهُ

چیزی برکنار نماند، ای که به هر چیزی بس آگاهی، ای که رحمت تو بر همه چیز

كُلَّ شَيْءٍ. (۹۳) اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ، يٰا مُكْرِمُ يٰا مُطْعِمُ يٰا مُنْعِمُ

گسترش دارد. (۹۳) بار خدایا، از تو به نام تو مسئلت دارم؛ ای اکرام کننده، ای سیر کننده، ای نعمت بخش،

يٰا مُعْطِي يٰا مُغْنِي يٰا مُقْنِي يٰا مُفْنِي يٰا مُحْيِي يٰا مُرْضِي يٰا مُنْجِي.

ای بی‌نیاز ساز، ای آفریننده، ای نابود سازنده، ای حیاتبخش، ای بیمار کننده، ای رهایی بخش.

(۹۴) يٰا أَوَّلَ كُلِّ شَيْءٍ وَ آخِرَهُ، يٰا إِلٰهَ كُلِّ شَيْءٍ وَ مَلِيكَهُ، يٰا رَبَّ

(۹۴) ای آغاز همه چیز و پایان آن، ای اِلهِ همه چیز و سلطان آن، ای پروردگار

كُلِّ شَيْءٍ وَ صٰانِعَهُ، يٰا بٰارِئَ كُلِّ شَيْءٍ وَ خٰالِقَهُ، يٰا قٰابِضَ كُلِّ شَيْءٍ

همه چیز و سازندهٔ آن، ای آفرینندهٔ همه چیز و برآورندهٔ آن، ای درهم فشارندهٔ همه چیز

وَ بٰاسِطَهُ، يٰا مُبْدِئَ كُلِّ شَيْءٍ وَ مُعِيدَهُ، يٰا مُنْشِئَ كُلِّ شَيْءٍ وَ مُقَدِّرَهُ،

و بازکنندهٔ آن، ای آغاز کنندهٔ همه چیز و بازگردانندهٔ آن، ای پدید آورندهٔ همه چیز و اندازه ساز آن،

يٰا مُكَوِّنَ كُلِّ شَيْءٍ وَ مُحَوِّلَهُ، يٰا مُحْيِيَ كُلِّ شَيْءٍ وَ مُمِيتَهُ، يٰا خٰالِقَ

ای بود کنندهٔ همه چیز و دگرگرگون سازندهٔ آن، ای زنده کنندهٔ همه چیز و میرانندهٔ آن، ای خالق

كُلِّ شَيْءٍ وَ وٰارِثَهُ. (۹۵) يٰا خَيْرَ ذٰاكِرٍ وَ مَذْكُورٍ، يٰا خَيْرَ شٰاكِرٍ وَ مَشْكُورٍ،

همه چیز و وارث آن. (۹۵) ای بهترین یاد آورنده و یاد شده، ای بهترین پاداش دهنده و شکرانه گفته شده،

يٰا خَيْرَ حٰامِدٍ وَ مَحْمُودٍ، يٰا خَيْرَ شٰاهِدٍ وَ مَشْهُودٍ، يٰا خَيْرَ دٰاعٍ وَ مَدْعُوٍّ،

ای بهترین ستایشگر و ستایش شده، ای بهترین گواهی دهنده و گواهی شده، ای بهترین خواستار و خواسته شده،

يٰا خَيْرَ مُجيبٍ وَ مُجٰابٍ، يٰا خَيْرَ مُونِسٍ وَ أَنيسٍ، يٰا خَيْرَ صٰاحِبٍ
ای بهترین اجابت کننده و اجابت شده، ای بهترین مونس و انیس، ای بهترین رفیق

وَ جَليسٍ، يٰا خَيْرَ مَقْصُودٍ وَ مَطْلُوبٍ يٰا خَيْرَ حَبيبٍ وَ مَحْبُوبٍ.
و جلیس، ای بهترین مقصود و مطلوب، ای بهترین حبیب و مطلوب.

(۹۶) يٰا مَنْ هُوَ لِمَنْ دَعٰاهُ مُجيبٌ، يٰا مَنْ هُوَ لِمَنْ أَطٰاعَهُ حَبيبٌ،
(۹۶) ای به هر کس که تو را بخواند پاسخ‌گویی، ای دوستدار هر کس که تو را اطاعت کند،

يٰا مَنْ هُوَ إِلىٰ مَنْ أَحَبَّهُ قَريبٌ، يٰا مَنْ هُوَ بِمَنِ اسْتَحْفَظَهُ رَقيبٌ،
ای نزدیک به هر کس که تو را دوست بدارد، ای نگاهدار هر کس که از تو تقاضای نگاهداری کند،

يٰا مَنْ هُوَ بِمَنْ رَجٰاهُ كَريمٌ، يٰا مَنْ هُوَ بِمَنْ عَصٰاهُ حَليمٌ، يٰا مَنْ
ای کریم با هر کس که به تو امید بندد، ای که به هر که نافرمانی تو کند بردباری، ای که

هُوَ في عَظَمَتِهِ رَحيمٌ، يٰا مَنْ هُوَ في حِكْمَتِهِ عَظيمٌ، يٰا مَنْ هُوَ
در عظمت خود رحیمی، ای که در حکمت خود بزرگی، ای که

في إِحْسٰانِهِ قَديمٌ، يٰا مَنْ هُوَ بِمَنْ أَرٰادَهُ عَليمٌ. (۹۷) اَللّٰهُمَّ إِنّي أَسْئَلُكَ
احسانت قدیم است، ای که به هر که خواستار تو باشد بسیار دانایی. (۹۷) بار خدایا، از تو به نام تو

بِاسْمِكَ، يٰا مُسَبِّبُ يٰا مُرَغِّبُ يٰا مُقَلِّبُ يٰا مُعَقِّبُ يٰا مُرَتِّبُ يٰا مُخَوِّفُ
مسئلت دارم؛ ای سبب ساز، ای تشویق کننده، ای دگرگون کننده، ای تعقیب کننده، ای ترتیب دهنده، ای ترساننده،

يٰا مُحَذِّرُ يٰا مُذَكِّرُ يٰا مُسَخِّرُ يٰا مُغَيِّرُ. (۹۸) يٰا مَنْ عِلْمُهُ سٰابِقٌ، يٰا مَنْ
ای برحذر دارنده، ای یاد آورنده، ای تسخیر کننده، ای تغییر دهنده. (۹۸) ای که علمت بر همه چیز پیشی دارد، ای که

وَعْدُهُ صٰادِقٌ، يٰا مَنْ لُطْفُهُ ظٰاهِرٌ، يٰا مَنْ أَمْرُهُ غٰالِبٌ، يٰا مَنْ كِتٰابُهُ
وعده‌ات راست است، ای که لطفت آشکار است، ای که فرمانت چیره است، ای که کتابت

مُحْكَمٌ، يا مَنْ قَضاؤُهُ كائِنٌ، يا مَنْ قُرْآنُهُ مَجيدٌ، يا مَنْ مُلْكُهُ قَديمٌ،

استوار است، ای که قضای تو حتمی است، ای که قرآنت مجید است، ای که مُلکت قدیم است،

يا مَنْ فَضْلُهُ عَميمٌ، يا مَنْ عَرْشُهُ عَظيمٌ. (۹۹) يا مَنْ لا يَشْغَلُهُ

ای که فضلت عام است (همه را فراگرفته است)، ای که عرشت عظیم است. (۹۹) ای که تو را شنیدن چیزی

سَمْعٌ عَنْ سَمْعٍ، يا مَنْ لا يَمْنَعُهُ فِعْلٌ عَنْ فِعْلٍ، يا مَنْ لا يُلْهيهِ قَوْلٌ

از شنیدن چیز دیگر باز نمی‌دارد، ای که تو را کاری از کار دیگر باز نمی‌دارد، ای که تو را گفتاری از گفتار دیگر

عَنْ قَوْلٍ، يا مَنْ لا يُغَلِّطُهُ سُؤالٌ عَنْ سُؤالٍ، يا مَنْ لا يَحْجُبُهُ شَيْءٌ

مشغول نمی‌سازد، ای که تو را پرسشی از پرسشی به اشتباه در نمی‌اندازد، ای که تو را چیزی حجاب

عَنْ شَيْءٍ، يا مَنْ لا يُبْرِمُهُ إِلْحاحُ الْمُلِحّينَ، يا مَنْ هُوَ غايَةُ مُرادِ

چیزی دیگر نتواند بود، ای که تو را اصرار نیازمندان مانده نکند، ای که پایان مراد

الْمُريدينَ، يا مَنْ هُوَ مُنْتَهىٰ هِمَمِ الْعارِفينَ، يا مَنْ هُوَ مُنْتَهىٰ طَلَبِ

خواهندگان هستی، ای که منتهای همت عارفان هستی، ای که فرجام طلب

الطّالِبينَ، يا مَنْ لا يَخْفىٰ عَلَيْهِ ذَرَّةٌ فِي الْعالَمينَ. (۱۰۰) يا حَليماً

جویندگان هستی، ای که ذره‌ای در همهٔ جهان‌ها از تو پنهان نباشد. (۱۰۰) ای شکیبایی که

لا يَعْجَلُ، يا جَواداً لا يَبْخَلُ، يا صادِقاً لا يُخْلِفُ، يا وَهّاباً لا يَمَلُّ،

شتاب نکنی، ای بخشنده‌ای که بخل نورزی، ای راستگویی که تخلف نفرمایی، ای بسیار بخشنده‌ای که ملول نگردی،

يا قاهِراً لا يُغْلَبُ، يا عَظيماً لا يوصَفُ، يا عَدْلاً لا يَحيفُ، يا غَنِيّاً

ای پیروزی که شکست نبینی، ای بزرگی که به وصف درنیایی، ای دادگری که نهراسی، ای توانگری که

لا يَفْتَقِرُ، يا كَبيراً لا يَصْغَرُ، يا حافِظاً لا يَغْفُلُ. سُبْحانَكَ يا لا إِلٰهَ

تهیدست نگردی، ای بزرگی که کوچک نشوی، ای نگاهبانی که غفلت نورزی؛ منزهی تو،

إِلَّا أَنْتَ، اَلْغَوْثَ اَلْغَوْثَ خَلِّصْنا مِنَ النّارِ يا رَبِّ.
الهی جز تو نیست. به فریادرس، به فریادرس - پروردگارا - ما را از آتش دوزخ برهان.

۱۷ ـ دعای نور

سید بن طاوس در مهج الدعوات روایتی از سلمان نقل فرموده که حضرت فاطمه علیها السلام کلامی از رسول الله صلی الله علیه و آله به من آموخت و فرمود: اگر می‌خواهی در دنیا تو را تب نگیرد بر این دعا مداومت کن:

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحيمِ. بِسْمِ اللهِ النُّورِ، بِسْمِ اللهِ نُورِ النُّورِ،
بنام خداوند بخشنده مهربان بنام خداوند نور بنام خداوند نور نور

بِسْمِ اللهِ نُورٌ عَلىٰ نُورٍ، بِسْمِ اللهِ الَّذي هُوَ مُدَبِّرُ الْأُمُورِ، بِسْمِ
بنام خداوند نور بالای نور بنام خداوندی که همهٔ امور را تدبیر می‌کند. بنام

اللهِ الَّذي خَلَقَ النُّورَ مِنَ النُّورِ، اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذي خَلَقَ النُّورَ
خداوندی که نور را از نور آفرید سپاس خداوندی را که نور را

مِنَ النُّورِ، وَ أَنْزَلَ النُّورَ عَلَى الطُّورِ، في كِتابٍ مَسْطُورٍ في
از نور آفرید و نور را بر طور تابید در کتابی مسطور در

رِقٍّ مَنْشُورٍ، بِقَدَرٍ مَقْدُورٍ، عَلىٰ نَبِيٍّ مَحْبُورٍ، اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذي
ورق منتشر شده، باندازهٔ معین، بر پیامبر دانا، حمد خدایی را که

هُوَ بِالْعِزِّ مَذْكُورٌ وَ بِالْفَخْرِ مَشْهُورٌ، وَ عَلَى السَّرّاءِ وَ الضَّرّاءِ
با عزت از او یاد شود و به فخر شهرت دارد، و در خوشی و تنگی

مَشْكُورٌ، وَ صَلَّى اللهُ عَلىٰ سَيِّدِنا مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطّاهِرينَ.
شکر می‌شود، و صلوات خدا بر سرور ما محمّد و خاندان پاک او باد.

بخش سوم

اعمال ماه‌های قمری

دعای رؤیت هلال

در آغاز هر ماه علاوه بر مستحبات دیگر دو عمل را فراموش نفرمایید،
اوّل، مستحب است خواندن دعای زیر از صحیفهٔ سجّادیّه در هنگام رؤیت هلال:

أَيُّهَا ٱلْخَلْقُ ٱلْمُطِيعُ ٱلدّائِبُ ٱلسَّرِيعُ، ٱلْمُتَرَدِّدُ فِي مَنازِلِ
ای آفریدهٔ سربه‌فرمان تندرو، در گردش در مدار

ٱلتَّقْدِيرِ، ٱلْمُتَصَرِّفُ فِي فَلَكِ ٱلتَّدْبِيرِ، آمَنْتُ بِمَنْ نَوَّرَ بِكَ
معین و در سپهر تدبیر دور زننده، ایمان آوردم به آن کس که تیرگی‌ها را به تو

ٱلظُّلَمَ، وَ أَوْضَحَ بِكَ ٱلْبُهَمَ، وَ جَعَلَكَ آيَةً مِنْ آياتِ مُلْكِهِ،
روشن ساخت و به تو ابهام‌ها را روشن گردانید و تو را آیتی از آیات مُلک خود

وَ عَلامَةً مِنْ عَلاماتِ سُلْطانِهِ، وَ آمْتَهَنَكَ بِالزِّيادَةِ وَ ٱلنُّقْصانِ
و علامتی از علامتهای چیرگی خود قرار داد و با فزونی و کاستی

وَ ٱلطُّلُوعِ وَ ٱلْأُفُولِ وَ ٱلْإِنارَةِ وَ ٱلْكُسُوفِ، فِي كُلِّ ذٰلِكَ أَنْتَ
و برآمدن و فروشدن و تاب و گرفتگی به خدمت گماشت، در همهٔ این رویدادها، تو

لَهُ مُطِيعٌ، وَ إِلىٰ إِرادَتِهِ سَرِيعٌ، سُبْحانَهُ ما أَعْجَبَ ما دَبَّرَ فِي
سر به فرمان اویی و شتابان به ارادهٔ او. پاک است ذات او، که در کار تو چه

أَمْرِكَ، وَ أَلْطَفَ ما صَنَعَ فِي شَأْنِكَ، جَعَلَكَ مِفْتاحَ شَهْرٍ
شگفتیها تدبیر کرد و چه لطیف است صنعتی که دربارهٔ تو به کار برد. تو را برای امری جدید،

خادِثٍ لِأَمْرٍ خادِثٍ، فَأَسْئَلُ ٱللهَ رَبِّي وَ رَبَّكَ وَ خالِقي
کلید ماه نو قرار داد. از خدا - پروردگار من و تو و آفرینندهٔ من

وَ خالِقَكَ وَ مُقَدِّري وَ مُقَدِّرَكَ وَ مُصَوِّري وَ مُصَوِّرَكَ، أَنْ
و آفرینندهٔ تو و مقدّر من و تو و صورتگر من و تو - مسئلت دارم که

يُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ أَنْ يَجْعَلَكَ هِلالَ بَرَكَةٍ لا تَمْحَقُهَا
بر محمد و خاندانش صلوات فرستد و تو را هلال برکت قرار دهد که روزگاران،

ٱلْأَيّامُ، وَ طَهارَةٍ لا تُدَنِّسُهَا ٱلْآثامُ، هِلالَ أَمْنٍ مِنَ ٱلْآفاتِ،
آن را نابود نسازد و هلال پاکیزگی که گناهان آن را نیالاید؛ هلال امنیت از آفتها

وَ سَلامَةٍ مِنَ ٱلسَّيِّئاتِ، هِلالَ سَعْدٍ لا نَحْسَ فيهِ، وَ يُمْنٍ
و سلامت از بدیها؛ هلال نیکبختی که در آن شوم بختی نباشد؛ هلال خوشبختی

لا نَكَدَ مَعَهُ، وَ يُسْرٍ لا يُمازِجُهُ عُسْرٌ، وَ خَيْرٍ لا يَشُوبُهُ شَرٌّ،
که با آن محنتی همراه نیاید؛ هلال آسانی که دشواری با آن درنیامیزد؛ هلال خیر که شر با آن درنیامیزد؛

هِلالَ أَمْنٍ وَ إيمانٍ، وَ نِعْمَةٍ وَ إِحْسانٍ، وَ سَلامَةٍ وَ إِسْلامٍ.
هلال امن و ایمان و نعمت و احسان و سلامت و اسلام.

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ ٱجْعَلْنا مِنْ أَرْضىٰ مَنْ طَلَعَ
بار خدایا، صلوات تو بر محمد و خاندانش نثار باد. و ما را خشنودترین کس قرار ده که هلال

عَلَيْهِ، وَ أَزْكىٰ مَنْ نَظَرَ إِلَيْهِ، وَ أَسْعَدَ مَنْ تَعَبَّدَ لَكَ فيهِ،
بر او بتابد و پاکترین‌کس، که بر او دیده افکند و نیکبخت‌ترین کس که در این ماه تو را پرستد.

وَ وَفِّقْنا فيهِ لِلتَّوْبَةِ، وَ ٱعْصِمْنا فيهِ مِنَ ٱلْحَوْبَةِ، وَ ٱحْفَظْنا فيهِ
و به ما توفیق توبه عنایت فرمای و در آن ما را از دوری از خیر و خوبی نگاهدار و ما را از دست زدن

مِنْ مُباشَرَةِ مَعْصِيَتِكَ، وَ أَوْزِعْنا فيهِ شُكْرَ نِعْمَتِكَ، وَ أَلْبِسْنا

به نافرمانی در درگاهت نگهدار. و در آن شکرگزاری نعمتت را به ما الهام کن و جوشن

فيهِ جُنَنَ الْعافِيَةِ، وَ أَتْمِمْ عَلَيْنا بِاسْتِكْمالِ طاعَتِكَ فيهِ الْمِنَّةِ، إِنَّكَ

تندرستی در آن ماه بر ما بپوشان و در آن باکامل کردن طاعت خود منت تمام فرمای؛ هماناکه

الْمَنّانُ الْحَميدُ، وَ صَلَّى اللهُ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبينَ الطّاهِرينَ.[1]

تو بخشندهٔ نعمت و ستوده‌ای. و صلوات خدا بر محمد و خاندان پاکیزه و پاکش باد.

دوم، مستحب است خواندن دو رکعت نماز، که در رکعت اوّل آن، بعد از حمد، سی مرتبه سورهٔ توحید ﴿قُلْ هُوَ اللهُ...﴾ و در رکعت دوّم، بعد از حمد، سی مرتبه سورهٔ قدر ﴿إِنّا أَنْزَلْناهُ...﴾ خوانده شود. هم‌چنین خوب است نمازگزار بعد از آن مقداری صدقه بدهد. امید است این عمل که نوعی درخواست سلامتی از حق تعالی است، اثر بسزایی در بیمه گشتن انسان در برابر حوادث ناگوار در آن ماه، داشته باشد.[2]

فضیلت و اعمال ماه رجب

نبیّ گرامی اسلامﷺ فرمود: "رجب ماه بزرگ خداست؛ و ماهی در فضیلت و حرمت به آن نمی‌رسد. جنگ و مبارزه با کافران در این ماه حرام است". سپس اضافه نمود: "رجب ماه خدا، شعبان ماه من و رمضان ماه امّت من است".[3] هم‌چنین در فضیلت ماه رجب فرموده است: "ماه رجب، ماه آمرزش‌خواهی امّت من است. در این ماه بسیار طلب آمرزش کنید! که خداوند آمرزنده و مهربان است! زیرا در این ماه رحمت فراوانی بر امّت من ریخته می‌شود. پس بسیار بگوئید: ﴿أَسْتَغْفِرُ اللهَ وَ أَسْأَلُهُ التَّوْبَةَ؛ از خدا آمرزش می‌خواهم و از او خواستار

---

۱. الصحیفة السجادیة / دعای شماره ۴۳. ۲. اقبال، صفحهٔ ۸۷. ۳. بحار الانوار، جلد ۹۷، صفحه ۲۶.

توجّه و احسانم﴾". [۱] امام کاظم ﷺ فرمود: "رجب، نام نهری در بهشت است که از شیر سفیدتر و از عسل شیرین‌تر می‌باشد. هر کس یک روز ماه رجب را روزه بدارد، از آن نهر بیاشامد". (البتّه اگر موانعی در سر راه خود ایجاد نکند).

اعمال این ماه بر دو قسم است: مشترک و مخصوص.

اعمال مشترک، دعاها و اعمالی است که در هر روز یا شب آن بجا آورده می‌شود. اعمال مخصُوص، اعمالی است که انجام دادن آنها فقط در شب یا روز بخصوصی سفارش شده است.

چنانکه بعداً خواهد آمد، در هر ماهی اعمال مشترک و مخصوص وجود دارد. شایان ذکر است که در میان ادعیهٔ هر ماه، دعاهای این ماه از نظر فصاحت سخن، بلاغت بیان، عمیق بودن معنیٰ و برتری مطلب ـ بویژه جملاتی که در بارهٔ اوصاف جلال و جمال خداوند انشاء شده است ـ امتیازی مخصوص و درخور توجّه دارد. سزاوار است مؤمنین دانش پژوه از خواندن و اندیشیدن در مفاهیم آنها غفلت نفرمایند.

اعمال مُشترک ماه رجب

۱ـ از حضرت صادق ﷺ نقل شده است که: در هر روز از ماه رجب، صبح، شب و بعد از هر نماز می‌گوئی:

يٰا مَنْ أَرْجُوهُ لِكُلِّ خَيْرٍ، وَ آمَنُ سَخَطَهُ عِنْدَ كُلِّ شَرٍّ، يٰا مَنْ

ای که برای هر کار خیر به تو امیدوارم و در هر کار شر از خشم تو ایمنم، ای که

يُعْطِي الْكَثِيرَ بِالْقَلِيلِ، يٰا مَنْ يُعْطِي مَنْ سَأَلَهُ، يٰا مَنْ يُعْطِي مَنْ

عمل اندک را پاداش بسیار می‌دهی، ای عطاکننده به آن که از تو بخواهد و آن که از تو

---
۱. بحار الانوار، جلد ۹۷، صفحه ۲۶.

لَمْ یَسْئَلْهُ وَ مَنْ لَمْ یَعْرِفْهُ، تَحَنُّناً مِنْهُ وَ رَحْمَةً، أَعْطِنی بِمَسْئَلَتی

نطلبد و تو را نشناسد ـ از روی مهر و رحمت ـ برآوری، اینک بدین حاجت که از تو دارم تقاضا

إِیّاكَ جَمیعَ خَیْرِ الدُّنْیا وَ جَمیعَ خَیْرِ الْآخِرَةِ، وَ اصْرِفْ عَنّی

می‌کنم همهٔ خیر دنیا و سراسر خیر آخرت را به من عطا فرمایی و همهٔ شر دنیا

بِمَسْئَلَتی إِیّاكَ جَمیعَ شَرِّ الدُّنْیا وَ شَرِّ الْآخِرَةِ، فَإِنَّهُ غَیْرُ مَنْقُوصٍ

و سراسر شر آخرت را بنا به این تقاضا از من بگردان. همانا آنچه تو عطا فرمایی

ما أَعْطَیْتَ، وَ زِدْنی مِنْ فَضْلِكَ یا کَریمُ.

کاهش نپذیرد. و ای کریم از فضل خود بر من بیفزای.

راوی می‌گوید حضرت ریش مبارک را با دست چپ گرفتند و انگشت سبّابهٔ دست راست را به علامت خضوع و اشاره بسوی معبود حرکت دادند سپس این دعا را خواندند:

یا ذَا الْجَلالِ وَ الْإِکْرامِ، یا ذَا النَّعْماءِ وَ الْجُودِ، یا ذَا الْمَنِّ

ای صاحب جلال و اکرام، ای دارای نعمتها و بخشش، ای صاحب منت

وَ الطَّوْلِ حَرِّمْ شَیْبَتی عَلَی النّارِ؛[1]

و قوت، موی سپیدم را بر آتش حرام فرما!

و اگر مویش سفید نباشد بگوید: ﴿حَرِّمْ شَعْری عَلَی النّارِ؛ مویم را بر آتش حرام فرما!﴾ و کسی که موی در بدن ندارد چنین بخواند: ﴿حَرِّمْ جَسَدی عَلَی النّارِ؛[2] پیکرم را بر آتش حرام فرما!﴾ و چون ابهامی در عبارت روایت است احتیاط در این است که در همهٔ دعا چنین کند.

۲ـ دعای زیر را که به امام زین العابدین ؑ منسوب است بخواند:

---

۱. بحار الانوار/ ۹۵/ ۳۹۰ـ۳۹۱.   ۲. بحار الانوار، جلد ۹۸، صفحه ۳۹۰.

يٰا مَنْ يَمْلِكُ حَوٰائِجَ ٱلسّٰائِلِينَ، وَ يَعْلَمُ ضَمِيرَ ٱلصّٰامِتِينَ،
ای که نیازهای در خواست کنندگان در دست توست و ضمیر خاطرشان را می‌دانی،

لِكُلِّ مَسْئَلَةٍ مِنْكَ سَمْعٌ حٰاضِرٌ وَ جَوٰابٌ عَتِيدٌ. اَللّٰهُمَّ
برای هر تقاضا، از طرف تو گوشی حاضر و پاسخی آماده است. بارالها،

وَ مَوٰاعِيدُكَ ٱلصّٰادِقَةُ، وَ أَيٰادِيكَ ٱلْفٰاضِلَةُ وَ رَحْمَتُكَ ٱلْوٰاسِعَةُ.
بعلاوه وعده‌های تو راست است و نعمتهایت فزاینده و رحمتت گسترده.

فَأَسْئَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ، وَ أَنْ تَقْضِيَ
پس از تو می‌خواهم که بر محمد و آل محمد صلوات فرستی

حَوٰائِجِي لِلدُّنْيٰا وَ ٱلْاٰخِرَةِ، إِنَّكَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.[1]
و نیازهای[2] دنیا و آخرت مرا برآوری همانا تو بر همه کار توانایی.

۳ـ دعای امام صادق ؏ را بخواند:

خٰابَ ٱلْوٰافِدُونَ عَلىٰ غَيْرِكَ، وَ خَسِرَ ٱلْمُتَعَرِّضُونَ إِلّٰا لَكَ،
آنان که بر در خانهٔ جز تو رفتند، نومید شدند، و آنان که جز تو را طلبیدند زیان دیدند

وَ ضٰاعَ ٱلْمُلِمُّونَ إِلّٰا بِكَ، وَ أَجْدَبَ ٱلْمُنْتَجِعُونَ إِلّٰا مَنِ ٱنْتَجَعَ
و آنان که جز به درگاهت روی آوردند، تباه گردیدند و آنان که جز فضل تو را جستند

فَضْلَكَ، بٰابُكَ مَفْتُوحٌ لِلرّٰاغِبِينَ، وَ خَيْرُكَ مَبْذُولٌ لِلطّٰالِبِينَ،
بینوایی کشیدند. درگاهت به روی مشتاقان باز است و خیرت بر خواستاران بخشیده می‌گردد

وَ فَضْلُكَ مُبٰاحٌ لِلسّٰائِلِينَ، وَ نَيْلُكَ مُتٰاحٌ لِلْاٰمِلِينَ، وَ رِزْقُكَ
و فضلت برای تقاضاکنندگان رواست. و رسیدن به تو برای آرزومندان آماده و روزی تو

۱. اقبال، صفحه ۶۲۳.

مَبْسُوطٌ لِمَنْ عَصٰاكَ، وَ حِلْمُكَ مُعْتَرِضٌ لِمَنْ نٰاوٰاكَ، عٰادَتُكَ
بر نافرمانان گسترده و شکیبت بر دشمنانت نیز شامل. روش تو

اَلْاِحْسٰانُ اِلَى الْمُسيئينَ، وَ سَبيلُكَ الْاِبْقٰاءُ عَلَى الْمُعْتَدينَ،
نیکی کردن به بدکاران است و رفتارت مهلت دادن به تجاوزکاران.

اَللّٰهُمَّ فَاهْدِني هُدَى الْمُهْتَدينَ، وَ ارْزُقْني اجْتِهٰادَ الْمُجْتَهِدينَ
پس خدایا مرا همچون راه یافتگان هدایت فرما و تلاش تلاشگران را روزیم کن

وَ لاٰ تَجْعَلْني مِنَ الْغٰافِلينَ الْمُبْعَدينَ، وَ اغْفِرْ لي يَوْمَ الدّينِ.[1]
و از غافلینی که از نعمتت دور مانده‌اند قرار مده و روز جزا مرا بیامرز!

۴ـ دعایی است جامع فصاحت الفاظ و علوّ معانی و این دعا از اعمال مسجد صعصعه نیز هست زیرا علی بن محمد تستری با همراهش در مسجد صعصعه از شخصی که آن را می‌خواند فراگرفت و قبل از غیبت او متوجه نشدند حضرت خضر بوده و یا آن کسی که خضر مشتاق زیارت اوست.

اَللّٰهُمَّ يٰا ذَا الْمِنَنِ السّٰابِغَةِ، وَ الْآلاٰءِ الْوٰازِعَةِ، وَ الرَّحْمَةِ
بار خدایا، ای دارای احسانهای گسترده و نعمتهای فزونی یابنده و رحمت

الْوٰاسِعَةِ، وَ الْقُدْرَةِ الْجٰامِعَةِ وَ النِّعَمِ الْجَسيمَةِ، وَ الْمَوٰاهِبِ
وسیع و قدرت جامع و عطاهای بر هم انباشته و موهبتهای

الْعَظيمَةِ، وَ الْاَيٰادِي الْجَميلَةِ، وَ الْعَطٰايَا الْجَزيلَةِ يٰا مَنْ
بزرگ و بخششهای زیبا و عطاهای فراوان، ای که

لاٰ يُنْعَتُ بِتَمْثيلٍ، وَ لاٰ يُمَثَّلُ بِنَظيرٍ، وَ لاٰ يُغْلَبُ بِظَهيرٍ، يٰا مَنْ
با مثال اوصاف تو بیان نشود و با بیان نظیر به مثال درنیایی و با هیچ پشتیبانی مغلوب نگردی، ای که

۱. بحار الانوار / ۹۵ / ۳۸۹.

خَلَقَ فَرَزَقَ وَ أَلْهَمَ فَأَنْطَقَ، وَ ٱبْتَدَعَ فَشَرَعَ، وَ عَلا فَارْتَفَعَ،

آفریدی و روزی دادی، و الهام کردی و به سخن آوردی، پدیدار کنی پس آغاز فرمایی، والایی و بلند مرتبه،

وَ قَدَّرَ فَأَحْسَنَ، وَ صَوَّرَ فَأَتْقَنَ وَ ٱحْتَجَّ فَأَبْلَغَ، وَ أَنْعَمَ فَأَسْبَغَ،

و نیکو تقدیر فرمایی و صورت بخشی و استوار کنی، حجت آورده و ابلاغ کنی، نعمت بخشیده و می‌فرستی،

وَ أَعْطىٰ فَأَجْزَلَ، وَ مَنَحَ فَأَفْضَلَ، يٰا مَنْ سَمٰا فِي ٱلْعِزِّ فَفٰاتَ

عطا کرده و می‌افزایی، و عنایت فرموده و بر آن می‌افزایی. ای که در عزت اوج گرفته‌ای

نَوٰاظِرَ ٱلْأَبْصٰارِ، وَ دَنىٰ فِي ٱللُّطْفِ فَجٰازَ هَوٰاجِسَ ٱلْأَفْكٰارِ،

و از دیدرس چشمها گذشته‌ای و در لطافت نزدیک شدی پس از جهش اندیشه‌ها عبور کرده‌ای،

يٰا مَنْ تَوَحَّدَ بِالْمُلْكِ فَلاٰ نِدَّ لَهُ فِي مَلَكُوتِ سُلْطٰانِهِ، وَ تَفَرَّدَ

ای که در ملک یگانه‌ای و تو را در ملکوت فرمانروایی، همتایی نیست و در نعمتها

بِالْكِبْرِيٰاءِ وَ ٱلْآلاٰءِ فَلاٰضِدَّ لَهُ فِي جَبَرُوتِ شَأْنِهِ، يٰا مَنْ

و کبریا یکتایی و تو را در جبروت شوکت حریف نیست. ای که

حٰارَتْ فِي كِبْرِيٰاءِ هَيْبَتِهِ دَقٰائِقُ لَطٰايِفِ ٱلْأَوْهٰامِ، وَ ٱنْحَسَرَتْ

در کبریای هیبت تو، دقت اوهام باریک بین سرگردان و در مقابل

دُونَ إِدْرٰاكِ عَظَمَتِهِ خَطٰائِفُ أَبْصٰارِ ٱلْأَنٰامِ، يٰا مَنْ عَنَتِ

ادراک عظمت تو اوج بصیرت مردم نارساست و چهره‌ها از هیبت تو

ٱلْوُجُوهُ لِهَيْبَتِهِ، وَ خَضَعَتِ ٱلرِّقٰابُ لِعَظَمَتِهِ، وَ وَجِلَتِ ٱلْقُلُوبُ

خاکسار است و گردنها از عظمت تو خم و دلها از خوف تو

مِنْ خيفَتِهِ، أَسْئَلُكَ بِهٰذِهِ ٱلْمِدْحَةِ ٱلَّتِي لاٰ تَنْبَغِي إِلّاٰ لَكَ،

پر بیم. از تو می‌خواهم به حق این ستایش که جز تو را نسزد

وَ بِما وَأَيْتَ بِهِ عَلىٰ نَفْسِكَ لِداعيكَ مِنَ ٱلْمُؤْمِنينَ، وَ بِما
و به این حقیقت که بر خود لازم کرده‌ای که تقاضای مؤمنان را بپذیری و برآوردن

ضَمِنْتَ ٱلْإِجابَةَ فيهِ عَلىٰ نَفْسِكَ لِلدّاعينَ، يا أَسْمَعَ ٱلسّامِعينَ
درخواستشان را ضمانت فرموده‌ای، ای شنونده‌ترین شنونده‌ها

وَ أَبْصَرَ ٱلنّاظِرينَ وَ أَسْرَعَ ٱلْحاسِبينَ، يا ذَاالْقُوَّةِ ٱلْمَتينَ،
و بیننده‌ترین بیننده‌ها و سریع‌ترین حسابرس، ای دارای نیروی استوار،

صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ خاتَمِ ٱلنَّبِيّينَ وَ عَلىٰ أَهْلِ بَيْتِهِ، وَ ٱقْسِمْ لي
بر محمد خاتم النبیین و خاندانش صلوات فرست و قسمت من کن

في شَهْرِنا هٰذا خَيْرَما قَسَمْتَ، وَ ٱحْتِمْ لي في قَضائِكَ خَيْرَ
در این ماه بهترین قسمتی که فرموده‌ای، و حتمی کن برای من در مقدرات بهترین تقدیر

ما حَتَمْتَ، وَ ٱخْتِمْ لي بِالسَّعادَةِ فيمَنْ خَتَمْتَ، وَ أَحْيِني
را حتمی فرموده‌ای و مرا عاقبت به خیر کن در زمرهٔ سعادتمندان و تا زنده‌ام می‌داری

ما أَحْيَيْتَني مَوْفُوراً، وَ أَمِتْني مَسْرُوراً وَ مَغْفُوراً، وَ تَوَلَّ أَنْتَ
در فراوانی زنده‌ام‌دار و مرا شاد و آمرزیده بمیران؛ رهایی مرا

نَجاتي مِنْ مُسائَلَةِ ٱلْبَرْزَخِ، وَ ٱدْرَأْ عَنّي مُنْكَراً وَ نَكيراً، وَ أَرِ
از پرس و جوی برزخ عهده‌دار شو و منکر و نکیر را از من بازگردان؛ حضرت محمد

عَيْني مُبَشِّراً وَ بَشيراً وَ ٱجْعَلْ لي إِلىٰ رِضْوانِكَ وَ جِنانِكَ مَصيراً،
را به من بنمایان و مرا به سوی خشنودی و بهشت خود راهی بگشای؛

وَ عَيْشاً قَريراً، وَ مُلْكاً كَبيراً، وَ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ كَثيراً.[۱]
زندگی بسیار خوب و ثروت زیاد عطا کن و بر محمد و خاندانش صلوات فراوان نثار فرمای.

۱. بحار الانوار، جلد ۹۸، صفحه ۳۹۱ ـ اقبال، صفحه ۶۴۵.

۵ـ دعای حضرت ولیّ عصر ﷺ که به دست شیخ جلیل، ابـوالقـاسم، نـایب آن حضرت رسید:

اَللّٰهُمَّ إِنّي أَسْئَلُكَ بِالْمَوْلُودَيْنِ في رَجَبٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ
بار خدایا، از تو درخواست می‌کنم به حق دو مولود ماه رجب: ـ محمد بن علی محمد

اَلثّاني وَ ٱبْنِهِ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ ٱلْمُنْتَجَبِ، وَ أَتَقَرَّبُ بِهِما إِلَيْكَ
دوم و فرزندش علی بن محمّد منتجب و بوسیلهٔ آن دو بهترین تقرب را به سوی

خَيْرَ ٱلْقُرْبِ، يا مَنْ إِلَيْهِ ٱلْمَعْرُوفُ طُلِبَ وَ فيما لَدَيْهِ رُغِبَ،
تو خواستارم، ای که از تو نیکویی در خواست شود و هرچه نزد توست آرزو گردد،

أَسْئَلُكَ سُؤالَ مُقْتَرِفٍ مُذْنِبٍ، قَدْ أَوْبَقَتْهُ ذُنُوبُهُ، وَ أَوْثَقَتْهُ
از تو می‌خواهم همانند خواستن مجرم گناهکاری که گناهانش او را تباه ساخته و عیبهایش

عُيُوبُهُ، فَطالَ عَلَى ٱلْخَطايا دُؤُوبُهُ، وَ مِنَ ٱلرَّزايا خُطُوبُهُ،
او را دربند کشیده؛ و رفتارش بر خطا و مشکلاتش در مصیبتها به درازا کشیده است،

يَسْئَلُكَ ٱلتَّوْبَةَ، وَ حُسْنَ ٱلْأَوْبَةِ، وَ ٱلنُّزُوعَ عَنِ ٱلْحَوْبَةِ، وَ مِنَ
از تو درخواست می‌کند توبه و بازگشت نیکو و دور ماندن از گناه و آزادی خود از

اَلنّارِ فَكاكَ رَقَبَتِهِ، وَ ٱلْعَفْوَعَمّا في رِبْقَتِهِ، فَأَنْتَ مَوْلايَ أَعْظَمُ
آتش و بخشایش آنچه بر عهده دارد. پس تو ای سرور من بزرگترین

أَمَلِهِ وَ ثِقَتُهُ. اَللّٰهُمَّ وَ أَسْئَلُكَ بِمَسائِلِكَ ٱلشَّريفَةِ، وَ وَسائِلِكَ
آرزو و مایهٔ اعتماد وی می‌باشی. بار خدایا، سوگند به مسائل ارجمندت و وسایل

اَلْمُنيفَةِ أَنْ تَتَغَمَّدَني في هٰذَا ٱلشَّهْرِ بِرَحْمَةٍ مِنْكَ واسِعَةٍ،
برترت، از تو می‌خواهم که در این ماه، با رحمت گسترده خود

وَ نِعْمَةٍ وٰازِعَةٍ، وَ نَفْسٍ بِمٰا رَزَقْتَهٰا قٰانِعَةٍ، إِلىٰ نُزُولِ ٱلْحٰافِرَةِ،

و با نعمت فراگیرت مرا در برگیری و نفس قانع به آنچه روزیم کرده‌ای عنایت فرمایی تا به گور رود

وَ مَحَلِّ ٱلْاٰخِرَةِ، وَ مٰا هِيَ إِلَيْهِ صٰائِرَةٌ.[1]

و به محل آخرت، برسد و به آنچه سرانجام اوست برگردد.

۶ـ نیز دعای حضرت ولیّ عصر ﷺ که به واسطهٔ شیخ جلیل، محمّد بن عثمان، نایب آن حضرت نقل شده است، این دعا شامل مضامین بسیار عالی و توصیف عجیبی از فرشتگان است مورد توجه قرار گیرد:

بِسْمِ ٱللّٰهِ ٱلرَّحْمٰنِ ٱلرَّحِيمِ، ٱللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْئَلُكَ بِمَعٰانِي جَمِيعِ

بنام خداوند بخشندهٔ مهربان. بارالها، به حق معانی همهٔ آن

مٰا يَدْعُوكَ بِهِ وُلاٰةُ أَمْرِكَ ٱلْمَأْمُونُونَ عَلىٰ سِرِّكَ ٱلْمُسْتَبْشِرُونَ

سخنان که والیان امرت و نگاهداران رازت و نوید دهندگان

بِأَمْرِكَ ٱلْوٰاصِفُونَ لِقُدْرَتِكَ ٱلْمُعْلِنُونَ لِعَظَمَتِكَ، أَسْئَلُكَ بِمٰا

به کارت و وصف گویان قدرتت و آشکار کنندگان عظمتت تو را بر آن می‌خوانند، از تو مسئلت دارم

نَطَقَ فِيهِمْ مِنْ مَشِيَّتِكَ، فَجَعَلْتَهُمْ مَعٰادِنَ لِكَلِمٰاتِكَ، وَ أَرْكٰاناً

بدانچه مشیت تو، به آن تعلق گرفته است و آنان را رازداران گنجینه‌های کلماتت و پایه‌های

لِتَوْحِيدِكَ وَ اٰيٰاتِكَ وَ مَقٰامٰاتِكَ ٱلَّتِي لاٰ تَعْطِيلَ لَهٰا فِي كُلِّ

توحیدت و آیاتت قراردادی که در هیچ جا تعطیلی برای آن

مَكٰانٍ يَعْرِفُكَ بِهٰا مَنْ عَرَفَكَ، لاٰ فَرْقَ بَيْنَكَ وَ بَيْنَهٰا إِلاّٰ أَنَّهُمْ

نیست؛ هر کس تو را شناسد به آن شناسد. بین تو و آنها تفاوتی نیست جز این که آنها

---

۱. بحار الانوار / ۹۵ / ۳۹۴. الاقبال / ۶۴۷.

عِبادُكَ وَ خَلْقُكَ، فَتْقُها وَ رَتْقُها بِيَدِكَ، بَدْؤُها مِنْكَ وَ عَوْدُها

بندگان تو و آفریدهٔ تو هستند. رتق و فتق آن در دست توست. آغازش از تو و بازگشتش

إِلَيْكَ، أَعْضادٌ وَ أَشْهادٌ، وَ مُناةٌ وَ أَذْوادٌ، وَ حَفَظَةٌ وَ رُوّادٌ،

به سوی توست. آنها، بازوان و گواهان و آزمودگان و مدافعان و نگاهبانان و پیشروانند.

فَبِهِمْ مَلَأْتَ سَماءَكَ وَ أَرْضَكَ حَتّىٰ ظَهَرَ أَنْ لا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ،

با آنها آسمان و زمینت راپرساخته‌ای؛ چندان که آشکار گردد که جز تو خدایی نیست.

فَبِذٰلِكَ أَسْئَلُكَ وَ بِمَواقِعِ الْعِزِّ مِنْ رَحْمَتِكَ، وَ بِمَقاماتِكَ

پس به این حقیقت و به جایگاههای ارجمند از رحمتت و به مقامها

وَ عَلاماتِكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ أَنْ تَزيدَني إيماناً

و نشانه‌هایت، از تو مسئلت دارم که صلوات فرستی بر محمد و آل محمد و بر ایمانم و پایداریم

وَ تَثْبيتاً. يا باطِناً في ظُهُورِهِ وَ ظاهِراً في بُطُونِهِ وَ مَكْنُونِهِ.

بیفزایی. ای که در ظهور خود نهانی و در نهانی‌ها و نهفته بودن خود ظاهر،

يا مُفَرِّقاً بَيْنَ النُّورِ وَ الدَّيْجُورِ، يا مَوْصُوفاً بِغَيْرِ كُنْهٍ وَ مَعْرُوفاً

ای که میان نور و شب تار را جدا می‌سازی، ای که توصیف می‌شوی نه تا ژرفای ذاتت، ای که

بِغَيْرِ شِبْهٍ، حادَّ كُلِّ مَحْدُودٍ وَ شاهِدَ كُلِّ مَشْهُودٍ وَ مُوجِدَ كُلِّ

به غیر مانند شناخته می‌گردی، ای که حدّ گذار هر محدود و شاهد همهٔ شهودها و بوجود آورندهٔ هر

مَوْجُودٍ وَ مُحْصِيَ كُلِّ مَعْدُودٍ وَ فاقِدَ كُلِّ مَفْقُودٍ، لَيْسَ دُونَكَ

موجود و شمارندهٔ هر محدود و نابود کنندهٔ هر مفقود هستی، جز تو

مِنْ مَعْبُودٍ أَهْلَ الْكِبْرِياءِ وَ الْجُودِ، يا مَنْ لا يُكَيَّفُ بِكَيْفٍ

معبودی نیست؛ ای اهل کبریاء و بخشش، ای که به کیفیت محدود نگردی

وَ لاٰ یُؤَیَّنُ بِأَیْنٍ، یٰا مُحْتَجِباً عَنْ کُلِّ عَیْنٍ، یٰا دَیْمُومُ یٰا قَیُّومُ
و به مکان منسوب نشوی ای که از هر چشمی در حجاب، ای جاویدان، ای قیوم،

وَ عٰالِمَ کُلِّ مَعْلُومٍ، صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ عَلیٰ عِبٰادِکَ
ای دانای همهٔ دانستنی‌ها، صلوات فرست بر محمد و آل او و بر بندگان

اَلْمُنْتَجَبِینَ، وَ بَشَرِکَ اَلْمُحْتَجِبِینَ، وَ مَلاٰئِکَتِکَ اَلْمُقَرَّبِینَ،
پاکت و بر سایر مخلوقات تو که در پرده‌اند و بر فرشتگان تو که مقرب

وَ اَلْبُهْمِ اَلصّٰافِّینَ اَلْحٰافِّینَ، وَ بٰارِکْ لَنٰا فِي شَهْرِنٰا هٰذَا اَلْمُرَجَّبِ
و در ابهام و صف در صف و گرداگردند. و این ماه با عظمت و عزیز

اَلْمُکَرَّمِ، وَ مٰا بَعْدَهُ مِنَ اَلْأَشْهُرِ اَلْحُرُمِ، وَ أَسْبِغْ عَلَیْنٰا فِیهِ
ماههای حرام بعد از آن را بر ما مبارک گردان و در این ماه نعمت‌ها را

اَلنِّعَمَ وَ أَجْزِلْ لَنٰا فِیهِ اَلْقِسَمَ، وَ أَبْرِزْ لَنٰا فِیهِ اَلْقَسَمَ، بِاسْمِکَ
بر ما ببار و بر بهره‌های ما بیفزای و نصیب ما را در آن کامل گردان. سوگند به

اَلْأَعْظَمِ اَلْأَجَلِّ اَلْأَکْرَمِ اَلَّذِي وَضَعْتَهُ عَلَی اَلنَّهٰارِ
نام اعظم تو، به نام اعظم و اجل و اکرم تو که آن را بر روز نهادی

فَأَضٰاءَ، وَ عَلَی اَللَّیْلِ فَأَظْلَمَ، وَ اَغْفِرْ لَنٰا مٰا تَعْلَمُ مِنّٰا وَ مٰا لاٰ نَعْلَمُ،
و روشن شد و بر شب نهادی و تیره گردید ـ از آنچه از ما می‌دانی و ما نمی‌دانیم، ما را بیامرز

وَ اَعْصِمْنٰا مِنَ اَلذُّنُوبِ خَیْرَ اَلْعِصَمِ، وَ اَکْفِنٰا کَوٰافِيَ قَدَرِکَ،
و ما را با بهترین نگاهداری از گناهان حفظ فرما. با تقدیرات کافی خود ما را کفایت کن

وَ اَمْنُنْ عَلَیْنٰا بِحُسْنِ نَظَرِکَ، وَ لاٰ تَکِلْنٰا إِلیٰ غَیْرِکَ، وَ لاٰ تَمْنَعْنٰا
و با حسن نظر خود بر ما منت بگذار. ما را به غیر خودت وامگذار و ما را از خیر خود

مِنْ خَيْرِكَ، وَ بارِكْ لَنا فيما كَتَبْتَهُ لَنا مِنْ أَعْمارِنا، وَ أَصْلِحْ لَنا
باز مدار، و عمری را که برای ما نوشته‌ای، بر ما مبارک گردان. راز درونی ما را

خَبيئَةَ أَسْرارِنا، وَ أَعْطِنا مِنْكَ الْأَمانَ، وَ اسْتَعْمِلْنا بِحُسْنِ
اصلاح فرما و از جانب خود امان به ماعطا کن. ما را با حسن ایمان

الْإيمانِ، وَ بَلِّغْنا شَهْرَ الصِّيامِ، وَ ما بَعْدَهُ مِنَ الْأَيّامِ وَ الْأَعْوامِ،
به کارگیر و ما را به ماه رمضان برسان و زان پس به روزگارها و سالها،

يا ذَا الْجَلالِ وَ الْإِكْرامِ.[1]
ای دارای جلال و اکرام.

اعمال مخصوص ماه رجب

در شب و روز اوّل ماه رجب مستحبّ است: ۱ـ غسل[2] ۲ـ زیارت قبر مطهّر حضرت امام حسین ؊ برای کسانی که در کربلای معلاً باشند و برای آنان که دورند، خواندن زیارت عاشورا، یا زیارت وارث یا امین اللّه، مناسب است؛[3] چنان‌چه در بخش چهارم خواهد آمد.

۳ـ خواندن دعای زیر در شب اوّل:

اَللّٰهُمَّ إِنّي أَسْئَلُكَ بِأَنَّكَ مَليكٌ وَ أَنَّكَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ مُقْتَدِرٌ،
بارالها، از تو درخواست می‌کنم که همانا تو مَلِکی و همانا تو بر همه کار توانایی

وَ أَنَّكَ ما تَشاءُ مِنْ أَمْرٍ يَكُونُ. اَللّٰهُمَّ إِنّي أَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ بِنَبِيِّكَ
و همانا تو هر کار بخواهی می‌شود. بارالها، من به وساطت محمد پیمبر رحمت به سوی

---

۱. اقبال، صفحه ۶۴۶ـ بحار الانوار، جلد ۹۸، صفحه ۳۹۲.
۲. بحار الانوار، جلد ۹۸، صفحه ۳۷۷.
۳. اقبال، صفحه ۲۲۹.

مُحَمَّدٍ نَبِيِّ ٱلرَّحْمَةِ، صَلَّى ٱللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، يا مُحَمَّدُ يا رَسُولَ ٱللهِ
تو روی آورده‌ام. صلوات خدا بر او وخاندانش باد. ای محمد، ای فرستادهٔ خدا،

إِنّي أَتَوَجَّهُ بِكَ إِلَى ٱللهِ رَبِّكَ وَ رَبّي لِيُنْجِحَ بِكَ طَلِبَتي. ٱللّٰهُمَّ
همانا که من به سوی خدا، پروردگار تو و پروردگار خود روی آورده‌ام تا بوسیلهٔ تو حاجتم روا شود. خدایا،

بِنَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ وَ ٱلْأَئِمَّةِ مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ صَلَّى ٱللهُ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمْ،
سوگند به پیمبرت محمد و پیشوایان از خاندان او که ـ صلوات خدا بر او و بر آنان باد ـ

أَنْجِحْ طَلِبَتي... [1] پس حاجتهای خود را ذکر کن.
در خواست مرا برآور.

روز سیزدهم

روز سیزدهم این ماه، ولادت با سعادت حضرت امیر المؤمنین ـ علیه صلوات المصلّین ـ در سال سی‌ام عام الفیل، در میان کعبهٔ معظّمه واقع شده است. زیارت آن حضرت برای کسی که توفیق تشرّف آستانش را پیدا کند بسیار مناسب است. برای کسانی که دورند، زیارتی در بخش چهارم کتاب ذکر شده است.

نیمهٔ ماه

شب نیمهٔ رجب و روز آن، شریف است و چند عمل در آن شب و روز مستحبّ است: ۱ـ غسل [2] ۲ـ زیارت حضرت حسین ﷺ به صورتی که در شب اوّل گذشت. [3] ۳ـ چهار رکعت نماز (دو تا دو رکعت، مثل نماز صبح) بخواند و بعد از سلام دوّم دستها را به سوی حقّ بگشاید و دعای زیر را بخواند، که این عمل در

---

۱. بحار الانوار، جلد ۹۸، صفحه ۳۷۷. ۲. وسائل الشیعه، جلد ۲، صفحه ۹۵۹. ۳. بحار الانوار، جلد ۱۰۱، صفحه ۹۷.

رفع غصّه و اندوه، تأثیر بسزایی دارد و کسانی که موفّق به عمل امّ داود نشوند، مناسب است لا اقلّ این دعا را از اعمال این روز ترک نکنند:

اَللّٰهُمَّ یٰا مُذِلَّ کُلِّ جَبّٰارٍ عَنیدٍ، وَ یٰا مُعِزَّ اَلْمُؤْمِنینَ، أَنْتَ کَهْفی

بار خدایا؛ ای خوار کنندهٔ جباران و ای عزت دهندهٔ مؤمنان، تو پناهگاه منی

حینَ تُعْیینِیَ اَلْمَذٰاهِبُ، وَ أَنْتَ یٰا رَبِّ خَلَقْتَنی رَحْمَةً بی

هنگامی که روشهای گوناگون، مرا درمانده سازند. و تو، مرا آفریدی از روی رحمت به من؛

وَ قَدْ کُنْتَ عَنْ خَلْقي غَنِیّاً وَ لَوْلاٰ رَحْمَتُكَ لَکُنْتُ مِنَ اَلْهٰالِکینَ،

در حالیکه بی‌نیاز بودی از آفرینش من. و اگر مهر تو نبود، من از هلاک شدگان بودم.

وَ أَنْتَ مُؤَیِّدي بِالنَّصْرِ عَلیٰ أَعْدٰائی، وَ لَوْلاٰ نَصْرُكَ إِیّٰایَ

و تو یاور من در پیروزی بر دشمنانم، هستی و اگر یاری تو به من نبود هر آینه

لَکُنْتُ مِنَ اَلْمَفْضُوحینَ، یٰا مُرْسِلَ اَلرَّحْمَةِ مِنْ مَعٰادِنِهٰا،

از رسوایان بودم. ای فرستندهٔ رحمت از کانهای آن

وَ مُنْشِئَ اَلْبَرَکَةِ مِنْ مَوٰاضِعِهٰا، یٰا مَنْ خَصَّ نَفْسَهُ بِالشُّمُوخِ

و پدیدآورندهٔ برکت از مواضع آن، ای که بلندی و والائی را به ذات خویش

وَ اَلرِّفْعَةِ، فَأَوْلِیٰاؤُهُ بِعِزَّتِهِ یَتَعَزَّزُونَ، وَ یٰا مَنْ وَضَعَتْ لَهُ

اختصاص داده‌ای، پس دوستدارانت به عزت تو عزیز می‌گردند؛ ای که پادشاهان در آستان

اَلْمُلُوكُ نیرَ اَلْمَذَلَّةِ عَلیٰ أَعْنٰاقِهِمْ، فَهُمْ مِنْ سَطَوٰاتِهِ خٰائِفُونَ،

تو یوغ مذلت برگردن می‌نهند. و آنان از قوت و هیبت تو بیمناکند.

أَسْئَلُكَ بِکَیْنُونِیَّتِكَ اَلَّتِی اَشْتَقَقْتَهٰا مِنْ کِبْرِیٰائِكَ وَ أَسْئَلُكَ

از تو می‌خواهم به حق مقام تو که از کبریای خود برآورده‌ای، و از تو مسئلت دارم

بِكِبْرِيٰائِكَ ٱلَّتِى ٱشْتَقَقْتَهٰا مِنْ عِزَّتِكَ، وَ أَسْئَلُكَ بِعِزَّتِكَ ٱلَّتِى

به کبریای تو ـ که آن را از عزت خویش مشتق ساخته‌ای و درخواست می‌کنم سوگند به عزتت ـ که با آن

ٱسْتَوَيْتَ بِهٰا عَلىٰ عَرْشِكَ فَخَلَقْتَ بِهٰا جَمِيعَ خَلْقِكَ،

بر سراسر هستی چیره‌ای و همهٔ آفریدگانت را با آن آفریدی

فَهُمْ لَكَ مُذْعِنُونَ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ.

و آنها همه فرمانگزار تواند، که بر محمّد و اهل بیتش صلوات فرستی.

خوب است حاجتهای خود را یکایک ذکر کنی.[۱]

۴ ـ عمل امّ داود. این عمل، مهمترین عمل روز نیمهٔ این ماه است. داود، نوهٔ امام حسن مجتبی ﷺ و برادر رضاعی امام صادق ﷺ بوده است، گرفتار حبس منصور می‌شود. مادر صالحه‌اش به حضور امام صادق ﷺ می‌رسد. آن حضرت دعائی را تعلیم وی می‌فرماید که اثر معجز آسائی در نجات داود از زنجیر و حبس منصور می‌بخشد. در آن حدیث می‌خوانیم: امام ﷺ به امّ داود فرمود: چرا دعای استفتاح (مراد همان دعای معروف امّ داود است) را نمی‌خوانی، که آن، دعایی است که درهای آسمان با خواندنش باز می‌شود و صاحبش، اجابت را به سرعت در می‌یابد و زمینهٔ وارد شدن بهشت برایش فراهم می‌شود! امّ داود عرض کرد: یابن رسول اللّٰه ﷺ چگونه است؟ حضرت فرمود: ماه رجب نزدیک است. ایّام البیض (یعنی روزهای ۱۳ و ۱۴ و ۱۵) را روزه بگیر و روز ۱۵، نزدیک ظهر، غسل کن و نماز ظهر و عصر را بجا آور! (بهتر است همراه با نوافل و حضور قلب و در جای خلوتی باشد). بعد از نماز ظهر و عصر، دو رکعت نماز، مانند نماز صبح، بجا آور و پس از آن، صد مرتبه بگو:

---

۱. صحیفه علویه مترجم، صفحه ۱۸۳.

﴿یا قاضِیَ حَوآئِجِ السّآئِلینَ؛ ای برآورندهٔ نیازهای درخواست کنندگان!﴾

سپس در حالی که رو به قبله باشی بخوان : «حمد»، صد مرتبه ؛ ﴿قُلْ هُوَ اللهُ اَحَدٌ﴾ صد مرتبه ؛ «آیة الکرسی»، ده مرتبه. بعد از آن، این سوره‌ها را بخوان: انعام، بنی اسرائیل، کهف، لقمان، یسٓ، صافّات، حمٓ سجده، حمٓعسٓق، حم دخان، فتح، واقعه، ملك، ن، اذا السّمآء انشقّت تا آخر قرآن. و اگر نتوانی آن سوره‌ها را بخوانی، ﴿قُلْ هُوَ اللهُ اَحَدٌ﴾ را هزار بار بخوان! مرحوم مجلسی فرموده است: بر طبق بعضی از روایات، اگر ضرورتی در بین باشد اکتفا می‌کنی به خواندن صد مرتبه ﴿قُلْ هُوَ اللهُ اَحَدٌ﴾. پس از خواندن همهٔ آنها بگو :

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحیمِ، صَدَقَ اللهُ الْعَظیمُ الَّذی لا اِلٰهَ

به نام خداوند بخشنده مهربان، خدای بزرگ سخن به راستی فرماید؛ خدایی که

اِلّا هُوَ الْحَیُّ الْقَیُّومُ، ذُوالْجَلالِ وَ الْاِکْرامِ، الرَّحْمٰنُ الرَّحیمُ،

جز او خدایی نباشد: زندهٔ پاینده، با جلال و اکرام، رحمان و رحیم،

الْحَلیمُ الْکَریمُ، الَّذی لَیْسَ کَمِثْلِهِ شَیْءٌ وَ هُوَ السَّمیعُ الْعَلیمُ

حلیم و کریم؛ خدایی که مانند ندارد. و او شنوا و داناست،

الْبَصیرُ الْخَبیرُ، شَهِدَ اللهُ اَنَّهُ لااِلٰهَ اِلّا هُوَ وَ الْمَلآئِکَةُ وَ اُولُوا

بینا و آگاه است. خداوند گواهی می‌دهد که خدایی جز او نیست و فرشتگان و صاحبان

الْعِلْمِ قآئِماً بِالْقِسْطِ، لا اِلٰهَ اِلّا هُوَ الْعَزیزُ الْحَکیمُ، وَ بَلَّغَتْ

علم، برپای‌دارندگان عدل، گواهی می‌دهند که همانا جز او معبودی نیست.او عزیز است و حکیم. و فرستادگان

رُسُلُهُ الْکِرامُ، وَ اَنَا عَلیٰ ذٰلِكَ مِنَ الشّاهِدینَ، اَللّٰهُمَّ لَكَ

کرام او به سزا تبلیغ کردند. و من بر این معنی از گواهانم. بارخدایا،

اَلْحَمْدُ، وَ لَكَ اَلْمَجْدُ وَ لَكَ اَلْعِزُّ وَ لَكَ اَلْفَخْرُ، وَ لَكَ اَلْقَهْرُ
سپاس تو را و بزرگی تو را، عزت تو را و فخر تو را، قهر تو را

وَ لَكَ اَلنِّعْمَةُ، وَ لَكَ اَلْعَظَمَةُ وَ لَكَ اَلرَّحْمَةُ، وَ لَكَ اَلْمَهَابَةُ،
و نعمت تو را، عظمت تو را و رحمت تو را، مهابت تو را

وَ لَكَ اَلسُّلْطَانُ، وَ لَكَ اَلْبَهَاءُ، وَ لَكَ اَلْإِمْتِنَانُ، وَ لَكَ اَلتَّسْبِيحُ،
و سلطنت تو را، روشنی تو را و امتنان تو را، تسبیح

وَ لَكَ اَلتَّقْدِيسُ، وَ لَكَ اَلتَّهْلِيلُ، وَ لَكَ اَلتَّكْبِيرُ، وَ لَكَ مَا يُرىٰ،
و تقدیس تو را، تهلیل و تکبیر تو را، هرچه دیده شود

وَ لَكَ مَا لاٰ يُرىٰ، وَ لَكَ مَا فَوْقَ اَلسَّمٰوَاتِ اَلْعُلىٰ، وَ لَكَ
و هر چه دیده نشود برای تو است، آنچه بر بالای آسمان بلند است تو را

مَا تَحْتَ اَلثَّرىٰ، وَ لَكَ اَلْأَرَضُونَ اَلسُّفْلىٰ، وَ لَكَ اَلْآخِرَةُ
و آنچه زیر خاک است تو را، زمینهای زیرین تو را، و جهان باز پسین

وَ اَلْأُولىٰ، وَ لَكَ مَا تَرْضىٰ بِهِ مِنَ اَلثَّنَاءِ وَ اَلْحَمْدِ وَ اَلشُّكْرِ
و آغاز هستی تو را، آنچه ستایش و ثنا ـ که تو را خشنود کند و سپاس و شکر

وَ اَلنَّعْمَاءِ. اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ جَبْرَئِيلَ أَمِينِكَ عَلىٰ وَحْيِكَ،
نعمت‌ها تو راست. بارخدایا ! صلوات فرست بر جبرئیل امین تو در وحی تو،

وَ اَلْقَوِيِّ عَلىٰ أَمْرِكَ، وَ اَلْمُطَاعِ فِى سَمٰوَاتِكَ، وَ مَحَالِّ
نیرومند بر فرمانت، فرمانگزار در آسمانهایت، محل فرود آمدن

كَرَامَاتِكَ، اَلْمُتَحَمِّلِ لِكَلِمَاتِكَ، اَلنَّاصِرِ لِأَنْبِيَائِكَ، اَلْمُدَمِّرِ
کراماتت، حمل کنندهٔ کلماتت، یار پیمبرانت و کشندهٔ

لِأَعْدائِكَ. اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ میكائیلَ مَلَكِ رَحْمَتِكَ، وَ الْمَخْلُوقِ

دشمنانت. بارخدایا، صلوات فرست بر میکائیل فرشتهٔ رحمت تو، آفریده برای

لِرَأْفَتِكَ، وَ الْمُسْتَغْفِرِ الْمُعینِ لِأَهْلِ طاعَتِكَ. اَللّٰهُمَّ صَلِّ

ابراز مهر تو و آمرزش خواه و یاور اهل اطاعت تو. بارخدایا، صلوات فرست

عَلىٰ إِسْرافیلَ حامِلِ عَرْشِكَ، وَ صاحِبِ الصُّورِ الْمُنْتَظِرِ

بر اسرافیل حامل عرش تو، دارای صور و در انتظار

لِأَمْرِكَ، الْوَجِلِ الْمُشْفِقِ مِنْ خیفَتِكَ. اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ عِزْرائیلَ

فرمان تو، بیمناک و لرزان از ترس تو. بار خدایا، صلوات فرست بر عزرائیل

مَلَكِ الْمَوْتِ الْمُوَكَّلِ عَلىٰ عَبیدِكَ وَ إِمائِكَ، الْمُطیعِ فی

فرشته ستاننده جان وکیل بر بندگانت مطیع در

أَرْضِكَ وَ سَمائِكَ، قابِضِ أَرْواحِ جَمیعِ خَلْقِكَ. اَللّٰهُمَّ صَلِّ

زمین و آسمانت، ستاننده جان تمام مخلوقاتت. بار خدایا! صلوات تو بر

عَلىٰ حَمَلَةِ الْعَرْشِ الطّاهِرینَ، وَ عَلَى السَّفَرَةِ الْكِرامِ الْبَرَرَةِ

حاملان پاکیزهٔ عرش و سفیران گرامی و نیکوکار

الطَّیِّبینَ، وَ عَلىٰ مَلائِكَتِكَ الْكِرامِ الْكاتِبینَ، وَ عَلىٰ مَلائِكَةِ

و پاکیزه و نثار فرشتگان گرامی تو ـ که نویسندگان اعمال بشرند و بر فرشتگان

الْجِنانِ وَ خَزَنَةِ النّیرانِ، وَ مَلَكِ الْمَوْتِ وَ الْأَعْوانِ، یا ذَا الْجَلالِ

مینو و نگهبانان دوزخ و فرشتهٔ جان ستان و یاران او، ای صاحب جلال

وَ الْإِكْرامِ. اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ أَبینا آدَمَ بَدیعِ فِطْرَتِكَ الَّذی

و اکرام. بارخدایا، صلوات فرست بر «آدم» پدر ما ـ که سرشتش بدیع است و تقلید ناشده

كَرَّمْتَهُ بِسُجُودِ مَلاَئِكَتِكَ، وَ أَبَحْتَهُ جَنَّتَكَ. اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ

کسی که او را با سجده بردن فرشتگانت گرامی داشتی و بهشت را بر او مباح ساختی. بارخدایا، صلوات فرست بر

أُمِّنا حَوّٰاءَ اَلْمُطَهَّرَةِ مِنَ اَلرِّجْسِ اَلْمُصَفّٰاتِ مِنَ اَلدَّنَسِ،

مادر ما «حوّا»ی پاک از پلیدی، صفا یافته از ناپاکی،

اَلْمُفَضَّلَةِ مِنْ اَلإِنْسِ، اَلْمُتَرَدِّدَةِ بَيْنَ مَحٰالِّ اَلْقُدْسِ. اَللّٰهُمَّ

برتری یافته در زمرهٔ انسان و گردش کننده در محلهای قدس. بارخدایا،

صَلِّ عَلىٰ هٰابِيلَ وَ شَيْثٍ وَ إِدْرِيسَ وَ نُوحٍ وَ هُودٍ وَ صٰالِحٍ

صلوات فرست بر هابیل، و شیث، و ادریس، و نوحؑ، و هود، و صالحؑ،

وَ إِبْرٰاهِيمَ وَإِسْمٰعِيلَ وَ إِسْحٰقَ وَ يَعْقُوبَ وَيُوسُفَ وَ اَلْأَسْبٰاطِ

و ابراهیم، و اسمعیل، و اسحق، و یعقوب، و یوسف، و اسباط،

وَ لُوطٍ وَ شُعَيْبٍ وَ أَيُّوبَ وَ مُوسىٰ وَ هٰرُونَ وَ يُوشَعَ وَ مِيشٰا

و لوط، و شعیب، و ایّوب، و موسی، و هارون، و یوشع، و میشا،

وَ اَلْخِضْرِ وَ ذِى اَلْقَرْنَيْنِ وَ يُونُسَ وَ إِلْيٰاسَ وَ اَلْيَسَعَ وَ ذِى اَلْكِفْلِ

و خضر، و ذوالقرنین، و یونس، و الیاس، و یسع، و ذی‌الکفل،

وَ طٰالُوتَ وَ دٰاوُودَ وَ سُلَيْمٰانَ وَ زَكَرِّيٰا وَ شَعْيٰا وَ يَحْيىٰ

و طالوت، و داود، و سلیمان، و زکریّا، و شعیا، و یحیی،

وَ تُورَخَ وَ مَتّىٰ وَ إِرْمِيٰا وَ حَيْقُوقَ وَ دٰانِيـٰالَ وَ عُزَيْرٍ وَ عِيسىٰ

و تورخ، و متّی، و ارمیا، و حَیْقوق، و دانیال، و عُزَیر، و عیسی،

وَ شَمْعُونَ وَ جِرْجِيسَ وَ اَلْحَوٰارِيِّينَ وَ اَلْأَتْبٰاعِ وَ خٰالِدٍ

و شمعون، و جرجیس و حواریان و پیروان و خالد

وَ حَنْظَلَةَ وَ لُقْمانَ. اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ،

و حنظله و لقمان. بارخدایا، صلوات فرست بر محمد و آل محمد

وَ ارْحَمْ مُحَمَّداً وَ آلَ مُحَمَّدٍ، وَ بارِكْ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ،

و رحمت آور بر محمد و آل محمد و بر محمد و آل محمد

كَما صَلَّيْتَ وَ رَحِمْتَ وَ بارَكْتَ، عَلىٰ إِبْراهِيمَ وَ آلِ إِبْراهِيمَ،

خیر و برکت نثار فرمای، آن سان که به ابراهیم و آل ابراهیم صلوات و برکت فرستادی و مهر ورزیدی؛

إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ. اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ الْأَوْصِياءِ وَالسُّعَداءِ

همانا که تو ستوده و بلند پایه‌ای. صلوات فرست بر اوصیاء و نیکبختان

وَالشُّهَداءِ وَ أَئِمَّةِ الْهُدىٰ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى الْأَبْدالِ وَ الْأَوْتادِ

و شهیدان و امامان هدایت. بارخدایا، صلوات فرست بر ابدال و اوتاد،

وَ السُّيّاحِ وَ الْعُبّادِ وَ الْمُخْلِصِينَ وَ الزُّهّادِ وَ أَهْلِ الْجِدِّ

تسبیح گویندگان و پرستندگان، مخلصان و زاهدان و اهل تلاش

وَ الِاجْتِهادِ، وَ اخْصُصْ مُحَمَّداً وَ أَهْلَ بَيْتِهِ بِأَفْضَلِ صَلَواتِكَ

و کوشش. و برترین صلوات خود را به محمّد و اهل بیت او اختصاص ده

وَ أَجْزَلِ كَراماتِكَ، وَ بَلِّغْ رُوحَهُ وَ جَسَدَهُ مِنّي تَحِيَّةً وَ سَلاماً،

و کرامات را به آنان فزونی بخش و به روان و کالبد او از من تحیت و سلام نثار فرمای

وَ زِدْهُ فَضْلاً وَ شَرَفاً وَ إِكْراماً حَتّىٰ تُبَلِّغَهُ أَعْلىٰ دَرَجاتِ

و بر فضل و شرف و کرم او بیفزای؛ چندانکه به بالاترین پایهٔ

أَهْلِ الشَّرَفِ مِنَ النَّبِيِّينَ وَ الْمُرْسَلِينَ، وَ الْأَفاضِلِ الْمُقَرَّبِينَ،

شرف پیمبران و رسولان و افاضل مقرب برسد.

آللّٰهُمَّ وَ صَلِّ عَلیٰ مَنْ سَمَّیْتُ وَ مَنْ لَمْ أُسَمِّ مِنْ مَلاَئِكَتِكَ

بارخدایا صلوات فرست بر فرشتگان و پیمبران و رسولانت

وَ أَنْبِیاَئِكَ وَ رُسُلِكَ وَ أَهْلِ طاٰعَتِكَ، وَ أَوْصِلْ صَلَوٰاتی

و اهل طاعتت که نام بردم یا نام نبردم. و صلوات مرا به ایشان

إِلَیْهِمْ، وَ إِلیٰ أَرْوٰاحِهِمْ، وَ آجْعَلْهُمْ إِخْوٰانی فیكَ وَ أَعْوٰانی

و به سوی روان ایشان بپیوند و آنان را در راه خودبرادران و یاران من در دعاها

عَلیٰ دُعاٰئِكَ. آللّٰهُمَّ إِنّی أَسْتَشْفِعُ بِكَ إِلَیْكَ، وَ بِكَرَمِكَ إِلیٰ

محسوب فرمای. بارخدایا؛ تو را شفیع خود به سوی تو قرار می‌دهم و کرمت را به

كَرَمِكَ، وَ بِجُودِكَ إِلیٰ جُودِكَ، وَ بِرَحْمَتِكَ إِلیٰ رَحْمَتِكَ،

سوی کرمت، جودت را بسوی جودت، رحمتت رابسوی رحمتت

وَ بِأَهْلِ طاٰعَتِكَ إِلَیْكَ، وَ أَسْئَلُكَ آللّٰهُمَّ بِكُلِّ ما سَئَلَكَ بِهِ أَحَدٌ

و اهل طاعتت را به سویت،به شفاعت و میانجیگری خویشتن آوردەام؛و از تو تقاضا دارم ـ بارخدایا از هر مطلب

مِنْهُمْ مِنْ مَسْئَلَةٍ شَرِیفَةٍ مَسْمُوعَةٍ غَیْرِ مَرْدُودَةٍ، وَ بِما دَعَوْكَ

شریف و مقبول که‌هر یک از آنان‌از تو مسئلت‌کرده‌اندو از هرتقاضای

بِهِ مِنْ دَعْوَةٍ مُجاٰبَةٍ غَیْرِ مُخَیَّبَةٍ، یٰا آللّٰه یٰا رَحْمٰنُ یٰا رَحیمُ

پذیرفته شده ـ که ازتو کرده‌اند ازتو مسئلت‌دارم ای خدا، ای بخشنده، ای مهرورز،

یٰا حَلیمُ یٰا كَریمُ یٰا عَظیمُ یٰا جَلیلُ یٰا مُنیلُ یٰا جَمیلُ یٰا كَفیلُ

ای شکیبا، ای کریم، ای عظیم، ای جلیل، ای شکوهمند، ای زیبا، ای کفیل،

یٰا وَكیلُ یٰا مُقیلُ یٰا مُجیرُ یٰا خَبیرُ یٰا مُنیرُ یٰا مُبیرُ یٰا مَنیعُ

ای وکیل، ای نگهدار،ای پناهنده،ای آگاه، ای‌روشنگر،ای نابود کننده،ای بلندپایه،

يٰا مُديلُ يٰا مُحيلُ يٰا كَبيرُ يٰا قَديرُ يٰا بَصيرُ يٰا شَكُورُ يٰا بَرُّ

ای گرداننده،ای دگرگون کننده،ای بزرگ،ای توانا، ای بینا، ای شکور،ای نیکوکار،

يٰا طُهْرُ يٰا طٰاهِرُ يٰا قٰاهِرُ يٰا ظٰاهِرُ يٰا بٰاطِنُ يٰا سٰاتِرُ يٰا مُحيطُ

ای اساس پاکیزگی، ای پاک، ای چیره، ای ظاهر،ای باطن، ای پرده‌پوش، ای فراگیرنده،

يٰا مُقْتَدِرُ يٰا حَفيظُ يٰا مُتَجَبِّرُ يٰا قَريبُ يٰا وَدُودُ يٰا حَميدُ

ای نیرومند، ای نگهدار، ای مسلط، ای دارای جبروت، ای‌نزدیک، ای پرمهر، ای‌ستوده،

يٰا مَجيدُ يٰا مُبْدِئُ يٰا مُعيدُ يٰا شَهيدُ يٰا مُحْسِنُ يٰا مُجْمِلُ

ای بلندپایه، ای آغازنده، ای بازگشت‌دهنده، ای گواه، ای نیکویی‌کننده، ای مدارا کننده،

يٰا مُنْعِمُ يٰا مُفْضِلُ يٰا قٰابِضُ يٰا بٰاسِطُ يٰا هٰادي يٰا مُرْسِلُ

ای منعم ای تفضل‌کننده، ای گیرنده، ای گشاینده، ای رهبر، ای فرستنده،

يٰا مُرْشِدُ يٰا مُسَدِّدُ يٰا مُعْطي يٰا مٰانِعُ يٰا دٰافِعُ يٰا رٰافِعُ يٰا بٰاقي

ای مرشد،ای استوار کننده ای عطابخش،ای بازدارنده،ای دورکننده، ای بالابرنده، ای جاودان،

يٰا وٰاقي يٰا خَلّاقُ يٰا وَهّابُ يٰا تَوّابُ يٰا فَتّاحُ يٰا نَفّاحُ يٰا مُرْتٰاحُ

ای نگهدار، ای آفریننده، ای بسیار بخشنده، ای توبه‌پذیر، ای گشاینده، ای روانبخش،

يٰا مَنْ بِيَدِهِ كُلُّ مِفْتٰاحٍ يٰا نَفّاعُ يٰا رَؤُوفُ يٰا عَطُوفُ يٰا كٰافي

ای که کلید هر مشکل در دست توست، ای سودرسان، ای مهربان، ای پرعاطفه، ای کفایت کننده،

يٰا شٰافي يٰا مُعٰافي يٰا مُكٰافي يٰا وَفِيُّ يٰا مُهَيْمِنُ يٰا عَزيزُ

ای شفابخش، ای بهبودی بخش، ای پاداش بخش، ای پروفا، ای سرپرست،ای عزیز،

يٰا جَبّارُ يٰا مُتَكَبِّرُ يٰا سَلامُ يٰا مُؤْمِنُ يٰا أَحَدُ يٰا صَمَدُ يٰا نُورُ

ای جبار، ای بزرگ‌منش، ای سلامت بخش، ای امان بخش، ای یکتا، ای صمد، ای روشنی،

يٰا مُدَبِّرُ يٰا فَرْدُ يٰا وِتْرُ يٰا قُدُّوسُ يٰا نٰاصِرُ يٰا مُونِسُ يٰا بٰاعِثُ

ای تدبیرکننده، ای یگانه، ای یکتا،ای قدوس، ای یاور،ای همدم، ای برانگیزنده،

يٰا وٰارِثُ يٰا عٰالِمُ يٰا حٰاكِمُ يٰا بٰادي يٰا مُتَعٰالي يٰا مُصَوِّرُ

ای ارث برنده، ای عالم، ای فرمانروا، ای آغاز کننده، ای متعالی، ای صورت گر،

يٰا مُسَلِّمُ يٰا مُتَحَبِّبُ يٰا قٰائِمُ يٰا دٰائِمُ يٰا عَليمُ يٰا حَكيمُ يٰا جَوٰادُ

ای پذیرنده، ای دوست‌دارنده،ای پایدار، ای همیشگی،ای دانا، ای حکیم،ای بخشنده،

يٰا بٰارِئُ يٰا بٰارُّ يٰا سٰارُّ يٰا عَدْلُ يٰا فٰاصِلُ يٰا دَيّٰانُ يٰا حَنّٰانُ

ای آفریننده، ای‌احسانبخش، ای‌یاری‌بخش، ای‌دادگر، ای‌جداکننده، ای‌پاداش‌بخش، ای مهربان،

يٰا مَنّٰانُ يٰا سَميعُ يٰا بَديعُ يٰا خَفيرُ يٰا مُعينُ يٰا نٰاشِرُ يٰا غٰافِرُ

ای‌بخشایش دهنده، ای شنوا، ای بدیع، ای پاسدارنده، ای یاور، ای گسترنده، ای آمرزنده،

يٰا قَديمُ يٰا مُسَهِّلُ يٰا مُيَسِّرُ يٰا مُميتُ يٰا مُحْيي يٰا نٰافِعُ يٰا رٰازِقُ

ای پیش از هر موجود، ای آسان کننده، ای راحت بخش، ای میراننده، ای حیات بخش، ای سودبخش، ای روزی رسان،

يٰا مُقْتَدِرُ يٰا مُسَبِّبُ يٰا مُغيثُ يٰا مُغْني يٰا مُقْني يٰا خٰالِقُ

ای مقتدر، ای سبب‌ساز، ای فریادرس، ای بی‌نیاز کننده، ای به‌دست آورنده، ای آفریننده،

يٰا رٰاصِدُ يٰا وٰاحِدُ يٰا حٰاضِرُ يٰا جٰابِرُ يٰا حٰافِظُ يٰا شَديدُ

ای مراقب، ای واحد، ای حاضر،ای جبران کننده،ای نگاهدارنده،ای شدید،

يٰا غِيٰاثُ يٰا عٰائِدُ يٰا قٰابِضُ يٰا مَنْ عَلاٰ فَاسْتَعْلىٰ فَكٰانَ بِالْمَنْظَرِ

ای دادرس، ای برگرداننده، ای گیرنده، ای آنکه بلندپایه گردید و عالی شد و در مقام اعلی

اَلْأَعْلىٰ، يٰا مَنْ قَرُبَ فَدَنٰا، وَ بَعُدَ فَنَأىٰ، وَ عَلِمَ اَلسِّرَّ وَ أَخْفىٰ،

قرار یافت که نزدیک شدی و فرود آمدی و دور شد و در دسترس نیست و نهان و ناپیدا را می‌داند

يٰا مَنْ إِلَيْهِ ٱلتَّدْبيرُ وَ لَهُ ٱلْمَقٰاديرُ، وَ يٰا مَنِ ٱلْعَسيرُ عَلَيْهِ سَهْلٌ
و ای که تدبیر به سوی توست و مقدارها به دست تو و ای که دشواری بر تو سهل

يَسيرٌ، يٰا مَنْ هُوَ عَلىٰ مٰا يَشٰاءُ قَديرٌ، يٰا مُرْسِلَ ٱلرِّيٰاحِ،
و آسان است، ای که بر هرچه خواهی توانایی، ای فرستندهٔ باد،

يٰا فٰالِقَ ٱلْإِصْبٰاحِ، يٰا بٰاعِثَ ٱلْأَرْوٰاحِ، يٰا ذَاٱلْجُودِ وَ ٱلسَّمٰاحِ
ای شکافندهٔ سپیده‌دم، ای برانگیزندهٔ روانها، ای دارای بخشش و کرم،

يٰا رٰادَّ مٰا قَدْ فٰاتَ، يٰا نٰاشِرَ ٱلْأَمْوٰاتِ، يٰا جٰامِعَ ٱلشَّتٰاتِ،
ای بازگردانندهٔ آنچه نابود گردید، ای زنده کنندهٔ مردگان، ای گردآور پراکنده‌ها،

يٰا رٰازِقَ مَنْ يَشٰاءُ بِغَيْرِ حِسٰابٍ وَ يٰا فٰاعِلَ مٰا يَشٰاءُ كَيْفَ يَشٰاءُ
ای که به هر کس خواهی بیحساب روزی دهی، ای فاعل هرچه که خواهی و هرگونه که خواهی،

وَ يٰا ذَاٱلْجَلاٰلِ وَ ٱلْإِكْرٰامِ، يٰا حَيُّ يٰا قَيُّومُ، يٰا حَيُّ حينَ لاٰ حَيَّ،
ای صاحب جلال و اکرام، ای زنده و پاینده، ای زنده هنگامی که زنده نبود،

يٰا حَيُّ يٰا مُحْيِيَ ٱلْمَوْتىٰ، يٰا حَيُّ لاٰ إِلٰهَ إِلاّٰ أَنْتَ، بَديعُ
ای زنده کنندهٔ مردگان، ای زنده‌ای که جز تو معبودی نباشد، سازندهٔ

ٱلسَّمٰوٰاتِ وَ ٱلْأَرْضِ، يٰا إِلٰهي وَ سَيِّدي، صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ
آسمانها و زمین، ای خدای من و سرور من. صلوات فرست بر محمد

وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَارْحَمْ مُحمَّداً وَ آلَ مُحَمَّدٍ وَ بٰارِكْ عَلىٰ مُحَمَّدٍ
و آل محمد. بر محمدو آل محمد رحمت آور.بر محمدو آل محمدبرکت ده

وَ آلِ مُحمدٍ كَمٰا صَلَّيْتَ وَ بٰارَكْتَ وَ رَحِمْتَ عَلىٰ إِبْرٰهيمَ
بر محمد و آل محمد هم‌آن‌سان که‌بر ابراهیم و آل ابراهیم

وَ آلِ إِبْرٰهيمَ إِنَّكَ حَميدٌ مَجيدٌ، وَ ارْحَمْ ذُلّي وَ فاقَتي،

درود می‌فرستی و برکت نثار می‌فرمایی همانا تو حمید و مجید هستی و رحم کن بر خواری من و تهیدستی

وَ فَقْري وَ انْفِرادي، وَ وَحْدَتي وَ خُضُوعي بَيْنَ يَدَيْكَ،

و فقر و تنهائی و وحدت و خضوع من در حضور تو

وَ اعْتِمادي عَلَيْكَ، وَ تَضَرُّعي إِلَيْكَ، أَدْعُوكَ دُعاءَ الْخاضِعِ

و اعتمادم بر تو و تضرعم بسوی تو، ترا می‌خوانم خواندن خاضع

الذَّليلِ الْخاشِعِ الْخائِفِ الْمُشْفِقِ الْبائِسِ الْمَهينِ الْحَقيرِ

خوار خاشع ترسان هراسان بیچاره پست کوچک گرسنه فقیر

الْجائِعِ الْفَقيرِ الْعائِذِ الْمُسْتَجيرِ الْمُقِرِّ بِذَنْبِهِ الْمُسْتَغْفِرِ مِنْهُ

پناهنده پناه جو معترف به گناه خود آمرزش خواه پناه آورده

الْمُسْتَكينِ لِرَبِّهِ، دُعاءَ مَنْ أَسْلَمَتْهُ ثِقَتُهُ، وَ رَفَضَتْهُ أَحِبَّتُهُ،

به درگاه پروردگارش می‌خوانم؛خواندن‌کسی‌که‌مردم‌مورداطمینانش وی را وانهاده و دوستدارانش او را رها کرده

وَ عَظُمَتْ فَجيعَتُهُ، دُعاءَ حَرِقٍ حَزينٍ ضَعيفٍ مَهينٍ بائِسٍ

و پیشامد ناگوارش بزرگ شده است؛ مانند دعای‌دلسوخته‌ای اندوه‌زده، ناتوانی خوار،

مُسْتَكينٍ بِكَ مُسْتَجيرٍ. اَللّٰهُمَّ وَ أَسْئَلُكَ بِأَنَّكَ مَليكٌ وَ أَنَّكَ

بیچاره مستمند پناهنده‌به درگاه تو. بارخدایا، از توکه سلطانی و توکه

ما تَشاءُ مِنْ أَمْرٍ يَكُونُ، وَ أَنَّكَ عَلىٰ ما تَشاءُ قَديرٌ، وَ أَسْئَلُكَ

هر چه بخواهی انجام یابد و تو که بر همه کار توانایی، مسئلت دارم

بِحُرْمَةِ هٰذَا الشَّهْرِ الْحَرامِ وَ الْبَيْتِ الْحَرامِ وَ الْبَلَدِ الْحَرامِ

و به حرمت این ماه با حرمت و خانهٔ محترم و شهر محترم

وَ الرُّكْنِ وَ الْمَقامِ وَ الْمَشاعِرِ الْعِظامِ، وَ بِحَقِّ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ

و به رکن و مقام ابراهیم و مشاعر معظم (منی، عرفات، مشعر) و به حق پیامبرت محمّد

عَلَيْهِ وَ الِهِ السَّلامُ. يا مَنْ وَهَبَ لِادَمَ شَيْثاً وَ لِإِبْرٰهِيمَ إِسْمٰعِيلَ

سلام بر او و آلش ای که شیث را به آدم بخشیدی و اسمعیل و اسحاق را به ابراهیم،

وَ إِسْحٰقَ، وَ يا مَنْ رَدَّ يُوسُفَ عَلىٰ يَعْقُوبَ، وَ يا مَنْ كَشَفَ

ای که یوسف را به یعقوب بازگردانیدی، ای که سختی ایوب را

بَعْدَ الْبَلاءِ ضُرَّ أَيُّوبَ، يا رادَّ مُوسىٰ عَلىٰ أُمِّهِ، وَ زائِدَ

پس از آزمایش و بلا برطرف ساختی، ای بازگرداندۀ موسی به مادرش و افزایندۀ دانش

الْخِضْرِ فِي عِلْمِهِ، وَ يا مَنْ وَهَبَ لِداوُدَ سُلَيْمانَ وَ لِزَكَرِيّا

خضر، ای که سلیمان را به داود موهبت فرمودی و یحیی را به

يَحْيىٰ، وَ لِمَرْيَمَ عِيسىٰ. يا حافِظَ بِنْتِ شُعَيْبٍ وَ يا كافِلَ وَلَدِ

زکریا و عیسی را به مریم، ای حافظ دخت شعیب و ای کفیل فرزند برای

أُمِّ مُوسىٰ، أَسْئَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ الِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ

مادر موسی، از تو مسئلت دارم که بر محمد و آل محمد صلوات فرستی و همۀ

تَغْفِرَ لِي ذُنُوبِي كُلَّها، وَ تُجِيرَنِي مِنْ عَذابِكَ وَ تُوجِبَ لِي

گناهان مرا بیامرزی و از عذابت پناهم دهی و خشنودی و امان خود را بر من

رِضْوانَكَ وَ أَمانَكَ وَ إِحْسانَكَ وَ غُفْرانَكَ وَ جِنانَكَ، وَ أَسْئَلُكَ

واجب گردانی، و همچنین احسان و آمرزش و مینوی خود را. واز تو مسئلت دارم

أَنْ تَفُكَّ عَنِّي كُلَّ حَلْقَةٍ بَيْنِي وَ بَيْنَ مَنْ يُؤْذِينِي، وَ تَفْتَحَ لِي

که باز کنی از من هر حلقه‌ای را میان من و کسی که مرا می‌آزارد، و همۀ درها را

كُلَّ بٰابٍ، وَ تُلَيِّنَ لي كُلَّ صَعْبٍ، وَ تُسَهِّلَ لي كُلَّ عَسيرٍ،

به رویم باز کنی و هر دشواری را برمن آسان سازی و هر مشکلی را سهل سازی

وَ تُخْرِسَ عَنّي كُلَّ نٰاطِقٍ بِشَرٍّ، وَ تَكُفَّ عَنّي كُلَّ بٰاغٍ، وَ تَكْبِتَ

و زبان هر بدگو را نسبت به‌من لال گردانی و هر زورگو را از من بازداری و هر دشمن

عَنّي كُلَّ عَدُوٍّ لي وَ حٰاسِدٍ، وَ تَمْنَعَ عَنّي كُلَّ ظٰالِمٍ، وَ تَكْفِيَني

و حسدورز به من را سرکوب کنی و هر ستمکار را از من بازداری و هر مانعی

كُلَّ عٰائِقٍ يَحُولُ بَيْني وَ بَيْنَ حٰاجَتي وَ يُحٰاوِلُ أَنْ يُفَرِّقَ بَيْني

را از میان من و نیازم برداری و هرچه میان من و طاعت تو جدایی افکند

وَ بَيْنَ طٰاعَتِكَ وَ يُثَبِّطَني عَنْ عِبٰادَتِكَ، يٰا مَنْ أَلْجَمَ الْجِنَّ

و مرا از اقامهٔ عبادت تو باز می‌دارد، از میان ببر. ای که جن سرکش را

الْمُتَمَرِّدينَ، وَ قَهَرَ عُتٰاةَ الشَّيٰاطينِ وَ أَذَلَّ رِقٰابَ الْمُتَجَبِّرينَ

لگام می‌زنی و شیاطین گستاخ را مغلوب می‌سازی و گردن گردنکشان را خم می‌کنی

وَ رَدَّ كَيْدَ الْمُتَسَلِّطينَ عَنِ الْمُسْتَضْعَفينَ. أَسْئَلُكَ بِقُدْرَتِكَ

و نیرنگ چیرگان را بر مستضعفین باز می‌گردانی؛ به حق قدرت تو

عَلىٰ مٰا تَشٰاءُ وَ تَسْهيلِكَ لِمٰا تَشٰاءُ كَيْفَ تَشٰاءُ، أَنْ تَجْعَلَ

بر آنچه خواهی و به حق آسان ساختن تو هرچه را که خواهی - و به هر طریق که خواهی سوگند،

قَضٰاءَ حٰاجَتي فيمٰا تَشٰاءُ.

که برآمدن نیازم را در آنچه خواهی قرار دهی.

پس سجده کن و دو طرف صورت خود را روی خاک بگذار و بگو:

اَللّٰهُمَّ لَكَ سَجَدْتُ وَ بِكَ اٰمَنْتُ، فَارْحَمْ ذُلّي وَ فٰاقَتي

بارخدایا،تو راسجده‌می‌کنم‌و به‌تو ایمان‌آورده‌ام: رحم کن به‌خواری‌و تنگدستی

وَ اجْتِهٰادي وَ تَضَرُّعي وَ مَسْكَنَتي وَ فَقْري إِلَيْكَ يٰا رَبِّ. [1]

و بر کوشش و زاری من و بر مسکنت و تهیدستی من به درگاه خود، ای پروردگار.

و سعی کن که اشک از چشمانت ولو اندکی بیرون آید که علامت استجابت است!

مؤلّف گوید: ظاهر سجده در اینجا به خاک نهادن دو طرف صورت است. دعا هم، در هر یک خوانده شود.

روز بیست و پنجم ماه

روز بیست و پنجم رجب سال ۱۸۰ ه.ق.، روز شهادت حضرت موسی بن جعفر ﷺ است که در بغداد، در سنّ پنجاه و پنج سالگی، در حبس هارون، به وسیلهٔ زهری که به حضرتش دادند، درگذشت.[2] آن روز اندوه و حزن آل محمّد ﷺ و دوستدارانشان تجدید می‌شود. سزاوار است مؤمنین و متدیّنین، مقداری از وقت خود را در تشکیل مجالس عزا و تبلیغات مذهبی مصرف کنند و گویندگان محترم، افکار مردم را از راه بیان علل و اسباب حبس و گرفتاری و شهادت و توضیح هدف اصلی مخالفت آن حضرت با دولت وقت و شرح عظمت و بزرگی و مقام و منصب او و انگیزه و تلاش مخالفین و ظالمین در کوبیدن مرام و اطفاء نور آن سرور، روشن سازند.

شب بیست و هفتم

این شب، شب مبعث، و شبی مبارک است. امام جواد ﷺ فرمود: همانا در ماه

---

۱. اقبال، صفحه ۶۵۸ ـ بحار الانوار، جلد ۹۸، صفحه ۳۹۷.

۲. بحار الانوار، جلد ۴۸، صفحه ۱ و ۷.

رجب شبی است بهتر از آنچه آفتاب بر آن می‌تابد، که در صبح آن پیغمبر گرامی ﷺ، به رسالت مبعوث گردید.[۱] در این شب چند عمل مستحبّ است:

۱ـ غسل.[۲]

۲ـ زیارت قبر مطهّر حضرت امیر ؑ و خواندن زیارت مخصوص آن. و مناسب است کسانیکه در مکانهای دورند، آن حضرت را با زیارت امین اللّه و جامعهٔ کبیره زیارت نمایند.

۳ـ خواندن این دعا:

اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْئَلُكَ بِالتَّجَلِّي ٱلْأَعْظَمِ فِي هٰذِهِ ٱللَّيْلَةِ مِنَ ٱلشَّهْرِ

بارخدایا، از تو مسئلت دارم - به حق تجلای اعظم در این شب ماه

ٱلْمُعَظَّمِ وَ ٱلْمُرْسَلِ ٱلْمُكَرَّمِ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ،

معظم و به حق فرستادهٔ مکرم که بر محمد و آل او صلوات فرستی

وَ أَنْ تَغْفِرَ لَنٰا مٰا أَنْتَ بِهِ مِنّٰا أَعْلَمُ، يٰا مَنْ يَعْلَمُ وَ لاٰ نَعْلَمُ.

و از آنچه به آن از ما داناتری، ما را بیامرزی؛ ای که می‌دانی و ما نمی‌دانیم.

اَللّٰهُمَّ بٰارِكْ لَنٰا فِي لَيْلَتِنٰا هٰذِهِ ٱلَّتِي بِشَرَفِ ٱلرِّسٰالَةِ فَضَّلْتَهٰا،

بارخدایا،این شب که ما را در آن به شرف رسالت برتری داده‌ای

وَ بِكَرٰامَتِكَ أَجْلَلْتَهٰا، وَ بِالْمَحَلِّ ٱلشَّرِيفِ أَحْلَلْتَهٰا. اَللّٰهُمَّ فَإِنّٰا

و به کرامت خود شکوه بخشیده‌ای و به جایگاه شریف رساندی، بر ما مبارک فرمای. بارخدایا،

نَسْئَلُكَ بِالْمَبْعَثِ ٱلشَّرِيفِ وَ ٱلسَّيِّدِ ٱللَّطِيفِ وَ ٱلْعُنْصُرِ ٱلْعَفِيفِ،

از تو مسئلت داریم - به حق این مبعث شریف و سرور لطیف و عنصر عفیف

۱. زاد المعاد، صفحه ۳۶ـ مصباح شیخ، صفحه ۵۶۶.

۲. بلد الامین، صفحه ۱۸۳.

أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ أَنْ تَجْعَلَ أَعْمالَنا في هٰذِهِ
که بر محمد[ص] و آل او صلوات فرستی و اعمال ما را در این

اَللَّيْلَةِ وَ في سائِرِ اللَّيالي مَقْبُولَةً، وَ ذُنُوبَنا مَغْفُورَةً، وَ حَسَناتِنا
شب و در دیگر شبها مورد قبول قرار دهی و گناهان ما را مورد آمرزش و نیکیهایمان

مَشْكُورَةً وَ سَيِّئاتِنا مَسْتُورَةً، وَ قُلُوبَنا بِحُسْنِ الْقَوْلِ مَسْرُورَةً،
را مورد شکرگزاری و بدیهایمان را پوشیده، دلهامان را بوسیلهٔ گفتار نیکو شاد

وَ أَرْزاقَنا مِنْ لَدُنْكَ بِالْيُسْرِ مَدْرُورَةً. اَللّٰهُمَّ إِنَّكَ تَرىٰ وَ لا تُرىٰ،
و روزی‌مان را از کرم خود سرشار گردانی. بارخدایا، تو می‌بینی و دیده نمی‌شوی

وَ أَنْتَ بِالْمَنْظَرِ الْأَعْلىٰ، وَ إِنَّ إِلَيْكَ الرُّجْعىٰ وَ الْمُنْتَهىٰ، وَ إِنَّ
و تو در نظرگاه بلندی؛ همانا که بازگشت و پایان کار به سوی توست و همانا

لَكَ الْمَماتَ وَ الْمَحْيا، وَ إِنَّ لَكَ الْآخِرَةَ وَ الْأُولىٰ. اَللّٰهُمَّ
که مرگ و زندگی به دست توست و همانا که آخرت و دنیا در اختیار توست. بارخدایا،

إِنّا نَعُوذُ بِكَ أَنْ نَذِلَّ وَ نَخْزىٰ، وَ أَنْ نَأْتِيَ ما عَنْهُ تَنْهىٰ. اَللّٰهُمَّ
از خواری و رسوایی و از انجام‌دادن کاری که آن را نهی فرموده‌ای،به درگاهت پناه می‌بریم. بارخدایا،

نَسْئَلُكَ الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ وَ نَسْتَعِيذُ بِكَ مِنَ النّارِ، فَأَعِذْنا مِنْها
ما از تو بهشت را به‌رحمت تو مسئلت داریم‌و از آتش به تو پناه می‌بریم؛ پس‌ما را به قدرت خود

بِقُدْرَتِكَ، وَ نَسْئَلُكَ مِنَ الْحُورِ الْعِينِ فَارْزُقْنا بِعِزَّتِكَ،
از آن پناه بخش. و از تو حورالعین تقاضا می‌کنیم؛ پس به عزت خود روزی ما گردان

وَ اجْعَلْ أَوْسَعَ أَرْزاقِنا عِنْدَ كِبَرِ سِنِّنا، وَ أَحْسَنَ أَعْمالِنا عِنْدَ
و فراوانترین روزی ما را در هنگام پیری ما قرار ده و نیکوترین اعمال ما را در

اَقْتِرابِ اٰجالِنٰا، وَ أَطِلْ فی طٰاعَتِكَ وَ مٰا یُقَرِّبُ إِلَیْكَ وَ یُحْظی

نزدیکی مرگ ما. و عمر ما را در طاعت[۲] خود و آنچه ما را به تو نزدیک سازد و نزد تو ما را[۳]

عِنْدَكَ وَ یُزْلِفُ لَدَیْكَ أَعْمٰارَنٰا، وَ أَحْسِنْ فی جَمیعِ أَحْوٰالِنٰا

بهره‌مند می‌کند و در درگاهت مقرب می‌نماید، طولانی کن. و معرفت[۴] ما را در همهٔ احوال ما

وَ أُمُورِنٰا مَعْرِفَتَنٰا، وَ لاٰ تَكِلْنٰا إِلیٰ أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ فَیَمُنَّ عَلَیْنٰا،

و امور ما نیکو گردان و ما را به هیچ یک از آفریدگانت وامگذار تا بر ما منّت گذارد

وَ تَفَضَّلْ عَلَیْنٰا بِجَمیعِ حَوٰائِجِنٰا لِلدُّنْیٰا وَ اَلْآخِرَةِ، وَ اٰبْدَأْ

و با برآوردن همهٔ نیازهای دنیاو آخرت بر ما تفضّل کن. همهٔ آنچه را که برای

بِـاٰبٰائِنٰا وَ أَبْنٰائِنٰا، وَ جَمیعِ إِخْوٰانِنَا اَلْمُؤْمِنینَ فی جَمیعِ مٰا

خویشتن از تو مسئلت داریم ـ یا ارحم الراحمین دربارهٔ پدران و مادرآن و فرزندان ما

سَئَلْنٰاكَ لِأَنْفُسِنٰا یٰا أَرْحَمَ اَلرّٰاحِمینَ. اَللّٰهُمَّ إِنّٰا نَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ

و جمیع برادران مؤمن ما آغاز فرمای. بارالها، به حق اسم

اَلْعَظیمِ وَ مُلْكِكَ اَلْقَدیمِ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ

عظیم و مُلک قدیمت از تو مسئلت داریم که بر محمد و آل محمد صلوات نثار فرمایی

وَ أَنْ تَغْفِرَ لَنَا اَلذَّنْبَ اَلْعَظیمَ، إِنَّهُ لاٰ یَغْفِرُ اَلْعَظیمَ إِلاّٰ اَلْعَظیمُ.

و گناه بزرگ ما را بیامرزی؛ که گناه بزرگ را جز بزرگ نیامرزد.

اَللّٰهُمَّ وَ هٰذٰا رَجَبٌ اَلْمُكَرَّمُ اَلَّذی أَكْرَمْتَنٰا بِهِ، أَوَّلُ أَشْهُرِ

بارالها، و این رجب مکرم اولین ماه[۳] از ماههای حرام است که

اَلْحُرُمِ، أَكْرَمْتَنٰا بِهِ مِنْ بَیْنِ اَلْأُمَمِ، فَلَكَ اَلْحَمْدُ یٰا ذَا اَلْجُودِ

ما را در میان امتها به آن گرامی داشتی؛ حمد سزاوار توست ای صاحب جود

وَ ٱلْكَرَمِ، فَأَسْئَلُكَ بِهِ وَ بِاسْمِكَ ٱلْأَعْظَمِ ٱلْأَعْظَمِ ٱلْأَعْظَمِ

و کرم، از تو می‌خواهم به جود کرمت و به اسم تو که اعظم است، اعظم است، اعظم است

ٱلْأَجَلِّ ٱلْأَكْرَمِ ٱلَّذي خَلَقْتَهُ فَاسْتَقَرَّ في ظِلِّكَ فَلا يَخْرُجُ مِنْكَ

واجل واکرم است ـ نامی که آن را آفریدی، سپس در سایه‌ات استقرار یافت پس، از پیشگاهت

إِلىٰ غَيْرِكَ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ ٱلطّاهِرينَ وَ أَنْ

به سوی غیر تو بیرون نرود که بر محمد و اهل بیت پاکیزه‌اش صلوات فرستی و ما را

تَجْعَلَنا مِنَ ٱلْعامِلينَ فيهِ بِطاعَتِكَ وَ ٱلْآمِلينَ فيهِ لِشَفاعَتِكَ.

در این ماه از عمل کنندگان به طاعت خود و از آرزومندان به شفاعتت قرار دهی.

اَللّٰهُمَّ ٱهْدِنا إِلىٰ سَوآءِ ٱلسَّبيلِ، وَ ٱجْعَلْ مَقيلَنا عِنْدَكَ خَيْرَ

بارالها، ما را به راه راست رهبری فرمای و جایگاه ما را در

مَقيلٍ، في ظِلٍّ ظَليلٍ وَ مُلْكٍ جَزيلٍ، فَإِنَّكَ حَسْبُنا وَ نِعْمَ

جوار خود، در سایهٔ گسترده و مُلک پهناور، در بهترین جایگاه قرار ده؛ همانا که تو ما را بسی و بهترین

ٱلْوَكيلُ. اَللّٰهُمَّ أَقْلِبْنا مُفْلِحينَ مُنْجِحينَ غَيْرَ مَغْضُوبٍ عَلَيْنا

سرپرستی. پروردگارا، ما را رستگاران و کامیاران باز گردان که از زمرهٔ غضب شدگان

وَ لا ضالّينَ، بِرَحْمَتِكَ يا أَرْحَمَ ٱلرّاحِمينَ. اَللّٰهُمَّ إِنّي أَسْئَلُكَ

و گمراهان نباشیم؛ به‌مدد رحمت تو، ای رحیم‌ترین رحیمان. بارالها، به عزایم آمرزشت

بِعَزآئِمِ مَغْفِرَتِكَ وَ بِواجِبِ رَحْمَتِكَ ٱلسَّلامَةَ مِنْ كُلِّ إِثْمٍ،

و به مسلّم بودن رحمتت از تو مسئلت دارم که از هر گناه به سلامتم داری

وَ ٱلْغَنيمَةَ مِنْ كُلِّ بِرٍّ، وَ ٱلْفَوْزَ بِالْجَنَّةِ، وَ ٱلنَّجاةَ مِنَ ٱلنّارِ.

و از هر نیکی بهره‌مندم فرمایی و از بهشت کامیابم سازی و از آتش دوزخ رهاییم بخشی.

اَللّٰهُمَّ دَعٰاكَ ٱلدّٰاعُونَ وَ دَعَوْتُكَ وَ سَئَلَكَ ٱلسّٰآئِلُونَ وَ سَئَلْتُكَ،

بارالها، دعا کنندگان تو را می‌خوانند؛ من نیز ترا می‌خوانم و تقاضا کنندگان از تو می‌خواهند؛

وَ طَلَبَ إِلَيْكَ ٱلطّٰالِبُونَ وَ طَلَبْتُ إِلَيْكَ. ٱللّٰهُمَّ أَنْتَ ٱلثِّقَةُ

من نیز از تو تقاضا می‌کنم و طالبان از تو می‌طلبند؛ من نیز از تو می‌طلبم. بارالها، تو اعتماد

وَ ٱلرَّجٰآءُ، وَ إِلَيْكَ مُنْتَهىَ ٱلرَّغْبَةِ وَ ٱلدُّعٰآءِ، ٱللّٰهُمَّ فَصَلِّ عَلىٰ

و امیدی و در دعا منتهای اشتیاقی. بارالها، بر محمد و خاندانش صلوات

مُحَمَّدٍ وَ اٰلِهِ، وَ ٱجْعَلِ ٱلْيَقِينَ فِي قَلْبِي، وَ ٱلنُّورَ فِي بَصَرِي،

فرست و در دل من یقین بیافرین و در دیده‌ام نور

وَ ٱلنَّصِيحَةَ فِي صَدْرِي وَ ذِكْرَكَ بِاللَّيْلِ وَ ٱلنَّهٰارِ عَلىٰ لِسٰانِي،

و در سینه‌ام پند. و در شب و روز یاد خود را بر زبانم روان ساز

وَ رِزْقاً وٰاسِعاً غَيْرَ مَمْنُونٍ وَ لاٰ مَحْظُورٍ فَارْزُقْنِي وَ بٰارِكْ لِي

و روزی گستردهٔ بی‌منّت و بی‌مانع را نصیبم کن. پس مرا روزی ده و آن را به من

فِيمٰا رَزَقْتَنِي، وَ ٱجْعَلْ غِنٰايَ فِي نَفْسِي، وَ رَغْبَتِي فِيمٰا عِنْدَكَ

مبارک فرمای. و نفسم را بی‌نیاز کن و به آنچه نزد توست آتش شوق در دلم افروز؛

بِرَحْمَتِكَ يٰا أَرْحَمَ ٱلرّٰاحِمِينَ.[1]

به رحمت تو ای مهربان‌ترین مهربانان.

۴ـ زیارت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در شب و روز مبعث

اَشْهَدُ اَنْ لاٰ اِلٰهَ اِلاَّ اللّٰهُ وَحْدَهُ لاٰشَرِيکَ لَهُ، وَ اَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّدَ

گواهی میدهم که خدایی جز خدای یکتا نیست یگانه است و شریک ندارد، و گواهم که حضرت

۱. مصباح الکفعمی / ۵۳۵، الاقبال / ۶۷۹.

عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ، وَ اَنَّ عَلِيَّ بْنَ اَبيطالِبٍ اَميرَالْمُؤْمِنينَ عَبْدُ اللّٰهِ

محمدﷺ بنده و فرستاده اوست، و البته علی فرزند ابی‌طالب امیرالمومنین بنده خدا و

وَ اَخُو رَسُولِهِ وَ اَنَّ الْأَئِمَّةَ الطّٰاهِرينَ مِنْ وُلْدِهِ حُجَجُ اللّٰهِ عَلىٰ خَلْقِهِ.

برادر رسول خداست و همانا امامان پاک از نسل او حجتهای خدا برخلقش هستند

(پس داخل شو بنحوی که روی خود را به جانب قبر کرده باشی و قبله را در پشت خود قرار دهی آنگاه بایست) صدمرتبه تکبیر بگو و بگو :

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وٰارِثَ آدَمَ خَليفَةِ اللّٰهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ

سلام بر تو ای وارث آدم خلیفه خدا، سلام بر تو

يٰا وٰارِثَ نُوحٍ صَفْوَةِ اللّٰهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يٰا وٰارِثَ اِبْرٰاهيمَ

ای وارث نوحٌ برگزیده خدا، سلام بر تو ای وارث ابراهیم

خَليلِ اللّٰهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يٰا وٰارِثَ مُوسىٰ كَليمِ اللّٰهِ،

خلیل خدا، سلام بر تو ای وارث موسیٰ هم سخن با خدا،

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يٰا وٰارِثَ عيسىٰ رُوحِ اللّٰهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يٰا وٰارِثَ

سلام بر تو ای وارث عیسیٰ روح خدا، سلام بر تو ای وارث

مُحَمَّدٍ سَيِّدِ رُسُلِ اللّٰهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يٰا اَميرَالْمُؤْمِنينَ،

محمد سید رسولان خدا، سلام بر تو ای امیرمومنان،

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يٰا اِمٰامَ الْمُتَّقينَ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يٰا سَيِّدَ الْوَصِيّينَ،

سلام بر تو ای پیشوای پرهیزگاران، سلام بر تو ای سید جانشینان،

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يٰا وَصِيَّ رَسُولِ رَبِّ الْعٰالَمينَ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ

سلام بر تو ای وصی رسول پروردگار جهانیان، سلام بر تو

يَا وَارِثَ عِلْمِ الْأَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ، اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبَأُ
ای وارث علم اولین و آخرین، سلام بر تو ای خبر

الْعَظِيمُ، اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الصِّرَاطُ الْمُسْتَقِيمُ، اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ
بزرگ، سلام بر تو ای راه راست، سلام بر تو

أَيُّهَا الْمُهَذَّبُ الْكَرِيمُ، اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْوَصِيُّ التَّقِيُّ،
ای وارسته کریم، سلام بر تو ای جانشین با تقوی،

اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الرَّضِيُّ الزَّكِيُّ، اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْبَدْرُ
سلام بر تو ای پسندیده پاک، سلام بر تو ای ماه

الْمُضِيءُ، اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الصِّدِّيقُ الْأَكْبَرُ، اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ
تابان، سلام بر تو ای صدیق اکبر (مصدق به خدا)، سلام بر تو

أَيُّهَا الْفَارُوقُ الْأَعْظَمُ، اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَاالسِّرَاجُ الْمُنِيرُ،
ای فارق اعظم (جدا کننده حق از باطل)، سلام بر تو ای چراغ تابنده،

اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا إِمَامَ الْهُدَىٰ، اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَلَمَ التُّقَىٰ،
سلام بر تو ای پیشوای هدایت، سلام بر تو ای نشانه تقوی،

اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ الْكُبْرَىٰ، اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَاصَّةَ
سلام بر تو ای بزرگترین حجت خدا، سلام بر تو ای بندهٔ خاص

اللَّهِ وَ خَالِصَتَهُ وَ أَمِينَ اللَّهِ وَ صَفْوَتَهُ وَ بَابَ اللَّهِ وَ حُجَّتَهُ
خدا و خالص خدا و امین و برگزیده خدا و باب خدا و حجت او

وَ مَعْدِنَ حُكْمِ اللَّهِ وَ سِرِّهِ وَ عَيْبَةَ عِلْمِ اللَّهِ وَ خَازِنَهُ وَ سَفِيرَ
و معدن حکم خدا و اسرار الهی و گنجینه علم و خزانه دار علم خدا و پیغمبر خدا

اللّٰهِ فِي خَلْقِهِ، اَشْهَدُ اَنَّکَ اَقَمْتَ الصَّلٰوةَ وَ اٰتَيْتَ الزَّكٰوةَ

و فرستادهٔ خدا در میان خلق، گواهی میدهم که تو بپاداشتی نماز را و زکوة دادی

وَ اَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ اتَّبَعْتَ الرَّسُولَ

و امر به معروف و نهی از منکر کردی و از رسول خدا پیروی کردی

وَ تَلَوْتَ الْكِتٰابَ حَقَّ تِلاٰوَتِهِ وَ بَلَّغْتَ عَنِ اللّٰهِ وَ وَفَيْتَ بِعَهْدِ

و قرآن را حق تلاوتش تلاوت کردی و تبلیغ کردی از طرف خداو وفاکردی به پیمان

اللّٰهِ وَ تَمَّتْ بِکَ كَلِمٰاتُ اللّٰهِ وَ جٰاهَدْتَ فِي اللّٰهِ حَقَّ جِهٰادِهِ

خدا و بوسیله تو کلمات خدا کامل شد و در راه خدا حق جهاد را بجا آوردی،

وَ نَصَحْتَ لِلّٰهِ وَ لِرَسُولِهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَ اٰلِهِ، وَ جُدْتَ

خیرخواهی کردی برای خدا و رسول او صلوات خدا بر او و ال او، و گذشتی از

بِنَفْسِکَ صٰابِراً مُحْتَسِباً مُجٰاهِداً عَنْ دِينِ اللّٰهِ، مُوَقِّياً لِرَسُولِ اللّٰهِ،

جان خود با بردباری و خیرخواهی مجاهدت در دین خدا، از رسول خدا نگهبانی کردی،

طٰالِباً مٰا عِنْدَاللّٰهِ، رٰاغِباً فِيمٰا وَعَدَ اللّٰهُ، وَ مَضَيْتَ لِلَّذِي كُنْتَ

و آنچه نزد خدا طلب کردی، مشتاقانه در آنچه خدا وعده کرده، و به آن روش

عَلَيْهِ شَهِيداً وَ شٰاهِداً وَ مَشْهُوداً فَجَزٰاکَ اللّٰهُ عَنْ رَسُولِهِ

که بودی شهید و شاهد و مشهود در گذشتی، خدا ترا پاداش دهد از طرف رسولش

وَ عَنِ الْاِسْلاٰمِ وَ اَهْلِهِ مِنْ صِدِّيقٍ اَفْضَلَ الْجَزٰاءِ، اَشْهَدُ اَنَّکَ

و از اسلام و اهل اسلام بهترین پاداش به صدیق، گواهم به اینکه تو

كُنْتَ اَوَّلَ الْقَوْمِ اِسْلاٰماً وَ اَخْلَصَهُمْ اِيمٰاناً وَ اَشَدَّهُمْ يَقِيناً

نخستین مسلمان بودی و در ایمان از همه مخلص‌تر و در یقین از همه محکم‌تر

وَ اَخْوَفَهُمْ لِلّٰهِ وَ اَعْظَمَهُمْ عَنٰاءً وَ اَحْوَطَهُمْ عَلىٰ رَسُولِ اللّٰهِ

و از همه خداترس‌تر و در رنج محنت از همه بزرگتر و با احتیاط‌تر از همه بودی نسبت به رسول خدا

صَلَّى اللّٰهِ عَلَيْهِ وَ اٰلِهِ، وَ اَفْضَلَهُمْ مَنٰاقِبَ وَ اَكْثَرَهُمْ سَوٰابِقَ

صلی الله علیه و اله، وبافضیلت‌ترازهمه درمنقبتها بودی و سابقه تو در اسلام از همه بیشتر بود

وَ اَرْفَعَهُمْ دَرَجَةً وَ اَشْرَفَهُمْ مَنْزِلَةً وَ اَكْرَمَهُمْ عَلَيْهِ فَقَوِيتَ

مقام تو از همه والاتر و منزلت تو شریف‌تر و برای او از همه گرامی‌تر بودی هنگامی که

حينَ وَهَنُوا، وَ لَزِمْتَ مِنْهٰاجَ رَسُولِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

سستی کردند تو نیرومند بودی، و ملازم طریق رسول‌خدا بودی صلوات خدا بر او

وَ اٰلِهِ،وَ اَشْهَدُ اَنَّكَ كُنْتَ خَليفَتَهُ حَقّاً لَمْ تُنٰازَعْ بِرَغْمِ الْمُنٰافِقينَ

و آل او باد، و گواهم بدرستی که تو خلیفه‌و جانشین برحق او هستی بدون نزاع در این‌امر برغم اهل نفاق

وَ غَيْظِ الْكٰافِرينَ وَ ضِغْنِ الْفٰاسِقينَ وَ قُمْتَ بِالْاَمْرِ حينَ

و خشم کافران و کینه فاسقان، وتو برای دین قیام کردی هنگامی که

فَشِلُوا وَ نَطَقْتَ حينَ تَتَعْتَعُوا، وَ مَضَيْتَ بِنُورِ اللّٰهِ اِذٰا وَقَفُوا

وارفتند و سخنرانی نمودی هنگامیکه سکوت کردند و در پرتو نور خدا گام نهادی

فَمَنِ اتَّبَعَكَ فَقَدِ اهْتَدىٰ، كُنْتَ اَوَّلَهُمْ كَلاٰماً وَ اَشَدَّهُمْ خِصٰاماً

گاهی که دیگران درماندند، پس هرکس پیرو تو شد هدایت یافت، و تو برترین سخنران و مقاوم‌ترین آنها در جنگ،

وَ اَصْوَبَهُمْ مَنْطِقاً وَ اَسَدَّهُمْ رَأْياً وَ اَشْجَعَهُمْ قَلْباً وَ اَكْثَرَهُمْ

راستگوترین آنان در گفتار، و استوارترین نظر و شجاعترین آنها در دلاوری بودی و یقین تو

يَقيناً وَ اَحْسَنَهُمْ عَمَلاً وَ اَعْرَفَهُمْ بِالْاُمُورِ، كُنْتَ لِلْمُؤْمِنينَ اَباً

از همه زیادتر و کردارت از همه نیکوتر بود و آشناترین آنها به امور بودی، تو برای مومنان پدری

رَحيماً اِذْ صارُوا عَلَيْكَ عِيالاً فَحَمَلْتَ اَثْقالَ ما عَنْهُ ضَعُفُوا،
مهربان بودی وقتی که رعیت تو شدند، سنگینی آن را که از آن ناتوان بودند تحمل کردی

وَ حَفِظْتَ ماَ اَضاعُوا، وَ رَعَيْتَ ما اَهْمَلُوا، وَ شَمَّرْتَ اِذْ
و آنچه ضایع کردند تو حفظ کردی، و آنچه اهمال کردند رعایت کردی، وقتی ترسیدند

جَبَنُوا، وَ عَلَوْتَ اِذْ هَلِعُوا، وَ صَبَرْتَ اِذْ جَزِعُوا، كُنْتَ عَلَى
همت کردی، و وقتی که ناله کردند برآمدی و وقتی بی‌تابی‌کردند صبرکردی بر

الْكافِرِينَ عَذاباً صَبّاً وَ غِلْظَةً وَ غَيْظاً وَ لِلْمُؤْمِنِينَ غَيْثاً
کفار عذاب ریزان و سخت گیر و خشمگین و برای مومنان باران رحمت

وَ خِصْباً وَ عِلْماً، لَمْ تُفْلَلْ حُجَّتُكَ وَ لَمْ يَزِغْ قَلْبُكَ، وَ لَمْ تَضْعُفْ
و نعمت و دانش بودی برهان تو کند نبود و قلب تومنحرف‌نشد، و بصیرت تو

بَصيرَتُكَ، وَ لَمْ تَجْبُنْ نَفْسُكَ، كُنْتَ كَالْجَبَلِ لا تُحَرِّكُهُ
سست نگردید، و ترس در وجودنبود،همانند کوهی‌بودی که طوفان آنرا

الْعَواصِفُ، وَ لا تُزيلُهُ الْقَواصِفُ، كُنْتَ كَما قالَ رَسُولُ اللّٰهِ
نلرزاند و صاعقه آنرا از جا نکند، چون آن بودی که صلوات خدا بر او و بر آل او

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ قَوِيّاً في بَدَنِكَ، مُتَواضِعاً في نَفْسِكَ،
فرمود: بدن تو نیرومند، و در نظر خود متواضع در نزد

عَظيماً عِنْدَ اللّٰهِ،كَبيراً فِي الْأَرْضِ، جَليلاً فِي السَّماءِ، لَمْ يَكُنْ
خدا با عظمت، در روی زمین بزرگ، در آسمان جلیل، کسی را درباره تو جای

لِأَحَدٍ فيكَ مَهْمَزٌ، وَ لا لِقائِلٍ فيكَ مَغْمَزٌ، وَ لا لِخَلْقٍ فيكَ
بدگوئی نبود، و کسی درباره تو جای عیب‌جویی نداشت و برای کسی در تو راه

مَطْمَعٌ، وَ لا لِأَحَدٍ عِنْدَکَ هَوٰادَةٌ، يُوجَدُ الضَّعيفُ الذَّليلُ
طمع نبود، و کسی نزد تو خود شیرینی نداشت، ناتوان و خوار

عِنْدَکَ قَوِيّاً عَزيزاً حَتّٰى تَأْخُذَ لَهُ بِحَقِّهِ، وَ الْقَوِيُّ الْعَزيزُ
نزد تو نیرومند و عزیز بود تا حق او را بستانی، و توانای عزیز

عِنْدَکَ ضَعيفاً ذَليلاً حَتّٰى تَأْخُذَ مِنْهُ الْحَقَّ، الْقَريبُ وَ الْبَعيدُ
نزد تو ناتوان و خوار بود تاحق را از او بستانی، دور و نزدیک و خویش و بیگانه

عِنْدَکَ في ذٰلِکَ سَوٰاءٌ، شَأْنُکَ الْحَقُّ وَ الصِّدْقُ وَ الرِّفْقُ،
نزد تو در حقوق برابرند، شان تو درستی و راستی و مراقبت است،

وَ قَوْلُکَ حُکْمٌ وَ حَتْمٌ، وَ اَمْرُکَ حِلْمٌ وَ عَزْمٌ، وَ رَأْيُکَ عِلْمٌ
و سخن تو حکمت و حتمی است و دستور تو بردباری و عزم ثابت است، رأی تو دانش

وَ حَزْمٌ، اِعْتَدَلَ بِکَ الدّينُ، وَ سَهُلَ بِکَ الْعَسيرُ، وَ اُطْفِئَتْ
و حزم است، دین اسلام به وجود تو اعتدال یافت و دشواری به تو آسان شود، وبه وسیله تو

بِکَ النّيرٰانُ، وَ قَوِيَ بِکَ الْأيمٰانُ، وَ ثَبَتَ بِکَ الْاِسْلامُ،
آتش فتنه خاموش شود، و ایمان از تو نیرو گرفت، و بوجود تو اسلام ثابت شد،

وَهَدَّتْ مُصيبَتُکَ الْأَنٰامَ، فَاِنّٰا لِلّٰهِ وَ اِنّٰا اِلَيْهِ رٰاجِعُونَ، لَعَنَ اللّٰهُ
مصیبت تو مردم را خرد کرد، از جانب خداآمده‌ایم‌وبسوی‌او بازمیگردیم، خدا لعنت کند

مَنْ قَتَلَکَ، وَ لَعَنَ اللّٰهُ مَنْ خٰالَفَکَ، وَ لَعَنَ اللّٰهُ مَنِ افْتَرىٰ
کسی را که تو را کشت، و لعنت خدا برکسی که با تو مخالفت کرد، و خدا لعنت کند کسی را که به تو

عَلَيْکَ، وَ لَعَنَ اللّٰهُ مَنْ ظَلَمَکَ وَ غَصَبَکَ حَقَّکَ، وَ لَعَنَ اللّٰهُ
افترا بست، و کسی‌را که به‌تو ستم‌کردو حق تو راغصب‌کرد،و لعنت خدا

مَنْ بَلَغَهُ ذٰلِکَ فَرَضِيَ بِهِ، اِنّا اِلَى اللّٰهِ مِنْهُمْ بُرَآءُ، لَعَنَ اللّٰهُ اُمَّةً

بر کسی که این موضوع را شنید و راضی شد، ما بسوی خدا از آنها بیزاریم، خدا لعنت کند گروهی را که

خالَفَتْکَ، وَ جَحَدَتْ وِلايَتَکَ وَ تَظاهَرَتْ عَلَيْکَ، وَ قَتَلَتْکَ،

با تو مخالفت کردند، و منکر ولایت تو شدند،و بر علیه تو همدست شدند،و تو راکشتند، و

وَ حادَتْ عَنْکَ وَ خَذَلَتْکَ، اَلْحَمْدُلِلّٰهِ الَّذي جَعَلَ النّارَ

از تو رمیدند و تو را واگذاردند، حمد خدا را که دوزخ را جایگاه آنها

مَثْويٰهُمْ وَ بِئْسَ الْوِرْدُ الْمَوْرُودُ، اَشْهَدُلَکَ يا وَلِيَّ اللّٰهِ وَ وَلِيَّ

قرار داد و چه محل ورود بدی است، و گواهی میدهم که تو ای ولی خدا و ولی

رَسُولِهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ بِالْبَلاغِ وَ الْأَداۤءِ، وَ اَشْهَدُ اَنَّکَ

رسول خدا صلوات خدا بر او و بر آل او تبلیغ و اداء وظیفه کردی، و گواهم بدرستی

حَبيبُ اللّٰهِ وَ بابُهُ وَ اَنَّکَ جَنْبُ اللّٰهِ وَ وَجْهُهُ الَّذي مِنْهُ يُؤْتىٰ

که تو دوست خدا و باب او هستی و تو آستان‌دار و وجه خداهستی که‌از آن به‌سوی‌خدا آیند،

وَ اَنَّکَ سَبيلُ اللّٰهِ، وَ اَنَّکَ عَبْدُاللّٰهِ وَ اَخُو رَسُولِهِ صَلَّى عَلَيْهِ

و بدرستی که تو راه خدایی و تو بنده خدا و برادر رسول خدا هستی، صلوات خدا

وَ آلِهِ، اَتَيْتُکَ زائِراً لِعَظيمِ حالِکَ، وَ مَنْزِلَتِکَ عِنْدَ اللّٰهِ وَ عِنْدَ

بر او و بر آل او،به زیارت تو آمدم برای عظمت حال و منزلت تو نزد خدا و نزد

رَسُولِهِ، مُتَقَرِّباً اِلَى اللّٰهِ بِزِيارَتِکَ، راغِباً اِلَيْکَ فِي الشَّفاعَةِ،

رسول خدا، با زیارت تو به خدا تقرب جویم و مشتاقانه بسوی تو شفاعت می‌جویم،

اَبْتَغي بِشَفاعَتِکَ خَلاصَ نَفْسي مُتَعَوِّذاً بِکَ مِنَ النّارِ، هارِباً

به شفاعت تو رهایی خود را از آتش دوزخ در پناه تو می‌طلبم، از گناهانم که

مِنْ ذُنُوبي الَّتي احْتَطَبْتُها عَلىٰ ظَهْري فَزِعاً اِلَيْكَ رَجاءَ رَحْمَةِ
بار سنگيني بر پشت افكنده‌ام گريزان هستم در حاليكه هراسان به اميد

رَبّي، اَتَيْتُكَ اَسْتَشْفِعُ بِكَ يا مَوْلايَ اِلَى اللّٰهِ، وَ اَتَقَرَّبُ بِكَ
رحمت پروردگار به سوى تو آمدم، مولاى من و از تو نزد خدا شفاعت مى‌جويم، و به وسيله تو به درگاه او

اِلَيْهِ لِيَقْضِيَ بِكَ حَوائِجي، فَاشْفَعْ لي يا اَميرَ الْمُؤْمِنينَ اِلَى
تقرب مى‌جويم تا بوسيله تو حاجتهاى مرا بر آورد، پس نزد خدا شفيع من باش

اللّٰهِ، فَاِنّي عَبْدُ اللّٰهِ وَ مَوْلاكَ وَ زائِرُكَ، وَ لَكَ عِنْدَ اللّٰهِ الْمَقامُ
زيرا من بنده خدا و دوست تو و زائر تو هستم و تو نزد خدا جايگاه

الْمَعْلُومُ وَ الْجاهُ الْعَظيمُ وَ الشَّأْنُ الْكَبيرُ وَ الشَّفاعَةُ الْمَقْبُولَةُ،
معلوم و عظمت مقام و منزلت بزرگ و شفاعت پذيرفته دارى،

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ صَلِّ عَلىٰ عَبْدِكَ
خدايا صلوات فرست بر محمد و آل محمد و صلوات فرست بر بنده خود

وَ اَمينِكَ الْاَوْفىٰ وَ عُرْوَتِكَ الْوُثْقىٰ وَ يَدِكَ الْعُلْيا وَ كَلِمَتِكَ
و امين وفادار و رشتهٔ محكم تو و دست تواناى تو و كلمه

الْحُسْنىٰ، وَ حُجَّتِكَ عَلَى الْوَرىٰ، وَ صِدّيقِكَ الْاَكْبَرِ سَيِّدِ
نيكوى تو و حجت تو بر خلق و بزرگترين تصديق كننده تو سيد

الْاَوْصِياءِ، وَ رُكْنِ الْاَوْلِياءِ، وَ عِمادِ الْاَصْفِياءِ اَميرِ الْمُؤْمِنينَ،
اوصيا و ركن اوليا و تكيه‌گاه برگزيدگان اميرمومنان،

وَ يَعْسُوبِ الْمُتَّقينَ، وَ قُدْوَةِ الصِّدّيقينَ، وَ اِمامِ الصّالِحينَ،
و پيشواى پرهيزكاران، و رهبر راستگويان، و امام شايستگان،

الْمَعْصُومِ مِنَ الزَّلَلِ، وَ الْمَفْطُومِ مِنَ الْخَلَلِ، وَ الْمُهَذَّبِ مِنَ
معصوم از لغزش و جدا از خطا و وارسته از

الْعَيْبِ، وَ الْمُطَهَّرِ مِنَ الرَّيْبِ اَخِي نَبِيِّكَ وَ وَصِيِّ رَسُولِكَ،
عیب و پاکیزه از شک، برادر پیغمبرت و وصی رسولت

وَ الْبَائِتِ عَلىٰ فِرَاشِهِ، وَ الْمُوَاسِي لَهُ بِنَفْسِهِ، وَ كَاشِفِ الْكَرْبِ
و آن که شب را بستر او گذرانده و جانش را نثار او کرد، و بر طرف کننده گرفتاری از

عَنْ وَجْهِهِ الَّذِي جَعَلْتَهُ سَيْفاً لِنُبُوَّتِهِ، وَ مُعْجِزاً لِرِسَالَتِهِ،
چهره او و آنکه او را شمشیر نبوتش قرار دادی و معجزه رسالتش

وَ دِلَالَةً وَاضِحَةً لِحُجَّتِهِ، وَ حَامِلاً لِرَايَتِهِ، وَ وِقَايَةً لِمُهْجَتِهِ،
و دلیل روشن بر حجتش، و حامل پرچمش، و نگهدار جانش،

وَ هَادِياً لِأُمَّتِهِ، وَ يَداً لِبَأْسِهِ، وَ تَاجاً لِرَأْسِهِ، وَ بَاباً لِنَصْرِهِ،
و راهنمای امتش و بازوی توانا برای دفاع و تاج عزت سرش و باب نصرت او

وَ مِفْتَاحاً لِظَفَرِهِ، حَتّىٰ هَزَمَ جُنُودَ الشِّرْكِ بِاَيْدِكَ، وَ اَبَادَ
و کلید پیروزیش قرار دادی تا لشگر شرک را به کمک تو در هم شکست و سپاه

عَسَاكِرَ الْكُفْرِ بِاَمْرِكَ، وَ بَذَلَ نَفْسَهُ فِي مَرْضَاتِكَ وَ مَرْضَاةِ
کفر را به دستور تو نابود ساخت و در راه رضایت تو و رضایت رسول تو بذل جان کرد

رَسُولِكَ، وَ جَعَلَهَا وَقْفاً عَلىٰ طَاعَتِهِ، وَ مِجَنّاً دُونَ نَكْبَتِهِ،
و آن را وقف بر طاعت رسول و سپر بر دفع آلام و نکبات از وجود او قرار داد،

حَتّىٰ فَاضَتْ نَفْسُهُ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ فِي كَفِّهِ وَ اسْتَلَبَ
تا روح رسول خدا صلوات خدا بر او و بر آل در آغوش علی عروج کرد، و جامه

بَرْدَها، وَ مَسَحَهُ عَلىٰ وَجْهِهِ، وَ اَعانَتْهُ مَلائِكَتُكَ عَلىٰ غُسْلِهِ

او را کند، و دست بر روی او کشید، و او (علی) را فرشتگان تو بر غسل (رسول خدا)

وَ تَجْهيزِهِ، وَ صَلّىٰ عَلَيْهِ، وَ وارىٰ شَخْصَهُ، وَ قَضىٰ دَيْنَهُ،

و تجهیزش یاری کردند و بر پیغمبر نماز خواند،و او را بخاک سپرد و دِینش را ادا کرد

وَ اَنْجَزَ وَعْدَهُ، وَ لَزِمَ عَهْدَهُ، وَ احْتَذىٰ مِثالَهُ، وَ حَفِظَ وَصِيَّتَهُ،

و وعده او را انجام داد و ملازم عهد او شد،و مانند خودش عمل‌کرد، و وصیت او را حفظ نمود،

وَ حينَ وَجَدَ اَنْصاراً نَهَضَ مُسْتَقِلّاً بِاَعْباءِ الْخِلافَةِ مُضْطَلِعاً

و هنگامی که یارانی پیدا کرد قیام نمود و مسئولیت خلافت را مستقلاً بعهده گرفت

بِاَثْقالِ الْاِمامَةِ، فَنَصَبَ رايَةَ الْهُدىٰ في عِبادِكَ، وَ نَشَرَ ثَوْبَ

و بار سنگین امامت را تحمل کرد، و پرچم هدایت را در میان بندگانت برافراشت، و امنیت را

الْاَمْنِ في بِلادِكَ، وَ بَسَطَ الْعَدْلَ في بَرِيَّتِكَ، وَ حَكَمَ بِكِتابِكَ

در سراسر بلادت مستقر ساخت، و عدل و داد را در میان خلقت بگستردانید و به کتاب تو

في خَليقَتِكَ، وَ اَقامَ الْحُدوُدَ، وَ قَمَعَ الْجُحُودَ، وَ قَوَّمَ الزَّيْغَ،

درباره مردم حکم کرد و اقامهٔ حدود الهی نمود، و ریشهٔ کفر و جحود را برکند، و انحراف را راست کرد

وَ سَكَّنَ الْغَمْرَةَ، وَ اَبادَ الْفَتْرَةَ، وَ سَدَّ الْفُرْجَةَ، وَ قَتَلَ النّاكِثَةَ

و افراد اوباش را آرام نمود، و به دوران فترت خاتمه داد و رخنه را مسدود کرد، و عهدشکنان

وَ الْقاسِطَةَ وَ الْمارِقَةَ، وَ لَمْ يَزَلْ عَلىٰ مِنْهاجِ رَسُولِ اللّٰهِ

و بیدادگران و خوارج را کشت، و همواره بر روش رسول خدا

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ وَتيرَتِهِ وَ لُطْفِ شاكِلَتِهِ، وَ جَمالِ

صلی علیه و آله بود و در راه او و بر لطف اعمال او و جمال

سیرَتِهِ، مُقْتَدِیاً بِسُنَّتِهِ، مُتَعَلِّقاً بِهِمَّتِهِ مُباشِراً لِطَرِیقَتِهِ، وَ اَمْثِلَتُهُ

سیرت او بود و پیرو سنت او و علاقه‌مند به همت او، ملازم رویّه او بود، و الگوهای او را

نَصْبُ عَیْنَیْهِ، یَحْمِلُ عِبادَکَ عَلَیْها، وَ یَدْعُوهُمْ اِلَیْها اِلیٰ

نصب العین‌کرده بود وبندگان تو رابر آن مقاصد سوق می‌داد و به‌آن دعوت می‌کرد، تا

اَنْ خُضِبَتْ شَیْبَتُهُ مِنْ دَمِ رَأْسِهِ، اَللّٰهُمَّ فَکَما لَمْ یُؤْثِرْ فی

آنکه محاسن سفیدش از خون سرش رنگین شد، خدایا چنانچه هیچگاه در راه

طاعَتِکَ شَکّاً عَلیٰ یَقینٍ، وَ لَمْ یُشْرِکْ بِکَ طَرْفَةَ عَیْنٍ، صَلِّ

اطاعت تو شک را بر یقین مقدم نداشت و یک لحظه مشرک نشد، صلوات

عَلَیْهِ صَلٰوةً زاکِیَةً نامِیَةً، یَلْحَقُ بِها دَرَجَةَ النُّبُوَّةِ فی جَنَّتِکَ،

فرست بر او صلوات پاک و فزاینده که بوسیله آن به درجه و مقام‌نبوت در بهشت تو برسد

وَ بَلِّغْهُ مِنّا تَحِیَّةً وَ سَلاماً، وَ آتِنا مِنْ لَدُنْکَ فی مُوالاتِهِ فَضْلاً

و به او از طرف ما تحیت و سلام برسان و به ما از نزد خود در راه محبت او فضل

وَ اِحْساناً وَ مَغْفِرَةً وَ رِضْواناً، اِنَّکَ ذُوالْفَضْلِ الْجَسیمِ،

و احسان و آمرزش و خوشنودی عطا کن، زیراتو صاحب فضل بزرگ هستی

بِرَحْمَتِکَ یا اَرْحَمَ الرّاحِمینَ.

به رحمت تو ای مهربانترین مهربانان.

(پس ببوس ضریح را و روی راست خود را بگذار بر آن و بعد از آن روی چپ را و میل کن قبله و نماز زیارت بجای آور و آنچه خواهی بعد از نماز دعاکن و بگو بعد از تسبیح حضرت زهرا«علیها السلام»)

اَللّٰهُمَّ اِنَّکَ بَشَّرْتَنِي عَلیٰ لِسانِ نَبِيِّکَ وَ رَسُولِکَ مُحَمَّدٍ
ای خدا تو مرا مژده دادی از زبان پیغمبر و رسولت حضرت محمد

صَلَوٰاتُکَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، فَقُلْتَ وَ بَشِّرِ الَّذينَ آمَنُوا اَنَّ لَهُمْ قَدَمَ
صلوات تو بر او و آل او، و فرمودی بشارت ده آنان را که ایمان آوردند به اینکه

صِدْقٍ عِنْدَ رَبِّهِمْ،اَللّٰهُمَّ وَ اِنّي مُؤْمِنٌ بِجَميعِ اَنْبِيائِکَ وَ رُسُلِکَ
آنان نزد پروردگارشان مقام راستین دارند، خدایا من براستی به همه پیغمبران و رسولان تو ایمان دارم

صَلَوٰاتُکَ عَلَيْهِمْ، فَلاٰ تَقِفْني بَعْدَ مَعْرِفَتِهِمْ مَوْقِفاً تَفْضَحُني
صلوات تو بر آنان باد، پس مرا بعد از معرفت آنها در موقفی قرار مده که

فيهِ عَلیٰ رُؤُسِ الْأَشْهادِ، بَلْ قِفْني مَعَهُمْ، وَ تَوَفَّني عَلَی
در برابر مردم رسوا کنی، بلکه مرا در کنار آنها قرار ده، و بمیران مرا

التَّصْديقِ بِهِمْ، اَللّٰهُمَّ وَ اَنْتَ خَصَصْتَهُمْ بِكَرٰامَتِکَ وَ اَمَرْتَني
با تصدیق و ایمان به آنها، خدایا تو آن رسولان را مخصوص بکرامت خود قراردادی و مرا به

بِاتِّبٰاعِهِمْ، اَللّٰهُمَّ وَ اِنّي عَبْدُکَ وَ زٰائِرُکَ، مُتَقَرِّباً اِلَيْکَ بِزِيٰارَةِ
پیروی آنها امرکردی، خدایا من بندهٔ تو و زائر تو هستم که بسوی تو به واسطه زیارت برادر

اَخي رَسُولِکَ، وَ عَلیٰ كُلِّ مَأْتِيٍّ وَ مَزُورٍ حَقٌّ لِمَنْ اَتٰاهُ
رسولت تقرب می‌جویم و به عهده هر میزبان و زیارت شده حقی برای میهمان

وَ زٰارَهُ، وَ اَنْتَ خَيْرُ مَأْتِيٍّ وَ اَكْرَمُ مَزُورٍ، فَاَسْئَلُکَ يا اَللّٰهُ
و زائر است و تو بهترین میزبان و گرامی‌ترین زیارت شده ای، از تو می‌خواهم ای خدا

يا رَحْمٰنُ يا رَحيمُ يا جَوٰادُ يا مٰاجِدُ يا اَحَدُ يا صَمَدُ يا مَنْ
ای بخشنده ای مهربان ای جواد ای بزرگوار ای یگانه ای بی‌نیاز ای کسی که

لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ يُولَدْ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُواً اَحَدٌ وَ لَمْ يَتَّخِذْ صاحِبَةً
فرزند نیاورده و فرزند نبوده و احدی همتای او نیست و همسر

وَ لا وَلَداً، اَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ اَنْ تَجْعَلَ
و فرزندی نگیرد، که صلوات فرستی بر محمد و آل محمد، و تحفه تو

تُحْفَتَكَ اِيّايَ مِنْ زِيارَتي اَخا رَسُولِكَ فَكاكَ رَقَبَتي مِنَ
برای من در این زیارت برادر رسولت رهائی از

النّارِ، وَ اَنْ تَجْعَلَني مِمَّنْ يُسارِعُ فِي الْخَيْراتِ، وَ يَدْعُوكَ
جهنم باشد و مرا از کسانی که در کار خیر سرعت دارند و تو را مشتاقانه

رَغَباً وَ رَهَباً، وَ تَجْعَلَني لَكَ مِنَ الْخاشِعينَ، اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ مَنَنْتَ
می‌خوانند قرار دهی، مرا از خاشعان خود بگردانی، خدایا تو بر من منّت نهادی

عَلَيَّ بِزِيارَةِ مَوْلايَ عَلِيِّ بْنِ اَبيطالِبٍ، وَ وِلايَتِهِ وَ مَعْرِفَتِهِ،
بزیارت مولایم علی فرزند ابی‌طالب و ولایت و معرفتش،

فَاجْعَلْني مِمَّنْ يَنْصُرُهُ وَ يَنْتَصِرُ بِهِ، وَ مُنَّ عَلَيَّ بِنَصْرِكَ لِدينِكَ،
پس مرا از کسانی قرار بده که او را یاری کنند و از او یاری طلبند، و بر من به یاری دین خود منت گذار،

اَللّٰهُمَّ وَ اجْعَلْني مِنْ شيعَتِهِ، وَ تَوَفَّني عَلىٰ دينِهِ، اَللّٰهُمَّ
خدایا مرا از شیعیان او قرار بده، و مرا بر دین او بمیران، خدایا

اَوْجِبْ لي مِنَ الرَّحْمَةِ وَ الرِّضْوانِ وَ الْمَغْفِرَةِ وَ الْاِحْسانِ
واجب کن بمن رحمت و رضوان و آمرزش و احسان

وَ الرِّزْقِ الْواسِعِ الْحَلالِ الطَّيِّبِ ما اَنْتَ اَهْلُهُ، يا اَرْحَمَ الرّاحِمينَ
و روزی فراوان حلال پاک آنچه را تو سزاوار آنی، ای مهربان‌ترین مهربانان

وَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعٰالَمينَ.[۱]

و ستایش مخصوص پروردگار جهانیان است.

□ **روز بیست و هفتم**

این روز، روز مبعث، و از اعیاد بزرگ اسلامی است. روزی است که حضرت رسول اکرمﷺ به رسالت مبعوث گشته و جبرئیل امین بر حضرتش نازل گردیده‌است. در این روز چند عمل مستحبّ است:

۱ـ غسل.[۲]

۲ـ روزه،[۳] که این روز یکی از چهار روزی است که در تمام سال به شرافت روزه امتیاز دارد.

۳ـ زیارت حضرت رسولﷺ و امیر المؤمنینؑ[۴] از نزدیک، با زیارات مخصوص. و حکم کسانی که در جاهای دورند در بخش چهارم کتاب بیان شده است.

۴ـ خواندن دعایی که حضرت موسی بن جعفرؑ، در آن روزی که او را به جانب بغداد حرکت دادند ـ و روز بیست و هفت رجب بود ـ، خواندند:

يٰا مَنْ أَمَرَ بِالْعَفْوِ وَ ٱلتَّجٰاوُزِ وَ ضَمَّنَ نَفْسَهُ ٱلْعَفْوَ وَ ٱلتَّجٰاوُزَ،

ای که به بخشایش و گذشت فرمان داده‌ای و بخشایش و گذشت را ضمانت کرده‌ای،

يٰا مَنْ عَفىٰ وَ تَجٰاوَزَ اُعْفُ عَنّي وَ تَجٰاوَزْ يٰا كَريمُ. اَللّٰهُمَّ

ای که می‌بخشایی و در می‌گذری مرا ببخشای و از من درگذر؛ ای کریم. بارخدایا،

وَ قَدْ أَكْدَى ٱلطَّلَبُ، وَ أَعْيَتِ ٱلْحيلَةُ وَ ٱلْمَذْهَبُ، وَ دَرَسَتِ

همانا که درخواست من بی‌حاصل ماند و چاره‌جویی و راه بسته شد و آرزوها

۱. بحار الانوار: جلد ۹۷، صفحه ۳۸۱. ۲. اقبال، صفحه ۶۷۴. ۳. اقبال، صفحه ۶۷۳.
۴. بحار الانوار، جلد ۱۰۰، صفحه ۱۶۸.

اَلْآمالُ، وَ انْقَطَعَ الرَّجاءُ إلّا مِنْكَ، وَحْدَكَ لا شَريكَ لَكَ.

بفرسود و رشتهٔ امید جز از تو گسست. تو یکتایی و برای تو شریک نیست. بارخدایا،

اَللّٰهُمَّ إنّي أَجِدُ سُبُلَ الْمَطالِبِ إلَيْكَ مُشْرَعَةً، وَ مَناهِلَ

راههای درخواستن را به سوی تو باز می‌بینم و آبشخوار امید را در آستان تو

الرَّجاءِ لَدَيْكَ مُتْرَعَةً، وَ أَبْوابَ الدُّعاءِ لِمَنْ دَعاكَ مُفَتَّحَةً،

سرشار می‌یابم و درهای دعا را برای هر کس که به درگاهت دعا کند، نزد تو گشاده می‌نگرم

وَ الاِسْتِعانَةَ لِمَنِ اسْتَعانَ بِكَ مُباحَةً، وَ أَعْلَمُ أَنَّكَ لِداعيكَ

و یاری جستن را برای کسانی که از تو یاری می‌جویند، روا می‌بینم و می‌دانم که تو برای هرکه تو را بخواند

بِمَوْضِعِ إجابَةٍ، وَ لِلصّارِخِ إلَيْكَ بِمَرْصَدِ إغاثَةٍ، وَ أَنَّ فِي

در موضع قبول و برای آن که تو را به فریاد می‌طلبد در کمین فریادرسی. همانا که

اللَّهْفِ إلىٰ جُودِكَ وَ الضَّمانِ بِعِدَتِكَ عِوَضاً مِنْ مَنْعِ الْباخِلينَ

چشم امید و شوق به بخشش تو داشتن و تکیه به یاری تو کردن، جابگزین خودداری بخیلان است

وَ مَنْدُوحَةً عَمّا في أَيْدِي الْمُسْتَأْثِرينَ، وَ أَنَّكَ لا تَحْتَجِبُ

و عوضی از فراخی آنچه در کف خودخواهان است و همانا که تو ازآفریدگانت

عَنْ خَلْقِكَ إلّا أَنْ تَحْجُبَهُمُ الْأَعْمالُ دُونَكَ، وَ قَدْ عَلِمْتُ أَنَّ

درپرده نباشی؛ جزاینکه اعمالشان آنان را از تو محجوب می‌کند و همانا دانستم که

أَفْضَلَ زادِ الرّاحِلِ إلَيْكَ عَزْمُ إرادَةٍ يَخْتارُكَ بِها، وَ قَدْ ناجاكَ

بهترین توشهٔ مسافر بسوی تو ارادهٔ استواری است که با آن ترا برگزینند و همانا قلبم

بِعَزْمِ الْإرادَةِ قَلْبي، وَ أَسْئَلُكَ بِكُلِّ دَعْوَةٍ دَعاكَ بِها راجٍ بَلَّغْتَهُ

با عزم اراده، با تو راز و نیاز می‌کند. و از تو می‌خواهم به حق هر دعایی که هر امیدوار با آن تو را خوانده است و او را

أَمَلَهُ، أَوْ صٰارِخٌ إِلَيْکَ أَغَثْتَ صَرْخَتَه، أَوْ مَلْهُوفٌ مَكْرُوبٌ

به آرزویش رسانده‌ای، یا فریاد کننده‌ای به سوی تو نالیده و تو به فریادش رسیده‌ای، یا دل سوختهٔ رنجدیده‌ای

فَرَّجْتَ كَرْبَهُ، أَوْ مُذْنِبٌ خٰاطِىءٌ غَفَرْتَ لَهُ، أَوْ مُعٰافٍ أَتْمَمْتَ

که اندوهش را برطرف کرده‌ای، یا گنهکار خطاکاری که او را آمرزیده‌ای، یا تندرستی

نِعْمَتَكَ عَلَيْهِ، أَوْ فَقيرٌ أَهْدَيْتَ غِنٰاكَ إِلَيْهِ، وَ لِتِلْكَ ٱلدَّعْوَةِ

که نعمت خود را بر او تمام کرده‌ای یا تهیدستی که‌بی‌نیازی به‌او اهدا فرموده‌ای ـ و به حق این

عَلَيْكَ حَقٌّ، وَ عِنْدَكَ مَنْزِلَةٌ، إِلّٰا صَلَّيْتَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ،

دعا در پیشگاهت و منزلتی که نزد تو دارد بر محمّد و آل محمد صلوات فرستی

وَ قَضَيْتَ حَوٰائِجي حَوٰائِجَ ٱلدُّنْيا وَ ٱلْاٰخِرَةِ وَ هٰذٰا رَجَبٌ

و نیازهای مرا ـ نیازهای دنیا و آخرت مرا برآوری؛ و این رجب

ٱلْمُرَجَّبُ ٱلْمُكَرَّمُ ٱلَّذي أَكْرَمْتَنٰا بِهِ، أَوَّلُ أَشْهُرِ ٱلْحُرُمِ،

شکوهمند گرامی است که ما را به آن اکرام فرمودی، اول شهرهای حرام‌است

أَكْرَمْتَنٰا بِهِ مِنْ بَيْنِ ٱلْأُمَمِ، يٰا ذَا ٱلْجُودِ وَ ٱلْكَرَمِ، فَنَسْئَلُكَ بِهِ

از میان امتها ما را به آن‌گرامی‌داشتی؛ ای صاحب بخشش و کرم. پس به حق این ماه

وَ بِاسْمِكَ ٱلْأَعْظَمِ ٱلْأَعْظَمِ ٱلْأَعْظَمِ ٱلْأَجَلِّ ٱلْأَكْرَمِ ٱلَّذي

و به حق نام اَعظم اعظَم اعظم اجلِ اکرمِ تو ـ که

خَلَقْتَهُ فَاسْتَقَرَّ في ظِلِّكَ فَلٰا يَخْرُجُ مِنْكَ إِلىٰ غَيْرِكَ، أَنْ تُصَلِّيَ

آن را آفریدی و در سایهٔ تو قرار گرفت و از سایهٔ‌تو به‌سایه‌ای دیگر نرود از تو مسئلت دارم که

عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ ٱلطّٰاهِرينَ وَ تَجْعَلَنٰا مِنَ ٱلْعٰامِلينَ فيهِ

بر محمّد و خاندان‌پاکیزه‌اش صلوات فرستی‌و ما را در آن ماه از کسانی‌قرار دهی‌که

بِطاعَتِكَ وَ الْآمِلينَ فيهِ بِشَفاعَتِكَ. اَللّٰهُمَّ وَ اهْدِنا إِلىٰ سَوٰاءِ
به طاعت تو عمل کنیم و در آن، به شفاعت تو امیدوار باشیم. بارخدایا، و ما را به راه راست

السَّبيلِ، وَ اجْعَلْ مَقيلَنا عِنْدَكَ خَيْرَ مَقيلٍ في ظِلٍّ ظَليلٍ فَإِنَّكَ
رهبری کن و خوابگاه ما را نزد خود در سایهٔ گسترده‌ات در بهترین جای قرار ده؛ همانا

حَسْبُنا وَ نِعْمَ الْوَكيلُ، وَ السَّلامُ عَلىٰ عِبادِهِ الْمُصْطَفَيْنَ،
که تو ما را بسی و بهترین سرپرستی. سلام بر بندگان برگزیده‌اش باد

وَ صَلَوٰاتُهُ عَلَيْهِمْ أَجْمَعينَ. اَللّٰهُمَّ وَ بارِكْ لَنا في يَوْمِنا هٰذَا
و صلوات پروردگار بر همهٔ آنان. بارخدایا، بر ما مبارک گردان در این روز که

الَّذي فَضَّلْتَهُ، وَ بِكَرامَتِكَ جَلَّلْتَهُ، وَ بِالْمَنْزِلِ الْعَظيمِ
به آن برتری دادی و به کرامت خود آن را جلیل داشتی و در قرارگاه عظیمِ

الْأَعْلىٰ أَنْزَلْتَهُ، صَلِّ عَلىٰ مَنْ فيهِ إِلىٰ عِبادِكَ أَرْسَلْتَهُ،
اعلا فرود آوردی، صلوات فرست بر آن کس که در این ماه او را به سوی بندگانت فرستادی

وَ بِالْمَحَلِّ الْكَريمِ أَحْلَلْتَهُ. اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِ صَلوٰةً دٰائِمَةً
و در محل کریم جای دادی، بارخدایا، بر او صلوات فرست صلوات جاویدان

تَكُونُ لَكَ شُكْراً وَ لَنا ذُخْراً، وَ اجْعَلْ لَنا مِنْ أَمْرِنا يُسْراً،
تا شکر تو باشد و ذخیره‌ای برای ما، و کار ما را آسان بگردان،

وَ اخْتِمْ لَنا بِالسَّعادَةِ إِلىٰ مُنْتَهىٰ آجالِنا، وَ قَدْ قَبِلْتَ الْيَسيرَ
و عاقبت ما را به نیکبختی پایان ده؛ همانا که اندکی از کار ما را

مِنْ أَعْمالِنا، وَ بَلَّغْتَنا بِرَحْمَتِكَ أَفْضَلَ آمالِنا، إِنَّكَ عَلىٰ
پذیرفته‌ای و به مهر خود ما را به بهترین آروزها رسانده‌ای؛ همانا که تو

كُلِّ شَيْءٍ قَديرٌ، وَ صَلَّى اللّٰهُ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ.[۱]

بر همه چیز توانایی و صلوات خدا بر محمد و خاندان او باد.

□ **روز آخر ماه**

غسل این روز مستحبّ، و روزه‌اش سبب آمرزش گناهان است.[۲]

از اعمال مستحبّ و مختصّ ماه رجب، زیارت حضرت رضا ؑ[۳] و بجا آوردن عمرهٔ مفرده است. در حدیث می‌خوانیم: ثواب عمره در این ماه، یک درجه کمتراز ثواب حجّ است.[۴] البتّه شایسته است کسانی که قدرت انجام این دو عمل را دارند، غفلت نفرمایند و حتّی الأمکان به یاد همهٔ برادران دینی خود هم باشند و برای آنان دعا نمایند. **اَسْتَجابَ اللّٰهُ سُؤْلَهُمْ اِنْشاءَ اللّٰه.**

اعمال ماه شعبان

این ماه، بسیار شریف، و منسوب به حضرت پیغمبر اکرم ﷺ است. آن حضرت این ماه را روزه می‌داشت و به ماه رمضان متّصل می‌کرد و می‌فرمود: شعبان ماه من است.[۵] امیر المؤمنین ؑ می‌فرمود: هر کس ماه شعبان را، برای محبّت پیغمبر خدا ﷺ و تقرّب به خدا روزه دارد، خدا هم او را دوست بدارد و در روز قیامت، به کرامت خود نزدیکش سازد و بهشت را بر او واجب سازد.[۶]

اعمال این ماه دو نوع است: مشترک و مختص.

اعمال مشترک ماه شعبان

۱ـ استغفار زیاد، که یکی از بهترین عملهای این ماه است[۷] و مستحبّ است هر روز هفتاد مرتبه بگوید:

---

۱. الاقبال / ۶۷۸. ۲. وسائل الشیعه، جلد ۲، صفحه ۹۵۹. ۳. بحار الانوار، جلد ۱۰۲، صفحه ۳۷.
۴. وسائل الشیعه، جلد ۱۰، صفحه ۲۴۱. ۵. بحار الانوار، جلد ۹۷، صفحه ۷۶. ۶. بحار الانوار، جلد ۹۷، صفحه ۸۲.
۷. بحار الانوار، جلد ۹۷، صفحه ۷۷.

أَسْتَغْفِرُ ٱللهَ ٱلَّذي لا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ ٱلرَّحْمٰنُ ٱلرَّحيمُ ٱلْحَيُّ ٱلْقَيُّومُ

از خدایی که جز او معبودی نیست، بخشنده و مهربان و زنده‌وپاینده است، درخواست آمرزش می‌کنم

وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ؛[1]

و به سویش باز می‌گردم.

و ظاهر اینست که هدف اصلی از ذکر استغفار و فراوانی آن، دوری از معاصی و اهتمام در ترک محرّمات و پاک‌سازیِ دل و تصفیهٔ قلب از امیال شهوانی و پلیدیِ گناهان است، تا این که مهیّای تزیین و آرایش معنوی، در ماه رمضان شود.

۲ـ تصدّق دادن در حد توان، حتّی اگر یک دانهٔ خرما باشد، که وسیلهٔ دوری از آتش جهنّم است.[2]

۳ـ در هر روز از ماه شعبان، در وقت زوال و در شب نیمهٔ آن، این صلوات را بخواند:

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، شَجَرَةِ ٱلنُّبُوَّةِ، وَ مَوْضِعِ

بارخدایا، بر محمد و آل محمد صلوات فرست، درخت پیمبری و جایگاه

ٱلرِّسالَةِ، وَ مُخْتَلَفِ ٱلْمَلائِكَةِ، وَ مَعْدِنِ ٱلْعِلْمِ، وَ أَهْلِ بَيْتِ

رسالت و محل رفت و آمد فرشتگان و کان دانش و اهل بیت

ٱلْوَحْيِ. اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ ٱلْفُلْكِ ٱلْجارِيَةِ

وحی. بارخدایا، بر محمد و آل محمد صلوات فرست؛ بر آن کشتی که در امواج

فِي ٱللُّجَجِ ٱلْغامِرَةِ، يَأْمَنُ مَنْ رَكِبَها، وَ يَغْرَقُ مَنْ تَرَكَها،

کوه‌پیکر روان است؛ هر کس در آن نشیند در آسودگی است و هر کس آن را رها کند غرقه گردد؛

---

۱. بحارالانوار، جلد ۹۷، صفحه ۹۰ تا ۹۲. ۲. بحار الانوار، جلد ۹۷، صفحه ۹۱.

اَلْمُتَقَدِّمُ لَهُمْ مارِقٌ، وَ الْمُتَأَخِّرُ عَنْهُمْ زاهِقٌ، وَ اللّازِمُ لَهُمْ

هر کس از آنان پیش افتد از دین بیرون رود و آن کس که از آنان بازماند

لاحِقٌ، اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ الْكَهْفِ

نابود گردد. بارخدایا، بر محمد و خاندان محمد صلوات فرست؛ بر آن پناهگاه

الْحَصينِ، وَ غِياثِ الْمُضْطَرِّ الْمُسْتَكينِ، وَ مَلْجَإِ الْهارِبينَ،

استوار و فریادرس واماندهٔ مسکین و پناه گریختگان

وَ عِصْمَةِ الْمُعْتَصِمينَ. اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ

و نگهبان پناهندگان. بارخدایا، بر محمد و خاندان محمد صلوات فرست؛

صَلٰوةً كَثيرَةً، تَكُونُ لَهُمْ رِضاً، وَ لِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ

درود فراوان، درودی مایهٔ خشنودی و رضای آنان و موجب ادای حق محمد و آل محمد

أَداءً وَ قَضاءً، بِحَوْلٍ مِنْكَ وَ قُوَّةٍ، يا رَبَّ الْعالَمينَ. اَللّٰهُمَّ

و قضای آن به حول و قوت تو ای پروردگار جهانیان. بارخدایا،

صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ الطَّيِّبينَ الْأَبْرارِ الْأَخْيارِ،

بر محمد و آل محمد صلوات فرست؛ آن پاکان درستکار و نیکوکار

الَّذينَ أَوْجَبْتَ حُقُوقَهُمْ، وَ فَرَضْتَ طاعَتَهُمْ وَ وِلايَتَهُمْ.

که حقوقشان را واجب کردی و طاعت و ولایتشان را فریضه فرمودی.

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اعْمُرْ قَلْبي بِطاعَتِكَ،

بارخدایا، بر محمد و خاندان محمد صلوات فرست؛ و دلم را به فرمانبرداری خود آبادان ساز

وَ لا تُخْزِني بِمَعْصِيَتِكَ، وَ ارْزُقْني مُواساةَ مَنْ قَتَّرْتَ عَلَيْهِ

و به نافرمانی کردن در پیشگاهت، اندوهگینم مفرما. و توفیق همدردی با کسی ده که روزی

مِنْ رِزْقِكَ، بِمٰا وَسَّعْتَ عَلَيَّ مِنْ فَضْلِكَ، وَ نَشَرْتَ عَلَيَّ مِنْ
او را تنگ کرده‌ای از مالی که از فضل خود بر من وسعت داده‌ای و از عدل خود بر من

عَدْلِكَ، وَ أَحْيَيْتَنِي تَحْتَ ظِلِّكَ، وَ هٰذٰا شَهْرُ نَبِيِّكَ سَيِّدِ
گسترده‌ای و مرا درسایهٔ خود زنده داشته‌ای، و این ماه، ماه پیمبر تو سرور

رُسُلِكَ، شَعْبٰانُ اَلَّذِي حَفَفْتَهُ مِنْكَ بِالرَّحْمَةِ وَ اَلرِّضْوٰانِ،
فرستادگان توست: ماه شعبان، ماهی که آن را آکنده از رحمت و خشنودی خود ساخته‌ای؛

اَلَّذِي كٰانَ رَسُولُ اَللّٰهِ صَلَّى اَللّٰهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ يَدْأَبُ فِي
ماهی که رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم شب و روز

صِيٰامِهِ وَ قِيٰامِهِ، فِي لَيٰالِيهِ وَ أَيّٰامِهِ، بُخُوعاً لَكَ فِي إِكْرٰامِهِ
با روزه داشتن و شب زنده داری در آن ماه برای تواضع به تو در اکرام

وَ إِعْظٰامِهِ إِلىٰ مَحَلِّ حِمٰامِهِ. اَللّٰهُمَّ فَأَعِنّٰا عَلَى اَلاِسْتِنٰانِ
و بزرگداشت این ماه تا پایان عمرش می‌کوشید. بارالها، پس ما را به پیروی از سنت او

بِسُنَّتِهِ فِيهِ، وَ نَيْلِ اَلشَّفٰاعَةِ لَدَيْهِ. اَللّٰهُمَّ وَ اجْعَلْهُ لِي شَفِيعاً
در این ماه و رسیدن به شفاعت در پیشگاهش یاری فرمای. بارخدایا او را شفیع

مُشَفَّعاً، وَ طَرِيقاً إِلَيْكَ مَهْيَعاً، وَ اجْعَلْنِي لَهُ مُتَّبِعاً، حَتّٰى
پذیرفته شده من و راهی راست به سوی خود قرار ده. و مرا پیرو او گردان؛ چندانکه

أَلْقٰاكَ يَوْمَ اَلْقِيٰمَةِ عَنِّي رٰاضِياً، وَ عَنْ ذُنُوبِي غٰاضِياً،
در روز رستاخیز که تو را دیدار می‌کنم از من خشنود باشی و از گناهانم چشم‌پوشی

قَدْ أَوْجَبْتَ لِي مِنْكَ اَلرَّحْمَةَ وَ اَلرِّضْوٰانَ، وَ أَنْزَلْتَنِي دٰارَ
و از سوی خود بر من مهر و خشنودی واجب کنی و مرا در سرای

اَلْقَرارِ، وَ مَحَلَّ اَلْاَخْیارِ.[۱]

جاوید و جایگاه خوبان فرود آوری.

۴ـ بخواند این مناجات را، که مناجات حضرت امیرالمؤمنین ؑ و ائمهٔ هدی ؑ است و مواظبت معصومین به این دعا حکایت از اوج معانی و کمال محتوای آن دارد، مناسب است در هر حال و هر مکان خاصه در حرمهای متبرکه و مساجد و اوقات شریفه، به خواندن آن به خدا تقرب جست:

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ، وَ اسْمَعْ دُعٰائی إِذٰا

بارخدایا، بر محمد و آل محمد صلوات فرست؛ و هنگامی که تو را می‌خوانم، دعایم را بشنو و وقتی

دَعَوْتُكَ وَ اسْمَعْ نِدٰائی إِذٰا نٰادَیْتُكَ، وَ أَقْبِلْ عَلَيَّ إِذٰا نٰاجَیْتُكَ،

تو را ندا می‌دهم، ندایم گوش کن و دمی که با تو راز و نیاز می‌کنم، به من روی آور؛

فَقَدْ هَرَبْتُ إِلَیْکَ، وَ وَقَفْتُ بَیْنَ یَدَیْكَ، مُسْتَكیناً لَكَ، مُتَضَرِّعاً

همانا که به سوی تو گریخته‌ام و در مقابلت ایستاده‌ام و دست مسکنت به سوی تو دراز و زاری کننده

إِلَیْکَ، رٰاجِیاً لِمٰا لَدَیْكَ ثَوٰابی، وَ تَعْلَمُ مٰا فی نَفْسی، وَ تَخْبُرُ

به درگاه تو، به امید اینکه از تو ثوابی نصیبم گردد. و هرچه

حٰاجَتی، وَ تَعْرِفُ ضَمیری، وَ لاٰ یَخْفیٰ عَلَیْكَ أَمْرُ مُنْقَلَبی

در دل دارم تو می‌دانی و از نیازم آگاهی و ضمیرم را می‌شناسی.

وَ مَثْوٰایَ، وَ مٰا أُریدُ أَنْ أُبْدِئَ بِهِ مِنْ مَنْطِقی، وَ أَتَفَوَّهُ بِهِ مِنْ

و جای بازگشتن و قرارگاه من و آنچه می‌خواهم به گفتن آغاز کنم و هر مطلبی که می‌خواهم

۱. الاقبال / ۶۷۷ ـ مصباح الکفعمی / ۵۴۴

طَلِبَتي،وَ أَرْجُوهُ لِعاقِبَتي وَ قَدْ جَرَتْ مَقاديرُكَ عَلَيَّ يا سَيِّدي

بر زبان آورم و آنچه از فرجام خویش امید دارم، بر تو آشکار است و هیچ یک بر تو پنهان نیست. ای سرور من،

فيما يَكُونُ مِنّي إِلىٰ اٰخِرِ عُمْري مِنْ سَريرَتي وَ عَلانِيَتي،

مقدرات تو هرچه از من است، تا پایان عمرم، از پنهان و آشکارم،

وَ بِيَدِكَ لا بِيَدِ غَيْرِكَ، زِيادَتي وَ نَقْصي وَ نَفْعي وَ ضَرّي.

از فزونی و کاستی و سود و زیان من بر من جاری است و آن به دست توست نه به دست جز تو.

إِلٰهي إِنْ حَرَمْتَني فَمَنْ ذَاالَّذي يَرْزُقُني وَ إِنْ خَذَلْتَني فَمَنْ

خدای من، اگر مرا بی‌بهره کنی پس کیست که به من روزی رساند؟ و اگر مرا یاری نکنی پس

ذَا الَّذي يَنْصُرُني. إِلٰهي أَعُوذُ بِكَ مِنْ غَضَبِكَ وَ حُلُولِ

کیست که مرا یاری کند؟ خدای من، از خشم تو و از فرودآمدن غضب تو به تو

سَخَطِكَ. إِلٰهي إِنْ كُنْتُ غَيْرَ مُسْتَأْهِلٍ لِرَحْمَتِكَ فَأَنْتَ أَهْلٌ

پناه می‌آورم. خدای من، اگر من سزاوار رحمت تو نیستم اما تو سزاواری که

أَنْ تَجُودَ عَلَيَّ بِفَضْلِ سَعَتِكَ. إِلٰهي كَأَنّي بِنَفْسي واقِفَةٌ بَيْنَ

به فضل گشاده‌دستی خود بر من می‌بخشی. الهی، گویی که در روز رستاخیز در برابر تو

يَدَيْكَ وَ قَدْ أَظَلَّها حُسْنُ تَوَكُّلي عَلَيْكَ فَقُلْتَ ما أَنْتَ أَهْلُهُ

ایستاده‌ام و همانا که حسن توکل من به تو، سایه بر سرم انداخته است؛ پس، آنچه تو سزاوارش هستی گفتی

وَ تَغَمَّدْتَني بِعَفْوِكَ. إِلٰهي إِنْ عَفَوْتَ فَمَنْ أَوْلىٰ مِنْكَ بِذٰلِكَ،

و مرا در بخشایش خویش فرو بردی. الهی، اگر مرا ببخشایی پس چه کسی از تو به این کار سزاوارتر است

وَ إِنْ كانَ قَدْ دَنا أَجَلي وَ لَمْ يُدْنِني مِنْكَ عَمَلي فَقَدْ جَعَلْتُ

و اگر مرگم فرا رسیده و عمل من مرا به تو نزدیک نکرده باشد، اینک

ٱلْإِقْرارَ بِالذَّنْبِ إِلَيْكَ وَسيلَتي. إِلٰهي قَدْ جُرْتُ عَلىٰ نَفْسي

اقرار به گناه را وسیلهٔ خود به سوی تو قرار می‌دهم؛ خدای من به خود ستم کردم

فِي ٱلنَّظَرِ لَها، فَلَهَا ٱلْوَيْلُ إِنْ لَمْ تَغْفِرْ لَها. إِلٰهي لَمْ يَزَلْ بِرُّكَ

در مراقبت نفس، پس وای بر نفس من اگر او را نیامرزی. خدای من نیکی تو

عَلَيَّ أَيّامَ حَيٰوتي فَلا تَقْطَعْ بِرَّكَ عَنّي في مَماتي. إِلٰهي كَيْفَ

در زندگانی من پیوسته است پس با مرگ نیکی خود را از من قطع مکن الهی، چگونه

ايَسُ مِنْ حُسْنِ نَظَرِكَ لي بَعْدَ مَماتي وَ أَنْتَ لَمْ تُوَلِّني

پس از مرگ از حسن نظر تو ناامید گردم حال آنکه در زندگانی من

إِلاَّ ٱلْجَميلَ في حَيٰوتي. إِلٰهي تَوَلَّ مِنْ أَمْري ما أَنْتَ أَهْلُهُ وَ عُدْ

جز خوبی با من نکرده‌ای. الهی، در کار من آن کن که از تو سزد و با من

عَلَيَّ بِفَضْلِكَ عَلىٰ مُذْنِبٍ قَدْ غَمَرَهُ جَهْلُهُ. إِلٰهي قَدْ سَتَرْتَ

به فضل خود چنان باش که با گناهکاری که نادانی سراپای وی را پوشانیده است. الهی، همانا که در دنیا

عَلَيَّ ذُنُوباً فِي ٱلدُّنْيا وَ أَنَا أَحْوَجُ إِلىٰ سَتْرِها عَلَيَّ مِنْكَ فِي

گناهانی از مرا پوشانده‌ای و من در آخرت محتاج‌ترم که گناهان مرا

ٱلْأُخْرىٰ، إِلٰهي قَدْ أَحْسَنْتَ إِلَيَّ إِذْ لَمْ تُظْهِرْها لِأَحَدٍ مِنْ عِبادِكَ

بپوشانی. الهی به من احسان کردی که گناهانم را بر هیچ یک از بندگان شایسته

ٱلصّالِحينَ، فَلا تَفْضَحْني يَوْمَ ٱلْقِيٰمَةِ عَلىٰ رُءُوسِ ٱلْأَشْهادِ.

آشکار نمی‌کنی، پس در روز رستاخیز در مقابل همهٔ مردم رسوایم مساز.

إِلٰهي جُودُكَ بَسَطَ أَمَلي، وَ عَفْوُكَ أَفْضَلُ مِنْ عَمَلي. إِلٰهي

الهی، بخشش تو آرزوی مرا گسترش داده است و بخشایش تو از عمل من بیشتر است. الها،

فَسُرَّنی بِلِقائِكَ یَوْمَ تَقْضی فیهِ بَیْنَ عِبادِكَ. إِلٰهی اعْتِذاری

روزی که در آن میان بندگانت داوری می‌کنی مرا به دیدار خویش شاد فرمای. الهی، پوزشخواهی من

إِلَیْکَ اعْتِذارُ مَنْ لَمْ یَسْتَغْنِ عَنْ قَبُولِ عُذْرِهِ، فَاقْبَلْ عُذْری

از تو، پوزش کسی است که‌از قبول کردن عذرش بی‌نیاز نیست؛ پس عذرم را بپذیر.

یا أَکْرَمَ مَنِ اعْتَذَرَ إِلَیْهِ الْمُسیئُونَ. إِلٰهی لا تَرُدَّ حاجَتی،

ای کریم‌ترین کس که گناهکاران از درگاه او عذرخواهی می‌کنند. الهی، حاجتم را رد مکن

وَ لا تُخَیِّبْ طَمَعی، وَ لا تَقْطَعْ مِنْكَ رَجائی وَ أَمَلی. إِلٰهی

و طمعم را به نومیدی مکشان و امید و آرزویم را از درگاه خود قطع مکن. الهی،

لَوْ أَرَدْتَ هَوانی لَمْ تَهْدِنی وَ لَوْ أَرَدْتَ فَضیحَتی لَمْ تُعافِنی.

اگر خواری مرا می‌خواستی، هدایتم نمی‌نمودی و اگر رسوایی مرا می‌خواستی، مرا عافیت نمی‌دادی.

إِلٰهی ما أَظُنُّكَ تَرُدُّنی فی حاجَةٍ قَدْ أَفْنَیْتُ عُمْری فی طَلَبِها

الهی، چنین نمی‌پندارم که در حاجتی که دربی آن‌به درگاهت عمر بأختەام مرا

مِنْكَ. إِلٰهی فَلَكَ الْحَمْدُ أَبَداً أَبَداً دائِماً سَرْمَداً یَزیدُ وَ لا یَبیدُ

بازگردانی؛ الهی حمد ازآن توست همیشه همیشه؛ حمد دائم وبی‌پایان که افزوده شود و کاسته نشود؛

کَما تُحِبُّ وَ تَرْضیٰ. إِلٰهی إِنْ أَخَذْتَنی بِجُرْمی أَخَذْتُكَ

آن سان که دوست می‌داری و خشنود می‌گردی. الهی، اگر مرا به جرمم گیری؛ تو را به

بِعَفْوِكَ وَ إِنْ أَخَذْتَنی بِذُنُوبی أَخَذْتُكَ بِمَغْفِرَتِكَ وَ إِنْ

بخشایشت گیرم و اگر مرا به گناهانم گیری، تو را به آمرزشت گیرم و اگر مرا

أَدْخَلْتَنِی النّارَ أَعْلَمْتُ أَهْلَها أَنّی أُحِبُّكَ. إِلٰهی إِنْ کانَ صَغُرَ

به آتش دراندازی، به گروه اهل آتش می‌گویم که تو را دوست می‌دارم. الهی، اگر کار من

فِي جَنْبِ طاٰعَتِكَ عَمَلِي فَقَدْ كَبُرَ فِي جَنْبِ رَجاٰئِكَ أَمَلِي.

در کنار طاعت تو ناچیز است، همانا که آرزویم در جنب امید به تو بزرگ است.

إِلٰهِي كَيْفَ أَنْقَلِبُ مِنْ عِنْدِكَ بِالْخَيْبَةِ مَحْرُوماً وَ قَدْ كاٰنَ حُسْنُ

الهی، چگونه از پیشگاه تو به نومیدی، محروم باز گردم حال آنکه حسن

ظَنِّي بِجُودِكَ أَنْ تَقْلِبَنِي بِالنَّجاٰةِ مَرْحُوماً. إِلٰهِي وَ قَدْ أَفْنَيْتُ

ظن من به بخشش تو این بودکه نجات یافته‌و مهر تو چشیده‌بازم گردانی. الهی، همانا که

عُمْرِي فِي شِرَّةِ السَّهْوِ عَنْكَ وَ أَبْلَيْتُ شَباٰبِي فِي سَكْرَةِ

زندگانی خویش را در کردار زشت فراموشی تو، نابود ساختم و جوانی را در مستی دوری

التَّباٰعُدِ مِنْكَ. إِلٰهِي فَلَمْ أَسْتَيْقِظْ أَيّاٰمَ اغْتِراٰرِي بِكَ وَ رُكُونِي

از تو سپری کردم. الهی، در روزگار غفلت از تو و روانه شدن به سوی خشم تو از

إِلىٰ سَبِيلِ سَخَطِكَ. إِلٰهِي وَ أَناٰ عَبْدُكَ وَ ابْنُ عَبْدِكَ قاٰئِمٌ بَيْنَ

خواب غفلت بیدار نگشتم. الهی، من بندهٔ تو و بنده‌زادهٔ توام و در پیشگاهت

يَدَيْكَ، مُتَوَسِّلٌ بِكَرَمِكَ إِلَيْكَ. إِلٰهِي أَناٰ عَبْدٌ أَتَنَصَّلُ إِلَيْكَ

ایستاده‌ام و به کرمت به سوی تو متوسل شده‌ام. الهی، من بنده‌ای هستم که از گناهانی

مِمّاٰ كُنْتُ أُواٰجِهُكَ بِهِ مِنْ قِلَّةِ اسْتِحْياٰئِي مِنْ نَظَرِكَ وَ أَطْلُبُ

که ـ به سبب کمبود شرم خویشتن از نظر تو رویاروی تو مرتکب شده‌ام تبری می‌جویم

الْعَفْوَ مِنْكَ، إِذِ الْعَفْوُ نَعْتٌ لِكَرَمِكَ. إِلٰهِي لَمْ يَكُنْ لِي حَوْلٌ

و بخشایش تو را خواهانم؛ چه، بخشایش، صفتی برای بزرگواری توست. الهی، مرا یارای آن نبود

فَأَنْتَقِلَ بِهِ عَنْ مَعْصِيَتِكَ إِلّاٰ فِي وَقْتٍ أَيْقَظْتَنِي لِمَحَبَّتِكَ وَ كَماٰ

که به نیروی آن از نافرمانی تو منتقل شوم، مگر آنگاه که مرا به مهر خود بیدار کردی

أَرَدْتَ أَنْ أَكُونَ كُنْتُ، فَشَكَرْتُكَ بِإِدْخالِي في كَرَمِكَ وَ لِتَطْهيرِ

و چنان شدم که خواستی آنچنان باشم. پس تو را شکر می‌گویم که مرا در کرم خویش داخل کردی

قَلْبي مِنْ أَوْساخِ الْغَفْلَةِ عَنْكَ. إِلٰهي انْظُرْ إِلَيَّ نَظَرَ مَنْ نادَيْتَهُ

و دلم را از آلودگیهای بی‌خبری از تو پاک فرمودی. الهی به من نظری افکن چون کسی که او را ندا کردی

فَأَجابَكَ وَ اسْتَعْمَلْتَهُ بِمَعُونَتِكَ فَأَطاعَكَ. يا قَريباً لا يَبْعُدُ

و او تو را پاسخ گفت و او را در یاری خود به کار بردی و او از تو اطاعت کرد؛ ای خدای نزدیک که

عَنِ الْمُغْتَرِّ بِهِ وَ يا جَواداً لا يَبْخَلُ عَمَّنْ رَجا ثَوابَهُ. إِلٰهي

از بیگانه از خود دور نمی‌گردی و ای گشاده دستی که به امیدوار پاداش تو، بخل نمی‌ورزی. الهی،

هَبْ لي قَلْباً يُدْنيهِ مِنْكَ شَوْقُهُ وَ لِساناً يُرْفَعُ إِلَيْكَ صِدْقُهُ

قلبی به من عنایت فرمای که اشتیاقش او را به تو نزدیک گرداند و زبانی، که صدق آن بسوی تو

وَ نَظَراً يُقَرِّبُهُ مِنْكَ حَقُّهُ. إِلٰهي إِنَّ مَنْ تَعَرَّفَ بِكَ غَيْرُ مَجْهُولٍ

اوج گیرد و نظری که حقیقت آن، او را به تو نزدیک سازد. خدایا، آن کس که به تو شناخته گردد، ناشناخته نباشد

وَ مَنْ لاذَ بِكَ غَيْرُ مَخْذُولٍ وَ مَنْ أَقْبَلْتَ عَلَيْهِ غَيْرُ مَمْلُوكٍ.

و آن کس که به تو پناه آورد خوار نگردد؛ و آن کس که به او روی کنی، آزاد است.

إِلٰهي إِنَّ مَنِ انْتَهَجَ بِكَ لَمُسْتَنيرٌ وَ إِنَّ مَنِ اعْتَصَمَ بِكَ لَمُسْتَجيرٌ،

خدایا، آن کس که راه تو پوید روشنی یابد، و آن کس که به تو پناه آورد، پناه گیرد.

وَ قَدْ لُذْتُ بِكَ يا إِلٰهي فَلا تُخَيِّبْ ظَنّي مِنْ رَحْمَتِكَ وَ لا تَحْجُبْني

خدایا، من به تو پناه آورده‌ام؛ پس گمان من از رحمت خود را به یأس نرسان و مرا از

عَنْ رَأْفَتِكَ. إِلٰهي أَقِمْني في أَهْلِ وِلايَتِكَ مُقامَ مَنْ رَجا

رأفت خود محروم مکن. خدای من مرا در میان اولیاء خود به مقام کسی برسان

الزِّيادَةَ مِنْ مَحَبَّتِكَ. اِلٰهي وَ أَلْهِمْني وَلَهاً بِذِكْرِكَ إِلىٰ ذِكْرِكَ

که امید فزونی محبّت تو دارد خدایا، شیفتگی یاد خود را در دل من افکن تا مرا به یاد تو اندازد

وَ هِمَّتي في رَوْحِ نَجاحِ أَسْمائِكَ وَ مَحَلِّ قُدْسِكَ. إِلٰهي بِكَ

و همتی عطا کن که از نامهای تو برمی‌خیزد و از جایگاه قدسی تو برمی‌آید. خدایا، تو را

عَلَيْكَ إِلّا أَلْحَقْتَني بِمَحَلِّ أَهْلِ طاعَتِكَ وَ الْمَثْوَى الصّالِحِ

به حق تو سوگند، که مرا به جایگاه اهل طاعت خود ملحق کنی و به پایگاه صالح

مِنْ مَرْضاتِكَ، فَإِنّي لا أَقْدِرُ لِنَفْسي دَفْعاً وَ لا أَمْلِكُ لَها نَفْعاً.

خرسندی خویش برسانی؛ همانا که من توانایی دفاع از خویشتن ندارم و مالک سودی برای خود نیستم.

إِلٰهي أَنَا عَبْدُكَ الضَّعيفُ الْمُذْنِبُ وَ مَمْلُوكُكَ الْمُنيبُ،

خدایا، من بندهٔ ناتوان گنهکار توام و مملوک تو که به تو روی آورده‌ام؛

فَلا تَجْعَلْني مِمَّنْ صَرَفْتَ عَنْهُ وَجْهَكَ وَ حَجَبَهُ سَهْوُهُ عَنْ

پس مرا از آن گروه قرار مده که روی از او برمی‌گردانی و بیخبری او را از عفو تو محروم

عَفْوِكَ. إِلٰهي هَبْ لي كَمالَ الاِنْقِطاعِ إِلَيْكَ وَ أَنِرْ أَبْصارَ

کرده است. خدایا، توفیق بریدن از همه چیز و گرویدن به سوی تو به من عطا کن. و چشم قلب

قُلُوبِنا بِضِياءِ نَظَرِها إِلَيْكَ، حَتّىٰ تَخْرِقَ أَبْصارُ الْقُلُوبِ حُجُبَ

ما را به نور نظر به تو روشن فرما. تا چشم قلب حجاب نور

النُّورِ فَتَصِلَ إِلىٰ مَعْدِنِ الْعَظَمَةِ، وَ تَصيرَ أَرْواحُنا مُعَلَّقَةً بِعِزِّ

را پاره کند و به معدن عظمت متصل شود و ارواح ما را به عزت

قُدْسِكَ. إِلٰهي وَ اجْعَلْني مِمَّنْ نادَيْتَهُ فَأَجابَكَ وَ لاحَظْتَهُ

قدسی تو برساند. خدای من مرا چون آن کن که صدایش زدی و جواب گفت و او را ملاحظه فرمودی

فَصَعِقَ لِجَلالِكَ، فَناجَيْتَهُ سِرّاً وَ عَمِلَ لَكَ جَهْراً. إِلٰهِی
و در برابر جلال تو جان داد به او سر نهان گفتی و آشکار در درگاه تو عمل کرد. الهی،
لَمْ أُسَلِّطْ عَلىٰ حُسْنِ ظَنّي قُنُوطَ ٱلْاِياسِ وَ لَا ٱنْقَطَعَ رَجائی
نااميدی را بر حسن ظن خويش چيره نكردهام و اميدم را
مِنْ جَميلِ كَرَمِكَ. إِلٰهی إِنْ كانَتِ ٱلْخَطايا قَدْ أَسْقَطَتْنی
از زيبايی كرمت نبريدهام. الهی، اگر خطاها مرا از چشم تو انداخته است
لَدَيْكَ، فَاصْفَحْ عَنّي بِحُسْنِ تَوَكُّلي عَلَيْكَ. إِلٰهی إِنْ حَطَّتْنِیَ
مرا به خوبی توكلی كه به تو دارم ببخشای. الهی، اگر گناهان، مرا از مكارم لطف
ٱلذُّنُوبُ مِنْ مَكارِمِ لُطْفِكَ فَقَدْ نَبَّهَنِی ٱلْيَقينُ إِلىٰ كَرَمِ عَطْفِكَ.
تو بیبهره ساخته است، همانا كه يقين، مرا به كرم مهرت هشدار میدهد.
إِلٰهی إِنْ أَنامَتْنِی ٱلْغَفْلَةُ عَنِ ٱلاِسْتِعْدادِ لِلِقائِكَ فَقَدْ نَبَّهَتْنِی
الهی، اگر غفلت، مرا از آمادگی ديدارت به خواب اندر انداخته است، همانا كه شناخت
ٱلْمَعْرِفَةُ بِكَرَمِ آلائِكَ. إِلٰهی إِنْ دَعانی إِلَى ٱلنّارِ عَظيمُ عِقابِكَ
كرم نعمتهای تو، آگاهم ساخته است. الهی، اگر عذاب بزرگ مرا به آتش فرا میخواند،
فَقَدْ دَعانی إِلَى ٱلْجَنَّةِ جَزيلُ ثَوابِكَ. إِلٰهی فَلَكَ أَسْئَلُ
اما ثواب، فراوان تو مرا به بهشت ندا درمیدهد. الهی، از تو مسئلت میكنم
وَ إِلَيْکَ أَبْتَهِلُ وَ أَرْغَبُ، وَ أَسْئَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ
و زاری و اشتياق به سوی تو دارم و از تو تقاضا دارم كه به محمد[ﷺ] و آل محمد
وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ أَنْ تَجْعَلَنی مِمَّنْ يُديمُ ذِكْرَكَ وَ لا يَنْقُضُ
صلوات فرستی و مرا از آن گروه قرار دهی كه پيوسته به ياد تواند و پيمانت را

عَهْدَكَ وَ لاٰ يَغْفُلُ عَنْ شُكْرِكَ وَ لاٰ يَسْتَخِفُّ بِأَمْرِكَ. إِلٰهي

نمی‌شکنند و از شکرانه‌ات غافل‌نیستند و فرمانت را سبک‌نمی‌گیرند. الهی،

وَ أَلْحِقْني بِنُورِ عِزِّكَ ٱلْأَبْهَجِ فَأَكُونَ لَكَ عٰارِفاً وَ عَنْ سِوٰاكَ

و مرا به نورِ عزت باشکوه خود ملحَق فرمای تا عارف تو گردم و از جز تو

مُنْحَرِفاً وَ مِنْكَ خٰائِفاً مُرٰاقِباً يٰا ذَا ٱلْجَلاٰلِ وَ ٱلْإِكْرٰامِ، وَ صَلَّى

کناره گیرم و جز از تو ترسان و دل نگران نباشم، یا ذاالجلال و الاکرام، صلوات

ٱللّٰهُ عَلىٰ مُحَمَّدٍ رَسُولِهِ وَ آلِهِ ٱلطّٰاهِرِينَ، وَ سَلَّمَ تَسْليماً كَثيراً.[1]

خدا بر محمد رسول او و آل پاکش و سلام بسیار بر آنان باد.

حقیر گوید: سزاوار است آنان که دلی زنده و روحی با اخلاص و صفا دارند، یا دوست دارند چنین باشند، از این دعا، که حیات‌بخش و ایمان آفرین و اخلاص پرور است، غفلت نکنند و هر وقت حالی پیدا کنند آن را بخوانند.

اعمال مختصّ ماه شعبان

روز سوّم

این روز، روز تولّد سالار شهیدان و رهبر آزاد مردان، حضرت حسین بن علی ؛ است. از ناحیهٔ مقدّسهٔ امام حسن عسکری ؛ نامه‌ای به‌سوی قاسم‌بن علاء همدانی، وکیل آن حضرت، صادر گشت، بدین مضمون که: مولای ما حسین ؛ در سوّم شعبان متولّد شده است. آن روز را روزه بگیر و این دعا را بخوان:

اَللّٰهُمَّ إِنّي أَسْئَلُكَ بِحَقِّ ٱلْمَوْلُودِ في هٰذَا ٱلْيَوْمِ ٱلْمَوْعُودِ

بارخدایا، تو را به حق مولود این روز که پیش از بدنیا آمدن و ولادت او،

---

۱. بحار الانوار/ ۹۱/ ۹۷.

بِشَهٰادَتِهِ قَبْلَ اسْتِهْلالِهِ وَ وِلادَتِهِ، بَكَتْهُ السَّمٰاءُ وَ مَنْ فيهٰا

وعدهٔ شهادتش داده شد، آسمان و آنچه در آنست و زمین و آنچه برآنست،

وَ الْأَرْضُ وَ مَنْ عَلَيْهٰا وَ لَمّٰا يَطَأْ لابَتَيْهٰا، قَتيلِ الْعَبْرَةِ وَ سَيِّدِ

بر او گریست ـ حال آن که هنوز بر زمین مدینه پای ننهاده بود ، کشتهٔ اشک و سرور

الْأُسْرَةِ، الْمَمْدُودِ بِالنُّصْرَةِ يَوْمَ الْكَرَّةِ، الْمُعَوَّضِ مِنْ قَتْلِهِ أَنَّ

دودمان، روز شهادت به یاری مدد یافته، و در عوض شهادت او،

الْأَئِمَّةَ مِنْ نَسْلِهِ وَ الشِّفٰاءَ في تُرْبَتِهِ وَ الْفَوْزَ مَعَهُ في أَوْبَتِهِ

امامان از نسل او و شفا در تربت پاکش و شفاعت در اختیار او قرار گرفت؛

وَ الْأَوْصِيٰاءَ مِنْ عِتْرَتِهِ بَعْدَ قٰائِمِهِمْ وَ غَيْبَتِهِ، حَتّٰى يُدْرِكُوا

و اوصیاء که از عترت اویند پس از ظهور قائمشان و در پایان غیبت آن قائم چندان که

الْأَوْتٰارَ وَ يَثْأَرُوا الثّٰارَ وَ يُرْضُوا الْجَبّٰارَ وَ يَكُونُوا خَيْرَ

انتقامها ستانند و خونها نثار کنند و خدای جبار را خشنود سازند و بهترین یاوران

أَنْصٰارٍ، صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِمْ مَعَ اخْتِلافِ اللَّيْلِ وَ النَّهٰارِ. اَللّٰهُمَّ

باشند، صلوات خدا بر آنان باد؛ تا روز و شب در گردش است. بارخدایا،

فَبِحَقِّهِمْ إِلَيْكَ أَتَوَسَّلُ وَ أَسْئَلُ سُؤٰالَ مُقْتَرِفٍ مُعْتَرِفٍ مُسيءٍ

سوگندبه حق آنان، که به تو متوسل‌شده‌ام و مانند درخواست‌گنهکاری به گناه خویش معترف،

إِلىٰ نَفْسِهِ مِمّٰا فَرَّطَ في يَوْمِهِ وَ أَمْسِهِ، يَسْئَلُكَ الْعِصْمَةَ إِلىٰ

که با خود بدی کرده و امروز و دیروز در وظائف کوتاهی کرده است. از تو پناه می‌خواهد

مَحَلِّ رَمْسِهِ، اَللّٰهُمَّ فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ عِتْرَتِهِ، وَ احْشُرْنٰا

تا هنگام دفن او را نگاهداری فرمایی. بارخدایا، پس بر محمد و عترت او صلوات فرست و مسئلت داریم

فِي زُمْرَتِهِ، وَ بَوِّئْنا مَعَهُ دارَ الْكَرامَةِ وَ مَحَلَّ الْإِقامَةِ.

که ما را در زمرهٔ او محشور فرمایی و همراه با او، در بهشت در سرای کرامت همخانه گردانی.

اَللّٰهُمَّ وَ كَما أَكْرَمْتَنا بِمَعْرِفَتِهِ، فَأَكْرِمْنا بِزُلْفَتِهِ، وَ ارْزُقْنا

بارخدایا، هم آنسان‌که ما را به‌معرفت او اکرام فرمودی، به نزدیک شدن به او نیز اکرام فرمایی و همراهی با

مُرافَقَتَهُ وَ سابِقَتَهُ، وَ اجْعَلْنا مِمَّنْ يُسَلِّمُ لِأَمْرِهِ وَ يُكْثِرُ الصَّلٰوةَ

او و سابقهٔ او را روزی ما کن و ما را از کسانی قرار ده که سر به فرمان اویند و بسیار صلوات می‌فرستند

عَلَيْهِ عِنْدَ ذِكْرِهِ، وَ عَلىٰ جَميعِ أَوْصِيائِهِ وَ أَهْلِ أَصْفِيائِهِ

هنگام یاد او، بر او، و بر همهٔ جانشینان او و برگزیدگان او

الْمَمْدُودِينَ مِنْكَ بِالْعَدَدِ الْإِثْنَيْ عَشَرَ النُّجُومِ الزُّهَرِ،

- که از سوی تو به دوازده ستارهٔ رخشا رسیده‌اند

وَ الْحُجَجِ عَلىٰ جَميعِ الْبَشَرِ. اَللّٰهُمَّ وَ هَبْ لَنا في هٰذَا الْيَوْمِ

و بر همهٔ بشر حجت می‌باشند؛ بارخدایا، در این روز بهترین موهبت

خَيْرَ مَوْهِبَةٍ، وَ أَنْجِحْ لَنا فيهِ كُلَّ طَلِبَةٍ، كَما وَ هَبْتَ الْحُسَيْنَ

را بر ما ببخش و هرچه می‌خواهیم در این روز به ما عطا کن و آنسان که حسین[ع] را

لِمُحَمَّدٍ جَدِّهِ وَ عاذَ فُطْرُسُ بِمَهْدِهِ، فَنَحْنُ عائِذُونَ بِقَبْرِهِ مِنْ

به جدش محمد[ص] عطا کردی و «فطرس» فرشته به گهواره او پناه جست ما نیز به قبر او پناهنده‌ایم

بَعْدِهِ، نَشْهَدُ تُرْبَتَهُ وَ نَنْتَظِرُ أَوْبَتَهُ، امينَ رَبَّ الْعالَمينَ.[1]

و بر تربت او حاضر شده‌ایم و در انتظار عنایت او هستیم آمین رب العالمین.

پس می‌خوانی این دعا را، که امام صادق ؑ در این روز می‌خوانده‌است:

---

۱. بحار الانوار / ۹۸ / ۳۴۷.

اَللّٰهُمَّ أَنْتَ مُتَعٰالِی ٱلْمَكٰانِ، عَظِيمُ ٱلْجَبَرُوتِ، شَدِيدُ ٱلْمِحٰالِ

بارخدایا، مقام تو متعالی و جبروت تو عظیم است و عذابت سخت.

غَنِيٌّ عَنِ ٱلْخَلاٰئِقِ، عَرِيضُ ٱلْكِبْرِيٰاءِ، قٰادِرٌ عَلىٰ مٰا تَشٰاءُ،

از همهٔ آفریدگان بی‌نیاز با کبریای گسترده و برآنچه بخواهی توانا،

قَرِيبُ ٱلرَّحْمَةِ، صٰادِقُ ٱلْوَعْدِ، سٰابِغُ ٱلنِّعْمَةِ، حَسَنُ ٱلْبَلاٰءِ،

رحمتت نزدیک، وعده‌ات راست، نعمتت وسیع، آزمایشت نیکو؛

قَرِيبٌ إِذٰا دُعِيتَ، مُحِيطٌ بِمٰا خَلَقْتَ، قٰابِلُ ٱلتَّوْبَةِ لِمَنْ تٰابَ

وقتی تو را بخوانند نزدیکی و برآنچه آفریدی محیطی، توبه‌پذیر از توبه کننده؛

إِلَيْکَ، قٰادِرٌ عَلىٰ مٰا أَرَدْتَ، وَ مُدْرِكٌ مٰا طَلَبْتَ، وَ شَكُورٌ إِذٰا

بر هر چه اراده کنی توانایی و هر چه بخواهی می‌یابی. هنگامی که شکرانهٔ تو گزارند

شُكِرْتَ، وَ ذَكُورٌ إِذٰا ذُكِرْتَ، أَدْعُوكَ مُحْتٰاجاً، وَ أَرْغَبُ

قدردانی؛ و وقتی یادت کنند یاد کنی؛ از روی نیاز تو را می‌خوانم؛ تهیدست

إِلَيْکَ فَقِيراً، وَ أَفْزَعُ إِلَيْکَ خٰائِفاً وَ أَبْكِي إِلَيْکَ مَكْرُوباً،

به تو مشتاقم؛ و ترسان به درگاه تو می‌نالم و با ناتوانی از تو

وَ أَسْتَعِينُ بِكَ ضَعِيفاً، وَ أَتَوَكَّلُ عَلَيْكَ كٰافِياً، آحْكُمْ بَيْنَنٰا

مدد می‌جویم و به تو توکل می‌کنم که مرا بسی. میان ما و قوم ما داوری فرمای؛

وَ بَيْنَ قَوْمِنٰا، فَإِنَّهُمْ غَرُّونٰا وَ خَدَعُونٰا وَ خَذَلُونٰا وَ غَدَرُوا بِنٰا

چه آنان ما را فریفتند و با ما نیرنگ باختند. ما را خوار کردند و با ما حیله

وَ قَتَلُونٰا، وَ نَحْنُ عِتْرَةُ نَبِيِّكَ، وَ وَلَدُ حَبِيبِكَ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِاللّٰهِ

نمودند و ما را به قتل رساندند. و ما عترت پیمبر توایم. و فرزند حبیب تو

اَلَّذِی اَصْطَفَیْتَهُ بِالرِّسالَةِ وَ ائْتَمَنْتَهُ عَلیٰ وَحیِكَ، فَاجْعَلْ لَنا محمد بن عبدالله[ص]، که او را به رسالت برگزیدی و امین وحی خویش ساختی.
مِنْ أَمْرِنا فَرَجاً وَ مَخْرَجاً بِرَحْمَتِكَ یا أَرْحَمَ الرّاحِمینَ.[۱] پس در کار ما گشایش و راه نجات بیافرین. برحمت تو یا ارحم الراحمین.

حقیر گوید: خواندن این دعا در موارد ترس از دشمن و شکایت به درگاه خداوند، مناسب است؛ ولی جملهٔ: «**فَإِنَّهُم غَرُّونا**» تا «**عَلیٰ وَحْیِكَ**» را نخواند.

شب نیمهٔ شعبان

امام باقر ؑ فرمود: این شب، برترین شبها بعد از شب قدر است و خداوند، فضل خود را در آن شب به بندگانش می‌بخشد و آنان را به مَنّ و کرمش می‌آمرزد و به ذات اقدس خودقسم یاد کرده است که هیچ سائلی را در آن شب، از درگاهش دست خالی برنگرداند (جایی که درخواست کار گناهی نکند). و آن شب را خداوند برای ما قرارداده، در مقابل شب قدر، که برای پیغمبرش قرار داده است.[۲] و از برکات این شب، و لادت با سعادت حضرت ولیّ عصر ؑ ارواحنا فداه است، که در وقت سحر امشب، در سال ۲۵۵، در شهر سامراء به دنیا آمدند. در این شب چند عمل است:

۱ـ غسل.[۳]

۲ـ احیای آن، با نماز و دعا و استغفار و اشتغال به مباحث دینی و مطالعات علوم مذهبی و مانند آن. کسی که این شب را احیا بدارد، در روزی که دلها از شدّت عذاب، مانند مرده باشند، دل او دل زنده می‌ماند.[۴]

۳ـ زیارت مرقد مطهّر حضرت حسین ؑ که افضلِ عملهای امشب، و سبب آمرزش گناهان است (کسانی که در مکانهای دورند، به بخش چهارم این کتاب

۱. بحار الانوار / ۹۸ / ۳۴۷ـ الاقبال / ۳۸۹. ۲. بحار الانوار، جلد ۹۷، صفحه ۸۵.

۳. وسائل الشیعه ۲۰ جلدی، جلد ۲، صفحه ۹۵۹. ۴. بحار الانوار، جلد ۹۷، صفحه ۸۶.

مراجعه کنند). حداقلّ زیارت آن حضرت این است: به بامی برآید و به جانب راست و چپ نگاه کند، سپس سر به جانب آسمان کند و بگوید:

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا أَبا عَبْدِاللّٰهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ وَ رَحْمَةُ اللّٰهِ وَ بَرَكاتُهُ.

سلام بر تو ای ابا عبدالله، سلام و رحمت و برکات خداوند بر تو.

و این زیارت در هر جا و هر وقت نیکوست و پاداش عظیمی دارد.[1]

۴ـ خواندن این دعا که به منزلهٔ زیارت حضرت ولی عصر عجل الله فرجه الشریف است:

اَللّٰهُمَّ بِحَقِّ لَيْلَتِنا هٰذِهِ وَ مَوْلُودِها، وَ حُجَّتِكَ وَ مَوْعُودِهَا

بارخدایا، به حق این شب و به حق مولد این شب و به حق حجت تو و آنچه به او وعده فرمودهای؛

اَلَّتى قَرَنْتَ إِلىٰ فَضْلِها فَضْلاً، فَتَمَّتْ كَلِمَتُكَ صِدْقاً وَ عَدْلاً

شبی که به فضل آن فضیلتی قرین داشتی پس سخن تو به راستی و عدل کامل شد.

لا مُبَدِّلَ لِكَلِماتِكَ وَ لا مُعَقِّبَ لِاٰياتِكَ، نُورُكَ اَلْمُتَأَلِّقُ،

نه سخنت را تغییر دهندهای است نه آیاتت را واپس اندازندهای. روشنایی تو تابان

وَ ضِياؤُكَ اَلْمُشْرِقُ، وَ اَلْعَلَمُ اَلنُّورُ فى طَخْياءِ اَلدَّيْجُورِ،

و پرتو تو فروزان است و عَلَم نور در تیرگی شب تار،

اَلْغائِبُ اَلْمَسْتُورُ، جَلَّ مَوْلِدُهُ، وَ كَرُمَ مَحْتِدُهُ، وَ اَلْمَلائِكَةُ

غائب و مستور است. تولدش جلیل و نژادش شریف است. فرشتگان

شُهَّدُهُ، وَ اللّٰهُ ناصِرُهُ وَ مُؤَيِّدُهُ إِذا آنَ ميعادُهُ، وَ اَلْمَلائِكَةُ

شاهدان اویند و خدا یار اوست وهنگامی که میعادش فرا رسد تأیید کننده او و فرشتگان

---

۱. کامل الزیارات، ص ۲۸۷؛ بحار الانوار، جلد ۹۸، صفحه ۳۶۵.

أَمْدادُهُ، سَيْفُ اللهِ الَّذي لا يَنْبُو، وَ نُورُ اللهِ الَّذي لا يَخْبُو،

مددکاران او. او شمشیر الهی است که کند نگردد و نور خدایی که خاموش نشود

وَ ذُوالْحِلْمِ الَّذي لا يَصْبُو، مَدارُ الدَّهْرِ، وَ نَواميسُ الْعَصْرِ،

و دارای شکیبایی که از جای نرود. محور چرخ روزگار و ناموسهای عصر

وَ وُلاةُ الْأَمْرِ، وَ الْمُنَزَّلُ عَلَيْهِمْ ما يَتَنَزَّلُ في لَيْلَةِ الْقَدْرِ،

و والیان امرند و آنچه در شب قدر از آسمان فرود آید، بر آنان نازل شود.

وَ أَصْحابُ الْحَشْرِ وَ النَّشْرِ، تَراجِمَةُ وَحْيِهِ، وَ وُلاةُ أَمْرِهِ

آنان اصحاب حشر و نشرند و ترجمانان وحی الهی و صاحبان امر

وَ نَهْيِهِ. اَللّٰهُمَّ فَصَلِّ عَلىٰ خاتِمِهِمْ وَ قائِمِهِمِ الْمَسْتُورِ عَنْ

و نهی خدایی. بارخدایا، پس بر خاتم آنان و بر قائم پنهان از عوالم آنان صلوات

عَوالِمِهِمْ. اَللّٰهُمَّ وَ أَدْرِكْ بِنا أَيّامَهُ وَ ظُهُورَهُ وَ قِيامَهُ، وَ اجْعَلْنا

نثار فرمای. بارخدایا،ایام او را روزی ما کن و بودن در ظهور و قیام وی را نصیب ما فرمای و ما را از یاران

مِنْ أَنْصارِهِ وَأَقْرِنْ ثارَنا بِثارِهِ، وَ اكْتُبْنا في أَعْوانِهِ وَخُلَصائِهِ،

او قرار ده و خونخواهی ما را مقارن خونخواهی او قرار ده و ما را در زمرهٔ یاران و نزدیکان او بنویس؛

وَ أَحْيِنا في دَوْلَتِهِ ناعِمينَ، وَ بِصُحْبَتِهِ غانِمينَ، وَ بِحَقِّهِ

و ما را در دولت او بهره‌مند و از همنشینی او بهره‌ور و به اقامهٔ

قائِمينَ، وَ مِنَ السُّوءِ سالِمينَ، يا أَرْحَمَ الرّاحِمينَ وَ الْحَمْدُ

حق او پایدار و از هر بد، سلامت فرمای ای ارحم الراحمین. و حمد برای

لِلّٰهِ رَبِّ الْعالَمينَ وَ صَلَواتُهُ عَلىٰ سَيِّدِنا مُحَمَّدٍ خاتَمِ النَّبِيّينَ

خدا پروردگار عالمیان است. و صلوات خدا برسید ما محمد خاتم پیامبران

وَ ٱلْمُرْسَلِينَ وَ عَلىٰ أَهْلِ بَيْتِهِ ٱلصّادِقِينَ، وَ عِتْرَتِهِ ٱلنّاطِقِينَ،
و رسولان و بر خاندان راستکردارش و بر تبار سخنورش.

وَ ٱلْعَنْ جَمِيعَ ٱلظّالِمِينَ، وَ ٱحْكُمْ بَيْنَنا وَ بَيْنَهُمْ يا أَحْكَمَ ٱلْحاكِمِينَ.[1]
و لعنت تو بر همهٔ ستمکاران باد و میان ما و آنان حکم فرما. ای برترین حکمران.

۵ـ خواندن این دعا:

اَللّٰهُمَّ أَنْتَ ٱلْحَيُّ ٱلْقَيُّومُ ٱلْعَلِيُّ ٱلْعَظِيمُ ٱلْخالِقُ ٱلرّازِقُ
بارالها، تو زنده، و نگاهدارندهٔ هستی، بلندپایه و بزرگ مرتبه، آفریدگار و روزی بخش،

ٱلْمُحْيِي ٱلْمُمِيتُ ٱلْبَدِئُ ٱلْبَدِيعُ، لَكَ ٱلْجَلالُ وَ لَكَ ٱلْفَضْلُ،
جانبخش و جانستان، پدیدآورنده و بودکننده‌ای. جلال تو را باشد و فضل تو را؛

وَ لَكَ ٱلْحَمْدُ، وَ لَكَ ٱلْمَنُّ، وَ لَكَ ٱلْجُودُ، وَ لَكَ ٱلْكَرَمُ،
سپاس تو را زیبد و نعمت بخشی تو راست؛ بخشش تو راست و کرم تو را

وَ لَكَ ٱلْأَمْرُ، وَ لَكَ ٱلْمَجْدُ، وَ لَكَ ٱلشُّكْرُ وَحْدَكَ لا شَرِيكَ
ـ که از حاجت بردن به دیگران بی‌نیازی؛ فرمان تو را و بزرگی تو را و سزد؛ یکتایی و تو را شریکی

لَكَ، يا واحِدُ يا أَحَدُ يا صَمَدُ، يا مَنْ لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ يُولَدْ
نیست، ای واحد و ای احد و ای صمد، ای که نه می‌زایی و نه زائیده شده‌ای

وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُواً أَحَدٌ.صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ ٱغْفِرْ
و نه هیچ کس تو را همتاست. صلوات فرست بر محمد و آل محمد. و مرا

لِي وَ ٱرْحَمْنِي، وَ ٱكْفِنِي ما أَهَمَّنِي، وَ ٱقْضِ دَيْنِي، وَ وَسِّعْ
بیامرز و به من رحمت آور و آنچه را که فهم من است کفایت فرمای و وامم را ادا کن و در روزی

۱. الاقبال/۷۰۵.

عَلَيَّ في رِزْقي، فَإِنَّكَ في هٰذِهِ ٱللَّيْلَةِ كُلَّ أَمْرٍ حَكيمٍ تَفْرُقُ،

من بر من گشایش ده؛ همانا که تو امشب هر کار استواری را جدا می‌سازی

وَ مَنْ تَشاءُ مِنْ خَلْقِكَ تَرْزُقُ، فَارْزُقْني وَ أَنْتَ خَيْرُ ٱلرّازِقينَ،

و هر که از آفریدگانت را که بخواهی روزی می‌رسانی؛ پس به من روزی رسان که تو بهترین روزی رسانی.

فَإِنَّكَ قُلْتَ وَ أَنْتَ خَيْرُ ٱلْقائِلينَ ٱلنّاطِقينَ: وَ ٱسْئَلُوا ٱللّٰهَ مِنْ

و تو گفته‌ای: «از فضل خدا درخواست کنید»؛ و تو بهترین گوینده و بهترین سخنگویی؛

فَضْلِهِ. فَمِنْ فَضْلِكَ أَسْئَلُ وَ إِيّاكَ قَصَدْتُ، وَ ٱبْنَ نَبِيِّكَ

پس از فضل تو درخواست می‌کنم و به تو روی آورده‌ام و به فرزند پیمبرت

ٱعْتَمَدْتُ، وَ لَكَ رَجَوْتُ فَارْحَمْني يا أَرْحَمَ ٱلرّاحِمينَ.[1]

تکیه دارم و به تو امید می‌ورزم؛ پس به من رحمت آور ای مهربانترین مهربانان.

۶ـ خواندن این دعا، که دعایی است جامع، و مواظبتش در همهٔ احوال نیکوست:

اَللّٰهُمَّ ٱقْسِمْ لَنا مِنْ خَشْيَتِكَ ما يَحُولُ بَيْنَنا وَ بَيْنَ مَعْصِيَتِكَ،

بارخدایا، از بیم خود، به ما چندان قسمت کن که میان ما و نافرمانی تو پرده‌ای باشد؛

وَ مِنْ طاعَتِكَ ما تُبَلِّغُنا بِهِ رِضْوانَكَ، وَ مِنَ ٱلْيَقينِ ما يَهُونُ

و از پیروی خود به ما چندان بخشش فرما که باآن مارا به خشنودی خود رسانی؛ و از یقین، چندان که

عَلَيْنا بِهِ مُصيباتُ ٱلدُّنْيا. اَللّٰهُمَّ أَمْتِعْنا بِأَسْماعِنا وَ أَبْصارِنا

مصیبتهای دنیا بر ما آسان گردد. بارخدایا، ما را از گوش و چشم

وَ قُوَّتِنا ما أَحْيَيْتَنا، وَ ٱجْعَلْهُ ٱلْوارِثَ مِنّا، وَ ٱجْعَلْ ثارَنا عَلىٰ

و نیرو تا زنده می‌داری، بهره‌مند فرمای و آنرا میراث از ما قرار ده و انتقام را

---

۱. بحار الانوار/ ۹۵/ ۴۱۲.

مَنْ ظَلَمَنا، وَ انْصُرْنا عَلیٰ مَنْ عاداٰنا، وَ لاٰ تَجْعَلْ مُصیبَتَنا فی

از ستمکاران بستان و ما را بر آن کس که بر ما ستم کرده است نصرت ده و مصیبت ما را

دینِنا، وَ لاٰ تَجْعَلِ الدُّنْیا أَکْبَرَ هَمِّنا، وَ لاٰ مَبْلَغَ عِلْمِنا، وَ لاٰ تُسَلِّطْ

در دینمان قرار مده و دنیا را بزرگترین منظور ما و هدف دانش ما مساز و کسی را که بر ما

عَلَیْنا مَنْ لاٰ یَرْحَمُنا، بِرَحْمَتِکَ یا أَرْحَمَ الرّاحِمینَ.[1]

رحمت نیاورد بر ما چیرگی مده؛ به رحمت تو ای مهربانترین مهربانان.

۷ـ خواندن صلوات وقت زوال، که در اعمال مشترک گذشت.

۸ـ خواندن دعای کمیل، که ورودش در این شب است.

۹ـ خواندن این دعا، که در سحرها در عقب نماز شفع خوانده می‌شود:

إِلٰهی تَعَرَّضَ لَکَ فی هٰذَا اللَّیْلِ الْمُتَعَرِّضُونَ، وَ قَصَدَکَ

بارخدایا، در این شب عرضه کنندگان خود را بر تو عرضه می‌دارند و قصد کنندگان، به قصد تو

الْقاصِدُونَ، وَ أَمَّلَ فَضْلَکَ وَ مَعْرُوفَکَ الطّالِبُونَ، وَ لَکَ فی

روی به درگاهت می‌آورند و طالبان، به فضل و احسانت روی می‌آورند و تو

هٰذَا اللَّیْلِ نَفَحاتٌ وَ جَوائِزُ وَ عَطایا وَ مَواهِبُ تَمُنُّ بِها عَلیٰ

در این شب، نسیمهای رحمت و جایزه‌ها و عطاها و موهبتهائی داری که به آن بر هر یک از

مَنْ تَشاءُ مِنْ عِبادِکَ وَ تَمْنَعُها مَنْ لَمْ تَسْبِقْ لَهُ الْعِنایَةُ مِنْکَ،

بندگانت که بخواهی منت می‌نهی و آنها را از هر که عنایت تو بر او پیشی نگرفته باشد، باز می‌داری.

وَ ها أَنَا ذا عَبْدُکَ الْفَقیرُ إِلَیْکَ، الْمُؤَمِّلُ فَضْلَکَ وَ مَعْرُوفَکَ،

و اینک من بندهٔ محتاج تو در درگاه تو، آرزومند فضل و خوبیهای تو.

---

۱. بحار الانوار ۹۵/ ۴۱۳

فَإِنْ كُنْتَ يٰا مَوْلاٰيَ تَفَضَّلْتَ فِي هٰذِهِ ٱللَّيْلَةِ عَلىٰ أَحَدٍ مِنْ
پس اگر ای مولای من، در این شب بر کسی از بندگانت تفضّل

خَلْقِكَ وَ عُدْتَ عَلَيْهِ بِعٰائِدَةٍ مِنْ عَطْفِكَ، فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ
فرمایی و او را به عطایی از کرمت بنوازی؛ پس صلوات فرست بر محمد

وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ ٱلطَّيِّبِينَ ٱلطّٰاهِرِينَ، ٱلْخَيِّرِينَ ٱلْفٰاضِلِينَ، وَ جُدْ
و آل محمد، پاکانو پاکیزگان، نکوکاران و برتران. و ای پروردگار

عَلَيَّ بِطَوْلِكَ وَ مَعْرُوفِكَ، يٰا رَبَّ ٱلْعٰالَمِينَ، وَ صَلَّى ٱللّٰهُ عَلىٰ
جهانها، مرا به نعمتو احسانت دریابو صلوات خدا بر

مُحَمَّدٍ خٰاتَمِ ٱلنَّبِيِّينَ وَ اٰلِهِ ٱلطّٰاهِرِينَ وَ سَلَّمَ تَسْلِيماً، إِنَّ ٱللّٰهَ
محمد خاتم‌پیمبران و بر خاندان پاکیزه‌اش و سلام بسیار بر آنان باد. همانا که خداوند بسی ستوده

حَمِيدٌ مَجِيدٌ. ٱللّٰهُمَّ إِنِّي أَدْعُوكَ كَمٰا أَمَرْتَ، فَاسْتَجِبْ لِي كَمٰا
و بسی بلند مرتبه است. خدایا، من،آن‌سان که فرمان داده‌ای تو را می‌خوانم، پس، آن‌سان که وعده داده‌ای مرا

وَعَدْتَ، إِنَّكَ لاٰ تُخْلِفُ ٱلْمِيعٰادَ.[1]
استجابت کن؛ همانا که تو پیمان خود را خلاف نکنی.

۱۰ـ خواندن دو رکعت نماز[2]: در رکعت اوّل، بعد از حمد سورهٔ: ﴿قُلْ يٰا أَيُّهَا ٱلْكٰافِرُونَ﴾ و در رکعت دوّم، بعد از حمد سورهٔ: ﴿قُلْ هُوَ ٱللّٰهُ أَحَدٌ﴾؛ و چون سلام دادی ۳۳ مرتبه ﴿سُبْحٰانَ ٱللّٰهِ﴾ و ۳۳ مرتبه ﴿ٱلْحَمْدُ لِلّٰهِ﴾ و ۳۴ مرتبه ﴿ٱللّٰهُ أَكْبَرُ﴾ بگو. پس بخوان:

يٰا مَنْ إِلَيْهِ مَلْجَأُ ٱلْعِبٰادِ فِي ٱلْمُهِمّٰاتِ، وَ إِلَيْهِ يَفْزَعُ ٱلْخَلْقُ
ای آنکه پناهگاه بندگان در گرفتاریهای بزرگ درگاه توست و آفریدگان در رویدادها به سوی

۱. بحار الانوار / ۹۵ / ۴۱۱ ـ الاقبال / ۶۹۶. ۲. بحار الانوار: جلد ۹۵، صفحه ۴۰۹.

فِی الْمُلِمّاتِ، یا عالِمَ الْجَهْرِ وَ الْخَفِیّاتِ، یا مَنْ لا تَخْفی

تو نالند، ای دانای آشکار و نهان، ای آن کس که چرخش افکار

عَلَیْهِ خَواطِرُ الْأَوْهامِ وَ تَصَرُّفُ الْخَطَراتِ، یا رَبَّ الْخَلائِقِ

و دگرگونی خاطرات از تو پنهان نماند، ای پروردگار آفریدگان

وَ الْبَرِیّاتِ، یا مَنْ بِیَدِهِ مَلَکُوتُ الْأَرَضینَ وَ السَّمٰواتِ، أَنْتَ

و هستی، ای که ملکوت زمینها و آسمانها در دست اوست، تو

اللّٰهُ لا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ. أَمُتُّ إِلَیْکَ بِلا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ، فَیا لا إِلٰهَ إِلَّا

خدایی، جز تو خدایی نیست و با گفتن: لا اله الا اللّٰه به تو توسل می‌جویم؛ پس ای که الهی

أَنْتَ اجْعَلْنی فی هٰذِهِ اللَّیْلَةِ، مِمَّنْ نَظَرْتَ إِلَیْهِ فَرَحِمْتَهُ،

جز تو نیست، در این‌شب مرا از آنان قرار ده‌که به سوی‌آنان نظر افکنده‌ای پس‌بر آنان رحمت آورده‌ای؛

وَسَمِعْتَ دُعائَهُ فَأَجَبْتَهُ،وَ عَلِمْتَ اسْتِقالَتَهُ فَأَقَلْتَهُ،وَ تَجاوَزْتَ

دعای آنان را شنیده‌ای پس آنان را اجابت فرموده‌ای، دیدی که عذر خواهند پس عذرشان

عَنْ سالِفِ خَطیئَتِهِ وَ عَظیمِ جَریرَتِهِ، فَقَدِ اسْتَجَرْتُ بِكَ مِنْ

پذیرفتی و خطا و لغزش بزرگ گذشتهٔ آنان را بخشوده‌ای؛ اینک از گناهان خود

ذُنوبی وَ لَجَأْتُ إِلَیْکَ فی سَتْرِ عُیُوبی، اَللّٰهُمَّ فَجُدْ عَلَیَّ

به تو پناه آورده‌ام و پوشیدن عیبهای خود را به درگاه تو روی کرده‌ام. بارخدایا، به کرم

بِکَرَمِكَ وَ فَضْلِكَ، وَ احْطُطْ خَطایایَ بِحِلْمِكَ وَ عَفْوِكَ،

و فضل خود بر من ببخشای و به بردباری و بخشایشت خطاهای مرا فرو ریز.

وَ تَغَمَّدْنی فی هٰذِهِ اللَّیْلَةِ بِسابِغِ کَرامَتِكَ، وَ اجْعَلْنی فیها

و در این شب، مرا در کرامت بی‌پایانت بپوشان و در آن، مرا از

مِنْ أَوْلِيائِكَ الَّذينَ اجْتَبَيْتَهُمْ لِطاعَتِكَ، وَ اخْتَرْتَهُمْ لِعِبادَتِكَ،
زمرهٔ دوستانت قرار ده که برای طاعت خود برگزیده‌ای و برای عبادت خود اختیار کرده‌ای

وَ جَعَلْتَهُمْ خالِصَتَكَ وَ صِفْوَتَكَ. اَللّٰهُمَّ اجْعَلْني مِمَّنْ سَعَدَ
و آنان را اولیای خالص و برگزیدهٔ خود قرار داده‌ای. بارخدایا، مرا از آنان قرار ده که

جَدُّهُ وَ تَوَفَّرَ مِنَ الْخَيْراتِ حَظُّهُ، وَ اجْعَلْني مِمَّنْ سَلِمَ فَنَعِمَ
نیکبختند و از کردار شایسته نصیب فراوان برده‌اند؛ و از آنان قرار ده که با تندرستی از نعمت

وَ فازَ فَغَنِمَ، وَ اكْفِني شَرَّ ما أَسْلَفْتُ، وَ اعْصِمْني مِنَ الْإِزْدِيادِ
بهره‌مند گردیده‌اند، با پیروزی غنیمت برده‌اند و از شر آنچه‌کرده‌ام نگاهم‌دار و از فزونی نافرمانی

فى مَعْصِيَتِكَ، وَ حَبِّبْ إِلَيَّ طاعَتَكَ وَ ما يُقَرِّبُني مِنْكَ
به تو حفظم فرمای و طاعت کردن تو و آنچه مرا تو به نزدیک سازد و نزد تو منزلت

وَ يُزْلِفُني عِنْدَكَ، سَيِّدي إِلَيْكَ يَلْجَأُ الْهارِبُ وَ مِنْكَ يَلْتَمِسُ
بخشد را محبوب من گردان. ای سرور من، هر گریزپا به تو پناه جوید و هر طالب

الطّالِبُ وَ عَلىٰ كَرَمِكَ يُعَوِّلُ الْمُسْتَقيلُ التّائِبُ، أَدَّبْتَ عِبادَكَ
از تو خواهش و التماس کند و هر توبه کننده به کرم تو تکیه زند. بندگانت را از روی بزرگواری

بِالتَّكَرُّمِ وَ أَنْتَ أَكْرَمُ الْأَكْرَمينَ، وَ أَمَرْتَ بِالْعَفْوِ عِبادَكَ
ادب می‌کنی؛ و تو کریمترین کریمی؛ و بندگانت را فرمان دادی که بخشایش داشته‌باشند

وَ أَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحيمُ. اَللّٰهُمَّ فَلا تَحْرِمْني ما رَجَوْتُ مِنْ
و تو آمرزگار و مهرورزی. بارخدایا، مرا از امیدی که به کرمت دارم

كَرَمِكَ، وَ لا تُؤْيِسْني مِنْ سابِغِ نِعَمِكَ، وَ لا تُخَيِّبْني مِنْ
محروم مساز و از فراوانی نعمتت مأیوسم مفرما و از نعمت فراوانت که

جَزیلِ قِسَمِكَ فی هٰذِهِ ٱللَّیْلَةِ لِأَهْلِ طٰاعَتِكَ، وَ ٱجْعَلْنی فی
در این شب به اهل طاعت خود قسمت کرده‌ای ناکامم مکن و مرا از شر آفریدگانت

جُنَّةٍ مِنْ شِرٰارِ بَرِیَّتِكَ. رَبِّ إِنْ لَمْ أَكُنْ مِنْ أَهْلِ ذٰلِكَ فَأَنْتَ
در پناه سپر حمایت قرار ده. پروردگارا، اگر من شایسته این نباشم، اما تو

أَهْلُ ٱلْكَرَمِ وَ ٱلْعَفْوِ وَ ٱلْمَغْفِرَةِ، وَ جُدْ عَلَیَّ بِمٰا أَنْتَ أَهْلُهُ
اهل کرم و بخشش و بخشایشی و با من چنان رفتار کن که شایستهٔ توست،

لاٰ بِمٰا أَسْتَحِقُّهُ، فَقَدْ حَسُنَ ظَنّی بِكَ، وَ تَحَقَّقَ رَجٰائی لَكَ،
نه آنچه من شایستهٔ آنم؛ و همانا که گمان من به تو نیک است و امیدم به تو را محقق گردان

وَ عَلِقَتْ نَفْسی بِكَرَمِكَ، فَأَنْتَ أَرْحَمُ ٱلرّٰاحِمینَ وَ أَكْرَمُ
و روانم به کرمت وابسته است؛ و تو مهربانترین مهربانی و کریمترین

ٱلْأَكْرَمینَ. ٱللّٰهُمَّ وَ ٱخْصُصْنی مِنْ كَرَمِكَ بِجَزیلِ قِسَمِكَ،
کریم. بارخدایا، به من از کرم خود فراوانترین بهره را اختصاص ده

وَ أَعُوذُ بِعَفْوِكَ مِنْ عُقُوبَتِكَ، وَ ٱغْفِرْ لِیَ ٱلذَّنْبَ ٱلَّذی یَحْبِسُ
و من از عقوبت تو به بخشایشت پناه آورده‌ام؛ وگناهی را که مرا از خوی

عَلَیَّ ٱلْخُلُقَ، وَ یُضَیِّقُ عَلَیَّ ٱلرِّزْقَ، حَتّیٰ أَقُومَ بِصٰالِحِ رِضٰاكَ
بشری باز دارد و روزی را بر من تنگ سازد بر من ببخشای؛ چندانکه برای خشنودی شایستهٔ تو برخیزم

وَ أَنْعَمَ بِجَزیلِ عَطٰائِكَ وَ أَسْعَدَ بِسٰابِغِ نَعْمٰائِكَ، فَقَدْ لُذْتُ
و از عطای فراوانت نعمت یابم و با نعمتهای گسترده‌ات نیکبخت گردم. همانا که به آستانت

بِحَرَمِكَ وَ تَعَرَّضْتُ لِكَرَمِكَ وَ ٱسْتَعَذْتُ بِعَفْوِكَ مِنْ
پناه آورده‌ام و درمعرض کرم وبزرگواری تو درآمده‌ام و از عقوبتت به

عُقُوبَتِكَ وَ بِحِلْمِكَ مِنْ غَضَبِكَ، فَجُدْ بِما سَئَلْتُكَ وَ أَنِلْ

عفوت گریخته‌ام و از خشمت به بردباریت؛ پس چیزی را که‌از تو مسئلت دارم ببخش و مرا به آنچه

مَا الْتَمَسْتُ مِنْكَ، أَسْئَلُكَ بِكَ لأ بِشَيْءٍ هُوَ أَعْظَمُ مِنْكَ.

به التماس از تو خواسته‌ام برسان. من از تو درخواست می‌کنم؛ که هیچ چیز والاتر از تو نیست.

پس سجده کن و بگو: ﴿یا رَبِّ﴾، بیست مرتبه؛ ﴿یا اَللّٰه﴾، هفت مرتبه؛ ﴿لاحَوْلَ وَ لا قُوَّةَ إِلاّ بِاللّٰه﴾، هفت مرتبه؛ ﴿ما شاءَ اللّٰهُ﴾، ده مرتبه؛ ﴿لا قُوَّةَ إِلاّ بِاللّٰه﴾، ده مرتبه. پس صلوات بر پیامبر و آل او بفرست و حاجتهای خویش بطلب.

روز نیمهٔ شعبان

این روز،عید سعید ولادت با سعادت حضرت ولیّ عصر،ارواحنا فداه و عجّل اللّٰه فرجه، می‌باشد. زیارت آن حضرت و درخواست تعجیل در فرج شریفش، در هر مکان و زمانی مستحبّ است. آن حضرت، کسی است که بطور یقین ظهور خواهد کرد و رهبری جهان را به دست خواهد گرفت. وی جهان را پر از عدل و داد می‌کند، پس از آنکه مملوّ از ستم و جور شده باشد. زیارت آن حضرت در بخش چهارم بیان خواهد شد.

شب آخر

مستحبّ است، در شب آخر شعبان و شب اوّل رمضان، این دعا خوانده شود:

اَللّٰهُمَّ إِنَّ هٰذَا الشَّهْرَ الْمُبارَكَ الَّذي أُنْزِلَ فيهِ الْقُرْآنُ، وَ جُعِلَ

بارخدایا، این ماه مبارک که قرآن در آن فرو فرستاده شده و راهنمای

هُدىً لِلنّاسِ وَ بَيِّناتٍ مِنَ الْهُدىٰ وَ الْفُرْقانِ قَدْ حَضَرَ،

مردم و دلایل هدایت و تمیز میان حق و باطل قرار داده شده‌است، فرا رسید.

فَسَلِّمْنا فیهِ وَ سَلِّمْهُ لَنا وَ تَسَلَّمْهُ مِنّا فی یُسْرٍ مِنْكَ وَ عافِیَةٍ،
پس ما را در این‌ماه به‌سلامت دار و آن را بر ما سلامت کن و به سلامت فراخی و عافیت آن را از ما تحویل گیر.

یا مَنْ أَخَذَ الْقَلیلَ وَ شَكَرَ الْكَثیرَ، اقْبَلْ مِنّی الْیَسیرَ، اَللّٰهُمَّ
ای‌آنکه عمل اندک رامی‌پذیری وبسیار قدردانی کنی، اندک را ازمن‌بپذیر. بارخدایا،

إِنّی أَسْئَلُكَ أَنْ تَجْعَلَ لی إِلیٰ كُلِّ خَیْرٍ سَبیلاً، وَ مِنْ كُلِّ ما
از تومسئلت دارم‌که‌مرا به‌سوی هر خیر راهی‌بگشایی‌و در برابرهرچیز که آن‌را

لا تُحِبُّ مانِعاً، یا أَرْحَمَ الرّاحِمینَ، یا مَنْ عَفا عَنّی وَ عَمّا
دوست نمی‌داری مانعی آفرینی. ای مهربانترین مهربانان، ای که از من و از هر بدی که در

خَلَوْتُ بِهِ مِنَ السَّیِّئاتِ، یا مَنْ لَمْ یُؤاخِذْنی بِارْتِكابِ
تنهایی انجام می‌دهم به بخشایش درمی‌گذری، ای که مرا به علت دست زدن به نافرمانی

الْمَعاصی عَفْوَكَ عَفْوَكَ عَفْوَكَ یا كَریمُ. إِلٰهی وَعَظْتَنی
مؤاخذه نکردی، بخشایش تو را،بخشایش تو را،بخشایش تو را،ای‌کریم خواهانم. الهی، پندم دادی،

فَلَمْ أَتَّعِظْ، وَ زَجَرْتَنی عَنْ مَحارِمِكَ فَلَمْ أَنْزَجِرْ، فَما عُذْری،
پند نگرفتم،و مرا از محرمات منع کردی،از آن‌دست نکشیدم. پس بهانهٔ من چیست؟

فَاعْفُ عَنّی یا كَریمُ عَفْوَكَ عَفْوَكَ. اَللّٰهُمَّ إِنّی أَسْئَلُكَ الرّاحَةَ
پس مرا ببخشای، ای کریم، بخشایش تو را، بخشایش تو را خواهانم. بارخدایا، از تو آسودگی

عِنْدَ الْمَوْتِ وَ الْعَفْوَ عِنْدَ الْحِسابِ، عَظُمَ الذَّنْبُ مِنْ عَبْدِكَ
در هنگام مرگ می‌طلبم و بخشایش در هنگام حساب. گناه بنده‌ات بزرگ است.

فَلْیَحْسُنِ التَّجاوُزُ مِنْ عِنْدِكَ، یا أَهْلَ التَّقْویٰ وَ یا أَهْلَ الْمَغْفِرَةِ،
گذشت از تو زیباست ای که شایستهٔ پرهیزگاری و سزاوار بخشایش کردنی،

عَفْوَكَ عَفْوَكَ. اَللّٰهُمَّ إِنّي عَبْدُكَ وَ ابْنُ عَبْدِكَ وَ ابْنُ أَمَتِكَ،
ببخشای، ببخشای. بارخدایا، من بندهٔ تو و فرزند بندهٔ تو و فرزند کنیز خدمتگزار تو

ضَعيفٌ فَقيرٌ إِلىٰ رَحْمَتِكَ، وَ أَنْتَ مُنْزِلُ الْغِنىٰ وَ الْبَرَكَةِ عَلَى
و ناتوان و محتاج رحمت تو هستم و تو نازل کنندهٔ ثروت و برکت

الْعِبادِ، قاهِرٌ مُقْتَدِرٌ، أَحْصَيْتَ أَعْمالَهُمْ، وَ قَسَمْتَ أَرْزاقَهُمْ
بر بندگانی. چیره و توانا، کارهاشان را به شماره در می‌آوری و روزیشان را می‌رسانی

وَ جَعَلْتَهُمْ مُخْتَلِفَةً أَلْسِنَتُهُمْ وَ أَلْوانُهُمْ، خَلْقاً مِنْ بَعْدِ خَلْقٍ،
و زبان و رنگشان را گوناگون و خلقی بعد از خلق دیگر قرار دادی

وَ لا يَعْلَمُ الْعِبادُ عِلْمَكَ، وَ لا يَقْدِرُ الْعِبادُ قَدْرَكَ، وَ كُلُّنا
و بندگان علم تو را نمی‌دانند و اندازه مقام تو را نمی‌دانند و ما همه

فَقيرٌ إِلىٰ رَحْمَتِكَ، فَلا تَصْرِفْ عَنّي وَجْهَكَ وَ اجْعَلْني مِنْ
به رحمت تو نیازمندیم؛ پس روی از من باز مگردان و مرا

صالِحي خَلْقِكَ فِي الْعَمَلِ وَ الْأَمَلِ وَ الْقَضاءِ وَ الْقَدَرِ.
در رفتار و آرزو و در قضا و قدر از شایستگان آفریدگانت قرار ده.

اَللّٰهُمَّ أَبْقِني خَيْرَ الْبَقاءِ، وَ أَفْنِني خَيْرَ الْفَناءِ، عَلىٰ مُوالاةِ
بارخدایا، مرا در بهترین زندگی باقی دار و در بهترین وجه بمیران در دوستی

أَوْلِيائِكَ وَ مُعاداةِ أَعْدائِكَ وَ الرَّغْبَةِ إِلَيْكَ وَ الرَّهْبَةِ مِنْكَ
دوستانت و دشمنی دشمنانت و در شوق به سوی تو و بیم از تو

وَ الْخُشُوعِ وَ الْوَفاءِ وَ التَّسْليمِ لَكَ وَ التَّصْديقِ بِكِتابِكَ
و فروتنی و وفا و تسلیم در درگاهت و گواهی به کتابت

وَ اتِّباعِ سُنَّةِ رَسُولِكَ. اَللّٰهُمَّ ما كانَ في قَلْبي مِنْ شَكٍّ أَوْ رَيْبَةٍ،

و پیروی از سنت پیمبرت، بارخدایا، هرچه از شک و تردید، یا انکار و ناامیدی،

أَوْ جُحُودٍ أَوْ قُنُوطٍ أَوْ فَرَحٍ أَوْ بَذَخٍ أَوْ بَطَرٍ أَوْ خُيَلاءَ أَوْ رِياءٍ

یا به خود بالیدن از فرط نعمت و عظمت یاسرکشی و خودبینی، یا خودنمایی

أَوْ سُمْعَةٍ أَوْ شِقاقٍ أَوْ نِفاقٍ أَوْ كُفْرٍ أَوْ فُسُوقٍ أَوْ عِصْيانٍ

یا شهره‌طلبی، یا دودستگی و دو رویی، یا کفر و نافرمانی، یا گنهکاری

أَوْ عَظَمَةٍ أَوْ شَيْءٍ لا تُحِبُّ، فَأَسْئَلُكَ يا رَبِّ أَنْ تُبَدِّلَني مَكانَهُ

و گردنکشی، یا هر چیز که آن را نمی‌پسندی، از تو می‌خواهم ای پروردگار به جای

إيماناً بِوَعْدِكَ وَ وَفاءً بِعَهْدِكَ وَ رِضاً بِقَضائِكَ وَ زُهْداً فِي

آن به من ایمان به وعدهٔ تو وفای پیمانت و رضا به قضایت و پرهیزگاری

الدُّنْيا وَ رَغْبَةً فيما عِنْدَكَ وَ أَثَرَةً وَ طُمَأْنينَةً وَ تَوْبَةً نَصُوحاً،

در دنیا و رغبت به آنچه نزد توست و آرامش خاطر و توبهٔ نصوح؛ عطا کن،

أَسْئَلُكَ ذٰلِكَ يا رَبَّ الْعالَمينَ. إِلٰهي أَنْتَ مِنْ حِلْمِكَ تُعْصىٰ

اینها را از تو مسئلت دارم ای پروردگار جهانیان. الهی، از بردباری توست که تو را معصیت می‌کنند

فَكَأَنَّكَ لَمْ تَرَ، وَ مِنْ كَرَمِكَ وَ جُودِكَ تُطاعُ فَكَأَنَّكَ لَمْ تُعْصَ،

گویا تو نمی‌بینی؛ از بخشندگی و دهش توست که تو را اطاعت می‌کنند؛ چنانکه گویی تو را نافرمانی نکرده‌اند.

وَ أَنَا وَ مَنْ لَمْ يَعْصِكَ سُكّانُ أَرْضِكَ، فَكُنْ عَلَيْنا بِالْفَضْلِ

و من و هر کس که به تو عصیان نمی‌ورزد ساکنان زمین‌توایم. پس بر ما از سر فضل

جَواداً وَ بِالْخَيْرِ عَوّاداً، يا أَرْحَمَ الرّاحِمينَ وَ صَلَّى اللّٰهُ عَلىٰ

بخشنده باش و در خیرات پیوسته ارزانی دارنده باش؛ ای مهربان‌ترین مهربانان و بر

مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ صَلوٰةً دٰائِمَةً لاٰ تُحْصىٰ وَ لاٰ تُعَدُّ، وَ لاٰ يَقْدِرُ
محمد و خاندانش صلوات فرست ؛ درودی جاوید که شمرده نشودو به عدد در نیابد و جز تو

قَدْرَهٰا غَيْرُكَ يٰا أَرْحَمَ ٱلرّٰاحِمِينَ.[1]
اندازهٔ آن را ندانند، ای مهربان‌ترین مهربانان.

اعمال ماه مبارک رمضان

فصل اوّل: فضیلت ماه رمضان

از امیر المؤمنین ﷺ منقول است که نبیّ اکرم ﷺ روزی خطبه‌ای ایراد کرده فرمودند: مردم! همانا ماه پروردگار، همراه با برکت و رحمت و آمرزش، به شما روی آورده است. این ماه در نزد حقّ تعالی افضلِ همهٔ ماههاست. روزش برتر از همهٔ روزها و شبش بهتر از همهٔ شبها و ساعتش افضلِ ساعات است. ماهی است که به سوی مهمانی پروردگار خوانده شده و اهل کرامت حضرتش گشته‌اید. نفَسهای شما در این ماه به حساب تسبیح، خوابتان به منزلهٔ عبادت، عملتان قبول و درخواستتان مستجاب است. پس بخواهید از خدایتان توأم با نیّتهای درست و دلهای پاکیزه، که شما را به روزهٔ این ماه و خواندن کتابش موفّق دارد؛ چه آن که محروم کسی است که از آمرزش این ماه بزرگ بی بهره بماند! البتّه به یاد آورید به وسیلهٔ گرسنگی و تشنگی این ماه، گرسنگی و تشنگی روز قیامت را! به فقرا تصدّق دهید و پیران را احترام نمایید و به کودکان ترحّم کنید و خویشان را نوازش نمائید. زبانها را از نالایق و دیدگان را از غیر حلال و گوشها را از حرام نگاه دارید. با یتیمان مهر ورزید تا با یتیمانتان نیکی شود. از معصیتها به سوی حقّ باز گردید و در اوقات نمازها

---
۱. الاقبال/۹.

دست دعا به سوی حقّ دراز کنید؛ چه آنکه هنگام نماز، بهترین ساعتها و اوقات رحمت حقّ بر بندگان است. مناجاتشان را جواب می‌دهد؛ ندایشان را لبّیک می‌گوید و دعایشان را اجابت می‌کند. ای مردم! جانهای شما در گرو کردار شما است، خود را به وسیلهٔ طلب آمرزش، از این گرو درآورید. نفوس شما به وسیلهٔ بار گناه سنگین است؛ آن را با سجده‌های طولانی سبک سازید. مردم! هر کس خُلق خود را در این ماه نیکو سازد، بر صراط لغزنده آسان گذرد و کسی که بار زیردستان خود را سبک سازد، در روز رستاخیز حسابش آسان گردد و کسی که شرّ خود را از مردم باز دارد، حق‌تعالی غضب خویش را از او برگرداند و کسی که صلهٔ رحم کند و بر خویشانش احسان نماید، در آخرت مشمول رحمت خدا گردد و هر کس قطع رحم کند، خدا رحمت خویش را از او ببرد. ثواب هر نماز واجبی در این ماه، برابر با ثواب هفتاد نماز واجب در ماههای دیگر است و صلوات بر من در این ماه، وسیلهٔ سنگینی میزان عمل باشد و ثواب یک آیه از قرآن در این ماه، معادل یک ختم قرآن درماههای دیگر باشد. مردم! درهای بهشت در این ماه به روی شما گشوده است؛ بخواهید که بسته نشود و درهای جهنّم بسته است؛ بطلبید که باز نگردد. و شیاطین در این ماه در زنجیرند، سؤال کنید تا بر شما مسلّط نشوند. امیر المؤمنین ﷺ فرمود: از جا برخاستم و گفتم: یا رسول اَللّٰه؛ در این ماه کدام عمل از همه بالاتر است؟ فرمود: از گناهان پرهیز کردن: اَلْوَرَعُ عَنْ مَحارِمِ اَللّٰهِ.[1]

فصل دوّم: اعمال مشترک ماه رمضان

اعمال مشترک ماه رمضان چند قسم است:

---

۱. وسائل الشیعه ۳۰ جلدی، جلد ۱۰، صفحه ۳۱۳.

قسم اول: اعمال شبها و روزها

۱ـ مستحبّ است افطار، بعد از نماز باشد، مگر برای کسی که محذوری داشته باشد.[۱] همچنین افطار با چیزی حلال، پاکیزه و بی اشکال باشد و بهتر است که با خرما، شیر، حلوا یا آب گرم باشد[۲] و در وقت افطار بگوید:

اَللّٰهُمَّ لَكَ صُمْنا وَ عَلىٰ رِزْقِكَ أَفْطَرْنا وَ عَلَيْكَ تَوَكَّلْنا فَتَقَبَّل

خدایا، برای تو روزه گرفتیم، با روزیت افطار نمودیم و بر تو توکّل کردیم

مِنّا اِنَّكَ اَنْتَ اَلسَّمیعُ اَلْعَلیم؛[۳]

پس از ما بپذیر همانا تو شنوای دانایی.

و در لقمهٔ اوّل بگوید:

بِسْمِ اَللهِ اَلرَّحْمٰنِ اَلرَّحیم، یٰا واسِعَ اَلْمَغْفِرَةِ اَغْفِرْ لی؛[۴]

بنام خداوند بخشنده مهربان. ای آنکه آمرزشش فراگیر است، مرا بیامرز!

۲ـ افطاردادن به روزه‌داران و تصدّق‌کردن از اهمّ اعمال این‌ماه شریف است. نبیّ اکرم ﷺ فرمود: کسی که روزه داری را افطار دهد، نظیر اجر او و اجر هر کار خیری که او با قوّهٔ آن طعام انجام دهد به افطار دهنده می‌رسد.[۵] حضرت صادق ؈ فرمود: هر اطعامی یک دعای مستجابی در پی دارد.[۶]

۳ـ یکی از مهمترین اعمال این ماه، خواندن قرآن است، هر قدر ممکن گردد.[۷] البتّه اهدای ثواب آن به ارواح مردگان، خاصّه اقوام، خویشان، شهدا، صلحا و همهٔ مؤمنین، بسیار نیکوست، و هدیهٔ ثواب آن به ارواح معصومین، خاصّه چهارده معصوم ؈، سبب مضاعف شدن ثواب می‌شود.

---

۱. صفحه ۱۴۹. ۲. صفحه ۱۵۶. ۳. صفحه ۱۴۸.

۴. وسائل الشیعه ۳۰ جلدی، جلد ۱۰، صفحه ۱۴۹. ۵. صفحه ۱۴۰.

۶. صفحه ۱۴۱. ۷. اقبال، صفحه ۱۰۹.

۴ـ پس از نمازهای واجب می‌خوانی:

يٰا عَلِيُّ يٰا عَظِيمُ، يٰا غَفُورُ يٰا رَحِيمُ، أَنْتَ ٱلرَّبُّ ٱلْعَظِيمُ، ٱلَّذي

ای بلند مرتبت، ای بزرگ مقام، ای آمرزگار، ای مهربان، تو پروردگار عظیمی؛ پروردگاری که

لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ، وَ هُوَ ٱلسَّميعُ ٱلْبَصيرُ، وَ هٰذٰا شَهْرٌ عَظَّمْتَهُ

هیچ موجودی مانند او نباشد و او شنوا و بیناست. و این ماهی است‌که آن را بر همهٔ ماهها بزرگی داده‌ای

وَ كَرَّمْتَهُ وَ شَرَّفْتَهُ وَ فَضَّلْتَهُ عَلَى ٱلشُّهُورِ، وَ هُوَ ٱلشَّهْرُ ٱلَّذي

و از همهٔ‌ماهها گرامی‌تر داشته‌ای‌و شرافت بخشیده‌ای‌و برتری داده‌ای.و آن ماهی است

فَرَضْتَ صِيٰامَهُ عَلَيَّ، وَ هُوَ شَهْرُ رَمَضٰانَ، ٱلَّذي أَنْزَلْتَ فيهِ

که روزه‌داری در آن ماه را برمن واجب فرموده‌ای. و آن ماه‌رمضان است؛ ماهی که قرآن را در آن

ٱلْقُرْآنَ، هُدىً لِلنّٰاسِ وَ بَيِّنٰاتٍ مِنَ ٱلْهُدىٰ وَ ٱلْفُرْقٰانِ، وَ جَعَلْتَ

فرو فرستاده‌ای، راهنمای مردم و نشانه‌های‌راهبری و تفاوت میان حق و باطل. و شب قدر

فيهِ لَيْلَةَ ٱلْقَدْرِ، وَ جَعَلْتَهٰا خَيْراً مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ فَيٰاذَا ٱلْمَنِّ

را تو در آن‌ماه قرار دادی‌و آن شب را بهتر از هزار ماه قرار داده‌ای.ای صاحب منت

وَ لاٰ يُمَنُّ عَلَيْكَ، مُنَّ عَلَيَّ بِفَكٰاكِ رَقَبَتي مِنَ ٱلنّٰارِ، فيمَنْ تَمُنُّ

که کسی را بر تو منّتی نباشد، بر من منت‌گذار واز آتش‌دوزخم رهایی‌بخش. در میان آن همه منتها و نعمتها

عَلَيْهِ، وَ أَدْخِلْنِي ٱلْجَنَّةَ، بِرَحْمَتِكَ يٰا أَرْحَمَ ٱلرّٰاحِمينَ.[۱]

که به من ارزانی داشته‌ای و مرا به بهشت در آور ـ سوگند به رحمتت ای مهربانترین مهربانان.

۱. الاقبال/ ۲۴۰.

۵ـ بعد از نمازهای واجب، این دعا را می‌خوانی، که سبب آمرزش گناهان می‌شود.

اَللّٰهُمَّ أَدْخِلْ عَلىٰ أَهْلِ ٱلْقُبُورِ ٱلسُّرُورَ، اَللّٰهُمَّ أَغْنِ كُلَّ فَقِيرٍ،

بارخدایا، بر اهل قبور شادی و سرور نازل فرمای. بارخدایا، همهٔ تهیدستان را بی‌نیاز گردان.

اَللّٰهُمَّ أَشْبِعْ كُلَّ جٰائِعٍ، اَللّٰهُمَّ ٱكْسُ كُلَّ عُرْيٰانٍ، اَللّٰهُمَّ ٱقْضِ

بارخدایا، همهٔ گرسنگان را سیر ساز. بارخدایا، همهٔ برهنگان را بپوشان. بارخدایا، وام همهٔ وامداران را

دَيْنَ كُلِّ مَدِينٍ، اَللّٰهُمَّ فَرِّجْ عَنْ كُلِّ مَكْرُوبٍ، اَللّٰهُمَّ رُدَّ كُلَّ

ادا کن. بارخدایا، همهٔ اندوهناکان را گشایش عنایت فرما. بارخدایا، همهٔ دور از

كُلِّ غَرِيبٍ، اَللّٰهُمَّ فُكَّ كُلَّ أَسِيرٍ، اَللّٰهُمَّ أَصْلِحْ كُلَّ فٰاسِدٍ مِنْ

وطنان را به وطن باز گردان. بارخدایا، همهٔ اسیران را آزاد کن. بارخدایا، هر فاسد را از امور مسلمانان

أُمُورِ ٱلْمُسْلِمِينَ، اَللّٰهُمَّ ٱشْفِ كُلَّ مَرِيضٍ، اَللّٰهُمَّ سُدَّ فَقْرَنٰا

اصلاح فرمای. بارخدایا، همهٔ بیماران را بهبودی بخش. بارخدایا، فقر ما را با

بِغِنٰاكَ، اَللّٰهُمَّ غَيِّرْ سُوءَ حٰالِنٰا بِحُسْنِ حٰالِكَ، اَللّٰهُمَّ ٱقْضِ

بی‌نیازی خود مرتفع گردان. بارخدایا، بدی حال ما را به خوبی حال خود دگرگون ساز. بارخدایا، بدهی

عَنَّا ٱلدَّيْنَ، وَ أَغْنِنٰا مِنَ ٱلْفَقْرِ، إِنَّكَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.[1]

ما را ادا کن و ما را از فقر، بی‌نیازی ده؛ همانا که بر هر کار توانایی.

۶ـ می‌خوانی، دعایی را که امام صادق ؑ، در این ماه می‌خواند:

اَللّٰهُمَّ إِنِّي بِكَ وَ مِنْكَ أَطْلُبُ حٰاجَتِي، وَ مَنْ طَلَبَ حٰاجَةً

بارخدایا، همانا که من بوسیلهٔ تو و از تو، برآوردن نیازم را می‌طلبم و کسی که نیاز خویش را

---

۱. بحار الانوار / ۹۵ / ۱۲۰

إِلَى آلنّاسِ فَإِنّي لا أَطْلُبُ حاجَتي إِلّا مِنْكَ، وَحْدَكَ لا شَرِيكَ

بر مردم عرضه می‌دارد، همانا که‌من برآوردن‌نیاز خویش‌را جز از تونمی‌طلبم. تو یکتایی و تو را شریکی

لَكَ، وَ أَسْئَلُكَ بِفَضْلِكَ وَ رِضْوانِكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ

نباشد. و از تو به حق فضل و خشنودی تو خواستارم که بر محمد[ص]

وَ أَهْلِ بَيْتِهِ، وَ أَنْ تَجْعَلَ لي في عامي هٰذا إِلىٰ بَيْتِكَ آلْحَرامِ

و اهل بیت او صلوات فرستی و مسئلت دارم که امسال مرا به خانهٔ محترمت

سَبيلاً حِجَّةً مَبْرُورَةً، مُتَقَبَّلَةً زاكِيَةً خالِصَةً لَكَ، تَقَرُّبِها عَيْني،

راه دهی و برای حجی درست، مورد قبول، پاک، خالص برای تو، چشمم به آن روشن گردانی

وَ تَرْفَعُ بِها دَرَجَتي، وَ تَرْزُقَني أَنْ أَغُضَّ بَصَري، وَ أَنْ أَحْفَظَ

و پایه‌ام به آن بلند فرمایی. و مرا روزی کنی که چشم از آنچه خوشایند تو نیست بپوشانم و تسلیم

فَرْجي، وَ أَنْ أَكُفَّ بِها عَنْ جَميعِ مَحارِمِكَ، حَتّىٰ لا يَكُونَ

شهوترانی نگردم و با آن از همهٔ آنچه حرام کرده‌ای خودداری کنم؛ چندان که نزد من

شَيْءٌ آثَرَ عِنْدي مِنْ طاعَتِكَ وَ خَشْيَتِكَ،وَآلْعَمَلِ بِما أَحْبَبْتَ،

هیچ چیز از طاعت تو و بیم از تو، از عمل به آنچه دوست می‌داری

وَ آلتَّرْكِ لِما كَرِهْتَ وَ نَهَيْتَ عَنْهُ، وَ آجْعَلْ ذٰلِكَ في يُسْرٍ

و از خودداری از آنچه ناپسند می‌شماری و از آنچه نهی کرده‌ای، برتر نباشد. و همهٔ این امور را و هر نعمت که به من

وَ يَسارٍ وَ عافِيَةٍ وَ ما أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ، وَ أَسْئَلُكَ أَنْ تَجْعَلَ

اکرام فرموده‌ای، در آسانی و فراوانی و گشایش قرار ده. و از تو تقاضا می‌کنم که

وَفاتي قَتْلاً في سَبيلِكَ، تَحْتَ رايَةِ نَبِيِّكَ مَعَ أَوْلِيائِكَ،

وفات مرا کشته شدن در راه خود قرار دهی؛ زیر درفش پیمبرت با دوستانت.

وَ أَسْئَلُكَ أَنْ تَقْتُلَ بي أَعْدآئَكَ وَ أَعْدآءَ رَسُولِكَ، وَ أَسْئَلُكَ
و از تو تمنّا دارم که به دست دشمنان تو و دشمنان رسولت کشته شوم و از تو می‌خواهم

أَنْ تُكْرِمَني بِهَوانِ مَنْ شِئْتَ مِنْ خَلْقِكَ، وَ لا تُهِنّي بِكَرامَةِ
که مرا گرامی داری با خواری کسی که قصد خوار کردن او را داری و خوار مکن مرا

أَحَدٍ مِنْ أَوْلِيآئِكَ، اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ لي مَعَ الرَّسُولِ سَبيلاً.
به گرامی داشتن احدی از دوستانت بارخدایا، راهم را با رسول قرار ده.

حَسْبِيَ اللّٰهُ ما شآءَ اللّٰهُ.[1]
هرچه خدا خواهد، مرا بس است.

۷ـ در هر شب و روز ماه رمضان، می‌خوانی این دعا را، که از امام صادق و امام کاظم علیهما السلام منقول است:

اَللّٰهُمَّ ارْزُقْني حَجَّ بَيْتِكَ الْحَرامِ، في عامي هٰذا وَ في
بارخدایا، امسال و همه ساله ـ تا وقتی مرا در آسانی و عافیت

كُلِّ عامٍ، ما أَبْقَيْتَني في يُسْرٍ مِنْكَ وَ عافِيَةٍ وَ سَعَةِ رِزْقٍ،
و گشایش روزی زنده می‌داری زیارت خانهٔ محترمت را روزی من فرمای

وَ لا تُخْلِني مِنْ تِلْكَ الْمَواقِفِ الْكَريمَةِ، وَ الْمَشاهِدِ
و از این محلّهای کریم و مشاهد شریف و زیارت قبر پیغمبرت

الشَّريفَةِ، وَ زِيارَةِ قَبْرِ نَبِيِّكَ صَلَواتُكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، وَ في
ـ که صلوات تو بر او و آل او باد مرا محروم مدار. و مرا در همهٔ

۱. کافی

جَميعِ حَوائِجِ الدُّنْيا وَ الْآخِرَةِ فَكُنْ لي. اَللّٰهُمَّ إِنّي أَسْئَلُكَ
نیازهای دنیا و آخرت، درياب. بارخدایا، از تو می‌خواهم که در

فيما تَقْضي وَ تُقَدِّرُ مِنَ الْأَمْرِ الْمَحْتُومِ في لَيْلَةِ الْقَدْرِ،
قضایی که در شب قدر به آن فرمان می‌رانی و آن را مقدر می‌سازی

مِنَ الْقَضاءِ الَّذي لا يُرَدُّ وَ لا يُبَدَّلُ، أَنْ تَكْتُبَني مِنْ
- نه بازگشت دارد، نه تبدیل می‌گردد مرا از زمرهٔ کسانی بنویسی

حُجّاجِ بَيْتِكَ الْحَرامِ الْمَبْرُورِ حَجُّهُمُ، الْمَشْكُورِ سَعْيُهُمُ،
که از حاجیان خانهٔ محترمت هستندو حجشان پاکیزه و کوششان مورد

الْمَغْفُورِ ذُنُوبُهُمُ، الْمُكَفَّرِ عَنْهُمْ سَيِّئاتُهُمْ، وَ اجْعَلْ فيما
قدردانی و گناهانشان آمرزیده و بدیهایشان پوشیده است. و مسئلت

تَقْضي وَ تُقَدِّرُ، أَنْ تُطيلَ عُمْري، وَ تُوَسِّعَ عَلَيَّ رِزْقي،
دارم در آنچه قضا می‌رانی و مقدر می‌فرمایی، عمرم را دراز کنی و روزیم را وسعت دهی

وَ تُؤَدِّيَ عَنّي أَمانَتي وَ دَيْني، امينَ رَبَّ الْعالَمينَ.[1]
و امانت و وام مرا ادا کنی. آمین، یا رب العالمین.

۸ـ در هر شب، دعای افتتاح را می‌خوانی، که دعایی است عظیم الشّأن و عالیة المضامین:

اَللّٰهُمَّ إِنّي أَفْتَتِحُ الثَّناءَ بِحَمْدِكَ، وَ أَنْتَ مُسَدِّدٌ لِلصَّوابِ
بارخدایا، همانا که من سپاس تو را با ستایش تو آغاز می‌کنم و تو آنچه را درست و صواب

۱. الاقبال / ۲۴.

بِمَنِّكَ، وَ أَيْقَنْتُ أَنَّكَ أَنْتَ أَرْحَمُ ٱلرّاحِمِينَ فِي مَوْضِعِ ٱلْعَفْوِ

است از سربخشش انجام می‌دهی و به یقین می‌دانم که هماناتو در مقام بخشایش و رحمت،

وَ ٱلرَّحْمَةِ، وَ أَشَدُّ الْمُعاقِبِينَ فِي مَوْضِعِ ٱلنَّكالِ وَ ٱلنَّقِمَةِ،

رحیم‌ترین رحم کنندگانی و در مقام عبرت قرار دادن بدکاران و مکافات دادن به عقوبت،

وَ أَعْظَمُ الْمُتَجَبِّرِينَ فِي مَوْضِعِ الْكِبْرِياءِ وَ ٱلْعَظَمَةِ. اَللّٰهُمَّ

سخت‌ترین عقاب کننده‌ای و در موضع کبریا و عظمت، بزرگترین قدرتمندی. بارخدایا،

أَذِنْتَ لِي فِي دُعائِكَ وَ مَسْئَلَتِكَ، فَاسْمَعْ يا سَمِيعُ مِدْحَتِي،

به‌من اجازه داده‌ای که تو را بخوانم و از تو مسئلت کنم؛ پس‌ای شنوا،ستایشم را بشنو،

وَ أَجِبْ يا رَحِيمُ دَعْوَتِي، وَ أَقِلْ يا غَفُورُ عَثْرَتِي. فَكَمْ

و ای مهربان، تقاضایم را برآور و ای آمرزگار، از لغزشم درگذر. و چه بسیار

يا إِلٰهِي مِنْ كُرْبَةٍ قَدْ فَرَّجْتَها، وَ هُمُومٍ قَدْ كَشَفْتَها، وَ عَثْرَةٍ

- ای خدای من که اندوه مرا گشودی و غمها را برطرف ساختی، و لغزشها

قَدْ أَقَلْتَها، وَ رَحْمَةٍ قَدْ نَشَرْتَها، وَ حَلْقَةِ بَلاءٍ قَدْ فَكَكْتَها.

را بخشودی؛ و چه بسیار مهر که پراکندی و حلقهٔ بلا را که گشادی.

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ ٱلَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ صاحِبَةً وَ لا وَلَداً، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ

سپاس خدایی را که همسر و فرزند نگیرد و در مُلک او را

شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ،وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ ٱلذُّلِّ وَ كَبِّرْهُ تَكْبِيراً.

شریکی نباشد و از سر درماندگی او را سرپرستی نباشد؛ پس او را چنانکه باید بزرگ دان.

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ بِجَمِيعِ مَحامِدِهِ كُلِّها، عَلىٰ جَمِيعِ نِعَمِهِ كُلِّها.

سپاس خدای را به همهٔ آنچه شایستهٔ مدح و ثنای اوست و به همهٔ نعمتهای او.

اَلْحَمْدُ للهِ الَّذي لا مُضادَّ لَهُ في مُلْكِهِ، وَ لا مُنازِعَ لَهُ في
حمد خدایی را که در پادشاهی او ضدی و در فرمان او ستیزنده‌ای

أَمْرِهِ. اَلْحَمْدُ للهِ الَّذي لا شَريكَ لَهُ في خَلْقِهِ، وَ لا شَبيهَ لَهُ في
نباشد. حمد خدایی را که او را در آفرینش او شریکی و در عظمت او

عَظَمَتِهِ. اَلْحَمْدُ للهِ الْفاشي فِي الْخَلْقِ أَمْرُهُ وَ حَمْدُهُ، الظّاهِرِ
مانندی نباشد. حمد خدایی را که فرمان و ستایشش در میان آفریدگان آشکار است

بِالْكَرَمِ مَجْدُهُ، الْباسِطِ بِالْجُودِ يَدَهُ، الَّذي لا تَنْقُصُ خَزائِنُهُ،
و بزرگواریش به سبب کرمش، ظاهر و دستش به بخشش گشوده است؛ خدایی که گنجینه‌هایش کاهش نپذیرد

وَ لا تَزيدُهُ كَثْرَةُ الْعَطاءِ إِلّا جُوداً وَ كَرَماً، إِنَّهُ هُوَ الْعَزيزُ
و عطای فراوان، جز جود و کرمش را نیفزاید، همانا که او عزیز و بسیار بخشنده

الْوَهّابُ. اَللّٰهُمَّ إِنّي أَسْئَلُكَ قَليلاً مِنْ كَثيرٍ، مَعَ حاجَةٍ بي إِلَيْهِ
باشد. بارخدایا، اندکی از بسیار را از تو خواستارم، با اینکه نیاز من به آن

عَظيمَةٍ، وَ غِناكَ عَنْهُ قَديمٌ، وَ هُوَ عِنْدي كَثيرٌ، وَ هُوَ عَلَيْكَ
بزرگ است و بی‌نیازی تو از آن قدیم است؛ و آن نزد من بسیار است و در نظر تو

سَهْلٌ يَسيرٌ. اَللّٰهُمَّ إِنَّ عَفْوَكَ عَنْ ذَنْبي، وَ تَجاوُزَكَ عَنْ
آسان و اندک است. بارخدایا، همانا که بخشش تو، از گناه من و گذشت تو، از

خَطيئَتي، وَ صَفْحَكَ عَنْ ظُلْمي، وَ سِتْرَكَ عَلىٰ قَبيحِ عَمَلي،
خطای من و چشمپوشی تو، از ستم من و پرده‌پوشی تو، بر کار زشت من

وَ حِلْمَكَ عَنْ كَثيرِ جُرْمي عِنْدَ ما كانَ مِنْ خَطَأي وَ عَمْدي،
و بردباری تو، از جرم فراوان من هرجا که به سهو باشد یا به عمد

أَطْمَعَني في أَنْ أَسْئَلَكَ ما لا أَسْتَوْجِبُهُ مِنْكَ ٱلَّذي رَزَقْتَني

مرا به طمع درانداخت تا چیزی را که شایستگی آن ندارم از تو مسئلت کنم؛ چیزی را که از سر رحمت

مِنْ رَحْمَتِكَ، وَ أَرَيْتَني مِنْ قُدْرَتِكَ، وَ عَرَّفْتَني مِنْ إِجابَتِكَ،

روزی من کردی و از قدرت خود بر من نمایاندی و از برآوردن خود به من شناساندی.

فَصِرْتُ أَدْعُوكَ آمِناً، وَ أَسْئَلُكَ مُسْتَأْنِساً، لا خائِفاً وَ لا وَجِلاً،

پس چنان شدم که به آسودگی خاطر تو را می‌خوانم‌و با حال‌انس به‌تو ـ نه با حال ترس یا خوف.

مُدِلّاً عَلَيْكَ فيما قَصَدْتُ فيهِ إِلَيْكَ، فَإِنْ أَبْطَأَ عَنّي عَتَبْتُ

در آنچه از تو می‌خواهم ناز جویم. پس‌اگر آن‌آرزو دیر برآید از

بِجَهْلي عَلَيْكَ، وَ لَعَلَّ ٱلَّذي أَبْطَأَ عَنّي هُوَ خَيْرٌ لي، لِعِلْمِكَ

سر نادانی از تو گله کنم و بسا که آنچه از من به تأخیر افتد به خیر من باشد؛ چه، تو

بِعاقِبَةِ ٱلْأُمُورِ، فَلَمْ أَرَ مَوْلىً كَريماً أَصْبَرَ عَلىٰ عَبْدٍ لَئيمٍ مِنْكَ

بر پایان‌کارها آگاهی و من چون تو مولایی‌کریم ندیده‌ام که بر بنده‌ای لئیم چون من شکیباتر

عَلَيَّ. يا رَبِّ إِنَّكَ تَدْعُوني فَأُوَلّي عَنْكَ، وَ تَتَحَبَّبُ إِلَيَّ

از تو بر من باشد. ای پروردگار، همانا که تو مرا می‌خوانی و من از تو روی می‌گردانم، تو با من دوستی می‌کنی

فَأَتَبَغَّضُ إِلَيْكَ، وَ تَتَوَدَّدُ إِلَيَّ فَلا أَقْبَلُ مِنْكَ، كَأَنَّ لِيَ ٱلتَّطَوُّلَ

و من باتو کینه‌ورزی می‌کنم،تو با من مهر می‌ورزی‌و من از تو نمی‌پذیرم. گویا من بر تو منّت

عَلَيْكَ، فَلَمْ يَمْنَعْكَ ذٰلِكَ مِنَ ٱلرَّحْمَةِ لي، وَ ٱلْإِحْسانِ إِلَيَّ،

دارم واین حال تو را از رحمت آوردن به من و احسان کردن به من

وَ ٱلتَّفَضُّلِ عَلَيَّ بِجُودِكَ وَ كَرَمِكَ، فَارْحَمْ عَبْدَكَ ٱلْجاهِلَ،

و تفضل به من از روی جود و کرمت باز نمی‌دارد؛ پس به بندهٔ نادانت رحمت آور

وَ جُدْ عَلَيْهِ بِفَضْلِ إِحْسانِكَ، إِنَّكَ جَوادٌ كَرِيمٌ. اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ

و با فضل احسانت بر او ببخش. همانا که تو بخشنده و کریمی؛ سپاس خدای را

مالِكِ الْمُلْكِ، مُجْرِي الْفُلْكِ، مُسَخِّرِ الرِّياحِ، فالِقِ الْإِصْباحِ،

مالک مُلک است و روانه کنندهٔ کشتی، رام سازندهٔ بادها، شکافندهٔ سپیده دَم،

دَيّانِ الدِّينِ، رَبِّ الْعالَمِينَ. اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ عَلىٰ حِلْمِهِ بَعْدَ عِلْمِهِ،

پاداش‌دهندهٔ روز بازپسین، پروردگار جهانیان. حمد خدای را بر بردباری او، پس از علم او؛

وَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ عَلىٰ عَفْوِهِ بَعْدَ قُدْرَتِهِ، وَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ عَلىٰ طُولِ

و حمد خدای را بر بخشایش او پس از قدرت او؛ و حمد خدای را بر درازی

أَناتِهِ فِي غَضَبِهِ وَ هُوَ قادِرٌ عَلىٰ ما يُرِيدُ. اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ خالِقِ

مهلت دادنش[۱] در خشمش. و او بر هرچه بخواهد تواناست. حمد خدای را، آفریدگار

الْخَلْقِ، باسِطِ الرِّزْقِ، فالِقِ الْإِصْباحِ، ذِي الْجَلالِ وَ الْإِكْرامِ،

آفرینش، گسترانندهٔ روزی، شکافندهٔ صبحدم، دارای جلال و اکرام

وَ الْفَضْلِ وَ الْإِنْعامِ، اَلَّذِي بَعُدَ فَلا يُرىٰ، وَ قَرُبَ فَشَهِدَ

و فضل و انعام. خدایی که دور است[۲] و به دیده درنمی‌آید و نزدیک است و گواه

النَّجْوىٰ، تَبارَكَ وَ تَعالىٰ، اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي لَيْسَ لَهُ مُنازِعٌ

راز و نیاز می‌شود؛ خدای تبارک و تعالی. حمد خدایی را که[۳] او را ستیزنده‌ای نیست

يُعادِلُهُ، وَ لا شَبِيهٌ يُشاكِلُهُ، وَ لا ظَهِيرٌ يُعاضِدُهُ، قَهَرَ بِعِزَّتِهِ

که با وی برابری کند و مانندی نیست که در شکل او باشد؛ و نه پشتیبانی که او را یاری کند:

الْأَعِزّاءَ، وَ تَواضَعَ لِعَظَمَتِهِ الْعُظَماءُ، فَبَلَغَ بِقُدْرَتِهِ ما يَشاءُ.

عزتمندان مغلوب عزتش، و بزرگان در مقابل عظمتش فروتن؛ پس به نیروی خود به هرچه خواهد رسد.

اَلْحَمْدُ للهِ الَّذي يُجيبُني حينَ أُناديهِ، وَ يَسْتُرُ عَلَيَّ كُلَّ عَوْرَةٍ

سپاس خدایی را است که هرگاه‌بخوانمش، پاسخم گوید و اگر او را فرمان نبرم، بدیهایم را

وَ أَنَا أَعْصيهِ، وَ يُعَظِّمُ النِّعْمَةَ عَلَيَّ فَلا أُجازيهِ، فَكَمْ مِنْ مَوْهِبَةٍ

بپوشاند. به من نعمتی بزرگ بخشد و آن را جبران نکنم. چه بسا بخششهای

هَنيئَةٍ قَدْ أَعْطاني، وَ عَظيمَةٍ مَخُوفَةٍ قَدْ كَفاني، وَ بَهْجَةٍ مُونِقَةٍ

نیکویی که مرا بخشیده و حوادث هراس انگیزی که از آن نگاهم داشته و شادمانی فریبنده‌ای که

قَدْ أَراني، فَأُثْني عَلَيْهِ حامِداً، وَ أَذْكُرُهُ مُسَبِّحاً، اَلْحَمْدُ للهِ

نشانم داده؛ اینک شکرگزار و ستایندهٔ اویم و نام پاکش را بر زبان رانم. سپاس خدایی را

الَّذي لا يُهْتَكُ حِجابُهُ، وَ لا يُغْلَقُ بابُهُ، وَ لا يُرَدُّ سائِلُهُ،

است که پردهٔ او دریده نشود و درگاه او بسته نشود. هرکه از او چیزی خواهد، محروم نشود

وَ لا يُخَيَّبُ امِلُهُ. اَلْحَمْدُ للهِ الَّذي يُؤْمِنُ الْخائِفينَ، وَ يُنَجِّي

و هر که بدو امید بندد، نومید نگردد. سپاس خدایی را است که بیمناکان را ایمن گرداند و صالحان

الصّالِحينَ، وَ يَرْفَعُ الْمُسْتَضْعَفينَ، وَ يَضَعُ الْمُسْتَكْبِرينَ،

را نجات می‌دهد و ضعیفان را بلندی دهد و متکبران را خوار می‌کند.

وَ يُهْلِكُ مُلُوكاً وَ يَسْتَخْلِفُ اخَرينَ. وَ الْحَمْدُ للهِ قاصِمِ

و شاهان را نابود کند و جایگاهشان را به دیگران سپارد. سپاس خدایی را است که درهم کوبندهٔ

الْجَبّارينَ، مُبيرِ الظّالِمينَ، مُدْرِكِ الْهارِبينَ، نَكالِ الظّالِمينَ،

ستمگران، نابود سازندهٔ ظالمان، یابندهٔ گریختگان، کیفر دهندهٔ بیدادگران،

صَريخِ الْمُسْتَصْرِخينَ، مَوْضِعِ حاجاتِ الطّالِبينَ، مُعْتَمَدِ

فریادرس مدد خواهان، برآورندهٔ حاجات نیازمندان و محل وثوق

الْمُؤْمِنِینَ. اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذی مِنْ خَشْیَتِهِ تَرْعَدُ السَّمٰاءُ وَ سُکّٰانُهٰا،
مؤمنانست. سپاس خدایی را است که از بیمش آسمان با ساکنانش در خروشند

وَ تَرْجُفُ الْأَرْضُ وَ عُمّٰارُهٰا، وَ تَمُوجُ الْبِحٰارُ وَ مَنْ یَسْبَحُ
و زمین و اهلش برخود بلرزند و دریاها و شناوران در اعماق

فی غَمَرٰاتِهٰا. اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذی هَدٰانٰا لِهٰذٰا، وَ مٰا کُنّٰا لِنَهْتَدِیَ
آن طوفان رده‌اند. سپاس خدایی را است که ما را به «توحید» رهبری کرد و راه را نمی‌شناختیم،

لَوْ لاٰ أَنْ هَدٰانَا اللّٰهُ. اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذی یَخْلُقُ وَ لَمْ یُخْلَقْ،
اگر خدا ما را هدایت نمی‌کرد. ستایش خدایی را است که می‌آفریند و آفریده نشده است،

وَ یَرْزُقُ وَ لاٰ یُرْزَقُ، وَ یُطْعِمُ وَ لاٰ یُطْعَمُ، وَ یُمیتُ الْأَحْیٰاءَ
روزی می‌بخشد و خود روزی نخواهد، می‌خوراند و نمی‌خورد، زنده‌ها را می‌میراند

وَ یُحْیِی الْمَوْتیٰ، وَ هُوَ حَیٌّ لاٰ یَمُوتُ، بِیَدِهِ الْخَیْرُ وَ هُوَ عَلیٰ
و مرده‌ها را زنده می‌سازد. و او زنده‌ایست که نمی‌میرد.نکویی بدست‌اوست و او بر

کُلِّ شَیْءٍ قَدیرٌ. اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ عَبْدِکَ وَ رَسُولِکَ،
همه چیز تواناست. خداوندا، صلوات فرست بر محمد بنده‌ات و فرستاده‌ات،

وَ أَمینِکَ وَ صَفِیِّکَ، وَ حَبیبِکَ وَ خِیَرَتِکَ مِنْ خَلْقِکَ، وَ حٰافِظِ
امانت‌دار و برگزیده‌ات، دوست و بهترین آفریده‌ات، نگه‌دارنده

سِرِّکَ، وَ مُبَلِّغِ رِسٰالاٰتِکَ، أَفْضَلَ وَ أَحْسَنَ وَ أَجْمَلَ وَ أَکْمَلَ
سرّ تو و رسانندهٔ پیامت؛ بهترین، نیکوترین، زیباترین، کاملترین،

وَ أَزْکیٰ وَ أَنْمیٰ وَ أَطْیَبَ وَ أَطْهَرَ وَ أَسْنیٰ وَ أَکْثَرَ مٰا صَلَّیْتَ
پاکترین، افزونترین، خوشبوترین، پاکیزه‌ترین، نورانی‌ترین و بیشترین صلوات

وَ بارَكْتَ وَ تَرَحَّمْتَ وَ تَحَنَّنْتَ وَ سَلَّمْتَ، عَلىٰ أَحَدٍ مِنْ
و برکت و رحمت و تهنیت و سلامی که بر یکی از

عِبادِكَ وَ رُسُلِكَ وَ صَفْوَتِكَ وَ أَهْلِ ٱلْكَرامَةِ عَلَيْكَ مِنْ
بندگانت و پیامبران و فرستادگانت و خاصان درگاهت و سزاوار بزرگداشت تو از

خَلْقِكَ. ٱللّٰهُمَّ وَ صَلِّ عَلىٰ عَلِيٍّ أَميرِ ٱلْمُؤْمِنينَ، وَ وَصِيِّ
آفریدگانت، فرستاده‌ای. خداوندا، صلوات فرست بر علی امیرمؤمنان و وصی

رَسُولِ رَبِّ ٱلْعالَمينَ، عَبْدِكَ وَ وَلِيِّكَ، وَ أَخي رَسُولِكَ،
فرستادهٔ پروردگار جهانیان. بنده و ولیّ تو و برادر فرستاده

وَ حُجَّتِكَ عَلىٰ خَلْقِكَ، وَ آيَتِكَ ٱلْكُبْرىٰ، وَ ٱلنَّبَإِ ٱلْعَظيمِ.
و حجت تو بر آفریدگانت و بزرگترین نشانهٔ و خبر با عظمت.

وَ صَلِّ عَلَى ٱلصِّدّيقَةِ ٱلطّاهِرَةِ، فاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِساءِ ٱلْعالَمينَ.
و صلوات فرست بر صدیقهٔ پاکدامن، فاطمه سرور بانوان جهانها؛

وَ صَلِّ عَلىٰ سِبْطَيِ ٱلرَّحْمَةِ، وَ إِمامَيِ ٱلْهُدىٰ، ٱلْحَسَنِ
و صلوات فرست بر دو نوباوهٔ رحمت و دو پیشوای هدایت: حسن

وَ ٱلْحُسَيْنِ، سَيِّدَيْ شَبابِ أَهْلِ ٱلْجَنَّةِ. وَ صَلِّ عَلىٰ أَئِمَّةِ
و حسین، دو سرور جوانان بهشت؛ و هم صلوات فرست بر امامان

ٱلْمُسلِمينَ، عَلِيِّ بْنِ ٱلْحُسَيْنِ وَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ، وَ جَعْفَرِ بْنِ
مسلمانان: علی بن حسین، و محمد بن علی، و جعفر بن

مُحَمَّدٍ، وَ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ، وَ عَلِيِّ بْنِ مُوسىٰ، وَ مُحَمَّدِ بْنِ
محمد، و موسی بن جعفر، و علی بن موسی، و محمد بن

عَلِيٍّ، وَ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ، وَ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ، وَ الْخَلَفِ
علی، و علی بن محمد، و حسن بن علی و جانشین

الْهادِي الْمَهْدِيِّ، حُجَجِكَ عَلىٰ عِبادِكَ، وَ أُمَنائِكَ فِي
رهنما و رهیافته، حجت‌های تو بر بندگانت و امانت‌داران تو در

بِلادِكَ، صَلوٰةً كَثيرَةً دائِمَةً. اَللّٰهُمَّ وَ صَلِّ عَلىٰ وَلِيِّ أَمْرِكَ
شهرهای تو، صلوات فراوان و پیوسته برایشان فرست. و خدایا صلوات فرست بر ولی امر تو

الْقائِمِ الْمُؤَمَّلِ وَالْعَدْلِ الْمُنْتَظَرِ، وَ حُفَّهُ بِمَلائِكَتِكَ الْمُقَرَّبينَ،
آن قائمِ محلّ امید و عدل منتظر. و او را در پناه فرشتگان مقربت نگهدار

وَ أَيِّدْهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ، يا رَبَّ الْعالَمينَ. اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهُ الدّاعِيَ
و به روح القدس مؤید بدار، ای پروردگار جهانها. خداوندا، او را بر آن دار تا مردمان را

إِلىٰ كِتابِكَ، وَ الْقائِمَ بِدينِكَ، اسْتَخْلِفْهُ فِي الْأَرْضِ كَما
به کتاب تو دعوت کند و دینِ‌تو را برپا دارد. او را جانشینِ‌خود در زمین قرار ده، بدانگونه‌که

اسْتَخْلَفْتَ الَّذينَ مِنْ قَبْلِهِ، مَكِّنْ لَهُ دينَهُ الَّذِي ارْتَضَيْتَهُ لَهُ،
کسانی را پیش‌از او، قرار دادی. مکنت دینش را که موجب‌رضای توست، بدو عنایت

أَبْدِلْهُ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِ أَمْناً، يَعْبُدُكَ لا يُشْرِكُ بِكَ شَيْئاً. اَللّٰهُمَّ
فرما و پس از دوران هراس، او را آرامش خاطر ببخشای‌تا تو را عبادت کندو چیزی را با تو شریک نسازد. خداوندا،

أَعِزَّهُ وَ أَعْزِزْ بِهِ، وَ انْصُرْهُ وَ انْتَصِرْ بِهِ، وَ انْصُرْهُ نَصْراً عَزيزاً،
او را عزیزدار و ما را بخاطر او عزیز گردان؛ او را یاری فرما و ما را بخاطر او یاری کن. بدو پیروزی با عزّت

وَ افْتَحْ لَهُ فَتْحاً يَسيراً، وَ اجْعَلْ لَهُ مِنْ لَدُنْكَ سُلْطاناً نَصيراً.
و گشایشی آسان عنایت فرما و او را از سوی خود اقتدار بخش.

اَللّٰهُمَّ أَظْهِرْ بِهِ دِينَكَ وَ سُنَّةَ نَبِيِّكَ، حَتّٰى لاٰ يَسْتَخْفِيَ بِشَيْءٍ
خداوندا، بوسیلهٔ او دین و سنت پیامبرت را بر مردمان آشکار ساز تا بدانجا

مِنَ الْحَقِّ، مَخٰافَةَ أَحَدٍ مِنَ الْخَلْقِ. اَللّٰهُمَّ إِنّٰا نَرْغَبُ إِلَيْكَ فِي
که از ترس کسی چیزی از حق را پنهان نکند. خداوندا، ما از تو

دَوْلَةٍ كَرِيمَةٍ، تُعِزُّ بِهَا الْإِسْلاٰمَ وَ أَهْلَهُ، وَ تُذِلُّ بِهَا النِّفٰاقَ
دولت کریمه‌ای می‌خواهیم که با آن اسلام و اهلش را عزّت دهی و نفاق و اهلش

وَ أَهْلَهُ، وَ تَجْعَلُنٰا فِيهٰا مِنَ الدُّعٰاةِ إِلىٰ طٰاعَتِكَ وَ الْقٰادَةِ إِلىٰ
را ذلیل گردانی و ما را در آن حکومت، از دعوت کنندگان به عبادتت و از رهبران

سَبِيلِكَ، وَ تَرْزُقُنٰا بِهٰا كَرٰامَةَ الدُّنْيٰا وَ الْآخِرَةِ. اَللّٰهُمَّ مٰا عَرَّفْتَنٰا
راه هدایتت قرار دهی و کرامت دنیا و آخرت را روزی ما گردانی. خداوندا،آنچه را که از حق

مِنَ الْحَقِّ فَحَمِّلْنٰاهُ، وَ مٰا قَصُرْنٰا عَنْهُ فَبَلِّغْنٰاهُ. اَللّٰهُمَّ الْمُمْ بِهِ
به ما شناساندی به ادای آن وادار و ما رابه آنچه نمی‌دانیم آگاهی بخش. خدایا بوسیلهٔ او پراکندگی

شَعَثَنٰا، وَ اشْعَبْ بِهِ صَدْعَنٰا، وَ ارْتُقْ بِهِ فَتْقَنٰا، وَ كَثِّرْ بِهِ قِلَّتَنٰا،
ما را جبران و گسیختگی ما را درمان وگسستگی‌مان را پیوند و تعداد کم ما را افزون

وَ أَعْزِزْ بِهِ ذِلَّتَنٰا، وَ أَغْنِ بِهِ عٰائِلَنٰا وَ اقْضِ بِهِ عَنْ مَغْرَمِنٰا،
و خواریمان را به‌عزت و نیازمان‌رابه بی‌نیازی‌مبدل فرما. بوسیلهٔ او غرامت ما را ادا فرما،

وَ اجْبُرْ بِهِ فَقْرَنٰا، وَ سُدَّ بِهِ خَلَّتَنٰا، وَ يَسِّرْ بِهِ عُسْرَنٰا، وَ بَيِّضْ بِهِ
فقر ما را جبران کن، فاصلهٔ ما را از میان‌بردار،دشواریمان‌را آسان‌ساز،بوجود او ما را

وُجُوهَنٰا، وَ فُكَّ بِهِ أَسْرَنٰا، وَ أَنْجِحْ بِهِ طَلِبَتَنٰا، وَ أَنْجِزْ بِهِ
روسپید گردان، اسیرانمان را رهایی بخش حاجتهایمان را برآورده‌ساز، آن وعده‌ها که به ما دادی

مَواعيدَنا، وَ اسْتَجِبْ بِهِ دَعْوَتَنا، وَ أَعْطِنا بِهِ سُؤْلَنا، وَ بَلِّغْنا

اجابت فرما، و دعای ما را بوجود او مستجاب فرما درخواست ما را برآور، به آرزوهایی که

بِهِ مِنَ الدُّنْيا وَ الْآخِرَةِ امالَنا، وَ أَعْطِنا بِهِ فَوْقَ رَغْبَتِنا، يا خَيْرَ

در دنیا و آخرت داریم ما را برسان و بیشتر از آنچه می‌خواهیم عطا فرما ـ ای بهترین

الْمَسْئُولينَ وَ أَوْسَعَ الْمُعْطينَ، اشْفِ بِهِ صُدُورَنا وَ أَذْهِبْ

مسئولان و گشاده‌دست‌ترین بخشندگان دلهامان را بدو آرامش بخش و از خشم

بِهِ غَيْظَ قُلُوبِنا، وَ اهْدِنا بِهِ لِمَا اخْتُلِفَ فيهِ مِنَ الْحَقِّ بِإِذْنِكَ،

فرو نشان و به عنایت خویش، ما را به‌سوی‌حقیقت ـ باهمهٔ اختلافی که‌در کیفیت آنست بوسیلهٔ او هدایت نما؛

إِنَّكَ تَهْدي مَنْ تَشاءُ إِلىٰ صِراطٍ مُسْتَقيمٍ، وَ انْصُرْنا بِهِ عَلىٰ

که‌تو به‌هرکه‌خواهی‌راه راست‌را نشان دهی. پس ما را بوسیلهٔ او بر دشمنت و دشمنانمان

عَدُوِّكَ وَ عَدُوِّنا، إِلٰهَ الْحَقِّ امينَ. اللّٰهُمَّ إِنّا نَشْكُو إِلَيْكَ فَقْدَ

پیروز گردان، ای خدای بر حق؛ آمین. خداوندا، از نبودن

نَبِيِّنا صَلَواتُكَ عَلَيْهِ وَ الِهِ، وَ غَيْبَةَ وَلِيِّنا، وَ كَثْرَةَ عَدُوِّنا، وَ قِلَّةَ

پیامبرمان ـ که صلوات تو بر او و خاندانش باد، و غیبت امامِمان، و فزونی دشمنان و کمی

عَدَدِنا، وَ شِدَّةَ الْفِتَنِ بِنا، وَ تَظاهُرَ الزَّمانِ عَلَيْنا، فَصَلِّ عَلىٰ

تعدادمان، و زیادی فتنه‌هایی که بر ما می‌رود و ناسازگاری‌روزگار نزد تو شکایت می‌کنیم. صلوات فرست بر

مُحَمَّدٍ وَ الِهِ، وَ أَعِنّا عَلىٰ ذٰلِكَ بِفَتْحٍ مِنْكَ تُعَجِّلُهُ، وَ بِضُرٍّ

محمد و خاندانش و مارا در این پیکار یاری فرما تا از سوی تو، زودتر به پیروزی رسیم و رنج و دشواری

تَكْشِفُهُ، وَ نَصْرٍ تُعِزُّهُ، وَ سُلْطانِ حَقٍّ تُظْهِرُهُ، وَ رَحْمَةٍ مِنْكَ

برطرف گردد و از این پیروزی‌ما را عزت‌دهی و سلطنت حقیقی‌را آشکارگردانی‌و رحمت تو

تُجَلِّلُنٰاهٰا وَ عٰافِيَةٍ مِنْكَ تُلْبِسُنٰاهٰا، بِرَحْمَتِكَ يٰا أَرْحَمَ الرّاحِمِينَ.[1]

شامل حال‌ما گرددو از سوی تولباس عافیت پوشیم! به حق رحمت تو، ای مهربان‌ترین مهربانان.

۹ـ دعای زیر را می‌خوانی:

اَللّٰهُمَّ بِرَحْمَتِكَ فِی الصّٰالِحِينَ فَأَدْخِلْنٰا وَ فِي عِلِّيِّينَ فَارْفَعْنٰا،

خداوندا ما را در زمرهٔ نیکوکاران درآور و در بهشت اعلیٰ مقام بخش

وَ بِكَأْسٍ مِنْ مَعِينٍ مِنْ عَيْنٍ سَلْسَبِيلٍ فَاسْقِنٰا، وَ مِنَ الْحُورِ

و به مقام رفیع نائل ساز و از چشمهٔ گوارای سلسبیل سیراب کن و با

الْعِينِ بِرَحْمَتِكَ فَزَوِّجْنٰا، وَ مِنَ الْوِلْدٰانِ الْمُخَلَّدِينَ كَأَنَّهُمْ

حور العین همسر ساز و نوباوگان ابدی را ـ که چون

لُؤْلُؤٌ مَكْنُونٌ فَأَخْدِمْنٰا، وَ مِنْ ثِمٰارِ الْجَنَّةِ وَ لُحُومِ الطَّيْرِ

گوهری پوشیده در صدفند به خدمت ما گمارو از میوه‌های بهشت و گوشت پرندگان

فَأَطْعِمْنٰا، وَ مِنْ ثِيٰابِ السُّنْدُسِ وَ الْحَرِيرِ وَالْإِسْتَبْرَقِ فَأَلْبِسْنٰا،

روزی فرما و از جامه‌های پرنیان‌و حریر و استبرق ما را بپوشان

وَ لَيْلَةَ الْقَدْرِ وَ حَجَّ بَيْتِكَ الْحَرٰامِ وَ قَتْلاً فِي سَبِيلِكَ فَوَفِّقْ

و ما را در بهره‌مندی از ثواب شب قدر و حج بیت الحرام و شهادت در راه حق، موفق

لَنٰا، وَ صٰالِحَ الدُّعٰاءِ وَ الْمَسْئَلَةِ فَاسْتَجِبْ لَنٰا، وَ إِذٰا جَمَعْتَ

بدار. و دعای شایستهٔ ما را مستجاب گردان. و در قیامت آنگاه که خلق

الْأَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ فَارْحَمْنٰا، وَ بَرٰائَةً مِنَ النّٰارِ

اولین و آخرین را جمع می‌گردانی، بر ما ترحم کن و رهایی از آتش دوزخ

۱. الاقبال / ۵۸ ـ البلد الامین / ۱۹۳ ـ زاد المعاد / ۷۹.

فَاكْتُبْ لَنٰا، وَ في جَهَنَّمَ فَلاٰ تَغُلَّنٰا، وَ في عَذٰابِكَ وَ هَوٰانِكَ

را برای ما بنویس. و ما را در دوزخ به زنجیر مکش و به عذاب و خواری

فَلاٰ تَبْتَلِنٰا، وَ مِنَ ٱلزَّقّومِ وَ ٱلضَّريعِ فَلاٰ تُطْعِمْنٰا، وَ مَعَ ٱلشَّيٰاطينِ

مبتلا مگردان و از گیاهان تلخ دوزخ، ما را مچشان و ما را با شیاطین

فَلاٰ تَجْعَلْنٰا، وَ فِي ٱلنّٰارِ عَلىٰ وجُوهِنٰا فَلاٰ تَكُبَّنٰا، وَ مِنْ ثِيٰابِ

همراه مگردان و در آتش به رو مینداز و پیراهن چرکین دوزخیان بر ما

ٱلنّٰارِ وَ سَرٰابيلِ ٱلْقَطِرٰانِ فَلاٰ تُلْبِسْنٰا، وَ مِنْ كُلِّ سُوءٍ يٰا لاٰ إِلٰهَ

مپوشان. ای خدا که جز تو خدایی نیست، از هر بدی ای خدایی که جز تو

إِلّٰا أَنْتَ بِحَقِّ لاٰ إِلٰهَ إِلّٰا أَنْتَ فَنَجِّنٰا.[۱]

معبودی نیست، به حق «یگانگی تو» ما را نجات بخش.

۱۰ ـ در هر شب دو رکعت نماز بگزار، و در هر رکعت آن پس از حمد، سه مرتبه سورهٔ توحید بخوان و بعد از سلام بگو:

سُبْحٰانَ مَنْ هُوَ حَفيظٌ لاٰ يَغْفُلُ، سُبْحٰانَ مَنْ هُوَ رَحيمٌ لاٰ يَعْجَلُ،

منزّه است آن که بسیار نگهدارنده است و غفلت نورزد. پاک است آنکه مهربانست و شتاب نورزد.

سُبْحٰانَ مَنْ هُوَ قٰائِمٌ لاٰ يَسْهُو، سُبْحٰانَ مَنْ هُوَ دٰائِمٌ لاٰ يَلْهُو.

پاک است آنکه درستکار است و خطا نکند. پاک است آنکه همیشه هست و به هوس کاری نکند.

پس از آن، هفت مرتبه تسبیحات ﴿سُبْحٰانَ ٱللّٰهِ وَ ٱلْحَمْدُ لِلّٰهِ وَ لاٰ إِلٰهَ إِلاّٰ ٱللّٰهُ وَ ٱللّٰهُ أَكْبَرُ﴾ بخوان، سپس بگو:

۱ . الاقبال / ۶۱.

سُبْحانَكَ سُبْحانَكَ سُبْحانَكَ، يا عَظيمُ اغْفِرْ لِيَ الذَّنْبَ الْعَظيمَ؛

پاکی تو، پاکی تو، پاکی تو، ای بزرگ! گناه بزرگم را بیامرز!.

سپس، ده بار صلوات بفرست.[1]

۱۱ـ در تمام شبهای این ماه، به ترتیب زیر، هزار رکعت نماز بخوان: از شب اوّل تا شب بیستم، در هر شب بیست رکعت: ده تا دو رکعت، مانند نماز صبح، هر دو رکعت با یک سلام؛ از شب بیست و یکم تا شب آخر ماه، هر شب سی رکعت، به همان روش؛ و در هر یک از سه شب احیاء (نوزدهم، بیست و یکم و بیست و سوّم) صد رکعت، به ترتیب مذکور. شایان ذکر است که اگر کسی نماز قضای واجب در گردن داشته باشد، می‌تواند بجای این نمازها، قضای نمازهای واجب خود را بخواند؛ به امید این که هم واجبش ادا شود و هم ثواب نمازهای مستحبّ را ببرد. در این صورت کم و زیاد شدن چند رکعت از عدد مذکور عیبی ندارد.

قسم دوّم ـ اعمال سحرهای ماه رمضان

۱ـ خواندن این دعای عظیم الشأن، که به «دعای سحر» معروف است:

اَللّٰهُمَّ إِنّي أَسْئَلُكَ مِنْ بَهٰآئِكَ بِأَبْهاهُ، وَ كُلُّ بَهٰآئِكَ بَهِيٌّ،

خداوندا، از تو مسئلت دارم به‌حق نورانی‌ترین مراتب انوارت ـ که همگی آن نورانی است؛

اَللّٰهُمَّ إِنّي أَسْئَلُكَ بِبَهٰائِكَ كُلِّهِ. اَللّٰهُمَّ إِنّي أَسْئَلُكَ مِنْ جَمٰالِكَ

خداوندا، از تو مسئلت دارم به حق تمامی نورانیتت. خداوندا، از تو مسئلت دارم به حق

بِأَجْمَلِهِ، وَ كُلُّ جَمٰالِكَ جَميلٌ، اَللّٰهُمَّ إِنّي أَسْئَلُكَ بِجَمٰالِكَ

زیباترین جمال تو و همهٔ جمال تو زیباست؛ خداوندا، از تو مسئلت دارم به حق تمامی

---

۱. نقل از حاشیهٔ بلد الامین.

كُلِّهِ. اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْئَلُكَ مِنْ جَلاٰلِكَ بِأَجَلِّهِ، وَ كُلُّ جَلاٰلِكَ

زیبائیت.خداوندا،از تو مسئلت‌دارم به‌حق عالیترین‌مراتب جلال تو ـ که همگی

جَليلٌ، اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْئَلُكَ بِجَلاٰلِكَ كُلِّهِ. اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْئَلُكَ

آن عالیست؛ خداوندا، از تو مسئلت دارم به حق تمامی بزرگواریت. خداوندا، از تو مسئلت دارم

مِنْ عَظَمَتِكَ بِأَعْظَمِهٰا، وَ كُلُّ عَظَمَتِكَ عَظيمَةٌ، اَللّٰهُمَّ إِنِّي

به حق بزرگترین مراتب عظمت تو ـ که همگی‌آن عظیم است ؛ خداوندا از تو

أَسْئَلُكَ بِعَظَمَتِكَ كُلِّهٰا. اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْئَلُكَ مِنْ نُورِكَ بِأَنْوَرِهِ

مسئلت دارم به‌حق همهٔ عظمت تو، خداوندا، از تومسئلت دارم به حق روشنترین مراتب نور تو

وَ كُلُّ نُورِكَ نَيِّرٌ، اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْئَلُكَ بِنُورِكَ كُلِّهِ. اَللّٰهُمَّ إِنِّي

ـ که همگی آن روشن است؛ خداوندا از تو مسئلت دارم به حق همهٔ نور تو خداوندا از تو

أَسْئَلُكَ مِنْ رَحْمَتِكَ بِأَوْسَعِهٰا، وَ كُلُّ رَحْمَتِكَ وٰاسِعَةٌ، اَللّٰهُمَّ

مسئلت دارم به‌حق گسترده‌ترین مراتب بخشایشت ـ که‌همگی آن‌گسترده است ؛ خداوندا،

إِنِّي أَسْئَلُكَ بِرَحْمَتِكَ كُلِّهٰا. اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْئَلُكَ مِنْ كَلِمٰاتِكَ

از تو مسئلت دارم به حق تمامی بخشایشت. خداوندا، از تومسئلت دارم به حق بلیغ‌ترین

بِأَتَمِّهٰا، وَ كُلُّ كَلِمٰاتِكَ تٰامَّةٌ، اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْئَلُكَ بِكَلِمٰاتِكَ

گفته‌هایت ـ که‌همگی آن‌بلیغ است ؛ خداوندا،از تومسئلت‌دارم به‌حق تمامی

كُلِّهٰا. اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْئَلُكَ مِنْ كَمٰالِكَ بِأَكْمَلِهِ، وَ كُلُّ كَمٰالِكَ

گفته‌هایت. خداوندا، از تو مسئلت دارم به حق کاملترین مراتب کمالت ـ که همگی آن

كٰامِلٌ، اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْئَلُكَ بِكَمٰالِكَ كُلِّهِ. اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْئَلُكَ

کامل است؛ خداوندا، از تو مسئلت دارم به حق تمامی کمالت. خداوندا، از تو مسئلت دارم

مِنْ أَسْمٰائِكَ بِأَكْبَرِهٰا، وَ كُلُّ أَسْمٰائِكَ كَبِيرَةٌ، اَللّٰهُمَّ إِنِّي
به حق بزرگترین نامهایت ـ که همگی آن بزرگ است ؛ خداوندا، از تو

أَسْئَلُكَ بِأَسْمٰائِكَ كُلِّهٰا. اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْئَلُكَ مِنْ عِزَّتِكَ بِأَعَزِّهٰا،
مسئلت دارم به حق‌تمامی نامهایت. خداوندا،از تومسئلت دارم به حق عزیزترین مراتب عزّت تو

وَ كُلُّ عِزَّتِكَ عَزِيزَةٌ، اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْئَلُكَ بِعِزَّتِكَ كُلِّهٰا.
ـ که همگی آن عزیز است ؛ خداوندا، از تو مسئلت دارم به حق همهٔ عزّت تو

اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْئَلُكَ مِنْ مَشِيَّتِكَ بِأَمْضٰاهٰا،وَ كُلُّ مَشِيَّتِكَ مٰاضِيَةٌ،
خداوندا، از تو مسئلت دارم به حق نافذترین مراتب مشیّت. ـ که همگی آن نافذ است؛

اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْئَلُكَ بِمَشِيَّتِكَ كُلِّهٰا. اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْئَلُكَ مِنْ
خداوندا، از تو مسئلت دارم به حق تمامی مشیّتت. خداوندا، از تو

قُدْرَتِكَ بِالْقُدْرَةِ الَّتِي اسْتَطَلْتَ بِهٰا عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ، وَ كُلُّ
مسئلت دارم به قدرت کامله‌ات ـ که بر همه چیز احاطه دارد و سراپا

قُدْرَتِكَ مُسْتَطِيلَةٌ، اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْئَلُكَ بِقُدْرَتِكَ كُلِّهٰا.
احاطه است؛ خداوندا، از تو مسئلت دارم به حق تمامی قدرتت.

اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْئَلُكَ مِنْ عِلْمِكَ بِأَنْفَذِهِ، وَ كُلُّ عِلْمِكَ نٰافِذٌ،
خداوندا، از تو مسئلت دارم به حق نافذترین مراتب علمت ـ که همگی آن نافذ است؛

اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْئَلُكَ بِعِلْمِكَ كُلِّهِ. اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْئَلُكَ مِنْ قَوْلِكَ
پس درخواست می‌کنم‌به حق‌تمامی علمت.خدایا،از تومسئلت دارم‌به حق پسندیده‌ترین

بِأَرْضٰاهُ، وَ كُلُّ قَوْلِكَ رَضِيٌّ، اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْئَلُكَ بِقَوْلِكَ كُلِّهِ.
گفتارت ـ که‌همگی آن پسندیده است ؛ پس درخواست‌می‌کنم به حق همهٔ گفتارت.

اَللّٰهُمَّ إِنّي أَسْئَلُکَ مِنْ مَسٰآئِلِكَ بِأَحَبِّها إِلَيْکَ، وَ كُلُّها إِلَيْکَ

خداوندا،از تومسئلت دارم‌به حق محبوبترین مسائل تو ـ و همهٔ آن نزد تو

حَبيبَةٌ، اَللّٰهُمَّ إِنّي أَسْئَلُکَ بِمَسٰآئِلِكَ كُلِّها. اَللّٰهُمَّ إِنّي أَسْئَلُکَ

محبوب است ـ؛ خدایا درخواست می‌کنم به حق همهٔ مسائل تو خدایا، از تو مسئلت دارم

مِنْ شَرَفِكَ بِأَشْرَفِهِ، وَ كُلُّ شَرَفِكَ شَريفٌ، اَللّٰهُمَّ إِنّي أَسْئَلُکَ

به‌حق شریف‌ترین شرف تو ـ که‌همگی‌آن شریف است ـ؛ خدایا درخواست می‌کنم‌به

بِشَرَفِكَ كُلِّهِ. اَللّٰهُمَّ إِنّي أَسْئَلُکَ مِنْ سُلْطٰانِكَ بِأَدْوَمِهِ، وَ كُلُّ

حق‌تمامی شرفت. خدایا،از‌تو‌مسئلت‌دارم به‌حق جاودانه‌ترین سلطنت تو ـ که‌همگی آن

سُلْطٰانِكَ دٰآئِمٌ، اَللّٰهُمَّ إِنّي أَسْئَلُکَ بِسُلْطٰانِكَ كُلِّهِ. اَللّٰهُمَّ إِنّي

جاودانه است؛ خدایا درخواست می‌کنم به حق تمامی سلطنت تو. خدایا، از تو

أَسْئَلُکَ مِنْ مُلْكِكَ بِأَفْخَرِهِ، وَ كُلُّ مُلْكِكَ فٰاخِرٌ، اَللّٰهُمَّ إِنّي

مسئلت دارم به حق پرافتخارترین فرمانروائیت ـ که همگی آن افتخارآمیز است؛ خدایا درخواست می‌کنم

أَسْئَلُکَ بِمُلْكِكَ كُلِّهِ. اَللّٰهُمَّ إِنّي أَسْئَلُکَ مِنْ عُلُوِّكَ بِأَعْلاٰهُ،

به حق تمامی فرمانروائیت. خدایا، از تو مسئلت دارم به حق عالیترین برتری‌هایت

وَ كُلُّ عُلُوِّكَ عٰالٍ، اَللّٰهُمَّ إِنّي أَسْئَلُکَ بِعُلُوِّكَ كُلِّهِ. اَللّٰهُمَّ إِنّي

ـ‌که همگی آن عالیست؛ خدایا درخواست می‌کنم به حق تمامی برتری‌هایت. خدایا، از تو

أَسْئَلُکَ مِنْ مَنِّكَ بِأَقْدَمِهِ، وَ كُلُّ مَنِّكَ قَديمٌ، اَللّٰهُمَّ إِنّي أَسْئَلُکَ

مسئلت دارم به حق قدیمترین احسان تو و همه احسان تو قدیم است. خدایا از تو می‌خواهم

بِمَنِّكَ كُلِّهِ. اَللّٰهُمَّ إِنّي أَسْئَلُکَ مِنْ آيٰاتِكَ بِأَكْرَمِها، وَ كُلُّ

به حق تمامی احسانت. خدایا از تومسئلت دارم به حق گرامی‌ترین نشانه‌هایت ـ که همگی

اٰیاتِكَ كَریمَةٌ، اَللّٰهُمَّ إِنّی أَسْئَلُكَ بِاٰیاتِكَ كُلِّها. اَللّٰهُمَّ إِنّی

آن گرامی است؛ خداوندا، از تو مسئلت دارم به حق تمامی نشانه‌هایت. خداوندا، از تو

أَسْئَلُكَ بِما أَنْتَ فیهِ مِنَ الشَّأْنِ وَ الْجَبَرُوتِ، وَ أَسْئَلُكَ بِكُلِّ

مسئلت دارم به حق آنچه تو را بر آن تسلط و چیرگی است و از تو مسئلت دارم به حق

شَأْنٍ وَحْدَهُ وَ جَبَرُوتٍ وَحْدَها. اَللّٰهُمَّ إِنّی أَسْئَلُكَ بِما

هر یک از شایستگی و عظمت تو جداگانه ـ خداوندا، از تو مسئلت دارم بدانچه مرا

تُجیبُنی بِهِ حینَ أَسْئَلُكَ، فَأَجِبْنی یا اَللّٰهُ.[۱]

پاسخ می‌دهی ـ هر زمان که تو را می‌خوانم پس دعایم را اجابت فرما یا الله.

پس حاجتهای خود را بخواه! امید است که به اجابت برسد.

۲ـ خواندن «دعای ابو حمزهٔ ثُمالی»: بدان که این دعا، دعایی است والا و ارجمند، دارای جلالت قدر، عظمت منزلت، الفاظی زیبا، شرح حالی گویا، ترسیم ورود به محضر حضرت معبود بدون تشریفات، خلوت ممتد با محبوب بی مثال، اظهار همه ما فی الضمیر و محتوای دل به لحنی زیبا و بیانی گسترده، اظهار حال با عالم اسرار و نهان‌ها، استقصاء در شمارش الطاف و احسان او، اعترافی بس مؤدبانه و خاضعانه به قصور و تقصیرها، یادآوری مشروح از گذشتهٔ عمر، ترسیمی جامع از حالاتِ بدو تکلیف، تصویری وسیع از آیندهٔ خود و کیفیت سفر به عالم ابدیت و وصول به حضرت معبود.

وه! چه دعائی، چه مناجاتی، چه حضوری، چه توصیفی از واجد بهترین صفات، چه شرح حالی، چه ابراز امید و آرزوهائی.

این است معنی پرتوی از امام معصوم، آشنایی به آداب حضور، عرفان

---

۱. بحار الانوار / ۹۵ / ۹۴ـ۹۵. الاقبال / ۷۵ـ۷۸.

مناجات معبود، و تو ای بندۀ خالص او! علاوه بر آنکه در همۀ شبهای ماه رمضان این لقاء نورانی و عرفانی را انجام دهی، در اوقات دیگر نیز گاهگاهی هر چند به وسیلۀ بعضی از این دعای بزرگ راههای طولانی عالم دیگر را هموار، و نورانی و امن گردان و از لذائذ معنوی این دعا بهره وافی بَر، خدا انسان کاملت فرماید.

إِلٰهی لاٰ تُؤَدِّبْنی بِعُقُوبَتِكَ، وَ لاٰ تَمْكُرْ بی فی حیلَتِكَ، مِنْ
خدایا! مرا با مجازات خود ادب مفرما و به عقوبت ناگهانیت غافلگیر مکن. کجا

أَیْنَ لِیَ ٱلْخَیْرُ یٰا رَبِّ وَ لاٰ یُوجَدُ إِلّاٰ مِنْ عِنْدِكَ، وَ مِنْ أَیْنَ
نیکویی توانم یافت - ای پروردگار که نیکی جز پیش تو نیست و از کجا

لِیَ ٱلنَّجاٰةُ وَ لاٰ تُسْتَطاٰعُ إِلّاٰ بِكَ، لاَ ٱلَّذی أَحْسَنَ ٱسْتَغْنیٰ
رهایی خواهم یافت که جز به لطف تو رهایی میسر نیست. نه آن کس که نیکوکارست،

عَنْ عَوْنِكَ وَ رَحْمَتِكَ، وَ لَا ٱلَّذی أَسٰاءَ وَ ٱجْتَرَءَ عَلَیْكَ
از یاری تو بی‌نیاز است و نه آن کس که بدکارست و از تو فرمان نبرده

وَ لَمْ یُرْضِكَ خَرَجَ عَنْ قُدْرَتِكَ، یٰا رَبِّ یٰا رَبِّ یٰا رَبِّ...
و رضای تو را نخواسته، از قلمرو اقتدار تو بیرون است؛ ای پروردگار، ای پروردگار، ای پروردگار.

(بگو تا آن که نفس قطع شود) بِكَ عَرَفْتُكَ، وَ أَنْتَ دَلَلْتَنی عَلَیْكَ،
تو را به تو شناختم و تو مرا بر وجود خود دلالت فرمودی

وَ دَعَوْتَنی إِلَیْکَ، وَ لَوْ لاٰ أَنْتَ لَمْ أَدْرِ ماٰ أَنْتَ، ٱلْحَمْدُ لِلّٰهِ
و به سوی خویشم خواندی. اگر تو نبودی، نمی‌دانستم که چیستی. ستایش خدایی را

ٱلَّذی أَدْعُوهُ فَیُجیبُنی وَ إِنْ كُنْتُ بَطیئاً حینَ یَدْعُونی،
که او را می‌خوانم و مرا پاسخ می‌دهد؛ هرچند، وقتی او مرا می‌خواند کاهلی می‌کنم.

وَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذي أَسْئَلُهُ فَيُعْطيني وَ إِنْ كُنْتُ بَخيلاً حينَ

و ستایش خدایی را که هرچه از او خواهم می‌بخشاید؛ هر چند، هنگامی که او از من وامی طلب کند

يَسْتَقْرِضُني، وَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذي أُناديهِ كُلَّما شِئْتُ لِحاجَتي،

بخل می‌ورزم. و ستایش خدایی را که هرگاه بخواهم برای حاجت خود او را ندا کنم،

وَ أَخْلُو بِهِ حَيْثُ شِئْتُ لِسِرّي بِغَيْرِ شَفيعٍ فَيَقْضي لي حاجَتي،

و هر جا بخواهم برای راز دلم بدون واسطه با او خلوت کنم و او حاجت مرا برآورد.

وَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذي لا أَدْعُو غَيْرَهُ، وَ لَوْ دَعَوْتُ غَيْرَهُ لَمْ يَسْتَجِبْ

و ستایش خدایی را که غیر او را نخوانم و اگر غیر او را بخوانم دعایم را

لي دُعائي، وَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذي لا أَرْجُو غَيْرَهُ، وَ لَوْ رَجَوْتُ

مستجاب نمی‌کند و ستایش خدایی را که جز بدو امیدوار نیستم؛ چه، اگر به دیگری امید می‌بستم

غَيْرَهُ لَأَخْلَفَ رَجائي، وَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذي وَكَلَني إِلَيْهِ فَأَكْرَمَني،

مرا ناامید می‌گرداند. و ستایش خدایی را که کار مرا بر عهدهٔ خویش گرفت و عزیزم داشت

وَ لَمْ يَكِلْني إِلَى النّاسِ فَيُهينُوني، وَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذي تَحَبَّبَ

و به مردم وانگذاشت تا مردم خوارم گردانند. و ستایش خدایی را که مرا به دوستی

إِلَيَّ وَ هُوَ غَنِيٌّ عَنّي، وَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذي يَحْلُمُ عَنّي حَتّىٰ

برگزید، با آنکه از من بی‌نیاز بود. ستایش خدایی را که گناهانم را با بردباری بخشود،

كَأَنّي لا ذَنْبَ لي، فَرَبّي أَحْمَدُ شَيْءٍ عِنْدي وَ أَحَقُّ بِحَمْدي.

گویی گناهی از من سرنزده. پروردگارم ستوده‌ترین چیز من و سزاوارترین به ستایش من است.

اَللّٰهُمَّ إِنّي أَجِدُ سُبُلَ الْمَطالِبِ إِلَيْكَ مُشْرَعَةً وَ مَناهِلَ الرَّجاءِ

خداوندا، راه طلب را به سوی تو باز می‌بینم و چشمه‌های امید را نزد تو

إِلَيکَ مُتْرَعَةً، وَ ٱلإِسْتِعٰانَةَ بِفَضْلِكَ لِمَنْ أَمَّلَكَ مُباحَةً،

پرآب می‌یابم. و یاری جستن از فضل تو برای آنکه به تو امیدوار است رواست

وَ أَبْوابَ ٱلدُّعٰاءِ إِلَيْكَ لِلصّٰارِخِينَ مَفْتُوحَةً، وَ أَعْلَمُ أَنَّكَ

درهای دعای فریاد خواهان به سوی تو باز است. می‌دانم تو

لِلرّٰاجِينَ بِمَوْضِعِ إِجٰابَةٍ، وَ لِلْمَلْهُوفِينَ بِمَرْصَدِ إِغٰاثَةٍ، وَ أَنَّ

برآورندهٔ حاجت امیدوارانی و مراقب احوال پریشان خاطران. می‌دانم که

فِي ٱللَّهْفِ إِلىٰ جُودِكَ وَ ٱلرِضا بِقَضٰائِكَ عِوَضاً مِنْ مَنْعِ

تضرّع به امید کرم تو و راضی بودن به تقدیر تو، پاداشی است در برابر

ٱلْبٰاخِلِينَ، وَ مَنْدُوحَةً عَمّٰا فِي أَيْدِي ٱلْمُسْتَأْثِرِينَ، وَ أَنَّ

بخل بخیلان و راه چاره‌ای است از آنچه در دست خودخواهان است. و آنکه

ٱلرّٰاحِلَ إِلَيکَ قَرِيبُ ٱلْمَسافَةِ، وَ أَنَّكَ لاٰ تَحْتَجِبُ عَنْ خَلْقِكَ

به سوی تو سفر کند، راهی نزدیک سپرد و همانا تو از چشم خلق پنهان نیستی؛

إِلّٰا أَنْ تَحْجُبَهُمُ ٱلأَعْمٰالُ دُونَكَ، وَ قَدْ قَصَدْتُ إِلَيکَ بِطَلِبَتی،

جز آنکه کردارشان شهود جمالت را پوشانده. اما من در جستجوی توأم

وَ تَوَجَّهْتُ إِلَيکَ بِحٰاجَتِي، وَ جَعَلْتُ بِكَ ٱسْتِغٰاثَتِي، وَ بِدُعٰائِكَ

و حاجتم را نزد تو می‌آورم و به درگاه تو پناه می‌جویم؛ و به خواندن تو

تَوَسُّلِي، مِنْ غَيْرِ ٱسْتِحْقٰاقٍ لاِسْتِمٰاعِكَ مِنّي، وَ لاَ ٱسْتِيجٰابٍ

متوسل شده‌ام بی آنکه سزاوار باشم که دعایم را بشنوی و از سر تقصیرم

لِعَفْوِكَ عَنّي، بَلْ لِثِقَتِي بِكَرَمِكَ، وَ سُكُونِي إِلىٰ صِدْقِ

درگذری. تنها با امید به کرم تو و اعتماد به راستی

وَعْدِكَ، وَ لَجَأي إِلَى ٱلْإيمانِ بِتَوْحيدِكَ، وَ يَقيني بِمَعْرِفَتِك
وعده‌های تو و پناهم ایمان به یکتایی تو و یقین و معرفت

مِنّي، أَنْ لا رَبَّ لي غَيْرُكَ، وَ لا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ وَحْدَكَ لا شَريكَ
من به اینکه پروردگاری جز تو ندارم. و خدایی جز تو نیست، یکتا

لَكَ. اَللّٰهُمَّ أَنْتَ ٱلْقائِلُ وَ قَوْلُكَ حَقٌّ، وَ وَعْدُكَ صِدْقٌ،
و بی‌شریکی؛ خداوندا تو خود گفته‌ای، سخن تو حق و وعده‌ات راست است:

وَ ٱسْئَلُوا ٱللّٰهَ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ ٱللّٰهَ كانَ بِكُمْ رَحيماً. وَ لَيْسَ مِنْ
از فضل خدا بخواهید که‌او به شما بندگان مهربان است. مولای من،

صِفاتِكَ يا سَيِّدي، أَنْ تَأْمُرَ بِالسُّؤالِ وَ تَمْنَعَ ٱلْعَطِيَّةَ، وَ أَنْتَ
از صفات تو نیست که امر کنی به درخواست کردن و عطای خود را دریغ فرمائی. و حال

ٱلْمَنّانُ بِالْعَطِيّاتِ عَلىٰ أَهْلِ مَمْلَكَتِكَ، وَ ٱلْعائِدُ عَلَيْهِمْ
آنکه بخشندگی تو بر بندگانت بیشمار است و مهربانی تو برایشان

بِتَحَنُّنِ رَأْفَتِكَ، إِلٰهي رَبَّيْتَني في نِعَمِكَ وَ إِحْسانِكَ صَغيراً،
پی‌درپی است. خداوندا، کودکی بیش نبودم که مرا به نعمت و احسان خود پروراندی

وَ نَوَّهْتَ بِاسْمي كَبيراً، فَيا مَنْ رَبّاني فِي ٱلدُّنْيا بِإِحْسانِهِ
و در بزرگی سربلندم ساختی؛ پس ای پروردگاری که مرا در دنیا به بزرگی

وَ تَفَضُّلِهِ وَ نِعَمِهِ، وَ أَشارَ لي فِي ٱلْآخِرَةِ إِلىٰ عَفْوِهِ وَ كَرَمِهِ،
و احسانت پرورش دادی و در آخرت به آمرزش و کرم خویش امیدوارم ساختی.

مَعْرِفَتي يا مَوْلايَ دَليلي عَلَيْكَ، وَ حُبّي لَكَ شَفيعي إِلَيْكَ،
مولای من، شناختم از تو، رهنمایم به سوی توست و محبتم شفیع من در پیشگاه تو.

وَ أَنَا وَاثِقٌ مِنْ دَليلي بِدَلالَتِكَ، وَ ساكِنٌ مِنْ شَفيعي إِلىٰ
از رهنمای خود مطمئنم که تو رهنمای منی و از شفیعم به

شَفاعَتِكَ، أَدْعُوكَ يا سَيِّدي بِلِسانٍ قَدْ أَخْرَسَهُ ذَنْبُهُ، رَبِّ
شفاعت تو آسوده‌ام. ترا می‌خوانم ای سرور من، با زبانی که گناه آنرا بسته است، پروردگارا

أُناجيكَ بِقَلْبٍ قَدْ أَوْبَقَهُ جُرْمُهُ، أَدْعُوكَ يا رَبِّ راهِباً راغِباً
با تو مناجات می‌کنم با دلی که از خطاکاری در ورطهٔ هلاک افتاده، تو را می‌خوانم. پروردگارا، ترسان و با اشتیاق

راجِياً خائِفاً، إِذا رَأَيْتُ مَوْلايَ ذُنُوبي فَزِعْتُ، وَ إِذا رَأَيْتُ
امیدوار و هراسان چون گناهان خود را می‌بینم می‌لرزم و چون به احسان تو

كَرَمَكَ طَمِعْتُ، فَإِنْ عَفَوْتَ فَخَيْرُ راحِمٍ، وَ إِنْ عَذَّبْتَ فَغَيْرُ
می‌نگرم، طمع می‌ورزم؛ اگربر من ببخشایی تو بهترین‌بخشندگانی و اگرعذابم دهی

ظالِمٍ، حُجَّتي يا اَللّٰهُ في جُرْأَتي عَلىٰ مَسْئَلَتِكَ مَعَ إِتْياني
ستم نکرده‌ای. خدایا حجت من در جرأت خواستن از تو با آنکه کاری که تو نمی‌پسندی

ما تَكْرَهُ، جُودُكَ وَ كَرَمُكَ، وَ عُدَّتي في شِدَّتي مَعَ قِلَّةِ حَيائي
مرتکب شده‌ام جود و کرم توست. و ذخیره‌ام در سختی با وجود بی شرمی من

رَأْفَتُكَ وَ رَحْمَتُكَ، وَ قَدْ رَجَوْتُ أَنْ لا تَخيبَ بَيْنَ ذَيْنِ
بخشایش و رأفت توست. امیدوارم مرا با این امید و آرزوها

وَ ذَيْنِ مُنْيَتي، فَحَقِّقْ رَجائي وَ اسْمَعْ دُعائي، يا خَيْرَ مَنْ
نومید نسازی، آرزویم را برآور و دعایم را اجابت کن: ای بهترین کسی که

دَعاهُ داعٍ، وَ أَفْضَلَ مَنْ رَجاهُ راجٍ، عَظُمَ يا سَيِّدي أَمَلي
اهل دعا به سویش روآورند و امیدواران بدو دل ببندند. مولای من، آرزویم بزرگ

وَ سٰاءَ عَمَلي، فَأَعْطِني مِنْ عَفْوِكَ بِمِقْدٰارِ أَمَلي، وَ لاٰ تُؤٰاخِذْني

و کردارم ناپسند است؛ تو بخشایش خویش را به اندازهٔ آرزویم ارزانی دار و مرا به بدترین

بِأَسْوَءِ عَمَلي فَإِنَّ كَرَمَكَ يَجِلُّ عَنْ مُجٰازٰاةِ ٱلْمُذْنِبينَ، وَ حِلْمَكَ

گناهم مؤاخذه مکن. چون کرمت از حد مجازات گنهکاران برتر است و شکیبائیت

يَكْبُرُ عَنْ مُكٰافٰاةِ ٱلْمُقَصِّرينَ، وَ أَنٰا يٰا سَيِّدي عٰائِذٌ بِفَضْلِكَ،

بیشتر از آن که تبهکاران را کیفر دهی. مولای من، به بزرگواریت پناهنده‌ام

هٰارِبٌ مِنْكَ إِلَيْکَ، مُتَنَجِّزٌ مٰا وَعَدْتَ مِنَ ٱلصَّفْحِ عَمَّنْ أَحْسَنَ

و از خشم تو به لطفت می‌گریزم. امیدوار به وعدهٔ توام که از کسی که گمان نیکو

بِكَ ظَنّاً، وَ مٰا أَنٰا يٰا رَبِّ وَ مٰا خَطَري، هَبْني بِفَضْلِكَ،

به تو دارد گذشت نمائی. پروردگارا من کیستم و چه اهمیتی دارم؟ به فضل خود از گناهم درگذر

وَ تَصَدَّقْ عَلَيَّ بِعَفْوِكَ، أَيْ رَبِّ جَلِّلْني بِسِتْرِكَ، وَ ٱعْفُ عَنْ

و به عفو خویش بر من منت گذار. پروردگارا بدی مرا بپوشان و به کرم خود

تَوْبيخي بِكَرَمِ وَجْهِكَ، فَلَوِ ٱطَّلَعَ ٱلْيَوْمَ عَلىٰ ذَنْبي غَيْرُكَ

از توبیخ کردن من در گذر اگر امروز جز تو کسی از گناهم آگاه می‌شد

مٰا فَعَلْتُهُ، وَ لَوْ خِفْتُ تَعْجيلَ ٱلْعُقُوبَةِ لَاجْتَنَبْتُهُ، لاٰ لِأَنَّكَ

هرگز گناه نمی‌کردم و اگر از شتاب کیفر ترسی داشتم از آن دوری می‌جستم؛ نه از آن

أَهْوَنُ ٱلنّٰاظِرينَ وَ أَخَفُّ ٱلْمُطَّلِعينَ، بَلْ لِأَنَّكَ يٰا رَبِّ خَيْرُ

بابت که تو از دیگر ناظران کم اهمیت‌تری؛ بلکه بدان سبب که تو بهترین

ٱلسّٰاتِرينَ، وَ أَحْكَمُ ٱلْحٰاكِمينَ، وَ أَكْرَمُ ٱلْأَكْرَمينَ، سَتّٰارُ

پرده‌پوشان و نیکوترین حکمفرمایان و بزرگوارترین بخشندگانی؛ پوشندهٔ

اَلْعُيُوبِ، غَفّارُ الذُّنُوبِ، عَلاّمُ الْغُيُوبِ، تَسْتُرُ الذَّنْبَ بِكَرَمِكَ،

کاستیها و بخشندهٔ گناهانی؛ از رازهای نهان باخبری و گناه بندگان را با کرمت بپوشانی

وَ تُؤَخِّرُ الْعُقُوبَةَ بِحِلْمِكَ فَلَكَ الْحَمْدُ عَلىٰ حِلْمِكَ بَعْدَ

و در کیفر آنان از سر بردباری تأخیر رواداری؛ پس تو را حمد بر بردباریت

عِلْمِكَ، وَ عَلىٰ عَفْوِكَ بَعْدَ قُدْرَتِكَ، وَ يَحْمِلُني وَ يُجَرِّئُني

بعد از علم تو و حمد بر بخشش تو پس از توانائیت. بردباری تو، به گناهم

عَلىٰ مَعْصِيَتِكَ حِلْمُكَ عَنّي، وَ يَدْعُوني إِلىٰ قِلَّةِ الْحَياءِ

می‌کشاند و جرأت می‌بخشد و پرده پوشی تو مرا، به بی‌پروائی

سِتْرُكَ عَلَيَّ، وَ يُسْرِعُني إِلَى التَّوَثُّبِ عَلىٰ مَحارِمِكَ مَعْرِفَتي

می‌خواند و آگاهی من از رحمت بی‌پایان و بزرگی بخشایش تو،

بِسَعَةِ رَحْمَتِكَ وَ عَظيمِ عَفْوِكَ، يا حَليمُ يا كَريمُ، يا حَيُّ

مرا بر آنچه حرام کردی می‌گمارد. ای بردبار ای بزرگوار ای زنده

يا قَيُّومُ، يا غافِرَ الذَّنْبِ، يا قابِلَ التَّوْبِ، يا عَظيمَ الْمَنِّ،

ای پاینده، ای بخشایندهٔ گناه ای پذیرای توبه، ای بزرگ منّت

يا قَديمَ الْإِحْسانِ، أَيْنَ سَتْرُكَ الْجَميلُ، أَيْنَ عَفْوُكَ الْجَليلُ،

ای احسان کنندهٔ دیرین، کجاست پرده پوشی زیبا و بخشایش بزرگوارانهٔ تو؟

أَيْنَ فَرَجُكَ الْقَريبُ أَيْنَ غِياثُكَ السَّريعُ، أَيْنَ رَحْمَتُكَ الْواسِعَةُ،

کجاست گشایش نزدیک تو و کجاست فریادرسی سریع تو؟ کجاست رحمت گسترده

أَيْنَ عَطاياكَ الْفاضِلَةُ، أَيْنَ مَواهِبُكَ الْهَنيئَةُ، أَيْنَ صَنائِعُكَ

و بخشش‌های نیکوی تو؟ کجاست نعمتهای گوارا و جوایز

اَلسَّنِيَّةُ،أَيْنَ فَضْلُكَ اَلْعَظيمُ، أَيْنَ مَنُّكَ اَلْجَسيمُ، أَيْنَ إِحْسانُكَ

شایان تو؟ کجاست منّت و احسان بزرگ و دیرین

اَلْقَديمُ، أَيْنَ كَرَمُكَ يا كَريمُ، بِهِ وَ بِمُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ

تو؟ کجاست کرامت تو، ای کریم ؟ سوگند به آن کرم و به محمد و خاندان او،

فَاسْتَنْقِذْني، وَ بِرَحْمَتِكَ فَخَلِّصْني، يا مُحْسِنُ يا مُجْمِلُ

مرا نجات ده و سوگند به رحمتت رهانیم بخش. ای نکوکار، ای فزاینده،

يا مُنْعِمُ يا مُفْضِلُ، لَسْتُ أَتَّكِلُ فِي اَلنَّجاةِ مِنْ عِقابِكَ عَلىٰ

ای نعمت بخش و ای بزرگوار، در رهایی خود از عذاب تو بر اعمال خود

أَعْمالِنا،بَلْ بِفَضْلِكَ عَلَيْنا،لِأَنَّكَ أَهْلُ اَلتَّقْوىٰ وَ أَهْلُ اَلْمَغْفِرَةِ،

متکی نیستیم و تنها نظر به فضل تو داریم. تو شایسته‌ای که خلق از تو بیمناک و به آمرزشت امیدوار باشند.

تُبْدِئُ بِالْإِحْسانِ نِعَماً، وَ تَعْفُو عَنِ اَلذَّنْبِ كَرَماً ، فَما نَدْري

با احسان نعمتها را آغاز می‌کنی و ازگناه با بزرگواری درمی‌گذری. نمی‌دانم

ما نَشْكُرُ أَجَميلَ ما تَنْشُرُ، أَمْ قَبيحَ ما تَسْتُرُ، أَمْ عَظيمَ ما أَبْلَيْتَ

شکر کدام را بگزارم: شکر نیکیهایی که مرا بدان شناساندی، یا بدیهایی که پرده‌پوشی کردی، یا بلاهای بزرگ که

وَ أَوْلَيْتَ، أَمْ كَثيرَ ما مِنْهُ نَجَّيْتَ وَ عافَيْتَ.يا حَبيبَ مَنْ تَحَبَّبَ

آسان ساختی و رهایی بخشیدی. یا حوادث بسیاری که نجات دادی و عافیت بخشیدی ای دوستدار کسی که تو را

إِلَيْکَ،وَ يا قُرَّةَ عَيْنِ مَنْ لاذَ بِكَ وَ اَنْقَطَعَ إِلَيْکَ،أَنْتَ اَلْمُحْسِنُ

دوست دارد و ای نور چشم کسی که پناه به تو آرد و از همه بگسلد، تو نکوکاری

وَ نَحْنُ اَلْمُسيئُونَ، فَتَجاوَزْ يا رَبِّ عَنْ قَبيحِ ما عِنْدَنا بِجَميلِ

و ما همه بدکار؛ پس پروردگارا از بدیَ ما به نیکویی

مٰا عِنْدَكَ، وَ أَيُّ جَهْلٍ يٰا رَبِّ لاٰ يَسَعُهُ جُودُكَ، أَوْ أَيُّ زَمٰانٍ

خود درگذر. کدامین نادانی است که لطف تو آن را فرا نگیرد و کدامین زمان از بردباری

أَطْوَلُ مِنْ أَنٰاتِكَ، وَ مٰا قَدْرُ أَعْمٰالِنٰا فِي جَنْبِ نِعَمِكَ، وَ كَيْفَ

و نیکوکاری تو بیشتر است. چه ارزشی دارد کارهای ما در مقایسه با نعمتهای تو و چگونه کارهایی

نَسْتَكْثِرُ أَعْمٰالاً نُقٰابِلُ بِهٰا كَرَمَكَ، بَلْ كَيْفَ يَضِيقُ عَلَى ٱلْمُذْنِبِينَ

را با وجود لطف بی‌پایان تو بسیار بدانیم؟ آری، چگونه عرصه بر گناهکاران

مٰا وَسِعَهُمْ مِنْ رَحْمَتِكَ، يٰا وٰاسِعَ ٱلْمَغْفِرَةِ يٰا بٰاسِطَ ٱلْيَدَيْنِ

با وجود رحمت واسعهٔ تو تنگ خواهد شد؟ ای آمرزندهٔ بی‌حساب و ای گشاده دست

بِالرَّحْمَةِ،فَوَعِزَّتِكَ يٰا سَيِّدِي لَوْ نَهَرْتَنِي مٰا بَرِحْتُ مِنْ بٰابِكَ،

مهربان، قسم به عزت تو ای سرور من، اگر مرا از درگاهت برانی هرگز درگاهت را رها نکنم

وَ لاٰ كَفَفْتُ عَنْ تَمَلُّقِكَ لِمَا ٱنْتَهىٰ إِلَيَّ مِنَ ٱلْمَعْرِفَةِ بِجُودِكَ

و از خضوع در برابرت دست برندارم؛ به جهت شناختی که از کرم بی‌پایان و بزرگواری

وَ كَرَمِكَ، وَ أَنْتَ ٱلْفٰاعِلُ لِمٰا تَشٰاءُ، تُعَذِّبُ مَنْ تَشٰاءُ بِمٰا تَشٰاءُ

تو دارم. توهرچه بخواهی‌می‌کنی، هرکه را خواهی ـ به‌هر قدر و هرگونه عذاب فرمایی

كَيْفَ تَشٰاءُ،وَ تَرْحَمُ مَنْ تَشٰاءُ بِمٰا تَشٰاءُ كَيْفَ تَشٰاءُ، لاٰ تُسْئَلُ

و هرکه را خواهی ـ به هر قدر و هرگونه رحمت آوری. در کار تو چون

عَنْ فِعْلِكَ، وَ لاٰ تُنٰازَعُ فِي مُلْكِكَ، وَ لاٰ تُشٰارَكُ فِي أَمْرِكَ

و چرا نیست. ستیزه جوئی در فرمانروائیت نیست؛ شرکت در امور تو نیست

وَ لاٰ تُضٰادُّ فِي حُكْمِكَ،وَ لاٰ يَعْتَرِضُ عَلَيْكَ أَحَدٌ فِي تَدْبِيرِكَ،

و با حکم تو ضدیّت نمی‌شود هیچ کس بر تدبیرت خرده نگیرد.

لَكَ اَلْخَلْقُ وَ اَلْأَمْرُ تَبارَكَ اَللّٰهُ رَبُّ اَلْعالَمينَ. يا رَبِّ هٰذا

آفرینش و فرمان مخصوص تست پاک و منزه است خدا پروردگار عالم. پروردگارا، اینست

مَقامُ مَنْ لاٰذَ بِكَ وَ اَسْتَجارَ بِكَرَمِكَ وَ أَلِفَ إِحْسانَكَ وَ نِعَمَكَ،

مقام آنکس که به سوی تو روی آورده، و به کرمت پناه برده و با احسان و نعمتهایت خو گرفته‌است.

وَ أَنْتَ اَلْجَوٰادُ اَلَّذي لاٰ يَضيقُ عَفْوُكَ، وَ لاٰ يَنْقُصُ فَضْلُكَ،

تو آن بخشنده‌ای که بخشندگیت تنگ نیست و فضل تو نقصان نپذیرد

وَ لاٰ تَقِلُّ رَحْمَتُكَ، وَ قَدْ تَوَثَّقْنا مِنْكَ بِالصَّفْحِ اَلْقَديمِ،

مهر تو کاستی ندارد. و ما به‌بخشایش دیرین و فضل بی‌پایان و رحمت

وَ اَلْفَضْلِ اَلْعَظيمِ وَ اَلرَّحْمَةِ اَلْواسِعَةِ، أَفَتَراكَ يا رَبِّ تُخْلِفُ

بی‌انتهای تو اطمینان و اعتماد داریم. آیا می‌توان‌پنداشت که تو برخلاف گمانی که به حضرتت

ظُنُونَنا، أَوْ تُخَيِّبُ آمالَنا، كَلاّٰ يا كَريمُ، فَلَيْسَ هٰذا ظَنُّنا بِكَ،

داریم رفتارکنی و ما را از آرزوهایمان بی‌نصیب سازی؟ هرگز ای کریم نه این گمان به تو بریم

وَ لاٰ هٰذا فيكَ طَمَعُنا، يا رَبِّ إِنَّ لَنا فيكَ أَمَلاً طَويلاً كَثيراً،

و نه چنین طمعی داریم پروردگارا به تو امید فراوان و بسیار داریم.

إِنَّ لَنا فيكَ رَجاءً عَظيماً، عَصَيْناكَ وَ نَحْنُ نَرْجُو أَنْ تَسْتُرَ

از تو انتظار بزرگ داریم، از تو نافرمانی کرده‌ایم و امید پرده‌پوشی

عَلَيْنا، وَ دَعَوْناكَ وَ نَحْنُ نَرْجُو أَنْ تَسْتَجيبَ لَنا، فَحَقِّقْ

داریم؛ تو را به دعا خوانده‌ایم و امید اجابت داریم. مولای ما

رَجائَنا مَوْلانا فَقَدْ عَلِمْنا ما نَسْتَوْجِبُ بِأَعْمالِنا، وَ لٰكِنْ عِلْمُكَ

آرزوی ما را برآور، که سزای کارهای زشت خود را دانسته‌ایم. اما تو به

فِينٰا وَ عِلْمُنٰا بِأَنَّكَ لاٰ تَصْرِفُنٰا عَنْكَ، وَ إِنْ كُنّٰا غَيْرَ مُسْتَوْجِبينَ

احوال ما آگاهی و ما نیز می‌دانیم که از درگاه تو دست خالی باز نگردیم. هرچند سزاوار

لِرَحْمَتِكَ،فَأَنْتَ أَهْلٌ أَنْ تَجُودَ عَلَيْنٰا وَ عَلَى ٱلْمُذْنِبينَ بِفَضْلِ

لطف تو نیستیم با اینهمه تو شایستهٔ آنی که بر ما و دیگر گناهکاران و با

سَعَتِكَ فَامْنُنْ عَلَيْنٰا بِمٰا أَنْتَ أَهْلُهُ، وَ جُدْ عَلَيْنٰا فَإِنّٰا مُحْتٰاجُونَ

بزرگواریت بخشش فرمایی. تو بدانچه سزاوار توست با ما رفتار کن و به ما جود کن که محتاج

إِلىٰ نَيْلِكَ، يٰا غَفّٰارُ بِنُورِكَ ٱهْتَدَيْنٰا، وَ بِفَضْلِكَ ٱسْتَغْنَيْنٰا،

عطای توایم. ای خدای آمرزنده، ما را به فروغ هدایت خویش رهنما بودی و به فضل خود، بی‌نیازمان فرمودی.

وَ بِنِعْمَتِكَ أَصْبَحْنٰا وَ أَمْسَيْنٰا، ذُنُوبُنٰا بَيْنَ يَدَيْكَ نَسْتَغْفِرُكَ

و با نعمت تو شب و روز را سپری کردیم، گناهمان نزد تو آشکار است. خداوندا، از تو

اَللّٰهُمَّ مِنْهٰا وَ نَتُوبُ إِلَيْکَ، تَتَحَبَّبُ إِلَيْنٰا بِالنِّعَمِ، وَ نُعٰارِضُكَ

طلب آمرزش آنها را داریم و به درگاهت توبه می‌کنیم. تو با نعمتهای خود در حق ما دوستی می‌کنی

بِالذُّنُوبِ، خَيْرُكَ إِلَيْنٰا نٰازِلٌ وَ شَرُّنٰا إِلَيْکَ صٰاعِدٌ، وَ لَمْ يَزَلْ

ما در مقابل مرتکب گناه می‌گردیم. برکات تو برما فرود می‌آید و بدکاری مابه سوی‌تو بالا می‌رود. پیوسته

وَ لاٰ يَزٰالُ مَلَكٌ كَرِيمٌ يَأْتيكَ عَنّٰا بِعَمَلٍ قَبيحٍ، فَلاٰ يَمْنَعُكَ

و همیشه فرشته‌ای گرامی عمل زشت ما را بسوی تو می‌آورد امّا این ترا باز نمی‌دارد

ذٰلِكَ مِنْ أَنْ تَحُوطَنٰا بِنِعَمِکَ وَ تَتَفَضَّلَ عَلَيْنٰا بِالآئِکَ، فَسُبْحٰانَکَ

از آنکه نعمتهایت را به ما گسترش دهی و با نیکیهایت بر ما تفضّل فرمایی. تو منزهی

مٰا أَحْلَمَکَ وَ أَعْظَمَکَ وَ أَكْرَمَكَ مُبْدِئاً وَ مُعيداً، تَقَدَّسَتْ

و چه بردباری و چه بزرگواری و چه کریمی در آغاز و انجام. نامهای تو

أَسْمٰاؤُكَ وَ جَلَّ ثَنٰاؤُكَ،وَ كَرُمَ صَنٰائِعُكَ وَ فِعٰالُكَ، أَنْتَ إِلٰهي

مقدس است و ستایش تو جلیل است. و صنع و افعال تو همه گرامی است. ای خدای من

أَوْسَعُ فَضْلاً وَأَعْظَمُ حِلْماً مِنْ أَنْ تُقٰايِسَني بِفِعْلي وَ خَطيئَتي،

فضل تو گسترده‌تر و بردباری تو بزرگتر از آنست که با رفتار و خطای من مقایسه شود.

فَالْعَفْوَ اَلْعَفْوَ اَلْعَفْوَ، سَيِّدي سَيِّدي سَيِّدي. اَللّٰهُمَّ اَشْغَلْنٰا

از من درگذر، از من درگذر، از من درگذر، سرور من، سرور من، سرور من. خداوندا، ما را

بِذِكْرِكَ، وَ أَعِذْنٰا مِنْ سَخَطِكَ، وَ أَجِرْنٰا مِنْ عَذٰابِكَ وَ اَرْزُقْنٰا

به یاد خود مشغول ساز و از خشمت در امان دار و از عذابمان رهایی ده. بخشایش خود را

مِنْ مَوٰاهِبِكَ، وَ أَنْعِمْ عَلَيْنٰا مِنْ فَضْلِكَ، وَ اَرْزُقْنٰا حَجَّ بَيْتِكَ

روزی ما گردان و از راه بزرگواری با ما به نیکویی رفتار کن و حج خانه‌ات

وَ زِيٰارَةَ قَبْرِ نَبِيِّكَ صَلَوٰاتُكَ وَ رَحْمَتُكَ وَ مَغْفِرَتُكَ وَ رِضْوٰانُكَ

و زیارت قبر رسولت را ـ که صلوات و رحمت و مغفرت و خشنودی تو

عَلَيْهِ وَ عَلىٰ أَهْلِ بَيْتِهِ، إِنَّكَ قَريبٌ مُجيبٌ، وَ اَرْزُقْنٰا عَمَلاً

بر او و خاندانش باد نصیب فرما؛ که تو با دلها نزدیک و دعای ما را اجابت می‌کنی. عمل

بِطٰاعَتِكَ، وَ تَوَفَّنٰا عَلىٰ مِلَّتِكَ وَ سُنَّةِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

به طاعتت و مردن بر آیین و سنّت پیغمبرت را ـ که صلوات خدا بر او و خاندانش باد

وَ آلِهِ. اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لي وَ لِوٰالِدَيَّ وَ اَرْحَمْهُمٰا كَمٰا رَبَّيٰاني

نصیبمان کن. خدایا مرا و پدر و مادرم را بیامرز و بر آن دو رحمت فرست همانطور که در کودکی مرا

صَغيراً، إِجْزِهِمٰا بِالْإِحْسٰانِ إِحْسٰاناً وَ بِالسَّيِّئٰاتِ غُفْرٰاناً.

پرورش دادند؛ نیکو کاریشان را پاداش ده و گناهشان را ببخش.

اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنينَ وَالْمُؤْمِناتِ، اَلْاَحْياءِ مِنْهُمْ وَ الْأَمْواتِ،
خداوندا، مردان و زنان مؤمن را از زندگان و مردگان بیامرز

وَ تابِعْ بَيْنَنا وَ بَيْنَهُمْ بِالْخَيْراتِ. اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِحَيِّنا وَ مَيِّتِنا،
و میان ما را با آنان پیوند نیک ده. خداوندا، مسلمین زنده و مرده،

وَ شاهِدِنا وَ غائِبِنا، ذَكَرِنا وَ أُنْثانا، صَغيرِنا وَ كَبيرِنا، حُرِّنا
حاضر و غایب از زن و مرد، بزرگ و کوچک، آزاد و بنده همه

وَ مَمْلُوكِنا، كَذَبَ الْعادِلُونَ بِاللهِ وَ ضَلُّوا ضَلالاً بَعيداً وَ خَسِرُوا
را بیامرز. دروغ گویند منحرفان از خدا و به گمراهی سختی افتادند و زیان کارند

خُسْراناً مُبيناً. اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اخْتِمْ لي
زیانی آشکار. خداوندا، بر محمد و خاندانش صلوات فرست و کارم را به نیکویی

بِخَيْرٍ، وَ اكْفِني ما أَهَمَّني مِنْ أَمْرِ دُنْيايَ وَ آخِرَتي،
پایان بخش و آنچه را که در دنیا و آخرت بکار آید، کفایت فرما؛

وَ لا تُسَلِّطْ عَلَيَّ مَنْ لا يَرْحَمُني وَ اجْعَلْ عَلَيَّ مِنْكَ واقِيَةً
و آنکه دلسوز نیست بر من مسلط مگردان و پیوسته از جانب خود نگهبانی

باقِيَةً، وَ لا تَسْلُبْني صالِحَ ما أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ، وَ ارْزُقْني مِنْ
بر من گمار. آنچه را که از نعمت‌های نیکو به من بخشیده‌ای باز مگیر و با بزرگواری خود

فَضْلِكَ رِزْقاً واسِعاً حَلالاً طَيِّباً. اَللّٰهُمَّ احْرُسْني بِحَراسَتِكَ،
روزی فراوان، حلال و پاکیزه عطا فرما. خداوندا، در پناه خود و در سایهٔ حمایتت

وَ احْفَظْني بِحِفْظِكَ، وَ اكْلَأْني بِكَلائَتِكَ، وَ ارْزُقْني حَجَّ
نگاهم دار و پاسداریم کن. و با امان خود مرا امان ده، در این سال،

بَيْتِكَ ٱلْحَرامِ، في عامِنا هٰذا وَ في كُلِّ عامٍ، وَ زِيارَةَ قَبْرِ
و همه سالها زیارت خانهات و زیارت مزار

نَبِيِّكَ وَ ٱلأَئِمَّةِ عَلَيْهِمُ ٱلسَّلامُ، وَ لا تُخْلِني يا رَبِّ مِنْ تِلْكَ
پیامبر و امامان را - که سلام بر آنان باد - نصیبم فرما و از آن

ٱلْمَشاهِدِ ٱلشَّريفَةِ، وَ ٱلْمَواقِفِ ٱلْكَريمَةِ. ٱللّٰهُمَّ تُبْ عَلَيَّ
مشاهده مشرفه و جایگاههای عالی بی‌نصیبم مساز. خداوندا، مرا به توبه‌ای برانگیز

حَتّىٰ لا أَعْصِيَكَ وَ أَلْهِمْنِي ٱلْخَيْرَ وَ ٱلْعَمَلَ بِهِ، وَ خَشْيَتَكَ
که از فرمانت سرنپیچم و کار خیر و عمل به آن را به من الهام کن و ترس از خودت

بِاللَّيْلِ وَ ٱلنَّهارِ، ما أَبْقَيْتَني يا رَبَّ ٱلْعالَمينَ. ٱللّٰهُمَّ إِنّي
را ای پروردگار عالم، تا زنده‌ام در شب و روز در دلم انداز. خداوندا، من

كُلَّما قُلْتُ قَدْ تَهَيَّأْتُ وَ تَعَبَّأْتُ وَ قُمْتُ لِلصَّلوٰةِ بَيْنَ يَدَيْكَ
همین که خویش را مهیای طاعتت ساختم و در پیشگاهت به نماز و راز

وَ ناجَيْتُكَ أَلْقَيْتَ عَلَيَّ نُعاساً إِذا أَنَا صَلَّيْتُ، وَ سَلَبْتَني مُناجاتَكَ
و نیاز ایستادم، در حال نماز غفلت مرا ربود و حضور قلب و مناجات را

إِذا أَنَا ناجَيْتُ،ما لي كُلَّما قُلْتُ قَدْ صَلُحَتْ سَريرَتي، وَ قَرُبَ
از من بازگرفتی. مرا چه شده است که هر وقت بگویم درونم اصلاح شده است. و با

مِنْ مَجالِسِ ٱلتَّوّابينَ مَجْلِسي، عَرَضَتْ لي بَلِيَّةٌ أَزالَتْ قَدَمي،
توبه کاران همنشین شده‌ام پیشامدی برایم رخ می‌دهد که گامهای مرا سست می‌کند

وَ حالَتْ بَيْني وَبَيْنَ خِدْمَتِكَ،سَيِّدي لَعَلَّكَ عَنْ بابِكَ طَرَدْتَني
و از خدمتگذاریت بازمی‌دارد. سرور من، شاید تو مرا از در خویش رانده

وَ عَنْ خِدْمَتِكَ نَحَّيْتَني، أَوْ لَعَلَّكَ رَأَيْتَني مُسْتَخِفّاً بِحَقِّكَ
و از خدمتگزاری دورم ساخته‌ای؛ یا شاید نگریستی که در حق تو کوتاهی می‌کنم و از خدمت

فَأَقْصَيْتَني، أَوْ لَعَلَّكَ رَأَيْتَني مُعْرِضاً عَنْكَ فَقَلَيْتَني، أَوْ لَعَلَّكَ
دورم ساختی؛ یا آنکه دیدی روی از تو گردانده‌ام و مرا بد داشتی؛ یا آنکه

وَجَدْتَني في مَقامِ الْكاذِبينَ فَرَفَضْتَني، أَوْ لَعَلَّكَ رَأَيْتَني
دروغگویم شناختی و مرا طرد کردی؛ یا شاید مرا ناسپاس

غَيْرَ شاكِرٍ لِنَعْمائِكَ فَحَرَمْتَني، أَوْ لَعَلَّكَ فَقَدْتَني مِنْ مَجالِسِ
دیدی و از نعمت‌هایت محرومم ساختی و یا آنکه مرا در محفل

الْعُلَماءِ فَخَذَلْتَني، أَوْ لَعَلَّكَ رَأَيْتَني فِي الْغافِلينَ فَمِنْ رَحْمَتِكَ
عالمان نیافتی و خوار نمودی؛ شاید در زمرهٔ بی‌خبرانم یافتی که از رحمتت

ايَسْتَني، أَوْ لَعَلَّكَ رَأَيْتَني آلِفَ مَجالِسِ الْبَطّالينَ فَبَيْني
ناامید ساختی؛ یا مگر دیدی با فاسدان الفت دارم و مرا در

وَ بَيْنَهُمْ خَلَّيْتَني، أَوْ لَعَلَّكَ لَمْ تُحِبَّ أَنْ تَسْمَعَ دُعائي فَباعَدْتَني،
جمع آنان گذاشتی؛ یا شاید شنیدن دعایم را دوست نداشتی و از درگاه خود مرا دورکردی؛

أَوْ لَعَلَّكَ بِجُرْمي وَ جَريرَتي كافَيْتَني، أَوْ لَعَلَّكَ بِقِلَّةِ حَيائي
یا آنکه مرا به جرم و گناهم مکافات می‌دهی، یا شاید برای حیا نکردن

مِنْكَ جازَيْتَني، فَإِنْ عَفَوْتَ يا رَبِّ فَطالَ ما عَفَوْتَ عَنِ
مرا مجازات می‌کنی؛ پروردگارا، اگر بر من ببخشایی، کاری است که پیوسته در حق

الْمُذْنِبينَ قَبْلي، لِأَنَّ كَرَمَكَ أَيْ رَبِّ يَجِلُّ عَنْ مُكافاتِ
گنهکاران پیش از من کرده‌ای؛ چرا که کرم تو - پروردگارا از مکافات

اَلْمُقَصِّرِينَ وَ أَنَا عائِذٌ بِفَضْلِكَ، هارِبٌ مِنْكَ إِلَيْكَ، مُتَنَجِّزٌ
گنهکاران برتر است و من به بزرگواریت پناه آورده‌ام و از تو به تو می‌گریزم و به امید

ما وَعَدْتَ مِنَ اَلصَّفْحِ عَمَّنْ أَحْسَنَ بِكَ ظَنّاً. إِلٰهي أَنْتَ
وعده‌ات در بخشودن گنهکاری که به تو گمان نیک دارد، ایستاده‌ام. خدای من، بزرگواری

أَوْسَعُ فَضْلاً وَ أَعْظَمُ حِلْماً مِنْ أَنْ تُقايِسَني بِعَمَلي. أَوْ أَنْ
و رحمت تو گسترده‌تر و بردباریت عالی‌تر از آنست که به مقایسهٔ آن با کار من پردازی و مرا به

تَسْتَزِلَّني بِخَطيئَتي، وَ ما أَنَا يا سَيِّدي وَ ما خَطَري، هَبْني
مجازات گناهم خوار گردانی. سرورم من چیستم و چه ارزشی دارم؟ با بزرگواریت

بِفَضْلِكَ سَيِّدي وَ تَصَدَّقْ عَلَيَّ بِعَفْوِكَ، أَوَ جَلِّلْني بِسِتْرِكَ،
از گناهم بگذر و از این بخشایش بر من منت گذار و با کرم خود گناهم را

وَ اَعْفُ عَنْ تَوْبيخي بِكَرَمِ وَجْهِكَ،سَيِّدي اَنَا اَلصَّغيرُ اَلَّذي
پرده‌پوشی کن و از ملامتم به بزرگواری درگذر. مولای من، کودکی بیش نبودم

رَبَّيْتَهُ، وَ أَنَا اَلْجاهِلُ اَلَّذي عَلَّمْتَهُ، وَ أَنَا اَلضّالُّ اَلَّذي هَدَيْتَهُ،
که تو مرا پروراندی و نادانی بیش نبودم که تو دانا ساختی، گمراهی بیش نبودم که تو هدایت نمودی

وَ أَنَا اَلْوَضيعُ اَلَّذي رَفَعْتَهُ، وَ أَنَا اَلْخائِفُ اَلَّذي امَنْتَهُ،
و فرومایه‌ای بودم که سربلندیش بخشیدی، هراسناکی بودم که ایمنش ساختی

وَ اَلْجائِعُ اَلَّذي أَشْبَعْتَهُ، وَ اَلْعَطْشانُ اَلَّذي أَرْوَيْتَهُ،وَ اَلْعارِي
و گرسنه‌ای بودم که سیرش کردی، تشنه‌ای بودم که سیرابش کردی و برهنه‌ای بودم

اَلَّذي كَسَوْتَهُ، وَ اَلْفَقيرُ اَلَّذي أَغْنَيْتَهُ، وَ اَلضَّعيفُ اَلَّذي
که پوشاندی، مستمندی بودم که توانگرش ساختی و ناتوانی بودم

قَوَّيْتَهُ، وَ ٱلذَّلِيلُ ٱلَّذِي أَعْزَزْتَهُ، وَ ٱلسَّقِيمُ ٱلَّذِي شَفَيْتَهُ،

که توانائیش بخشودی، تیره‌روزی بودم که مرتبتی بلندش دادی و بیماری بودم که شفا دادی،

وَ ٱلسَّائِلُ ٱلَّذِي أَعْطَيْتَهُ، وَ ٱلْمُذْنِبُ ٱلَّذِي سَتَرْتَهُ، وَ ٱلْخاطِئُ

نیازمندی بودم که بی‌نیازش ساختی و گناهکاری بودم که پوشاندی، و خطاکاری بودم

ٱلَّذِي أَقَلْتَهُ، وَ أَنَا ٱلْقَلِيلُ ٱلَّذِي كَثَّرْتَهُ، وَ ٱلْمُسْتَضْعَفُ ٱلَّذِي

که از او گذشتی اندکی بودم که بسیارش نمودی و ضعیف شده‌ای بودم که

نَصَرْتَهُ، وَ أَنَا ٱلطَّرِيدُ ٱلَّذِي اوَيْتَهُ، أَنَا يا رَبِّ ٱلَّذِي لَمْ أَسْتَحْيِكَ

یاریش کردی و آواره‌ای بودم که پناهش دادی. خداوندا، منم آن کس که نه در تنهایی از تو

فِي ٱلْخَلاَءِ وَ لَمْ أُراقِبْكَ فِي ٱلْمَلاَءِ، أَنَا صاحِبُ ٱلدَّواهِي

شرم کردم، و نه در آشکار مراقب فرمانت بودم. من آنم که مصیبتهای بزرگ بر من

ٱلْعُظْمىٰ أَنَا ٱلَّذِي عَلىٰ سَيِّدِهِ ٱجْتَرىٰ، أَنَا ٱلَّذِي عَصَيْتُ

روی آورده من همانم که بر مولای خود گستاخی کرده است. من همانم که جبّار آسمان

جَبّارَ ٱلسَّماءِ،أَنَا ٱلَّذِي أَعْطَيْتُ عَلىٰ مَعاصِي ٱلْجَلِيلِ ٱلرِّشا،

را نافرمانی کرده است. من آن کسی هستم که به خاطر گناهان بزرگ، رشوه پرداخته

أَنَا ٱلَّذِي حِينَ بُشِّرْتُ بِها خَرَجْتُ إِلَيْها أَسْعىٰ، أَنَا ٱلَّذِي

من آنم که وقتی مژدهٔ انجام گناهی را شنیده به سوی آن گناه شتابان دویده است. من آنم که

أَمْهَلْتَنِي فَمَا ٱرْعَوَيْتُ، وَ سَتَرْتَ عَلَيَّ فَمَا ٱسْتَحْيَيْتُ، وَ عَمِلْتُ

مهلتم‌دادی تا از گناه برآیم اما هرگز بازنگشتم و پرده‌پوشی کردی اما هرگز شرم نکردم و همچنان به

بِالْمَعاصِي فَتَعَدَّيْتُ، وَ أَسْقَطْتَنِي مِنْ عَيْنِكَ فَما بالَيْتُ،

گناهکاری پرداختم تا از حد تجاوز کردم‌و گناهان، مرا از چشم تو انداخت، باز هم پروا نکردم؛

فَبِحِلْمِكَ أَمْهَلْتَنى، وَ بِسِتْرِكَ سَتَرْتَنى، حَتّىٰ كَأَنَّكَ أَغْفَلْتَنى

دوباره با بردباریت مهلتم‌دادی و به پرده‌پوشی‌ات گناهم را پوشاندی گویی که مرا از یاد برده‌ای

وَ مِنْ عُقُوباتِ ٱلْمَعاصى جَنَّبْتَنى، حَتّىٰ كَأَنَّكَ ٱسْتَحْيَيْتَنى،

و از کیفر گناهان درگذشته‌ای و گویی که از من شرم کرده‌ای.

إِلٰهى لَمْ أَعْصِكَ حينَ عَصَيْتُكَ وَ أَنَا بِرُبُوبِيَّتِكَ جاحِدٌ،

خدای من، آنگاه که گناه می‌کردم، گناه من انکار خداوندیت

وَ لا بِأَمْرِكَ مُسْتَخِفٌّ، وَ لا لِعُقُوبَتِكَ مُتَعَرِّضٌ وَ لا لِوَعيدِكَ

و ناچیز شمردن فرمانت نبود و خویشتن را در معرض عقوبت تو قرار ندادم و وعده‌ات را

مُتَهاوِنٌ، لٰكِنْ خَطيئَةٌ عَرَضَتْ، وَ سَوَّلَتْ لى نَفْسى، وَ غَلَبَنى

ناچیز نشمردم. لکن خطا کردم و نفس من گمراه شد و هوای نفس

هَوايَ وَ أَعانَنى عَلَيْها شِقْوَتى، وَ غَرَّنى سِتْرُكَ ٱلْمُرْخىٰ

غلبه کرد و تیره روزیم بدین کار مرا یاری نمود. پرده پوشیت آنچنان مغرورم

عَلَيَّ، فَقَدْ عَصَيْتُكَ وَ خالَفْتُكَ بِجُهْدى، فَٱلْآنَ مِنْ عَذابِكَ

ساخت تا آنجا که به اختیار عصیان تو را برگزیدم و به ناسازگاری با تو پرداختم. اینک کیست

مَنْ يَسْتَنْقِذُنى، وَ مِنْ أَيْدِى ٱلْخُصَماءِ غَداً مَنْ يُخَلِّصُنى

که مرا از عذاب تو و فردا از چنگ دشمنان رهایی دهد

وَ بِحَبْلِ مَنْ أَتَّصِلُ، إِنْ أَنْتَ قَطَعْتَ حَبْلَكَ عَنّى فَوا سَوْأَتا

و به ریسمان چه کسی چنگ افکنم اگر تو رشتهٔ خود از من قطع کنی؟ وای بر من؛

عَلىٰ ما أَحْصىٰ كِتابُكَ مِنْ عَمَلِيَ ٱلَّذى لَوْلا ما أَرْجُو مِنْ

چه شرم‌آور است آنگاه که نامه‌های تو گناهانم را برشمارد. اگر امیدی به کرم

كَرَمِكَ وَ سَعَةِ رَحْمَتِكَ، وَ نَهْيِكَ إِيّايَ عَنِ ٱلْقُنُوطِ لَقَنَطْتُ

بی‌پایانت نداشتم و مرا از نومیدی باز نمی‌داشتی، با یادآوری گناهانم

عِنْدَ ما أَتَذَكَّرُها. يا خَيْرَ مَنْ دَعاهُ داعٍ، وَ أَفْضَلَ مَنْ رَجاهُ راجٍ.

نومید می‌شدم. ای بهترین کسی که دعاکننده او را خواند و بزرگوارترین کسی که امیدوار بدو امید بندند،

اَللّٰهُمَّ بِذِمَّةِ ٱلاِسْلامِ أَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ، وَ بِحُرْمَةِ ٱلْقُرْآنِ أَعْتَمِدُ

خداوندا، به عهد اسلام به تو توسل می‌جویم و به حرمت قرآن به تو

إِلَيْكَ، وَ بِحُبِّيَ ٱلنَّبِيَّ ٱلْأُمِّيَّ ٱلْقُرَشِيَّ ٱلْهاشِمِيَّ ٱلْعَرَبِيَّ

اعتماد دارم و به دوستی پیامبر اُمّی، قرشی، هاشمی، عربی،

اَلتِّهامِيَّ ٱلْمَكِّيَّ ٱلْمَدَنِيَّ أَرْجُو ٱلزُّلْفَةَ لَدَيْكَ، فَلا تُوحِشِ

تهامی، مکّی و مدنی سوگند، به عنایت تو امیدوارم، پس به خطر مینداز

آسْتِيناسَ ايمانى، وَ لا تَجْعَلْ ثَوابِى ثَوابَ مَنْ عَبَدَ سِواكَ،

دلبستگی ایمانم را و پاداشم را همانند پاداش آنکس که غیر تو را پرستیده قرار مده؛

فَإِنَّ قَوْماً آمَنُوا بِأَلْسِنَتِهِمْ لِيَحْقِنُوا بِهِ دِمائَهُمْ، فَأَدْرَكُوا ما أَمَّلُوا،

زیرا مردمی که به زبان ایمان‌آوردند تا از شمشیر اسلام جان‌بدر برند؛ اینان به آرزوی خود رسیده‌اند.

وَ إِنّا آمَنّا بِكَ، بِأَلْسِنَتِنا وَ قُلُوبِنا لِتَعْفُوَ عَنّا، فَأَدْرِكْنا ما أَمَّلْنا،

ما با دل و جان به تو ایمان آوردیم تا از گناهانمان درگذری و ما را به آرزویمان برسان

وَ ثَبِّتْ رَجائَكَ فى صُدُورِنا، وَ لا تُزِغْ قُلُوبَنا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنا،

و امید خود را در قلبهای ما ثابت فرما و دلهایمان را پس از آنکه هدایت یافتیم به گمراهی میفکن

وَ هَبْ لَنا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ ٱلْوَهّابُ. فَوَعِزَّتِكَ لَوِ

و از سوی خود بر ما رحمت ارزانی دار که تو بسیار بخشنده‌ای. به عزّت تو سوگند که اگر

اِنْتَهَرْتَني ما بَرِحْتُ مِنْ بابِكَ، وَ لا كَفَفْتُ عَنْ تَمَلُّقِكَ لِما

مرا از در برانی هرگز به جایی دیگر نخواهم رفت و از ستودن تو دست نخواهم کشید زیرا

اُلْهِمَ قَلْبي مِنَ الْمَعْرِفَةِ بِكَرَمِكَ، وَ سَعَةِ رَحْمَتِكَ، إِلىٰ مَنْ

معرفت به کرم و پهنهٔ رحمت تو بر دلم الهام شده است. بنده

يَذْهَبُ الْعَبْدُ إِلَّا إِلىٰ مَوْلاهُ، وَ إِلىٰ مَنْ يَلْتَجِئُ الْمَخْلُوقُ إِلَّا

کجا رود، جز به سوی مولایش و مخلوق به چه کسی پناهنده شود، جز درگاه

إِلىٰ خالِقِهِ. إِلٰهي لَوْ قَرَنْتَني بِالْأَصْفادِ وَ مَنَعْتَني سَيْبَكَ مِنْ

آفریدگارش؟ خدای من، اگر مرا به زنجیر کشی و بخششت را آشکارا از من

بَيْنِ الْأَشْهادِ وَ دَلَلْتَ عَلىٰ فَضائِحي عُيُونَ الْعِبادِ وَ أَمَرْتَ

دریغ کنی و اگر رسوائیهایم را بر همگان آشکار سازی و به سوختنم

بي إِلَى النّارِ وَ حُلْتَ بَيْني وَ بَيْنَ الْأَبْرارِ، ما قَطَعْتُ رَجائي

در آتش فرمان دهی و میان من و نیکمردان فاصله افکنی، هرگز امیدم از تو قطع

مِنْكَ، وَ ما صَرَفْتُ تَأْميلي لِلْعَفْوِ عَنْكَ وَ لا خَرَجَ حُبُّكَ مِنْ

نخواهد شد و آرزوی بخشایش تو را همچنان در دل نگه خواهم داشت و دوستی تو از

قَلْبي، أَنَا لا أَنْسىٰ أَيادِيَكَ عِنْدي، وَ سِتْرَكَ عَلَيَّ في دارِ

قلبم خارج نخواهد شد. من نعمتهایت بر من و عیب پوشی هایت در دنیا را

الدُّنْيا. سَيِّدي أَخْرِجْ حُبَّ الدُّنْيا مِنْ قَلْبي، وَ اجْمَعْ بَيْني

فراموش نمی‌کنم. سرور من، حبّ دنیا را از دلم بیرون ساز و مرا در اجتماع

وَ بَيْنَ الْمُصْطَفىٰ وَ آلِهِ خِيَرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ، وَ خاتَمِ النَّبِيِّينَ

حضرت مصطفی[ص] و خاندان برگزیده‌اش و خاتمِ پیامبران

مُحَمَّدٍ صَلَّى ٱللّٰهُ عَلَيْهِ وَ اٰلِهِ، وَ ٱنْقُلْنى إِلىٰ دَرَجَةِ ٱلتَّوْبَةِ إِلَيْکَ،
محمّد ـ که صلوات تو بر او و آنان باد راه ده و مرا به مقام اهل توبه برسان؛

وَ أَعِنّي بِالْبُكٰآءِ عَلىٰ نَفسي، فَقَدْ أَفْنَيْتُ بِالتَّسْويفِ وَ ٱلْاٰمٰالِ
و در گریه به حال خود یاریم کن که عمرم را در آرزوهای بیهوده

عُمْري، وَ قَدْ نَزَلْتُ مَنْزِلَةَ ٱلْاٰيِسينَ مِنْ خَيْري، فَمَنْ يَكُونُ
تباه کردم و اینک از بهروزی خود نومیدم. از من تیره‌روزتر

أَسْوَءَ حٰالاً مِنّي، إِنْ أَنَا نُقِلْتُ عَلىٰ مِثْلِ حٰالي إِلىٰ قَبْري
و تبهکارتر کیست؟ وای بر من اگر با چنین وضعی به درون گوری شوم

لَمْ أُمَهِّدْهُ لِرَقْدَتي، وَ لَمْ أَفْرُشْهُ بِالْعَمَلِ ٱلصّالِحِ لِضَجْعَتي،
که آن را برای آرمیدن خود مهیا نکرده‌ام و با عمل نیک فرش آن را نگسترده‌ام.

وَ مٰالي لاٰ أَبْكي وَ لاٰ أَدْري إِلىٰ مٰا يَكُونُ مَصيري، وَ أَرىٰ
چرا نمی‌گریم؟ که نمی‌دانم چه سرنوشتی در انتظار منست و می‌بینم

نَفْسي تُخٰادِعُني، وَ أَيّٰامي تُخٰاتِلُني، وَ قَدْ خَفَقَتْ عِنْدَ رَأْسي
که نفس من مرا فریب داده و روزگار با من مکر ورزیده و مرگ بالهایش را

أَجْنِحَةُ ٱلْمَوْتِ، فَمٰالي لاٰ أَبْكي، أَبْكي لِخُرُوجِ نَفْسي،أَبْكي
بر بالای سرم گشوده است. چرا نگریم؟ می‌گریم بر جان سپردنم، می‌گریم

لِظُلْمَةِ قَبْري، أَبْكي لِضيقِ لَحْدي، أَبْكي لِسُؤٰالِ مُنْكَرٍ وَ نَكيرٍ
بر تاریکی گورم، می‌گریم بر تنگی جایم، می‌گریم بر پرسش منکر و نکیر

إِيّٰايَ، أَبْكي لِخُرُوجي مِنْ قَبْري عُرْيٰاناً ذَليلاً، حٰامِلاً ثِقْلي
از اعمالم، می‌گریم بر لحظهٔ بیرون شدنم از گور. برهنه و تیره روز، بار گناهان

عَلىٰ ظَهْري، أَنْظُرُ مَرَّةً عَنْ يَميني وَ أُخْرىٰ عَنْ شِمٰالي، إِذِ

بر دوش، لحظه‌ای به راست و لحظه‌ای به چپ می‌نگرم. در آن هنگام،

اَلْخَلاٰئِقُ في شَأْنٍ غَيْرِ شَأْني، لِكُلِّ امْرِئٍ مِنْهُمْ يَوْمَئِذٍ شَأْنٌ

آفریدگان هر یک سرگرم کار خویشند و از نگریستن به

يُغْنيهِ، وُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ مُسْفِرَةٌ، ضٰاحِكَةٌ مُسْتَبْشِرَةٌ، وَ وُجُوهٌ

دیگران بی‌نیاز؛ گروهی شادمان و خندان و خرم و گروهی

يَوْمَئِذٍ عَلَيْهٰا غَبَرَةٌ، تَرْهَقُهٰا قَتَرَةٌ وَ ذِلَّةٌ. سَيِّدي عَلَيْكَ مُعَوَّلي

غبار آلود و پریشانحال و خوار. سرورم اطمینان

وَ مُعْتَمَدي وَ رَجٰائي وَ تَوَكُّلي، وَ بِرَحْمَتِكَ تَعَلُّقي، تُصيبُ

و امید و توکل و علاقه‌ام به رحمت توست. تویی که هرکه را

بِرَحْمَتِكَ مَنْ تَشٰاءُ، وَ تَهْدي بِكَرٰامَتِكَ مَنْ تُحِبُّ، فَلَكَ

بخواهی مشمول رحمت خود می‌کنی و هرکه را دوست داری با بزرگواری، راهنمایی فرمایی.

اَلْحَمْدُ عَلىٰ مٰا نَقَّيْتَ مِنَ الشِّرْكِ قَلْبي، وَ لَكَ الْحَمْدُ عَلىٰ

تو را سپاس گویم که دلم را از آلودگی شرک زدودی و زبانم را به ذکر

بَسْطِ لِسٰاني، أَفَبِلِسٰاني هٰذَا الْكٰالِّ أَشْكُرُكَ، أَمْ بِغٰايَةِ جُهْدي

نامت گشودی. آیا با این زبان ناتوان، شکر تو را بجا آورم؟ یا با همگی کوششم،

في عَمَلي أُرْضيكَ، وَ مٰا قَدْرُ لِسٰاني يٰا رَبِّ في جَنْبِ شُكْرِكَ،

رضای خاطرت بدست آورم؟ زبانم در برابر شکر تو چه ارزشی دارد؟

وَ مٰا قَدْرُ عَمَلي في جَنْبِ نِعَمِكَ وَ إِحْسٰانِكَ، إِلٰهي إِنَّ جُودَكَ

و رفتار من در برابر نعمت و احسان تو چه ارزشی دارد؟ خدای من، بخشایش تو

بَسَطَ أَمَلي،وَ شُكْرَكَ قَبلَ عَمَلي. سَيِّدي إِلَيْکَ رَغْبَتي وَ إِلَيْکَ
امیدوارم کرده و قدرشناسی تو عبادتم را پذیرفته است. سرور من، رغبتم همه به سوی تو

رَهْبَتي وَ إِلَيْکَ تَأْميلي، وَ قَدْ ساقَني إِلَيْکَ أَمَلي، وَ عَلَيْكَ
و هراسم از عدالت توست؛ آرزویم مرا بسوی تو می‌کشاند و ای

يا واحِدي عَكَفَتْ هِمَّتي، وَ فيما عِنْدَكَ ٱنْبَسَطَتْ رَغْبَتي،
یگانه همتم روی به تو آورده و به آنچه نزد توست رغبتم گشوده است

وَ لَكَ خالِصُ رَجائي وَ خَوْفي، وَ بِكَ أَنِسَتْ مَحَبَّتي وَ إِلَيْکَ
بیم و امید خالصانهٔ من برای توست و مهرم با تو انس دارد و دستم را

أَلْقَيْتُ بِيَدي، وَ بِحَبْلِ طاعَتِكَ مَدَدْتُ رَهْبَتي، يا مَوْلايَ
به سوی تو دراز کردم و به رشتهٔ طاعتت از بیم، آویختم. مولای من،

بِذِكْرِكَ عاشَ قَلْبي، وَ بِمُناجاتِكَ بَرَّدْتُ أَلَمَ ٱلْخَوْفِ عَنّي،
دلم با یاد تو زنده است و با مناجات تو رنج دلهره را از خود دور می‌کنم.

فَيا مَوْلايَ وَ يا مُؤَمَّلي وَ يا مُنْتَهىٰ سُؤْلي فَرِّقْ بَيْني وَ بَيْنَ
ای مولای من ای سرانجام آرزوهایم و ای تمامی خواهشهایم، میان من و گناهم

ذَنْبِيَ ٱلْمانِعِ لي مِنْ لُزُومِ طاعَتِكَ، فَإِنَّما أَسْئَلُکَ لِقَديمِ
جدایی افکن؛ گناهی که مرا از طاعت تو باز می‌دارد. من تنها از تو طلب حاجت می‌کنم

ٱلرَّجاءِ فيكَ وَ عَظيمِ ٱلطَّمَعِ مِنْكَ ٱلَّذي أَوْجَبْتَهُ عَلىٰ نَفْسِكَ
که برای امید دیرین و طمع زیاد من به تو که بر ذات خویش، رحمت بندگان

مِنَ ٱلرَّأْفَةِ وَ ٱلرَّحْمَةِ، فَالْأَمْرُ لَكَ وَحْدَكَ لا شَريكَ لَكَ،
را واجب شمرده‌ای؛ همه‌جا زیر فرمان توست و تو یگانه‌ای و شریکی نداری.

وَ الْخَلْقُ كُلُّهُمْ عِيالُكَ وَ في قَبْضَتِكَ، وَ كُلُّ شَيْءٍ خاضِعٌ
و آفریدگان همگی ریزه‌خوار خوان تو و در فرمان تواند. و همه چیز در برابر تو خاضع

لَكَ، تَبارَكْتَ يا رَبَّ الْعالَمينَ. إِلٰهي ارْحَمْني إِذَا انْقَطَعَتْ
است. بزرگواری ای پروردگار جهانیان. خدای من زمانی که حجتم بر گناهکاری

حُجَّتي، وَ كَلَّ عَنْ جَوابِكَ لِساني، وَ طاشَ عِنْدَ سُؤالِكَ
ناتوان و زبانم از پاسخ الکن و خردم هنگام پرسیدن تو از من

إِيّايَ لُبّي، فَيا عَظيمَ رَجائي لا تُخَيِّبْني إِذَا اشْتَدَّتْ فاقَتي،
سراسیمه است - ای بزرگترین امید من در ان حال دشوار، بر من سخت مگیر

وَ لا تَرُدَّني لِجَهْلي، وَ لا تَمْنَعْني لِقِلَّةِ صَبْري، أَعْطِني لِفَقْري
و به خاطر نادانیم مرا از درگاه خود مران؛ به گناه ناشکیبایی محرومم مساز، بر بی‌نوائیم ببخشای

وَ ارْحَمْني لِضَعْفي. سَيِّدي عَلَيْكَ مُعْتَمَدي وَ مُعَوَّلي
و بر ناتوانیم رحمت آور. سرورم، تکیه‌گاه و پشتوانه

وَ رَجائي وَ تَوَكُّلي وَ بِرَحْمَتِكَ تَعَلُّقي، وَ بِفِنائِكَ أَحُطُّ
و امید و توکل من به توست و علاقه‌ام به رحمت بی‌پایان تو است. و در سایهٔ لطف تو

رَحْلي، وَ بِجُودِكَ أَقْصِدُ طَلِبَتي، وَ بِكَرَمِكَ أَيْ رَبِّ أَسْتَفْتِحُ
منزل گزیده‌ام و از تو نیازم را می‌طلبم. خداوندا، با امید بزرگواری تو

دُعائي، وَ لَدَيْكَ أَرْجُو فاقَتي، وَ بِغِناكَ أَجْبُرُ عَيْلَتي وَ تَحْتَ
دست به دعا برداشته‌ام و بینوائیم را پیش تو آورده‌ام و پریشانی را با بی‌نیازی تو چاره‌جویی می‌کنم. در سایهٔ

ظِلِّ عَفْوِكَ قِيامي، وَ إِلىٰ جُودِكَ وَ كَرَمِكَ أَرْفَعُ بَصَري، وَ إِلىٰ
بخشایشت ایستاده‌ام، و به بزرگواریت چشم دوخته و به

مَعْرُوفِكَ أُديمُ نَظَري، فَلا تُحْرِقْني بِالنّارِ وَ أَنْتَ مَوْضِعُ
احسان دیرین تو دل بسته‌ام. مرا در آتش مسوزان که تو مقصد

أَمَلي، وَ لا تُسْكِنّي الْهاوِيَةَ فَإِنَّكَ قُرَّةُ عَيْني. يا سَيِّدي
آرزوی من هستی و در دوزخم جای مده که روشنایی چشمان منی. سرورم،

لا تُكَذِّبْ ظَنّي بِإِحْسانِكَ وَ مَعْرُوفِكَ فَإِنَّكَ ثِقَتي، وَ لا تَحْرِمْني
گمانم را به احسان و نیکوکاری تو تکذیب نکن که تو مایهٔ اطمینان منی و مرا از پاداش

ثَوابَكَ فَإِنَّكَ الْعارِفُ بِفَقْري. إِلٰهي إِنْ كانَ قَدْ دَنا أَجَلي
خود محروم مساز، که تو فقر مرا می‌دانی. خدای من، اگر مرگ من فرا رسد

وَ لَمْ يُقَرِّبْني مِنْكَ عَمَلي، فَقَدْ جَعَلْتُ الْاِعْتِرافَ إِلَيْكَ بِذَنْبي
و کردارم مرا به تقرب تو نرساند، اقرار به گناه را وسیلهٔ عذرخواهی

وَسائِلَ عِلَلي. إِلٰهي إِنْ عَفَوْتَ فَمَنْ أَوْلىٰ مِنْكَ بِالْعَفْوِ، وَ إِنْ
قرار داده‌ام. خدای من، اگر عفو کنی چه کسی از تو سزاوارتر به بخشایش است و اگر

عَذَّبْتَ فَمَنْ أَعْدَلُ مِنْكَ فِي الْحُكْمِ، اِرْحَمْ في هٰذِهِ الدُّنْيا
عذابم دهی چه‌کسی از تو در داوری عادل‌تر است؟ در این دنیا بر تنهائیم

غُرْبَتي، وَ عِنْدَ الْمَوْتِ كُرْبَتي، وَ فِي الْقَبْرِ وَحْدَتي، وَ فِي
و هنگام مرگ بر اندوه و حسرتم و در گور به تنهایی من و در

اللَّحْدِ وَحْشَتي، وَ إِذا نُشِرْتُ لِلْحِسابِ بَيْنَ يَدَيْكَ ذُلَّ مَوْقِفي،
لحد به وحشتم رحمت آور و آنگاه که برای حسابرسی در پیشگاهت برخیزم و به خواری من رحم کن

وَ اغْفِرْ لي ما خَفِيَ عَلَى الْآدَمِيّينَ مِنْ عَمَلي، وَ أَدِمْ لي ما بِهِ
و گناهانم را که از انسانها مخفی کردی بر من ببخشای و لطفی را که با آن مرا

سَتَرْتَنی، وَ ٱرْحَمْنی صَریعاً عَلَى ٱلْفِراشِ تُقَلِّبُنی أَیْدی
پوشاندی ادامه بده و در بستر مرگ که دست دوستان، مرا حرکت می‌دهد

أَحِبَّتی، وَ تَفَضَّلْ عَلَیَّ مَمْدُوداً عَلَى ٱلْمُغْتَسَلِ یُقَلِّبُنی صالِحُ
بر من رحم کن. و تفضّل نما آنگاه که همسایگان صالح در غسّالخانه مرا

جیرَتی، وَ تَحَنَّنْ عَلَیَّ مَحْمُولاً قَدْ تَناوَلَ ٱلأَقْرِباءُ أَطْرافَ
می‌شویند و هنگامی که خویشاوندان گرداگرد تابوتم آن را بر دوش می‌گیرند،

جِنازَتی،وَجُدْ عَلَیَّ مَنْقُولاً قَدْ نَزَلْتُ بِكَ وَحیداً فی حُفْرَتی،
به فریادم رس. و هنگامی که تنها در گور بر تو فرود آیم کمکم کن

وَ ٱرْحَمْ فی ذٰلِكَ ٱلْبَیْتِ ٱلْجَدیدِ غُرْبَتی، حَتّىٰ لا أَسْتَأْنِسَ
و در آن کلبهٔ نو بر غربت من رحمت آور، تا جز تو با کسی انس

بِغَیْرِكَ، یا سَیِّدی إِنْ وَكَلْتَنی إِلىٰ نَفْسی هَلَكْتُ، سَیِّدی فَبِمَنْ
نگیرم. مولای من، اگر مرا به حال خود گذاری هلاک خواهم شد. سرورم اگر از

أَسْتَغیثُ إِنْ لَمْ تُقِلْنی عَثْرَتی، فَإِلىٰ مَنْ أَفْزَعُ إِنْ فَقَدْتُ
لغزشهایم چشم نپوشی به چه کسی پناه برم؟ اگر در خوابگاه ابدیم از عنایتت

عِنایَتَكَ فی ضَجْعَتی، وَ إِلىٰ مَنْ أَلْتَجِئُ إِنْ لَمْ تُنَفِّسْ كُرْبَتی.
محروم شوم، به درگاه چه کسی ناله کنم؟ اگر تو اندوهم‌را چاره نسازی به چه کسی پناهنده شوم؟

سَیِّدی مَنْ لی یَرْحَمُنی إِنْ لَمْ تَرْحَمْنی، وَ فَضْلَ مَنْ أُؤَمِّلُ إِنْ
سرور من اگر تو بر من رحمت نیاوری چه کسی به من رحم خواهد کرد؟ و اگر فضل و بخشش تو نباشد

عَدِمْتُ فَضْلَكَ یَوْمَ فاقَتی، وَ إِلىٰ مَنِ ٱلْفِرارُ مِنَ ٱلذُّنُوبِ إِذا
در پریشانحالی به که امید بندم و آندم که مرگم فرا رسد به سوی

آنْقَضیٰ أَجَلی. سَیِّدی لا تُعَذِّبْنی وَ أَنَا أَرْجُوکَ. إلٰهی حَقِّقْ
که بگریزم؟ سرورم مرا که امیدم تویی عذاب نفرما. خدای من امیدم را

رَجٰائی، وَ آمِنْ خَوْفی، فَإِنَّ کَثْرَةَ ذُنُوبی لا أَرْجُو فیهٰا إِلّا
برآور و ترس مرا به امنیت خاطر مبدل ساز. همانا در گناهان فراوان امیدی جز عفو

عَفْوَکَ. سَیِّدی أَنَا أَسْئَلُکَ مٰا لا أَسْتَحِقُّ، وَ أَنْتَ أَهْلُ آلتَّقْویٰ
تو ندارم سرورم از تو چیزی می‌خواهم که سزاوار آن نیستم اما تو اهل پرهیز

وَ أَهْلُ آلْمَغْفِرَةِ، فَاغْفِرْ لی وَ أَلْبِسْنی مِنْ نَظَرِکَ ثَوْباً یُغَطّی
و آمرزشی. مرا بیامرز و به لطف خود جامه‌ای که گناهان را پنهان کند

عَلَیَّ آلتَّبِعٰاتِ، وَ تَغْفِرُهٰا لی وَ لا أُطٰالَبُ بِهٰا إِنَّکَ ذُو مَنٍّ
بر من بپوشان. و گناهانم را بیامرز تا به آن مؤاخذه نشوم همانا تو صاحب بخشش

قَدیمٍ، وَ صَفْحٍ عَظیمٍ، وَ تَجٰاوُزٍ کَریمٍ. إِلٰهی أَنْتَ آلَّذی
دیرین و گذشت بزرگ و چشم پوشی کریمانه‌ای. خدای من، تو آنی که

تُفیضُ سَیْبَکَ عَلیٰ مَنْ لا یَسْئَلُکَ، وَ عَلَی آلْجٰاحِدینَ بِرُبُوبِیَّتِکَ،
احسان خود را بر آنکه از تو نخواهد و بر منکران خدائیت، روا داری.

فَکَیْفَ سَیِّدی بِمَنْ سَئَلَکَ وَ أَیْقَنَ أَنَّ آلْخَلْقَ لَکَ وَ آلْأَمْرَ
سرورم چگونه از آنکه تو را می‌خواند و بر این باور است که آفرینش از آن تو و در فرمان توست،

إِلَیْکَ، تَبٰارَکْتَ وَ تَعٰالَیْتَ یٰا رَبَّ آلْعٰالَمینَ. سَیِّدی عَبْدُکَ
دریغ می‌داری؟ بزرگوار و بلند مرتبه‌ای ای پروردگار دو عالم و ای سرور من، بنده‌ات

بِبٰابِکَ، أَقٰامَتْهُ آلْخَصٰاصَةُ بَیْنَ یَدَیْکَ، یَقْرَعُ بٰابَ إِحْسٰانِکَ
بر در ایستاده، گرفتاری او را به حضورت آورده، در احسان ترا با

بِدُعٰائِهِ فَلاٰ تُعْرِضْ بِوَجْهِكَ ٱلْكَرِيمِ عَنّي، وَ ٱقْبَلْ مِنّي
دعایش می‌کوبد پس روی از من مگردان و آنچه می‌گویم

مٰا أَقُولُ، فَقَدْ دَعَوْتُكَ بِهٰذَا ٱلدُّعٰاءِ وَ أَنَا أَرْجُو أَنْ لاٰ تَرُدَّنِي
بپذیر. بدین دعا تو را خواندم و امیدوارم که مرا از در مرانی؛

مَعْرِفَةً مِنّي بِرَأْفَتِكَ وَ رَحْمَتِكَ. إِلٰهِي أَنْتَ ٱلَّذِي لاٰ يُحفيكَ
چون به مهربانی و بخشندگی تو واقفم. خدای من تو آن بخشنده‌ای که از درگاهت هیچ خواهنده‌ای،

سٰائِلٌ، وَ لاٰ يَنْقُصُكَ نٰائِلٌ، أَنْتَ كَمٰا تَقُولُ وَ فَوْقَ مٰا نَقُولُ.
تهی دست باز نگردد و بخشش بی‌پایان، از تو نکاهد، تو چنانی که خود گفته‌ای و برتر از آنچه ما می‌گوییم.

اَللّٰهُمَّ إِنّي أَسْئَلُكَ صَبْراً جَمِيلاً، وَ فَرَجاً قَرِيباً، وَ قَوْلاً
خداوندا، از تو می‌خواهم: صبری جمیل و گشایشی نزدیک، سخن

صٰادِقاً، وَ أَجْراً عَظِيماً. أَسْئَلُكَ يٰا رَبِّ مِنَ ٱلْخَيْرِ كُلِّهِ،
راست و پاداشی بزرگ. پروردگارا همهٔ خیرات را از تو می‌خواهم

مٰا عَلِمْتُ مِنْهُ وَ مٰا لَمْ أَعْلَمْ، أَسْئَلُكَ ٱللّٰهُمَّ مِنْ خَيْرِ مٰا سَئَلَكَ
آنچه می‌دانم و آنچه را که نمی‌دانم. از تو می‌خواهم خداوندا: بهترین آنچه را که

مِنْهُ عِبٰادُكَ ٱلصّٰالِحُونَ، يٰا خَيْرَ مَنْ سُئِلَ وَ أَجْوَدَ مَنْ أَعْطىٰ،
بندگان شایسته‌ات خواسته‌اند، ای برترین بزرگواران و بخشنده‌ترین بخشندگان؛

أَعْطِنِي سُؤْلِي فِي نَفْسِي وَ أَهْلِي وَ وٰالِدَيَّ وَ وُلْدِي، وَ أَهْلِ
خواسته‌ام را دربارهٔ خود و خاندانم، پدر و مادر و فرزندان

حُزٰانَتِي وَ إِخْوٰانِي فِيكَ، وَ أَرْغِدْ عَيْشِي، وَ أَظْهِرْ مُرُوَّتِي،
و بستگانم و برادرانم برآور. شادکامی را در زندگی نصیبم ساز و جوانمردی را پیشه‌ام؛

وَ أَصْلِحْ جَمِيعَ أَحْوالِي وَ ٱجْعَلْنِي مِمَّنْ أَطَلْتَ عُمْرَهُ،
تمامی احوالم را نیکو گردان و مرا در زمرهٔ آن کسان قرار ده که عمری دراز

وَ حَسَّنْتَ عَمَلَهُ، وَ أَتْمَمْتَ عَلَيْهِ نِعْمَتَكَ، وَ رَضِيتَ عَنْهُ،
و عملی نیکو دارند و نعمت خود را برایشان تمام کرده‌ای ـ از آن گروه که خشنودی

وَ أَحْيَيْتَهُ حَيٰوةً طَيِّبَةً فِي أَدْوَمِ ٱلسُّرُورِ وَ أَسْبَغِ ٱلْكَرامَةِ وَ أَتَمِّ
و زندگی خوش با شادمانی پایدار و بخشایش بسیار و رفاه

الْعَيْشِ، إِنَّكَ تَفْعَلُ ما تَشاءُ، وَ لا تَفْعَلُ ما يَشاءُ غَيْرُكَ.
کامل. تو هرچه خواهی انجام می‌دهی و آنچه غیر تو خواهد انجام نمی‌دهی.

اَللّٰهُمَّ خُصَّنِي مِنْكَ بِخاصَّةِ ذِكْرِكَ، وَ لا تَجْعَلْ شَيْئاً مِمّا أَتَقَرَّبُ
خداوندا، نام خاص خود را به من بیاموز تا پیوسته بر زبان رانم و آنچه را که برای نزدیکی

بِهِ فِي آناءِ ٱللَّيْلِ وَ أَطْرافِ ٱلنَّهارِ رِياءً وَ لا سُمْعَةً، وَ لا أَشَراً
به تو در ساعات شب و روز بجا آورم، وسیلهٔ ریاکاری، خودنمایی، غرور

وَ لا بَطَراً، وَ ٱجْعَلْنِي لَكَ مِنَ ٱلْخاشِعِينَ. اَللّٰهُمَّ أَعْطِنِي
و تن‌آسایی قرار مده. مرا از بندگان فروتن خود گردان. خداوندا، مرا

ٱلسَّعَةَ فِي ٱلرِّزْقِ، وَ ٱلْأَمْنَ فِي ٱلْوَطَنِ، وَ قُرَّةَ ٱلْعَيْنِ فِي
گشایش رزق، امنیت در وطن و روشنی چشم در خانواده

ٱلْأَهْلِ وَ ٱلْمالِ وَ ٱلْوَلَدِ، وَ ٱلْمُقامَ فِي نِعَمِكَ عِنْدِي،
و مال و فرزند و مقام عطا فرما؛ نعمتهایت را نزد من ماندگار ساز؛

وَ ٱلصِّحَّةَ فِي ٱلْجِسْمِ، وَ ٱلْقُوَّةَ فِي ٱلْبَدَنِ، وَ ٱلسَّلامَةَ فِي
تنم را سلامت و نیرومند و دین و ایمانم را

اَلدِّينِ، وَ اسْتَعْمِلْني بِطاعَتِكَ وَ طاعَةِ رَسُولِكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى

محفوظ بدار؛ طاعت خود و پیامبرت را ـ که صلوات خدا

اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ أَبَداً ما اسْتَعْمَرْتَني وَ اجْعَلْني مِنْ أَوْفَرِ عِبادِكَ

بر او و خاندانش باد همیشه تا زنده‌ام نصیب گردان، و مرا ازبندگانی قرار ده

نَصيباً، في كُلِّ خَيْرٍ أَنْزَلْتَهُ، وَ تُنْزِلُهُ في شَهْرِ رَمَضانَ في لَيْلَةِ

که در درگاه تو بیشترین نصیب را دارند. و از هر خیری که نازل کرده‌ای و در ماه رمضان، در

الْقَدْرِ، وَ ما أَنْتَ مُنْزِلُهُ في كُلِّ سَنَةٍ، مِنْ رَحْمَةٍ تَنْشُرُها،

شب قدر و آنچه در هرسال از رحمت و برکت فرود آوری، و از

وَ عافِيَةٍ تُلْبِسُها وَ بَلِيَّةٍ تَدْفَعُها، وَ حَسَناتٍ تَتَقَبَّلُها، وَ سَيِّئاتٍ

لباس عافیتی که به بندگان بپوشانی و بلایی که از آنان دور گردانی و نیکوئیهایی که از آنان می‌پذیری و گناهانیکه

تَتَجاوَزُ عَنْها، وَ ارْزُقْني حَجَّ بَيْتِكَ الْحَرامِ في عامِنا هٰذا

بر آنان می‌بخشی. و زیارت خانه‌ات را در این سال

وَ في كُلِّ عامٍ، وَ ارْزُقْني رِزْقاً واسِعاً مِنْ فَضْلِكَ الْواسِعِ،

و سالهای دیگر و گشایش رزق را به کرم بی‌پایان خود نصیبم ساز.

وَ اصْرِفْ عَنّي يا سَيِّدِيَ الْأَسْواءَ، وَ اقْضِ عَنِّي الدَّيْنَ

سرور من، بدی‌ها را از من دور کن؛ وام و مظالمی را که

وَ الظُّلاماتِ حَتّىٰ لا أَتَأَذّىٰ بِشَيْءٍ مِنْهُ، وَ خُذْ عَنّي بِأَسْماعِ

بر عهده دارم ادا فرما تا دیگر از این بابت در رنج نباشم؛ گوش

وَ أَبْصارِ أَعْدائي وَ حُسّادي وَ الْباغينَ عَلَيَّ، وَ انْصُرْني

و چشم دشمنان، حسودان و بیدادگران را ببند و مرا بر آنان

عَلَيْهِمْ وَ أَقِرَّ عَيْني، وَ فَرِّحْ قَلْبي، وَ ٱجْعَلْ لي مِنْ هَمّي

پیروز گردان؛ دیده‌ام را روشنایی و دلم را شادمانی بخش و برای من از غم

وَ كَرْبي فَرَجاً وَ مَخْرَجاً، وَ ٱجْعَلْ مَنْ أَرادَني بِسُوءٍ مِنْ

و اندوه خلاصی و رهایی قرار ده و از بندگان تو هرکس به من سوء قصد

جَميعِ خَلْقِكَ تَحْتَ قَدَمَيَّ، وَ ٱكْفِني شَرَّ ٱلشَّيْطانِ وَ شَرَّ

دارد سرکوب فرما. و از بلای شیطان و بدی‌های پادشاهان

ٱلسُّلْطانِ وَ سَيِّئاتِ عَمَلي، وَ طَهِّرْني مِنَ ٱلذُّنُوبِ كُلِّها،

و رفتار بد خودم نگاه دار و از همه گناهان پاکم ساز؛

وَ أَجِرْني مِنَ ٱلنّارِ بِعَفْوِكَ، وَ أَدْخِلْنِي ٱلْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ،

و از دوزخ رهانیم بخش و مرا به رحمت خود وارد بهشت فرما.

وَ زَوِّجْني مِنَ ٱلْحُورِ ٱلْعينِ بِفَضْلِكَ، وَ أَلْحِقْني بِأَوْلِيائِكَ

و با حوریان بهشت قرینم ساز و مرا با اولیاء

ٱلصّالِحينَ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ ٱلْأَبْرارِ ٱلطَّيِّبينَ ٱلطّاهِرينَ ٱلْأَخْيارِ،

صالح خویش، محمد[ص] و خاندان بزرگوار و برگزیده‌اش

صَلَواتُكَ عَلَيْهِمْ وَ عَلىٰ أَجْسادِهِمْ وَ أَرْواحِهِمْ وَ رَحْمَةُ ٱللهِ

ـ که صلوات و رحمت و برکت تو بر ایشان و بر جسم و روانهایشان باد ـ

وَ بَرَكاتُهُ. إِلٰهي وَ سَيِّدي، وَ عِزَّتِكَ وَ جَلالِكَ لَئِنْ طالَبْتَني

محشور گردان. خدای من و سرور من، به عزت و جلالت سوگند اگر مرا به گناهانم

بِذُنُوبي لَأُطالِبَنَّكَ بِعَفْوِكَ، وَ لَئِنْ طالَبْتَني بِلُؤْمي لَأُطالِبَنَّكَ

بازخواست کنی تو را به عفو و بخشایشت می‌طلبم و اگر مرا به فرومایگی بازخواست کنی تو را به

بِكَرَمِكَ وَ لَئِنْ أَدْخَلْتَنِى ٱلنّٰارَ لَأُخْبِرَنَّ أَهْلَ ٱلنّٰارِ بِحُبّي لَكَ.

کرمت طلب خواهم کرد و اگر به دوزخم فرستی به اهل دوزخ خبر می‌دهم که ترا دوست دارم.

إِلٰهي وَ سَيِّدي إِنْ كُنْتَ لاٰ تَغْفِرُ إِلّاٰ لِأَوْلِيٰائِكَ وَ أَهْلِ طٰاعَتِكَ،

خدای من و سرور من اگر تو تنها به یاران و فرمانبران خود بخشایی،

فَإِلىٰ مَنْ يَفْزَعُ ٱلْمُذْنِبُونَ، وَ إِنْ كُنْتَ لاٰ تُكْرِمُ إِلّاٰ أَهْلَ ٱلْوَفٰاءِ

پس گناهکاران به که روی آورند و اگر تو تنها به وفادارانت کرم کنی،

بِكَ فَبِمَنْ يَسْتَغيثُ ٱلْمُسيئُونَ. إِلٰهي إِنْ أَدْخَلْتَنِى ٱلنّٰارَ فَفي

پس بدکاران کجا پناه برند؟ خدای من اگربه دوزخم فرستی

ذٰلِكَ سُرُورُ عَدُوِّكَ، وَ إِنْ أَدْخَلْتَنِى ٱلْجَنَّةَ فَفي ذٰلِكَ سُرُورُ

دشمنانت خوشحال شوند و اگر به بهشتم بری پیامبرت

نَبِيِّكَ، وَ أَنَا وَ ٱللهِ أَعْلَمُ أَنَّ سُرُورَ نَبِيِّكَ أَحَبُّ إِلَيْكَ مِنْ سُرُورِ

شادی کند؛ به تو سوگند، می‌دانم شادی رسولت از خوشحالی دشمنت، نزد تو

عَدُوِّكَ. اَللّٰهُمَّ إِنّي أَسْئَلُكَ أَنْ تَمْلَأَ قَلْبي حُبّاً لَكَ، وَ خَشْيَةً

محبوب‌تر است. خداوندا، از تو می‌خواهم، دلم را از دوستی تو، هراس

مِنْكَ، وَ تَصْديقاً بِكِتٰابِكَ، وَ ايمٰاناً بِكَ وَ فَرَقاً مِنْكَ وَ شَوْقاً

از تو، عقیده به کتاب تو و ایمان به تو، اندوه جدایی و شوق دیدارت

إِلَيْكَ، يٰا ذَا ٱلْجَلاٰلِ وَ ٱلْإِكْرٰامِ، حَبِّبْ إِلَيَّ لِقٰائَكَ وَ أَحْبِبْ

سرشار ساز. ای صاحب جلال و بزرگواری لقاء خود را محبوب من گردان و لقاء مرا

لِقٰائي، وَ أجْعَلْ لي في لِقٰائِكَ ٱلرّٰاحَةَ وَ ٱلْفَرَجَ وَ ٱلْكَرٰامَةَ.

دوست بدار. و برای من در ملاقات تو آسایش و گشایش و کرامت قرار ده.

اَللّٰهُمَّ أَلْحِقْني بِصٰالِحِ مَنْ مَضىٰ، وَ اجْعَلْني مِنْ صٰالِحِ مَنْ
مرا به نیکان گذشته بپیوند و در زمرهٔ صالحان ماندگار

بَقِيَ. وَ خُذْ بي سَبيلَ الصّٰالِحينَ، وَ أَعِنّي عَلىٰ نَفْسي بِمٰا
قرار ده. و مرا به راه صالحان هدایت کن و در پیکار با نفس یاری کن همان گونه

تُعينُ بِهِ الصّٰالِحينَ عَلىٰ أَنْفُسِهِمْ، وَ اخْتِمْ عَمَلي بِأَحْسَنِهِ،
که صالحان را در مبارزه با نفس یاری کردی و سرانجامم را نیکوساز.

وَ اجْعَلْ ثَوٰابي مِنْهُ الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ وَ أَعِنّي عَلىٰ صٰالِحِ
بهشت را با رحمت خود به پاداش اعمالم از آن من ساز و مرا در هر کار شایسته‌ای که توفیق

مٰا أَعْطَيْتَني، وَ ثَبِّتْني يٰا رَبِّ، وَ لاٰ تَرُدَّني في سُوءٍ اسْتَنْقَذْتَني
داده‌ای، یاری فرما. پروردگارا، در راه دین استوارم ساز و دوباره به بلایی که از آن نجاتم

مِنْهُ يٰا رَبَّ الْعٰالَمينَ. اَللّٰهُمَّ إِنّي أَسْئَلُكَ ايمٰاناً لاٰ أَجَلَ لَهُ
داده‌ای باز مگردان. ای پروردگار عالمیان. خداوندا، ایمان محکمی از تو می‌خواهم

دُونَ لِقٰائِكَ، أَحْيِني مٰا أَحْيَيْتَني عَلَيْهِ، وَ تَوَفَّني إِذٰا تَوَفَّيْتَني
که تا لحظهٔ دیدارت پابرجا بماند؛ مرا با چنین ایمانی زنده‌دار

عَلَيْهِ، وَ ابْعَثْني إِذٰا بَعَثْتَني عَلَيْهِ، وَ أَبْرِءْ قَلْبي مِنَ الرِّيٰاءِ
و بمیران و در قیامت برانگیز. قلبم را از ریاکاری و خودنمایی،

وَ الشَّكِّ وَ السُّمْعَةِ في دينِكَ، حَتّىٰ يَكُونَ عَمَلي خٰالِصاً لَكَ.
و تردید و ظاهرسازی پاکیزه ساز تا عملم تنها برای تو باشد.

اَللّٰهُمَّ أَعْطِني بَصيرَةً في دينِكَ، وَ فَهْماً في حُكْمِكَ، وَ فِقْهاً
خداوندا، از تو می‌خواهم که هوشمندی شناخت دین، دانایی درک حکم تو و پی بردن

فِي عِلْمِكَ، وَ كِفْلَيْنِ مِنْ رَحْمَتِكَ وَ وَرَعاً يَحْجُزُنِي عَنْ
به علم تو و برخورداری از رحمت تو و پارسائی که مرا از گناهم باز دارد

مَعاصِيكَ، وَ بَيِّضْ وَجْهِي بِنُورِكَ، وَ اجْعَلْ رَغْبَتِي فِيما
عطا فرما. و به نور خود روسپیدم گردان و رغبتم را بدانچه در نزد

عِنْدَكَ وَ تَوَفَّنِي فِي سَبِيلِكَ، وَ عَلىٰ مِلَّةِ رَسُولِكَ صَلَّى اللّٰهُ
توست محدود ساز. مرا در راه تو و بر دین پیامبرت ـ که صلوات خدا

عَلَيْهِ وَ آلِهِ. اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكَسَلِ وَ الْفَشَلِ وَ الْهَمِّ
بر او و خاندانش باد بمیران. خداوندا، از تن‌پروری و سستی، اندوه

وَ الْجُبْنِ وَ الْبُخْلِ وَ الْغَفْلَةِ، وَ الْقَسْوَةِ وَ الْمَسْكَنَةِ وَ الْفَقْرِ
و ترس، تنگ چشمی و بی‌خبری، سنگین دلی و تنگدستی

وَ الْفاقَةِ، وَ كُلِّ بَلِيَّةٍ وَ الْفَواحِشِ، ما ظَهَرَ مِنْها وَ ما بَطَنَ،
و هرگونه بلا و زشتی پنهان و آشکار،

وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ نَفْسٍ لا تَقْنَعُ، وَ بَطْنٍ لا يَشْبَعُ، وَ قَلْبٍ
به تو پناه آورده‌ام. و نیز از جانی که قناعت نکند، شکمی که سیری نیابد، دلی که

لا يَخْشَعُ، وَ دُعاءٍ لا يُسْمَعُ، وَ عَمَلٍ لا يَنْفَعُ، وَ أَعُوذُ بِكَ
از تضرع نشکند، دعایی که مستجاب نشود و عملی که سود نبخشد، به تو پناه می‌برم.

يا رَبِّ عَلىٰ نَفْسِي وَ دِينِي وَ مالِي، وَ عَلىٰ جَمِيعِ ما رَزَقْتَنِي،
پروردگارا، جان و مال و دینم و آنچه مرا روزی فرمودی

مِنَ الشَّيْطانِ الرَّجِيمِ، إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ. اَللّٰهُمَّ إِنَّهُ
از شیطان رانده شده نگهدار، که تو بینا و دانایی خداوندا،

لاٰ يُجيرُني مِنْكَ أَحَدٌ، وَ لاٰ أَجِدُ مِنْ دُونِكَ مُلْتَحَداً، فَلاٰ تَجْعَلْ

هیچ کس مرا از عذابت پناه نتواند داد و جز توپناهگاهی نمی‌یابم. مرا با

نَفْسي في شَيْءٍ مِنْ عَذابِكَ، وَ لاٰ تَرُدَّني بِهَلَكَةٍ وَ لاٰ تَرُدَّني

هیچ یک از مجازات‌هایت گرفتار مکن و به هیچ مهلکه و عذابی

بِعَذابٍ أَليمٍ. اَللّٰهُمَّ تَقَبَّلْ مِنّي، وَ أَعْلِ ذِكْري، وَ ارْفَعْ دَرَجَتي،

دردناک میفکن. خداوندا، از من بپذیر و نامم را بلند گردان؛ درجه‌ام رفیع کن

وَ حُطَّ وِزْري، وَ لاٰ تَذْكُرْني بِخَطيئَتي وَ اجْعَلْ ثَوابَ مَجْلِسي

و گناهانم بریز؛ و مرا به خطایم یاد مکن و پاداش نشستن

وَ ثَوابَ مَنْطِقي وَ ثَوابَ دُعائي، رِضاكَ وَ الْجَنَّةَ، وَ أَعْطِني

و نام تو بر زبان راندن و خواستنم را با خشنودی و بهشت موعودت ادا فرما.

يٰا رَبِّ جَميعَ مٰا سَأَلْتُكَ، وَ زِدْني مِنْ فَضْلِكَ، إِنّي إِلَيْكَ

پروردگارا، آنچه را خواستم عطا کن و زیاده بر آن از بزرگواریت ببخش. ای پروردگار

رٰاغِبٌ يٰا رَبَّ الْعٰالَمينَ. اَللّٰهُمَّ إِنَّكَ أَنْزَلْتَ في كِتٰابِكَ أَنْ

جهان، من مشتاق آمدن به نزد توام. خداوندا، تو در کتابت آورده‌ای:

نَعْفُوَ عَمَّنْ ظَلَمَنٰا، وَ قَدْ ظَلَمْنٰا أَنْفُسَنٰا فَاعْفُ عَنّٰا، فَإِنَّكَ

ما از گناه آن کس که بر ما ستم کرده می‌گذریم؛ ما به خود ستم کرده‌ایم؛ از گناهانمان درگذر که بدین

أَوْلىٰ بِذٰلِكَ مِنّٰا، وَ أَمَرْتَنٰا أَنْ لاٰ نَرُدَّ سٰائِلاً عَنْ أَبْوابِنٰا،

بخشش سزاوارتری. و نیز فرمان دادی که خواهنده را از در مرانیم؛

وَ قَدْ جِئْتُكَ سٰائِلاً فَلاٰ تَرُدَّني إِلّٰا بِقَضٰاءِ حٰاجَتي، وَ أَمَرْتَنٰا

اینک نیازمند به سوی تو آمده‌ام؛ بی‌آنکه نیاز مرا برآوری از درگاه خود مرانم. ما را فرمان دادی

بِالْإِحْسانِ إِلىٰ ما مَلَكَتْ أَيْمانُنا، وَ نَحْنُ أَرِقّاءُكَ فَأَعْتِقْ رِقابَنا

که به زیردستان احسان کنیم؛ ما زیردستان و بندگان تواییم؛ از آتش دوزخ

مِنَ النّارِ، يا مَفْزَعي عِنْدَ كُرْبَتي، وَ يا غَوْثي عِنْدَ شِدَّتي،

آزادمان ساز. ای فریادرس من در سختی‌ها و ای پناهگاهم در پریشانیها،

إِلَيْكَ فَزِعْتُ وَ بِكَ اسْتَغَثْتُ وَ لُذْتُ، لا أَلُوذُ بِسِواكَ،

به درگاه تو مینالم و از تو یاری می‌طلبم؛به‌تو پناه آورده‌ام و جز تو پناهی ندارم

وَ لا أَطْلُبُ الْفَرَجَ إِلّا مِنْكَ، فَأَغِثْني وَ فَرِّجْ عَنّي، يا مَنْ يَفُكُّ

و از دیگری گشایشی نخواهم؛ به فریادم رس وگره‌از کار فروبسته‌ام بگشا. ای رها سازندهٔ

الْأَسيرَ، وَ يَعْفُو عَنِ الْكَثيرِ. اقْبَلْ مِنِّي الْيَسيرَ، وَ اعْفُ عَنّي

اسیران و ای بخشایندهٔ گناهکاران طاعت اندکم را بپذیر و از گناه

الْكَثيرَ، إِنَّكَ أَنْتَ الرَّحيمُ الْغَفُورُ. اللّٰهُمَّ إِنّي أَسْئَلُكَ ايماناً

بسیارم درگذر که تو آمرزنده و مهربانی. خداوندا، از تو می‌خواهم ایمانی

تُباشِرُ بِهِ قَلْبي، وَ يَقيناً حَتّىٰ أَعْلَمَ أَنَّهُ لَنْ يُصيبَني إِلّا ما كَتَبْتَ

که در دلم ماندگار باشد و باوری که بدانم جز آنچه در سرنوشت منست مرا نخواهد رسید.

لي، وَرَضِّني مِنَ الْعَيْشِ بِما قَسَمْتَ لي يا أَرْحَمَ الرّاحِمينَ.[۱]

مرا از آنچه در زندگی نصیبم ساختی شادمانم ساز، ای مهربان‌ترین مهربانان.

قسم سوّم. اعمال روزهای ماه رمضان

۱ــ خواندن این دعا، که ثوابی بس عظیم دارد:

۱. بحار الانوار / ۹۵ / ۸۲ــ۹۳.

اللّٰهُمَّ رَبَّ شَهْرِ رَمَضانَ ٱلَّذي أَنْزَلْتَ فيهِ ٱلْقُرْآنَ، وَ ٱفْتَرَضْتَ
خداوندا، ای پروردگار ماه رمضان، که در آن قرآن را فرود آوردی، و روزه

عَلىٰ عِبادِكَ فيهِ ٱلصِّيامَ، ٱرْزُقْني حَجَّ بَيْتِكَ ٱلْحَرامِ، في هٰذَا
بر بندگانت واجب ساختی، زیارت حج بیت الحرام را امسال

ٱلْعامِ وَ في كُلِّ عامٍ، وَ ٱغْفِرْ لِيَ ٱلذُّنُوبَ ٱلْعِظامَ، فَإِنَّهُ
و سالهای دیگر نصیب من ساز و از گناهان بزرگم درگذر؛ زیرا جز تو

لا يَغْفِرُها، غَيْرُكَ يا ذَا ٱلْجَلالِ وَ ٱلْإِكْرامِ.[۱]
کسی از گناهم درنمی‌گذرد، ای صاحب جلال و بزرگواری.

۲ـ خواندن تسبیحات زیر، که ده بخش است، و هر بخش آن شامل ده «سُبْحانَ ٱللهِ» می‌باشد:

(۱) سُبْحانَ ٱللهِ بارِئِ ٱلنَّسَمِ، سُبْحانَ ٱللهِ ٱلْمُصَوِّرِ، سُبْحانَ
پاک است خدای آفرینندهٔ جانها؛ پاک است خدای چهره‌پرداز؛ پاک است

ٱللهِ خالِقِ ٱلْأَزْواجِ كُلِّها، سُبْحانَ ٱللهِ جاعِلِ ٱلظُّلُماتِ
خدای آفرینندهٔ جفتها، پاک است خدای قرار دهندهٔ تاریکیها

وَ ٱلنُّورِ، سُبْحانَ ٱللهِ فالِقِ ٱلْحَبِّ وَ ٱلنَّوىٰ، سُبْحانَ ٱللهِ خالِقِ
و روشنایی، پاک است خدای شکافندهٔ دانه‌ها در دل خاک؛ پاک است خدای آفرینندهٔ

كُلِّ شَيْءٍ، سُبْحانَ ٱللهِ خالِقِ ما يُرىٰ وَ ما لا يُرىٰ، سُبْحانَ ٱللهِ
همه چیز، منزه است خدای آفرینندهٔ دیدنیها و نا دیدنیها؛ پاک است خدا

۱. البلد الامین / ۲۲۳ـ مصباح الکفعمی / ۶۱۸.

مِدادَ کَلِماتِهِ، سُبْحانَ اللّٰهِ رَبِّ الْعالَمینَ، سُبْحانَ اللّٰهِ السَّمیعِ

به امتداد و کلمات بی‌پایانش؛ پاک است خدای هر دو جهان: پاک است خدای شنوایی

الَّذی لَیْسَ شَیْءٌ أَسْمَعَ مِنْهُ، یَسْمَعُ مِنْ فَوْقِ عَرْشِهِ ما تَحْتَ

که از او شنواتر نیست؛ از بالای عرش خویش، تا زیر

سَبْعِ أَرَضینَ، وَ یَسْمَعُ ما فی ظُلُماتِ الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ، وَ یَسْمَعُ

هفتم زمین می‌شنود و هرچه را که در تاریکیهای خشکی و دریاست؛

الْأَنینَ وَ الشَّکْویٰ وَ یَسْمَعُ السِّرَّ وَ أَخْفیٰ، وَ یَسْمَعُ وَساوِسَ

ناله و شکوه‌ها، پنهان‌ترین رازها را می‌شنود؛ وسوسهٔ

الصُّدُورِ، وَ لا یُصِمُّ سَمْعَهُ صَوْتٌ. (۲) سُبْحانَ اللّٰهِ بارِئِ النَّسَمِ،

دلها را می‌شنود و هیچ بانگی او را از شنوایی نمی‌اندازد. پاک است خدای آفرینندهٔ جانها؛

سُبْحانَ اللّٰهِ الْمُصَوِّرِ، سُبْحانَ اللّٰهِ خالِقِ الْأَزْواجِ کُلِّها،

پاک است خدای چهره‌پرداز؛ پاک است خدای آفرینندهٔ جفتها،

سُبْحانَ اللّٰهِ جاعِلِ الظُّلُماتِ وَ النُّورِ، سُبْحانَ اللّٰهِ فالِقِ الْحَبِّ

پاک است خدای قراردهندهٔ تاریکیها و روشنایی؛ پاک است خدای شکافندهٔ دانه‌ها

وَ النَّویٰ، سُبْحانَ اللّٰهِ خالِقِ کُلِّ شَیْءٍ، سُبْحانَ اللّٰهِ خالِقِ ما یُریٰ

در دل خاک؛ پاک است خدای آفرینندهٔ همه چیز، پاک است خدای آفرینندهٔ دیدنیها

وَ ما لا یُریٰ، سُبْحانَ اللّٰهِ مِدادَ کَلِماتِهِ، سُبْحانَ اللّٰهِ رَبِّ

و نادیدنیها؛ پاک است خدا به امتداد کلمات بی‌پایانش؛ پاک است خدای

الْعالَمینَ، سُبْحانَ اللّٰهِ الْبَصیرِ الَّذی لَیْسَ شَیْءٌ أَبْصَرَ مِنْهُ،

هر دو جهان: پاک است خدای بینایی که از او بیناتر نیست؛

يُبْصِرُ مِنْ فَوْقِ عَرْشِهِ مٰا تَحْتَ سَبْعِ أَرَضِينَ، وَ يُبْصِرُ مٰا فى
از بالای عرش خويش آنچه زير زمين هفتم است و هرچه را كه در

ظُلُمٰاتِ ٱلْبَرِّ وَ ٱلْبَحْرِ، لاٰ تُدْرِكُهُ ٱلْأَبْصٰارُ وَ هُوَ يُدْرِكُ ٱلْأَبْصٰارَ،
تاريكيهای خشكی و درياست می‌بيند. چشمها او را نخواهد ديد و او همه را می‌بيند؛

وَ هُوَ ٱللَّطِيفُ ٱلْخَبِيرُ، لاٰ تُغْشى بَصَرَهُ ٱلظُّلْمَةُ، وَ لاٰ يُسْتَتَرُ
او لطيف است و به همهٔ امور آگاه. نه تاريكی او را از بينايی باز دارد و نه پرده‌ای

مِنْهُ بِسَتْرٍ، وَ لاٰ يُوٰارى مِنْهُ جِدٰارٌ، وَ لاٰ يَغِيبُ عَنْهُ بَرٌّ وَ لاٰ بَحْرٌ،
و ديواری. هيچ چيز بر او پنهان نيست: نه بيابان و نه دريا

وَ لاٰ يَكِنُّ مِنْهُ جَبَلٌ مٰا فى أَصْلِهِ، وَ لاٰ قَلْبٌ مٰا فيهِ، وَ لاٰ جَنْبٌ
و نه آنچه در كوهها نهفته است. نه اسرار قلبها بر او پنهان است و نه قلبی كه

مٰا فى قَلْبِهِ، وَ لاٰ يَسْتَتِرُ مِنْهُ صَغيرٌ وَ لاٰ كَبيرٌ، وَ لاٰ يَسْتَخْفى
در سينهٔ كسی پنهان است و نه هيچ چيز بزرگ و كوچك. خردی چيزی آن را

مِنْهُ صَغيرٌ لِصِغَرِهِ، وَ لاٰ يَخْفىٰ عَلَيْهِ شَيْءٌ فِى ٱلْأَرْضِ وَ لاٰ فِى
از چشم حق پنهان نسازد و آنچه در زمين و آسمانهاست از او

ٱلسَّمٰاءِ، هُوَ ٱلَّذي يُصَوِّرُكُمْ فِى ٱلْأَرْحٰامِ كَيْفَ يَشٰاءُ، لاٰ إِلٰهَ
پوشيده نيست. او شما را در رَحِم مادران بدانگونه كه خواهد، می‌پردازد؛ جز او خدايی

إِلّٰا هُوَ ٱلْعَزيزُ ٱلْحَكيمُ. (۳) سُبْحٰانَ ٱللّٰهِ بٰارِئِ ٱلنَّسَمِ، سُبْحٰانَ
نيست او عزيز و حكيم است. پاک است خدای آفرينندهٔ جانها؛ پاک است

ٱللّٰهِ ٱلْمُصَوِّرِ، سُبْحٰانَ ٱللّٰهِ خٰالِقِ ٱلْأَزْوٰاجِ كُلِّهٰا، سُبْحٰانَ ٱللّٰهِ
خدای چهره‌پرداز؛ پاک است خدای آفرينندهٔ جفتها، پاک است خدای

جٰاعِلِ اَلظُّلُمٰاتِ وَ اَلنُّورِ، سُبْحٰانَ اَللّٰهِ فٰالِقِ اَلْحَبِّ وَ اَلنَّوىٰ،
قراردهندهٔ تاریکیها و روشنایی؛ پاک است خدای شکافندهٔ دانه‌ها در دل خاک؛

سُبْحٰانَ اَللّٰهِ خٰالِقِ كُلِّ شَيْءٍ، سُبْحٰانَ اَللّٰهِ خٰالِقِ مٰا يُرىٰ
پاک است خدای آفرینندهٔ همه چیز، پاک است خدای آفرینندهٔ دیدنیها

وَ مٰا لاٰ يُرىٰ، سُبْحٰانَ اَللّٰهِ مِدٰادَ كَلِمٰاتِهِ، سُبْحٰانَ اَللّٰهِ رَبِّ
و نادیدنیها؛ پاک است خدا به امتداد کلمات بی‌پایانش؛ پاک است خدای

اَلْعٰالَمِينَ، سُبْحٰانَ اَللّٰهِ اَلَّذي يُنْشِئُ اَلسَّحٰابَ اَلثِّقٰالَ، وَ يُسَبِّحُ
هر دو جهان پاک است خدای آفرینندهٔ ابرهای متراکم و برانگیزندهٔ

اَلرَّعْدُ بِحَمْدِهِ وَ اَلْمَلاٰئِكَةُ مِنْ خيفَتِهِ، وَ يُرْسِلُ اَلصَّوٰاعِقَ
رعد، به تسبیح شکر او و فرشتگان به تسبیح بیم و عظمت او. صاعقه را فرستد

فَيُصيبُ بِهٰا مَنْ يَشٰاءُ، وَ يُرْسِلُ اَلرِّيٰاحَ بُشْراً بَيْنَ يَدَيْ
تا به هر که او خواهد اصابت کند. و بادها را پیام‌آور رحمتش

رَحْمَتِهِ، وَ يُنَزِّلُ اَلْمٰاءَ مِنَ اَلسَّمٰاءِ بِكَلِمَتِهِ، وَ يُنْبِتُ اَلنَّبٰاتَ
پیشاپیش فرستد. باران به فرمان او از آسمان فروبارد؛ گیاهان به قدرتش برویند

بِقُدْرَتِهِ، وَ يَسْقُطُ اَلْوَرَقُ بِعِلْمِهِ، سُبْحٰانَ اَللّٰهِ اَلَّذي لاٰ يَعْزُبُ
و برگها را دانش او فرو ریزد. پاک است خدایی که ذره‌ای[۲] از موجودات

عَنْهُ مِثْقٰالُ ذَرَّةٍ فِي اَلْأَرْضِ وَ لاٰ فِي اَلسَّمٰاءِ، وَ لاٰ أَصْغَرَ مِنْ
در زمین و آسمان، از حیطهٔ قدرتش بیرون نیست. و کوچکتر یا بزرگتر

ذٰلِكَ وَ لاٰ أَكْبَرَ إِلاّٰ في كِتٰابٍ مُبينٍ. (۴) سُبْحٰانَ اَللّٰهِ بٰارِئِ
از آن ذره در کتاب او[۳] آمده است. پاک است خدای آفرینندهٔ

اَلنَّسَمِ، سُبْحانَ اللهِ الْمُصَوِّرِ، سُبْحانَ اللهِ خالِقِ الْاَزْواجِ
جانها؛ پاک است خدای چهره‌پرداز؛ پاک است خدای آفرینندهٔ جفتها،

کُلِّها، سُبْحانَ اللهِ جاعِلِ الظُّلُماتِ وَ النُّورِ، سُبْحانَ اللهِ فالِقِ
پاک است خدای قراردهندهٔ تاریکیها و روشنایی؛ پاک است خدای شکافندهٔ

الْحَبِّ وَ النَّوىٰ، سُبْحانَ اللهِ خالِقِ کُلِّ شَیْءٍ، سُبْحانَ اللهِ
دانه‌ها در دل خاک؛ پاک است خدای آفرینندهٔ همه چیز، پاک است خدای

خالِقِ ما یُریٰ وَ ما لا یُریٰ، سُبْحانَ اللهِ مِدادَ کَلِماتِهِ، سُبْحانَ
آفرینندهٔ دیدنیها و نادیدنیها؛ پاک است خدا به امتداد کلمات بی‌پایانش؛ پاک است

اللهِ رَبِّ الْعالَمینَ، سُبْحانَ اللهِ الَّذی یَعْلَمُ ما تَحْمِلُ کُلُّ اُنْثیٰ،
خدای هر دو جهان پاک است خدایی که می‌داند زنان باردار چه حمل دارند

وَما تَغیضُ الْاَرْحامُ وَ ما تَزْدادُ وَ کُلُّ شَیْءٍ عِنْدَهُ بِمِقْدارٍ،
و آنچه در رَحِمها است چه زیاد خواهد شد و اندازهٔ چیزها در علم او معین است.

عالِمُ الْغَیْبِ وَ الشَّهادَةِ الْکَبیرُ الْمُتَعالِ، سَواءٌ مِنْکُمْ مَنْ اَسَرَّ
دانای آشکار و نهاست و بزرگوار و بلند مرتبه است. در پیشگاه او تفاوتی نکند که

الْقَوْلَ وَ مَنْ جَهَرَ بِهِ، وَ مَنْ هُوَ مُسْتَخْفٍ بِاللَّیْلِ وَ سارِبٌ
سخن آشکار گویید یا به رمز و راز. تاریکی شب و روشنایی روز بر او

بِالنَّهارِ، لَهُ مُعَقِّباتٌ مِنْ بَیْنِ یَدَیْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ یَحْفَظُونَهُ مِنْ
آشکار است. اوست که پاسبانها در پیش و پس هرچیز گماشته تابه فرمانش آن را

اَمْرِ اللهِ، سُبْحانَ اللهِ الَّذی یُمیتُ الْاَحْیاءَ وَ یُحْیِی الْمَوْتیٰ،
حفاظت کنند. پاک است خدایی که زندگان را بمیراندو مردگان را زنده سازد؛

وَ يَعْلَمُ ما تَنْقُصُ الْأَرْضُ مِنْهُمْ، وَ يُقِرّ فِي الْأَرْحامِ ما يَشاءُ
داناست بدانچه زمین فرو برد یا در رَحِم‌ها بخواست او تا

إِلىٰ أَجَلٍ مُسَمّىً. (۵) سُبْحانَ اللهِ بارِئِ النَّسَمِ، سُبْحانَ اللهِ
مدت معین قرار گیرد؛ پاک است خدای آفریننده جانها؛ پاک است خدای

الْمُصَوِّرِ، سُبْحانَ اللهِ خالِقِ الْأَزْواجِ كُلِّها، سُبْحانَ اللهِ جاعِلِ
چهره‌پرداز؛ پاک است خدای آفریننده جفتها، پاک است خدای قراردهندهٔ

الظُّلُماتِ وَ النُّورِ، سُبْحانَ اللهِ فالِقِ الْحَبِّ وَ النَّوىٰ، سُبْحانَ
تاریکیها و روشنایی؛ پاک است خدای شکافندهٔ دانه‌ها در دل خاک؛ پاک است

اللهِ خالِقِ كُلِّ شَيْءٍ، سُبْحانَ اللهِ خالِقِ ما يُرىٰ وَ ما لا يُرىٰ،
خدای آفریننده همه چیز، پاک است آفرینندهٔ دیدنیهاو نادیدنیها؛

سُبْحانَ اللهِ مِدادَ كَلِماتِهِ، سُبْحانَ اللهِ رَبِّ الْعالَمينَ، سُبْحانَ
پاک است خدا به امتداد کلمات بی‌پایانش؛ پاک است خدای هر دو جهان پاک است

اللهِ مالِكِ الْمُلْكِ، يُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ يَشاءُ وَ يَنْزِعُ الْمُلْكَ
خدایی که مالک جهانست و هرکه را خواهد فرمانروایی دهد و از هرکه

مِمَّنْ يَشاءُ، وَ يُعِزُّ مَنْ يَشاءُ وَ يُذِلُّ مَنْ يَشاءُ، بِيَدِهِ الْخَيْرُ
خواهد بگیرد. هرکه را خواهد عزت دهد و هرکه را خواهد خوار سازد. همهٔ نیکی‌ها بدست اوست

وَ هُوَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَديرٌ، يُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهارِ وَ يُولِجُ
و بر هر چیزی تواناست. شب را با روز و روز

النَّهارَ فِي اللَّيْلِ، يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ، وَ يُخْرِجُ الْمَيِّتَ
را با شب در هم آمیزد. زنده را از مرده و مرده را

مِنَ ٱلْحَيِّ، وَ يَرْزُقُ مَنْ يَشٰآءُ بِغَيْرِ حِسٰابٍ. (۶) سُبْحٰانَ ٱللّٰهِ
از زنده در آورد. و هر که را خواهد بی‌حساب روزی دهد. پاک است خدای

بٰارِئِ ٱلنَّسَمِ، سُبْحٰانَ ٱللّٰهِ ٱلْمُصَوِّرِ، سُبْحٰانَ ٱللّٰهِ خٰالِقِ ٱلْأَزْوٰاجِ
آفرینندهٔ جانها؛ پاک است خدای چهره‌پرداز؛ پاک است خدای آفرینندهٔ جفتها،

كُلِّهٰا، سُبْحٰانَ ٱللّٰهِ جٰاعِلِ ٱلظُّلُمٰاتِ وَ ٱلنُّورِ، سُبْحٰانَ ٱللّٰهِ فٰالِقِ
پاک است خدای قراردهندهٔ تاریکیها و روشنایی؛ پاک است خدای شکافندهٔ

ٱلْحَبِّ وَ ٱلنَّوىٰ، سُبْحٰانَ ٱللّٰهِ خٰالِقِ كُلِّ شَيْءٍ، سُبْحٰانَ ٱللّٰهِ
دانه‌ها در دل خاک؛ پاک است خدای آفرینندهٔ همه چیز، پاک است

خٰالِقِ مٰا يُرىٰ وَ مٰا لاٰ يُرىٰ، سُبْحٰانَ ٱللّٰهِ مِدٰادَ كَلِمٰاتِهِ، سُبْحٰانَ
آفرینندهٔ دیدنی‌ها و نادیدنی‌ها؛ پاک است خدا به امتداد کلمات بی‌پایانش؛ پاک است

ٱللّٰهِ رَبِّ ٱلْعٰالَمينَ، سُبْحٰانَ ٱللّٰهِ ٱلَّذي عِنْدَهُ مَفٰاتِحُ ٱلْغَيْبِ
خدای هر دو جهان پاک است خدایی که کلید گنجهای عالم غیب در اختیار اوست

لاٰ يَعْلَمُهٰا إِلاّٰ هُوَ، وَ يَعْلَمُ مٰا فِي ٱلْبَرِّ وَ ٱلْبَحْرِ وَ مٰا تَسْقُطُ
و جز او کسی بر آن آگاه نیست. و آنچه در دریا و خشکی است او داند. برگی از

مِنْ وَرَقَةٍ إِلاّٰ يَعْلَمُهٰا،وَ لاٰ حَبَّةٍ في ظُلُمٰاتِ ٱلْأَرْضِ وَلاٰ رَطْبٍ
درخت نیفتد و دانه‌ای در درون خاک نماند و هیچ تر و خشکی

وَ لاٰ يٰابِسٍ إِلاّٰ في كِتٰابٍ مُبينٍ. (۷) سُبْحٰانَ ٱللّٰهِ بٰارِئِ ٱلنَّسَمِ،
هستی نیابد، مگر آنکه در دفتر علم حق مسطور باشد. پاک است خدای آفرینندهٔ جانها؛

سُبْحٰانَ ٱللّٰهِ ٱلْمُصَوِّرِ، سُبْحٰانَ ٱللّٰهِ خٰالِقِ ٱلْأَزْوٰاجِ كُلِّهٰا،
پاک است خدای چهره‌پرداز؛ پاک است خدای آفرینندهٔ جفتها،

سُبْحانَ اللّٰهِ جاعِلِ الظُّلُماتِ وَ النُّورِ، سُبْحانَ اللّٰهِ فالِقِ الْحَبِّ

پاک است خدای قراردهندهٔ تاریکیها و روشنایی؛ پاک است خدای شکافندهٔ دانه‌ها

وَ النَّوىٰ، سُبْحانَ اللّٰهِ خالِقِ كُلِّ شَيْءٍ، سُبْحانَ اللّٰهِ خالِقِ

در دل خاک؛ پاک است خدای آفرینندهٔ همه چیز، پاک است آفرینندهٔ

ما يُرىٰ وَ ما لا يُرىٰ، سُبْحانَ اللّٰهِ مِدادَ كَلِماتِهِ، سُبْحانَ اللّٰهِ

دیدنیها و نادیدنیها؛ پاک است خدا به مقدار نامها و کلمات بی‌پایانش؛ پاک است خدای

رَبِّ الْعالَمِينَ، سُبْحانَ اللّٰهِ الَّذي لا يُحْصي مِدْحَتَهُ الْقائِلُونَ،

هر دو جهان پاک است خدایی که سخن پردازان و شکر گزاران پرستنده

وَ لا يَجْزي بِالائِهِ الشّاكِرُونَ الْعابِدُونَ، وَ هُوَ كَما قالَ

از عهدهٔ شکر نعمتش برنیایند. او همانست که خود گفته

وَ فَوْقَ ما نَقُولُ وَ اللّٰهُ سُبْحانَهُ كَما أَثْنىٰ عَلىٰ نَفْسِهِ، وَ لا يُحيطُونَ

و برتر از آنست که ما در حق او گوییم. خدایی که خود ستایش خود تواند کرد و کسی را احاطه

بِشَيْءٍ مِنْ عِلْمِهِ إِلّا بِما شاءَ، وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمٰواتِ

بر چیزی از دانش او نیست، مگر آنکه او خواهد. قدرت فرمانروایی او بر آسمانها

وَ الْأَرْضَ، وَ لا يَؤُودُهُ حِفْظُهُما وَ هُوَ الْعَلِيُّ الْعَظيمُ.

و زمین پهناور است و او را از نگهداری آن خستگی نرسد که خدایی بزرگ و بلندمرتبه است.

(۸) سُبْحانَ اللّٰهِ بارِئِ النَّسَمِ، سُبْحانَ اللّٰهِ الْمُصَوِّرِ، سُبْحانَ اللّٰهِ

پاک است خدای آفرینندهٔ جانها؛ پاک است خدای چهره‌پرداز؛ پاک است خدای

خالِقِ الْأَزْواجِ كُلِّها، سُبْحانَ اللّٰهِ جاعِلِ الظُّلُماتِ وَ النُّورِ،

آفرینندهٔ جفتها، پاک است خدای قراردهندهٔ تاریکیها و روشنایی؛

سُبْحانَ اللّهِ فالِقِ الْحَبِّ وَ النَّوىٰ، سُبْحانَ اللّهِ خالِقِ کُلِّ شَیْءٍ،
پاک است خدای شکافندهٔ دانه‌ها در دل خاک؛ پاک است خدای آفرینندهٔ همه چیز،

سُبْحانَ اللّهِ خالِقِ ما یُرىٰ وَ ما لا یُرىٰ، سُبْحانَ اللّهِ مِدادَ
پاک است آفرینندهٔ دیدنی‌ها و نادیدنی‌ها؛ پاک است خدا به مقدار نامها

کَلِماتِهِ، سُبْحانَ اللّهِ رَبِّ الْعالَمینَ، سُبْحانَ اللّهِ الَّذی یَعْلَمُ
و کلمات بی‌پایانش؛ پاک است خدای هر دو جهان پاک است خدایی که آنچه در

ما یَلِجُ فِی الْأَرْضِ وَ ما یَخْرُجُ مِنْها وَ ما یَنْزِلُ مِنَ السَّماءِ
زمین فرو رود و از زمین برآید و آنچه از آسمان فرود آید

وَ ما یَعْرُجُ فیها، وَ لا یَشْغَلُهُ عِلْمُ شَیْءٍ عَنْ عِلْمِ شَیْءٍ،
و بر آسمان بالا رود، همه را داند. هرگز دانستن چیزی او را از دانستن چیز دیگر،

وَ لا یَشْغَلُهُ خَلْقُ شَیْءٍ عَنْ خَلْقِ شَیْءٍ، وَ لا حِفْظُ شَیْءٍ
آفریدن چیزی از آفرینش چیز دیگر، نگهداری چیزی

عَنْ حِفْظِ شَیْءٍ، وَ لا یُساویهِ شَیْءٌ وَ لا یَعْدِلُهُ شَیْءٌ، لَیْسَ
از نگهداری چیز دیگر، باز ندارد. نه چیزی با او مساوی و برابر است و نه چیزی

کَمِثْلِهِ شَیْءٌ وَ هُوَ السَّمیعُ الْبَصیرُ. (۹) سُبْحانَ اللّهِ بارِئِ
همانند اوست؛ او شنوا و بیناست. پاک است خدای آفرینندهٔ

النَّسَمِ، سُبْحانَ اللّهِ الْمُصَوِّرِ، سُبْحانَ اللّهِ خالِقِ الْأَزْواجِ
جانها؛ پاک است خدای چهره‌پرداز؛ پاک است خدای آفرینندهٔ جفتها،

کُلِّها، سُبْحانَ اللّهِ جاعِلِ الظُّلُماتِ وَ النُّورِ، سُبْحانَ اللّهِ فالِقِ
پاک است خدای قراردهندهٔ تاریکیها و روشنایی؛ پاک است خدای شکافندهٔ

اَلْحَبِّ وَ اَلنَّوىٰ، سُبْحٰانَ اَللّٰهِ خٰالِقِ کُلِّ شَیْءٍ، سُبْحٰانَ اَللّٰهِ

دانه‌ها در دل خاک؛ پاک است خدای آفرینندهٔ همه چیز، پاک است خدای

خٰالِقِ مٰا یُرىٰ وَ مٰا لاٰ یُرىٰ، سُبْحٰانَ اَللّٰهِ مِدٰادَ کَلِمٰاتِهِ، سُبْحٰانَ

آفرینندهٔ دیدنیها و نادیدنیها؛ پاک است خدا به کلمات بی‌پایانش؛ پاک است

اَللّٰهِ رَبِّ اَلْعٰالَمِینَ، سُبْحٰانَ اَللّٰهِ فٰاطِرِ اَلسَّمٰوٰاتِ وَ اَلْأَرْضِ،

خدای هر دو جهان پاک است خدایی که آسمانها و زمین را پدید آورد

جٰاعِلِ اَلْمَلاٰئِکَةِ رُسُلاً أُولی أَجْنِحَةٍ مَثْنىٰ وَ ثُلاٰثَ وَ رُبٰاعَ،

و فرشتگان با بالهای دوگانه، سه‌گانه و چهارگانه را پیام‌آور خود ساخت.

یَزِیدُ فِی اَلْخَلْقِ مٰا یَشٰاءُ إِنَّ اَللّٰهَ عَلىٰ کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ، مٰا یَفْتَحِ

هرچه را خواهد به آفرینش افزاید که بر همه چیز تواناست. دری را که

اَللّٰهُ لِلنّٰاسِ مِنْ رَحْمَةٍ فَلاٰ مُمْسِکَ لَهٰا، وَ مٰا یُمْسِکْ فَلاٰ مُرْسِلَ

از رحمت به روی مردم گشاید، کس نتواند بست و اگر خود بندد،

لَهُ مِنْ بَعْدِهِ، وَ هُوَ اَلْعَزِیزُ اَلْحَکِیمُ. (۱۰) سُبْحٰانَ اَللّٰهِ بٰارِئِ

جز او کس نتواند گشود؛ و او را عزت و حکمت است. پاک است خدای آفرینندهٔ

اَلنَّسَمِ، سُبْحٰانَ اَللّٰهِ اَلْمُصَوِّرِ، سُبْحٰانَ اَللّٰهِ خٰالِقِ اَلْأَزْوٰاجِ

جانها؛ پاک است خدای چهره‌پرداز؛ پاک است خدای آفرینندهٔ جفتها،

کُلِّهٰا، سُبْحٰانَ اَللّٰهِ جٰاعِلِ اَلظُّلُمٰاتِ وَ اَلنُّورِ، سُبْحٰانَ اَللّٰهِ فٰالِقِ

پاک است خدای قراردهندهٔ تاریکیها و روشنایی؛ پاک است خدای شکافندهٔ

اَلْحَبِّ وَ اَلنَّوىٰ، سُبْحٰانَ اَللّٰهِ خٰالِقِ کُلِّ شَیْءٍ، سُبْحٰانَ اَللّٰهِ

دانه‌ها در دل خاک؛ پاک است خدای آفرینندهٔ همه چیز، پاک است خدای

خٰالِقِ مٰا يُرىٰ وَ مٰا لاٰ يُرىٰ، سُبْحٰانَ اَللّٰهِ مِدٰادَ كَلِمٰاتِهِ، سُبْحٰانَ

آفرینندهٔ دیدنیها و نادیدنیها؛ پاک است خدا به مقدار نامها و کلمات بی‌پایانش؛ پاک است

اَللّٰهِ رَبِّ اَلْعٰالَمِينَ، سُبْحٰانَ اَللّٰهِ اَلَّذي يَعْلَمُ مٰا فِي اَلسَّمٰوٰاتِ

خدای هر دو جهان پاک است خدایی که هرچه در زمین و آسمانهاست داند.

وَ مٰا فِي اَلْأَرْضِ، مٰا يَكُونُ مِنْ نَجْوىٰ ثَلاٰثَةٍ إِلاّٰ هُوَ رٰابِعُهُمْ،

هیچ رازی نیست که سه کس با هم گویند و خدا چهارمین نباشد. و چهار کس با هم گویند که خدا پنجمین نباشد

وَ لاٰ خَمْسَةٍ إِلاّٰ هُوَ سٰادِسُهُمْ، وَ لاٰ أَدْنىٰ مِنْ ذٰلِكَ وَ لاٰ أَكْثَرَ

و پنج کس با هم گویند و خدا ششمین نباشد؛ نه کمتر و بیشتر از این که در همه جا

إِلاّٰ هُوَ مَعَهُمْ، أَيْنَمٰا كٰانُوا، ثُمَّ يُنَبِّئُهُمْ بِمٰا عَمِلُوا يَوْمَ اَلْقِيٰمَةِ،

خدا با آنهاست؛ هرکجا باشند. آنگاه که قیامت فرارسد، همه را به نیک و بدشان آگاه خواهد ساخت؛

إِنَّ اَللّٰهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ.[1]

خدا بر همه چیز داناست.

۳ـ خواندن این دعا:

اَللّٰهُمَّ هٰذٰا شَهْرُ رَمَضٰانَ اَلَّذي أَنْزَلْتَ فيهِ اَلْقُرْآنَ، هُدىً

خداوندا، این ماه رمضان است که در آن قرآن را فرو فرستادی؛ قرآنی

لِلنّٰاسِ وَ بَيِّنٰاتٍ مِنَ اَلْهُدىٰ وَ اَلْفُرْقٰانِ، وَ هٰذٰا شَهْرُ اَلصِّيٰامِ،

که هدایت مردمان و نشانهٔ جدایی حق و باطل است. این ماه روزه است،

وَ هٰذٰا شَهْرُ اَلْقِيٰامِ، وَ هٰذٰا شَهْرُ اَلْإِنٰابَةِ، وَ هٰذٰا شَهْرُ اَلتَّوْبَةِ،

و این ماه قیام است و این ماه بازگشت است، و این ماه توبه است،

۱. بحار الانوار/۹۵/۱۰۵ـ۱۰۸ـ الاقبال/۹۳ـ۹۶.

وَ هٰذٰا شَهْرُ ٱلْمَغْفِرَةِ وَ ٱلرَّحْمَةِ، وَ هٰذٰا شَهْرُ ٱلْعِتْقِ مِنَ ٱلنّٰارِ

و این ماه آمرزش و رحمت است، و این ماه رهایی از دوزخ

وَ ٱلْفَوْزِ بِالْجَنَّةِ، وَ هٰذٰا شَهْرٌ فيهِ لَيْلَةُ ٱلْقَدْرِ ٱلَّتي هِيَ خَيْرٌ

و رستگاری در بهشت است و این ماهی است که در آن شب قدر[۱] است، شبی که

مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ. اَللّٰهُمَّ فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ، وَ أَعِنّي

از هزاران شب بهتر[۲] است؛ خداوندا، پس صلوات فرست بر محمد و خاندان او. و مرا در

عَلىٰ صِيٰامِهِ وَ قِيٰامِهِ، وَ سَلِّمْهُ لي وَ سَلِّمْني فيهِ وَ أَعِنّي عَلَيْهِ

روزه‌داری و شب بیداری یاری کن. این ماه را برایم[۲] نگهدار و مرا[۲] در آن سلامت دار.[۲] با بهترین

بِأَفْضَلِ عَوْنِكَ، وَ وَفِّقْني فيهِ لِطٰاعَتِكَ وَ طٰاعَةِ رَسُولِكَ

یاریت، یاریم کن و توفیق[۲] طاعت خویش و پیامبر

وَ أَوْلِيٰائِكَ صَلَّى ٱللهُ عَلَيْهِمْ، وَ فَرِّغْني فيهِ لِعِبٰادَتِكَ وَ دُعٰائِكَ

و یارانت ـ که درود خدا بر ایشان باد ـ بر من ارزانی دار. برای[۲] من در این ماه فرصت دعا، عبادت

وَ تِلاٰوَةِ كِتٰابِكَ، وَ أَعْظِمْ لي فيهِ ٱلْبَرَكَةَ، وَ أَحْسِنْ لي فيهِ

و خواندن کتابت فراهم ساز. و در آن برکت را برای من بیفزا و در آن برایم

ٱلْعٰافِيَةَ، وَ أَصِحَّ فيهِ بَدَني، وَ أَوْسِعْ فيهِ رِزْقي، وَ ٱكْفِني

آسایش قرار ده و بدنم را در آن سلامت[۲] بدار و در آن روزی مرا وسعت[۲] ده و آرزویم[۲]

فيهِ مٰا أَهَمَّني، وَ ٱسْتَجِبْ فيهِ دُعٰائي، وَ بَلِّغْني فيهِ رَجٰائي.

برآورده ساز و دعایم مستجاب گردان و آنچه را که برای[۲] من مهم است در اختیارم گذار.[۲]

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ، وَ أَذْهِبْ عَنّي فيهِ

خداوندا، صلوات فرست بر محمد و خاندانش و در آن ماه

اَلنُّعاسَ وَ الْكَسَلَ وَ السَّأْمَةَ وَ الْفَتْرَةَ وَ الْقَسْوَةَ وَ الْغَفْلَةَ

بیماری و خستگی و دلتنگی و سستی و سنگدلی و غفلت

وَ الْغِرَّةَ، وَ جَنِّبْني فيهِ الْعِلَلَ وَ الْأَسْقامَ وَ الْهُمُومَ وَ الْأَحْزانَ

و غرور را از من دور ساز. در این ماه، دردها و رنجها و اندوه و غصه‌ها

وَ الْأَعْراضَ وَ الْأَمْراضَ وَ الْخَطايا وَ الذُّنُوبَ، وَ اصْرِفْ

و گرفتاری‌ها و بیماری‌ها و خطاها و گناهان را از من برطرف ساز و از من هرگونه

عَنِّي فيهِ السُّوءَ وَ الْفَحْشاءَ وَ الْجَهْدَ وَ الْبَلاءَ وَ التَّعَبَ وَ الْعَناءَ،

بدی و هرزگی و رنج و بلا و دشواری و خستگی را بازدار؛

إِنَّكَ سَميعُ الدُّعاءِ. اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ،

که تو شنوندهٔ دعایی. خداوندا، صلوات فرست بر محمد و خاندانش؛

وَ أَعِذْني فيهِ مِنَ الشَّيْطانِ الرَّجيمِ، وَ هَمْزِهِ وَ لَمْزِهِ،

و مرا از بلای شیطان مطرود، و اشاره او و بدگویی او،

وَ نَفْثِهِ وَ نَفْخِهِ، وَ وَسْوَسَتِهِ وَ تَثْبيطِهِ وَ كَيْدِهِ وَ مَكْرِهِ، وَ حَبائِلِهِ

و دمیدن و تکبّر و وسوسه، و بازداشتن و توطئه و نیرنگ و دامهای او

وَ خُدَعِهِ، وَ أَمانِيِّهِ وَ غُرُورِهِ، وَ فِتْنَتِهِ وَ شَرَكِهِ وَ أَحْزابِهِ

و حیله‌ها و آرزوها و غرور و فتنه و تله او و گروههای او

وَ أَتْباعِهِ، وَ أَشْياعِهِ وَ أَوْلِيائِهِ، وَ شُرَكائِهِ وَ جَميعِ مَكائِدِهِ.

و پیروان و علاقه‌مندان و دوستان و شریکان و همگی مکرهای او نگهدار.

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ، وَ ارْزُقْنا قِيامَهُ وَ صِيامَهُ،

خداوندا، صلوات فرست بر محمد و خاندانش؛ و نصیب ما فرما روزه‌داری و شب بیداری این ماه

وَ بُلُوغَ ٱلْأَمَلِ فيهِ، وَ في قِيامِهِ وَ ٱسْتِكْمالِ ما يُرْضيكَ عَنّي
و رسیدن به آرزوها در این ماه و در عبادت آن و کامل کردن هرچه تو را

صَبْراً وَ ٱحْتِساباً، وَ ايماناً وَ يَقيناً، ثُمَّ تَقَبَّلْ ذٰلِكَ مِنّي
از من خشنود سازد از شکیبایی، اخلاص، ایمان و یقین سپس آن را

بِالْأَضْعافِ ٱلْكَثيرَةِ، وَ ٱلْأَجْرِ ٱلْعَظيمِ، يا رَبَّ ٱلْعالَمينَ.
به چندین برابر و با فزونی پاداش از من بپذیر؛ ای پروردگار جهان.

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ، وَ ٱرْزُقْنِي ٱلْحَجَّ
خداوندا، بر محمد و خاندانش صلوات فرست و حج

وَ ٱلْعُمْرَةَ، وَ ٱلْاِجْتِهادَ وَ ٱلْقُوَّةَ وَ ٱلنَّشاطَ وَ ٱلْاِنابَةَ وَ ٱلتَّوْبَةَ
و عمره، و تلاش و نیرومندی، و طراوت و بازگشت، و توبه

وَ ٱلْقُرْبَةَ وَ ٱلْخَيْرَ ٱلْمَقْبُولَ، وَ ٱلرَّغْبَةَ وَ ٱلرَّهْبَةَ وَ ٱلتَّضَرُّعَ
و نزدیکی به تو و خوبیهای پذیرفته شده و شوق و هراس، و زاری

وَ ٱلْخُشُوعَ وَ ٱلرِّقَّةَ وَ ٱلنِّيَّةَ ٱلصّادِقَةَ، وَ صِدْقَ ٱللِّسانِ،
و شکسته دلی، و رقت قلب، و نیت پاک و راستگویی،

وَ ٱلْوَجَلَ مِنْكَ، وَ ٱلرَّجاءَ لَكَ، وَ ٱلتَّوَكُّلَ عَلَيْكَ، وَ ٱلثِّقَةَ بِكَ،
و بیم از تو و امید و توکل بر تو، اعتماد به کرم تو

وَ ٱلْوَرَعَ عَنْ مَحارِمِكَ، مَعَ صالِحِ ٱلْقَوْلِ وَ مَقْبُولِ ٱلسَّعْيِ،
و توفیق پرهیز از حرام را نصیبم گردان. با گفتار پسندیده، تلاش پذیرفته شده

وَ مَرْفُوعِ ٱلْعَمَلِ، وَ مُسْتَجابِ ٱلدَّعْوَةِ، وَ لا تَحُلْ بَيْني وَ بَيْنَ
و کردار والا و دعایی مستجاب عطایم کن. میان من و آنچه خواسته‌ام

شَيْءٍ مِنْ ذٰلِكَ بِعَرَضٍ وَ لاٰ مَرَضٍ وَ لاٰ هَمٍّ وَ لاٰ غَمٍّ وَ لاٰ سُقْمٍ

مانعی از پیشامدها و مرض ، و اندوه و رنج و بیماری

وَ لاٰ غَفْلَةٍ وَ لاٰ نِسْيانٍ، بَلْ بِالتَّعاهُدِ وَ اَلتَّحَفُّظِ لَكَ وَ فيكَ،

و غفلت و فراموشی قرار مده. بلکه با محاسبه و مراقبت از تو و برای تو

وَ اَلرِّعايَةِ لِحَقِّكَ، وَ اَلْوَفاءِ بِعَهْدِكَ وَ وَعْدِكَ، بِرَحْمَتِكَ

و رعایت حق تو و وفای به عهد تو، و نوید بهشت تو انجام گیرد؛ به رحمت تو

يا أَرْحَمَ اَلرّاحِمينَ. اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ،

ای مهربان‌ترین مهربانان. خداوندا، بر محمد و خاندانش صلوات فرست؛

وَ اَقْسِمْ لي فيهِ أَفْضَلَ ما تَقْسِمُهُ لِعِبادِكَ اَلصّالِحينَ،وَ أَعْطِني

و مرا از بهترین چیزهایی که به بندگان شایسته‌ات می‌بخشی بهره‌مند ساز و به من عطا کن

فيهِ أَفْضَلَ ما تُعْطي أَوْلِيائَكَ اَلْمُقَرَّبينَ، مِنَ اَلرَّحْمَةِ وَ اَلْمَغْفِرَةِ

در آن از بهترین چیزهایی که به دوستان نزدیکت عطا می‌کنی از قبیل آمرزش و رحمت،

وَ اَلتَّحَنُّنِ وَ اَلْإِجابَةِ وَ اَلْعَفْوِ وَ اَلْمَغْفِرَةِ اَلدّائِمَةِ، وَ اَلْعافِيَةِ

و مهرورزی و اجابت دعا و گذشت و آمرزش همیشگی و سلامت

وَ اَلْمُعافاةِ، وَ اَلْعِتْقِ مِنَ اَلنّارِ، وَ اَلْفَوْزِ بِالْجَنَّةِ، وَ خَيْرِ اَلدُّنْيا

و آرامش خاطر، و رهایی از دوزخ و بهره‌مندی از بهشت و خیر دنیا

وَ اَلْآخِرَةِ. اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مَحَمَّدٍ، وَ اجْعَلْ

و آخرت بهره‌مند فرما. خداوندا، بر محمد و خاندانش صلوات فرست

دُعائي فيهِ إِلَيْكَ واصِلاً، وَ رَحْمَتَكَ وَ خَيْرَكَ إِلَيَّ فيهِ نازِلاً،

و دعایم را در این ماه به خود برسان، و خیر و رحمتت را بر من بفرست.

وَ عَمَلي فيهِ مَقْبُولاً، وَ سَعْيي فيهِ مَشْكُوراً، وَ ذَنْبي فيهِ
و در آن ماه کردارم را پذیرفته و تلاشم را در آن قدر دانسته و گناهم را

مَغْفُوراً، حَتّىٰ يَكُونَ نَصيبي فيهِ ٱلْأَكْثَرَ وَ حَظّي فيهِ ٱلْأَوْفَرَ.
بخشوده تا در این ماه سهم من بیشتر و بهره‌ام فراوانتر باشد.

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ،وَ وَفِّقْني فيهِ لِلَيْلَةِ ٱلْقَدْرِ،
خداوندا، بر محمد و خاندانش صلوات فرست و برای شب قدر این ماه

عَلىٰ أَفْضَلِ حٰالٍ تُحِبُّ أَنْ يَكُونَ عَلَيْهٰا أَحَدٌ مِنْ أَوْلِيٰائِكَ،
مرا به بهترین حالتی که دوست داری برای بهترین اولیائت،

وَ أَرْضٰاهٰا لَكَ، ثُمَّ ٱجْعَلْهٰا لي خَيْراً مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ، وَ ٱرْزُقْني
و برای تو خوشنودتر است، توفیق ده و این شب را برای من بهتر از هزار ماه گردان و مرا بیشتر از

فيهٰا أَفْضَلَ مٰا رَزَقْتَ أَحَداً مِمَّنْ بَلَّغْتَهُ إِيّٰاهٰا، وَ أَكْرَمْتَهُ بِهٰا،
هر کسی که به فضیلت رسانده‌ای و او را ارج نهاده‌ای، از برکات این شب بهره‌مند ساز.

وَ ٱجْعَلْني فيهٰا مِنْ عُتَقٰائِكَ مِنْ جَهَنَّمَ، وَ طُلَقٰائِكَ مِنَ ٱلنّٰارِ،
مرا در شب قدر از رها شدگان از دوزخ و آزاد شدگان از آتش

وَ سُعَدٰاءِ خَلْقِكَ بِمَغْفِرَتِكَ وَ رِضْوٰانِكَ، يٰا أَرْحَمَ ٱلرّٰاحِمينَ.
و رستگاران به آمرزش و بهشتت قرار ده؛ ای مهربان‌ترین مهربانان.

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ، وَ ٱرْزُقْنٰا في شَهْرِنٰا هٰذَا
خداوندا بر محمد و خاندانش صلوات فرست و در این ماه تلاش و کوشش،

ٱلْجِدَّ وَ ٱلْإِجْتِهٰادَ وَ ٱلْقُوَّةَ وَ ٱلنَّشٰاطَ، وَ مٰا تُحِبُّ وَ تَرْضىٰ.
و نیرومندی و نشاط و آنچه را که باعث دوستی و خشنودی توست روزی گردان.

اَللّٰهُمَّ رَبَّ الْفَجْرِ وَ لَيٰالٍ عَشْرٍ وَ الشَّفْعِ وَ الْوَتْرِ، وَ رَبَّ شَهْرِ
خدایا پروردگار سپیده‌دمان و شبهای دهگانه و زوج و فرد، و آفرینندهٔ

رَمَضٰانَ، وَ مٰا أَنْزَلْتَ فيهِ مِنَ الْقُرْآنِ، وَ رَبَّ جَبْرَئيلَ وَ ميكٰائيلَ
رمضان و آنچه از آیات قرآن در آن ماه فرستادی و پروردگار جبرئیل و میکائیل

وَ إِسْرٰافيلَ وَ عِزْرٰائيلَ، وَ جَميعِ الْمَلاٰئِكَةِ الْمُقَرَّبينَ، وَ رَبَّ
و اسرافیل و عزرائیل و تمام فرشتگان درگاهت، و پروردگار

إِبْرٰهيمَ وَ إِسْمٰعيلَ وَ إِسْحٰقَ وَ يَعْقُوبَ، وَ رَبَّ مُوسىٰ وَ عيسىٰ
ابراهیم و اسماعیل و اسحق و یعقوب و پروردگار موسی و عیسی

وَ جَميعِ النَّبِيّينَ وَ الْمُرْسَلينَ، وَ رَبَّ مُحَمَّدٍ خٰاتَمِ النَّبِيّينَ
و تمام پیامبران فرستاده، و پروردگار محمد خاتم پیامبران

صَلَوٰاتُكَ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمْ أَجْمَعينَ، وَ أَسْئَلُكَ بِحَقِّكَ عَلَيْهِمْ،
ـ که صلوات تو بر او و همگی پیامبران باد و از تو می‌خواهم به حقی که بر آنان داری

وَ بِحَقِّهِمْ عَلَيْكَ، وَ بِحَقِّكَ الْعَظيمِ لَمّٰا صَلَّيْتَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ
و به حقی که آنان بر تو دارند و به حق بزرگ تو، صلوات بر محمّد و خاندانش

وَ عَلَيْهِمْ أَجْمَعينَ، وَ نَظَرْتَ إِلَيَّ نَظْرَةً رَحيمَةً، تَرْضىٰ
و نیز بر سایر پیامبران فرست؛ و نظر لطفی به سوی من کن تا پیوسته مشمول

بِهٰا عَنّي رِضىً لاٰ سَخَطَ عَلَيَّ بَعْدَهُ أَبَداً، وَ أَعْطَيْتَني جَميعَ
رضای تو باشم و از این پس هرگز بر من خشم نگیری. و به من عطا کنی همه آنچه را

سُؤْلي وَ رَغْبَتي، وَ أُمْنِيَّتي وَ إِرٰادَتي، وَ صَرَفْتَ عَنّي مٰا أَكْرَهُ
خواهم و تمایل دارم و آرزو می‌کنم و اراده کرده‌ام ببخشایی و هرچه ناگوار من است

وَ أَحْذَرُ وَ أَخافُ عَلىٰ نَفْسي وَ مالا أَخافُ، وَ عَنْ أَهْلي

و از آن نگرانم و هراس دارم یا ندارم از من و خاندان،

وَ مالي وَ إِخْواني وَ ذُرِّيَّتي. اَللّٰهُمَّ إِلَيْكَ فَرَرْنا مِنْ ذُنُوبِنا،

و مال و برادران و فرزندان من دور گردانی. خداوندا، از گناهان خود به سوی تو پناه آورده‌ایم؛

فَآوِنا تائِبينَ وَ تُبْ عَلَيْنا مُسْتَغْفِرينَ، وَ اغْفِرْ لَنا مُتَعَوِّذينَ،

پس ما را مأوا بده که‌از گناه‌برگشته‌ایم‌و توبه ما را بپذیر و ما پناه جویان را بیامرز

وَ أَعِذْنا مُسْتَجيرينَ، وَ أَجِرْنا مُسْتَسْلِمينَ وَ لا تَخْذُلْنا راهِبينَ،

و پناه ده و ما را که‌تسلیم شده‌ایم امان ده. و ما راکه هراسانیم وا مگذار

وَ آمِنّا راغِبينَ، وَ شَفِّعْنا سائِلينَ، وَ أَعْطِنا إِنَّكَ سَميعُ الدُّعاءِ

و به ما مشتاقان ایمنی بخش و شفاعت از ما سائلان راپذیر و بخشایش خود از مادریغ مدار که تو شنوای دعا

قَريبٌ مُجيبٌ. اَللّٰهُمَّ أَنْتَ رَبّي وَ أَنَا عَبْدُكَ، وَ أَحَقُّ مَنْ سَئَلَ

و زود پاسخ دهنده‌ای. خداوندا، تو پروردگار منی و من بندهٔ توام؛ سزاوارترین کس برای درخواست

الْعَبْدُ رَبَّهُ، وَ لَمْ يَسْئَلِ الْعِبادُ مِثْلَكَ كَرَماً وَ جُوداً، يا مَوْضِعَ

عبد، پروردگار اوست. و بندگان چون تو را در کرم وجود درخواست نکنند ای مرجع

شَكْوَى السّائِلينَ، وَ يا مُنْتَهىٰ حاجَةِ الرّاغِبينَ، وَ يا غِياثَ

شکایت نیازمندان، ای برآورندهٔ نیاز مشتاقان، و ای پشت و پناه

الْمُسْتَغيثينَ، وَ يا مُجيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرّينَ، وَ يا مَلْجَأَ

دادخواهان، و ای پاسخگوی دعای بیچارگان و ای پناه

الْهارِبينَ، وَيا صَريخَ الْمُسْتَصْرِخينَ، وَ يا رَبَّ الْمُسْتَضْعَفينَ،

گریختگان و ای دادرس فریادخواهان، و ای خدای ناتوانان،

وَ يٰا كٰاشِفَ كَرْبِ ٱلْمَكْرُوبِينَ، وَ يٰا فٰارِجَ هَمِّ ٱلْمَهْمُومِينَ،

و ای چاره‌جوی غمدیدگان، و ای گشاینده اندوه اندوهناکان،

وَ يٰا كٰاشِفَ ٱلْكَرْبِ ٱلْعَظِيمِ. يٰا ٱللّٰهُ يٰا رَحْمٰنُ يٰا رَحِيمُ،

و ای برطرف کنندهٔ غصه‌های بزرگ، ای خدا ای بخشنده ای مهربان،

يٰا أَرْحَمَ ٱلرّٰاحِمِينَ، صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ، وَ ٱغْفِرْ

ای مهربان‌ترین مهربانان، صلوات فرست بر محمد[ص] و خاندانش؛ و بیامرز

لِي ذُنُوبِي وَ عُيُوبِي وَ إِسٰاَئَتِي وَ ظُلْمِي وَ جُرْمِي، وَ إِسْرٰافِي

گناهان، و عیبها و زشتی‌ها و ستم و جرم و زیاده‌روی مرا

عَلىٰ نَفْسِي،وَ ٱرْزُقْنِي مِنْ فَضْلِكَ وَ رَحْمَتِكَ، فَإِنَّهُ لاٰ يَمْلِكُهٰا

بر وجودم و مرا از بزرگواری و بخشایش خویش بهره‌مند ساز که جز تو کسی توانایی

غَيْرُكَ، وَ ٱعْفُ عَنِّي وَ ٱغْفِرْ لِي كُلَّ مٰا سَلَفَ مِنْ ذُنُوبِي،

آنرا ندارد و مرا ببخشای و از گناهان گذشته‌ام درگذر؛

وَ ٱعْصِمْنِي فِيمٰا بَقِيَ مِنْ عُمْرِي، وَ ٱسْتُرْ عَلَيَّ وَ عَلىٰ وٰالِدَيَّ

و مرا در باقیماندهٔ زندگی از گنه‌کاری نگهدار و زشتیهای من، و پدر

وَ وَلَدِي، وَ قَرٰابَتِي وَ أَهْلِ حُزٰانَتِي، وَ مَنْ كٰانَ مِنِّي بِسَبِيلٍ مِنَ

و مادر و فرزندانم، و خویشان و بستگانم و همراهان من

ٱلْمُؤْمِنِينَ وَ ٱلْمُؤْمِنٰاتِ، فِي ٱلدُّنْيٰا وَ ٱلْاٰخِرَةِ، فَإِنَّ ذٰلِكَ كُلَّهُ

مردان و زنان مؤمن در دنیا و آخرت را بپوشان زیرا همهٔ این امور

بِيَدِكَ، وَ أَنْتَ وٰاسِعُ ٱلْمَغْفِرَةِ، فَلاٰ تُخَيِّبْنِي يٰا سَيِّدِي، وَ لاٰ تَرُدَّ

در دست توست، و تو بزرگ آمرزنده‌ای؛ پس ای سرور من، مرا از رحمت بیکرانت محروم مکن

دُعٰائی، وَ لاٰ یَدی إِلیٰ نَحْري، حَتّیٰ تَفْعَلَ ذٰلِكَ بی،
و دعایم را برمگردان و دستم را بر گردنم به بیچارگی میاویز و تا این اندازه کار بر من دشوار مکن.

وَ تَسْتَجیبَ لي جَمیعَ مٰا سَئَلْتُكَ، وَ تَزیدَني مِنْ فَضْلِكَ،
و هرچه را از تو خواسته‌ام اجابت کن و از فضل خود بر آن بیفزای

فَإِنَّكَ عَلیٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدیرٌ وَ نَحْنُ إِلَیْكَ رٰاغِبُونَ. اَللّٰهُمَّ
که تو بر هر چیز توانایی و ما مشتاق توایم. خداوندا،

لَكَ اَلْأَسْمٰاءُ اَلْحُسْنیٰ، وَ اَلْأَمْثٰالُ اَلْعُلْیٰا، وَ اَلْكِبْرِیٰاءُ وَ اَلْآلاٰءُ،
نامهای نیکو، و نمونه‌های برتر و کبریا و نعمتها از آن توست.

أَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ بِسْمِ اللهِ اَلرَّحْمٰنِ الرَّحیمِ، إِنْ كُنْتَ قَضَیْتَ
سوگند به اسم تو بسم الله الرحمن الرحیم از تو می‌خواهم در این

في هٰذِهِ اَللَّیْلَةِ تَنَزَّلَ اَلْمَلاٰئِكَةِ وَ اَلرُّوحِ فیهٰا، أَنْ تُصَلِّيَ عَلیٰ
شب عزیز که فرشتگان و روح را در آن فرود آورده‌ای، بر محمد

مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ أَنْ تَجْعَلَ اسْمي فِی اَلسُّعَدٰاءِ،
و خاندانش صلوات فرست و نام مرا در زمرهٔ رستگاران قرار ده

وَ رُوحي مَعَ اَلشُّهَدٰاءِ، وَ إِحْسٰاني في عِلِّیّینَ، وَ إِسٰاءَتي
و روانم را به شهیدان و کار خیر مرا به مقام پاکان درگاهت برسان و از بدکاریم

مَغْفُورَةً، وَ أَنْ تَهَبَ لي یَقیناً تُبٰاشِرُ بِهِ قَلْبي، وَ إیمٰاناً لاٰیَشُوبُهُ
درگذر. و به من یقینی عطا فرما که پیوسته در قلبم بماند. و ایمانی که هیچگاه شک

شَكٌّ، وَ رِضیً بِمٰا قَسَمْتَ لي، وَ آتِنی فِی اَلدُّنْیٰا حَسَنَةً،
در آن راه نیابد. و خشنودی از آنچه بر من بخشیده‌ای و در دنیا خوشی

وَ فِي ٱلْاٰخِرَةِ حَسَنَةً، وَ قِنِي عَذٰابَ ٱلنّٰارِ، وَ إِنْ لَمْ تَكُنْ
و در آخرت خوشی بهشت، روزیم گردان و از آتش دوزخ نگاهم دار. اگر در این شب،

قَضَيْتَ فِي هٰذِهِ ٱللَّيْلَةِ تَنَزُّلَ ٱلْمَلاٰئِكَةِ وَ ٱلرُّوحِ فِيهٰا، فَأَخِّرْنِي
نزول روح و فرشتگان را مقدر نکرده‌ای، عمر مرا تا آن شب موعود

إِلىٰ ذٰلِكَ، وَ ٱرْزُقْنِي فِيهٰا ذِكْرَكَ وَ شُكْرَكَ وَ طٰاعَتَكَ وَ حُسْنَ
دراز گردان و در آن شب سپاس و یاد و عبادت را با اخلاص

عِبٰادَتِكَ، وَ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ بِأَفْضَلِ صَلَوٰاتِكَ
نصیبم ساز و برترین صلوات خود را بر محمد و خاندانش فرست

يٰا أَرْحَمَ ٱلرّٰاحِمِينَ، يٰا أَحَدُ يٰا صَمَدُ، يٰا رَبَّ مُحَمَّدٍ اغْضَبِ
ای مهربان‌ترین مهربانان، ای آفریدگار یکتای بی‌نیاز، ای پروردگار محمد

ٱلْيَوْمَ لِمُحَمَّدٍ وَ لِأَبْرٰارِ عِتْرَتِهِ، وَ ٱقْتُلْ أَعْدٰائَهُمْ بَدَداً،
امروز خشم گیر برای محمد و خاندان بزرگوارش، و همهٔ دشمنانشان را هلاک کن

وَ أَحْصِهِمْ عَدَداً، وَ لاٰ تَدَعْ عَلىٰ ظَهْرِ ٱلْأَرْضِ مِنْهُمْ أَحَداً،
و همهٔ آنان را در شمارش قرار ده و یک تن را روی زمین زنده نگذار.

وَ لاٰ تَغْفِرْ لَهُمْ أَبَداً، يٰا حَسَنَ ٱلصُّحْبَةِ، يٰا خَلِيفَةَ ٱلنَّبِيِّينَ،
و از گناهانشان هرگز مگذر؛ ای خوش صحبت، ای یاور پیامبران

أَنْتَ أَرْحَمُ ٱلرّٰاحِمِينَ، ٱلْبَدِيءُ ٱلْبَدِيعُ ٱلَّذِي لَيْسَ كَمِثْلِكَ
و ای مهربان‌ترین مهربانان، ای آفریننده و پدیدآورنده، که بی‌مانندی

شَيْءٌ، وَ ٱلدّٰائِمُ غَيْرُ ٱلْغٰافِلِ، وَ ٱلْحَيُّ ٱلَّذِي لاٰ يَمُوتُ،
و پیوسته‌ای که غفلت نکنی؛ و زنده‌ای که هرگز نمیرد.

أَنْتَ كُلَّ يَوْمٍ فى شَأْنٍ، أَنْتَ خَليفَةُ مُحَمَّدٍ وَ ناصِرُ مُحَمَّدٍ
هر روز تو را شأنی است. تو خلیفه و یاور محمد

وَ مُفَضِّلُ مُحَمَّدٍ، أَسْئَلُكَ أَنْ تَنْصُرَ وَصِيَّ مُحَمَّدٍ وَ خَليفَةَ
و برتری بخش محمّد هستی. از تو می‌خواهم که وصی محمد و همهٔ جانشینانش

مُحَمَّدٍ، وَ ٱلْقائِمَ بِالْقِسْطِ مِنْ أَوْصِياءِ مُحَمَّدٍ، صَلَواتُكَ عَلَيْهِ
را که برپا دارندهٔ عدل و دادند - صلوات تو بر ایشان باد،

وَ عَلَيْهِمْ، اِعْطِفْ عَلَيْهِمْ نَصْرَكَ، يا لا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ، بِحَقِّ
پیروز فرمایی. و یاری خود را متوجه آنان کن ای آنکه جز تو خدایی نیست، به حق

لا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ، صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ ٱجْعَلْنى
لااله الا انت صلوات فرست بر محمد و آل محمد و مرا

مَعَهُمْ فِى ٱلدُّنْيا وَ ٱلْآخِرَةِ، وَ ٱجْعَلْ عاقِبَةَ أَمْري إِلىٰ
در دنیا و آخرت، در کنار آنان قرار ده و سرانجام کارم را با

غُفْرانِكَ وَ رَحْمَتِكَ يا أَرْحَمَ ٱلرّاحِمينَ، وَ كَذٰلِكَ نَسَبْتَ
آمرزش و رحمتت به پایان رسان؛ ای مهربان‌ترین مهربانان، تو خود را بدین پایه

نَفْسَكَ يا سَيِّدي بِاللُّطْفِ، بَلىٰ إِنَّكَ لَطيفٌ، فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ
از لطف مهربانی معرفی کرده‌ای ای سرور من، آری تو لطیفی پس بر محمد

وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ ٱلْطُفْ لي إِنَّكَ لَطيفٌ لِما تَشاءُ. اَللّٰهُمَّ صَلِّ
و خاندانش صلوات فرست و مرا مشمول لطف خود قرار ده که‌تو با هرکه خواهی لطف داری خداوندا،

عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ ٱرْزُقْنِي ٱلْحَجَّ وَ ٱلْعُمْرَةَ فى عامِنا
صلوات تو بر محمد و خاندانش باد؛ در این سال، حج و عمره نصیب من فرما

هٰذا، وَ تَطَوَّلْ عَلَيَّ بِجَميعِ حَوائِجي لِلْاٰخِرَةِ وَ الدُّنْيا.
و از راه لطف حاجات دنیا و آخرتم را برآورده ساز.

پس از آن سه مرتبه بگو :

أَسْتَغْفِرُ ٱللّٰهَ رَبّي وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ، إِنَّ رَبّي قَريبٌ مُجيبٌ، أَسْتَغْفِرُ
از خدا آمرزش می‌طلبم و بسویش باز می‌گردم، پروردگار من نزدیک و اجابت کننده است. از خدا

ٱللّٰهَ رَبّي وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ، إِنَّ رَبّي رَحيمٌ وَدُودٌ، أَسْتَغْفِرُ ٱللّٰهَ رَبّي
آمرزش می‌طلبم و بسویش بازمی‌گردم که پروردگار من بسیار مهربان و دوستدار است. از خدا آمرزش می‌طلبم

وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ إِنَّهُ كانَ غَفّاراً. اَللّٰهُمَّ ٱغْفِرْ لي إِنَّكَ أَرْحَمُ
و بسویش باز می‌گردم همانا او آمرزنده است. خداوندا مرا بیامرز که تو مهربان‌ترین

ٱلرّاحِمينَ. رَبِّ إِنّي عَمِلْتُ سُوءً، وَ ظَلَمْتُ نَفْسي، فَاغْفِرْ
مهربانانی. پروردگارا من بدکردم و به خویشتن ستم روا داشته‌ام؛ مرا بیامرز

لي إِنَّهُ لا يَغْفِرُ ٱلذُّنُوبَ إِلّا أَنْتَ، أَسْتَغْفِرُ ٱللّٰهَ ٱلَّذي لا إِلٰهَ إِلّا
که جز تو کسی گناهان را نیامرزد.از خدا آمرزش می‌طلبم که جز او خدایی نیست.

هُوَ ٱلْحَيُّ ٱلْقَيُّومُ ٱلْحَليمُ ٱلْعَظيمُ ٱلْكَريمُ ٱلْغَفّارُ لِلذَّنْبِ
او زندهٔ جاوید است بردبارو بزرگ و کریم و آمرزندهٔ گناهان

ٱلْعَظيمِ وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ، أَسْتَغْفِرُ ٱللّٰهَ إِنَّ ٱللّٰهَ كانَ غَفُوراً رَحيماً.
بزرگ است. به سوی او می‌روم از خدا آمرزش می‌طلبم که آمرزنده و مهربان است.

سپس دعای زیر را بخوان :

اَللّٰهُمَّ إِنّي أَسْئَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ، وَ أَنْ
خداوندا، از تو می‌خواهم که بر محمد و خاندانش صلوات فرستی

تَجْعَلَ فیما تَقْضی وَ تُقَدِّرُ مِنَ اَلْأَمْرِ اَلْعَظیمِ اَلْمَحْتُومِ فی

و مقرر کن در قضا و قدری که از امر عظیم و حتمی در

لَیْلَةِ اَلْقَدْرِ، مِنَ اَلْقَضاءِ اَلَّذی لا یُرَدُّ وَ لا یُبَدَّلُ، أَنْ تَکْتُبَنی

شب قدر است از آن قضا که بدون برگشت و تغییرناپذیر است، نام مرا ثبت کن

مِنْ حُجّاجِ بَیْتِکَ اَلْحَرامِ، اَلْمَبْرُورِ حَجُّهُمُ، اَلْمَشْکُورِ سَعْیُهُمُ،

در زمرهٔ کسانی که حجشان بی‌نقص و مقبول است و سعیشان قدر شناخته است،

اَلْمَغْفُورِ ذُنُوبُهُمُ، اَلْمُکَفَّرِ عَنْهُمْ سَیِّئاتُهُمْ، وَ أَنْ تَجْعَلَ فیما

و گناهشان آمرزیده و بدی آنان جبران شده است و مقرر فرما در

تَقْضی وَ تُقَدِّرُ أَنْ تُطیلَ عُمْری وَ تُوَسِّعَ رِزْقی، وَ تُؤَدِّیَ عَنّی

قضا و قدر که عمر طولانی و روزی وسیع نصیبم گردد تا در ادای دین

أَمانَتی وَ دَیْنی، آمینَ رَبَّ اَلْعالَمینَ. اَللّٰهُمَّ اَجْعَلْ لی مِنْ

و رد امانات توفیق یابم آمین پروردگار عالمیان، خداوندا در کارم گشایشی

أَمْری فَرَجاً وَ مَخْرَجاً، وَ اَرْزُقْنی مِنْ حَیْثُ أَحْتَسِبُ وَ مِنْ

عطا فرما. از جایی که انتظار دارم و از جائی که انتظار ندارم

حَیْثُ لا أَحْتَسِبُ وَ اَحْرُسْنی مِنْ حَیْثُ أَحْتَرِسُ وَ مِنْ حَیْثُ

روزیم بخش و مرا از بلاها نگه دار؛ از جائی که خود مراقب هستم یا از جائی

لا أَحْتَرِسُ، وَ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ سَلِّمْ کَثیراً.[1]

که مراقب نیستم و صلوات تو بر محمد و خاندانش؛ و سلام بسیار بر آنان باد

---

۱. بحار الانوار / ۹۵/ ۱۰۱-۱۰۵.

سزاوار است برادران دینی در این روزها و شبهای شریف، از خواندن دعاهایی که در بخش دوّم کتاب ذکر شد، غفلت نفرمایند. بخصوص از دعای مکارم الاخلاق، دعای توبه، دعای مشترک ماه شعبان و غیر آن؛ و مواظب باشند که آنها را، با توجّه به معنی و حضور قلب بخوانند. باشد که دل را صفا بخشند و روح را به سوی کمال برند!

۴ـ خواندن دعاهای مختصر هر روز. مرحوم مجلسی در زاد المعاد از ابن عباس نقل کرده است: پیامبر اسلام برای هر روز ماه رمضان، دعایی با ذکر فضیلت آن بیان فرموده است، بدین شرح:

دعای روز اول: اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ صِيامي فيهِ صِيامَ الصّٰائِمينَ، وَ قِيامي فيهِ قِيامَ الْقائِمينَ، وَ نَبِّهْني فيهِ عَنْ نَوْمَةِ الْغافِلينَ، وَ هَبْ لي جُرْمي فيهِ يا إِلٰهَ الْعالَمينَ، وَ اعْفُ عَنّي يا عافِياً عَنِ الْمُجْرِمينَ.

خدایا، روزه‌ام را در آن، روزهٔ روزه‌داران و قیامم را قیام قیام کنندگان قرار ده و مرا در آن از خواب غافلان بیدار کن و جرمم را در آن ببخش، ای خدای عالمیان و از من درگذر ای عفو کنندهٔ مجرمان.

دعای روز دوم: اَللّٰهُمَّ قَرِّبْني فيهِ إِلىٰ مَرْضاتِكَ، وَ جَنِّبْني فيهِ مِنْ سَخَطِكَ وَ نَقِماتِكَ، وَ وَفِّقْني فيهِ لِقِراءَةِ آياتِكَ، بِرَحْمَتِكَ يا أَرْحَمَ الرّاحِمينَ

خدایا مرا در آن به خشنودیت نزدیک گردان و از ناخشنودی و بلاهایت دورم کن و مرا در آن به قرائت آیاتت موفق بدار، به رحمتت ای مهربان‌ترین مهربانان.

دعای روز سوم: اَللّٰهُمَّ ارْزُقْني فيهِ الذِّهْنَ وَ التَّنْبيهَ، وَ باعِدْني

خدایا هوشیاری و بیداری را در آن نصیبم کن و از نابخردی

فیهِ مِنَ ٱلسَّفٰاهَةِ وَ ٱلتَّمْویهِ، وَ ٱجْعَلْ لی نَصیباً مِنْ کُلِّ خَیْرٍ
و فریب دورم بدار و در آن مرا از هر خیری که در آن نازل می‌کنی، بهره‌ای ده،

تُنْزِلُ فیهِ، بِجُودِکَ یٰا أَجْوَدَ ٱلْأَجْوَدینَ.
به بخشندگی‌ات، ای بخشنده‌ترین بخشندگان.

دعای روز چهارم: اَللّٰهُمَّ قَوِّنی فیهِ عَلیٰ إِقٰامَةِ أَمْرِکَ، وَ أَذِقْنی فیهِ
خدایا مرا در آن بر اقامهٔ امرت قوت بخش و شیرینی ذکرت را در آن

حَلاٰوَةَ ذِکْرِکَ، وَ أَوْزِعْنی فیهِ لِأَدٰاءِ شُکْرِکَ بِکَرَمِکَ، وَ ٱحْفَظْنی
به من بچشان و در آن با کرمت، ادای شکرت را برایم مهیاساز و با حفظ

فیهِ بِحِفْظِکَ وَ سِتْرِکَ، یٰا أَبْصَرَ ٱلنّٰاظِرینَ.
و پرده پوشی مرا محفوظ دار، ای بیناترین بینایان.

دعای روز پنجم: اَللّٰهُمَّ ٱجْعَلْنی فیهِ مِنَ ٱلْمُسْتَغْفِرینَ، وَ ٱجْعَلْنی
خدایا مرا در آن از استغفار کنندگان قرار ده و مرا

فیهِ مِنْ عِبٰادِکَ ٱلصّٰالِحینَ ٱلْقٰانِتینَ، وَ ٱجْعَلْنی فیهِ مِنْ
در آن از بندگان درستکار فروتن و مطیع خود قرار ده و مرا در آن از

أَوْلِیٰائِکَ ٱلْمُقَرَّبینَ، بِرَأْفَتِکَ یٰا أَرْحَمَ ٱلرّٰاحِمینَ.
اولیای مقرّب درگاه خود قرار ده، به رأفتت ای مهربان‌ترین مهربانان.

دعای روز ششم: اَللّٰهُمَّ لاٰ تَخْذُلْنی فیهِ لِتَعَرُّضِ مَعْصِیَتِکَ،
خدایا مرا در آن وامگذار تا به معصیت درافتم

وَ لاٰ تَضْرِبْنی بِسِیٰاطِ نَقِمَتِکَ، وَ زَحْزِحْنی فیهِ مِنْ مُوجِبٰاتِ
و مرا به ضرب تازیانهٔ قهرت کیفر مده و مرا در آن از موجبات خشمت

سَخَطِكَ، بِمَنِّكَ وَ أَيٰادِيكَ يٰا مُنْتَهىٰ رَغْبَةِ ٱلرّٰاغِبِينَ.
دور گردان، به بخشش و احسانت ای منتهای آرزوی مشتاقان.

دعای روز هفتم: اَللّٰهُمَّ أَعِنّي فيهِ عَلىٰ صِيٰامِهِ وَ قِيٰامِهِ، وَ جَنِّبْني
خدایا مرا به روزه و قیام در آن یاری ده و از

فيهِ مِنْ هَفَوٰاتِهِ وَ اٰثامِهِ، وَ ٱرْزُقْني فيهِ ذِكْرَكَ بِدَوٰامِهِ،
لغزش‌ها و گناهان دورم بدار و ذکر دایم خود را در آن روزیم کن،

بِتَوْفيقِكَ يٰا هٰادِيَ ٱلْمُضِلّينَ.
به توفیقت ای رهنمای گمراهان.

دعای روز هشتم: اَللّٰهُمَّ ٱرْزُقْني فيهِ رَحْمَةَ ٱلْأَيْتٰامِ، وَ إِطْعٰامَ ٱلطَّعٰامِ،
خدایا در آن، رحمت بر یتیمان و اطعام گرسنگان

وَ إِفْشٰاءَ ٱلسَّلاٰمِ، وَ صُحْبَةَ ٱلْكِرٰامِ، بِطَوْلِكَ يٰا مَلْجَأَ ٱلْاٰمِلينَ.
و آشکار کردن سلام و مصاحبت نیکان را روزیم کن، به فضل و کرمت ای پناه آرزومندان.

دعای روز نهم: اَللّٰهُمَّ ٱجْعَلْ لي فيهِ نَصيباً مِنْ رَحْمَتِكَ ٱلْوٰاسِعَةِ،
خدایا از رحمت گسترده‌ات در آن نصیبم کن

وَ ٱهْدِني فيهِ لِبَرٰاهينِكَ ٱلسّٰاطِعَةِ، وَ خُذْ بِنٰاصِيَتي إِلىٰ
و مرا به برهان‌های روشن خودت هدایت کن و به سوی خشنودی فراگیر

مَرْضٰاتِكَ ٱلْجٰامِعَةِ، بِمَحَبَّتِكَ يٰا أَمَلَ ٱلْمُشْتٰاقينَ.
خویش بکشان، به (حق) محبتت ای آرزوی مشتاقان.

دعای روز دهم: اَللّٰهُمَّ ٱجْعَلْني فيهِ مِنَ ٱلْمُتَوَكِّلينَ عَلَيْكَ،
خدایا مرا در آن از توکل کنندگان بر خودت قرار ده

وَ اجْعَلْنی فیهِ مِنَ الْفائِزینَ لَدَیْکَ، وَ اجْعَلْنی فیهِ مِنَ

و مرا در آن از سعاتمندان نزد خودت قرار ده و مرا در آن از

الْمُقَرَّبینَ إِلَیْکَ، بِإِحْسانِکَ یا غایَةَ الطّالِبینَ.

مقرّبان درگاهت قرار ده، به (حق) احسانت ای منتهای طالبان.

دعای روز یازدهم: اَللّهُمَّ حَبِّبْ إِلَیَّ فیهِ الْإِحْسانَ، وَ کَرِّهْ إِلَیَّ فیهِ

خدایا احسان و نیکی را در آن محبوب من گردان و فسق و عصیان را در آن

الْفُسُوقَ وَ الْعِصْیانَ، وَ حَرِّمْ عَلَیَّ فیهِ السَّخَطَ وَ النّیرانَ،

منفور من بدار و عذاب و آتش را در آن بر من حرام گردان،

بِعَوْنِکَ یا غِیاثَ الْمُسْتَغیثینَ.

به (حق) یاریت ای فریاد رس یاری خواهان.

دعای روز دوازدهم: اَللّهُمَّ زَیِّنّی فیهِ بِالسِّتْرِ وَ الْعَفافِ، وَ اسْتُرْنی

خدایا مرا در آن به پوشش و عفت زینت بخش و با

فیهِ بِلِباسِ الْقُنُوعِ وَ الْکَفافِ، وَ احْمِلْنی فیهِ عَلَی الْعَدْلِ وَ الْإِنْصافِ،

لباس قناعت و کفاف بپوشان و مرا در آن به عدل و انصاف وادار و از هرچه

وَ امِنّی فیهِ مِنْ کُلِّ ما أَخافُ، بِعِصْمَتِکَ یا عِصْمَةَ الْخائِفینَ.

ترسانم مرا ایمن بدار، به (حق) عصمتت ای عصمت بیمناکان.

دعای روز سیزدهم: اَللّهُمَّ طَهِّرْنی فیهِ مِنَ الدَّنَسِ وَ الْأَقْذارِ،

خدایا مرا در آن از ناپاکی و آلودگی‌ها پاک گردان

وَ صَبِّرْنی فیهِ عَلی کائِناتِ الْأَقْدارِ، وَ وَفِّقْنی فیهِ لِلتُّقی

و در آن بر قضا و قدر حتمی شکیبابیم بخش و مرا به تقوا

وَ صُحْبَةِ الْأَبْرارِ، بِعَوْنِكَ يا قُرَّةَ عَيْنِ الْمَساكينَ.

و مصاحبت با خوبان موفق بدار، به (حق) یاریت ای روشنی چشم بینوایان.

دعای روز چهاردهم: اَللّٰهُمَّ لا تُؤاخِذْني فيهِ بِالْعَثَراتِ، وَ أَقِلْني فيهِ

خدایا مرا در آن بر لغزشهایم مؤاخذه مکن و از خطاها

مِنَ الْخَطايا وَ الْهَفَواتِ، وَ لا تَجْعَلْني فيهِ غَرَضاً لِلْبَلايا

و لغزشهایم بگذر و مرا هدف تیر بلاها و آفتها

وَ الْآفاتِ، بِعِزَّتِكَ يا عِزَّ الْمُسْلِمينَ.

قرار مده، به (حق) عزّتت ای عزّت مسلمانان.

دعای روز پانزدهم: اَللّٰهُمَّ ارْزُقْني فيهِ طاعَةَ الْخاشِعينَ، وَ اشْرَحْ

خدایا در آن طاعت خاشعان را نصیبم بگردان و شرح صدر

فيهِ صَدْري بِإِنابَةِ الْمُخْبِتينَ، بِأَمانِكَ يا أَمانَ الْخائِفينَ.

افراد فروتن خداترس را به من عطا کن، به امانت ای ایمنی بیمناکان.

دعای روز شانزدهم: اَللّٰهُمَّ وَفِّقْني فيهِ لِمُوافَقَةِ الْأَبْرارِ، وَجَنِّبْني

خدایا مرا در آن به موافقت نیکان موفّق بدار و از رفاقت

فيهِ مُرافَقَةَ الْأَشْرارِ، وَ آوِني فيهِ بِرَحْمَتِكَ إِلىٰ دارِ الْقَرارِ،

با اشرار دورم بدار و به رحمت خویش در بهشت دار القرار جایم ده،

بِإِلٰهِيَّتِكَ يا إِلٰهَ الْعالَمينَ.

به خداییت ای خدای عالمیان.

دعای روز هفدهم: اَللّٰهُمَّ اهْدِني فيهِ لِصالِحِ الْأَعْمالِ، وَ اقْضِ لي

خدایا مرا در آن به اعمال صالح راهنمایی کن و حاجتها

فِيهِ ٱلْحَوٰائِجَ وَ ٱلْآمٰالَ، يٰا مَنْ لٰا يَحْتٰاجُ إِلَى ٱلتَّفْسيرِ وَ ٱلسُّؤٰالِ،
و آروزهایم را در آن برآورده ساز، ای کسی که به شرح و خواهش نیاز نداری،

يٰا عٰالِماً بِمٰا في صُدُورِ ٱلْعٰالَمينَ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ ٱلطّٰاهِرينَ.
ای آگاه از درون عالمیان، بر محمّد و خاندان پاکش صلوات فرست.

دعای روز هجدهم: اَللّٰهُمَّ نَبِّهْني فيهِ لِبَرَكٰاتِ أَسْحٰارِهِ، وَ نَوِّرْ فيهِ
خدایا مرا در آن متوجه برکات سحرهایش بگردان و دلم را به روشنی نورهایش،

قَلْبي بِضِيٰاءِ أَنْوٰارِهِ، وَ خُذْ بِكُلِّ أَعْضٰائي إِلَى ٱتِّبٰاعِ آثٰارِهِ،
منوّر گردان و همهٔ اعضایم را برای آثار و برکات آن مسخّر فرما،

بِنُورِكَ يٰا مُنَوِّرَ قُلُوبِ ٱلْعٰارِفينَ.
به (حق) نور خودت ای روشنی بخش دلهای عارفان.

دعای روز نوزدهم: اَللّٰهُمَّ وَفِّرْ فيهِ حَظّي مِنْ بَرَكٰاتِهِ، وَ سَهِّلْ سَبيلي
خدایا در آن، نصیبم از برکتهایش را فراوان کن و راهم را به خیرهایش

إِلىٰ خَيْرٰاتِهِ، وَ لٰا تَحْرِمْني قَبُولَ حَسَنٰاتِهِ، يٰا هٰادِياً إِلَى ٱلْحَقِّ ٱلْمُبينِ.
آسان گردان و از پذیرش حسنات محرومم مکن، ای راهنما به حقیقت آشکار.

دعای روز بیستم: اَللّٰهُمَّ ٱفْتَحْ لي فيهِ أَبْوٰابَ ٱلْجِنٰانِ، وَ أَغْلِقْ عَنّي
خدایا در آن، درهای بهشت را به رویم بگشای و درهای آتش را

فيهِ أَبْوٰابَ ٱلنّيرٰانِ، وَ وَفِّقْني فيهِ لِتِلٰاوَةِ ٱلْقُرْآنِ، يٰا مُنْزِلَ
به رویم ببند و در آن به تلاوت قرآن موفّقم بدار، ای‌فرود آورندهٔ

ٱلسَّكينَةِ فِي قُلُوبِ ٱلْمُؤْمِنينَ.
آرامش در دلهای مؤمنان.

دعای روز بیست و یکم: اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ لي فيهِ إِلىٰ مَرْضاتِكَ دَليلاً،
خدایا در آن برایم رهنمایی به سوی خشنودیت بگذار

وَ لا تَجْعَلْ لِلشَّيْطانِ فيهِ عَلَيَّ سَبيلاً، وَ اجْعَلِ الْجَنَّةَ لي
و راهی برای تسلّط شیطان بر من مگذار و بهشت را

مَنْزِلاً وَ مَقيلاً، يا قاضِيَ حَوائِجِ الطّالِبينَ.
جای و مکان من قرار ده، ای برآورندهٔ حاجتهای خواهندگان.

دعای روز بیست و دوم: اَللّٰهُمَّ افْتَحْ لي فيهِ أَبْوابَ فَضْلِكَ، وَ أَنْزِلْ
خدایا در آن درهای فضلت را به رویم بگشای و در آن برکاتت را

عَلَيَّ فيهِ بَرَكاتِكَ، وَ وَفِّقْني فيهِ لِمُوجِباتِ مَرْضاتِكَ،
بر من نازل فرما و در آن به موجبات خشنودیت موفّقم بدار

وَ أَسْكِنّي فيهِ بُحْبُوحاتِ جَنّاتِكَ، يا مُجيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرّينَ.
و در میان بهشت‌هایت جایم بده، ای اجابت کنندهٔ دعای پریشاندلان.

دعای روز بیست و سوم: اَللّٰهُمَّ ارْزُقْني فيهِ فَضْلَ لَيْلَةِ الْقَدْرِ،
خدایا در آن فضیلت شب قدر را نصیبم فرما

وَ صَيِّرْ فيهِ أُمُوري مِنَ الْعُسْرِ إِلَى الْيُسْرِ، وَ اقْبَلْ مَعاذيري
و کارهایم را از سختی، به آسانی مبدل ساز و عذرهایم را بپذیر

وَ حُطَّ عَنِّي الذَّنْبَ وَ الْوِزْرَ، يا رَءُوفاً بِعِبادِهِ الصّالِحينَ.
و گناه و بارم را سبک گردان، ای با بندگان صالح خود مهربان.

دعای روز بیست و چهارم: اَللّٰهُمَّ إِنّي أَسْئَلُكَ فيهِ ما يُرْضيكَ،
خدایا در آن از تو درخواست می‌کنم آنچه را که ترا خشنود می‌کند

وَ أَعُوذُ بِكَ مِمّا يُؤْذيكَ، وَ أَسْئَلُكَ اَلتَّوْفيقَ فيهِ لِأَنْ أُطيعَكَ
و به تو پناه می‌برم از آنچه تو را ناپسند است و از تو توفیق می‌خواهم که در آن به فرمان تو باشم

وَ لا أَعْصِيَكَ، يا جَوادَ اَلسّائِلينَ.
و معصیت تو را انجام ندهم ای بخشنده بر خواهندگان.

دعای روز بیست و پنجم: اَللّٰهُمَّ اجْعَلْني فيهِ مُحِبّاً لِأَوْلِيائِكَ، وَ مُعادِياً
خدایا مرا در آن دوستدار اولیایت و دشمن

لِأَعْدائِكَ، مُسْتَنّاً بِسُنَّةِ خاتَمِ أَنْبِيائِكَ، يا عاصِمَ قُلُوبِ اَلنَّبِيّينَ.
دشمنانت و پیرو سنّت خاتم پیامبرانت قرار ده، ای نگهدارندهٔ دلهای پیامبران.

دعای روز بیست و ششم: اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ سَعْيي فيهِ مَشْكُوراً وَ ذَنْبي فيهِ
خدایا سعی مرا در آن مشکور و گناهم را در آن

مَغْفُوراً وَ عَمَلي فيهِ مَقْبُولاً وَ عَيْبي فيهِ مَسْتُوراً، يا أَسْمَعَ السّامِعينَ.
آمرزیده و عملم را در آن مقبول و عیبم را در آن مستور قرار ده، ای شنواترین شنوایان.

دعای روز بیست و هفتم: اَللّٰهُمَّ اغْسِلْني فيهِ مِنَ اَلذُّنُوبِ، وَ طَهِّرْني
خدایا مرا در آن از گناهان بشوی و از

فيهِ مِنَ اَلْعُيُوبِ، وَ امْتَحِنْ قَلْبي فيهِ بِتَقْوَى اَلْقُلُوبِ، يا مُقيلَ
عیبها پاک کن و دلم را با تقوای دلها خالص ساز، ای عفو کنندهٔ

عَثَراتِ اَلْمُذْنِبينَ.
لغزشهای گناهکاران.

دعای روز بیست و هشتم: اَللّٰهُمَّ وَفِّرْ حَظّي فيهِ مِنَ اَلنَّوافِلِ، وَ أَكْرِمْني
خدایا در آن، نصیبم از مستحبات را فراوان کن و با حاضر کردن

فيهِ بِإِحْضارِ ٱلْمَسائِلِ، وَ قَرِّبْ فيهِ وَسيلَتي إِلَيْکَ مِنْ بَيْنِ
درخواست‌ها اکرامم کن و وسیله‌ام را از میان وسیله‌ها به خودت

ٱلْوَسائِلِ، يا مَنْ لا يَشْغَلُهُ إِلْحاحُ ٱلْمُلِحّينَ.
نزدیک گردان، ای آن که اصرار اصرار کنندگان سرگرمش نمی‌دارد.

دعای روز بیست و نهم: اَللّٰهُمَّ غَشِّني فيهِ بِالرَّحْمَةِ، وَ ٱرْزُقْني فيهِ
خدایا مرا در آن با رحمتت فراگیر و در آن توفیق

ٱلتَّوْفيقَ وَ ٱلْعِصْمَةَ، وَ طَهِّرْ قَلْبي مِنْ غَياهِبِ ٱلتُّهْمَةِ،
و خودداری را روزیم کن و دلم را از ظلمت تردیدها و اوهام باطل پاک گردان،

يا رَحيماً بِعِبادِهِ ٱلْمُؤْمِنينَ.
ای با بندگان مؤمن خود مهربان.

دعای روز سی‌ام: اَللّٰهُمَّ ٱجْعَلْ صِيامي فيهِ بِالشُّكْرِ وَ ٱلْقَبُولِ عَلىٰ
خدایا روزه‌ام را در آن با جزای خیر و مقبول قرار ده آنگونه که

ما تَرْضاهُ وَ يَرْضاهُ ٱلرَّسُولُ، مُحْكَمَةً فُرُوعُهُ بِالْأُصُولِ، بِحَقِّ
پسند تو و پسند رسولت گردد و فروع وشاخه‌هایش به وسیلهٔ اصول و ریشه‌هایش محکم گردد، به حق

سَيِّدِنا مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ ٱلطّاهِرينَ، وَ ٱلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ ٱلْعالَمينَ.
سرورمان محمّد و خاندان پاکش؛ و ستایش مخصوص خدا پروردگار عالمیان است.

فصل سوّم: اعمال مخصوص روزها و شبهای ماه رمضان

◻ اعمال شب نخست

۱ـ مستحبّ است «استهلال»، یعنی جستجو کردن ماه شب اوّل در آسمان، و

بعضی آن را واجب دانسته‌اند. اگر کسی ماه را دید، باید رو به قبله نموده و این دعا را که نبیّ گرامی ﷺ در وقت رؤیت هلال می‌خواندند، بخواند:

اَللّٰهُمَّ أَهِلَّهُ عَلَيْنا بِالْأَمْنِ وَ الْإيمانِ وَ السَّلامَةِ وَ الْإِسْلامِ،

خداوندا، بر ما هلال ماه را با امنیت و ایمان و سلامت و اسلام، نمایان ساز

وَ الْعافِيَةِ الْمُجَلِّلَةِ وَ دِفاعِ الْأَسْقامِ، وَ الْعَوْنِ عَلَى الصَّلٰوةِ

و به ما تندرستی و نیروی دفاع از بیماریها، عنایت کن و ما را در نماز،

وَ الصِّيامِ وَ الْقِيامِ وَ تِلاوَةِ الْقُرْآنِ. اَللّٰهُمَّ سَلِّمْنا لِشَهْرِ رَمَضانَ

روزه، شب‌زنده‌داری و قرائت قرآن، یاری فرما. خداوندا، برای ماه رمضان، به ما تندرستی‌بخش

وَ تَسَلَّمْهُ مِنّا وَ سَلِّمْنا فيهِ، حَتّىٰ يَنْقَضِيَ عَنّا شَهْرُ رَمَضانَ،

و این ماه را از ما به سلامت بدار و ما را در آن تندرستی ده تا ماه رمضان برما بگذرد

وَ قَدْ عَفَوْتَ عَنّا وَ غَفَرْتَ لَنا وَ رَحِمْتَنا.[1]

و تو از گناهمان درگذشته باشی و ما را مورد آمرزش و رحمت قرار داده باشی.

۲ـ خواندن دعای چهل و سوم، از صحیفهٔ سجّادیّه، که امام سجّاد ﷺ در وقت رؤیت هلال آن را می‌خواندند. به همین جهت این دعا به نام آن حضرت معروف شده است (که در اوّل اعمال ماه رجب بیان شد.)

۳ـ غسل کردن.[2]

۴ـ زیارت قبر شریف حضرت امام حسین ﷺ، که کفّارهٔ گناهان زائران می‌گردد، و برای او به اندازهٔ ثواب حاجیان و عمره گزاران ثواب دارد.[3]

(تکلیف کسانی که در مکانهای دورند، در بخش چهارم ذکر خواهد شد).

---

۱. الإقبال /۱۷ـ وسائل الشیعة /۱۰/ ۳۲۱ـ چاپ مؤسسة آل البیت قم.

۲. وسائل الشیعه ۲۰ جلدی، جلد ۲، صفحه ۹۵۲.

۳. بحار الانوار، جلد ۱۰۱، صفحه ۹۹.

۵ـ خواندن این دعا:

اَللّٰهُمَّ رَبَّ شَهْرِ رَمَضانَ، مُنَزِّلَ الْقُرْآنِ، هٰذا شَهْرُ رَمَضانَ

خداوندا، ای پروردگار ماه مبارک و ای فرود آورندهٔ قرآن؛ این ماه رمضان است

اَلَّذي أَنْزَلْتَ فيهِ الْقُرْآنَ، وَ أَنْزَلْتَ فيهِ آياتٍ بَيِّناتٍ مِنَ

که قرآن را در آن فرود آوردی و نشانه‌هایی روشن از هدایت و شناخت حق

الْهُدىٰ وَ الْفُرْقانِ. اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنا صِيامَهُ، وَ أَعِنّا عَلىٰ قِيامِهِ.

و باطل در آن نمایان ساختی. خداوندا، ما را توفیق روزه‌داری عنایت فرما و در شب‌زنده‌داریها یاریمان کن.

اَللّٰهُمَّ سَلِّمْهُ لَنا وَ سَلِّمْنا فيهِ وَ تَسَلَّمْهُ مِنّا في يُسْرٍ مِنْكَ

خداوندا، ماه رمضان را برای ما سلامت بدار و ما را در آن تندرستی ده و آن را از سوی ما سلامت نگهدار در آسایش

وَ مُعافاةٍ، وَ اجْعَلْ فيما تَقْضي وَ تُقَدِّرُ مِنَ الْأَمْرِ الْمَحْتُومِ،

و بخشش تو. و قرار ده در آنچه از امر حتمی مقدر ساخته‌ای در این ماه

وَ فيما تَفْرُقُ مِنَ الْأَمْرِ الْحَكيمِ، في لَيْلَةِ الْقَدْرِ مِنَ الْقَضاءِ

و از آنچه امر تغییرناپذیر و حکیمانهٔ توست در شب قدر از قبیل قضایی

اَلَّذي لا يُرَدُّ وَ لا يُبَدَّلُ، أَنْ تَكْتُبَني مِنْ حُجّاجِ بَيْتِكَ الْحَرامِ،

که بازگشت ندارد و تغییر نپذیرد، نام مرا در زمرهٔ حاجیان بیت الحرام

الْمَبْرُورِ حَجُّهُمُ، الْمَشْكُورِ سَعْيُهُمُ، الْمَغْفُورِ ذُنُوبُهُمُ،

که حجشان مقبول و سعیشان مشکور و گناهانشان آمرزیده

الْمُكَفَّرِ عَنْهُمْ سَيِّئاتُهُمْ، وَ اجْعَلْ فيما تَقْضي وَ تُقَدِّرُ، أَنْ

و بدیهاشان بخشیده است، ثبت فرما و در قضا و تقدیر خود

تُطيلَ لي في عُمْري، وَ تُوَسِّعَ عَلَيَّ مِنَ الرِّزْقِ الْحَلالِ.[1]

برای من طول عمر و گشایش روزی حلال قرار ده.

۶ـ خواندن این دعا از صحیفهٔ سجّادیّه:

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذي هَدانا لِحَمْدِهِ، وَ جَعَلَنا مِنْ أَهْلِهِ، لِنَكُونَ

سپاس خدایی را که ما را به سپاسگزاری از خویش هدایت نمود و شایستهٔ آن قرار داد تا در زمرهٔ

لِإِحْسانِهِ مِنَ الشّاكِرينَ، وَ لِيَجْزِيَنا عَلىٰ ذٰلِكَ جَزاءَ الْمُحْسِنينَ،

شکرگزاران احسانش باشیم و بدین سبب، ما را پاداش نیکو خواهد داد.

وَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذي حَبانا بِدينِهِ، وَ اخْتَصَّنا بِمِلَّتِهِ، وَ سَبَّلَنا

سپاس خدایی را که ما را دین اسلام ارزانی داشت و شایستگی ملت خود را به ما بخشید و ما را در

في سُبُلِ إِحْسانِهِ، لِنَسْلُكَها بِمَنِّهِ إِلىٰ رِضْوانِهِ، حَمْداً يَتَقَبَّلُهُ

راههای نکوی خود قرار داد، تا در سایهٔ عنایتش بسوی بهشت رهسپار شویم؛ سپاسی که از ما

مِنّا، وَ يَرْضىٰ بِهِ عَنّا، وَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذي جَعَلَ مِنْ تِلْكَ

خواهد پذیرفت و سبب خشنودیش خواهد گردید. و سپاس خدایی را که در راههای

السُّبُلِ شَهْرَهُ شَهْرَ رَمَضانَ، شَهْرَ الصِّيامِ، وَ شَهْرَ الْإِسْلامِ،

احسان خود نسبت به بندگان، ماه رمضان، ماه روزه، ماه اسلام،

وَ شَهْرَ الطَّهُورِ، وَ شَهْرَ التَّمْحيصِ، وَ شَهْرَ الْقِيامِ، الَّذي

ماه پاکدامنی و ماه تزکیه و ماه قیام را قرار داد؛ ماهی که

أُنْزِلَ فيهِ الْقُرْآنُ، هُدىً لِلنّاسِ وَ بَيِّناتٍ مِنَ الْهُدىٰ وَ الْفُرْقانِ،

در آن قرآن نازل شد برای هدایت مردم و برهان‌های روشن هدایت و تمیز حق از باطل.

---

۱. الاقبال / ۲۳.

فَأَبانَ فَضيلَتَهُ عَلىٰ سائِرِ الشُّهُورِ، بِما جَعَلَ لَهُ مِنَ الْحُرُماتِ
و بر سایر ماهها برتری دارد به سبب حرمت فراوانی که برای آن

الْمَوْفُورَةِ، وَ الْفَضائِلِ الْمَشْهُورَةِ، فَحَرَّمَ فيهِ ما أَحَلَّ في
قرار داد، و نیکیهای مشهور. برای بزرگی این ماه خداوند آنچه را در ماههای دیگر حلال بوده

غَيْرِهِ إِعْظاماً، وَ حَجَرَ فيهِ الْمَطاعِمَ وَ الْمَشارِبَ إِكْراماً،
در این ماه حرام فرموده و برای گرامی داشت آن خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها را منع کرد

وَ جَعَلَ لَهُ وَقْتاً بَيِّناً لا يُجيزُ وَ عَزَّ أَنْ يُقَدَّمَ قَبْلَهُ، وَ لا يَقْبَلُ
و برای آن وقت آشکاری قرار داد که خداوند جایز نمی‌داند که پیش انداخته شود و نمی‌پذیرد

أَنْ يُؤَخَّرَ عَنْهُ، ثُمَّ فَضَّلَ لَيْلَةً واحِدَةً مِنْ لَياليهِ عَلىٰ لَيالي
که تأخیر افتد سپس شبی از شبهای رمضان را از حیث فضیلت، بر شبهای هزار ماه

أَلْفِ شَهْرٍ، وَسَمّاها لَيْلَةَ الْقَدْرِ، تَنَزَّلُ الْمَلائِكَةُ وَ الرُّوحُ فيها
برتری داده و آنرا شب قدر نامید و روح و فرشتگان در آن شب

بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ سَلامٌ، دائِمُ الْبَرَكَةِ إِلىٰ طُلُوعِ الْفَجْرِ،
به فرمان پروردگارشان برای هر کاری با سلام فرود آیند و پیوسته تا بامدادان،

عَلىٰ مَنْ يَشاءُ مِنْ عِبادِهِ بِما أَحْكَمَ مِنْ قَضائِهِ. اَللّٰهُمَّ صَلِّ
رحمت و برکت بر بندگانیکه بخواهد و مقدر بوده باشد، ارزانی دارند. خداوندا، بر

عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ أَلْهِمْنا مَعْرِفَةَ فَضْلِهِ وَ إِجْلالَ حُرْمَتِهِ،
محمد و خاندان او صلوات فرست و ما را در شناختن بزرگواری و گرامی داشتن او موفق بدار.

وَ التَّحَفُّظَ مِمّا حَظَرْتَ فيهِ، وَ أَعِنّا عَلىٰ صِيامِهِ بِكَفِّ الْجَوارِحِ
ما را از هر چه احتراز از آن را واجب شمرده‌ای، نگهدار و یاریمان کن در روزه داری با نگه داشتن اعضاء بدن

عَنْ مَعاصيكَ، وَ آسْتِعْمالِها فيهِ بِما يُرضيكَ حَتّىٰ لا نُصْغِيَ

از نافرمانی تو و بکارگیری اعضاء در آنچه ترا خوشنود می‌کند حتی با گوشهایمان

بِأَسْماعِنا إِلىٰ لَغْوٍ، وَ لا نُسْرِعَ بِأَبْصارِنا إِلىٰ لَهْوٍ، وَ حَتّىٰ

سخن بیهوده نشنویم و چشمانمان به بیهوده ننگریم، و دستهایمان را

لا نَبْسُطَ أَيْدِيَنا إِلىٰ مَحْظُورٍ، وَ لا نَخْطُوَ بِأَقْدامِنا إِلىٰ مَحْجُورٍ،

بسوی ناشایست‌ها دراز نکنیم و با گامهایمان بسوی حرام نرویم

وَحَتّىٰ لا تَعِيَ بُطُونُنا إِلّا ما أَحْلَلْتَ وَ لا تَنْطِقَ أَلْسِنَتُنا إِلّا

و شکمهایمان جز حلال در خود نگیرد و زبان‌هایمان جز در طریق رضای تو

بِما مَثَّلْتَ، وَ لا نَتَكَلَّفَ إِلّا ما يُدْني مِنْ ثَوابِكَ، وَ لا نَتَعاطىٰ

سخن نگویند. و جز در راه نزدیکی تو کاری انجام ندهیم و به چیزی جز

إِلَّا ٱلَّذي يَقي مِنْ عِقابِكَ، ثُمَّ خَلِّصْ ذٰلِكَ كُلَّهُ مِنْ رِئاءِ

بخاطر رهایی از کیفر تو دست نیازیم. همگی اعمال ما را در این ماه از آفت ریا

ٱلْمُرائينَ، وَ سُمْعَةِ ٱلْمُسْمِعينَ، لا نُشْرِكُ فيهِ أَحَداً دُونَكَ،

و خودنمایی نگهدار تا کسی غیر از تو را در آن شریک نسازیم

وَ لا نَبْتَغي فيهِ مُراداً سِواكَ. اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ،

و غیر از تو خواستگاهی نجوییم. خداوندا، بر محمد و خاندان او صلوات فرست.

وَ قِفْنا فيهِ عَلىٰ مَواقيتِ ٱلصَّلَواتِ ٱلْخَمْسِ بِحُدُودِهَا ٱلَّتي

و ما را در آن بر اوقات نمازهای پنجگانه، به ترتیبی که

حَدَّدْتَ، وَ فُرُوضِهَا ٱلَّتي فَرَضْتَ، وَ وَظائِفِهَا ٱلَّتي وَظَّفْتَ،

فرموده‌ای و اجرای همگی فرائض و تکالیفی که قرار داده‌ای

وَ أَوْقاتِهَا ٱلَّتِي وَقَّتَّ، وَ أَنْزِلْنا فِيها مَنْزِلَةَ ٱلْمُصِيبِينَ لِمَنازِلِها

و در مواقعی که معیّن فرموده‌ای، آگاه فرما و ما را در نماز همچون کسانی قرار ده

ٱلْحافِظِينَ لِأَرْكانِهَا ٱلْمُؤَدِّينَ لَها فِي أَوْقاتِها، عَلىٰ ما سَنَّهُ

که به جایگاه آن رسیده و ارکان آنرا حفظ کرده و در اوقات نماز بجا آورده‌اند به همان روش

عَبْدُكَ وَ رَسُولُكَ صَلَواتُكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، فِي رُكُوعِها وَ سُجُودِها،

بنده و فرستادهٔ تو ـ که صلوات تو بر او و خاندانش باد ـ در رکوع و سجود

وَ جَمِيعِ فَواضِلِها عَلىٰ أَتَمِّ ٱلطَّهُورِ وَ أَسْبَغِهِ، وَ أَبْيَنِ ٱلْخُشُوعِ

و همهٔ فضیلتهای آن با کاملترین و برترین طهارة و بهترین و رساترین

وَ أَبْلَغِهِ، وَ وَفِّقْنا فِيهِ لِأَنْ نَصِلَ أَرْحامَنا بِالْبِرِّ وَ ٱلصِّلَةِ، وَ أَنْ

فروتنی. و ما را در آن ماه توفیق ده با نیکی و بخشش با خویشان رابطه برقرار کنیم و با

نَتَعاهَدَ جِيرانَنا بِالْإِفْضالِ وَ ٱلْعَطِيَّةِ، وَ أَنْ نُخَلِّصَ أَمْوالَنا مِنَ

مهربانی و بخشندگی با همسایگانمان عهد بندیم و ثروت خود را از آلودگی خالص

ٱلتَّبِعاتِ، وَأَنْ نُطَهِّرَها بِإِخْراجِ ٱلزَّكَواتِ، وَ أَنْ نُراجِعَ مَنْ

گردانیم و آن را با پرداخت زکات پاک سازیم و به کسی که از ما دوری گزیده است

هاجَرَنا، وَ أَنْ نُنْصِفَ مَنْ ظَلَمَنا، وَ أَنْ نُسالِمَ مَنْ عادانا حاشا

بازگردیم و با کسی که به ما ظلم کرده انصاف داشته باشیم و با کسی که با ما دشمنی کرده آشتی کنیم جز کسی

مَنْ عُودِيَ فِيكَ وَ لَكَ، فَإِنَّهُ ٱلْعَدُوُّ ٱلَّذِي لا نُوالِيهِ، وَ ٱلْحِزْبُ

که در راه تو و برای تو دشمنی شده. او دشمنی است که با او دوستی نکنیم و گروهی است

ٱلَّذِي لا نُصافِيهِ، وَ أَنْ نَتَقَرَّبَ إِلَيْكَ فِيهِ مِنَ ٱلْأَعْمالِ ٱلزّاكِيَةِ،

که با آن صفا نخواهیم داشت. و تقرّب به تو جوئیم در آن ماه با کردار پاک

بِما تُطَهِّرُنا بِهِ مِنَ الذُّنُوبِ، وَ تَعْصِمُنا فيهِ مِمّا نَسْتَأْنِفُ مِنَ

که ما را با آن از گناه پاک کنی و از سرگیری دوباره عیبها

الْعُيُوبِ، حَتّىٰ لا يُورِدَ عَلَيْكَ أَحَدٌ مِنْ مَلائِكَتِكَ إِلّا دُونَ

نگهداری. تا هیچیک از فرشتگان بر تو وارد نشود جز با آوردن

ما نُورِدُ مِنْ أَبْوابِ الطّاعَةِ لَكَ، وَ أَنْواعِ الْقُرْبَةِ إِلَيْكَ.

خبرهای طاعت برای تو و انواع تقرب درگاهت

اللّٰهُمَّ إِنّي أَسْئَلُكَ بِحَقِّ هٰذَا الشَّهْرِ، وَ بِحَقِّ مَنْ تَعَبَّدَ لَكَ فيهِ

خداوندا، از تو می‌خواهم، بحق این ماه و بندگانی که از آغاز تا پایان

مِنِ ابْتِدٰائِهِ إِلىٰ وَقْتِ فَنٰائِهِ، مِنْ مَلَكٍ قَرَّبْتَهُ، أَوْ نَبِيٍّ أَرْسَلْتَهُ،

آن به عبادت تو مشغول بوده‌اند، از ملائکهٔ مقرب و انبیاء مرسل

أَوْ عَبْدٍ صٰالِحٍ اخْتَصَصْتَهُ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ،

و بندهٔ صالح که او را برگزیده‌ای، بر محمد و خاندان او صلوات فرست

وَ أَهِّلْنا فيهِ لِما وَعَدْتَ أَوْلِيٰائَكَ مِنْ كَرٰامَتِكَ، وَ أَوْجِبْ لَنا

و ما را سزاوار پاداشی که از راه لطف به بندگانت وعده داده‌ای قرار ده و ثوابی که

فيهِ ما أَوْجَبْتَ لِأَهْلِ الْمُبالَغَةِ في طٰاعَتِكَ، وَ اجْعَلْنا في نَظْمِ

بر بسیار کوشندگان طاعتت مقرر فرموده‌ای به ما عنایت کن و ما را به رحمت خود در زمرهٔ

مَنِ اسْتَحَقَّ الرَّفيعَ الْأَعْلىٰ بِرَحْمَتِكَ. اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ

کسانی که درجات رفیع در پیشگاه تو دارند، به حساب آور. خداوندا، بر محمد و خاندان

وَ آلِهِ، وَ جَنِّبْنَا الْإِلْحادَ في تَوْحيدِكَ، وَ التَّقْصيرَ في تَمْجيدِكَ،

او صلوات فرست و ما را از ناباوری در یکتائی، و کوتاهی در ستایش،

وَ ٱلشَّكَّ فِي دِينِكَ، وَ ٱلْعَمىٰ عَنْ سَبِيلِكَ، وَ ٱلْإِغْفالَ
تردید در دین تو و نابینایی از دیدن راهت، و بی‌خبری از

لِحُرْمَتِكَ، وَ ٱلْإِنْخِداعَ لِعَدُوِّكَ ٱلشَّيْطانِ ٱلرَّجِيمِ. اَللّٰهُمَّ
حرمت تو و از فریب دشمنت ـ شیطان رانده شده محفوظ دار. خداوندا،

صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ إِذا كانَ لَكَ فِي كُلِّ لَيْلَةٍ مِنْ لَيالي
بر محمد و خاندان او صلوات فرست؛ و چون در هر یک از شبهای

شَهْرِنا هٰذا رِقابٌ يُعْتِقُها عَفْوُكَ، أَوْ يَهَبُها صَفْحُكَ فَاجْعَلْ
ماه رمضان، که بخشش تو گروهی را از آتش دوزخ رها می‌سازد یا گذشت تو آنان را می‌بخشد

رِقابَنا مِنْ تِلْكَ ٱلرِّقابِ، وَ ٱجْعَلْنا لِشَهْرِنا مِنْ خَيْرِ أَهْلٍ
ما را نیز از این افراد قرار بده. و ما را از بهترین اهل و یاران این ماه

وَ أَصْحابٍ. اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ ٱمْحَقْ ذُنُوبَنا مَعَ
مقرر فرما. خداوندا، بر محمد و خاندان او صلوات فرست؛ و با کاسته شدن

ٱمِّحاقِ هِلالِهِ، وَ ٱسْلَخْ عَنّا تَبِعاتِنا مَعَ ٱنْسِلاخِ أَيّامِهِ، حَتّىٰ
هلال این ماه از گناهان ما بکاه و با به پایان رسیدن روزهای آن به گرفتاری ما پایان ده تا

يَنْقَضِيَ عَنّا وَ قَدْ صَفَّيْتَنا فِيهِ مِنَ ٱلْخَطِيئاتِ، وَ أَخْلَصْتَنا فِيهِ
رمضان به پایان رسد در حالی که ما را از خطاها پاک و از بدیها خالص

مِنَ ٱلسَّيِّئاتِ. اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ إِنْ مِلْنا فِيهِ
کرده باشی. خداوندا، بر محمد و خاندان او صلوات فرست؛ و اگر منحرف شدیم

فَعَدِّلْنا، وَ إِنْ زُغْنا فِيهِ فَقَوِّمْنا، وَ إِنِ ٱشْتَمَلَ عَلَيْنا عَدُوُّكَ
به راه راست باز گردان و اگر به پستی گرائیده‌ایم، در راستی استوارمان ساز و اگر شیطان

اَلشَّيْطانُ فَاسْتَنْقِذْنا مِنْهُ. اَللّٰهُمَّ اَشْحَنْهُ بِعِبادَتِنا اِيّاكَ، وَ زَيِّنْ

بر ما چیره گشته، ما را از چنگال او رهائی بخش. خداوندا، ماه مبارک را از عبادتهای ما سرشار ساز

أَوْقاتَهُ بِطاعَتِنا لَكَ، وَ أَعِنّا فى نَهارِهِ عَلىٰ صِيامِهِ، وَ فى لَيْلِهِ

و لحظه‌هایش را با طاعات ما آراسته گردان؛ روزهایش‌را در روزه‌داری و شبهایش را

عَلَى الصَّلوٰةِ وَ التَّضَرُّعِ إِلَيْكَ وَ الْخُشُوعِ لَكَ وَ الذِّلَّةِ بَيْنَ

در نمازگزاری و زاری و فروتنی‌و اظهار ناتوانی در پیشگاهت،

يَدَيْكَ، حَتّىٰ لا يَشْهَدَ نَهارُهُ عَلَيْنا بِغَفْلَةٍ وَ لا لَيْلُهُ بِتَفْرِيطٍ.

ما را موفق بدار، تا اینکه روزهای این ماه به غفلت و شبها به تقصیر ما گواهی ندهند

اَللّٰهُمَّ وَ اجْعَلْنا فِي سائِرِ الشُّهُورِ وَ الْاَيّامِ كَذٰلِكَ ما عَمَّرْتَنا،

خداوندا، تا زنده‌ایم، ماهها و روزهای دیگر را نیز چنین گردان

وَ اجْعَلْنا مِنْ عِبادِكَ الصّالِحِينَ، اَلَّذِينَ يَرِثُونَ الْفِرْدَوْسَ هُمْ

و ما را در زمرهٔ بندگان خوبت قرار بده: بندگانیکه بهشت را به میراث برند

فِيها خالِدُونَ، وَ الَّذِينَ يُؤْتُونَ ما اٰتَوْا وَ قُلُوبُهُمْ وَجِلَةٌ،

و در آن جاوید هستند. و آنانکه آنچه دارند به محتاجان دهند و دلهاشان لرزانست

إِنَّهُمْ إِلىٰ رَبِّهِمْ راجِعُونَ، وَ مِنَ الَّذِينَ يُسارِعُونَ فِي

و به سوی پروردگارشان بازگردند؛ آنانکه در نیکوکاری

الْخَيْراتِ وَ هُمْ لَها سابِقُونَ. اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ

پیشگامند و شتابنده. خداوندا، بر محمد و خاندان او

وَ اٰلِهِ فِي كُلِّ وَقْتٍ وَ كُلِّ أَوانٍ وَ عَلىٰ كُلِّ حالٍ، عَدَدَ

صلوات فرست؛ در هر زمان و هر لحظه، به شمار همگی صلواتی

مٰا صَلَّیْتَ عَلیٰ مَنْ صَلَّیْتَ عَلَیْهِ، وَ أَضْعٰافَ ذٰلِكَ كُلِّهِ
که بر هرکس فرستاده‌ای و چندین برابر تمامی آنها که
بِالْأَضْعٰافِ اَلَّتی لاٰ یُحْصیهٰا غَیْرُكَ، إِنَّكَ فَعّٰالٌ لِمٰا تُریدُ.[۱]
به شمار نیایند؛[۲] زیرا تو هر چه را خواهی انجام می‌دهی.

□ اعمال پانزدهم رمضان

سال دوم هجرت در چنین روزی، ولادت با سعادت حضرت امام حسن مجتبی ﷺ واقع شده و بدین مناسبت بر شرافت آن افزوده گشته است. زیارت آن حضرت، در این روز، از نزدیک، بسیار مطلوب است. برای کسانی که در جاهای دورند، در بخش چهارم این کتاب، تکلیفی ذکر کرده‌ایم.

□ اعمال شب نوزدهم

شب نوزدهم رمضان، اولین شب از شبهای قدر است. شب قدر بهترین شب سال است و در خوبی و فضیلت، شبی به آن نمی‌رسد. عبادت آن شب، از عبادتِ هزار ماه بهتر است. سرنوشت زندگی یک سالهٔ هر کسی در آن شب تقدیر و تصویب می‌شود. فرشتگان و روح (فرشتهٔ وحی)، در آن شب به فرمان پروردگار به خدمت امام و حجت وقت، نازل می‌گردند و سرنوشت یک سالهٔ هر کس را بر حضرتش عرضه می‌دارند. شبهای ۱۹، ۲۱، ۲۳، و یا یکی از آنها، شب قدر است.

□ اعمال مشترک شبهای قدر

۱ـ غسل.[۲]

۲ـ دو رکعت نماز، با یک سلام (مانند نماز صبح)، با این تفاوت که در هر رکعت، بعد از حمد، هفت مرتبه سورهٔ توحید بخواند و پس از سلام نماز،

---

۱. الاقبال/ ۲۵۲.
۲. وسائل الشیعه ۲۰ جلدی، جلد ۲، صفحه ۹۳۶.

هفتاد مرتبه بگوید: أَسْتَغْفِرُ ٱللّٰهَ وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ.[۱]

۳ـ قرآن را بگشاید، و در برابر صورت خود بگیرد و این دعا را بخواند:

اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْئَلُكَ بِكِتَابِكَ ٱلْمُنْزَلِ، وَ مَا فِيهِ وَ فِيهِ ٱسْمُكَ

خداوندا! من از تو می‌خواهم به حق کتاب نازل شده‌ات و آنچه در اوست ـ و بزرگترین

ٱلْأَكْبَرُ، وَ أَسْمَاؤُكَ ٱلْحُسْنَىٰ، وَ مَا يُخَافُ وَ يُرْجَىٰ، أَنْ

نام تو و نامهای و نیکویت در آن است و آنچه در او از بیم و امید است، مرا در زمرهٔ

تَجْعَلَنِي مِنْ عُتَقَائِكَ مِنَ ٱلنَّارِ.[۲]

آزادشدگان[۳] از آتش جهنم قرار دهی.

۴ـ قرآن را بر سر گرفته و بگوید:

اَللّٰهُمَّ بِحَقِّ هٰذَا ٱلْقُرْآنِ، وَ بِحَقِّ مَنْ أَرْسَلْتَهُ بِهِ، وَ بِحَقِّ كُلِّ

خداوندا، سوگند به حق این قرآن و سوگند به کسی که آن را بوسیله او فرستادی و بحق هر مؤمنی که

مُؤْمِنٍ مَدَحْتَهُ فِيهِ، وَ بِحَقِّكَ عَلَيْهِمْ، فَلَا أَحَدَ أَعْرَفُ بِحَقِّكَ مِنْكَ.

در این کتاب از او به نیکی نام برده‌ای و بحقی که برایشان داری ـ و هیچکس بیشتر از تو شناسای حق تو نیست

آنگاه هر یک از سوگندهای پانزده گانهٔ زیر را ده بار بگوید:

بِكَ يَا أَللّٰهُ، بِمُحَمَّدٍ ﷺ، بِعَلِيٍّ ؑ، بِفَاطِمَةَ ؑ، بِالْحَسَنِ ؑ،

بحق تو ای خدا، بحق محمد، بحق علی، بحق فاطمه، بحق حسن،

بِالْحُسَيْنِ ؑ، بِعَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ ؑ، بِمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ ؑ،

بحق حسین، بحق علی بن حسین، بحق محمد بن علی،

---

۱. اقبال، صفحه ۱۸۶ ـ بحار الانوار، جلد ۹۸، صفحه ۱۴۴.

۲. الاقبال / ۱۸۶ ـ بحار الانوار / ۹۵ / ۱۴۶، و ۹۴ / ۴.

بِجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ ﷺ ، بِمُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ ﷺ ، بِعَلِيِّ بْنِ
بحق جعفر بن محمد، بحق موسی بن جعفر، بحق علی بن

مُوسىٰ ﷺ ، بِمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ ﷺ بِعَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ ﷺ ، بِالْحَسَنِ
موسی، بحق محمد بن علی، بحق علی بن محمد، بحق حسن

ابْنِ عَلِيٍّ ﷺ ، بِالْحُجَّةِ ﷺ .
ابن علی، بحق حجة بن الحسن.

سپس حاجتهای خود را از خداوند بخواهد.[۱]

۵ـ صد رکعت نماز بخواند ؛ چنانچه در اعمال مشترک این ماه گفته شد. می‌تواند به‌جای این صد رکعت، شش روز از نمازهای قضای خود را به‌جا آورد، بدین ترتیب که از ظهر روز اول شروع کند و در عشای روز ششم ختم نماید.

۶ـ خواندن این دعا:

اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَمْسَيْتُ لَكَ عَبْداً داخِراً لا أَمْلِكُ لِنَفْسي نَفْعاً
خداوندا، من در حالیکه بندهٔ آستان بوس تو بودم، به شب رساندم. مالک سود

وَ لا ضَرّاً، وَ لا أَصْرِفُ عَنْها سُوءاً، أَشْهَدُ بِذٰلِكَ عَلىٰ نَفْسي،
و زیانی برای خود نیستم و توانایی آن ندارم که بدی را از خود دور کنم؛ این شهادت را به زبان خود می‌دهم

وَ أَعْتَرِفُ لَكَ بِضَعْفِ قُوَّتي، وَ قِلَّةِ حيلَتي، فَصَلِّ عَلىٰ
و به ناتوانی و درماندگی خود اعتراف می‌کنم. پس بر

مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ أَنْجِزْلي ما وَعَدْتَني وَ جَميعَ الْمُؤْمِنينَ
محمد و خاندان او صلوات فرست و آنچه را از آمرزش به من و همگی مردان

۱. اقبال، صفحه ۱۸۶ـ بحار الانوار، جلد ۹۸، صفحه ۱۴۶.

وَ اَلْمُؤْمِنٰاتِ، مِنَ اَلْمَغْفِرَةِ فِي هٰذِهِ اَللَّيْلَةِ، وَ أَتْمِمْ عَلَيَّ

و زنان مؤمن نوید داده‌ای، در این شب به انجام رسان و نعمت خود بر من

مٰا آتَيْتَنِي فَإِنِّي عَبْدُكَ اَلْمِسْكِينُ اَلْمُسْتَكِينُ اَلضَّعِيفُ اَلْفَقِيرُ

کامل گردان که من بندهٔ تهی دست و بیچاره و ناتوان و فقیر

اَلْمَهِينُ. اَللّٰهُمَّ لاٰ تَجْعَلْنِي نٰاسِياً لِذِكْرِكَ فِيمٰا أَوْلَيْتَنِي،

و خوار تو هستم. خداوندا، مرا از یادت فراموشی مده،

وَ لاٰ غٰافِلاً لِإِحْسٰانِكَ فِيمٰا أَعْطَيْتَنِي، وَ لاٰ آيِساً مِنْ إِجٰابَتِكَ

به خاطر آنچه به من بخشیده‌ای و مرا بی‌خبر از احسان و نومید از اجابت قرار مده،

وَ إِنْ أَبْطَأَتْ عَنِّي، فِي سَرّٰاءَ أَوْ ضَرّٰاءَ أَوْ شِدَّةٍ أَوْ رَخٰاءٍ

هر چند سستی در نهان یا آشکار یا سختی یا آسودگی

أَوْ عٰافِيَةٍ أَوْ بَلاٰءٍ أَوْ بُؤْسٍ أَوْ نَعْمٰاءَ إِنَّكَ سَمِيعُ اَلدُّعٰاءِ.[1]

یا سلامتی یا بلا یا تنگی یا نعمت از سوی من بوده باشد؛ که تو دعای ما را می‌شنوی.

۷ـ زیارت قبر شریف حضرت حسین ﷺ از نزدیک، که سبب آمرزش گناهان است.[2] تکلیف کسانی که در جاهای دور باشند، در بخش چهارم کتاب ذکر شده است.

۸ـ نخوابیدن و احیا داشتن شبهای قدر تا صبح، و مشغول بودن به یاد خدا، دعا، نماز، قرآن، مباحث علمی و دینی و مطالعهٔ کتب مذهبی.[3] امید است که این اعمال، وسیلهٔ آمرزش گناهان بزرگ و بخشش خدای متعال باشد.

مرحوم مجلسی میفرماید: بهترینِ اعمال در این شبها، طلب آمرزش و دعا برای مقاصد دنیا و آخرت خود، پدر و مادر، خویشان و برادران دینی زنده و مرده و اذکار و صلوات بر محمد ﷺ و اهل بیت اوست. در روایتی وارد شده

---

۱. مصباح الکفعمی / ۵۸۵. ۲. بحار الانوار، جلد ۱۰۱، صفحه ۳۵۰. ۳. اقبال، صفحه ۱۸۶.

است که از رسول اکرم ﷺ سؤال شد: در شب قدر چه چیزی از خدا بخواهم؟ فرمود: عافیت.

اعمال مخصوص شب نوزدهم:

۱ـ صد مرتبه ﴿أَسْتَغْفِرُ ٱللّٰهَ رَبّی وَ أَتُوبُ إِلَیْهِ؛ از پروردگارم درخواست آمرزش نموده و بسوی او باز می‌گردم﴾.[۱]

۲ـ صد مرتبه ﴿اَللّٰهُمَّ ٱلْعَنْ قَتَلَةَ أَمیرِ ٱلْمُؤْمِنینَ؛ خدایا، کشندگان امیر مؤمنان ﷺ را لعنت کن﴾.[۲]

۳ـ خواندن این دعا:

اَللّٰهُمَّ ٱجْعَلْ فیمٰا تَقْضی وَ تُقَدِّرُ مِنَ ٱلْأَمْرِ ٱلْمَحْتُومِ، وَ فیمٰا
خداوندا، تو در امر حتمی که با قضا و قدر پیش‌بینی می‌کنی و در

تَفْرُقُ مِنَ ٱلْأَمْرِ ٱلْحَکیمِ، فی لَیْلَةِ ٱلْقَدْرِ، وَ فِی ٱلْقَضٰاءِ ٱلَّذی
امر حکیمانه‌ای که در شب قدر جدا می‌سازی و در قضای تغییرناپذیرت که

لاٰ یُرَدُّ وَلاٰ یُبَدَّلُ، أَنْ تَکْتُبَنی مِنْ حُجّٰاجِ بَیْتِکَ ٱلْحَرٰامِ ٱلْمَبْرُورِ
دگرگونی نمی‌یابد، نام مرا در زمرهٔ حاجیان «بیت الحرام» بنویس؛ حاجیانی

حَجُّهُمْ، ٱلْمَشْکُورِ سَعْیُهُمْ، ٱلْمَغْفُورِ ذُنُوبُهُمْ، ٱلْمُکَفَّرِ عَنْهُمْ
که ادای حجشان مقبول و سعیشان مشکور است، گناهانشان آمرزیده

سَیِّئٰاتُهُمْ، وَ ٱجْعَلْ فیمٰا تَقْضی وَ تُقَدِّرُ، أَنْ تُطیلَ عُمْری،
و بدیهایشان جبران شده است. و در تقدیر خود عمرم را دراز

وَ تُوَسِّعَ عَلَیَّ فی رِزْقی، وَ تَفْعَلَ بی...[۳]
و روزیم را زیاد گردان و...

۱. اقبال، صفحه ۱۸۶ ـ بحار الانوار، جلد ۹۸، صفحه ۱۴۲.
۲. اقبال، صفحه ۱۸۶ ـ بحار الانوار، جلد ۹۸، صفحه ۱۴۴.
۳. الاقبال / ۱۸۸.

و حاجتهای خود را بخواهد.

اعمال مخصوص شب بیست و یکم و بیست و سوم:

شب بیست و یکم از شب نوزدهم برتر است و به غسل و احیا و عبادت در این شب و شب بیست و سوم، تأکیدی بلیغ و شدید شده است.[۱] کلینی از امام باقر نقل کرده است که آن حضرت در این دو شب، تا نیمهٔ شب، دعا می‌خواندند و پس از آن، شروع به نماز می‌نمودند.[۲] اهمیّت شب بیست و سوم بیشتر از آن دو است؛ زیرا در این شب، جمیع امور بر طبق حکمت بالغهٔ خداوندی مقدر می‌شود. به همین جهت نقل شده است که حضرت زهرا نمی‌گذاشتند کسی از اهلش در این شب بخوابد و آنها را به وسیلهٔ خوابیدن در روز و کم خوردن در شب، برای احیا و عبادت آماده می‌کردند.[۳]

عمل مخصوص این شب، یعنی «شب بیست و سوم» چند تاست:

۱ـ خواندن سورهٔ عنکبوت و روم، که حضرت امام صادق فرمود: قاری این دو سوره (در این شب) از اهل بهشت است.[۴]

۲ـ خواندن سورهٔ دخان.[۵]

۳ـ تکرار این دعا:

اَللّٰهُمَّ كُنْ لِوَلِيِّكَ الْحُجَّةِ بْنِ الْحَسَنِ صَلَوٰاتُكَ عَلَيْهِ وَ عَلىٰ

خداوندا، بر حجة بن الحسن صلوات تو بر او و بر

اٰبٰائِهِ فِي هٰذِهِ السّٰاعَةِ، وَ فِي كُلِّ سٰاعَةٍ، وَلِيّاً وَ حٰافِظاً وَ قٰائِداً

اجدادش باد، در این ساعت و در تمام ساعات، دوست، نگهبان، پیشوا،

وَ نٰاصِراً وَ دَلِيلاً وَ عَيْناً، حَتّٰى تُسْكِنَهُ أَرْضَكَ طَوْعاً،

یاری دهنده و رهنما باش، تا او را در زمین ساکن سازی و همه را به فرمان او در آوری.

---

۱. اقبال، صفحه ۱۹۵. ۲. بحار الانوار، جلد ۹۷، صفحه ۱۶. ۳. بحار الانوار، جلد ۹۷، صفحه ۱۰.
۴. اقبال، صفحه ۲۱۱ ۵. بحار الانوار، جلد ۹۸، صفحه ۱۶۸.

وَ تُمَتِّعَهُ فيهٰا طَوِيلاً.[1]

و مدت طولانی او را بهره‌مند سازی.

۴ـ خواندن دعای زیر:

اَللّٰهُمَّ امْدُدْ لي في عُمْري، وَ أَوْسِعْ لي في رِزْقي، وَ أَصِحَّ جِسْمي، وَ بَلِّغْني أَمَلي، وَ إِنْ كُنْتُ مِنَ الْأَشْقِيٰاءِ فَامْحُني مِنَ الْأَشْقِيٰاءِ وَ اكْتُبْني مِنَ السُّعَدٰاءِ، فَإِنَّكَ قُلْتَ في كِتٰابِكَ الْمُنْزَلِ عَلىٰ نَبِيِّكَ الْمُرْسَلِ صَلَوٰاتُكَ عَلَيْهِ وَ اٰلِهِ:

خداوندا، عمرم را دراز و روزیم را وسیع گردان. تنم را سلامت بخش و آرزویم را برآور و اگرچه تاکنون از تیره‌روزان بوده‌ام نام مرا از تیره روزان محو کن و در زمرهٔ رستگاران به حساب آور. تو در کتاب آسمانی خود که بر پیامبرت صلوات تو بر او و آل او باد فرود آورده‌ای فرموده‌ای:

«يَمْحُو اللّٰهُ مٰا يَشٰاءُ وَ يُثْبِتُ وَ عِنْدَهُ أُمُّ الْكِتٰابِ».[2]

«خدا هر چه را خواهد نابود کند یا نگهدارد زیرا کتاب آفرینش در نزد اوست».

۵ـ خواندن این دعا:

اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ فيمٰا تَقْضي وَ فيمٰا تُقَدِّرُ مِنَ الْأَمْرِ الْمَحْتُومِ، وَ فيمٰا تَفْرُقُ مِنَ الْأَمْرِ الْحَكيمِ، في لَيْلَةِ الْقَدْرِ، مِنَ الْقَضٰاءِ

خداوندا، در امر حتمی که با قضا و قدر مقدر می‌سازی و در امر حکیمانه‌ات که در شب قدر جدا می‌کنی و آن قضائیست

---

۱. مصباح المتهجد / ۶۳۰.   ۲. اقبال / ۱ / ۳۷۹.

اَلَّذي لا يُرَدُّ وَ لا يُبَدَّلُ، أَنْ تَكْتُبَني مِنْ حُجّاجِ بَيْتِكَ الْحَرامِ،
تغییرناپذیر، مرا از حاجیان بیت‌الحرامت ثبت کن

في عامي هٰذَا الْمَبْرُورِ حَجُّهُمُ، اَلْمَشْكُورِ سَعْيُهُمْ، اَلْمَغْفُورِ
در این سال که حج آنان مقبول و سعیشان مشکور و گناهشان

ذُنُوبُهُمْ، اَلْمُكَفَّرِ عَنْهُمْ سَيِّئاتُهُمْ، وَ اجْعَلْ فيما تَقْضي وَ تُقَدِّرُ
آمرزیده و بدیهایشان به نیکیها بدل شده است، و در قضا و تقدیر خود

أَنْ تُطيلَ عُمْري، وَ تُوَسِّعَ لي في رِزْقي.[1]
عمرم را دراز و روزیم را زیاده گردان.

۶ـ خواندن این دعا:

يا باطِناً في ظُهُورِهِ، وَ يا ظاهِراً في بُطُونِهِ، وَ يا باطِناً لَيْسَ
ای که در ظهور خود ناپیدا و در ناپیدایی خود آشکاری، ای ناپیدایی که پنهان

يَخْفىٰ، وَ يا ظاهِراً لَيْسَ يُرىٰ، يا مَوْصُوفاً لا يَبْلُغُ بِكَيْنُونَتِهِ
نیستی و ای آشکاری که دیده نمی‌شوی، تو آن موصوفی که هیچ موصوف دیگر

مَوْصُوفٌ، وَلا حَدٌّ مَحْدُودٌ، وَ يا غائِباً غَيْرَ مَفْقُودٍ، وَيا شاهِداً
در کیفیت وجود، بتو نرسد و بودنت را مرز و حدی نیست. ای پنهان که ناپیدا نیستی و ای آشکاری

غَيْرَ مَشْهُودٍ، يُطْلَبُ فَيُصابُ، وَ لَمْ يَخْلُ مِنْهُ السَّماواتُ
که دیده نمی‌شوی، تو را هر که خواهد در دسترس هستی و آسمانها

وَ الْأَرْضُ وَ ما بَيْنَهُما طَرْفَةَ عَيْنٍ، لا يُدْرَكُ بِكَيْفٍ،
و زمین و آنچه در میان آنهاست، لحظه‌ای خالی از تو نیست؛

---
۱. من لا یحضره الفقیه / ۲ / ۱۶۲ ـ اقبال / ۱ / ۸۱.

وَ لاٰ يُؤَيَّنُ بِأَيْنٍ وَ لاٰ بِحَيْثٍ، أَنْتَ نُورُ ٱلنُّورِ، وَ رَبُّ ٱلْأَرْبٰابِ،

به كيفيت و مكان و زمان محدود نمی‌شوی. تو نورالانوار و پروردگار همگانی؛

أَحَطْتَ بِجَمِيعِ ٱلْأُمُورِ، سُبْحٰانَ مَنْ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ، وَ هُوَ

همهٔ امور در اختیار توست. پاک آن خدایی که هیچ چیز مانند او نیست

ٱلسَّمِيعُ ٱلْبَصِيرُ، سُبْحٰانَ مَنْ هُوَ هٰكَذٰا وَ لاٰ هٰكَذٰا غَيْرُهُ.[1]

و بینا و شنواست. پاک آن خدایی که این چنین است و کسی جز او اینگونه نیست.

دعاهایی که در هر شب از دههٔ آخر ماه رمضان باید خوانده شود:

۱) أَعُوذُ بِجَلاٰلِ وَجْهِكَ ٱلْكَرِيمِ، أَنْ يَنقَضِيَ عَنِّي شَهْرُ

پناه می‌برم به بزرگی وجه کریم تو که ماه رمضان بر من

رَمَضٰانَ، أَوْ يَطْلُعَ ٱلْفَجْرُ مِنْ لَيْلَتِي هٰذِهِ، وَ بَقِيَ لَكَ عِنْدِي

بگذرد یا سحرگاه امشب فرا رسد و خطا و گناه من

تَبِعَةٌ، أَوْ ذَنْبٌ تُعَذِّبُنِي عَلَيْهِ يَوْمَ أَلْقٰاكَ.[2]

نزد تو باقی بماند؛ گناهی که در قیامت مرا عذاب دهی.

۲) اَللّٰهُمَّ أَدِّ عَنّٰا حَقَّ مٰا مَضىٰ مِنْ شَهْرِ رَمَضٰانَ وَ ٱغْفِرْلَنٰا

خداوندا، حق مقداری از ماه رمضان که گذشت را از سوی ما ادا کن و گناهمان را

تَقْصِيرَنٰا فِيهِ، وَ تَسَلَّمْهُ مِنّٰا مَقْبُولاً، وَ لاٰ تُؤٰاخِذْنٰا بِإِسْرٰافِنٰا عَلىٰ

در این ماه ببخشای و این ماه را از ما قبول کن. ما را به خاطر ظلمی که بر خود

أَنْفُسِنٰا، وَ ٱجْعَلْنٰا مِنَ ٱلْمَرْحُومِينَ، وَ لاٰ تَجْعَلْنٰا مِنَ ٱلْمَحْرُومِينَ.[3]

کرده‌ایم بازخواست مکن و در زمرهٔ بخشودگان قرارمان ده و در ردیف بی‌نصیبانمان مگذار.

---

۱. الصحیفة السجادیة ـ اقبال / ۱ / ۳۸۲. ۲. مصباح المتهجد / ۶۲۸. ۳. بلد الامین

۳) اَللّٰهُمَّ إِنَّكَ قُلْتَ فِي كِتابِكَ الْمُنْزَلِ: شَهْرُ رَمَضانَ الَّذي
خداوندا، تو در کتاب آسمانی خود فرموده‌ای که ماه رمضان ماه

أُنْزِلَ فيهِ الْقُرْآنُ، هُدىً لِلنّاسِ وَ بَيِّناتٍ مِنَ الْهُدىٰ وَ الْفُرْقانِ،
نزول قرآن است: کتابی که خاص هدایت و در آن نشانه‌های تمیز حق از باطل است.

فَعَظَّمْتَ حُرْمَةَ شَهْرِ رَمَضانَ، بِما أَنْزَلْتَ فيهِ مِنَ الْقُرْآنِ،
و بزرگ داشتی حرمت ماه رمضان را به سبب آنکه در این ماه قرآن را نازل فرمودی

وَ خَصَصْتَهُ بِلَيْلَةِ الْقَدْرِ، وَ جَعَلْتَها خَيْراً مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ.
و شب قدر را در این ماه قرار دادی و این شب را بر هزار ماه برتری دادی.

اَللّٰهُمَّ وَ هٰذِهِ أَيّامُ شَهْرِ رَمَضانَ قَدِ انْقَضَتْ وَ لَياليهِ قَدْ
خداوندا، این روزهای ماه رمضان، سپری شد و شبهای آن

تَصَرَّمَتْ، وَ قَدْ صِرْتُ يا إِلٰهي مِنْهُ إِلىٰ ما أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنّي،
گذشت، خدای من ازآن عبور کردم به آنچه که تو به حالم از من داناتری

وَ أَحْصىٰ لِعَدَدِهِ مِنَ الْخَلْقِ أَجْمَعينَ، فَأَسْئَلُكَ بِما سَئَلَكَ بِهِ
و گناهانم را از همهٔ مردم شمارنده‌تر. پس تو را به آنچه

مَلائِكَتُكَ الْمُقَرَّبُونَ وَ أَنْبِياؤُكَ الْمُرْسَلُونَ، وَ عِبادُكَ
فرشتگان درگاهت و پیامبران فرستاده‌ات و بندگان نیکویت

الصّالِحُونَ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ أَنْ تَفُكَّ
از تو می‌خواهند، سوگند می‌دهم که بر محمد و خاندانش صلوات فرستی و مرا از آتش

رَقَبَتي مِنَ النّارِ، وَ تُدْخِلَنِي الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ، وَ أَنْ تَتَفَضَّلَ
رها سازی و به رحمت خود مرا وارد بهشت کنی و بر من

عَلَيَّ بِعَفْوِكَ وَ كَرَمِكَ، وَ تَتَقَبَّلَ تَقَرُّبي، وَ تَسْتَجيبَ دُعائي،

به عفو و کرمت ببخشایی و آنچه را که به امید تقرب درگاهت انجام داده‌ام قبول فرمایی؛ دعایم را اجابت کنی

وَ تَمُنَّ عَلَيَّ بِالْأَمْنِ يَوْمَ الْخَوْفِ مِنْ كُلِّ هَوْلٍ أَعْدَدْتَهُ لِيَوْمِ

و با اعطاء آرامش در برابر بیمی که از عذاب قیامت دارم، بر من منت

الْقِيمَةِ. إِلٰهي وَ أَعُوذُ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ وَ بِجَلالِكَ الْعَظِيمِ،

گذاری. خدایا، به وجه کریم و جلال با عظمت تو پناه می‌برم

أَنْ يَنْقَضِيَ أَيّامُ شَهْرِ رَمَضانَ وَ لَياليهِ، وَ لَكَ قِبَلي تَبِعَةٌ،

از این که روزها و شبهای ماه رمضان بگذرد و حقی از تو ضایع کرده باشم

أَوْ ذَنْبٌ تُؤاخِذُني بِهِ، أَوْ خَطيئَةٌ تُريدُ أَنْ تَقْتَصَّها مِنّي

یا گناهی که مرا به آن مؤاخذه کنی یا خطایی که درصدد مجازاتم هستی،

لَمْ تَغْفِرْها لي سَيِّدي سَيِّدي سَيِّدي، أَسْئَلُكَ يا لا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ،

و آنرا بر من نیامرزیده باشی. سرورم سرورم سرورم، از تو می‌خواهم ای که خدایی جز تو نیست،

إِذْ لا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ، إِنْ كُنْتَ رَضيتَ عَنّي في هٰذَا الشَّهْرِ

چون جز تو خدایی نیست، اگر در این ماه از من خشنود گشته‌ای

فَازْدَدْ عَنّي رِضاً، وَ إِنْ لَمْ تَكُنْ رَضيتَ عَنّي فَمِنَ الْآنَ

پس بر خشنودیت بیفزا و اگر هنوز راضی نیستی، اکنون

فَارْضَ عَنّي، يا أَرْحَمَ الرّاحِمينَ، يا اَللّٰهُ يا أَحَدُ يا صَمَدُ،

رضایت ده؛ ای مهربان‌ترین مهربانان، ای خداوند ای یکتا، ای بی‌نیاز

يا مَنْ لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ يُولَدْ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُواً أَحَدٌ. [و بسیار تکرار کن:]

ای کسی که فرزند نزادی و زائیده نشدی و برای تو همانندی نیست.

يٰا مُلَيِّنَ ٱلْحَدِيدِ لِدٰاوُودَ عَلَيْهِ ٱلسَّلاٰمُ، يٰا كٰاشِفَ ٱلضُّرِّ
ای نرم‌کنندهٔ آهن در دست داود ﷺ ، ای برطرف سازندهٔ ضرر

وَ ٱلْكَرْبِ ٱلْعِظٰامِ عَنْ أَيُّوبَ عَلَيْهِ ٱلسَّلاٰمُ، أَيْ مُفَرِّجَ هَمِّ
و رنجهای بزرگ از ایوب ﷺ، ای گشایش دهندهٔ غم

يَعْقُوبَ عَلَيْهِ ٱلسَّلاٰمُ، أَيْ مُنَفِّسَ غَمِّ يُوسُفَ عَلَيْهِ ٱلسَّلاٰمُ،
یعقوب ﷺ، ای تسلی بخش دل اندوهناک یوسف ﷺ،

صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ،كَمٰا أَنْتَ أَهْلُهُ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيْهِمْ
صلوات فرست بر محمد و خاندانش آن چنان که تو سزاوار صلوات فرستادن

أَجْمَعِينَ وَ ٱفْعَلْ بى مٰا أَنْتَ أَهْلُهُ، وَ لاٰ تَفْعَلْ بى مٰا أَنَا أَهْلُهُ.[۱]
بر ایشانی؛ مرا پاداشی شایستهٔ مقام خود ده نه مجازاتی درخور استحقاق من.

۴) در هر یک از شبهای بیست‌ویکم تا سی‌ام،دعاهای زیر بترتیب خوانده شود:

دعای شب بیست و یکم: يٰا مُولِجَ ٱللَّيْلِ فِى ٱلنَّهٰارِ، وَ مُولِجَ ٱلنَّهٰارِ فِى
ای فرو برندهٔ شب در روز و روز در

ٱللَّيْلِ، وَ مُخْرِجَ ٱلْحَيِّ مِنَ ٱلْمَيِّتِ، وَ مُخْرِجَ ٱلْمَيِّتِ مِنَ
شب، ای بیرون آورندهٔ زنده از مرده و مرده از

ٱلْحَيِّ، يٰا رٰازِقَ مَنْ يَشٰاءُ بِغَيْرِ حِسٰابٍ، يٰا اَللّٰهُ يٰا رَحْمٰنُ،
زنده، ای روزی دهندهٔ بی‌حساب به هر که خواهی، ای خدا، ای بخشنده،

يٰا اَللّٰهُ يٰا رَحِيمُ،يٰا اَللّٰهُ يٰا اَللّٰهُ يٰا اَللّٰهُ، لَكَ ٱلْأَسْمٰاءُ ٱلْحُسْنىٰ،
ای خدا، ای مهربان، ای خدا، ای خدا، ای خدا، تو را نامهای زیبا

---
۱. اقبال / ۱ / ۳۶۴.

وَ ٱلْأَمْثالُ ٱلْعُلْيا، وَ ٱلْكِبْرِياءُ وَ ٱلْآلاءُ، أَسْئَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ

و مقام عالیست و همهٔ بزرگیها و نعمتها به تو اختصاص دارد.از تو می‌خواهم

عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ أَنْ تَجْعَلَ ٱسْمي في هٰذِهِ ٱللَّيْلَةِ

به محمد و خاندانش صلوات فرستی و نام مرا هم ردیف رستگاران این شب

فِي ٱلسُّعَداءِ وَ رُوحي مَعَ ٱلشُّهَداءِ وَ إِحْساني في عِلِّيّينَ

قرار دهی. روانم را با شهیدان محشور کنی و خوبی مرا در مراتب عالی قرار دهی

وَ إِسائَتي مَغْفُورَةً، وَ أَنْ تَهَبَ لي يَقيناً تُباشِرُ بِهِ قَلْبي وَ إيماناً

و بدیهای مرا بیامرزی. و یقینی که همیشه در قلبم بماند و ایمانی

يُذْهِبُ ٱلشَّكَّ عَنّي وَ تُرْضِيَني بِما قَسَمْتَ لي، وَ آتِنا فِي

که تردید را از من بزداید به من عطا کن و مرا به آنچه قسمت نموده‌ای راضی کن و در

ٱلدُّنْيا حَسَنَةً وَ فِي ٱلْآخِرَةِ حَسَنَةً وَ قِنا عَذابَ ٱلنّارِ ٱلْحَريقِ،

دنیا و آخرت خوشبخت گردانی و ما را از عذاب آتش سوزان نگهداری

وَ ٱرْزُقْني فيها ذِكْرَكَ وَ شُكْرَكَ وَ ٱلرَّغْبَةَ إِلَيْكَ وَ ٱلْإِنابَةَ

و یاد و سپاس و شوق دیدارت و توبه به بدرگاهت را نصیب گردانی

وَ ٱلتَّوْفيقَ لِما وَفَّقْتَ لَهُ مُحَمَّداً وَ آلَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمُ ٱلسَّلامُ.

و توفیق ده به آنچه که محمد و خاندانش ﷺ را موفق فرمودی.

دعای شب بیست و دوم: يا سالِخَ ٱلنَّهارِ مِنَ ٱللَّيْلِ فَإِذا نَحْنُ مُظْلِمُونَ

ای برآورندهٔ روز از شب ـ آنگاه که ما را تاریکی فرا گرفته بود

وَ مُجْرِيَ ٱلشَّمْسِ لِمُسْتَقَرِّها بِتَقْديرِكَ، يا عَزيزُ يا عَليمُ

و ای آنکه گردش خورشید را بر مدار خود به تقدیرت تنظیم کنی، ای عزیز و ای دانا

وَ مُقَدِّرَ ٱلْقَمَرِ مَنٰازِلَ حَتّٰى عٰادَ كَالْعُرْجُونِ ٱلْقَدِيم، يٰا نُورَ
و ای آنکه ماه را در منزلهایی مرتب فرمودی تا مثل شاخهٔ خشک خرما به جایگاه اول بازگردد. ای نور

كُلِّ نُورٍ وَ مُنْتَهىٰ كُلِّ رَغْبَةٍ وَوَلِيَّ كُلِّ نِعْمَةٍ، يٰا اَللّٰهُ يٰا رَحْمٰنُ،
هر نور و فرجام هر شوق و صاحب همهٔ نعمتها، ای خدا، ای بخشنده،

يٰا اَللّٰهُ يٰا قُدُّوسُ يٰا أَحَدُ يٰا وٰاحِدُ يٰا فَرْدُ، يٰا اَللّٰهُ يٰا اَللّٰهُ
ای خدا، ای قدّوس، ای یگانه ای یکتا، ای منفرد، ای خدا، ای خدا،

يٰا اَللّٰهُ، لَكَ ٱلْأَسْمٰاءُ ٱلْحُسْنىٰ، وَ ٱلْأَمْثٰالُ ٱلْعُلْيٰا، وَ ٱلْكِبْرِيٰاءُ
ای خدا، تو را نامهای مخصوص و نیکوست و مقام بلند و بزرگی

وَ ٱلْآلاٰءُ، أَسْئَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ، وَ أَنْ
و نعمتها؛ از تو می‌خواهم که به محمد و خاندانش صلوات فرستی

تَجْعَلَ ٱسْمي في هٰذِهِ ٱللَّيْلَةِ فِي ٱلسُّعَدٰاءِ وَ رُوحي مَعَ
و نامم را در این شب جزء سعادتمندان قرار دهی؛ روانم را با

ٱلشُّهَدٰاءِ وَ إِحْسٰاني في عِلِّيِّينَ وَ إِسٰاءَتي مَغْفُورَةً، وَ أَنْ تَهَبَ
شهیدان محشور سازی و طاعتم را در علیین بپذیری؛ بدیهایم را نادیده گیری

لي يَقيناً تُبٰاشِرُ بِهِ قَلْبي وَ إيمٰاناً يُذْهِبُ ٱلشَّكَ عَنّي
و یقینی که از دلم دور نشود و ایمانی که تردید را بزداید، به من عطا فرمایی؛

وَ تُرْضِيَني بِمٰا قَسَمْتَ لي، وَ آتِنٰا فِي ٱلدُّنْيٰا حَسَنَةً وَ فِي
مرا به آنچه قسمت فرموده‌ای راضی بدار و در دنیا و آخرت

ٱلْآخِرَةِ حَسَنَةً وَ قِنٰا عَذٰابَ ٱلنّٰارِ ٱلْحَرِيقِ، وَ ٱرْزُقْني فيهٰا
خوشبخت فرما و ما را از عذاب آتش سوزان نگهدار و یاد و سپاس

ذِكْرَكَ وَ شُكْرَكَ وَ ٱلرَّغْبَةَ إِلَيْكَ وَ ٱلْإِنٰابَةَ وَ ٱالتَّوبَةَ وَ ٱلتَّوْفيقَ
و شوق دیدارت را تضرع و توبه به درگاهت ارزانیم دار؛ و توفیق ده

لِمٰا وَفَّقْتَ لَهُ مُحَمَّداً وَ آلَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمْ ٱلسَّلاٰمُ.
به آنچه که به محمد و خاندانش نصیب فرموده‌ای.

دعای شب بیست و سوم: يٰا رَبَّ لَيْلَةِ ٱلْقَدْرِ وَ جٰاعِلَهٰا خَيْراً مِنْ أَلْفِ
ای پروردگار شب قدر و ای آنکه مقام آن را برتر از هزار ماه

شَهْرٍ وَ رَبَّ ٱللَّيْلِ وَ ٱلنَّهٰارِ وَ ٱلْجِبٰالِ وَ ٱلْبِحٰارِ وَ ٱلظُّلَمِ
قرار داده‌ای، ای آفریدگار شب و روز و کوهها و دریاها و تاریکی‌ها

وَ ٱلْأَنْوٰارِ وَ ٱلْأَرْضِ وَ ٱلسَّمٰاءِ، يٰا بٰارِئُ يٰا مُصَوِّرُ يٰا حَنّٰانُ
و روشنایی‌ها و زمین و آسمان، ای آفریننده و ای چهره‌پرداز، ای مهربان

يٰا مَنّٰانُ، يٰا ٱللّٰهُ يٰا رَحْمٰنُ، يٰا ٱللّٰهُ يٰا قَيُّومُ، يٰا ٱللّٰهُ يٰا بَديعُ،
ای بزرگوار، ای خدا، ای بخشنده، ای خدا، ای پاینده، ای خدا، ای پدید آورنده،

يٰا ٱللّٰهُ يٰا ٱللّٰهُ يٰا ٱللّٰهُ، لَكَ ٱلْأَسْمٰاءُ ٱلْحُسْنىٰ وَ ٱلْأَمْثٰالُ ٱلْعُلْيٰا
ای خدا، ای خدا، ای خدا، تو را نامهای نیکو و مرتبهٔ بلند

وَ ٱلْكِبْرِيٰاءُ وَ ٱلْآلاٰءُ، أَسْئَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ،
و عظمت و نعمت است، از تو می‌خواهم که به محمد[ص] و خاندانش صلوات فرستی

وَ أَنْ تَجْعَلَ ٱسْمي في هٰذِهِ ٱللَّيْلَةِ فِي ٱلسُّعَدٰاءِ وَ رُوحي
و نام مرا در ردیف رستگاران و روحم را

مَعَ ٱلشُّهَدٰاءِ وَ إِحْسٰاني في عِلِّيّينَ وَ إِسٰائَتي مَغْفُورَةً، وَ أَنْ
با شهیدان و اعمالم را در علّیّین قرار دهی. از سر تقصیرم درگذری

تَهَبَ لي يَقيناً تُباشِرُ بِهِ قَلْبي وَ إيماناً يُذْهِبُ ٱلشَّكَ عَنّي

و يقينى براى هميشه در دلم پديد آورى؛ ايمانى كه ترديد را از من دور كند

وَ تُرْضِيَني بِما قَسَمْتَ لي، وَ آتِنا فِي ٱلدُّنْيا حَسَنَةً وَ فِي

و به هر چه نصيبم فرموده‌اى خشنودم سازد. ما را در دنيا

ٱلْاٰخِرَةِ حَسَنَةً وَ قِنا عَذابَ ٱلنّارِ ٱلْحَريقِ، وَ ٱرْزُقْني

و آخرت خوشبخت فرما و از آتش سوزان نگاهمان دار.

فيها ذِكْرَكَ وَ شُكْرَكَ وَٱلرَّغْبَةَ إِلَيْكَ وَ ٱلْإِنابَةَ وَ ٱلتَّوْبَةَ

ياد و سپاس و شوق ديدارت و تضرع و توبه را نصيب گردان؛

وَ ٱلتَّوْفيقَ لِما وَفَّقْتَ لَهُ مُحَمَّداً وَ آلَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ ٱلسَّلامُ.

و توفيق ده به آنچه كه محمد و آل محمد را موفق فرمودى.

دعاى شب بيست و چهارم: يا فالِقَ ٱلْإِصْباحِ وَ جاعِلَ ٱللَّيْلِ سَكَناً

اى شكافندۀ صبحگاهان و اى قراردهندۀ شب را براى آرامش

وَ ٱلشَّمْسِ وَ ٱلْقَمَرِ حُسْباناً، يا عَزيزُ يا عَليمُ ياذَا ٱلْمَنِّ

و خورشيد و ماه را براى نظم و گردش، اى عزيز، اى دانا اى صاحب منّت

وَ ٱلطَّوْلِ وَ ٱلْقُوَّةِ وَ ٱلْحَوْلِ وَ ٱلْفَضْلِ وَ ٱلْإِنْعامِ وَ ٱلْجَلالِ

و بخشش و نيرو و كرم و برترى و نعمت و بزرگى

وَ ٱلْإِكْرامِ، يا اَللّٰهُ يا رَحْمٰنُ، يا اَللّٰهُ يا فَرْدُ يا وَتْرُ، يا اَللّٰهُ

و بخشندگى، اى خدا، اى بخشنده، اى خدا، اى يگانه، اى بى‌همتا، اى خدا،

يا ظاهِرُ يا باطِنُ يا حَيُّ، لا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ، لَكَ ٱلْأَسْماءُ

اى ظاهر، اى باطن و اى زندۀ ابدى، جز تو خدايى نيست. تو را نامهاى

اَلْحُسْنىٰ وَ اَلْأَمْثالُ اَلْعُلْيا وَ اَلْكِبْرِياۤءُ وَ اَلْآلاۤءُ، أَسْئَلُكَ أَنْ

نیکو و مرتبه بلند و بزرگی و نعمتهاست. از تو می‌خواهم که

تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ أَنْ تَجْعَلَ اسْمي في هٰذِهِ

بر محمد و خاندانش صلوات فرستی و نام مرا امشب

اَللَّيْلَةِ فِي اَلسُّعَداۤءِ وَ رُوحي مَعَ اَلشُّهَداۤءِ وَ إِحْساني في

در ردیف رستگاران قرار دهی و روانم را با شهیدان محشور سازی و اعمالم را در

عِلِّيّينَ وَ إِساۤئَتي مَغْفُورَةً، وَ أَنْ تَهَبَ لي يَقيناً تُباشِرُ بِهِ قَلْبي

علّیین قبول فرمایی و از سر تقصیرم درگذری. یقینی که از دلم دور نگردد، عنایت کنی

وَ إيماناً يُذْهِبُ اَلشَّكَّ عَنّي وَ رِضىً بِما قَسَمْتَ لي، وَ آتِنا

و ایمانی که تردید را از من دور کند، نصیبم فرمایی؛ و به آنچه داده‌ای راضی باشم. ما را

فِي اَلدُّنْيا حَسَنَةً وَ فِي اَلْآخِرَةِ حَسَنَةً وَ قِنا عَذابَ اَلنّارِ

در دنیا و آخرت خوشبخت فرما و از آتش سوزان

اَلْحَريقِ، وَ اَرْزُقْني فيها ذِكْرَكَ وَ شُكْرَكَ وَ اَلرَّغْبَةَ إِلَيْكَ

نگاهمان دار؛ یاد و سپاس و شوق دیدارت

وَ اَلْإِنابَةَ وَ اَلتَّوْبَةَ وَ اَلتَّوْفيقَ لِما وَفَّقْتَ لَهُ مُحَمَّداً وَ آلَ

و تضرع و توبه روزی فرما و توفیق ده به آنچه که محمد

مُحَمَّدٍ صَلَواتُكَ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمْ.

و خاندان او ﷺ را موفق فرمودی.

دعای شب بیست و پنجم: يا جاعِلَ اَللَّيْلِ لِباساً وَ اَلنَّهارِ مَعاشاً

ای خدایی که شب را پوشش قراردادی و روز را برای معیشت (:زندگانی)

وَ ٱلْأَرْضِ مِهاداً وَ ٱلْجِبالِ أَوْتاداً، يا ٱللّٰهُ يا قاهِرُ، يا ٱللّٰهُ
و زمین را برای آسایش و کوهها را نگهدارندۀ آن قراردادی، ای خدا، ای قاهر، ای خدا،

يا جَبّارُ، يا ٱللّٰهُ يا سَميعُ، يا ٱللّٰهُ يا قَريبُ، يا ٱللّٰهُ يا مُجيبُ،
ای‌جبّار،ای خدا،ای شنوا،ای خدا،ای نزدیک،ای خدا،ای اجابت کن،

يا ٱللّٰهُ يا ٱللّٰهُ يا ٱللّٰهُ، لَكَ ٱلْأَسْماءُ ٱلْحُسْنىٰ وَ ٱلْأَمْثالُ ٱلْعُلْيا
ای خدا، ای خدا، ای خدا، تو را نامهای نیکوست و مرتبت بلند

وَ ٱلْكِبْرِياءُ وَ ٱلْآلاءُ، أَسْئَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ
و بزرگی و نعمت. از تو می‌خواهم که به محمد[ص] و خاندانش

مُحَمَّدٍ، وَ أَنْ تَجْعَلَ ٱسْمي في هٰذِهِ ٱللَّيْلَةِ فِي ٱلسُّعَداءِ
صلوات فرستی و نام مرا امشب در ردیف رستگاران قرار دهی.

وَ رُوحي مَعَ ٱلشُّهَداءِ وَ إِحْساني في عِلِّيّينَ وَ إِساءَتي
روانم را با شهیدان محشور سازی و احسانم را در علیین قرار دهی و از سر تقصیرم

مَغْفُورَةً، وَ أَنْ تَهَبَ لي يَقيناً تُباشِرُ بِهِ قَلْبي وَ إيماناً يُذْهِبُ
درگذری. یقینی بر من ببخشایی که در دلم ماندگار باشد و ایمانی که

ٱلشَّكَّ عَنّي وَ رِضيً بِما قَسَمْتَ لي، وَ آتِنا فِي ٱلدُّنْيا حَسَنَةً
شک را از من دور کند و به آنچه مرا داده‌ای خشنود باشم. ما را در دنیا

وَ فِي ٱلْآخِرَةِ حَسَنَةً وَ قِنا عَذابَ ٱلنّارِ ٱلْحَريقِ، وَ ٱرْزُقْني
و آخرت خوشبخت گردان و از عذاب آتش سوزان رهائیمان بخش.

فيها ذِكْرَكَ وَ شُكْرَكَ وَ ٱلرَّغْبَةَ إِلَيْكَ وَ ٱلْإِنابَةَ وَ ٱلتَّوْبَةَ
یاد و سپاس و شوق دیدارت و تضرع و توبه ارزانی دار

وَ التَّوْفيقَ لِما وَفَّقْتَ لَهُ مُحَمَّداً وَ آلَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلامُ.

و از توفيقى كه به محمد[ص] و خاندان اوﷺ عنايت فرمودى، بهره‌مندم ساز.

دعای شب بیست و ششم: يا جاعِلَ اللَّيْلِ وَ النَّهارِ آيَتَيْنِ، يا مَنْ مَحا

ای خدایی که شب و روز را نشانه قرار دادی و نشانهٔ

آيَةَ اللَّيْلِ وَ جَعَلَ آيَةَ النَّهارِ مُبْصِرَةً لِتَبْتَغُوا فَضْلاً مِنْهُ وَ رِضْواناً،

شب (ماه) را محو کردی و آیت روز (خورشید) را روشن ساختی تا بخشایش و خشنودی ترا جوینده‌ای

يا مُفَصِّلَ كُلِّ شَيْءٍ تَفْصيلاً، يا ماجِدُ يا وَهّابُ، يا اَللّهُ يا جَوادُ،

که هر چیز را ممتاز آفریدی. ای بزرگوار ای بخشنده، ای خدا، ای صاحب جود،

يا اَللّهُ يا اَللّهُ يا اَللّهُ، لَكَ الْأَسْماءُ الْحُسْنىٰ وَ الْأَمْثالُ الْعُلْيا

ای خدا، ای خدا، ای خدا، تو را نامهای نیکو و مرتبت بلند

وَ الْكِبْرِياءُ وَ الْآلاءُ، أَسْئَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ

و عظمت و نعمت است. از تو می‌خواهم که بر محمد و خاندانش صلوات

مُحَمَّدٍ، وَ أَنْ تَجْعَلَ اسْمي في هٰذِهِ اللَّيْلَةِ فِي السُّعَداءِ

فرستی و نام مرا در این شب در ردیف رستگاران

وَ رُوحي مَعَ الشُّهَداءِ وَ إِحْساني في عِلِّيّينَ وَ إِساءَتي

و روحم را با شهیدان و طاعتم را در علّیین قرار دهی، گناهم

مَغْفُورَةً، وَ أَنْ تَهَبَ لي يَقيناً تُباشِرُ بِهِ قَلْبي وَ إيماناً يُذْهِبُ الشَّكَّ

را بیامرزی و یقینی بر من ببخشایی که از دلم دوری نگزیند و ایمانی که دودلی را برطرف

عَنّي وَ تُرْضِيَني بِما قَسَمْتَ لي، وَ آتِنا فِي الدُّنْيا حَسَنَةً وَ فِي

سازد و به آنچه داده‌ای خشنودم کنی. ما را در دنیا و آخرت

اَلْاٰخِرَةِ حَسَنَةً وَ قِنا عَذابَ النّارِ الْحَريقِ، وَ ارْزُقْني فيها
خوشبختی نصیب فرما و از عذاب آتش سوزان نگهدار.[۲]

ذِكْرَكَ وَ شُكْرَكَ وَ الرَّغْبَةَ اِلَيْكَ وَ الْاِنابَةَ وَ التَّوْبَةَ وَ التَّوْفيقَ
یاد، سپاس، شوق دیدار و تضرع و توبه را ارزانی دار و از توفیقی

لِما وَفَّقْتَ لَهُ مُحَمَّداً وَ آلَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمْ.
که به محمد و خاندان او صلوات خدابرآنان عنایت فرموده‌ای، بهره‌مندم ساز.

دعای شب بیست و هفتم: يا مادَّ الظِّلِّ وَ لَوْ شِئْتَ لَجَعَلْتَهُ ساكِناً
ای گشایندهٔ سایه و اگر بخواهی سایه را ساکن می‌سازی

وَ جَعَلْتَ الشَّمْسَ عَلَيْهِ دَليلاً ثُمَّ قَبَضْتَهُ قَبْضاً يَسيراً، يا ذَا الْجُودِ
و خورشید را دلیلی بر آن قرار می‌دهی و به آسانی سایه را فرو می‌گیری، ای صاحب جود

وَ الطَّوْلِ وَ الْكِبْرِياءِ وَ الْآلاءِ، لا اِلٰهَ اِلّا اَنْتَ عالِمُ الْغَيْبِ
و بخشش و بزرگی و نعمت، جز تو خدایی نیست، ای دانای آشکار

وَ الشَّهادَةِ الرَّحْمٰنُ الرَّحيمُ، لا اِلٰهَ اِلّا اَنْتَ يا قُدُّوسُ
و پنهان و ای بخشندهٔ مهربان. جز تو خدایی نیست، ای پاکیزه،

يا سَلامُ يا مُؤْمِنُ يا مُهَيْمِنُ يا عَزيزُ يا جَبّارُ يا مُتَكَبِّرُ، يا اَللّٰهُ
ای سلام، ای مؤمن، ای مهیمن ای عزیز، ای جبار، ای سرفراز، ای خدا،

يا خالِقُ يا بارِئُ يا مُصَوِّرُ، يا اَللّٰهُ يا اَللّٰهُ يا اَللّٰهُ، لَكَ
ای آفریننده، ای پدیدآورنده، ای چهره‌پرداز، ای خدا، ای خدا، ای خدا، تو را

الْاَسْماءُ الْحُسْنىٰ وَ الْاَمْثالُ الْعُلْيا وَ الْكِبْرِياءُ وَ الْآلاءُ،
نامهای نیکو و منزلت رفیع و بزرگی و نعمت است.

أَسْئَلُکَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ، وَ أَنْ تَجْعَلَ
از تو می‌خواهم که بر محمد و خاندان او صلوات فرستی و نام مرا

اَسْمي في هٰذِهِ اللَّيْلَةِ فِي السُّعَداءِ وَ رُوحي مَعَ الشُّهَداءِ
امشب در ردیف رستگاران و روانم را با شهیدان

وَ إِحْسٰاني في عِلِّيِّينَ وَ إِسٰاءَتي مَغْفُورَةً، وَ أَنْ تَهَبَ لي يَقيناً
و طاعتم را در علّیین قرار دهی و از سر تقصیرم درگذری. یقینی بر من

تُباشِرُ بِهِ قَلْبي وَ إيمٰاناً يُذْهِبُ الشَّكَّ عَنّي وَ تُرْضِيَني بِمٰا
ببخشایی که از دلم دور نشود و ایمانی که دودلی را برطرف سازد و مرا به سهمی که داده‌ای

قَسَمْتَ لي، وَ اٰتِنا فِي الدُّنْيا حَسَنَةً وَ فِي الْاٰخِرَةِ حَسَنَةً
خشنود گردان. ما را در دنیا و آخرت، از خوشبختی بهره‌مند ساز

وَ قِنا عَذابَ النّارِ الْحَريقِ، وَ ارْزُقْني فيهٰا ذِكْرَكَ وَ شُكْرَكَ
و از آتش سوزان نگه دار. یاد، سپاس شوق دیدارت و تضرع

وَ الرَّغْبَةَ إِلَيْکَ وَ الْاِنٰابَةَ وَ التَّوْبَةَ وَ التَّوْفيقَ لِمٰا وَفَّقْتَ
و توبه را ارزانی دار و به من توفیقی که به محمد

لَهُ مُحَمَّداً وَ اٰلَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمْ.
و خاندانش صلوات خدا بر آنان عنایت فرمودی، نصیب فرما.

دعای شب بیست و هشتم: يٰا خٰازِنَ اللَّيْلِ فِي الْهَوٰاءِ وَ خٰازِنَ النُّورِ
ای آنکه شب را در هوا و روشنی را در آسمان

فِي السَّمٰاءِ وَ مٰانِعَ السَّمٰاءِ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلّا بِإِذْنِهِ
ذخیره ساختی و آسمان را از فرو افتادن بر زمین جز بفرمانت مانع شدی

وَ حابِسَهُما أَنْ تَزُولا، يا عَليمُ يا عَظيمُ يا غَفُورُ يا دائِمُ،

و زمين و آسمان را از نابودی نگهداشتی، ای دانا و ای بزرگ، ای آمرزنده و ای جاویدان،

يا اَللّٰهُ يا وارِثُ يا باعِثَ مَنْ فِي الْقُبُورِ، يا اَللّٰهُ يا اَللّٰهُ

ای خدا، ای وارث ای برانگیزندهٔ مردگان در گور،ای خدا،ای خدا،

يا اَللّٰهُ، لَكَ الْأَسْماءُ الْحُسْنىٰ وَ الْأَمْثالُ الْعُلْيا وَ الْكِبرِياءُ

ای خدا، تو را نامهای نیکوست و مرتبت رفیع و عظمت

وَ الْآلاءُ، أَسْئَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ أَنْ

و نعمت، از تو می‌خواهم که بر محمد[ص] و خاندانش صلوات فرستی و امشب

تَجْعَلَ اسْمي في هٰذِهِ اللَّيْلَةِ فِي السُّعَداءِ وَ رُوحي مَعَ

نام مرا در زمرهٔ رستگاران، و روانم را با

الشُّهَداءِ وَ إِحْساني في عِلِّيِّينَ وَ إِساءَتي مَغْفُورَةً، وَ أَنْ

شهیدان و طاعتم را در علّیین قرار دهی و از سر تقصیرم درگذری. یقینی

تَهَبَ لي يَقيناً تُباشِرُ بِهِ قَلْبي وَ إيماناً يُذْهِبُ الشَّكَّ عَنّي

که هرگز از دلم بیرون نرود بر من ببخشایی و ایمانی که دودلی را برطرف سازد نصیبم فرمایی؛

وَ تُرْضِيَني بِما قَسَمْتَ لي، وَ آتِنا فِي الدُّنْيا حَسَنَةً وَ فِي

و به آنچه داده‌ای خشنودم ساز. ما را در دنیا و آخرت

الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَ قِنا عَذابَ النّارِ الْحَريقِ، وَ ارْزُقْني فيها

از خوشبختی بهره‌مند ساز و از عذاب آتش سوزان نگهدار. و یاد، سپاس،

ذِكْرَكَ وَ شُكْرَكَ وَ الرَّغْبَةَ إِلَيْكَ وَ الْإِنابَةَ وَ التَّوْبَةَ وَ التَّوْفيقَ

شوق دیدارت، تضرع و توبه را ارزانی دار و از توفیقی که

لِمٰا وَفَّقْتَ لَهُ مُحَمَّداً وَ آلَ مُحَمَّدٍ صَلَّى ٱللّٰهُ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمْ.

به محمد و خاندانش عنایت فرمودی، عطایم فرما.

دعای شب بیست و نهم: يٰا مُكَوِّرَ ٱللَّيْلِ عَلَى ٱلنَّهٰارِ وَ مُكَوِّرَ ٱلنَّهٰارِ

ای گرداننده شب بر گرد روز و گرداننده روز بر

عَلَى ٱللَّيْلِ، يٰا عَليمُ يٰا حَكيمُ، يٰا رَبَّ ٱلْأَرْبٰابِ وَ سَيِّدَ ٱلسّٰادٰاتِ،

گرد شب، ای بسیار دانا، ای حکیم، ای پروردگار بزرگ و سرور سروران،

لاٰ إِلٰهَ إِلاّٰ أَنْتَ، يٰا أَقْرَبَ إِلَيَّ مِنْ حَبْلِ ٱلْوَريدِ، يٰا ٱللّٰهُ يٰا ٱللّٰهُ

جز تو خدایی نیست، ای که به من از رگ گردن نزدیکتری. ای خدا، ای خدا،

يٰا ٱللّٰهُ، لَكَ ٱلْأَسْمٰاءُ ٱلْحُسْنىٰ وَ ٱلْأَمْثٰالُ ٱلْعُلْيٰا وَ ٱلْكِبْرِيٰاءُ

ای خدا، تو را نامهای نیکو، مرتبت عالی و عظمت

وَ ٱلْآلاٰءُ، أَسْئَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ أَنْ

و نعمت است. از تو می‌خواهم که بر محمد[ص] و خاندان او صلوات فرستی و امشب

تَجْعَلَ ٱسْمي في هٰذِهِ ٱللَّيْلَةِ فِي ٱلسُّعَدٰاءِ وَ رُوحي مَعَ

نام مرا در ردیف رستگاران، روانم را

ٱلشُّهَدٰاءِ وَ إِحْسٰاني في عِلِّيّينَ، وَ إِسٰاءَتي مَغْفُورَةً، وَ أَنْ

با شهیدان و طاعتم را در علّیین قرار دهی و از سر تقصیرم درگذری. یقینی

تَهَبَ لي يَقيناً تُبٰاشِرُ بِهِ قَلْبي وَ إيمٰاناً يُذْهِبُ ٱلشَّكَّ عَنّي

نصیبم فرمایی که هرگز از دلم بیرون نرود و ایمانی که تردیدم را برطرف سازد؛

وَ تُرْضِيَني بِمٰا قَسَمْتَ لي، وَ آتِنٰا فِي ٱلدُّنْيٰا حَسَنَةً وَ فِي

و بدانچه داده‌ای خوشنودم ساز؛ ما را در دنیا و آخرت از هر چه

اَلْاٰخِرَةِ حَسَنَةً وَ قِنا عَذابَ النّارِ الْحَريقِ، وَ ارْزُقْني فيها

نیکوست بهره‌مند ساز و از عذاب آتش سوزان نگهدار. یاد، سپاس،

ذِكْرَكَ وَ شُكْرَكَ وَ الرَّغْبَةَ إِلَيْكَ وَ الْاِنابَةَ وَ التَّوْبَةَ وَ التَّوفيقَ

شوق دیدارت و تضرع و توبه را ارزانی دار

لِما وَفَّقْتَ لَهُ مُحَمَّداً وَ آلَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيهِ وَ عَلَيهِم

و از توفیقی که به محمد و خاندانش ﷺ عطا فرموده‌ای، بهره‌مندم ساز.

دعای شب سوام: اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ لا شَريكَ لَهُ، اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ كَما يَنْبَغي

سپاس خدایی را که شریک ندارد، ستایش خدا را چنان که

لِكَرَمِ وَجْهِهِ وَ عِزِّ جَلالِهِ وَ كَما هُوَ أَهْلُهُ، يا قُدُّوسُ يا نُورُ،

شایستهٔ بزرگی ذات و عزت جلال او و آن گونه که شایستهٔ اوست، ای قدوس، ای نور،

يا نُورَ الْقُدْسِ يا سُبُّوحُ، يا مُنْتَهَى التَّسْبيحِ، يا رَحْمٰنُ

ای نور پاک، ای منزه و ای نهایت پاکیزگی، ای بخشنده،

يا فاعِلَ الرَّحْمَةِ، يا اَللّٰهُ يا عَليمُ يا كَبيرُ، يا اَللّٰهُ يا لَطيفُ

ای انجام دهندهٔ رحمت، ای خدا، ای بسیار دانا، ای بزرگ، ای خدا، ای لطیف،

يا جَليلُ، يا اَللّٰهُ يا سَميعُ يا بَصيرُ، يا اَللّٰهُ يا اَللّٰهُ يا اَللّٰهُ،

ای بلند مرتبه، ای خدا، ای شنوا، ای بینا، ای خدا، ای خدا، ای خدا،

لَكَ الْأَسْماءُ الْحُسْنىٰ وَ الْأَمْثالُ الْعُلْيا وَ الْكِبْرِياءُ وَ الْآلاءُ،

تو را نامهای نیکو و مرتبت عالی و عظمت و نعمت است.

أَسْئَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ، وَ أَنْ تَجْعَلَ

از تو می‌خواهم که بر محمد و خاندانش صلوات فرستی و نام مرا

اَسْمي في هٰذِهِ اللَّيْلَةِ فِي السُّعَدٰاءِ وَرُوحي مَعَ الشُّهَدٰاءِ

در ردیف رستگاران، و روانم را با شهیدان

وَ إِحْسٰاني في عِلِّيِّينَ وَ إِسٰاءَتي مَغْفُورَةً، وَ أَنْ تَهَبَ لي يَقيناً

و طاعتم را در علّیین قرار دهی و از سر تقصیرم درگذری. و یقینی نصیبم فرمایی

تُبٰاشِرُ بِهِ قَلْبي وَ إيمٰاناً يُذْهِبُ الشَّكَّ عَنّي وَ تُرْضِيَني بِمٰا

که هرگز از دل بیرون نرود و ایمانی که تردیدم را برطرف سازد؛ و بدانچه

قَسَمْتَ لي، وَ اٰتِنٰا فِي الدُّنْيٰا حَسَنَةً وَ فِي الْاٰخِرَةِ حَسَنَةً وَ قِنٰا

دادهای خشنودم ساز. و ما را در دنیا و آخرت از هر چه خوبی است بهرهمند ساز و از عذاب

عَذٰابَ النّٰارِ الْحَريقِ، وَ ارْزُقْني فيهٰا ذِكْرَكَ وَ شُكْرَكَ

آتش سوزان نگهدار. یاد، سپاس،

وَ الرَّغْبَةَ إِلَيْكَ وَ الْإِنٰابَةَ وَ التَّوْبَةَ وَ التَّوْفيقَ لِمٰا وَفَّقْتَ لَهُ

شوق دیدارت و تضرع و توبه را ارزانی دار و از توفیقی که به

مُحَمَّداً وَ اٰلَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمْ.[1]

محمد و خاندانش عطا فرمودهای، بهرهمندم ساز.

اعمال مخصوص شب آخر ماه رمضان:

شب آخر ماه رمضان، شبی است مبارک و اعمال آن به شرح زیر میباشد:

۱ـ غسل[2]

۲ـ زیارت قبر حضرت حسین علیه‌السلام.[3] تکلیف کسانی که در مکانهای دورند، در بخش چهارم کتاب ذکر شده است.

---

۱. المزار المشهدی، ۶۱۷ـ اقبال، ۱/ ۴۱۴. ۲. وسائل الشیعه ۲۰ جلدی، جلد ۲، صفحه ۹۵۳

۳. وسائل الشیعه، جلد ۱۰، صفحه ۳۶۹.

۳ـ خواندن دعای زیر:

اَللّٰهُمَّ هٰذا شَهْرُ رَمَضانَ الَّذي أَنْزَلْتَ فيهِ الْقُرْآنَ وَ قَدْ تَصَرَّمَ،

خداوندا، این ماه رمضان است که قرآن را در آن فرود آوردی و اینک سپری می‌گردد.

وَ أَعُوذُ بِوَجْهِكَ الْكَريمِ يا رَبِّ أَنْ يَطْلُعَ الْفَجْرُ مِنْ لَيْلَتي

به بخشندگی تو پناه می‌برم ای پروردگار، که سپیده بدمد

هٰذِهِ أَوْ يَتَصَرَّمَ شَهْرُ رَمَضانَ وَ لَكَ قِبَلي تَبِعَةٌ أَوْ ذَنْبٌ تُريدُ

و ماه رمضان بپایان رسید و نزد تو از من خطا یا گناهی ماند که به خاطر

أَنْ تُعَذِّبَني بِهِ يَوْمَ أَلْقاكَ.

آن روز قیامت کیفرم بدهی.

۴ـ خواندن این دعا، که به «دعای وداع ماه رمضان» معروف است:

اَللّٰهُمَّ إِنَّكَ قُلْتَ في كِتابِكَ الْمُنْزَلِ عَلىٰ لِسانِ نَبِيِّكَ الْمُرْسَلِ،

خداوندا، تو در کتاب خود از زبان پیامبرت ـ که صلوات تو

صَلَواتُكَ عَلَيْهِ، وَ قَوْلُكَ حَقٌّ، «شَهْرُ رَمَضانَ الَّذي أُنْزِلَ فيهِ

بر او باد گفتی و سخنت بر حق است: «ماه رمضان ماهی است که قرآن در آن نازل

الْقُرْآنُ» وَ هٰذا شَهْرُ رَمَضانَ قَدْ تَصَرَّمَ، فَأَسْئَلُكَ بِوَجْهِكَ

گردیده» اینک ماه رمضان در آستانهٔ رفتن است؛ از تو می‌خواهم به وجه

الْكَريمِ وَ كَلِماتِكَ التّامَّةِ، إِنْ كانَ بَقِيَ عَلَيَّ ذَنْبٌ لَمْ تَغْفِرْهُ

کریم تو و کلمات تامهٔ تو اگر گناهی بر من باقی مانده و تو آن را نبخشوده‌ای

لي، أَوْ تُريدُ تُعَذِّبَني عَلَيْهِ، أَوْ تُقايِسَني بِهِ أَنْ يَطْلُعَ فَجْرُ

یا می‌خواهی مرا به سبب آن عذاب دهی یا مرا با آن گناه می‌سنجی، پیش از آنکه سپیده

هٰذِهِ ٱللَّيْلَةِ، أَوْ يَنْصَرِمَ هٰذَا ٱلشَّهْرُ إِلَّا وَ قَدْ غَفَرْتَهُ لي،

در این شب بدمد، یا این ماه به پایان رسد، از تو می‌خواهم که مرا بیامرزی،

يٰا أَرْحَمَ ٱلرّٰاحِمِينَ. ٱللّٰهُمَّ لَكَ ٱلْحَمْدُ بِمَحٰامِدِكَ كُلِّهٰا، أَوَّلِهٰا

ای مهربانترین مهربانان. خداوندا، تو را سپاس گویم بخاطر همهٔ بزرگواریهایت، از آغاز

وَ آخِرِهٰا، مٰا قُلْتَ لِنَفْسِكَ مِنْهٰا وَ مٰا قٰالَهُ لَكَ ٱلْخَلاٰئِقُ

تا انجام؛ آنچه تو خود گفته‌ای و آنچه آفریدگان در

ٱلْحٰامِدُونَ ٱلْمُجْتَهِدُونَ ٱلْمَعْدُودُونَ ٱلْمُؤْثِرُونَ فِي ذِكْرِكَ

سپاس تو گویند؛ آنها که به رضای تو کوشند و تعدادشان کم و اهل ایثار در ذکر تو

وَ ٱلشُّكْرِ لَكَ، ٱلَّذِينَ أَعَنْتَهُمْ عَلىٰ أَدٰاءِ حَقِّكَ، مِنْ أَصْنٰافِ

و سپاس تو گویند؛ آنان که تو ایشان را یاری کردی تا حقت را ادا کنند از انواع

خَلْقِكَ مِنَ ٱلْمَلاٰئِكَةِ ٱلْمُقَرَّبِينَ وَ ٱلنَّبِيِّينَ وَ ٱلْمُرْسَلِينَ،

آفریدگانت؛ از فرشتگان مقرب و پیامبران و رسولان

وَ أَصْنٰافِ ٱلنّٰاطِقِينَ ٱلْمُسَبِّحِينَ لَكَ مِنْ جَمِيعِ ٱلْعٰالَمِينَ عَلىٰ

و همهٔ تسبیح گویان تو در سراسر عالم. برای

أَنَّكَ بَلَّغْتَنٰا شَهْرَ رَمَضٰانَ، وَ عَلَيْنٰا مِنْ نِعَمِكَ، وَ عِنْدَنٰا مِنْ

اینکه تو ماه رمضان را بر ما ارزانی داشتی و در آن از نعمتها و مواهب

قِسَمِكَ وَ إِحْسٰانِكَ وَ تَظٰاهُرِ آمْتِنٰانِكَ، فَبِذٰلِكَ لَكَ مُنْتَهَى

و نیکیهای در خور قدردانیت نصیب فرمودی. بنابراین بالاترین

ٱلْحَمْدِ ٱلْخٰالِدِ ٱلدّٰائِمِ ٱلرّٰاكِدِ ٱلْمُخَلَّدِ ٱلسَّرْمَدِ ٱلَّذي لاٰ يَنْفَدُ

سپاسهای جاویدان پایدار و ابدی و همیشگی و مداوم که هرگز از میان

طُولَ ٱلْأَبَدِ، جَلَّ ثَنٰاؤُكَ أَعَنْتَنٰا عَلَيْهِ حَتّٰى قَضَيْتَ عَنّٰا صِيٰامَهُ

نرود از آن توست. بلندمرتبه باد ستایش تو که ما را یاری فرمودی تا ماه را از ما

وَ قِيٰامَهُ مِنْ صَلوٰةٍ وَ مٰا كٰانَ مِنّٰا فيهِ مِنْ بِرٍّ أَوْ نُسْكٍ أَوْ ذِكْرٍ.

سپری کردی با روزهٔ آن و برپایی نماز و نیکوکاری و پرهیزگاری و ذکر تو.

اَللّٰهُمَّ فَتَقَبَّلْهُ مِنّٰا بِأَحْسَنِ قَبُولِكَ وَ تَجٰاوُزِكَ وَ عَفْوِكَ وَ صَفْحِكَ

خداوندا، این طاعات را با حسن قبول از ما بپذیر و ما را مشمول گذشت، بخشش، چشم‌پوشی

وَ غُفْرٰانِكَ وَ حَقيقَةِ رِضْوٰانِكَ، حَتّٰى تَظْفُرَنٰا فيهِ بِكُلِّ خَيْرٍ

و آمرزش و خشنودی راستینت قرار ده، تا ما را ظفر دهی در این ماه به تمامی خوبیها

مَطْلُوبٍ وَ جَزيلِ عَطٰاءٍ مَوْهُوبٍ، تُؤْمِنَّا فيهِ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ

که خواستیم و عطای فراوان که بخشیدی. و ما را از هر کار

مَرْهُوبٍ وَ ذَنْبٍ مَسْكُوبٍ. اَللّٰهُمَّ إِنّي أَسْئَلُكَ بِعَظيمِ مٰا سَئَلَكَ

وحشت‌آور و هر گناه و بی‌آبرویی در امان دار. خداوندا، از تو می‌خواهم به عظمت و بزرگی درخواستی

بِهِ أَحَدٌ مِنْ خَلْقِكَ مِنْ كَريمِ أَسْمٰائِكَ وَ جَزيلِ ثَنٰائِكَ

که کسی از آفریدگانت کرده و تو را به نام‌های کریم تو و سپاس بسیار

وَ خٰاصَّةِ دُعٰائِكَ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ، وَ أَنْ

و دعای مخصوصت خوانده، بر محمّد و دودمانش صلوات فرست و این

تَجْعَلَ شَهْرَنٰا هٰذٰا أَعْظَمَ شَهْرِ رَمَضٰانَ مَرَّ عَلَيْنٰا مُنْذُ أَنْزَلْتَنٰا

ماه رابزرگترین رمضانی قرار ده که بر ما گذشته است. از آن زمان که ما را بدین

إِلَى ٱلدُّنْيٰا، بَرَكَةً في عِصْمَةِ ديني وَ خَلاٰصِ نَفْسي وَ قَضٰاءِ

دنیا فرستادی با برکتی در حفظ دینم و رستگاری من و برآورده شدن،

حٰاجَتي وَ تَشْفيعي في مَسٰآئِلي وَ تَمٰام اَلنِّعْمَةِ عَلَيَّ وَ صَرْفِ
حاجتم و شفیع من در خواسته هایم و اتمام نعمت بر من و بازگرداندن

اَلسُّوءِ عَنّي وَ لِبٰاسِ اَلْعٰافِيَةِ لي، وَ أَنْ تَجْعَلَني بِرَحْمَتِكَ
بدیها از من و جامهٔ عافیت برای من. از تو می‌خواهم که به رحمت خود

مِمَّنْ حُزْتَ لَهُ لَيْلَةَ اَلْقَدْرِ وَ جَعَلْتَهٰا لَهُ خَيْراً مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ
مرا در زمرهٔ کسانی قرار دهی که از برکات شب قدر بهره یافته‌اند؛ شبی که آن را بهتر از هزار شب

في أَعْظَمِ اَلْأَجْرِ وَ كَرٰائِمِ اَلذُّخْرِ وَ طُولِ اَلْعُمْرِ وَ حُسْنِ
با بزرگترین پاداش قرار داده‌ای؛ آرزو دارم‌که مرا از ذخائر ارزندهٔ این شب، درازی عمر

اَلشُّكْرِ وَ دَوٰامِ اَلْيُسْرِ. اَللّٰهُمَّ وَ أَسْئَلُكَ بِرَحْمَتِكَ وَ طَوْلِكَ
و توفیق شکر و دوام آسایش، بهره‌مند فرمائی. خداوندا، از تو بحق بخشندگی، بزرگی

وَ عَفْوِكَ وَ نَعْمٰآئِكَ وَ جَلاٰلِكَ وَ قَديمِ إِحْسٰانِكَ وَ اَمْتِنٰانِكَ،
و گذشت و نعمتهایت و مرتبهٔ بلندت و سابقهٔ احسان و کرامتت می‌خواهم

أَنْ لاٰ تَجْعَلَهُ اٰخِرَ اَلْعَهْدِ مِنّٰا لِشَهْرِ رَمَضٰانَ، حَتّٰى تُبَلِّغَنٰاهُ مِنْ
که این ماه را آخرین بار دیدار ماه رمضان، برای ما قرار ندهی و ما را با بهترین

قٰابِلٍ عَلىٰ أَحْسَنِ حٰالٍ، وَ تُعَرِّفَني هِلاٰلَهُ مَعَ اَلنّٰاظِرينَ إِلَيْهِ،
حال به رمضان آینده رسانی. و هلال نخستین شب را با دیگر دیدار کنندگان

وَ اَلْمُتَعَرِّفينَ لَهُ في أَعْفىٰ عٰافِيَتِكَ، وَ أَتَمِّ نِعْمَتِكَ، وَ أَوْسَعِ
و شناسندگان مقام این ماه در برترین عافیت و کامل‌ترین نعمت و گسترده‌ترین

رَحْمَتِكَ، وَ أَجْزَلِ قِسَمِكَ. اَللّٰهُمَّ يٰا رَبِّيَ اَلَّذي لَيْسَ لي
رحمت و فراوان‌ترین نصیب به من بنمایان. خداوندا، ای پروردگار من که مرا جز تو

رَبٌّ غَيْرُهُ، لا يَكُونُ هٰذَا ٱلْوِداعُ مِنّي وِداعَ فَنٰاءٍ، وَ لا اٰخِرَ
پروردگاری نیست، بدرود من از این ماه بدرود همیشگی و آخرین

ٱلْعَهْدِ مِنَ ٱللِّقٰاءِ، حَتّٰى تُرِينِيهِ مِنْ قٰابِلٍ فى أَسْبَغِ ٱلنِّعَمِ،
دیدار نیست. تا در سال آینده آن را به من ارائه دهی با بیشترین نعمتها

وَ أَفْضَلِ ٱلرَّجٰاءِ، وَ أَنَا لَكَ عَلىٰ أَحْسَنِ ٱلْوَفٰاءِ، إِنَّكَ سَميعُ
و برترین امید و من با تو در بهترین وفاداری خواهم ماند که تو شنوندهٔ

ٱلدُّعٰاءِ. ٱللّٰهُمَّ ٱسْمَعْ دُعٰائي وَ ٱرْحَمْ تَضَرُّعي وَ تَذَلُّلي لَكَ،
دعایی. دعایم را بشنو و بر تضرع و خواری من در درگاهت

وَ ٱسْتِكٰانَتي وَ تَوَكُّلي عَلَيْكَ، فَأَنَا لَكَ سِلْمٌ أَرْجُو نَجٰاحاً،
و اطمینان و توکل من بر تو رحمت آور. من دوست توام و امید رستگاری دارم

وَ لا مُعٰافٰاةً وَ لا تَشْريفاً وَ لا تَبْليغاً إِلّا بِكَ وَ مِنْكَ، فَامْنُنْ
و سلامتی و شرافت و کامیابی از تو و برای توست پس بر من منت گذار

عَلَيَّ جَلَّ ثَنٰاؤُكَ، وَ تَقَدَّسَتْ أَسْمٰاؤُكَ، بِتَبْليغي شَهْرَ رَمَضٰانَ،
ای آنکه ثنای تو جلیل و اسم تو مقدس است با رسیدن من به ماه رمضان

وَ أَنَا مُعٰافىً مِنْ كُلِّ مَكْرُوهٍ وَ مَحْذُورٍ، وَ مِنْ جَميعِ ٱلْبَوٰائِقِ.
مرا از هر ناخوشایندی و کار ناشایست و گناه، در امانم دار.

ٱلْحَمْدُ لِلّٰهِ ٱلَّذي أَعٰانَنٰا عَلىٰ صِيٰامِ هٰذَا ٱلشَّهْرِ وَ قِيٰامِهِ حَتّٰى
سپاس خدایی را که ما را به روزهٔ این ماه و شب‌زنده‌داری یاری فرمود

بَلَّغَنٰا اٰخِرَ لَيْلَةٍ مِنْهُ.[1]

و ما را به توفیق آخرین شب آن رسانید.

---

۱. اقبال / ۱ / ۴۳۰.

۵ـ دعای چهل و پنجم صحیفهٔ سجادیه را ، که آن هم برای وداع این ماه است ، بخواند .

دعای روز آخر ماه:

در روز آخر ماه ، خواندن این دعا مستحب است :

اَللّٰهُمَّ إِنّي أَسْئَلُکَ إِخْباتَ الْمُخْبِتينَ، وَ إِخْلاصَ الْمُوقِنينَ،

خداوندا، من از تو می‌خواهم فروتنی افتادگان و اخلاص اهل یقین

وَ مُرافَقَةَ الْأَبْرارِ، وَ اسْتِحْقاقَ حَقائِقِ الْإيمانِ، وَ الْغَنيمَةَ

و دوستی نیکمردان و شایستگی حقایق ایمان بهره یافتن از هر

مِنْ كُلِّ بِرٍّ، وَ السَّلامَةَ مِنْ كُلِّ إِثْمٍ، وَ وُجُوبَ رَحْمَتِكَ،

نیکی و سلامت ماندن از هر گناه و بهره‌مندی از بخشندگیت

وَ عَزائِمَ مَغْفِرَتِكَ، وَ الْفَوْزَ بِالْجَنَّةِ، وَ النَّجاةَ مِنَ النّارِ.[1]

و از تصمیم تو بر آمرزش گناه و کامیابی بهشت و رهایی از دوزخ.

اگر کسی در این روز قرآن ختم نماید ، این دعا را پس از آن بخواند :

اَللّٰهُمَّ اشْرَحْ بِالْقُرْآنِ صَدْري، وَ اسْتَعْمِلْ بِالْقُرْآنِ بَدَني،

خداوندا، سینه‌ام را به قرائت قرآن بگشا و تنم را از قرآن بهره‌مند ساز

وَ نَوِّرْ بِالْقُرْآنِ بَصَري وَ أَطْلِقْ بِالْقُرْآنِ لِساني وَ أَعِنّي عَلَيْهِ

و دیده‌ام را با قرآن روشن کن و زبانم را با قرآن آزاد ساز و تا زنده‌ام نگهداری،

ما أَبْقَيْتَني، فَإِنَّهُ لا حَوْلَ وَ لا قُوَّةَ إِلّا بِكَ.[2]

مرا یاری کن؛ که هیچ قوت و نیرویی جز با تو نیست.

۱ . مفاتیح الجنان . ۲ . مصباح المتهجد ـ بحار الانوار / ۸۹/ ۲۰۹ .

اعمال ماه شوّال

شب اول شوال:

شب‌اول ماه شوال ،از شبهای بابرکت‌وپرفضیلت‌است .احیا و عبادت آن، استحباب‌اکید داردو کمتراز شب‌قدرنیست.[1] اعمال‌آن‌بدین‌شرح است:

۱ـغسل کردن.[2]

۲ـاحیای آن به نماز و دعا و ماندن در مسجد تا صبح.

۳ـخواندن دعای زیر بعد از نماز مغرب، عشا، صبح و نماز عید:

اَللّٰهُ أَكْبَرُ اَللّٰهُ أَكْبَرُ، لاٰ إِلٰهَ إِلاَّ اَللّٰهُ وَ اَللّٰهُ أَكْبَرُ، اَللّٰهُ اَكْبَرُ

خدا بزرگتر است، خدا بزرگتر است و جز او خدایی نیست. خدا بزرگتر است و خدا بزرگتر است

وَ لِلّٰهِ اَلْحَمْدُ، اَلْحَمْدُلِلّٰهِ عَلىٰ مٰا هَدٰانٰا، وَلَهُ اَلشُّكْرُ عَلىٰ مٰا أَوْلٰينٰا.[3]

و ستایش از آن اوست. سپاس خدایی را که ما را هدایت کرد و او را شکر کنیم که ما را به یاری برگزید.

۴ـزیارت قبر مطهر حضرت حسین ﷺ که فضیلت بسیار دارد.[4] و در بخش چهارم کتاب ذکر شده است.

۵ـخواندن دعای «یا دٰائِمَ اَلْفَضْلِ عَلَى اَلْبَرِيَّةِ» ده مرتبه. که در اعمال شب جمعه گذشت.

۶ـخواندن دو رکعت نماز ،که در رکعت اول آن باید پس از حمد، هزار مرتبه و در رکعت دوم، یک مرتبه توحید خوانده شود. نمازگزار پس از سلام سجده کند و در سجده صد مرتبه بگوید:

﴿أَتُوبُ إِلَى اَللّٰهِ: «بسوی خدا بازمی‌گردم».﴾ سپس بخواند:

---

۱ . بحار الانوار ، جلد ۹۷ ، صفحه ۸۶ـ اقبال ، صفحه ۲۷۴ .

۲ . وسائل الشیعه ۲۰ جلدی ، صفحه ۹۵۴ .

۳ . اقبال ، ۲۷۱/ .

۴ . وسائل الشیعه ۲۰ جلدی ، جلد ۱۰ ، صفحه ۳۷۱ .

يٰا ذَا ٱلْمَنِّ وَ ٱلْجُودِ، يٰا ذَا ٱلْمَنِّ وَ ٱلطَّوْلِ، يٰا مُصْطَفِيَ مُحَمَّدٍ

ای دارای منت و بخشش، ای دارای منت و نعمت، ای برگزینندهٔ محمد

صَلَّى ٱللّٰهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ ٱفْعَلْ بي...؛[1]

صلوات خدا بر او و خاندانش باد، بر محمد و خاندان او صلوات فرست. و دربارهٔ من چنین کن...

و حاجتهای خود را بخواهد. شایان ذکر است که برای این نماز، فضیلت بسیار و ثواب بی‌شماری نوشته شده است.

روز اول شوّال:

اول شوال روز عید فطر است، که یکی از بزرگترین و مهمترین اعیاد اسلامی می‌باشد. اعمال عمدهٔ آن عبارتند از:

۱ـ بیرون کردن و پرداخت نمودن زکوة فطره، پیش از خواندن نماز عید و اگر کسی نماز عید نخواند، تا ظهر برای این کار وقت دارد. پرداخت زکوة فطره به‌مستمندان، در صورت تحقق‌شرایط آن، از «واجبات موکّد» است؛ زیرا علاوه برداشتن منافع اجتماعی و اقتصادی، سبب قبولی روزه و بیمه شدن جسم و جان در برابر پیش آمدهای ناگوار، تا سال آینده می‌باشد.

۲ـ غسل کردن، جامهٔ نو پوشیدن، عطر زدن، افطار کردن قبل از نماز، آنگاه به نماز عید رفتن؛ و حتی‌الامکان نماز عید در صحرا خوانده شود.[2]

۳ـ خواندن دعای زیر، هنگام آمادگی برای رفتن به نماز عید:

اَللّٰهُمَّ مَنْ تَهَيَّأَ في هٰذَا ٱلْيَوْمِ، أَوْ تَعَبَّأَ أَوْ أَعَدَّ وَ ٱسْتَعَدَّ لِوِفادَةٍ

خداوندا، اگر امروز کسی آماده می‌شود یا مستعد و مهیا می‌گردد برای ورود

---

۱. اقبال / ۲۷۲.
۲. اقبال، صفحه ۲۸۰.

إِلىٰ مَخْلُوقٍ رَجٰاءَ رِفْدِهِ وَ نَوافِلِهِ وَ فَوٰاضِلِهِ وَ عَطٰايٰاهُ، فَإِنَّ
بر آفریدگانت به امید جلب جایزه و نیکی‌ها و بخششها و عطای او

إِلَيْكَ يٰا سَيِّدي تَهْيِئَتي وَ تَعْبِئَتي وَ إِعْدادي وَ اسْتِعْدادي،
اینک ای سرورم، من آماده و مهیا و مستعد ورود در جوار تو

رَجٰاءَ رِفْدِكَ وَ جَوٰائِزِكَ وَ نَوٰافِلِكَ وَ فَوٰاضِلِكَ وَ فَضٰائِلِكَ
به امید بهره‌مندی از بزرگواری، بخشش‌ها و نیکی‌ها

وَ عَطٰايٰاكَ، وَ قَدْ غَدَوْتُ إِلىٰ عيدٍ مِنْ أَعْيادِ أُمَّةِ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ
و عطاهای توأم. بامداد عیدی را آغاز کردم، که از اعیاد امت پیامبر تو محمدﷺ

صَلَوٰاتُ اللّٰهِ عَلَيْهِ وَ عَلىٰ آلِهِ، وَ لَمْ أَفِدْ إِلَيْكَ الْيَوْمَ بِعَمَلٍ
و دودمان اوست. من بسوی تو با سرمایه‌ای‌از نکوکاری

صٰالِحٍ أَثِقُ بِهِ قَدَّمْتُهُ، وَ لاٰ تَوَجَّهْتُ بِمَخْلُوقٍ أَمَّلْتُهُ، وَ لٰكِنْ
نیامده‌ام تا به لطف تو امیدوار باشم و نیز به هیچ آفریده‌ای‌امید نبسته‌ام؛ اما

أَتَيْتُكَ خٰاضِعاً مُقِرّاً بِذُنُوبي وَ إِسٰائَتي إِلىٰ نَفْسي، فَيٰا عَظيمُ
با فروتنی به نزد تو آمدم و به گناه خود و ستمی‌که بر خویش روا داشته‌ام اعتراف می‌کنم. ای بلندمرتبه،

يٰا عَظيمُ يٰا عَظيمُ، اغْفِرْلِيَ الْعَظيمَ مِنْ ذُنُوبي، فَإِنَّهُ لاٰ يَغْفِرُ
ای بلند مرتبه، ای بلند مرتبه، گناهان بزرگ مرا بیامرز؛ که گناهان بزرگ

الذُّنُوبَ الْعِظٰامَ إِلاّ أَنْتَ يٰا لاٰإِلٰهَ إِلاّ أَنْتَ يٰا أَرْحَمَ الرّاحِمينَ.[۱]
را جز تو کسی نمی‌آمرزد و جز تو خدایی نیست، ای مهربان‌ترین مهربانان.

۱. اقبال / ۲۸۰.

۴ـ خواندن نماز عید، که دو رکعت است. در رکعت اول، حمد و سورهٔ «اعلیٰ» را بخواند، سپس پنج قنوت بگیرد و در هر قنوتی این دعا را بخواند:

اَللّٰهُمَّ أَهْلَ الْكِبْرِياءِ وَ الْعَظَمَةِ، وَ أَهْلَ الْجُودِ وَ الْجَبَرُوتِ،

خدایا ای سزاوار بزرگی، سرفرازی، بخشندگی و جبروت

وَ أَهْلَ الْعَفْوِ وَ الرَّحْمَةِ، وَ أَهْلَ التَّقْوىٰ وَ الْمَغْفِرَةِ، أَسْئَلُكَ

و اهل بخشیدن و مهربانی و اهل تقوی و آمرزش از تو می‌خواهم

بِحَقِّ هٰذَا الْيَوْمِ، اَلَّذي جَعَلْتَهُ لِلْمُسْلِمينَ عيداً، وَ لِمُحَمَّدٍ

به حق امروز که برای مسلمانان عید و برای محمد

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَ اٰلِهِ ذُخْراً وَ مَزيداً، أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ

صلوات خدا بر او و دودمانش‌باد ذخیره و فزونی قرار دادی که بر محمد و دودمانش

وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ، وَ أَنْ تُدْخِلَني في كُلِّ خَيْرٍ أَدْخَلْتَ فيهِ مُحَمَّداً

صلوات فرستی و هر خیر و سعادت را که به محمد و خاندانش ارزانی داشته‌ای

وَ اٰلَ مُحَمَّدٍ، وَ أَنْ تُخْرِجَني مِنْ كُلِّ سُوءٍ أَخْرَجْتَ مِنْهُ مُحَمَّداً

مرا بهره‌مند سازی و از هر بدی که محمد و خاندانش را از آن خارج ساختی،

وَ اٰلَ مُحَمَّدٍ صَلَواتُكَ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمْ. اَللّٰهُمَّ إِنّي أَسْئَلُكَ خَيْرَ

رهایی دهی. صلوات تو بر محمّد و خاندانش باد. خداوندا، از تو می‌خواهم بهترین چیزی را که

مٰا سَئَلَكَ بِهِ عِبٰادُكَ الصّٰالِحُونَ، وَ أَعُوذُ بِكَ مِمّٰا اسْتَعٰاذَ مِنْهُ

بندگان شایسته‌ات از تو می‌خواهند، و بتو پناه می‌آورم از آنچه که بندگان

عِبٰادُكَ الصّٰالِحُونَ.

شایسته‌ات پناه آورده‌اند.

آنگاه تکبیر ششم را بگوید و به رکوع و سجده رود. و در رکعت دوم، پس از حمد، سورهٔ «والشمس» را بخواند، آنگاه چهار قنوت بگیرد و در هر قنوت، دعای مزبور را بخواند؛ سپس تکبیر پنجم را بگوید و به رکوع و سجده برود.[۱]

۵ـ خواندن دعای «ندبه»، که انشاءالله در زیارت حضرت ولی‌عصر (عج) خواهد آمد.

روز بیست و پنجم:

در روز بیست و پنجم این ماه، در سال صد و چهل و هشت هجری، وفات امام جعفر صادق ﷺ به علت زهری که در انگور به آن حضرت خورانده بودند، واقع شده است.[۲] زیارت قبر مطهر آن حضرت، در این روز از راه دور هم باشد، مناسب است. به روشی که در بخش چهارم این کتاب نوشته شده، و مناسب و لازم است پیروان آن حضرت مجالس و مراسم عزا برپا دارند. گویندگان مذهبی دربارهٔ آن حضرت سخنرانی کنند؛ از شخصیت والا، اخلاق فاضله، کمالات معنوی، علم و دانش لدُنی، موقعیت اجتماعی و گرفتاریهای سیاسی آن حضرت صحبت کنند، زیرا امام صادق ﷺ در مقطع زمانی کوتاهی توانست با تربیت انسانهای لایق و با هدف، حداکثر استفاده را بکند؛ شجرهٔ تشیّع را رشد دهد و بارور کند؛ و شاخه‌های آن را به اطراف و اکناف جهان گسترش دهد. حسن مدارای آن حضرت با دوستان و دشمنان و پایداری اعجاب‌انگیزش در مقابل جبهه‌های به‌هم پیوستهٔ باطل، اندیشه‌های فلاسفهٔ مادی، دسیسه‌های خطرناک خلفای جور و اختلافات فرقه‌ای موجب شد که در اندک مدتی معارف اصلی و فرعی اسلام راستین و اسلام قرآنی و

---

۱. مصباح شیخ طوسی، صفحه ۶۵۸.

۲. بنا به قول صاحب جنات الخلود ولی بنا به قول مرحوم شهید و صاحب کتاب روضة الواعظین و کفعمی، و مناقب و اعلام الوری در نیمه رجب همان سال است.

محمدی ﷺ، جلوه‌گر شود و رونق گیرد. آری این تشیّع، که به تشیّع علوی و جعفری نیز معروف است، در عمر طولانی خود، شاگردانی بس ممتاز و پرارج تربیت نموده و می‌نماید. و نیز آن حضرت در آن دوران پرفراز و نشیب و خونین، دست بیعت به هیچ اهل باطلی نداد و متأثر از هیچ انحراف و کژی نگشت، برخلاف تسنن اموی و عباسی که با هر قدرتی سازش کرد؛ خلاصه، پیروان قرآن باید از همهٔ ایام سوگواری و اعیاد و غیرآنها حداکثر استفاده را برای پیشبرد اهداف اسلامی خویش بنمایند. خدای بزرگ در این راه توفیق کامل را رفیقشان فرماید.

اعمال ماه ذی القعده

در روز یازدهم ذی‌القعدهٔ سال صد و چهل و هشت هجری، ولادت با سعادت حضرت رضا ؑ،[1] و در بیست و سوم آن، در سال دویست و سه، بنا بر قولی، شهادت آن حضرت واقع شده است.[2] زیارت آن حضرت، در این روز، مناسب است، به همان روشی که در اعمال بیست و پنجم شوال گفته شد. وظیفهٔ کسانی که از مشهد مقدس دورند، در بخش چهارم این کتاب خواهد آمد و در روز آخر این ماه، در سال دویست و بیست، بنا به قول مشهور، حضرت امام محمدتقی ؑ، به زهر معتصم عباسی، در بغداد، به شهادت رسیده و در بقعهٔ مبارک جدش موسی بن جعفر ؑ واقع در کاظمین مدفون گردیده است. در آن وقت، از سن شریفش، بیست و پنج سال گذشته بود.[3] زیارت مرقد مطهرش در این روز مناسب است.

---

۱. بحار الانوار، جلد ۴۹، صفحه ۱ و ۲ و ۹.
۲. بحار الانوار، جلد ۴۹، صفحه ۲۹۳
۳. اصول کافی، جلد ۱، صفحه ۴۹۲.

اعمال ماه ذی‌الحجّة

اعمال این ماه دو گونه است: اعمال مشترک، اعمال مختص.

□ اعمال مشترک

دهۀ اول این ماه، بسی فضیلت و شرافت دارد و آیۀ بیست و هشت از سورۀ حج ﴿وَ يَذْكُرُوا اسْمَ اللّٰهِ فِي أَيَّامٍ مَعْلُومَاتٍ؛ در روزهای معلومی نام خدا را یاد می‌کنند﴾ به دهۀ اول ذی الحجه تفسیر شده است.[1] و اعمال این دهه به شرح زیر است:

۱ـ روزه گرفتن در نه روز اول، که ثواب بسیار دارد.[2] کسی که روزۀ واجب به عهده دارد می‌تواند آن را قصد کند. امید است در این صورت به ثواب هر دو نایل شود.

۲ـ در هر شب از دهۀ اول، مابین نماز مغرب و عشا، دو رکعت نماز بجا آورد، در هر رکعت، پس از حمد، سورۀ توحید و سپس این آیه را بخواند:

وَ وَاعَدْنَا مُوسَىٰ ثَلَاثِينَ لَيْلَةً وَ أَتْمَمْنَاهَا بِعَشْرٍ فَتَمَّ مِيقَاتُ رَبِّهِ

ما به موسی، سی شب مهلت دادیم و ده شب دیگر بر آن افزودیم و دیدار با خدایش

أَرْبَعِينَ لَيْلَةً، وَ قَالَ مُوسَىٰ لِأَخِيهِ هَارُونَ اخْلُفْنِي فِي قَوْمِي

چهل شب کامل گردید. موسی به هارون برادرش گفت: جانشین من در میان قبیله‌ام باش،

وَ أَصْلِحْ وَ لَا تَتَّبِعْ سَبِيلَ الْمُفْسِدِينَ؛

آرامش را برقرار ساز و پیروی از راه بدکاران مکن.

تا شریک ثواب حاجیان گردد، بدون این که از ثواب آنان چیزی کاسته شود.[3]

۳ـ از روز اول تا عصر روز عرفه (نهم) بعد از نماز صبح و مغرب بخواند:

---

۱. تفسیر صافی، ذیل آیه.
۲. وسائل الشیعه ۲۰ جلدی، جلد ۷، صفحه ۳۳۳.
۳. اقبال، صفحه ۳۱۷.

اَللّٰهُمَّ هٰذِهِ اَلْأَيّٰامُ اَلَّتى فَضَّلْتَهٰا عَلَى اَلْأَيّٰامِ وَ شَرَّفْتَهٰا،

خداوندا، این روزهایی است که نسبت به سایر ایام سال فضیلت و شرف بخشیدی

قَدْ بَلَّغْتَنيهٰا بِمَنِّكَ وَ رَحْمَتِكَ، فَأَنْزِلْ عَلَيْنٰا مِنْ بَرَكٰاتِكَ،

و مرا به کرامت و لطف خود بدان رساندی. برکات خود را در این روزها بر ما ارزانی دار

وَ أَوْسِعْ عَلَيْنٰا فيهٰا مِنْ نَعْمٰائِكَ. اَللّٰهُمَّ إِنّى أَسْئَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ

و نعمت‌هایت را بر ما افزایش ده. خدایا، از تو مسألت دارم که بر محمد

عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ أَنْ تَهْدِيَنٰا فيهٰا لِسَبيلِ اَلْهُدىٰ

و خاندانش صلوات فرستی و ما را به راه راست

وَ اَلْعَفٰافِ وَ اَلْغِنىٰ وَ اَلْعَمَلِ فيهٰا بِمٰا تُحِبُّ وَ تَرْضىٰ. اَللّٰهُمَّ

و پاکدامنی و بی‌نیازی و در انجام کاری که سبب خشنودی تو خواهد بود، هدایت فرمایی. خداوندا،

اِنّى أَسْئَلُكَ يٰا مَوْضِعَ كُلِّ شَكْوىٰ وَ يٰا سٰامِعَ كُلِّ نَجْوىٰ

از تو می‌خواهم ای مرجع هر شکایت و ای شنوندهٔ هر سخن آهسته

وَ يٰا شٰاهِدَ كُلِّ مَلاَءٍ وَ يٰا عٰالِمَ كُلِّ خَفِيَّةٍ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ

و ای حاضر در هر اجتماع و ای دانای هر راز، بر محمد و خاندانش

مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ أَنْ تَكْشِفَ عَنّٰا فيهَا اَلْبَلاٰءَ وَ تَسْتَجيبَ

صلوات فرست و در این ماه بلا را از ما دور ساز و دعایمان را

لَنٰا فيهَا اَلدُّعٰاءَ وَ تُقَوِّيَنٰا فيهٰا وَ تُعينَنٰا وَ تُوَفِّقَنٰا فيهٰا لِمٰا

اجابت فرما و در این ماه به ما نیرومندی ده و یاری فرما و در انجام کاری که

تُحِبُّ رَبَّنٰا وَ تَرْضىٰ، وَ عَلىٰ مَا اَفْتَرَضْتَ عَلَيْنٰا مِنْ طٰاعَتِكَ

تو دوست داری، توفیقمان ده و بر اطاعت از رسول و اولیاء تو

وَ طاعَةِ رَسُولِكَ وَ أَهْلِ وِلايَتِكَ. اَللّٰهُمَّ اِنّي أَسْئَلُكَ يا أَرْحَمَ
که بر ما واجب فرموده‌ای توفیق ده. خداوندا از تو می‌خواهم ای مهربان‌ترین

اَلرّاحِمينَ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ أَنْ تَهَبَ لَنا
مهربانان که بر محمد و خاندانش صلوات فرستی و به آنچه ما را بخشوده‌ای،

فيهَا الرِّضا، إِنَّكَ سَميعُ الدُّعاءِ، وَ لا تَحْرِمْنا خَيْرَ ما تُنْزِلُ
راضی سازی؛ که تو شنوندهٔ دعائی. و ما را از نیکی‌هایی که از آسمان

فيها مِنَ السَّماءِ وَ طَهِّرْنا مِنَ الذُّنوبِ، يا عَلّامَ الْغُيُوبِ،
فرود آوری محروم مساز و ما را از گناهان - ای دانندهٔ رازها پاک گردان

وَ أَوْجِبْ لَنا فيها دارَ الْخُلُودِ. اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ،
و بهشت جاویدان نصیبمان فرما. خداوندا، بر محمد و خاندانش صلوات فرست

وَ لا تَتْرُكْ لَنا فيها ذَنْباً إِلّا غَفَرْتَهُ وَ لا هَمّاً إِلّا فَرَّجْتَهُ وَ لا دَيْناً
و گناهی برای ما مگذار که آن را نیامرزی و اندوهی که آن را به شادی بدل نسازی و وامی

إِلّا قَضَيْتَهُ وَ لا غائِباً إِلّا أَدَّيْتَهُ وَ لا حاجَةً مِنْ حَوائِجِ الدُّنْيا
که آن را نپردازی و گم گشته‌ای که به ما نرسانی و حاجتی از دنیا

وَ الْاٰخِرَةِ إِلّا سَهَّلْتَها وَ يَسَّرْتَها إِنَّكَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَديرٌ.
و آخرت که برنیاوری و آن را آسان نسازی؛ که تو بر همه کار توانایی.

اَللّٰهُمَّ يا عالِمَ الْخَفِيّاتِ، يا راحِمَ الْعَبَراتِ، يا مُجيبَ الدَّعَواتِ،
خداوندا، ای دانای رازها و ای دلسوزنده بر اشکهای جاری ، ای جابت کننده دعاها

يا رَبَّ الْأَرَضينَ وَ السَّمٰواتِ، يا مَنْ لا تَتَشابَهُ عَلَيْهِ الْأَصْواتُ،
ای پروردگار زمین و آسمانها، ای آنکه بانگها را از هم تمیز دهی،

صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ اجْعَلْنا فيها مِنْ عُتَقائِكَ وَ طُلَقائِكَ
بر محمد و خاندانش صلوات فرست و ما را از جملهٔ بندگان آزاد شده و رها گشتگان

مِنَ النّارِ وَ الْفائِزينَ بِجَنَّتِكَ وَ النّاجينَ بِرَحْمَتِكَ يا أَرْحَمَ
از آتش قرار ده؛ آنها كه به بهشت راه یابند و از رحمتت به رستگاری رسند ـ ای مهربان‌ترین

الرّاحِمينَ، وَ صَلَّى اللّٰهُ عَلىٰ سَيِّدِنا مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ أَجْمَعينَ.[1]
مهربانان و صلوات خدا بر سرور ما محمد و همگی خاندانش.

۴ـ در هر روز از این دهه، دعای زیر را بخواند:

لا إِلٰهَ إِلاَّ اللّٰهُ عَدَدَ اللَّيالي وَ الدُّهُورِ، لا إِلٰهَ إِلاَّ اللّٰهُ عَدَدَ
لا اله الا الله به شمارهٔ شبها[2] و روزگاران، لا اله الا الله به شمارهٔ

أَمْواجِ الْبُحُورِ، لا إِلٰهَ إِلاَّ اللّٰهُ وَ رَحْمَتُهُ خَيْرٌ مِمّا يَجْمَعُونَ،
امواج بیکران دریاها، لا اله الا الله که رحمتش بهتر است از آنچه مردمان می‌اندوزند،

لا إِلٰهَ إِلاَّ اللّٰهُ عَدَدَ الشَّوْكِ وَالشَّجَرِ، لا إِلٰهَ إِلاَّ اللّٰهُ عَدَدَ الشَّعْرِ
لا اله الا الله به شمارهٔ خارها و درختها، لا اله الا الله به شمارهٔ مو

وَ الْوَبَرِ، لا إِلٰهَ إِلاَّ اللّٰهُ عَدَدَ الْحَجَرِ وَ الْمَدَرِ، لا إِلٰهَ إِلاَّ اللّٰهُ
و کرک، لا اله الا الله به شمارهٔ سنگ و کلوخ، لا اله الا الله

عَدَدَ لَمْحِ الْعُيُونِ، لا إِلٰهَ إِلاَّ اللّٰهُ فِي اللَّيْلِ إِذا عَسْعَسَ
به شمارهٔ چشم برهم زدنها، لا اله الا الله در شب که بگذرد

وَ الصُّبْحِ إِذا تَنَفَّسَ، لا إِلٰهَ إِلاَّ اللّٰهُ عَدَدَ الرِّياحِ فِي الْبَراري
و بامداد که پدید آید، لا اله الا الله به شمارهٔ بادها در صحراها[3]

---

۱. اقبال / ۳۲۲ ـ مصباح (شیخ) / ۴۶۶.

وَ الصُّخُورِ، لا إِلٰهَ إِلاَّ اللّٰهُ مِنَ الْيَوْمِ إِلىٰ يَوْمِ يُنْفَخُ فِى الصُّورِ.[۱]

و سنگها، لا اله الا الله از امروز تا روزی که در صور دمیده شود.

□ اعمال مختص روز اوّل

روز اول این ماه، روز تولد حضرت ابراهیم خلیل الرحمان ﷺ و روز تزویج حضرت زهرا به علی بن‌ابی‌طالب ﷺ است و روزهٔ آن مستحب می‌باشد.[۲] کسی که از ظالمی می‌ترسد، اگر در این روز بگوید:

﴿حَسْبِى حَسْبِى مِنْ سُؤالِى عِلْمُكَ بِحالِى؛[۳] خدایا، دانش تو بحالم و نیازمندیم، کفایتم می‌کند از اینکه از تو بخواهم﴾. خدا از شر آن ستمگر حفظش می‌کند.

□ روز هفتم

در روز هفتم سال یکصد و چهارده هجری، حضرت امام محمدباقر ﷺ در مدینه وفات یافته،[۴] و غم و اندوه اهل بیت و دوستدارانشان تجدید شده است. زیارت قبر شریف آن حضرت، در این روز، بسیار مناسب می‌باشد. کسانی که در مکانهای دورند، به بخش چهارم این کتاب رجوع کنند.

□ شب نهم

این شب از شبهای متبرک، شب مناجات با خالق آسمانها و زمین و شب «عرفه» است. در این شب توبه قبول و دعا مستجاب می‌گردد و در آن، چند عمل است:

۱ـ خواندن دعای: اَللّٰهُمَّ مَنْ تَعَبَّأَ وَ تَهَيَّأَ، که در اعمال شب جمعه گذشت.

۲ـ این دعا را بخواند:

اَللّٰهُمَّ يا شاهِدَ كُلِّ نَجْوىٰ وَ مَوْضِعَ كُلِّ شَكْوىٰ وَ عالِمَ كُلِّ

خداوندا، ای شاهد رازهای پنهان و مرجع همهٔ شکایتها و دانای همهٔ

---

۱. اقبال / ۳۲۴. بحار الانوار / ۹۷ / ۱۲۰. ۲. مصباح کفعمی، صفحه ۲۶۸. ۳. زاد المعاد، صفحه ۲۴۱.

۴. بحار الانوار، جلد ۴۶، صفحه ۲۱۷.

خَفِيَّةٍ وَ مُنْتَهىٰ كُلِّ حٰاجَةٍ، يٰا مُبْتَدِئاً بِالنِّعَمِ عَلَى ٱلْعِبٰادِ،
رازها و برآورندهٔ همهٔ نیازها، ای آنکه بدون خواستن بر بندگان می‌بخشانی،

يٰا كَرِيمَ ٱلْعَفْوِ، يٰا حَسَنَ ٱلتَّجٰاوُزِ، يٰا جَوٰادُ يٰا مَنْ لاٰ يُوٰارِي
ای بزرگوار و بخشنده و ای چشم پوشنده از بدیها، ای نیکوکار، ای آنکه

مِنْهُ لَيْلٌ دٰاجٍ وَ لاٰ بَحْرٌ عَجّٰاجٌ وَ لاٰ سَمٰاءٌ ذٰاتُ أَبْرٰاجٍ وَ لاٰ ظُلَمٌ
تاریکی شب و دریای طوفانی و آسمان پهناور و تاریکی‌های پوشاننده هیچکدام

ذٰاتُ ٱرْتِتٰاجٍ، يٰا مَنِ ٱلظُّلْمَةُ عِنْدَهُ ضِيٰاءٌ، أَسْئَلُكَ بِنُورِ وَجْهِكَ
امری را بر تو نپوشانند که تاریکی نزد تو روشنی است از ذات بزرگوار

ٱلْكَرِيمِ ٱلَّذِي تَجَلَّيْتَ بِهِ لِلْجَبَلِ فَجَعَلْتَهُ دَكّاً وَ خَرَّ مُوسىٰ
و چهرهٔ پرفروغی که در کوه طور درخشید و موسی را از خود

صَعِقاً، وَ بِاسْمِكَ ٱلَّذِي رَفَعْتَ بِهِ ٱلسَّمٰوٰاتِ بِلاٰ عَمَدٍ،
بیخود ساخت؛ به نام تو که آسمانها را با آن برافراشتی بی‌آنکه بر پایه‌ای استوار باشند

وَ سَطَحْتَ بِهِ ٱلْأَرْضَ عَلىٰ وَجْهِ مٰاءٍ جَمَدٍ، وَ بِاسْمِكَ
و زمین را بر آب بگستردی؛ به نام تو که

ٱلْمَخْزُونِ ٱلْمَكْنُونِ ٱلْمَكْتُوبِ ٱلطّٰاهِرِ ٱلَّذِي إِذٰا دُعِيتَ بِهِ
گوهر پنهان و سر مکتوب و پاک توست، نامی که هرگاه خوانده شوی بدان

أَجَبْتَ، وَ إِذٰا سُئِلْتَ بِهِ أَعْطَيْتَ، وَ بِاسْمِكَ ٱلسُّبُّوحِ ٱلْقُدُّوسِ
پاسخگویی و هرگاه درخواست شوی بخشش کنی؛ به نام سبوح و قدوس تو

ٱلْبُرْهٰانِ ٱلَّذِي هُوَ نُورٌ عَلىٰ كُلِّ نُورٍ وَ نُورٌ مِنْ نُورٍ يُضِيءُ
که بر پایهٔ دلیل و در خور ذات توست و که نوری برتر از هر نور است

مِنْهُ كُلُّ نُورٍ، إِذٰا بَلَغَ ٱلْأَرْضَ ٱنْشَقَّتْ، وَ إِذٰا بَلَغَ ٱلسَّمٰوٰاتِ
و هر فروغی که از آن روشنایی گیرد و اگر بر زمین رسد، آنرا بشکافد و چون بر آسمان رسد،

فُتِحَتْ، وَ إِذٰا بَلَغَ ٱلْعَرْشَ ٱهْتَزَّ، وَ بِاسْمِكَ ٱلَّذِي تَرْتَعِدُ مِنْهُ
درهای آن بگشاید و چون به عرش رود، از بیم خدا عرش بلرزد؛ نامی که شنیدنش

فَرٰائِصُ مَلاٰئِكَتِكَ، وَ أَسْئَلُكَ بِحَقِّ جَبْرَئِيلَ وَ مِيكٰائِيلَ
اندام ملائک را مرتعش سازد؛ از تو می‌خواهم بحق جبرئیل و میکائیل

وَ إِسْرٰافِيلَ، وَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ ٱلْمُصْطَفىٰ صَلَّى ٱللّٰهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ
و اسرافیل و بحق محمد مصطفی ـ که صلوات خدا بر او و خاندانش باد

وَ عَلىٰ جَمِيعِ ٱلْأَنْبِيٰاءِ وَ جَمِيعِ ٱلْمَلاٰئِكَةِ، وَ بِالْإِسْمِ ٱلَّذِي
و بحق جمیع پیامبران و فرشتگان و به نامی که

مَشىٰ بِهِ ٱلْخِضْرُ عَلىٰ قُلَلِ ٱلْمٰاءِ كَمٰا مَشىٰ بِهِ عَلىٰ جُدَدِ
خضر با آن، بر موجهای دریاها و بر بلندیهای زمین رهسپار

ٱلْأَرْضِ، وَ بِاسْمِكَ ٱلَّذِي فَلَقْتَ بِهِ ٱلْبَحْرَ لِمُوسىٰ وَ أَغْرَقْتَ
است؛ به نامی که با آن دریا را برای موسی شکافتی و فرعون

فِرْعَوْنَ وَ قَوْمَهُ وَ أَنْجَيْتَ بِهِ مُوسَى بْنَ عِمْرٰانَ وَ مَنْ مَعَهُ،
و یارانش را غرق کردی و موسی بن عمران و همراهانش را نجات دادی؛

وَ بِاسْمِكَ ٱلَّذِي دَعٰاكَ بِهِ مُوسَى بْنُ عِمْرٰانَ مِنْ جٰانِبِ
به آن نامی که موسی بن عمران در طور ایمن

ٱلطُّورِ ٱلْأَيْمَنِ فَاسْتَجَبْتَ لَهُ وَ أَلْقَيْتَ عَلَيْهِ مَحَبَّةً مِنْكَ،
تو را خواند و تو پاسخ دادی و محبت خویش بر او ارزانی داشتی؛

وَ بِاسْمِكَ ٱلَّذي بِهِ أَحْيىٰ عيسىَ بْنُ مَرْيَمَ ٱلْمَوْتىٰ وَ تَكَلَّمَ

به آن نامی که عیسی بن مریم مردگان را زنده ساخت و در زمان

فِي ٱلْمَهْدِ صَبِيّاً وَ أَبرَءَ ٱلْأَكْمَهَ وَ ٱلْأَبْرَصَ بِإِذْنِكَ، وَ بِاسْمِكَ

کودکی در گهواره سخن گفت، کور و ابرص را به اذن تو شفا بخشید؛ بدان نامی

ٱلَّذي دَعٰاكَ بِهِ حَمَلَةُ عَرْشِكَ وَجَبْرَئيلُ وَ ميكٰائيلُ وَ إِسْرٰافيلُ

که برپادارندگان عرشت تو را می‌خوانند و جبرئیل و میکائیل و اسرافیل

وَ حَبيبُكَ مُحَمَّدٌ صَلَّى ٱللّٰهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ مَلاٰئِكَتُكَ ٱلْمُقَرَّبُونَ

و حبیب تو محمد ـ که صلوات خدا بر او و خاندانش باد و فرشتگان مقرب درگاه تو

وَ أَنْبِيٰاؤُكَ ٱلْمُرْسَلُونَ وَ عِبٰادُكَ ٱلصّٰالِحُونَ مِنْ أَهْلِ ٱلسَّمٰوٰاتِ

و پیامبران و رسولان تو و بندگان صالح تو از اهل آسمانها

وَ ٱلْأَرَضينَ، وَ بِاسْمِكَ ٱلَّذي دَعٰاكَ بِهِ ذُوٱلنُّونِ إِذْ ذَهَبَ

و زمینها؛ و بنام تو، نامی که ذوالنون (حضرت یونس)، آنگاه که از مردم روزگارش،

مُغٰاضِباً فَظَنَّ أَنْ لَنْ تَقْدِرَ عَلَيْهِ فَنٰادىٰ فِي ٱلظُّلُمٰاتِ أَنْ لاٰ إِلٰهَ

خشمگینانه روی برتافت و گمان برد که بر او قدرت نداریم آن گاه در تاریکی‌ها فریاد برآورد:

إِلّاٰ أَنْتَ سُبْحٰانَكَ إِنّي كُنْتُ مِنَ ٱلظّٰالِمينَ فَاسْتَجَبْتَ لَهُ

ـ خدایی جز تو نیست،تو پاکی و منزهی ومن از ستمکاران بوده‌ام. تو دعای او را اجابت کردی

وَ نَجَّيْتَهُ مِنَ ٱلْغَمِّ وَكَذٰلِكَ تُنْجِي ٱلْمُؤْمِنينَ،وَ بِاسْمِكَ ٱلْعَظيمِ

و از اندوه رهایش ساختی،دانم که مؤمنان را بدینگونه رهایی دهی؛ به‌نام بزرگ تو

ٱلَّذي دَعٰاكَ بِهِ دٰاوُودُ وَ خَرَّ لَكَ سٰاجِداً فَغَفَرْتَ لَهُ ذَنْبَهُ،

که داود تو را بدان خواند و در برابرت به خاک افتاد و تو از گناهش گذشتی؛

وَ بِاسْمِكَ الَّذي دَعَتْكَ بِهِ اٰسِيَةُ امْرَأَةُ فِرْعَوْنَ إِذْ قٰالَتْ رَبِّ

بدان نام که آسیه همسر فرعون تو را بدان خواند، هنگامی که گفت: ـ خدایا،

ابْنِ لي عِنْدَكَ بَيْتاً فِي الْجَنَّةِ وَ نَجِّني مِنْ فِرْعَوْنَ وَ عَمَلِهِ

مرا نزد خود بپذیر و خانه‌ای در بهشت برایم بنا کن و از فرعون و ناپسندی کارش

وَ نَجِّني مِنَ الْقَوْمِ الظّٰالِمينَ فَاسْتَجَبْتَ لَهٰا دُعٰائَهٰا، وَ بِاسْمِكَ

و از ستمکاران رهائیم بخش. تو دعای او را اجابت کردی؛ بدان نام

الَّذي دَعٰاكَ بِهِ أَيُّوبُ إِذْ حَلَّ بِهِ الْبَلاٰءُ فَعٰافَيْتَهُ وَ اٰتَيْتَهُ أَهْلَهُ

که ایوب هنگام پریشان‌حالی، تو را خواند و به او عافیت بخشیدی و خویشان او را بدو بازگرداندی

وَمِثْلَهُمْ مَعَهُمْ رَحْمَةً مِنْ عِنْدِكَ وَ ذِكْرىٰ لِلْعٰابِدينَ، وَ بِاسْمِكَ

و کسانی را که همراه آنان، با رحمت خود نجات دادی و عبرتی برای یکتا پرستان است. و بدان نام

الَّذي دَعٰاكَ بِهِ يَعْقُوبُ فَرَدَدْتَ عَلَيْهِ بَصَرَهُ وَ قُرَّةَ عَيْنِهِ

که یعقوب تو را خواند و بینایی و نور چشمش یوسف را به او

يُوسُفَ وَ جَمَعْتَ شَمْلَهُ، وَ بِاسْمِكَ الَّذي دَعٰاكَ بِهِ سُلَيْمٰانُ

بازگرداندی. و پریشانیش را آرامش بخشیدی؛ بدان‌نامی‌که سلیمان‌تو را خواند

فَوَهَبْتَ لَهُ مُلْكاً لاٰ يَنْبَغي لِأَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهّٰابُ،

و بدو فرمانروایی زمین بخشیدی، که پس از او هیچکس را چنان فرمانروایی نبود، تو بسیار بخشنده‌ای؛

وَ بِاسْمِكَ الَّذي سَخَّرْتَ بِهِ الْبُرٰاقَ لِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

بدان نامی که «براق» را برای محمد ـ که صلوات و سلام خدا بر او

وَ اٰلِهِ وَ سَلَّمَ إِذْ قٰالَ تَعٰالىٰ سُبْحٰانَ الَّذي أَسْرىٰ بِعَبْدِهِ لَيْلاً

و خاندانش باد آماده ساختی زمانی که خداوند تعالی گفت: پاک است خدایی که بنده‌اش را شبانگاه

مِنَ ٱلْمَسْجِدِ ٱلْحَرامِ إِلَى ٱلْمَسْجِدِ ٱلْأَقْصىٰ، وَ قَوْلُهُ سُبْحانَ
از مسجدالحرام بسوی مسجدالاقصی، رهسپار کرد. قول خداوند: پاک آن خدایی

ٱلَّذي سَخَّرَ لَنا هٰذا وَ ما كُنّا لَهُ مُقْرِنينَ وَ إِنّا إِلىٰ رَبِّنا
است که «براق» را مطیع ما گردانید و گرنه ما را یارای چنین کاری نبود و ما همه بسوی او

لَمُنْقَلِبُونَ، وَ بِاسْمِكَ ٱلَّذي تَنَزَّلَ بِهِ جَبْرَئيلُ عَلىٰ مُحَمَّدٍ
باز می‌گردیم؛ بدان نامی که جبرئیل بر محمد

صَلَّى ٱللّٰهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، وَ بِاسْمِكَ ٱلَّذي دَعاكَ بِهِ آدَمُ فَغَفَرْتَ
ـ که صلوات خدا بر او و خاندانش باد فرود آمد و بدان‌نامی که آدم [ع] تو را خواند و گناهش

لَهُ ذَنْبَهُ وَ أَسْكَنْتَهُ جَنَّتَكَ، وَ أَسْئَلُكَ بِحَقِّ ٱلْقُرْآنِ ٱلْعَظيمِ،
را بخشیدی و در بهشت جایش دادی‌و به حق قرآن بزرگ

وَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ خاتَمِ ٱلنَّبِيّينَ، وَ بِحَقِّ إِبْراهيمَ، وَ بِحَقِّ فَصْلِكَ
و به حق محمد خاتم پیامبران و به حق ابراهیم و به حق رستاخیز

يَوْمَ ٱلْقَضاءِ، وَ بِحَقِّ ٱلْمَوازينِ إِذا نُصِبَتْ وَ ٱلصُّحُفِ إِذا
روز قضاوت و به حق میزانهایی که در آن روز برپا خواهی داشت و نامه‌های اعمال

نُشِرَتْ، وَ بِحَقِّ ٱلْقَلَمِ وَ ما جَرىٰ وَ ٱللَّوْحِ وَ ما أَحْصىٰ،
گشوده خواهد شد و به حق قلم و آنچه بدان جاری گشت و به حق لوح و آنچه در آن شمرده شده است

وَ بِحَقِّ ٱلِاسْمِ ٱلَّذي كَتَبْتَهُ عَلىٰ سُرادِقِ ٱلْعَرْشِ قَبْلَ خَلْقِكَ
و به حق نامی که دو هزار سال پیشتر از آفرینش جهان

ٱلْخَلْقَ وَ ٱلدُّنْيا وَ ٱلشَّمْسَ وَ ٱلْقَمَرَ بِأَلْفَيْ عامٍ. وَ أَشْهَدُ أَنْ
و خورشید و ماه، بر سایبانهای عرش نگاشتی ـ و گواهی دهم که

لاٰ إِلٰهَ إِلاَّ اَللّٰهُ وَحْدَهُ لاٰ شَرِيكَ لَهُ وَ أَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ

نیست خدایی جز خدای یگانه و او راشریکی نیست و محمد[ص] بنده

وَ رَسُولُهُ، وَ أَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ اَلْمَخْزُونِ فِي خَزٰائِنِكَ اَلَّذِي

و پیامبر اوست از تو می‌خواهم به نام [اعظم] تو که در گنجینه‌ها پنهان است؛ بدان نام که

اَسْتَأْثَرْتَ بِهِ فِي عِلْمِ اَلْغَيْبِ عِنْدَكَ لَمْ يَظْهَرْ عَلَيْهِ أَحَدٌ مِنْ

در علم غیب نزد توست و هیچ بنده‌ای بدان آگاه نیست،

خَلْقِكَ، لاٰ مَلَكٌ مُقَرَّبٌ، وَ لاٰ نَبِيٌّ مُرْسَلٌ، وَ لاٰ عَبْدٌ مُصْطَفيً،

نه فرشتهٔ مقرب درگاهت و نه هیچ پیامبری و نه هیچ بندهٔ برگزیده‌ای

وَ أَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ اَلَّذِي شَقَقْتَ بِهِ اَلْبِحٰارَ وَ قٰامَتْ بِهِ اَلْجِبٰالُ

از تو می‌خواهم؛ بدان نام که دریاها را شکافتی و کوهها را برافراشتی

وَ اَخْتَلَفَ بِهِ اَللَّيْلُ وَ اَلنَّهٰارُ، وَ بِحَقِّ اَلسَّبْعِ اَلْمَثٰانِي وَ اَلْقُرْآنِ

و شب و روز را برقرار داشتی و به حق فاتحة الکتاب و قرآن

اَلْعَظِيمِ، وَ بِحَقِّ اَلْكِرٰامِ اَلْكٰاتِبِينَ، وَ بِحَقِّ طٰهٰ وَ يٰس

بزرگ و به حق فرشتگانی که نویسندهٔ نامهٔ اعمال بندگانند و به حق طه، و یس،

وَ كٰهٰيٰعٰص وَ حٰمٰعٰسٰق، وَ بِحَقِّ تَوْرٰيٰةِ مُوسيٰ وَ إِنْجِيلِ عِيسيٰ

و کهیعص، و حمعسق، و به حق تورات موسی و انجیل عیسی

وَ زَبُورِ دٰاوُدَ وَ فُرْقٰانِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اَللّٰهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ عَليٰ

و زبور داود و فرقان محمد ـ که صلوات خدا بر او و خاندانش

جَمِيعِ اَلرُّسُلِ، وَ بٰاهِيٰاً شَرٰاهِيٰاً. اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْئَلُكَ بِحَقِّ

و همهٔ پیامبران باد و به حق دو اسم باهیا شراهیا؛ بار خدایا، از تو می‌خواهم به حق

تِلْكَ ٱلْمُناجاتِ ٱلَّتِي كٰانَتْ بَيْنَكَ وَ بَيْنَ مُوسَى بْنِ عِمْرانَ

آن مناجات که میان تو با موسی بن عمران

فَوْقَ جَبَلِ طُورِ سَيْنٰاءَ، وَ أَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ ٱلَّذِي عَلَّمْتَهُ مَلَكَ

بر فراز کوه طور سینا بود؛ و از تو می‌خواهم بدان نام که به عزرائیل

ٱلْمَوْتِ لِقَبْضِ ٱلْأَرْواحِ، وَ أَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ ٱلَّذِي كُتِبَ عَلىٰ

برای گرفتن روح آموختی؛ و از تو می‌خواهم بدان نام که بر

وَرَقِ ٱلزَّيْتُونِ فَخَضَعَتِ ٱلنِّيرانُ لِتِلْكَ ٱلْوَرَقَةِ فَقُلْتَ يٰا نارُ

برگ زیتون نگاشتی و آتش را در برابر آن برگ خاضع و ناتوان ساختی و گفتی: ای آتش

كُونِي بَرْداً وَ سَلاٰماً، وَ أَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ ٱلَّذِي كَتَبْتَهُ عَلىٰ

سرد و آرام باش، از تو می‌خواهم؛ بدان نام که بر

سُرٰادِقِ ٱلْمَجْدِ وَ ٱلْكَرامَةِ، يٰا مَنْ لاٰ يُحْفِيهِ سٰائِلٌ وَ لاٰ يَنْقُصُهُ

سایبانهای بزرگی و کرامت نگاشتی: ای کسی که خواهنده آزرده‌اش نسازد و بخشندگی از

نٰائِلٌ، يٰا مَنْ بِهِ يُسْتَغٰاثُ وَ إِلَيْهِ يُلْجَأُ، أَسْئَلُكَ بِمَعٰاقِدِ ٱلْعِزِّ مِنْ

عطای او نکاهد؛ ای کسی که از او فریاد رسی خواهند و بدو پناه برند. از تو می‌خواهم به جایگاههای عزت

عَرْشِكَ وَ مُنْتَهَى ٱلرَّحْمَةِ مِنْ كِتٰابِكَ، وَ بِاسْمِكَ ٱلْأَعْظَمِ

در عرش تو و منتهای رحمت از کتاب تو؛ به اسم اعظم

وَ جَدِّكَ ٱلْأَعْلىٰ وَ كَلِمٰاتِكَ ٱلتّٰامّٰاتِ ٱلْعُلىٰ. ٱللّٰهُمَّ رَبَّ ٱلرِّيٰاحِ

و مقام والای تو و کلمات کامل بلند پایهٔ تو، خداوندا پروردگار بادها

وَ مٰا ذَرَتْ وَ ٱلسَّمٰاءِ وَ مٰا أَظَلَّتْ وَ ٱلْأَرْضِ وَ مٰا أَقَلَّتْ

و آنچه پراکنده شود و آسمان و هرچه بر آن سایه‌افکند و پروردگار زمین و آنچه را فراگیرد

وَ ٱلشَّیاطینِ وَ ما أَضَلَّتْ وَ ٱلْبِحارِ وَ ما جَرَتْ، وَ بِحَقِّ کُلِّ

و پروردگار شیاطین و هر که را آنان به گمراهی افکنند و پروردگار دریاها وهرچه در آن روانست و به حق

حَقٍّ هُوَ عَلَیْکَ حَقٌّ، وَبِحَقِّ ٱلْمَلائِکَةِ ٱلْمُقَرَّبینَ وَ ٱلرَّوْحانِیّینَ

همگی حقیقتهایی که تو را بر آن حق است و به حق فرشتگان مقرب درگاهت و ارواح

وَ ٱلْکَرُوبِیّینَ وَ ٱلْمُسَبِّحینَ لَکَ بِاللَّیْلِ وَ ٱلنَّهارِ لا یَفْتَرُونَ،

و کروبیان بلندپایه ـ که شبانه روز بدون فاصله به تسبیح تو مشغولند

وَ بِحَقِّ إِبْراهیمَ خَلیلِکَ، وَ بِحَقِّ کُلِّ وَلِیٍّ یُنادیکَ بَیْنَ ٱلصَّفا

و به حق ابراهیم خلیل‌تو وبه حق هر دوستی‌که تو را در بین صفا

وَ ٱلْمَرْوَةِ وَ تَسْتَجیبُ لَهُ دُعائَهُ یا مُجیبُ، أَسْئَلُکَ بِحَقِّ هٰذِهِ

و مروه می‌خواند و دعایش را مستجاب می‌کنی، ای برآورندۀحاجت خلق، از تو می‌خواهم به حق این

ٱلْأَسْماءِ وَ بِهٰذِهِ ٱلدَّعَواتِ، أَنْ تَغْفِرَ لَنا ما قَدَّمْنا وَ ما أَخَّرْنا

نامها و به حق این دعاها، ما را بیامرز آنچه گذشته و آینده

وَ ما أَسْرَرْنا وَ ما أَعْلَنّا وَ ما أَبْدَیْنا وَ ما أَخْفَیْنا وَ ما أَنْتَ أَعْلَمُ

و پنهان و آشکار، ظاهر و باطن، از ما سرزده است که تو از ما بدان

بِهِ مِنّا إِنَّکَ عَلیٰ کُلِّ شَیْءٍ قَدیرٌ، بِرَحْمَتِکَ یا أَرْحَمَ ٱلرّاحِمینَ،

داناتری. تو بر همه کار توانایی به حق رحمت بی‌پایانت ای مهربان‌ترین مهربانان،

یا حافِظَ کُلِّ غَریبٍ، یا مُونِسَ کُلِّ وَحیدٍ، یا قُوَّةَ کُلِّ ضَعیفٍ،

ای نگهدارندۀ هر دور افتاده، ای همدم هر بی‌کس، ای نیروی هر ناتوان،

یا ناصِرَ کُلِّ مَظْلُومٍ، یا رازِقَ کُلِّ مَحْرُومٍ، یا مُونِسَ کُلِّ

ای یاری‌دهندۀ هر ستمدیده، ای روزی‌بخش هر مستمند، ای مونس هر

مُسْتَوْحِشٍ، يا صاحِبَ كُلِّ مُسافِرٍ، يا عِمادَ كُلِّ حاضِرٍ،
وحشت زده، ای رفیق هر مسافر، ای پشتیبان هر شهروند،

يا غافِرَ كُلِّ ذَنْبٍ وَ خَطيئَةٍ، يا غِياثَ ٱلْمُسْتَغيثينَ، يا صَريخَ
ای آمرزندهٔ هر گناه و لغزش، ای فریادرس فریادخواهان، ای آرامش

ٱلْمُسْتَصْرِخينَ، يا كاشِفَ كَرْبِ ٱلْمَكْرُوبينَ، يا فارِجَ هَمِّ
زاری‌کنندگان، ای غمگسار غمدیدگان، ای شادی‌بخش

ٱلْمَهْمُومينَ، يا بَديعَ ٱلسَّماواتِ وَ ٱلْأَرَضينَ، يا مُنْتَهىٰ غايَةِ
پریشان خاطران، ای آفرینندهٔ آسمان‌ها و زمین‌ها، ای پایان راه

ٱلطّالِبينَ، يا مُجيبَ دَعْوَةِ ٱلْمُضْطَرّينَ، يا أَرْحَمَ ٱلرّاحِمينَ،
جویندگان، ای برآرندهٔ خواهش درماندگان، ای مهربانترین مهربانان،

يا رَبَّ ٱلْعالَمينَ، يا دَيّانَ يَوْمِ ٱلدّينِ، يا أَجْوَدَ ٱلْأَجْوَدينَ،
ای پروردگار عالم، ای فرمانروای رستاخیز، ای بخشنده‌ترین بخشندگان،

يا أَكْرَمَ ٱلْأَكْرَمينَ، يا أَسْمَعَ ٱلسّامِعينَ، يا أَبْصَرَ ٱلنّاظِرينَ،
ای برترین بزرگواران، ای شنواترین شنوایان، ای بیناترین نگرندگان،

يا أَقْدَرَ ٱلْقادِرينَ. اِغْفِرْلِيَ ٱلذُّنُوبَ ٱلَّتي تُغَيِّرُ ٱلنِّعَمَ، وَ ٱغْفِرْ
ای تواناترین توانایان، بیامرز گناهانی که نعمت‌های تو را[۱] بر من تغییر می‌دهد و بیامرز

لِيَ ٱلذُّنُوبَ ٱلَّتي تُورِثُ ٱلنَّدَمَ، وَ ٱغْفِرْ لِيَ ٱلذُّنُوبَ ٱلَّتي
گناهانی که مایهٔ[۲] پشیمانی می‌گردد، و بیامرز گناهانی که

تُورِثُ ٱلسَّقَمَ، وَ ٱغْفِرْ لِيَ ٱلذُّنُوبَ ٱلَّتي تَهْتِكُ ٱلْعِصَمَ،
رنج‌آورست، و بیامرز گناهانی که پردهٔ عصمت[۳] را می‌درد،

وَ اغْفِرْ لِيَ الذُّنُوبَ الَّتي تَرُدُّ الدُّعاءَ، وَاغْفِرْ لِيَ الذُّنُوبَ

و بیامرز گناهانی که دعا را بر می‌گرداند، و بر من ببخشای گناهانی که

الَّتي تَحْبِسُ قَطْرَ السَّماءِ وَ اغْفِرْ لِيَ الذُّنُوبَ الَّتي تُعَجِّلُ

آسمان را از باریدن باز می‌دارد و بیامرز گناهانی که نابودیمان را نزدیکتر

الْفَناءَ، وَ اغْفِرْ لِيَ الذُّنُوبَ الَّتي فتَجْلِبُ الشَّقاءَ، وَ اغْفِرْ لِيَ

می‌سازد و بیامرز گناهانی که تیره روزی را به سوی ما می‌خواند و بیامرز

الذُّنُوبَ الَّتي تُظْلِمُ الْهَواءَ، وَ اغْفِرْ لِيَ الذُّنُوبَ الَّتي تَكْشِفُ

گناهانی که فضا را تیره و تار می‌کند، و بیامرز گناهانی که پرده از روی

الْغِطاءَ، وَ اغْفِرْ لِيَ الذُّنُوبَ الَّتي لا يَغْفِرُها غَيْرُكَ يا اللّهُ،

زشتی‌ها برمی‌دارد و بیامرز گناهانی که جز تو هیچکس را یارای بخشودن آنها نیست، ای خدا

وَ احْمِلْ عَنّي كُلَّ تَبِعَةٍ لِأَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ، وَ اجْعَلْ لي مِنْ

بار حقوق مردمان را که بر دوش منست، بردار و در کار من

أَمْري فَرَجاً وَ مَخْرَجاً وَ يُسْراً، وَ أَنْزِلْ يَقينَكَ في صَدْري

گشایش و رهایی و آسانی، عطا فرما؛ و یقین به تو را در دلم

وَ رَجاءَكَ في قَلْبي حَتّى لا أَرْجُوَ غَيْرَكَ. اللّٰهُمَّ احْفَظْني

و امید به تو را در سینه‌ام، آنچنان فرود آور که به غیر تو دل نبندم. بار خدایا، مرا

وَ عافِني في مَقامي، وَ اصْحَبْني في لَيْلي وَ نَهاري وَ مِنْ

از بدی‌ها نگهدار و در این عالم عافیت بخش و همراه من باش در شبانه روز من و از

بَيْنِ يَدَيَّ وَ مِنْ خَلْفي وَ عَنْ يَميني وَ عَنْ شِمالي وَ مِنْ

پیش روی و پشت سر، از راست و چپ و از

فَوْقي وَ مِنْ تَحْتي، وَ يَسِّرْ لِيَ ٱلسَّبيلَ، وَ أَحْسِنْ لِيَ ٱلتَّيْسيرَ،
بالا و پایین و پیمودن راه را بر من آسان ساز و دشواری‌ها را از پیش پایم بردار

وَ لا تَخْذُلْني فِي ٱلْعَسيرِ، وَ ٱهْدِني يا خَيْرَ دَليلٍ، وَ لا تَكِلْني
تا کارم به خواری نیانجامد. ای بهترین رهنمایان، هدایتم کن و مرا در کارهایم

إِلىٰ نَفْسي فِي ٱلْأُمُورِ، وَ لَقِّني كُلَّ سُرُورٍ، وَ أَقْلِبْني إِلىٰ أَهْلي
بخود وامگذار و آنچه مایهٔ شادمانی است بر من ارزانی دار. مرا نزد خاندانم با کامیابی

بِالْفَلاحِ وَ ٱلنَّجاحِ مَحْبُوراً فِي ٱلْعاجِلِ وَ ٱلْآجِلِ، إِنَّكَ عَلىٰ
و رستگاری و شادمانی دنیا و آخرت بازگردان؛ که تو بر

كُلِّ شَيْءٍ قَديرٌ، وَ ٱرْزُقْني مِنْ فَضْلِكَ، وَ أَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ
هر کار توانایی. از فضل خود روزیم ده؛ و پاکیزه‌ترین روزیهایت

طَيِّباتِ رِزْقِكَ، وَ ٱسْتَعْمِلْني في طاعَتِكَ، وَ أَجِرْني مِنْ
را بر من وسعت ده. و مرا به کار طاعت خود برگمار و از آتش دوزخ

عَذابِكَ وَ نارِكَ، وَ أَقْلِبْني إِذا تَوَفَّيْتَني إِلىٰ جَنَّتِكَ بِرَحْمَتِكَ.
پناهم ده و پس از آنکه مرا میراندی، در بهشت به رحمت خویش جایگاهم ده.

اَللّٰهُمَّ إِنّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ زَوالِ نِعْمَتِكَ وَ مِنْ تَحْويلِ عافِيَتِكَ
بارخدایا، من از نبود نعمتت و از بیماری و گرفتاری

وَ مِنْ حُلُولِ نَقِمَتِكَ وَ مِنْ نُزُولِ عَذابِكَ، وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ جَهْدِ
و فرود آمدن عذابت، هم بتو پناه می‌آورم. و نیز از سختی

ٱلْبَلاءِ وَ دَرَكِ ٱلشَّقاءِ، وَ مِنْ سُوءِ ٱلْقَضاءِ وَ شَماتَةِ ٱلْأَعْداءِ،
بلا، و بدبختی و پیش‌آمد بد، و سرزنش دشمنان

وَ مِنْ شَرِّ مٰا يَنْزِلُ مِنَ ٱلسَّمٰآءِ، وَ مِنْ شَرِّ مٰا فِي ٱلْكِتٰابِ

و از آفتهای آسمانی و آنچه از بدی‌ها که گناهکاران را در کتابت وعده داده‌ای،

ٱلْمُنْزَلِ. ٱللّٰهُمَّ لاٰ تَجْعَلْني مِنَ ٱلْأَشْرٰارِ وَ لاٰ مِنْ أَصْحٰابِ

بتو پناه می‌آورم. بارخدایا، مرا از بدکاران و دوزخیان

ٱلنّٰارِ، وَ لاٰ تَحْرِمْني صُحْبَةَ ٱلْأَخْيٰارِ، وَ أَحْيِني حَيٰوةً طَيِّبَةً،

قرار مده و از همنشینی با خوبان بی‌نصیبم مساز. مرا زندگی پاکیزه

وَ تَوَفَّني وَفٰاةً طَيِّبَةً تُلْحِقُني بِالْأَبْرٰارِ، وَٱرْزُقْني مُرٰافَقَةَ

و مرگ پاکیزه ارزانی دار که مرا به نیکوکاران ملحق سازد. همنشینی با

ٱلْأَنْبِيٰآءِ في مَقْعَدِ صِدْقٍ عِنْدَ مَليكٍ مُقْتَدِرٍ. ٱللّٰهُمَّ لَكَ ٱلْحَمْدُ

پیامبران را در جایگاه بهشت و در پیشگاه فرمانروای توانا به من عطا فرما. خدایا، تو را سپاس

عَلىٰ حُسْنِ بَلاٰئِكَ وَ صُنْعِكَ، وَ لَكَ ٱلْحَمْدُ عَلَى ٱلْإِسْلاٰمِ

می‌گویم، بر نیکویی آزمون و تدبیرت؛ و تو را سپاس می‌گویم، به خاطر اسلام

وَ ٱتِّبٰاعِ ٱلسُّنَّةِ، يٰا رَبِّ كَمٰا هَدَيْتَهُمْ لِدينِكَ وَ عَلَّمْتَهُمْ كِتٰابَكَ

و پیروی از سنت پیامبر. ای پروردگار، آن گونه که آنان را به دین خود هدایت کردی و کتاب خود را به آنان آموختی،

فَاهْدِنٰا وَ عَلِّمْنٰا، وَ لَكَ ٱلْحَمْدُ عَلىٰ حُسْنِ بَلاٰئِكَ وَ صُنْعِكَ

ما را نیز هدایت کن و به ما بیاموز. و تو را سپاس به خاطر نیکویی آزمون و تدبیرت

عِنْدي خٰاصَّةً كَمٰا خَلَقْتَني فَأَحْسَنْتَ خَلْقي، وَ عَلَّمْتَني

در حق من. مخصوصاً، به خاطر آنکه مرا آفریدی و نیکو آفریدی و مرا آموختی

فَأَحْسَنْتَ تَعْليمي، وَ هَدَيْتَني فَأَحْسَنْتَ هِدٰايَتي، فَلَكَ

و نیکو تعلیم دادی و هدایتم کردی به بهترین هدایتها؛ پس سپاس

اَلْحَمْدُ عَلىٰ إِنْعامِكَ عَلَيَّ قَديماً وَ حَديثاً، فَكَمْ مِنْ كَرْبٍ
من تو را به خاطر نعمتهایی که مرا در گذشته و حال عطا فرمودی. ای سرور من، چه بسا

يا سَيِّدي قَدْ فَرَّجْتَهُ، وَ كَمْ مِنْ غَمٍّ يا سَيِّدي قَدْ نَفَّسْتَهُ، وَ كَمْ
رنجهایی که از میان بردی و چه بسا اندوهها ای سرور من که به شادی مبدل ساختی چه بسا

مِنْ هَمٍّ يا سَيِّدي قَدْ كَشَفْتَهُ، وَكَمْ مِنْ بَلاۤءٍ يا سَيِّدي قَدْ صَرَفْتَهُ،
غصه‌ها که ای سرورم گشودی و چه بلاها که ای سرورم بازگرداندی

وَ كَمْ مِنْ عَيْبٍ يا سَيِّدي قَدْ سَتَرْتَهُ، فَلَكَ اَلْحَمْدُ عَلىٰ كُلِّ
و چه عیبها که ای سرورم پوشاندی؛ پس سپاس در همه حال از آن

حالٍ في كُلِّ مَثْوىً وَ زَمانٍ وَ مُنْقَلَبٍ وَ مَقامٍ وَ عَلىٰ هٰذِهِ
توست: در هر زمان و مکان، در هر حالت و مقام، در این

اَلْحالِ وَ كُلِّ حالٍ. اَللّٰهُمَّ اجْعَلْني مِنْ أَفْضَلِ عِبادِكَ نَصيباً
حال و در همه حال. بارخدایا، مرا امروز در زمرهٔ بهترین بندگانت قرار ده

فـي هٰذَا اَلْيَومِ، مِـنْ خَيْرٍ تَقْسِمُهُ أَوْ ضُـرٍّ تَكْشِفُهُ أَوْ سُوءٍ
در بهره‌مندی از خوبیها که تقسیم می‌کنی یا هر ضرری که دفع می‌کنی یا بدی

تَصْرِفُهُ أَوْ بَلاۤءٍ تَدْفَعُهُ أَوْ خَيْرٍ تَسُوقُهُ أَوْ رَحْمَةٍ تَنْشُرُها أَوْ
که برگردانی یا بلا که دفع می‌کنی یا خیری که بیاوری یا رحمتی که منتشر می‌کنی یا

عافِيَةٍ تُلْبِسُها فَإِنَّكَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَديرٌ وَ بِيَدِكَ خَزاۤئِنُ
سلامتی که عطا می‌کنی همانا تو بر هر چیز توانائی و گنجهای

اَلسَّمٰواتِ وَ اَلْأَرْضِ، وَ أَنْتَ اَلْواحِدُ اَلْكَريمُ اَلْمُعْطِي اَلَّذي
آسمانها و زمین در دست توست؛ تو یگانه و کریم و بخشنده‌ای که

لا یُرَدُّ سائِلُهُ وَ لا یُخَیَّبُ امِلُهُ وَ لا یَنْقُصُ نائِلُهُ وَ لا یَنفَدُ
سائل را رد نمی‌کند و امیدوارش را ناامید نمی‌کند و عطایش کم نشود و آنچه دارد

ما عِنْدَهُ بَلْ یَزْدادُ کَثْرَةً وَ طیباً وَ عَطاءً وَ جُوداً، وَ ارْزُقْنی
تمام نشود بلکه بر فراوانی و خوشی و هدایا و بخشش بیفزاید. مرا از آن

مِنْ خَزائِنِكَ الَّتی لاتَفْنیٰ، وَ مِنْ رَحْمَتِكَ الْواسِعَةِ، إِنَّ
همه گنجهای بی پایان و از رحمت گسترده خود روزی ده که

عَطائَكَ لَمْ یَکُنْ مَحْظُوراً، وَ أَنْتَ عَلیٰ کُلِّ شَیْءٍ قَدیرٌ،
عطای تو مانعی ندارد و تو بر هر کار توانایی؛

بِرَحْمَتِكَ یا أَرْحَمَ الرّاحِمینَ.[1]
به مهربانیت سوگند، ای مهربان‌ترین مهربانان.

۳ـ قبر مطهر حضرت حسین ﷺ را زیارت کند.[2]

□ روز نهم (روز عرفه)

روز نهم، روز عرفه و روزی بسیار مبارک است، که در آن، درهای الطاف حق تعالی به روی خلق باز، خوان احسانش گسترده و شیطان رجیم، از هر زمان دیگر رجیم‌تر و حقیرتر است. حضرت امام زین‌العابدین ﷺ در چنین روزی صدای سائلی را شنیدند که از مردم سؤال می‌کند. به او فرمودند: وای بر تو! در چنین روزی که امید می‌رود رحمت خدا، حتی دربارهٔ جنین‌ها، در شکم مادران شامل گردد و سعادتمندشان کند، تو گدایی می‌کنی؟[3]

---

۱. اقبال / ۳۲۵.

۲. وسائل الشیعه ۲۰ جلدی، جلد ۱۰، صفحه ۳۵۸ـ اقبال، صفحه ۳۳۰ـ بحار الانوار، جلد ۱۰۱، صفحه ۹۵.

۳. خصال صدوق، جلد ۲، باب ۲۳.

اعمال این روز بشرح زیر است:

۱ـ غسل.[1]

۲ـ زیارت حضرت حسین ﷺ[2] که فضیلت بی‌پایان و اجر بی‌شمار دارد. کسی که موفق شود در این روز، در زیر گنبد حرم مطهر آن حضرت باشد، ثوابش از عرفاتیان کمتر نیست.[3]

۳ـ بعد از نماز ظهر و عصر، که بهترین اوقات ایـن روز است، مشغول بـه خواندن نمازها و دعاهای این روز شود. و غسل این روز باید قبل از ظهر انجام دهد.[4] پس از نماز ظهر و عصر و پیش از اشتغال به دعا، دو رکعت نماز در زیر آسمان بجا آورد و به گناهان خویش اقرار و اعتراف نماید و آنگاه بگوید:

سُبْحانَ ٱلَّذي فِي ٱلسَّماءِ عَرْشُهُ، سُبْحانَ ٱلَّذي فِي ٱلْأَرْضِ

پاک است آنکه عرش او در آسمان است. پاک است آنکه در زمین

حُكْمُهُ، سُبْحانَ ٱلَّذي فِي ٱلْقُبُورِ قَضاؤُهُ، سُبْحانَ ٱلَّذي

فرمان اوست. پاک است آنکه در گورها داوری اوست. پاک است خدای که

فِي ٱلْبَحْرِ سَبيلُهُ، سُبْحانَ ٱلَّذي فِي ٱلنّارِ سُلْطانُهُ، سُبْحانَ

راه بی بردن به عظمت او، در دریاست. پاک است خدایی که اقتدارش در آتش است. پاک است

ٱلَّذي فِي ٱلْجَنَّةِ رَحْمَتُهُ، سُبْحانَ ٱلَّذي فِي ٱلْقِيٰمَةِ عَدْلُهُ،

خدایی که رحمتش در بهشت است. پاک است خدایی که عدالتش در قیامت است.

سُبْحانَ ٱلَّذي رَفَعَ ٱلسَّماءَ، سُبْحانَ ٱلَّذي بَسَطَ ٱلْأَرْضَ،

پاک است خدایی که آسمان را برافراشت و زمین را بگسترد.

---

۱. وسائل الشیعه ۲۰ جلدی، جلد ۲، صفحه ۹۳۶.
۲. بحار الانوار، جلد ۱۰۱، صفحه ۹۳.
۳. صفحه ۸۵.
۴. مصباح کفعمی، صفحه ۶۶۱.

سُبْحانَ ٱلَّذي لا مَلْجَأَ وَ لا مَنْجا مِنْهُ إِلّا إِلَيْهِ.

پاک است خدایی که پناه جستن و رهایی از او جز بسوی او نیست.

پس از اتمام دعای مزبور، صد مرتبه بگوید:

سُبْحانَ ٱللهِ وَ ٱلْحَمْدُ لِلّٰهِ وَ لا إِلٰهَ إِلاَّ ٱللّٰهُ وَ ٱللّٰهُ أَكْبَرُ؛

پاک است خدا و سپاس او راست و جز او خدایی نیست؛ خدا بزرگتر است.

آنگاه هر یک از «سورهٔ توحید»، «آیة الکرسی» و «صلوات بر محمد و آل او» را صد مرتبه بخواند، سپس دعای زیر را ده مرتبه بخواند:

لا إِلٰهَ إِلاَّ ٱللّٰهُ وَحْدَهُ لا شَريكَ لَهُ، لَهُ ٱلْمُلْكُ وَ لَهُ ٱلْحَمْدُ، يُحْيي وَ يُميتُ وَ يُميتُ وَ يُحْيي وَ هُوَ حَيٌّ لا يَمُوتُ، بِيَدِهِ ٱلْخَيْرُ وَ هُوَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَديرٌ.

جز او خدایی نیست؛ یگانه و بی‌شریک. فرمانروایی از اوست و ستایش شایستهٔ اوست زنده می‌سازد و می‌میراند؛ می‌میراند و زنده می‌سازد. او زنده‌ای است که نمی‌میرد. همهٔ خیر در دست اوست و او بر همهٔ چیز تواناست.

سپس هر یک از اذکار زیر را تکرار کند:

أَسْتَغْفِرُ ٱللّٰهَ ٱلَّذي لا إِلٰهَ إِلّا هُوَ ٱلْحَيُّ ٱلْقَيُّومُ وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ؛

از خدایی که معبودی جز او نیست، زنده و پاینده است طلب آمرزش نموده و بسوی او باز می‌گردم

(ده مرتبه) يا أَللّٰهُ؛ (ده مرتبه) يا رَحْمٰنُ؛ (ده مرتبه) يا رَحيمُ؛ يا بَديعَ ٱلسَّمٰواتِ وَ ٱلْأَرْضِ يا ذَا ٱلْجَلالِ وَ ٱلْإِكْرامِ (ده مرتبه)؛ يا حَيُّ يا قَيُّومُ

ای خدا؛ ای بخشنده؛ ای مهربان؛ ای پدید آورندهٔ آسمانها و زمین، ای صاحب عظمت و احترام؛ ای زنده، ای پاینده؛

(ده مرتبه)؛ يٰا حَنّانُ يٰا مَنّانُ (ده مرتبه)؛ يٰا لا إِلٰهَ إِلّا أَنْتَ (ده مرتبه)؛

ای دلسوز، ای بخشندهٔ پیش از سؤال ای آنکه جز تو معبودی نباشد.

آمين؛ (ده مرتبه). آنگاه این دعا را بخواند:

اَللّٰهُمَّ إِنّي أَسْئَلُكَ يٰا مَنْ هُوَ أَقْرَبُ إِلَيَّ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ،

خداوندا، از تو مسألت دارم؛ ای کسی که به من از رگ گردن نزدیک‌تری،

يٰا مَنْ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَ قَلْبِهِ، يٰا مَنْ هُوَ بِالْمَنْظَرِ الْأَعْلىٰ

ای کسی که بین آدمی و قلبش حائل شوی، ای که در نظر گاهی برتر

وَ بِالْأُفُقِ الْمُبِينِ، يٰا مَنْ هُوَ الرَّحْمٰنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوىٰ،

و افقی روشن‌تر قرار داری، ای بخشنده ای که بر عرش استواری،

يٰا مَنْ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ، أَسْئَلُكَ

ای آنکه او را مانند نیست و شنوا و بیناست، از تو مسألت دارم که

أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ. آنگاه حاجتهای خود را بخواهد.

به محمد و خاندانش صلوات فرستی.

۴ـ صلواتی را بخواند که گفته شده خوانندهٔ آن آل محمد را خوشحال نماید ـ که در آخر اعمال روز جمعه گذشت ـ.

۵ـ دعای چهل و هفت از صحیفهٔ سجادیه را بخواند.

۶ـ همچنین بخواند دعای حضرت امام حسین ؑ را که از جمله دعاهای مشهور این روز است. بُشر و بَشیر روایت کنند که: عصر روز عرفه، در عرفات در محضر آن حضرت بودیم که از خیمه با عده‌ای از اهل بیت و فرزندان و شیعیان خود بیرون آمدند. با تذلل و خضوع، در جانب چپ کوه ایستاده رو

بسوی کعبه، دستها برابر صورت گرفتند، همانند فقیری که طعام بخواهد، و این دعا را خواندند:

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ اَلَّذي لَيْسَ لِقَضائِهِ دافِعٌ وَ لا لِعَطائِهِ مانِعٌ

سپاس خدایی را که هیچکس را یارای سرپیچی از فرمان او نیست و عطای او را منع نتواند کرد

وَ لا كَصُنْعِهِ صُنْعُ صانِعٍ، وَ هُوَ اَلْجَوادُ اَلْواسِعُ، فَطَرَ أَجْناسَ

و صنعت هیچ صنعتگری بمانند صنعت او نیست. او بخشنده‌ای گشاده دست است و انواع

اَلْبَدائِعِ وَ أَتْقَنَ بِحِكْمَتِهِ اَلصَّنائِعَ، لا تَخْفىٰ عَلَيْهِ اَلطَّلائِعُ

مخلوقات بیافرید و به حکمت خویش، آفرینش را استحکام بخشید، پیشگامان بر او مخفی نیست

وَ لا تَضيعُ عِنْدَهُ اَلْوَدائِعُ، جازي كُلِّ صانِعٍ، وَ رائِشُ كُلِّ

و امانتها نزد او ضایع نمی‌شود. پاداش هر کارگری را می‌دهد. زندگی هر قانع را

قانِعٍ، وَ راحِمُ كُلِّ ضارِعٍ، وَ مُنْزِلُ اَلْمَنافِعِ، وَ اَلْكِتابِ اَلْجامِعِ

فراهم سازد. رحم کننده بر هر تضرع کننده و فرو فرستنده، منفعتها و کتاب جامع

بِالنُّورِ اَلسّاطِعِ، وَ هُوَ لِلدَّعَواتِ سامِعٌ، وَ لِلْكُرُباتِ دافِعٌ،

با نور تابان. و او شنوندهٔ دعاهاست و رنجها را برطرف سازنده است؛

وَ لِلدَّرَجاتِ رافِعٌ، وَ لِلْجَبابِرَةِ قامِعٌ، فَلا إِلٰهَ غَيْرُهُ وَ لا شَيْءَ

مقام صالحان را بالا برنده و ستمگران را گوشمالی دهنده است. جز او خدایی نیست و هیچ چیز با او

يَعْدِلُهُ وَ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ، وَ هُوَ اَلسَّميعُ اَلْبَصيرُ اَللَّطيفُ

برابری نتواند؛ هیچ چیز مانند او نیست و او شنونده و بیناست؛ و لطیف

اَلْخَبيرُ وَ هُوَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَديرٌ. اَللّٰهُمَّ إِنّي أَرْغَبُ إِلَيْكَ

و آگاهست و بر همه چیز تواناست. خداوندا، من دلبستگی به تو دارم

وَ أَشْهَدُ بِالرُّبُوبِيَّةِ لَكَ مُقِرّاً بِأَنَّكَ رَبّي وَ أَنَّ إِلَيْکَ مَرَدّي،

و به پروردگاريت گواهی دهم. اقرار می‌کنم که تو پروردگار منی و بازگشت من بسوی توست.

اِبْتَدَأْتَني بِنِعْمَتِكَ قَبْلَ أَنْ أَكُونَ شَيْئاً مَذْكُوراً وَ خَلَقْتَني مِنَ

پيش از آنكه هستی يابم تو نعمت وجود به من بخشيدی و از خاکم

اَلتُّرابِ، ثُمَّ أَسْكَنْتَنِي اَلْاَصْلابَ امِناً لِرَيْبِ اَلْمَنُونِ وَ اخْتِلافِ

آفريدی؛ آنگاه در صلب پدرانم جای دادی تا از مردن و حوادث

اَلدُّهُورِ وَ اَلسِّنين، فَلَمْ أَزَلْ ظاعِناً مِنْ صُلْبٍ إِلىٰ رَحِمٍ في

زمان و دگرگونيهای روزگار در امان باشم؛ همچنان در قرنهای گذشته از پشت پدری

تَقادُمِ مِنَ اَلْاَيّامِ الْماضِيَةِ وَ اَلْقُرُونِ اَلْخالِيَةِ، لَمْ تُخْرِجْني

به رحم مادری انتقال يافتم. و مرا به دنيا نياوردی

لِرَأْفَتِكَ بي وَ لُطْفِكَ لي وَ إِحْسانِكَ إِلَيَّ في دَوْلَةِ أَئِمَّةِ اَلْكُفْرِ

به سبب مهربانی و لطف خود و احسان بر من مرا همزمان دولتهای کفر

اَلَّذينَ نَقَضُوا عَهْدَكَ وَ كَذَّبُوا رُسُلَكَ، لٰكِنَّكَ أَخْرَجْتَني رَأْفَةً

که پيمان ترا نقض کردند پيامبرانت را تکذيب کردند قرار ندادی. و از مهرورزی و لطف

مِنْكَ وَتَحَنُّناً عَلَيَّ لِلَّذي سَبَقَ لي مِنَ اَلْهُدَى اَلَّذي لَهُ يَسَّرْتَني،

خود مرا زمانی که هدايت را برايم ميسر کردی بدنيا آوردی

وَ فيهِ أَنْشَأْتَني وَ مِنْ قَبْلِ ذٰلِكَ رَؤُفْتَ بي بِجَميلِ صُنْعِكَ

و ايجاد نمودی و پيش از آن نيز پيوسته با صنع زيبا

وَ سَوابِغِ نِعَمِكَ، فَابْتَدَعْتَ خَلْقي مِنْ مَنِيٍّ يُمْنىٰ وَ أَسْكَنْتَني

و نعمتهای فراوان خود به من مهر ورزيدی تا از نطفه مرا آفريدی و در سه لايهٔ

فِي ظُلُمٰاتٍ ثَلاٰثٍ بَيْنَ لَحْمٍ وَ دَمٍ وَ جِلْدٍ، لَمْ تُشْهِدْنِي خَلْقِي

تاریک [بطن، مشیمه و رحم] در میان گوشت و خون و پوست؛ مستقر ساختی، مرا بر چگونگی آفرینش گواه نساختی

وَ لَمْ تَجْعَلْ إِلَيَّ شَيْئاً مِنْ أَمْرِي، ثُمَّ أَخْرَجْتَنِي لِلَّذِي سَبَقَ

و در جریان این کار قرارم ندادی. پس، مرا کامل و آراسته به جهان آوردی

لِي مِنَ ٱلْهُدىٰ إِلَى ٱلدُّنْيا تامّاً سَوِيّاً، وَ حَفِظْتَنِي فِي ٱلْمَهْدِ

تا از آن هدایت بهره یابم. و در کودکی مرا در گهواره

طِفْلاً صَبِيّاً، وَرَزَقْتَنِي مِنَ ٱلْغِذاءِ لَبَناً مَرِيّاً، وَ عَطَفْتَ عَلَيَّ

حفظ کردی و غذای مرا از شیر گوارا قرار دادی و قلب پرستارم را

قُلُوبَ ٱلْحَواضِنِ، وَ كَفَّلْتَنِي ٱلْأُمَّهاتِ ٱلرَّواحِمَ، وَ كَلَأْتَنِي

متوجه من نمودی و مادران را با مهربانی به مراقبتم گماشتی و از آسیب

مِنْ طَوارِقِ ٱلْجانِّ، وَ سَلَّمْتَنِي مِنَ ٱلزِّيادَةِ وَ ٱلنُّقْصانِ،

جن و شیطان و زیادی و نقصان، سلامت داشتی.

فَتَعالَيْتَ يا رَحِيمُ يا رَحْمٰنُ، حَتّىٰ إِذَا اسْتَهْلَلْتُ ناطِقاً بِالْكَلامِ

تو بلندمرتبه‌ای ای مهربان ای بخشنده سرانجام لب به سخن گشودم

أَتْمَمْتَ عَلَيَّ سَوابِغَ ٱلْإِنْعامِ، وَ رَبَّيْتَنِي زايِداً فِي كُلِّ عامٍ

و نعمتهای تو همچنان ادامه داشت و همه ساله از فیض پرورش تو بیشتر بهره‌مند می‌شدم

حَتّىٰ إِذَا ٱكْتَمَلَتْ فِطْرَتِي وَ ٱعْتَدَلَتْ مِرَّتِي أَوْجَبْتَ عَلَيَّ

تا اینکه خلقتم کمال یافت و جسمم به اعتدال رسید؛ پس حجتت را بر من

حُجَّتَكَ بِأَنْ أَلْهَمْتَنِي مَعْرِفَتَكَ، وَ رَوَّعْتَنِي بِعَجايِبِ حِكْمَتِكَ،

واجب گردانیدی که معرفت را به دلم الهام‌فرمودی و از شگفتیهای آفرینش خود مرا حیران ساختی.

وَ أَيْقَظْتَني لِمٰا ذَرَأْتَ في سَمٰآئِكَ وَ أَرْضِكَ مِنْ بَدٰائِعِ
مرا هشدار دادی به شگفتیهایی که در آسمان و زمین آفریدی
خَلْقِكَ وَ نَبَّهْتَني لِشُكْرِكَ وَ ذِكْرِكَ، وَ أَوْجَبْتَ عَلَيَّ طٰاعَتَكَ
و مرا برای شکرگزاری و یاد تو آگاه کردی و اطاعت و پرستش خود را بر من
وَ عِبٰادَتَكَ، وَ فَهَّمْتَني مٰا جٰاۤءَتْ بِهِ رُسُلُكَ، وَ يَسَّرْتَ لي
واجب کردی و آنچه را پیامبرانت آورده‌اند به من فهماندی و فرصت آن دادی
تَقَبُّلَ مَرْضٰاتِكَ، وَ مَنَنْتَ عَلَيَّ في جَميعِ ذٰلِكَ بِعَوْنِكَ
تا رضای خاطرت را با همهٔ دشواری بدست آورم؛ و اینهمه را به یاری
وَ لُطْفِكَ، ثُمَّ إِذْ خَلَقْتَني مِنْ خَيْرِ الثَّرىٰ لَمْ تَرْضَ لي يٰا إِلٰهي
و لطف تو دارم. آنگاه که مرا از بهترین خاکها آفریدی راضی نشدی که نعمتی بر من روا داری
نِعْمَةً دُونَ أُخْرىٰ وَ رَزَقْتَني مِنْ أَنْوٰاعِ الْمَعٰاشِ وَ صُنُوفِ
و از نعمتهای دیگر بازگردانی و از هرگونه وسایل زندگی و خوراک پوشاک، مرا عنایت فرمودی؛
الرِّيٰاشِ بِمَنِّكَ الْعَظيمِ الْأَعْظَمِ عَلَيَّ وَ إِحْسٰانِكَ الْقَديمِ إِلَيَّ،
با منتی بسیار بزرگ بر من و احسان قدیمت بر من همهٔ نعمتها را بر من ارزانی داشته‌ای
حَتّٰى إِذٰا أَتْمَمْتَ عَلَيَّ جَميعَ النِّعَمِ وَ صَرَفْتَ عَنّي كُلَّ النِّقَمِ
و همهٔ بلاها را از من دور ساخته‌ای. نادانی و بی‌پروائیم، تو را
لَمْ يَمْنَعْكَ جَهْلي وَ جُرْأَتي عَلَيْكَ أَنْ دَلَلْتَني إِلىٰ مٰا يُقَرِّبُني
از این کارها باز نداشت تا مرا بدانچه وسیلهٔ نزدیکی توست
إِلَيْكَ وَ وَفَّقْتَني لِمٰا يُزْلِفُني لَدَيْكَ، فَإِنْ دَعَوْتُكَ أَجَبْتَني
و از آنچه سبب خشم توست، هدایت کنی. هرگاه تو را خواندم، پاسخ دادی

وَ إِنْ سَئَلْتُكَ أَعْطَيْتَني وَ إِنْ أَطَعْتُكَ شَكَرْتَني وَ إِنْ شَكَرْتُكَ

و اگر چیزی خواستم، بخشودی و اگر طاعتت را بجا آوردم، سپاسگزاری‌کردی و اگر سپاس تو را گفتم،

زِدْتَني، كُلُّ ذٰلِكَ إِكْمالٌ لِأَنْعُمِكَ عَلَيَّ وَ إِحْسانِكَ إِلَيَّ،

بر نعمتت افزودی. همگی این امور نشانهٔ اکمال نعمت و نیکوکاری تو در حق منست.

فَسُبْحانَكَ سُبْحانَكَ مِنْ مُبْدِىءٍ مُعيدٍ حَميدٍ مَجيدٍ. تَقَدَّسَتْ

پس تو منزّه هستی. منزّه هستی ای آفریننده، بازگرداننده و ستوده و بزرگوار. نامهای تو

أَسْماؤُكَ وَ عَظُمَتْ آلاؤُكَ، فَأَيُّ نِعَمِكَ يا إِلٰهي أُحْصي عَدَداً

مقدس است و نعمتهایت عظیم است. ای خدای من کدام نعمت تو را بشمارم

وَ ذِكْراً، أَمْ أَيُّ عَطاياكَ أَقُومُ بِها شُكْراً، وَ هِيَ يا رَبِّ أَكْثَرُ

یا بر زبان آورم یا کدام بخشش تو را سپاس گویم؟ پروردگارا، این نعمتها

مِنْ أَنْ يُحْصِيَهَا الْعادُّونَ، أَوْ يَبْلُغَ عِلْماً بِهَا الْحافِظُونَ، ثُمَّ

و بخشندگیها برتر از شمارش حسابداران و دانایی حافظانست. پروردگارا،

ما صَرَفْتَ وَ دَرَأْتَ عَنّي اَللّٰهُمَّ مِنَ الضُّرِّ وَ الضَّرّاءِ أَكْثَرَ

آنهمه زیان و آفت را که از من دور کردی بظاهر بیشتر از

مِمّا ظَهَرَ لي مِنَ الْعافِيَةِ وَ السَّرّاءِ، وَ أَنَا أَشْهَدُ يا إِلٰهي بِحَقيقَةِ

نعمت و عافیتی است که بر من عرضه داشتی و من گواهی می‌دهم، ای خدای من به حقیقت

إيماني، وَ عَقْدِ عَزَماتِ يَقيني، وَ خالِصِ صَريحِ تَوْحيدي،

ایمانم سوگند و به پیمانی که از مراتب یقین من است و به توحیدی روشن

وَ باطِنِ مَكْنُونِ ضَميري، وَ عَلائِقِ مَجاري نُورِ بَصَري

و بی‌شائبه و به درون سِرّ ضمیرم و پیوندهای دیدگانم با عالم خارج

وَ أَسارِيرِ صَفْحَةِ جَبِينِي وَ خُرْقِ مَسارِبِ نَفْسِي وَ خَذارِيفِ
و خطوط چهره‌ام و راههای تنفس من و پاره‌های

مارِنِ عِرْنِينِي وَ مَسارِبِ سِماخِ سَمْعِي وَ ما ضُمَّتْ وَ أَطْبَقَتْ
نرمهٔ بینی‌ام و روزنه‌های شنوائیم و آنچه که لبانم را از بر هم نهادن

عَلَيْهِ شَفَتايَ وَ حَرَكاتِ لَفْظِ لِسانِي، وَ مَغْرَزِ حَنَكِ فَمِي
می‌پوشاند و حرکات زبانم، و گردشگاه آرواره دهان.

وَ فَكِّي وَ مَنابِتِ أَضْراسِي وَ مَساغِ مَطْعَمِي وَ مَشْرَبِي وَ حِمالَةِ
و فک من و جایگاه رونیدن دندانها و نیروی چشایی من از طعام و شراب و جمجمه

أُمِّ رَأْسِي وَ بُلُوغِ فارِغِ حَبائِلِ عُنُقِي وَ مَا اشْتَمَلَ عَلَيْهِ تامُورُ
که دماغ من در آنست و مرکز عبور رشته‌های اعصاب گردن منست و آنچه فضای

صَدْرِي وَ حَمائِلِ حَبْلِ وَتِينِي وَ نِياطِ حِجابِ قَلْبِي وَ أَفْلاذِ
سینه‌ام، آنرا در خود گرفته و آنجا که محل عبور شاهرگ گردن است و آنجا که پردهٔ دل با پاره‌هایی

حَواشِي كَبِدِي وَ ما حَوَتْهُ شَراسِيفُ أَضْلاعِي وَ حِقاقُ
از جگر به هم پیوسته است؛ آنجا که دنده‌های استخوان پهلویم با سربندهای

مَفاصِلِي وَ قَبْضُ عَوامِلِي وَ أَطْرافُ أَنامِلِي وَ لَحْمِي وَ دَمِي
مفاصل من پیوسته و بستن و گشودن اندامهای فعال و انگشتان و گوشت و خون

وَ شَعْرِي وَ بَشَرِي وَ عَصَبِي وَ قَصَبِي وَ عِظامِي وَ مُخِّي
و موی و پوست و عصب و رگها و استخوانها و مغز

وَ عُرُوقِي وَ جَمِيعُ جَوارِحِي وَ مَا انْتَسَجَ عَلىٰ ذٰلِكَ أَيّامَ
و مویرگها و پی‌های من و همگی اندامهایم که در دوران شیرخوارگی ساخته

رِضاعِي وَ مٰا أَقَلَّتِ ٱلْأَرْضُ مِنّي وَ نَوْمِي وَ يَقْظَتي وَ سُكُوني

و پرداخته گردیده‌اند و سنگینی من بر زمین و خواب و بیداریم و آرامش

وَ حَرَكٰاتِ رُكُوعي وَ سُجُودي، أَنْ لَوْ حٰاوَلْتُ وَ ٱجْتَهَدْتُ

و جنبش و رکوع و سجودم، که اگر بخواهم در شکر این نعمتها کوشش کنم

مَدَى ٱلْأَعْصٰارِ وَ ٱلْأَحْقٰابِ لَوْ عُمِّرْتُهٰا أَنْ أُؤَدِّيَ شُكْرَ وٰاحِدَةٍ

و در طول قرنها و زمانها زنده بمانم، هرگز شکر یکی از آن نعمتها را بجا

مِنْ أَنْعَمِكَ، مَا ٱسْتَطَعْتُ ذٰلِكَ إِلّا بِمَنِّكَ ٱلْمُوجَبِ عَلَيَّ بِهِ

نتوانم آورد؛ مگر با عنایت تو که آن نیز

شُكْرُكَ أَبَداً جَديداً وَ ثَنٰاءً طٰارِفاً عَتيداً، أَجَلْ وَ لَوْ حَرَصْتُ

سپاس ابدی و جدید و ستایش طولانی دیگری را واجب گرداند؛ آری، هرگاه

أَنٰا وَ ٱلْعٰادُّونَ مِنْ أَنٰامِكَ أَنْ نُحْصِيَ مَدىٰ إِنْعٰامِكَ، سٰالِفِهِ

من و مردم حسابدان بخواهیم نعمت بی‌پایان تو را، در گذشته، حال

وَ آنِفِهِ، مٰا حَصَرْنٰاهُ عَدَداً وَ لاٰ أَحْصَيْنٰاهُ أَمَداً، هَيْهٰاتَ أَنّىٰ

و آینده شمارش کنیم از عهدهٔ شمارهٔ آن و درک مدت و نهایت آن برنخواهیم آمد؛ هیهات! کجا

ذٰلِكَ وَ أَنْتَ ٱلْمُخْبِرُ في كِتٰابِكَ ٱلنّٰاطِقِ وَ ٱلنَّبَأِ ٱلصّٰادِقِ: وَ إِنْ

چنین کاری توانیم. تو خود در قرآن، به راست خبر داده‌ای: اگر

تَعُدُّوا نِعْمَةَ ٱللّٰهِ لاٰ تُحْصُوهٰا، صَدَقَ كِتٰابُكَ ٱللّٰهُمَّ وَ إِنْبٰاؤُكَ

بخواهید نعمتهای خدا را برشمارید، هرگز نتوانید. کتاب و خبرهای تو ـ خداوندا ـ سراپا حقیقت است

وَ بَلَّغَتْ أَنْبِيٰاؤُكَ وَ رُسُلُكَ مٰا أَنْزَلْتَ عَلَيْهِمْ مِنْ وَحْيِكَ

و پیامبرانت آنچه را که از وحی خویش بدیشان نازل کردی

وَ شَرَعْتَ لَهُمْ وَ بِهِمْ مِنْ دينِكَ، غَيْرَ أَنّي يا إِلٰهي أَشْهَدُ
و از شریعت و دین خود خبر دادی به خلایق رساندهاند؛ جز اینکه من، ای خدای من، گواهی می‌دهم

بِجُهْدي وَ جِدّي وَ مَبْلَغِ طاعَتي وَ وُسْعي، وَ أَقُولُ مُؤْمِناً
با تمامی کوشش و بقدر توانایی و عبادت. و ایمان

مُوقِناً: اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَداً فَيَكُونَ مَوْرُوثاً،
و معرفتم می‌گویم: ستایش خدایی را که فرزند ندارد، تا آنکه موروث باشد؛

وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ شَريكٌ في مُلْكِهِ فَيُضادَّهُ فيمَا ابْتَدَعَ، وَ لا وَلِيٌّ
در فرمانروایی او را شریکی نیست، تا آنکه با او در آفرینش و ایجاد، مخالفت و ضدیت کند و او را

مِنَ الذُّلِّ فَيُرْفِدَهُ فيما صَنَعَ، فَسُبْحانَهُ سُبْحانَهُ لَوْ كانَ فيهِما
در آفرینش، دستیاری نیست. ذات او پاک و منزه است از هرگونه شریک

آلِهَةٌ إِلاَّ اللّٰهُ لَفَسَدَتا وَ تَفَطَّرَتا، سُبْحانَ اللّٰهِ الْواحِدِ الْأَحَدِ
که اگر جز او خدایی بود، نظام کائنات برهم می‌ریخت و به نابودی می‌انجامید. پاک و منزه است خدایی که یگانه

الصَّمَدِ الَّذي لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ يُولَدْ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُواً أَحَدٌ،
و بی‌نیاز است، نه زاده است و نه زائیده شده و نه او را مانندی است.

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ حَمْداً يُعادِلُ حَمْدَ مَلائِكَتِهِ الْمُقَرَّبينَ وَ أَنْبِيائِهِ
سپاس خدا را، سپاسی که با سپاس فرشتگان مقرب و پیامبران

الْمُرْسَلينَ، وَ صَلَّى اللّٰهُ عَلىٰ خِيَرَتِهِ مُحَمَّدٍ خاتَمِ النَّبِيّينَ
مرسل او برابری کند. و صلوات خدا بر برگزیدهٔ محمّد خاتمَ پیامبران

وَ آلِهِ الطَّيِّبينَ الطّاهِرينَ الْمُخْلِصينَ وَ سَلَّمَ.
و خاندان پاکیزه و طاهر و خالص او.

[سپس، درحالی‌که آب از دیده‌های مبارکش جاری بود، شروع به درخواست از خداوند نمود و به دعا پرداخت و گفت:]

اَللّٰهُمَّ اجْعَلْني أَخْشاكَ كَأَنّي أَراكَ، وَ أَسْعِدْني بِتَقْويكَ

خدایا آنچنان‌از خودهراسناکم قرارده که‌گویی‌تو را می‌بینم و مرا به پرهیزگاری سعادت بخش.

وَ لا تُشْقِني بِمَعْصِيَتِكَ وَ خِرْ لي في قَضائِكَ وَ بارِكْ لي في

و مرا به خاطر گناهانم بدبخت مساز. در قضای خود برای من خیر مقرر کن و مبارک گردان

قَدَرِكَ حَتّٰى لا أُحِبَّ تَعْجيلَ ما أَخَّرْتَ وَ لا تَأْخيرَ ما عَجَّلْتَ،

در تقدیرت به من تا در آنچه به تأخیراندازی، عجله نکنم و در آنچه‌زودتر خواهی‌تأخیر نکنم.

اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ غِنايَ في نَفْسي وَ الْيَقينَ في قَلْبي وَ الْإِخْلاصَ

خداوندا، در جانم بی‌نیازی و در دلم یقین و در کارم

في عَمَلي وَ النُّورَ في بَصَري وَ الْبَصيرَةَ في ديني، وَ مَتِّعْني

اخلاص و در دیده‌ام روشنایی و در دینم آگاهی قرار ده. اندامهایم را

بِجَوارِحي، وَ اجْعَلْ سَمْعي وَ بَصَرِيَ الْوارِثَيْنِ مِنّي،

نیرومند ساز و گوش و چشمم را به پیروی از عقلم برانگیز.

وَ انْصُرْني عَلىٰ مَنْ ظَلَمَني، وَ أَرِني فيهِ ثاري وَ مَآرِبي

در پیروزی بر ستمکاران یاریم کن و انتقامم را از ایشان نشانم ده و مرا

وَ أَقِرَّ بِذٰلِكَ عَيْني. اَللّٰهُمَّ اكْشِفْ كُرْبَتي، وَ اسْتُرْ عَوْرَتي،

از آن بابت، خوشحال ساز. خداوندا، غمهایم را به شادمانی بدل کن و عیوبم را بپوشان؛

وَ اغْفِرْ لي خَطيئَتي، وَ اخْسَأْ شَيْطاني، وَ فُكَّ رِهاني،

گناهانم را بیامرز و شیطان را از من دور کن و ذمه‌ام را آزاد ساز.

وَ ٱجْعَلْ لي يٰا إِلٰهيَ ٱلدَّرَجَةَ ٱلْعُلْيٰا فِي ٱلْاٰخِرَةِ وَ ٱلْأُولىٰ،

ای خدای من، مرا در بالاترین درجه، در دنیا و آخرت قرار ده.

اَللّٰهُمَّ لَكَ ٱلْحَمْدُ كَمٰا خَلَقْتَني فَجَعَلْتَني سَميعاً بَصيراً، وَ لَكَ

خداوندا، ستایش از آن توست که مرا آفریدی و شنوا و بینا قراردادی. ستایش

ٱلْحَمْدُ كَمٰا خَلَقْتَني فَجَعَلْتَني خَلْقاً سَوِيّاً رَحْمَةًبي وَ قَدْ كُنْتَ

از آن توست، که مرا آفریدی و خلقتم را نیکوآراستی؛ از لطفی که به من داشتی با آنکه

عَنْ خَلْقي غَنِيّاً، رَبِّ بِمٰا بَرَأْتَني فَعَدَّلْتَ فِطْرَتي، رَبِّ بِمٰا

از هستی من بی‌نیاز بودی. پروردگارا، مرا ایجاد کردی، فطرتم را اعتدال بخشیدی. پروردگارا،

أَنْشَأْتَني فَأَحْسَنْتَ صُورَتي، رَبِّ بِمٰا أَحْسَنْتَ إِلَيَّ وَ في

چون مرا آفریدی، چهره‌ام را زیبا ترسیم نمودی، پروردگارا به من احسان کردی و جانم را

نَفْسي عٰافَيْتَني، رَبِّ بِمٰا كَلَأْتَني وَ وَفَّقْتَني، رَبِّ بِمٰا أَنْعَمْتَ

سلامت ساختی. پروردگارا، مرا نگهداری کردی و توفیق بخشیدی. پروردگارا نعمتت را به

عَلَيَّ فَهَدَيْتَني، رَبِّ بِمٰا أَوْلَيْتَني وَ مِنْ كُلِّ خَيْرٍ أَعْطَيْتَني،

من ارزانی داشتی و هدایتم کردی. پروردگارا، مرا برگزیدی و از هر نیکی بهره‌مندم ساختی.

رَبِّ بِمٰا أَطْعَمْتَني وَ سَقَيْتَني، رَبِّ بِمٰا أَغْنَيْتَني وَ أَقْنَيْتَني،

پروردگارا، مرا غذا و آشامیدنی بخشیدی. پروردگارا، مرا بی‌نیاز و خرسند ساختی.

رَبِّ بِمٰا أَعَنْتَني وَ أَعْزَزْتَني، رَبِّ بِمٰا أَلْبَسْتَني مِنْ سَتْرِكَ

پروردگارا، مرا یاری‌کردی و عزت بخشیدی. پروردگارا، مرا در لباس کرامت

ٱلصّٰافي وَ يَسَّرْتَ لي مِنْ صُنْعِكَ ٱلْكٰافي، صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ

و صفای خود پوشاندی و از صنع کامل خویش بهره‌مندم ساختی؛ صلوات فرست بر محمد

وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ أَعِنّي عَلىٰ بَوٰائِقِ الدُّهُورِ وَ صُرُوفِ اللَّيٰالي

و خاندان او و مرا در دشواریهای روزگار و دگرگونی شب و روز

وَالْأَيّٰامِ، وَ نَجِّني مِنْ أَهْوٰالِ الدُّنْيٰا وَ كُرُبٰاتِ الْاٰخِرَةِ، وَ اكْفِني

یاری فرما و مرا از دلهره‌های دنیا و گرفتاری آخرت نجات ده. و مرا از شرارتی

شَرَّ مٰا يَعْمَلُ الظّٰالِمُونَ فِي الْأَرْضِ. اَللّٰهُمَّ مٰا أَخٰافُ فَاكْفِني،

که ستمکاران در زمین می‌کنند محفوظ بدار. خداوندا، از آنچه مرا می‌ترساند

وَ مٰا أَحْذَرُ فَقِني، وَ في نَفْسي وَ ديني فَاحْرُسْني، وَ في

و از آنچه دوری می‌جویم و از لغزش دل و جان، نگاهم دار. در

سَفَري فَاحْفَظْني، وَ في أَهْلي وَ مٰالي وَ وَلَدي فَاخْلُفْني،

سفر محفوظم بدار و در مال و خاندان جانشینی بمن عطا کن.

وَ فيمٰا رَزَقْتَني فَبٰارِكْ لي، وَ في نَفْسي فَذَلِّلْني، وَ في أَعْيُنِ

در آنچه نصیب فرمودی، برکت بخش. مرا در نزد خود، خوار گردان و در چشم

النّٰاسِ فَعَظِّمْني، وَ مِنْ شَرِّ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ فَسَلِّمْني،

غیر، بزرگ جلوه ده. از بلای جن و انس، در امانم دار.

وَ بِذُنُوبي فَلاٰ تَفْضَحْني، وَ بِسَريرَتي فَلاٰ تُخْزِني، وَ بِعَمَلي

با گناهان رسوا و به اندیشه‌های درون و عمل ناپسند

فَلاٰ تَبْتَلِني، وَ نِعَمَكَ فَلاٰ تَسْلُبْني، وَ إِلىٰ غَيْرِكَ فَلاٰ تَكِلْني،

مبتلایم مساز. نعمتت را از من باز مگیر و مرا به دیگری وامگذار.

إِلٰهي إِلىٰ مَنْ تَكِلُني، إِلىٰ قَريبٍ فَيَقْطَعُني، أَمْ إِلىٰ بَعيدٍ

ای خدای من، مرا به که وا می‌گذاری؟: به خویشاوندانی که مرا به خود واگذارند؟، یا به بیگانگانی

فَيَتَجَهَّمُني، أَمْ إِلَى ٱلْمُسْتَضْعِفِينَ لي وَ أَنْتَ رَبّي وَ مَليكُ
که با من برآشوبند؟ و یا به آنان که مرا ناتوان شمارند؟ در حالی که تو پروردگار و مالک

أَمْري، أَشْكُو إِلَيْکَ غُرْبَتي وَ بُعْدَ داري وَ هَواني عَلىٰ مَنْ
سرنوشت منی. به تو شکایت می‌کنم از غربت خواری و دوری وطن خود و خواری در برابر آنکه

مَلَّكْتَهُ أَمْري. إِلٰهي فَلا تُحْلِلْ عَلَيَّ غَضَبَكَ فَإِنْ لَمْ تَكُنْ
سرنوشت مرا بدو محول داشتی. پس ای خدا، بر من خشم مگیر و اگر از

غَضِبْتَ عَلَيَّ فَلا أُبالي سِواكَ سُبْحانَكَ، غَيْرَ أَنَّ عافِيَتَكَ
خشم تو دور باشم، دیگر مرا از کسی باک نیست ـ ای خدای سبحان زیرا لطف تو وسیع‌تر

أَوْسَعُ لي، فَأَسْئَلُكَ يا رَبِّ بِنُورِ وَجْهِكَ ٱلَّذي أَشْرَقَتْ لَهُ
از قهر توست. پس، از تو می‌خواهم، به پرتو وجودت ـ که

ٱلْأَرْضُ وَ ٱلسَّمٰواتُ وَ كُشِفَتْ بِهِ ٱلظُّلُماتُ وَ صَلَحَ بِهِ أَمْرُ
زمین و آسمانها را روشن ساخته و تاریکی را از میان برده و اصلاح امر

ٱلْأَوَّلينَ وَ ٱلْآخِرينَ، أَنْ لا تُميتَني عَلىٰ غَضَبِكَ وَ لا تُنْزِلَ بي
اول و آخر بدو وابسته است مرا آنگاه که بر من خشم‌گرفته‌ای، نمیرانی و خشم خود بر من

سَخَطَكَ، لَكَ ٱلْعُتْبىٰ حَتّٰى تَرْضىٰ قَبْلَ ذٰلِكَ، لا إِلٰهَ إِلّا أَنْتَ
فرود نیاوری که تو می‌توانی‌به لطف بازآیی و از من خشنود گردی. پروردگاری جز تو نیست:

رَبَّ ٱلْبَلَدِ ٱلْحَرامِ وَ ٱلْمَشْعَرِ ٱلْحَرامِ وَ ٱلْبَيْتِ ٱلْعَتيقِ ٱلَّذي
خدای مکه، و مشعرالحرام، و کعبه‌ای که برکت

أَحْلَلْتَهُ ٱلْبَرَكَةَ وَ جَعَلْتَهُ لِلنّاسِ أَمْناً. يا مَنْ عَفا عَنْ عَظيمِ
از آن فرود آمد و تو آنجا را مقام امن برای مردم قرار دادی. ای کسی که از گناهان بزرگ

اَلذُّنُوبَ بِحِلْمِهِ، يا مَنْ أَسْبَغَ النَّعْماءَ بِفَضْلِهِ، يا مَنْ أَعْطَى
با بردباری گذشتی و نعمتت را با بزرگواری بر مردمان تمام کردی، ای کسی که بخششهای

اَلْجَزيلَ بِكَرَمِهِ، يا عُدَّتي في شِدَّتي، يا صاحِبي في
بزرگ به کرم خود فرمودی، ای پشتوانهٔ روز سختی و ای همدم من در

وَحْدَتي، يا غِياثي في كُرْبَتي، يا وَلِيّي في نِعْمَتي، يا إِلٰهي
تنهایی و ای فریادرس من هنگام بدبختی و ای ولی‌نعمت من، ای خدای من

وَ إِلٰهَ اٰبائي إِبْراهيمَ وَ إِسْمٰعيلَ وَ إِسْحٰقَ وَ يَعْقُوبَ، وَ رَبَّ
و خدای پدرانم، ابراهیم، و اسماعیل، و اسحق، و یعقوب و ای پروردگار

جَبْرَئيلَ وَ ميكائيلَ وَ إِسْرافيلَ، وَ رَبَّ مُحَمَّدٍ خاتِمِ النَّبِيّينَ
جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و پروردگار محمد خاتَم پیامبران

وَ اٰلِهِ الْمُنْتَجَبينَ وَ مُنْزِلَ التَّوْرٰيةِ وَ الْإِنْجيلِ وَ الزَّبُورِ
و خاندان برگزیده‌اش، ای فرودآورندهٔ تورات، و انجیل، و زبور

وَ الْفُرْقانِ، وَ مُنْزِلَ كهيعص وَ طٰهٰ وَ يٰس وَ الْقُرْاٰنِ الْحَكيمِ،
و قرآن و فرود آورندهٔ کهیعص، و طه، و یس و قرآن حکیم،

أَنْتَ كَهْفي حينَ تُعْيينِيَ الْمَذاهِبُ في سَعَتِها وَ تَضيقُ بِيَ
تو پناه منی؛ هرگاه راه و رسم زندگی با همهٔ وسعت بر من دشوار شوند

اَلْأَرْضُ بِرُحْبِها وَ لَوْلا رَحْمَتُكَ لَكُنْتُ مِنَ الْهالِكينَ، وَ أَنْتَ
و فراخنای زمین بر من تنگ گردد. و اگر رحمت تو شامل حالم نبود، از هلاک‌شدگان بودم. تو

مُقيلُ عَثْرَتي وَ لَوْلا سَتْرُكَ إِيّايَ لَكُنْتُ مِنَ الْمَفْضُوحينَ،
مرا از لغزش باز می‌گردانی. و اگر پرده‌پوشی تو نبود من از رسوایان بودم.

وَ أَنْتَ مُؤَيِّدي بِالنَّصْرِ عَلىٰ أَعْدآئي وَلَوْلا نَصْرُكَ إِيّايَ لَكُنْتُ
تو با یاریهایت مرا بر دشمنانم پیروزی می‌بخشی که اگر یاری تو نبود من

مِنَ الْمَغْلوبينَ، يا مَنْ خَصَّ نَفْسَهُ بِالسُّمُوِّ وَ الرِّفْعَةِ فَأَوْلِيآئُهُ
شکست می‌خوردم. ای کسی که بزرگی و برتری را به خویش اختصاص دادی و دوستانت

بِعِزِّهِ يَعْتَزُّونَ، يا مَنْ جَعَلَتْ لَهُ الْمُلُوكُ نيرَ الْمَذَلَّةِ عَلىٰ
با عزت تو عزیز می‌شوند، ای آنکه پادشاهان را طوق مذلت بر

أَعْناقِهِمْ فَهُمْ مِنْ سَطَواتِهِ خائِفُونَ، يَعْلَمُ خائِنَةَ الْأَعْيُنِ
گردن افکندی و آنان از مهابت تو در هراسند. ای که خیانت چشمها را می‌دانی.

وَ ما تُخْفِي الصُّدُورُ وَ غَيْبَ ما تَأْتي بِهِ الْأَزْمِنَةُ وَ الدُّهُورُ،
و میدانی آنچه در سینه‌ها مخفی است و آنچه در زمانها و عصرهای آینده خواهد آمد.

يا مَنْ لا يَعْلَمُ كَيْفَ هُوَ إِلّا هُوَ، يا مَنْ لا يَعْلَمُ ما هُوَ إِلّا هُوَ،
ای که جز تو کسی نمی‌داند که چگونه‌ای و ای که جز تو کسی نمی‌داند که چیستی.

يا مَنْ كَبَسَ الْأَرْضَ عَلَى الْماءِ وَ سَدَّ الْهَواءَ بِالسَّماءِ، يا مَنْ
ای کسی که زمین را در آب فرو بردی و هوا را بر آسمان بستی، ای آنکه تو را

لَهُ أَكْرَمُ الْأَسْماءِ، يا ذَاالْمَعْرُوفِ الَّذي لا يَنْقَطِعُ أَبَداً،
گرامی‌ترین نامهاست، ای بخشنده، ای که هرگز عطای تو پایان نپذیرد،

يا مُقَيِّضَ الرَّكْبِ لِيُوسُفَ فِي الْبَلَدِ الْقَفْرِ وَ مُخْرِجَهُ مِنَ الْجُبِّ
ای آنکه کاروان را در صحرا نگهداشتی تا یوسف را از چاه رهایی دهند

وَ جاعِلَهُ بَعْدَ الْعُبُودِيَّةِ مَلِكاً، يا رادَّهُ عَلىٰ يَعْقُوبَ بَعْدَ أَنِ
و او را پس از بندگی به اوج پادشاهی رساندی و سپس به یعقوبش بازگرداندی ـ پس از آنکه

اَبْيَضَّتْ عَيْناهُ مِنَ الْحُزْنِ فَهُوَ كَظيمٌ، يا كاشِفَ الضُّرِّ وَالْبَلْوىٰ

دو چشم یعقوب از اندوه سپید شد و اندوه دل پنهان می‌داشت، ای نابود سازندهٔ غم و رنج

عَنْ أَيُّوبَ، يا مُمْسِكَ يَدَيْ إِبْراهيمَ عَنْ ذَبْحِ ابْنِهِ بَعْدَ كِبَرِ

ایوب و نگهدارندهٔ دو دست ابراهیم از ذبح فرزندش ـ پس‌از پیریَ و در روزهای پایان

سِنِّهِ وَ فَناءِ عُمْرِهِ، يا مَنِ اسْتَجابَ لِزَكَرِيّا فَوَهَبَ لَهُ يَحْيىٰ

عمر او، ای آنکه‌دعای زکریا را استجابت‌کردی و یحیی را به او دادی.

وَلَمْ يَدَعْهُ فَرْداً وَحيداً، يا مَنْ أَخْرَجَ يُونُسَ مِنْ بَطْنِ الْحُوتِ،

و او را تنهاو بی‌کس نگذاشتی،ای آنکه یونس را از شکم ماهی خارج ساختی

يا مَنْ فَلَقَ الْبَحْرَ لِبَني إِسْرائيلَ فَأَنْجاهُمْ وَ جَعَلَ فِرْعَوْنَ

و دریا رابرای بنی‌اسرائیل شکافتیو آنان را نجات دادیدر حالیکه فرعون

وَ جُنُودَهُ مِنَ الْمُغْرَقينَ، يا مَنْ أَرْسَلَ الرِّياحَ مُبَشِّراتٍ بَيْنَ

و لشکرش غرق شدند، ای کسی که بادها را پیام‌آور باران رحمتت

يَدَيْ رَحْمَتِهِ، يا مَنْ لَمْ يَعْجَلْ عَلىٰ مَنْ عَصاهُ مِنْ خَلْقِهِ،

قرار دادی و در مجازات گناهکاران شتاب نکردی

يا مَنِ اسْتَنْقَذَ السَّحَرَةَ مِنْ بَعْدِ طُولِ الْجُحُودِ وَ قَدْ غَدَوْا في

ای کسی که جادوگران را پس از مدتها کفر و الحاد، هدایت نمودی و حال آنکه آنان پیوسته

نِعْمَتِهِ يَأْكُلُونَ رِزْقَهُ وَ يَعْبُدُونَ غَيْرَهُ وَ قَدْ حادُّوهُ وَ نادُّوهُ

از نعمتت بهره‌مند بودند ولی غیر تو را می‌پرستیدند و با تو دشمنی و مخالفت می‌کردند

وَ كَذَّبُوا رُسُلَهُ، يا اَللهُ يا اَللهُ يا بَديءُ، يا بَديعاً لا نِدَّ لَكَ،

و پیامبران را انکار می‌کردند، ای خدا، ای خدا، ای آفریننده ای که مانندی نداری،

يٰا دٰائِماً لاٰ نَفٰادَ لَكَ، يٰا حَيّاً حينَ لاٰ حَيَّ، يٰا مُحْيِيَ الْمَوْتىٰ،

ای وجود دائم ابدی که فناناپذیری، ای زندهٔ ازلی ـ آنگاه که هیچ زنده‌ای نبود ، ای زنده کنندهٔ مردگان

يٰا مَنْ هُوَ قٰائِمٌ عَلىٰ كُلِّ نَفْسٍ بِمٰا كَسَبَتْ،يٰا مَنْ قَلَّ لَهُ شُكْري

و ای که به هر کس آن دهی که انجام داده است، ای آنکه سپاس تو کم گفتم

فَلَمْ يَحْرِمْني وَ عَظُمَتْ خَطيئَتي فَلَمْ يَفْضَحْني وَ رٰاني عَلَى

ولی محرومم نکردی و گناهانم بزرگ بود ولی رسوایم نساختی و مرا در حال

الْمَعٰاصي فَلَمْ يَشْهَرْني، يٰا مَنْ حَفِظَني في صِغَري، يٰا مَنْ

گناه دیدی و بی‌آبرویم نخواستی، ای آنکه در کودکی نگاهم داشتی و در بزرگی

رَزَقَني في كِبَري، يٰا مَنْ أَيٰاديهِ عِنْدي لاٰ تُحْصىٰ، وَ نِعَمُهُ

و پیری روزیم بخشیدی، ای آنکه بخششهایت نزد من شمارش نشود و نعمتهایت را

لاٰ تُجٰازىٰ، يٰا مَنْ عٰارَضَني بِالْخَيْرِ وَ الْإِحْسٰانِ، وَ عٰارَضْتُهُ

سپاس نتوان گفت، ای آنکه با من به نیکی رفتار کردی و من بدی

بِالْإِسٰاءَةِ وَالْعِصْيٰانِ، يٰا مَنْ هَدٰاني لِلْإيمٰانِ مِنْ قَبْلِ أَنْ أَعْرِفَ

و گناه کردم، ای آنکه مرا به ایمان هدایت کردی، پیش از آنکه

شُكْرَ الْاِمْتِنٰانِ،يٰا مَنْ دَعَوْتُهُ مَريضاً فَشَفٰاني وَ عُرْيٰاناً فَكَسٰاني

شکر نعمتت را بشناسم، ای آنکه تو را هنگام بیماری خواندم و مرا شفا بخشیدی، در برهنگی خواندم و مرا پوشاندی،

وَ جٰائِعاً فَأَشْبَعَني وَ عَطْشٰاناً فَأَرْوٰاني وَ ذَليلاً فَأَعَزَّني وَجٰاهِلاً

در گرسنگی سیرم ساختی، در تشنگی سیرابم ساختی، در ذلت عزیزم داشتی و در نادانی

فَعَرَّفَني وَ وَحيداً فَكَثَّرَني وَ غٰائِباً فَرَدَّني وَ مُقِلّاً فَأَغْنٰاني

دانائیم بخشودی، و در تنهایی جمعیتم دادی، و در آوارگی مرا بازگرداندی و در بینوائی، توانگرم کردی

وَ مُنْتَصِراً فَنَصَرَنی وَ غَنِیّاً فَلَمْ یَسْلُبْنی وَ أَمْسَکْتُ عَنْ جَمیعِ

یاری طلبیدم و پیروزم نمودی، توانگر بودم و ثروتم را نابود نکردی، از همهٔ این نعمتها دم فرو بستم

ذٰلِکَ فَابْتَدَأَنی، فَلَکَ الْحَمْدُ وَ الشُّکْرُ یٰا مَنْ أَقٰالَ عَثْرَتی

تو احسان خود آغاز کردی، پس تو را ستایش و سپاس؛ ای کسی که از لغزشهایم گذشتی

وَ نَفَّسَ کُرْبَتی وَ أَجٰابَ دَعْوَتی وَ سَتَرَ عَوْرَتی وَ غَفَرَ ذُنُوبی

و از اندوهم کاستی و دعوتم را پاسخ دادی و برهنگیم را پوشاندی و گناهم را بخشودی

وَ بَلَّغَنی طَلِبَتی وَ نَصَرَنی عَلیٰ عَدُوّی وَ إِنْ أَعُدَّ نِعَمَکَ

و مرا به آنچه می‌خواستم رساندی و بر دشمن پیروز گردانیدی. نعمت

وَ مِنَنَکَ وَ کَرٰائِمَ مِنَحِکَ لاٰ أُحْصیهٰا، یٰا مَوْلاٰیَ أَنْتَ الَّذی

و بخشایش و بزرگواری تو را هرگز به حساب نتوان آورد ـ ای مولای من تویی که

مَنَنْتَ، أَنْتَ الَّذی أَنْعَمْتَ، أَنْتَ الَّذی أَحْسَنْتَ، أَنْتَ الَّذی

بخشودی و تویی که نعمت دادی، تویی که احسان کردی، تویی که

أَجْمَلْتَ، أَنْتَ الَّذی أَفْضَلْتَ، أَنْتَ الَّذی أَکْمَلْتَ، أَنْتَ الَّذی

نیکی کردی، تویی که بزرگواری کردی، تویی که لطفت را در حق من کامل کردی، تویی که

رَزَقْتَ، أَنْتَ الَّذی وَفَّقْتَ، أَنْتَ الَّذی أَعْطَیْتَ، أَنْتَ الَّذی

روزی بخشیدی و تویی که توفیق عنایت کردی، تویی که عطا فرمودی، تویی که

أَغْنَیْتَ، أَنْتَ الَّذی أَقْنَیْتَ، أَنْتَ الَّذی اٰوَیْتَ، أَنْتَ الَّذی

بی‌نیازی بخشیدی، تویی که توانگری دادی، تویی که پناه دادی، تویی که

کَفَیْتَ، أَنْتَ الَّذی هَدَیْتَ، أَنْتَ الَّذی عَصَمْتَ، أَنْتَ الَّذی

کارهای بندگان را کفایت کردی، تویی‌که هدایت کردی، تویی که از گناه بازداشتی تویی که

سَتَرْتَ، أَنْتَ ٱلَّذي غَفَرْتَ، أَنْتَ ٱلَّذي أَقَلْتَ، أَنْتَ ٱلَّذي

گناه مردمان را پوشاندی و توبی که آمرزیدی، توبی که عذر گناه را پذیرفتی، توبی که

مَكَّنْتَ، أَنْتَ ٱلَّذي أَعْزَزْتَ، أَنْتَ ٱلَّذي أَعَنْتَ، أَنْتَ ٱلَّذي

جاه‌و جلال بخشیدی،توبی که عزت دادی، توبی که یاری کردی، توبی که

عَضَدْتَ، أَنْتَ ٱلَّذي أَيَّدْتَ، أَنْتَ ٱلَّذي نَصَرْتَ، أَنْتَ ٱلَّذي

کمک کردی، توبی که تأیید کردی، توبی که یاوری کردی، توبی که

شَفَيْتَ، أَنْتَ ٱلَّذي عافَيْتَ، أَنْتَ ٱلَّذي أَكْرَمْتَ، تَبارَكْتَ

بیماران را شفا دادی توبی که سلامت بخشیدی، توبی که کرم فرمودی، تو بزرگوار

وَ تَعالَيْتَ، فَلَكَ ٱلْحَمْدُ دائِماً وَ لَكَ ٱلشُّكْرُ واصِباً أَبَداً،

و بلند مرتبه‌ای؛ پس ستایش‌تو را سزاست،ستایشی دائم و شکر از آن توست شکر ثابت و ابدی

ثُمَّ أَنَا يا إِلٰهي ٱلْمُعْتَرِفُ بِذُنُوبي، فَاغْفِرْها لي، أَنَا ٱلَّذي

اما من ای خدای من به گناه خود اعتراف می‌کنم پس از آن درگذر من آنم که

أَسَأْتُ، أَنَا ٱلَّذي أَخْطَأْتُ، أَنَا ٱلَّذي هَمَمْتُ، أَنَا ٱلَّذي

بدکردم من آنم که خطا کردم من آنم که همّت گماردم، من آنم که

جَهِلْتُ، أَنَا ٱلَّذي غَفَلْتُ، أَنَا ٱلَّذي سَهَوْتُ، أَنَا ٱلَّذِي

نادانی کردم و غافل بودم. من آنم که اشتباه کردم من آنم که

ٱعْتَمَدْتُ، أَنَا ٱلَّذي تَعَمَّدْتُ، أَنَا ٱلَّذي وَعَدْتُ وَ أَنَا ٱلَّذي

خودخواه بودم من آنم که گناه کردم. من آنم که وعده دادم من آنم که

أَخْلَفْتُ، أَنَا ٱلَّذي نَكَثْتُ،أَنَا ٱلَّذي أَقْرَرْتُ، أَنَا ٱلَّذِي ٱعْتَرَفْتُ

خلاف وعده کردم و پیمان شکستم. من همانم که به گناه خود اقرار کردم. من همانم که به

بِنِعْمَتِكَ عَلَيَّ وَ عِنْدي وَ أَبُوءُ بِذُنُوبِي فَاغْفِرْهٰا لي، يٰا مَنْ
نعمتهای تو در حق خود اعتراف کردم و به گناه بازگشتم؛ پس از آن درگذر، ای آنکه

لاٰ تَضُرُّهُ ذُنُوبُ عِبٰادِهِ وَ هُوَ الْغَنِيُّ عَنْ طٰاعَتِهِمْ وَ الْمُوَفِّقُ مَنْ
گناهان بندگانت تو را زیان نرساند و از عبادتشان بی نیازی. و آنانکه نکوکاری

عَمِلَ صٰالِحاً مِنْهُمْ بِمَعُونَتِهِ وَ رَحْمَتِهِ، فَلَكَ الْحَمْدُ إِلٰهي
می‌کنند به رحمت و یاری تو می‌کنند؛ پس تو سزاوار سپاسی - ای خدای من

وَ سَيِّدي، إِلٰهي أَمَرْتَني فَعَصَيْتُكَ وَ نَهَيْتَني فَارْتَكَبْتُ نَهْيَكَ
و سرورم. خدای من - تو مرا به نیکی فرمان دادی و من سرکشی کردم و تو بازداشتی

فَأَصْبَحْتُ لاٰ ذٰا بَرٰائَةٍ لي فَأَعْتَذِرَ وَ لاٰ ذٰا قُوَّةٍ فَأَنْتَصِرَ، فَبِأَيِّ
و من بدی کردم؛ اکنون نه کسی را دارم که عذر خواهم و نه قدرتمندی که از او یاری طلبم؛ پس با

شَيْءٍ أَسْتَقْبِلُكَ يٰا مَوْلاٰيَ، أَبِسَمْعي أَمْ بِبَصَري أَمْ بِلِسٰاني أَمْ
چه چیزی رو بسوی تو آورم؟ آیا با گوش، یا با چشم یا با زبان یا با

بِيَدي أَمْ بِرِجْلي، أَلَيْسَ كُلُّهٰا نِعَمَكَ عِنْدي وَ بِكُلِّهٰا عَصَيْتُكَ،
دست و پای خویش؟ آیا همه اینها نعمتهای تو نیستند؟ و من با همهٔ آنها گناه کرده‌ام؟

يٰا مَوْلاٰيَ فَلَكَ الْحُجَّةُ وَ السَّبيلُ عَلَيَّ، يٰا مَنْ سَتَرَني مِنَ
ای مولای من، پس تو را بر من حجت تمام است و راه چون چرا بسته. ای آنکه گناه مرا

الْآبٰاءِ وَ الْأُمَّهٰاتِ أَنْ يَزْجُرُوني وَ مِنَ الْعَشٰائِرِ وَ الْإِخْوٰانِ أَنْ
از پدران و مادران پنهان داشتی تا آزارم ندهند و هم از خویشان و برادران که مرا

يُعَيِّرُوني وَمِنَ السَّلاٰطينِ أَنْ يُعٰاقِبُوني، وَ لَو اطَّلَعُوا يٰا مَوْلاٰيَ
سرزنش نکنند و از عقوبت پادشاهان نگاهم داشتی؛ و اگر آنان بدانگونه که تو

عَلىٰ مَا اطَّلَعْتَ عَلَيْهِ مِنّي إِذاً مٰا أَنْظَرُوني وَ لَرَفَضُوني
می‌دانی از گناهانم باخبر می‌شدند، مرا از خود می‌راندند و پیوندشان را

وَ قَطَعُوني، فَهٰا أَنَا ذٰا يٰا إِلٰهي بَيْنَ يَدَيْكَ يٰا سَيِّدي خٰاضِعٌ
با من می‌گسستند. پس ای خدای من اکنون در حضورت ای سرورم سرافکنده، خوار

ذَليلٌ حَصيرٌ حَقيرٌ، لاٰ ذُو بَرٰائَةٍ فَأَعْتَذِرَ وَ لاٰ ذُو قُوَّةٍ فَأَنْتَصِرَ
و ذلیل و ناچیز و حقیرم؛ نه بی‌گناهم تا معذرت خواهم و نه نیرو دارم تا رها شوم

وَ لاٰ حُجَّةٍ فَأَحْتَجَّ بِهٰا وَ لاٰ قٰائِلٌ لَمْ أَجْتَرِحْ وَ لَمْ أَعْمَلْ سُوءً
و نه دلیلی که بدان استناد جویم و نه می‌گویم که گناه نکرده‌ام و کار ناپسند انجام نداده‌ام

وَ مٰا عَسَى الْجُحُودُ وَ لَوْ جَحَدْتُ يٰا مَوْلاٰيَ يَنْفَعُني، كَيْفَ
و اگر انکار کنم - ای مولای من آن انکار سودی در برنخواهد داشت؛

وَ أَنّٰى ذٰلِكَ وَ جَوٰارِحي كُلُّهٰا شٰاهِدَةٌ عَلَيَّ بِمٰا قَدْ عَمِلْتُ،
چگونه و کجا می‌توانم انکار کنم زیرا اندامهایم بر گناهانم شهادت دهند

وَ عَلِمْتُ يَقيناً غَيْرَ ذي شَكٍّ أَنَّكَ سٰائِلي مِنْ عَظٰائِمِ الْأُمُورِ،
و به یقین و بی تردید دانم که تو از گناهان بزرگ، از من سؤال خواهی کرد،

وَ إِنَّكَ الْحَكَمُ الْعَدْلُ الَّذي لاٰ تَجُورُ، وَ عَدْلُكَ مُهْلِكي وَ مِنْ
و تو به‌عدالت رفتار خواهی کرد و ستم روا نخواهی داشت؛ و عدل توسبب هلاکم گردد

كُلِّ عَدْلِكَ مَهْرَبي، فَإِنْ تُعَذِّبْني يٰا إِلٰهي فَبِذُنُوبي بَعْدَ حُجَّتِكَ
و از عدل تو (به‌بزرگواریت) می‌گریزم. اگر عذابم‌دهی به سبب گناه من است پس از حجت تو

عَلَيَّ وَ إِنْ تَعْفُ عَنّي فَبِحِلْمِكَ وَ جُودِكَ وَ كَرَمِكَ، لاٰ إِلٰهَ
بر من و اگر ببخشایی بنابر حلم و جود و کرم توست. جز تو

إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ ٱلظَّالِمِينَ، لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ

خدایی نیست؛ ذات تو منزهست و من از ستمکارانم. جز تو خدایی نیست؛

سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتَ مِنَ ٱلْمُسْتَغْفِرِينَ، لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ

ذات تو منزه است و من از آمرزش خواهانم. جز تو خدایی نیست؛ ذات تو منزهست

إِنِّي كُنْتُ مِنَ ٱلْمُوَحِّدِينَ، لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ

و من از یکتاپرستانم. جز تو خدایی نیست؛ ذات تو منزهست و من از

مِنَ ٱلْخَائِفِينَ، لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ ٱلْوَجِلِينَ،

هراساناکانم. جز تو خدایی نیست؛ ذات تو منزهست و من از وحشتزدگانم.

لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ ٱلرَّاجِينَ، لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ

جز تو خدایی نیست؛ ذات تو منزهست و من از امیدوارانم. جز تو خدای نیست؛

سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ ٱلرَّاغِبِينَ، لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي

ذات تو منزهست و من از مشتاقانم. جز تو خدایی نیست؛ ذات تو منزهست و من از

كُنْتُ مِنَ ٱلْمُهَلِّلِينَ، لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ

لا اله الا الله گویانم. جز تو خدایی نیست؛ ذات تو منزهست من از

ٱلسَّائِلِينَ، لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ ٱلْمُسَبِّحِينَ،

خواهندگانم. جز تو خدایی نیست؛ ذات تو منزهست و من از تسبیح‌گویانم.

لَاإِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ ٱلْمُكَبِّرِينَ، لَاإِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ

جز تو خدایی نیست؛ ذات تو منزهست و من از تکبیر گویانم. جز تو خدایی نیست؛

سُبْحَانَكَ رَبِّي وَرَبُّ آبَائِيَ ٱلْأَوَّلِينَ. اَللّٰهُمَّ هٰذَا ثَنَائِي عَلَيْكَ

ذات تو منزهست، ای پروردگار من و پروردگار پداران پیشین من. خداوندا، اینست ستایش من بر

مُمَجِّداً وَ إِخْلاصي لِذِكْرِكَ مُوَحِّداً وَ إِقْراري بِآلائِكَ مُعَدِّداً،

عزت تو و اخلاص من در یادآوری یکتایی تو و اقرار من به شمارش نعمتهای تو؛

وَ إِنْ كُنْتُ مُقِرّاً أَنّي لَمْ أُحْصِها لِكَثْرَتِها وَ سُبُوغِها وَ تَظاهُرِها

و گرچه اقرار می‌کنم اما توان شمردن آنها را ندارم. چون فراوان و متنوع و آشکارند.

وَ تَقادُمِها إِلىٰ حادِثٍ ما لَمْ تَزَلْ تَتَعَهَّدُني بِهِ مَعَها مُنْذُ

این نعمتها بر وجود من سبقت داشته و پیوسته مرا مشمول آن فرموده‌ای از زمانی که

خَلَقْتَني وَ بَرَأْتَني مِنْ أَوَّلِ الْعُمْرِ، مِنَ الْإِغْناءِ مِنَ الْفَقْرِ،

مرا آفریدی و از نخستین روز عمرم نیازمندیم را به بی‌نیازی

وَ كَشْفِ الضُّرِّ وَ تَسْبيبِ الْيُسْرِ وَدَفْعِ الْعُسْرِ وَتَفْريجِ الْكَرْبِ

و زیانم را به سود و دشواریم را به آسانی و اندوهم را به شادی، مبدل ساختی

وَ الْعافِيَةِ فِي الْبَدَنِ وَ السَّلامَةِ فِي الدّينِ، وَ لَوْ رَفَدَني عَلىٰ

و عافیت تن و سلامت دین بخشیدی. اگر به خاطر سپاس

قَدْرِ ذِكْرِ نِعْمَتِكَ جَميعُ الْعالَمينَ مِنَ الْأَوَّلينَ وَ الْآخِرينَ

نعمتهای تو، خلق اولین و آخرین مرا یاری دهند،

ما قَدَرْتُ وَ لا هُمْ عَلىٰ ذٰلِكَ، تَقَدَّسْتَ وَ تَعالَيْتَ مِنْ رَبٍّ

نه من می‌توانم شکر نعمتت را بجا آورم و نه آنان می‌توانند. تو برتر و بالاتری، ای پروردگار

كَريمٍ عَظيمٍ رَحيمٍ، لا تُحْصىٰ آلاؤُكَ وَ لا يُبْلَغُ ثَناؤُكَ

کریم بزرگ و مهربان. نعمتهایت به شمار نیاید و به ستایش تو نرسند

وَ لا تُكافىٰ نَعْماؤُكَ، صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ أَتْمِمْ

نعمت‌های تو پاداش ندارد. بر محمد و خاندان او صلوات فرست و نعمتهایت را

عَلَيْنا نِعَمَكَ، وَ أَسْعِدْنا بِطاعَتِكَ، سُبْحانَكَ لا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ.

بر ما تمام کن و ما را در عبادتت یاری فرمای؛ ای ذات منزه، جز تو خدایی نیست.

اَللّٰهُمَّ إِنَّكَ تُجيبُ الْمُضْطَرَّ وَ تَكْشِفُ السُّوءَ وَ تُغيثُ

خداوندا، تو درمانده را پاسخ‌گویی و درد و رنج را برطرف گردانی؛ مصیبت دیده را

الْمَكْرُوبَ وَ تَشْفِي السَّقيمَ وَ تُغْنِي الْفَقيرَ وَ تَجْبُرُ الْكَسيرَ

فریادرسی و بیمار را شفا بخشی؛ تهی‌دست را بی‌نیازی دهی و دلشکسته را دلجویی کنی؛

وَ تَرْحَمُ الصَّغيرَ وَ تُعينُ الْكَبيرَ وَ لَيْسَ دُونَكَ ظَهيرٌ وَ لا فَوْقَكَ

بر کودک مهرورزی و بزرگسال را مددکاری. جز تو یاوری نیست و برتر از تو

قَديرٌ وَ أَنْتَ الْعَلِيُّ الْكَبيرُ، يا مُطْلِقَ الْمُكَبَّلِ الْأَسيرِ، يا رازِقَ

توانایی نیست و تو بزرگ و بلند مرتبه‌ای. ای آزادکنندهٔ اسیر گرفتار و ای روزی دهندهٔ

الطِّفْلِ الصَّغيرِ، يا عِصْمَةَ الْخائِفِ الْمُسْتَجيرِ، يا مَنْ

طفل خردسال و ای پناهگاه پناهندهٔ هراسان. ای که تو را

لا شَريكَ لَهُ وَ لا وَزيرَ، صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ،

شریکی و یاوری نیست، بر محمد و خاندان او صلوات فرست

وَ أَعْطِني في هٰذِهِ الْعَشِيَّةِ أَفْضَلَ ما أَعْطَيْتَ وَ أَنَلْتَ أَحَداً

و در این شامگاه[۲] بهترین نعمتهایی را که به بندگان عطا می‌کنی، بر من ارزانی دار

مِنْ عِبادِكَ مِنْ نِعْمَةٍ تُوليها وَ آلاءٍ تُجَدِّدُها وَ بَلِيَّةٍ تَصْرِفُها

از نعمتهایی که می‌بخشی و عطایای که نو به نو می‌دهی و بلاهایی که برطرف می‌سازی

وَ كُرْبَةٍ تَكْشِفُها وَ دَعْوَةٍ تَسْمَعُها وَ حَسَنَةٍ تَتَقَبَّلُها وَ سَيِّئَةٍ

و اندوهی که به شادمانی بدل می‌کنی و دعایی که می‌شنوی و عمل نیکی که می‌پذیری و کار زشتی

تَتَغَمَّدُها، إِنَّكَ لَطيفٌ بِما تَشاءُ خَبيرٌ وَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَديرٌ.

که می‌پوشانی. تو لطیف و به هر چه خواهی آگاه و بر همه چیز توانایی.

اَللّٰهُمَّ إِنَّكَ أَقْرَبُ مَنْ دُعِيَ وَ أَسْرَعُ مَنْ أَجابَ وَ أَكْرَمُ مَنْ

خداوندا، تو نزدیکترین کسی که خوانده شوی و زودتر از هر کس اجابت می‌کنی. از هر کریمی

عَفىٰ وَ أَوْسَعُ مَنْ أَعْطىٰ وَ أَسْمَعُ مَنْ سُئِلَ، يا رَحْمٰنَ الدُّنْيا

بخشنده‌تر و از هر بخشنده‌ای بخشنده‌تر و از همه شنواتری. ای بخشاینده در دنیا

وَ الْآخِرَةِ وَ رَحيمَهُما، لَيْسَ كَمِثْلِكَ مَسْئُولٌ وَ لا سِواكَ

و آخرت و مهربانترین دنیا و آخرت تو بی‌مانندی؛ جز تو

مَأْمُولٌ، دَعَوْتُكَ فَأَجَبْتَني، وَ سَئَلْتُكَ فَأَعْطَيْتَني، وَ رَغِبْتُ

آرزویی ندارم دعا کردم، اجابت کردی و از تو خواستم، برآوردی؛ رو به تو آوردم،

إِلَيْكَ فَرَحِمْتَني، وَ وَثِقْتُ بِكَ فَنَجَّيْتَني، وَ فَزِعْتُ إِلَيْكَ

به مهربانی پذیرفتی؛ بتو اطمینان کردم، مرا نجات دادی. و هراسان بسویت آمدم

فَكَفَيْتَني. اَللّٰهُمَّ فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَ رَسُولِكَ وَ نَبِيِّكَ

و کفایت فرمودی. خداوندا، پس بر محمد بنده و پیامبر و فرستاده‌ات صلوات فرست

وَ عَلىٰ آلِهِ الطَّيِّبينَ الطّاهِرينَ أَجْمَعينَ، وَ تَمِّمْ لَنا نَعْماءَكَ،

و بر همه خاندان پاک و طاهر او؛ نعمتهایت را بر ما تمام کن

وَ هَنِّئْنا عَطاءَكَ، وَ اكْتُبْنا لَكَ شاكِرينَ، وَ لِآلائِكَ ذاكِرينَ،

و بخششهایت را در کام ما گوارا ساز و ما را از شکرگزاران و یادآوران نعمتت قرار ده؛

آمينَ آمينَ رَبَّ الْعالَمينَ. اَللّٰهُمَّ يا مَنْ مَلَكَ فَقَدَرَ وَ قَدَرَ فَقَهَرَ

آمین، آمین، ای پروردگار دو جهان. خداوندا، ای آنکه فرمانروا و توانایی، قادر و قاهری،

وَ عُصِيَ فَسَتَرَ وَ اسْتُغْفِرَ فَغَفَرَ، يا غايَةَ الطَّالِبِينَ الرّاغِبِينَ

گناه مخلوق را پوشنده و طلب آمرزش او را پذیرنده‌ای، ای غایت آرزوی مشتاقان

وَ مُنْتَهىٰ أَمَلِ الرّاجِينَ، يا مَنْ أَحاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْماً وَ وَسِعَ

و منتهای امید امیدواران، ای آنکه دانائیت همه چیز را فراگرفته است

الْمُسْتَقِيلِينَ رَأْفَةً وَ رَحْمَةً وَ حِلْماً، اَللّٰهُمَّ إِنّا نَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ

و عطوفت و رحمت و بردباری تو بر عذرخواهان گسترده است. خداوندا ما به تو روی آورده‌ایم

فِي هٰذِهِ الْعَشِيَّةِ الَّتِي شَرَّفْتَها وَ عَظَّمْتَها بِمُحَمَّدٍ نَبِيِّكَ

در این شامگاه که آنرا شرف و بزرگی بخشیدی، به حق محمد پیامبرت

وَ رَسُولِكَ وَخِيَرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ وَأَمِينِكَ عَلىٰ وَحْيِكَ الْبَشِيرِ

و فرستاده‌ات و بهترین آفریدگانت و امین وحی و بشارت‌دهنده

النَّذِيرِ السِّراجِ الْمُنِيرِ الَّذِي أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَى الْمُسْلِمِينَ

و بیم‌دهنده و چراغ روشن هدایت ـ که با وجود او مسلمین را نعمت بخشیدی

وَ جَعَلْتَهُ رَحْمَةً لِلْعالَمِينَ. اَللّٰهُمَّ فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ،

و او را رحمت دو جهان قرار دادی خداوندا، پس بر محمد و خاندانش صلوات فرست

كَما مُحَمَّدٌ أَهْلٌ لِذٰلِكَ مِنْكَ يا عَظِيمُ، فَصَلِّ عَلَيْهِ وَ عَلىٰ آلِهِ

چنان که او سزاوار صلوات توست. ای بزرگوار پس صلوات فرست بر او و خاندان

الْمُنْتَجَبِينَ الطَّيِّبِينَ الطّاهِرِينَ أَجْمَعِينَ، وَ تَغَمَّدْنا بِعَفْوِكَ

برگزیده و پاکیزه‌اش. و ما را در عفو خود

عَنّا، فَإِلَيْكَ عَجَّتِ الْأَصْواتُ بِصُنُوفِ اللُّغاتِ، فَاجْعَلْ لَنا اللّٰهُمَّ

بپوشان. به هر زبانی که فریادی بسوی تو بلند است. پس خداوندا، در این

فِي هٰذِهِ ٱلْعَشِيَّةِ نَصِيباً مِنْ كُلِّ خَيْرٍ تَقْسِمُهُ بَيْنَ عِبادِكَ، وَ نُورٍ
شامگاه ما را از نیکی نصیبی ده؛ از آن نیکیها که بین بندگانت قسمت می‌کنی و از نوری

تَهْدِي بِهِ، وَ رَحْمَةٍ تَنْشُرُها، وَ بَرَكَةٍ تُنْزِلُها، وَ عافِيَةٍ تُجَلِّلُها،
که هدایت می‌کنی و رحمتی که به هر سو می‌پراکنی و لباس عافیتی که می‌پوشانی و برکتی که نازل می‌کنی

وَ رِزْقٍ تَبْسُطُهُ، يا أَرْحَمَ ٱلرّاحِمِينَ. اَللّٰهُمَّ أَقْلِبْنا فِي هٰذَا
و رزق‌و روزی که همه را می‌بخشایی؛ ای مهربان‌ترین مهربانان. خداوندا،ما را در این

ٱلْوَقْتِ مُنْجِحِينَ مُفْلِحِينَ مَبْرُورِينَ غانِمِينَ، وَ لا تَجْعَلْنا مِنَ
هنگام رستگار، پیروز و بهره‌مند گردان و در زمرهٔ نومیدان

ٱلْقانِطِينَ، وَ لا تُخْلِنا مِنْ رَحْمَتِكَ، وَ لا تَحْرِمْنا ما نُؤَمِّلُهُ مِنْ
قرار مده و از رحمتت‌بی‌بهره مکن. مارا از آنچه‌از بزرگواری تو آرزو داریم

فَضْلِكَ، وَ لا تَجْعَلْنا مِنْ رَحْمَتِكَ مَحْرُومِينَ، وَ لا لِفَضْلِ ما
محروم مگردان و از رحمتت بی‌نصیب مساز و در حق ما آن بزرگواری

نُؤَمِّلُهُ مِنْ عَطائِكَ قانِطِينَ، وَ لا تَرُدَّنا خائِبِينَ، وَ لا مِنْ بابِكَ
را که از کرامت تو امید داریم، ناامید مفرما. و ما رااز نزد خود مأیوس و از درگاهت

مَطْرُودِينَ، يا أَجْوَدَ ٱلْأَجْوَدِينَ وَ أَكْرَمَ ٱلْأَكْرَمِينَ، إِلَيْكَ أَقْبَلْنا
رانده مگردان ای بخشنده‌ترین بخشندگان و بزرگوارترین بزرگواران، با اعتقاد به تو

مُوقِنِينَ، وَ لِبَيْتِكَ ٱلْحَرامِ آمِّينَ قاصِدِينَ، فَأَعِنّا عَلىٰ مَناسِكِنا،
رو آوردیم‌و آهنگ و قصد بیت‌الحرام کردیم؛ پس ما را بر انجام مناسک حج یاری فرما

وَ أَكْمِلْ لَنا حَجَّنا، وَ ٱعْفُ عَنّا، وَ عافِنا، فَقَدْ مَدَدْنا إِلَيْكَ
و حجمان‌را کامل‌گردان‌و ما را مشمول عفو قرار ده‌که دست نیاز بسوی تو

أَيْدِيَنٰا، فَهِيَ بِذِلَّةِ ٱلاِعْتِرٰافِ مَوْسُومَةٌ. ٱللّٰهُمَّ فَأَعْطِنٰا فِى هٰذِهِ

دراز کردیم و با خواری به گناه خود اعتراف‌می‌کنیم. خداوندا، در این شامگاه بر ما ببخشای.

ٱلْعَشِيَّةِ مٰا سَئَلْنٰاكَ، وَ ٱكْفِنٰا مٰا ٱسْتَكْفَيْنٰاكَ، فَلاٰ كٰافِيَ لَنٰا سِوٰاكَ

آنچه راکه از تو خواسته‌ایم و آنچه ازتو انجام آنرا طلب‌کردیم به‌کرمت کفایت کن که کفایت کننده‌ای جز تو نداریم

وَ لاٰ رَبَّ لَنٰا غَيْرُكَ، نٰافِذٌ فِينٰا حُكْمُكَ، مُحِيطٌ بِنٰا عِلْمُكَ،

و پروردگاری جزتو نمی‌شناسیم؛ فرمان‌تو دربارهٔ ما نافذ است و علم توبر ما احاطه دارد

عَدْلٌ فِينٰا قَضٰاؤُكَ، ٱقْضِ لَنَا ٱلْخَيْرَ وَ ٱجْعَلْنٰا مِنْ أَهْلِ ٱلْخَيْرِ.

و داوری‌تو در حق‌ما عدالت است. در حق ما خیر عنایت کن و ما را از نیکان قرار ده.

ٱللّٰهُمَّ أَوْجِبْ لَنٰا بِجُودِكَ عَظِيمَ ٱلْأَجْرِ وَ كَرِيمَ ٱلذُّخْرِ وَ دَوٰامَ

خداوندا، به کرم و بخشش خویش، ما را پاداش بزرگ عطا فرما و اندوخته‌ای نیکو و آسایش

ٱلْيُسْرِ، وَ ٱغْفِرْ لَنٰا ذُنُوبَنٰا أَجْمَعِينَ، وَ لاٰ تُهْلِكْنٰا مَعَ ٱلْهٰالِكِينَ،

دائم عنایت کن. همهٔ گناهانمان را ببخش و ما را با مستحقان عذاب و هلاک، هلاک مفرما

وَ لاٰ تَصْرِفْ عَنّٰا رَأْفَتَكَ وَ رَحْمَتَكَ، يٰا أَرْحَمَ ٱلرّٰاحِمِينَ.

و رحمت و عطوفتت را از ما بازمگیر، ای مهربان‌ترین مهربانان.

ٱللّٰهُمَّ ٱجْعَلْنٰا فِي هٰذَا ٱلْوَقْتِ مِمَّنْ سَئَلَكَ فَأَعْطَيْتَهُ وَ شَكَرَكَ

خداوندا، در این هنگام، ما را از آنان به حساب آور که از تو درخواست کردند پس عطا کردی و شکر کردند،

فَزِدْتَهُ وَ تٰابَ إِلَيْكَ فَقَبِلْتَهُ وَ تَنَصَّلَ إِلَيْكَ مِنْ ذُنُوبِهِ كُلِّهٰا

پس بر نعمت افزودی و به درگاهت توبه کردند، و قبول کردی و از هر گناه بیزاری جستند،

فَغَفَرْتَهٰا لَهُ، يٰا ذَا ٱلْجَلاٰلِ وَ ٱلْإِكْرٰامِ. ٱللّٰهُمَّ وَفِّقْنٰا وَ سَدِّدْنٰا

همه را بخشودی. ای بزرگوار بلندمرتبه، ای خداوند، مرا موفق بدار و توانا گردان

وَ اقْبَلْ تَضَرُّعَنا، يا خَيْرَ مَنْ سُئِلَ، وَ يا أَرْحَمَ مَنِ اسْتُرْحِمَ،

و زاری ما را بپذیر: ای بهترین کسی که از او خواهند و مهربان‌ترین کسی که بدو پناه جویند:

يا مَنْ لا يَخْفى عَلَيْهِ إِغْماضُ الْجُفُونِ وَ لا لَحْظُ الْعُيُونِ

ای خدایی که حرکت مژگانها و نگاه گوشهٔ چشمها بر تو پوشیده نیست؛

وَ لا مَا اسْتَقَرَّ فِي الْمَكْنُونِ وَ لا مَا انْطَوَتْ عَلَيْهِ مُضْمَراتُ

و آنچه در ضمیر پنهانست و آنچه در لابلای دلها پوشیده است

الْقُلُوبِ، أَلا كُلُّ ذٰلِكَ قَدْ أَحْصاهُ عِلْمُكَ وَ وَسِعَهُ حِلْمُكَ،

همه را علم تو فرا گرفته و بردباریت گسترش بخشیده.

سُبْحانَكَ وَ تَعالَيْتَ عَمّا يَقُولُ الظّالِمُونَ عُلُوّاً كَبيراً، تُسَبِّحُ لَكَ

تو پاک و منزهی و از آنچه ستمگران دربارهٔ تو گویند برتر و بالاتری. تسبیح تو می‌گویند

السَّمٰواتُ السَّبْعُ وَ الْأَرَضُونَ وَ مَنْ فيهِنَّ، وَ إِنْ مِنْ شَيْءٍ

هفت آسمان و زمینها و آنچه در آنست و هیچ موجودی نیست که

إِلّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ، فَلَكَ الْحَمْدُ وَ الْمَجْدُ وَ عُلُوُّ الْجَدِّ،

تسبیح تو را نگوید؛ پس ستایش و برتری و بلندی مرتبت از آن توست.

يا ذَا الْجَلالِ وَ الْإِكْرامِ وَ الْفَضْلِ وَ الْإِنْعامِ وَ الْأَيادِي الْجِسامِ،

ای دارندهٔ جلال و بزرگی و بخشندگی و بزرگواری، ای دارای نعمتهای بیشمار،

وَ أَنْتَ الْجَوادُ الْكَريمُ الرَّؤُوفُ الرَّحيمُ. اَللّٰهُمَّ أَوْسِعْ عَلَيَّ

تنها تویی که جود و بخشش و رأفت و مهر در خود داری. خداوندا، مرا

مِنْ رِزْقِكَ الْحَلالِ، وَ عافِني في بَدَني وَ ديني، وَ آمِنْ خَوْفي،

روزی حلال و سلامتی و آسودگی در تن و جان و دینم عطا فرما و مرا از هر وحشتی در امان دار

وَ أَعْتِقْ رَقَبَتي مِنَ النّارِ. اَللّٰهُمَّ لا تَمْكُرْبي، وَ لا تَسْتَدْرِجْني،

و از آتش دوزخ آزادم کن. خداوندا، مرا به عقوبت میفکن و به عذاب ناگهانی گرفتارم مساز

وَ لا تَخْدَعْني، وَ ادْرَءْ عَنّي شَرَّ فَسَقَهِ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ.

و مرا رسوا مکن و بلای فاسقان جن و انس را از من دور گردان.

[آنگاه، سر و دیدهٔ خود را به سوی آسمان بلند کرد و از دیده‌های مبارکش مانند دو مشک اشک می‌ریخت، و به صدای بلند گفت:]

يا أَسْمَعَ السّامِعينَ، يا أَبْصَرَ النّاظِرينَ، وَ يا أَسْرَعَ الْحاسِبينَ،

ای شنواترین شنوندگان و ای بیناترین بینایان، ای سریع‌ترین حسابگران

وَ يا أَرْحَمَ الرّاحِمينَ، صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ السّادَةِ

و ای مهربان‌ترین مهربانان، به محمد و خاندانش که مایهٔ خیر و برکت عالمیانند،

الْمَيامينَ، وَ أَسْئَلُكَ اللّٰهُمَّ حاجَتِيَ الَّتي إِنْ أَعْطَيْتَنيها

درود فرست. خداوندا، از تو می‌خواهم آن حاجتم را که اگر برآوری،

لَمْ يَضُرَّني ما مَنَعْتَني وَ إِنْ مَنَعْتَنيها لَمْ يَنْفَعْني ما أَعْطَيْتَني،

دیگر از هر چه محرومم کنی زیان نکنم و اگر برنیاوری، هر چه عطا کنی، مرا سودی نبخشد، برآورده ساز.

أَسْئَلُكَ فَكاكَ رَقَبَتي مِنَ النّارِ، لا إِلٰهَ إِلّا أَنْتَ وَحْدَكَ

از تو می‌خواهم از آتش دوزخم رهایی بخشی. جز تو خدایی نیست یگانه‌ای

لا شَريكَ لَكَ، لَكَ الْمُلْكُ وَ لَكَ الْحَمْدُ، وَ أَنْتَ عَلىٰ كُلِّ

و تو را شریکی نیست. فرمانروایی مخصوص توست و ستایش تو را

شَيْءٍ قَديرٌ، يا رَبِّ يا رَبِّ. يا رَبِّ.[1] [پس مکرر می‌گفت:] یارب. یارب.

سزاوار است و تو بر هر کار توانایی؛

۱. اقبال/۲/۷۴.

همراهان آن‌حضرت، همگی به‌دعای آن حضرت گوش داده و به‌آمین گفتن اکتفا کردند؛ پس با آن حضرت، صداهایشان به گریستن بلند شد، تا آفتاب غروب کرد و آماده گشته به سوی مشعرالحرام روان شدند. تا این‌جا،[1] مطابق روایت مرحوم کفعمی و مجلسی بود؛ اما مرحوم سید بن طاووس، در کتاب اقبال الاعمال خود، پس از آن، قسمت زیر را نیز نقل نموده است:

إِلٰهي أَنَا ٱلْفَقيرُ في غِناٰيَ فَكَيْفَ لاٰ أَكُونُ فَقيراً في فَقْري،

خدای من، من در حال توانگری باز فقیرم، تا چه رسد به هنگام فقر و ناداری،

إِلٰهي أَنَا ٱلْجاٰهِلُ في عِلْمي فَكَيْفَ لاٰ أَكُونُ جَهُولاً في جَهْلي،

خدای من، من در حال دانایی باز نادانم تا چه رسد به هنگام جهل و نادانی.

إِلٰهي إِنَّ ٱخْتِلاٰفَ تَدْبيرِكَ وَ سُرْعَةَ طَوٰاءِ مَقاٰديرِكَ مَنَعاٰ عِباٰدَكَ

خدای من، پی در پی آمدن تدبیرهای تو و سرعت تحوّل تقدیرهای تو بندگان

ٱلْعاٰرِفينَ بِكَ عَنِ ٱلسُّكُونِ إِلىٰ عَطاٰءٍ وَ ٱلْيَأْسِ مِنْكَ في بَلاٰءٍ،

عارفت را از اطمینان به عطایت و یأس از تو هنگام بلا باز می‌دارد.

إِلٰهي مِنّي ماٰ يَليقُ بِلُؤْمي وَ مِنْكَ ماٰ يَليقُ بِكَرَمِكَ، إِلٰهي

خدای من،از من چیزی سر می‌زند که مناسب فرومایگی من است و از تو آن سزد که شایستهٔ بزرگواری توست. خدای من،

وَصَفْتَ نَفْسَكَ بِاللُّطْفِ وَ ٱلرَّأْفَةِ لي قَبْلَ وُجُودِ ضَعْفي،

تو خود را به لطف و رحمت با من توصیف‌کردی پیش از آنکه وجود ضعیفم را بیافرینی،

أَفَتَمْنَعُني مِنْهُماٰ بَعْدَ وُجُودِ ضَعْفي، إِلٰهي إِنْ ظَهَرَتِ ٱلْمَحاٰسِنُ

آیا اکنون این وجودناتوان را از آن لطف و رحمت باز می‌داری؟ خدای من، اگر نیکی‌ها از من پدید آید.

---

۱. اقبال، صفحه ۳۴۸.

مِنّی فَبِفَضْلِکَ وَ لَکَ اَلْمِنَّةُ عَلَیَّ، وَ إِنْ ظَهَرَتِ اَلْمَساوی مِنّی

از فضل توست و بر من منّت داری و اگر زشتی‌ها از من آشکار گردد

فَبِعَدْلِکَ وَ لَکَ اَلْحُجَّةُ عَلَیَّ، إِلٰهی کَیْفَ تَکِلُنی وَ قَدْ تَکَفَّلْتَ

به عدل توست و تو بر من حجّت داری. خدای من، چگونه مرا وامی‌گذاری با آنکه سرپرستی‌ام رابه عهده

لی، وَ کَیْفَ أُضامُ وَ أَنْتَ اَلنّاصِرُ لی، أَمْ کَیْفَ أَخیبُ وَ أَنْتَ

گرفته‌ای و چگونه بر من ستم شود با آنکه تو یاور منی، یا چگونه‌نا امیدگردم در حالی که تو با من

اَلْحَفِیُّ بی، ها أَنَا أَتَوَسَّلُ إِلَیْکَ بِفَقْری إِلَیْکَ وَ کَیْفَ أَتَوَسَّلُ

رئوف و مهربانی،آری من‌با نیازم به تو، به تو توسّل می‌جویم و چگونه به تو توسل جویم

إِلَیْکَ بِما هُوَ مَحالٌ أَنْ یَصِلَ إِلَیْکَ، أَمْ کَیْفَ أَشْکُو إِلَیْکَ حالی

با چیزی که رسیدن آن به تو محال است، یا چگونه از حال خود به تو شکایت کنم

وَ هُوَ لا یَخْفیٰ عَلَیْکَ، أَمْ کَیْفَ أُتَرْجِمُ بِمَقالی وَ هُوَ مِنْکَ بَرَزٌ

با آنکه بر تو پنهان نیست، یا چگونه آن را به زبان آورم و حال آن که خود بر تو نمایان است،

إِلَیْکَ، أَمْ کَیْفَ تُخَیِّبُ آمالی وَ هِیَ قَدْ وَفَدَتْ إِلَیْکَ، أَمْ کَیْفَ

یا چگونه آرزوهایم را ناکام می‌گردانی با آنکه آنها بر تو وارد شده‌اند، یا چگونه

لا تُحْسِنُ أَحْوالی وَ بِکَ قامَتْ، إِلٰهی ما أَلْطَفَکَ بی مَعَ عَظیمِ

احوال مرا خوش نگردانی با آنکه احوال من به تو برپاست. خدای من، با وجود نادانی‌های

جَهْلی، وَ ما أَرْحَمَکَ بی مَعَ قَبیحِ فِعْلی، إِلٰهی ما أَقْرَبَکَ مِنّی

بسیارم چقدر به من مهربانی و با وجود زشتکاری‌هایم چقدر به من رحیمی، خدای من! توچقدر به من نزدیکی

وَ أَبْعَدَنی عَنْکَ وَ ما أَرْأَفَکَ بی فَمَا اَلَّذی یَحْجُبُنی عَنْکَ،

و من چقدر از تو دورم و تو چقدر به من رئوفی، پس چه چیز مرا از تو محجوب کرده است.

إِلٰهي عَلِمْتُ بِاخْتِلافِ الْآثارِ وَ تَنَقُّلاتِ الْأَطْوارِ أَنَّ مُرادَكَ

خدای من، با اختلاف آثار و تغییر احوال دانستم که می‌خواهی در

مِنّي أَنْ تَتَعَرَّفَ إِلَيَّ في كُلِّ شَيْءٍ حَتّى لا أَجْهَلَكَ في شَيْءٍ،

هر چیز خود را به من بنمایی تا در هیچ چیز از تو بی‌خبر نمانم.

إِلٰهي كُلَّما أَخْرَسَني لُؤْمي أَنْطَقَني كَرَمُكَ، وَ كُلَّما آيَسَتْني

خدای من، هر گاه خواریم زبانم را گنگ می‌سازد، بزرگواری تو به سخنم درمی‌آورد و هر گاه

أَوْصافي أَطْمَعَتْني مِنَنُكَ، إِلٰهي مَنْ كانَتْ مَحاسِنُهُ مَساوِيَ

ویژگیهایم مرا ناامید می‌کند، بخشش‌هایت مرا به طمع می‌اندازد. خدای من، آن که نیکی‌هایش نیز زشت است،

فَكَيْفَ لا تَكُونُ مَساويهِ مَساوِيَ، وَ مَنْ كانَتْ حَقائِقُهُ دَعاوِيَ

چگونه زشتی‌هایش زشت نباشد و آن که حقیقت‌هایش، ادعا [باطل] است،

فَكَيْفَ لا تَكُونُ دَعاويهِ دَعاوِيَ، إِلٰهي حُكْمُكَ النّافِذُ

چگونه ادعاهایش ادعا نباشد؟! خدای من! حکم نافذ تو

وَ مَشِيَّتُكَ الْقاهِرَةُ لَمْ يَتْرُكا لِذي مَقالٍ مَقالاً وَ لا لِذي حالٍ

و مشیّت چیره‌ات نه جای سخنی برای صاحب سخن و نه حالی برای صاحب حال

حالاً، إِلٰهي كَمْ مِنْ طاعَةٍ بَنَيْتُها وَ حالَةٍ شَيَّدْتُها هَدَمَ اعْتِمادي

گذارده است. خدای من! چه بسیار شد که بنای طاعتی گذاردم و عزم جزم کردم و عدل تو، اعتمادم را

عَلَيْها عَدْلُكَ بَلْ أَقالَني مِنْها فَضْلُكَ، إِلٰهي إِنَّكَ تَعْلَمُ أَنّي

برآن منهدم ساخت بلکه فضل تو مرا ازآن منصرف ساخت. خدای من! خودتو می‌دانی که

وَ إِنْ لَمْ تَدُمِ الطّاعَةُ مِنّي فِعْلاً جَزْماً فَقَدْ دامَتْ مَحَبَّةً وَ عَزْماً،

اگر من در مقام عمل، پیوسته به طاعتت مشغول نیستم، همواره محبت و عزم آن را دارم.

إِلٰهِي كَيْفَ أَعْزِمُ وَ أَنْتَ الْقاهِرُ وَ كَيْفَ لا أَعْزِمُ وَ أَنْتَ الْآمِرُ،

خدای من! چگونه عزم کنم با آنکه تو چیره‌ای و چگونه عزم نکنم با آنکه تو فرماندهی.

إِلٰهِي تَرَدُّدِي فِي الْآثارِ يُوجِبُ بُعْدَ الْمَزارِ فَاجْمَعْنِي عَلَيْكَ

خدای من! گشت و گذارم در آثار، شهودت را دور می‌کند، پس مرا به خدمتی وادار

بِخِدْمَةٍ تُوصِلُنِي إِلَيْكَ، كَيْفَ يُسْتَدَلُّ عَلَيْكَ بِما هُوَ فِي وُجُودِهِ

که مرا به شهود تو برساند چگونه با چیزی بر تو استدلال شود که در وجودش

مُفْتَقِرٌ إِلَيْكَ، أَيَكُونُ لِغَيْرِكَ مِنَ الظُّهُورِ ما لَيْسَ لَكَ حَتّٰى

نیازمند توست؛ آیا غیر تو ظهوری دارد که برای تو نباشد

يَكُونَ هُوَ الْمُظْهِرَ لَكَ، مَتىٰ غِبْتَ حَتّٰى تَحْتاجَ إِلىٰ دَلِيلٍ

تا آن مظهر تو باشد؟ تو کی غایبی تا به دلیل محتاج باشی که

يَدُلُّ عَلَيْكَ، وَ مَتىٰ بَعُدْتَ حَتّٰى تَكُونَ الْآثارُ هِيَ الَّتِي

بر تو دلالت کند؟ و کی دور شدی تا آثار (و نشانه‌ها)

تُوصِلُ إِلَيْكَ، عَمِيَتْ عَيْنٌ لا تَراكَ عَلَيْها رَقِيباً وَ خَسِرَتْ

به تو برسانند. کور است چشمی که تو را مراقب خود نبیند و در زیان است

صَفْقَةُ عَبْدٍ لَمْ تَجْعَلْ لَهُ مِنْ حُبِّكَ نَصِيباً، إِلٰهِي أَمَرْتَ

کار بنده‌ای که نصیبی از محبّتت برایش نگذاشته‌ای. خدای من! (برای شناسایی‌ات) فرمان

بِالرُّجُوعِ إِلَى الْآثارِ فَارْجِعْنِي إِلَيْكَ بِكِسْوَةِ الْأَنْوارِ وَ هِدايَةِ

مراجعه به آثار (وجودت) را داده‌ای، پس مرا از تجلی انوار و راهنمایی

الْاِسْتِبْصارِ حَتّٰى أَرْجِعَ إِلَيْكَ مِنْها كَما دَخَلْتُ إِلَيْكَ مِنْها

بصیرت به سوی خودت جلب کن تا از آن آثار به تو بازگردم، همان گونه که از آنها به تو ره یافتم

مَصُونَ ٱلسِّرِ عَنِ ٱلنَّظَرِ إِلَيْها وَ مَرْفُوعَ ٱلْهِمَّةِ عَنِ ٱلاِعْتِمادِ
در حالی که در درون، نظر از آنهابرگرفتم‌و همتم‌را از اعتماد بر آنها

عَلَيْها إِنَّكَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَديرٌ، إِلٰهي هٰذا ذُلّي ظاهِرٌ بَيْنَ
بر کشیدم که تو بر هر چیزی توانایی. خدای من! خواریم نزد تو آشکار است

يَدَيْكَ وَ هٰذا حالي لا يَخْفىٰ عَلَيْكَ، مِنْكَ أَطْلُبُ ٱلْوُصُولَ
و این حالم بر تو پنهان نیست. از تو وصالت را می‌طلبم

إِلَيْكَ، وَ بِكَ أَسْتَدِلُّ عَلَيْكَ فَاهْدِني بِنُورِكَ إِلَيْكَ وَ أَقِمْني
و با تو بر تو استدلال می‌کنم، پس مرا با نورت به خودت ره بنما

بِصِدْقِ ٱلْعُبُودِيَّةِ بَيْنَ يَدَيْكَ، إِلٰهي عَلِّمْني مِنْ عِلْمِكَ
و به صدق بندگی در پیشگاهت برپادار، خدای من! از علم نهانت به من بیاموز

ٱلْمَخْزُونِ وَ صُنّي بِسِتْرِكَ ٱلْمَصُونِ، إِلٰهي حَقِّقْني بِحَقائِقِ
و در سراپردهٔ حفظت مرا محفوظ بدار. خدای من! مرا به حقایق مقرّبان

أَهْلِ ٱلْقُرْبِ وَ ٱسْلُكْ بي مَسْلَكَ أَهْلِ ٱلْجَذْبِ، إِلٰهي أَغْنِني
بیارای و به طریق مجذوبان، رهسپار کن. خدای من! مرا

بِتَدْبيرِكَ لي عَنْ تَدْبيري وَ بِاخْتِيارِكَ عَنِ ٱخْتِياري،
با تدبیرت از تدبیر خودم و با اختیارت از اختیار خودم بی‌نیاز گردان

وَ أَوْقِفْني عَنْ مَراكِزِ ٱضْطِراري، إِلٰهي أَخْرِجْني مِنْ ذُلِّ
و مرا در حال اضطرار دریاب. خدای من! مرا از خواری نفسم رهایی بخش

نَفْسي وَ طَهِّرْني مِنْ شَكّي وَ شِرْكي قَبْلَ حُلُولِ رَمْسي، بِكَ
و مرا از شک و شرک پاک ساز، پیش از آن که مرگم فرا رسد. از تو

أَنْتَصِرُ فَانْصُرْني، وَ عَلَيْكَ أَتَوَكَّلُ فَلاٰ تَكِلْني، وَ إِيّٰاكَ أَسْئَلُ
یاری می‌جویم پس یاریم ده و بر تو توکل می‌کنم پس مرا وامگذار و از تو می‌خواهم

فَلاٰ تُخَيِّبْني، وَ في فَضْلِكَ أَرْغَبُ فَلاٰ تَحْرِمْني، وَ بِجَنٰابِكَ
پس نا امیدم مکن و به فضل تو رغبت می‌ورزم، پس محرومم مگذار و خود را به حضرت تو

أَنْتَسِبُ فَلاٰ تُبْعِدْني، وَ بِبٰابِكَ أَقِفُ فَلاٰ تَطْرُدْني، إِلٰهي تَقَدَّسَ
منتسب می‌کنم پس دورم مکن و بر درگاهت می‌ایستم پس مرانم. خدای من! رضایت تو مقدس‌تر

رِضٰاكَ أَنْ يَكُونَ لَهُ عِلَّةٌ مِنْكَ فَكَيْفَ يَكُونُ لَهُ عِلَّةٌ مِنّي،
از آن است که تو سبب ساز آن باشی پس چگونه من سبب ساز آن باشم.

إِلٰهي أَنْتَ ٱلْغَنِيُّ بِذٰاتِكَ أَنْ يَصِلَ إِلَيْکَ ٱلنَّفْعُ مِنْكَ فَكَيْفَ
خدای من! تو غنی به ذات خودی و از نفع خود نیز بی نیازی، پس چگونه

لاٰ تَكُونُ غَنِيّاً عَنّي، إِلٰهي إِنَّ ٱلْقَضٰاءَ وَ ٱلْقَدَرَ يُمَنّيني وَ إِنَّ
از من مستغنی نباشی. خدای من! قضا و قدر آرزومندم می‌سازد

ٱلْهَوىٰ بِوَثٰائِقِ ٱلشَّهْوَةِ أَسَرَني، فَكُنْ أَنْتَ ٱلنَّصيرَ لي حَتّٰى
و هوا و هوس با زنجیرهای شهوت در بندم می‌کشد، پس تو یاور من باش تا

تَنْصُرَني وَ تُبَصِّرَني، وَ أَغْنِني بِفَضْلِكَ حَتّٰى أَسْتَغْنِيَ بِكَ
مرا یاری دهی و بینایم کنی و با فضلت بی‌نیازم بدار تا با تو از طلب و درخواست

عَنْ طَلَبي، أَنْتَ ٱلَّذي أَشْرَقْتَ ٱلْأَنْوٰارَ في قُلُوبِ أَوْلِيٰائِكَ
خود بی‌نیاز گردم. تویی که نورها را در دل اولیایت تاباندی

حَتّٰى عَرَفُوكَ وَ وَحَّدُوكَ، وَ أَنْتَ ٱلَّذي أَزَلْتَ ٱلْأَغْيٰارَ عَنْ
تا تو را بشناسند و یگانه‌ات دانند و تویی که اغیار را از

قُلُوبِ أَحِبّٰائِكَ حَتّٰى لَمْ يُحِبُّوا سِوٰاكَ وَ لَمْ يَلْجَئُوا إِلىٰ غَيْرِكَ،

دلهای دوستدارانت محو کردی تا آنکه جز تو را دوست نداشته و به غیر تو پناه نبرند،

أَنْتَ ٱلْمُونِسُ لَهُمْ حَيْثُ أَوْحَشَتْهُمُ ٱلْعَوٰالِمُ، وَ أَنْتَ ٱلَّذى

هنگامی که از همهٔ آفرینش می گریزند، تو مونس آنهایی و تویی که

هَدَيْتَهُمْ حَيْثُ ٱسْتَبٰانَتْ لَهُمُ ٱلْمَعٰالِمُ، مٰاذٰا وَجَدَ مَنْ فَقَدَكَ

آنها را هدایتشان کردی آنجا که نشانه‌ها برایشان آشکار شد. آن که تو را نیافت چه یافته

وَ مَا ٱلَّذي فَقَدَ مَنْ وَجَدَكَ، لَقَدْ خٰابَ مَنْ رَضِيَ دُونَكَ بَدَلاً،

و آن که تو را یافت چه نیافته است؟ بی‌گمان آن که به کسی جز تو رضایت داد، محروم گشت

وَ لَقَدْ خَسِرَ مَنْ بَغىٰ عَنْكَ مُتَحَوِّلاً، كَيْفَ يُرْجىٰ سِوٰاكَ وَ أَنْتَ

و هر که روی طلب از تو گردانید زیان دید. چگونه به غیر تو امید برده شود با آنکه تو

مٰا قَطَعْتَ ٱلْإِحْسٰانَ، وَ كَيْفَ يُطْلَبُ مِنْ غَيْرِكَ وَ أَنْتَ مٰا بَدَّلْتَ

احسان را قطع نکرده‌ای و چگونه از غیر تو درخواست شود و حال آن که تو

عٰادَةَ ٱلاِمْتِنٰانِ، يٰا مَنْ أَذٰاقَ أَحِبّٰائَهُ حَلاٰوَةَ ٱلْمُؤٰانَسَةِ فَقٰامُوا

عادت بخششت را تغییر نداده‌ای؟ ای آن که شیرینی انس خود را به دوستانت چشانیدی

بَيْنَ يَدَيْهِ مُتَمَلِّقينَ، وَ يٰا مَنْ أَلْبَسَ أَوْلِيٰائَهُ مَلاٰبِسَ هَيْبَتِهِ

تا در پیشگاهت به مدح و ثنا برخاستند و ای آن که لباسهای هیبت را بر اولیاء خود پوشاندی

فَقٰامُوا بَيْنَ يَدَيْهِ مُسْتَغْفِرينَ، أَنْتَ ٱلذّٰاكِرُ قَبْلَ ٱلذّٰاكِرينَ،

تا در پیشگاهت به استغفار ایستادند. تو به یاد [بندگان] هستی پیش از آنکه به یادت باشند

وَ أَنْتَ ٱلْبٰادي بِالْإِحْسٰانِ قَبْلَ تَوَجُّهِ ٱلْعٰابِدينَ، وَ أَنْتَ ٱلْجَوٰادُ

و تو به احسان آغازگری پیش از آنکه عابدان روی آورند و تو بخشندهٔ

بِالْعَطٰآءِ قَبْلَ طَلَبِ ٱلطّٰالِبِينَ، وَ أَنْتَ ٱلْوَهّٰابُ ثُمَّ لِمٰا وَهَبْتَ

عطایابی پیش از آنکه‌خواهندگان از تو بخواهندو تو آن بخشنده‌ای که آنچه را بخشیده‌ای

لَنٰا مِنَ ٱلْمُسْتَقْرِضِينَ، إِلٰهِي ٱطْلُبْنِي بِرَحْمَتِكَ حَتّٰى أَصِلَ

(برای بندگان محتاج) قرض می‌خواهی. خدای من! با رحمتت مرا بطلب تا به تو

إِلَيْكَ، وَ ٱجْذِبْنِي بِمَنِّكَ حَتّٰى أُقْبِلَ عَلَيْكَ، إِلٰهِي إِنَّ رَجٰائِي

برسم و با احسانت جذبم کن تا به تو روی آورم. خدای من! امید من از تو

لاٰ يَنْقَطِعُ عَنْكَ وَ إِنْ عَصَيْتُكَ، كَمٰا أَنَّ خَوْفِي لاٰ يُزٰايِلُنِي وَ إِنْ

قطع نمی‌شود هر چند نافرمانیت کنم، چنانکه هراسم زایل نمی‌گردد، هر چند

أَطَعْتُكَ، فَقَدْ دَفَعَتْنِي ٱلْعَوٰالِمُ إِلَيْكَ وَ قَدْ أَوْقَعَنِي عِلْمِي

اطاعتت کنم که همهٔ عوالم مرا به سوی تو راند و آگاهیم به کرمت

بِكَرَمِكَ عَلَيْكَ، إِلٰهِي كَيْفَ أَخِيبُ وَ أَنْتَ أَمَلِي أَمْ كَيْفَ أُهٰانُ

مرا به سوی تو کشانید. خدای من! چگونه ناامید باشم باآنکه تو آرزوی منی و چگونه خوار شوم

وَ عَلَيْكَ مُتَّكَلِي، إِلٰهِي كَيْفَ أَسْتَعِزُّ وَ فِي ٱلذِّلَّةِ أَرْكَزْتَنِي أَمْ

با آنکه اعتمادم بر توست؟ خدای من! چگونه طلب عزّت کنم با آنکه مرا در ذلّت نهاده‌ای

كَيْفَ لاٰ أَسْتَعِزُّ وَ إِلَيْكَ نَسَبْتَنِي، إِلٰهِي كَيْفَ لاٰ أَفْتَقِرُ، وَ أَنْتَ

و چگونه طلب عزّت نکنم با آنکه به خود منسوبم داشته‌ای؟ خدای من! چگونه فقیر نباشم

ٱلَّذِي فِي ٱلْفُقَرٰآءِ أَقَمْتَنِي أَمْ كَيْفَ أَفْتَقِرُ، وَ أَنْتَ ٱلَّذِي

با آنکه مرا در میان فقیران جاداده‌ای و چگونه فقیر باشم با آنکه

بِجُودِكَ أَغْنَيْتَنِي وَ أَنْتَ ٱلَّذِي لاٰ إِلٰهَ غَيْرُكَ تَعَرَّفْتَ لِكُلِّ شَيْءٍ

با جود و بخششت بی‌نیازم داشته‌ای. تویی‌که جز تو خدایی نیست، تو خود را به هر چیز شناساندی،

فَما جَهِلَكَ شَيْءٌ، وَ أَنْتَ الَّذي تَعَرَّفْتَ إِلَيَّ في كُلِّ شَيْءٍ

پس هیچ چیز از تو بی‌خبر نیست وتویی که خودرا در همه چیزبه من نمایاندی،

فَرَأَيْتُكَ ظاهِراً في كُلِّ شَيْءٍ، وَ أَنْتَ الظّاهِرُ لِكُلِّ شَيْءٍ،

پس تو را آشکارا در همه چیز دیدم و تویی آشکار کنندهٔ همه چیز،

يا مَنِ اسْتَوىٰ بِرَحْمانِيَّتِهِ فَصارَ الْعَرْشُ غَيْباً في ذاتِهِ، مَحَقْتَ

ای آن که با رحمتت بر همه چیز چیره گشت تا آنکه عرش در ذاتت نهان شد. آثار را

الْآثارَ بِالْآثارِ، وَ مَحَوْتَ الْأَغْيارَ بِمُحيطاتِ أَفْلاكِ الْأَنْوارِ،

با آثار نابود کردی و اغیار را با احاطه نورهایت در گرداگردشان محو کردی.

يا مَنِ احْتَجَبَ في سُرادِقاتِ عَرْشِهِ أَنْ تُدْرِكَهُ الْأَبْصارُ،

ای آن که در سراپرده‌های عرشت در پرده حجاب ماندی تا دیده‌ها نیابندت،

يامَنْ تَجَلّى بِكَمالِ بَهائِهِ فَتَحَقَّقَتْ عَظَمَتُهُ الِاسْتِواءَ، كَيْفَ

ای آن که با کمال شکوهت تجلّی نمودی تا عظمتت همهٔ وجود را فرا گیرد. چگونه

تَخْفىٰ وَ أَنْتَ الظّاهِرُ أَمْ كَيْفَ تَغيبُ وَ أَنْتَ الرَّقيبُ

پنهان مانی با آن که تنها تو پیدایی و چگونه غایب گردی با آنکه تنها تو مراقب

الْحاضِرُ، إِنَّكَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَديرٌ وَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ وَحْدَهُ.[۱]

و حاضری. تو بر هر چیز توانایی و ستایش تنها مخصوص خداست.

□ **روز دهم**

روز عید قربان، یکی از اعیاد بزرگ اسلامی و روزی بس شریف است. چند عمل در آن مستحب و نیکوست:

---

۱. اقبال / ۳۵۰.

۱ـغسل، به قصد روز عید قربان.

۲ـنماز عید قربان، به همان ترتیبی که در عید فطر گذشت. لکن بهتر است در این عید، افطار بعد از نماز باشد.

۳ـخواندن دعای ۴۶ یا ۴۸، از صحیفهٔ سجادیه.

۴ـخواندن دعای ندبه، که در زیارت حضرت ولی عصر ارواحنا فداه بیان خواهد شد.

۵ـقربانی کردن، که سنت اکید است.

۶ـزیارت مرقد مطهر حضرت امام حسین علیه‌السلام (به بخش چهارم کتاب رجوع شود).[۱]

□ **روز پانزدهم**

روز ولادت با سعادت حضرت امام علی النقی علیه‌السلام است.[۲]

□ **روز هیجدهم**

عید سعید غدیر، عید الله الاکبر، عید آل محمد و بزرگترین عید عالم تشیع و عالم اسلام است. تمام پیامبران این روز را عید گرفته و حرمت آن را می‌دانستند. نامش، در آسمان، روز «عهد معهود»، و در زمین، روز «میثاق مأخوذ» است. حضرت رضا علیه‌السلام فرمود: هر کجا باشی سعی کن خود را به قبر مطهر امیرالمؤمنین علیه‌السلام برسانی. یک درهم صدقه، در این روز، معادل هزار درهم آن، در ایام دیگر است. به برادران دینی و شاگردان آنها احسان کن، که والله اگر مردم از فضل این روز مطلع بودند، مَلَک‌ها با آنان مکرر مصافحه می‌کردند. چه شایسته است که مسلمانها آثار مهمترین عید رابر این روز بار کنند. به زیارت یکدیگر بروند، با هم صلح و آشتی نمایند، از اقوام و خویشان (در صورتی که

---

۱. وسائل الشیعه ۲۰ جلدی، جلد ۱۰، صفحه ۳۵۸.

۲. اصول کافی، جلد ۱، صفحه ۴۹۷.

پای گناهی در بین نیاید) دیدن کنند و صلهٔ رحم نمایند، آنها را از خویش راضی سازند، به عیادت بیماران و کمک یتیمان و مستمندان بشتابند، به یکدیگر هدیه و سوغاتی بدهند (مناسبت است هدیه، جنبهٔ تشریفاتی محض و تضییع مال نداشته باشد؛ بلکه تأمین نقصی از زندگی و ترمیم کمبودی از وسایل حیات باشد) و همهٔ این امور را به قصد اخلاص و قربت انجام دهند؛ که اخلاص، روح اعمال و جان کارهای خیر است.[1] اعمال این روز چند تاست:

۱ـ غسل.[2]

۲ـ روزه، که کفارهٔ گناه شصت سال است.[3] بعید نیست مراد، روزه‌ای باشد که توأم با توبه و پشیمانی از گناهان و تصمیم جدی بر کناره گیری از معاصی باشد که در این فرض، گناهان ناشی از تضییع حقوق اللّه بخشوده می‌شود؛ اما حقوق مردم، با روزه گرفتن بخشوده و ساقط نمی‌شود؛ بلکه باید صاحب حق را راضی کرد.

۳ـ زیارت قبر مطهر حضرت امیرالمؤمنین ؏ با زیارت مطلق «امین اللّه» و زیارت مخصوص، که در بخش چهارم نگاشته شده است.[4]

۴ـ دو رکعت نماز کند و بعد به سجده رود و صد مرتبه «شُكْراً لِلّهِ» بگوید، سپس سر بردارد و این دعا را بخواند:

اَللّٰهُمَّ إِنّي أَسْئَلُكَ بِأَنَّ لَكَ الْحَمْدَ، وَحْدَكَ لا شَريكَ لَكَ

خداوندا، از تو مسألت دارم ستایش مخصوص توست؛ تو یگانه‌ای و شریک نداری

وَ أَنَّكَ واحِدٌ أَحَدٌ صَمَدٌ لَمْ تَلِدْ وَ لَمْ تُولَدْ وَ لَمْ يَكُنْ لَكَ

و تو یکتا، بی‌همتا، و بی‌نیازی. نه فرزندداری و نه زاده شده‌ای و تو را

۱. مفاتیح الجنان.
۲. وسائل الشیعه، جلد ۲، صفحه ۹۶۱.
۳. وسائل الشیعه، جلد ۷، صفحه ۳۲۳.
۴. وسائل الشیعه، جلد ۱۰، صفحه ۳۰۲.

كُفُواً أَحَدٌ، وَ أَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُكَ وَ رَسُولُكَ صَلَوٰاتُكَ عَلَيْهِ

همانندی نیست و محمد بنده و فرستادهٔ توست. صلوات تو بر او

وَ آلِهِ، يٰا مَنْ هُوَ كُلَّ يَوْمٍ فِي شَأْنٍ، كَمٰا كٰانَ مِنْ شَأْنِكَ أَنْ

و خاندانش باد، ای خدایی که هر روز تو را کاری است بدانگونه که سزاوار توست

تَفَضَّلْتَ عَلَيَّ بِأَنْ جَعَلْتَنِي مِنْ أَهْلِ إِجٰابَتِكَ وَ أَهْلِ دِينِكَ

بر من تفضل فرمودی و مرا از اهل اجابت و اهل دین

وَ أَهْلِ دَعْوَتِكَ، وَ وَفَّقْتَنِي لِذٰلِكَ فِي مُبْتَدَءِ خَلْقِي تَفَضُّلاً

و اهل دعوت خویش قرار دادی و این توفیق را از ابتدای آفرینشم بفضل

مِنْكَ وَ كَرَماً وَ جُوداً، ثُمَّ أَرْدَفْتَ اَلْفَضْلَ فَضْلاً وَ اَلْجُودَ

و کرمت مبذول داشتی و فضل پس از فضل و جود

جُوداً وَ اَلْكَرَمَ كَرَماً رَأْفَةً مِنْكَ وَ رَحْمَةً إِلٰى أَنْ جَدَّدْتَ ذٰلِكَ

پس از جود و کرم پس از کرم را به انگیزهٔ رأفت و رحمت پیاپی کردی تا پس از آفریدنم

اَلْعَهْدَ لِي تَجْدِيداً بَعْدَ تَجْدِيدِكَ خَلْقِي وَ كُنْتُ نَسْياً مَنْسِيّاً

پیمان ازلی خود را تجدید فرمودی یا اینکه من خود در فراموشی

نٰاسِياً سٰاهِياً غٰافِلاً، فَأَتْمَمْتَ نِعْمَتَكَ بِأَنْ ذَكَّرْتَنِي ذٰلِكَ

و بی توجهی و غفلت بودم، و نعمتت را بر من تمام کردی به سبب یادآوری من

وَ مَنَنْتَ بِهِ عَلَيَّ وَ هَدَيْتَنِي لَهُ، فَلْيَكُنْ مِنْ شَأْنِكَ يٰا إِلٰهِي

و بر من منت نهادی مرا هدایت فرمودی پس ای معبود

وَ سَيِّدِي وَ مَوْلاٰيَ أَنْ تُتِمَّ لِي ذٰلِكَ وَ لاٰ تَسْلُبْنِيهِ حَتّٰى

و سید و مولایم، در آینده نیز اتمام نعمتت چنین باشد و از من تا دم مرگ

تَتَوَفّانی عَلی ذٰلِكَ وَ أَنْتَ عَنّی راضٍ فَإِنَّكَ أَحَقُّ ٱلْمُنْعِمینَ

مسلوب نگردد و آنچنان بمیرم که از من خشنود باشی؛ چه آنکه تو

أَنْ تُتِمَّ نِعْمَتَكَ عَلَيَّ، اَللّٰهُمَّ سَمِعْنا وَ أَطَعْنا وَ أَجَبْنا داعِيَكَ

بر اتمام نعمت سزاوارتری. پروردگارا، دعوت‌کننده‌ات را به منّت تو شنیده و اطاعت برده و پاسخ مثبت دادیم.

بِمَنِّكَ فَلَكَ ٱلْحَمْدُ غُفْرانَكَ رَبَّنا وَ إِلَيْكَ ٱلْمَصیرُ، اٰمَنّا بِاللّٰهِ

سپاس از آن تو و طالب غفران تو و بسوی تو هستیم. به خداوند

وَحْدَهُ لا شَریكَ لَهُ وَ بِرَسُولِهِ مُحَمَّدٍ صَلَّى ٱللّٰهُ عَلَيْهِ وَ اٰلِهِ

یکتا و بفرستاده‌اش محمد ﷺ گرویده‌ایم

وَ صَدَّقْنا وَ أَجَبْنا داعِيَ ٱللّٰهِ وَ ٱتَّبَعْنَا ٱلرَّسُولَ فی مُوالاةِ

و دعوت خدا را پذیرفته و اجابت کردیم و از رسول پیروی کردیم دربارهٔ ولایت

مَوْلانا وَ مَوْلَى ٱلْمُؤْمِنینَ أَمیرِ ٱلْمُؤْمِنینَ عَلِيِّ بْنِ أَبی طالِبٍ

امیرالمؤمنین علی ابن ابی‌طالب ـ مولای ما و همهٔ مومنان

عَبْدِ ٱللّٰهِ وَ أَخی رَسُولِهِ وَ ٱلصِّدّیقِ ٱلْأَكْبَرِ وَ ٱلْحُجَّةِ عَلى

او بندهٔ خدا و برادر پیامبر و صدیق اکبر و حجت‌الله

بَرِيَّتِهِ ٱلْمُؤَيَّدِ بِهِ نَبِيُّهُ وَ دینُهُ ٱلْحَقُّ ٱلْمُبینَ، عَلَماً لِدینِ ٱللّٰهِ

بر همهٔ خلق است؛ به سبب او پیامبرش و دین حق آشکار تأیید شد او نشانهٔ دین خدا

وَ خازِناً لِعِلْمِهِ وَ عَيْبَةَ غَيْبِ ٱللّٰهِ وَ مَوْضِعَ سِرِّ ٱللّٰهِ وَ أَمینَ

و گنجینهٔ علم حق و صندوق غیب و جایگاه سر خداست؛ او امین

ٱللّٰهِ عَلى خَلْقِهِ وَ شاهِدَهُ فی بَرِيَّتِهِ، اَللّٰهُمَّ رَبَّنا إِنَّنا سَمِعْنا

خدا بر خلق و شاهد او در آفریدگان است. خداوندا، پروردگارا، ندای پیامبرت

مُنادِياً يُنادي لِلْإيمانِ أَنْ آمِنُوا بِرَبِّكُمْ فَآمَنّا، رَبَّنا فَاغْفِرْ

را که به ایمان دعوت می‌کرد: به پروردگارتان ایمان آورید. شنیدیم و ایمان آوردیم. پروردگارا، گناهانمان

لَنا ذُنُوبَنا وَ كَفِّرْ عَنّا سَيِّئاتِنا وَ تَوَفَّنا مَعَ الْأَبْرارِ، رَبَّنا وَ آتِنا

را بیامرز و بدیهایمان را جبران کن و ما را با نیکان بمیران. پروردگارا، آنچه را که

ما وَعَدْتَنا عَلى رُسُلِكَ وَ لا تُخْزِنا يَوْمَ الْقِيامَةِ إِنَّكَ لا تُخْلِفُ

به پیامبرانت وعده دادی، بما عطا فرما و در رستاخیز آبروی ما را مریز؛ که تو هرگز خلاف

الْميعادَ، فَإِنّا يا رَبَّنا بِمَنِّكَ وَ لُطْفِكَ أَجَبْنا داعِيَكَ وَ اتَّبَعْنَا

وعده نمی‌کنی. پروردگارا، ما به لطف و احسان تو دعوت پیامبرت را اجابت کرده و از او پیروی

الرَّسُولَ وَ صَدَّقْناهُ وَ صَدَّقْنا مَوْلَى الْمُؤْمِنِينَ، وَ كَفَرْنا بِالْجِبْتِ

کرده‌ایم و او و مولای مؤمنان علی علیه السلام را تصدیق نمودیم. و به جبت و طاغوت

وَ الطّاغُوتِ، فَوَلِّنا ما تَوَلَّيْنا وَ احْشُرْنا مَعَ أَئِمَّتِنا فَإِنّا بِهِمْ

کفر می‌ورزیم. پس امام ما قرار ده او را که بولایت پذیرفتیم و ما را با ائمه اطهار محشور فرما. ما به ایشان

مُؤْمِنُونَ مُوقِنُونَ وَ لَهُمْ مُسَلِّمُونَ، آمَنّا بِسِرِّهِمْ وَ عَلانِيَتِهِمْ

ایمان و یقین داریم و تسلیم آنان هستیم و ما به پنهان و آشکار

وَ شاهِدِهِمْ وَ غائِبِهِمْ وَ حَيِّهِمْ وَ مَيِّتِهِمْ، وَ رَضِينا بِهِمْ أَئِمَّةً

و حضور و غیبت و زنده و شهید آنان ایمان داریم و راضی هستیم که ایشان امام

وَ قادَةً وَ سادَةً وَ حَسْبُنا بِهِمْ بَيْنَنا وَ بَيْنَ اللّٰهِ دُونَ خَلْقِهِ،

و قائد و سرور ما باشند. فقط ایشان از خلق خدا میان ما و خدا کافی هستند.

لا نَبْتَغي بِهِمْ بَدَلاً وَ لا نَتَّخِذُ مِنْ دُونِهِمْ وَلِيجَةً، وَ بَرِئْنا إِلَى

بدلی بجای آنان نمی‌پذیریم و جز آنان پایگاهی نداریم و بیزاریم نزد

آللّٰهِ مِنْ كُلِّ مَنْ نَصَبَ لَهُمْ حَرْباً مِنَ آلْجِنِّ وَ آلْإِنْسِ مِنَ

خدا از کسی که با آنان پیکار جوید، از جن و انس و از

آلْأَوَّلِينَ وَ آلْآخِرِينَ وَ كَفَرْنٰا بِالْجِبْتِ وَ آلطّٰاغُوتِ وَ آلْأَوْثٰانِ

خلایق اولین و آخرین و به جبت و طاغوت و بتهای

آلْأَرْبَعَةِ وَ أَشْيٰاعِهِمْ وَ أَتْبٰاعِهِمْ وَ كُلِّ مَنْ وٰالاٰهُمْ مِنَ آلْجِنِّ

چهارگانه و هواداران و پیروان آنان و هرکس از جن و انس که آنان را دوست دارد

وَ آلْإِنْسِ مِنَ أَوَّلِ آلدَّهْرِ إِلىٰ اٰخِرِهِ، آللّٰهُمَّ إِنّٰا نُشْهِدُكَ أَنّٰا

از اول روزگار تا آخرش. خداوندا ترا گواه می‌گیریم که ما

نَدِينُ بِمٰا دٰانَ بِهِ مُحَمَّدٌ وَ آلُ مُحَمَّدٍ صَلَّى آللّٰهُ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمْ،

بر آن دین هستیم که محمد و آل محمد - صلوات خدا بر او و آل او باد - بر آن دین هستند.

وَ قَوْلُنٰا مٰا قٰالُوا، وَ دِينُنٰا مٰا دٰانُوا بِهِ، مٰا قٰالُوا بِهِ قُلْنٰا، وَ مٰا دٰانُوا

سخن ما، سخن آنانی است و دین ما دین آنان است. هر چه گفتند ما می‌گوییم و به آنچه متدین بودند

بِهِ دِنّٰا، وَ مٰا أَنْكَرُوا أَنْكَرْنٰا، وَ مَنْ وٰالَوْا وٰالَيْنٰا، وَ مَنْ عٰادَوْا

ما متدین هستیم و هر چه انکار کردند انکار می‌کنیم، و هر که را دوست دارند دوست می‌داریم و با هر کس دشمنی کنند

عٰادَيْنٰا، وَ مَنْ لَعَنُوا لَعَنّٰا، وَ مَنْ تَبَرَّءُوا مِنْهُ تَبَرَّأْنٰا مِنْهُ، وَ مَنْ

دشمن هستیم و هر که را لعن کنند لعن می‌کنیم و از هر که بیزارند بیزاری جوئیم و با هر که

تَرَحَّمُوا عَلَيْهِ تَرَحَّمْنٰا عَلَيْهِ، اٰمَنّٰا وَ سَلَّمْنٰا وَ رَضِينٰا وَ آتَّبَعْنٰا

مهر ورزند، ما نیز مهر ورزیم. ما ایمان آورده‌ایم و تسلیم هستیم و راضی هستیم. و از

مَوٰالِيَنٰا صَلَوٰاتُ آللّٰهِ عَلَيْهِمْ، آللّٰهُمَّ فَتَمِّمْ لَنٰا ذٰلِكَ وَ لاٰ تَسْلُبْنٰاهُ

پیشوایان خود - که صلوات خدا بر ایشان باد پیروی می‌کنیم. بار خدایا، تو نعمت ایمان را بر ما کامل گردان

وَ اجْعَلْهُ مُسْتَقِرّاً ثابِتاً عِنْدَنا وَ لا تَجْعَلْهُ مُسْتَعاراً وَ أَحْيِنا

و مستقر و ثابت همچنان نگهدار. آن را عاریتی قرار مده؛ ما را به

ما أَحْيَيْتَنا عَلَيْهِ وَ أَمِتْنا إِذا أَمَتَّنا عَلَيْهِ، آلُ مُحَمَّدٍ أَئِمَّتُنا فَبِهِمْ

ایمان زنده ساز و بدان بمیران که خاندان پیامبر پیشوایان بر حق ما هستند؛ ما بدیشان

نَأْتَمُّ وَ إِيّاهُمْ نُوالي وَ عَدُوَّهُمْ عَدُوَّ اللّٰهِ نُعادي، فَاجْعَلْنا

اقتدا کرده و دلبسته‌ایم و دشمنانشان را دشمن‌داریم که دشمن خدایند. پس تو حشر ما

مَعَهُمْ فِي الدُّنْيا وَ الْآخِرَةِ وَ مِنَ الْمُقَرَّبينَ فَإِنّا بِذٰلِكَ راضُونَ

را در دنیا و آخرت با ایشان قرار ده و ما را از مقرّبان درگاهت به شمار آور که ما بدین نعمت خشنودیم،

يا أَرْحَمَ الرّاحِمينَ.

ای مهربان‌ترین مهربانان.

پس باز سجده کند و صد مرتبه «اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ» و صد مرتبه «شُكْراً لِلّٰهِ» بگوید و انشاءالله از این عمل ثواب بسیاری به دست آورد؛ و بر طبق بعضی از اخبار، ثواب کسی را بیابد که در آن روز، دست بیعت برای ولایت، به امیرالمؤمنین ﷺ داده باشد.[1]

۵ـ دعای ندبه را بخواند، که در زیارت حضرت ولی عصر ﷺ بیان خواهد شد.

۶ـ این دعاء را بخواند:[2]

اَللّٰهُمَّ إِنّي أَسْئَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ نَبِيِّكَ وَ عَلِيٍّ وَلِيِّكَ وَ الشَّأْنِ

بار خدایا، از تو می‌خواهم، به حق محمد پیامبرت و علی ولی تو و به مقام

۱. اقبال، صفحه ۳۷۲ـ بحار الانوار، جلد ۹۸، صفحه ۲۹۸.
۲. اقبال، صفحه ۴۹۲.

وَ الْقَدْرِ الَّذِي خَصَصْتَهُمٰا بِهِ دُونَ خَلْقِكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ

و مرتبه‌ای که به آن دو عنایت کردی و سایر مخلوقات را از آن بهره‌ای نیست، بر

مُحَمَّدٍ وَ عَلِيٍّ وَ أَنْ تَبْدَأَ بِهِمٰا فِي كُلِّ خَيْرٍ عٰاجِلٍ، اَللّٰهُمَّ

محمد و علی صلوات فرستی و از هر خوبی، نخست به ایشان عطا فرمایی. بار خدایا،

صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ الْأَئِمَّةِ الْقٰادَةِ وَ الدُّعٰاةِ السّٰادَةِ

صلوات فرست بر محمد و خاندان او که پیشوایان رهبر و داعیان سرور

وَ النُّجُومِ الزّٰاهِرَةِ وَ الْأَعْلاٰمِ الْبٰاهِرَةِ وَ سٰاسَةِ الْعِبٰادِ وَ أَرْكٰانِ

و ستارگان درخشان و نشانه‌های آشکار حق و رهبران خلائق و ارکان

الْبِلاٰدِ وَالنّٰاقَةِ الْمُرْسَلَةِ وَالسَّفِينَةِ النّٰاجِيَةِ الْجٰارِيَةِ فِي اللُّجَجِ

هستی و تیز فهم فرستاده شده و کشتی نجات در گردابهای ژرف

الْغٰامِرَةِ، اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ خُزّٰانِ عِلْمِكَ

هستند، بار خدایا، صلوات فرست بر محمد و خاندانش که گنجینه‌های مخازن علم تو

وَ أَرْكٰانِ تَوْحِيدِكَ وَ دَعٰائِمِ دِينِكَ وَ مَعٰادِنِ كَرٰامَتِكَ وَ صِفْوَتِكَ

و پایه‌های توحید تو و ستونهای دین تو و هدفهای بزرگواری تو و خاصان

مِنْ بَرِيَّتِكَ وَ خِيَرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ الْأَتْقِيٰاءِ النُّجَبٰاءِ الْأَبْرٰارِ

و برگزیدگان و پاکیزگان و بزرگواران و نیکان خلایقند

وَ الْبٰابِ الْمُبْتَلىٰ بِهِ النّٰاسُ، مَنْ أَتٰاهُ نَجىٰ وَ مَنْ أَبٰاهُ هَوىٰ،

و درگاه امیدواری مبتلایانند ـ که هر کس به آن رو آورد نجات یابد و هر که روی گرداند هلاک شود،

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ أَهْلِ الذِّكْرِ الَّذِينَ أَمَرْتَ

خداوندا، بر محمد و خاندانش صلوات فرست، که برگزیدهٔ تو و مرجع

بِمَسْئَلَتِهِمْ وَ ذَوِي ٱلْقُرْبَى ٱلَّذِينَ أَمَرْتَ بِمَوَدَّتِهِمْ وَ فَرَضْتَ

پرسشهای مردمند؛ بدانگونه که امر فرموده‌ای. آنان خویشاوندان پیامبرند که دوستی ایشان

حَقَّهُمْ وَ جَعَلْتَ ٱلْجَنَّةَ مَعٰادَ مَنِ ٱقْتَصَّ اٰثارَهُمْ، ٱللّٰهُمَّ صَلِّ

و ادای حقشان رابرخلق واجب نمودی و بهشت را جایگاه‌کسی قرار دادی‌که از آنان‌پیروی کند. بار خدایا،

عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ كَمٰا أَمَرُوا بِطٰاعَتِكَ وَ نَهَوْا عَنْ

بر محمد و خاندان او صلوات فرست؛ همانگونه که به اطاعت از تو و دوری از

مَعْصِيَتِكَ وَ دَلُّوا عِبٰادَكَ عَلىٰ وَحْدٰانِيَّتِكَ، ٱللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْئَلُكَ

معصیت فرمان داده‌اند و خلایق را به یکتایی تو راهنمایند. خداوندا، به حق

بِحَقِّ مُحَمَّدٍ نَبِيِّكَ وَ نَجِيبِكَ وَ صَفْوَتِكَ وَ أَمِينِكَ وَ رَسُولِكَ

محمد پیامبر و بزرگوار و برگزیده و امین وحی و فرستادهٔ تو

إِلىٰ خَلْقِكَ وَ بِحَقِّ أَمِيرِ ٱلْمُؤْمِنِينَ وَ يَعْسُوبِ ٱلدِّينِ وَ قٰائِدِ

بسوی خلق تو و بحق امیرالمؤمنین و پیشوای دین و رهبر

ٱلْغُرِّ ٱلْمُحَجَّلِينَ ٱلْوَصِيِّ ٱلْوَفِيِّ وَ ٱلصِّدِّيقِ ٱلْأَكْبَرِ وَ ٱلْفٰارُوقِ

رو سفیدان و وصی وفادار و صدیق اکبر و جدا سازندهٔ

بَيْنَ ٱلْحَقِّ وَ ٱلْبٰاطِلِ وَ ٱلشّٰاهِدِ لَكَ وَ ٱلدّٰالِّ عَلَيْكَ وَ ٱلصّٰادِعِ

حق از باطل و گواه تو در میان بندگان و دلالت کنندهٔ آنان‌بسوی تو و رسانندهٔ

بِأَمْرِكَ وَ ٱلْمُجٰاهِدِ فِي سَبِيلِكَ، لَمْ تَأْخُذْهُ فِيكَ لَوْمَةُ لاٰئِمٍ،

پیام تو و مجاهد راه تو ـ که با سرزنش ملامتگران دست‌از مجاهدت برنداشت،

أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ، وَ أَنْ تَجْعَلَنِي فِي هٰذَا

از تو می‌خواهم بر محمد و خاندان او صلوات فرستی و در این

اَلْيَوْمِ الَّذي عَقَدْتَ فيهِ لِوَلِيِّكَ الْعَهْدَ في أَعْناقِ خَلْقِكَ

روز فرخنده[۱] که برای ولی خود پیمان ولایت[۲] با خلق بستی

وَ أَكْمَلْتَ لَهُمُ الدّينَ مِنَ الْعارِفينَ بِحُرْمَتِهِ وَ الْمُقِرّينَ بِفَضْلِهِ

و دینشان را کامل کردی، مرا از شناسندگان مقام والای علی و معترفان به برتری او

مِنْ عُتَقائِكَ وَ طُلَقائِكَ مِنَ النّارِ وَ لا تُشْمِتْ بي حاسِدي

و از رهایی یافتگان و آزادشدگان از آتش دوزخ قرار دهی و زبان[۳] حسودان من

النِّعَمِ، اَللّٰهُمَّ فَكَما جَعَلْتَهُ عيدَكَ الْأَكْبَرَ وَ سَمَّيْتَهُ فِي السَّماءِ

در نعمتها را کوتاه کنی. خداوندا، همانطور که امروز را بزرگترین عید قراردادی و در آسمان این عید را

يَوْمَ الْعَهْدِ الْمَعْهُودِ وَ فِي الْأَرْضِ يَوْمَ الْميثاقِ الْمَأْخُوذِ

روز پیمان بستن و در زمین روز وفای به عهد و میثاق و روز پرسش از مردمان

وَ الْجَمْعِ الْمَسْئُولِ، صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَقْرِرْ بِهِ

در باب ولایت علی نامیدی،از تو می‌خواهم که بر محمد و خاندانش صلوات فرستی و دیدگان ما را

عُيُونَنا وَ اجْمَعْ بِهِ شَمْلَنا وَ لا تُضِلَّنا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنا وَ اجْعَلْنا

به او روشن و پراکندگی‌ها را به او جمع گردانی و ما را بعد از هدایت گمراه مکن و ما را

لِأَنْعُمِكَ مِنَ الشّاكِرينَ يا أَرْحَمَ الرّاحِمينَ، اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ

در برابر نعمتهایت شکرگزار قرار ده ای مهربان‌ترین مهربانان. سپاس خدایی را

الَّذي عَرَّفَنا فَضْلَ هٰذَا الْيَوْمِ وَ بَصَّرَنا حُرْمَتَهُ وَ كَرَّمَنا بِهِ

که ما را[۴] آگاه کرد بر فضیلت این روز و به حرمت آن بصیرت داد و به آن گرامی داشت

وَ شَرَّفَنا بِمَعْرِفَتِهِ وَ هَدانا بِنُورِهِ. يا رَسُولَ اللّٰهِ، يا أَميرَ الْمُؤْمِنينَ

و به معرفت آن شرف داد و به نور آن ما را هدایت فرمود. ای رسول خدا، ای امیرالمؤمنین،

عَلَيْكُمٰا وَ عَلىٰ عِتْرَتِكُمٰا وَ عَلىٰ مُحِبّيكُمٰا مِنّي أَفْضَلُ ٱلسَّلاٰمِ

من به شما دو بزرگوار و به خاندان و دوستداران شما، بهترین سلام را

مٰا بَقِيَ ٱللَّيْلُ وَ ٱلنَّهارُ، وَ بِكُمٰا أَتَوَجَّهُ إِلَى ٱللّٰهِ رَبّي وَ رَبِّكُمٰا

ـ تا هنگامی که شب و روز در گردشند ، تقدیم می‌دارم و من شما را به وسیلهٔ توجه بسوی خدا ـ یعنی پروردگارمان،

في نَجٰاحِ طَلِبَتي وَ قَضٰاءِ حَوائِجي وَتَيْسيرِ أُمُوري. اَللّٰهُمَّ إِنّي

در برآوردن حاجات و مقاصد و آسان شدن کارهایم قرار می‌دهم. خداوندا، از تو

أَسْئَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ

می‌خواهم به حق محمد و آل محمد صلوات فرستی بر محمد و آل

مُحَـمَّدٍ وَ أَنْ تَلْعَنَ مَنْ جَحَدَ حَقَّ هٰذَا ٱلْيَوْمِ وَ أَنْكَرَ حُرْمَتَهُ فَصَدَّ

محمد و لعن فرست بر کسی که حق این روز و حرمت آن را انکار کند. پس منحرف شده است

عَنْ سَبيلِكَ لِإِطْفٰاءِ نُورِكَ فَأَبَى ٱللّٰهُ إِلّٰا أَنْ يُتِمَّ نُورَهُ. اَللّٰهُمَّ

از راه تو برای خاموش کردن نور تو و خداوند ابا دارد مر اینکه نورش را کامل فرماید. خداوندا

فَرِّجْ عَنْ أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ نَبِيِّكَ وَ ٱكْشِفْ عَنْهُمْ وَ بِهِمْ عَنِ

به خاندان محمد پیامبرت فرج ده و گرفتاری آنان را برطرف کن و به حق آنان

ٱلْمُؤْمِنينَ ٱلْكُرُبٰاتِ. اَللّٰهُمَّ ٱمْلَأِ ٱلْأَرْضَ بِهِمْ عَدْلاً كَمٰا مُلِئَتْ

گرفتاری مؤمنین را برطرف ساز خداوندا زمین رابوسیله آنان از عدل سرشار فرما چنان که مالامال

ظُـلْماً وَ جَـوراً وَ أَنْجِزْ لَـهُمْ مٰا وَعَدْتَهُمْ، إِنَّكَ لاٰ تُخْلِفُ ٱلْميعٰادَ.

از ظلم و ستم شده است. و وعده‌ای که به ایشان داده‌ای به انجام رسان. تو خلاف وعده نخواهی کرد

۷ـ صد مرتبه بگویید:

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذي جَعَلَ كَمٰالَ دينِهِ وَ تَمٰامَ نِعْمَتِهِ بِوِلاٰيَةِ

ستایش خداوندی را سزاوار است که اکمال دین خود و اتمام نعمتش را در ولایت

أَميرِ الْمُؤْمِنينَ عَلِيِّ بْنِ أَبي طٰالِبٍ عَلَيْهِ السَّلاٰمُ.[1]

علی بن ابی طالب امیر مؤمنان ﷺ قرار دارد.

۸ـ وقت مصافحه با مؤمنین بگویید:

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذي جَعَلَنٰا مِنَ الْمُتَمَسِّكينَ بِوِلاٰيَةِ أَميرِ الْمُؤْمِنينَ

ستایش خدایی را که ما را از گیرندگان دامان ولایت امیرمؤمنان و امامان قرار داد

وَ الْأَئِمَّةِ عَلَيْهِمُ السَّلاٰمُ.[2]

سلام خدا بر ایشان باد.

۹ـ زیارت مخصوصه حضرت امیرالمومنین ﷺ:

از حضرت امام علّی النقی ﷺ نقل شده که زیارت کردند حضرت امیرالمومنین ﷺ را در روز غدیر در آن سالی که معتصم حضرت را طلبیده بود. این زیارت شامل علوم فراوان و ادلهٔ بسیاری است که دلالت بر ولایت و وصایت و سایر فضائل حضرت امیرالمومنین ﷺ دارد، و مستحب است زائر از دور یا نزدیک آن حضرت را زیارت کند. بهترین اوقات، روز غدیر و نزدیک قبر شریف آن حضرت است، مخصوصاً اگر زائر با غسل زیارت و پاکیزه‌ترین لباسها بر در قبّه بایستد و اذن دخول بخواند، و سپس داخل شود و نزدیک ضریح مقدّس و پشت بقبله در برابر ضریح بایستد و بگوید:

۱. بحار الانوار / ۹۸: ۳۲۱ ۲. اقبال / ۴۶۴

اَلسَّلامُ عَلیٰ مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللّٰهِ خاتَمِ النَّبِيِّينَ وَ سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ

سلام بر محمد رسول خدا خاتم پیامبران و سیّد رسولان

وَ صَفْوَةِ رَبِّ الْعالَمِينَ، اَمِينِ اللّٰهِ عَلیٰ وَحْيِهِ وَ عَزائِمِ اَمْرِهِ

و برگزیده پروردگار جهانیان، امین خدا بر وحی او و تصمیمات امرش

وَ الْخاتِمِ لِما سَبَقَ، وَ الْفاتِحِ لِما اسْتُقْبِلَ، وَ الْمُهَيْمِنِ عَلیٰ

و خاتم هر چه پیش بوده، و گشاینده آنچه آید، و مسلّط بر

ذٰلِکَ كُلِّهِ وَ رَحْمَةُ اللّٰهِ وَ بَرَكاتُهُ وَ صَلَواتُهُ وَ تَحِيّاتُهُ، اَلسَّلامُ

همه آنها و رحمت خدا و برکات و صلوات و تحیاتش بر او باد. سلام

عَلیٰ اَنْبِياءِ اللّٰهِ وَ رُسُلِهِ وَ مَلائِكَتِهِ الْمُقَرَّبِينَ وَ عِبادِهِ الصّالِحِينَ،

بر پیامبران خدا و رسولان او و فرشتگان مقرّب و بندگان شایسته او،

اَلسَّلامُ عَلَيْکَ يا اَمِيرَالْمُؤْمِنِينَ وَ سَيِّدَ الْوَصِيِّينَ وَ وارِثَ عِلْمِ

سلام بر تو ای امیرمومنان و سید اوصیاء و وارث دانش

النَّبِيِّينَ وَ وَلِيَّ رَبِّ الْعالَمِينَ وَ مَوْلايَ وَ مَوْلَى الْمُؤْمِنِينَ

پیامبران و ولی پروردگار جهانیان و مولای من و مولای مومنان

وَ رَحْمَةُ اللّٰهِ وَ بَرَكاتُهُ، اَلسَّلامُ عَلَيْکَ يا مَوْلايَ يا اَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ

و رحمت خدا و برکات او بر تو باد. سلام بر تو ای مولای من ای امیرمومنان

يا اَمِينَ اللّٰهِ فِي اَرْضِهِ وَ سَفِيرَهُ فِي خَلْقِهِ وَ حُجَّتَهُ الْبالِغَةَ

ای امین خدا در روی زمین و سفیر او بر خلق و حجت رسای او

عَلیٰ عِبادِهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْکَ يا دِينَ اللّٰهِ الْقَوِيمَ وَ صِراطَهُ

بر بندگانش، سلام بر تو ای دین بر جای خدا و راه

الْمُسْتَقيمَ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ اَيُّهَا النَّبَاُ الْعَظيمُ الَّذي هُمْ فيهِ

راستش، سلام بر تو ای خبر بزرگ که ایشان در آن

مُخْتَلِفُونَ وَ عَنْهُ يُسْئَلُونَ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا اَميرَالْمُؤْمِنينَ

اختلاف کردند و دربارهٔ او بازپرسی شوند، سلام بر تو ای امیرمومنان

اٰمَنْتَ بِاللّٰهِ وَ هُمْ مُشْرِكُونَ، وَ صَدَّقْتَ بِالْحَقِّ وَ هُمْ مُكَذِّبُونَ،

ایمان داشتی به خدا و آنان هنوز مشرک بودند، تصدیق به حق کردی و آنها تکذیب می‌کردند،

وَ جاهَدْتَ وَ هُمْ مُحْجِمُونَ، وَ عَبَدْتَ اللّٰهَ مُخْلِصًا لَهُ الدّينَ

و جهاد می‌کردی و ایشان سرباز می‌زدند، و عبادت خدا کردی با اخلاص در دین

صابِرًا مُحْتَسِبًا حَتّىٰ اَتيٰكَ الْيَقينُ، اَلا لَعْنَةُ اللّٰهِ عَلَى الظّالِمينَ،

و بردبار و خیرخواه تا به یقین رسیدی، لعنت خدا بر ستمکاران،

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا سَيِّدَ الْمُسْلِمينَ وَ يَعْسُوبَ الْمُؤْمِنينَ وَ اِمامَ

سلام بر تو ای سیّد مسلمانان و پیشوای مومنان و امام

الْمُتَّقينَ وَ قائِدَ الْغُرِّ الْمُحَجَّلينَ وَ رَحْمَةُ اللّٰهِ وَ بَرَكاتُهُ، اَشْهَدُ

متقیان و رهبر رو سفیدان و رحمت خدا و برکات او بر تو باد، گواهی می‌دهم

اَنَّكَ اَخُو رَسُولِ اللّٰهِ وَ وَصِيُّهُ وَ وارِثُ عِلْمِهِ وَ اَمينُهُ عَلىٰ

که تو برادر رسول خدا و وصّی او و وارث دانش او هستی، و امین او بر

شَرْعِهِ وَ خَليفَتُهُ في اُمَّتِهِ وَ اَوَّلُ مَنْ اٰمَنَ بِاللّٰهِ وَ صَدَّقَ بِما

شریعتش و خلیفه او در امتش و اوّل کسی که به خدا ایمان آورد و آنچه را نازل شده

اُنْزِلَ عَلىٰ نَبِيِّهِ، وَ اَشْهَدُ اَنَّهُ قَدْ بَلَّغَ عَنِ اللّٰهِ ما اَنْزَلَهُ فيكَ

بر پیامبر تصدیق کرد، و گواهم که پیامبر براستی تبلیغ کرد از طرف خدا آنچه نازل کرد درباره تو

وَ صَدَعَ بِاَمْرِهِ وَ اَوْجَبَ عَلیٰ اُمَّتِهِ فَرْضَ طاعَتِکَ وَ وِلایَتِکَ

و آشکار کرد امرش را و واجب‌کرد بر امتش فرض طاعت و ولایت تو را

وَ عَقَدَ عَلَیْهِمُ الْبَیْعَةَ لَکَ، وَ جَعَلَکَ اَوْلیٰ بِالْمُؤْمِنِینَ مِنْ

و عقد بیعت تو را بر آنها بست. و تو را از مومنان به خودشان

اَنْفُسِهِمْ کَما جَعَلَهُ اللّٰهُ کَذٰلِکَ، ثُمَّ اَشْهَدَ اللّٰهَ تَعالیٰ عَلَیْهِمْ

اولویت داد. چنانچه خدا او را چنان کرد و گواه گرفت خدای تعالی را بر آنان

فَقالَ اَلَسْتُ قَدْ بَلَّغْتُ فَقالُوا اللّٰهُمَّ بَلیٰ، فَقالَ اللّٰهُمَّ اشْهَدْ

و فرمود آیا نرسانیدم؟ گفتند آری به خدا. سپس فرمودند خدایا گواه باش

وَ کَفیٰ بِکَ شَهیدًا وَ حاکِمًا بَیْنَ الْعِبادِ، فَلَعَنَ اللّٰهُ جاحِدَ

و تو گواه و حاکم میان بندگان باشی‌کافی است. پس لعنت خدا بر منکر

وِلایَتِکَ بَعْدَ الْاِقْرارِ وَ ناکِثَ عَهْدِکَ بَعْدَ الْمیثاقِ، وَ اَشْهَدُ

ولایت تو پس از اقرار و بر شکننده عهد تو پس از میثاق، و گواهم

اَنَّکَ وَفَیْتَ بِعَهْدِ اللّٰهِ تَعالیٰ وَ اَنَّ اللّٰهَ تَعالیٰ مُوفٍ لَکَ بِعَهْدِهِ

که تو وفا کردی به عهد خدای تعالی و بدرستیکه خدای بزرگ به عهد خود برای‌تو وفا کند

وَ مَنْ اَوْفیٰ بِما عاهَدَ عَلَیْهُ اللّٰهَ فَسَیُؤْتیهِ اَجْرًا عَظیمًا، وَ اَشْهَدُ

و هرکه وفا کند با آنچه عهد بست بر خدا محققاً پاداشی بزرگ عطا فرماید، و گواهم

أَنَّکَ اَمیرُالْمُؤْمِنینَ الْحَقُّ الَّذی نَطَقَ بِوِلایَتِکَ التَّنْزیلُ،

که تو امیرمومنان بر حقی که قرآن به ولایت تو گویاست،

وَ اَخَذَ لَکَ الْعَهْدَ عَلَی الْاُمَّةِ بِذٰلِکَ الرَّسُولُ، وَ اَشْهَدُ اَنَّکَ

و رسول برای تو بر امّت عهد گرفته است، و گواهم که تو

وَ عَمَّکَ وَ اَخاکَ الَّذینَ تاجَرْتُمُ اللّٰهَ بِنُفُوسِکُمْ فَاَنْزَلَ اللّٰهُ

و عمویت و برادرت‌که‌با جان‌خود باخدا معامله کردید وخدا دربارهٔ‌شما این آیه را

فیکُمْ اِنَّ اللّٰهَ اشْتَرىٰ مِنَ الْمُؤْمِنینَ اَنْفُسَهُمْ وَ اَمْوالَهُمْ بِاَنَّ

نازل کرد. بدرستی خدا از مومنان جان و مالشان را در برابر

لَهُمُ الْجَنَّةَ یُقاتِلُونَ فی سَبیلِ اللّٰهِ فَیَقْتُلُونَ وَعْدًا عَلَیْهِ حَقًّا

بهشت برای آنها خرید آنان که نبرد کنند در راه خدا و بکشند و کشته شوند طبق وعده درست

فِی التَّوْریٰةِ وَ الْاِنْجیلِ وَ الْقُرْانِ وَ مَنْ اَوْفىٰ بِعَهْدِهِ مِنَ اللّٰهِ

در تورات و انجیل و قرآن و هر کس وفا کرد به عهدش از خدا

فَاسْتَبْشِرُوا بِبَیْعِکُمُ الَّذی بایَعْتُمْ بِهِ وَ ذٰلِکَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظیمُ،

پس مژده گیرید به معامله‌ای که انجام داده‌اید و این همان فوز بزرگ است.

التّائِبُونَ الْعابِدُونَ الْحامِدُونَ السّائِحُونَ الرّاکِعُونَ السّاجِدُونَ

توبه‌کاران پرستندگان سپاسگذاران سیاحت کنندگان راکعان ساجدان

الْآمِرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النّاهُونَ عَنِ الْمُنْکَرِ وَ الْحافِظُونَ

آنها که امر بمعروف و نهی از منکر نمایند و حدود خدا را

لِحُدُودِ اللّٰهِ وَ بَشِّرِ الْمُؤْمِنینَ، اَشْهَدُ یا اَمیرَالْمُؤْمِنینَ اَنَّ

نگه داری کنند و مژده بده به مومنان، گواهم ای امیرمومنان که کسی که

الشّاکَّ فیکَ ما امَنَ بِالرَّسُولِ الْاَمینِ وَ اَنَّ الْعادِلَ بِکَ غَیْرَکَ

درباره تو شک کند به رسول امین ایمان نیاورده و کسی که عدول کرده از تو بدیگری

عانِدٌ (عادِلٌ) عَنِ الدّینِ الْقَویمِ الَّذی ارْتَضاهُ لَنا رَبُّ

معاند است از دین درستی که پروردگار جهانیان آنرا برای ما

الْعالَمینَ، وَ اَکْمَلَهُ بِوِلایَتِکَ یَوْمَ الْغَدیرِ وَ اَشْهَدُ اَنَّکَ الْمَعْنِیُّ

پسندید، و با ولایت تو در روز غدیر کاملش کرده است، و گواهم که تو هستی مقصود

بِقَوْلِ الْعَزیزِ الرَّحیمِ وَ اَنَّ هٰذا صِراطی مُسْتَقیمًا فَاتَّبِعُوهُ

خدای عزیز و رحیم در این آیه: که این راه راست من است پس پیروی کنید

وَ لا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِکُمْ عَنْ سَبیلِهِ، ضَلَّ وَ اللّٰهِ وَ اَضَلَّ

و از راه دیگری پیروی نکنید که باعث جدایی‌از راه او می‌شود، و قسم به‌خدا گمراه و گمراه‌کننده است

مَنِ اتَّبَعَ سِواکَ وَ عَنَدَ عَنِ الْحَقِّ مَنْ عاداکَ، اَللّٰهُمَّ سَمِعْنا

کسی که از غیر تو پیروی کند و معاند حق است کسی که دشمن توست، خدایا شنیدیم

لِأَمْرِکَ وَ اَطَعْنا وَ اتَّبَعْنا صِراطَکَ الْمُسْتَقیمَ، فَاهْدِنا رَبَّنا

فرمان تو را و اطاعت کردیم و پیرو راه راست توئیم، پس پروردگارا ما را هدایت کن

وَ لا تُزِغْ قُلُوبَنا بَعْدَ اِذْ هَدَیْتَنا اِلیٰ طاعَتِکَ وَ اجْعَلْنا مِنَ

و دلهای ما را منحرف مکن پس از آنکه ما را بسوی طاعتت راهنمایی کردی و ما را

الشّاکِرینَ لِأَنْعُمِکَ، وَ اَشْهَدُ اَنَّکَ لَمْ تَزَلْ لِلْهَویٰ مُخالِفًا،

شکرگزار نعمت‌هایت قرارده.و گواهم تو همیشه با هوای نفس مخالفت کردی

وَ لِلتُّقیٰ مُحالِفًا، وَ عَلیٰ کَظْمِ الْغَیْظِ قادِرًا، وَ عَنِ النّاسِ عافِیًا

و ملازم پرهیزکاری بودی، و بر کنترل غضب توانا و نسب بمردم گذشت کننده

غافِرًا، وَ اِذا عُصِیَ اللّٰهُ ساخِطًا، وَ اِذا اُطیعَ اللّٰهُ راضِیًا،

و آمرزنده بودی. و گاهیکه نافرمانی خدا میشد خشمناک، و چون طاعت خدا می‌شد راضی،

وَ بِما عَهِدَ اِلَیْکَ عامِلاً راعِیًا لِمَا اسْتُحْفِظْتَ، حافِظًا لِما

و به عهد خود عمل کردی و از آنچه مأمور حفظش بودی مراقبت نمودی، و آنچه بتو سپرده شده‌بود

اسْتُودِعْتَ، مُبَلِّغًا ما حُمِّلْتَ، مُنْتَظِرًا ما وُعِدْتَ، وَ اَشْهَدُ اَنَّکَ

نگهداری کردی، و وظیفهٔ خود را تبلیغ کردی و منتظر وعده بودی، و گواهم باینکه تو از

مَا اتَّقَیْتَ ضارِعًا، وَ لا اَمْسَکْتَ عَنْ حَقِّکَ جازِعًا، وَ لا اَحْجَمْتَ

ضعف تقیه نکردی و از بیتابی دست از حقیقت بازنگرفتی و از جهاد با

عَنْ مُجاهَدَةِ غاصِبیکَ ناکِلاً، وَ لا اَظْهَرْتَ الرِّضیٰ بِخِلافِ

غاصبان حقّت از روی نکول سر نتافتی، و اظهار رضایت بر خلاف

ما یُرْضِی اللّٰهَ مُداهِنًا، وَ لا وَهَنْتَ لِما اَصابَکَ فی سَبیلِ اللّٰهِ،

رضای خدا نکردی و برای آنچه بتو رسید در راه خدا سست نشدی

وَ لا ضَعُفْتَ وَ لا اسْتَکَنْتَ عَنْ طَلَبِ حَقِّکَ مُراقِبًا، مَعاذَ اللّٰهِ

و ناتوان نبودی و بیچاره نشدی از مراقبت در طلب حقّت، پناه بخدا

اَنْ تَکُونَ کَذٰلِکَ، بَلْ اِذْ ظُلِمْتَ احْتَسَبْتَ رَبَّکَ وَ فَوَّضْتَ اِلَیْهِ

اگر تو چنان باشی، بلکه چون ستم شدی خدا را منظور داشتی و کار خود را به او واگذاشتی،

اَمْرَکَ، وَ ذَکَّرْتَهُمْ فَمَا ادَّکَرُوا، وَ وَعَظْتَهُمْ فَمَا اتَّعَظُوا،

و حق را به آنها یاد آوری نمودی ولی آنها متذکر نشدند و به آنها پند دادی امّا پند نگرفتند

وَ خَوَّفْتَهُمُ اللّٰهَ فَما تَخَوَّفُوا، وَ اَشْهَدُ اَنَّکَ یا اَمیرَ الْمُؤْمِنینَ

و، آنها را ترساندی و نترسیدند، و گواهم که‌تو ای امیرمؤمنان

جاهَدْتَ فِی اللّٰهِ حَقَّ جِهادِهِ حَتّٰی دَعاکَ اللّٰهُ اِلیٰ جِوارِهِ،

جهاد کردی در راه خدا چنانچه شایسته بود تا تو را به جوار خود طلبید

وَ قَبَضَکَ اِلَیْهِ بِاخْتِیارِهِ، وَ اَلْزَمَ اَعْدآئَکَ الْحُجَّةَ بِقَتْلِهِمْ اِیّاکَ

و به اختیار خویش ترا قبض روح نمود، و حجت بگردن دشمنانت انداخت که تو را کشتند

لِتَکُونَ الْحُجَّةُ لَکَ عَلَیْهِمْ مَعَ مٰالَکَ مِنَ الْحُجَجِ الْبٰالِغَةِ عَلیٰ
تا حجت تو بر آنها ثابت و ظاهر باشد با آن همه حجت‌های رسا که

جَمیعِ خَلْقِهِ، اَلسَّلاٰمُ عَلَیْکَ یٰا اَمیرَالْمُؤْمِنینَ عَبَدْتَ اللّٰهَ
به همه خلقش داری، سلام بر تو ای امیرمؤمنان خدا را

مُخْلِصًا، وَ جٰاهَدْتَ فِی اللّٰهِ صٰابِرًا، وَ جُدْتَ بِنَفْسِکَ
با اخلاص پرستیدی و در راه خدا بردبار جهاد کردی و جان خود را

مُحْتَسِبًا، وَ عَمِلْتَ بِکِتٰابِهِ، وَ اتَّبَعْتَ سُنَّةَ نَبِیِّهِ، وَ اَقَمْتَ
با خیر اندیشی بخشیدی و به کتاب خدا عمل کردی تابع طریق پیامبرش شدی، و نماز را

الصَّلاٰةَ، وَ اٰتَیْتَ الزَّکٰوةَ، وَ اَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَیْتَ عَنِ
بپا داشتی و زکات دادی و امر به معروف و نهی از

الْمُنْکَرِ، مَا اسْتَطَعْتَ مُبْتَغِیًا مٰا عِنْدَاللّٰهِ رٰاغِبًا فیمٰا وَعَدَ اللّٰهُ،
منکر کردی. تا توانستی برای جستن آنچه نزد خداست مشتاقانه در آنچه خدا وعده داده تلاش کردی،

لاٰ تَحْفِلُ بِالنَّوٰائِبِ، وَ لاٰ تَهِنُ عِنْدَ الشَّدٰائِدِ، وَ لاٰ تُحْجِمُ عَنْ
توجهی بر پیش آمدها نداشتی، و در سختیها سست نشدی، و به هیچ جنگجو

مُحٰارِبٍ، اَفَکَ مَنْ نَسَبَ غَیْرَ ذٰلِکَ اِلَیْکَ وَ افْتَریٰ بٰاطِلاً
پشت نکردی. هر که جز این بتو نسبت داده دروغ گفته و به تو افترای باطل بسته،

عَلَیْکَ، وَ اَوْلیٰ لِمَنْ عَنَدَ عَنْکَ، لَقَدْ جٰاهَدْتَ فِی اللّٰهِ حَقَّ
و در کنار معاند تو نشسته است، به تحقیق جهاد کردی در راه خدا حق

الْجِهٰادِ، وَ صَبَرْتَ عَلَی الْاَذیٰ صَبْرَ احْتِسٰابٍ، وَ اَنْتَ اَوَّلُ
جهاد را، و صبر کردی بر آزار صبر خیر خواهی. و تو اوّل کسی

مَنْ امَنَ بِاللّهِ صَلّىٰ لَهُ وَ جاهَدَ وَ اَبْدىٰ صَفْحَتَهُ فى دارِ
هستی که ایمان بخدا آورد و برای او نماز خواند و جهاد کرد و خود را در دار

الشِّرْکِ وَ الأَرْضُ مَشْحُونَةٌ ضَلالَةً وَ الشَّيْطانُ يُعْبَدُ جَهْرَةً،
شرک آشکار نمود در حالی که زمین پر از گمراهان بود و شیطان در عیان پرستش میشد،

وَ اَنْتَ القائِلُ لا تَزيدُنى كَثْرَةُ النّاسِ حَوْلى عِزَّةً، وَ لا تَفَرُّقُهُمْ
و تو بودی که میگفتی: نه کثرت مردم در اطراف من به عزت افزاید و نه کناره گیری آنها

عَنّى وَحْشَةً، وَ لَوْ اَسْلَمَنِى النّاسُ جَميعًا لَمْ اَكُنْ مُتَضَرِّعًا،
از من وحشتی دارد، و اگر همه مردم مرا واگذارند من زاری نکنم.

اِعْتَصَمْتَ بِاللّهِ فَعَزَزْتَ وَ اٰثَرْتَ الْأٰخِرَةَ عَلَى الْأُولىٰ،
بخدا اعتصام کردی و عزیز شدی و آخرت را بر دنیا برگزیدی

فَزَهِدْتَ وَ اَيَّدَكَ اللّهُ وَ هَداكَ وَ اَخْلَصَكَ وَ اجْتَبٰيكَ، فَما تَناقَضَتْ
و زهد اختیار کردی و خدا تو را کمک، و راهنمائی کرد و خلوص بخشید و برگزید. کارهایت ناقضی

اَفْعالُكَ، وَ لاَ اخْتَلَفَتْ اَقْوالُكَ، وَ لا تَقَلَّبَتْ اَحْوالُكَ،
نداشت، و در گفتار تو اختلافی نبود و احوالت دگرگون نشد

وَ لاَ ادَّعَيْتَ وَ لاَ افْتَرَيْتَ عَلَى اللّهِ كَذِبًا، وَ لا شَرِهْتَ اِلَى
و ادعای ناروا نکردی. و بخدا نسبت دروغ ندادی. و به بهرهٔ دنیا

الْحُطامِ وَ لا دَنَّسَكَ الْأٰثامُ، وَ لَمْ تَزَلْ عَلىٰ بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّكَ
آزمند نشدی. و ترا گناهان آلوده نکردند، و همواره از طرف پروردگارت گواه داشتی

وَ يَقينٍ مِنْ اَمْرِكَ، تَهْدى اِلَى الْحَقِّ وَ اِلىٰ صِراطٍ مُسْتَقيمٍ،
و در کارهای خویش یقین داشتی. بسوی حق و به راه مستقیم هدایت میکردی،

اَشْهَدُ شَهادَةَ حَقٍّ وَ اُقْسِمُ بِاللّٰهِ قَسَمَ صِدْقٍ اَنَّ مُحَمَّداً وَ اٰلَهُ

گواهی به حق می‌دهم و به خدا سوگند یاد کنم سوگند راست که حقیقتاً محمد و خاندانش

صَلَوٰاتُ اللّٰهِ عَلَیْهِمْ سٰادٰاتُ الْخَلْقِ، وَ اَنَّکَ مَوْلاٰیَ وَ مَوْلَی

صلوات الله علیهم سروران مردم هستند، و تونی مولای من و مولای

الْمُؤْمِنِینَ، وَ اَنَّکَ عَبْدُ اللّٰهِ وَ وَلِیُّهُ وَ اَخُو الرَّسُولِ وَ وَصِیُّهُ

مومنان، تو بنده خدا و ولی او و برادر رسول و وصی او

وَ وٰارِثُهُ، وَ اَنَّهُ الْقٰائِلُ لَکَ وَ بَعَثَنِی بِالْحَقِّ مٰا اٰمَنَ بِی مَنْ کَفَرَ

و وارث او هستی، و او دربارهٔ تو فرمود: سوگند به آنکه مرا به حق فرستاده ایمان به من ندارد کسی‌که به تو کافر باشد،

بِکَ، وَ لاٰ اَقَرَّ بِاللّٰهِ مَنْ جَحَدَکَ، وَ قَدْ ضَلَّ مَنْ صَدَّ عَنْکَ

و آنکس منکر تو گشته به خدا اعتقاد ندارد، بتحقیق گمراه‌شد آنکه روی از تو برگردانید.

وَ لَمْ یَهْتَدِ اِلَی اللّٰهِ وَ لاٰ اِلَیَّ مَنْ لاٰ یَهْتَدِی بِکَ، وَ هُوَ قَوْلُ

و راه‌نیافت بسوی خدا و من کسی که به تو راه‌نیافت. و آن گفتار

رَبِّی عَزَّوَجَلَّ وَ اِنِّی لَغَفّٰارٌ لِمَنْ تٰابَ وَ اٰمَنَ وَ عَمِلَ صٰالِحًا

خدای عزیز بزرگ است که: براستی من بسیار آمرزنده‌ام کسی که توبه کند و ایمان آورد و کار شایسته کند

ثُمَّ اهْتَدیٰ اِلیٰ وِلاٰیَتِکَ، مَوْلاٰیَ فَضْلُکَ لاٰ یَخْفیٰ، وَ نُورُکَ

سپس راه یابد بولایت تو، ای مولای من فضل تو پوشیده نیست، و نور تو

لاٰ یُطْفَأُ، وَ اَنَّ مَنْ جَحَدَکَ الظَّلُومُ الْأَشْقیٰ، مَوْلاٰیَ اَنْتَ

هرگز خاموش نشود، و مسلماً هر که منکر تو شود بسیار ستمگر و بدبخت است. مولایم توئی

الْحُجَّةُ عَلَی الْعِبٰادِ، وَ الْهٰادِی اِلَی الرَّشٰادِ، وَ الْعُدَّةُ لِلْمَعٰادِ،

حجّت بر بندگان، و راهنما به راه راست، و ذخیره برای آخرت.

مَوْلايَ لَقَدْ رَفَعَ اللّٰهُ فِي الْأُولىٰ مَنْزِلَتَکَ، وَ اَعْلىٰ فِي الْآخِرَةِ
مولای من حقیقتًا خداوند در دنیا مقام تو را بالا برد و در آخرت درجهٔ تو را اعلی

دَرَجَتَکَ، وَ بَصَّرَکَ مٰا عَمِيَ عَلىٰ مَنْ خٰالَفَکَ وَ حٰالَ بَيْنَکَ
قرار داد. و بینا کرد تو را بدانچه کور است مخالف تو و کسی که بین تو

وَ بَيْنَ مَوٰاهِبِ اللّٰهِ لَکَ، فَلَعَنَ اللّٰهُ مُسْتَحِلِّي الْحُرْمَةِ مِنْکَ،
و موهبتهای خدا بر تو حائل شد. پس خدا لعنت کند آنکس راکه حلال شمرده حرمت تو را

وَ ذٰائِدِي الْحَقِّ عَنْکَ، وَ اَشْهَدُ اَنَّهُمُ الْأَخْسَرُونَ الَّذِينَ تَلْفَحُ
و مانع حق تو شد. و گواهم که آنان زیان کارند و آتش رویشان

وُجُوهَهُمُ النّٰارُ وَ هُمْ فِيهٰا كٰالِحُونَ، وَ اَشْهَدُ اَنَّکَ مٰا اَقْدَمْتَ
را فراگیرد و در دوزخ زشت منظر باشند. و گواهم که تو اقدام نکردی

وَ لٰا اَحْجَمْتَ وَ لٰا نَطَقْتَ وَ لٰا اَمْسَكْتَ اِلّٰا بِاَمْرٍ مِنَ اللّٰهِ
و رو برنگرداندی و نگفتی و خموش نشدی جز بفرمان و دستور خدا

وَ رَسُولِهِ، قُلْتَ وَ الَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَقَدْ نَظَرَ اِلَيَّ رَسُولُ اللّٰهِ
و رسول او، گفتی سوگند بآنکه جانم در دست اوست رسول خدا

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَ اٰلِهِ اَضْرِبُ بِالسَّيْفِ قُدْمًا، فَقٰالَ يٰا عَلِيُّ
صلوات خدا بر او و برخاندان او وقتی‌که شمشیرمی‌زدم‌و پیش میرفتم‌بر من نظرکردو فرمود: ای‌علی

اَنْتَ مِنّي بِمَنْزِلَةِ هٰرُونَ مِنْ مُوسىٰ اِلّٰا اَنَّهُ لٰا نَبِيَّ بَعْدي،
تو برای من بمنزله هارون برای موسی هستی، جز اینکه پیغمبری پس از من نیست،

وَ اُعْلِمُکَ اَنَّ مَوْتَکَ وَ حَيٰوتَکَ مَعي وَ عَلىٰ سُنَّتي، فَوَ اللّٰهِ
و اعلام می‌کنم که مرگ تو و زندگی تو با من و بر سنت من است، بخدا قسم

مٰا كَذَبْتُ، وَ لاٰ كُذِبْتُ وَ لاٰ ضَلَلْتُ وَ لاٰ ضُلَّ بی، وَ لاٰ نَسیتُ

دروغ نگفتم و دروغ نشنیدم، و گمراه نبودم و گمراهم نکردند، و فراموش نکردم

مٰا عَهِدَ اِلَيَّ رَبّي، وَ اَنّي لَعَلىٰ بَيِّنَةٍ مِنْ رَبّي بَيَّنَهٰا لِنَبِيِّهِ، وَ بَيَّنَهٰا

آنچه سفارش داده بمن پروردگار، و من از پروردگارم گواه دارم که به پیغمبرش گفته و او برای من

النَّبِيُّ لي، وَ اِنّي لَعَلَى الطَّريقِ الْواضِحِ اَلْفِظُهُ لَفْظًا، صَدَقْتَ

بیان کرده، و براستی من به راه روشنی میروم که آنرا گلچین کردم، بخدا راست گفتی

وَ اللّٰهِ وَ قُلْتَ الْحَقَّ، فَلَعَنَ اللّٰهُ مَنْ سٰاوٰاكَ بِمَنْ نٰاوٰاكَ وَ اللّٰهُ

و درست گفتی پس لعنت خدا بر کسی که ترا با رقیب تو برابر داشته و خداوند

جَلَّ اسْمُهُ يَقُولُ: هَلْ يَسْتَوِي الَّذينَ يَعْلَمُونَ وَ الَّذينَ

جَلّ اسمه میفرماید: آیا برابرند آنانکه میدانند با آنانکه

لاٰ يَعْلَمُونَ، فَلَعَنَ اللّٰهُ مَنْ عَدَلَ بِكَ مَنْ فَرَضَ اللّٰهُ عَلَيْهِ

نمیدانند، خدا لعنت کند کسی که به حق تو تجاوز کرد آن که خدا ولایت ترا براو

وِلاٰيَتَكَ، وَ اَنْتَ وَلِيُّ اللّٰهِ وَ اَخُو رَسُولِهِ وَ الذّٰابُّ عَنْ دينِهِ،

واجب کرد، و تو ولی خدا و برادر رسول خداو دفاع کننده از دین او هستی،

وَ الَّذي نَطَقَ الْقُرْاٰنُ بِتَفْضيلِهِ، قٰالَ اللّٰهُ تَعٰالىٰ: وَ فَضَّلَ اللّٰهُ

و آن کسی هستی که قرآن به برتری او گویاست، خدای متعال فرموده: و خداوند

الْمُجٰاهِدينَ عَلَى الْقٰاعِدينَ اَجْرًا عَظيمًا دَرَجٰاتٍ مِنْهُ

مجاهدان را به بر جای ماندگان با پاداشی بزرگ و درجاتی از طرف خود

وَ مَغْفِرَةً وَ رَحْمَةً وَ كٰانَ اللّٰهُ غَفُورًا رَحيمًا، وَ قٰالَ اللّٰهُ تَعٰالىٰ:

و آمرزش و رحمت‌برتری داد و خدا آمرزندهو مهربان است. و خدای بزرگ فرموده:

اَجَعَلْتُمْ سِقايَةَ الْحاجِّ وَ عِمارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرامِ كَمَنْ آمَنَ

آیا شما آب دادن به حاجیان و آباد کردن مسجد الحرام را مثل کار کسی که ایمان

بِاللّٰهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ جاهَدَ في سَبيلِ اللّٰهِ لا يَسْتَوُنَ عِنْدَ اللّٰهِ

بخدا و روز قیامت دارد و در راه خدا جهاد کرد می‌دانید؟ نزد خدا مساوی و برابر نیستند

وَ اللّٰهُ لا يَهْدِي الْقَوْمَ الظّالِمينَ، اَلَّذينَ آمَنُوا وَ هاجَرُوا

و خدا ستمکاران راهدایت نکند. آنانکه ایمان آوردند و مهاجرت

وَ جاهَدُوا في سَبيلِ اللّٰهِ بِاَمْوالِهِمْ وَ اَنْفُسِهِمْ اَعْظَمُ دَرَجَةً

و مجاهدت کردند در راه خدا بامالها و جانهای خودشان نزد خدا درجهٔ

عِنْدَ اللّٰهِ وَ اُولٰئِكَ هُمُ الْفائِزُونَ يُبَشِّرُهُمْ رَبُّهُمْ بِرَحْمَةٍ مِنْهُ

بزرگتری دارند و آنان همان رستگارانند پروردگارشان آنها را مژده دهد برحمت خود

وَ رِضْوانٍ وَ جَنّاتٍ لَهُمْ فيها نَعيمٌ مُقيمٌ خالِدينَ فيها اَبَداً اِنَّ

و خوشنودی و بهشت‌هائی که برایشان نعمت پایدار است که در آن همیشه جاوید باشند زیرا

اللّٰهَ عِنْدَهُ اَجْرٌ عَظيمٌ، اَشْهَدُ اَنَّكَ الْمَخْصُوصُ بِمِدْحَةِ اللّٰهِ

پاداش و اجر بزرگ نزد خداست، گواهم که تو شایستهٔ مدح خدا

الْمُخْلِصُ لِطاعَةِ اللّٰهِ، لَمْ تَبْغِ بِالْهُدىٰ بَدَلًا، وَ لَمْ تُشْرِكْ

و مخلص در طاعت خدا هستی، چیزی بجای هدایت بر نگزیدی و کسی را شریک

بِعِبادَةِ رَبِّكَ اَحَدًا، وَ اَنَّ اللّٰهَ تَعالىٰ اسْتَجابَ لِنَبِيِّهِ صَلَّى اللّٰهُ

پروردگارت نساختی، و گواهم که خدای تعالی دعای پیامبرش را صلوات خدا

عَلَيْهِ وَ آلِهِ فيكَ دَعْوَتَهُ، ثُمَّ اَمَرَهُ بِاِظْهارِ ما اَوْلاكَ لِاُمَّتِهِ

بر او و خاندان او درباره تو مستجاب کرد، سپس باو دستور داد آن مقامی که بتو داده برای امتش اظهار کند

اِعْلاٰءً لِشَاْنِکَ وَ اِعْلاٰنًا لِبُرْهاٰنِکَ وَ دَحْضًا لِلْأَباٰطِیلِ وَ قَطْعًا

تا شأن تو را بالا برد و برهان تو را اعلان کند و اباطیل را ببرد و عذرها را

لِلْمَعاٰذِیرِ، فَلَمّٰا اَشْفَقَ مِنْ فِتْنَةِ الْفاٰسِقِینَ وَ اتَّقیٰ فِیکَ

بر طرف کند، و چون از ترس آشوب و فتنه نابکاران و منافقان تقیّه کرد

الْمُناٰفِقِینَ اَوْحیٰ اِلَیْهِ رَبُّ الْعاٰلَمِینَ، یاٰ اَیُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ

پروردگار جهانیان بسوی او وحی کرد؛ ای رسول برسان و تبلیغ کن

مٰا اُنْزِلَ اِلَیْکَ مِنْ رَبِّکَ وَ اِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمٰا بَلَّغْتَ رِساٰلَتَهُ

آنچه رانازل شده بسوی تو از جانب پروردگارت و اگر انجام ندهی تبلیغ رسالت او نکردی

وَ اللّٰهُ یَعْصِمُکَ مِنَ النّٰاسِ، فَوَضَعَ عَلیٰ نَفْسِهِ اَوْزاٰرَ الْمَسِیرِ

و خدا تورا از مردم‌نگه میدارد،پس رنج سفر را بر خود هموار کرد

وَ نَهَضَ فِی رَمْضاٰءِ الْهَجِیرِ، فَخَطَبَ وَ اَسْمَعَ وَ ناٰدیٰ فَاَبْلَغَ،

و در نیمهٔ روز سوزان بپاخاست، در ضمن خطبه مطالبی به سمع مردم رساند و فریاد زد و ابلاغ نمود

ثُمَّ سَئَلَهُمْ اَجْمَعَ فَقاٰلَ: هَلْ بَلَّغْتُ؟ فَقاٰلُوا اللّٰهُمَّ بَلیٰ، فَقاٰلَ:

و سپس از همه پرسید و گفت: آیا تبلیغ کردم؟ گفتند: به خدا قسم بله، سپس فرمود:

اللّٰهُمَّ اشْهَدْ، ثُمَّ قاٰلَ: اَلَسْتُ اَوْلیٰ بِالْمُؤْمِنِینَ مِنْ اَنْفُسِهِمْ؟

خدایا گواه باش، سپس فرمود: آیا من سزاوارتر نیستم به مؤمنان از خودشان؟

فَقاٰلُوا بَلیٰ، فَاَخَذَ بِیَدِکَ وَ قاٰلَ: مَنْ کُنْتُ مَوْلاٰهُ فَهٰذاٰ عَلِیٌّ

سپس همه گفتند آری، پس گرفت دست ترا و فرمود: هر کس من مولای او هستم این علی

مَوْلاٰهُ، اللّٰهُمَّ واٰلِ مَنْ واٰلاٰهُ وَ عاٰدِ مَنْ عاٰداٰهُ وَ انْصُرْ مَنْ نَصَرَهُ

مولای اوست، خدایا دوست دار هرکه دوستش دارد و یاری کن هر که یاریش کند

وَ اخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُ، فَما امَنَ بِما اَنْزَلَ اللّٰهُ فیکَ عَلیٰ نَبِیِّهِ اِلّا
و واگذار هر که او را واگذارد. ولی به آنچه خدا نازل کرد دربارهٔتو بر پیغمبرش جز

قَلیلٌ، وَ لا زادَ اَکْثَرَهُمْ غَیْرَ تَخْسیرٍ، وَ لَقَدْ اَنْزَلَ اللّٰهُ تَعالیٰ
اندکی ایمان نیاوردند، و بیشتر آنها را جز زیان نیفزود، و هرآینه‌خداوند از پیش

فیکَ مِنْ قَبْلُ وَ هُمْ کارِهُونَ: یآ اَیُّهَا الَّذینَ امَنُوا مَنْ یَرْتَدَّ
این آیه را دربارهٔتو نازل فرمودباآنکه آنان کراهت‌داشتند؛ ای کسانی که ایمان آوردید هر نفر

مِنْکُمْ عَنْ دینِهِ فَسَوْفَ یَأْتِی اللّٰهُ بِقَوْمٍ یُحِبُّهُمْ وَ یُحِبُّونَهُ اَذِلَّةٍ
شما از دین خود برگردد بزودی خدا مردمی را بیاورد که دوستشان دارد و آنان خدا را دوست دارند.

عَلَی الْمُؤْمِنینَ اَعِزَّةٍ عَلَی الْکافِرینَ یُجاهِدُونَ فی سَبیلِ اللّٰهِ
با مومنان فروتن هستند و بر کافران سر فرازند در راه‌خدا جهاد کنند و از سرزش

وَ لا یَخافُونَ لَوْمَةَ لائِمٍ ذٰلِکَ فَضْلُ اللّٰهِ یُؤْتیهِ مَنْ یَشآءُ
ملامت‌کنندگان هراس ندارند. اینّ فضل خداست بهر که خواهد عطا می‌کند

وَ اللّٰهُ واسِعٌ عَلیمٌ اِنَّما وَلِیُّکُمُ اللّٰهُ وَ رَسُولُهُ وَ الَّذینَ امَنُوا
و خدا وسعت دهنده و داناست همانا خدا و رسول ولی شما است و کسانیکه ایمان آوردند

الَّذینَ یُقیمُونَ الصَّلٰوةَ وَ یُؤْتُونَ الزَّکٰوةَ وَ هُمْ راکِعُونَ وَ مَنْ
آنانکه نماز را بر پا دارند و زکات را در حال رکوع بدهند و هر کس

یَتَوَلَّ اللّٰهَ وَ رَسُولَهُ وَالَّذینَ امَنُوا فَاِنَّ حِزْبَ اللّٰهِ هُمُ الْغالِبُونَ،
دوستی کند با خدا و رسول خدا و آنان که ایمان دارند براستی حزب خدا هستند و آنان پیروزند.

رَبَّنا امَنّا بِمآ اَنْزَلْتَ وَ اتَّبَعْنَا الرَّسُولَ فَاکْتُبْنا مَعَ الشّاهِدینَ رَبَّنا
پروردگارا ما به آنچه نازل کردی ایمان آوردیم و از رسول پیروی کردیم پس ما را با شاهدان قرار ده، پروردگارا

لاٰ تُزِغْ قُلُوبَنٰا بَعْدَ اِذْ هَدَيْتَنٰا وَ هَبْ لَنٰا مِنْ لَدُنْکَ رَحْمَةً اِنَّکَ

دل‌ما راپس‌از هدایت‌کردن منحرف‌مکن وما را ازنزد خودت‌رحمتی‌ببخش زیرا

اَنْتَ الْوَهّٰابُ، اللّٰهُمَ اِنّٰا نَعْلَمُ اَنَّ هٰذٰا هُوَ الْحَقُّ مِنْ عِنْدِکَ،

تو بسیار بخشنده‌ای، خدایا ما میدانیم این همان حق است از نزد تو،

فَالْعَنْ مَنْ عٰارَضَهُ وَ اسْتَكْبَرَ وَ كَذَّبَ بِهِ وَ كَفَرَ، وَ سَيَعْلَمُ الَّذينَ

پس هرکه را با آن معارضه کند و تکبّر و تکذیب کند و کافر شود لعنت کن، و بزودی بدانند آنانکه

ظَلَمُوا اَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ، السَّلاٰمُ عَلَيْکَ يٰا اَميرَالْمُؤْمِنينَ

ستم کردند چه سرانجامی دارند، سلام بر تو ای امیر مؤمنان

وَ سَيِّدَ الْوَصِيّينَ وَ اَوَّلَ الْعٰابِدينَ وَ اَزْهَدَ الزّٰاهِدينَ وَ رَحْمَةُ

و سید اوصیا و اوّلین عابدان و زاهدترین زاهدان، و رحمت

اللّٰهِ وَ بَرَكٰاتُهُ وَ صَلَوٰاتُهُ وَ تَحِيّٰاتُهُ، اَنْتَ مُطْعِمُ الطَّعٰامِ عَلىٰ

خدا و برکات و صلوات و درودهای او بر تو باد تونی آنکه برای دوستی او

حُبِّهِ مِسْكينًا وَ يَتيمًا وَ اَسيرًا لِوَجْهِ اللّٰهِ لاٰ تُريدُ مِنْهُمْ جَزٰاءً

مسکین و یتیم و اسیر را برای رضای خدا طعام دادی و از آنها پاداش

وَ لاٰ شُكُورًا، وَ فيکَ اَنْزَلَ اللّٰهُ تَعٰالىٰ: وَ يُؤْثِرُونَ عَلىٰ

و قدردانی نخواستی، و درباره تو خدای بزرگ این آیه را فرستاد: و مقدم دارند بر

اَنْفُسِهِمْ وَ لَوْكٰانَ بِهِمْ خَصٰاصَةٌ وَ مَنْ يُوقَ شُحَّ نَفْسِهِ فَاُولٰئِکَ

خودشان و اگر چه سخت گرسنه و پریشان باشند و هر که پرهیز کند از بخل پس آنان

هُمُ الْمُفْلِحُونَ، وَ اَنْتَ الْكٰاظِمُ لِلْغَيْظِ وَ الْعٰافي عَنِ النّٰاسِ

همان رستگاران هستند، و تو فرو برندهٔ خشم و عفو کنندهٔ مردم هستی

وَ اللّٰهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ، وَ اَنْتَ الصّٰابِرُ فِي الْبَأْسٰاءِ وَ الضَّرّٰاءِ

و خدا نیکوکاران را دوست دارد، و تو در تندرستی و سختی و در هنگام نبرد

وَ حِينَ الْبَأْسِ، وَ اَنْتَ الْقٰاسِمُ بِالسَّوِيَّةِ وَ الْعٰادِلُ فِي الرَّعِيَّةِ

شکیبا هستی، و تو تقسیم کننده برابر و مساوی و عدالت گستر دربارهٔ رعیت

وَ الْعٰالِمُ بِحُدُودِ اللّٰهِ مِنْ جَمِيعِ الْبَرِيَّةِ، وَ اللّٰهُ تَعٰالىٰ اَخْبَرَ

و داناتر به حدود خدا از همه مردم هستی، و خدای بزرگ خبر داده

عَمّٰا اَوْلاٰكَ مِنْ فَضْلِهِ بِقَوْلِهِ: اَفَمَنْ كٰانَ مُؤْمِنًا كَمَنْ كٰانَ فٰاسِقًا

از آنچه به تو عطانموده از فضل خود با این آیه: آیاکسی که مومن است چون کسی باشد که فاسق است؟!

لاٰ يَسْتَوُونَ اَمَّا الَّذِينَ اٰمَنُوا وَ عَمِلُوا الصّٰالِحٰاتِ فَلَهُمْ جَنّٰاتُ

برابر نیستند امّا آن کسانی که ایمان آوردند و کار شایسته کردند پس بهشت

الْمَأْوىٰ نُزُلاً بِمٰا كٰانُوا يَعْمَلُونَ، وَ اَنْتَ الْمَخْصُوصُ بِعِلْمِ

جایگاه آنهاست بدانچه که در دنیا عمل کردند، و تونی مخصوص به علم

التَّنْزِيلِ وَ حُكْمِ التَّأْوِيلِ وَ نَصِّ الرَّسُولِ وَ لَكَ الْمَوٰاقِفُ

تنزیل و احکام تأویل قرآن و به نصّ رسول و از آن توست جایگاه

الْمَشْهُودَةُ وَ الْمَقٰامٰاتُ الْمَشْهُورَةُ وَ الْاَيّٰامُ الْمَذْكُورَةُ يَوْمَ بَدْرٍ

عیان و مقامات نمایان و یاد آور روزهای به یاد ماندنی روز بدر «جنگ»

وَ يَوْمَ الْاَحْزٰابِ وَ اِذْ زٰاغَتِ الْاَبْصٰارُ وَ بَلَغَتِ الْقُلُوبُ

و روز احزاب در وقتیکه چشمها خیره شدند و جانها

الْحَنٰاجِرَ وَ تَظُنُّونَ بِاللّٰهِ الظُّنُونٰا هُنٰالِكَ ابْتُلِيَ الْمُؤْمِنُونَ

بر لب رسیدند و گمانهایی به خدا بردید آنجا بود که مؤمنان آزمایش شدند

وَ زُلْزِلُوا زِلْزالاً شَدیدًا وَ اِذْ یَقُولُ الْمُنافِقُونَ وَ الَّذینَ فی
و لرزشی سخت گرفتند و هنگامیکه منافقان و کسانیکه

قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ ما وَعَدَنَا اللّٰهُ وَ رَسُولُهُ اِلاّ غُرُورًا، وَ اِذْ قالَتْ
دلشان بیمار بود گفتند: خدا و رسولش جز به فریب به ما وعده ندادند، و آن گاه که گروهی

طائِفَةٌ مِنْهُمْ یا اَهْلَ یَثْرِبَ لا مُقامَ لَکُمْ فَارْجِعُوا وَ یَسْتَأْذِنُ
از آنها گفتند: ای اهل یثرب اینجا پایگاه شما نیست پس بر گردید به شهر

فَریقٌ مِنْهُمُ النَّبِیَّ یَقُولُونَ: اِنَّ بُیُوتَنا عَوْرَةٌ وَ ما هِیَ بِعَوْرَةٍ اِنْ
و دسته‌ای از آنها از پیامبر اجازه می‌گرفتند و می‌گفتند: خانه‌های ما بی‌پناه است و آنها بی‌پناه نبودند

یُریدُونَ اِلّا فِرارًا، وَ قالَ اللّٰهُ تَعالیٰ: وَ لَمّا رَاَی الْمُؤْمِنُونَ
و جز فرار قصدی نداشتند و خدای تعالی فرمود: و چون مؤمنان احزاب را

الْأَحْزابَ قالُوا: هٰذا ما وَعَدَنَا اللّٰهُ وَ رَسُولُهُ وَ صَدَقَ اللّٰهُ
مشاهده کردند گفتند: این‌است آنچه خدا و رسولش وعده دادند و راست گفت خدا

وَ رَسُولُهُ، وَ مازادَهُمْ اِلّا ایمانًا وَ تَسْلیمًا، فَقَتَلْتَ عَمْرَهُمْ،
و رسولش، و آنها را جز ایمان و تسلیم نیفزود. پس تو پهلوان آنها راهلاک کردی،

وَ هَزَمْتَ جَمْعَهُمْ، وَ رَدَّ اللّٰهُ الَّذینَ کَفَرُوا بِغَیْظِهِمْ لَمْ یَنالُوا
و لشکر آنها را شکست دادی و خدا کافران را به خشم آنان بر گردانید

خَیْرًا، وَ کَفَی اللّٰهُ الْمُؤْمِنینَ الْقِتالَ، وَ کانَ اللّٰهُ قَوِیًّا عَزیزًا،
به خیری نرسیدند، و خدا نبرد و جنگ مؤمنان را کفایت کرد، و خدا بسیار توانا و عزیز است،

یَوْمَ اُحُدٍ اِذْ یُصْعِدُونَ وَ لا یَلْوُنَ عَلیٰ اَحَدٍ وَ الرَّسُولُ
و روز اُحد هنگامیکه بالای کوه فرار می‌کردند و به کسی توجه نمی‌کردند و رسول خدا

يَدْعُوهُمْ فِي اُخْرِيهِمْ وَ اَنْتَ تَذُودُ بُهَمَ الْمُشْرِكِينَ عَنِ

از دنبال آنها فرياد مى‌زد و تو گروههای در هم مشرکين را از

النَّبِيِّ ذَاتَ الْيَمِينِ وَ ذَاتَ الشِّمالِ، حَتّى رَدَّهُمْ اللّٰهُ تَعالىٰ

پيامبر به راست و چپ پس مى‌راندى، تا خداى تعالى

عَنْكُما خائِفِينَ وَ نَصرَ بِكَ الْخاذِلِينَ، وَ يَوْمَ حُنَيْنٍ عَلىٰ ما نَطَقَ

آنها را از شما ترسان بازگرداند و بتو خاذلان رايارى كرد، و روز حنين بر طبق گفته

بِهِ التَّنْزِيلُ اِذْ اَعْجَبَتْكُمْ كَثْرَتُكُمْ فَلَمْ تُغْنِ عَنْكُمْ شَيْئًا وَ ضاقَتْ

قرآن هنگامى كه از كثرت جمعيت مغرور شديد و سودى براى شما نداشت و زمين با همه

عَلَيْكُمْ الْأَرْضُ بِما رَحُبَتْ ثُمَّ وَلَّيْتُمْ مُدْبِرِينَ، ثُمَّ اَنْزَلَ اللّٰهُ

وسعتى كه داشت بر شما تنگ آمد سپس تن به فرار داديد، سپس خدا

سَكِينَتَهُ عَلىٰ رَسُولِهِ وَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ، وَ الْمُؤْمِنُونَ اَنْتَ

آرامش خود را بر رسول خدا و بر مومنان فرو فرستاد ومؤمنان (در اين آيه)تو بودى

وَ مَنْ يَلِيكَ وَ عَمُّكَ الْعَبّاسُ يُنادِي، الْمُنْهَزِمِينَ يا اَصْحابَ

و همراهان تو و عمويت عباس، كه فرياد ميزد بر فراريان اى ياران

سُورَةِ الْبَقَرةِ يا اَهْلَ بَيْعَةِ الشَّجَرَةِ، حَتّى اسْتَجابَ لَهُ قَوْمٌ

سورهٔ بقره اى اهل بيعت شجره، تا جمعى او را اجابت كردند

قَدْ كَفَيْتَهُمْ الْمُؤْنَةُ وَ تَكَفَّلْتَ دُونَهُمُ الْمَعُونَةَ، فَعادُوا آيِسِينَ

و تو خود رنج آنها را كفايت كردى و هزينهٔ آنها را كفالت نمودى، پس برگشتند نوميدانه

مِنَ الْمَثُوبِةِ، راجِينَ وَعْدَا اللّٰهِ تَعالىٰ بِالتَّوْبَةِ، وَ ذٰلِكَ قَوْلُ

از ثواب جهاد، و اميدوار به وعده خداى تعالى به توبه، و اين است مقصود گفته

اللّٰهِ جَلَّ ذِكْرُهُ؛ ثُمَّ يَتُوبُ اللّٰهُ مِنْ بَعْدِ ذٰلِكَ عَلىٰ مَنْ يَشاءُ

خدا جلّ ذکره: سپس خدا توبه را از هر که خواست پذیرفت

وَ اَنْتَ حائِزٌ دَرَجَةَ الصَّبْرِ فائِزٌ بِعَظيمِ الْأَجْرِ، وَ يَوْمَ خَيْبَرَ اِذْ

و تو دارای درجهٔ صبر بودی و بهره‌مند و کامیاب به اَجر بزرگ، و روز خیبر هنگامی که

اَظْهَرَ اللّٰهُ خَوَرَ الْمُنافِقينَ وَ قَطَعَ دابِرَ الْكافِرينَ، وَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ

خدا سستی منافقان را آشکار و دنباله کفّار را قطع کرد، و سپاس مخصوص

رَبِّ الْعالَمينَ، وَ لَقَدْ كانُوا عاهَدُوا اللّٰهَ مِنْ قَبْلُ لا يُوَلُّونَ

خدای جهانیان است. و پیش از آن با خدا پیمان بسته بودند که فرار

الْأَدْبارَ، وَ كانَ عَهْدُ اللّٰهِ مَسْئُولاً، مَوْلايَ اَنْتَ الْحُجَّةُ الْبالِغَةُ

نکنند، و از پیمان خدا سئوال خواهند شد، سرورم تونی حجت بالغه خدا

وَ الْمَحَجَّةُ الْواضِحَةُ وَ النِّعْمَةُ السّابِغَةُ وَ الْبُرْهانُ الْمُنيرُ،

و راه روشن و نعمت شایان و برهان آشکار،

فَهَنيئًا لَكَ بِما اٰتيكَ اللّٰهُ مِنْ فَضْلٍ وَ تَبًّا لِشانِئِكَ ذِي الْجَهْلِ،

پس آن فضلیت که خدا بتو داده از فضل گوارا بادٌ و دست ملامت کنندهٔ نادان تو بریده‌باد،

شَهِدْتَ مَعَ النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَ اٰلِهِ جَميعَ حُرُوبِهِ

با پیغمبر صلی اللّه علیه و آله در تمام جنگها

وَ مَغازيهِ تَحْمِلُ الرّايَةَ اَمامَهُ وَ تَضْرِبُ بِالسَّيْفِ قُدّامَهُ، ثُمَّ

و غزواتش حاضر بودی. پیشاپیش او حامل پرچم بودی و شمشیر می‌زدی، سپس

لِحَزْمِكَ الْمَشْهُورِ وَ بَصيرَتِكَ فِي الْأُمُورِ اَمَّرَكَ فِي الْمَواطِنِ

برای کاردانی معروف و بصیرت در امور ترا فرمانده جبهه‌ها کرد

وَ لَمْ يَكُنْ عَلَيْكَ اَميرٌ، وَ كَمْ مِنْ اَمْرٍ صَدَّكَ عَنْ اِمْضاءِ

و بر تو امیری نگماشت، و چه کارها که تقوی مانع تو از

عَـزْمِكَ فيهِ التُّـقىٰ وَ اتَّـبَعَ غَيْرُكَ في مِثْلِهِ الْهَوىٰ، فَظَنَّ

انجام دادنش بود و دیگری در آن موضع از هوای نفس پیروی می‌کرد، و مردم نادان

الْجاهِلُونَ اَنَّكَ عَجَزْتَ عَمّا اِلَيْهِ انْتَهىٰ، ضَلَّ وَ اللّٰهِ الظّانُّ

گمان بردند که تو عاجزی از آنکه کارت بآن منتهی شود. به خدا هر که چنین‌گمان برد

لِذٰلِكَ وَ مَا اهْتَدىٰ، وَ لَقَدْ اَوْضَحْتَ ماۤ اَشْكَلَ مِنْ ذٰلِكَ لِمَنْ

گمراه شد و هدایت نیافت، و بتحقیق توضیح دادی این مشکل را برای کسی که

تَوَهَّمَ وَ امْتَرىٰ بِقَوْلِكَ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْكَ، قَدْ يَرَى الْحُوَّلُ

توهم کرد و در گفتارت تردید داشت صلوات خدا بر تو باد، گاهی چاره جو و چرخاننده

الْقُلَّبُ وَجْهَ الْحيلَةِ وَ دُونَها حاجِزٌ مِنْ تَقْوَى اللّٰهِ فَيَدَعُها

امور راه نیرنگ را ببیند ولی تقوای خدا مانع او است و دانسته

رَاْيَ الْعَيْنِ، وَ يَنْتَهِزُ فُرْصَتَها مَنْ لا حَريجَةَ لَهُ فِي الدّينِ،

آنرا رها کند، و اما کسی که مانع دین برای خود نداند فرصت‌طلبی کند.

صَدَقْتَ وَ خَسِرَ الْمُبْطِلُونَ، وَ اِذْ ماكَرَكَ النّاكِثانِ فَقالا: نُريدُ

راست گفتی به خدا بیهوده سرایان زیان کارند، و چون آن دو پیمان شکن نیرنگ باختند گفتند: قصد

الْعُمْرَةَ، فَقُلْتَ لَهُما: لَعَمْرُكُما ما تُريدانِ الْعُمْرَةَ، لٰكِنْ تُريدانِ

عمره داریم سپس گفتی بآن دونفر: بجان شما قصد عمره ندارید، ولی قصد

الْغَدْرَةَ، فَاَخَذْتَ الْبَيْعَةَ عَلَيْهِما وَ جَدَّدْتَ الْميثاقَ، فَجَدّا

پیمان شکنی دارید! سپس از آن دو نفر بیعت گرفتی و تجدید پیمان نمودی، اما

فِی النِّفاقِ، فَلَمّا نَبَّهْتَهُما عَلیٰ فِعْلِهِما، اَغْفَلا وَ عادا

نفاق ورزیدند، و چون بکار خود آگاهشان کردی غفلت ورزیدند و برگشتند

وَ مَا انْتَفَعا وَ کانَ عاقِبَةُ اَمْرِهِما خُسْرًا، ثُمَّ تَلا هُما اَهْلُ الشّامِ

و سودی نبردند و سرانجام آنها زیان شد!! سپس اهل شام دنبال آنها آمدند

فَسِرْتَ اِلَیْهِمْ بَعْدَ الْأِعْذارِ وَ هُمْ لا یَدینُونَ دینَ الْحَقِّ

و پس از اتمام حجة بسوی آنها لشکر کشی کردی آنان که دین درستی نداشتند

وَ لا یَتَدَبَّرُونَ الْقُرْانَ هَمَجٌ رَعاعٌ ضالُّونَ، وَ بِالَّذی اُنْزِلَ

و اندیشه‌ای در قرآن نمیکردند همانند پشهٔ جلوی باد گمراه بودند، و بدانچه

عَلیٰ مُحَمَّدٍ فیکَ کافِرُونَ، وَ لِأَهْلِ الْخِلافِ عَلَیْکَ ناصِرُونَ،

بر محمّد صلی‌الله علیه وآله نازل شده‌بود درباره تو کافربودند و مخالفان تو را یاری می‌کردند.

اَمَرَ اللّٰهُ تَعالیٰ بِاتِّباعِکَ وَ نَدَبَ الْمُؤْمِنینَ اِلیٰ نَصْرِکَ، قالَ

خدای بزرگ به پیروی تو دستور داده‌بود و مؤمنان را به‌یاری تو دعوت‌کرده بود.

عَزَّوَجَلَّ: یا اَیُّهَا الَّذینَ امَنُوا اتَّقُوا اللّٰهَ وَ کُونُوا مَعَ الصّادِقینَ،

و خدای عزیز و بزرگ فرمود: ای کسانی که ایمان آورده‌اید پرهیزکار باشید و با راست گویان باشید،

مَوْلایَ بِکَ ظَهَرَ الْحَقُّ وَ قَدْ نَبَذَهُ الْخَلْقُ وَ اَوْضَحْتَ السُّنَنَ

مولای من بوسیله تو حق آشکار شد و حال آنکه مردم حق را کنار زده بودند سنّتها را پس

بَعْدَ الدُّرُوسِ وَ الطَّمْسِ، فَلَکَ سابِقَةُ الْجِهادِ عَلیٰ تَصْدیقِ

از کهنه شدن و نابودی آشکار کردی. پس به گواهی قرآن سابقه جهاد از

التَّنْزیلِ، وَ لَکَ فَضیلَةُ الْجِهادِ عَلیٰ تَحْقیقِ التَّأْویلِ، وَ عَدُوُّکَ

آن توست. و حقیقتاً فضیلت جهاد برای توست و دشمن تو

عَدُوُّ اللّٰهِ، جاحِدٌ لِرَسُولِ اللّٰهِ، يَدْعُو باطِلاً وَ يَحْكُمُ جائِرًا

دشمن خدا و منکر رسول خداست، و به باطل دعوت کند و به خلاف و جور حکم کند

وَ يَتَأَمَّرُ غاصِبًا وَ يَدْعُوا حِزْبَهُ اِلَى النّارِ، وَ عَمّارٌ يُجاهِدُ

و غاصبانه حکومت کند و حزب خود رابه‌جهنّم بخواند، ولی عمّار یاسر جهادمیکرد

وَ يُنادي بَيْنَ الصَّفَّيْنِ: الرَّواحَ الرَّواحَ اِلَى الْجَنَّةِ، وَ لَمّا

میان دو صف فریاد می‌زد: کوچ کوچ بسوی بهشت، و چون

اسْتَسْقىٰ فَسُقِيَ اللَّبَنَ كَبَّرَ وَ قالَ: قالَ لي رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى

آب خواست پس شیر نوشید و تکبیر گفت و فرمود: رسول خدا صلّی‌الله

اللّٰهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ: آخِرُ شَرابِكَ مِنَ الدُّنْيا ضَياحٌ مِنْ لَبَنٍ

علیه و آله برایم فرمود: آخرین نوشیدنت از دنیا جرعه‌ای شیر است

وَ تَقْتُلُكَ الْفِئَةُ الْباغِيَةُ، فَاعْتَرَضَهُ اَبُو الْعادِيَةِ الْفَزارِيُّ فَقَتَلَهُ،

و ترا گروه ستمکاران بکشند. «ابوالعادیه فزازی» جلوی راهش در آمد و او را کشت!!

فَعَلىٰ اَبِي الْعادِيَةِ لَعْنَةُ اللّٰهِ وَ لَعْنَةُ مَلائِكَتِهِ وَ رُسُلِهِ اَجْمَعِينَ،

پس لعنت خدا و لعنت فرشتگان او و همه پیامبران بر «ابو العادیه»

وَ عَلىٰ مَنْ سَلَّ سَيْفَهُ عَلَيْكَ وَ سَلَلْتَ سَيْفَكَ عَلَيْهِ يا اَميرَالْمُؤْمِنينَ

و بر کسی که شمشیر بر تو کشید، و کسی که تو شمشیر بر او کشیدی ای امیرمؤمنان

مِنَ الْمُشْرِكينَ وَ الْمُنافِقينَ اِلىٰ يَوْمِ الدّينِ، وَ عَلىٰ مَنْ رَضِيَ

از مشرکان و منافقان تا روز قیامت، و بر هر که ستم را

بِما ساءَكَ وَ لَمْ يَكْرَهْهُ وَ اَغْمَضَ عَيْنَهُ وَ لَمْ يُنْكِرْ اَوْ اَعانَ

بر تو پسندید و بدش نمیداشت و چشم پوشی کرد و انکار نکرد یا

عَلَیْکَ بِیَدٍ اَوْ لِسٰانٍ اَوْ قَعَدَ عَنْ نَصْرِکَ اَوْ خَذَلَ عَنِ الْجِهٰادِ

بر علیه تو کمک کرد با دست یا بازبان یا از یاریت دست‌کشید یا از جهاد در کنار تو

مَـعَکَ اَوْ غَمَطَ فَضْلَکَ وَ جَحَدَ حَقَّکَ، اَوْ عَدَلَ بِکَ مَنْ

خودداری نمود، یا فضل و برتری تو را نادیده گرفت و حق تو را انکار کرد. یا خود را هم تراز تو قرار داد

جَعَلَکَ اللّٰهُ اَوْلیٰ بِهِ مِنْ نَفْسِهِ، وَ صَلَوٰاتُ اللّٰهِ عَلَیْکَ

آنکه خداوند ترا به او از خودش اولویت داد، و صلوات خدا

وَ رَحْمَةُ اللّٰهِ وَ بَرَکٰاتُهُ وَ سَلاٰمُهُ وَ تَحِیّٰاتُهُ، وَ عَلَی الْأَئِمَةِ مِنْ

و رحمت خدا و برکاتش و سلام و تحیّاتش بر تو و بر امامان از

آلِکَ الطّٰاهِرِینَ اِنَّهُ حَمِیدٌ مَجِیدٌ، وَ الْأَمْرُ الْأَعْجَبُ وَ الْخَطْبُ

خاندان پاک تو باد. زیرا او ستوده و بزرگوار است، و امر شگفت آورتر و حادثه

الْأَفْظَعُ بَـعْدَ جَـحْدِکَ حَـقَّکَ، غَـصْبُ الصِّدِیقَةِ الطّٰاهِرَةِ

جان گدازتر پس از انکار حق تو (غصب امامت) غصب فدک حضرت صدیقه طاهره

الزَّهْرٰاءِ سَیِّدَةِ النِّسٰاءِ فَدَکًا وَ رَدُّ شَهٰادَتِکَ وَ شَهٰادَةِ السَّیِّدَیْنِ

حضرت زهرا سرور زنان و رد کردن شهادت تو و دو فرزند

سُلاٰلَتِکَ وَ عِتْرَةِ الْمُصْطَفیٰ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْکُمْ، وَ قَدْ اَعْلَی

بزرگوار تو از خاندان مصطفی بود صلوات و رحمت خدا بر شما با اینکه

اللّٰهُ تَعٰالیٰ عَلَی الْأُمَّةِ دَرَجَتَکُمْ وَ رَفَعَ مَنْزِلَتَکُمْ وَ اَبٰانَ

خدا مقام شما را برامّت برترنمود و منزلت شما را بلند مرتبه قرار داد

فَضْلَکُمْ وَ شَرَّفَکُمْ عَلَی الْعٰالَمِینَ، فَاَذْهَبَ عَنْکُمُ الرِّجْسَ

و فضل و شرف شمارا بر جهانیان پدیدار نمود. از شما پلیدی را دور کرد

وَ طَهَّرَكُمْ تَطْهِيرًا، قٰالَ اللّٰهُ عَزَّوَجَلَّ: اِنَّ الْاِنْسٰانَ خُلِقَ هَلُوعًا

و بی‌اندازه پاکیزه کرد. خدای عزیز و بزرگ فرمود: بدرستی که انسان حریص و ناشکیبا

اِذٰا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعًا وَ اِذٰا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعًا اِلَّا الْمُصَلِّينَ،

آفریده‌شده چون بدی مشاهده کند بی‌تاب شود و چون خیر و خوشی بیند دریغ نماید جز نماز گزاران،

فَاسْتَثْنَى اللّٰهُ تَعٰالىٰ نَبِيَّهُ الْمُصْطَفىٰ وَ اَنْتَ يٰا سَيِّدَ الْاَوْصِيٰاءِ

پس خدای تعالی پیغمبر برگزیده‌اش‌و تو را ای سیّد اوصیاء

مِنْ جَميعِ الْخَلْقِ، فَمٰا اَعْمَهَ مَنْ ظَلَمَكَ عَنِ الْحَقِّ، ثُمَّ اَفْرَضُوكَ

از تمام خلق استثنا کرد، چه کور است آنکس که در حق تو ستم کند سپس از تو

سَهْمَ ذَوِي الْقُرْبىٰ مَكْرًا، وَ اَحٰادُوهُ عَنْ اَهْلِهِ جَوْرًا، فَلَمّٰا

سهم ذوی‌القربی را با نیرنگ و خدعه مصادره کردند، و از اهل آن با ظلم دور کردند، و چون

اٰلَ الْاَمْرُ اِلَيْكَ اَجْرَيْتَهُمْ عَلىٰ مٰا اَجْرَيٰا رَغْبَةً عَنْهُمٰا بِمٰا عِنْدَ اللّٰهِ

خلافت بتو بازگشت چون گذشته‌ازحق خود و سهم ذوی‌القربی گذشتی‌و به آنچه نزد خدا داشتی قناعت

لَكَ، فَاَشْبَهَتْ مِحْنَتُكَ بِهِمٰا مِحَنَ الْاَنْبِيٰاءِ عَلَيْهِمُ السَّلاٰمُ عِنْدَ

نمودی، پس محنت تو به این دو مانند محنت پیغمبران است سلام بر آنان در

الْوَحْدَةِ وَ عَدَمِ الْاَنْصٰارِ، وَ اَشْبَهْتَ فِي الْبَيٰاتِ عَلَى الْفِرٰاشِ

هنگام تنهائی و بی یاوری، و حال تو در شبی که در بستر پیامبر بودی شبیه به

الذَّبيحَ عَلَيْهِ السَّلاٰمُ، اِذْ اَجَبْتَ، كَمٰا اَجٰابَ، وَ اَطَعْتَ كَمٰا

ذبیح علیه‌السّلام است، زیرا تو اجابت کردی چنانچه او اجابت کرد، و اطاعت کردی

اَطٰاعَ اِسْمٰعيلُ صٰابِرًا مُحْتَسِبًا، اِذْ قٰالَ لَهُ: يٰا بُنَيَّ اِنّي اَرىٰ فِي

همچنانکه حضرت اسماعیل شکیبا و خیراندیش اطاعت کرد، موقعی که ابراهیم علیه‌السلام گفت: ای پسرم من در

الْمَنامِ اَنّي اَذْبَحُکَ فَانْظُرْ ماذا تَرىٰ، قالَ: يا اَبَتِ افْعَلْ
خواب دیدم که تو را ذبح کنم ببین چه رای میدهی، گفت: پدرجان هر چه دستور داری

ما تُؤْمَرُ سَتَجِدُني اِنْشاءَ اللّٰهُ مِنَ الصّابِرينَ، وَ کَذٰلِکَ اَنْتَ
انجام بده بزودی مرا انشاء اللهاز صبرکنندگان خواهی دید. و نیز وقتی که تو را

لَمّا اَباتَکَ النَّبِيُّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ اَمَرَکَ اَنْ تَضْجِعَ في
پیغمبر صلّی الله علیه و آله در بستر خوابانید و دستور داد تو در خوابگاهش بخوابی

مَرْقَدِهِ واقِيًا لَهُ بِنَفْسِکَ اَسْرَعْتَ اِلىٰ اِجابَتِهِ مُطيعًا، وَ لِنَفْسِکَ
و با جانت او را حفظ کنی زود مطیع گشته و اجابتش کردی، و خود را

عَلَى الْقَتْلِ مُوَطِّنًا، فَشَکَرَ اللّٰهُ تَعالىٰ طاعَتَکَ، وَ اَبانَ عَنْ
برای کشته شدن آماده نمودی، پس خداوند از این اطاعت ایثارگرانه تو قدردانی فرمود و کار زیبای ترا

جَميلِ فِعْلِکَ بِقَوْلِهِ جَلَّ ذِکْرُهُ: وَ مِنَ النّاسِ مَنْ يَشْري نَفْسَهُ
آشکار نمود بفرموده خود جلّ ذکره:برخی از مردم هستندکه برای رضا و خوشنودی خدا

ابْتِغاءَ مَرْضاتِ اللّٰهِ، ثُمَّ مِحْنَتُکَ يَوْمَ صِفّينَ وَ قَدْ رُفِعَتِ
جان خود را بدهند، محنت تو در جنگ صفیّن وقتی که از روی مکر

الْمَصاحِفُ حيلَةً وَ مَکْرًا، فَاَعْرَضَ الشَّکُّ وَ عُزِفَ الْحَقُّ
و توطئه قرآنها بلند شد، پس تردید رخ داد و حق مورد نفرت قرار گرفت

وَ اتُّبِعَ الظَّنُّ، اَشْبَهَتْ مِحْنَةَ هٰرُونَ اِذْ اَمَّرَهُ مُوسىٰ عَلىٰ قَوْمِهِ
و گمانه‌زنی کردند؛ مانند رنج هارون بود وقتی که حضرت موسی او را امیر بر قومش کرد

فَتَفَرَّقُوا عَنْهُ، وَ هٰرُونُ يُنادي بِهِمْ وَ يَقُولُ: يا قَوْمِ اِنَّما فُتِنْتُمْ
و از اطراف او متفرق شدند و هارون بآنها فریاد میزد و میفرمود: ای مردم همانا شما فریفته شدید،

بِهِ، وَ اِنَّ رَبَّكُمُ الرَّحْمٰنُ فَاتَّبِعُونی وَ اَطیعُوا اَمْری، قالُوا: لَنْ
و براستی پروردگار شما رحمان است از من پیروی کنید و در اطاعت امر من باشید گفتند: هرگز،

نَبْرَحَ عَلَيْهِ عاكِفينَ حَتّىٰ يَرْجِعَ اِلَيْنا مُوسىٰ، وَ كَذٰلِكَ اَنْتَ
منتظر هستیم تا موسی نزد ما برگردد، و چنانچه تو

لَمّا رُفِعَتِ الْمَصاحِفُ قُلْتَ يا قَوْمِ اِنَّما فُتِنْتُمْ بِها وَ خُدِعْتُمْ،
هنگام بلند کردن قرآنها بر سر نیزه فرمودی: ای مردم فریفته شدید و گول خوردید،

فَعَصَوْكَ وَ خالَفُوا عَلَيْكَ، وَ اسْتَدْعَوْا نَصْبَ الْحَكَمَيْنِ،
نافرمانی کردند و مخالفت تو نمودند و خواستار نصب حکمین شدند،

فَاَبَيْتَ عَلَيْهِمْ وَ تَبَرَّاْتَ اِلَى اللّٰهِ مِنْ فِعْلِهِمْ وَ فَوَّضْتَهُ اِلَيْهِمْ،
پس امتناع کردی و از کار آنان بسوی خدا بیزاری جستی و کار را به آنها واگذاشتی،

فَلَمّا اَسْفَرَ الْحَقُّ وَ سَفِهَ الْمُنْكَرُ وَ اعْتَرَفُوا بِالزَّلَلِ وَ الْجَوْرِ
و چون حقیقت روشن گردید و سفاهت منکر معلوم شد و به لغزش و ستم و عدول از حق

عَنِ الْقَصْدِ، اِخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِهِ، وَ اَلْزَمُوكَ عَلىٰ سَفَهِ التَّحْكيمِ
اعتراف کردند، و سپس اختلاف کردند، و شما را وادار به پذیرش حکمیت سفیهانه کردند

الَّذي اَبَيْتَهُ وَ اَحَبُّوهُ وَ حَظَرْتَهُ وَ اَباحُوا ذَنْبَهُمُ الَّذي اقْتَرَفُوهُ،
همان حکمتی که قبول نداشتی و آنها می‌خواستند و تو منع کردی و آنها مباح داشتند گناهی که مرتکب شدند

وَ اَنْتَ عَلىٰ نَهْجِ بَصيرَةٍ وَ هُدىً وَ هُمْ عَلىٰ سُنَنِ ضَلالَةٍ
و تو بر روش بصیرت و طریق هدایت بودی و آنان در گمراهی

وَ عَمًى فَما زالُوا عَلَى النِّفاقِ مُصِرّينَ وَ فِي الْغَيِّ مُتَرَدِّدينَ،
و نابینائی بودند و نفاق را ادامه دادند و اصرار به گمراهی ورزیدند و در شک و تردید بودند

حَتّٰی اَذٰاقَهُمُ اللّٰهُ وَبٰالَ اَمْرِهِمْ، فَاَمٰاتَ بِسَیْفِکَ مَنْ عٰانَدَکَ،

تا اینکه خداوند وبال و کیفر کار زشت آنان‌را به آنان چشاند، و بوسیله شمشیر تو هر که را با تو عناد داشت کشت،

فَشَقِیَ وَ هَوٰی، وَ اَحْیٰی بِحُجَّتِکَ مَنْ سَعَدَ فَهُدِیَ، صَلَوٰاتُ

پس بدبخت شد و سقوط کرد، و بحجّت تو هر کس را خوشبخت شد زنده کرد و هدایت یافت، صلوات

اللّٰهِ عَلَیْکَ غٰادِیَةً وَ رٰائِحَةً وَ عٰاکِفَةً وَ ذٰاهِبَةً، فَمٰا یُحیطُ

خدا بر تو در صبح و شام و در حضر و در سفر، هیچ ستایش کننده‌ای

الْمٰادِحُ وَصْفَکَ وَ لاٰ یُحْبِطُ الطّٰاعِنُ فَضْلَکَ، اَنْتَ اَحْسَنُ

به اوصاف تو دست نیابد و طعن کننده‌ای فضل تو را تباه نکند، تو بهترین

الْخَلْقِ عِبٰادَةً وَ اَخْلَصُهُمْ زَهٰادَةً وَ اَذَبُّهُمْ عَنِ الدّینِ، اَقَمْتَ

خلق در عبادت و مخلص‌ترین آنها در زهد و تقوی و مدافع‌ترین آنان از دین هستی،

حُدُودَ اللّٰهِ بِجُهْدِکَ، وَ فَلَلْتَ عَسٰاکِرَ الْمٰارِقینَ بِسَیْفِکَ،

حدود خدا را به کوشش خود بپاداشتی، و لشکر گردنکشان بی‌دین را با شمشیرت شکست دادی،

تُخْمِدُ لَهَبَ الْحُرُوبِ بِبَنٰانِکَ، وَ تَهْتِکُ سُتُورَ الشُّبَهِ بِبَیٰانِکَ،

شراره جنگها را به سرانگشت قدرت فرو نشاندی و پرده شبهات را با معجز بیانت دریدی

وَ تَکْشِفُ لَبْسَ الْبٰاطِلِ عَنْ صَریحِ الْحَقِّ، لاٰ تَاْخُذُکَ فِی اللّٰهِ

و پوشش باطل را از حق صریح کنار زدی، و هرگز در دین خدا ملامت بدگویان

لَوْمَةُ لاٰئِمٍ، وَ فی مَدْحِ اللّٰهِ تَعٰالیٰ لَکَ غِنًی عَنْ مَدْحِ

ترا بازنداشت، و به مدح و عنایتی که خدای بزرگ از تو کرده خود را از مدح

الْمٰادِحینَ وَ تَقْریظِ الْوٰاصِفینَ، قٰالَ اللّٰهُ تَعٰالیٰ: مِنَ الْمُؤْمِنینَ

مردم بی‌نیاز دانستی و خدای تعالی فرمود: از مؤمنان

رِجٰالٌ صَدَقُوا مٰا عٰاهَدُوا اللّٰهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَنْ قَضٰى نَحْبَهُ

مردانى آنچه را با خدا عهد كرده‌اند با صداقت وفا كردند پس برخى از ايشان درگذشتند

وَ مِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ وَ مٰا بَدَّلُوا تَبْدِيلاً، وَ لَمّٰا رَاَيْتَ اَنْ قَتَلْتَ

و برخى از آنها در انتظارند و دگرگون نشدند، و چون ديدى كه

النّٰاكِثِينَ وَ الْقٰاسِطِينَ وَ الْمٰارِقِينَ، وَ صَدَقَكَ رَسُولُ اللّٰهِ

ناكثان و قاسطان و مارقان را به قتل رساندى و وعدهٔ رسول خدا

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَعْدَهُ، فَاَوْفَيْتَ بِعَهْدِهِ، قُلْتَ: اَمٰا آنَ اَنْ

صلوات خدا بر او و بر خاندانش راست بود، به عهدش وفا كردى، فرمودى: اكنون وقت آن است

تُخْضَبَ هٰذِهِ مِنْ هٰذِهِ، اَمْ مَتٰى يُبْعَثُ اَشْقٰاهٰا، وٰاثِقًا بِاَنَّكَ

كه محاسنم از خون سرم خضاب شود چه وقت شقى‌ترين امت برانگيخته شود. تو اطمينان داشتى

عَلٰى بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّكَ، وَ بَصِيرَةٍ مِنْ اَمْرِكَ، قٰادِمٌ عَلَى اللّٰهِ

كه پروردگارت گواه است و در كار خود بصيرت داشتى كه نزد خدا مى‌روى

مُسْتَبْشِرٌ بِبَيْعِكَ الَّذى بٰايَعْتَهُ بِهِ وَ ذٰلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ،

و بشارت يافتى از معامله‌اى كه با او انجام داده‌اى و اين همان فوز بزرگ است؛

اَللّٰهُمَّ الْعَنْ قَتَلَةَ اَنْبِيٰائِكَ وَ اَوْصِيٰاءِ اَنْبِيٰائِكَ بِجَمِيعِ لَعَنٰاتِكَ،

خدايا لعنت كن قاتلان پيامبرانت و جانشينان پيامبرانت را به همه لعنت‌هايت

وَ اَصْلِهِمْ حَرَّ نٰارِكَ، وَ الْعَنْ مَنْ غَصَبَ وَلِيَّكَ حَقَّهُ، وَ اَنْكَرَ

و آنها را به حرارت آتش واصل ساز، و لعن نما هر كه حق ولى تو را غصب كرد و منكر

عَهْدَهُ، وَ جَحَدَهُ بَعْدَ الْيَقِينِ وَ الْاِقْرٰارِ بِالْوِلاٰيَةِ لَهُ يَوْمَ اَكْمَلْتَ

عهد و پيمان او گرديد و او را پس از يقين و اقرار به ولايت او در روزى كه براى او دين را

لَهُ الدّینَ، اَللّٰهُمَّ الْعَنْ قَتَلَةَ اَمیرَ الْمُؤْمِنینَ وَ مَنْ ظَلَمَهُ

کامل کردی انکار کرد خدایا لعنت کن قاتلان امیرمؤمنان و هر که به او ستم کرد

وَ اَشْیاعَهُمْ وَ اَنْصارَهُمْ، اَللّٰهُمَّ الْعَنْ ظالِمِی الْحُسَیْنِ وَ قاتِلیهِ

و بر پیروان و یاران آنها، خدایا لعن کن بر ظالمان حسین و قاتلانش

وَ الْمُتابِعینَ عَدُوَّهُ وَ ناصِریهِ وَ الرّاضینَ بِقَتْلِهِ وَ خاذِلیهِ لَعْناً

و پیروان دشمنش و یاران و راضیان به قتلش و واگذارانش لعنتی

وَبیلاً، اَللّٰهُمَّ الْعَنْ اَوَّلَ ظالِمٍ ظَلَمَ آلَ مُحَمَّدٍ وَ مانِعیهِمْ

وبال آور، خدایا لعنت فرست بر اوّل ظالمی که ستم کرد بر آل محمد و مانع آنها

حُقُوقَهُمْ، اَللّٰهُمَّ خُصَّ اَوَّلَ ظالِمٍ وَ غاصِبٍ لِآلِ مُحَمَّدٍ

از حقوقشان شد، خدایا مخصوص کن اوّل ظالم و غاصب آل محمد را

بِاللَّعْنِ، وَ کُلَّ مُسْتَنٍّ بِما سَنَّ اِلیٰ یَوْمِ الْقِیٰمَةِ، اَللّٰهُمَّ صَلِّ

به لعن و هر سنت گذاری را به آنچه سنت نهاده تا روز قیامت، خدایا صلوات فرست

عَلیٰ مُحَمَّدٍ خاتَمِ النَّبِیّینَ وَ عَلیٰ عَلِیٍّ سَیِّدِ الْوَصِیّینَ وَ آلِهِ

بر محمد خاتم پیامبران و بر حضرت علی سید اوصیا و آل

الطّاهِرینَ، وَ اجْعَلْنا بِهِمْ مُتَمَسِّکینَ وَ بِوِلایَتِهِمْ مِنَ

پاکیزه او، و ما را متمسک به آنها قرار داده و بولایت آنها

الْفائِزینَ الْآمِنینَ الَّذینَ لا خَوْفٌ عَلَیْهِمْ وَ لا هُمْ یَحْزَنُونَ.[1]

رستگار و در امان قرارده که برای آنان هراس نیست و اندوهگین نمی‌شوند.

۱. بحار الانوار ۳۵۹/۹۷.

□ **روز بیست و چهارم**

این روز، روز مباهله است. در آن روز، نبی گرامی، با نصارای نَجْران به مباهله و ملاعنه حاضر شد. پیش از خروج، برای مباهله عبا بر دوش افکند و حضرت امیرالمؤمنین و فاطمه و حسنین ﷺ را در زیر آن عبا جای داد و عرضه داشت: پروردگارا! هر پیغمبری را اهل و خاصه‌ای بوده است و اینان اهل بیت منند؛ شک و گناه را از اینان برطرف کن و اینان را پاک گردان. جبرئیل نازل گشت و آیهٔ تطهیر را فرود آورد:

إِنَّما يُرِيدُ ٱللّٰهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ ٱلرِّجْسَ أَهْلَ ٱلْبَيْتِ

همانا خداوند می‌خواهد که ناپاکی را از دامان پاک خاندان رسالت دور سازد و ایشان را

وَ يُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً.

همچنان پاکیزه نگهدارد.

سپس همراه آن چهار نفر برای مباهله بیرون آمد. هنگامی که چشم نصاری بر آنان افتاد، علایم حقانیّت را در آن صورتهای ملکوتی، و آثار فرود آمدن عذاب را برای خویش مشاهده کردند و از مباهله دست کشیده حاضر به مصالحه و پرداخت جزیه شدند. در این روز، حضرت امیرالمؤمنین ﷺ انگشتری خود را، در حال رکوع، به سائل داد و این آیه دربارهٔ او نازل شد:

إِنَّما وَلِيُّكُمُ ٱللّٰهُ وَ رَسُولُهُ وَ ٱلَّذِينَ آمَنُوا ٱلَّذِينَ يُقِيمُونَ

همانا اختیار شما در دست خدا و فرستادهٔ او و کسانی است که ایمان آورده،

ٱلصَّلٰوةَ وَ يُؤْتُونَ ٱلزَّكٰوةَ وَ هُمْ راكِعُونَ.

نماز می‌گزارند و زکوة می‌دهند؛ در حالی که در رکوعند.

در این روز چند عمل مستحب است:

۱ـ غسل.[1]

۲ـ روزه[2] و مناسب است در این روز زیارت حضرت امیرالمؤمنین ؑ.

□ **روز بیست و پنجم**

روزی است که سورهٔ مبارکهٔ «هَلْ أَتیٰ» در حق اهل بیت ؑ نازل شد. آنها سه روز روزه گرفتند: روز اول، وقت افطار، طعام خود را به مسکین و روز دوم به یتیم و روز سوم به اسیر دادند و خود، به گرسنگی به سر بردند. سوره‌ای در شأن آنان نازل شد، مناسب است مسلمین، به عنوان پیروی از اعمال شایستهٔ آنها، در حد توان، از احسان و تصدق و قضای حاجت محتاجین مضایقه نکنند.

اعمال ماه محرم

محرم، ماه غصه و اندوه اهل بیت ؑ است. ماه اقامهٔ تعزیه و مجالس سوگ، به خاطر بزرگداشت یاد حسین ؑ و یارانش؛ شناخت هدف و انگیزهٔ قیام آنان؛ آشنا شدن به روح مذهب و مرام حسینی؛ پی بردن به دعوتهای آموزندهٔ قرآن و مکتب تشیع؛ تربیت روح ملت با روش و طریقت سرور آزادگان؛ خواندن بهترین درس انسانیت و شهامت و آزادی و حریت و شهادت و بالاخره فرا گرفتن اهداف عالیهٔ آن حضرت و پیاده کردن آن در میان اجتماع انسانی است، چیزهایی که زندگی بدون آنها، ذلت و خواری و مرگ تدریجی است. آن حضرت می‌فرمود:

إِنْ لَمْ يَكُنْ لَكُمْ دِينٌ وَ كُنْتُمْ لاٰ تَخٰافُونَ الْمَعٰادَ فَكُونُوا

اگر چنانچه به دینی پایبند نیستید و از روز پاداش نمی‌هراسید، لااقل در دنیای خویش

۱. وسائل الشیعه، جلد ۲، صفحه ۹۳۷. ۲. زاد المعاد، صفحه ۱۰۱.

أَحْراراً فی دُنْیاکُمْ ؛

حریت داشته باشید.

خطاب او به همه است و دعوتش عمومی. چه خوب است مسلمانها این ایام را مغتنم شمارند و جلسات وعظ و اندرز برپا کنند، همه حاضر شوند و گویندگان محترم مصارف مالی و وقت علاقه‌مندان را به هدر ندهند و احکام دین و مسایل لازم و حقایق کلام الهی و روح نهضت و سِرّ قیام آن سرور بزرگ را بفهمند و به مستمعین برسانند. تمام اینها در صورتی مؤثر است که چاشنی خلوص در خمیرهٔ کردار و گفتار مسلمین، مخلوط گردد. محرم ابتدای سال هجری قمری است و روزهٔ روز اول بلکه دههٔ اول، غیر از روز عاشورا مستحب است،[1] ولی روزه در روز عاشورا مکروه است.[2]

□ روز نهم

روز تاسوعا، روز محاصرهٔ لشکریان حضرت امام حسین ﷺ و بستن آب فرات به روی آنهاست.

□ شب عاشورا

زیارت قبر مطهر حضرت حسین ﷺ مستحب است.[3]

□ روز عاشورا:

روز حزن و مصیبت و اندوه شیعیان و دوستان اهل بیت ﷺ است. بسیار مناسب است مسلمانها در این روز کارها را تعطیل کنند؛ در مجالس عزا و اندرز و سوگ حضرت حسین ﷺ و یارانش حضور یابند؛ به آنان نزدیکتر شوند؛ توفیق در پیروی اهدافشان را از خدا بخواهند؛ از ظلم و ستم و ستمکاران تبری بجویند

۱. وسائل الشیعه، جلد ۷، صفحه ۳۴۷. ۲. وسائل الشیعه، جلد ۷، صفحه ۳۳۸. ۳. اقبال، صفحه ۵۵۶.

و دشمنان دین و قرآن و قاتلان آن حضرت را لعن و نفرین کنند. از حضرت رضا ﷺ نقل شده است که: هر کسی در روز عاشورا سعی در حوایج خود را ترک کند و پی کاری نرود، حق‌تعالی حوایج دنیا و آخرت او را برآورد؛ و هر که روز عاشورا، روز مصیبت و اندوه و گریهٔ او باشد، حق‌تعالی روز قیامت را روز فرح و سرور و شادی او گرداند و دیده‌اش در بهشت به دیدن ما روشن گردد؛ و هر که روز عاشورا را روز برکت نامد و برای منزل خود در، آن روز، چیزی ذخیره کند، خدا آن ذخیره را برای او مبارک نگرداند.[1] شیخ صدوق نقل کرده از جِبِلَهٔ مکیه که: شنیدم از میثم تمار (رضی‌الله عنه) که فرمود: والله می‌کُشند این امت، پسر پیغمبر خود را، در محرم، در روز دهم؛ و این روز را روز برکت قرار می‌دهند؛ و همانا این کار شدنی است و گذشته است در علم خدای تعالی؛ و من می‌دانم آن را به عهدی که از مولایم امیرالمؤمنین ﷺ به من رسیده است، تا آنکه جِبِلَه می‌گوید: گفتم: چگونه مردم روز قتل حسین ﷺ را روز برکت قرار دهند؟ میثم بگریست و فرمود: حدیثی وضع کنند که: آن روز روزی است که خدای تعالی در آن، توبهٔ آدم ﷺ را قبول کرد؛ با اینکه خدای تعالی توبهٔ او را در ذیحجه قبول کرد. و گمان می‌کنند که آن روز، روزی است که خدای تعالی یونس ﷺ را از شکم ماهی بیرون آورد؛ با این که خدای تعالی او را در ذیقعده از شکم ماهی بیرون آورد. و گمان می‌کنند که آن روز روزی است که سفینهٔ نوح ﷺ بر کوه جُودِیّ قرار گرفت؛ با این که استقرار سفینه در روز هیجدهم ذیحجه بود. و گمان می‌کنند که آن روز روزی است که خدا دریا را برای موسی ﷺ در آن بشکافت؛ با اینکه این کار در ربیع‌الاول بود.[2] ابن عباس گوید: در ذیقار خدمت امیرالمؤمنین ﷺ رسیدم، صحیفه‌ای بیرون آورد به خط خود و املای پیغمبر ﷺ

---

۱. مفاتیح الجنان.

۲. اثبات الهداة، جلد ۲، صفحه ۴۷۴.

و برای من از آن خواند، چگونگی شهادت امام حسین ﷺ و نام قاتلین و یاری کنندگان آن حضرت و کسانی که همراه او شهید می‌شوند، در آن صحیفه بود. سپس آن حضرت گریه کرد، گریهٔ سختی، و مرا هم به گریه انداخت.[۱] در این روز زیارت آن حضرت و یارانش، از نزدیک و دور، مستحب است، چنانچه شرحش در بخش چهارم این کتاب بیاید، ان‌شاءالله.

□ **روز بیست و پنجم**

به قول عده‌ای از علما، رحلت حضرت امام زین‌العابدین ﷺ در این روز است.[۲]

اعمال ماه صفر

□ **روز اول**

روز اول این ماه، سال ۳۷، جنگ صفین شروع شد. همچنین در سال ۶۱، سر مبارک حضرت سیدالشهداء ﷺ را وارد دمشق کردند و بنی‌امیه آن روز را عید قرار دادند.

□ **روز هفتم**

روز شهادت امام حسن مجتبی ﷺ است، در سال ۵۰ هجری.[۳] همچنین ولادت حضرت موسی بن جعفر ﷺ در اَبْواء که جایی است بین مکه و مدینه، در این روز واقع شده است.[۴]

□ **روز بیستم**

روز اربعین حضرت حسین ﷺ است، روزی است که زیارت آن حضرت،

---

۱. اثبات الهداة، صفحه ۲۵۱. ۲. بحار الانوار، جلد ۴۶، صفحه ۱۵۲. ۳. بحار الانوار، جلد ۴۴، صفحه ۱۳۴.
۴. بحار الانوار، جلد ۴۸، صفحه ۱ و ۶ و ۹.

ثواب بسیار دارد و از علایم ایمان است. بنا به قولی، اهل بیت آن حضرت از شام برگشتند و در این روز به زیارت او رفتند. جابربن عبدالله نیز در این روز به زیارت آن حضرت مشرف شد. زیارت مخصوص این روز در بخش چهارم بیاید. کسانی که در مکان‌های دورند، می‌توانند با زیارت عاشورا زیارت نمایند.

□ روز بیست و هشتم

سال یازدهم هجری، روز دوشنبه، رحلت حضرت رسول اکرم خاتم الانبیا ﷺ واقع شده است. عمر مبارکش ۶۳ سال بود و در چهل سالگی به نبوت مبعوث گردیدند و پس از ۱۳ سال دعوت در مکه، به مدینه هجرت کرده و پس از یازده سال اقامت در مدینه، دعوت حق را اجابت نمودند. امیرالمؤمنین ؑ مشغول غسل و کفن و دفن آن حضرت شدند و عده‌ای هم در آن هنگام، در سقیفهٔ بنی ساعده، مشغول تعیین خلیفه بودند. علی ؑ جنازهٔ آن حضرت را در خانهٔ شخصی‌اش گذاشتند و مردم دسته دسته آمده نماز میت بر جنازه‌اش خواندند؛ سپس حضرت را در همان خانه دفن نمودند، که فعلاً محل قبر شریف است. حضرت زهرا ؑ در رحلت آن حضرت فرمودند:

مَاذا عَلَى ٱلْمُشْتَمِّ تُرْبَةَ أَحْمَدَ ... أَنْ لا يَشُمَّ مَدَى ٱلزَّمانِ غَوالِيا!

سزاوار است آنکه خاک پیامبر را بوید، در سراسر عمرش عطری نبوید؛

صُبَّتْ عَلَيَّ مَصَائِبُ لَوْ أَنَّها ... صُبَّتْ عَلَى ٱلْأَيّامِ صِرْنَ لَيالِيا!

ناگواریهایی که بر من روی آوردند، اگر به روزها روی می‌آوردند، روزهای روشن، مانند شبها، تاریک می‌شدند!

□ روز آخر ماه

شهادت حضرت رضا ؑ، در سن ۵۵ سالگی، در سناباد طوس، به وسیلهٔ زهری که مأمون لعین به آن حضرت خورانید، در این روز، در سال ۲۰۳ هجری

واقع شد؛[۱] و در خانهٔ حمید بن قحطبه در طرف جلوی قبر هارون الرشید، مدفون گردید و فعلاً محل بارگاه آن حضرت است. در این روز بنا به قول مرحوم کلینی، رحلت حضرت امام حسن مجتبی ﷺ واقع شده،[۲] و به قول ابن شهرآشوب و شیخ مفید در ۲۸ این ماه بوده است.[۳]

اعمال ماه ربیع الاوّل

□ روز هشتم

روز رحلت حضرت امام حسن عسکری ﷺ، در سال ۲۶۰ هجری، در شهر سامراء است. آن روز، منصب امامت، به حضرت ولی عصر ارواحناه فداه انتقال یافت.[۴]

□ روز هفدهم

روز ولادت با سعادت حضرت رسول اکرم، محمّد بن عبداللّه ﷺ می‌باشد، که در مکّهٔ معظمه، در خانهٔ خود آن حضرت، وقت طلوع فجر، در عام‌الفیل، ایام سلطنت انوشیروان واقع شد؛ اما به قول مرحوم کلینی و مشهور بین عامه، در ۱۲ این ماه است. همچنین در این روز، میلاد مسعود حضرت امام جعفربن محمّد الصادق ﷺ در سال ۸۳ هجری اتفاق افتاد.[۵] در این روز چند عمل مستحب است:

۱ـ روزه گرفتن.

۲ـ زیارت قبر مبارک حضرت رسول ﷺ از نزدیک.[۶] و اگر در جای دور باشی، غسل کن و شبیه قبری جلوی روی خود بساز و اسم شریف آن حضرت را بر آن بنویس و دل را متوجه حضرتش کن و بگو:

---

۱. بحار الأنوار، جلد ۴۹، صفحه ۳. ۲. بحار الانوار، جلد ۴۴، صفحه ۱۳۴. ۳. صفحه ۱۳۵.
۴. مفاتیح الجنان. ۵. بحار الانوار، جلد ۴۷، صفحه ۱ تا ۶.
۶. اقبال، صفحه ۶۰۴ـ بحار الانوار، جلد ۱۰۰، صفحه ۱۶۸.

أَشْهَدُ أَنْ لاٰ إِلٰهَ إِلاَّ ٱللّٰهُ وَحْدَهُ لاٰ شَرِيكَ لَهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّداً
شهادت می‌دهم که خدایی جز الله نیست و شریک ندارد و شهادت می‌دهم محمد

عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ وَ أَنَّهُ سَيِّدُ ٱلْأَوَّلِينَ وَ ٱلْآخِرِينَ وَ أَنَّهُ سَيِّدُ
بنده و رسول اوست و او سرور اولین و آخرین و مهتر

ٱلْأَنْبِيآءِ وَ ٱلْمُرْسَلِينَ. ٱللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِ وَ عَلىٰ أَهْلِ بَيْتِهِ ٱلْأَئِمَّةِ
پیامبران و رسولان خداست. خداوندا، صلوات فرست بر او و خاندانش ـ که پیشوایان

ٱلطَّيِّبِينَ. [پس بگو] ٱلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ يٰا رَسُولَ ٱللّٰهِ، ٱلسَّلاٰمُ
پاکیزه‌اند، سلام بر تو ای فرستادهٔ خدا، سلام

عَلَيْكَ يٰا خَلِيلَ ٱللّٰهِ، ٱلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ يٰا نَبِيَّ ٱللّٰهِ، ٱلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ
بر تو ای دوست خدا، صلوات بر تو ای پیامبر خدا، صلوات بر تو

يٰا صَفِيَّ ٱللّٰهِ، ٱلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ يٰا رَحْمَةَ ٱللّٰهِ، ٱلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ
ای برگزیدهٔ خدا، سلام بر تو ای رحمت خدا، سلام بر تو

يٰا خِيَرَةَ ٱللّٰهِ، ٱلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ يٰا حَبِيبَ ٱللّٰهِ، ٱلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ
ای بهترین بندگان خاص خدا، سلام بر تو ای محبوب خدا، سلام بر تو

يٰا نَجِيبَ ٱللّٰهِ، ٱلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ يٰا خٰاتِمَ ٱلنَّبِيِّينَ، ٱلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ
ای برگزیدهٔ نیک خدا، سلام بر تو ای خاتم پیامبران، سلام بر تو

يٰا سَيِّدَ ٱلْمُرْسَلِينَ، ٱلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ يٰا قٰائِماً بِالْقِسْطِ، ٱلسَّلاٰمُ
ای برترین فرستادگان، سلام بر تو ای برپادارندهٔ عدالت، سلام

عَلَيْكَ يٰا فٰاتِحَ ٱلْخَيْرِ، ٱلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ يٰا مَعْدِنَ ٱلْوَحْيِ
بر تو ای گشایندهٔ راه صواب، سلام بر تو ای معدن وحی

وَ ٱلتَّنْزِيلِ، ٱلسَّلامُ عَلَيْكَ يا مُبَلِّغاً عَنِ ٱللّٰهِ، ٱلسَّلامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا
و قرآن، سلام بر تو ای رسانندهٔ پیام خدا، سلام بر تو ای

ٱلسِّراجُ ٱلْمُنيرُ، ٱلسَّلامُ عَلَيْكَ يا مُبَشِّرُ، ٱلسَّلامُ عَلَيْكَ
چراغ روشن، سلام بر تو ای نوید دهندهٔ بهشت، سلام بر تو

يا نَذيرُ، ٱلسَّلامُ عَلَيْكَ يا مُنْذِرُ، ٱلسَّلامُ عَلَيْكَ يا نُورَ ٱللّٰهِ
ای هشداردهندهٔ دوزخ، سلام بر تو ای بازدارنده، سلام بر تو ای نور خدا

ٱلَّذي يُسْتَضاءُ بِهِ، ٱلسَّلامُ عَلَيْكَ وَ عَلىٰ أَهْلِ بَيْتِكَ ٱلطَّيِّبينَ
که همه جا از آن روشنی گیرد، سلام بر تو و خاندان پاک تو

ٱلطّاهِرينَ ٱلْهادينَ ٱلْمَهْدِيّينَ، ٱلسَّلامُ عَلَيْكَ وَ عَلىٰ جَدِّكَ
که راهنما و پیشوای مردمانند. سلام بر تو و جدّ تو

عَبْدِٱلْمُطَّلِبِ وَ عَلىٰ أَبيكَ عَبْدِٱللّٰهِ، ٱلسَّلامُ عَلىٰ أُمِّكَ آمِنَةَ
عبدالمطلب و پدرت عبدالله و سلام بر مادرت آمنه

بِنْتِ وَهَبٍ، ٱلسَّلامُ عَلىٰ عَمِّكَ حَمْزَةَ سَيِّدِٱلشُّهَداءِ، ٱلسَّلامُ
دخت وهب، سلام بر عمویت حمزهٔ سیدالشهداء، سلام

عَلىٰ عَمِّكَ ٱلْعَبّاسِ بْنِ عَبْدِٱلْمُطَّلِبِ، ٱلسَّلامُ عَلىٰ عَمِّكَ
بر عموی دیگرت عباس بن عبدالمطلب، سلام بر عمو

وَ كَفيلِكَ أَبي‌طالِبٍ، ٱلسَّلامُ عَلَى ٱبْنِ عَمِّكَ جَعْفَرٍ ٱلطَّيّارِ
و سرپرست دوران کودکیت ابوطالب، سلام بر پسر عمویت جعفر

في جِنانِ ٱلْخُلْدِ، ٱلسَّلامُ عَلَيْكَ يا مُحَمَّدُ، ٱلسَّلامُ عَلَيْكَ
که در بهشت پرواز کند، سلام بر تو ای محمد[ص]، سلام بر تو

يٰا أَحْمَدُ، اَلسَّـلاٰمُ عَـلَيْكَ يٰا حُجَّةَ اللّٰهِ عَلَى الْأَوَّلِينَ وَ الْاٰخِرِينَ
ای احمد، سلام بر تو ای حجت خدا بر اولین و آخرین مردم،

وَ السّٰابِقَ إِلىٰ طٰاعَةِ رَبِّ الْعٰالَمِينَ وَ الْمُهَيْمِنَ عَلىٰ رُسُلِهِ.
و پیشگام در اطاعت از پروردگار جهانیان و برترین فرستادگان خدا،

وَ الْخٰاتِمَ لِأَنْبِيٰائِهِ وَ الشّٰاهِدَ عَلىٰ خَلْقِهِ وَ الشَّفِيعَ إِلَيْهِ
ای خاتم پیامبران و گواه خدا بر خلق و شفاعت کننده در پیشگاه او،

وَ الْمَكِينَ لَدَيْهِ وَ الْمُطٰاعَ فِي مَلَكُوتِهِ الْأَحْمَدَ مِنَ الْأَوْصٰافِ
و بلند مرتبه در نزد او و فرمان دهنده بر ملکوت اعلی، و واجد پسندیده‌ترین صفات

الْمُحَمَّدَ لِسٰائِرِ الْأَشْرٰافِ الْكَرِيمَ عِنْدَ الرَّبِّ وَ الْمُكَلَّمَ مِنْ
و ستوده‌تر از همگی بزرگان و بزرگواران در پیشگاه پروردگار و شنونده وحی از پس

وَرٰاءِ الْحُجُبِ الْفٰائِزَ بِالسِّبٰاقِ وَ الْفٰائِتَ عَنِ اللِّحٰاقِ، تَسْلِيمَ
پرده‌ها، همیشه پیشگام بودی و هرگز دنباله روی نکردی. سلام

عٰارِفٍ بِحَقِّكَ، مُعْتَرِفٍ بِالتَّقْصِيرِ فِي قِيٰامِهِ بِوٰاجِبِكَ، غَيْرَ
کسی که عارف حق توست و معترف به تقصیر در انجام اوامر تو - بی‌آنکه

مُنْكِرٍ مَا انْتَهىٰ إِلَيْهِ مِنْ فَضْلِكَ، مُوقِنٍ بِالْمَزِيدٰاتِ مِنْ رَبِّكَ،
منکر فضائلت بوده باشد، یقین دارندهٔ افزونیهای کمال تو از پروردگارت

مُـؤْمِنٍ بِـالْكِتٰابِ الْمُنْزَلِ عَـلَيْكَ، مُحَلِّلٍ حَلاٰلَكَ، مُحَرِّمٍ حَرٰامَكَ،
و ایمان آورنده به کتاب آسمانی تو، حلال دانندهٔ آنچه را حلال دانسته‌ای و حرام دانندهٔ آنچه راحرام دانسته‌ای؛

أَشْهَدُ يٰا رَسُولَ اللّٰهِ مَعَ كُلِّ شٰاهِدٍ وَأَتَحَمَّلُهٰا عَنْ كُلِّ جٰاحِدٍ
ای پیامبر خدا، همراه دیگر شاهدان، شهادت دهم در برابر هر انکارکننده‌ای،

أَنَّكَ قَدْ بَلَّغْتَ رِسالاٰتِ رَبِّكَ وَ نَصَحْتَ لِأُمَّتِكَ وَ جاهَدْتَ

که تو رسالت خودرا به بهترین وجه، به پایان رسانده و امت خویش را اندرز داده‌ای. و در راه

فِي سَبيلِ رَبِّكَ وَ صَدَعْتَ بِأَمْرِهِ وَ آحْتَمَلْتَ آلْأَذىٰ في جَنْبِهِ

پروردگارت به‌جان کوشیدی و فرمان پروردگار را آشکار نمودی و آزار مخالفان را بدان‌سبب تحمل کردی.

وَ دَعَوْتَ إِلىٰ سَبيلِهِ بِالْحِكْمَةِ وَ آلْمَوْعِظَةِ آلْحَسَنَةِ آلْجَميلَةِ،

مردم را باحکمت و موعظهٔ زیبا و نیکو به پیمودن راه حق خواندی

وَ أَدَّيْتَ آلْحَقَّ آلَّذي كٰانَ عَلَيْكَ وَ أَنَّكَ قَدْ رَؤُفْتَ بِالْمُؤْمِنينَ

و وظیفه‌ای را که بر عهده داشتی انجام دادی. و تو همانا بر مؤمنان دوست

وَ غَلُظْتَ عَلَى آلْكٰافِرينَ وَ عَبَدْتَ آللّٰهِ مُخْلِصاً حَتّٰى أَتٰاكَ

و بر کافران سختگیر بودی. خدا را از سر صدق و اخلاص پرستیدی تا به مقام

آلْيَقينُ، فَبَلَغَ آللّٰهُ بِكَ أَشْرَفَ مَحَلِّ آلْمُكَرَّمينَ وَ أَعْلىٰ مَنٰازِلِ

یقین رسیدی و خدا ترا به برترین جایگاه گرامیان و بالاترین مقام نزدیکان

آلْمُقَرَّبينَ وَ أَرْفَعَ دَرَجاتِ آلْمُرْسَلينَ، حَيْثُ لاٰ يَلْحَقُكَ لاٰحِقٌ

درگاهش و بلندترین جایگاه فرستادگانش را در پیشگاه او بدست آوردی. هیچکس از این حیث به مقام تو نرسد

وَ لاٰ يَفُوقُكَ فٰائِقٌ وَ لاٰ يَسْبِقُكَ سٰابِقٌ وَ لاٰ يَطْمَعُ في إِدْرٰاكِكَ

و از تو برتر نباشد و بر تو پیشی نگیرد. هیچ آزمندی را امید رسیدن به مقام

طٰامِعٌ، آلْحَمْدُ لِلّٰهِ آلَّذِي آسْتَنْقَذَنٰا بِكَ مِنَ آلْهَلَكَةِ وَ هَدٰانٰا بِكَ

تو نیست. سپاس خدایی را سزاست که ما را به وجود تو از گمراهی رهایی بخشید؛ و با راهنمایی تو

مِنَ آلضَّلاٰلَةِ وَ نَوَّرَنٰا بِكَ مِنَ آلظُّلْمَةِ، فَجَزٰاكَ آللّٰهُ يٰا رَسُولَ آللّٰهِ

ما را از گمراهی نجات داد و ما را بوسیلهٔ تو از ظلمت روشن ساخت. پس خدا، تو را پاداش دهد ای فرستادهٔ خدا

مِنْ مَبْعُوثٍ أَفْضَلَ مٰا جٰازىٰ نَبِيّاً عَنْ أُمَّتِهِ وَ رَسُولاً عَمَّنْ

بهترین پاداشی که پیامبری از امتش و فرستاده‌ای از کسانی که

أُرْسِلَ إِلَيْهِ، بِأَبِي أَنْتَ وَ أُمِّي يٰا رَسُولَ ٱللّٰهِ، زُرْتُكَ عٰارِفاً

بسوی آنها فرستاده شده است. پدر و مادرم فدای تو باد ای فرستادهٔ خدا، زیارت کردم ترا با معرفت

بِحَقِّكَ مُقِرّاً بِفَضْلِكَ مُسْتَبْصِراً بِضَلاٰلَةِ مَنْ خٰالَفَكَ وَ خٰالَفَ

به حق تو و اقرار به بزرگواری تو و آگاهی از گمراهی آنانکه با تو

أَهْلَ بَيْتِكَ عٰارِفاً بِالْهُدَى ٱلَّذِي أَنْتَ عَلَيْهِ، بِأَبِي أَنْتَ وَ أُمِّي

و خاندانت مخالفت کردند و به هدایتی که تو آورده‌ای آشنایم. پدر و مادرم

وَ نَفْسِي وَ أَهْلِي وَ مٰالِي وَ وُلْدِي، أَنَا أُصَلِّي عَلَيْكَ كَمٰا صَلَّى

و جان و خاندان و مال و فرزندم فدای تو باد. بر تو صلوات می‌فرستم همانطور که

ٱللّٰهُ عَلَيْكَ وَ صَلّىٰ عَلَيْكَ مَلاٰئِكَتُهُ وَ أَنْبِيٰاؤُهُ وَ رُسُلُهُ صَلاٰةً

خدا بر تو صلوات فرستد و فرشتگان و پیامبران و فرستادگان خدا بر تو صلوات فرستند

مُتَتٰابِعَةً وٰافِرَةً مُتَوٰاصِلَةً لاٰ ٱنْقِطٰاعَ لَهٰا وَ لاٰ أَمَدَ وَ لاٰ أَجَلَ،

صلوات پیوسته، فراوان‌و پیاپی که انقطاع نپذیردو مدت و نهایت ندارد

صَلَّى ٱللّٰهُ عَلَيْكَ وَعَلىٰ أَهْلِ بَيْتِكَ ٱلطَّيِّبِينَ ٱلطّٰاهِرِينَ كَمٰا أَنْتُمْ أَهْلُهُ.

صلوات خدابر تو و بر خاندان پاک و ارجمند تو؛ بدانگونه که سزاوار آنید.

پس دستها را بگشا و بگو:

ٱللّٰهُمَّ ٱجْعَلْ جَوٰامِعَ صَلَوٰاتِكَ وَ نَوٰامِيَ بَرَكٰاتِكَ وَ فَوٰاضِلَ

خداوندا، صلوات کامل و برکات رونده و نیکی‌های

خَيْراتِكَ وَ شَرائِفَ تَحِيّاتِكَ وَ تَسْليماتِكَ وَ كَراماتِكَ

روزافزون و برترین سلامها و تهنیت‌ها و بزرگواریها و رحمتها

وَ رَحَماتِكَ وَ صَلَواتِ مَلائِكَتِكَ ٱلْمُقَرَّبينَ وَ أَنْبِيائِكَ

و صلوات فرشتگان مقرب درگاهت و پیامبران و فرستادگانت

ٱلْمُرْسَلينَ وَ أَئِمَّتِكَ ٱلْمُنْتَجَبينَ وَ عِبادِكَ ٱلصّالِحينَ وَ أَهْلِ

و پیشوایان برگزیده و بندگان شایسته‌ات و ساکنان آسمانها

ٱلسَّماواتِ وَ ٱلْأَرَضينَ وَ مَنْ سَبَّحَ لَكَ يا رَبَّ ٱلْعالَمينَ مِنَ

و زمینها و هر آنکه تو را تسبیح گوید - ای پروردگار دو جهان ،

ٱلْأَوَّلينَ وَ ٱلْآخِرينَ عَلى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَ رَسُولِكَ وَ شاهِدِكَ

از گذشتگان و آیندگان، همگی نثار محمد بنده‌ات، فرستاده‌ات، گواهت،

وَ نَبِيِّكَ وَ نَذيرِكَ وَ أَمينِكَ وَ مَكينِكَ وَ نَجِيِّكَ وَ نَجيبِكَ

پیامبرت، و بیم‌دهندهٔ عذابت، و امین و منصوب تو و هم راز و بانجابت

وَ حَبيبِكَ وَ خَليلِكَ وَ صَفِيِّكَ وَ صَفْوَتِكَ وَ خاصَّتِكَ

و دوستدار و دوست یکدل و صفیّ و برگزیده‌ات، و مخصوص

وَ خالِصَتِكَ وَ رَحْمَتِكَ وَ خَيْرِ خِيَرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ نَبِيِّ ٱلرَّحْمَةِ

با خلوص تو و رحمت تو و بهترین گزیدهٔ تو از آفریدگانت پیامبر رحمت

وَ خازِنِ ٱلْمَغْفِرَةِ وَ قائِدِ ٱلْخَيْرِ وَ ٱلْبَرَكَةِ وَ مُنْقِذِ ٱلْعِبادِ مِنَ

و گنجینهٔ مغفرت و پیشوای خیر و برکت و رهایی بخش‌بندگان از

ٱلْهَلَكَةِ بِإِذْنِكَ وَ داعيهِمْ إِلى دينِكَ ٱلْقَيِّمِ بِأَمْرِكَ، أَوَّلِ ٱلنَّبِيّينَ

هلاک با اذن تو و خوانندهٔ ایشان به دین استوار بنابر فرمانت، اولین پیامبر

مِیْثاقاً وَ آخِرِهِمْ مَبْعَثاً اَلَّذی غَمَسْتَهُ فی بَحْرِ الْفَضیلَةِ

از نظر میثاقی که با تو دارد و واپسین آنان از نظر زمان بعثت، پیامبری که او را در دریای فضیلت

وَ الْمَنْزِلَةِ الْجَلیلَةِ وَ الدَّرَجَةِ الرَّفیعَةِ وَ الْمَرْتَبَةِ الْخَطیرَةِ،

و علو مقام و درجهٔ عالی و بلندپایگی فرو بردی

وَ اَوْدَعْتَهُ الْاَصْلابَ الطّاهِرَةَ وَ نَقَلْتَهُ مِنْها اِلَی الْاَرْحامِ

و او را در اصلاب پاک ودیعه نهادی و از آنجا به ارحام

الْمُطَهَّرَةِ لُطْفاً مِنْكَ لَهُ وَ تَحَنُّناً مِنْكَ عَلَیْهِ اِذْ وَكَّلْتَ لِصَوْنِهِ

پاکیزه منتقل فرمودی از لطف تو بر او و مهری که به او ورزیدی و برای مراقبت

وَ حِراسَتِهِ وَ حِفْظِهِ وَ حِیاطَتِهِ مِنْ قُدْرَتِكَ عَیْناً عاصِمَةً

و حراست و حفظ و نگهداری او با قدرت خودت چشمانی مراقب گماشتی

حَجَبْتَ بِها عَنْهُ مَدانِسَ الْعَهْرِ وَ مَعائِبَ السِّفاحِ، حَتّی

تا او را از پلیدیهای هرزگی و عیوب بی بند و باری دور سازد. تا

رَفَعْتَ بِهِ نَواظِرَ الْعِبادِ وَ اَحْیَیْتَ بِهِ مَیْتَ الْبِلادِ، بِاَنْ كَشَفْتَ

بوسیلهٔ او دیدهٔ بندگان را رفیع و سرزمینهای مرده را زنده ساختی.

عَنْ نُورِ وِلادَتِهِ ظُلَمَ الْاَسْتارِ وَ اَلْبَسْتَ حَرَمَكَ بِهِ حُلَلَ

با فروغ ولادت او پرده‌های سیاه را برداشتی و جامه‌های روشن بر قامت بندگانت پوشاندی.

الْاَنْوارِ، اَللّٰهُمَّ فَكَما خَصَصْتَهُ بِشَرَفِ هٰذِهِ الْمَرْتَبَةِ الْكَریمَةِ

خداوندا، آنگونه که پیامبرت را به افتخار چنین مرتبه باکرامت

وَ ذُخْرِ هٰذِهِ الْمَنْقَبَةِ الْعَظیمَةِ صَلِّ عَلَیْهِ كَما وَفی بِعَهْدِكَ

و ذخیره این منقبت عظیم مخصوص داشتی، بر او صلوات فرست همانطور که او به عهد تو وفا کرد

وَ بَلَّغَ رِسالاٰتِكَ وَ قاٰتَلَ أَهْلَ ٱلْجُحُودِ عَلىٰ تَوْحيدِكَ وَ قَطَعَ

و رسالت تو را ابلاغ فرمود و بادشمنانی‌که یگانگی تو را انکار کردند پیکار کرد

رَحِمَ ٱلْكُفْرِ فِى إِعْزاٰزِ دينِكَ وَ لَبِسَ ثَوْبَ ٱلْبَلْوىٰ فى

و به خاطر عزّت دین تو با خویشاوندان کافرش قطع رابطه کرده ولباس سختی‌و بلا را در

مُجاٰهَدَةِ أَعْداٰئِكَ وَ أَوْجَبْتَ لَهُ بِكُلِّ أَذىً مَسَّهُ أَوْ كَيْدٍ

پیکار بادشمنانت پوشیده و تو نیز برای او در برابر هر اذیتی که تحمل کرد یا مکری

أَحَسَّ بِهِ مِنَ ٱلْفِئَةِ ٱلَّتى حاٰوَلَتْ قَتْلَهُ، فَضيلَةً تَفُوقُ ٱلْفَضاٰئِلَ

که احساس کرد از کسانی که کمر به قتل او بسته بودند، فضیلتی فوق فضائل واجب نمودی

وَ يَمْلِكُ بِهَا ٱلْجَزيلَ مِنْ نَواٰلِكَ وَ قَدْ أَسَرَّ ٱلْحَسْرَةَ وَ أَخْفَى

و بدان شایستهٔ عطای شایان تو گردید و دشواری را ناچیزشمردوناله‌ها را پنهان کرد

ٱلزَّفْرَةَ وَ تَجَرَّعَ ٱلْغُصَّةَ وَ لَمْ يَتَخَطَّ ماٰ مَثَّلَ لَهُ وَحْيُكَ،

اندوه‌را سرکشید و از چارچوب‌حدودی‌که وحی تو برای او مقرر داشته بود، تجاوز نکرد.

ٱللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِ وَ عَلىٰ أَهْلِ بَيْتِهِ صَلوٰةً تَرْضاٰهاٰ لَهُمْ،

خداوندا، بر او و خاندانش صلواتی فرست که برای آنان می‌پسندی

وَ بَلِّغْهُمْ مِنّاٰ تَحِيَّةً كَثيرَةً وَسَلاٰماً وَ آتِناٰ مِنْ لَدُنْكَ فى مُوٰالاٰتِهِمْ

و از سوی ما سلام و دعای فراوان بدیشان برسان. و دوستی و ارادت آنان را به فضل

فَضْلاً وَ إِحْساٰناً وَ رَحْمَةً وَ غُفْراٰناً إِنَّكَ ذُوٱلْفَضْلِ ٱلْعَظيمِ.

و احسان خود همراه رحمت و آمرزش نصیب فرما که تو دارای فضل عظیمی.

پس چهار رکعت نماز، با دو سلام، با هر سوره‌ای که مایل باشی بخوان؛ آنگاه تسبیح حضرت زهرا علیها السلام بگو و زیارت را چنین ادامه بده:

اَللّٰهُمَّ إِنَّكَ قُلْتَ لِنَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ: «وَلَوْ

خداوندا، تو به پیامبرت محمّد ﷺ گفتی: «که

أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللّٰهَ وَ اسْتَغْفَرَ لَهُمُ

هرگاه آنانکه بر خود ستم روا داشتند بسوی تو آیند و طلب آمرزش کنند و تو نیز برای ایشان

الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللّٰهَ تَوَّاباً رَحِيماً» وَ لَمْ أَحْضُرْ زَمَانَ رَسُولِكَ

طلب آمرزش کنی، ایشان خدای مهربان را بسیار پذیرای توبه و مهربان خواهند یافت». من هر چند روزگار پیامبر تو را

عَلَيْهِ وَ آلِهِ السَّلَامُ، اَللّٰهُمَّ وَ قَدْ زُرْتُهُ رَاغِباً تَائِباً مِنْ سَيِّئِ

ـ که صلوات خدا بر او و خاندانش باد درک نکرده‌ام اما او را زیارت کردم با اشتیاق و توبه از

عَمَلِي وَ مُسْتَغْفِراً لَكَ مِنْ ذُنُوبِي وَ مُقِرّاً لَكَ بِهَا وَ أَنْتَ أَعْلَمُ

رفتار بدم و طلب آمرزش گناهانم و اقرار به آن نزد تو. و تو به گناهان من

بِهَا مِنِّي، وَ مُتَوَجِّهاً إِلَيْكَ بِنَبِيِّكَ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ

از من آگاهتری. و من بسوی تو روی آورده‌ام بوسیلهٔ پیامبرت، پیامبر رحمت صلوات تو بر او و آل او

فَاجْعَلْنِي اَللّٰهُمَّ بِمُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ عِنْدَكَ وَجِيهاً فِي الدُّنْيَا

پس خداوندا،به محمد و خاندانش، مرا از آبرومندان و نزدیکان درگاهت در دنیا

وَ الْآخِرَةِ وَ مِنَ الْمُقَرَّبِينَ، يَا مُحَمَّدُ يَا رَسُولَ اللّٰهِ بِأَبِي أَنْتَ

و آخرت قرار ده. ای محمد، ای رسول خدا پدر و مادرم فدایت

وَ أُمِّي يَا نَبِيَّ اللّٰهِ يَا سَيِّدَ خَلْقِ اللّٰهِ، إِنِّي أَتَوَجَّهُ بِكَ إِلَى اللّٰهِ لِي

ای پیامبر خدا ای سرور آفریدگان خدا. من بوسیلهٔ تو به خدا روی آورده‌ام

رَبِّكَ وَ رَبِّي لِيَغْفِرَ لِي ذُنُوبِي وَ يَتَقَبَّلَ مِنِّي عَمَلِي وَ يَقْضِيَ

پروردگارت و پروردگارم، تا گناهانم را بیامرزدو عمل مرا قبول کند و حاجاتم

حَوائِجي، فَكُنْ لي شَفيعاً عِنْدَ رَبِّكَ وَ رَبّي، فَنِعْمَ ٱلْمَسْئُولُ

را برآورد. تو از من در پیشگاه پروردگارت و پروردگارم شفاعت کن. پس چه خوب

ٱلْمَوْلىٰ رَبّي وَ نِعْمَ ٱلشَّفيعُ أَنْتَ يا مُحَمَّدُ عَلَيْكَ وَ عَلىٰ أَهْلِ

درخواست شونده‌ای است پروردگارم و چه خوب شفیعی هستی تو ای محمد بر تو

بَيْتِكَ ٱلسَّلامُ، ٱللّٰهُمَّ وَ أَوْجِبْ لي مِنْكَ ٱلْمَغْفِرَةَ وَ ٱلرَّحْمَةَ

و اهل بیت تو سلام باد. خداوندا، مرا مشمول مغفرت و رحمت

وَ ٱلرِّزْقَ ٱلْواسِعَ ٱلطَّيِّبَ ٱلنّافِعَ كَما أَوْجَبْتَ لِمَنْ اَتىٰ نَبِيِّكَ

و رزق فراوان و پاکیزه و سودمند قرار ده؛ همانگونه که برای کسی که بنزد پیامبرت

مُحَمَّداً صَلَواتُكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ هُوَ حَيٌّ فَأَقَرَّ لَهُ بِذُنُوبِهِ وَ ٱسْتَغْفَرَ

محمد صلوات تو بر او و آل او می‌رفت در زمان حیات او و به گناه خود اعتراف می‌کرد

لَهُ رَسُولُكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ ٱلسَّلامُ فَغَفَرْتَ لَهُ بِرَحْمَتِكَ يا أَرْحَمَ

و رسول تو طلب آمرزش می‌نمود و تو او را برحمت خود ـ ای مهربان‌ترین

ٱلرّاحِمينَ، ٱللّٰهُمَّ وَ قَدْ أَمَّلْتُكَ وَ رَجَوْتُكَ وَ قُمْتُ بَيْنَ يَدَيْكَ

مهربانان می‌بخشودی. خداوندا، من به تو امیدوارم و آرزو دارم و در برابر تو ایستاده‌ام؛ و

وَ رَغِبْتُ إِلَيْكَ عَمَّنْ سِواكَ وَ قَدْ أَمَّلْتُ جَزيلَ ثَوابِكَ وَ إِنّي

از غیر تو به تو رو آورده‌ام و به پاداش شایان تو دلبسته‌ام. من

لَمُقِرٌّ غَيْرُ مُنْكِرٍ وَ تائِبٌ إِلَيْكَ مِمَّا ٱقْتَرَفْتُ وَ عائِذٌ بِكَ في

به گناه خود اعتراف می‌کنم و منکر آن نیستم؛ و از آن پشیمانم و بتو پناه آورده‌ام در

هٰذَا ٱلْمَقامِ مِمّا قَدَّمْتُ مِنَ ٱلْأَعْمالِ ٱلَّتي تَقَدَّمْتَ إِلَيَّ فيها

این مقام از کارهایی که پیش از این کرده‌ام

وَ نَهَيْتَني عَنْها وَ أَوْعَدْتَ عَلَيْها الْعِقابَ، وَ أَعُوذُ بِكَرَمِ
و تو مرا منع فرمودی و وعدهٔ عذاب دادی، و به وجه کریم

وَجْهِكَ أَنْ تُقيمَني مَقامَ الْخِزْيِ وَ الذُّلِّ يَوْمَ تُهْتَكُ فيهِ
تو پناه می‌برم که مرا به جایگاه رسوائی و ذلّت نبری در آن روزی که پرده‌ها

الْأَسْتارُ وَ تَبْدُو فيهِ الْأَسْرارُ وَ الْفَضائِحُ وَ تَرْعَدُ فيهِ الْفَرائِصُ،
دریده می‌شود و رازها و رسوائیها آشکار می‌گردد، و دلها از هراس می‌لرزد،

يَوْمَ الْحَسْرَةِ وَالنَّدامَةِ، يَوْمَ الْآفِكَةِ، يَوْمَ الْآزِفَةِ، يَوْمَ التَّغابُنِ،
روز حسرت و پشیمانی، روز رستاخیز روز بدحالی، روز زیانکاری،

يَوْمَ الْفَصْلِ، يَوْمَ الْجَزاءِ، يَوْماً كانَ مِقْدارُهُ خَمْسينَ أَلْفَ
روز جدایی، روز پاداش روزی که مقدار آن پنجاه هزار

سَنَةٍ، يَوْمَ النَّفْخَةِ، يَوْمَ تَرْجُفُ الرّاجِفَةُ تَتْبَعُهَا الرّادِفَةُ، يَوْمَ
سال است، روز نفخهٔ صور روزی که جهان را بلرزاند و خروشی در پی دارد، روز

النَّشْرِ، يَوْمَ الْعَرْضِ، يَوْمَ يَقُومُ النّاسُ لِرَبِّ الْعالَمينَ، يَوْمَ
پراکندگی و نمایش اعمال بندگان، روزی که مردم در پیشگاه پروردگار جهانیان بپاخیزند و روزی

يَفِرُّ الْمَرْءُ مِنْ أَخيهِ وَ أُمِّهِ وَ أَبيهِ وَ صاحِبَتِهِ وَ بَنيهِ، يَوْمَ تَشَقَّقُ
که هرکس از برادر، مادر، پدر، همسر، فرزندان خویش می‌گریزد، روزی که

الْأَرْضُ وَ أَكْنافُ السَّماءِ، يَوْمَ تَأْتي كُلُّ نَفْسٍ تُجادِلُ عَنْ
آسمان و زمین می‌شکافد، روزی که هرکس به دفاع از خود

نَفْسِها، يَوْمَ يُرَدُّونَ إِلَى اللهِ فَيُنَبِّئُهُمْ بِما عَمِلُوا، يَوْمَ لا يُغْني
پردازد، روزی که بازگردانده شوند مردمان بسوی خدا و از آنچه کرده‌اند باخبر گردند، روزی که دوست

مَوْلىً عَنْ مَوْلىً شَيْئاً وَ لاٰ هُمْ يُنْصَرُونَ إِلاّٰ مَنْ رَحِمَ ٱللّٰهُ إِنَّهُ

بکار دوست نیاید و یکدیگر را یاری نکنند مگر آنکس که رحمت خداوند شامل حالش شود که خدا

هُوَ ٱلْعَزِيزُ ٱلرَّحِيمُ، يَوْمَ يُرَدُّونَ إِلىٰ عٰالِمِ ٱلْغَيْبِ وَ ٱلشَّهٰادَةِ،

گرامی و مهربان است، روزی که مردمان بازگردانده شوند بسوی خدای دانای پنهان و آشکار،

يَوْمَ يُرَدُّونَ إِلَى ٱللّٰهِ مَوْلاٰهُمُ ٱلْحَقِّ، يَوْمَ يَخْرُجُونَ مِنَ

روزی که بازگردانده شوند بسوی پروردگار برحقشان، روزی که از

ٱلْأَجْدٰاثِ سِرٰاعاً كَأَنَّهُمْ إِلىٰ نُصُبٍ يُوفِضُونَ وَ كَأَنَّهُمْ جَرٰادٌ

گورها شتابان بیرون شوند، گویی به مقصدی شتابانند و مانند ملخهایی

مُنْتَشِرٌ مُهْطِعِينَ إِلَى ٱلدّٰاعِ إِلَى ٱللّٰهِ، يَوْمَ ٱلْوٰاقِعَةِ، يَوْمَ تُرَجُّ

که پراکنده و سرافکنده بسوی خدا می‌روند روز قیامت روزی که زمین

ٱلْأَرْضُ رَجّاً، يَوْمَ تَكُونُ ٱلسَّمٰاءُ كَالْمُهْلِ وَ تَكُونُ ٱلْجِبٰالُ

بلرزه درآید و روزی که آسمان همچون کف و کوهها

كَالْعِهْنِ وَ لاٰ يُسْئَلُ حَمِيمٌ حَمِيماً، يَوْمَ ٱلشّٰاهِدِ وَ ٱلْمَشْهُودِ،

چون پشم متلاشی شوند و دیگر خویشاوند از حال خویشاوند خود نپرسد؛ روز شاهد و مشاهده شونده؛

يَوْمَ تَكُونُ ٱلْمَلاٰئِكَةُ صَفّاً صَفّاً، اَللّٰهُمَّ ٱرْحَمْ مَوْقِفي في

روزی که فرشتگان به ردیف ایستاده‌اند. خداوندا، در آن روز به جهت

ذٰلِكَ ٱلْيَوْمِ بِمَوْقِفي في هٰذَا ٱلْيَوْمِ وَ لاٰ تُخْزِني في ذٰلِكَ

زیارت امروزم به من رحم کن و مرا به سبب جنایاتی که بر خود کرده‌ام

ٱلْمَوْقِفِ بِمٰا جَنَيْتُ عَلىٰ نَفْسي، وَٱجْعَلْ يٰا رَبِّ في ذٰلِكَ

در آن روز رسوا مگردان. پروردگارا، در روز قیامت رهایی مرا

اَلْيَوْمِ مَعَ أَوْلِيٰائِكَ مُنْطَلَقِي وَ فِي زُمْرَةِ مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ
با اولیاء خود قرار ده و در گروه محمد و خاندانش

عَلَيْهِمُ اَلسَّلاٰمُ مَحْشَرِي، وَ اَجْعَلْ حَوْضَهُ مَوْرِدِي وَ فِي اَلْغُرِّ
که سلام بر ایشان باد، محشور ساز. حوض او را محل ورود من قرار ده و بازگشت مرا

اَلْكِرٰامِ مَصْدَرِي، وَ أَعْطِنِي كِتٰابِي بِيَمِينِي حَتّٰى أَفُوزَ بِحَسَنٰاتِي
در زمرهٔ روسفیدان گرامی معین فرما. و نامهٔ أعمالم‌را بدست‌راستم ده تا به‌سبب نیکی‌هایم پاداش بینم

وَ تُبَيِّضَ بِهِ وَجْهِي وَ تُيَسِّرَ بِهِ حِسٰابِي وَ تُرَجِّحَ بِهِ مِيزٰانِي
و رو سفید گردم و حساب من آسان گردد و ترازوی اعمال نیکم سنگین شود

وَ أَمْضِيَ مَعَ اَلْفٰائِزِينَ مِنْ عِبٰادِكَ اَلصّٰالِحِينَ إِلىٰ رِضْوٰانِكَ
و با رستگاران از بندگان صالحت به بهشت رضوان راه یابم؛

وَ جِنٰانِكَ إِلٰهَ اَلْعٰالَمِينَ، اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ أَنْ تَفْضَحَنِي
ای پروردگار دو جهان. خداوندا، به تو پناه می‌برم از اینکه در روز رستاخیز،

فِي ذٰلِكَ اَلْيَوْمِ بَيْنَ يَدَيِ اَلْخَلاٰئِقِ بِجَرِيرَتِي أَوْ أَنْ أَلْقَيَ
در حضور مردمان به سبب جرم رسوایم سازی یا به سبب گناهانم با

اَلْخِزْيَ وَ اَلنَّدٰامَةَ بِخَطِيئَتِي أَوْ أَنْ تُظْهِرَ فِيهِ سَيِّئٰاتِي عَلىٰ
خواری و پشیمانی روبرو شوم و نیز گناهانم را بر

حَسَنٰاتِي أَوْ أَنْ تُنَوِّهَ بَيْنَ اَلْخَلاٰئِقِ بِاسْمِي يٰا كَرِيمُ يٰا كَرِيمُ،
حسناتم چیره سازی یا اسم مرا در بین خلائق اعلان کنی ای کریم ای کریم،

اَلْعَفْوَ اَلْعَفْوَ، اَلسَّتْرَ اَلسَّتْرَ، اَللّٰهُمَّ وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ أَنْ يَكُونَ
مرا ببخش، مرا ببخش، و گناهم را بپوشان. خداوندا، به تو پناه می‌برم از اینکه

فِي ذٰلِكَ ٱلْيَوْمِ فِي مَوٰاقِفِ ٱلْأَشْرٰارِ مَوْقِفِي أَوْ فِي مَقٰامِ

در روز رستاخیز، جایگاه من در کنار اشرار یا در پایگاه

ٱلْأَشْقِيٰاءِ مَقٰامِي، وَ إِذٰا مَيَّزْتَ بَيْنَ خَلْقِكَ فَسُقْتَ كُلّاً بِأَعْمٰالِهِمْ

تیره‌روزان باشد و آنگاه که مردمان را جدا می‌سازی و هرکس را بخاطر اعمالش

زُمَراً إِلىٰ مَنٰازِلِهِمْ فَسُقْنِي بِرَحْمَتِكَ فِي عِبٰادِكَ ٱلصّٰالِحِينَ

در جایگاهی که سزاوار است قرار می‌دهی، مرا به رحمت خود در زمرهٔ بندگان

وَ فِي زُمْرَةِ أَوْلِيٰائِكَ ٱلْمُتَّقِينَ إِلىٰ جَنّٰاتِكَ يٰا رَبَّ ٱلْعٰالَمِينَ.

صالح و اولیاء پرهیزگارت در بهشت قرار دهی؛ ای پروردگار جهانها.

پس با آن حضرت وداع کن و بگو:

اَلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ يٰا رَسُولَ ٱللّٰهِ، اَلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ أَيُّهَا ٱلْبَشِيرُ

سلام بر تو ای فرستادهٔ خدا، سلام بر تو ای بشارت دهنده

ٱلنَّذِيرُ، اَلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ أَيُّهَا ٱلسِّرٰاجُ ٱلْمُنِيرُ، اَلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ

و ترساننده، سلام بر تو ای چراغ پرتوافشان حق، سلام بر تو

أَيُّهَا ٱلسَّفِيرُ بَيْنَ ٱللّٰهِ وَ بَيْنَ خَلْقِهِ، أَشْهَدُ يٰا رَسُولَ ٱللّٰهِ أَنَّكَ

ای فرستادهٔ خدا بر آفریدگان؛ گواهی دهم - ای فرستادهٔ خدا که تو

كُنْتَ نُوراً فِي ٱلْأَصْلاٰبِ ٱلشّٰامِخَةِ وَ ٱلْأَرْحٰامِ ٱلْمُطَهَّرَةِ،

نوری در صلب اجداد بزرگوار و ارحام پاکیزه بوده‌ای.

لَمْ تُنَجِّسْكَ ٱلْجٰاهِلِيَّةُ بِأَنْجٰاسِهٰا وَ لَمْ تُلْبِسْكَ مِنْ مُدْلَهِمّٰاتِ

پلیدی جاهلیت تو را نیالوده و تاریکی‌های آن تو را در خود

ثِيابِها، وَ أَشْهَدُ يا رَسُولَ اللّٰهِ أَنّي مُؤْمِنٌ بِكَ وَ بِالْأَئِمَّةِ مِنْ
نپوشانده. گواهی دهم ـ ای فرستادهٔ خدا که من به تو و خاندانت که پیشوایان دینند،

أَهْلِ بَيْتِكَ، مُوقِنٌ بِجَميعِ ما أَتَيْتَ بِهِ راضٍ مُؤْمِنٌ، وَ أَشْهَدُ
ایمان آورده‌ام و یقین دارم به تمام آنچه تو آورده‌ای و خشنود و عقیده‌مندم. گواهی می‌دهم

أَنَّ الْأَئِمَّةَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِكَ، أَعْلامُ الْهُدىٰ وَ الْعُرْوَةُ الْوُثْقىٰ
که پیشوایان دین از خاندان شریفت، نشانه‌های رستگاری، و ریسمان محکم

وَ الْحُجَّةُ عَلىٰ أَهْلِ الدُّنْيا، اللّٰهُمَّ لا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ
و حجت خدا بر جهانیانند. خداوندا، این زیارت را برای من آخرین

زِيارَةِ نَبِيِّكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ السَّلامُ، وَ إِنْ تَوَفَّيْتَني فَإِنّي أَشْهَدُ في
زیارت پیامبرت ـ که سلام خدا بر او و خاندانش باد ـ قرار مده. و اگر مرا بمیرانی، آنچه را در زندگی

مَماتي عَلىٰ ما أَشْهَدُ عَلَيْهِ في حَياتي أَنَّكَ أَنْتَ اللّٰهُ لا إِلٰهَ إِلّا أَنْتَ
گواهی دهم، پس از مرگ نیز شهادت خواهم داد. که تو خداوندی و جز تو خدایی نیست

وَحْدَكَ لا شَريكَ لَكَ وَ أَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُكَ وَ رَسُولُكَ وَ أَنَّ
یکتایی؛ شریک نداری و محمد بنده و فرستادهٔ توست

الْأَئِمَّةَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ أَوْلِياؤُكَ وَ أَنْصارُكَ وَ حُجَجُكَ عَلىٰ
و پیشوایان دین از خاندان او، اولیای تو و یاران تو و حجتهای تو بر

خَلْقِكَ وَ خُلَفاؤُكَ في عِبادِكَ وَ أَعْلامُكَ في بِلادِكَ وَ خُزّانُ
خلقند و جانشینان تو در میان مردمند و نشانه‌های تو در شهرها و گنجینهٔ

عِلْمِكَ وَ حَفَظَةُ سِرِّكَ وَ تَراجِمَةُ وَحْيِكَ، اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ
علم تو و نگهدارندهٔ راز تو و ترجمان و مفسر وحی تواند. خداوندا، بر محمد و خاندان او

وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ بَلِّغْ رُوحَ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ في ساعَتي هٰذِهِ وَ في
صلوات فرست و به روان پیامبرت، محمد و خاندان او در این ساعت

كُلِّ ساعَةٍ تَحِيَّةً مِنّي وَ سَلاماً، وَ آلسَّلامُ عَلَيْكَ يا رَسُولَ آللّٰهِ
و هر ساعت دیگر سلام و احترام مرا ابلاغ فرما. صلوات بر تو ای فرستادهٔ خدا؛

وَ رَحْمَةُ آللّٰهِ وَ بَرَكاتُهُ، لا جَعَلَهُ آللّٰهُ آخِرَ تَسْليمي عَلَيْكَ.[۱]
همراه رحمت و برکات او. خداوند این سلام را آخرین سلام من بر تو قرار ندهد.

۴ـ زیارت حضرت امیرالمؤمنین﵇ در روز مولود پیامبر اسلام ﷺ در روز ۱۷ ربیع الاول پس از غسل زیارت پاکیزه‌ترین لباس خود را بپوش و پس از استعمال عطر به حرم مطهر حضرت امیرالمؤمنین﵇ برو و مقابل درب حرم بایست و سی و سه بار بگو: الله اکبر و سپس بگو.

اَلسَّلامُ عَلىٰ رَسُولِ اللّٰهِ السَّلامُ عَلىٰ خِيَرَةِ اللّٰهِ، السَّلامُ عَلَى
سلام بر رسول خدا سلام بر برگزیده خدا، سلام

الْبَشيرِ النَّذيرِ السِّراجِ الْمُنيرِ وَ رَحْمَةُ اللّٰهِ وَ بَرَكاتُهُ، السَّلامُ
و رحمت و برکات خدا بر بشیر و نذیر و چراغ تابنده، سلام

عَلَى الطُّهْرِ الطّاهِرِ، السَّلامُ عَلَى الْعَلَمَ الزّاهِرِ، السَّلامُ عَلَى
بر پاک و پاکیزه، سلام بر پرچم درخشان، سلام بر

الْمَنْصُورِ الْمُؤَيَّدِ، السَّلامُ عَلىٰ اَبِي الْقاسِمْ مُحَمَّدٍ وَ رَحْمَةُ
یاری شده و تأیید شده، سلام بر ابوالقاسم محمد و رحمت

۱. بحار الانوار / ۱۰۰ / ۱۸۳.

اللّٰهِ وَ بَرَكٰاتُهُ، اَلسَّلاٰمُ عَلىٰ اَنْبِيٰاءِ اللّٰهِ الْمُرْسَلِينَ وَ عِبٰادِ اللّٰهِ خدا و برکات خدا، سلام بر پیامبران و رسولان خدا و بر بندگان
الصّٰالِحِينَ، اَلسَّلاٰمُ عَلىٰ مَلاٰئِكَةِ اللّٰهِ الْحٰافّينَ بِهٰذَا الْحَرَمِ شایسته خدا، سلام بر فرشتگان خدا در گرد این حرم شریف
وَ بِهٰذَا الضَّرِيحِ اللاّٰئِذِينَ بِهِ. (سپس به نزدیک قبر برو و بگو) و این ضریح که پناهنده او هستند.
اَلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ يٰا وَصِيَّ الْأَوْصِيٰاءِ اَلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ يٰا عِمٰادَ سلام بر تو ای وصی اوصیا، سلام بر تو ای پایگاه
الْأَتْقِيٰاءِ، اَلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ يٰا وَلِيَّ الْأَوْلِيٰاءِ، اَلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ پرهیزگاران، سلام بر تو ای ولی اولیا، سلام بر تو
يٰا سَيِّدَ الشُّهَدٰاءِ، اَلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ يٰا آيَةَ اللّٰهِ الْعُظْمىٰ، اَلسَّلاٰمُ ای سرور شهیدان، سلام بر تو ای نشانهٔ بزرگ خدا، سلام
عَلَيْكَ يٰا خٰامِسَ اَهْلِ الْعَبٰاءِ، اَلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ يٰا قٰائِدَ الْغُرِّ بر تو ای پنجمین آل عبا، سلام بر تو ای پیشوای روسفیدان
الْمُحَجَّلِينَ الْأَتْقِيٰاءِ، اَلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ يٰا عِصْمَةَ الْأَوْلِيٰاءِ، و آبرومندان اهل تقوی، سلام بر تو ای عصمت اولیا
اَلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ يٰا زَيْنَ الْمُوَحِّدِينَ النُّجَبٰاءِ، اَلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ سلام بر تو ای زینت یگانه پرستان نجیب، سلام بر تو
يٰا خٰالِصَ الْأَخِلاّٰءِ، اَلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ يٰا وٰالِدَ الْأَئِمَّةِ الْأُمَنٰاءِ، ای خالص خلیلان خدا، سلام بر تو ای پدر امامان امین،

اَلسَّلامُ عَلَيْکَ يٰا صاٰحِبَ الْحَوْضِ وَ حاٰمِلَ اللِّواٰءِ، اَلسَّلامُ
سلام بر تو ای صاحب حوض و پرچمدار، سلام

عَلَيْکَ يٰا قَسيمَ الْجَنَّةِ وَ لَظىٰ، اَلسَّلامُ عَلَيْکَ يٰا مَنْ شُرِّفَتْ بِهِ
بر تو ای قسمت کننده بهشت و دوزخ سوزان، سلام بر تو ای که

مَكَّةُ وَ مِنىٰ، اَلسَّلامُ عَلَيْکَ يٰا بَحْرَ الْعُلُومِ وَ كَنَفَ الْفُقَراٰءِ،
مکه و منی بوسیله تو شرافت یافته است، سلام بر تو ای دریای دانشها و سرمایه بی‌نوایان،

اَلسَّلامُ عَلَيْکَ يٰا مَنْ وُلِدَ فِى الْكَعْبَةِ وَ زُوِّجَ فِى السَّمٰاءِ
سلام بر تو ای که در خانه کعبه متولد شدی و ازدواج تو در آسمان

بِسَيِّدَةِ النِّسٰاءِ وَ كاٰنَ شُهُودُهَا الْمَلاٰئِكَةَ الْأَصْفِياٰءِ، اَلسَّلامُ
با سرور بانوان در حضور فرشتگان برگزیده انجام شد، سلام

عَلَيْکَ يٰا مِصْباٰحَ الضِّياٰءِ، اَلسَّلامُ عَلَيْکَ يٰا مَنْ خَصَّهُ النَّبِيُّ
بر تو ای چراغ تابان، سلام بر تو ای کسی که پیامبر به او عطای شایان

بِجَزيلِ الْحِباٰءِ، اَلسَّلامُ عَلَيْکَ يٰا مَنْ باٰتَ عَلىٰ فِراٰشِ خاٰتَمِ
اختصاص داده است، سلام بر تو ای کسی که شب را در بستر خاتم

الْأَنْبِياٰءِ وَ وَقاٰهُ بِنَفْسِهِ شَرَّ الْأَعْداٰءِ، اَلسَّلامُ عَلَيْکَ يٰا مَنْ
پیغمبران گذراند و با جان خود او را از شر دشمنان نگه داشت، سلام بر تو ای که

رُدَّتْ لَهُ الشَّمْسُ فَساٰمىٰ شَمْعُونَ الصَّفاٰ، اَلسَّلامُ عَلَيْکَ
خورشید برای او باز گردانده شد و هم ردیف شمعون الصّفا گردید، سلام بر تو

يٰا مَنْ اَنْجَى اللّٰهُ سَفينَةَ نُوحٍ بِاسْمِهِ وَ اسْمِ اَخيهِ حَيْثُ الْتَطَمَ
ای آنکه خدا به نام او و نام برادرش «(حضرت رسول‌الله)» کشتی نوح را هنگامی که

اَلْماءُ حَوْلَها وَ طَمیٰ، اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا مَنْ تابَ اللّٰهُ بِهِ

آب در اطرافش موج زد و طغیان کرد نجات داد، سلام بر تو ای که خدا بوسیله او و برادرش

وَ بِاَخیهِ عَلیٰ آدَمَ اِذْ غَویٰ، اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا فُلْکَ النَّجاةِ

توبه آدم را پذیرفت هنگامی که خلاف کرد، سلام بر تو ای کشتی نجاتی

الَّذی مَنْ رَکِبَهُ نَجیٰ وَ مَنْ تَاَخَّرَ عَنْهُ هَویٰ، اَلسَّلامُ عَلَیْکَ

که هرکس سوار شد رهایی یافت و هرکس از آن عقب ماند فرو شد سلام بر تو

یا مَنْ خاطَبَ الثُّعْبانَ وَ ذِئْبَ الْفَلاٰ، اَلسَّلامُ عَلَیْکَ

ای که خطاب کردی با اژدها و گرگ بیابان، سلام بر تو

یا اَمیرَالْمُؤْمِنینَ وَ رَحْمَةُ اللّٰهِ وَ بَرَکاتُهُ، اَلسَّلامُ عَلَیْکَ

ای امیر مومنان و رحمت خدا و برکات او بر تو، سلام بر تو

یا حُجَّةَ اللّٰهِ عَلیٰ مَنْ کَفَرَ وَ اَنابَ، اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا اِمامَ

ای حجت خدا بر کسی که کافر شده و باز گشته، سلام بر تو ای امام

ذَوِی الْاَلْبابِ، اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا مَعْدِنَ الْحِکْمَةِ وَ فَصْلَ

و پیشوای خردمندان، سلام بر تو ای منبع حکمت و فصل

الْخِطابِ، اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْکِتابِ، اَلسَّلامُ

الخطاب، سلام بر تو ای که دانش قرآن نزد اوست، سلام

عَلَیْکَ یا میزانَ یَوْمِ الْحِسابِ، اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا فاصِلَ

بر تو ای میزان روز حساب، سلام بر تو ای تمیز دهنده

الْحُکْمِ النّاطِقَ بِالصَّوابِ، اَلسَّلامُ عَلَیْکَ اَیُّهَا الْمُتَصَدِّقُ

حکم گویای به حق، سلام بر تو ای صدقه دهنده

بِالْخاتَمِ فِی الْمِحْرابِ، اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا مَنْ کَفَی اللّٰهُ

انگشتر در محراب عبادت، سلام بر تو ای کسی که خدا به وسیله او

الْمُؤْمِنینَ الْقِتالَ بِهِ یَوْمَ الْأَحْزابِ، اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا مَنْ

در جنگ احزاب از مؤمنین کفایت کرد سلام بر تو ای کسی که از

اَخْلَصَ لِلّٰهِ الْوَحْدانِیَّةَ وَ اَنابَ، اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا قاتِلَ خَیْبَرَ

خلوص خدا را یگانه شناخت و بازگشت، سلام بر تو ای کشنده اهل خیبر

وَ قالِعَ الْبابِ، اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا مَنْ دَعاهُ خَیْرُ الْاَنامِ لِلْمَبیتِ

و کنندۀ درب خیبر، سلام بر تو ای کسی که اشرف موجودات او را برای خوابیدن

عَلیٰ فِراشِهِ فَاَسْلَمَ نَفْسَهُ لِلْمَنِیَّةِ وَ اَجابَ، اَلسَّلامُ عَلَیْکَ

در بستر خویش دعوت کرد و او جانش را بدست مرگ تسلیم کرد و اجابت کرد، سلام بر تو

یا مَنْ لَهُ طُوبیٰ وَ حُسْنُ مَآبٍ وَ رَحْمَةُ اللّٰهِ وَ بَرَکاتُهُ، اَلسَّلامُ

ای که مقام طوبی و سرانجام نیک برای اوست و رحمت خدا و برکات او بر تو باد، سلام

عَلَیْکَ یا وَلِیَّ عِصْمَةِ الدّینِ وَ یا سَیِّدَ السّاداتِ، اَلسَّلامُ

بر تو ای ولیّ عصمت در دین و ای سرور سروران، سلام

عَلَیْکَ یا صاحِبَ الْمُعْجِزاتِ، اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا مَنْ نَزَلَتْ

بر تو ای صاحب معجزات، سلام بر تو ای که سورۀ والعادیات

فی فَضْلِهِ سُورَةُ الْعادِیاتِ، اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا مَنْ کُتِبَ اسْمُهُ

در فضیلت او نازل شده است، سلام بر تو ای که نام او

فِی السَّماءِ عَلَی السُّرادِقاتِ، اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا مُظْهِرَ الْعَجائِبِ

در سراپرده‌ها نوشته شده سلام بر تو ای پدیدار کننده عجایب

وَ الْأٰیاتِ، اَلسَّلاٰمُ عَلَیْکَ یٰا اَمیرَ الْغَذَوٰاتِ، اَلسَّلاٰمُ عَلَیْکَ

و آیات، سلام بر تو ای امیر سپاه در جنگها، سلام بر تو

یٰا مُخْبِراً بِمٰا هُوَ اٰتٍ، اَلسَّلاٰمُ عَلَیْکَ یٰا مُخٰاطِبَ ذِئْبِ

ای خبر دهنده از آنچه در آینده اتفاق می‌افتد، سلام بر تو ای خطاب کننده گرگ

اَلْفَلَوٰاتِ، اَلسَّلاٰمُ عَلَیْکَ یٰا خٰاتِمَ الْحَصیٰ وَ مُبَیِّنَ الْمُشْکِلاٰتِ،

بیابان، سلام بر تو مهر زننده بر سنگ ریزه و بیان کننده مشکلات،

اَلسَّلاٰمُ عَلَیْکَ یٰا مَنْ عَجِبَتْ مِنْ حَمَلاٰتِهِ فِی الْوَغٰا مَلاٰئِکَةُ

سلام بر تو ای که از حمله‌های او در نبرد فرشتگان

السَّمٰوٰاتِ، اَلسَّلاٰمُ عَلَیْکَ یٰا مَنْ نٰاجَی الرَّسُولَ فَقَدَّمَ بَیْنَ

آسمانها در شگفت شدند، سلام بر تو ای که با رسول خدا راز گفتی و پیش

یَدَیْ نَجْوٰیهُ الصَّدَقٰاتِ، اَلسَّلاٰمُ عَلَیْکَ یٰا وٰالِدَ الْأَئِمَّةِ الْبَرَرَةِ

از آن نجوی صدقه‌های آن عطا کردی، سلام بر تو ای پدر امامان نیکوکار

السّٰادٰاتِ وَ رَحْمَةُ اللّٰهِ وَ بَرَکٰاتُهُ، اَلسَّلاٰمُ عَلَیْکَ یٰا تٰالِیَ

و سادات سلام و تحیت و برکات خدا بر تو باد، سلام بر تو ای دنباله رو کسی که

الْمَبْعُوثِ، اَلسَّلاٰمُ عَلَیْکَ یٰا وٰارِثَ عِلْمِ خَیْرِ مَوْرُوثٍ

مبعوث شد، سلام بر تو ای وارث علم بهترین کسی که میراث گذاشته

وَ رَحْمَةُ اللّٰهِ وَ بَرَکٰاتُهُ، اَلسَّلاٰمُ عَلَیْکَ یٰا سَیِّدَ الْوَصِیّینَ،

و رحمت خدا و برکات او بر تو باد، سلام بر تو ای سید اوصیا،

اَلسَّلاٰمُ عَلَیْکَ یٰا اِمٰامَ الْمُتَّقینَ، اَلسَّلاٰمُ عَلَیْکَ یٰا غِیٰاثَ

سلام بر تو ای پیشوای پرهیزگاران، سلام بر تو ای پناه

اَلْمَكْرُوبِينَ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا عِصْمَةَ الْمُؤْمِنِينَ، اَلسَّلامُ
غم دیدگان، سلام بر تو ای عصمت اهل ایمان، سلام

عَلَيْكَ يا مُظْهِرَ الْبَراهِينَ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا طٰهٰ وَ يٰسٓ، اَلسَّلامُ
بر تو ای آشکار کننده برهان‌ها، سلام بر تو ای طه و یس (یعنی نفس رسول)، سلام

عَلَيْكَ يا حَبْلَ اللّٰهِ الْمَتِينَ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا مَنْ تَصَدَّقَ فِي
بر تو ای رشتهٔ محکم خدا، سلام بر تو ای کسی که در نماز انگشتری پربهای

صَلاتِهِ بِخاتَمِهِ عَلَى الْمِسْكِينَ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا قالِعَ الصَّخْرَةِ
خود را به فقیر صدقه دادی، سلام بر تو که سنگ را

عَنْ فَمِ الْقَلِيبِ وَ مُظْهِرَ الْماءِ الْمَعِينِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا عَيْنَ
از در چاه کندی و آب گوارا بیرون آوردی، سلام بر تو ای دیده

اللّٰهِ النّاظِرَةَ وَ يَدَهُ الْباسِطَةَ وَ لِسانَهُ الْمُعَبِّرَ عَنْهُ فِي بَرِيَّتِهِ
بینای خدا و دست گشاده و زبان گویای الهی که از آن با همهٔ مخلوقاتش

اَجْمَعِينَ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ عِلْمِ النَّبِيِّينَ وَ مُسْتَوْدَعَ عِلْمِ
سخن می‌گوید، سلام بر تو ای وارث علم پیغمبران و خزانه دار علم

الْاَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ وَ صاحِبَ لِواءِ الْحَمْدِ وَ ساقِيَ اَوْلِيائِهِ
اولین و آخرین و صاحب پرچم حمد و ساقی اولیائش

مِنْ حَوْضِ خاتَمِ النَّبِيِّينَ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا يَعْسُوبَ الدِّينِ
از حوض کوثر خاتم پیامبران، سلام بر تو ای پیشوای دین

وَ قائِدَ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِينَ وَ والِدَ الْاَئِمَّةِ الْمَرْضِيِّينَ وَ رَحْمَةُ اللّٰهِ
و رهبر آبرومندان و روسفیدان و پدر امامان پسندیده و رحمت خدا

وَ بَرَکاٰتُهُ، اَلسَّلاٰمُ عَلَیْکَ عَلَی اسْمِ اللّٰهِ الرَّضِیِّ وَ وَجْهِهِ
و برکات او بر تو باد، سلام بر نام پسندیدهٔ خدا و جلوه

الْمُضِیءِ وَ جَنْبِهِ الْقَوِیِّ وَ صِراٰطِهِ السَّوِیِّ، اَلسَّلاٰمُ عَلَی الْاِماٰمِ
تابنده‌اش و گماشته قوی در راه راستش، سلام بر امام

التَّقِیِّ الْمُخْلِصِ الصَّفِیِّ، اَلسَّلاٰمُ عَلَی الْکَوْکَبِ الدُّرِّیِّ،
با تقوی، با اخلاص و با صفا، سلام بر ستارهٔ درخشان،

اَلسَّلاٰمُ عَلَی الْاِماٰمِ اَبِی الْحَسَنِ عَلِیٍّ وَ رَحْمَةُ اللّٰهِ وَ بَرَکاٰتُهُ،
سلام بر امام ابی الحسن علی و رحمت و برکات ایزد بر او باد،

اَلسَّلاٰمُ عَلیٰ اَئِمَّةِ الْهُدیٰ وَ مَصاٰبیحِ الدُّجیٰ وَ اَعْلاٰمِ التُّقیٰ
سلام بر امامان هدایت‌گر خلق و چراغهای شب تار و نشانه‌های تقوی

وَ مَناٰرِ الْهُدیٰ وَ ذَوِی النُّهیٰ وَ کَهْفِ الْوَریٰ وَ الْعُرْوَةِ الْوُثْقیٰ
و مشعلهای هدایت و صاحبان خرد و پناه مردم و رشته محکم و استوار

وَ الْحُجَّةِ عَلیٰ اَهْلِ الدُّنْیا وَ رَحْمَةُ اللّٰهِ وَ بَرَکاٰتُهُ، اَلسَّلاٰمُ
و حجت بر اهل دنیا و رحمت و برکات خدا بر آن بزرگواران، سلام

عَلیٰ نُورِ الْاَنْواٰرِ وَ حُجَّةِ الْجَبّاٰرِ وَ واٰلِدِ الْاَئِمَّةِ الْاَطْهاٰرِ
بر روشنی بخش انوار و حجت خدای جبّار و پدر ائمه اطهار

وَ قَسیمِ الْجَنَّةِ وَ النّاٰرِ الْمُخْبِرِ عَنِ الْآثاٰرِ الْمُدَمِّرِ عَلَی الْکُفّاٰرِ
و قسمت کننده بهشت و دوزخ خبر دهنده از حوادث و آثار و هلاک کننده کفار

مُسْتَنْقِذِ الشّیعَةِ الْمُخْلِصینَ مِنْ عَظیمِ الْاَوْزاٰرِ، اَلسَّلاٰمُ عَلی
و نجات بخش پیروان با اخلاص از بارهای بزرگ گناه، سلام بر

الْمَخْصُوصِ بِالطّاهِرَةِ التَّقِيَّةِ ابْنَةِ الْمُخْتارِ الْمَوْلُودِ فِى الْبَيْتِ

تنها شايسته همسرى با طاهره باتقوى دختر پيغمبر مختار مولود در خانه

ذِى الْأَسْتارِ الْمُزَوَّجِ فِى السَّماءِ بِالْبَرَّةِ الطّاهِرَةِ الرَّضِيَّةِ

پرده دار (كعبه) تزويج شده در آسمان با نيكوكار طاهره رضيه

الْمَرْضِيَّةِ والِدَةِ الْأَئِمَّةِ الْأَطْهارِ وَ رَحْمَةُ اللّٰهِ وَ بَرَكاتُهُ، اَلسَّلامُ

مرضيه مادر امامان پاک و رحمت و بركات خدا بر او، سلام

عَلَى النَّبَأِ الْعَظِيمِ الَّذى هُمْ فيهِ مُخْتَلِفُونَ وَ عَلَيْهِ يُعْرَضُونَ

بر خبر بزرگ كه در او اختلاف كردند و بر او عرضه شوند

وَ عَنْهُ يُسْئَلُونَ، اَلسَّلامُ عَلىٰ نُورِ اللّٰهِ الْأَنْوَرِ وَ ضِيائِهِ الْأَزْهَرِ

و از آن پرسش شوند، سلام بر نورانى‌ترين نور خدا و درخشان‌ترين پرتو آن

وَ رَحْمَةُ اللّٰهِ وَ بَرَكاتُهُ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وَلِيَّ اللّٰهِ وَ حُجَّتَهُ

و رحمت و بركات خدا بر او باد، سلام بر تو اى ولى خداو حجت او

وَ خالِصَةَ اللّٰهِ وَ خاصَّتَهُ، اَشْهَدُ اَنَّكَ يا وَلِيَّ اللّٰهِ لَقَدْ جاهَدْتَ

و خالص و مخصوص خدا، گواهم كه تو اى ولى خدا به حقيقت جهاد كردى

فِي سَبيلِ اللّٰهِ حَقَّ جِهادِهِ وَ اتَّبَعْتَ مِنْهاجَ رَسُولِ اللّٰهِ صَلَّى

در راه خدا چنانچه سزاوار آن بود و از روش رسول خدا پيروى نمودى، سلام

اللّٰهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ حَلَّلْتَ حَلالَ اللّٰهِ، وَ حَرَّمْتَ حَرامَ اللّٰهِ

خدا بر او و آل او و حلال خدا را حلال دانستى و حرام خدا را حرام دانستى

وَ شَرَعْتَ اَحْكامَهُ، وَ اَقَمْتَ الصَّلٰوةَ وَ اٰتَيْتَ الزَّكٰوةَ وَ اَمَرْتَ

و احكام او را رواج دادى و نماز را بپاداشتى و زكات دادى و امر

بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَ جاهَدْتَ فِي سَبِيلِ اللّٰهِ

به معروف و نهی از منکر کردی و در راه خدا جهاد کردی

صابِراً ناصِحاً مُجْتَهِدًا مُحْتَسِباً عِنْدَ اللّٰهِ عَظِيمَ الْأَجْرِ، حَتّٰى

بردبار خیراندیش در حالیکه با کوشش بی‌حساب و مراقبت کامل نزد خدا پاداش بزرگ یافتی، تا

اَتيٰكَ الْيَقِينُ، فَلَعَنَ اللّٰهُ مَنْ دَفَعَكَ عَنْ حَقِّكَ وَ اَزالَكَ عَنْ

یقین (مرگ) به سوی‌تو آمد پس لعنت خدا بر کسی که تو را از مقام خلافت و ولایت

مَقامِكَ، وَ لَعَنَ اللّٰهُ مَنْ بَلَغَهُ ذٰلِكَ فَرَضِيَ بِهِ اُشْهِدُ اللّٰهَ

دور کرد، و لعنت خدا بر آنکه خبر آن را شنید و آن را پسندید، خدا و فرشتگان او را

وَ مَلائِكَتَهُ وَ اَنْبِيائَهُ وَ رُسُلَهُ اَنّي وَلِيٌّ لِمَنْ والاكَ وَعَدُوٌّ

و پیغمبرانش و رسولانش را گواه می‌گیرم که من ولی کسی هستم که تو را دوست دارد و دشمن

لِمَنْ عاداكَ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ وَ رَحْمَةُ اللّٰهِ وَ بَرَكاتُهُ

هرکه تو را دشمن دارد، سلام و رحمت خدا و برکات او بر تو باد

(سپس خود را بقبر بچسبان و قبر را ببوس و بگو)

اَشْهَدُ اَنَّكَ تَسْمَعُ كَلامي وَ تَشْهَدُ مَقامي، وَ اَشْهَدُ لَكَ

گواهم که تو سخن مرا می‌شنوی و مقام مرا مشاهده می‌کنی و گواهم که تو

يا وَلِيَّ اللّٰهِ بِالْبَلاغِ وَالْأَداءِ يا مَوْلايَ يا حُجَّةَ اللّٰهِ يا اَمينَ اللّٰهِ

ای ولی خدا دین را تبلیغ و حق را ادا کردی ای مولای من ای حجت خدا ای امین خدا

يا وَلِيَّ اللّٰهِ اِنَّ بَيْني وَ بَيْنَ اللّٰهِ عَزَّوَجَلَّ ذُنُوباً قَدْ اَثْقَلَتْ ظَهْري

ای ولی خدا براستی میان من و خدای عزیز و بزرگ گناهانی است که حقیقتاً پشت مرا سنگین نموده

وَ مَنَعَتْني مِنَ الرُّقادِ وَ ذِكْرُها يُقَلْقِلُ اَحْشائي وَ قَدْ هَرَبْتُ اِلَى اللّٰهِ

و مرا از خواب باز داشته و یاد آن گناهان درون مرا پریشان می‌سازد و بسوی خدای

عَزَّوَجَلَّ وَ اِلَيْكَ فَبِحَقِّ مَنِ ائْتَمَنَكَ عَلىٰ سِرِّهِ وَ اسْتَرْعاكَ

عزیز و بزرگ و بسوی تو گریختم پس سوگند بحق آنکه ترا امین کرده بر سرّ خود و امر

اَمْرَ خَلْقِهِ وَ قَرَنَ طاعَتَكَ بِطاعَتِهِ وَ مُوالاٰتَكَ بِمُوالاٰتِهِ كُنْ

خلقش را بتو سپرده و طاعتش را بطاعت تو و دوستیش را به دوستی تو

لي اِلَى اللّٰهِ شَفيعاً وَ مِنَ النّارِ مُجيراً وَ عَلَى الدَّهْرِ ظَهيراً

قرین ساخته نزد خدا شفیع من باش و از آتش پناهم ده و در حوادث روزگار پشتیبان من باش

(سپس باز خود را بقبر بچسبان و قبر را ببوس و بگو:)

يا وَلِيَّ اللّٰهِ يا حُجَّةَ اللّٰهِ يا بابَ حِطَّةِ اللّٰهِ وَلِيُّكَ وَ زائِرُكَ

ای ولی خدا ای حجت خدا ای باب گذشت خدا، دوست تو زائر تو

وَ اللاّئِذُ بِقَبْرِكَ وَ النّازِلُ بِفِنائِكَ وَ الْمُنيخُ رَحْلَهُ في جِوارِكَ،

پناهنده به مرقد تو فرود آمده به آستان مبارکت و بار افکنده در جوار لطف تو،

يَسْئَلُكَ اَنْ تَشْفَعَ لَهُ اِلَى اللّٰهِ في قَضاءِ حاجَتِهِ وَ طَلِبَتِهِ فِي

از تو می‌خواهد که نزد خدا در برآوردن حاجتش و مقاصدش در

الدُّنْيا وَ الْاٰخِرَةِ، فَاِنَّ لَكَ عِنْدَ اللّٰهِ الْجاهَ الْعَظيمَ وَ الشَّفاعَةَ

دنیا و آخرت او را شفاعت کنی زیرا برای تو نزد خدا منزلت بزرگ و شفاعت

الْمَقْبُولَةَ، فَاجْعَلْني يا مَوْلاٰيَ مِنْ هَمِّكَ وَ اَدْخِلْني في

پذیرفته است پس ای مولایم مرا مورد توجّه و همت خود قرار بده و در حزب

حِزْبِکَ، وَ السَّلامُ عَلَیْکَ وَ عَلیٰ ضَجیعَیْکَ آدَمَ وَ نُوحٍ،
و گروه خود داخل کن، سلام بر تو و بر دو هم مرقد تو آدم و نوح

وَ السَّلامُ عَلَیْکَ وَ عَلیٰ وَلَدَیْکَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَیْنِ وَ عَلَی
و سلام بر تو و بر دو فرزندت حضرت حسن و حسین و بر

الْأَئِمَّةِ الطّاهِرینَ مِنْ ذُرِّیَّتِکَ وَ رَحْمَةُ اللّٰهِ وَ بَرَکاتُهُ.[1]
امامان پاک از نسل تو، سلام و رحمت خدا و برکاتش بر شما باد.

سپس دو رکعت نماز بخوان و به حضرت امیرالمؤمنین ﷺ هدیه کن و دو رکعت دیگر بخوان و به حضرت آدم ﷺ هدیه کن و دو رکعت دیگر بخوان و به حضرت نوح ﷺ هدیه کن.

اعمال ماه ربیع‌الثانی، جمادی الاولی و جمادی الثانیة

□ دهم ربیع الثانی

به قول شیخ مفید، ولادت با سعادت امام حسن عسکری ﷺ، در این روز از سال ۲۳۲ هجری واقع شده است.[2]

□ روز ۱۳، ۱۴ و ۱۵ جمادی الاولی

بنا به روایتی، حضرت صدیقهٔ کبری، بعد از پدر بزرگوارش، ۷۵ روز زیسته‌اند. آن حضرت در یکی از این سه روز رحلت کرده‌اند.[3]

روز نیمهٔ ماه را روز ولادت حضرت امام زین‌العابدین ﷺ نیز گفته‌اند.[4]

---

۱. اقبال /۳/ ۱۳۰ـ المزار للشهید / ۹۰ـ بحار الانوار / ۹۷/ ۳۷۳.
۲. مصباح کفعمی، صفحه ۵۱۱.
۳. بحار الانوار، جلد ۴۳، صفحه ۷.
۴. بحار الانوار، جلد ۴۶، صفحه ۱۴.

□ **روز سوم جمادی الثانیه**

سال یازده هجری، وفات حضرت صدیقهٔ کبری فاطمهٔ زهرا ﷺ است.[1] مناسب است برپا کردن سوگواری و ذکر مصائب و بیان هدف عظیم و مقدس آن حضرت که از خطبهٔ جلیله و حالات شریفه‌اش پیداست. مرحوم سید بن طاووس، در کتاب اقبال، برای آن حضرت زیارتی نقل کرده است که در یکی از سه محلی که دفن آن حضرت در مدینهٔ منوره محتمل است، خوانده شود.[2] و حقیر برای آن حضرت زیارتی که از راه دور خوانده شود، نیافتم، جز زیارت مختصری که در اعمال روز یکشنبه گذشت؛ خوب است مؤمنین همان را بخوانند و دو رکعت نماز گزارده، ثوابش را به روح مطهر آن معصومه اهدا نمایند و پس از نماز، حاجت‌های خود را از خداوند بطلبند، امید است به اجابت برسد.

□ **روز بیستم جمادی الثانیه**

سال دوم یا پنجم بعثت، روز ولادت با سعادت حضرت صدیقهٔ کبریٰ فاطمه ﷺ است. مناسب است در این روز، زیارت آن حضرت بطوری که ذکر شد.

---

۱. بحار الانوار، جلد ۴۳، صفحه ۹.   ۲. اقبال، صفحه ۶۲۳.

بخش چهارم

زیارت حرم های مطهر معصومین علیهم السلام

ابتدا، باید به نکته‌ای درباره زیارتهای چهارده معصوم ﷺ، پیامبر گرامی ﷺ، حضرت زهرا ﷺ و دوازده امام ﷺ توجه داشت و آن اینکه، برخی از این زیارتها، عمومی است، یعنی هر یک از ائمه ﷺ را می‌توان از راه نزدیک یا دور با آنها زیارت نمود؛ اما برخی از آنها، دربارهٔ معصوم خاص یا در مکان و زمان خاص وارد شده است، لکن این قسم را نیز زائر محترم، می‌تواند در غیر محل ورودش، به قصد «رجا» بخواند، و در برخی از موارد اسمها را تغییر دهد، چنانچه در مقدمهٔ کتاب بیان کردیم.

و این بخش شامل چند فصل است:

فصل اول

زیارت حرم مطهر رسول گرامی حضرت محمد بن عبدالله ﷺ، در مدینه منوره

اگر کسی را سعادت یاری کرد، توفیق خداوند شامل حالش شد و توانست در مدینه منوره به زیارت مرقد پاک و انور نبی بزرگ اسلام، پیامبر عظیم‌الشأن، خاتم انبیاء، محمد بن عبدالله ﷺ، نایل شود، ابتدا باید از صمیم قلب، شکر حضرت حق را بجا آورد؛ یعنی: بداند که نعمتهای او بی‌پایان است و بشر از ادای شکر آنها عاجز است، (تشکر زبانی و اعتراف به قصور و ناتوانی) امید است همین معنی، در محضر کرمش، بجای شکر همهٔ نعمتها محسوب گردد.

سپس متوجه باشد چه کسی‌را زیارت‌می‌کند. بدانـدکه در محضر یگانه شخصیت عالم خلقت، بزرگترین انسان جهان آفرینش، شریفترین مخلوق صفحهٔ وجود، خاتم پیامبران، حضرت محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله است. بی‌تردیداگر کسی‌با اعتقادبه مقام‌نبوت‌و رسالت او، با تصدیق به امامت و ولایت و خاتمیت او، با اذعان و باور به خلافت و عصمت خاندان او، با عشق و شوق و محبت به این شجرهٔ طیبهٔ الهی، آن حضرت‌رازیارت کند، هرچه هم گنهکار باشد، مورد توجه قرار می‌گیرد و برای هر حاجتی او را شفیع سازد، به هدف خواهد رسید، انشاءالله.

حال، با قلبی مملو از شوق و عشق، سرشار از رجا و امید، ترسان از سوابق گناه، در مقابل درب حرم امن نبوی، هر دری باشد، بایست و با خواندن اذن دخول زیر، رخصت ورود بطلب:

اَللّٰهُمَّ إِنِّي وَقَفْتُ عَلٰى بٰابٍ مِنْ أَبْوٰابِ بُيُوتِ نَبِيِّكَ صَلَوٰاتُكَ

خدایا، من بر دری از درهای خانهٔ پیامبرت - که صلوات تو

عَلَيْهِ وَ آلِهِ، وَ قَدْ مَنَعْتَ آلنّٰاسَ أَنْ يَدْخُلُوا إِلّٰا بِإِذْنِهِ فَقُلْتَ

بر او و خاندانش باد - ایستاده‌ام و تو مردم را از ورود بی‌اجازه منع کرده‌ای و گفته‌ای:

يٰا أَيُّهَا آلَّذِينَ آمَنُوا لٰا تَدْخُلُوا بُيُوتَ آلنَّبِيِّ إِلّٰا أَنْ يُؤْذَنَ لَكُمْ،

ای مؤمنان، به خانه‌های پیامبر وارد نشوید جز آن که به شما اجازه داده شود.

اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَعْتَقِدُ حُرْمَةَ صٰاحِبِ هٰذَا آلْمَشْهَدِ آلشَّرِيفِ فِي

خدایا، من به حرمت صاحب این مزار شریف در

غَيْبَتِهِ كَمٰا أَعْتَقِدُهٰا فِي حَضْرَتِهِ وَأَعْلَمُ أَنَّ رَسُولَكَ وَخُلَفٰائَكَ

غیابش اعتقاد دارم، همان گونه که در حضورش معتقدم و می‌دانم که فرستادهٔ تو و جانشینانت

عَلَيْهِمُ ٱلسَّلاٰمُ أَحْيٰاءٌ عِنْدَكَ يُرْزَقُونَ، يَرَوْنَ مَقٰامي وَ يَسْمَعُونَ

ـ که سلام بر آنان باد زنده و نزد تو روزی می‌خورند. جایگاهم را می‌بینند و سخنم را

كَلاٰمي وَ يَرُدُّونَ سَلاٰمي، وَ أَنَّكَ حَجَبْتَ عَنْ سَمْعي كَلاٰمَهُمْ

می‌شنوند و سلامم را پاسخ می‌دهند و تو سخن آنان را از گوشم پوشاندی

وَ فَتَحْتَ بٰابَ فَهْمي بِلَذيذِ مُنٰاجٰاتِهِمْ،وَ إِنّي أَسْتَأْذِنُكَ يٰا رَبِّ

و دریچهٔ فهم مرا بر لذت مناجات آنان گشوده‌ای، و ای پروردگارم در ابتدا از تو اجازه

أَوَّلاً وَ أَسْتَأْذِنُ رَسُولَكَ صَلَّى ٱللّٰهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ ثٰانِياً وَ أَسْتَأْذِنُ

می‌خواهم و سپس از فرستاده‌ات ـ که صلوات خدا بر او و خاندانش باد و در مرحلهٔ سوم

خَليفَتَكَ ٱلْإِمٰامَ ٱلْمَفْرُوضَ عَلَيَّ طٰاعَتُهُ وَ ٱلْمَلاٰئِكَةَ ٱلْمُوَكَّلينَ

از جانشینت، آن امامی که اطاعتش واجب است و فرشتگان گمارده شده

بِهٰذِهِ ٱلْبُقْعَةِ ٱلْمُبٰارَكَةِ ثٰالِثاً، ءَأَدْخُلُ يٰا رَسُولَ ٱللّٰهِ، ءَأَدْخُلُ

به این بقعهٔ مبارک اجازه می‌خواهم. ای پیامبر خدا آیا وارد شوم؟

يٰا حُجَّةَ ٱللّٰهِ،ءَأَدْخُلُ يٰا مَلاٰئِكَةَ ٱللّٰهِ ٱلْمُقَرَّبينَ ٱلْمُقيمينَ في هٰذَا

ای حجّت خدا آیا وارد شوم؟ ای فرشتگان مقرّب خداوند که مقیم این مزار هستید،

ٱلْمَشْهَدِ، فَأْذَنْ لي يٰا مَوْلاٰيَ فِي ٱلدُّخُولِ، أَفْضَلَ مٰا أَذِنْتَ

داخل شوم؟ ای مولای من، اجازهٔ ورودم ده، بهترین اجازه‌ای که

لِأَحَدٍ مِنْ أَوْلِيٰائِكَ، فَإِنْ لَمْ أَكُنْ أَهْلاً لِذٰلِكَ فَأَنْتَ أَهْلٌ لِذٰلِكَ.

به فردی از دوستدارانت می‌دهی، که اگر من شایستهٔ این نباشم تو شایستهٔ آن هستی.

سپس در هر نقطه‌ای از حرم مطهر باشی ـ گرچه نیکوست هم رو به قبله و هم رو به ضریح منور باشی ـ دو رکعت نماز تحیت مسجد، که مثل نماز صبح است،

بجا آور. ـ نماز تحیت، یعنی انجام تشریفات ورود به محضر حق و حضور در پیشگاه خدا، که در تمام مساجد مستحب است. ـ بعد در هر جا موفق شدی بایست یا بنشین و مشغول زیارت و دعا شو و در فکر بوسیدن قبر و مالیدن دست به ضریح و غیره مباش ـ ولی در فکر این باش که گویا تویی و آن حضرت، غیری یا اغیاری در این دار و دیار نیست ـ چه آنکه او بی‌تردید جایت را مشاهده می‌کند و سخنانت را می‌شنود و سلامهایت را جواب می‌گوید. پس با کمال ادب زیارت بخوان. ما در اینجا دو زیارت نقل می‌کنیم:

اول ـ زیارتی است که حضرت رضا علیه السلام، به بزنطی تعلیم فرمود، که نماز زیارت بخواند و بعد بگوید:

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا رَسُولَ اللّٰهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا نَبِيَّ اللّٰهِ،

سلام بر تو ای فرستادهٔ خدا، سلام بر تو ای پیامبر خدا،

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا مُحَمَّدَ بْنَ عَبْدِ اللّٰهِ ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ

سلام بر تو ای محمّدبن عبدالله، سلام بر تو

يا خاتَمَ النَّبِيِّينَ، أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ بَلَّغْتَ الرِّسالَةَ وَ أَقَمْتَ الصَّلٰوةَ

ای خاتم پیامبران، گواهی می‌دهم که تو رسالت خود را ابلاغ کردی (و به انجام رساندی) و نماز را برپا داشتی

وَ اٰتَيْتَ الزَّكٰوةَ وَ أَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ

و زکات را پرداختی و امر به معروف و نهی از منکر کردی

وَ عَبَدْتَ اللّٰهَ مُخْلِصاً حَتّٰى اَتٰيكَ الْيَقِينُ، فَصَلَوٰاتُ اللّٰهِ عَلَيْكَ

و خدا را خالصانه تا فرارسیدن یقین عبادت کردی؛ درودهای خدا

وَ رَحْمَتُهُ وَ عَلٰى أَهْلِ بَيْتِكَ الطّاهِرِينَ.

و رحمت او بر تو و خاندان تو باد.

دوم ـ زیارتی‌است که در طرف بالای سر آن حضرت، رو به منبر، خوانده می‌شود و اگر میسر نشد، در هر نقطهٔ حرم شریف خوانده می‌شود، بایست و بگو:

أَشْهَدُ أَنْ لاٰ إِلٰهَ إِلاَّ ٱللهُ وَحْدَهُ لاٰ شَرِيكَ لَهُ، وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّداً

«گواهی می‌دهم که جز خداوند، معبودی نیست، یکتا و بی‌شریک است و گواهی می‌دهم که محمّد

عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ، وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ رَسُولُ ٱللهِ وَ أَنَّكَ مُحَمَّدُ بْنُ

بنده و فرستادهٔ اوست. گواهی می‌دهم که تو خود رسول خدایی، گواهی می‌دهم که تو خود محمّد بن

عَبْدِ ٱللهِ، وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ بَلَّغْتَ رِسٰالاٰتِ رَبِّكَ وَ نَصَحْتَ

عبدالله هستی، گواهی می‌دهم که رسالتهای پروردگارت را ابلاغ کردی و برای امّت خویش،

لِأُمَّتِكَ وَ جٰاهَدْتَ فِي سَبِيلِ ٱللهِ وَ عَبَدْتَ ٱللهَ حَتّٰى أَتٰيٰكَ

خیرخواهی کردی و در راه خدا جهاد نمودی و خدا را خالصانه تا فرا رسیدن

ٱلْيَقِينُ بِالْحِكْمَةِ وَ ٱلْمَوْعِظَةِ ٱلْحَسَنَةِ، وَ أَدَّيْتَ ٱلَّذِي عَلَيْكَ

یقین عبادت کردی. با حکمت و موعظهٔ نیکو، (خیرخواه امت بودی)، حقی را که

مِنَ ٱلْحَقِّ وَ أَنَّكَ قَدْ رَؤُفْتَ بِالْمُؤْمِنِينَ وَ غَلُظْتَ عَلَى

بر عهده داشتی ادا کردی، با مؤمنان رئوف بودی و با کافران سختگیری

ٱلْكٰافِرِينَ، فَبَلَّغَ ٱللهُ بِكَ أَفْضَلَ شَرَفِ مَحَلِّ ٱلْمُكَرَّمِينَ،

کردی، خداوند هم تو را به برترین شرافت مرتبهٔ گرامیان برساند.

ٱلْحَمْدُ لِلهِ ٱلَّذِي ٱسْتَنْقَذَنٰا بِكَ مِنَ ٱلشِّرْكِ وَ ٱلضَّلاٰلَةِ، ٱللّٰهُمَّ

خداوندی را سپاس که ما را به وسیلهٔ تو از شرک و گمراهی نجات بخشید. خداوندا

فَاجْعَلْ صَلَوٰاتِكَ وَ صَلَوٰاتِ مَلاٰئِكَتِكَ ٱلْمُقَرَّبِينَ وَ أَنْبِيٰائِكَ

صلوات خود را و صلوات فرشتگان مقرّب و بندگان شایسته و پیامبران

اَلْمُرْسَلینَ وَ عِبادِكَ اَلصّالِحینَ وَ أَهْلِ اَلسَّمٰواتِ وَ اَلْأَرَضینَ

فرستاده‌ات و آسمانیان و زمینیان

وَ مَنْ سَبَّحَ لَكَ یا رَبَّ اَلْعالَمینَ مِنَ اَلْأَوَّلینَ وَ اَلْآخِرینَ

و هرکه تو را تسبیح گوید، از اولین و آخرین، ای پروردگار جهانیان،

عَلٰی مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَ رَسُولِكَ وَ نَبِیِّكَ وَ أَمینِكَ وَ نَجِیِّكَ

بر محمّد، آن بنده و فرستاده و پیامبر و امین و همسخن

وَ حَبیبِكَ وَ صَفِیِّكَ وَ خاصَّتِكَ وَ صَفْوَتِكَ وَ خِیَرَتِكَ مِنْ

و محبوب و برگزیده و بندهٔ خاص و منتخب از

خَلْقِكَ، اَللّٰهُمَّ أَعْطِهِ اَلدَّرَجَةَ اَلرَّفیعَةَ وَ آتِهِ اَلْوَسیلَةَ مِنَ

بندگانت بفرست. خداوندا به او رتبهٔ والا و وسیلهٔ از بهشت

اَلْجَنَّةِ وَ اَبْعَثْهُ مَقاماً مَحْمُوداً یَغْبِطُهُ بِهِ اَلْأَوَّلُونَ وَ اَلْآخِرُونَ،

عطا کن و به مقامی پسندیده برانگیز، که اولین و آخرین بدان غبطه خورند.

اَللّٰهُمَّ إِنَّكَ قُلْتَ وَ لَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جاءُوكَ

خداوندا فرموده‌ای: «اگر آنان وقتی بر خویش ستم کردند، نزد تو می‌آمدند

فَاسْتَغْفَرُوا اَللّٰهَ وَ اَسْتَغْفَرَ لَهُمُ اَلرَّسُولُ لَوَجَدُوا اَللّٰهَ تَوّاباً

و از خدا آمرزش می‌خواستند و پیامبر نیز برای آنان آمرزش می‌طلبید، خدا را توبه‌پذیر

رَحیماً، وَ إِنّی اَتَیْتُكَ مُسْتَغْفِراً تائِباً مِنْ ذُنُوبی، وَ إِنّی

و مهربان می‌یافتند». و من با حالت استغفار و توبه از گناهانم نزد پیامبرت آمده‌ام و ای

أَتَوَجَّهُ بِكَ إِلَی اَللّٰهِ رَبّی وَ رَبِّكَ لِیَغْفِرَ لی ذُنُوبی.

پیامبر به وسیلهٔ تو روی به درگاه پروردگارم و پروردگارت آورده‌ام تا گناهان مرا ببخشاید».

ـ اگر حال داشته باشی از دعاهای زیر، که از معصومین وارد شده است، هر قدر بتوانی بخوان، و اگر چنانچه با زبان مادری خویش حاجتهای خود را یکایک با خدا در میان بگذاری، در حضور پیامبرش بخواهی، و آن حضرت را شفیع قرار دهی، و اصرار کنی، و در میان هر چند دعا، صلوات بفرستی و سپس با قسمهای گوناگون حاجتها را ادامه دهی، بهترین طرز عبادت را موفق شده‌ای! دعاهای مزبور: دعای شعبانیه است، که عرفان محض است و دعای مکارم الاخلاق است، که جامع حاجتها است. البته نباید زائر محترم، از دعا کردن به خویشان و دوستان و ذوی الحقوق و همهٔ مسلمین و خاصه مظلومین اسلام و همچنین از نفرین ظالمان و مستکبران و دشمنان اسلام و مسلمین غفلت نماید.

تذکر ـ مناسب است در همین حرم مطهر، هر جای آن باشی قصد زیارت زهرای مرضیه، صدیقهٔ کبری، فاطمه زهرا نمایی، رو به قبله کنی و قبل از زیارت، یا بعد از آن، نماز زیارت بجا آوری؛ چه آنکه نزدیکترین احتمال، آن است که آن حضرت، در جوار رحمت پدر بزرگوارش آرمیده باشد. در زیارت آن حضرت دو زیارت نقل شده است؛

زیارت اول بدین صورت است:

يا مُمْتَحَنَةُ امْتَحَنَكِ اللّٰهُ الَّذي خَلَقَكِ قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَكِ فَوَجَدَكِ

«ای امتحان شده! خدایی‌که تو را آفریده‌پیش از آفریدنت تو را امتحان نمود، پس تو را برای

لِمَا امْتَحَنَكِ صابِرَةً، وَ زَعَمْنا إِنّا لَكِ أَوْلِياءُ وَ مُصَدِّقُونَ

آنچه امتحان کرد، شکیبا یافت ما بر این باوریم که دوستداران توییم و بر آنچه

وَ صابِرُونَ لِكُلِّ ما أَتانا بِهِ أَبُوكِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ أَتىٰ

که پدرت ـ که درود خدا بر او و خاندانش باد ـ برای‌ما آورد و جانشین او آورد،

بِهِ وَصِيُّهُ، فَإِنّا نَسْئَلُكِ إِنْ كُنّا صَدَّقْناكِ إِلاّ أَلْحَقْتِنا بِتَصْديقِنا

پذیرنده و شکیباییم. ما اگر تو را تصدیق‌کردیم،از تو می‌خواهیم که با تصدیقمان نسبت به پیامبر و وصی

لَهُما لِنُبَشِّرَ أَنْفُسَنا بِأَنّا قَدْ طَهُرْنا بِوِلايَتِكِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكِ

او ما را به رتبه‌ای والا ملحق سازی، تا به خودمان مژده دهیم که به‌سبب ولایت تو، پاک شده‌ایم». سلام بر تو

يا بِنْتَ رَسُولِ اللهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكِ يا بِنْتَ نَبِيِّ اللهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكِ

ای دختر فرستادهٔ خدا. سلام بر تو ای دختر پیامبر خدا، سلام بر تو

يا بِنْتَ حَبيبِ اللهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكِ يا بِنْتَ خَليلِ اللهِ، اَلسَّلامُ

ای دختر حبیب خدا، سلام بر تو ای دختر خلیل خدا، سلام

عَلَيْكِ يا بِنْتَ صَفِيِّ اللهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكِ يا بِنْتَ أَمينِ اللهِ،

بر تو ای دختر برگزیدهٔ خدا، سلام بر تو ای دختر امین خدا،

اَلسَّلامُ عَلَيْكِ يا بِنْتَ خَيْرِ خَلْقِ اللهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكِ يا بِنْتَ

سلام بر تو ای دختر بهترین خلق خدا، سلام بر تو ای دختر

أَفْضَلِ أَنْبِياءِ اللهِ وَ رُسُلِهِ وَ مَلائِكَتِهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكِ يا بِنْتَ

برترین پیامبران و فرستادگان و فرشتگان خدا، سلام بر تو ای دختر

خَيْرِ الْبَرِيَّةِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكِ يا سَيِّدَةَ نِساءِ الْعالَمينَ مِنَ

بهترین مردم، سلام بر تو ای سرور بانوان عالم از

الْأَوَّلينَ وَ الْآخِرينَ، اَلسَّلامُ عَلَيْكِ يا زَوْجَةَ وَلِيِّ اللهِ

اولین و آخرین، سلام بر تو ای همسر ولیّ خدا

وَ خَيْرِ الْخَلْقِ بَعْدَ رَسُولِ اللهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكِ يا أُمَّ الْحَسَنِ

و بهترین مردم پس از پیامبر خدا، سلام بر تو ای مادر حسن

وَ الْحُسَيْنِ سَيِّدَيْ شَبابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكِ أَيَّتُها

و حسین، دو سرور جوانان اهل بهشت، سلام بر تو ای

اَلصِّدّیقَةُ الشَّهیدَةُ، اَلسَّلامُ عَلَیْكِ أَیَّتُهَا الرَّضِیَّةُ الْمَرْضِیَّةُ،

صدّیقهٔ شهیده، سلام بر تو ای رضیّهٔ مرضیّه،

اَلسَّلامُ عَلَیْكِ أَیَّتُهَا الْفاضِلَةُ الزَّکِیَّةُ، اَلسَّلامُ عَلَیْكِ أَیَّتُهَا

سلام بر تو ای برتر و پاک، سلام بر تو ای

الْحَوْراءُ الْإِنْسِیَّةُ، اَلسَّلامُ عَلَیْكِ أَیَّتُهَا التَّقِیَّةُ النَّقِیَّةُ،

فرشتهٔ انسانی، سلام بر تو ای پروایپیشهٔ پاکیزه،

اَلسَّلامُ عَلَیْكِ أَیَّتُهَا الْمُحَدَّثَةُ الْعَلیمَةُ، اَلسَّلامُ عَلَیْكِ أَیَّتُهَا

سلام بر تو ای محدّثهٔ دانا، سلام بر تو ای

الْمَظْلُومَةُ الْمَغْصُوبَةُ، اَلسَّلامُ عَلَیْكِ أَیَّتُهَا الْمُضْطَهَدَةُ

ستمدیده‌ای (که حقّت) غصب شده، سلام بر تو ای شکنجه شدهٔ

الْمَقْهُورَةُ، اَلسَّلامُ عَلَیْكِ یا فاطِمَةُ بِنْتَ رَسُولِ اللهِ وَ رَحْمَةُ

سرکوب شده، سلام بر تو ای فاطمه، دختر پیامبر خدا و رحمت

اللهِ وَ بَرَکاتُهُ، صَلَّی اللهُ عَلَیْكِ وَ عَلی رُوحِكِ وَ بَدَنِكِ،

خدا و برکات او بر تو باد. صلوات خدا بر تو و بر روح تو و پیکر تو،

أَشْهَدُ أَنَّكِ مَضَیْتِ عَلی بَیِّنَةٍ مِنْ رَبِّكِ، وَ أَنَّ مَنْ سَرَّكِ فَقَدْ

گواهی می‌دهم، که تو براساس دلیل روشنی از پروردگارت راه سپردی و اینکه هر که تو را خشنود سازد،

سَرَّ رَسُولَ اللهِ صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ، وَ مَنْ جَفاكِ فَقَدْ جَفا

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله را خشنود کرده و هرکه بر تو جفا کند،

رَسُولَ اللهِ صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ، وَمَنْ آذاكِ فَقَدْ آذی رَسُولَ اللهِ

بر رسول خدا جفا کرده است. و هر که تو را بیازارد، رسول خدا صلی الله علیه و آله را آزرده

صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، وَ مَنْ وَصَلَكِ فَقَدْ وَصَلَ رَسُولَ اللهِ

و هر که با تو پیوند برقرار کند با پیامبر خدا صلی الله علیه و آله پیوند برقرار کرده

صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، وَ مَنْ قَطَعَكِ فَقَدْ قَطَعَ رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ

و هر که از تو ببُرَد از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بریده است،

عَلَيْهِ وَ آلِهِ، لِأَنَّكِ بِضْعَةٌ مِنْهُ وَ رُوحُهُ الَّذِي بَيْنَ جَنْبَيْهِ،

چرا که تو پاره‌ای از پیامبر و جان او که در میان دو پهلوی اوست هستی.

أُشْهِدُ اللهَ وَ رُسُلَهُ وَ مَلائِكَتَهُ أَنِّي راضٍ عَمَّنْ رَضيتِ عَنْهُ،

خدا و فرستادگانش و فرشتگانش را گواه می‌گیرم، که من از کسی خشنودم که تو از وی خشنودی

ساخِطٌ عَلى مَنْ سَخِطْتِ عَلَيْهِ، مُتَبَرِّءٌ مِمَّنْ تَبَرَّئْتِ مِنْهُ، مُوالٍ

و از کسی خشمگینم که تو از او خشمگینی، از کسی بیزارم که تو از او بیزاری و دوستدار کسی هستم

لِمَنْ والَيْتِ، مُعادٍ لِمَنْ عادَيْتِ، مُبْغِضٌ لِمَنْ أَبْغَضْتِ، مُحِبٌّ

که تو با او دوستی می‌کنی، دشمن کسی هستم که تو با او دشمنی، کینه‌دار کسی هستم که تو از او کینه داری، دوستدار

لِمَنْ أَحْبَبْتِ، وَ كَفى بِاللهِ شَهيداً وَ حَسيباً وَ جازِياً وَ مُثيباً.

کسی هستم که تو او را دوست داری و خدا برای گواهی و حسابگری و پاداش و ثواب، کافی است.

زیارت دوم بدین نحو است:

اَلسَّلامُ عَلَيْكِ يا بِنْتَ رَسُولِ اللهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكِ يا بِنْتَ نَبِيِّ

سلام بر تو ای دختر فرستادهٔ خدا. سلام بر تو ای دختر پیامبر

اللهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكِ يا بِنْتَ حَبيبِ اللهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكِ يا بِنْتَ

خدا، سلام بر تو ای دختر حبیب خدا، سلام بر تو ای دختر

خَلیلِ اللهِ، اَلسَّلامُ عَلَیْكِ یا بِنْتَ صَفِیِّ اللهِ، اَلسَّلامُ عَلَیْكِ
خلیل خدا، سلام بر تو ای دختر برگزیدهٔ خدا، سلام بر تو

یا بِنْتَ أَمینِ اللهِ، اَلسَّلامُ عَلَیْكِ یا بِنْتَ خَیْرِ خَلْقِ اللهِ،
ای دختر امین خدا، سلام بر تو ای دختر بهترین خلق خدا،

اَلسَّلامُ عَلَیْكِ یا بِنْتَ أَفْضَلِ أَنْبِیاءِ اللهِ وَ رُسُلِهِ وَ مَلائِکَتِهِ،
سلام بر تو ای دختر برترین پیامبران و فرستادگان و فرشتگان خدا،

اَلسَّلامُ عَلَیْكِ یا بِنْتَ خَیْرِ الْبَرِیَّةِ، اَلسَّلامُ عَلَیْكِ یا سَیِّدَةَ
سلام بر تو ای دختر بهترین مردم، سلام بر تو ای سرور

نِساءِ الْعالَمینَ مِنَ الْأَوَّلینَ وَ الْآخِرینَ، اَلسَّلامُ عَلَیْكِ
بانوان عالم از اولین و آخرین، سلام بر تو

یا زَوْجَةَ وَلِیِّ اللهِ وَ خَیْرِ الْخَلْقِ بَعْدَ رَسُولِ اللهِ، اَلسَّلامُ
ای همسر ولیّ خدا و بهترین مردم پس از پیامبر خدا، سلام

عَلَیْكِ یا أُمَّ الْحَسَنِ وَ الْحُسَیْنِ سَیِّدَیْ شَبابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ،
بر تو ای مادر حسن و حسین، دو سرور جوانان اهل بهشت،

اَلسَّلامُ عَلَیْكِ أَیَّتُهَا الصِّدّیقَةُ الشَّهیدَةُ، اَلسَّلامُ عَلَیْكِ أَیَّتُهَا
سلام بر تو ای صدّیقهٔ شهیده، سلام بر تو ای

الرَّضِیَّةُ الْمَرْضِیَّةُ، اَلسَّلامُ عَلَیْكِ أَیَّتُهَا الْفاضِلَةُ الزَّکِیَّةُ،
رضیّهٔ مرضیّه، سلام بر تو ای برتر و پاک،

اَلسَّلامُ عَلَیْكِ أَیَّتُهَا الْحَوْراءُ الْإِنْسِیَّةُ، اَلسَّلامُ عَلَیْكِ أَیَّتُهَا
سلام بر تو ای فرشتهٔ انسانی، سلام بر تو ای

اَلتَّقِيَّةُ اَلنَّقِيَّةُ، اَلسَّلامُ عَلَيْكِ أَيَّتُهَا اَلْمُحَدَّثَةُ اَلْعَلِيمَةُ، اَلسَّلامُ

پرواپیشهٔ پاکیزه، سلام بر تو ای محدَثهٔ دانا، سلام

عَلَيْكِ أَيَّتُهَا اَلْمَظْلُومَةُ اَلْمَغْصُوبَةُ، اَلسَّلامُ عَلَيْكِ أَيَّتُهَا

بر تو ای ستمدیده‌ای (که حقّت) غصب شده، سلام بر تو ای

اَلْمُضْطَهَدَةُ اَلْمَقْهُورَةُ،اَلسَّلامُ عَلَيْكِ يا فاطِمَةُ بِنْتَ رَسُولِ اَللهِ

شکنجه شدهٔ سرکوب شده، سلام بر تو ای فاطمه، دختر پیامبر خدا

وَ رَحْمَةُ اَللهِ وَ بَرَكاتُهُ، صَلَّى اَللهُ عَلَيْكِ وَ عَلى رُوحِكِ وَ بَدَنِكِ،

و رحمت خدا و برکات او بر تو باد. صلوات خدا بر تو و بر روح تو و پیکر تو،

أَشْهَدُ أَنَّكِ مَضَيْتِ عَلى بَيِّنَةٍمِنْ رَبِّكِ، وَ أَنَّ مَنْ سَرَّكِ فَقَدْ سَرَّ

گواهی می‌دهم، که تو بر اساس دلیل روشنی از پروردگارت راه سپردی و اینکه هر که تو را خشنود سازد،

رَسُولَ اَللهِ صَلَّى اَللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، وَ مَنْ جَفاكِ فَقَدْ جَفا

پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله را خشنود کرده و هرکه بر تو جفا کند،

رَسُولَ اَللهِ صَلَّى اَللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، وَ مَنْ آذاكِ فَقَدْ آذى

بر رسول خدا جفا کرده است. و هر که تو را بیازارد،

رَسُولَ اَللهِ صَلَّى اَللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، وَ مَنْ وَصَلَكِ فَقَدْ وَصَلَ

رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله را آزرده و هر که با تو پیوند برقرار کند با

رَسُولَ اَللهِ صَلَّى اَللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، وَ مَنْ قَطَعَكِ فَقَدْ قَطَعَ

پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله پیوند برقرار کرده و هر که از تو بِبُرَد از

رَسُولَ اَللهِ صَلَّى اَللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، لِأَنَّكِ بِضْعَةٌ مِنْهُ وَ رُوحُهُ

پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله بریده است، چرا که تو پاره‌ای از پیامبر و جان او

اَلَّذي بَيْنَ جَنْبَيْهِ، أُشْهِدُ ٱللهَ وَ رُسُلَهُ وَ مَلاٰئِكَتَهُ أَنّي وَلِيٌّ لِمَنْ

که در میان دو پهلوی اوست هستی. خدا و فرستادگانش و فرشتگانش را گواه می‌گیرم، که من دوست

وٰالاٰكِ وَ عَدُوٌّ لِمَنْ عٰاداكِ وَ حَرْبٌ لِمَنْ حٰارَبَكِ، أَنٰا يٰا مَوْلاٰتي

دوستداران توأم و دشمن دشمنانت، در نبردم با هر که با تو نبرد کند، ای سرورم، من

بِكِ وَ بِأَبيكِ وَ بَعْلِكِ وَ ٱلْأَئِمَّةِ مِنْ وُلْدِكِ مُوقِنٌ وَ بِوِلاٰيَتِهِمْ

به تو و پدرت و شوهرت و امامان از فرزندانت معتقدم و به ولایت آنها

مُؤْمِنٌ وَ لِطٰاعَتِهِمْ مُلْتَزِمٌ، أَشْهَدُ أَنَّ ٱلدّينَ دينُهُمْ وَ ٱلْحُكْمَ

ایمان دارم و به فرمانبری آنها ملتزمم، گواهم که دین، دین آنهاست و حکم،

حُكْمُهُمْ وَ هُمْ قَدْ بَلَّغُوا عَنِ ٱللهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ دَعَوْا إِلىٰ سَبيلِ

حکم آنهاست و هم آنها تبلیغ کردند از طرف خدای عزوجل و خواندند بسوی راه

ٱللهِ بِالْحِكْمَةِ وَ ٱلْمَوْعِظَةِ ٱلْحَسَنَةِ، لاٰ تَأْخُذُهُمْ فِي ٱللهِ لَوْمَةُ

خدا از روی حکمت و پند نیک دربارهٔ خدا تحت تأثیر سرزنش

لاٰئِمٍ، وَ صَلَوٰاتُ ٱللهِ عَلَيْكِ وَ عَلىٰ أَبيكِ وَ بَعْلِكِ وَ ذُرِّيَّتِكِ

کسی نرفتند و صلوات خدا بر تو و بر پدرت و شوهرت و ذریه‌ات

ٱلْأَئِمَّةِ ٱلطّٰاهِرينَ، ٱللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ وَصَلِّ

که امامان پاکند خدایا صلوات فرست بر محمد و خاندانش و صلوات فرست

عَلَى ٱلْبَتُولِ ٱلطّٰاهِرَةِ ٱلصِّدّيقَةِ ٱلْمَعْصُومَةِ ٱلتَّقِيَّةِ ٱلنَّقِيَّةِ

بر بتول طاهرهٔ صدیقهٔ معصومه، تقیهٔ نقیه،

ٱلرَّضِيَّةِ ٱلْمَرْضِيَّةِ ٱلزَّكِيَّةِ ٱلرَّشيدَةِ ٱلْمَظْلُومَةِ ٱلْمَقْهُورَةِ،

رضیهٔ مرضیه، زکیهٔ رشیده، ستمدیدهٔ مقهوره،

اَلْمَغْصُوبَةِ حَقُّها، اَلْمَمْنُوعَةِ إِرْثُها، اَلْمَكْسُورَةِ ضِلْعُها،

که حقش غصب شده و ارثش را بردند و دنده‌اش را شکستند

اَلْمَظْلُومِ بَعْلُها، اَلْمَقْتُولِ وَلَدُها، فاطِمَةَ بِنْتِ رَسُولِكَ

و به شوهرش ستم کردند و فرزندانش را کشتند، فاطمه دختر رسول تو

وَ بِضْعَةِ لَحْمِهِ وَ صَمِيمِ قَلْبِهِ وَ فِلْذَةِ كَبِدِهِ وَ اَلنُّخْبَةِ مِنْكَ لَهُ

و پارهٔ تن او و مغز دل او و پارهٔ جگر او و انتخاب شدهٔ توست برای او

وَ اَلتُّحْفَةِ خَصَصْتَ بِها وَصِيَّهُ وَ حَبِيبَةِ اَلْمُصْطَفىٰ وَ قَرِينَةِ

به عنوان تحفهٔ مخصوصش وصیّ اویش ساختی، محبوبهٔ مصطفی بود و همسر

اَلْمُرْتَضىٰ وَ سَيِّدَةِ اَلنِّساءِ وَ مُبَشِّرَةِ اَلْأَوْلِياءِ، حَلِيفَةِ اَلْوَرَعِ

مرتضی و سیدهٔ زنان و مژده‌گیر به امامان، و حلیف ورع

وَ اَلزُّهْدِ وَ تُفّاحَةِ اَلْفِرْدَوْسِ وَ اَلْخُلْدِ اَلَّتِي شَرَّفْتَ مَوْلِدَها

و زهد و سبب بهشت جاوید که مشرف گردی زایش او را

بِنِساءِ اَلْجَنَّةِ وَ سَلَلْتَ مِنْها أَنْوارَ اَلْأَئِمَّةِ وَ أَرْخَيْتَ دُونَها

به زنان بهشت و از آن انوار امامان را بیرون آوردی و افکندی برابر او

حِجابَ اَلنُّبُوَّةِ، اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَيْها صَلوٰةً تَزِيدُ فِي مَحَلِّها

پردهٔ نبوت، خدایا رحمت فرست رحمتی که بیفزاید مقامش را،

عِنْدَكَ وَ شَرَفِها لَدَيْكَ وَ مَنْزِلَتِها مِنْ رِضاكَ وَ بَلِّغْها مِنّا تَحِيَّةً

پیش تو و شرفش را به درگاهت و منزلتش را به پسندت و برسانش از ما تحیت

وَ سَلاماً وَ آتِنا مِنْ لَدُنْكَ فِي حُبِّها فَضْلاً وَ إِحْساناً وَ رَحْمَةً

و سلام و بده به ما از نزد خودت در دوستیش فضل و احسان و رحمت

وَ غُفْراناً إِنَّكَ ذُوالْعَفْوِ الْكَرِيمِ.

و آمرزش، زیرا تو صاحب عفو کریمی.

فصل دوم

زیارت چهار امام معصوم در بقیع، در مدینه

امام حسن مجتبی، علی بن الحسین زین العابدین، امام محمدباقر و امام جعفر صادق صلوات‌الله علیهم اجمعین.

بخش عمدهٔ مقدمات زیارت این چهار امام معصوم، باید در درون خود زائر انجام یابد؛ یعنی باید زیارتش توأم باشد با عشق باطنی و محبت آنها، مهر درونی و مودتشان، تصدیق حقیقیِ خلافت و امامتشان، اعتقاد کامل به عصمت و ولایتشان، اذعان قلبی به اینکه آنها انسانهای مافوقند، متصف به همهٔ صفات کمال و جمالند و در حل هر مشکلی از مشکلات دنیا و آخرت دارای مقام رفیع شفاعتند. آری! باید قلب زائر محترم، مملو از معرفت و سرشار از امید و رجا باشد. نباید اصرار به نزدیک شدن و رفتن داخل نرده کند؛ چه آنکه آنها زائران خود را می‌بینند، صدایشان را می‌شنوند و سلامشان را جواب می‌گویند و بر دلهای سوزان و چشمان اشک‌آلود و قلبهای داغدار و ناله‌های سوزناک دوستان، اِشراف کامل دارند. حالِ خود مغتنم شمار و هرچه بتوانی بگو و بخواه و مطمئن باش که همه را دریافت می‌کنی و البته دیگران را نیز فراموش نکن.

حال، به قصد زیارت، غسل کن. نیکوست یک غسل، به قصد جایگزینی چهار غسل، به قصد چهار امام انجام دهی. سپس در نزد قبور مطهر بایست و بگو:

يا مَوالِيَّ يا أَبْناءَ رَسُولِ اللهِ عَبْدُكُمْ وَ ابْنُ أَمَتِكُمُ الذَّلِيلُ بَيْنَ

ای سروران من، ای فرزندان رسول خدا، بندهٔ شما و پسر کنیز شما، ذلیل و خوار

أَيْديكُمْ، وَ الْمُضْعِفُ في عُلُوِّ قَدْرِكُمْ وَ الْمُعْتَرِفُ بِحَقِّكُمْ

در پیش روبتان ایستاده و در برابر بلندی منزلتتان ناتوان و به حقّتان معترف است

جٰائَكُمْ، مُسْتَجيراً بِكُمْ، قٰاصِداً إِلىٰ حَرَمِكُمْ، مُتَقَرِّباً إِلىٰ

و در حالی که به شما پناه آورده قصد حرم شما را دارد، به مقام شما

مَقٰامِكُمْ مُتَوَسِّلاً إِلَى اللّٰهِ تَعٰالىٰ بِكُمْ، ءَأَدْخُلُ يٰا مَوٰالِيَّ، ءَأَدْخُلُ

تقرّب جسته و به‌وسیلهٔ شما به خداوند متعال متوسّل است، ای سروران من، آیا داخل شوم؟

يٰا أَوْلِيٰاءَ اللّٰهِ، ءَأَدْخُلُ يٰا مَلاٰئِكَةَ اللّٰهِ الْمُحْدِقينَ بِهٰذَا الْحَرَمِ

ای اولیای خدا، آیا داخل شوم؟ ای فرشتگان الهی که گرد این حرم و مشهد حلقه زده‌اید،

بِهٰذَا الْمَشْهَدِ، اللّٰهُ أَكْبَرُ كَبيراً، وَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ كَثيراً،

آیا داخل شوم؟ خدا بزرگتر است چندانکه در تصور نیاید و سپاس فراوان مخصوص خداوند است

وَ سُبْحٰانَ اللّٰهِ بُكْرَةً وَ أَصيلاً، وَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ الْفَرْدِ الصَّمَدِ الْمٰاجِدِ

و منزّه باد خداوند در صبح و شام و سپاس مخصوص خدای یگانهٔ‌بی‌نیاز و یکتای

الْأَحَدِ الْمُتَفَضِّلِ الْمَنّٰانِ الْمُتَطَوِّلِ الْحَنّٰانِ الَّذي مَنَّ بِطَوْلِهِ

بزرگوار و افزون کنندهٔ نعمت و دهنده و بخشنده و مهربان که با بخشش، منّت نهاد

وَ سَهَّلَ زِيٰارَةَ سٰادٰاتي بِإِحْسٰانِهِ وَ لَمْ يَجْعَلْني عَنْ زِيٰارَتِهِمْ مَمْنُوعاً

و با احسانش زیارت سرورانم را آسان کرد و مرا از زیارت آنان جلو نگرفت،

بَلْ تَطَوَّلَ وَمَنَحَ. (پس روبروی قبور مطهر و پشت به قبله بایست و بخوان)

بلکه قدرتم بخشید و ارزانیم داشت.

اَلسَّلاٰمُ عَلَيْكُمْ أَئِمَّةَ الْهُدىٰ، اَلسَّلاٰمُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ التَّقْوىٰ،

سلام بر شما پیشوایان هدایت، سلام بر شما اهل نیکی و تقوا،

اَلسَّلامُ عَلَيْكُمْ أَيُّهَا الْحُجَجُ عَلىٰ أَهْلِ الدُّنْيا، اَلسَّلامُ عَلَيْكُمْ

سلام بر شما ای حجّتها(ی خدا) بر اهل دنیا، سلام بر شما

أَيُّهَا الْقُوّامُ فِى الْبَرِيَّةِ بِالْقِسْطِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الصَّفْوَةِ،

ای برپادارندگان عدالت در میان مردم، سلام بر شما خاندان برگزیده.

اَلسَّلامُ عَلَيْكُمْ آلَ رَسُولِ اللهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ النَّجْوىٰ،

سلام بر شما ای خاندان رسول خدا ﷺ، سلام بر شما اهل نجوا.

أَشْهَدُ أَنَّكُمْ قَدْ بَلَّغْتُمْ وَ نَصَحْتُمْ وَ صَبَرْتُمْ فى ذٰاتِ اللهِ

گواهی می‌دهم که شما ابلاغ کردید، خیرخواهی کردید و در راه خدا صبر کردید.

وَ كُذِّبْتُمْ وَ أُسِيءَ إِلَيْكُمْ فَغَفَرْتُمْ، وَ أَشْهَدُ أَنَّكُمُ الْأَئِمَّةُ

شما را تکذیب نمودند و به شما بدی کردند، شما بخشودید. شهادت می‌دهم، که شما امامان

اَلرّاشِدُونَ الْمُهْتَدُونَ وَ أَنَّ طاعَتَكُمْ مَفْرُوضَةٌ وَ أَنَّ قَوْلَكُمُ

راه یافته و هدایت یافته‌اید و پیروی شما واجب است و سخنتان

اَلصِّدْقُ، وَ أَنَّكُمْ دَعَوْتُمْ فَلَمْ تُجابُوا وَ أَمَرْتُمْ فَلَمْ تُطاعُوا،

راست است و شما دعوت کردید ولی پاسخ نگفتند، فرمان دادید ولی فرمان نبردند

وَ أَنَّكُمْ دَعائِمُ الدّينِ وَ أَرْكانُ الْأَرْضِ، لَمْ تَزالُوا بِعَيْنِ اللهِ

و شما پایه‌های دین و ستونهای زمینید. همواره در چشم عنایت خدایید،

يَنْسَخُكُمْ مِنْ أَصْلابِ كُلِّ مُطَهَّرٍ وَ يَنْقُلُكُمْ مِنْ أَرْحامِ

شما را در پشت و تیرهٔ هر پاک، جا به جا می‌کند و از رَحِمهای پاک

اَلْمُطَهَّراتِ، لَمْ تُدَنِّسْكُمُ الْجاهِلِيَّةُ الْجَهْلاءُ وَ لَمْ تَشْرَكْ فيكُمْ

منتقل می‌سازد. جاهلیتِ جاهلان تیره شما را نیالوده و فتنه‌های هوس در شما

فِتَـنُ ٱلْأَهْوٰآءِ، طِبْتُمْ وَ طٰابَ مَنْبَتُكُمْ، مَنَّ بِكُمْ عَلَيْنٰا دَيّٰانُ

راه نیافته است. پاک هستید و خاستگاه شما پاکیزه است. خداوند پاداش دهنده، بر ما

ٱلـدّينِ فَجَعَلَكُمْ في بُيُوتٍ أَذِنَ ٱللّٰهُ أَنْ تُرْفَعَ وَ يُذْكَرَ فيهَا

به وجود شما منّت نهاد و شما را در خانه‌هایی جا داد که اجازه داد رفعت یابد و در آن خانه‌ها

ٱسْمُهُ وَ جَعَلَ صَلٰوتَنٰا عَلَيْكُمْ رَحْمَةً لَنٰا وَ كَفّٰارَةً لِـذُنُوبِنٰا

نام خدا یاد شود و صلوات ما را برشما، وسیلهٔ رحمت بر ما و پوشاندن و آمرزش گناهانمان قرار داد،

إِذِ ٱخْتٰارَكُمُ ٱللّٰهُ لَنٰا وَ طَيَّبَ خَلْقَنٰا بِمٰا مَنَّ عَلَيْنٰا مِنْ وِلاٰيَتِكُمْ

چون خدا شما را برای ما برگزید و پاکی آفرینش ما را با ولایت شما بر ما منّت نهاد

وَ كُنّٰا عِنْدَهُ مُسَمّينَ بِعِلْمِكُمْ مُعْتَرِفينَ بِتَصْديقِنٰا إِيّٰاكُمْ، وَ هٰذٰا

و ما نزد خدا، به علم شما نامیده شدیم و به تصدیق کردن شما معترف بودیم. اینجا،

مَقٰامُ مَنْ أَسْرَفَ وَ أَخْطَأَ وَ ٱسْتَكٰانَ وَ أَقَرَّ بِمٰا جَنىٰ وَ رَجىٰ

جایگاه کسی است که اسراف، و خطا کرده، در خود شکسته و به جنایت خویش اعتراف کرده

بِـمَقٰامِهِ ٱلْخَلاٰصَ وَ أَنْ يَسْتَنْقِذَهُ بِكُمْ مُسْتَنْقِذُ ٱلْهَلْكىٰ مِنَ

و با این‌منزلت، امید رهایی‌دارد و اینکه به سبب شما نجات یابد؛ نجات هلاک یافتگان از پستی و

ٱلرَّدىٰ، فَكُونُوا لي شُفَعٰاءَ فَقَدْ وَفَدْتُ إِلَيْكُمْ إِذْ رَغِبَ عَنْكُمْ

نابودی. پس شفیعان من باشید، زیرا من نزد شما آمده‌ام. آنگاه که اهل دنیا از شما

أَهْلُ ٱلدُّنْيٰا وَ ٱتَّخَذُوا اٰيٰاتِ ٱللّٰهِ هُزُواً وَ ٱسْتَكْبَرُوا عَنْهٰا، يٰا مَنْ

روی گردان شده و آیات خدا را به مسخره گرفته و متکبّرانه از آنها روی برتافتند. ای (خدایی) که

هُوَ قٰائِمٌ لاٰ يَسْهُو وَ دٰائِمٌ لاٰ يَلْهُو وَ مُحيطٌ بِكُلِّ شَيْءٍ، لَكَ

پابرجایی و اشتباه نمی‌کنی و ابدی هستی سرگرم نمی‌شوی و بر هر چیز احاطه داری، (خدایا) برمن

اَلْمَنُّ بِما وَفَّقْتَني وَ عَرَّفْتَني بِما أَقَمْتَني عَلَيْهِ إِذْ صَدَّ عَنْهُ

منّت داری که توفیقم دادی و با آنچه مرا بر آن روا داشتی، آگاهیم بخشیدی آنگاه که بندگانت از آن

عِبادُكَ وَ جَهِلُوا مَعْرِفَتَهُ وَ اسْتَخَفُّوا بِحَقِّهِ وَ مالُوا إِلىٰ سِواهُ،

روی تافته و نسبت‌به شناخت آن جاهل شده و حقّ او را سبک شمرده و به دیگری گرویدند.

فَكانَتِ الْمِنَّةُ مِنْكَ عَلَيَّ مَعَ أَقْوامٍ خَصَصْتَهُمْ بِما خَصَصْتَني بِهِ،

پس همیشه بر من منّت داشته‌ای، با گروههایی که آنان را نیز مخصوص ساختی به آنچه مرا بدان ویژه ساختی.

فَلَكَ الْحَمْدُ إِذْ كُنْتُ عِنْدَكَ في مَقامي هٰذا مَذْكُوراً مَكْتُوباً،

تو را سپاس، که نزد تو در این جایگاهم، یاد شده و نوشته شده‌ام.

فَلا تَحْرِمْني ما رَجَوْتُ وَلا تُخَيِّبْني فيما دَعَوْتُ بِحُرْمَةِ مُحَمَّدٍ

پس از آنچه امید دارم، ناامیدم مکن و در آنچه که در این جایگاه از تو خواستم، ناکامم مگردان. به حرمت محمّد

وَ آلِهِ الطّاهِرينَ، وَ صَلَّى اللّٰهُ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ.

و دودمان پاک او. و صلوات خدا بر محمّد و خاندان او باد.

پس دعا کن و حاجت بخواه و مطمئن به اجابت باش، انشاء الله، و هشت رکعت نماز زیارت ـ هر دو رکعت هدیه به روح پاک یک امام ـ بجا آور و می‌توانی نمازها را قبل از زیارت، یا بعد از آن، در حرم مطهر نبوی بجا آوری. عمدهٔ زیارتهای این معصومین، همان زیارت امین‌الله است که در زیارت حضرت امیر علیه السلام نقل شد. هر یک را جداگانه با آن زیارت کن. همچنین زیارت جامعهٔ کبیره، که همه را با یک زیارت جامعه می‌توانی زیارت نمایی.

فصل سوم

زیارت حرم مطهر امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام در نجف اشرف

کسی که توفیق تشرف به ساحت قدس علوی و زیارت مرقد پاک مرتضوی یافت، باید متوجه شود که والاترین عنایت و بزرگترین نعمت حضرت حق نصیب او شده است. البته اگر هنگام زیارت، به امامت و خلافت و جانشینی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله معتقد باشد. همچنین اذعان کند که آن حضرت و یازده فرزندش، معصوم از هر گناه و مصون از هر خطا و اشتباهند و از ناحیه خدای متعال، به گفتهٔ پیامبر اکرم به امامت و خلافت نصب شده‌اند. حرم آن حضرت، سومین حرم امن الهی و مشمول الطاف نامتناهی است. ذات اقدسش دومین شخصیت عالم خلقت، در شرف و فضل و کرامت است و قلم کسی در این مرحله قدرت حرکت ندارد،

﴿مَوالِيَّ لا أُحصِي ثَنائَكُمْ وَ لا أَبْلُغُ مِنَ الْمَدْحِ كُنْهَكُمْ وَ مِنَ الْوَصْفِ قَدْرَكُمْ؛
سروران من! من قدرت شمردن صفات جمال و جلالتان و توان تعریف و توصیف مقامتان در حد رسیدن به حقیقت و کنه امر را ندارم﴾.

بنابراین با اعتراف به عجز، از این مرحله می‌گذرم و عرضه می‌دارم: چون قصد تشرف حرم مطهر نمایی، مناسب است برای حضور در وادی طوبای علوی، غسل زیارت کنی و با دلی مملو از شوق، سرشار از محبت و آکنده از رجا و امید، به سوی حرم حضرتش حرکت کنی. چون به رواق رسیدی، بایست و بگو:

اَلسَّلامُ عَلى رَسُولِ اللهِ، أَمِينِ اللهِ عَلى وَحْيِهِ وَ عَزائِمِ أَمْرِهِ
سلام بر فرستادهٔ خدا، امین خدا بر وحیش و عزایم امرش.

اَلْخاتِمِ لِما سَبَقَ وَ الْفاتِحِ لِما اسْتُقْبِلَ وَ الْمُهَيْمِنِ عَلى ذٰلِكَ
خاتم پیامبران گذشته و گشایندهٔ آینده و برتر از همهٔ آنان

كُلِّهِ وَ رَحْمَةُ اللّٰهِ وَ بَرَكاتُهُ، اَلسَّلامُ عَلى صاحِبِ السَّكينَةِ،
و رحمت و برکات خدا بر او باد. سلام بر صاحب سکینه،

اَلسَّلامُ عَلَى الْمَدْفُونِ بِالْمَدينَةِ، اَلسَّلامُ عَلَى الْمَنْصُورِ
سلام بر مدفون در مدینه، سلام بر آن یاری شدهٔ تأیید شده،

الْمُؤَيَّدِ، اَلسَّلامُ عَلى أَبِي الْقاسِمِ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللّٰهِ وَ رَحْمَةُ
سلام بر ابوالقاسم محمّدبن عبدالله و نیز رحمت

اللّٰهِ وَ بَرَكاتُهُ. (و چون به درب حرم اطهر رسیدی، بایست و بگو:)
و برکات خداوند بر او باد.

أَشْهَدُ أَنْ لا إِلٰهَ إِلاَّ اللّٰهُ وَحْدَهُ لا شَريكَ لَهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ
گواهی می‌دهم که خدایی جز خدا نیست، یکتا و بی‌شریک است و گواهی می‌دهم

مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ، جاءَ بِالْحَقِّ مِنْ عِنْدِهِ وَ صَدَّقَ
که محمّد بنده و پیامبر اوست، از نزد او بحق آمده و پیامبران را

الْمُرْسَلينَ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا رَسُولَ اللّٰهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ
تصدیق کرده است. سلام بر تو ای پیامبر خدا، سلام بر تو

يا حَبيبَ اللّٰهِ وَ خِيَرَتَهُ مِنْ خَلْقِهِ، اَلسَّلامُ عَلى أَميرِ الْمُؤْمِنينَ،
ای حبیب خدا و برگزیدهٔ او از میان خلقش، سلام بر امیرمؤمنان

عَبْدِ اللّٰهِ وَ أَخي رَسُولِ اللّٰهِ، يا مَوْلايَ يا أَميرَ الْمُؤْمِنينَ عَبْدُكَ
بندهٔ خدا و برادر پیامبر خدا، ای مولای من، ای امیرمؤمنان، بندهٔ تو

وَ ٱبْنُ عَبْدِكَ وَ ٱبْنُ أَمَتِكَ جٰاءَكَ مُسْتَجيراً بِذِمَّتِكَ، قٰاصِداً

و پسر بنده و کنیز تو نزدت پناه جسته و به حرمت روی آورده است. به جایگاه

إِلىٰ حَرَمِكَ، مُتَوَجِّهاً إِلىٰ مَقٰامِكَ، مُتَوَسِّلاً إِلَى ٱللّٰهِ تَعٰالىٰ بِكَ،

تو رو دارد و به وسیلهٔ تو به خداوند متعال توسّل می‌جوید.

ءَأَدْخُلُ يٰا مَوْلاٰيَ، ءَأَدْخُلُ يٰا أَميرَ ٱلْمُؤْمِنينَ، ءَأَدْخُلُ يٰا حُجَّةَ

مولای من آیا داخل شوم؟ ای امیرمؤمنان آیا داخل شوم؟ ای حجّت خدا آیا داخل

ٱللّٰهِ، ءَأَدْخُلُ يٰا أَمينَ ٱللّٰهِ، ءَأَدْخُلُ يٰا مَلاٰئِكَةَ ٱللّٰهِ ٱلْمُقيمينَ في

شوم؟ ای امین خدا آیا داخل شوم؟ ای فرشتگان خدا که مقیم این مزار شریفید

هٰذَا ٱلْمَشْهَدِ، يٰا مَوْلاٰيَ أَتَأْذَنُ لي بِالدُّخُولِ أَفْضَلَ مٰا أَذِنْتَ

آیا داخل شوم؟ ای مولای من، آیا به من اجازهٔ ورود می‌دهی همچون بهترین اجازه‌ای

لِأَحَدٍ مِنْ أَوْلِيٰآئِكَ فَإِنْ لَمْ أَكُنْ لَهُ أَهْلاً فَأَنْتَ أَهْلٌ لِذٰلِكَ.

که به فردی از دوستدارانت می‌دهی، که اگر من شایستهٔ آن نباشم، تو شایستهٔ آن هستی.

سپس داخل حرم شوید و به زیارت بپردازید برای حاضرین این ساحت اقدس، چندین زیارت وارد شده است که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم.

۱ـ زیارت معروف به امین‌الله، از بهترین و معتبرترین و پرمحتوی‌ترین زیارتهای آن حضرت و سایر امامان معصوم است. امام محمدباقر علیه السلام فرمود: پدرم زین‌العابدین علیه السلام به زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام آمد، نزد قبر آن حضرت ایستاد، گریست و چنین گفت:

اَلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ يٰا أَميرَ ٱلْمُؤْمِنينَ وَ رَحْمَةُ ٱللّٰهِ وَ بَرَكٰاتُهُ؛

سلام و رحمت و برکات خدا بر تو باد ای امیرمؤمنان!

(و اگر امام دیگری را زیارت می‌کنی، نام او را ذکر کن)

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا أَمينَ اللّٰهِ في أَرْضِهِ وَ حُجَّتَهُ عَلىٰ عِبادِهِ،

سلام بر تو ای امین خدا در زمین و حجت او بر بندگانش،

أَشْهَدُ أَنَّكَ جاهَدْتَ فِي اللّٰهِ حَقَّ جِهادِهِ وَ عَمِلْتَ بِكِتابِهِ

گواهی می‌دهم که تو در راه خدا به جان کوشیدی و به کتاب او عمل کردی

وَ اتَّبَعْتَ سُنَنَ نَبِيِّهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ حَتّىٰ دَعاكَ اللّٰهُ إِلىٰ

و سنت پیامبرش را ـ که صلوات خدا بر او و خاندانش باد گرامی داشتی تا آنجا

جِوارِهِ فَقَبَضَكَ إِلَيْهِ بِاخْتِيارِهِ وَ أَلْزَمَ أَعْدائَكَ الْحُجَّةَ في

که تو را به جوار رحمت خود دعوت فرمود و با مشیت خود روح پاکت را گرفت و بر

قَتْلِهِمْ إِيّاكَ مَعَ ما لَكَ مِنَ الْحُجَجِ الْبالِغَةِ عَلىٰ جَميعِ خَلْقِهِ،

دشمنانت حجت را تمام‌کرد؛ زیرا در وجود تو حجت‌های بالغهٔ خدا بر خلایق بود.

اَللّٰهُمَّ فَاجْعَلْ نَفْسي مُطْمَئِنَّةً بِقَدَرِكَ، راضِيَةً بِقَضائِكَ، مُولَعَةً

بار خدایا، جانم را مطمئن به قدر و خشنود از قضایت، حریص

بِذِكْرِكَ وَ دُعائِكَ، مُحِبَّةً لِصَفْوَةِ أَوْلِيائِكَ، مَحْبُوبَةً في أَرْضِكَ

به دعایت و دوستدار خاصان اولیائت، محبوب در آسمان و زمین،

وَ سَمائِكَ، صابِرَةً عَلىٰ نُزُولِ بَلائِكَ، شاكِرَةً لِفَواضِلِ

قرار ده و بر بلاها شکیبا و بر نعمتها شکرگزار گردان. شکر نعمت‌های پنهانت را

نَعْمائِكَ، ذاكِرَةً لِسَوابِغِ آلائِكَ مُشْتاقَةً إِلىٰ فَرْحَةِ لِقائِكَ،

بر زبانم جاری ساز و مرا مشتاق دیدار خود فرما.

مُتَزَوِّدَةً اَلتَّقْوىٰ لِيَوْمِ جَزآئِكَ، مُسْتَنَّةً بِسُنَنِ أَوْلِيآئِكَ مُفارِقَةً

در تهیهٔ زاد و توشهٔ پرهیزگاری برای روز رستاخیزت توفیقم ده و مرا با شیوهٔ اولیائت آشنا و از

لِأَخْلاقِ أَعْدآئِكَ، مَشْغُولَةً عَنِ اَلدُّنْيا بِحَمْدِكَ وَ ثَنآئِكَ.

اخلاق دشمنانت دور ساز و اشتغال دنیایی مرا به حمد و ثنای خود مبدل فرما.

(سپس، اگر ممکن است، یک طرف صورت را بر قبر بگذار و بگو)

اَللّٰهُمَّ إِنَّ قُلُوبَ اَلْمُخْبِتِينَ إِلَيْكَ وٰالِهَةٌ، وَ سُبُلَ اَلرّٰاغِبِينَ إِلَيْكَ

خدایا دلهای شکسته حیران توست. و راههای مشتاقان به کوی تو

شٰارِعَةٌ، وَ أَعْلاٰمَ اَلْقٰاصِدِينَ إِلَيْكَ وٰاضِحَةٌ، وَ أَفْئِدَةَ اَلْعٰارِفِينَ

گشوده‌است. نشانه‌های هدایت در پیش چشم آنانکه بسوی تو می‌آیند روشن و قلوب عارفان

مِنْكَ فٰازِعَةٌ، وَ أَصْوٰاتَ اَلدّٰاعِينَ إِلَيْكَ صٰاعِدَةٌ، وَ أَبْوٰابَ

از مشاهدهٔ جلالت هراسناک است. فریاد خواستاران به درگاه تو بلند و درهای

اَلْإِجٰابَةِ لَهُمْ مُفَتَّحَةٌ، وَ دَعْوَةَ مَنْ نٰاجٰاكَ مُسْتَجٰابَةٌ، وَ تَوْبَةَ

اجابت به روی آنان باز است. دعای آنانکه تو را به مناجات خوانند،مستجاب وتوبهٔ

مَنْ أَنٰابَ إِلَيْكَ مَقْبُولَةٌ، وَ عَبْرَةَ مَنْ بَكىٰ مِنْ خَوْفِكَ مَرْحُومَةٌ،

آنانکه به درگاه‌توباز می‌گردند،پذیرفته است. اشکهایی که از بیم‌تو فرو می‌ریزد، مورد قبول

وَ اَلْإِغٰاثَةَ لِمَنِ اَسْتَغٰاثَ بِكَ وَ اَلْإِعٰانَةَ لِمَنِ اَسْتَعٰانَ بِكَ

و زاریهایی‌که به‌امید دستگیری تو می‌شود، مؤثر است. یاری‌جویندگان از تو،

مَبْذُولَةٌ، وَ عِدٰاتِكَ لِعِبٰادِكَ مُنْجَزَةٌ، وَ زَلَلَ مَنِ اَسْتَقٰالَكَ

به یاریت امیدوارند و وعده‌هایت برای بندگان برآورده شده است. لغزشهای آنانکه به درگاهت پوزش می‌طلبند

مُقٰالَةٌ، وَ أَعْمٰالَ ٱلْعٰامِلِينَ لَدَيْكَ مَحْفُوظَةٌ، وَ أَرْزٰاقَكَ إِلَى
آمرزیده و پاداش نیکوکاران در پیشگاهت محفوظ است. روزیها و نعمتهای تو

ٱلْخَلاٰئِقِ مِنْ لَدُنْكَ نٰازِلَةٌ، وَ عَوٰائِدَ ٱلْمَزِيدِ إِلَيْهِمْ وٰاصِلَةٌ،
برای خلایق بی‌دریغ نازل شود و عطاهای تو به آنان واصل گردد.

وَ ذُنُوبَ ٱلْمُسْتَغْفِرِينَ مَغْفُورَةٌ، وَ حَوٰائِجَ خَلْقِكَ عِنْدَكَ مَقْضِيَّةٌ،
گناه آنانکه آمرزش خواهند بخشوده و نیاز بندگان نیازمندت برآورده شده است.

وَ جَوٰائِزَ ٱلسّٰائِلِينَ عِنْدَكَ مُوَفَّرَةٌ، وَ عَوٰائِدَ ٱلْمَزِيدِ مُتَوٰاتِرَةٌ،
پاداش خواهندگان فراوان و بخششهای پی در پی تو مستمر است

وَ مَوٰائِدَ ٱلْمُسْتَطْعِمِينَ مُعَدَّةٌ، وَ مَنٰاهِلَ ٱلظِّمٰاءِ مُتْرَعَةٌ، اَللّٰهُمَّ
و خوان احسانت برای آنانکه روزی می‌طلبند آماده است و سرچشمه‌های لطف تو برای تشنگان سرشار. خداوندا،

فَاسْتَجِبْ دُعٰائِي وَ ٱقْبَلْ ثَنٰائِي، وَ ٱجْمَعْ بَيْنِي وَ بَيْنَ أَوْلِيٰائِي
دعای مرا مستجاب و سپاسم را قبول فرما و میان من و اولیاء و دوستانم جمع گردان؛

بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ عَلِيٍّ وَ فٰاطِمَةَ وَ ٱلْحَسَنِ وَ ٱلْحُسَيْنِ، إِنَّكَ وَلِيُّ
بحق محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین. تو ولی نعمت

نَعْمٰائِي وَ مُنْتَهىٰ مُنٰايَ وَ غٰايَةُ رَجٰائِي فِي مُنْقَلَبِي وَ مَثْوٰايَ.
و منتهای آمال و آخرین آرزوی من در دنیا و آخرتی.

أَنْتَ إِلٰهِي وَ سَيِّدِي وَ مَوْلاٰيَ ٱغْفِرْ لِأَوْلِيٰائِنٰا وَ كُفَّ عَنّٰا
تو آفریدگار و صاحب اختیار منی: دوستان ما را بیامرز و آسیب

أَعْدٰاءَنٰا وَ ٱشْغَلْهُمْ عَنْ أَذٰانٰا وَ أَظْهِرْ كَلِمَةَ ٱلْحَقِّ وَ ٱجْعَلْهٰا
دشمنان را دفع فرمای و مگذار که ما را آزار دهند. سخن حق را آشکار کن

اَلْعُلْيا وَ أَدْحِضْ كَلِمَةَ اَلْباطِلِ وَ اجْعَلْهَا اَلسُّفْلىٰ إِنَّكَ عَلىٰ
و برترین سخنان قرار ده و سخن باطل را زیرپای گذار و پست‌ترین سخنان قرار ده؛ که تو

كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.[۱]
بر هر کار توانایی.

۲ـ زیارت جامعهٔ کبیره: از بهترین و عالی‌ترین واعجاب انگیزترین زیارت معصومین است. نام آن، زیارت است؛ ولی در واقع، کتابی در امامت و ولایت و دریایی از حقایق و علوم اعتقادی و اجتماعی و سیاسی است. نظیرش، در ابواب مختلف ادعیه و زیارات، در زیبایی عبارت و رسایی بیان و گویایی هدف و شناساندنِ مقام والای ولایت و امامت اهل‌بیت علیهم‌السلام، دیده نمی‌شود. موسی بن عبدالله به خدمت امام علی نقی علیه‌السلام عرض کرد: زیارتی با بلاغت کامل مرا تعلیم فرما که هر یک از شماها را بخواهم، با آن زیارت کنم. حضرت هادی فرمود: در حال غسل، در درگاه حرم بایست و بگو:

أَشْهَدُ أَنْ لاٰ إِلٰهَ إِلاَّ اَللّٰهُ وَحْدَهُ لاٰ شَرِيكَ لَهُ وَ أَشْهَدُ
گواهی می‌دهم که نیست خدا جز خداوند یگانه، که شریکی ندارد و گواهی می‌دهم

أَنَّ مُحَمَّداً صَلَّى اَللّٰهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ،
که محمد ـ که صلوات خداوند بر او و بر خاندانش باد بنده و فرستاده اوست.

و چون قبر را دیدی، بایست و سی مرتبه «اَللّٰهُ اَكْبَرُ» بگو، سپس قدری

۱. بحار الانوار / ۹۹ / ۱۷۶ و ۱۷۷ ـ مصباح الزائر / ۲۴۵ و ۲۴۶.

نزدیکتر برو و سی مرتبهٔ دیگر «اَللّٰهُ اَکْبَر» بگو و چون نزدیک قبر مطهر رسیدی، چهل مرتبه «اَللّٰهُ اَکْبَر» بگو، تا صد مرتبه تمام شود، سپس زیارت را شروع کن و بگو:

اَلسَّلامُ عَلَيْكُمْ يا أَهْلَ بَيْتِ النُّبُوَّةِ وَ مَوْضِعَ الرِّسالَةِ وَمُخْتَلَفَ

سلام بر شما ای خاندان نبوت و جایگاه رسالت و محل فرود

الْمَلائِكَةِ وَ مَهْبِطَ الْوَحْيِ وَ مَعْدِنَ الرَّحْمَةِ وَ خُزّانَ الْعِلْمِ

آمدن فرشتگان و جایگاه نزول وحی و معدن رحمت و گنجینهٔ معرفت

وَ مُنْتَهَى الْحِلْمِ وَ أُصُولَ الْكَرَمِ وَ قادَةَ الْأُمَمِ وَ أَوْلِياءَ النِّعَمِ

و منتهای بردباری و بنیانهای بزرگواری، پیشوایان امتها و مالکان نعمتها،

وَ عَناصِرَ الْأَبْرارِ وَ دَعائِمَ الْأَخْيارِ وَ ساسَةَ الْعِبادِ وَ أَرْكانَ

ارکان نیکوکاران و ستونهای بنای خوبان، پیشوایان بندگان و ارکان

الْبِلادِ وَ أَبْوابَ الْإِيمانِ وَ أُمَناءَ الرَّحْمٰنِ وَ سُلالَةَ النَّبِيِّينَ

تمدن، و درهای ایمان و امانت‌داران خدا، فرزندان پیامبران

وَ صَفْوَةَ الْمُرْسَلِينَ وَ عِتْرَةَ خِيَرَةِ رَبِّ الْعالَمِينَ وَ رَحْمَةُ اللّٰهِ

و گزیدهٔ فرستادگان خاندان بهترین بندگان پروردگار جهانیان که رحمت خدا

وَ بَرَكاتُهُ، اَلسَّلامُ عَلىٰ أَئِمَّةِ الْهُدىٰ وَ مَصابِيحِ الدُّجىٰ

و برکاتش نثار او باد. سلام بر امامان هدایت و روشنی‌بخش تاریکیها،

وَ أَعْلامِ التُّقىٰ وَ ذَوِي النُّهىٰ وَ أُولِي الْحِجىٰ وَ كَهْفِ الْوَرىٰ

نشانه‌های پرهیزکاری و صاحبان خردمندی و هوشیاری، پناهگاه عالمیان

وَ وَرَثَةِ ٱلْأَنْبِيٰاءِ وَ ٱلْمَثَلِ ٱلْأَعْلىٰ وَ ٱلدَّعْوَةِ ٱلْحُسْنىٰ

و وارثان پیامبران، عالی‌ترین نمودار و بهترین دعوت،

وَ حُجَجِ ٱللهِ عَلىٰ أَهْلِ ٱلدُّنْيا وَ ٱلْاٰخِرَةِ وَ ٱلْأُولىٰ وَ رَحْمَةُ ٱللهِ

حجت‌های خدا بر اهل دنیا و آخرت، رحمت و برکت خدا

وَ بَرَكاٰتُهُ، ٱلسَّلاٰمُ عَلىٰ مَحاٰلِّ مَعْرِفَةِ ٱللهِ وَ مَساٰكِنِ بَرَكَةِ ٱللهِ

نثارتان باد. سلام بر شما که دلهاتان جایگاه معرفت خداست و مساکن برکت

وَ مَعاٰدِنِ حِكْمَةِ ٱللهِ وَ حَفَظَةِ سِرِّ ٱللهِ وَ حَمَلَةِ كِتاٰبِ ٱللهِ

و معدنهای حکمت او. سلام بر شما که نگهداران راز خدائید و حاملان کتاب خدا

وَ أَوْصِياٰءِ نَبِيِّ ٱللهِ وَ ذُرِّيَّةِ رَسُولِ ٱللهِ صَلَّى ٱللهُ عَلَيْهِ وَ اٰلِهِ

و جانشینان پیامبر و فرزندان رسول خدا که درود خدا

وَ رَحْمَةُ ٱللهِ وَ بَرَكاٰتُهُ، ٱلسَّلاٰمُ عَلَى ٱلدُّعاٰةِ إِلَى ٱللهِ وَ ٱلْأَدِلاّٰءِ

و رحمت و برکات او بر او و خاندانش باد. سلام بر شما که خوانندگان بسوی خدائید و راهنمایان

عَلىٰ مَرْضاٰةِ ٱللهِ وَ ٱلْمُسْتَقِرِّينَ فِي أَمْرِ ٱللهِ وَ ٱلتّاٰمِّينَ فِي

به خشنودیهای او، ماندگاران در فرمان خدا و کاملان در

مَحَبَّةِ ٱللهِ وَ ٱلْمُخْلَصِينَ فِي تَوْحِيدِ ٱللهِ ٱلْمُظْهِرِينَ لِأَمْرِ ٱللهِ

محبت او، مخلصان یکتایی و آشکار سازندهٔ امر

وَ نَهْيِهِ وَ عِباٰدِهِ ٱلْمُكْرَمِينَ ٱلَّذِينَ لاٰ يَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَ هُمْ

و نهی خدا. بندگان بزرگواری که سخنی بر آنچه خداوند نگفته، نگویند و جز به

بِأَمْرِهِ يَعْمَلُونَ وَ رَحْمَةُ ٱللهِ وَ بَرَكاٰتُهُ، ٱلسَّلاٰمُ عَلَى ٱلْأَئِمَّةِ

فرمان او عمل نکنند که رحمت و برکات خدا بر ایشان باد. سلام بر شما ای پیشوایان

اَلدُّعاةِ وَ الْقادَةِ الْهُداةِ وَ السّادَةِ الْوُلاةِ وَ الذّادَةِ الْحُماةِ

دعوت‌کننده و ای فرماندهان هدایت، ای سروران فرمانروا و حامیان دین خدا،

وَ اَهْلِ الذِّكْرِ وَ اُولِى الْاَمْرِ وَ بَقِيَّةِ اللّٰهِ وَ خِيَرَتِهِ وَ حِزْبِهِ وَ عَيْبَةِ

اهل ذکر و صاحبان امر بقیت‌الله، برگزیده، حزب و مخزن

عِلْمِهِ وَ حُجَّتِهِ وَ صِراطِهِ وَ نُورِهِ وَ بُرْهانِهِ وَ رَحْمَةُ اللّٰهِ

علم خدا، حجت و راه، نور و دلیل خدا که رحمت و برکاتش نثار

وَ بَرَكاتُهُ. اَشْهَدُ اَنْ لا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لا شَرِيكَ لَهُ كَما شَهِدَ

شما باد. گواهی دهم که جز او خدایی نیست یگانه است و شریک ندارد؛ چنانکه او به

اللّٰهُ لِنَفْسِهِ وَ شَهِدَتْ لَهُ مَلائِكَتُهُ وَ اُولُوا الْعِلْمِ مِنْ خَلْقِهِ لا اِلٰهَ

یکتایی خود گواهی داده است. و فرشتگان و عالمان از آفریدگان او گواهی داده‌اند که خدایی

اِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ، وَ اَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ الْمُنْتَجَبُ

جز او که یکتا، عزیز و حکیم است، نباشد و گواهی دهم که محمد بندهٔ برگزیدهٔ او

وَ رَسُولُهُ الْمُرْتَضىٰ اَرْسَلَهُ بِالْهُدىٰ وَ دِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى

و فرستادهٔ پسندیدهٔ اوست که برای هدایت به دین حق فرستاده شده؛ دینی که

الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ، وَ اَشْهَدُ اَنَّكُمُ الْاَئِمَّةُ

بر همگی ادیان پیروز گردد؛ هر چند مشرکان را ناگوار آید. گواهی دهم که شما پیشوایان

الرّاشِدُونَ الْمَهْدِيُّونَ الْمَعْصُومُونَ الْمُكَرَّمُونَ الْمُقَرَّبُونَ

راشدان هدایت یافته و پاکدامن و بزرگوار و مقرب

الْمُتَّقُونَ الصّادِقُونَ الْمُصْطَفَوْنَ الْمُطِيعُونَ لِلّٰهِ الْقَوّامُونَ

و پرهیزگار و راستگویانید؛ برگزیدگان و فرمانبران او و برپا دارندگان

بِأَمْرِهِ ٱلْعامِلُونَ بِإِرادَتِهِ ٱلْفائِزُونَ بِكَرامَتِهِ، ٱصْطَفاكُمْ بِعِلْمِهِ
امر و بجاآورندهٔ آن، پیروز در سایهٔ بزرگواری او به علم بی‌پایان خود شما را برگزید

وَ ٱرْتَضاكُمْ لِغَيْبِهِ وَ ٱخْتارَكُمْ لِسِرِّهِ وَ ٱجْتَبٰيكُمْ بِقُدْرَتِهِ
و برای عالم غیب پسندید او تا اسرار الهی را نگهدارید و به قدرت خود شما را انتخاب کرد

وَ أَعَزَّكُمْ بِهُداهُ وَ خَصَّكُمْ بِبُرْهانِهِ وَ ٱنْتَجَبَكُمْ لِنُورِهِ وَ أَيَّدَكُمْ
شما را با هدایت خود عزت بخشید و بابرهان خویش برگزید؛ به نور خوداختیار کرد و به روح خود

بِرُوحِهِ وَ رَضِيَكُمْ خُلَفاءَ فِي أَرْضِهِ وَ حُجَجاً عَلىٰ بَرِيَّتِهِ
تأیید فرمود. شمارا به جانشینی خود در زمین پسندید و حجتهای خود بر بندگان

وَ أَنْصاراً لِدِينِهِ وَ حَفَظَةً لِسِرِّهِ وَ خَزَنَةً لِعِلْمِهِ وَ مُسْتَوْدَعاً
و پشتیبان دینش و نگهدار سرش و گنجور علمش و امانتدار

لِحِكْمَتِهِ وَ تَراجِمَةً لِوَحْيِهِ وَ أَرْكاناً لِتَوْحِيدِهِ وَ شُهَداءَ عَلىٰ
حکمتش و ترجمان وحیش و پایه‌های توحیدش و شاهدان بر

خَلْقِهِ وَ أَعْلاماً لِعِبادِهِ وَ مَناراً فِي بِلادِهِ وَ أَدِلّاءَ عَلىٰ صِراطِهِ،
آفریدگانش و نشانه‌هایی بر بندگانش و پرتو او در شهرهایش و راهنما بر راه مستقیمش، قرار داد.

عَصَمَكُمُ ٱللّٰهُ مِنَ ٱلزَّلَلِ وَ آمَنَكُمْ مِنَ ٱلْفِتَنِ وَ طَهَّرَكُمْ مِنَ
شما را از لغزشها بازداشت و از فتنه‌ها در امان داشت؛ از پلیدیها پاک

ٱلدَّنَسِ وَ أَذْهَبَ عَنْكُمُ ٱلرِّجْسَ وَ طَهَّرَكُمْ تَطْهِيراً، فَعَظَّمْتُمْ
و بدیها را از وجود شما بیرون برد و به بهترین صورتی پاکیزه‌تان ساخت. پس شما بزرگی

جَلالَهُ وَ أَكْبَرْتُمْ شَأْنَهُ وَ مَجَّدْتُمْ كَرَمَهُ وَ أَدَمْتُمْ ذِكْرَهُ وَ وَكَّدْتُمْ
او را ستودید و شأن او را بزرگ ساختید و کرامت او را ارج نهادید و ذکر او را پیوسته بر زبان راندید و پیمان او را

مِيثٰاقَهُ وَأَحْكَمْتُمْ عَقْدَ طٰاعَتِهِ وَ نَصَحْتُمْ لَهُ فِي ٱلسِّرِّ وَٱلعَلانِيَّةِ

با خود محکم و عهد طاعتش را موکد ساختید. از سوی او پنهان و آشکار خلق را اندرز دادید

وَ دَعَوْتُمْ إِلىٰ سَبيلِهِ بِالْحِكْمَةِ وَ ٱلمَوْعِظَةِ ٱلحَسَنَةِ وَ بَذَلْتُمْ

و با حکمت و پند نیکو همه را براه او خواندید و از جان خود

أَنْفُسَكُمْ في مَرْضٰاتِهِ وَ صَبَرْتُمْ عَلىٰ مٰا أَصٰابَكُمْ في جَنْبِهِ

در راه رضای او گذشتید و بر آنچه شما را در این راه رسید، شکیبایی[۲] کردید.

وَ أَقَمْتُمُ ٱلصَّلٰوةَ وَ اٰتَيْتُمُ ٱلزَّكٰوةَ وَ أَمَرْتُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَيْتُمْ

نماز بپا داشتید و زکات دادید؛ به نیکی امر کردید و از پلیدی

عَنِ ٱلمُنْكَرِ وَ جٰاهَدْتُمْ فِي ٱللهِ حَقَّ جِهٰادِهِ، حَتّىٰ أَعْلَنْتُمْ

نهی نمودید و در راه او جهاد کردید، بدانگونه که سزاوار حق او بود. تا آنکه دعوت او را

دَعْوَتَهُ وَ بَيَّنْتُمْ فَرٰائِضَهُ وَ أَقَمْتُمْ حُدُودَهُ وَ نَشَرْتُمْ شَرٰائِعَ

آشکار ساختید و فرائض او را بیان نمودید و حدود خدا را اجرا و دستوراتش

أَحْكٰامِهِ وَ سَنَنْتُمْ سُنَّتَهُ وَ صِرْتُمْ في ذٰلِكَ مِنْهُ إِلَى ٱلرِّضٰا

را منتشرساختید. راه و رسم او را پیمودید[۲] و به خشنودی او رسیدید؛

وَ سَلَّمْتُمْ لَهُ ٱلقَضٰاءَ وَ صَدَّقْتُمْ مِنْ رُسُلِهِ مَنْ مَضىٰ ؛ فَالرّٰاغِبُ

به قضای او تسلیم شدید و آنچه از فرستادگان پیشین رسیده بود پذیرفتید. آنکه از شما

عَنْكُمْ مٰارِقٌ وَ ٱللاّٰزِمُ لَكُمْ لاٰحِقٌ وَ ٱلْمُقَصِّرُ في حَقِّكُمْ زٰاهِقٌ

روی گرداند، از دین خدا برگشته و آنکه ملازم امر شما بود، به خدا پیوست. آنکه در حق شما[۲] کوتاهی کرد، نابود گردید؛

وَ ٱلحَقُّ مَعَكُمْ وَ فيكُمْ وَ مِنْكُمْ وَ إِلَيْكُمْ، وَ أَنْتُمْ أَهْلُهُ وَمَعْدِنُهُ،

زیرا حق با شما و از شما و به سوی شماست و شما سزاوار آن و معدن آنید.

وَ میراثُ آلنُّبُوَّةِ عِنْدَکُمْ وَ إِیابُ آلخَلْقِ إِلَیْکُمْ وَ حِسابُهُمْ
میراث پیامبری نزد شماست و بازگشت آفریدگان بسوی شما و حسابشان

عَلَیْکُمْ وَ فَصْلُ آلخِطابِ عِنْدَکُمْ وَ آیاتُ آللهِ لَدَیْکُمْ وَ عَزائِمُهُ
بر عهدهٔ شماست. شناخت حق از باطل نزد شما و نشانه‌های خدا و مشیت او،

فیکُمْ وَ نُورُهُ وَ بُرْهانُهُ عِنْدَکُمْ وَ أَمْرُهُ إِلَیْکُمْ. مَنْ والاکُمْ
با شماست. پرتو و دلیل خدا در شما و امور او واگذار به شماست. هرکه شما را دوست دارد،

فَقَدْ والَی آللهَ وَ مَنْ عاداکُمْ فَقَدْ عادَی آللهَ وَ مَنْ أَحَبَّکُمْ
خدا رادوست داشته و هرکه با شما دشمنی ورزد، با خدا دشمنی کرده است. آنکه محبت شما را در دل دارد،

فَقَدْ أَحَبَّ آللهَ وَ مَنْ أَبْغَضَکُمْ فَقَدْ أَبْغَضَ آللهَ وَ مَنِ آعْتَصَمَ
محبت خدا راداشته و آنکه کینهٔ شمارا در دل دارد کینهٔ خدا را داشته‌است و هر که دامان شما

بِکُمْ فَقَدِ آعْتَصَمَ بِاللهِ، أَنْتُمُ آلصِّراطُ آلْأَقْوَمُ وَ شُهَداءُ دارِ
را بدست آرد، ریسمان خدا را گرفته؛ شمائید راه راست شهیدان

آلفَناءِ وَ شُفَعاءُ دارِ آلبَقاءِ وَ آلرَّحْمَةُ آلمَوْصُولَةُ وَ آلْآیَةُ
این دنیا و شفیعان آخرت. شما نشانهٔ پنهان

آلمَخْزُونَةُ وَ آلْأَمانَةُ آلمَحْفُوظَةُ وَ آلبابُ آلمُبْتَلیٰ بِهِ آلنّاسُ،
در علم خدائید و امانت محفوظ الهی؛ دری که مردم بدان نیازمندند

مَنْ أَتاکُمْ نَجیٰ وَ مَنْ لَمْ یَأْتِکُمْ هَلَکَ، إِلَی آللهِ تَدْعُونَ وَ عَلَیْهِ
و هر که به شما رو آورد نجات یابد و آنکه رو نیاورد نابود شود. شما مرم را به‌سوی خدا می‌خوانید، به

تَدُلُّونَ وَ بِهِ تُؤْمِنُونَ وَ لَهُ تُسَلِّمُونَ وَ بِأَمْرِهِ تَعْمَلُونَ وَ إِلیٰ
راه او دلالت می‌کنید، به او ایمان دارید، تسلیم او هستید، فرمانش را اجرا می‌کنید،

سَبیلِهِ تُرْشِدُونَ وَ بِقَوْلِهِ تَحْکُمُونَ، سَعَدَ مَنْ والاکُمْ وَ هَلَكَ

به راهش هدایت کرده و به کلامش استناد می‌ورزید. آنکه شما را دوست داشت، رستگار شد و آنکه با شما

مَنْ عاداکُمْ وَ خابَ مَنْ جَحَدَکُمْ وَ ضَلَّ مَنْ فارَقَکُمْ وَ فازَ

دشمن بود، هلاک گشت. هر که شما را انکار کرد، ناکام شد و آنکه از شما جدا شد، گمراه گردید. آنکه به شما

مَنْ تَمَسَّكَ بِکُمْ وَ أَمِنَ مَنْ لَجَأَ إِلَیْکُمْ وَ سَلِمَ مَنْ صَدَّقَکُمْ

توسل جست، رستگار شد و آنکه به شما پناه آورد، ایمنی یافت. آنکه شما را تصدیق کند، در سلامت است

وَ هُدِيَ مَنِ اعْتَصَمَ بِکُمْ. مَنِ اتَّبَعَکُمْ فَالْجَنَّةُ مَأْواهُ وَ مَنْ

و اگر به دامان شما آویزد، هدایت شده است. هر که راه شما پوید، بهشت جایگاه اوست و آنکه

خالَفَکُمْ فَالنّارُ مَثْواهُ وَ مَنْ جَحَدَکُمْ کافِرٌ وَ مَنْ حارَبَکُمْ

به مخالفت با شما برخیزد، آتش قرارگاه اوست. هر که به انکار شما خیزد، کافر است و آنکه با شما پیکار جوید،

مُشْرِكٌ وَ مَنْ رَدَّ عَلَیْکُمْ في أَسْفَلِ دَرْكٍ مِنَ الْجَحیمِ، أَشْهَدُ

مشرک است و هر که شما را مردود دارد، در پست‌ترین مکان دوزخ است. گواهی می‌دهم

أَنَّ هٰذا سابِقٌ لَکُمْ فیما مَضیٰ وَ جارٍ لَکُمْ فیما بَقِيَ وَ أَنَّ

که این مقام برای شما در دوران گذشته بوده و در آینده نیز جاری است.

أَرْواحَکُمْ وَ نُورَکُمْ وَ طینَتَکُمْ واحِدَةٌ، طابَتْ وَ طَهُرَتْ،

و روانها، پرتو وجود و فطرت شما همگی از یک جنس است: پاک و پاکیزه‌اند

بَعْضُها مِنْ بَعْضٍ، خَلَقَکُمُ اللهُ أَنْواراً فَجَعَلَکُمْ بِعَرْشِهِ

و هر کدام از دیگری پدید آمده. خدا شمارا نورهایی آفرید و در عرش خود

مُحْدِقینَ حَتّیٰ مَنَّ عَلَیْنا بِکُمْ، فَجَعَلَکُمْ في بُیُوتٍ أَذِنَ اللهُ أَنْ

محیط ساخت تا این زمان که بر ما به خاطر وجود شما منت گذاشت، آنگاه شما را به خانواده‌ای وابسته ساخت

تُرْفَعَ وَ يُذْكَرَ فيهَا ٱسْمُهُ، وَ جَعَلَ صَلٰوتَنٰا عَلَيْكُمْ وَ ما خَصَّنٰا

که مقامی رفیع داشتند و به ذکرخدا درآنجا فرمان داد و درود ما را بر شما و خصوصیت ما را

بِهِ مِنْ وِلاٰيَتِكُمْ طيباً لِخَلْقِنٰا وَ طَهٰارَةً لِأَنْفُسِنٰا وَ تَزْكِيَةً لَنٰا

در دوستی شما، سبب نیکی فطرت و پاکی نفس و پاکیزگی روحمان

وَ كَفّٰارَةً لِذُنُوبِنٰا، فَكُنّٰا عِنْدَهُ مُسَلِّمينَ بِفَضْلِكُمْ وَ مَعْرُوفينَ

و کفارهٔ گناهانمان، قرار داد. پس ما در پیشگاه خدا به فضل و بزرگواری شما مسلمان شدیم

بِتَصْديقِنٰا إِيّٰاكُمْ، فَبَلَغَ ٱللّٰهُ بِكُمْ أَشْرَفَ مَحَلِّ ٱلْمُكَرَّمينَ

و به تصدیق مقام شما معروف گشتیم که خدا عالی‌ترین مقام بزرگواران

وَ أَعْلىٰ مَنٰازِلِ ٱلْمُقَرَّبينَ وَ أَرْفَعَ دَرَجٰاتِ ٱلْمُرْسَلينَ حَيْثُ

و بلندترین منزلت نزدیکان و رفیع‌ترین درجات فرستادگان خود را به شما تفویض کرد؛

لاٰ يَلْحَقُهُ لاٰحِقٌ وَ لاٰ يَفُوقُهُ فٰائِقٌ وَ لاٰ يَسْبِقُهُ سٰابِقٌ وَ لاٰ يَطْمَعُ

تا بدان حد که هیچکس را یارای پیوستن به شما و برتری جستن از مقام شما و پیشروی از شما و طمع‌ورزی

في إِدْرٰاكِهِ طٰامِعٌ، حَتّىٰ لاٰ يَبْقىٰ مَلَكٌ مُقَرَّبٌ وَ لاٰ نَبِيٌّ مُرْسَلٌ

به موقعیت شما نیست. هیچ مَلَک مقرب و هیچ پیامبر فرستاده‌ای

وَ لاٰ صِدّيقٌ وَ لاٰ شَهيدٌ وَ لاٰ عٰالِمٌ وَ لاٰ جٰاهِلٌ وَ لاٰ دَنِيٌّ وَ لاٰ فٰاضِلٌ

و هیچ صدّیق و شهید و دانا و نادان و هیچ فرومایه و بلندپایه

وَ لاٰ مُؤْمِنٌ صٰالِحٌ وَلاٰ فٰاجِرٌ طٰالِحٌ وَ لاٰ جَبّٰارٌ عَنيدٌ وَ لاٰ شَيْطٰانٌ

و هیچ مؤمن صالح و گنهکار پلید و هیچ ستمگر سرکش و شیطان

مَريدٌ وَ لاٰ خَلْقٌ فيمٰا بَيْنَ ذٰلِكَ شَهيدٌ إِلاّٰ عَرَّفَهُمْ جَلاٰلَةَ أَمْرِكُمْ

عصیانگر و نه خلقهایی که گواه این ادعایند، هیچکدام را چاره‌ای جز این نیست که در برابر

وَ عِظَمَ خَطَرِكُمْ وَ كِبَرَ شَأْنِكُمْ وَ تَمامَ نُورِكُمْ وَ صِدْقَ مَقاعِدِكُمْ

بزرگی کار و عظمت موقع و درخشندگی کامل پرتو و درستی منزلت

وَ ثَباتَ مَقامِكُمْ وَ شَرَفَ مَحَلِّكُمْ وَ مَنْزِلَتِكُمْ عِنْدَهُ وَ كَرامَتَكُمْ

و پابرجایی مقام و افتخار جایگاه و مقام شما نزد خدا و حرمت شما بر او

عَلَيْهِ وَ خاصَّتَكُمْ لَدَيْهِ وَ قُرْبَ مَنْزِلَتِكُمْ مِنْهُ، بِأَبِي أَنْتُمْ وَ أُمّي

و ویژگی و تقرّب شما به خدا سر تعظیم و تصدیق فرود آورد[۲]. پدر و مادر[۲]

وَ أَهْلي وَ مالي وَ أُسْرَتي، أُشْهِدُ اللهَ وَ أُشْهِدُكُمْ أَنّي مُؤْمِنٌ

و اهل و دارایی و خانواده‌ام فدای شما باد[۲]. خدا را و همه شما را شاهد می‌گیرم که بر[۲] خود شما

بِكُمْ وَ بِما آمَنْتُمْ بِهِ، كافِرٌ بِعَدُوِّكُمْ وَ بِما كَفَرْتُمْ بِهِ، مُسْتَبْصِرٌ

و بر آنچه بدان ایمان آورده‌اید گرویده‌ام و بر دشمنانتان و همهٔ آنچه بر آن کفر می‌ورزید کافرم. به مقام شما

بِشَأْنِكُمْ وَ بِضَلالَةِ مَنْ خالَفَكُمْ، مُوالٍ لَكُمْ وَ لِأَوْلِيائِكُمْ،

آگاهم و از گمراهی مخالفانتان مطلعم. خودتان و دوستانتان را دوست دارم

مُبْغِضٌ لِأَعْدائِكُمْ وَ مُعادٍ لَهُمْ، سِلْمٌ لِمَنْ سالَمَكُمْ وَ حَرْبٌ

و دشمنانتان را مبغوض و دشمن دارم. کسی را که تسلیم شما باشد، تسلیمم و با کسی که

لِمَنْ حارَبَكُمْ، مُحَقِّقٌ لِما حَقَّقْتُمْ، مُبْطِلٌ لِما أَبْطَلْتُمْ، مُطيعٌ

با شما بجنگد، در جنگم. هر چه را ثابت دانید، ثابت می‌شمارم و هر چه را باطل بینید، باطل می‌دانم. در فرمان

لَكُمْ، عارِفٌ بِحَقِّكُمْ، مُقِرٌّ بِفَضْلِكُمْ، مُحْتَمِلٌ لِعِلْمِكُمْ، مُحْتَجِبٌ

شما، عارف به حق شما، اعتراف‌کننده به فضل شما، فراگیرنده دانش از شما و زیر چتر

بِذِمَّتِكُمْ، مُعْتَرِفٌ بِكُمْ، مُؤْمِنٌ بِإِيابِكُمْ، مُصَدِّقٌ بِرَجْعَتِكُمْ،

پنهان شمایم. به خودتان مقرم و برگشت و رجعت‌تان را تصدیق دارم.

مُنْتَظِرٌ لِأَمْرِكُمْ، مُرْتَقِبٌ لِدَوْلَتِكُمْ، اٰخِذٌ بِقَوْلِكُمْ، عامِلٌ بِأَمْرِكُمْ،
منتظر ولایت شما، در آرزوی حکومت شما، فراگیر گفتار شما، عامل فرمان شما،

مُسْتَجِيرٌ بِكُمْ، زٰائِرٌ لَكُمْ لٰائِذٌ عٰائِذٌ بِقُبُورِكُمْ، مُسْتَشْفِعٌ إِلَى اللهِ
دست به دامن شما، زیارتگر و پناه‌آور و روکننده به قبور شمایم. شما را وسیلهٔ شفاعت و تقرب

عَزَّ وَ جَلَّ بِكُمْ وَ مُتَقَرِّبٌ بِكُمْ إِلَيْهِ وَ مُقَدِّمُكُمْ أَمٰامَ طَلِبَتي
خود به حق تعالی و پیشاپیش حوانج و خواسته‌هایم

وَحَوٰائِجي وَ إِرٰادَتي في كُلِّ أَحْوٰالي وَ أُمُوري، مُؤْمِنٌ بِسِرِّكُمْ
و هر قصدم ـ در هر حال و هر کارم قرار می‌دهم. به اسرار نهان

وَ عَلانِيَتِكُمْ وَشٰاهِدِكُمْ وَ غٰائِبِكُمْ وَ أَوَّلِكُمْ وَ اٰخِرِكُمْ وَمُفَوِّضٌ
و آشکار و شاهد و غایب و اول و آخرش ایمان دارم و همهٔ این عقاید

في ذٰلِكَ كُلِّهِ إِلَيْكُمْ وَ مُسَلِّمٌ فيهِ مَعَكُمْ وَ قَلْبي لَكُمْ مُسَلِّمٌ
را به شما تفویض می‌کنم. به حقیقت تسلیم، قلبم در مقابل شما رام

وَ رَأْيي لَكُمْ تَبَعٌ وَ نُصْرَتي لَكُمْ مُعَدَّةٌ، حَتّىٰ يُحْيِيَ اللهُ تَعالىٰ
و عقیده‌ام تابع و یاریم مهیا است. تا آنگاه که خداوند دین خود را به دست شما

دينَهُ بِكُمْ وَ يَرُدَّكُمْ في أَيّٰامِهِ وَ يُظْهِرَكُمْ لِعَدْلِهِ وَ يُمَكِّنَكُمْ في
زنده کند و شما را برای ایام الله برگرداند و عدل خود را به ظهور شما بگسترد و در پهنهٔ زمین

أَرْضِهِ؛ فَمَعَكُمْ، مَعَكُمْ، لا مَعَ غَيْرِكُمْ، اٰمَنْتُ بِكُمْ وَ تَوَلَّيْتُ
شما را قدرت بخشد. من با شمایم و همراه شمایم و نه با دیگران. به شما گرویدم

اٰخِرَكُمْ بِما تَوَلَّيْتُ بِهِ أَوَّلَكُمْ وَ بَرِئْتُ إِلَى اللهِ عَزَّ وَ جَلَّ مِنْ
و اول و آخرتان را یکنواخت به ولایت برگزیدم و از دشمنانتان

أَعْدآئِكُمْ وَ مِنَ ٱلجِبْتِ وَ ٱلطّاغُوتِ وَ ٱلشَّياطِينِ وَ حِزْبِهِمُ
و از هر جبت و طاغوت و شیطانها و احزاب ستمگر آنان که

ٱلظّالِمِينَ لَكُمْ، ٱلجاحِدِينَ لِحَقِّكُمْ وَ ٱلمارِقِينَ مِنْ وِلايَتِكُمْ
بر شماها ستم کرده، حق شما را انکار نموده، از تحت ولایت شما خارج شده،

وَ ٱلغاصِبِينَ لِإِرْثِكُمُ ٱلشّاكِّينَ فِيكُمُ ٱلمُنْحَرِفِينَ عَنْكُمْ وَ مِنْ
ارثتان را به غصب گرفته، در حقانیت مقامتان به تردید افتاده و از راه شما منحرف گشته‌اند، دوری می‌جویم.

كُلِّ وَلِيجَةٍ دُونَكُمْ وَ كُلِّ مُطاعٍ سِواكُمْ وَ مِنَ ٱلأَئِمَّةِ ٱلَّذِينَ
از هر دوستی بجز شما و از فرمانروایی غیر از شما و از همهٔ رهبرانی که مردم را

يَدْعُونَ إِلَى النّارِ، فَثَبَّتَنِيَ ٱللهُ أَبَداً ما حَيِيتُ عَلىٰ مُوالاتِكُمْ
به سوی آتش الهی می‌خوانند، بیزارم. خداوند تا زنده‌ام مرا بر دوستی

وَ مَحَبَّتِكُمْ وَ دِينِكُمْ وَ وَفَّقَنِي لِطاعَتِكُمْ وَ رَزَقَنِي شَفاعَتَكُمْ
و محبت و دین شماها ثابت فرماید و بر طاعت اوامرتان توفیق دهد و شفاعت شما را نصیبم نماید

وَ جَعَلَنِي مِنْ خِيارِ مَوالِيكُمُ ٱلتّابِعِينَ لِما دَعَوْتُمْ إِلَيْهِ،
و مرا از بهترین دوستانتان قرار دهد؛ و از کسانی‌که پیروی کرده‌اند از آنچه شما بدان دعوت کرده‌اید.

وَ جَعَلَنِي مِمَّنْ يَقْتَصُّ آثارَكُمْ وَ يَسْلُكُ سَبِيلَكُمْ وَ يَهْتَدِي
و مرا از آن کسان بشمارد که در پی آثار نیک شما می‌رود و راه شما را می‌پوید و به رهبری شما

بِهُداكُمْ وَ يُحْشَرُ فِي زُمْرَتِكُمْ وَ يَكِرُّ فِي رَجْعَتِكُمْ وَ يُمَلَّكُ
هدایت می‌شود و به جمع شما می‌پیوندد و در رجعت با شما بازمی‌گردد و در دولت شما

فِي دَوْلَتِكُمْ وَ يُشَرَّفُ فِي عافِيَتِكُمْ وَ يُمَكَّنُ فِي أَيّامِكُمْ وَ تَقَرُّ
به حکومت می‌رسد و در سلامت شما افتخار می‌یابد و در روزگار شما فرمانروای نیرومند شود

عَيْنُهُ غَداً بِرُؤْيَتِكُمْ. بِأَبِي أَنْتُمْ وَ أُمِّي وَ نَفْسِي وَ أَهْلِي

و به دیدار شما چشمش در آینده روشن گردد. پدر و مادر و خاندان و جان

وَ مالي، مَنْ أَرادَ اللهَ بَدَأَ بِكُمْ وَ مَنْ وَحَّدَهُ قَبِلَ عَنْكُمْ وَ مَنْ

و مالم فدای شما باد. آنکه خدا را طلب کند، از دوستی شما آغازد و آنکه یکتائیش را ستاید، از شما پذیرد و هر که

قَصَدَهُ تَوَجَّهَ بِكُمْ، مَوالِيَّ لا أُحْصي ثَناءَكُمْ وَ لا أَبْلُغُ مِنَ

آهنگ او کند به شما روی آورد. ای بزرگواران، مرا یارای شمارش تحسین شما نیست و با ثناخوانی

الْمَدْحِ كُنْهَكُمْ وَ مِنَ الْوَصْفِ قَدْرَكُمْ وَ أَنْتُمْ نُورُ الْأَخْيارِ

به حقیقت بزرگی شما نتوانم رسید. ستایش و وصف شما قدر شما را بیان نمی‌کند. شما فروغ پاکان،

وَ هُداةُ الْأَبْرارِ وَ حُجَجُ الْجَبّارِ، بِكُمْ فَتَحَ اللهُ وَ بِكُمْ يَخْتِمُ

راهنمای نیکان و حجتهای خدائید. او با شما آفرینش را گشوده و هم بخاطر شما آن را به پایان رسانده است.

وَ بِكُمْ يُنَزِّلُ الْغَيْثَ وَ بِكُمْ يُمْسِكُ السَّماءَ أَنْ تَقَعَ عَلَى

برای شماست که باران فرود آورد و آسمان را همچنان نگهدارد تا بر زمین مستقر

الْأَرْضِ إِلّا بِإِذْنِهِ وَبِكُمْ يُنَفِّسُ الْهَمَّ وَ يَكْشِفُ الضُّرَّ وَ عِنْدَكُمْ

نگردد مگر به فرمان او. اندوه را برای شما از دل مردم می‌زداید و پریشانی را برطرف می‌سازد و هر آنچه

ما نَزَلَتْ بِهِ رُسُلُهُ وَ هَبَطَتْ بِهِ مَلائِكَتُهُ وَ إِلىٰ جَدِّكُمْ

را که فرستادگانش آوردند و فرشتگانش نازل کردند بر جد شما محمد[ص]، همه در نزد شماست.

[اگر حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام را زیارت می‌کنی، بجای وَإِلىٰ جَدِّكُمْ بگو:

بر جد شما

وَإِلىٰ أَخيكَ، و ادامه بده:] بُعِثَ الرُّوحُ الْأَمينُ. آتاكُمُ اللهُ ما لَمْ يُؤْتِ

بر برادر شما جبرئیل برانگیخته شد تا آن چیزی را که به کسی داده نشده

أَحَداً مِنَ ٱلْعالَمينَ، طَأْطَأَ كُلُّ شَريفٍ لِشَرَفِكُمْ وَ بَخَعَ كُلُّ

از جانب خدابرای شما آورد. از ساکنان جهانها، هر شرافتمندی پیش شرف شما سر فرود آورد و هر

مُتَكَبِّرٍ لِطاعَتِكُمْ وَ خَضَعَ كُلُّ جَبّارٍ لِفَضْلِكُمْ وَ ذَلَّ كُلُّ شَيْءٍ

گردنکشی به اطاعت از شماتسلیم شد. هر زورمندی به بزرگواری شما فروتن گشت و همه چیز به خاطر شما

لَكُمْ وَ أَشْرَقَتِ ٱلْأَرْضُ بِنورِكُمْ وَ فازَ ٱلْفائِزُونَ بِوِلايَتِكُمْ،

راه ذلت سپرد. زمین از پرتو شما روشنی یافت و رستگاران به دوستی شما رستگار شدند

بِكُمْ يُسْلَكُ إِلَى ٱلرِّضْوانِ وَ عَلىٰ مَنْ جَحَدَ وِلايَتَكُمْ غَضَبُ

و به بهشت راه یافتند و آنکسان که ولایت شما را انکار کردند خشم خدا را

ٱلرَّحْمٰنِ. بِأَبي أَنْتُمْ وَ أُمّي وَ نَفْسي وَ أَهْلي وَ مالي، ذِكْرُكُمْ

برانگیختند. پدر و مادر و جان و خاندان و مالم فدای شما باد. یاد شما

فِي ٱلذّاكِرينَ وَ أَسْماؤُكُمْ فِي ٱلْأَسْماءِ وَ أَجْسادُكُمْ فِي

بر زبان ذکر گویندگان و نامهای شما در میان نامها و پیکرهای شما

ٱلْأَجْسادِ وَ أَرْواحُكُمْ فِي ٱلْأَرْواحِ وَ أَنْفُسُكُمْ فِي ٱلنُّفُوسِ

در میان پیکرها و روانهای پاک شما در میان روانها و نفوس شما در میان جانها

وَ آثارُكُمْ فِي ٱلْآثارِ وَ قُبُورُكُمْ فِي ٱلْقُبُورِ؛ فَما أَحْلىٰ

و آثار شما جلوه‌گر در اثرها و قبور شما در میان قبرهاست؛ اما چه شیرین است

أَسْماءَكُمْ وَ أَكْرَمَ أَنْفُسَكُمْ وَ أَعْظَمَ شَأْنَكُمْ وَ أَجَلَّ خَطَرَكُمْ

نامهایتان و چه بزرگ است روانهاتان و چه بلند است مقامتان و چه عظیم است پایگاهتان

وَ أَوْفىٰ عَهْدَكُمْ وَ أَصْدَقَ وَعْدَكُمْ، كَلامُكُمْ نُورٌ وَ أَمْرُكُمْ

و چه پابرجاست پیمانتان و چه راست است وعده‌تان. سخن شما روشنگر دلها، فرمان شما

رُشْدٌ وَ وَصِيَّتُكُمُ ٱلتَّقْوىٰ وَ فِعْلُكُمُ ٱلْخَيْرُ وَ عادَتُكُمُ ٱلْإِحْسانُ

راهنمای خلق، اندرز شما پرهیزگاری، کار شمانیکی، عادت شما نکوکاری،

وَ سَجِيَّتُكُمُ ٱلْكَرَمُ وَ شَأْنُكُمُ ٱلْحَقُّ وَ ٱلصِّدْقُ وَ ٱلرِّفْقُ

خوی شما بزرگواری و مقام شما بر حق و راستی و مدارا استوار است.

وَ قَوْلُكُمْ حُكْمٌ وَ حَتْمٌ وَ رَأْيُكُمْ عِلْمٌ وَ حِلْمٌ وَ حَزْمٌ، إِنْ ذُكِرَ

گفتارتان دستور حتمی است و رأیتان مبتنی بر دانایی، بردباری و دوراندیشی. هرگاه سخنی

ٱلْخَيْرُ كُنْتُمْ أَوَّلَهُ وَ أَصْلَهُ وَ فَرْعَهُ وَ مَعْدِنَهُ وَ مَأْواهُ وَ مُنْتَهاهُ،

از نیکی به‌میان آید، شما در صف نخستین و شالوده و سرآغاز و شاخه و معدن و پایگاه و سرانجام آنید.

بِأَبِي أَنْتُمْ وَ أُمِّي وَ نَفْسِي، كَيْفَ أَصِفُ حُسْنَ ثَنائِكُمْ

پدر و مادر و جانم فدای شما باد. چگونه بزرگواری شما را وصف کنم

وَ أُحْصِي جَمِيلَ بَلائِكُمْ وَ بِكُمْ أَخْرَجَنَا ٱللهُ مِنَ ٱلذُّلِّ وَ فَرَّجَ

و نیکویی آزمایش شما را برشمارم؟ به پایمردی شما خدا ما را از ذلت رهایی داد و اندوههای

عَنّا غَمَراتِ ٱلْكُرُوبِ وَ أَنْقَذَنا مِنْ شَفا جُرُفِ ٱلْهَلَكاتِ وَ مِنَ

جانکاهمان را برطرف ساخت واز ورطهٔ مرگ و از آتش دوزخ،

ٱلنّارِ، بِأَبِي أَنْتُمْ وَ أُمِّي وَ نَفْسِي، بِمُوالاتِكُمْ عَلَّمَنَا ٱللهُ مَعالِمَ

نجاتمان داد. پدر و مادر و جانم فدای شما باد. با ولایت شما بود که خدا حقایق دین را به

دِينِنا وَ أَصْلَحَ ما كانَ فَسَدَ مِنْ دُنْيانا وَ بِمُوالاتِكُمْ تَمَّتِ

ما آموخت و هر چه فساد که در دنیای ما است اصلاح نمود و به موهبت دوستی شما کلمهٔ توحید

ٱلْكَلِمَةُ وَ عَظُمَتِ ٱلنِّعْمَةُ وَ ٱئْتَلَفَتِ ٱلْفُرْقَةُ وَ بِمُوالاتِكُمْ تُقْبَلُ

به کمال رسید و نعمت افزایش یافت و پراکندگی به همبستگی‌بدل گردید. به موهبت دوستی شما،

اَلطّاعَةُ الْمُفْتَرَضَةُ وَ لَكُمُ الْمَوَدَّةُ الْواجِبَةُ وَ الدَّرَجاتُ

عبادات واجب ما پذیرفته شد و خدا دوستی شما را بر همگان واجب نمود و پایگاه

اَلرَّفيعَةُ وَ الْمَقامُ الْمَحْمُودُ وَ الْمَكانُ الْمَعْلُومُ عِنْدَ اللهِ عَزَّ

عالی، مقام شایسته، جایگاه معلوم نزد خداوند عزیز

وَ جَلَّ وَ الْجاهُ الْعَظيمُ وَ الشَّأْنُ الْكَبيرُ وَ الشَّفاعَةُ الْمَقْبُولَةُ.

و جلیل، منزلت رفیع، جلالت قدر و شفاعت مقبول از آن شماست.

رَبَّنا امَنّا بِما أَنْزَلْتَ وَ اتَّبَعْنَا الرَّسُولَ فَاكْتُبْنا مَعَ الشّاهِدينَ،

پروردگارا، به آنچه نازل فرمودی ایمان آوردیم و فرستاده‌ات را پیروی کردیم. پس نام ما را در ردیف گواهان ثبت فرما

رَبَّنا لا تُزِغْ قُلُوبَنا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنا وَ هَبْ لَنا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً

و دلهایمان را ـ پس از آنکه هدایت کردی به باطل متمایل مساز و از سوی خود رحمت عنایت فرما

إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهّابُ، سُبْحانَ رَبِّنا إِنْ كانَ وَعْدُ رَبِّنا لَمَفْعُولاً،

که تو بسیار بخشنده‌ای. پاک و منزهی پروردگار ما و به راستی وعدهٔ پروردگار ما قطعی است.

يا وَلِيَّ اللهِ (اگر زیارت همهٔ ائمه ﷺ را قصدکرده‌ای بگو :) يا أَوْلِياءَ اللهِ،

ای ولی خدا [ای اولیای خدا]

إِنَّ بَيْني وَبَيْنَ اللهِ عَزَّ وَجَلَّ ذُنُوباً لا يَأْتي عَلَيْها إِلّا رِضاكُمْ،

همانا میان من و خدا گناهانیست که جز با خشنودی شما آن گناهان محو نخواهد شد؛

فَبِحَقِّ مَنِ ائْتَمَنَكُمْ عَلىٰ سِرِّهِ وَ اسْتَرْعاكُمْ أَمْرَ خَلْقِهِ وَ قَرَنَ

پس سوگند بدانکه راز خود را به شما سپرده و امر بندگان خود را به شما واگذاشته و اطاعت

طاعَتَكُمْ بِطاعَتِهِ، لَمَّا اسْتَوْهَبْتُمْ ذُنُوبي وَ كُنْتُمْ شُفَعائي فَإِنّي

از شما را با اطاعت از خود قرین ساخت، برای من از خدا آمرزش بخواهید و در پیشگاهش شفاعت کنید. من

لَكُمْ مُطيعٌ؛ مَنْ أَطاعَكُمْ فَقَدْ أَطاعَ اللهَ وَ مَنْ عَصاكُمْ
فرمانبردار شمایم که فرمانبرداری شما اطاعت از خداست و آنکه از شما نافرمانی کند،

فَقَدْ عَصَى اللهَ وَ مَنْ أَحَبَّكُمْ فَقَدْ أَحَبَّ اللهَ وَ مَنْ أَبْغَضَكُمْ
گناهکار خداست. هر که شما را دوست دارد، خدا را دوست داشته و هر که شما را دشمن دارد،

فَقَدْ أَبْغَضَ اللهَ. اَللّهُمَّ إِنّي لَوْ وَجَدْتُ شُفَعاءَ أَقْرَبَ إِلَيْكَ مِنْ
با خدا دشمنی کرده‌است. خداوندا، اگر شفیعانی نزدیکتر به تو از

مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ الْأَخْيارِ الْأَئِمَّةِ الْأَبْرارِ لَجَعَلْتُهُمْ شُفَعائي،
محمد و خاندانش می‌یافتم ـ که همگی بهترین پیشوایان و نیکوکار خلقند، آنان را شفیع خود قرار می‌دادم.

فَبِحَقِّهِمُ الَّذي أَوْجَبْتَ لَهُمْ عَلَيْكَ أَسْئَلُكَ أَنْ تُدْخِلَني في
سوگند به حقی که آنان در پیش تو دارند، از تو می‌خواهم که مرا در ردیف

جُمْلَةِ الْعارِفينَ بِهِمْ وَ بِحَقِّهِمْ وَ في زُمْرَةِ الْمَرْحُومينَ
شناسندگان ایشان و حق ایشان قرار دهی؛ در زمرهٔ کسانی که‌از شفاعت ایشان

بِشَفاعَتِهِمْ، إِنَّكَ أَرْحَمُ الرّاحِمينَ وَ صَلَّى اللهُ عَلى مُحَمَّدٍ
بهره‌مندند؛ که تو مهربانترین مهربانانی. و درود خدا بر محمد

وَ آلِهِ الطّاهِرينَ وَ سَلَّمَ تَسْليماً كَثيراً وَ حَسْبُنَا اللهُ وَ نِعْمَ الْوَكيلُ.[1]
و خاندان پاک او باد و سلام فراوان بر ایشان باد و خداوند، ما را بس است که بهترین نگهبان است.

۳ ـ زیارت وداع ائمه علیهم السلام مناسب است در آخرین مرتبه از زیارت حرم مطهر زیارت و دعاء وداع بخوانی تا وداع شما نیز مطابق دستور آنها باشد.

۱. بحار الانوار / ۹۹ / ۱۲۷ ـ ۱۳۲ ـ عیون اخبار الرضا / ۲ / ۲۷۲ ـ ۲۷۷.

اَلسَّلاٰمُ عَلَیْکُمْ یا اَهْلَ بَیْتِ النُّبُوَّةِ وَ مَعْدِنَ الرِّسالَةِ سَلاٰمَ مُوَدِّعٍ

سلام بر شما ای خاندان نبوت و معدن رسالت سلام وداع کنندهٔ

لاٰ سَئِمٍ وَ لاٰ قالٍ وَ رَحْمَةُ اللّٰهِ وَ بَرَکاتُهُ عَلَیْکُمْ اَهْلَ الْبَیْتِ اِنَّهُ

خستگی‌ناپذیر و نه دلتنگ، و رحمت خدا و برکات او بر شما اهل بیت، زیرا او

حَمیدٌ مَجیدٌ، سَلاٰمَ وَلِیٍّ غَیْرِ راغِبٍ عَنْکُمْ وَلاٰ مُنْحَرِفٍ عَنْکُمْ

ستوده و بزرگوار است، سلامِ دوستی که از شما روگردان و منحرف نیست

وَ لاٰ مُسْتَبْدِلٍ بِکُمْ وَ لاٰ مُؤْثِرٍ عَلَیْکُمْ وَ لاٰ زاهِدٍ فی قُرْبِکُمْ،

و شما را با دیگران عوض نکرده و کسی رابر شما مقدم نداشته و در تقرب بر شما بی‌میلی نکرده‌است،

لاٰ جَعَلَهُ اللّٰهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِیارَةِ قُبُورِکُمْ وَ اِتْیانِ مَشاهِدِکُمْ،

خدا این زیارت را آخرین زیارت قبور شما و آمدن به زیارتگاه شما قرار ندهد،

وَ السَّلاٰمُ عَلَیْکُمْ وَ حَشَرَنِیَ اللّٰهُ فی زُمْرَتِکُمْ وَ اَوْرَدَنی

و سلام بر شما و خدا مرا در گروه شما محشور کند و وارد

حَوْضَکُمْ وَ اَرْضاکُمْ عَنّی وَ مَکَّنَنی فی دَوْلَتِکُمْ وَ اَحْیانی فی

حوض کوثر شما نماید و شما را از من خشنود دارد و مرا در دولت شما اقتدار بخشد و مرا در رجعت شما

رَجْعَتِکُمْ وَ مَلَّکَنی فی اَیّامِکُمْ وَ شَکَرَ سَعْیی لَکُمْ وَ غَفَرَ

زنده کند و در دوران شمادارایی عطایم‌کند و از کوششم برای شما قدردانی کند و گناهم

ذُنُوبی بِشَفاعَتِکُمْ وَ اَقالَ عَثْرَتی بِحُبِّکُمْ وَ اَعْلیٰ کَعْبی بِمُوالاٰتِکُمْ

را به شفاعت شما بیامرزد و از لغزشم بواسطه دوستی‌شما درگذرد و با ولایت شما مقام مرا عالی نماید

وَ شَرَّفَنی بِطاعَتِکُمْ وَ اَعَزَّنی بِهُدیٰکُمْ وَ جَعَلَنی مِمَّنْ یَنْقَلِبُ

و مرا به طاعت شما شرافت بخشد و به رهبری شما عزت عطا کند و مرا از آنها قرار دهد که

مُفْلِحاً مُنْجِحاً سالِماً غانِماً مُعافاً غَنِيًّا فائِزًا بِرِضْوانِ اللّهِ

با رستگاری و کامیابی سلامتی و بهره‌مندی و با عافیت و توانگری بازمی‌گردند و به رضوان خدا

وَ فَضْلِهِ وَ كِفايَتِهِ بِأَفْضَلِ ما يَنْقَلِبُ بِهِ اَحَدٌ مِنْ زُوّارِكُمْ

و فضل و کفایتش کامیاب می‌شوند به بهترین برگشتن هر یک از زیارت کنندگان

وَ مَواليكُمْ وَ مُحِبّيكُمْ وَ شيعَتِكُمْ، وَ رَزَقَنِيَ اللّهُ الْعَوْدَ ثُمَّ

و دوستان و مهرورزان و شیعیان شما، و خدا بازگشت برای زیارت شما را نصیبم کند سپس

الْعَوْدَ ثُمَّ الْعَوْدَ ما اَبْقاني رَبّي بِنِيَّةٍ صادِقَةٍ وَ إيمانٍ وَ تَقْوىٰ

بازگشت سپس بازگشت تا وقتی که خدا مرا زنده میدارد با نیّت درست و ایمان و تقوی

وَ اِخْباتٍ وَ رِزْقٍ واسِعٍ حَلالٍ طَيِّبٍ، اَللّهُمَّ لا تَجْعَلْهُ آخِرَ

و خضوع و با رزق وسیع و حلال و پاکیزه، خدایا آنرا آخرین

الْعَهْدِ مِنْ زِيارَتِهِمْ وَ ذِكْرِهِمْ وَ الصَّلٰوةِ عَلَيْهِمْ وَ اَوْجِبْ لِيَ

زیارت و یاد و و طلب رحمت بر ایشان قرار نده، و برای من

الْمَغْفِرَةَ وَ الرَّحْمَةَ وَ الْخَيْرَ وَ الْبَرَكَةَ وَ النُّورَ وَ الْإيمانَ وَ حُسْنَ

آمرزش و رحمت و خیر و برکت و نور و ایمان و حسن

الْإِجابَةِ كَما اَوْجَبْتَ لِاَوْلِيائِكَ الْعارِفينَ بِحَقِّهِمُ الْمُوجِبينَ

اجابت ثبت کن همچنانکه ثبت کردی برای دوستان و اولیای خود که عارف به حقشان و ملازم

طاعَتَهُمْ وَ الرّاغِبينَ في زِيارَتِهِمُ الْمُتَقَرِّبينَ اِلَيْكَ وَ اِلَيْهِمْ،

طاعتشان و مشتاق زیارتشان و تقرب‌جو بدرگاه تو و به سوی آنها هستند،

بِاَبي اَنْتُمْ وَ اُمّي وَ نَفْسي وَ مالي وَ اَهْلي اِجْعَلُوني مِنْ هَمِّكُمْ

پدرم و مادرم و خودم و ثروتم و خاندانم فدای شما، مرا مورد توجه خود سازید

وَ صَیِّرُونی فی حِزْبِکُمْ وَ اَدْخِلُونی فی شَفاعَتِکُمْ وَ اذْکُرُونی
و مرا در حزب خود قرار دهید و در شفاعت خود داخل کنید و نزد پروردگارتان

عِنْدَ رَبِّکُمْ، اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اَبْلِغْ
یادآوری کنید خدایا صلوات فرست بر محمد و خاندان محمد

اَرْواحَهُمْ وَ اَجْسادَهُمْ عَنّی تَحِیَّةً کَثیرَةً وَ سَلاٰماً وَ السَّلاٰمُ
به ارواح و ابدان پاکشان از طرف من تحیّت بسیار و درود برسان و سلام

عَلَیْکُمْ وَ رَحْمَةُ اللّٰهِ وَ بَرَکاٰتُهُ.[1]
و رحمت خدا و برکات او بر شما باد.

فضیلت مسجد کوفه

حضرت امام صادق﷣ فرمودند: یا مفضّل، نوح در مسجد کوفه کشتی خود را ساخت آن مسجد مصلای پیامبران است،خانه و مصلای نوح است.(۱) حضرت ابراهیم خلیل درآنجا نماز گزارده است.آن جا باغی از باغهای بهشت است.هزار و هفتاد پیامبر در آنجا نماز بپا داشته‌اند.آب از آنجا فوران کرد.حضرت علی﷣ فرمودند ای اهل کوفه این مسجد یکی از چهار مسجدی است که خداوند عزوجل آنرا برگزید.و در روز قیامت برای کسی که در آن نماز بخواند شفاعت خواهد کرد و شفاعتش رد نخواهد شد.وبزودی مصلای فرزندم مهدی خواهد بود پس با نماز گزاردن در آن به سوی خدا تقرب جویید و برای برآورده شدن حاجات رغبت کنید.امام صادق﷣ فرمودند: نماز واجب در آن با هزار نماز و مستحب در آن با پانصد نماز برابر است. نشستن در آن بخودی خود عبادت است. همچنین فرمودند: نماز فریضه در آن معادل حج و نماز مستحب معادل

۱ ـ عیون اخبار الرضا (صدوق) / ۳۰۹ ـ المزار مشهدی / ۵۶۴ ـ بحار الانوار / ۹۹ / ۱۳۳.

عمره است. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرمودند: هنگامی که به معراج می‌رفتم به جبرئیل گفتم: این چیست؟ گفت: این مسجد مبارک و پرخیر و برکت است خداوند آنرا برای اهلش برگزید و در روز قیامت اهلش را شفاعت خواهد کرد. آنگاه حضرت از فرشته اجازه خواست و در آنجا دو رکعت نماز گزارد و سپس به سوی بیت المقدس شتافت و در آنجا نماز خواند. امام صادق علیه السلام فرمودند: قسم به خدایی که جانم در دست اوست اگر مردم آنچه را در بارهٔ این مسجد می دانم، می دانستند، به سوی آن هجوم می بردند. آنجا یکی از چهار مسجدی که مسافر آنجا در نماز چهار رکعتی مخیّر بین قصر و اتمام است. آن چهار مسجد عبارتند از مسجد الحرام و مسجد النبی و مسجد الاقصی و مسجد کوفه.

اعمال مسجد کوفه

بهتر است که از باب الفیل وارد مسجد شوی پس جلوی در بایست و بگو:

اَلسَّلامُ عَلیٰ سَیِّدِنٰا رَسُولِ اللّٰهِ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِاللّٰهِ وَ اٰلِهِ
سلام بر سرورما رسول خدا حضرت محمد بن عبدالله و آل

اَلطّٰاهِرِینَ اَلسَّلامُ عَلیٰ أَمِیرِالْمُؤْمِنِینَ عَلِیِّ بْنِ أَبیطٰالِبٍ
پاک او سلام و رحمت خدا و برکات او بر امیرمومنان علی بن ابیطالب

وَ رَحْمَةُ اللّٰهِ وَ بَرَکٰاتُهُ وَ عَلیٰ مَجٰالِسِهِ وَ مَشٰاهِدِهِ وَ مَقٰامِ
و بر مجالس او و بر مشاهد و مقام

حِکْمَتِهِ وَ اٰثٰارِ اٰبٰائِهِ اٰدَمَ وَ نُوحٍ وَ إِبْرٰاهِیمَ وَ إِسْمٰعِیلَ وَ بُنْیٰانِ
حکمت او و آثار پدرانش حضرت آدم و نوح و ابراهیم و اسمعیل و اساس

بَیِّنٰاتِهِ، اَلسَّلامُ عَلیٰ الإِمٰامِ الْحَکِیمِ الْعَدْلِ الصِّدِّیقِ الْأَکْبَرِ
بینات او، درود بر امام حکیم عادل و صدّیق اکبر

اَلْفارُوقِ بِالْقِسْطِ اَلَّذی فَرَّقَ اَللّٰهُ بِهِ بَیْنَ اَلْحَقِّ وَ اَلْباطِلِ
جدا کننده حق از باطل بآ عدالتی که خدا با او میان حق و باطل

وَ اَلْکُفْرِ وَ اَلْإیمانِ وَ اَلشِّرْکِ وَ اَلتَّوحیدِ لِیَهْلِکَ مَنْ هَلَکَ
و کفر و ایمان و شرک و یگانه پرستی جدا کرده است، تا هر که هلاک شود با گواه

عَنْ بَیِّنَةٍ وَ یَحْییٰ مَنْ حَیَّ عَنْ بَیِّنَةٍ، أَشْهَدُ أَنَّکَ أَمیرُ اَلْمُؤْمِنینَ
هلاک شود و هر که زنده شود با گواه زنده شود، گواهم که تو امیرمومنان

وَ خاصَّةُ نَفْسِ اَلْمُنْتَجَبینَ وَ زَیْنُ اَلصِّدّیقینَ وَ صابِرُ اَلْمُمْتَحَنینَ
و نفس مخصوص برگزیدگان و زیور صدیقان و شکیباترین آزمودگان هستی

وَ أَنَّکَ حَکَمُ اَللّٰهِ فی أَرْضِهِ وَ قاضی أَمْرِهِ وَ بابُ حِکْمَتِهِ وَ عاقِدُ
و تو داور خدا در روی زمین و قاضی امر او و باب حکمت او و عاقد

عَهْدِهِ وَ اَلنّاطِقُ بِوَعْدِهِ وَ اَلْحَبْلُ اَلْمَوْصُولُ بَیْنَهُ وَ بَیْنَ عِبادِهِ وَ کَهْفُ
پیمان او و گویا بوعده او و رشتهٔ پیوسته میان او و میان بندگان او و پناهگاه

اَلنَّجاةِ وَ مِنْهاجُ اَلتُّقیٰ وَ اَلدَّرَجَةُ اَلْعُلْیا وَ اَلْمُهَیْمِنُ اَلْقاضِی اَلْأَعْلیٰ
نجات و طریقه تقوی و مقام و منزلت بر تر و والاترین حاکم قدرتمند هستی

یا أَمیرَ اَلْمُؤْمِنینَ بِکَ أَتَقَرَّبُ إِلَی اَللّٰهِ زُلْفیٰ أَنْتَ وَلِیّی وَ سَیِّدی
ای امیرمومنان بوسیله تو به سوی خدا تقرب می‌جویم تو ولی من

وَ وَسیلَتی فِی اَلدُّنْیا وَ اَلْآخِرَةِ. (پس داخل مسجد می‌شوی و می‌گویی:)
و وسیله من در دنیا و آخرت هستی.

اَللّٰهُ أَکْبَرُ، أَللّٰهُ أَکْبَرُ، أَللّٰهُ أَکْبَرُ، هٰذا مَقامُ اَلْعائِذِ بِاللّٰهِ وَ بِمُحَمَّدٍ
خدا بزرگتر است، خدا بزرگتر است، خدا بزرگتر است، این مقام کسی است که پناهنده شده است به خدا و به محمد

حَبيبِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ بِوِلايَةِ أَميرِ الْمُؤْمِنينَ

حبیب خدا صلوات خدا بر او و برآل او باد و به ولایت امیرالمومنین

وَ الْأَئِمَّةِ الْمَهْدِيِّينَ الصّادِقينَ النّاطِقينَ الرّاشِدينَ الَّذينَ

و ولایت ائمه هدی که صادقان و سخن‌گویان به حق و ارشاد کننده‌گان که

أَذْهَبَ اللّٰهُ عَنْهُمُ الرِّجْسَ وَ طَهَّرَهُمْ تَطْهيرًا، رَضيتُ بِهِمْ

خدا از آنها پلیدی را برده و آنان راپاکو منزه‌گردانید، من خوشنودم‌به آنها

أَئِمَّةً وَ هُداةً وَ مَوالِيَّ، سَلَّمْتُ لِأَمْرِ اللّٰهِ لا أُشْرِكُ بِهِ شَيْئًا

که‌امامان و رهبران و سروران من‌باشند، تسلیم فرمان خدا هستم هرگز چیزی را شریک او نسازم

وَ لا أَتَّخِذُ مَعَ اللّٰهِ وَلِيًّا، كَذَبَ الْعادِلُونَ بِاللّٰهِ وَ ضَلُّوا ضَلالاً

و کسی را با خدا بر نمی‌گزینم جویندگان غیر خدا دروغ گویند و سخت گمراهند،

بَعيدًا، حَسْبِيَ اللّٰهُ وَ أَوْلِياءُ اللّٰهِ، أَشْهَدُ أَنْ لا إِلٰهَ إِلاَّ اللّٰهُ

خدا و دوستان خدا برای من کافی است گواهم به اینکه معبودی جز خدای یگانه نیست

وَحْدَهُ لا شَريكَ لَهُ، وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ

شریکی برای او نیست و گواهم به اینکه محمّد بنده و رسول اوست

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، وَ أَنَّ عَلِيًّا وَ الْأَئِمَّةَ الْمَهْدِيّينَ مِنْ

صلوات خدا بر او و آل او و حقیقتاً علی و ائمهٔ هدی از

ذُرِّيَّتِهِ عَلَيْهِمُ السَّلامُ أَوْلِيائي وَ حُجَّةُ اللّٰهِ عَلىٰ خَلْقِهِ.

نژاد او که سلام بر آنان باد همگی اولیاء من و حجت خدا بر خلق هستند.

اعمال مقام ابراهیمؑ

آن گاه به جانب ستون چهارم برو که در جنب باب انماط و برابر ستون پنجم است و آن ستون حضرت ابراهیمؑ است. و چهار رکعت نماز بخوان ،در دو رکعت حمد و توحید و در دو رکعت دیگر حمد و سورهٔ قدر. پس از نماز تسبیحات حضرت زهراؑ را بگو. و بعد از آن بگو:

اَلسَّلامُ عَلىٰ عِبادِ اللّٰهِ الصّالِحينَ الرّاشِدينَ، الَّذينَ أَذْهَبَ

سلام بر بندگان شایسته و هدایت گر خدا که

اللّٰهُ عَنْهُمُ الرِّجْسَ وَطَهَّرَهُمْ تَطْهيرًا، وَجَعَلَهُمْ أَنْبِياءَ مُرْسَلينَ،

خدا از آنها پلیدی را برده است و آنان را پاک و پاکیزه ساخته است و آنها را نبی و رسول

وَ حُجَّةً عَلَى الْخَلْقِ اَجْمَعينَ، وَ سَلامٌ عَلَى الْمُرْسَلينَ

و حجت بر همه خلق قرار داده است، سلام بر رسولان و

وَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعالَمينَ، ذٰلِكَ تَقْديرُ الْعَزيزِ الْعَليمِ (هفت بار بگو:)

حمد مخصوص خدا پروردگار جهانیان است این است تقدیر و حکم خدای مقتدر دانا

سَلامٌ عَلىٰ نُوحٍ فِي الْعالَمينَ . (پس بگو:) **نَحْنُ عَلىٰ وَصِيَّتِكَ**

سلام بر حضرت نوح در جهانیان. ما بر وصیت و سفارش تو پای بندیم

يا وَلِيَّ الْمُؤْمِنينَ الَّتي أَوْصَيْتَ بِها ذُرِّيَّتَكَ مِنَ الْمُرْسَلينَ

ای ولی مومنان همانطور که سفارش کردی بدان ذریه خود را از رسولان

وَ الصِّدّيقينَ، وَ نَحْنُ مِنْ شيعَتِكَ وَ شيعَةِ نَبِيِّنا مُحَمَّدٍ صَلَّى

و صدیقین، و ما از شیعیان تو و شیعیان پیغمبر خودمان حضرت محمد صلوات

اَللّٰهُ عَلَيْهِ وَ اٰلِهِ وَ عَلَيْكَ وَ عَلٰى جَميعِ اَلْمُرْسَلينَ وَ اَلْأَنْبِياءِ
خدا بر او و آل او و بر تو و بر همه رسولان و پیامبران

وَ اَلصِّدّيقينِ، وَ نَحْنُ عَلٰى مِلَّةِ إِبْراهيمَ، وَ دينِ مُحَمَّدٍ اَلنَّبِيِّ
و صدیقان، و ما بر آئین حضرت ابراهیم و دین محمد پیغمبر

اَلْأُمِّيِّ وَ اَلْأَئِمَّةِ اَلْمَهْدِيّينَ،وَ وِلايَةِ مَوْلانا عَلِيٍّ أَميرِ اَلْمُؤْمِنينَ،
درس نخوانده و امامان هدایت یافته، و بر ولایت مولای ما علی امیرمومنان هستم،

اَلسَّلامُ عَلَى اَلْبَشيرِ اَلنَّذيرِ صَلَواتُ اَللّٰهِ عَلَيْهِ وَ رَحْمَتُهُ
سلام بر بشارت دهنده و بیم دهنده صلوات خدا و رحمت

وَ رِضْوانُهُ وَ بَرَكاتُهُ، وَ عَلٰى وَصِيِّهِ وَ خَليفَتِهِ اَلشّاهِدِ لِلّٰهِ مِنْ
و خوشنودی و برکات خدا بر او و بر وصی و جانشین او که شاهد و گواه خدا

بَعْدِهِ عَلٰى خَلْقِهِ، عَلِيٍّ أَميرِ اَلْمُؤْمِنينَ عَلَيهِ السَّلام اَلصِّدّيقِ
بعد از پیغمبر بر خلق است علی که امیرمومنان علیه السلام صدیق

اَلْأَكْبَرِ، وَاَلْفارُوقِ اَلْمُبينِ،اَلَّذي أَخَذْتَ بَيْعَتَهُ عَلَى اَلْعالَمينَ،
اکبر و جدا کننده حق از باطل که بیعت او را بر عهده جهانیان نهادی،

رَضيتُ بِهِمْ أَوْلِياءَ وَ مَوالِيَ وَ حُكّامًا في نَفْسي وَ وُلْدي
خوشنودم که ایشان اولیاء و آقایان من باشند و حاکمان در نفس و فرزندان

وَ أَهْلـي وَ مالي وَ قِسْمي وَ حِلّـي وَ إِحْرامي وَ إِسْلامي
واهل و مال و بهره من و در حل و احرام و اسلام

وَ ديني وَ دُنْيايَ وَ آخِرَتي وَ مَحْيايَ وَ مَماتي أَنْتُمُ اَلْأَئِمَّةُ
و دینم و در دنیا و آخرتم و در زندگی و مرگ من باشند، شما امامان

فِی ٱلْکِتٰابِ، وَ فَصْلُ ٱلْمَقٰامِ، وَ فَصْلُ ٱلْخِطٰابِ، أَعْیُنُ ٱلْحَیِّ

در قرآن و فصل مقام، و فصل خطاب حق از باطل هستید، شما چشمان

ٱلَّذی لاٰ یَنٰامُ، وَ أَنْتُمْ حُکَمٰاءُ ٱللّٰهِ وَ بِکُمْ حَکَمَ ٱللّٰهُ، وَ بِکُمْ

آن بیداری هستند که خواب ندارد، و شما حکیمان الهی هستید، و خدا به شما حکم کرد، و به وسیله

عُرِفَ حَقُّ ٱللّٰهِ، لاٰ إِلٰهَ إِلاَّ ٱللّٰهُ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ ٱللّٰهِ، أَنْتُمْ نُورُ

شما حق خدا شناخته شد، معبودی جز خدا نیست، محمد فرستاده خداست، شما نور

ٱللّٰهِ مِنْ بَیْنِ أَیْدینٰا وَ مِنْ خَلْفِنٰا، أَنْتُمْ سُنَّةُ ٱللّٰهِ ٱلَّتی سَبَقَ

خدا پیش روی ما و دنبال سر ما هستید، شما سنت خدا هستید که قضای حق بدان

ٱلْقَضٰاءُ، یٰا أَمیرَٱلْمُؤْمِنینَ أَنَا لَکُمْ مُسَلِّمٌ تَسْلیمًا، لاٰ أُشْرِکُ

حکم کرده است، ای امیر مومنان من در مقابل امر شما تسلیم محض هستم، چیزی را شریک

بِاللّٰهِ شَیْئاً، وَ لاٰ أَتَّخِذُ مِنْ دُونِهِ وَلِیًّا، اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ ٱلَّذی هَدٰانی

خدا نگردانم و غیر از او ولی و سرپرستی نگیرم، حمد مخصوص خدایی است که مرا به وسیله شما

بِکُمْ، وَ مٰا کُنْتُ لِأَهْتَدِیَ لَوْ لاٰ أَنْ هَدٰانِیَ اللّٰهُ، اللّٰهُ اَکْبَرُ،

هدایت کرد، اگر هدایت خدا نبود من هدایت نمی‌شدم، خدا بزرگتر است،

ٱللّٰهُ أَکْبَرُ، ٱللّٰهُ أَکْبَرُ، ٱلْحَمْدُ لِلّٰهِ عَلیٰ مٰا هَدٰانٰا.

خدا بزرگتر است، خدا بزرگتر است، حمد خدا را چون ما را هدایت فرمود.

اعمال بیت الطشت

بیت الطشت در کنار دکة القضاء است در آن جا دو رکعت نماز بگذار و پس از تسبیح حضرت زهرا ؑ بگو:

أَللّٰهُمَّ إِنِّي ذَخَرْتُ تَوْحِيدي إِيّٰاکَ، وَ مَعْرِفَتي بِکَ، وَ إِخْلاٰصي
خدایا من ذخیره کردم یگانه پرستی و معرفت تو و اخلاص

لَکَ، وَ إِقْرٰاري بِرُبُوبِيَّتِکَ، وَ ذَخَرْتُ وِلاٰيَةَ مَنْ أَنْعَمْتَ عَلَيَّ
و اقرار و اعتراف بر بوبیت تو را، و نیز ذخیره کردم ولایت کسانی از خلق خود که مرا

بِمَعْرِفَتِهِمْ مِنْ بَرِيَّتِکَ، مُحَمَّدٍ وَ عِتْرَتِهِ صَلَّی اللّٰهُ عَلَيْهِمْ، لِيَوْمِ
به معرفت حضرت محمد و خاندان او صلوات خدا بر آنان نعمت دادی، برای روز

فَزَعي إِلَيْکَ عٰاجِلاً وَ اٰجِلاً، وَ قَدْ فَزِعْتُ إِلَيْکَ وَ إِلَيْهِمْ
نیازم بسوی تو در دنیا و آخرت، و بتحقیق به درگاه تو و ایشان

يٰا مَوْلاٰيَ في هٰذَا الْيَوْمِ، وَ في مَوْقِفي هٰذٰا، وَ سَئَلْتُکَ مٰادَّتي
ای مولایم در این روز و در این جایگاه تضرع و زاری دارم و از تو میخواهم نعمت خود را

مِنْ نِعْمَتِکَ، وَ إِزٰاحَةَ مٰا أَخْشٰاهُ مِنْ نِقْمَتِکَ، وَ الْبَرَکَةَ فيمٰا
ادامه دهی و عذابی را که از آن می‌ترسم دور کنی و در آنچه مرا روزی فرمودی

رَزَقْتَنيهِ، وَ تَحْصينَ صَدْري مِنْ کُلِّ هَمٍّ وَ جٰائِحَةٍ وَ مَعْصِيَةٍ،
برکت دهی، و سینه مرا از هر اندوه و ناگواری و گناه

في ديني وَ دُنْيٰايَ وَ اٰخِرَتي يٰا أَرْحَمَ الرّٰاحِمينَ.
در دین و دنیا و آخرت محفوظ نگه‌داری ای مهربانترین مهربانان.

اعمال دکة القضا

سپس به دکة القضا برو مکانی است که حضرت امیرالمومنین علیه السلام برای قضاوت عادلانه بین مردم در آن جا می نشستند. و دو رکعت نماز کن و بعد از تسبیحات حضرت زهرا علیها السلام بگو:

يٰا مٰالِكي وَ مُمَلِّكي وَ مُتَغَمِّدي بِالنِّعَمِ الْجِسٰامِ مِنْ غَيْرِ
ای مالک من و تملیک‌کننده من و آنکه مرا غریق نعمتهای بزرگ ساختی بدون اینکه

اسْتِحْقاقٍ، وَجْهي خاضِعٌ لِمٰا تَعْلُوهُ الْأَقْدٰامُ لِجَلٰالِ وَجْهِكَ
استحقاق داشته باشم، من برای آنچه زیر قدمهاست در برابر جلال وجه

الْكَريمِ، لاٰ تَجْعَلْ هٰذِهِ الشِّدَّةَ وَ لاٰ هٰذِهِ الْمِحْنَةَ مُتَّصِلَةً
کریم تو خاضع هستم، این سختی و محنت را به ریشه کنی

بِاسْتِيصٰالِ الشّٰأْفَةِ، و امْنَحْني مِنْ فَضْلِكَ مٰالَمْ تَمْنَحْ بِهِ أَحَدًا
متصل مگردان، و از فضل خود مرا ببخش آن چه را که به احدی

مِنْ غَيْرِ مَسْئَلَةٍ، أَنْتَ الْقَديمُ الْأَوَّلُ الَّذي لَمْ تَزَلْ وَ لاٰ تَزٰالُ،
بدون درخواست نبخشیده‌ای، تویی قدیم اول که پیوسته بودی و هستی،

صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اغْفِرْلي وَ ارْحَمْني وَ زَكِّ
صلوات فرست بر محمد و آل محمد و مرا بیآمرز و بر من ترحم نما

عَمَلي وَبٰارِكْ لي في أَجَلي وَ اجْعَلْني مِنْ عُتَقٰائِكَ وَطُلَقٰائِكَ
و عمل و عمرم را برکت بده و مرا از رهایی یافتگان

مِنَ النّٰارِ بِرَحْمَتِكَ يٰا اَرْحَمَ الرّٰاحِمينَ.
از آتش قرار ده به رحمت خودت ای مهربانترین مهربانان.

اعمال وسط مسجد (دكّة المعراج)

در وسط مسجد دو رکعت نماز بخوان، در رکعت اول بعد از حمد سورهٔ توحید و در رکعت دوم بعد از حمد سورهٔ کافرون بخوان و بعد از تسبیح حضرت زهرا سلام الله علیها و بگو:

اَللّٰهُمَّ أَنْتَ اَلسَّلاٰمُ، وَ مِنْکَ اَلسَّلاٰمُ وَ إِلَیْکَ یَعُودُ اَلسَّلاٰمُ،

خدایا توبی سلام، و سلام از توست و بسوی تو بر می‌گردد،

دٰارُکَ دٰارُ اَلسَّلاٰمِ، حَیِّنٰا رَبَّنٰا مِنْکَ بِالسَّلاٰمِ، اَللّٰهُمَّ إِنّي صَلَّیْتُ

و خانه تو دارالسلام است، پروردگارا ما را به سلام تحیّت فرست، خدایا من این

هٰذِهِ اَلصَّلاٰةَ اَبْتِـغٰاءَ رَحْمَتِکَ وَ رِضْوٰانِـکَ وَ مَـغْفِرَتِکَ

نماز را خواندم برای طلب رحمت تو و خوشنودی و آمرزش تو

وَ تَعْظِیمًا لِمَسْجِدِکَ، اَللّٰهُمَّ فَصَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ

و بزرگداشت مسجد تو، خدایا پس صلوات فرست بر محمد و آل محمد

وَ اَرْفَعْهٰا في أَعْلٰی عِلِّیینَ وَ تَقَبَّلْهٰا مِنّي یٰا أَرْحَمَ اَلرّٰاحِمِینَ.

و آن نماز را در اعلی علیین بالا ببر و بپذیر ای مهربانترین مهربانان.

اعمال ستون هفتم

پس نزدیک ستون هفتم که خداوند توبه حضرت آدم علیه السلام را در آن جاپذیرفت رو به قبله بایست و بگو:

بِسْمِ اَللّٰهِ وَبِاللّٰهِ وَ عَلٰی مِلَّةِ رَسُولِ اَللّٰهِ صَلَّی اَللّٰهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ،

بنام خدا و به ذات خدا و بر آئین رسول خدا صلوات خدا بر او و بر آل او،

وَ لاٰ إِلٰهَ إِلاَّ اَللّٰهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اَللّٰهِ، اَلسَّلاٰمُ عَلٰی أَبِینٰا آدَمَ

معبودی جز خدا نیست محمد رسول خداست، سلام بر پدر ما حضرت آدم

وَ أُمِّنٰا حَوّٰاءَ، اَلسَّلاٰمُ عَلٰی هٰابِیلَ اَلْمَقْتُولِ ظُلْمًا وَ عُدْوٰانًا

و مادر ما حوّا، سلام بر هابیل فرزند آدم که با ظلم و عدوان

عَلىٰ مَواهِبِ ٱللّٰهِ وَ رِضْوانِهِ، اَلسَّلامُ عَلىٰ شَيْثٍ صَفْوَةِ ٱللّٰهِ
به خاطر بخششهای خدا و خوشنودیش کشته شد، سلام بر شیث برگزیده خدا

ٱلْمُخْتارِ ٱلْأَمينِ، وَ عَلَى ٱلصَّفْوَةِ ٱلصّادِقينَ مِنْ ذُرِّيَّتِهِ
مختار و امین حق و بر برگزیدگان راستگو از نژاد

ٱلطَّيِّبينَ أَوَّلِهِمْ وَ اٰخِرِهِمْ، اَلسَّلامُ عَلىٰ إِبْراهيمَ وَ إِسْمٰعيلَ
پاکان و خوبان از اول تا آخر آنان، سلام بر حضرت ابراهیم و اسمعیل

وَ إِسْحٰقَ وَ يَعْقُوبَ وَ عَلىٰ ذُرِّيَّتِهِمُ ٱلْمُخْتارينَ، اَلسَّلامُ عَلىٰ
و اسحق و یعقوب و بر نژاد و ذریه برگزیده آنان سلام بر

مُوسىٰ كَليمِ ٱللّٰهِ اَلسَّلامُ عَلىٰ عيسىٰ رُوحِ ٱللّٰهِ، اَلسَّلامُ عَلىٰ
موسی هم سخن با خدا، سلام بر عیسی روح خدا، سلام بر

مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِٱللّٰهِ خاتَمِ النَّبِيّينَ، اَلسَّلامُ عَلىٰ أَميرِٱلْمُؤْمِنينَ
محمد فرزند عبدالله خاتم پیامبرانَ، و سلام و رحمت و برکات خدا بر امیرالمومنین

وَ ذُرِّيَّتِهِ ٱلطَّيِّبينَ وَ رَحْمَةُ ٱللّٰهِ وَ بَرَكاتُهُ، اَلسَّلامُ عَلَيْكُمْ فِى
و نژاد پاکش، سلام بر شما در خلق

ٱلْأَوَّلينَ، اَلسَّلامُ عَلَيْكُمْ فِى ٱلْاٰخِرينَ، اَلسَّلامُ عَلىٰ فاطِمَةَ
اولین، سلام بر شما در خلق آخرین، سلام بر فاطمه

ٱلزَّهْراءِ، اَلسَّلامُ عَلَى ٱلْأَئِمَّةِ ٱلْهادينَ شُهَداءِ ٱللّٰهِ عَلىٰ
زهرا، سلام بر امامان هادی خلق گواهان خدا بر

خَلْقِهِ، اَلسَّلامُ عَلَى ٱلرَّقيبِ ٱلشّاهِدِ عَلَى ٱلْأُمَمِ لِلّٰهِ رَبِّ ٱلْعالَمينَ.
خلقش، سلام بر نگهبان و گواه بر امت‌های خدای پروردگار جهانیان.

سپس چهار رکعت نماز بخوان در رکعت اول حمد و سورهٔ قدر و در رکعت دوم حمد و توحید و رکعت سوم و چهارم هم مثل دو رکعت اول، بعد از سلام و تسبیحات حضرت زهرا علیهاالسلام بگو:

اَللّٰهُمَّ إِنْ كُنْتُ قَدْ عَصَيْتُكَ فَإِنِّي قَدْ أَطَعْتُكَ فِي الْإِيمَانِ مِنِّي
خدایا اگر من تو را معصیت و نافرمانی کردم به راستی در ایمان بتو

بِكَ، مَنًّا مِنْكَ عَلَيَّ لَا مَنًّا مِنِّي عَلَيْكَ، وَ أَطَعْتُكَ فِي أَحَبِّ
فرمان بردارم، و این منّتی است از تو بر من نه آنکه من منت بر تو دارم، ترا در محبوبترین

اَلْأَشْيَاءِ لَكَ (إِلَيْكَ)، لَمْ أَتَّخِذْ لَكَ وَلَدًا وَلَمْ أَدْعُ لَكَ شَرِيكًا،
چیز نزد تو اطاعت کردم، برایت فرزندی نگرفتم و برای تو شریک نخوانده‌ام،

وَ قَدْ عَصَيْتُكَ فِي أَشْيَاءَ كَثِيرَةٍ عَلَىٰ غَيْرِ وَجْهِ الْمُكَابَرَةِ لَكَ،
و به تحقیق در بسیاری از چیزها نافرمانی تو کردم نه از روی مخالفت،

وَ لَا الْخُرُوجِ عَنْ (مِنْ) عُبُودِيَّتِكَ، وَ لَا الْجُحُودِ لِرُبُوبِيَّتِكَ،
و نه خروج از بندگی تو، و نه از باب انکار ربوبیّت تو،

وَ لٰكِنِ اتَّبَعْتُ هَوَايَ وَ أَزَلَّنِي الشَّيْطَانُ بَعْدَ الْحُجَّةِ عَلَيَّ
و لکن پیروی از هوای نفس نمودم و بعد از حجت و بیان شیطان

وَ الْبَيَانِ، فَإِنْ تُعَذِّبْنِي فَبِذُنُوبِي غَيْرَ ظَالِمٍ لِي، وَإِنْ تَعْفُ عَنِّي
مرا لغزاند، پس اگر عذابم نمایی به کیفر گناهان من است و تو ستمکار نیستی، و اگر عفو

وَ تَرْحَمْنِي فَبِجُودِكَ وَ كَرَمِكَ يَا كَرِيمُ، اَللّٰهُمَّ إِنَّ ذُنُوبِي
و رحم کنی اثر جود و کرم توست ای کریم، خدایا گناهان من

لَمْ يَبْقَ لَها إِلَّا رَجاءُ عَفْوِكَ، وَ قَدْ قَدَّمْتُ آلَةَ الْحِرْمانِ فَأَنَا
جز امید به گذشت تو علاجی ندارند، من ابزار محرومیت را فراهم کردم

أَسْئَلُكَ اَللّٰهُمَّ ما لا أَسْتَوْجِبُهُ وَ أَطْلُبُ مِنْكَ ما لا أَسْتَحِقُّهُ،
خدایا اینک از تو میخواهم آنچه را که سزاوار آن نیستم و می‌جویم از تو آنچه که لایق آن نیستم،

اَللّٰهُمَّ إِنْ تُعَذِّبْني فَبِذُنُوبي، وَ لَمْ تَظْلِمْني شَيْئًا، وَ إِنْ تَغْفِرْ لي
خدایا اگر کیفر دهی مرا به گناهان خودم است و به هیچ وجه ستم ننمودی، و اگر بیامرزی مرا

فَخَيْرُ راحِمٍ أَنْتَ يا سَيِّدي، اَللّٰهُمَّ أَنْتَ أَنْتَ وَ أَنَا أَنَا، أَنْتَ
پس بهترین رحم کنندگان تویی ای آقایم، خدایا تو تویی و من منم و تو

اَلْعَوّادُ بِالْمَغْفِرَةِ وَ أَنَا الْعَوّادُ بِالذُّنُوبِ، وَ أَنْتَ الْمُتَفَضِّلُ
بازگشت کننده به آمرزش هستی و من بازگشت کننده به گناه، و تو با بردباری

بِالْحِلْمِ وَ أَنَا الْعَوّادُ بِالْجَهْلِ، اَللّٰهُمَّ فَإِنّي أَسْئَلُكَ يا كَنْزَ الضُّعَفاءِ
تفضّل فرمایی، و من بازگشت به نادانی دارم، خدایا من حقیقاً از تو میخواهم ای گنج ضعیفان

يا عَظيمَ الرَّجاءِ، يا مُنْقِذَ الْغَرْقىٰ، يا مُنْجِيَ الْهَلْكىٰ، يا مُميتَ
ای امید بزرگ، ای نجات دهنده غریقان، ای رهانندهٔ هلاک شدگان، ای میرانندهٔ

الْأَحْياءِ، يا مُحْيِيَ الْمَوْتىٰ، أَنْتَ اللّٰهُ لا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ، أَنْتَ
زنده‌ها، ای زنده کننده مردگان، تویی خدایی که جز تو معبودی نیست، تویی

الَّذي سَجَدَ لَكَ شُعاعُ الشَّمْسِ، وَ دَوِيُّ الْماءِ، وَ حَفيفُ
که نور خورشید به تو سجده کند و خروش آب و وزش برگ

الشَّجَرِ، وَ نُورُ الْقَمَرِ، وَ ظُلْمَةُ اللَّيْلِ، وَضَوْءُ النَّهارِ وَ خَفَقانُ
درخت و پرتو درخشان ماه و تاریکی شب و روشنی روز و پر زدن

اَلطَّيْرِ، فَأَسْئَلُكَ اللّٰهُمَّ يٰا عَظيمُ بِحَقِّكَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ اٰلِهِ

پرنده به تو سجده می‌کنند، پس از تو میخواهم ای خدای بزرگوار به حق خودت بر محمد و خاندان

اَلصّٰادِقينَ، وَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ اٰلِهِ اَلصّٰادِقينَ عَلَيْكَ، وَ بِحَقِّكَ

راستگوی او و به حق محمد و خاندان راستگوی او بر تو و به حق تو

عَلىٰ عَلِيٍّ، وَ بِحَقِّ عَلِيٍّ عَلَيْكَ، وَ بِحَقِّكَ عَلىٰ فٰاطِمَةَ،

بر علی و به حق علی بر تو و به حق تو بر فاطمه

وَ بِحَقِّ فٰاطِمَةَ عَلَيْكَ، وَ بِحَقِّكَ عَلَى الْحَسَنِ، وَ بِحَقِّ

و به حق فاطمه بر تو و به حق تو بر حسن و به حق

اَلْحَسَنِ عَلَيْكَ، وَ بِحَقِّكَ عَلَى الْحُسَيْنِ، وَ بِحَقِّ الْحُسَيْنِ

حسن بر تو و به حق تو بر حسین و به حق حسین

عَلَيْكَ، فَإِنَّ حُقُوقَهُمْ عَلَيْكَ مِنْ أَفْضَلِ إِنْعٰامِكَ عَلَيْهِمْ،

بر تو، زیرا که حقوق آنان بر تو از بهترین نعمتهای تو بر آنان است،

وَ بِالشَّأْنِ الَّذي لَكَ عِنْدَهُمْ، وَ بِالشَّأْنِ الَّذي لَهُمْ عِنْدَكَ،

و به حق آن مقامی که برای توست نزد آنان و به حق شان و مقامی که آنها نزد تو دارند.

صَلِّ عَلَيْهِمْ يٰا رَبِّ صَلوٰةً دٰائِمَةً مُنْتَهىٰ رِضٰاكَ، وَ اغْفِرْلي

صلوات فرست بر آنها ای پروردگار صلواتی پیوسته در نهایت خوشنودیت، و به وسیله آنان

بِهِمُ الذُّنُوبَ الَّتي بَيْني وَ بَيْنَكَ، وَ أَرْضِ عَنّي خَلْقَكَ،

گناهانم را که میان من و توست بیامرز، و خلق خودت را از من راضی کن

وَ أَتْمِمْ عَلَيَّ نِعْمَتَكَ كَمٰا أَتْمَمْتَهٰا عَلىٰ اٰبٰائي مِنْ قَبْلُ،

و نعمت خودت را بر من تمام کن چنانچه پیش از این بر پدرانم تمام کردی،

وَ لا تَجْعَلْ لِأَحَدٍ مِنَ الْمَخْلُوقينَ عَلَيَّ فيها امْتِناناً، وَ امْنُنْ
و برای احدی از خلق بر من در آن منّتی قرار مده، و منت گذار

عَلَيَّ كَما مَنَنْتَ عَلىٰ ابائي مِنْ قَبْلُ يا كهيعص، اللّٰهُمَّ كَما
بر من چنانچه بر پدرانم پیش از این منت گذاردی ای کهیعص خدایا همانطور که

صَلَّيْتَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ الِهِ فَاسْتَجِبْ لي دُعائي فيما سَئَلْتُ
صلوات فرستادی بر محمد و خاندان او پس برآورده کن دعای مرا در آنچه که از تو درخواست نمودم

يا كَريمُ يا كَريمُ يا كَريمُ. (پس سجده کن و در سجده بگو:)
ای کریم ای کریم ای کریم.

يا مَنْ يَقْدِرُ عَلىٰ حَوائِجِ السّائِلينَ، وَ يَعْلَمُ ما في ضَميرِ
ای که در بر آوردن نیاز نیازمندان توانائی، و آنچه در نهاد خاموشان است

الصّامِتينَ، يا مَنْ لا يَحْتاجُ إِلَى التَّفْسيرِ، يا مَنْ يَعْلَمُ خائِنَةَ
را می‌دانی، ای که نیازی به تفسیر نداری، ای که خیانت

الْأَعْيُنِ وَ ما تُخْفِي الصُّدُورُ، يا مَنْ أَنْزَلَ الْعَذابَ عَلىٰ قَوْمِ
دیده‌ها و آنچه را در سینه‌ها پنهان است می‌دانی، ای کسی که عذاب را بر قوم

يُونُسَ وَ هُوَ يُريدُ أَنْ يُعَذِّبَهُمْ، فَدَعَوْهُ وَ تَضَرَّعُوا إِلَيْهِ فَكَشَفَ
یونس به درخواست او نازل نمودی اما آنها بدرگاه او دعا و زاری کردند پس

عَنْهُمُ الْعَذابَ وَ مَتَّعَهُمْ إِلىٰ حينٍ، قَدْ تَرىٰ مَكاني وَ تَسْمَعُ
عذاب را از آنها بر طرف ساختی و آنهارا تا مدتی بهره‌مند نمودی، تو مکان مرا می‌بینی و دعای

دُعائي، وَ تَعْلَمُ سِرّي وَ عَلانِيَتي وَ حالي، صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ
مرا می‌شنوی، نهان و آشکار و حالم را می‌دانی، صلوات فرست بر محمد

وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ اكْفِني ما أَهَمَّني مِنْ أَمْرِ ديني وَ دُنْيايَ وَ آخِرَتي.
و خاندان محمد و کفایت نما آنچه را برایم مهم است از امور دین و دنیا و آخرتم.

(پس هفتادمرتبه بگو:) يا سَيِّدي (آن گاه سراز سجده بردار و بگو:)
ای سرورم

يا رَبِّ أَسْئَلُكَ بَرَكَةَ هٰذَا الْمَوْضِعِ وَ بَرَكَةَ أَهْلِهِ وَ أَسْئَلُكَ أَنْ
ای پروردگارا از تو برکت این موضع و برکت اهل آن را مسئلت دارم و درخواست می‌نمایم

تَرْزُقَني مِنْ رِزْقِكَ رِزْقاً حَلالاً طَيِّباً تَسُوقُهُ إِلَيَّ بِحَوْلِكَ
که روزیم دهی روزی حلال و پاک را به سوی من سوق دهی با نیرو

وَ قُوَّتِكَ وَ أَنَا خائِضٌ في عافِيَةٍ يا أَرْحَمَ الرّاحِمينَ.
و قدرت خودت و من فرو رفته‌ام در آسایش و عافیت ای مهربانترین مهربانان

اعمال ستون پنجم

این جا از بهترین مکانهای مسجدکوفه برای دعا و نماز خواندن است، و حضرت ابراهیم خلیل و جبرئیل امین و امام حسن مجتبی علیه السلام در آن نماز خوانده‌اند. پس دو رکعت نماز بجای آور و بعد از تسبیح حضرت زهرا علیها السلام بگو:

اَللّٰهُمَّ إِنّي أَسْئَلُكَ بِجَميعِ أَسْمائِكَ كُلِّها ما عَلِمْنا مِنْها وَما
خدایا تو را قسم می‌دهم، به تمام اسماء تو آن اسم که می‌دانم و آن

لا نَعْلَمُ وَ بِاسْمِكَ الْعَظيمِ الْأَعْظَمِ الْكَبيرِ الْأَكْبَرِ الَّذي مَنْ
اسم که نمی‌دانم و درخواست می‌نمایم به‌اسم اعظم باعظمت تو و بزرگترین نام بزرگت آن نامی که

دَعاكَ بِهِ أَجَبْتَهُ، وَ مَنْ سَئَلَكَ بِهِ أَعْطَيْتَهُ، وَ مَنِ اسْتَنْصَرَكَ بِهِ
هرکه تو را به‌آن خواند مستجاب کردی و هر که بدان درخواست کرد عطایش کردی،و هرکه از تو یاری خواست بدان

نَصَرْتَهُ، وَ مَنِ ٱسْتَغْفَرَکَ بِهِ غَفَرْتَ لَهُ، وَ مَنِ ٱسْتَعٰانَکَ بِهِ

یاریش کردی و هرکه طلب آمرزش کرد بدان او را آمرزیدی و هرکه بدان اسم از تو کمک خواست

أَعَنْتَهُ وَ مَنِ ٱسْتَرْزَقَکَ بِهِ رَزَقْتَهُ، وَ مَنِ ٱسْتَغٰاثَکَ بِهِ أَغَثْتَهُ،

کمکش نمودی و هرکه طلب روزی‌کرد روزیش‌دادی،و هر که‌از تو استغاثه‌کرد به فریادش رسیدی

وَ مَنِ ٱسْتَرْحَمَکَ بِهِ رَحِمْتَهُ، وَ مَنِ ٱسْتَجٰارَکَ بِهِ أَجَرْتَهُ،

و هر که رحمت طلبید به او ترحم کردی، و هر که به آن نام درخواست پناه کرد پناهش دادی،

وَ مَنْ تَوَکَّلَ عَلَیْکَ بِهِ کَفَیْتَهُ، وَ مَنِ ٱسْتَعْصَمَکَ بِهِ عَصَمْتَهُ،

و هر که توکل کرد بر تو به آن نام کفایتش نمودی، و هر که عصمت از گناه طلب کرد نگاهش داشتی،

وَ مَنِ ٱسْتَنْقَذَکَ بِهِ مِنَ ٱلنّٰارِ أَنْقَذْتَهُ، وَ مَنِ ٱسْتَعْطَفَکَ بِهِ

و هرکه نجات و رهایی طلبید از آتش نجاتش دادی، و هر که درخواست عطوفت و مهربانی کرد

تَعَطَّفْتَ لَهُ، وَ مَنْ أَمَّلَکَ بِهِ أَعْطَیْتَهُ، ٱلَّذِی ٱتَّخَذْتَ بِهِ آدَمَ

به او توجه کردی، و هرکه به آن نام به توامیدوار شد عطایش نمودی، همان نامی که به واسطه آن نام آدم

صَفِیًّا، وَنُوحًا نَبِیًّا، وَ إِبْرٰاهِیمَ خَلِیلاً، وَ مُوسیٰ کَلِیمًا، وَ عِیسیٰ

رابرگزیده خود و نوح را نبیّ خود و ابراهیم را دوست و موسی را هم‌سخن و عیسیٰ

رُوحًا، وَ مُحَمَّدًا حَبِیبًا، وَ عَلِیًّا وَصِیًّا، صَلَّی ٱللّٰهُ عَلَیْهِمْ أَجْمَعِینَ،

را روح و محمّد را حبیب و علی را وصی خود قرار دادی، صلوات خدا بر همه آنان،

أَنْ تَقْضِیَ لِی حَوٰائِجِی، وَ تَعْفُوَ عَمّٰا سَلَفَ مِنْ ذُنُوبِی،

اینک خواسته‌هایم را برآورده ساز و از گناهانم بگذر

وَ تَتَفَضَّلَ عَلَیَّ بِمٰا أَنْتَ أَهْلُهُ، وَلِجَمِیعِ ٱلْمُؤْمِنِینَ وَٱلْمُؤْمِنٰاتِ

و تفضل کن بر من به آنچه سزاوار آنی و بر همه مومنان و مومنات

لِلدُّنْيا وَ الْآخِرَةِ، يا مُفَرِّجَ هَمِّ الْمَهْمُومِينَ، وَ يا غِياثَ الْمَلْهُوفِينَ،

در دنیا و آخرت، ای گشایندهٔ غم دیدگان، و ای دادرس درماندگان،

لا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحانَكَ يا رَبَّ الْعالَمِينَ.

جز تو معبودی نیست منزهی تو ای پروردگار جهانیان.

اعمال ستون سوم، مقام امام زین العابدین علیه السلام

سپس به سوی دکه امام زین العابدین علیه السلام، نزد ستون سوم که متصل به باب کنده است برو و دو رکعت نماز بخوان و بعد از سلام نماز و تسبیحات بگو:

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ اَللّٰهُمَّ إِنَّ ذُنُوبِي قَدْ كَثُرَتْ وَلَمْ يَبْقَ

بنام خداوند بخشندهٔ مهربان ای خدا گناهانم بسیار است و جز امید عفو

لَها إِلَّا رَجاءُ عَفْوِكَ، وَ قَدْ قَدَّمْتُ آلَةَ الْحِرْمانِ إِلَيْكَ، فَأَنَا

و بخشش تو، نمانده‌است و سبب محرومیت خود را پیشاپیش نزد تو فرستادم، پس من

أَسْئَلُكَ اللّٰهُمَّ ما لا أَسْتَوْجِبُهُ، وَ أَطْلُبُ مِنْكَ ما لا أَسْتَحِقُّهُ،

اکنون از تو می‌خواهم ای خدا آنچه را که سزاوار آن نیستم و از تو می‌طلبم آنچه که استحقاق ندارم،

اَللّٰهُمَّ إِنْ تُعَذِّبْنِي فَبِذُنُوبِي، وَ لَمْ تَظْلِمْنِي شَيْئاً، وَ إِنْ تَغْفِرْلِي

خدایا اگر مرا عذاب کنی پس به گناهان من است و تو بر من ستم نکردی و اگر مرا بیامرزی

فَخَيْرُ راحِمٍ أَنْتَ يا سَيِّدِي، اَللّٰهُمَّ أَنْتَ أَنْتَ وَ أَنَا أَنَا، أَنْتَ

تو بهترین رحم‌کننده‌ای، ای آقای من، خدایا تو تو هستی من من هستم تو

الْعَوّادُ بِالْمَغْفِرَةِ وَ أَنَا الْعَوّادُ بِالذُّنُوبِ، وَ أَنْتَ الْمُتَفَضِّلُ

بازگشت به آمرزش داری و من بازگشت به گناه و تو با بردباری

بِالْحِلْمِ وَ أَنَا الْعَوّادُ بِالْجَهْلِ، اَللّٰهُمَّ فَإِنّي أَسْئَلُكَ يا كَنْزَ

تفضل دارى و من بازگشت به نادانی، خدایا من از تو مسئلت دارم ای گنج

الضُّعَفاءِ، يا عَظيمَ الرَّجاءِ، يا مُنْقِذَ الْغَرْقىٰ، يا مُنْجِيَ الْهَلْكىٰ،

ضعیفان ای که امیدواری به تو زیاد است، ای نجات‌بخش غریقان، ای نجات‌دهنده هلاک شوندگان،

يا مُميتَ الْأَحْياءِ، يا مُحْيِيَ الْمَوْتىٰ أَنْتَ اللّٰهُ الَّذي لا إِلٰهَ إِلّا

ای میرانندهٔ زندگان، ای زنده‌کننده مردگان تو خدائی هستی که معبودی جز

أَنْتَ، أَنْتَ الَّذي سَجَدَ لَكَ شُعاعُ الشَّمْسِ، وَ نُورُ الْقَمَرِ،

تو نیست، تویی که سجده کند برایت تابش خورشید و نور ماه

وَ ظُلْمَةُ اللَّيْلِ، وَ ضَوْءُ النَّهارِ، وَ خَفَقانُ الطَّيْرِ، فَأَسْئَلُكَ

و تاریکی شب و روشنایی روز و پرواز پرندگان، من از تو خواهم

اَللّٰهُمَّ يا عَظيمُ بِحَقِّكَ يا كَريمُ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الصّادِقينَ،

ای خدای بزرگ به حق تو ای کریم بر محمد و خاندان راستگویش

وَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الصّادِقينَ عَلَيْكَ، وَ بِحَقِّكَ عَلىٰ عَلِيٍّ

و به حق محمد و خاندان راستگوی او بر تو و به حق تو بر علی

وَ بِحَقِّ عَلِيٍّ عَلَيْكَ، وَ بِحَقِّكَ عَلىٰ فاطِمَةَ وَ بِحَقِّ فاطِمَةَ

و به حق علی بر تو و به حق تو بر فاطمه و به حق فاطمه

عَلَيْكَ، وَ بِحَقِّكَ عَلَى الْحَسَنِ وَ بِحَقِّ الْحَسَنِ عَلَيْكَ

بر تو و به حق تو بر حسن و به حق حسن بر تو

وَ بِحَقِّكَ عَلَى الْحُسَيْنِ وَ بِحَقِّ الْحُسَيْنِ عَلَيْكَ، فَإِنَّ

و به حق تو بر حسین و به حق حسین بر تو، زیرا

حُقُوقَهُمْ مِنْ أَفْضَلِ إِنْعامِکَ عَلَیْهِمْ، وَ بِالشَّأْنِ ٱلَّذي لَکَ
حقوق آنان بر تو از بهترین نعمت‌های توست بر آنان و به حق شأن و منزلتی که

عِنْدَهُمْ وَ بِالشَّأْنِ ٱلَّذي لَهُمْ عِنْدَکَ، صَلِّ یا رَبِّ عَلَیْهِمْ
نزد آنان داری و به مقامی که آنها نزد تو دارند صلوات فرست ای پروردگار بر آنها

صَلٰوةً دائِمَةً مُنْتَهیٰ رِضاکَ وَ ٱغْفِرْلي بِهِمُ ٱلذُّنُوبَ ٱلَّتي
صلوات همیشگی و دائم تا نهایت رضای تو و به واسطهٔ آنها گناهانم را که

بَیْني وَ بَیْنَکَ، وَ أَتْمِمْ نِعْمَتَکَ عَلَيَّ کَما أَتْمَمْتَها عَلیٰ
میان من و توست بیامرز، و تمام کن نعمت خود رابر من چنانچه تمام کردی بر

اٰبائي مِنْ قَبْلُ، یاکٓهیٰعٓصٓ، اَللّٰهُمَّ کَما صَلَّیْتَ عَلیٰ مُحَمَّدٍ
پدرانم قبل از این، ای کهیعص، خدایا همان طور که صلوات فرستادی بر محمد

وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ فَاسْتَجِبْ لي دُعائي فیما سَئَلْتُکَ.
و آل محمد پس دعای مرا به اجابت رسان در آنچه که از تو خواستم.

(به سجده برو و طرف راست صورت خود را روی زمین بگذار و بگو:)

یا سَیِّدي یا سَیِّدي یا سَیِّدي صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ
ای آقای من ای آقای من ای آقای من صلوات فرست بر محمد و خاندان او

وَٱغْفِرْلي وَاغْفِرْلي
و بیامرز مرا.....

(و این کلمه را با خشوع و گریه بسیار تکرار کن. پس طرف چپ صورت را روی زمین بگذار و این کلمات را تکرار کن و دعا کن آنچه که می‌خواهی).

اعمال باب الفرج، مقام نوح ﷺ

سپس در دکة امیرالمومنین ﷺ که متصل است به دری که از مسجد به طرف خانهٔ آن حضرت باز می شود، چهار رکعت نماز بخوان و بعد از نماز و تسبیحات بگو:

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ وَ اقْضِ حٰاجَتي يٰا اَللّٰهُ،

ای خدا صلوات فرست بر محمد و آل محمد و حاجتم را بر آور ای خدا،

يٰا مَنْ لاٰ يَخيبُ سٰائِلُهُ، وَ لاٰ يَنْفَدُ نٰائِلُهُ، يٰا قٰاضِيَ الْحٰاجٰاتِ،

ای که سائلش نا امید نمی‌شود و عطایش پایان ندارد، ای بر آورنده حاجتها،

يٰا مُجيبَ الدَّعَوٰاتِ، يٰا رَبَّ الْأَرَضينَ وَالسَّمٰوٰاتِ، يٰا كٰاشِفَ

ای مستجاب کننده دعاها، ای پروردگار زمینها و آسمان‌ها، ای بر طرف کننده

الْكُرُبٰاتِ، يٰا وٰاسِعَ الْعَطِيّٰاتِ، يٰا دٰافِعَ النَّقِمٰاتِ، يٰا مُبَدِّلَ

گرفتاری‌ها، ای وسعت دهندهٔ عطاها، ای دفع کنندهٔ بلاها، ای تبدیل کنندهٔ

السَّيِّئٰاتِ حَسَنٰاتٍ، عُدْ عَلَيَّ بِطَوْلِكَ وَ فَضْلِكَ وَ إِحْسٰانِكَ،

گناهان و زشتیها به نیکوئی‌ها، بازگردان به من به جود و فضل و احسانت

وَ اسْتَجِبْ دُعٰائي فيمٰا سَئَلْتُكَ وَ طَلَبْتُ مِنْكَ، بِحَقِّ نَبِيِّكَ

و مستجاب کن دعایم را در آنچه از حضرتت مسئلت کردم و از تو خواهم به حق پیغمبرت

وَ وَصِيِّكَ وَ أَوْلِيٰائِكَ الصّٰالِحينَ.

و وصی تو و اولیا و دوستانت که شایسته‌اند.

اعمال محراب امیرالمومنین(ع)

در محلی که امیرالمومنین علیه السلام را ضربت زدند دو رکعت نماز در هر رکعت حمد و سوره بخوان. بعد از سلام نماز و تسبیح حضرت زهرا علیها السلام بگو:

يٰا مَنْ أَظْهَرَ ٱلْجَمِيلَ وَ سَتَرَ ٱلْقَبِيحَ، يٰا مَنْ لَمْ يُؤٰاخِذْ بِالْجَرِيرَةِ

ای کسی که نیکو را آشکار می‌کنی و زشتی‌را می‌پوشانی، ای کسی که به جرم مؤخذه‌نکنی

وَ لَمْ يَهْتِكِ ٱلسِّتْرَ وَ ٱلسَّرِيرَةَ، يٰا عَظِيمَ ٱلْعَفْوِ، يٰا حَسَنَ

و پرده آبرو و باطن را نمی‌دری، ای صاحب بخشش بزرگ و گذشت

ٱلتَّجٰاوُزِ، يٰا وٰاسِعَ ٱلْمَغْفِرَةِ يٰا بٰاسِطَ ٱلْيَدَيْنِ بِالرَّحْمَةِ،

نیکو و آمرزش وسیع، ای دست گشوده برحمت،

يٰا صٰاحِبَ كُلِّ نَجْوىٰ، يٰا مُنْتَهىٰ كُلِّ شَكْوىٰ، يٰا كَرِيمَ

ای همراه هر گفتگوی پنهانی، ای نهایت هر شکایت، ای که گذشت تو

ٱلصَّفْحِ، يٰا عَظِيمَ ٱلرَّجٰاءِ، يٰا سَيِّدِي صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ،

با کرامت است، ای که امید بزرگ به تو است، ای آقایم صلوات فرست برمحمد و خاندان محمد

وَ ٱفْعَلْ بِي مٰا أَنْتَ أَهْلُهُ يٰا كَرِيمُ.

و آنچه شایسته تو است با من انجام ده ای کریم.

مناجات حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام

اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْئَلُكَ ٱلْأَمٰانَ يَوْمَ لاٰ يَنْفَعُ مٰالٌ وَ لاٰ بَنُونَ إِلاّٰ مَنْ

خدایا از تو امان می‌خواهم در روزی که مال و فرزند سود ندارد مگر کسی

أَتَى ٱللّٰهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ، وَ أَسْئَلُكَ ٱلْأَمٰانَ يَوْمَ يَعَضُّ ٱلظّٰالِمُ

که نزد خدا دل پاک بیاورد، و از تو امان می‌خواهم روزی که ستمکار

عَلىٰ یَدَیْهِ یَقُولُ یا لَیْتَنِی ٱتَّخَذْتُ مَعَ ٱلرَّسُولِ سَبِیلاً،
پشت دست خود را بگزد و گوید ای کاش با حضرت رسول همراهی می‌کردم

وَ أَسْئَلُکَ ٱلْأَمانَ یَوْمَ یُعْرَفُ ٱلْمُجْرِمُونَ بِسِیماهُمْ فَیُؤْخَذُ
و از تو امان می‌خواهم روزی که مجرمین به‌رخساره خود شناخته شوند و آنها را از ناحیهٔ

بِالنَّواصِی وَ ٱلْأَقْدامِ، وَ أَسْئَلُکَ ٱلْأَمانَ یَوْمَ لا یَجْزِی والِدٌ
موی سر و پاها می‌گیرند، و از تو امان می‌خواهم روزی که برای چیزی پدری

عَنْ وَلَدِهِ وَ لا مَوْلُودٌ هُوَ جازٍ عَنْ والِدِهِ شَیْئاً إِنَّ وَعْدَ اللّٰهِ
از فرزندش کیفر نبیند و فرزندی به جای پدر جزا نبیند، همانا وعده خدا

حَقٌّ، وَ اَسْئَلُکَ الْأَمانَ یَوْمَ لا یَنْفَعُ ٱلظّالِمِینَ مَعْذِرَتُهُمْ وَ لَهُمُ
حق است، و از تو امان خواهم روزی که به ستمکاران پوزش آنها سود ندهد

ٱللَّعْنَةُ وَ لَهُمْ سُوءُ ٱلدّارِ، وَ أَسْئَلُکَ ٱلْأَمانَ یَوْمَ لا تَمْلِکُ
و لعنت بر آنان است و جایگاه بدی دارند، و از تو امان خواهم در روزی که هیچ کس

نَفْسٌ لِنَفْسٍ شَیْئًا وَٱلْأَمْرُ یَوْمَئِذٍ لِلّٰهِ، وَ أَسْئَلُکَ ٱلْأَمانَ یَوْمَ یَفِرُّ
برکس دیگر قدرتی ندارد و همه چیز بدست خداست، و از تو امان می‌خواهم روزی که هر کس

ٱلْمَرْءُ مِنْ أَخِیهِ وَ أُمِّهِ وَ أَبِیهِ وَ صاحِبَتِهِ وَ بَنِیهِ لِکُلِّ ٱمْرِیءٍ
از برادر و مادر و پدر و همسر و فرزندانش فرار می‌کند هرکس در آنروز

مِنْهُمْ یَوْمَئِذٍ شَأْنٌ یُغْنِیهِ، وَ أَسْئَلُکَ ٱلْأَمانَ یَوْمَ یَوَدُّ ٱلْمُجْرِمُ
وضع مخصوص به خودش دارد، و از تو درخواست امان می‌کنم روزی که گنه‌کار دوست دارد

لَوْ یَفْتَدِی مِنْ عَذابِ یَوْمِئِذٍ بِبَنِیهِ وَ صاحِبَتِهِ وَ أَخِیهِ وَ فَصِیلَتِهِ
ای کاش عوض می‌داد از عذاب آنروز فرزندان و همسر و برادر و خویشان او که

اَلَّتِي تُؤْوِيهِ وَ مَنْ فِي ٱلْأَرْضِ جَمِيعًا ثُمَّ يُنْجِيهِ، كَلاَّ إِنَّهَا

وی را پناه می‌دادندو همهٔ اهل زمین را تا نجات می‌یافت، نه هرگز!!

لَظَى نَزَّاعَةً لِلشَّوىٰ، مَوْلاَيَ يٰا مَوْلاٰيَ أَنْتَ ٱلْمَوْلىٰ وَ أَنَا

آتش دوزخ شعله‌ور است و می‌بلعد، مولای من ای مولای من تویی مولا و منم

ٱلْعَبْدُ وَ هَلْ يَرْحَمُ ٱلْعَبْدَ إِلَّا ٱلْمَوْلىٰ، مَوْلاٰيَ يٰا مَوْلاٰيَ أَنْتَ

بنده و جز مولی چه کسی به بنده رحم می‌کند؟ مولای من ای مولای من تویی

ٱلْمٰالِكُ وَ أَنَا ٱلْمَمْلُوكُ وَ هَلْ يَرْحَمُ ٱلْمَمْلُوكَ إِلَّا ٱلْمٰالِكُ،

مالک و منم مملوک و جز مالک چه کسی به مملوک رحم می‌کند؟

مَوْلاٰيَ يٰا مَوْلاٰيَ أَنْتَ ٱلْعَزِيزُ وَ أَنَا ٱلذَّلِيلُ وَ هَلْ يَرْحَمُ

مولای من ای مولای من تویی عزیز و منم ذلیل و جز عزیز

ٱلذَّلِيلَ إِلَّا ٱلْعَزِيزُ، مَوْلاٰيَ يٰا مَوْلاٰيَ أَنْتَ ٱلْخٰالِقُ وَ أَنَا

چه کسی به ذلیل رحم می‌کند؟ مولای من ای مولای من تویی آفریننده و منم

ٱلْمَخْلُوقُ وَ هَلْ يَرْحَمُ ٱلْمَخْلُوقَ إِلَّا ٱلْخٰالِقُ، مَوْلاٰيَ يٰا مَوْلاٰيَ

آفریده شده و جز آفریننده چه کسی به مخلوق رحم می‌کند؟ مولای من ای مولای من

أَنْتَ ٱلْعَظِيمُ وَ أَنَا ٱلْحَقِيرُ وَ هَلْ يَرْحَمُ ٱلْحَقِيرَ إِلَّا ٱلْعَظِيمُ،

تویی با عظمت و منم پست و جز عظیم چه کسی به حقیر رحم می‌کند؟

مَوْلاٰيَ يٰا مَوْلاٰيَ أَنْتَ ٱلْقَوِيُّ وَ أَنَا ٱلضَّعِيفُ وَ هَلْ يَرْحَمُ

مولای من ای مولای من تویی توانا و منم ناتوان و جز قوی چه کسی به

ٱلضَّعِيفَ إِلَّا ٱلْقَوِيُّ، مَوْلاٰيَ يٰا مَوْلاٰيَ أَنْتَ ٱلْغَنِيُّ وَ أَنَا ٱلْفَقِيرُ

ضعیف رحم می‌کند؟ مولای من ای مولای من تویی بی‌نیاز و منم محتاج

وَ هَلْ يَرْحَمُ ٱلْفَقيرَ إِلَّا ٱلْغَنِيُّ، مَوْلٰايَ يا مَوْلٰايَ أَنْتَ ٱلْمُعْطي

و جز بی نیاز چه کسی به محتاج رحم می‌کند؟ مولای من ای مولای من تویی عطابخش[۲]

وَ أَنَا ٱلسّٰائِلُ وَ هَلْ يَرْحَمُ ٱلسّٰائِلَ إِلَّا ٱلْمُعْطِيُّ، مَوْلٰايَ

و منم سائل و جز بخشنده و چه کسی به سائل رحم می‌کند؟ مولای من

يا مَوْلٰايَ أَنْتَ ٱلْحَيُّ وَ أَنَا ٱلْمَيِّتُ وَ هَلْ يَرْحَمُ ٱلْمَيِّتَ إِلَّا

ای مولای من تویی زنده و منم مرده و جز زنده چه کسی به مرده

ٱلْحَيُّ، مَوْلٰايَ يا مَوْلٰايَ أَنْتَ ٱلْباقي وَ أَنَا ٱلْفاني وَ هَلْ يَرْحَمُ

رحم می‌کند؟ مولای من ای مولای من تویی برجا[۲] و منم نابود[۲] شده و جز باقی

ٱلْفانِيَ إِلَّا ٱلْباقِيُ، مَوْلٰايَ يا مَوْلٰايَ أَنْتَ ٱلدّٰائِمُ وَ أَنَا ٱلزّٰائِلُ

چه کسی بر فانی رحم می‌کند؟ مولای من ای مولای من تویی ابدی و منم گذرا

وَ هَلْ يَرْحَمُ ٱلزّٰائِلَ إِلَّا ٱلدّٰائِمُ، مَوْلٰايَ يا مَوْلٰايَ أَنْتَ ٱلرّٰازِقُ

و جز ابدی چه کسی به گذرا رحم می‌کند؟ مولای من ای مولای من تویی روزی دهنده

وَ أَنَا ٱلْمَرْزُوقُ هَلْ يَرْحَمُ ٱلْمَرْزُوقَ إِلَّا ٱلرّٰازِقُ، مَوْلٰايَ

و منم روزی خوار و جز روزی دهنده چه کسی به روزی خوار رحم می‌کند؟ مولای من

يا مَوْلٰايَ أَنْتَ ٱلْجَوٰادُ وَ أَنَا ٱلْبَخيلُ وَ هَلْ يَرْحَمُ ٱلْبَخيلَ إِلَّا

ای مولای من تویی بخشنده ومنم بخیل و جز بخشنده چه کسی به بخیل

ٱلْجَوٰادُ، مَوْلٰايَ يا مَوْلٰايَ أَنْتَ ٱلْمُعافي وَ أَنَا ٱلْمُبْتَلىٰ وَ هَلْ

رحم می‌کند؟ مولای من ای مولای من تویی عافیت بخش[۲] و منم گرفتار بلا و جز بخشنده

يَرْحَمُ ٱلْمُبْتَلىٰ إِلَّا ٱلْمُعافي، مَوْلٰايَ يا مَوْلٰايَ أَنْتَ ٱلْكَبيرُ

چه کسی به گرفتار رحم می‌کند؟[۲] مولای من ای مولای من تویی بزرگ

وَ أَنَا ٱلصَّغيرُ وَ هَلْ يَرْحَمُ ٱلصَّغيرَ إِلَّا ٱلْكَبيرُ، مَوْلايَ

و منم کوچک و جز بزرگ چه کسی به کوچک رحم می‌کند؟ مولای من

يا مَوْلايَ أَنْتَ ٱلْهادي وَ أَنَا ٱلضّالُّ وَ هَلْ يَرْحَمُ ٱلضّالَّ إِلَّا

ای مولای من تویی هدایتگر و منم گمراه و جز هدایتگر چه کسی به گمراه

ٱلْهادي، مَوْلايَ يا مَوْلايَ أَنْتَ ٱلرَّحْمٰنُ وَ أَنَا ٱلْمَرْحُومُ

رحم می‌کند؟ مولای من ای مولای من تو بخشاینده‌ای و منم قابل ترحم

وَ هَلْ يَرْحَمُ ٱلْمَرْحُومَ إِلَّا ٱلرَّحْمٰنُ، مَوْلايَ يا مَوْلايَ أَنْتَ

و جز بخشاینده چه کسی به مرحوم رحم می‌کند؟ مولای من ای مولای من تویی

ٱلسُّلْطانُ وَ أَنَا ٱلْمُمْتَحَنُ وَ هَلْ يَرْحَمُ ٱلْمُمْتَحَنَ إِلَّا ٱلسُّلْطانُ،

سلطان ملک وجود و منم بنده مورد امتحان و جز سلطان چه کسی به رعیت رحم می‌کند؟

مَوْلايَ يا مَوْلايَ أَنْتَ ٱلدَّليلُ وَ أَنَا ٱلْمُتَحَيِّرُ وَ هَلْ يَرْحَمُ

مولای من ای مولای من تویی راهنما و منم سرگردان و جز راهنما چه کسی

ٱلْمُتَحَيِّرَ إِلَّا ٱلدَّليلُ، مَوْلايَ يا مَوْلايَ أَنْتَ ٱلْغَفُورُ وَ أَنَا

به سرگردان رحم می‌کند؟ مولای من ای مولای من تویی آمرزنده و منم

ٱلْمُذْنِبُ وَ هَلْ يَرْحَمُ ٱلْمُذْنِبَ إِلَّا ٱلْغَفُورُ، مَوْلايَ يا مَوْلايَ

گنه‌کار و جز آمرزنده چه کسی به گنه‌کار رحم می‌کند؟ مولای من ای مولای من

أَنْتَ ٱلْغالِبُ وَ أَنَا ٱلْمَغْلُوبُ وَ هَلْ يَرْحَمُ ٱلْمَغْلُوبَ إِلَّا

تویی غلبه کننده و منم مغلوب و چه کسی جز غالب به مغلوب

ٱلْغالِبُ، مَوْلايَ يا مَوْلايَ أَنْتَ ٱلرَّبُّ وَ أَنَا ٱلْمَرْبُوبُ وَ هَلْ

رحم می‌کند؟ مولای من ای مولای من تویی پروردگار و منم پرورده و جز پروردگار چه

يَرْحَمُ ٱلْمَرْبُوبَ إِلَّا ٱلرَّبُّ، مَوْلاٰيَ يٰا مَوْلاٰيَ أَنْتَ ٱلْمُتَكَبِّرُ
کسی به پرورده رحم می‌کند؟ مولای من ای مولای من تویی بزرگمنش

وَ أَنَا ٱلْخٰاشِعُ وَ هَلْ يَرْحَمُ ٱلْخٰاشِعَ إِلَّا ٱلْمُتَكَبِّرُ، مَوْلاٰيَ
و منم فروتن و جز ذات کبریایی چه کسی به خاشع رحم می‌کند؟ مولای من

يٰا مَوْلاٰيَ اِرْحَمْني بِرَحْمَتِكَ،وَ ٱرْضَ عَنّي بِجُودِكَ وَ كَرَمِكَ
ای مولای من با مهربانی خودت بر من رحم کن و از من به جود و کرم

وَ فَضْلِكَ يٰا ذَاالْجُودِ وَ ٱلْإِحْسٰانِ وَ ٱلطَّوْلِ وَ ٱلْإِمْتِنٰانِ،
و فضل خود خوشنود باش ای صاحب بخشش و احسان وجود و امتنان،

بِرَحْمَتِكَ يٰا أَرْحَمَ ٱلرّٰاحِمينَ.[1]
ای مهربانترین مهربانان به رحمت تو امید وارم.

اعمال دکة حضرت امام صادق علیه السلام

سپس به مقام امام صادق علیه السلام که در نزدیکی مزار مسلم بن عقیل رضوان الله علیه است برو و دو رکعت نماز بخوان و پس از تسبیحات زهرا سلام الله علیها بگو:

يٰا صٰانِعَ كُلِّ مَصْنُوعٍ، وَ يٰا جٰابِرَ كُلِّ كَسيرٍ، وَ يٰا حٰاضِرَ كُلِّ مَلاٰءٍ،
ای سازنده هر ساخته شده، و ای جبران کننده هر شکسته، و ای حاضر همه جمع،

وَ يٰا شٰاهِدَ كُلِّ نَجْوىٰ، وَ يٰا عٰالِمَ كُلِّ خَفِيَّةٍ، وَ يٰا شٰاهِدًا غَيْرَ
و ای شاهد هر راز، و ای دانای هر پنهان، و ای شاهدی که هرگز

غٰائِبٍ، وَ يٰا غٰالِبًا غَيْرَ مَغْلُوبٍ، وَ يٰا قَريبًا غَيْرَ بَعيدٍ، وَ يٰا مُونِسَ
غایب نشود، و ای چیره‌دستی که هرگز مغلوب‌نشود. و ای نزدیکی که دور نشود، وای مونس

۱. بحار الانوار ۹۷/ ۴۱۹ ـ مصباح الزائر ۲۵۱ ـ المزار الكبير ۵۰۱ ـ مزار الشهيد ۷۷.

كُلِّ وَحيدٍ، وَ يا حَيُّ (حَيًّا) حينَ لا حَيَّ غَيْرُهُ، وَ يا مُحْيِيَ
هر تنها، و ای زنده در زمانی که هیچ کس غیر او زنده نیست، و ای زنده کننده

اَلْمَوْتىٰ وَ مُميتَ اَلْأَحْياءِ، اَلْقائِمَ عَلىٰ كُلِّ نَفْسٍ بِما كَسَبَتْ،
مرده‌ها و میراننده زندگان، بر پا کنندهٔ هر نفس با آنچه انجام داده است،

لا اِلٰهَ اِلاّ أَنْتَ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ. (سپس هر چه می‌خواهی بخوان)
جز تو معبودی نیست صلوات فرست بر محمد و خاندان محمد.

زیارت مسلم بن عقیل الشهید رضوان الله علیه

بعد از اعمال مسجد کوفه برای زیارت مسلم بن عقیل نزد قبر او بایست و بگو:

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا اَلْعَبْدُ اَلصّالِحُ اَلْمُطيعُ لِلّٰهِ وَ لِرَسُولِهِ
سلام بر تو ای بنده شایسته و مطیع خدا و رسولش

وَ لِأَميرِالْمُؤْمِنينَ وَ اَلْحَسَنِ وَ اَلْحُسَيْنِ عَلَيْهِمُ اَلسَّلامُ، اَلْحَمْدُ
و امیرمومنان و حسن و حسین علیهم السلام، ستایش

لِلّٰهِ وَ سَلامٌ (سَلامُهُ) عَلىٰ عِبادِهِ اَلَّذينَ اَصْطَفىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ،
از آن خداست و سلام بر بندگان خدا که حضرت محمد و خاندان محمد آنان را بر گزیدند،

وَ اَلسَّلامُ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَةُ اَللّٰهِ وَ بَرَكاتُهُ وَ مَغْفِرَتُهُ وَ عَلىٰ
سلام و رحمت خدا و برکات و آمرزش او بر شما و بر

رُوحِكَ وَبَدَنِكَ،أَشْهَدُ أَنَّكَ مَضَيْتَ عَلىٰ ما مَضىٰ بِهِ (عَلَيْهِ)
روان تو و پیکرت، گواهم به این که تو آن چنان بودی

اَلْبَدْرِيُّونَ اَلْمُجاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اَللّٰهِ اَلْمُبالِغُونَ فِي جِهادِ
که مجاهدان بدر در راه خدا با دشمنان خدا

أَعْدائِهِ وَ نُصْرَةِ أَوْلِيائِهِ، فَجَزاكَ اَللّٰهُ أَفْضَلَ اَلْجَزاءِ وَ اَكْثَرَ
جنگیدند و اولیاء خدا را یاری کردند، پس خدا پاداش دهد بهترین پاداش و بیشترین

اَلْجَزاءِ وَ أَوْفَرَ جَزاءِ أَحَدٍ مِمَّنْ وَفىٰ بِبَيْعَتِهِ، وَ اَسْتَجابَ لَهُ
پاداش کسی که به بیعت وفا کرد، و دعوتش را اجابت

دَعْوَتَهُ،وَأَطاعَ وُلاةَ أَمْرِهِ، أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ بالَغْتَ فِي اَلنَّصِيحَةِ،
کرد، و از ولی امر اطاعت کرد، گواهی میدهم که تو در خیرخواهی کوشیدی،

وَ أَعْطَيْتَ غايَةَ اَلْمَجْهُودِ، حَتّٰى بَعَثَكَ اَللّٰهُ فِي اَلشُّهَداءِ،
نهایت تلاش را کردی، تا خدا ترا از شهیدان برانگیخت،

وَ جَعَلَ رُوحَكَ مَعَ أَرْواحِ اَلسُّعَداءِ وَ أَعْطاكَ مِنْ جِنانِهِ
و روح تو را با ارواح سعادتمندان قرار داد. و به تو از وسیع‌ترین

أَفْسَحَها مَنْزِلاً، وَ أَفْضَلَها غُرَفًا، وَ رَفَعَ ذِكْرَكَ فِي اَلْعِلِّيِّينَ
منزل‌های بهشت، و بهترین غرفه آن را عطا کرد، و یادت را رفیع گرداند

وَ حَشَرَكَ مَعَ اَلنَّبِيِّينَ وَ اَلصِّدِّيقِينَ وَ اَلشُّهَداءِ وَ اَلصّالِحِينَ،
و تو را با پیغمبران و صدیقین و شهیدان و شایستگان محشور کند،

وَ حَسُنَ أُولٰئِكَ رَفِيقًا، أَشْهَدُ أَنَّكَ لَمْ تَهِنْ وَ لَمْ تَنْكُلْ،وَأَنَّكَ
و آنها یاران نیکو و خوبی هستند، گواهم به این که تو سستی نکردی و رو بر نتافتی و حقیقتاً

قَدْ مَضَيْتَ عَلىٰ بَصِيرَةٍ مِنْ أَمْرِكَ مُقْتَدِيًا بِالصّالِحِينَ وَ مُتَّبِعًا
با بصیرت در کار خود از صالحان پیروی نمودی، و از پیغمبران

لِلنَّبِيِّينَ، فَجَمَعَ ٱللّٰهُ بَيْنَنا وَ بَيْنَكَ وَ بَيْنَ رَسُولِهِ وَ أَوْلِيٰائِهِ فِي
تبعیت کردی، پس خدا ما و تو و رسولش و اولیائش را در

مَنٰازِلِ ٱلْمُخْبِتِينَ، فَإِنَّهُ أَرْحَمُ ٱلرّٰاحِمِينَ.
منزلهای دلدادگان جای دهد زیرا او رحیم‌ترین رحم کنندگان است.

(پس دو رکعت نماز زیارت بخوان و ثواب آن را به روح شریف مسلم هدیه کن.)

زیارت هانی بن عروة

نزد قبر هانی بایست و بر رسول خدا و آل او صلوات فرست و بگو:

سَلاٰمُ ٱللّٰهِ ٱلْعَظِيمِ وَ صَلَوٰاتُهُ عَلَيْكَ يٰا هٰانِيَ بْنَ عُرْوَةَ،
سلام خدای با عظمت و صلوات او برتو باد ای هانی فرزند عروه،

اَلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ أَيُّهَا ٱلْعَبْدُ ٱلصّٰالِحُ، ٱلنّٰاصِحُ لِلّٰهِ وَ لِرَسُولِهِ
سلام بر تو ای بنده شایسته که خیر خواه بودی برای رضای خدا و رسول خدا

وَ لِأَمِيرِٱلْمُؤْمِنِينَ وَ ٱلْحَسَنِ وَ ٱلْحُسَيْنِ عَلَيْهِمُ ٱلسَّلاٰمُ،
و امیر المؤمنین و حسن و حسین سلام بر آنان باد،

أَشْهَدُ أَنَّكَ قُتِلْتَ مَظْلُومًا، فَلَعَنَ ٱللّٰهُ مَنْ قَتَلَكَ، وَ ٱسْتَحَلَّ
گواهی میدهم که تو مظلوم کشته شدی، پس خدا لعنت کند آن که تو را کشت، و خون ترا

دَمَكَ، وَ حَشىٰ قُبُورَهُمْ نٰاراً، أَشْهَدُ أَنَّكَ لَقِيتَ ٱللّٰهَ وَ هُوَ
حلال شمرد، و قبرهای آنان را از آتش پرکند، گواهی میدهم که در حالی خدا را ملاقات کردی که

رٰاضٍ عَنْكَ بِمٰا فَعَلْتَ وَ نَصَحْتَ، وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ بَلَغْتَ
از کردار و خیرخواهی تو خشنود بود، و گواهم که تو به

دَرَجَةَ ٱلشُّهَدٰاءِ، وَ جُعِلَ رُوحُكَ مَعَ أَرْوٰاحِ ٱلسُّعَدٰاءِ،
مرتبه شهیدان رسیدی، و روح تو با روح سعادتمندان قرار گرفت،

بِمٰا نَصَحْتَ لِلّٰهِ وَ لِرَسُولِهِ مُجْتَهِداً، وَ بَذَلْتَ نَفْسَكَ فِي ذٰاتِ
برای خیرخواهی و تلاش تو نسبت به خدا و رسولش، و جان خود را در راه

ٱللّٰهِ وَ مَرْضٰاتِهِ، فَرَحِمَكَ ٱللّٰهُ، وَ رَضِيَ عَنْكَ، وَ حَشَرَكَ مَعَ
خدا و برای رضای او دادی، خدا ترا رحمت کند، و از تو راضی باشد، و تو را با

مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ ٱلطّٰاهِرِينَ، وَ جَمَعَنٰا وَ إِيّٰاكُمْ مَعَهُمْ فِي دٰارِ
محمد و خاندان پاکیزه‌اش محشور کند، و او شما را به اتفاق آنان در خانه

ٱلنَّعِيمِ، وَ سَلاٰمٌ عَلَيْكَ وَ رَحْمَةُ ٱللّٰهِ وَبَرَكٰاتُهُ.[1]
نعمت جای دهد، و سلام و رحمت خدا و برکات او بر تو باد.

(سپس دو رکعت نماز بخوان و ثواب آنرا به روح مطهر او هدیه کن).

مسجد سهله

پس از مسجد کوفه، مسجد سهله فضیلت بسیار دارد، خانه حضرت ادریس ﷺ بود که در آن جا خیاطی می کرده و نماز می خوانده است. کسی که در آن جا با نیّت صادقه دعا کند، حاجت روا بر می گردد و در روز قیامت به مقام عالی و درجهٔ حضرت ادریس ﷺ نایل می شود. و از دشواریهای دنیا و آزار دشمنانش در امان خواهد بود.

مسجد سهله همچنین خانه حضرت ابراهیم ﷺ بوده، و تمام پیامبران الهی در آن نماز خوانده‌اند و هیچ مؤمنی نیست مگر اینکه قلبش به آن مسجد تمایل دارد.

---

۱. مصباح الزائر / ۵۴ ـ المزار الکبیر / ۵۳ ـ المزار الشهید / ۸۸.

فرشتگان به آن جا می روند و خدا را عبادت می کنند. حضرت داود ﷺ از آن جا به سوی جالوت حرکت کرد. مسکن حضرت خضر ﷺ آن جاست. آن مسجد مکانی است که خداوند دوست دارد در آن دعا شود و انتظار می رود خداوند در آنجا سیمای ملکوتی حضرت امام عصر ﷺ را به بندگان صالح خود بنمایاند.

اعمال مسجد سهله

برای اعمال مسجد سهله بهتر است که چهار شنبه به آن مسجد بروی و نماز مغرب و نافله مغرب را آنجا بخوانی. سپس دو رکعت نماز تحیت مسجد بجای آور و بعد از نماز دستها را به آسمان بلند کن و بگو:

أَنْتَ ٱللّٰهُ لا إِلٰهَ إِلّا أَنْتَ مُبْدِئُ ٱلْخَلْقِ وَ مُعِيدُهُمْ وَ أَنْتَ ٱللّٰهُ

تو خدا هستی، نیست معبودی جز تو آورنده خلق و برگرداننده آنها و تو خدایی

لا إِلٰهَ إِلّا أَنْتَ خالِقُ ٱلْخَلْقِ وَ رازِقُهُمْ وَ أَنْتَ ٱللّٰهُ لا إِلٰهَ إِلّا

معبودی جز تو نیست آفریننده مردم و روزی دهندهٔ آنها و تو خدایی معبودی جز تو نیست

أَنْتَ ٱلْقابِضُ ٱلْباسِطُ، وَ أَنْتَ ٱللّٰهُ لا إِلٰهَ إِلّا أَنْتَ مُدَبِّرُ

برگیرنده و گشاینده و تو خدایی معبودی جز تو نیست اداره کننده

ٱلْأُمُورِ، وَ باعِثُ مَنْ فِي ٱلْقُبُورِ، أَنْتَ وارِثُ ٱلْأَرْضِ

کارها و زنده کننده هر که در قبرهاست، تویی وارث زمین

وَ مَنْ عَلَيْها، أَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ ٱلْمَخْزُونِ ٱلْمَكْنُونِ ٱلْحَيِّ

و هرکه بر روی آن است، از تو میخواهم بنام مخزون و پوشیده تو که زنده

ٱلْقَيُّومِ، وَ أَنْتَ ٱللّٰهُ لا إِلٰهَ إِلّا أَنْتَ عالِمُ ٱلسِّرِّ وَ أَخْفى،

و پاینده‌ای، و تو خدایی معبودی جز تو نیست دانای پنهان و نهان،

أَسْئَلُکَ بِاسْمِکَ اَلَّذي إِذٰا دُعيتَ بِهِ أَجَبْتَ، وَ إِذٰا سُئِلْتَ بِهِ

از تو میخواهم به آن نامی که چون به آن خوانده شوی پاسخ دهی، و چون بدان درخواست شوی

أَعْطَيْتَ، وَ أَسْئَلُکَ بِحَقِّکَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ وَ بِحَقِّهِمُ

عطا کنی، از تو مسئلت دارم به حق خودت بر محمد و خاندان او و به حق آنها

اَلَّذي أَوْجَبْتَهُ عَلَى نَفْسِکَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ،

که لازم دانسته‌ای بر خود که صلوات فرستی بر محمد و خاندان محمد،

وَ أَنْ تَقْضِيَ لي حٰاجَتِي اَلسّٰاعَةَ اَلسّٰاعَةَ، يٰا سٰامِعَ اَلدُّعٰاءِ،

و اینکه حاجتم را بر آوری هم اکنون و همین ساعت، ای شنونده دعا

يٰا سَيِّدٰاهُ يٰا مَوْلاٰهُ يٰا غِيٰاثٰاهُ، أَسْئَلُکَ بِکُلِّ اسْمٍ سَمَّيْتَ بِهِ

ای سید من ای مولای من ای دادرس من، از تو میخواهم به هر نامیّ که خودت رابه

نَفْسَکَ، أَوِ اسْتَأْثَرْتَ بِهِ في عِلْمِ اَلْغَيْبِ عِنْدَکَ، أَنْ تُصَلِّيَ

آن نامیدی یا آنرا در علم غیب به خود اختصاص دادی، که صلوات فرستی

عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ، وَ أَنْ تُعَجِّلَ فَرَجَنٰا اَلسّٰاعَةَ،

بر محمد و خاندان محمد و هم اکنون در فرج ما تعجیل فرمایی،

يٰا مُقَلِّبَ اَلْقُلُوبِ وَ اَلْأَبْصٰارِ، يٰا سَميعَ اَلدُّعٰاءِ.

ای دگرگون کننده قلبها و دیده‌ها ای شنونده دعاء.

(پس سجده کن و با خشوع هر چه می خواهی دعا کن.)

سپس به زاویهٔ شمال برو، آن جا خانه‌ی حضرت ابراهیم خلیل ﷺ است و از آن جابه جنگ عمالقه رفت. دو رکعت نماز بخوان. بعد از سلام و تسبیح حضرت زهرا سلام الله علیها بگو:

اَللّٰهُمَّ بِحَقِّ هٰذِهِ الْبُقْعَةِ الشَّرِيفَةِ وَ بِحَقِّ مَنْ تَعَبَّدَ لَكَ فِيهٰا،

خدایا به حق این بقعه و مسجد شریف و به حق هر که ترا در آن عبادت می‌کند،

قَدْ عَلِمْتَ حَوٰائِجِي،فَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اقْضِهٰا،

خواسته مرا می‌دانی، صلوات فرست بر محمد و خاندان محمد و بر آور آنها را،

وَ قَدْ أَحْصَيْتَ ذُنُوبِي فَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ

و تو شمار گناهان مرا میدانی پس صلوات فرست بر محمد و آل محمد

وَ اغْفِرْهٰا، اَللّٰهُمَّ أَحْيِنِي مٰا كٰانَتِ الْحَيٰوةُ خَيْراً لِي، وَ أَمِتْنِي

و بیامرز آنها را، خدایا زنده‌ام دار تا وقتی که زندگی برایم خیر باشد، و بمیران مرا

إِذٰا كٰانَتِ الْوَفٰاةُ خَيْرًا لِي، عَلٰى مُوٰالاٰةِ أَوْلِيٰائِكَ وَ مُعٰادٰاةِ

هر وقت که مرگ برایم خیر باشد، با دوستی اولیا تو و با دشمنی

أَعْدٰائِكَ، وَ افْعَلْ بِي مٰا أَنْتَ أَهْلُهُ، يٰا أَرْحَمَ الرّٰاحِمِينَ.

دشمنانت، و با من آن کن که سزوار توست ای مهربان‌ترین مهربانان.

سپس به زاویهٔ جنوب غربی برو و دو رکعت نماز بگذار و دستها را بلند کن و بگو:

اَللّٰهُمَّ إِنِّي صَلَّيْتُ هٰذِهِ الصَّلٰوةَ ابْتِغٰاءَ مَرْضٰاتِكَ وَ طَلَبَ

خدایا من این نماز را خواندم برای جلب خوشنودی تو، و طلب

نٰائِلِكَ، وَ رَجٰاءَ رِفْدِكَ وَ جَوٰائِزِكَ، فَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ

عطای تو و به امید پاداش و جایزه‌های تو، پس صلوات فرست بر محمد

وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ تَقَبَّلْهٰا بِأَحْسَنِ قَبُولٍ، وَ بَلِّغْنِي بِرَحْمَتِكَ

و آل محمد و آن را از من به بهترین صورت بپذیر، و مرا به رحمت

اَلْمَأْمُولَ، وَ افْعَلْ بي ما أَنْتَ أَهْلُهُ، يا أَرْحَمَ الرَّاحِمينَ.

آرزو شده‌ات برسان، و با من چنان کن که سزوار توست، ای مهربان‌ترین مهربانان.

سپس به زاویهٔ جنوبی شرقی که مقام صالحین و انبیاء و مرسلین ﷺ است، برو و دو رکعت نماز بخوان و دستها را بلند کن و بگو:

اَللّٰهُمَّ إِنْ كانَتِ الذُّنُوبُ وَالْخَطايا قَدْ أَخْلَقَتْ وَجْهي عِنْدَكَ،

خدایا اگر گناهان و خطاها مرا نزد تو روسیاه کرده‌اند،

فَلَمْ تَرْفَعْ لي إِلَيْكَ صَوْتًا وَ لَمْ تَسْتَجِبْ لي دَعْوَةً، فَإِنّي

و صدای مرا بسوی خود بالا نبری و دعایم را مستجاب نکنی، من از تو

أَسْئَلُكَ بِكَ يا اَللّٰهُ، فَإِنَّهُ لَيْسَ مِثْلَكَ أَحَدٌ، وَ أَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِمُحَمَّدٍ

میخواهم به حق خودت ای خدا، که احدی مثل تو نیست، و متوسل می‌شوم به تو به وسیله محمد

وَ آلِهِ، وَأَسْئَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تُقْبِلَ

و خاندان محمد، و از تو مسئلت دارم که صلوات فرستی بر محمّد و خاندان محمد، و اینکه رو آوری

إِلَيَّ بِوَجْهِكَ الْكَريمِ، وَ تُقْبِلَ بِوَجْهي إِلَيْكَ، وَ لا تُخَيِّبْني

به سویم با وجه کریم خود و روی مرا به سوی خود کنی، و هر وقت که تو

حينَ أَدْعُوكَ، وَ لا تَحْرِمْني حينَ أَرْجُوكَ، يا أَرْحَمَ الرَّاحِمينَ.

را بخوانم ناامیدم مکن، و وقتی که‌به تو امیدوارم مرامحروم نکن، ای مهربان‌ترین مهربانان.

(سپس طرف راست و چپ صورت خود را روی خاک بگذار و هر چه می خواهی دعاکن.

آنگاه به وسط مسجد برو و در آن جا دو رکعت نماز بخوان بعد بگو:)

يا مَنْ هُوَ أَقْرَبُ إِلَيَّ مِنْ حَبْلِ الْوَريدِ، يا فَعّالاً لِما يُريدُ،

ای کسی که به من از رگ گردن نزدیک‌تر است، ای انجام دهنده هر آنچه بخواهد،

يٰا مَنْ يَحُولُ بَيْنَ ٱلْمَرْءِ وَ قَلْبِهِ، صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، ای که میان شخص و قلب او حائل می‌شود، صلوات فرست بر محمد و خاندان او،
وَ حُلْ بَيْنَنٰا وَ بَيْنَ مَنْ يُؤْذِينٰا بِحَوْلِكَ وَ قُوَّتِكَ، يٰا كٰافِيَ مِنْ و میان ما و کسی که ما را آزار می‌دهد فاصله شو با حول و قوّت خود، ای کفایت کننده
كُلِّ شَيْءٍ وَ لاٰ يَكْفِي مِنْهُ شَيْءٌ، إِكْفِنَا ٱلْمُهِمَّ مِنْ أَمْرِ ٱلدُّنْيٰا همه چیز و چیزی از تو کفایت نمی‌کند، کفایت کن امر مهم دنیا
وَٱلْآخِرَةِ يٰا أَرْحَمَ ٱلرّٰاحِمِينَ.[1] (سپس دو طرف صورت‌خود را برزمین بگذار.) و آخرت ما را، ای مهربان‌ترین مهربانان.

شایسته است به مسجد زید و مسجد صعصعه که هر دو از مساجد شریف و مشهور هستند بروی و در هر کدام دو رکعت نماز تحیّت بگذار و به آنچه می‌خواهی دعا کنی.

فصل چهارم

زیارت حرم مطهر حضرت امام حسین علیه‌السلام و سایر شهدای کربلا

طبق احادیث اهل بیت وحی علیهم‌السلام، زیارت حضرت حسین و یارانش، با دیگران، حتی معصومین علیهم‌السلام فرق دارد. آداب و رسوم خاصی در اینجاست که در جای دیگر نیست.

مطلب، در اینجا، چیز دیگری است؛ چه آنکه اینان گروهی بودند که به دستور خدای متعال، برای اقامهٔ حقی بزرگ، پیاده کردن هدفی والا، شکستن طاغوت و ریشه‌کن کردن طغیانی که موجودیت اسلام را تهدید می‌کرد، قیام

---

۱. بحار الانوار / ۹۷ / ۴۳۴ ـ المزار الشهید / ۷۸ ـ المزار الکبیر / ۳۹.

نمودند. بر طبق طرح پیش‌بینی شده و برنامهٔ تنظیمی ازلی، به‌سوی مرکز انفجار، روانه شدند و در وقت محدودی، تمام آنچه را که در برنامهٔ قیام بود، بدون کم و کاست، به مرحلهٔ اجرا درآوردند. محتوای آن برنامه، بسیار عمیق است و برای همه روشن نیست؛ لکن فرازی از آن چنین بوده است که باید مردان قافله، یکایک همانند قربانیِ ابراهیمیِ اهدا شده از طرف حق، ذبح شوند، و زنان و کودکانشان، همانند مشرکان و کفار، به اسارت درآیند و مصداقی از ـ﴿يُذَبِّحُونَ أَبْنَآئَهُمْ وَ يَسْتَحْيُونَ نِسَآئَهُمْ: (فرعونیان) فرزندان بنی اسرائیل را سر می‌بریدند و زنانشان را نگاه می‌داشتند﴾ـ بدست فرعون عصر تحقق یابد.

از این برنامهٔ مصوب نهایی، ارواح انبیا در ملاء اعلی، فرشتگان مدبّرات امر و سرپرست عظیم‌الشان نهضت و خواص وی مطلع بودند؛ چه آنکه چندین بار بطور اشاره و تصریح آن را بیان نموده بود.

حادثهٔ کربلا یک قضیهٔ اتفاقی عادی نبود، برنامه‌ای بود که از اول، براساس هدف معنویِ والایی طراحی شده بود. بُعد خارجی واقعه، حادثه‌ای دهشت‌زا و بی‌سابقه در تاریخ بود؛ چه آنکه در محیط نبرد، در یک سو، انسانهای تهی از فطرت انسانیت و آکنده از ظلم و شقاوت، و در سوی دیگر، گروهی واجد همهٔ کمالات انسانی و تبلور مظلومیت و صبر و تحمل بودند.

روح مأموریت اینان، جهاد معنوی و قیام عبادی و نهضت سیاسی، و پیام آن، تحقق حکومت عدل الهی و تعقیب اهداف انبیا در طول تاریخ بود. بدین جهت متصدیان این نهضت را وارثان آدم ابوالبشر و انبیای اولوالعزم و ادامه دهندگان حرکت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و علی و حسن علیهما السلام خوانده‌اند.

انقلاب حسینی، انقلاب سرخ بود و طبیعت آن، خون سرخ می‌طلبید. بدین جهت صاحب آن را ثارالله و فرزند ثارالله نامیدند. درک حقیقت انقلاب و

نهضت حسینی، برای همه میسر نیست؛ خاصه کسانی که از امامت انتصابیِ الهی، به تمام معنی، رو گردانند. آنها چون نجستند حقیقت، ره افسانه زدند.

نگارنده با اعتراف به عجز و قصور از درک کامل روح حادثه، عظمت، مصالح و ثمرات آن، به گوشه‌ای از وظایف عملی زائران آن محیط و کیفیت عرض ادب و سلام به خون خفته‌گان آن خطه می‌پردازد.

لذا عرض می‌کنیم: در زیارت شهدای کربلا، دستوراتی از ابتدای حرکت از منزل، تا وصول به حرم اطهر داده شد است که برای اغلب زائران محترم میسر نیست؛ لکن اینها مراتب کمال است و به هر مقدار توفیق حاصل شود اجری در پی دارد. نیکوست زائر محترم، در این سفر، از ابتدای حرکت، دل به یاد شهادت آنان محزون دارد، از غذا و لباس و مرکب خوب استفاده نکند، اخلاق و آداب خود را بهتر و توام با متانت و تواضع نماید، بر انفاقات و کمک به دیگر زائران بیفزاید و چون به کربلا رسید، از آب فرات وضو و غسل کند و قصد تشرف به بارگاه قدس حسینی نماید.

ابتدا در مقابل درب حرم مطهر، اذن دخول بخواند و سپس داخل معدن رحمت و حرم امن خداوند و خانهٔ رسول گرامی ﷺ گردد و از زیارتهایی که برای این محل ذکر شده است و ما برخی از آنها را آورده‌ایم به قدر توان خویش انجام دهد. راه شروع، نخست اذن دخول و سپس زیارت است. ابن قولویه از امام صادق ؑ نقل کرده است: چون بر در روضهٔ مطهر رسیدی، این کلمات را بگو:

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ آدَمَ صَفْوَةِ اللهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ

سلام بر تو ای وارث آدم برگزیدهٔ خدا، سلام بر تو ای وارث

نُوحٍ نَبِيِّ اللهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ إِبْراهِيمَ خَلِيلِ اللهِ،

نوح پیامبر خدا، سلام بر تو ای وارث ابراهیم خلیل خدا،

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ مُوسىٰ كَليمِ اللّٰهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ
سلام بر تو ای وارث موسی هم‌سخن خدا، سلام بر تو

يا وارِثَ عيسىٰ رُوحِ اللّٰهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ مُحَمَّدٍ
ای وارث عیسی روح خدا، سلام بر تو ای وارث محمّد

حَبيبِ اللّٰهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ عَلِيٍّ وَصِيِّ رَسُولِ اللّٰهِ،
حبیب خدا، سلام بر تو ای وارث علی وصی پیامبر خدا،

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ الْحَسَنِ الرَّضِيِّ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ
سلام بر تو ای وارث حسن که از خدا راضی بود، سلام بر تو ای وارث

فاطِمَةَ بِنْتِ رَسُولِ اللّٰهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الشَّهيدُ الصِّدّيقُ،
فاطمة دختر فرستادهٔ خدا، سلام بر تو ای شهید راستین،

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْوَصِيُّ الْبارُّ التَّقِيُّ،اَلسَّلامُ عَلَى الْأَرْواحِ
سلام بر تو ای وصی نیکوکار پرهیزگار، سلام بر جانهایی

الَّتي حَلَّتْ بِفِنائِكَ وَأَناخَتْ بِرَحْلِكَ،اَلسَّلامُ عَلىٰ مَلائِكَةِ اللّٰهِ
که به درگاهت درآمدند و با تو بار افکندند، سلام بر فرشتگان الهی

الْمُحْدِقينَ بِكَ، أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلوٰةَ وَ اٰتَيْتَ الزَّكوٰةَ
گرداگرد تو، گواهی می‌دهم که نماز را به پا داشتی و زکات را پرداختی

وَ أَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ عَبَدْتَ اللّٰهَ مُخْلِصاً
و امر به معروف و نهی از منکر کردی و خدا را خالصانه

حَتّىٰ أَتاكَ الْيَقينُ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ وَ رَحْمَةُ اللّٰهِ وَ بَرَكاتُهُ.
تا فرارسیدن یقین عبادت کردی. سلام بر تو و رحمت خداوند و برکات او بر تو باد.

آنگاه شروع به زیارت کن. دراین‌باره چند زیارت نقل شده است:

۱ـ مرحوم جعفر بن قولویه، در کتاب مزار خود، نقل کرده است که در حرم مطهر، رو به سوی آن حضرت کن و بگو:

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ آدَمَ صَفْوَةِ اللهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ

سلام بر تو ای وارث آدم برگزیدهٔ خدا، سلام بر تو ای وارث

نُوحٍ نَبِيِّ اللهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ إِبْراهِيمَ خَلِيلِ اللهِ،

نوح پیامبر خدا، سلام بر تو ای وارث ابراهیم خلیل خدا،

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ مُوسىٰ كَلِيمِ اللهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ

سلام بر تو ای وارث موسی هم سخن خدا، سلام بر تو

يا وارِثَ عِيسىٰ رُوحِ اللهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ مُحَمَّدٍ

ای وارث عیسی روح خدا، سلام بر تو ای وارث محمّد

سَيِّدِ رُسُلِ اللهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ عَلِيٍّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ

سرور فرستادگان خدا، سلام بر تو ای وارث علی امیرمؤمنان

وَ خَيْرِ الْوَصِيِّينَ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ الْحَسَنِ الرَّضِيِّ

و بهترین اوصیا، سلام بر تو ای وارث حسن فرمانبردار

الطّاهِرِ الرّاضِي الْمَرْضِيِّ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الصِّدِّيقُ

پاک که او از خدا راضی و خدا نیز از او راضی بود. سلام بر تو ای صدّیق

الْأَكْبَرُ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْوَصِيُّ الْبَرُّ التَّقِيُّ، اَلسَّلامُ

بزرگ، سلام بر تو ای وصیّ نیکوکار پرهیزگار، سلام

عَلَيْكَ وَ عَلَى ٱلْأَرْوٰاحِ ٱلَّتى حَلَّتْ بِفِنٰائِكَ وَ أَنٰاخَتْ بِرَحْلِكَ،
بر تو و جانهایی که به بارگاهت درآمدند و با تو بار افکندند،

اَلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ وَ عَلَى ٱلْمَلاٰئِكَةِ ٱلْحٰافّينَ بِكَ، أَشْهَدُ أَنَّكَ
سلام بر تو و فرشتگان گرداگرد تو. گواهی می‌دهم که

قَدْ أَقَمْتَ ٱلصَّلٰوةَ وَ اٰتَيْتَ ٱلزَّكٰوةَ وَ أَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ
نماز را به پا داشتی و زکات را پرداختی و امر به معروف

وَ نَهَيْتَ عَنِ ٱلْمُنْكَرِ وَ جٰاهَدْتَ ٱلْمُلْحِدينَ وَ عَبَدْتَ ٱللّٰهَ
و نهی از منکر کردی و با ملحدان جنگیدی و خدا را خالصانه

حَتّٰى أَتٰاكَ ٱلْيَقينُ، اَلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ وَ رَحْمَةُ ٱللّٰهِ وَ بَرَكٰاتُهُ.
تا فرا رسیدن یقین عبادت کردی. سلام بر تو و نیز رحمت و برکات خداوند.

۲ـ زیارت وارث: که از زیارتهای مخصوص حرم مطهر است و مقدمات، شرایط و آدابی دارد، که اغلبِ حاضران آن مکان شریف، موفق به تحصیل آن نیستند، تا چه رسد به کسانی که در مکانهای دورند! لذا در اینجا، قطعه‌ای از آن را نقل می‌کنیم که مؤمنین در هر محلی باشند، به امید درک ثواب، عرض ادب کنند. بنابراین، زائر محترم می‌تواند، حضرت حسین و هر یک از امامان بعد از آن حضرت، تا امام علی نقی ﷺ، یعنی هر یک از هشت نفر امام را، با این زیارت، تا زیارت علی بن الحسین و بلکه تا زیارت شهدا، زیارت نماید و به جای "یامولای یا اباعبدالله"، در وسط زیارت، نام مبارک امام منظور را ذکر کند، زیرا همهٔ محتوای آن، دربارهٔ هر یک از آن بزرگان، صادق است. پس در هر کجا باشی قلبت را متوجه آن حضرت کن و بگو:

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ آدَمَ صَفْوَةِ اللّٰهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ
سلام بر تو ای وارث آدم برگزیدهٔ خدا، سلام بر تو

يا وارِثَ نُوحٍ نَبِيِّ اللّٰهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ إِبْراهِيمَ
ای وارث نوحٍ فرستادهٔ خدا، سلام بر تو ای وارث ابراهیم

خَلِيلِ اللّٰهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ مُوسىٰ كَلِيمِ اللّٰهِ،
دوست خدا، سلام بر تو ای وارث موسی بسیار گویندهٔ خدا،

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ عِيسىٰ رُوحِ اللّٰهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ
سلام بر تو ای وارث عیسی روحِ خدا، سلام بر تو

يا وارِثَ مُحَمَّدٍ حَبِيبِ اللّٰهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ أَمِيرِ
ای وارث محمد محبوب خدا، سلام بر تو ای وارث

اَلْمُؤْمِنِينَ وَلِيِّ اللّٰهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفىٰ،
امیرمؤمنان، ولی خدا سلام بر تو ای فرزند محمد مصطفی،

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ عَلِيٍّ الْمُرْتَضىٰ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ
سلام بر تو ای فرزند علی مرتضی، سلام بر تو ای فرزند

فاطِمَةَ الزَّهْراءِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ خَدِيجَةَ الْكُبْرىٰ،
فاطمهٔ زهرا، سلام بر تو ای فرزند خدیجهٔ کبری،

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا ثارَ اللّٰهِ وَ ابْنَ ثارِهِ وَ الْوِتْرَ الْمَوْتُورَ،
سلام بر تو ای شهید خدا و فرزند شهید خدا که کسی برای انتقام خونت باقی نماند،

أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلٰوةَ وَ آتَيْتَ الزَّكٰوةَ وَ أَمَرْتَ
شهادت می‌دهم که تو نماز را برپاداشتی و زکات پرداختی و امر

بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَيْتَ عَنِ ٱلْمُنْكَرِ وَ أَطَعْتَ ٱللّٰهَ وَ رَسُولَهُ حَتّٰى

به معروف و نهی از منکر کردی و خدا و پیامبر را تا آنگاه که تو را

أَتاكَ ٱلْيَقِينُ، فَلَعَنَ ٱللّٰهُ أُمَّةً قَتَلَتْكَ وَ لَعَنَ ٱللّٰهُ أُمَّةً ظَلَمَتْكَ

مرگ فرا رسید اطاعت کردی . لعنت خدا بر کسانی که ترا کشتند و لعنت خدا بر کسانی که به تو ظلم کردند

وَ لَعَنَ ٱللّٰهُ أُمَّةً سَمِعَتْ بِذٰلِكَ فَرَضِيَتْ بِهِ، يا مَوْلايَ يا أَبا

نفرین خدا بر گروهی که این خبرها را شنیدند و بدان خشنود شدند. ای سرور من، ای ابا

عَبْدِاللّٰهِ، أَشْهَدُ أَنَّكَ كُنْتَ نُوراً فِي ٱلْأَصْلابِ ٱلشّامِخَةِ

عبدالله، شهادت می‌دهم که تو از گوهرهای پاک

وَ ٱلْأَرْحامِ ٱلْمُطَهَّرَةِ، لَمْ تُنَجِّسْكَ ٱلْجاهِلِيَّةُ بِأَنْجاسِها وَ لَمْ

و از ارحام مطهری. جاهلیت به ناپاکیهایش شما را آلوده نساخت

تُلْبِسْكَ مِنْ مُدْلَهِمّاتِ ثِيابِها، وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ مِنْ دَعائِمِ ٱلدِّينِ

و لباسهای ناپاک خود را بر اندام شما نپوشاند. شهادت می‌دهم که تو از ستونهای دین

وَ أَرْكانِ ٱلْمُؤْمِنِينَ، وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ ٱلْإِمامُ ٱلْبَرُّ ٱلتَّقِيُّ ٱلرَّضِيُّ

و ارکان اهل ایمانی و شهادت می‌دهم که پیشوایی بزرگوار و پاکیزه و پسندیده‌ای

ٱلزَّكِيُّ ٱلْهادِيُّ ٱلْمَهْدِيُّ، وَ أَشْهَدُ أَنَّ ٱلْأَئِمَّةَ مِنْ وُلْدِكَ كَلِمَةُ

که مردمان را به راه راست می‌خوانی. و گواهی می‌دهم که امامان خاندان تو، کلمهٔ

ٱلتَّقْوىٰ وَ أَعْلامُ ٱلْهُدىٰ وَ ٱلْعُرْوَةُ ٱلْوُثْقىٰ وَ ٱلْحُجَّةُ عَلىٰ أَهْلِ

پرهیزگار و پرچمهای رستگاری و رشتهٔ استوار و حجت تو بر

ٱلدُّنْيا، وَ أُشْهِدُ ٱللّٰهَ وَ مَلائِكَتَهُ وَ أَنْبِياءَهُ وَ رُسُلَهُ أَنِّي بِكُمْ

جهانیانند و خدا و فرشتگان و پیامبران و فرستادگانش را به شهادت می‌گیرم که من به شما

مُؤْمِنٌ وَبِإِيابِكُمْ مُوقِنٌ،بِشَرايِعِ ديني وَ خَواتيمِ عَمَلي، وَقَلْبي

ایمان آورده‌ام و به بازگشت شما اعتقاد دارم. فرایض دین خود و سرانجام کار خود یقین دارم

لِقَلْبِكُمْ سِلْمٌ وَ أَمْري لِأَمْرِكُمْ مُتَّبِعٌ، صَلَواتُ ٱللّٰهِ عَلَيْكُمْ

دل من تسلیم قلب شما و کارم تقلیدی از کار شما است. درودهای خدا بر شما

وَ عَلٰى أَرْواحِكُمْ وَ عَلٰى أَجْسادِكُمْ وَ عَلٰى أَجْسامِكُمْ وَ عَلٰى

و بر روان‌ها و پیکرها و بر ابدان شما

شاهِدِكُمْ وَ عَلٰى غائِبِكُمْ وَ عَلٰى ظاهِرِكُمْ وَ عَلٰى باطِنِكُمْ.

و پنهان و آشکار و ظاهر و باطن شما باد.

سپس به قصد زیارت حضرت علی بن الحسین علیه‌السلام بگو:

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَابْنَ رَسُولِ ٱللّٰهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَابْنَ نَبِيِّ

سلام بر تو ای فرزند فرستادهٔ خدا، سلام بر تو ای فرزند پیامبر

ٱللّٰهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَابْنَ أَميرِ ٱلْمُؤْمِنينَ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَابْنَ

خدا، سلام بر تو ای فرزند امیر مؤمنان، سلام بر تو ای فرزند

ٱلْحُسَيْنِ ٱلشَّهيدِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا ٱلشَّهيدُ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ

حسین شهید، سلام بر تو ای شهید، سلام بر تو

أَيُّهَا ٱلْمَظْلُومُ وَ ٱبْنُ ٱلْمَظْلُومِ، لَعَنَ ٱللّٰهُ أُمَّةً قَتَلَتْكَ وَ لَعَنَ

ای مظلوم و ای فرزند مظلوم، نفرین خدا بر گروهی که تو را کشتند و نفرین

ٱللّٰهُ أُمَّةً ظَلَمَتْكَ وَ لَعَنَ ٱللّٰهُ أُمَّةً سَمِعَتْ بِذٰلِكَ فَرَضِيَتْ بِهِ.

خدا بر گروهی که بر تو ستم روا داشتند و نفرین خدا بر آن مردمی که این خبرها را شنیدند و بدان خشنود شدند.

پس به قصد زیارت سایر شهداء بگو:

اَلسَّلامُ عَلَيْكُمْ يا أَوْلِياءَ اللهِ وَ أَحِبّاءَهُ، اَلسَّلامُ عَلَيْكُمْ
سلام بر شما باد ای یاران و محبان خدا، سلام بر شما باد

يا أَصْفِياءَ اللهِ وَ أَوِدّاءَهُ، اَلسَّلامُ عَلَيْكُمْ يا أَنْصارَ دينِ اللهِ،
ای برگزیدگان و مشتاقان خدا، سلام بر شما باد ای یاوران دین خدا،

اَلسَّلامُ عَلَيْكُمْ يا أَنْصارَ رَسُولِ اللهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكُمْ يا أَنْصارَ
سلام بر شما باد ای یاوران رسول خدا، سلام بر شما باد ای یاوران

أَميرِ الْمُؤْمِنينَ، اَلسَّلامُ عَلَيْكُمْ يا أَنْصارَ فاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِساءِ
امیرمؤمنان، سلام بر شما باد ای یاوران فاطمهٔ زهرا سرور زنان

الْعالَمينَ، اَلسَّلامُ عَلَيْكُمْ يا أَنْصارَ أَبي مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ بْنِ
جهانیان، سلام بر شما باد ای یاوران حسن بن

عَلِيٍّ الْوَلِيِّ النّاصِحِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكُمْ يا أَنْصارَ أَبي عَبْدِ اللهِ،
علی یار نیک‌اندیش خدا، سلام بر شما باد ای یاوران ابی عبدالله،

بِأَبي أَنْتُمْ وَ أُمّي، طِبْتُمْ وَ طابَتِ الْأَرْضُ الَّتي فيها دُفِنْتُمْ
پدر و مادرم فدای شما باد؛ شما پاکیزه‌اید و پاکیزه است زمینی که شما در آن آرمیده‌اید

وَ فُزْتُمْ فَوْزاً عَظيماً، فَيالَيْتَني كُنْتُ مَعَكُمْ فَأَفُوزَ مَعَكُمْ.
و به رستگاری بزرگ رسیده‌اید؛ ایکاش با شما می‌بودم و رستگار می‌شدم.

۳ـ زیارت عاشورا: که علقمة بن محمد حضرمی از امام باقر ؛ با ثواب بی‌شماری نقل کرده است و می‌توان آن را از نزدیک و دور، در روز عاشورا و اوقات دیگر، بجا آورد. این زیارت را صفوان جمال نیز نقل کرده است؛ ولی آن

را قسمت دوم زیارت حضرت امیر ﷺ قرار داده است. چون عبارت صفوان، مشوش و مضطرب بود، ما خبر علقمه را اختیار کردیم. زیارت آن حضرت را قصد کن و بگو:

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا أَبا عَبْدِاللّٰهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا ابْنَ رَسُولِ

سلام بر تو ای ابا عبدالله، سلام بر تو ای فرزند فرستادهٔ

اللّٰهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ أَميرِ الْمُؤْمِنينَ وَ ابْنَ سَيِّدِ الْوَصِيّينَ،

خدا، سلام بر تو ای پسر پیامبر مؤمنان و سرور جانشینان پیامبر،

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ فاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِساءِ الْعالَمينَ،

سلام بر تو ای پسر فاطمه بانوی بانوان،

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا ثارَ اللّٰهِ وَ ابْنَ ثارِهِ وَ الْوِتْرَ الْمَوْتُورَ،

سلام بر تو ای شهید خدا و فرزند شهید خدا، ای کسی‌که به خونخواهیت فردی باقی نماند.

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ وَ عَلَى الْأَرْواحِ الَّتي حَلَّتْ بِفِنائِكَ، عَلَيْكُمْ

درود بر تو و روانهایی که به درگاهت سر تعظیم فرود آوردند.

مِنّي جَميعاً سَلامُ اللّٰهِ أَبَداً ما بَقيتُ وَ بَقِيَ اللَّيْلُ وَ النَّهارُ،

از سوی من بر همگی شما باد درود خدا؛ تا من هستم و شب و روز پابرجاست.

يا أَبا عَبْدِ اللّٰهِ، لَقَدْ عَظُمَتِ الرَّزِيَّةُ وَ جَلَّتْ وَ عَظُمَتِ

ای اباعبدالله، مصیبت و سوگواری تو بر ما بزرگ

الْمُصيبَةُ بِكَ عَلَيْنا وَ عَلى جَميعِ أَهْلِ الْإِسْلامِ، وَ جَلَّتْ

است و بر همگی مسلمانان این چنین است. مصیبت تو

وَعَظُمَتْ مُصيبَتُكَ فِى ٱلسَّمٰاوٰاتِ عَلٰى جَميعِ أَهْلِ ٱلسَّمٰاوٰاتِ،

بر آسمانها و ساکنان آن نیز بزرگ است.

فَلَعَنَ ٱللّٰهُ أُمَّةً أَسَّسَتْ أَسٰاسَ ٱلظُّلْمِ وَ ٱلْجَوْرِ عَلَيْكُمْ أَهْلَ

لعنت خدا بر گروهی که بنیان ستمگری را بر شما اهل بیت

ٱلْبَيْتِ، وَ لَعَنَ ٱللّٰهُ أُمَّةً دَفَعَتْكُمْ عَنْ مَقٰامِكُمْ وَ أَزٰالَتْكُمْ عَنْ

برپا ساختند. لعنت خدا بر گروهی که شما را از نشستن بر مقامی که به حق داشتید بازداشتند و مرتبهٔ

مَرٰاتِبِكُمُ ٱلَّتى رَتَّبَكُمُ ٱللّٰهُ فيهٰا، وَ لَعَنَ ٱللّٰهُ أُمَّةً قَتَلَتْكُمْ،

شما را نشناختند؛ مقام و مرتبه‌ای که خدا شما را عطا فرموده بود. لعنت خدا بر گروهی که شما را کشتند

وَ لَعَنَ ٱللّٰهُ ٱلْمُمَهِّدينَ لَهُمْ بِالتَّمْكينِ مِنْ قِتٰالِكُمْ، بَرِئْتُ إِلَى ٱللّٰهِ

و لعنت خدا بر آنانکه مقدمات جنگ با شما را فراهم ساختند. من از آنان

وَ إِلَيْكُمْ مِنْهُمْ وَ مِنْ أَشْياعِهِمْ وَ أَتْباعِهِمْ وَ أَوْلِيآئِهِمْ، يٰا أَبٰا عَبْدِ ٱللّٰهِ

و پیروان و همدستانشان بیزاری می‌جویم - ای ابا عبدالله

إِنّى سِلْمٌ لِمَنْ سٰالَمَكُمْ وَحَرْبٌ لِمَنْ حٰارَبَكُمْ إِلىٰ يَوْمِ ٱلْقِيٰامَةِ،

و تا قیامت با هر که با شما در صلح و صفاست، در صلح و با هر که با شما پیکار جوید، در جنگ خواهم بود.

وَ لَعَنَ ٱللّٰهُ آلَ زِيٰادٍ وَ آلَ مَرْوٰانَ وَ لَعَنَ ٱللّٰهُ بَنى أُمَيَّةَ قاطِبَةً

لعنت خدا بر خاندان زیاد و مروان و بر خاندان امیه

وَ لَعَنَ ٱللّٰهُ ٱبْنَ مَرْجٰانَةَ وَ لَعَنَ ٱللّٰهُ عُمَرَ بْنَ سَعْدٍ وَ لَعَنَ ٱللّٰهُ

و لعنت خدا بر ابن‌مرجانه و عمربن سعد و لعنت خدا

شِمْراً وَ لَعَنَ ٱللّٰهُ أُمَّةً أَسْرَجَتْ وَ أَلْجَمَتْ وَ تَنَقَّبَتْ لِقِتٰالِكَ،

بر شمر ولعن خدابر گروهی‌که اسبهای‌خود را برای نبرد با تو زین و لجام بستند و نقاب‌بر چهره‌زدند و سخت‌آماده کشتند.

بِأَبِی أَنْتَ وَ أُمِّی لَقَدْ عَظُمَ مُصابِی بِكَ، فَأَسْئَلُ ٱللهَ ٱلَّذِی
پدر و مادرم فدایت، به‌راستی سوگواری من برای تو بس بزرگ است. از خدایی که

أَكْرَمَ مَقامَكَ وَ أَكْرَمَنِی أَنْ یَرْزُقَنِی طَلَبَ ثارِكَ مَعَ إِمامٍ
مقام‌تو را عالی‌ساخت و مرا به‌خاطر دوستی‌تو مشمول‌عنایت قرارداد، می‌خواهم‌که توفیق خونخواهی‌تو را در رکاب امام

مَنْصُورٍ مِنْ أَهْلِ بَیْتِ مُحَمَّدٍ صَلَّی ٱللهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ، ٱللّٰهُمَّ
پیروزمند، از خاندان محمد ـ که درود بر او و خاندانش باد نصیبم گرداند. خداوندا،

ٱجْعَلْنِی عِنْدَكَ وَجِیهاً بِالْحُسَیْنِ عَلَیْهِ ٱلسَّلامُ فِی ٱلدُّنْیا
به آبروی حسین علیه السلام، در نزد خود آبرومندم نگهدار در دنیا

وَ ٱلْآخِرَةِ، یا أَبا عَبْدِٱللهِ إِنِّی أَتَقَرَّبُ إِلَی ٱللهِ وَ إِلیٰ رَسُولِهِ
و آخرت. ای ابا عبدالله، من با دوستی تو بسوی خدا، پیامبر،

وَ إِلیٰ أَمِیرِ ٱلْمُؤْمِنِینَ وَ إِلیٰ فاطِمَةَ وَ إِلَی ٱلْحَسَنِ وَ إِلَیْکَ
امیرمؤمنان، فاطمه، حسن و تو تقرب می‌جویم

بِمُوالاتِكَ وَ بِالْبَراءَةِ مِمَّنْ أَسَّسَ أَساسَ ذٰلِكَ وَ بَنیٰ عَلَیْهِ
و از آنها که شالودهٔ ستمگری با شما را ریختند

بُنْیانَهُ وَ جَریٰ فِی ظُلْمِهِ وَجَوْرِهِ عَلَیْكُمْ وَ عَلیٰ أَشْیاعِكُمْ،
و بر شما و پیروانتان بیداد روا داشتند، بیزاری می‌جویم.

بَرِئْتُ إِلَی ٱللهِ وَ إِلَیْكُمْ مِنْهُمْ وَ أَتَقَرَّبُ إِلَی ٱللهِ ثُمَّ إِلَیْكُمْ
من بیزاری خود را از ایشان در پیشگاه خدا و شما اعلام می‌کنم

بِمُوالاتِكُمْ وَمُوالاةِ وَلِیِّكُمْ وَ بِالْبَراءَةِ مِنْ أَعْدائِكُمْ وَٱلنّاصِبِینَ
و به دوستی شما و پیروانتان و بیزاری از دشمنانتان و کسانی که

لَكُمُ ٱلْحَرْبَ وَ بِالْبَرٰاءَةِ مِنْ أَشْيٰاعِهِمْ وَ أَتْباعِهِمْ. إِنّي سِلْمٌ

به جنگ با شما برخاستند و پیروانشان، به نزد خدا و شما تقرب می‌جویم. من با کسی که با

لِمَنْ سٰالَمَكُمْ وَ حَرْبٌ لِمَنْ حٰارَبَكُمْ وَ وَلِيٌّ لِمَنْ وٰالاٰكُمْ

شما در صلح است، آشتی و با کسی که با شما در جنگ است، جنگ می‌کنم. با آنکه شما را دوست دارد، دوست

وَ عَدُوٌّ لِمَنْ عٰاداٰكُمْ، فَأَسْئَلُ ٱللّٰهَ ٱلَّذِي أَكْرَمَنِي بِمَعْرِفَتِكُمْ

و با آنکه شما را دشمن دارد، دشمنم؛ پس از خدایی که مرا به شناسایی شما

وَ مَعْرِفَةِ أَوْلِيائِكُمْ وَ رَزَقَنِي ٱلْبَرٰاءَةَ مِنْ أَعْدآئِكُمْ، أَنْ

و یارانتان مفتخر داشت، می‌خواهم که بیزاری از دشمنانتان را، نصیبم فرماید

يَجْعَلَنِي مَعَكُمْ فِي ٱلدُّنْيا وَ ٱلْاٰخِرَةِ وَ أَنْ يُثَبِّتَ لِي عِنْدَكُمْ

و مرا در دنیا و آخرت، همراه شما قرار دهد و گامهایم را در راه حقیقت

قَدَمَ صِدْقٍ فِي ٱلدُّنْيا وَ ٱلْاٰخِرَةِ، وَ اَسْئَلُهُ أَنْ يُبَلِّغَنِي ٱلْمَقٰامَ

استوار سازد. و از او می‌خواهم که مرا به مقام پسندیده‌ای

ٱلْمَحْمُودَ لَكُمْ عِنْدَ ٱللّٰهِ، وَ أَنْ يَرْزُقَنِي طَلَبَ ثارِي مَعَ إِمامٍ

که شما در نزد خدا دارید نزدیک کند و خونخواهی شما را در رکاب امامِ

هُدىً ظاهِرٍ ناطِقٍ بِالْحَقِّ مِنْكُمْ، وَأَسْئَلُ ٱللّٰهَ بِحَقِّكُمْ وَ بِالشَّأْنِ

برحق و آشکار که سخن از استحقاق شما خواهد گفت، نصیبم سازد. از خدا به حق شما و به مرتبه‌ای

ٱلَّذِي لَكُمْ عِنْدَهُ أَنْ يُعْطِيَنِي بِمُصابِي بِكُمْ أَفْضَلَ مايُعْطِي

که نزد او دارید، مسألت می‌کنم که مرا به پاداش اندوهی که از مصیبت شما دارم، جزای خیر دهد؛

مُصاباً بِمُصِيبَتِهِ، مُصِيبَةً ما أَعْظَمَها وَ أَعْظَمَ رَزِيَّتَها فِي

همان جزایی که به سوگواران داده می‌شود. از این بزرگتر مصیبتی نتوان یافت که هنوز آثار آن در

آالإسْلام وَ فِی جَمیعِ آلسَّماواتِ وَ آلأرْضِ آللّٰهُمَّ آجْعَلْنی
اسلام پابرجاست و زمین و آسمانها گویی سوگوار این مصیبتند. خداوندا، مرا در زمرهٔ

فِی مَقامِی هٰذا مِمَّنْ تَنالُهُ مِنْكَ صَلَواتٌ رَحْمَةٌ وَ مَغْفِرَةٌ،
کسانی قرار ده که از سوی تو رحمت و مغفرت خواهند یافت.

آللّٰهُمَّ آجْعَلْ مَحْیایَ مَحْیا مُحَمَّدٍ وَوَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ مَماتِی
خداوندا، زندگانی مرا مانند محمد و خاندانش و مرگم را نیز

مَماتَ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، آللّٰهُمَّ إنَّ هٰذا یَوْمٌ تَبَرَّكَتْ بِهِ
مانند محمد و خاندانش قرار ده. خداوندا، امروز را بنی‌امیه جشن می‌گرفتند

بَنُو أُمَیَّةَ وَ آبْنُ آكِلَةِ آلأكْبادِ آللَّعِینُ آبْنُ آللَّعِینِ عَلٰی لِسانِكَ
و نیز پسر هند جگرخوار ـ معاویه که از زبان تو و فرستادهٔ برحقت بر او

وَ لِسانِ نَبِیِّكَ صَلَّی آللهُ عَلَیهِ وَ آلِهِ فِی كُلِّ مَوْطِنٍ وَ مَوْقِفٍ
و پدرش نفرین باد. در هر اقامتگاه و مقامی که در آن

وَقَفَ فِیهِ نَبِیُّكَ صَلَّی آللهُ عَلَیهِ وَ آلِهِ؛ آللّٰهُمَّ آلعَنْ أَبا سُفْیانَ
پیامبرت ـ که درود تو بر او و خاندانش باد توقف کرده و بنی‌امیه را نفرین کرده است ـ خداوندا ، ابوسفیان،

وَ مُعاوِیَةَ وَ یَزِیدَ بْنَ مُعاوِیَةَ عَلَیْهِمْ مِنْكَ آللَّعْنَةُ أَبَدَ آلآبِدِینَ،
معاویه، یزید را نفرین کن. بر آنان باد نفرین تو تا ابد.

وَ هٰذا یَوْمٌ فَرِحَتْ بِهِ آلُ زِیادٍ وَ آلُ مَرْوانَ بِقَتْلِهِمُ آلحُسَیْنَ
امروز روزی است که خاندان زیاد و مروان بخاطر کشتن حسین

صَلَواتُ آللهِ عَلَیْهِ، آللّٰهُمَّ فَضاعِفْ عَلَیْهِمُ آللَّعْنَ مِنْكَ
ـ که درود خدا بر او باد خوشحال شدند. خداوندا، نفرین و عذابشان را

وَ ٱلعَذٰابَ ، ٱللّٰهُمَّ إِنّى أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ فى هٰذَا ٱليَوْمِ وَ فى
دو چندان گردان. خداوندا، به تو تقرب می‌جویم در این روز و در

مَـوْقِفى هٰذٰا وَ أَيّٰامِ حَـيٰاتى بِالْبَرٰآءَةِ مِنْهُمْ وَ ٱللَّعْنَةِ عَلَيْهِمْ
این مکان و در روزهای زندگیم با بیزاری از این گروه و لعنت بر آنان

وَ بِالمُوٰالاٰةِ لِنَبِيِّكَ وَ اٰلِ نَبِيِّكَ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمُ ٱلسَّلاٰمُ.
و با دوستی پیامبر و خاندانش، سلام بر او و خاندانش باد،

(سپس صد مرتبه‌بگو:) ٱللّٰهُمَّ ٱلعَنْ أَوَّلَ ظٰالِمٍ ظَلَمَ حَقَّ مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ
خداوندا، به نخستین ستمگرانی که در حق محمد و خاندان او، ستم کردند

وَ اٰخِرَ تٰابِعٍ لَهُ عَلىٰ ذٰلِكَ، ٱللّٰهُمَّ ٱلعَنِ ٱلعِصٰابَةَ ٱلَّتى جٰاهَدَتِ ٱلحُسَيْنَ
و به واپسین پیرو آن ستمگران، نفرین کن. خداوندا، گروهی که

وَ شٰايَعَتْ وَ بٰايَعَتْ وَ تٰابَعَتْ عَلىٰ قَتْلِهِ ، ٱللّٰهُمَّ ٱلعَنْهُمْ جَميعاً.
با حسین نبرد کردند و بر کشتن او همدست شدند، همگی را نفرین کن.

(آنگاه صد مرتبه بگو:) ٱلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ يٰا أَبٰا عَبْدِ ٱللّٰهِ وَ عَلَى ٱلْأَرْوٰاحِ ٱلَّتي
درود بر تو و روانهایی که بر آستانت سر تعظیم

حَلَّتْ بِفِنٰائِكَ ، عَلَيْكَ مِنّى سَلاٰمُ ٱللّٰهِ أَبَداً مٰابَقيتُ وَ بَقِىَ
فرود آوردند، ای ابا عبدالله؛ درود خدا، تا من زنده‌ام و شب و روز پابرجاست.

ٱللَّيْلُ وَ ٱلنَّهٰارُ وَ لاٰ جَعَلَهُ ٱللّٰهُ اٰخِرَ ٱلعَهْدِ مِنّى لِزِيٰارَتِكُمْ.
می‌خواهم که خداوند، این زیارت را آخرین زیارت من از شما قرار ندهد.

ٱلسَّلاٰمُ عَلَى ٱلحُسَيْنِ وَ عَلىٰ عَلِيِّ بْنِ ٱلحُسَيْنِ وَ عَلىٰ أَوْلاٰدِ
درود بر حسین و بر علی بن حسین و بر فرزندان

اَلْحُسَيْنِ وَ عَلٰى أَصْحٰابِ اَلْحُسَيْنِ.

حسین و یاران حسین.

(سپس بخوان:) اَللّٰهُمَّ خُصَّ أَنْتَ أَوَّلَ ظٰالِمٍ بِاللَّعْنِ مِنّى وَ ٱبْدَأْ بِهِ

خداوندا، نخستین ستمگر را به لعن من اختصاص ده و نخست با وی آغاز کن

أَوَّلاً ثُمَّ اَلثّٰانِىَ وَ اَلثّٰالِثَ وَ اَلرّٰابِعَ، اَللّٰهُمَّ ٱلْعَنْ يَزِيدَ خٰامِساً

و آنگاه دوم، سوم و چهارم را پس از آن نفرین کن. خداوندا، یزید را پنجمین ستمگر قرار ده

وَ ٱلْعَنْ عُبَيْدَ ٱللّٰهِ بْنَ زِيٰادٍ وَ ٱبْنَ مَرْجٰانَةَ وَ عُمَرَ بْنَ سَعْدٍ وَ شِمْراً

و نفرین کن؛ سپس عبیدالله بن زیاد، ابن مرجانه، عمر بن سعد، شمر،

وَ آلَ أَبِى سُفْيٰانَ وَ آلَ زِيٰادٍ وَ آلَ مَرْوٰانَ إِلىٰ يَوْمِ اَلْقِيٰامَةِ.

خاندان ابوسفیان، خاندان زیاد، خاندان مروان را تا روز قیامت، نفرین کن.

(آنگاه سجده کن و در حال سجده بگو:) اَللّٰهُمَّ لَكَ اَلْحَمْدُ حَمْدَ اَلشّٰاكِرِينَ

خداوندا، سپاس تو را گویم؛ سپاسی که شکرگزاران تو

لَكَ عَلٰى مُصٰابِهِمْ، اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ عَلٰى عَظِيمِ رَزِيَّتِى، اَللّٰهُمَّ

از شرکت در سوگواری اهل بیت گویند. سپاس خدا را از بزرگی مصیبتم، خداوندا،

اُرْزُقْنِى شَفٰاعَةَ اَلْحُسَيْنِ يَوْمَ اَلْوُرُودِ وَ ثَبِّتْ لِى قَدَمَ صِدْقٍ

شفاعت حسین را در روز قیامت نصیبم فرما و گامهای حقیقت‌جوی مرا

عِنْدَكَ مَعَ اَلْحُسَيْنِ وَ أَصْحٰابِ اَلْحُسَيْنِ اَلَّذِينَ بَذَلُوا مُهَجَهُمْ

در درگاهت به همراهی حسین و یاران حسین استوار ساز؛ یارانی که خون خود را

دُونَ اَلْحُسَيْنِ عَلَيْهِ اَلسَّلاٰمُ.

در راه او نثار کردند.

بهتر است پس از آن زیارت، این دعا، که در روایت صفوان وارد شده است، خوانده شود:

يا اَللهُ يا اَللهُ يا اَللهُ، يا مُجيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرّينَ، يا كاشِفَ

خداوندا، خداوندا، خداوندا، ای پاسخ‌دهندهٔ دعوت درماندگان و برطرف سازندهٔ

كُرَبِ الْمَكْرُوبينَ، يا غِياثَ الْمُسْتَغيثينَ، يا صَريخَ الْمُسْتَصْرِخينَ،

اندوه گرفتاران، ای فریادرس فریادخواهان و ای چارهٔ بیچارگان،

وَ يا مَنْ هُوَ اَقْرَبُ اِلَيَّ مِنْ حَبْلِ الْوَريدِ، وَ يا مَنْ يَحُولُ

ای که به من از رگ گردن نزدیکتری و میان آدمی و قلب او

بَيْنَ الْمَرْءِ وَ قَلْبِهِ، وَ يا مَنْ هُوَ بِالْمَنْظَرِ الْاَعْلى وَ بِالْاُفُقِ

قرار داری، ای کسی که در دیدگاه والا و در افق روشن

الْمُبينِ، وَ يا مَنْ هُوَ الرَّحْمنُ الرَّحيمُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوى،

جایگاه توست و ای کسی که بخشنده و مهربانی و بر جهان احاطه داری،

وَ يا مَنْ يَعْلَمُ خائِنَةَ الْاَعْيُنِ وَ ما تُخْفِي الصُّدُورُ، وَ يا مَنْ

ای کسی که چشمهای ناپاک و سینه‌های پر از کینه را می‌شناسی، ای کسی که

لا يَخْفى عَلَيْهِ خافِيَةٌ، يا مَنْ لا تَشْتَبِهُ عَلَيْهِ الْاَصْواتُ،

راز پنهان بر او پوشیده نیست و آواها را باز شناسد،

وَ يا مَنْ لا تُغَلِّطُهُ الْحاجاتُ، وَ يا مَنْ لا يُبْرِمُهُ اِلْحاحُ الْمُلِحّينَ،

ای کسی که نیازمندیهای خلایق او را به اشتباه نیندازد و اصرار مستمندان او را خسته نسازد،

يا مُدْرِكَ كُلِّ فَوْتٍ وَ يا جامِعَ كُلِّ شَمْلٍ وَ يا بارِئَ النُّفُوسِ

ای یابندهٔ آنچه از دست رفته و ای گردآورندهٔ پراکندگیها، ای زنده کنندهٔ روانها

بَعْدَ ٱلْمَوْتِ، يا مَنْ هُوَ كُلَّ يَوْمٍ فى شَأْنٍ، يا قاضِىَ ٱلحاجاتِ،
پس از مرگ، ای کسی که هر روز در کاری است [که پیش از آن انجام نداده]، ای برآورندهٔ حاجات

يا مُنَفِّسَ ٱلكُرُباتِ، يا مُعْطِىَ ٱلسُّؤُلاتِ، يا وَلِىَّ ٱلرَّغَباتِ،
و نابود سازندهٔ غمها، ای بخشندهٔ خواهشها، ای برآورندهٔ آرزوها،

يا كافِىَ ٱلمُهِمّاتِ، يا مَنْ يَكْفى مِنْ كُلِّ شَىْءٍ وَ لا يَكْفى مِنْهُ
ای کفایت کنندهٔ امور مهم، ای آنکه او از همه چیز بی‌نیاز و هیچ چیز از او بی‌نیاز

شَىْءٌ فِى ٱلسَّماواتِ وَ ٱلْأَرْضِ، أَسْئَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ خاتَمِ
نیست در آسمانها و زمین، از تو می‌خواهم به حق محمد خاتَم

ٱلنَّبِيّينَ وَ عَلِيٍّ أَميرِ ٱلْمُؤْمِنينَ، وَ بِحَقِّ فاطِمَةَ بِنْتِ نَبِيِّكَ،
پیامبران و علی امیرمؤمنان و فاطمه دخت پیامبرت

وَ بِحَقِّ ٱلحَسَنِ وَ ٱلحُسَيْنِ، فَإِنّى بِهِمْ أَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ فى مَقامى
و به حق حسن و حسین که من به وسیلهٔ آنان به تو رو آورده‌ام

هٰذا وَ بِهِمْ أَتَوَسَّلُ وَ بِهِمْ أَتَشَفَّعُ إِلَيْكَ وَ بِحَقِّهِمْ أَسْئَلُكَ
و تقرب و شفاعت وسیلهٔ آنان از تو جویم؛ پس به حق ایشان

وَ أُقْسِمُ وَ أَعْزِمُ عَلَيْكَ، وَ بِالشَّأْنِ ٱلَّذى لَهُمْ عِنْدَكَ وَ بِالقَدْرِ
از تو می‌خواهم و تو را سوگند می‌دهم به مقامی که

ٱلَّذى لَهُمْ عِنْدَكَ وَ بِالَّذى فَضَّلْتَهُمْ عَلَى ٱلعالَمينَ وَ بِاسْمِكَ
آنان نزد تو دارند و بدانچه برتری دادی ایشان را بر عالمیان و بنامی

ٱلَّذى جَعَلْتَهُ عِنْدَهُمْ وَ بِهِ خَصَصْتَهُمْ دُونَ ٱلعالَمينَ وَ بِهِ
که مخصوصشان ساختی از سایر عالمیان و بدین وسیله

أَبَنْتَهُمْ وَ أَبَنْتَ فَضْلَهُمْ مِنْ فَضْلِ الْعالَمِينَ حَتّٰى فاقَ فَضْلُهُمْ

منزلت آنان را آشکار ساختی، تا آن حد که بزرگواریشان از بزرگواری

فَضْلَ الْعالَمِينَ جَمِيعاً، أَسْئَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ

جهانیان معلوم گردانیدی، از تو می‌خواهم که بر محمد و خاندانش درود فرستی

وَ أَنْ تَكْشِفَ عَنِّي غَمِّي وَ هَمِّي وَ كَرْبِي وَ تَكْفِيَنِي الْمُهِمَّ مِنْ

و اندوه و بلا و تشویش را از من دور سازی، امور مهم زندگانیم را مورد توجه

أُمُورِي وَ تَقْضِيَ عَنِّي دَيْنِي وَ تُجِيرَنِي مِنَ الْفاقَةِ وَ تُغْنِيَنِي

قرار دهی، وامم را بپردازی، مرا از درماندگی و بینوایی نگهداری و از رو انداختن

عَنِ الْمَسْئَلَةِ إِلَى الْمَخْلُوقِينَ، وَ تَكْفِيَنِي هَمَّ مَنْ أَخافُ هَمَّهُ

به مردم بی‌نیازم سازی، مرا از نیت بدی که نسبت

وَ عُسْرَ مَنْ أَخافُ عُسْرَهُ وَ حُزُونَةَ مَنْ أَخافُ حُزُونَتَهُ وَ شَرَّ

به من دارند حفظ کنی و هر کس این نیت را دارد بدیهایش را به

مَنْ أَخافُ شَرَّهُ وَ مَكْرَ مَنْ أَخافُ مَكْرَهُ وَ بَغْيَ مَنْ أَخافُ بَغْيَهُ

خود او برگردانی و هر که با من قصد فریب و نیرنگ دارد، مرا از آسیب او نگهدار

وَ جَوْرَ مَنْ أَخافُ جَوْرَهُ وَ سُلْطانَ مَنْ أَخافُ سُلْطانَهُ وَ كَيْدَ

و از آنکه از بدی او می‌ترسم، از مکر او می‌ترسم، از حاکمیت او می‌ترسم، از دشمنی

مَنْ أَخافُ كَيْدَهُ وَمَقْدُرَةَ مَنْ أَخافُ مَقْدُرَتَهُ عَلَيَّ وَ، تَرُدَّ عَنِّي

او می‌ترسم، از توانائیش می‌ترسم مرا نگهدار و نیرنگ فریبکاران

كَيْدَ الْكَيَدَةِ وَ مَكْرَ الْمَكَرَةِ. اَللّٰهُمَّ مَنْ أَرادَنِي فَأَرِدْهُ وَ مَنْ

و مکر مکاران را از من بازگردان. خداوندا، هر که با من بدی کند، تو با او بدی کن و هر که

كادَنى فَكِدْهُ وَ اَصْرِفْ عَنّى كَيْدَهُ وَ مَكْرَهُ وَ بَأْسَهُ وَ اَمانِيَّهُ
در پیش پایم دامی نهد، تو اش دام نِه و نیرنگ و فریب افکار بدی که دارد به خودش برگردان
وَ اَمْنَعْهُ عَنّى كَيْفَ شِئْتَ وَ اَنّى شِئْتَ، اَللّٰهُمَّ اَشْغَلْهُ عَنّى
و به هر صورتی که خواهی آن را از من بازدار. خداوندا، او را
بِفَقْرٍ لاتَجْبُرُهُ وَ بِبَلاءٍ لاتَسْتُرُهُ وَ بِفاقَةٍ لا تَسُدُّها وَ بِسُقْمٍ
به فقری که چاره نسازی و به بلایی که از میان نبری و به نیازمندی که برنیاوری و به بیماری
لا تُعافيهِ وَ ذُلٍّ لا تُعِزُّهُ وَ بِمَسْكَنَةٍ لا تَجْبُرُها، اَللّٰهُمَّ اَضْرِبْ
که درمانش نکنی و به خواری که به عزت بدل نکنی و به مستمندی که چاره‌جویی نکنی، مشغولش بدار. خداوندا،
بِالذُّلِّ نَصْبَ عَيْنَيْهِ وَ اَدْخِلْ عَلَيْهِ الْفَقْرَ فى مَنْزِلِهِ وَ السُّقْمَ
ذلت را به او بنمایان و فقر را در خانه‌اش فرود آورد و بدنش را بیمار کن
فى بَدَنِهِ حَتّى تَشْغَلَهُ عَنّى بِشُغْلٍ شاغِلٍ لا فَراغَ لَهُ، وَ اَنْسِهِ
تا سرگرم خود شود و فراغتی برای او نماند تا به من فکر کند و مرا از یاد او ببر
ذِكْرى كَما اَنْسَيْتَهُ ذِكْرَكَ وَ خُذْ عَنّى بِسَمْعِهِ وَ بَصَرِهِ وَ لِسانِهِ
چنانکه یاد خود را از خاطرش بردی. این دشمن را تو با بزرگواریت مگذار تا با گوش و چشم و زبان
وَ يَدِهِ وَ رِجْلِهِ وَ قَلْبِهِ وَ جَميعِ جَوارِحِهِ، وَ اَدْخِلْ عَلَيْهِ فى
و دست و پا و قلب و سایر اندامها، مرا آزار رساند و آنچنان دردی
جَميعِ ذٰلِكَ السُّقْمَ وَ لا تَشْفِهِ حَتّى تَجْعَلَ ذٰلِكَ لَهُ شاغِلاً بِهِ
بر اندامهای او قرار ده که هرگز شفا نیابد مگر آنگاه که اندیشهٔ آزار و اذیت مرا
عَنّى وَ عَنْ ذِكْرى، وَ اكْفِنى يا كافِىَ ما لا يَكْفى سِواكَ،
از سر بیرون کند. امور مهم مرا کفایت کن که جز تو کسی آن را کفایت نتواند کرد

فَـإِنَّكَ ٱلكٰافى لاٰ كٰافِيَ سِـوٰاكَ وَ مُفَرِّجٌ لاٰ مُـفَرِّجَ سِـوٰاكَ

که تو کفایت کننده‌ای و جز تو کفایت کننده‌ای نیست. گشایش امور منحصر به تواست و جز تو گشایندهٔ اموری نیست.

وَ مُغيثٌ لاٰ مُغيثَ سِوٰاكَ وَ جارٌ لا جارَ سِوٰاكَ؛ خٰابَ مَنْ كٰانَ

تو فریادرسی و جز تو فریادرسی نیست. پناهگاهی جز در جوار تو نیست؛ آنکه جز تو

جارُهُ سِوٰاكَ وَ مُغيثُهُ سِوٰاكَ وَ مَفْزَعُهُ إِلىٰ سِوٰاكَ وَ مَهْرَبُهُ إِلىٰ

پناهی جوید و جز تو فریادرس و ملجائی جوید و نجات‌بخشی جز

سِوٰاكَ وَ مَلْجَؤُهُ إِلىٰ غَيْرِكَ وَ مَنْجٰاهُ مِنْ مَخْلُوقٍ غَيْرِكَ. فَأَنْتَ

تو جوید، نومید و بی‌نصیب خواهد شد. تو

ثِقَتى وَ رَجٰائى وَ مَفْزَعى وَ مَهْرَبى وَ مَلْجَأى وَ مَنْجٰايَ، فَبِكَ

اطمینان، امید، آرامش، گریزگاه، پناهگاه و نجاتبخش منی. از تو

أَسْتَفْتِحُ وَ بِكَ أَسْتَنْجِحُ وَ بِمُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ أَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ

گشایش و پیروزی می‌طلبم و بوسیلهٔ محمد و خاندانش بسوی تو رومی‌آورم

وَ أَتَوَسَّلُ وَ أَتَشَفَّعُ، فَأَسْئَلُكَ يٰا اَللهُ يٰا اَللهُ يٰا اَللهُ، فَلَكَ ٱلحَمْدُ

و به تو توسل می‌جویم و از تو شفاعت می‌خواهم. پس ای خدا، ای خدا، ای خدا، تو را شکر

وَ لَكَ ٱلشُّكْرُ وَ إِلَيْكَ ٱلمُشْتَكىٰ وَ أَنْتَ ٱلمُسْتَعٰانُ، فَأَسْئَلُكَ

و سپاس می‌گویم و به تو شکایت می‌برم که تو یاری دهنده‌ای. از تو می‌خواهم

يٰا اَللهُ يٰا اَللهُ يٰا اَللهُ، بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ

ـ ای خدا به حق محمد و خاندانش که بر آنان درود

مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تَكْشِفَ عَنّى غَمّى وَ هَمّى وَ كَرْبى

فرستی و اندوه و رنج و ناراحتی و پریشانیم را برطرف سازی

فِی مَقامِی هٰذا کَما کَشَفْتَ عَنْ نَبِیِّكَ هَمَّهُ وَ غَمَّهُ وَ کَرْبَهُ

و در همین جا که اقامت دارم، بدانگونه که رنجها و غمهای پیامبرت را از میان بردی،

وَ کَفَیْتَهُ هَوْلَ عَدُوِّهِ، فَاکْشِفْ عَنِّی کَما کَشَفْتَ عَنْهُ وَ فَرِّجْ عَنِّی

غمهای مرا نیز برطرف ساز و همانگونه که بیم او را از دشمنان زایل ساختی، غم و رنج مرا نیز برطرف ساز و گشایشی

کَما فَرَّجْتَ عَنْهُ وَ اکْفِنِی کَما کَفَیْتَهُ، وَ اصْرِفْ عَنِّی هَوْلَ ما أَخافُ

در کارم پدید آور، همانگونه که در کار پیامبرت پدید آوردی و امورم را کفایت فرما، چنانکه از او کفایت فرمودی و هرچه

هَوْلَهُ وَ مَؤُونَةَ ما أَخافُ مَؤُونَتَهُ وَهَمَّ ما أَخافُ هَمَّهُ بِلا مَؤُونَةٍ

را که از آن بیم دارم تو با کرمت برطرف ساز و آنچه از دشواریش ترسانم و آنچه از آن

عَلٰی نَفْسِی مِنْ ذٰلِكَ، وَ اصْرِفْنِی بِقَضاءِ حَوائِجِی وَ کِفایَةِ

اندوهگین و پریشان خاطرم، بی‌هیچ رنجی برطرف کن و مرا با برآوردن حوائجم از اینجا

ما أَهَمَّنِی هَمُّهُ مِنْ أَمْرِ اٰخِرَتِی وَ دُنْیایَ یا أَرْحَمَ الرّاحِمِینَ.

بازگردان؛ حوائجی که مرا در دنیا و آخرت مشغول می‌دارد؛ ای مهربان‌ترین مهربانان.

۴ـ زیارت جامعه کبیره: که هر امام معصومی را، از نزدیک می‌توان با آن زیارت کرد، و از بهترین و جامعترین و پرمحتوی‌ترین زیارات است و شرح آن در ضمن زیارت حضرت امام رضا علیه السلام، خواهد آمد. در این باب، زیارتهای دیگری هم در کتابهای دعا ذکر شده است که اگر بتوانی بخوانی، توفیق الهی است.

تذکر ـ از عمده‌ترین و بهترین و لازم‌ترین عملها، در بقعهٔ مطهر امام حسین علیه السلام، دعا و تضرع و زاری به درگاه حق‌تعالی و درخواست حاجت برای خود و همهٔ خویشان و برادران و خواهران دینی است؛ زیرا طبق روایات، زیرِ قبهٔ حسینی، بهترین محل است، برای دعا و طلب حاجت، به زبان مادری.

خدای منان، اجابت خواسته‌های زائران آن حضرت را، عوض شهادت او قرار داده است. باید حضور و مکان و سعادتِ نصیب شده را غنیمت شمرد و همه چیز، برای همه مسلمین خواست. ای زائر گرامی! برای خویشان و نزدیکان خود، خاصه پدر و مادر، دعای اکید و مصرانه کن! برای کسانی که حقی در گردنت دارند و احتمال می‌دهی فردای رستاخیز به سراغت آیند، دعا کن برای نجات مسلمین و دفع شر از آنها. با تأکید، دست به دعا بردار و پیش از دعا، در وسط و آخر آن، بر پیامبر و آل او صلوات بفرست. خدا را به مقدسات عالم قسم ده. به اسماء عظام او، به ذات مقدس پیامبر اعظم و اولاد طاهرین او، به ارواح پاک انبیا و علما و شهدا قسم بده و اصرار کن. بکوش اشکی از چشمانت بیرون آید که علامت قبول است.

در این مرحله، کسی که معنی دعاهای عربی را بفهمد، نیکوست از دعاهای مأثور، یعنی الفاظ دعایی که معصوم انشاء فرموده است، بخواند؛ چه آنکه امام می‌داند که چه باید خواست و چگونه باید خواست و برای چه کسانی باید خواست و برای چه کسانی دعا و برای چه کسانی نفرین باید کرد. امام، شؤون حضور و درخواست حاجت را بهتر از همه می‌داند. ما در اینجا به بعضی از دعاهای ائمه علیهم السلام اشاره می‌کنیم.

اول ـ دعایی که امام، در ضمن برخی از زیارتها، انشاء فرموده است. دست به سوی حضرت حق بردار و بگو:

اَللّٰهُمَّ قَدْ تَرٰی مَكٰانِي وَ تَسْمَعُ كَلاٰمِي وَ تَرٰی مَقٰامِي وَ تَضَرُّعِي

خدایا، جایم را می‌بینی و سخنم را می‌شنوی و جایگاهم و گریه و زاری

وَ مَلاٰذِي بِقَبْرِ حُجَّتِكَ وَ ابْنِ نَبِيِّكَ، وَ قَدْ عَلِمْتَ يٰا سَيِّدِي

و پناه جستنم را به قبر حجّتت و فرزند پیامبرت می‌بینی و ای سرور من،

حَوٰائِجي وَ لاٰ يَخْفىٰ عَلَيْكَ حٰالي، وَ قَدْ تَوَجَّهْتُ إِلَيْکَ بِابْنِ

حاجتهای مرا می‌دانی و حالم از تو پوشیده نیست و با توسّل به پسر

رَسُولِكَ وَحُجَّتِكَ وَ أَمينِكَ وَ قَدْ أَتَيْتُكَ مُتَقَرِّباً بِهِ إِلَيْکَ وَ إِلىٰ

پیامبرت و حجّت و امینت به تو رو آورده‌ام و با او به تو و پیامبرت تقرّب

رَسُولِكَ، فَاجْعَلْني بِهِ عِنْدَكَ وَجيهاً فِي ٱلدُّنْيا وَ ٱلْآخِرَةِ وَمِنَ

می‌جویم، پس مرا به حق او در دنیا و آخرت از آبرومندان و مقرّبان

ٱلْمُقَرَّبينَ وَ أَعْطِني بِزِيٰارَتي أَمَلي وَ هَبْ لي مُنٰايَ وَ تَفَضَّلْ

درگاهت قرار ده و با زیارتم، آنچه را آرزو می‌کنم به من عطا فرما و آنچه را امید می‌برم به من ببخش

عَلَيَّ بِشَهْوَتي وَ رَغْبَتي وَ ٱقْضِ لي حَوٰائِجي وَ لاٰ تَرُدَّني خٰائِباً

و آنچه را دوست دارم و مشتاقم بر من تفضّل کن و حاجتهایم را برآورده ساز و مرا ناامید بازمگردان

وَ لاٰ تَقْطَعْ رَجٰائي وَ لاٰ تُخَيِّبْ دُعٰائي وَ عَرِّفْنِي ٱلْإِجٰابَةَ في

و امیدم را قطع مکن و دعایم را ناکام مگذار و اجابت همهٔ خواسته‌های

جَميعِ مٰا دَعَوْتُكَ مِنْ أَمْرِ ٱلدّينِ وَ ٱلدُّنْيا وَ ٱلْآخِرَةِ، وَ ٱجْعَلْني

دینی و دنیایی و آخرتی‌ام را به من بنما و مرا جزو آن دسته

مِنْ عِبٰادِكَ ٱلَّذينَ صَرَفْتَ عَنْهُمُ ٱلْبَلاٰيٰا وَ ٱلْأَمْرٰاضَ وَ ٱلْفِتَنَ

از بندگانت قرار ده که بلاها و بیماری‌ها و فتنه‌ها

وَ ٱلْأَعْرٰاضَ مِنَ ٱلَّذينَ تُحْييهِمْ في عٰافِيَةٍ وَ تُميتُهُمْ في عٰافِيَةٍ

و عارضه‌ها را از آنان بر می‌گردانی، کسانی که با عافیت زنده‌شان می‌داری و با عافیت می‌میرانی

وَ تُدْخِلُهُمُ ٱلْجَنَّةَ في عٰافِيَةٍ وَ تُجيرُهُمْ مِنَ ٱلنّٰارِ في عٰافِيَةٍ،

و با عافیت به بهشت می‌بری و با عافیت از آتش پناهشان می‌دهی و با بخششت،

وَ وَفِّقْ لي بِمَنِّ مِنْكَ صَلاحَ ما أُؤَمِّلُ في نَفْسي وَ أَهْلي وَ وَلَدي
موفّقم بدار تا به آرزوهای شایسته‌ام دربارهٔ خود و خانواده و فرزندان

وَ إِخْواني وَ مالي وَ جَميعِ ما أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ يا أَرْحَمَ الرّاحِمينَ.[1]
و برادران و دارایی و همهٔ نعمت‌هایی که به من داده‌ای برسم، ای مهربان‌ترین مهربانان.

دوم ـ دعای عالیة المضامین، که در ضمن زیارت حضرت رضا علیه السلام، ذکر شده است، و می‌توانی اگر وقت داشته باشی، دعای مکارم الاخلاق، شعبانیه و مناجات خمسة عشر را نیز بخوانی.

فصل پنجم

زیارت حضرت ابوالفضل عباس بن علی بن ابیطالب علیه السلام، در کربلای معلی

چون قصد زیارت آن حضرت کنی، با کمال اخلاص، مقام والای آن شهید بزرگوار را در نظر آر و از خدمات و فداکاریهای فوق تصور او، از همت والای او، از کوشش فوق‌العادهٔ او در محافظت از وجود اقدس حسینی و یاران و اولاد و اهل حرم آن حضرت! چون به درب حرم مطهر رسیدی، بایست و بگو:

سَلامُ اللهِ وَ سَلامُ مَلائِكَتِهِ الْمُقَرَّبينَ وَ أَنْبِيائِهِ الْمُرْسَلينَ
سلام خدا و سلام فرشتگان مقرّبش و پیامبران فرستاده‌اش

وَ عِبادِهِ الصّالِحينَ وَ جَميعِ الشُّهَداءِ وَالصِّدّيقينَ وَالزّاكِياتِ
و بندگان صالحش و همهٔ شهیدان و صدّیقان و پاکیزگان

الطَّيِّباتِ فيما تَغْتَدي وَ تَرُوحُ، عَلَيْكَ يَابْنَ أَميرِ الْمُؤْمِنينَ،
پاک در هر صبح و شام بر تو ای پسر امیرمؤمنان.

---

۱. المزار الشیخ المفید / ۱۱۱ ـ بحار الانوار / ۹۸ / ۲۱۲.

أَشْهَدُ لَكَ بِالتَّسْليمِ وَ التَّصْديقِ وَ الْوَفاءِ وَ النَّصيحَةِ لِخَلَفِ
من بر تسلیم و تصدیق و وفا و خیرخواهی تو برای جانشین

النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ الْمُرْسَلِ وَ السِّبْطِ الْمُنْتَجَبِ
پیامبر فرستاده شده صلی الله علیه و آله و آن سبط برگزیده،

وَ الدَّليلِ الْعالِمِ وَ الْوَصِيِّ الْمُبَلِّغِ وَ الْمَظْلُومِ الْمُهْتَضَمِ،
راهنمای دانا، وصیّ مبلّغ و مظلوم جفادیده،

فَجَزاكَ اللهُ عَنْ رَسُولِهِ وَ عَنْ أَميرِ الْمُؤْمِنينَ وَ عَنِ الْحَسَنِ
گواهی می‌دهم. خداوند از جانب پیامبرش و امیرمؤمنان و حسن

وَ الْحُسَيْنِ صَلَواتُ اللهِ عَلَيْهِمْ، أَفْضَلَ الْجَزاءِ بِما صَبَرْتَ
و حسین ـ که درودهای او بر آنان باد به تو بهترین پاداش را در برابر صبر

وَ احْتَسَبْتَ وَ أَعَنْتَ فَنِعْمَ عُقْبَى الدّارِ، لَعَنَ اللهُ مَنْ قَتَلَكَ
و شکیبایی به خاطر او و یاوریت عطا کند که چه نیکوست خوش فرجامی. خدا لعنت کند آن که تو را کشت

وَ لَعَنَ اللهُ مَنْ جَهِلَ حَقَّكَ وَ اسْتَخَفَّ بِحُرْمَتِكَ وَ لَعَنَ اللهُ
و خدا لعنت کند آن که حق تو را ندانست و حرمتت را سبک شمرد و خدا لعنت کند

مَنْ حالَ بَيْنَكَ وَ بَيْنَ ماءِ الْفُراتِ، أَشْهَدُ أَنَّكَ قُتِلْتَ مَظْلُوماً
آن که میان تو و آب فرات مانع شد. گواهی می‌دهم که تو مظلومانه کشته شدی

وَ أَنَّ اللهَ مُنْجِزٌ لَكُمْ ما وَعَدَكُمْ، جِئْتُكَ يَا بْنَ أَميرِ الْمُؤْمِنينَ
و خداوند به وعده‌هایی که به شما داده وفا می‌کند. ای پسر امیرمؤمنان، من به بارگاه

وافِداً إِلَيْكُمْ وَ قَلْبي مُسَلِّمٌ لَكُمْ وَ تابِعٌ وَ أَنَا لَكُمْ تابِعٌ
تو آمده‌ام و قلبم تسلیم و تابع شما و خود نیز پیرو شما

وَ نُصْرَتي لَكُمْ مُعَدَّةٌ حَتّٰى يَحْكُمَ ٱللّٰهُ وَ هُوَ خَيْرُ ٱلْحاكِمينَ،

و ياريم برايتان آماده است تا آنگاه كه خداوند حكم كند كه او بهترين حاكمان است.

فَمَعَكُمْ، مَعَكُمْ لا مَعَ عَدُوِّكُمْ، إِنّي بِكُمْ وَ بِإِيابِكُمْ مِنَ

من با شمايم با شما، نه با دشمنتان. من به شما و رجعتتان

ٱلْمُؤْمِنينَ وَ بِمَنْ خالَفَكُمْ وَ قَتَلَكُمْ مِنَ ٱلْكافِرينَ، قَتَلَ ٱللّٰهُ

ايمان دارم و مخالفان و قاتلان شما را قبول ندارم. خدا بكشد

أُمَّةً قَتَلَتْكُمْ بِالْأَيْدي وَ ٱلْأَلْسُنِ، ٱلسَّلامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا ٱلْعَبْدُ

كسانى را كه با دست و زبان (خود) شما را كشتند. سلام بر تو اى بندهٔ

ٱلصّالِحُ ٱلْمُطيعُ لِلّٰهِ وَ لِرَسُولِهِ وَ لِأَميرِ ٱلْمُؤْمِنينَ وَ ٱلْحَسَنِ

صالح، مطيع خدا و رسولش و اميرمؤمنان و حسن

وَ ٱلْحُسَيْنِ صَلَّى ٱللّٰهُ عَلَيْهِمْ وَ سَلَّمَ، ٱلسَّلامُ عَلَيْكَ وَ رَحْمَةُ

و حسين ـ كه سلام و درود خدا بر آنان باد سلام بر تو و رحمت

ٱللّٰهِ وَ بَرَكاتُهُ وَ مَغْفِرَتُهُ وَ رِضْوانُهُ وَ عَلىٰ رُوحِكَ وَ بَدَنِكَ،

و بركات و مغفرت و رضوان خداوند بر تو و بر جان و پيكرت باد.

أَشْهَدُ وَ أُشْهِدُ ٱللّٰهَ أَنَّكَ مَضَيْتَ عَلىٰ ما مَضىٰ بِهِ ٱلْبَدْرِيُّونَ

گواهى مى‌دهم و خدا را گواه مى‌گيرم كه تو همان راهى را پيمودى كه جنگاوران بدر

وَ ٱلْمُجاهِدُونَ في سَبيلِ ٱللّٰهِ، ٱلْمُناصِحُونَ لَهُ في جِهادِ

و مجاهدان راه خدا، آن خالصان در جهاد با

أَعْدائِهِ، ٱلْمُبالِغُونَ في نُصْرَةِ أَوْلِيائِهِ، ٱلذّابُّونَ عَنْ أَحِبّائِهِ،

دشمنان خدا و كوشندگان در يارى اوليايش و دفاع از دوستدارانش پيمودند.

فَجَزٰاكَ اللّٰهُ أَفْضَلَ الْجَزٰاءِ وَ أَكْثَرَ الْجَزٰاءِ وَ أَوْفَرَ الْجَزٰاءِ

خداوند برترین و بیشترین و فراوان‌ترین و کامل‌ترین پاداشی

وَ أَوْفیٰ جَزٰاءِ أَحَدٍ مِمَّنْ وَفیٰ بِبَیْعَتِهِ وَ اسْتَجٰابَ لَهُ دَعْوَتَهُ

را به تو جزا دهد که به کسی که به بیعتش وفا و دعوت او را اجابت

وَ أَطٰاعَ وُلاٰةَ أَمْرِهِ، أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ بٰالَغْتَ فِی النَّصِیحَةِ

و از صاحبان امرش اطاعت می‌کند، می‌دهد. گواهی می‌دهم که تو در خیرخواهی کوشیدی

وَ أَعْطَیْتَ غٰایَةَ الْمَجْهُودِ، فَبَعَثَكَ اللّٰهُ فِی الشُّهَدٰاءِ وَ جَعَلَ

و نهایت سعی خود را کردی، خدا تو را در زمرهٔ شهیدان برانگیزد و روحت را

رُوحَكَ مَعَ أَرْوٰاحِ السُّعَدٰاءِ وَ أَعْطٰاكَ مِنْ جِنٰانِهِ، أَفْسَحَهٰا

با ارواح سعادتمندان قرار دهد و از بهشتش، وسیع‌ترین

مَنْزِلاً وَ أَفْضَلَهٰا غُرَفاً، وَ رَفَعَ ذِكْرَكَ فی عِلِّیینَ وَ حَشَرَكَ مَعَ

منزل و برترین غرفه را به تو عطا کند و نامت را در علیین بالا برد و تو را با

النَّبِیّینَ وَ الصِّدّیقینَ وَ الشُّهَدٰاءِ وَ الصّٰالِحینَ وَ حَسُنَ

پیامبران و صدیقان و شهیدان و صالحان محشور گرداند که

أُولٰئِكَ رَفیقاً، أَشْهَدُ أَنَّكَ لَمْ تَهِنْ وَ لَمْ تَنْكُلْ وَ أَنَّكَ مَضَیْتَ

نیکوترین رفیقانند. گواهی می‌دهم که تو سستی نکردی و باز نایستادی و با

عَلٰی بَصیرَةٍ مِنْ أَمْرِكَ مُقْتَدِیاً بِالصّٰالِحینَ وَ مُتَّبِعاً لِلنَّبِیّینَ،

بصیرت راه پیمودی و به صالحان اقتدا و از پیامبران پیروی کردی.

فَجَمَعَ اللّٰهُ بَیْنَنٰا وَ بَیْنَكَ وَ بَیْنَ رَسُولِهِ وَ أَوْلِیٰائِهِ فی مَنٰازِلِ

خداوند، ما و تو و پیامبر و اولیایش را در جایگاه خاضعان

اَلْمُخْبِتِينَ، فَاِنَّهُ أَرْحَمُ ٱلرَّاحِمِينَ.[۱]

گرد آورد که او مهربان‌ترین مهربانان است.

سپس، دو رکعت نماز بخوان و ثواب آن را به روح مطهر آن حضرت هدیه کن و هرچه بتوانی برای خویش و دیگران دعا کن، که امید است محروم نباشی انشاءالله!

فصل ششم

زیارت حضرت موسی بن جعفر و امام محمدتقی علیهما السلام، در کاظمین

پس از قصد تشرف به حرم مطهر امامین همامین و تحصیل طهارت، غسل زیارت کن، یعنی دو غسل، به قصد دو امام، در قالب یک غسل یا جداجدا. سپس با اعتقاد کامل به مقام والای امامت و ولایت هر دو امام و اذعان به مقام محمود شفاعت آنها در عالم آخرت، آنگاه که به درب حرم مطهر برسی، با قلبی مملو از محبت و شور و عشق و دلی سرشار از رجا و امید و در عین حال قلبی مضطرب و لرزان از شرم گناه و ترس عدم پذیرش و قبول؛ و البته، غلبهٔ امید بر ترس، در مقابل درگاه بایست و بگو:

اَلسَّلامُ عَلٰى رَسُولِ ٱللهِ، أَمِينِ ٱللهِ عَلٰى وَحْيِهِ وَ عَزَآئِمِ

سلام بر پیامبر خدا، امین خدا بر وحیش و عزایمِ

أَمْرِهِ ٱلْخَاتِمِ لِمَا سَبَقَ وَ ٱلْفَاتِحِ لِمَا ٱسْتُقْبِلَ وَ ٱلْمُهَيْمِنِ

امرش، خاتمِ پیامبران گذشته و گشایندهٔ آینده و برتر

عَلٰى ذٰلِكَ كُلِّهِ وَ رَحْمَةُ ٱللهِ وَ بَرَكَاتُهُ، اَلسَّلامُ عَلٰى صَاحِبِ

از همهٔ آنان و نیز رحمت و برکات خدا. سلام بر صاحب

---

۱. بحار الانوار / ۹۸ / ۲۱۷.

اَلسَّـكِينَةِ، اَلسَّلامُ عَـلَى الْمَدْفُونِ بِالْمَدِينَةِ، اَلسَّلامُ عَلَى

سکینه، سلام بر مدفون در مدینه. سلام بر

الْمَنْصُورِ الْمُؤَيَّدِ، اَلسَّلامُ عَلَى أَبِي الْقاسِمِ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللهِ

آن یاری شده و تأیید گشته، سلام بر ابوالقاسم محمّدبن عبدالله

وَ رَحْمَةُ اللهِ وَ بَرَكاتُهُ.

و نیز رحمت و برکات خداوند.

و چون داخل حرمین شریفین شدی، نزدیک ضریح مطهر، به قصد زیارت حضرت موسی بن جعفر علیه السلام بگو:

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا نُورَ اللهِ فِي ظُلُماتِ الْأَرْضِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ

سلام بر تو ای نور خدا در تاریکی‌های زمین، سلام بر تو

يا وَلِيَّ اللهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا حُجَّةَ اللهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا بابَ

ای ولیّ خدا، سلام بر تو ای حجّت خدا، سلام بر تو ای باب

اللهِ، أَشْهَدُ أَنَّكَ أَقَمْتَ الصَّلٰوةَ وَ آتَيْتَ الزَّكٰوةَ وَ أَمَرْتَ

خدا. گواهی می‌دهم که نماز را برپا داشتنی و زکات را پرداختی و امر

بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ تَلَوْتَ الْكِتابَ حَقَّ تِلاوَتِهِ

به معروف و نهی از منکر کردی و قرآن را تلاوت نمودی، چنانکه حق آن بود

وَجاهَدْتَ فِي اللهِ حَقَّ جِهادِهِ وَصَبَرْتَ عَلَى الْأَذىٰ فِي جَنْبِهِ

و در راه خدا جهاد کردی چنانکه حق آن بود و بر اذیت در این راه، خالصانه صبر

مُحْتَسِباً وَ عَبَدْتَهُ مُخْلِصاً حَتّىٰ أَتاكَ الْيَقِينُ، أَشْهَدُ أَنَّكَ أَوْلىٰ

نمودی و خدا را خالصانه تا فرا رسیدن یقین عبادت‌کردی. گواهی می‌دهم‌که تو

بِاللهِ وَ بِرَسُولِهِ وَ أَنَّكَ ٱبْنُ رَسُولِ ٱللهِ حَقّاً، أَبْرَءُ إِلَى ٱللهِ مِنْ

به خداوند و پیامبرش نزدیک‌تر و بحقّ فرزند پیامبر خدا هستی. از دشمنانت به سوی خدا

أَعْدٰائِكَ وَ أَتَقَرَّبُ إِلَى ٱللهِ بِمُوٰالاٰتِكَ، أَتَيْتُكَ يٰا مَوْلاٰيَ عٰارِفاً

بیزاری و با دوستی تو به خداوند تقرّب می‌جویم. مولای من، با معرفت

بِـحَقِّكَ مُوٰالِياً لِأَوْلِيٰائِكَ مُعٰادِياً لِأَعْدٰائِكَ فَاشْفَعْ لي عِنْدَ رَبِّكَ.[1]

به حقّت با دوست داشتن اولیایت و دشمن داشتن دشمنانت نزد تو آمده‌ام، پس نزد پروردگارت، مرا شفاعت کن.

و سپس بخوان این زیارت را، که مرحوم ابن طاووس نقل کرده است و شامل بخشی از فضائل و مظلومیت آن حضرت است:

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ وَ صَلِّ عَلٰى مُوسَى بْنِ

خدایا بر محمّد و خاندانش صلوات فرست و نیز بر موسی بن

جَعْفَرٍ وَصِيِّ ٱلْأَبْرٰارِ وَ إِمٰامِ ٱلْأَخْيٰارِ وَ عَيْبَةِ ٱلْأَنْوٰارِ وَ وٰارِثِ

جعفر، آن وصیّ نیکان و پیشوای برگزیدگان و خزانهٔ نورها و وارثِ

ٱلسَّكِينَةِ وَ ٱلْوَقٰارِ وَ الْحِكَمِ وَ ٱلْآثٰارِ، ٱلَّذي كٰانَ يُحْيِي ٱللَّيْلَ

سکینه و وقار و حکمت‌ها و آثار، صلوات فرست. آن که شب را تا

بِالسَّهَرِ إِلَى ٱلسَّحَرِ بِمُوٰاصَلَةِ ٱلاِسْتِغْفٰارِ، حَلِيفِ ٱلسَّجْدَةِ

به سحر به عبادت و استغفار زنده می‌داشت، آن که با سجده‌های

ٱلطَّوِيلَةِ وَٱلدُّمُوعِ ٱلْغَزِيرَةِ وَ ٱلْمُنٰاجٰاتِ ٱلْكَثِيرَةِ وَٱلضَّرٰاعٰاتِ

طولانی و اشک‌های فراوان و مناجات بسیار و ضجه‌های پیوسته

---

۱. المزار المشهدی / ۵۳۷ـ المزار الشهید الاول / ۱۸۹.

اَلْمُتَّصِلَةِ، وَ مَقَرِّ اَلنُّهیٰ وَ اَلْعَدْلِ وَ اَلْخَیْرِ وَ اَلْفَضْلِ وَ اَلنَّدیٰ

پیمان بسته بود، او که قرارگاه عقل و عدل و خیر و فضل و بخشش

وَ اَلْبَذْلِ، وَ مَأْلَفِ اَلْبَلْویٰ وَ اَلصَّبْرِ، وَ اَلْمُضْطَهَدِ بِالظُّلْمِ،

و بذل بود، او که خو کرده به بلا و صبر، و آزار دیده به ظلم

وَ اَلْمَقْبُورِ بِالْجَوْرِ، وَ اَلْمُعَذَّبِ فی قَعْرِ اَلسُّجُونِ وَ ظُلَمِ

و زندان کشیده به ستم و شکنجه شده در اعماق زندان‌ها و سیاه‌چال‌ها

اَلْمَطامیرِ، ذِی اَلسّاقِ اَلْمَرْضُوضِ بِحَلَقِ اَلْقُیُودِ وَ اَلْجَنازَةِ

بود، او که پاهایش از حلقه‌های زنجیر، خراشیده و بر جنازهٔ مطهرش

اَلْمُنادیٰ عَلَیْها بِذُلِّ اَلاِسْتِخْفافِ، وَ اَلْوارِدِ عَلیٰ جَدِّهِ اَلْمُصْطَفیٰ

بدون احترام صدا می‌زدند [که این امام رافضیان است] و در همان حال بر جدّش مصطفی

وَ أَبیهِ اَلْمُرْتَضیٰ وَ أُمِّهِ سَیِّدَةِ اَلنِّساءِ بِإِرْثٍ مَغْصُوبٍ وَ وَلاءٍ

و پدرش مرتضی و مادرش سرور زنان وارد گشت، با ارثی غصب شده و ولایتی

مَسْلُوبٍ وَ أَمْرٍ مَغْلُوبٍ وَ دَمٍ مَطْلُوبٍ وَ سَمٍّ مَشْرُوبٍ، اَللّٰهُمَّ

به تاراج رفته و امارتی شکست خورده و خونی ریخته شده و سمّی نوشیده شده. خدایا،

وَ کَما صَبَرَ عَلیٰ غَلیظِ اَلْمِحَنِ وَ تَجَرَّعَ غُصَصَ اَلْکُرَبِ

آن گونه که او بر محنت‌های سخت صبر کرد و غصه‌های رنج را جرعه جرعه سرکشید

وَ اسْتَسْلَمَ لِرِضاكَ وَ أَخْلَصَ اَلطّاعَةَ لَكَ وَ مَحَضَ اَلْخُشُوعَ

و در برابر رضایت تو سر تسلیم فرو آورد و خالصانه اطاعتت کرد و در ظاهر

وَ اسْتَشْعَرَ اَلْخُضُوعَ وَ عادَی اَلْبِدْعَةَ وَ أَهْلَها وَ لَمْ یَلْحَقْهُ

و باطن خضوع و خشوع ورزید و با بدعت و بدعتگذاران دشمنی نمود

فِي شَيْءٍ مِنْ أَوٰامِرِكَ وَ نَوٰاهِيكَ لَوْمَةُ لاٰئِمٍ، صَلِّ عَلَيْهِ صَلوٰةً
و در هیچ یک از اوامر و نواهی تو، ملامت ملامت گران بر او اثری نگذاشت بر او صلوات فرست،

نٰامِيَةً مُنِيفَةً زٰاكِيَةً تُوجِبُ لَهُ بِهٰا شَفٰاعَةَ أُمَمٍ مِنْ خَلْقِكَ وَقُرُونٍ
درودی افزون شونده و رفیع و پاک که شفاعت امتهایی از خلق تو و نسلهایی

مِنْ بَرٰايٰاكَ، وَ بَلِّغْهُ عَنّٰا تَحِيَّةً وَ سَلاٰماً وَ آتِنٰا مِنْ لَدُنْكَ فِي
از ساکنان زمینت را سبب شود و سلام و درودی از ما به او برسان و به ما هم به دلیل

مُوٰالاٰتِهِ فَضْلاً وَ إِحْسٰاناً وَ مَغْفِرَةً وَ رِضْوٰاناً، إِنَّكَ ذُوالْفَضْلِ
دوستی او، فضل و احسان و آمرزش و رضوانت را عطا بفرما که تو دارای فضل

اَلْعَمِيمِ وَ اَلتَّجٰاوُزِ اَلْعَظِيمِ، بِرَحْمَتِكَ يٰا أَرْحَمَ اَلرّٰاحِمِينَ.[1]
فراگیر و عفو و گذشت عظیم هستی، به رحمتت ای مهربان‌ترین مهربانان.

(بعد نماز زیارت بگذار و دعا کن. سپس قصد زیارت مخصوص حضرت جواد الائمه علیه السلام نما و بخوان :)

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ اَلْإِمٰامِ اَلتَّقِيِّ اَلنَّقِيِّ اَلرَّضِيِّ
خدایا صلوات فرست بر محمّد بن علی امام تقی و پاک که او از خدا

اَلْمَرْضِيِّ وَ حُجَّتِكَ عَلىٰ مَنْ فَوْقَ اَلْأَرْضِ وَ مَنْ تَحْتَ
و خدا نیز از وی راضی بود و حجّت تو بر آنان که روی زمین و یا زیر

اَلثَّرىٰ، صَلوٰةً كَثِيرَةً نٰامِيَةً زٰاكِيَةً مُبٰارَكَةً مُتَوٰاصِلَةً مُتَرٰادِفَةً
خاک هستند، صلواتی فراوان، افزون‌شونده، پاک و مبارک، و متصل و پشت هم

---

۱ . بحار الانوار / ۹۹ / ۱۷.

مُتَواتِرَةً كَأَفْضَلِ ما صَلَّيْتَ عَلىٰ أَحَدٍ مِنْ أَوْلِيٰآئِكَ، وَ ٱلسَّلامُ
و مکرر همچون برترین صلواتی که بر اَحَدی از اولیاء خود فرستاده‌ای و سلام
عَلَيْكَ يٰا وَلِيَّ ٱللهِ، ٱلسَّلامُ عَلَيْكَ يٰا نُورَ ٱللهِ، ٱلسَّلامُ عَلَيْكَ
بر تو ای ولیّ خدا، سلام بر تو ای نور خدا، سلام بر تو
يٰا حُجَّةَ ٱللهِ، ٱلسَّلامُ عَلَيْكَ يٰا إِمامَ ٱلْمُؤْمِنِينَ وَ وٰارِثَ
ای حجّت خدا، سلام بر تو ای امام مؤمنان و وارث
عِلْمِ ٱلنَّبِيِّينَ وَ سُلالَةَ ٱلْوَصِيِّينَ، ٱلسَّلامُ عَلَيْكَ يٰا نُورَ ٱللهِ
علم پیامبران و فرزند اوصیا. سلام بر تو ای نور خدا
فِي ظُلُماتِ ٱلْأَرْضِ، أَتَيْتُكَ زٰائِراً عٰارِفاً بِحَقِّكَ، مُعٰادِياً
در تاریکی‌های زمین، من با معرفت به حقّت و دشمنی
لِأَعْدٰآئِكَ، مُوٰالِياً لِأَوْلِيٰآئِكَ، فَاشْفَعْ لي عِنْدَ رَبِّكَ.
با دشمنانت و دوستی اولیایت، به زیارتت آمده‌ام، پس نزد پروردگارت مرا شفاعت کن.

(و نماز بخوان و حاجت بخواه.)

از زیارتهای مخصوص دو امام همام حضرت موسی و حضرت جواد علیهما‌السلام، به دو زیارت مختصر بسنده کردیم؛ و زائر محترم می‌تواند زیارتهای عامهٔ پرمحتوا و معتبر را بجا آورد؛ مانند زیارت امین‌الله، که در ضمن زیارتهای حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام گذشت، و هر یک از دو امام را می‌توان جداجدا، با آن زیارت، و زیارت جامعهٔ کبیره زیارت کرد. نیکوست بعد از زیارتها، دعای عالیة المضامین، که پس از زیارت حضرت رضا علیه‌السلام آورده‌ایم، قرائت شود. خداوند، روح معرفت امام را، در همهٔ ما تقویت کند و عرض سلام و ادب ما را بپذیرد.

فصل هفتم

زیارت حضرت علی نقی و حضرت حسن عسکری ﷺ، در سامراء

چون زائر محترم، قصد تشرف به حرم مطهر امامین همامین امام علی نقی و امام حسن عسکری ﷺ نماید، مناسب است ابتدا، عظمت سعادت این محضر را، که فرشتگان آسمان بدان افتخار می‌کنند، درک کند؛ با اعتقاد راسخ به مقام ولایت خاصه و امامت عامه و خلافت منصوصه، و با اذعان کامل به مقام محمود شهادتشان در دنیا و شفاعتشان در آخرت، قدم جلو نهد. بداند که آنها زائران خود را در بقعهٔ منوّر، خویش می‌بینند، عرض ادبها و اظهار نیازها را می‌شنوند و سلامهای برخواسته از مهر درونی را جواب می‌دهند. آری! انشاءالله، با قلبی پر از عشق، مودت، شور، محبت و ارادت، غسل می‌کنی؛ دو غسل زیارت برای دو امام، در قالب یک غسل، انجام می‌دهی. چون در مقابل درب ورودی آستان ملک پاسبان ایستادی، ابتدا به زبان خویش از حضرت خداوند و از پیامبر و علی و زهرا و همهٔ امامان ﷺ و فرشتگانِ خدمهٔ حضور، اجازهٔ ورود و رخصت حضور می‌طلبی و این اذن دخول را می‌خوانی:

اَلسَّلامُ عَلٰی رَسُولِ اللّٰهِ، أَمِینِ اللّٰهِ عَلٰی وَحْیِهِ وَ عَزٰائِمِ أَمْرِهِ

سلام بر فرستادهٔ خدا، امین خدا بر وحیش و عزایم امرش،

اَلْخٰاتِمِ لِمٰا سَبَقَ وَ الْفٰاتِحِ لِمَا اسْتُقْبِلَ وَ الْمُهَیْمِنِ عَلٰی ذٰلِكَ

خاتم پیامبران گذشته و گشایندهٔ آینده و برتر از

کُلِّهِ وَ رَحْمَةُ اللّٰهِ وَ بَرَکٰاتُهُ، اَلسَّلامُ عَلٰی صٰاحِبِ السَّکِینَةِ، اَلسَّلامُ

همهٔ آنان و نیز رحمت و برکات خدا. سلام بر صاحب سکینه، سلام

عَلَى ٱلْمَدْفُونِ بِالْمَدِينَةِ، ٱلسَّلاٰمُ عَلَى ٱلْمَنْصُورِ ٱلْمُؤَيَّدِ، ٱلسَّلاٰمُ

بر مدفون در مدینه. سلام بر آن یاری شده و تأیید گشته، سلام

عَلٰى أَبِى ٱلْقٰاسِمِ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ ٱللهِ وَ رَحْمَةُ ٱللهِ وَ بَرَكٰاتُهُ.

بر ابوالقاسم محمّدبن عبدالله و نیز رحمت و برکات خدا.

(سپس وارد حرم اطهر شده، در هر طرف که میسر شد، می‌ایستی و اگر نتوانی می‌نشینی و زیارت زیر را، که صحیح‌ترین زیارتهاست، می‌خوانی:)

أَشْهَدُ أَنْ لاٰ إِلٰهَ إِلاَّ ٱللهُ وَحْدَهُ لاٰ شَرِيكَ لَهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّداً

شهادت می‌دهم که جز خدا معبودی نیست. یگانه است و شریک ندارد و شهادت می‌دهم که محمد

عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ، جٰاءَ بِالْحَقِّ مِنْ عِنْدِهِ وَ صَدَّقَ ٱلْمُرْسَلِينَ،

بنده و فرستادهٔ اوست. حق را از طرف خدا آورده است و رسولان را تصدیق فرموده است.

ٱلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ يٰا رَسُولَ ٱللهِ، ٱلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ يٰا حَبِيبَ ٱللهِ

سلام بر تو ای رسول خدا، سلام بر تو ای حبیب خدا

وَ خِيَرَتَهُ مِنْ خَلْقِهِ، ٱلسَّلاٰمُ عَلَى أَمِيرِ ٱلْمُؤْمِنِينَ، عَبْدِ ٱللهِ

و برگزیدهٔ او از آفریدگانش. سلام بر امیرمؤمنان بندهٔ خدا

وَ أَخِي رَسُولِ ٱللهِ، يٰا مَوْلاٰىَ يٰا أَمِيرَ ٱلْمُؤْمِنِينَ عَبْدُكَ وَ ٱبْنُ

و برادر رسول خدا ای مولای من یا امیرالمؤمنین غلام تو و فرزند

عَبْدِكَ وَ ٱبْنُ أَمَتِكَ جٰاءَكَ مُسْتَجِيراً بِذِمَّتِكَ، قٰاصِداً إِلٰى

غلام تو و پسر کنیز تو نزد تو آمده است پناهنده به درگاه تو و به قصد

حَرَمِكَ، مُتَوَجِّهاً إِلَى مَقٰامِكَ، مُتَوَسِّلاً إِلَى ٱللهِ تَعٰالٰى بِكَ،

حرم تو و روی به مقام تو آورده و به تو متوسل شده است نزد خدا

ءَأَدْخُلُ يا مَوْلايَ، ءَأَدْخُلُ يا أَميرَ ٱلْمُؤْمِنينَ، ءَأَدْخُلُ يا حُجَّةَ

ای مولای من آیا وارد شوم؟ یا امیرالمؤمنین آیا وارد شود؟ آیا وارد شوم ای حجت

ٱللهِ، ءَأَدْخُلُ يا أَمينَ ٱللهِ، ءَأَدْخُلُ يا مَلائِكَةَ ٱللهِ ٱلْمُقيمينَ في

خدا؟ آیا وارد شوم ای امین خدا؟ آیا وارد شوم ای ملائکه خدا که در این حرم

هٰذَا ٱلْمَشْهَدِ، يا مَوْلايَ أَتَأْذَنُ لي بِالدُّخُولِ أَفْضَلَ ما أَذِنْتَ

اقامت دارید؟ ای مولای من آیا به من اجازه ورود می‌دهی؟ بهترین اجازه‌ای که

لِأَحَدٍ مِنْ أَوْلِيائِكَ فَإِنْ لَمْ أَكُنْ لَهُ أَهْلاً فَأَنْتَ أَهْلٌ لِذٰلِكَ.

به احدی از دوستانت داده‌ای؟ اگر من شایستهٔ آن نیستم اما تو سزاوار آن هستی.

پس از ورود به حرم بایست و بگو:

اَلسَّلامُ عَلَيْكُما يا وَلِيَّيِ ٱللهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكُما يا حُجَّتَيِ ٱللهِ،

سلام بر شما ای دو ولیّ خدا، سلام بر شما ای دو حجّت خدا،

اَلسَّلامُ عَلَيْكُما يا نُورَيِ ٱللهِ في ظُلُماتِ ٱلْأَرْضِ، اَلسَّلامُ

سلام بر شما ای دو نور خدا در تاریکی‌های زمین، سلام

عَلَيْكُما يا مَنْ بَدا لِلّٰهِ في شَأْنِكُما، أَتَيْتُكُما زائِراً عارِفاً

بر شما که خداوند شأن شما را آشکار نمود، من با معرفت

بِحَقِّكُما، مُعادِياً لِأَعْدائِكُما، مُوالِياً لِأَوْلِيائِكُما، مُؤْمِناً

به حقّتان و دشمنی دشمنانتان و دوستی اولیایتان و ایمان

بِما آمَنْتُما بِهِ، كافِراً بِما كَفَرْتُما بِهِ، مُحَقِّقاً لِما حَقَّقْتُما،

به آنچه ایمان آورده‌اید و کفر به آنچه بدان کفر ورزیده‌اید و تصدیق آنچه تصدیق کرده‌اید

مُبْطِلاً لِما أَبْطَلْتُما، أَسْئَلُ اللّٰهَ رَبّي وَ رَبَّكُما أَنْ يَجْعَلَ حَظّي

و ابطال آنچه باطل می‌دانید، به زیارت شما آمده‌ام. از خداوند، پروردگارم و پروردگار شما

مِنْ زِيارَتِكُمَا الصَّلوٰةَ عَلى مُحَمَّدٍ وَ الِهِ وَ أَنْ يَرْزُقَني

می‌خواهم که نصیبم را از زیارت شما، صلوات بر محمّد و خاندانش قرار دهد

مُرافَقَتَكُما فِي الْجِنانِ مَعَ اٰبائِكُمَا الصّالِحينَ، وَ أَسْئَلُهُ أَنْ يُعْتِقَ

و همراهی با شما و نیاکان صالحتان را در بهشت روزیم کند و از او

رَقَبَتي مِنَ النّارِ وَ يَرْزُقَني شَفاعَتَكُما وَ مُصاحَبَتَكُما وَ يُعَرِّفَ

می‌خواهم شفاعت و مصاحبت شما را روزیم سازد و شما را به من بشناساند

بَيْني وَ بَيْنَكُما وَ لا يَسْلُبَني حُبَّكُما وَ حُبَّ اٰبائِكُمَا الصّالِحينَ

و محبت شما و نیاکان صالحتان را از من سلب نکند

وَأَنْ لا يَجْعَلَهُ اٰخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيارَتِكُما وَيَحْشُرَني مَعَكُما فِي

و این زیارت را برای من آخرین زیارتتان قرار ندهد و با رحمتش مرا در

الْجَنَّةِ بِرَحْمَتِهِ، اَللّٰهُمَّ ارْزُقْني حُبَّهُما وَ تَوَفَّني عَلى مِلَّتِهِما،

بهشت با شما محشور کند. خدایا حبّ آن دو را روزیم کن و مرا بر دین آنان بمیران.

اَللّٰهُمَّ الْعَنْ ظالِمي اٰلِ مُحَمَّدٍ حَقَّهُمْ وَ انْتَقِمْ مِنْهُمْ، اَللّٰهُمَّ الْعَنِ

خدایا ظالمان در حق آل محمّد را لعنت کن و از آنان انتقام بگیر. خدایا

الْأَوَّلينَ مِنْهُمْ وَ الْاٰخِرينَ وَ ضاعِفْ عَلَيْهِمُ الْعَذابَ وَ أَبْلِغْ بِهِمْ

اولین و آخرینشان را لعنت کن و عذاب را بر آنان دوچندان ساز و آنان

وَ بِأَشْياعِهِمْ وَ مُحِبّيهِمْ وَ مُتَّبِعيهِمْ أَسْفَلَ دَرْكٍ مِنَ الْجَحيمِ

و پیروان و دوستداران و دنباله‌روانشان را به پست‌ترین درجهٔ جهنم برسان

إِنَّكَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَديرٌ، اَللّٰهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَ وَلِيِّكَ وَ ابْنِ
که تو بر هر کار توانایی. خدایا، در فرج ولیّت و فرزند

وَلِيِّكَ وَ اجْعَلْ فَرَجَنٰا مَعَ فَرَجِهِمْ يٰا أَرْحَمَ الرّاحِمينَ.
ولیّت تعجیل فرما و فرج و گشایش ما را با فرج آنان قرار ده. ای مهربان‌ترین مهربانان.

سپس، برای هر امامی، دو رکعت نماز زیارت می‌گزاری و اگر حالت مقتضی باشد، هر یک از دو نور الهی را با زیارت امین‌الله زیارت می‌کنی، و می‌توانی هر دو را در یک زیارت جامعهٔ کبیره قصد کنی و غفلت نکنی که زیارت شریفهٔ جامعه، از منشآت خود امام علی نقی ﷺ است و همهٔ دوازده امام ﷺ را، یکجا و جداجدا، از نزدیک و دور، می‌توان با آن زیارت کرد. زیارتی است که در فصاحت عبارت و بلاغت بیان، از غیر این خاندان میسور نیست و بر غیر آنها منطبق نیست. درسی است از تولی و تبری. سخنی است از عرفان و کمال. کتابی است در شناخت امامت و شؤون ولایت. امید است هر کس باشی و در هر کجای دنیا باشی، آنگاه که حالت مساعد شد، با این زیارت اتم و اکمل، به ساحت اقدس آنها عرض ادب کنی و بی‌تردید پاسخ دریافت نمایی. انشاءالله.

تذکر: شایسته است زائران محترم حرم عسکریین ﷺ در همان حرم مطهر، همسر مکرّمهٔ امام حسن ﷺ یعنی مادر گرامی امام زمان ﷺ و همچنین حکیمه خاتون که دختر امام جواد ﷺ و خواهر امام هادی ﷺ و عمّهٔ امام حسن ﷺ و در پائین پای امام دفن شده‌اند را زیارت کنند. آن دو بزرگوار از زنان کم نظیر عالم اسلام و عالمه و عارفه و صادقه و طاهره و عابده و زاهده بودند.

امامزاده سیدمحمّد فرزند امام هادی ﷺ

امام زاده سید محمد فرزند جلیل و بزرگوار حضرت امام هادی ﷺ است. در عظمت او همین بس که شیعیان می‌پنداشتند بعد از پدرش به امامت خواهد

رسید هنگامی که حضرت امام هادی علیه السلام را به سامراء بردند پدرش او را در کودکی در مدینه گذاشت. در جوانی به سامراء رفت و هنگام بازگشت به حجاز در نُه فرسخی سامراء در شهر بلد بیمار شد از دنیا رفت و در همان جا به خاک سپرده شد امام حسن عسگری علیه السلام در مصیبت او پیراهن خود را چاک فرمودند و در جواب کسانی که این کار را عیب می‌دانستند فرمودند: موسی در مرگ برادرش هارون، گریبان چاک کرد. وفات او حدود سال ۲۵۲ ه.ق بود. مستحب است مؤمنین مرقد مبارک او را زیارت کنند و دو رکعت نماز بخوانند و ثوابش را به روح مطهر او هدیه کنند.

فصل هشتم:

زیارت حضرت علی بنْ موسی الرضا علیه السلام

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: پاره‌ای از تن من در زمین خراسان دفن می‌شود، هر مؤمنی او را زیارت کند، مستحق بهشت می‌گردد، هر غمناکی او را زیارت کند، غمهایش زایل می‌شود، هر گنهکاری او را زیارت کند، گناهانش آمرزیده می‌شود. خود حضرت رضا علیه السلام فرمود: زمانی خواهد آمد که قطعه زمینی در خراسان، محل عروج فرشتگان آسمان شود، پیوسته فوجی فرود آید و فوجی پرواز نماید، تا آنگاه که اسرافیل در صور دمد. پرسیدند: ای فرزند پیامبر، آنجا کدامین قطعه است؟ فرمود: زمین طوس است، که باغی از باغات بهشت است، هر کس مرا در آن قطعه زیارت کند، خداوند، برای او، ثواب هزار حج پسندیده و هزار عمرهٔ مقبول بنویسد و من و پدرانم وی را شفاعت کنیم. و نیز آن حضرت فرمود: کسی که با وجود دوری قبرم به زیارت من آید در سه حال از حالات آخرت به فریادش برسم: وقتی که نامه‌های عمل، به دست مردم داده

شود، وقت سنجش عملها و وقت عبور از صراط به سوی بهشت. و فرمود: زود باشد مرا به زهر ستم بکشند، و خداوند، تربت مرا محل رفت و آمد شیعیانم قرار دهد، و هر کس مرا، در این محل غربت، زیارت کند، من او را روز قیامت زیارت کنم، و هر کس، در پهلوی قبر، دو رکعت نماز بخواند، مستحق آمرزش گناهان گردد، و زائران من، در روز جزا، از هر گروهی گرامیتر خواهند بود. و امام محمدتقی علیه السلام فرمود: من ضامن بهشتم، برای کسی که پدرم را در طوس زیارت کند.

کیفیت زیارت آن حضرت، مانند سایر امامان معصوم، مراتب مختلفی دارد؛ چه آنکه حداقل زیارت ـ که عبادت به حساب بیاید ـ حاضر شدن زائر در محضر اوست، گرچه لحظاتی باشد؛ به شرط آنکه توأم با اعتقاد به امامت و ولایت و همراه محبت و مودت باشد، و بیشتر ثوابها برای همین مقدار است. لکن مقتضای مقام شامخ و رفیع معصوم، که درک عظمت آن از توان فکر ما بیرون است، آن است که زیارت‌کننده، هر اندازه بتواند، آداب تشرف و حضور را، بیشتر و بهتر رعایت نماید؛ باکمال صدق و صفا و شور و شوق و عشق و محبت به حرم امن ولی‌اللهی و خانهٔ پیامبر گرامی و سلاله پاکش وارد شود؛ با ادب قدم نهد؛ خود را در بقعه‌ای ببیند که حضرت حق، در قرآن مجیدش، آن را چنین ستوده است:

﴿فِى بُيُوتٍ أَذِنَ اللَّهُ أَنْ تُرْفَعَ وَ يُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ، يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ رِجَالٌ لَاتُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ؛ در خانه‌هایی که خداوند ظاهر آنها را اعلا و باطنشان‌را والا قرار داده، مردانی خدا را در بامداد و شامگاهان تسبیح می‌گویند، که هیچ کسب و تجارتی آنها را از یاد حضرت حق غافل نمی‌سازد﴾.

آری! هر یک از مشاهد معصومین علیهم السلام، گرچه بنیانش به دست جور ویران

باشد، از مصادیق روشن آیهٔ فوق است. و بی‌تردید باید زائر محترم، مطمئن باشد که امام معصوم علیه السلام، او را در آن محیط می‌بیند و می‌شناسد، او نیز خطاب کند و عرضه بدارد: شهادت می‌دهم که جایگاه را مرا می‌بینی و سخن مرا می‌شنوی و سلام مرا جواب می‌گویی.

البته باید زائر فرصت را غنیمت شمارد، همه حاجتهای خود را در حضور امام معصوم علیه السلام با خدای خود در میان بگذارد و در طلب و دعا اصرار نماید؛ خدا را به مقدسات قسم دهد و امام را نیز شفیع قرار دهد، که انشاءالله مقرون به اجابت خواهد بود.

زائر محترم نباید فقط برای خود دعا کند؛ بلکه برای همهٔ ارحام و اقوام، خاصه پدر و مادر، و برای همهٔ برادران دینی، در همه جای دنیا، دعا کند و آنها را در زیارت شریک نماید، و بالاخص برای اسلام و قرآن، گسترش و رواج آنها در جهان و عزت و عظمت و پیروزی مسلمین، با اصرار دعا نماید و بر احدی از مسلمانها نفرین نکند، گرچه دشمن او باشد. ولی بر دشمنان اسلام، هرچه بتواند نفرین و لعنت کند.

زائر گرامی باید حرم مطهر را حریم امن الهی و طور سینای ربوبی و تجلیگاه نور ولایت عُظمیٰ ببیند و خود را مخاطب خداوند بداند؛ گویا می‌فرماید: بندهٔ من هرچه می‌خواهی بگو و بخواه اینجا محضر ولی من و شفیع توست، بخواه که من کریمم! زائر باید تجدید توبه کند و از خواندن دعاهای متناسب، در آن کعبهٔ مقصود و عرفات عرفان و مشعر وصل و منای فنا و مافی بقای عظمت، غفلت ننماید؛ مانند مناجات شعبانیه و دعای مکارم الاخلاق و مناجات خمسه عشر و هر دعا از دعاهای صحیفه سجادیه.

ضمنا به زائر محترم توصیه می‌شود که خیلی حریص برای بوسیدن ضریح

مطهر نباشد و اصرار بر جای مخصوص، ولو به قیمت مزاحمت دیگران، نورزد. در هر جا از حرم مطهر و رواقها، که خلوت باشد، بنشیند و مشغول شود. همه جا، در رابطه با صاحب بیت و حضور در محضر معصوم ﷺ، یکسان است و توجهات باطنی خداوند و الطاف سامیهٔ امام معصوم ﷺ، محدود به مسجد خاص نیست و بسیار مستبعد است که رحمت نامتناهی خداوند و عطوفت و مهربانی صاحب خانه، محدود به چند متر اطراف ضریح باشد و دیوارها از آن جلوگیری کنند. مطلب در آنجا بالاتر از اینهاست. تو دل بده و همه چیز بستان. گویا آنها می‌فرمایند:

با من صنما دل یکدله کن   گر دل ندهم آنگه گله کن

و گویا بیتی که حافظ سروده است، زبان حال صاحب همین خانه است، دربارهٔ زائران حرمش:

به عمری یک نفس با ما چو بنشینند برخیزند   نهال شوق اندردل چو برخیزند بنشانند

همچنین، در نظر فرشتگانی که مأمور خدمتند، دوری و نزدیکی مکان، ملحوظ نیست. آنها دل را می‌بینند و دور قلب می‌چرخند.

و بالجمله آن حضرت ﷺ، دو دسته زیارت دارد، اول: زیارتهای عامه، یعنی هر امامی را، در هر زمانی، با آن می‌توان زیارت کرد؛ دوم: زیارتهای خاصه، یعنی زیارتهای مخصوص حضرت رضا ﷺ.

از زیارتهای عامه زیارت معروف به امین‌الله است، بسیار معتبر و دارای فصاحت الفاظ، متانت معانی و علو محتوی است، مرحوم مجلسی فرموده این زیارت از بهترین زیارتها است و باید در جمیع روضات مقدسه بر آن مواظبت نمود. این زیارت در فصل سوم، زیارت حرم حضرت امیرالمؤمنین ﷺ نقل شد. در ابتدای آن زیارت، باید به جای نام حضرت امیرالمؤمنین ﷺ، نام امام

رضا علیه السلام را ذکر کرد؛ بدین صورت: «اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا عَلِيَّ بْنَ مُوسَى الرِّضا، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا أَمِينَ اللّٰهِ في أَرْضِهِ وَ حُجَّتَهُ عَلىٰ عِبادِهِ...»

زیارت خاصهٔ حضرت رضا علیه السلام، از نزدیک، در حرم مطهر.

باید توجه داشت که مشاهد مشرفه معصومین علیهم السلام: قبر مطهر پیامبر گرامی اسلام، محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله در مدینهٔ منوره، قبر حضرت امیرمؤمنان علیه السلام در نجف اشرف، و قبور سایر ائمه علیهم السلام در شهرهای مختلف، همگی متعلق به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و هر یک در حقیقت یکی از خانه‌های آن حضرت است. لذا مناسب است از در هر حرم مطهری که خواستی وارد شوی، اذن دخول بخوانی و از آن حضرت اجازه بطلبی. بلکه باید از خداوند متعال، پیامبر بزرگ، ائمه و تمام فرشتگانی که موظف حضور، و خادمین دربارند، رخصت دخول طلبید. ما به نقل دو اذن دخول مختصر بسنده می‌کنیم:

اول ـ اذن دخولی که دربارهٔ دخول به حرم اطهر علوی نقل شده است، که نیکوست به عنوان رجا، در همهٔ مشاهد مشرفه خوانده شود، مقابل درب مبارک حرم بایست و بگو:

اَلسَّلامُ عَلىٰ رَسُولِ اللّٰهِ، أَمِينِ اللّٰهِ عَلىٰ وَحْيِهِ وَ عَزائِمِ أَمْرِهِ

سلام بر فرستادهٔ خدا، امین خدا بر وحیش و عزایم امرش.

اَلْخاتِمِ لِما سَبَقَ وَ الْفاتِحِ لِمَا اسْتُقْبِلَ وَ الْمُهَيْمِنِ عَلىٰ ذٰلِكَ

خاتم پیامبران گذشته و گشایندهٔ آینده و برتر از

كُلِّهِ وَ رَحْمَةُ اللّٰهِ وَ بَرَكاتُهُ، اَلسَّلامُ عَلىٰ صاحِبِ السَّكِينَةِ، اَلسَّلامُ

همهٔ آنان و رحمت و برکات خدا بر او باد. سلام بر صاحب سکینه، سلام

عَلَى ٱلْمَدْفُونِ بِالْمَدِينَةِ، ٱلسَّلاٰمُ عَلَى ٱلْمَنْصُورِ ٱلْمُؤَيَّدِ،

بر مدفون در مدینه، سلام بر آن یاری شده و تأیید گشته،

ٱلسَّلاٰمُ عَلٰى أَبِى ٱلْقٰاسِمِ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ ٱللّٰهِ وَ رَحْمَةُ ٱللّٰهِ وَ بَرَكٰاتُهُ.

سلام بر ابوالقاسم محمّدبن عبدالله و نیز رحمت و برکات خداوند.

(و چون به درب حرم اطهر رسیدی، بایست و بگو:)

أَشْهَدُ أَنْ لاٰ إِلٰهَ إِلاَّ ٱللّٰهُ وَحْدَهُ لاٰ شَرِيكَ لَهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّداً

گواهی می‌دهم که خدایی جز خدای یکتا نیست و شریکی ندارد و گواهی می‌دهم که محمّد

عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ، جٰاءَ بِالْحَقِّ مِنْ عِنْدِهِ وَ صَدَّقَ ٱلْمُرْسَلِينَ،

بنده و فرستادهٔ اوست، از نزد او با حق آمد و پیامبران را تصدیق کرد.

ٱلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ يٰا رَسُولَ ٱللّٰهِ، ٱلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ يٰا حَبِيبَ ٱللّٰهِ

سلام بر تو ای فرستادهٔ خدا، سلام بر تو ای حبیب و برگزیدهٔ خدا

وَ خِيَرَتَهُ مِنْ خَلْقِهِ، ٱلسَّلاٰمُ عَلٰى أَمِيرِ ٱلْمُؤْمِنِينَ، عَبْدِ ٱللّٰهِ

از میان خلقش، سلام بر امیرمؤمنان بندهٔ خدا

وَ أَخِي رَسُولِ ٱللّٰهِ، يٰا مَوْلاٰيَ يٰا أَمِيرَ ٱلْمُؤْمِنِينَ عَبْدُكَ وَ ٱبْنُ

و برادر پیامبر خدا، ای مولای من، ای علی بن موسی الرضا، بندهٔ تو و فرزند

عَبْدِكَ وَ ٱبْنُ أَمَتِكَ جٰاءَكَ مُسْتَجِيراً بِذِمَّتِكَ، قٰاصِداً إِلٰى

بنده و کنیز تو به تو پناه آورده است و قصد

حَرَمِكَ، مُتَوَجِّهاً إِلٰى مَقٰامِكَ، مُتَوَسِّلاً إِلَى ٱللّٰهِ تَعٰالٰى بِكَ،

حرمت را کرده و به جایگاه تو رو آورده و با تو به خدای متعال توسّل جسته است.

ءَأَدْخُلُ يٰا مَوْلاٰيَ، ءَأَدْخُلُ يٰا أَميرَ ٱلْمُؤْمِنينَ، ءَأَدْخُلُ يٰا حُجَّةَ

ای مولای من آیا داخل شوم؟ ای امیر مؤمنان آیا داخل شوم؟ ای حجت خدا! آیا داخل

ٱللهِ، ءَأَدْخُلُ يٰا أَمينَ ٱللهِ، ءَأَدْخُلُ يٰا مَلاٰئِكَةَ ٱللهِ ٱلْمُقيمينَ في

شوم؟ ای امین خدا! آیا داخل شوم؟ ای فرشتگان الهی مقیم این مشهد

هٰذَا ٱلْمَشْهَدِ، يٰا مَوْلاٰيَ أَتَأْذَنُ لي بِالدُّخُولِ أَفْضَلَ مٰا أَذِنْتَ

آیا داخل شوم؟ ای مولای من آیا اجازهٔ ورودم می‌دهی؟ بهترین اجازه‌ای که

لِأَحَدٍ مِنْ أَوْلِيٰائِكَ فَإِنْ لَمْ أَكُنْ لَهُ أَهْلاً فَأَنْتَ أَهْلٌ لِذٰلِكَ.

به یکی از اولیانت می‌دهی که اگر من شایستهٔ آن نباشم، تو شایستهٔ آن هستی.

دوم ـ شیخ کفعمی فرموده است: چون خواستی داخل مسجد النبی صلی الله علیه و آله یا یکی از مشاهد مشرفهٔ ائمه علیهم السلام شوی، بگو:

اَللّٰهُمَّ إِنّي وَقَفْتُ عَلىٰ بٰابٍ مِنْ أَبْوٰابِ بُيُوتِ نَبِيِّكَ صَلَوٰاتُكَ

خدایا، من بر دری از درهای خانهٔ پیامبرت ـ که صلوات تو

عَلَيْهِ وَ اٰلِهِ وَ قَدْ مَنَعْتَ ٱلنّٰاسَ أَنْ يَدْخُلُوا إِلاّٰ بِإِذْنِهِ فَقُلْتَ

بر او و آلش باد ـ ایستاده‌ام و تو مردم را از ورود بی‌اجازه منع کرده‌ای و فرموده‌ای:

يٰا أَيُّهَا ٱلَّذينَ اٰمَنُوا لاٰ تَدْخُلُوا بُيُوتَ ٱلنَّبِيِّ إِلاّٰ أَنْ يُؤْذَنَ لَكُمْ،

ای مؤمنان، به خانه‌های پیامبر وارد نشوید جز آن که به شما اجازه داده شود.

اَللّٰهُمَّ إِنّي أَعْتَقِدُ حُرْمَةَ صٰاحِبِ هٰذَا ٱلْمَشْهَدِ ٱلشَّريفِ في

خدایا، من به حرمت صاحب این مزار شریف

غَيْبَتِهِ كَمٰا أَعْتَقِدُهٰا في حَضْرَتِهِ وَأَعْلَمُ أَنَّ رَسُولَكَ وَخُلَفٰائَكَ

در غیابش اعتقاد دارم، همان گونه که در حضورش معتقدم و می‌دانم که فرستاده و جانشینانت

عَلَيْهِمُ ٱلسَّلامُ أَحْياءٌ عِنْدَكَ يُرْزَقُونَ، يَرَوْنَ مَقامي وَ يَسْمَعُونَ

ـ که سلام بر آنان باد زنده و نزد تو روزی می‌خورند. جایگاهم را می‌بینند و سخنم

كَلامي وَ يَرُدُّونَ سَلامي وَ أَنَّكَ حَجَبْتَ عَنْ سَمْعي كَلامَهُمْ

را می‌شنوند و سلامم را پاسخ می‌دهند و تو سخن آنان را از گوشم در خفا داشته‌ای

وَفَتَحْتَ بابَ فَهْمي بِلَذيذِ مُناجاتِهِمْ، وَ إِنّي أَسْتَأْذِنُكَ يا رَبِّ

و دریچهٔ فهمم را بر لذت مناجات آنان گشوده‌ای، و ای پروردگارم در ابتدا از تو

أَوَّلاً وَ أَسْتَأْذِنُ رَسُولَكَ صَلَّى ٱللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ثانِياً وَأَسْتَأْذِنُ خَليفَتَكَ

اجازه می‌خواهم و در مرتبهٔ دوم از فرستاده‌ات ـ که صلوات خدا بر او و خاندانش باد و در مرتبهٔ سوم از

ٱلْإِمامَ ٱلْمَفْرُوضَ عَلَيَّ طاعَتُهُ عَلِيَّ بْنَ مُوسَى ٱلرِّضا عَلَيْهِ ٱلسَّلامُ

جانشینت، امامی که اطاعتش واجب است علی بن موسی الرضا ـ که سلام بر او باد

(اگر امام دیگر را زیارت می‌کنی، اسم آن امام را بگو)

وَ ٱلْمَلائِكَةَ ٱلْمُوَكَّلينَ بِهٰذِهِ ٱلْبُقْعَةِ ٱلْمُبارَكَةِ ثالِثاً، ءَأَدْخُلُ

فرشتگان گمارده شده به این بقعهٔ مبارک اجازه می‌خواهم. ای پیامبر خدا

يا رَسُولَ ٱللهِ، ءَأَدْخُلُ يا مَلائِكَةَ ٱللهِ ٱلْمُقَرَّبينَ ٱلْمُقيمينَ

آیا وارد شوم؟ ای حجّت خدا آیا وارد شوم؟ ای فرشتگان مقرّب خداوند که مقیم

في هٰذَا ٱلْمَشْهَدِ، فَأْذَنْ لي يا مَوْلايَ فِي ٱلدُّخُولِ، أَفْضَلَ

این مزارید، داخل شوم؟ ای مولای من! اجازهٔ ورودم ده، بهترین اجازه‌ای

ما أَذِنْتَ لِأَحَدٍ مِنْ أَوْلِيائِكَ فَإِنْ لَمْ أَكُنْ أَهْلاً لِذٰلِكَ فَأَنْتَ

که به فردی از اولیائت می‌دهی که اگر من شایستهٔ این نباشم تو

أَهْلٌ لِذٰلِكَ، (پس داخل شو و بگو:) بِسْمِ ٱللّٰهِ وَ بِاللّٰهِ وَ فِي سَبِيلِ ٱللّٰهِ
شایستهٔ آن هستی. به اسم خدا و به خدا و در راه خدا

وَ عَلىٰ مِلَّةِ رَسُولِ ٱللّٰهِ صَلَّى ٱللّٰهُ عَلَيْهِ وَ اٰلِـهِ، ٱللّٰهُمَّ ٱغْفِرْ
و بر دین پیامبر خدا صلی الله علیه و آله، خدایا مرا بیامرز

لِي وَ ٱرْحَـمْنِي وَ تُبْ عَلَيَّ إِنَّكَ أَنْتَ ٱلتَّوّٰابُ ٱلرَّحِيمُ.
و بر من رحم کن و به من بازگرد که تو و تنها تو بازگردنده و مهربانی.

و اما زیارت خاصه آن حضرت شرایطی دارد، که برای اغلب زائران فراهم نمی‌شود؛ نظیر دعای مخصوص قبل از غسل زیارت، دعا در وقت پوشیدن لباس، دعا قبل از بیرون آمدن از خانه و دعا در وقت بیرون شدن از در خانه؛ بنابراین مناسب است که به عنوان "رجا" غسل زیارت بجا آوری و چون به درب حرم مطهر رسیدی اذن دخول بخوانی و ابتدا رو بروی قبر مطهر و پشت به قبله بایستی و بگویی:

أَشْهَدُ أَنْ لاٰإِلٰهَ إِلاَّ ٱللّٰهُ، وَحْدَهُ لاٰ شَرِيكَ لَهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّداً
گواهی می‌دهم که خدایی جز خدای یگانه نیست و شریکی ندارد و گواهی می‌دهم که محمّد

عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ وَ أَنَّهُ سَيِّدُ ٱلْأَوَّلِينَ وَ ٱلْاٰخِرِينَ وَ أَنَّهُ سَيِّدُ
بنده و فرستادهٔ اوست و او سرور اوّلین و آخرین است و او سرور

ٱلْأَنْبِيٰاءِ وَ ٱلْمُرْسَلِينَ، ٱللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ
پیامبران و رسولان است. خدایا بر محمّد بنده و فرستاده

وَ رَسُولِكَ وَ نَبِيِّكَ وَ سَيِّدِ خَلْقِكَ أَجْمَعِينَ صَلوٰةً لاٰ يَقْوىٰ
و پیامبر و سرور همهٔ آفریده‌هایت صلوات فرست، درودی که کسی را یارای

عَلىٰ إِحْصٰاۤئِهٰا غَيْرُكَ، اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ أَميرِ الْمُؤْمِنينَ عَلِيِّ بْنِ

شمارش آن نباشد جز خود تو. خدایا بر امیرمؤمنان، علی بن

أَبيطٰالِبٍ عَبْدِكَ وَ أَخي رَسُولِكَ الَّذِي انْتَجَبْتَهُ بِعِلْمِكَ

ابی طالب بندهٔ تو و برادر پیامبرت درود فرست، آن که به علمت، او را برگزیدی

وَ جَعَلْتَهُ هٰادِياً لِمَنْ شِئْتَ مِنْ خَلْقِكَ وَ الدَّليلَ عَلىٰ مَنْ

و راهنمای هرکس از آفریده‌هایت که خواستی و راهنما به کسی که

بَعَثْتَهُ بِرِسٰالاٰتِكَ وَ دَيّٰانَ الدّينِ بِعَدْلِكَ وَ فَصْلَ قَضٰاۤئِكَ بَيْنَ

او را به رسالتت مبعوث کردی و حاکم دادگر دین و رفع کنندهٔ خصومت میان

خَلْقِكَ وَ الْمُهَيْمِنَ عَلىٰ ذٰلِكَ كُلِّهِ وَ السَّلاٰمُ عَلَيْهِ وَ رَحْمَةُ اللّٰهِ

مردم و برتر از همهٔ اینها قرار دادی، سلام بر او و نیز رحمت و برکات

وَ بَرَكٰاتُهُ، اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ فٰاطِمَةَ بِنْتِ نَبِيِّكَ وَ زَوْجَةِ وَلِيِّكَ

خداوند. خدایا بر فاطمه دختر پیامبرت و همسر ولیّت

وَ أُمِّ السِّبْطَيْنِ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ سَيِّدَيْ شَبٰابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ

و مادر دو سبط [پیامبر] حسن و حسین، سرور جوانان بهشت،

الطُّهْرَةِ الطّٰاهِرَةِ الْمُطَهَّرَةِ التَّقِيَّةِ النَّقِيَّةِ الرَّضِيَّةِ الزَّكِيَّةِ،

آن پاک و طاهر و پاکیزه، پرهیزکار و خالص، مرضی خدا و به دور از آلودگی،

سَيِّدَةِ نِسٰاۤءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ أَجْمَعينَ، صَلوٰةً لاٰ يَقْوىٰ عَلىٰ

سرور همهٔ بانوان اهل بهشت درود فرست، درودی که کسی را یارای

إِحْصٰاۤئِهٰا غَيْرُكَ، اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ سِبْطَيْ

شمارش آن نباشد جز خود تو. خدایا بر حسن و حسین، دو سبط

نَبِيِّكَ وَ سَيِّدَيْ شَبابِ أَهْلِ ٱلْجَنَّةِ ٱلْقائِمَيْنِ فِي خَلْقِكَ
پیامبرت و سرور جوانان اهل بهشت، قیام کنندگان در میان خلقت

وَ ٱلدَّلِيلَيْنِ عَلىٰ مَنْ بَعَثْتَ بِرِسالاتِكَ وَ دَيّانَيِ ٱلدِّينِ بِعَدْلِكَ
و دلیل‌های بر مبعوث به رسالتت و حاکمان دادگر دین

وَ فَصْلَيْ قَضائِكَ بَيْنَ خَلْقِكَ، ٱللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ عَلِيِّ بْنِ
و رفع‌کنندگان خصومت میان مردم، صلوات فرست. خدایا صلوات فرست بر علی بن

ٱلْحُسَيْنِ عَبْدِكَ ٱلْقائِمِ فِي خَلْقِكَ وَ ٱلدَّلِيلِ عَلىٰ مَنْ بَعَثْتَ
حسین، آن بندهٔ قیام کننده در میان خلقت و دلیل بر مبعوث

بِرِسالاتِكَ وَ دَيّانِ ٱلدِّينِ بِعَدْلِكَ وَفَصْلِ قَضائِكَ بَيْنَ خَلْقِكَ
به رسالتت و حاکم دادگر دین و رفع کننده خصومت میان مردم

سَيِّدِ ٱلْعابِدِينَ، ٱللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَبْدِكَ
و سرور عبادتگران خدایا صلوات فرست بر محمّدبن علی بنده

وَ خَلِيفَتِكَ فِي أَرْضِكَ باقِرِ عِلْمِ ٱلنَّبِيِّينَ، ٱللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ
و جانشینت در زمین، آن شکافندهٔ علوم پیامبران خدایا صلوات فرست بر

جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ ٱلصّادِقِ عَبْدِكَ وَ وَلِيِّ دِينِكَ وَ حُجَّتِكَ عَلىٰ
جعفر بن محمّد صادق، آن بنده و ولیّ دینت و حجّت بر

خَلْقِكَ أَجْمَعِينَ ٱلصّادِقِ ٱلْبارِّ، ٱللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُوسَى بْنِ
همهٔ خلقت، راستگوی نیکوکار خدایا صلوات فرست بر موسی بن

جَعْفَرٍ عَبْدِكَ ٱلصّالِحِ وَلِسانِكَ فِي خَلْقِكَ وَ ٱلنّاطِقِ بِحُكْمِكَ
جعفر، بنده صالح و زبان [گویا] در میان خلقت و گویندهٔ حکمت

وَ الْحُجَّةِ عَلىٰ بَرِيَّتِكَ، اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى

و حجّت بر مردمانت خدایا صلوات فرست بر علی بن موسی

الرِّضَا الْمُرْتَضىٰ عَبْدِكَ وَوَلِيِّ دِينِكَ الْقَائِمِ بِعَدْلِكَ وَالدَّاعِي

الرضا المرتضی، بنده و ولیّ دینت، برپا دارندهٔ عدالتت و دعوتگر

إِلىٰ دِينِكَ وَ دِينِ آبَائِهِ الصَّادِقِينَ صَلٰوةً لاٰ يَقْوىٰ عَلىٰ إِحْصَائِهَا

به دینت و دین نیاکان راستینش، صلواتی که کسی را یارای شمارش آن نباشد

غَيْرُكَ، اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَبْدِكَ وَ وَلِيِّكَ الْقَائِمِ

جز خود تو. خدایا صلوات فرست بر محمّد بن علی بنده و ولیّت، برپادارندهٔ

بِأَمْرِكَ وَ الدَّاعِي إِلىٰ سَبِيلِكَ، اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ

امرت و دعوتگر به راهت، خدایا صلوات فرست بر علی بن محمّد

عَبْدِكَ وَوَلِيِّ دِينِكَ، اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْعَامِلِ

بنده و ولیّ دینت خدایا صلوات فرست بر حسن بن علی عامل

بِأَمْرِكَ الْقَائِمِ فِي خَلْقِكَ وَ حُجَّتِكَ الْمُؤَدِّي عَنْ نَبِيِّكَ

به امرت، قیام کننده در میان خلقت و حجّت تو در رساندن پیام پیامبرت

وَ شَاهِدِكَ عَلىٰ خَلْقِكَ الْمَخْصُوصِ بِكَرَامَتِكَ الدَّاعِي إِلىٰ

و شاهد تو بر خلقت، مخصوص به کرامتت، دعوتگر به

طَاعَتِكَ وَ طَاعَةِ رَسُولِكَ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ، اَللّٰهُمَّ

اطاعتت و اطاعت پیامبرت ـ که صلوات تو بر همهٔ آنها باد ـ خدایا

صَلِّ عَلىٰ حُجَّتِكَ وَ وَلِيِّكَ الْقَائِمِ فِي خَلْقِكَ صَلٰوةً تَامَّةً

صلوات فرست بر حجّتت و ولیّ قیام کنندهٔ در میان خلقت، صلواتی کامل

نٰامِيَةً بٰاقِيَةً تُعَجِّلُ بِهٰا فَرَجَهُ وَ تَنْصُرُهُ بِهٰا وَ تَجْعَلُنٰا مَعَهُ فِي
و افزون شونده و ماندگار که بدان در فرجش تعجیل می‌شود و با آن یاریش می‌کنی و ما را در

آلدُّنْيٰا وَ آلْاٰخِرَةِ، اَللّٰهُمَّ إِنّي أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِحُبِّهِمْ وَ أُوٰالي
دنیا و آخرت همراهش می‌گردانی. خدایا من با محبّت آنان به تو تقرّب می‌جویم و با دوستدار

وَلِيَّهُمْ وَأُعٰادي عَدُوَّهُمْ، فَارْزُقْني بِهِمْ خَيْرَ آلدُّنْيٰا وَ آلْاٰخِرَةِ
آنان دوستی و با دشمن آنان دشمنی می‌کنم،پس به وسیلهٔ آنان،خیر دنیا و آخرت را روزیم کن

وَ آصْرِفْ عَنّي بِهِمْ شَرَّ آلدُّنْيٰا وَ آلْاٰخِرَةِ وَ أَهْوٰالَ يَوْمِ آلْقِيٰمَةِ.
و به وسیلهٔ آنان، شرّ دنیا و آخرت و وحشت‌های روز قیامت را از من باز دار.

(سپس به طرف بالای سر می‌روی و آنجا می‌نشینی و اگر نشد، می‌ایستی و می‌گویی:)

اَلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ يٰا وَلِيَّ آللهِ، اَلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ يٰا حُجَّةَ آللهِ وَ رَحْمَةُ
سلام بر تو باد ای ولی خداوند، سلام بر تو باد ای حجت خدا و رحمت

آللهِ وَبَرَكٰاتُهُ.
و برکات خداوند.

(سپس خود را به‌ضریح مطهر می‌چسبانی و اگر مشکل‌بود، همانجا می‌گویی:)

اَللّٰهُمَّ إِلَيْكَ صَمَدْتُ مِنْ أَرْضي وَ قَطَعْتُ آلْبِلاٰدَ رَجٰاءَ
خدایا از شهر و دیارم به قصد تو آمده‌ام و شهرها را به امید رحمت

رَحْمَتِكَ، فَلاٰ تُخَيِّبْني وَلاٰ تَرُدَّني بِغَيْرِ قَضٰاءِ حٰاجَتي وَ آرْحَمْ
تو پیموده‌ام، پس مرا ناامید مکن و حاجت نگرفته بازم مگردان و بر رویکردم

تَقَلُّبي عَلىٰ قَبْرِ آبْنِ أَخي رَسُولِكَ صَلَوٰتُكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، بِأَبي
به قبر پسر برادر رسولت ـ که صلوات تو بر او و خاندانش باد ـ رحم کن.

أَنْتَ وَأُمّي يا مَولايَ أَتَيْتُكَ زائِراً وافِداً عائِذاً مِمّا جَنَيْتُ عَلىٰ

ای مولای من، پدر و مادرم فدای تو باد، من به زیارت و مهمانی تو آمده‌ام تا از جنایتهایی که

نَفْسي وَاحْتَطَبْتُ عَلىٰ ظَهْري، فَكُنْ لي شافِعاً إِلىٰ يَوْمِ فَقْري

بر خود کرده‌ام و کوله بار [گناهی] که بر پشت گرفته‌ام، به تو پناه آورم، پس نزد خدا و در روز فقر

وَ فاقَتي، فَلَكَ عِنْدَ اللّٰهِ مَقامٌ مَحْمُودٌ وَ أَنْتَ عِنْدَهُ وَجيهٌ،

و ناداریم، شفیع من باش که تو پیش خدا، مقامی پسندیده داری و نزد او آبرومندی.

(سپس دست راست را بلند می‌کنی و دست چپ را به سوی قبر می‌گشایی و می‌گویی:)

اَللّٰهُمَّ إِنّي أَتَقَرَّبُ إِلَيْکَ بِحُبِّهِمْ وَ بِوِلايَتِهِمْ، أَتَوَلّىٰ آخِرَهُمْ

خدایا من با محبّت و ولایت ایشان به تو تقرّب می‌جویم، ولایت آخرین آنها را می‌پذیرم

بِما تَوَلَّيْتُ بِهِ أَوَّلَهُمْ وَ أَبْرَءُ مِنْ كُلِّ وَليجَةٍ دُونَهُمْ، اَللّٰهُمَّ الْعَنِ

همانگونه که ولایت اوّلین ایشان را پذیرفته‌ام و از هر دوستی جز آنان بیزاری می‌جویم. خدایا

الَّذينَ بَدَّلُوا نِعْمَتَكَ وَ اتَّهَمُوا نَبِيَّكَ وَ جَحَدُوا بِآياتِكَ

کسانی را که نعمتت را تغییر دادند و به پیامبرت تهمت زدند و آیاتت را انکار کردند

وَ سَخِرُوا بِإِمامِكَ وَ حَمَلُوا النّاسَ عَلىٰ أَكْتافِ آلِ مُحَمَّدٍ، اَللّٰهُمَّ

و پیشوایت را به تمسخر گرفتند و مردم را به مخالفت با خاندان محمّد وادار کردند، لعنت کن. خدایا

إِنّي أَتَقَرَّبُ إِلَيْکَ بِاللَّعْنَةِ عَلَيْهِمْ وَ الْبَراءَةِ مِنْهُمْ فِي الدُّنْيا وَالْآخِرَةِ

من با لعنت فرستادن بر آنان و بیزاری از آنها در دنیا و آخرت به تو تقرّب می‌جویم

يا رَحْمانُ،

ای خدای رحمان....

(پس اگر ممکن شد، به طرف پایین قبر می‌روی وگرنه همان جا می‌گویی:)

صَلَّى اللهُ عَلَيْكَ يَا أَبَا الْحَسَنِ صَلَّى اللهُ عَلىٰ رُوحِكَ

صلوات خدا بر تو ای اباالحسن (رضا)، صلوات خدا بر روح

وَ بَدَنِكَ، صَبَرْتَ وَ أَنْتَ الصَّادِقُ الْمُصَدِّقُ، قَتَلَ اللهُ

و پیکرت فرستد، صبر نمودی در حالی که راستگو و تصدیق کننده بودی. خدا هرکس را که

مَنْ قَتَلَكَ بِالْأَيْدِي وَ الْأَلْسُنِ،

با دست و زبان، تو را کُشت، بکُشد.

سپس، در طرف بالای سر، دو رکعت نماز زیارت می‌خوانی، در رکعت اول، پس از حمد، سورهٔ یس، و در رکعت دوم، پس از حمد، سورهٔ الرحمان، و نماز را تمام می‌کنی و برای خود و والدین و خویشان و همهٔ مؤمنین دعا می‌کنی.

تذکر ـ مناسب است زائران قبر مطهر حضرت رضا ـ علیه و علی ابائه و اولاده افضل الصلوات و الثنا ـ هر کدام از زیارات مذکور را بجا آورند، دنبالش دعای زیر را که برای هر کسی که آنجا حاضر شود و به حضرت سلام عرض کند، بسیار نیکو و مطلوب است، بخوانند:

اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْئَلُكَ يَا اللهُ الدَّائِمُ فِي مُلْكِهِ الْقَائِمُ فِي عِزِّهِ

خدایا من از تو می‌خواهم، ای خداوندی که سلطنتش ابدی است و در عزتش پا برجا

الْمُطَاعُ فِي سُلْطَانِهِ الْمُتَفَرِّدُ فِي كِبْرِيَائِهِ الْمُتَوَحِّدُ فِي دَيْمُومِيَّةِ

و حکمش در همه عالم مطاع؛ یکتا در بزرگیش، یگانه در جاودانگی

بَقَائِهِ الْعَادِلُ فِي بَرِيَّتِهِ الْعَالِمُ فِي قَضِيَّتِهِ الْكَرِيمُ فِي تَأْخِيرِ

بقایش، دادگر در میان مردمش، دانا به حکمش و بزرگوار در به تأخیر انداختن

عُقُوبَتِهِ، إِلٰهِي حٰاجٰاتِي مَصْرُوفَةٌ إِلَيْکَ وَ آمٰالِي مَوْقُوفَةٌ لَدَيْكَ

کیفرش. خدایا نیازهایم به توست و آرزوهایم به تو بسته است

وَ كُلَّمٰا وَفَّقْتَنِي مِنْ خَيْرٍ فَأَنْتَ دَلِيلِي عَلَيْهِ وَ طَرِيقِي إِلَيْهِ،

و هرگاه مرا بر کار نیکی که موفق بداری، تو راهنمای من و راهم بسوی آن هستی،

يٰا قَدِيراً لاٰ تَؤُودُهُ الْمَطٰالِبُ، يٰا مَلِيّاً يَلْجَأُ إِلَيْهِ كُلُّ رٰاغِبٍ،

ای توانایی که خواسته‌ها رنجورش نمی‌کند، ای دارنده‌ای که پناه هر محتاجی،

مٰا زِلْتُ مَصْحُوباً مِنْكَ بِالنِّعَمِ، جٰارِياً عَلىٰ عٰادٰاتِ الْإِحْسٰانِ

من همیشه با نعمتهایت قرین بوده‌ام و احسان و کرم تو همیشه جاری

وَ الْكَرَمِ، أَسْئَلُكَ بِالْقُدْرَةِ النّٰافِذَةِ فِي جَمِيعِ الْأَشْيٰاءِ

بوده است. از تو می‌خواهم با قدرت نافذت در همهٔ چیزها

وَ قَضٰائِكَ الْمُبْرَمِ الَّذِي تَحْجُبُهُ بِأَيْسَرِ الدُّعٰاءِ وَ بِالنَّظْرَةِ

و قضای حتمی‌ات که با کمترین دعا آن را مانع می‌شوی و با نظرت

الَّتِي نَظَرْتَ بِهٰا إِلَى الْجِبٰالِ فَتَشٰامَخَتْ، وَ إِلَى الْأَرَضِينَ

که به کوهها نظر کردی تا رفیع شدند و به زمینها

فَتَسَطَّحَتْ، وَ إِلَى السَّمٰوٰاتِ فَارْتَفَعَتْ، وَ إِلَى الْبِحٰارِ

تا هموار گشتند و به آسمانها تا برافراشته شدند و به دریاها

فَتَفَجَّرَتْ، يٰا مَنْ جَلَّ عَنْ أَدَوٰاتِ لَحَظٰاتِ الْبَشَرِ وَ لَطُفَ

تا روان شدند. ای آن که از دسترس درک بشر دورتر

عَنْ دَقآئِقِ خَطَراتِ ٱلْفِكَرِ، لا تُحْمَدُ يا سَيِّدي إِلَّا بِتَوْفيقٍ

و از دقیق‌ترین بارقه‌های فکر لطیف‌تری. تو حمد نمی‌شوی جز با توفیقی از جانب

مِنْكَ يَقْتَضي حَمْداً وَ لا تُشْكَرُ عَلىٰ أَصْغَرِ مِنَّةٍ إِلاَّ آسْتَوْجَبْتَ

خودت که همان نیز سزاوار حمدی دیگر است و بر کوچکترین نعمتت، سپاسگزاری نمی‌شوی جز آن که سپاسی

بِها شُكْراً، فَمَتىٰ تُحصىٰ نَعْماآؤُكَ يا إِلٰهي وَ تُجازىٰ آلاؤُكَ

دیگر واجب می‌آید. پس کی نعمتهایت شماره شود ای خدای من، و جزای احسانت داده شود

يا مَوْلايَ وَ تُكافىٰ صَنايِعُكَ يا سَيِّدي وَ مِنْ نِعَمِكَ يَحْمَدُ

ای مولای من، و نیکی‌هایت جبران شود ای سرور من، و حال آن که حمد

آلْحامِدُونَ وَ مِنْ شُكْرِكَ يَشْكُرُ آلشّاكِرُونَ وَ أَنْتَ آلْمُعْتَمَدُ

حامدان از نعمت تو و شکر شاکران از شکر توست و تویی تکیه‌گاه

لِلذُّنُوبِ في عَفْوِكَ وَ آلنّاشِرُ عَلَى آلْخاطِئينَ جَناحَ سِتْرِكَ

عفو گناهان، و گستراندهٔ بالهای خطاپوشت بر خطاکاران،

وَ أَنْتَ آلْكاشِفُ لِلضُّرِّ بِيَدِكَ، فَكَمْ مِنْ سَيِّئَةٍ أَخْفاها حِلْمُكَ

و تویی که به دست خود گرفتاریها را می‌گشایی. پس بسی زشتکاری‌ها که حلم تو آنها را پوشاند

حَتّىٰ دَخِلَتْ وَ حَسَنَةٍ ضاعَفَها فَضْلُكَ حَتّىٰ عَظُمَتْ عَلَيْها

تا آن که از میان رفتند و بسی نیکوکاریها که به فضلت چند برابر شدند تا پاداشت بر

مُجازاتُكَ، جَلَلْتَ أَنْ يُخافَ مِنْكَ إِلاَّ آلْعَدْلُ وَ أَنْ يُرْجىٰ

آنها بزرگ گردید. تو پیراسته‌تر از آنی که جز از عدلت هراسی باشد و از تو

مِنْكَ إِلاَّ ٱلْإِحْسانُ وَ ٱلْفَضْلُ، فَامْنُنْ عَلَيَّ بِما أَوْجَبَهُ فَضْلُكَ

جز احسان و فضل امیدی نیست. پس با آنچه فضلت ایجاب می‌کند برمن منّت بگذار

وَ لا تَخْذُلْنِي بِما يَحْكُمُ بِهِ عَدْلُكَ، سَيِّدِي لَوْ عَلِمَتِ ٱلْأَرْضُ

و با آنچه عدلت حکم می‌کند خوارم مساز. سرور من! اگر زمین

بِذُنُوبِي لَساخَتْ بِي أَوِ ٱلْجِبالُ لَهَدَّتْنِي أَوِ ٱلسَّمٰواتُ

گناهانم را می‌دانست مرا فرو می‌برد و یا کوهها مرا درهم می‌کوبیدند و یا آسمانها

لَاخْتَطَفَتْنِي أَوِ ٱلْبِحارُ لَأَغْرَقَتْنِي، سَيِّدِي سَيِّدِي سَيِّدِي،

مرا می‌ربودند و یا دریاها مرا غرق می‌کردند، سرور من سرور من، سرور من،

مَوْلايَ مَوْلايَ مَوْلايَ، قَدْ تَكَرَّرَ وُقُوفِي لِضِيافَتِكَ فَلا تَحْرِمْنِي

مولای من، مولای من، مولای من؛ چه بسیار به درگاهت به مهمانی آمده‌ام،

ما وَعَدْتَ ٱلْمُتَعَرِّضِينَ لِمَسْئَلَتِكَ، يا مَعْرُوفَ ٱلْعارِفِينَ،

پس از وعده‌ای که به سائلان درگاهت داده‌ای، محرومم مگذار، ای شناخته شدهٔ عارفان،

يا مَعْبُودَ ٱلْعابِدِينَ، يا مَشْكُورَ ٱلشّاكِرِينَ، يا جَلِيسَ ٱلذّاكِرِينَ،

ای معبود عابدان، ای مشکور شاکران، ای همنشین ذاکران،

يا مَحْمُودَ مَنْ حَمِدَهُ، يا مَوْجُودَ مَنْ طَلَبَهُ، يا مَوْصُوفَ مَنْ

ای پسند خاطر هرکس که تو را حمد می‌کند، ای یافتهٔ هرکس که تو را می‌جوید، ای موصوف هرکس که

وَحَّدَهُ، يا مَحْبُوبَ مَنْ أَحَبَّهُ، يا غَوْثَ مَنْ أَرادَهُ، يا مَقْصُودَ

تو را یگانه می‌خواند، ای محبوب هرکس که تو رادوست دارد،ای فریادرس هرکس که تو را می‌خواهد،ای مقصود

مَنْ أَنابَ إِلَيْهِ،يا مَنْ لا يَعْلَمُ ٱلْغَيْبَ إِلَّا هُوَ، يا مَنْ لا يَصْرِفُ

هر که به سویت بازگردد، ای کسی که غیب را جز او نمی‌داند، ای کسی که بدی را

اَلسُّوءَ اِلّا هُوَ، یا مَنْ لا یُدَبِّرُ الْاَمْرَ اِلّا هُوَ، یا مَنْ لا یَغْفِرُ

جز او باز نمی‌دارد، ای کسی که تدبیر امر نمی‌کند جز او، ای آن که جز او

اَلذَّنْبَ اِلّا هُوَ، یا مَنْ لا یَخْلُقُ الْخَلْقَ اِلّا هُوَ، یا مَنْ لا یُنَزِّلُ

گناه را نمی‌آمرزد،ای آن که جز او خلق را نمی‌آفریند، ای آن که جز او

اَلْغَیْثَ اِلّا هُوَ، صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَ الِ مُحَمَّدٍ وَ اغْفِرْ لی

باران فرو نمی‌فرستد، بر محمّد و خاندانش صلوات فرست و مرا بیامرز،

یا خَیْرَ الْغافِرینَ،رَبِّ اِنّی اَسْتَغْفِرُكَ اسْتِغْفارَ حَیاءٍ وَاَسْتَغْفِرُكَ

ای بهترین آمرزشگران. پروردگار من از تو آمرزش می‌خواهم آمرزشی از روی شرمساری و از تو آمرزش

اسْتِغْفارَ رَجاءٍ وَ اَسْتَغْفِرُكَ اسْتِغْفارَ اِنابَةٍ وَ اَسْتَغْفِرُكَ اسْتِغْفارَ

می‌خواهم آمرزشی از روی امیدواری و از تو آمرزش می‌خواهم آمرزشی از روی بازگشت و از تو آمرزش می‌خواهم

رَغْبَةٍ وَ اَسْتَغْفِرُكَ اسْتِغْفارَ رَهْبَةٍ وَ اَسْتَغْفِرُكَ اسْتِغْفارَ طاعَةٍ

آمرزشی از روی رغبت و از تو آمرزش می‌خواهم آمرزشی از روی بیم و از تو آمرزش می‌خواهم آمرزشی از روی اطاعت

وَ اَسْتَغْفِرُكَ اسْتِغْفارَ ایمانٍ وَ اَسْتَغْفِرُكَ اسْتِغْفارَ اِقْرارٍ

و از تو آمرزش می‌خواهم آمرزشی از روی ایمان و از تو آمرزش می‌خواهم آمرزشی از روی اقرار

وَ اَسْتَغْفِرُكَ اسْتِغْفارَ اِخْلاصٍ وَ اَسْتَغْفِرُكَ اسْتِغْفارَ تَقْویٰ

و از تو آمرزش می‌خواهم. آمرزشی از روی اخلاص، و از تو آمرزش می‌خواهم آمرزشی از روی تقوا

وَ اَسْتَغْفِرُكَ اسْتِغْفارَ تَوَكُّلٍ وَ اَسْتَغْفِرُكَ اسْتِغْفارَ ذِلَّةٍ

و از تو آمرزش می‌خواهم آمرزشی از روی توکّل و از تو آمرزش می‌خواهم آمرزشی از روی خواری

وَ اَسْتَغْفِرُكَ اسْتِغْفارَ عامِلٍ لَكَ هارِبٍ مِنْكَ اِلَیْكَ، فَصَلِّ

و از تو آمرزش می‌خواهم آمرزش عامل برای تو و گریزان از تو به سوی تو، پس

عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ وَ تُبْ عَلَیَّ وَ عَلیٰ وٰالِدَیَّ بِمٰا تُبْتَ

بر محمد و خاندان محمّد صلوات فرست و بپذیر توبهٔ من و پدر و مادرم را همان گونه که

وَ تَتُوبُ عَلیٰ جَمیعِ خَلْقِكَ، یٰا أَرْحَمَ آلرّٰاحِمینَ، یٰا مَنْ

توبهٔ همهٔ آفریدگانت را می‌پذیری. ای مهربان‌ترین مهربانان، ای آن که

یُسَمّیٰ بِالْغَفُورِ آلرَّحیمِ، یٰا مَنْ یُسَمّیٰ بِالْغَفُورِ آلرَّحیمِ، یٰا مَنْ

آمرزشگر مهربان نامیده می‌شویَ ای آنکه آمرزشگر مهربان نامیده می‌شویَ، ای آنکه

یُسَمّیٰ بِالْغَفُورِ آلرَّحیمِ، صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ

آمرزشگر مهربان نامیده می‌شویَ بر محمّد و خاندان محمّد صلوات فرست

وَ آقْبَلْ تَوْبَتي وَ زَكِّ عَمَلي وَ آشْكُرْ سَعْيي وَ آرْحَمْ ضَرٰاعَتي

و توبه‌ام راببذیر و عملم را پاکیزه کن و کوششم را مشکور و به زاریم رحم کن

وَ لاٰ تَحْجُبْ صَوْتي وَلاٰ تُخَیِّبْ مَسْئَلَتي، یٰا غَوْثَ آلْمُسْتَغیثینَ

و صدایم را ناشنیده مگذار و درخواستم را ناکام مکن ای فریادرس یاری خواهان

وَأَبْلِغْ أَئِمَّتي سَلاٰمي وَ دُعٰآئي وَ شَفِّعْهُمْ في جَمیعِ مٰا سَئَلْتُكَ

و سلام و دعایم را به امامانم برسان و آنان را در همهٔ آنچه خواستم اجازهٔ شفاعت ده

وَ أَوْصِلْ هَدِیَّتي إِلَیْهِمْ كَمٰا یَنْبَغي لَهُمْ وَ زِدْهُمْ مِنْ ذٰلِكَ مٰا یَنْبَغي

و هدیه‌ام را آن گونه که سزاوار ایشان است، به آنان برسان و آنچه شایستهٔ توست

لَكَ بِأَضْعٰافٍ لاٰ یُحْصیهٰا غَیْرُكَ وَ لاٰ حَوْلَ وَ لاٰ قُوَّةَ إِلاّٰ بِاللهِ آلْعَلِيِّ

بر آن بیفزای چندان که جز خود تو نتواند شماره‌اش کند و هیچ حرکت و قدرتی جز به وسیلهٔ خدای بلندمرتبهٔ

آلْعَظیمِ وَ صَلَّی آللهُ عَلیٰ أَطْیَبِ آلْمُرْسَلینَ مُحَمَّدٍ وَ اٰلِهِ آلطّٰاهِرینَ.

بزرگ نیست و خداوند بر پاکترین پیامبرانش، محمّد و خاندان پاکش صلوات فرستد.

فصل نهم

زیارت حضرت ولی عصر علیه السلام

و دعا و عرض ادب به ساحت اقدس امام منتظر، حجت‌الله غایب از نظر، ولی عصر، صاحب زمان، ناموس دهر، هادی جهان، مهدی موعود، حجة بن الحسن ارواحنا فداه، نور خاموش نشدنی الهی، حجت حق بر اهل زمین و آسمان، از گذشته‌ها و آینده‌ها، گنجینهٔ هر علم پنهان، گشایندهٔ هر در بسته، احقاق‌گر هر حق، نابودکنندهٔ هر باطل، ذخیرهٔ الهی برای حیات اسلام و عزت مسلمین، انتقام گیرنده از منکران، نظام ماهیت دین، مولایی که هرچه از عمر غیبتش می‌گذرد، یقینِ مؤمن بر وجود و ظهورش می‌افزاید، و امیدش بر درک حضور او فزون می‌گردد. پروردگارا! من اگر ظهورش را درک کردم، بندهٔ مطیعِ فرمانش باشم، و اگر مرگم فرا رسد، دل به سویت و دست‌بدامنت دارم، که سر از خوابگاه بردارم و دولتش را دریابم. خدایا به ما لذت طاعتش را بچشان و دل را با ذلت دشمنانش شفا بخش، امین یا رب العالمین.

این فصل شامل چند زیارت و دعاست، که به لحاظ اختصار، انتخاب کردیم.

۱ـ زیارتی است که مرحوم سیدبن طاووس نقل کرده است. محل ورود زیارت، مکانی است که آن حضرت، قبل از زمان غیبت، در آنجا می‌زیسته است؛ لکن ای زائر محترم! چه در آنجا و چه در جاهای دیگر، قصد قربت و قصد رجاکن و در هر محل و در هر حالی که باشی قلبت را متوجه او نما و رو به قبله و در حال طهارت بایست و بگو:

اَلسَّلاٰمُ عَلَى الْحَقِّ الْجَدِيدِ وَ الْعٰالِمِ الَّذِي عِلْمُهُ لاٰ يَبِيدُ،

سلام بر حقیقت تازه و عالمی که علمش نیستی نمی‌پذیرد،

اَلسَّلامُ عَلىٰ مُحْيِي الْمُؤْمِنينَ وَ مُبيرِ الْكافِرينَ، اَلسَّلامُ عَلىٰ

سلام بر زنده کنندهٔ مؤمنان و هلاک کنندهٔ کافران، سلام بر

مَهْدِيِّ الْأُمَمِ وَ جامِعِ الْكَلِمِ، اَلسَّلامُ عَلىٰ خَلَفِ السَّلَفِ

مهدی امّت‌ها وَ گردآورندهٔ نظرات [گوناگون]، سلام بر جانشین گذشتگان

وَ صاحِبِ الشَّرَفِ، اَلسَّلامُ عَلىٰ حُجَّةِ الْمَعْبُودِ وَ كَلِمَةِ

و دارای شرف و کیان، سلام بر حجّت معبود و کلمهٔ

الْمَحْمُودِ، اَلسَّلامُ عَلىٰ مُعِزِّ الْأَوْلِياءِ وَ مُذِلِّ الْأَعْداءِ،

محمود، سلام بر عزیزکنندهٔ دوستان و خوارکنندهٔ دشمنان،

اَلسَّلامُ عَلىٰ وارِثِ الْأَنْبِياءِ وَ خاتِمِ الْأَوْصِياءِ، اَلسَّلامُ عَلَى

سلام بر وارث انبیا و خاتم اوصیا، سلام بر

الْقائِمِ الْمُنْتَظَرِ وَ الْعَدْلِ الْمُشْتَهَرِ، اَلسَّلامُ عَلَى السَّيْفِ

قائم بَه انتظارش نشسته و عدالت بلند آوازه، سلام بر شمشیر

الشّاهِرِ وَ الْقَمَرِ الزّاهِرِ وَ النُّورِ الْباهِرِ، اَلسَّلامُ عَلىٰ شَمْسِ

نمایان و ماه فروزان و نور درخشان، سلام بر خورشید

الظَّلامِ وَبَدْرِ التَّمامِ، اَلسَّلامُ عَلىٰ رَبيعِ الْأَنامِ وَ نَضْرَةِ الْأَيّامِ،

در شب و ماه شب چهارده، سلام بر بهار آفریده‌ها و خرمی روزگار،

اَلسَّلامُ عَلىٰ صاحِبِ الصَّمْصامِ وَفَلّاقِ الْهامِ، اَلسَّلامُ عَلَى

سلام بر دارندهٔ شمشیر بزان و شکافندهٔ سرها، سلام بر

الدّينِ الْمَأْثُورِ وَالْكِتابِ الْمَسْطُورِ، اَلسَّلامُ عَلىٰ بَقِيَّةِ اللّٰهِ في

دین به جا مانده و کتاب نوشته شده، سلام بر ذخیرهٔ خداوند در

بِـلادِهِ وَ حُجَّتِهِ عَلیٰ عِبادِهِ ٱلْمُنْتَهیٰ إِلَیْهِ مَواریثُ ٱلْأَنْبِیاءِ

مملکتش و حجّت او بر بندگانش که ارث پیامبران به او منتهی شده

وَ لَدَیْهِ مَوْجُودٌ اٰثارُ ٱلْأَصْفِیاءِ، ٱلْمُؤْتَمَنِ عَلَی ٱلسِّرِّ وَ ٱلْوَلِیِّ

و آثار برگزیدگان نزد او موجود است، امینِ راز و ولیّ

لِلْأَمْرِ، ٱلسَّلامُ عَلَی ٱلْمَهْدِیِّ ٱلَّذی وَعَدَ ٱللهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِهِ

امر است. سلام بر مهدی، کسی که خدای عزّوجلّ وعده‌اش را به

ٱلْأُمَمَ أَنْ یَجْمَعَ بِهِ ٱلْکَلِمَ وَ یَلُمَّ بِهِ ٱلشَّعْثَ وَ یَمْلَأَ بِهِ ٱلْأَرْضَ

امّتها داده است تا بدو نظرات را گرد هم آورد و نابسامانی را سامان بخشد و زمین را پر از

قِسْطاً وَ عَدْلاً وَ یُمَکِّنَ لَهُ وَ یُنْجِزَ بِهِ وَعْدَ ٱلْمُؤْمِنینَ، أَشْهَدُ

قسط و عدل نماید و به فرمان او درآورد و بوسیلهٔ او به وعده‌اش بر مؤمنین وفا کند

یا مَوْلایَ أَنَّکَ وَ ٱلْأَئِمَّةَ مِنْ اٰبائِکَ أَئِمَّتی وَ مَوالِیَّ فِی ٱلْحَیٰوةِ

مولای من گواهی می‌دهم که تو و امامان از نیاکان تو، امامان و ولایت‌مندان من در زندگی

ٱلدُّنْیا وَ یَوْمَ یَقُومُ ٱلْأَشْهادُ، أَسْئَلُکَ یا مَوْلایَ أَنْ تَسْئَلَ ٱللهَ

دنیا و روزی که گواهان به گواهی‌بایستند، هستند. ای مولای من،از تو می‌خواهم که از خدای

تَبارَکَ وَ تَعالیٰ فی صَلاحِ شَأْنی وَ قَضاءِ حَوائِجی وَ غُفْرانِ

تبارک و تعالی بخواهی سامانْ یافتنِ کار و برآوردن حاجتها و آمرزش

ذُنوبی وَ ٱلْأَخْذِ بِیَدی فی دینی وَ دُنْیایَ وَ اٰخِرَتی، لی وَ لِإِخْوانی

گناهان و دستگیری در دین و دنیا و آخرت را برای من و همهٔ برادران

وَ أَخَواتِیَ ٱلْمُؤْمِنینَ وَ ٱلْمُؤْمِناتِ کافَّةً إِنَّهُ غَفُورٌ رَحیمٌ.

و خواهران دینی‌ام که او آمرزشگر و مهربان است.

(سپس نماز زیارت و تسبیح حضرت زهرا ؑ بجا بیاور و ثوابش را هدیهٔ ذات اقدس او کن و بگو:)

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ حُجَّتِكَ فِي أَرْضِكَ وَ خَلِيفَتِكَ فِي بِلاٰدِكَ
خدایا صلوات فرست بر حجّت خود در زمین و جانشینت در مملکت خویش،

اَلدّٰاعِي إِلىٰ سَبِيلِكَ وَ الْقٰائِمِ بِقِسْطِكَ وَ الْفٰائِزِ بِأَمْرِكَ،
او که دعوتگر به راهت و برپادارندهٔ عدالتت و رستگار به امرت،

وَلِيِّ الْمُؤْمِنِينَ وَ مُبِيرِ الْكٰافِرِينَ وَ مُجَلِّي الظُّلْمَةِ وَ مُنِيرِ
ولیّ مؤمنان و نابودکنندهٔ کافران، دور کنندهٔ ظلمت و روشنگر

الْحَقِّ وَ الصّٰادِعِ بِالْحِكْمَةِ وَ الْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ الصِّدْقِ
حقیقت، پایان دهندهٔ کارها با حکمت و موعظهٔ نیکو و راستی

وَ كَلِمَتِكَ وَ عَيْبَتِكَ فِي أَرْضِكَ الْمُتَرَقِّبِ الْخٰائِفِ الْوَلِيِّ
و کلمات و صندوق رازت در زمین، چشم انتظار و ترسان، دوستدار

النّٰاصِحِ، سَفِينَةِ النَّجٰاةِ وَ عَلَمِ الْهُدىٰ وَ نُورِ أَبْصٰارِ الْوَرىٰ
و خیرخواه، کشتی نجات و نشان هدایت و نور دیدگان مردم

وَخَيْرِ مَنْ تَقَمَّصَ وَ ارْتَدىٰ وَ الْوِتْرِ الْمَوْتُورِ وَمُفَرِّجِ الْكَرْبِ
و بهترین کسی که پیراهن [ولایت] و ردای [وصایت] به تن کرد و خونخواه خون انتقام نگرفته و گشایشگر سختی‌ها

وَ مُزِيلِ الْهَمِّ وَ كٰاشِفِ الْبَلْوىٰ، صَلَوٰاتُ اللّٰهِ عَلَيْهِ وَ عَلىٰ
و از میان برندهٔ پریشانی‌ها و برطرف کنندهٔ دشواری‌ها. صلوات خدا بر او

اٰبٰائِهِ الْأَئِمَّةِ الْهٰادِينَ وَ الْقٰادَةِ الْمَيٰامِينَ، مٰا طَلَعَتْ كَوٰاكِبُ
و پدرانش، امامان هدایتگر و پیشوایان مبارک، تا هر زمان که ستارگان

ٱلْأَسْحارِ وَ أَوْرَقَتِ ٱلْأَشْجارُ وَ أَيْنَعَتِ ٱلْأَثْمارُ وَ ٱخْتَلَفَ

سحر طلوع می‌کنند و درختان برگ می‌آورند و میوه‌ها می‌رسند و شب و روز

ٱللَّيْلُ وَ ٱلنَّهارُ وَ غَرَّدَتِ ٱلْأَطْيارُ، ٱللّٰهُمَّ ٱنفَعْنا بِحُبِّهِ وَٱحْشُرْنا

در پی هم می‌آیند و می‌روند و پرندگان اواز می‌خوانند. خدایا ما را از محبّتمان به او سود ده

فِي زُمْرَتِهِ وَ تَحْتَ لِوٰائِهِ، إِلٰهَ ٱلْحَقِّ آمِينَ رَبَّ ٱلْعالَمِينَ.

و مارا در زمرهٔ او و زیر پرچم او محشور گردان، ای خدای حق، آمین ای پروردگار جهانیان.

۲ـ دعای ندبه، که در عده‌ای از کتب مزار شیعه نقل شده است؛[۱] و در هر مکانی و هر زمانی، خاصه در اعیاد چهارگانه (جمعه، فطر، اضحی، غدیر) عرض ادب، با این زیارت، به ساحت قدس حضرتش مطلوب است:

ٱلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ ٱلْعالَمِينَ وَ صَلَّى ٱللّٰهُ عَلىٰ سَيِّدِنا مُحَمَّدٍ نَبِيِّهِ

ستایش خدایی را که پروردگار جهانهاست و صلوات خدا بر سرور ما محمد پیامبرش

وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ تَسْلِيماً، ٱللّٰهُمَّ لَكَ ٱلْحَمْدُ عَلىٰ مٰا جَرىٰ بِهِ

و بر خاندان او؛ و سلامی توأم با اخلاص. خداوندا، سپاس از آنِ توست به سبب آنچه

قَضٰاؤُكَ فِي أَوْلِيٰائِكَ ٱلَّذِينَ ٱسْتَخْلَصْتَهُمْ لِنَفْسِكَ وَ دِينِكَ

مشیت تو بر یارانت روا داشته؛ یارانی که برای خود و برای دین خود، مخصوص گردانیدی

إِذِ ٱخْتَرْتَ لَهُمْ جَزِيلَ مٰا عِنْدَكَ مِنَ ٱلنَّعِيمِ ٱلْمُقِيمِ ٱلَّذِي

و بزرگترین نعمتهایی را که نزد تو بود و نابودی در آن

لاٰ زَوٰالَ لَهُ وَ لاٰ ٱضْمِحْلاٰلَ، بَعْدَ أَنْ شَرَطْتَ عَلَيْهِمُ ٱلزُّهْدَ فِي

راه نداشت بدیشان کرامت فرمودی؛ پس از آنکه با ایشان پیمان بستی که از مراحل

---

۱. مصباح الزائر سید بن طاوس.

دَرَجاتِ هٰذِهِ الدُّنْيَا الدَّنِيَّةِ وَ زُخْرُفِهَا وَ زِبْرِجِهَا، فَشَرَطُوا لَكَ

این جهان فرومایه با گامهای زهد و پرهیز بگذرند و از رنگ آمیزیهای آن چشم پوشند. ایشان با تو پیمان

ذٰلِكَ وَ عَلِمْتَ مِنْهُمُ الْوَفَاءَ بِهِ، فَقَبِلْتَهُمْ وَ قَرَّبْتَهُمْ وَ قَدَّمْتَ

بستند که چنین کنند و دانستی که بر پیمان خویش استوارند؛ پس ایشان را پذیرفتی و به مقام قرب حضرتت نائل ساختی

لَهُمُ الذِّكْرَ الْعَلِيَّ وَ الثَّنَاءَ الْجَلِيَّ، وَ أَهْبَطْتَ عَلَيْهِمْ مَلَائِكَتَكَ

و بر آنان ذکر بلندپایهٔ و ثنای آشکار عطافرمودی و فرشتگانت را بر آنان فرود آوردی

وَ كَرَّمْتَهُمْ بِوَحْيِكَ وَ رَفَدْتَهُمْ بِعِلْمِكَ وَ جَعَلْتَهُمُ الذَّرِيعَةَ

و آنان را به وحی مکرم فرمودی. و با علم خود پذیرائی نمودی و آنان را دستاویزی

إِلَيْكَ وَ الْوَسِيلَةَ إِلَىٰ رِضْوَانِكَ، فَبَعْضٌ أَسْكَنْتَهُ جَنَّتَكَ إِلَىٰ أَنْ

به سوی تو و وسیله‌ای به رضوان قرار دادی و بعضی «آدم» را در بهشت ساکن ساختی تا آنگاه که

أَخْرَجْتَهُ مِنْهَا، وَ بَعْضٌ حَمَلْتَهُ فِي فُلْكِكَ وَ نَجَّيْتَهُ وَ مَنْ آمَنَ

از آنجا راندی. و بعضی را چون نوح در کشتی نشاندی و از هلاکت رهایی بخشیدی

مَعَهُ مِنَ الْهَلَكَةِ بِرَحْمَتِكَ، وَ بَعْضٌ اتَّخَذْتَهُ لِنَفْسِكَ خَلِيلاً

و آن کسان که با او بودند به رحمت خود ایمن ساختی. و بعضی را چون «ابراهیم» به دوستی خود

وَ سَأَلَكَ لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ فَأَجَبْتَهُ وَ جَعَلْتَ ذٰلِكَ

برگزیدی و خواهش او را که «لسان صدق» برای امتهای بعد باشد، اجابت کردی و به مقامی عالی در

عَلِيّاً، وَبَعْضٌ كَلَّمْتَهُ مِنَ شَجَرَةٍ تَكْلِيماً وَ جَعَلْتَ لَهُ مِنْ أَخِيهِ

معرفت رساندی. و بعضی «موسی» را از درخت‌مخاطب قرار دادی و برادرش را

رِدْءاً وَ وَزِيراً، وَ بَعْضٌ أَوْلَدْتَهُ مِنْ غَيْرِ أَبٍ وَ آتَيْتَهُ الْبَيِّنَاتِ

به خواهش او وزارت بخشیدی. و بعضی را «مانند عیسی» بدون پدر آفریدی وبه او معجزات عطا فرمودی

وَ أَيَّدْتَهُ بِرُوحِ ٱلْقُدُسِ، وَ كُلٌّ شَرَعْتَ لَهُ شَرِيعَةً وَ نَهَجْتَ لَهُ

و او رابه روح القدس مؤید فرمودی. و به همهٔ این پیامبران شریعت و آئینی عطا

مِنْهاجاً وَ تَخَيَّرْتَ لَهُ أَوْصِياءَ، مُسْتَحْفِظاً بَعْدَ مُسْتَحْفِظٍ مِنْ

فرمودی و برای هر یک جانشینی برگزیدی تا یکی پس از دیگری هر کدام زمانی

مُدَّةٍ إِلىٰ مُدَّةٍ، إِقامَةً لِدينِكَ وَ حُجَّةً عَلىٰ عِبادِكَ وَ لِئَلّا يَزُولَ

نگهبان شریعت بوده باشند و دین تو را برپانگهدارند و حجت تو بر بندگانت باشند؛ تا مگر

ٱلْحَقُّ عَنْ مَقَرِّهِ وَ يَغْلِبَ ٱلْباطِلُ عَلىٰ أَهْلِهِ، وَ لا يَقُولَ أَحَدٌ

حقیقت از قرارگاهش بیرون نرود و اهل باطل بر اهل حق غلبه نکنند و کسی نگوید

لَوْلا أَرْسَلْتَ إِلَيْنا رَسُولاً مُنْذِراً وَ أَقَمْتَ لَنا عَلَماً هادِياً فَنَتَّبِعَ

چرا برای ما پیامبری هشداردهنده که عَلَم‌هدایت برافرازد، نفرستادی تا از آیات تو

آياتِكَ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَذِلَّ وَ نَخْزىٰ، إِلىٰ أَنِ ٱنْتَهَيْتَ بِالْأَمْرِ إِلىٰ

پیروی کنیم پیش از آنکه زبون و رسوا گردیم. تا اینکه امر رسالت را

حَبيبِكَ وَ نَجيبِكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى ٱللّٰهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، فَكانَ كَما

به حبیبت و یار وفادارت محمد ـ که صلوات خدا بر او و خاندانش باشد رساندی و او بدانگونه

ٱنْتَجَبْتَهُ سَيِّدَ مَنْ خَلَقْتَهُ وَ صَفْوَةَ مَنِ ٱصْطَفَيْتَهُ وَ أَفْضَلَ مَنِ

که تو برگزیدی سرور آفریدگان تو و برگزیده نخبگان تو و برترین کسی که

ٱجْتَبَيْتَهُ وَ أَكْرَمَ مَنِ ٱعْتَمَدْتَهُ، قَدَّمْتَهُ عَلىٰ أَنْبِيائِكَ وَ بَعَثْتَهُ إِلَى

انتخاب فرمودی و گرامی‌ترین پیامبران مورد اعتماد تو بود. او را بر سایر انبیاء مقدم داشتی و برای هدایت

ٱلثَّقَلَيْنِ مِنْ عِبادِكَ وَ أَوْطَأْتَهُ مَشارِقَكَ وَ مَغارِبَكَ وَ سَخَّرْتَ

«ثقلین» جن و انس، از بندگانت، برانگیختی و شرق و غرب را زیر فرمان او قرار دادی

لَهُ ٱلْبُراقَ وَ عَرَجْتَ بِرُوحِهِ إِلىٰ سَمٰائِكَ وَأَوْدَعْتَهُ عِلْمَ ما كانَ

و «بُراق» را مسخر او ساختی و روح پاکش را به‌آسمانت بالا بردی و علم آنچه بود و آنچه خواهد آمد را

وَ ما يَكُونُ إِلَى ٱنْقِضٰاءِ خَلْقِكَ، ثُمَّ نَصَرْتَهُ بِالرُّعْبِ وَ حَفَفْتَهُ

نزد او ودیعه نهادی. تا پایان آفرینش، آنگاه او را با هراس در قلب دشمنان یاری کردی

بِجِبْرَئِيلَ وَ ميكٰائِيلَ وَ ٱلْمُسَوِّمِينَ مِنْ مَلاٰئِكَتِكَ وَ وَعَدْتَهُ أَنْ

و جبرئیل و میکائیل و دیگر فرشتگان با نام و نشانت را گرداگرد او قرار دادی و او را به

تُظْهِرَ دينَهُ عَلَى ٱلدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ ٱلْمُشْرِكُونَ، وَ ذٰلِكَ بَعْدَ

پیروزی دینش بر همگی ادیان وعده فرمودی، هر چند مشرکان را خوشایند نبود. و این پس

أَنْ بَوَّأْتَهُ مُبَوَّأَ صِدْقٍ مِنْ أَهْلِهِ وَ جَعَلْتَ لَهُ وَ لَهُمْ أَوَّلَ بَيْتٍ

از آن بود که او را در خاندان خود به جایگاه صدق رساندی و برای او و خاندانش اولین خانه‌ای که

وُضِعَ لِلنّٰاسِ لَلَّذي بِبَكَّةَ مُبٰارَكاً وَ هُدىً لِلْعٰالَمينَ، فيهِ اٰياتٌ

برای مردم در مکه با برکت و برای هدایت جهانیان بنا نهاده شد و در آن نشانه‌هایی

بَيِّنٰاتٌ مَقٰامُ إِبْراهيمَ وَ مَنْ دَخَلَهُ كٰانَ اٰمِناً، وَ قُلْتَ: «إِنَّمٰا يُريدُ

آشکار از اقامت ابراهیم است. هر که در آن داخل شود ایمن خواهد بود که تو گفتی: «خدا می‌خواهد

ٱللّٰهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ ٱلرِّجْسَ أَهْلَ ٱلْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَكُمْ تَطْهيراً»

دور کند از شما پلیدی را و پاکیزه سازد خاندان عصمت را به بهترین صورتی».

ثُمَّ جَعَلْتَ أَجْرَ مُحَمَّدٍ صَلَوٰاتُكَ عَلَيْهِ وَ اٰلِهِ مَوَدَّتَهُمْ فِي

آنگاه پاداش محمد را و دوستی او و خاندانش را در

كِتٰابِكَ فَقُلْتَ: «قُلْ لاٰ أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْراً إِلاَّ ٱلْمَوَدَّةَ فِي

کتاب خود آوردی و گفتی: «بگو ای پیامبر من از شما پاداشی جز دوستی

اَلْقُرْبىٰ» وَ قُلْتَ: «مٰا سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ» وَ قُلْتَ

خویشاوندانم نمی‌خواهم». و فرمودی: «آن اجری که از شما خواستم به سود شماست» و فرمودی:

«مٰا أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِلّا مَنْ شٰاءَ أَنْ يَتَّخِذَ إِلىٰ رَبِّهِ سَبيلاً»

«من از شما پاداش رسالت خود را نمی‌خواهم جز آنکه راه خدا را در پیش گیرید».

فَكٰانُوا هُمُ السَّبيلَ إِلَيْكَ وَ الْمَسْلَكَ إِلىٰ رِضْوٰانِكَ، فَلَمّٰا

پس خاندان تو راهی بسوی تو و راهنمای بهشت تواند. آنگاه که

انْقَضَتْ أَيّٰامُهُ أَقٰامَ وَلِيَّهُ عَلِيَّ ابْنَ أَبي طٰالِبٍ صَلَوٰاتُكَ عَلَيْهِمٰا

روزهای زندگی پیامبر به پایان رسید، دوست وفادار خود علی بن ابیطالب را ـ که صلوات خدا بر آن دو

وَ اٰلِهِمٰا هٰادِياً، إِذْ كٰانَ هُوَ الْمُنْذِرَ وَ لِكُلِّ قَوْمٍ هٰادٍ، فَقٰالَ

و اهل ایشان باد به هدایت مردم وصیت کرد که علی برای هر قومی راهنما و هشداردهنده بود. پس گفت

وَ الْمَلَأُ أَمٰامَهُ: «مَنْ كُنْتُ مَوْلاٰهُ فَعَلِيٌّ مَوْلاٰهُ، اَللّٰهُمَّ وٰالِ مَنْ

ـ درحالی که جمعیت را مخاطب قرار می‌داد: «هر که من مولای اویم علی مولای اوست خداوندا، دوست بدار آنکه

وٰالاٰهُ وَ عٰادِ مَنْ عٰادٰاهُ وَ انْصُرْ مَنْ نَصَرَهُ وَ اخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُ»

علی را دوست دارد و دشمن بدار هر که او را دشمن دارد. کسی را یاری کن که علی را یاری کند و کسی را زار و زبون ساز که

وَ قٰالَ: «مَنْ كُنْتُ أَنَا نَبِيَّهُ فَعَلِيٌّ أَميرُهُ» وَ قٰالَ: «أَنَا وَ عَلِيٌّ

علی را زبون سازد» و گفت: «هر کسی من او را پیامبرم، علی‌فرمانده اوست» و گفت: «من و علی

مِنْ شَجَرَةٍ وٰاحِدَةٍ وَ سٰائِرُ النّٰاسِ مِنْ شَجَرٍ شَتّىٰ» وَ أَحَلَّهُ

از اصلی یگانه‌ایم و دیگران از شاخه‌هایی پراکنده‌اند» و پیامبر او را نسبت به خویش

مَحَلَّ هٰرُونَ مِنْ مُوسىٰ فَقٰالَ لَهُ: «أَنْتَ مِنّي بِمَنْزِلَةِ هٰرُونَ

مقام هارون نسبت به موسی داد و بدو گفت: «تو در نزد من آنچنانی که هارون

مِنْ مُوسىٰ إِلّا أَنَّهُ لا نَبِيَّ بَعْدي» وَ زَوَّجَهُ ٱبْنَتَهُ سَيِّدَةَ نِساءِ

در نزد موسی بود؛ جز آنکه پیامبری پس از من نخواهد آمد» و دختر خود سرور بانوان

ٱلْعالَمينَ، وَ أَحَلَّ لَهُ مِنْ مَسْجِدِهِ ما حَلَّ لَهُ وَ سَدَّ ٱلْأَبْوابَ

جهانیان را به همسری او برگزید و حلال گردانید آنچه را که بر خود او در مسجد حلال بود و همهٔ درها را بروی مسجد

إِلّا بابَهُ، ثُمَّ أَوْدَعَهُ عِلْمَهُ وَ حِكْمَتَهُ فَقالَ: «أَنَا مَدينَةُ ٱلْعِلْمِ

خویش بست جز در خانهٔ علی را. سپس علم و حکمت خود را به‌او سپرد و گفت: «من شهر علمم

وَ عَلِيٌّ بابُها، فَمَنْ أَرادَ ٱلْمَدينَةَ وَ ٱلْحِكْمَةَ فَلْيَأْتِها مِنْ بابِها»

و علی در آن شهر است و هر کس خواهان شهر علم و شناخت حکمت است بر اوست که از در وارد شود».

ثُمَّ قالَ: «أَنْتَ أَخي وَ وَصِيّي وَ وارِثي، لَحْمُكَ مِنْ لَحْمي

آنگاه گفت: «تو برادر و جانشین و وارث منی؛ گوشت تو گوشت من

وَ دَمُكَ مِنْ دَمي وَ سِلْمُكَ سِلْمي وَ حَرْبُكَ حَرْبي وَ ٱلْإيمانُ

و خون تو خون من است؛ آشتی تو،آشتی من و پیکار تو، پیکار من است. آنچنان نیروی ایمان

مُخالِطٌ لَحْمَكَ وَ دَمَكَ كَما خالَطَ لَحْمي وَ دَمي وَ أَنْتَ غَداً

با گوشت و خون تو درآمیخته که با گوشت و خون من درآمیخته است. تو فردای قیامت

عَلَى ٱلْحَوْضِ خَليفَتي وَ أَنْتَ تَقْضي دَيْني وَ تُنْجِزُ عِداتي

جانشین من در حوض کوثر خواهی بود و آنچه را که من به شیعیان تو وعده داده‌ام ادا خواهی کرد

وَ شيعَتُكَ عَلىٰ مَنابِرَ مِنْ نورٍ مُبْيَضَّةً وُجوهُهُمْ حَوْلي فِي

و ایشان بر منابری از نور با چهره‌هایی‌تابناک در کنار من در

ٱلْجَنَّةِ وَ هُمْ جيراني وَلَوْلا أَنْتَ يا عَلِيُّ لَمْ يُعْرَفِ ٱلْمُؤْمِنونَ

بهشت، قرار دارند و همسایگان منند و اگر تو نبودی ـ ای علی ، پس از من مؤمنان

بَعْدي». وَ كانَ بَعْدَهُ هُدىً مِنَ ٱلضَّلالِ وَ نُوراً مِنَ ٱلْعَمىٰ

شناخته نمی‌شدند». آری، علی پس از پیامبر، راهنمای مردم از گمراهی، و روشنی پس از کوری

وَ حَبْلَ ٱللّٰهِ ٱلْمَتينَ وَ صِراطَهُ ٱلْمُسْتَقيمَ، لا يُسْبَقُ بِقَرابَةٍ في

و ریسمان محکم خدا و راه راست بود. هیچکس در خویشاوندی نسبت با پیامبر، بر او

رَحِمٍ وَ لا بِسابِقَةٍ في دينٍ وَ لا يُلْحَقُ في مَنْقَبَةٍ مِنْ مَناقِبِهِ،

پیشی نمی‌گرفت و بیش از او سابقه‌ای در اسلام نداشت و کسی همپایهٔ او در فضایل و محامد اخلاقی نبود.

يَحْذُو حَذْوَ ٱلرَّسُولِ صَلَّى ٱللّٰهُ عَلَيْهِما وَ آلِهِما وَ يُقاتِلُ

قدم در راه پیامبر صلوات خداوند بر ایشان و خاندان ایشان می‌گذاشت و بر طبق

عَلَى ٱلتَّأْويلِ وَ لا تَأْخُذُهُ فِي ٱللّٰهِ لَوْمَةُ لائِمٍ، قَدْ وَتَرَ فيهِ

تأویل می‌جنگید. و در راه خدا از ملامت ملامتگران باک نداشت و خونهای بزرگان عرب را

صَناديدَ ٱلْعَرَبِ وَ قَتَلَ أَبْطالَهُمْ وَ ناوَشَ ذُؤْبانَهُمْ فَأَوْدَعَ

بر خاک ریخت و شجاعانشان را هلاک کرد و سرکشان را مطیع ساخت و دلهاشان را از

قُلُوبَهُمْ أَحْقاداً بَدْرِيَّةً وَ خَيْبَرِيَّةً وَ حُنَيْنِيَّةً وَ غَيْرَهُنَّ، فَأَضَبَّتْ

شکستی که در بدر و خیبر و حنین خورده بودند پر از کینه ساخت و به سبب این کینه‌توزی

عَلىٰ عَداوَتِهِ وَ أَكَبَّتْ عَلىٰ مُنابَذَتِهِ، حَتّىٰ قَتَلَ ٱلنّاكِثينَ

به دشمنی او برخاستند و بر او هجوم بردند تا او بناچار نبرد کرد با پیمان شکنان در جنگ جمل

وَ ٱلْقاسِطينَ وَ ٱلْمارِقينَ، وَ لَمّا قَضىٰ نَحْبَهُ وَ قَتَلَهُ أَشْقَى

و ستمکاران در جنگ صفین و از دین برگشتگان در جنگ نهروان. و سرانجام روزگارش به پایان رسید و یکی از

ٱلْآخِرينَ يَتْبَعُ أَشْقَى ٱلْأَوَّلينَ، لَمْ يُمْتَثَلْ أَمْرُ رَسُولِ ٱللّٰهِ

ناپاک‌ترین ناپاکان که پیرو شیطان بود، او را از پا درآورد و فرمان رسول خدا را

صَلَّى ٱللّٰهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ فِي ٱلْهَادِينَ بَعْدَ ٱلْهَادِينَ وَ ٱلْأُمَّةُ مُصِرَّةٌ

ـ که صلوات براو وخاندانش‌باد دربارهٔعلی و فرزندانش ـ هادیان امت به کار نبستند و امت نادان کمر به

عَلَىٰ مَقْتِهِ، مُجْتَمِعَةٌ عَلَىٰ قَطِيعَةِ رَحِمِهِ وَ إِقْصَاءِ وُلْدِهِ إِلاَّ

دشمنی آنان بستند و قطع رحم پیامبر کردند و فرزندان او را از جانشینی دور ساختند؛ مگر

ٱلْقَلِيلَ مِمَّنْ وَفَىٰ لِرِعَايَةِ ٱلْحَقِّ فِيهِمْ، فَقُتِلَ مَنْ قُتِلَ وَ سُبِيَ

اندکی از ایشان که مراعات حقوق خاندان پیامبر را نمودند. پس گروهی از خاندان او کشته شدند و جمعی

مَنْ سُبِيَ وَ أُقْصِيَ مَنْ أُقْصِيَ وَ جَرَى ٱلْقَضَاءُ لَهُمْ بِمَا يُرْجَىٰ

اسیر و تبعید گردیدند و مشیت الهی بر ایشان جاری گردید،

لَهُ حُسْنُ ٱلْمَثُوبَةِ إِذْ كَانَتِ ٱلْأَرْضُ لِلّٰهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ

به خاطر حسن عاقبت و پاداش نیکی که در آن جهان خواهند یافت؛ زیرا زمین ملک خداست و به هر که از بندگان

عِبَادِهِ وَ ٱلْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ وَ سُبْحَانَ رَبِّنَا إِنْ كَانَ وَعْدُ رَبِّنَا

خواهد می‌بخشد و پاداش نیک از آن پرهیزگاران است. و پاک است پروردگار ما، که وعدهٔ او

لَمَفْعُولاً، وَ لَنْ يُخْلِفَ ٱللّٰهُ وَعْدَهُ وَ هُوَ ٱلْعَزِيزُ ٱلْحَكِيمُ،

عملی خواهد شد و خدا هرگز خلف وعده نخواهد کرد و او عزیز و حکیم است.

فَعَلَى ٱلْأَطَائِبِ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ صَلَّى ٱللّٰهُ عَلَيْهِمَا

پس بر نیکان اهل بیت محمد و علی ـ که صلوات خدا بر آن دو

وَ آلِهِمَا، فَلْيَبْكِ ٱلْبَاكُونَ، وَ إِيَّاهُمْ فَلْيَنْدُبِ ٱلنَّادِبُونَ، وَلِمِثْلِهِمْ

و خاندانشان باشد. پس باید گریندگان بگریند و زاری و شیون کنند و اشک از

فَلْتَذْرِفِ ٱلدُّمُوعُ وَ لْيَصْرُخِ ٱلصَّارِخُونَ وَ يَضِجَّ ٱلضَّاجُّونَ

دیدگان فرو بارند و ناله از دل برکشند و ضجه

وَ يَعِجَّ ٱلْعٰاجُّونَ، أَيْنَ ٱلْحَسَنُ أَيْنَ ٱلْحُسَيْنُ؟ أَيْنَ أَبْنٰاءُ

و فریاد برآورند که: کجایند حسن و حسین و فرزندان

ٱلْحُسَيْنِ؟ صٰالِحٌ بَعْدَ صٰالِحٍ، وَ صٰادِقٌ بَعْدَ صٰادِقٍ، أَيْنَ

حسین؟ پاکیزگان عالم یکی پس از دیگری و راستگویان یکی پس از دیگری؟ کجایند

ٱلسَّبِيلُ بَعْدَ ٱلسَّبِيلِ؟ أَيْنَ ٱلْخِيَرَةُ بَعْدَ ٱلْخِيَرَةِ؟ أَيْنَ ٱلشُّمُوسُ

آن راههای فلاح و رستگاری؟ کجایند آن نیک مردان یکی پس از دیگری؟ کجایند خورشیدهای

ٱلطّٰالِعَةُ؟ أَيْنَ ٱلْأَقْمٰارُ ٱلْمُنِيرَةُ؟ أَيْنَ ٱلْأَنْجُمُ ٱلزّٰاهِرَةُ؟

فروزان و ماههای درخشان و ستارگان تابان؟

أَيْنَ أَعْلاٰمُ ٱلدِّينِ وَ قَوٰاعِدُ ٱلْعِلْمِ؟ أَيْنَ بَقِيَّةُ ٱللّٰهِ ٱلَّتِي

کجایند نشانه‌های دین و بنیانهای معرفت؟ کجاست بقیةالله؛ آنکه از

لاٰ تَخْلُو مِنَ ٱلْعِتْرَةِ ٱلْهٰادِيَةِ؟ أَيْنَ ٱلْمُعَدُّ لِقَطْعِ دٰابِرِ ٱلظَّلَمَةِ؟

خاندان عترت و هدایت است؟ کجاست آن بزرگواری که برای قطع ریشهٔ ستمگری آماده است؟

أَيْنَ ٱلْمُنْتَظَرُ لِإِقٰامَةِ ٱلْأَمْتِ وَ ٱلْعِوَجِ؟ أَيْنَ ٱلْمُرْتَجىٰ لِإِزٰالَةِ

کجاست آنکه همگان در انتظار اویند و کجیها را راست خواهد کرد؟ کجاست امید ما برای نابودی

ٱلْجَوْرِ وَ ٱلْعُدْوٰانِ؟ أَيْنَ ٱلْمُدَّخَرُ لِتَجْدِيدِ ٱلْفَرٰائِضِ وَ ٱلسُّنَنِ؟

ظلم و تجاوز؟ کجاست ذخیره‌مان برای بازسازی واجبات و مستحبات دین؟

أَيْنَ ٱلْمُتَخَيَّرُ لِإِعٰادَةِ ٱلْمِلَّةِ وَ ٱلشَّرِيعَةِ؟ أَيْنَ ٱلْمُؤَمَّلُ لِإِحْيٰاءِ

کجاست آنکه برای برگرداندن دین و آیین برگزیده شده و برای زنده کردن

ٱلْكِتٰابِ وَ حُدُودِهِ؟ أَيْنَ مُحْيِي مَعٰالِمِ ٱلدِّينِ وَ أَهْلِهِ؟ أَيْنَ

کتاب آسمانی قرآن و حدود آن دل بر او بسته‌اند؟ کجاست احیاکنندهٔ آثار دین و اهلش؟ کجاست

قاصِمُ شَوْكَةِ ٱلْمُعْتَدِينَ؟ أَيْنَ هادِمُ أَبْنِيَةِ ٱلشِّرْكِ وَ ٱلنِّفاقِ؟

درهم کوبندهٔ قدرت تجاوزگران؟ کجاست ویران‌سازندهٔ بنیانهای شرک و نفاق؟

أَيْنَ مُبِيدُ أَهْلِ ٱلْفُسُوقِ وَ ٱلْعِصْيانِ وَ ٱلطُّغْيانِ؟ أَيْنَ حاصِدُ

کجاست نابود سازندهٔ فاسقان و عصیانگران و گردنکشان؟ کجاست برکنندهٔ

فُرُوعِ ٱلْغَيِّ وَ ٱلشِّقاقِ؟ أَيْنَ طامِسُ آثارِ ٱلزَّيْغِ وَ ٱلْأَهْواءِ؟

نهال گمراهی و دشمنی؟ کجاست محوکنندهٔ آثار اوهام و هواهای نفس؟

أَيْنَ قاطِعُ حَبائِلِ ٱلْكِذْبِ وَ ٱلافْتِراءِ؟ أَيْنَ مُبِيدُ ٱلْعُتاةِ

کجاست قطع کنندهٔ رشته‌های دروغ و افترا؟ کجاست ویران سازندهٔ بنیانهای

وَ ٱلْمَرَدَةِ؟ أَيْنَ مُسْتَأْصِلُ أَهْلِ ٱلْعِنادِ وَ ٱلتَّضْلِيلِ وَ ٱلْإِلْحادِ؟

شرک نافرمانان و شکست‌دهندهٔ دشمنان و گمراهان و بیدینان؟

أَيْنَ مُعِزُّ ٱلْأَوْلِياءِ وَ مُذِلُّ ٱلْأَعْداءِ؟ أَيْنَ جامِعُ ٱلْكَلِمَةِ عَلَى

کجاست گرامی دارندهٔ دوستان خدا و ذلیل سازندهٔ دشمنان او؟ کجاست گردآورندهٔ کلمهٔ

ٱلتَّقْوىٰ؟ أَيْنَ بابُ ٱللّٰهِ ٱلَّذِي مِنْهُ يُؤْتىٰ؟ أَيْنَ وَجْهُ ٱللّٰهِ

تقوی؟ کجاست باب رحمت خدا که از آن وارد می‌شوند؟ کجاست آن وجه خدا

ٱلَّذِي إِلَيْهِ يَتَوَجَّهُ ٱلْأَوْلِياءُ؟ أَيْنَ ٱلسَّبَبُ ٱلْمُتَّصِلُ بَيْنَ

که دوستداران به سوی او رو می‌آورند؟ کجاست وسیله‌ای که زمین و آسمان

ٱلْأَرْضِ وَ ٱلسَّماءِ؟ أَيْنَ صاحِبُ يَوْمِ ٱلْفَتْحِ وَ ناشِرُ رايَةِ

را به هم می‌پیوندد؟ کجاست صاحب روز پیروزی مسلمانان و برافرازندهٔ پرچم

ٱلْهُدىٰ؟ أَيْنَ مُؤَلِّفُ شَمْلِ ٱلصَّلاحِ وَ ٱلرِّضا؟ أَيْنَ ٱلطّالِبُ

هدایت؟ کجاست مصلح پریشانیها و گردآورندهٔ خشنودیها؟ کجاست طلب‌کنندهٔ

بِذُحُولِ ٱلْأَنْبِيَآءِ وَ أَبْنَآءِ ٱلْأَنْبِيَاءِ؟ أَيْنَ ٱلطَّالِبُ بِدَمِ ٱلْمَقْتُولِ

خون پیامبران و پیامبرزادگان؟ کجاست طلب کنندهٔ خون شهید

بِكَرْبَلَآءَ؟ أَيْنَ ٱلْمَنْصُورُ عَلىٰ مَنِ ٱعْتَدىٰ عَلَيْهِ وَ ٱفْتَرىٰ؟

کربلا؟ کجاست آنکه پیروز گردد بر کسانی که بدو تجاوز کرده و تهمت زده‌اند؟

أَيْنَ ٱلْمُضْطَرُّ ٱلَّذِي يُجَابُ إِذَا دَعَا؟ أَيْنَ صَدْرُ ٱلْخَلَآئِقِ

کجاست مضطری که اگر دعا کند مستجاب گردد؟ کجاست پیشوای

ذُو ٱلْبِرِّ وَ ٱلتَّقْوىٰ؟ أَيْنَ ٱبْنُ ٱلنَّبِيِّ ٱلْمُصْطَفىٰ وَ ٱبْنُ عَلِيٍّ

نیکوکار و پارسا؟ کجاست فرزند پیامبر برگزیدهٔ خدا و فرزند علی

ٱلْمُرْتَضىٰ وَ ٱبْنُ خَدِيجَةَ ٱلْغَرَّآءِ وَ ٱبْنُ فَاطِمَةَ ٱلْكُبْرىٰ؟

مرتضی و پسر خدیجهٔ والامقام و زادهٔ فاطمهٔ زهرا؟

بِأَبِي أَنْتَ وَ أُمِّي وَ نَفْسِي لَكَ ٱلْوِقَآءُ وَ ٱلْحِمىٰ، يَابْنَ ٱلسَّادَةِ

پدر و مادر و جانم فدای تو و پشتیبان و حامی تو باد ای فرزند بزرگان

ٱلْمُقَرَّبِينَ، يَابْنَ ٱلنُّجَبَآءِ ٱلْأَكْرَمِينَ، يَابْنَ ٱلْهُدَاةِ ٱلْمَهْدِيِّينَ

و نزدیکان درگاه خدا، ای فرزند بزرگواران گرامی و ای پسر رهبران هدایت شده،

يَابْنَ ٱلْخِيَرَةِ ٱلْمُهَذَّبِينَ، يَابْنَ ٱلْغَطَارِفَةِ ٱلْأَنْجَبِينَ، يَابْنَ ٱلْأَطَآئِبِ

ای فرزند جوانمردان پاکدامن، ای فرزند سخاوتمندان بزرگوار، ای فرزند

ٱلْمُطَهَّرِينَ، يَابْنَ ٱلْخَضَارِمَةِ ٱلْمُنْتَجَبِينَ، يَابْنَ ٱلْقَمَاقِمَةِ

پاکیزگان منزه ای فرزند بخشندگان برگزیده، ای فرزند مهتران

ٱلْأَكْرَمِينَ، يَابْنَ ٱلْبُدُورِ ٱلْمُنِيرَةِ، يَابْنَ ٱلسُّرُجِ ٱلْمُضِيئَةِ،

گرامی، ای فرزند ماههای تابان و ای فرزند چراغهای فروزان،

يَابْنَ ٱلشُّهُبِ ٱلثّاقِبَةِ، يَابْنَ ٱلْأَنْجُمِ ٱلزّاهِرَةِ، يَابْنَ ٱلسُّبُلِ
ای فرزند شهابهای تابنده، ای فرزند ستارگان نورانی، ای فرزند راههای

ٱلْواضِحَةِ، يَـابْنَ ٱلْأَعْلامِ ٱللّائِحَةِ، يَابْنَ ٱلْعُلُومِ ٱلْكامِـلَةِ،
روشن، ای فرزند نخبگان سرشناس، ای فرزند علوم کامل

يَابْنَ ٱلسُّنَنِ ٱلْمَشْهُورَةِ، يَابْنَ ٱلْمَعالِمِ ٱلْمَأْثُورَةِ، يَابْنَ ٱلْمُعْجِزاتِ
و سنتهای مشهور، ای فرزند نشانه‌های برجای مانده و معجزه‌های

ٱلْمَوْجُودَةِ،يَابْنَ ٱلدَّلائِلِ ٱلْمَشْهُودَةِ، يَابْنَ ٱلصِّراطِ ٱلْمُسْتَقِيمِ،
وجود یافته، ای فرزند دلیلهای واضح، ای فرزند راه راست،

يَابْنَ ٱلنَّبَإِ ٱلْعَظِيمِ، يَابْنَ مَنْ هُوَ فِي أُمِّ ٱلْكِتابِ لَدَى ٱللّٰهِ
ای فرزند خبر بزرگ، ای فرزند کسی که او در ام الکتاب نزد خداوند

عَـلِيٌّ حَكِيمٌ، يَابْنَ ٱلْآياتِ وَ ٱلْبَيِّناتِ، يَابْنَ ٱلدَّلائِلِ ٱلظّاهِراتِ،
علی حکیم است، ای فرزند نشانه‌ها و حجتها، ای فرزند دلیل‌های آشکار،

يَابْنَ ٱلْبَراهِينِ ٱلْواضِحاتِ ٱلْباهِراتِ، يَابْنَ ٱلْحُجَجِ ٱلْبالِغاتِ،
ای فرزند برهانهای روشن و واضح، ای فرزند حجت‌های کامل،

يَابْنَ ٱلنِّعَمِ ٱلسّابِغاتِ، يَابْنَ طٰهٰ وَ ٱلْمُحْكَماتِ، يَابْنَ يٰس
ای فرزند نعمت‌های شامل، ای فرزند «طه» و آیات محکمات، ای فرزند «یس»

وَ ٱلذّارِياتِ، يَابْنَ ٱلطُّورِ وَ ٱلْعادِياتِ، يَابْنَ مَنْ دَنىٰ فَتَدَلّىٰ
و «الذاریات»، ای فرزند «طور» و «العادیات»، ای فرزند کسی که به قرب خدا راه یافت

فَكانَ قابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنىٰ دُنُوّاً وَ ٱقْتِراباً مِنَ ٱلْعَلِيِّ ٱلْأَعْلىٰ،
و به‌عرش او آویخت و چنان به خدای علیّ اعلی نزدیک شد که در مقام تشبیه به اندازهٔ نزدیکی دو سر کمان بود،

لَيْتَ شِعْرِي أَيْنَ ٱسْتَقَرَّتْ بِكَ ٱلنَّوىٰ، بَلْ أَيُّ أَرْضٍ تُقِلُّكَ،

کاش می‌دانستم در کجا دلها به دیدار تو آرامش خواهند یافت و در کدام سرزمین اقامت داری:

أَوْ ثَرىٰ أَبِرَضْوىٰ، أَوْ غَيْرِهٰا، أَمْ ذي طُوىٰ، عَزيزٌ عَلَيَّ أَنْ

در سرزمین رضواء، یا غیر از آن و یا در ذی طوی؟ برای من دیدار مردمان بی‌تو گران است

أَرَى ٱلْخَلْقَ وَ لاٰ تُرىٰ وَ لاٰ أَسْمَعَ لَكَ حَسيساً وَ لاٰ نَجْوىٰ،

و شنیدن سخن دیگران بی‌آنکه کلام تو را بشنوم. سخت دشوار است و از تو هیچ صدایی حتّی آهسته به گوش نرسد.

عَزيزٌ عَلَيَّ أَنْ تُحيطَ بِكَ دُونِيَ ٱلْبَلْوىٰ وَ لاٰ يَنٰالُكَ مِنّي

دوری تو سبب رنج و بلای من گردیده و بانگ ناله و شکایت من

ضَجيجٌ وَ لاٰ شَكْوىٰ، بِنَفْسي أَنْتَ مِنْ مُغَيَّبٍ لَمْ يَخْلُ مِنّٰا،

به تو نرسد. جانم فدای تو ای غائبی که بیرون از ما نیستی.

بِنَفْسي أَنْتَ مِنْ نٰازِحٍ مٰا نَزَحَ عَنّٰا، بِنَفْسي أَنْتَ أُمْنِيَّةُ شٰائِقٍ

جانم فدای تو ای دوری گزیده‌ای که از ما دور نیستی. جانم فدای تو، ای آرمان شورانگیزی

يَتَمَنّىٰ مِنْ مُؤْمِنٍ وَ مُؤْمِنَةٍ ذَكَرٰا فَحَنّٰا، بِنَفْسي أَنْتَ مِنْ عَقيدِ

که هر مرد و زن مؤمنی بیاد تو ناله می‌کنند. جانم فدای تو ای از خاندان

عِزٍّ لاٰ يُسٰامىٰ، بِنَفْسي أَنْتَ مِنْ أَثيلِ مَجْدٍ لاٰ يُجٰارىٰ، بِنَفْسي

عزّتی که عظمتش نهایت ندارد. جانم فدای تو ای بنیان مجد که همتایی ندارد. جانم فدای

أَنْتَ مِنْ تِلاٰدِ نِعَمٍ لاٰ تُضٰاهىٰ، بِنَفْسي أَنْتَ مِنْ نَصيفِ شَرَفٍ

تو ای کسی که از نعمت‌هایی هستی که نظیر ندارد. جانم فدای تو ای بنیان استوار شرف

لاٰ يُسٰاوىٰ، إِلىٰ مَتىٰ أَحٰارُ فيكَ يٰا مَوْلاٰيَ؟ وَ إِلىٰ مَتىٰ وَ أَيَّ

که مساوی ندارد. مولای من چقدر در انتظار تو سرگردان باشم و تا کی و چگونه

خِطٰابِ أَصِفُ فيكَ وَ أَيَّ نَجْوىٰ؟ عَزيزٌ عَلَيَّ أَنْ أُجٰابَ

تو را بخوانم و چگونه راز دل گویم؟ بر من دشوار است که پاسخی

دُونَكَ وَ أُنٰاغىٰ، عَزيزٌ عَلَيَّ أَنْ أَبْكِيَكَ وَ يَخْذُلَكَ ٱلْوَرىٰ،

از غیر تو شنوم دشوار است بر من که بر تو بگریم و مردم تو را از نظر بیفکنند.

عَزيزٌ عَلَيَّ أَنْ يَجْرِيَ عَلَيْكَ دُونَهُمْ مٰاجَرىٰ، هَلْ مِنْ مُعينٍ

بر من دشوار است که بر تو پیشامدی غیر دیگران بگذرد. آیا مرا یار و یاوری پیدا شود

فَأُطيلَ مَعَهُ ٱلْعَويلَ وَ ٱلْبُكٰاءَ؟ هَلْ مِنْ جَزُوعٍ فَأُسٰاعِدَ جَزَعَهُ

که با من در گریه و زاری همراهی کند؟ و آیا مویه‌گری توان‌یافت که مرا در فریاد

إِذٰا خَلاٰ؟ هَلْ قَذِيَتْ عَيْنٌ فَسٰاعَدَتْهٰا عَيْني عَلَى ٱلْقَذىٰ؟

و فغان یاری کند؟ و آیا چشمی گریان هست که چشم من او را در گریستن مدد کند؟

هَلْ إِلَيْکَ يَابْنَ أَحْمَدَ سَبيلٌ فَتُلْقىٰ؟ هَلْ يَتَّصِلُ يَوْمُنٰا مِنْكَ

ای پسر پیامبر [ص]، آیا بسوی تو راهی هست که با تو ملاقات کنم؟ و آیا روز جدائی ما به وصال خواهد رسید

بِعَدِهِ فَنَحْظىٰ؟ مَتىٰ نَرِدُ مَنٰاهِلَكَ ٱلرَّوِيَّةَ فَنَرْوىٰ؟ مَتىٰ نَنْتَقِعُ

که شادمان شویم؟ کی به سرچشمهٔ سیراب کننده تو می‌رسیم تا سیراب شویم؟ کی از آب

مِنْ عَذْبِ مٰائِكَ فَقَدْ طٰالَ ٱلصَّدىٰ؟ مَتىٰ نُغٰاديكَ وَ نُرٰاوِحُكَ

گوارای تو فیض خواهیم برد که تشنگیمان به درازاکشیده؟ کی صبح و شام چشم به جمال

فَنَقِرَّ عَيْناً؟ مَتىٰ تَرٰانٰا وَ نَرٰاكَ وَ قَدْ نَشَرْتَ لِوٰاءَ ٱلنَّصْرِ تُرىٰ؟

تو روشن شود؟ کی ما را ببینی و ما تو را ببینیم در حالی که با پرچم برافراشته پیروزی دیده می‌شوی؟

أَتَرٰانٰا نَحُفُّ بِكَ وَ أَنْتَ تَؤُمُّ ٱلْمَلَأَ وَ قَدْ مَلَأْتَ ٱلْأَرْضَ عَدْلاً

آیا خواهی دید که ما به گرد تو حلقه زده‌ایم؟ و تو باسپاه خود زمین را پر از عدل و داد کرده باشی

وَ أَذَقْتَ أَعْداءَكَ هَواناً وَ عِقاباً، وَ أَبَرْتَ ٱلْعُتاةَ وَ جَحَدَةَ

و دشمنانت را خواری و کیفر چشانده‌باشی؛ گردنکشان و منکران حق را ریشه کن

ٱلْحَقِّ وَ قَطَعْتَ دابِرَ ٱلْمُتَكَبِّرِينَ وَ ٱجْتَثَثْتَ أُصُولَ ٱلظّالِمِينَ

و متکبران را نابود کنی و ریشهٔ ظالمان را از زمین برکنی.

وَ نَحْنُ نَقُولُ: «ٱلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ ٱلْعالَمِينَ»، ٱللّٰهُمَّ أَنْتَ

در حالی که ما می‌گوییم «ستایش خدایی را سزاوار است که پروردگار جهانیانست». خداوندا، تو

كَشّافُ ٱلْكُرَبِ وَ ٱلْبَلْوىٰ وَ إِلَيْكَ أَسْتَعْدي فَعِنْدَكَ ٱلْعَدْوىٰ

غم و رنج را از دلها بیرون کنی و بسوی تو فریادخواهی می‌کنم. و دادرسی در درگاه توست.

وَ أَنْتَ رَبُّ ٱلْآخِرَةِ وَ ٱلدُّنْيا، فَأَغِثْ يا غِياثَ ٱلْمُسْتَغيثِينَ

و تو پروردگار آخرت و دنیا هستی. ای فریادرس فریادخواهان،

عُبَيْدَكَ ٱلْمُبْتَلىٰ وَ أَرِهِ سَيِّدَهُ يا شَديدَ ٱلْقُوىٰ وَ أَزِلْ عَنْهُ بِهِ

بندهٔ مبتلای خود را دریاب و سرورش را بدو بنمایان. ای خدا بسیار توانا، با ظهورش او را از اندوه

ٱلْأَسىٰ وَ ٱلْجَوىٰ وَ بَرِّدْ غَليلَهُ يا مَنْ عَلَى ٱلْعَرْشِ ٱسْتَوىٰ

و پریشانی آسوده ساز و شعلهٔ قلب او را فرو نشان. ای کسی که بر عرش استواری

وَ مَنْ إِلَيْهِ ٱلرُّجْعىٰ وَ ٱلْمُنْتَهىٰ، ٱللّٰهُمَّ وَ نَحْنُ عَبيدُكَ ٱلتّائِقُونَ

و بازگشت و پایان همه چیز بسوی توست ـ خداوندا ما بندگانی هستیم که مشتاق

إِلىٰ وَلِيِّكَ ٱلْمُذَكِّرِ بِكَ وَ بِنَبِيِّكَ، خَلَقْتَهُ لَنا عِصْمَةً وَ مَلاذاً

ظهور ولی توایم؛ آنکه یادآور تو و فرستادهٔ توست؛ او را برای نگهداری ایمان ما و پناه جستن آفریدی

وَ أَقَمْتَهُ لَنا قِواماً وَ مَعاذاً وَ جَعَلْتَهُ لِلْمُؤمِنِينَ مِنّا إِماماً، فَبَلِّغْهُ

و پیشوا و امام مؤمنان قرار دادی؛ از سوی ما

مِنّا تَحِیَّةً وَ سَلاماً وَ زِدْنا بِذٰلِكَ یا رَبِّ إِكْراماً وَ اجْعَلْ
بر او درود و سلام برسان. و بدان ـ ای پروردگار بر کرامت خود برما بیفزای؛

مُسْتَقَرَّهُ لَنا مُسْتَقَرّاً وَ مُقاماً وَ أَتْمِمْ نِعْمَتَكَ بِتَقْدیمِكَ إِیّاهُ
و قرارگاهش را قرارگاه و محل اقامت ما قرار داده و با پیشوایی او بر ما، نعمتت را

أَمامَنا، حَتّیٰ تُورِدَنا جِنانَكَ وَ مُرافَقَةَ الشُّهَداءِ مِنْ خُلَصائِكَ،
تمام کن تا ما را در بهشت تو وارد سازد و از هممصحبتی شهیدان خالص تو بهره‌مند سازد.

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ جَدِّهِ
خداوندا، صلوات فرست بر محمد و خاندانش و صلوات فرست بر جدش محمد

وَ رَسُولِكَ السَّیِّدِ الْأَكْبَرِ وَ عَلیٰ أَبیهِ السَّیِّدِ الْأَصْغَرِ وَ جَدَّتِهِ
فرستاده و سرور بزرگ و بر پدرش علی سرور کوچکتر و جده‌اش

الصِّدّیقَةِ الْكُبْریٰ فاطِمَةَ بِنْتِ مُحَمَّدٍ وَ عَلیٰ مَنِ اصْطَفَیْتَ
صدیقۀ کبری فاطمه دختر محمد و بر آنان که برگزیدی

مِنْ آبائِهِ الْبَرَرَةِ وَ عَلَیْهِ أَفْضَلَ وَ أَكْمَلَ وَ أَتَمَّ وَ أَدْوَمَ وَ أَكْثَرَ
از پدران بزرگوار او. پس بر او باد برترین، کاملترین، پابرجاترین، بیشترین

وَ أَوْفَرَ ما صَلَّیْتَ عَلیٰ أَحَدٍ مِنْ أَصْفِیائِكَ وَ خِیَرَتِكَ مِنْ
و فراوان‌ترین صلواتی که بر یکی از بندگان برگزیدۀ خود و بهترین آفریدگان

خَلْقِكَ، وَ صَلِّ عَلَیْهِ صَلٰوةً لا غایَةَ لِعَدَدِها وَ لا نِهایَةَ لِمَدَدِها
خود می‌فرستی. و صلوات فرست بر او، صلواتی که عددش بی شمار و امتدادش بی پایان

وَ لا نَفادَ لِأَمَدِها، اَللّٰهُمَّ وَ أَقِمْ بِهِ الْحَقَّ وَ أَدْحِضْ بِهِ الْباطِلَ
و زمانش بی‌انتها باشد. خداوندا، بوسیلۀ او دین حق را پاینده دار و باطل را نابود گردان

وَ أَدِلْ بِهِ أَوْلِيَاءَكَ وَ أَذْلِلْ بِهِ أَعْدَاءَكَ، وَ صِلِ ٱللَّهُمَّ بَيْنَنَا

و در سایهٔ وجود او دوستدارانت را هدایت فرما و دشمنانت را خوار گردان. خداوندا، میان او

وَ بَيْنَهُ وُصْلَةً تُؤَدِّي إِلَىٰ مُرَافَقَةِ سَلَفِهِ، وَ ٱجْعَلْنَا مِمَّنْ يَأْخُذُ

و ما آنچنان پیوندی برقرار ساز که به رفاقت با پدرانش منجر شود و ما را از کسانی قرار ده

بِحُجْزَتِهِمْ وَ يَمْكُثُ فِي ظِلِّهِمْ، وَ أَعِنَّا عَلَىٰ تَأْدِيَةِ حُقُوقِهِ إِلَيْهِ

که چنگ به دامان آنان زده و در سایهٔ لطفشان مانده باشند. ما را بر ادای حقوق آن حضرت یاری فرما

وَ ٱلْاِجْتِهَادِ فِي طَاعَتِهِ وَ ٱجْتِنَابِ مَعْصِيَتِهِ، وَ ٱمْنُنْ عَلَيْنَا

و در کوشش نسبت به اطاعت از او و دوری از نافرمانی او مساعدت کن و بر ما به خشنودی

بِرِضَاهُ وَ هَبْ لَنَا رَأْفَتَهُ وَ رَحْمَتَهُ وَ دُعَاءَهُ وَ خَيْرَهُ مَانَنَالُ بِهِ

او منت گذار و مهربانی و رحمت و دعا و خیر او را بر ما ببخش تا بدین وسیله،

سَعَةً مِنْ رَحْمَتِكَ وَ فَوْزاً عِنْدَكَ، وَ ٱجْعَلْ صَلٰوتَنَا بِهِ مَقْبُولَةً

به فیض رحمت و رستگاری تو برسیم و نماز ما را بخاطر او قبول فرما

وَ ذُنُوبَنَا بِهِ مَغْفُورَةً وَ دُعَاءَنَا بِهِ مُسْتَجَاباً، وَ ٱجْعَلْ أَرْزَاقَنَا بِهِ

و گناهانمان را به شفاعت او بیامرز. و دعایمان را به سبب او مستجاب گردان و روزی ما را

مَبْسُوطَةً وَ هُمُومَنَا بِهِ مَكْفِيَّةً وَ حَوَائِجَنَا بِهِ مَقْضِيَّةً، وَ أَقْبِلْ

وسیع فرما. اندوههای ما را برطرف ساز و نیازهای ما رابه خاطر او برآور. و با وجه کریم

إِلَيْنَا بِوَجْهِكَ ٱلْكَرِيمِ، وَ ٱقْبَلْ تَقَرُّبَنَا إِلَيْکَ، وَ ٱنْظُرْ إِلَيْنَا نَظْرَةً

خود به ما روی آور و تقربِ ما رابسوی خود بپذیر واز روی رحمت به ما نظری کن

رَحِيمَةً نَسْتَكْمِلُ بِهَا ٱلْكَرَامَةَ عِنْدَكَ، ثُمَّ لَا تَصْرِفْهَا عَنَّا بِجُودِكَ،

که با آن کرامت‌مان را نزد تو به کمال برسانیم. پس هرگز نظر لطفت را به بزرگواری از ما باز مگیر

وَ ٱسْقِنٰا مِنْ حَوْضِ جَدِّهِ صَلَّى ٱللّٰهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ بِكَأْسِهِ وَ بِيَدِهِ

و ما را از حوض کوثر جدش ـ صلوات خدا بر او و خاندانش باد با جامی از دست او سیراب فرما:

رَيّاً رَوِيّاً هَنيئاً سٰائِغاً لاٰ ظَمَأَ بَعْدَهُ يٰا أَرْحَمَ ٱلرّٰاحِمينَ.

شرابی سیر و سیراب و گوارا و شیرین که بعد از آن هرگز تشنه نشویم؛ ای مهربان‌ترین مهربانان.

۳ـزیارتی است مربوط به حضرت ولی‌عصر عجل‌الله فرجه، که مستحب است هر روز، بعد از نماز صبح، خوانده شود:

اَللّٰهُمَّ بَلِّغْ مَوْلاٰيَ صٰاحِبَ ٱلزَّمٰانِ صَلَوٰاتُ ٱللّٰهِ عَلَيْهِ،

خداوندا، بر مولای ما صاحب زمان ـ صلوات خدا بر او باد

عَنْ جَميعِ ٱلْمُؤْمِنينَ وَ ٱلْمُؤْمِنٰاتِ، في مَشٰارِقِ ٱلْأَرْضِ

از سوی همهٔ مردان و زنان مؤمن، در شرق

وَ مَغٰارِبِهٰا وَ بَرِّهٰا وَ بَحْرِهٰا وَ سَهْلِهٰا وَ جَبَلِهٰا، حَيِّهِمْ وَ مَيِّتِهِمْ

و غرب زمین، خشکی و دریا، دشت و کوهساران، زنده و مردهٔ مردمان

وَ عَنْ وٰالِدَيَّ وَ وُلْدي وَ عَنّي مِنَ ٱلصَّلَوٰاتِ وَ ٱلتَّحِيّٰاتِ، زِنَةَ

و از سوی پدرم و فرزندانم و از سوی خودم، صلوات و سلامهایی برسان به اندازهٔ

عَرْشِ ٱللّٰهِ وَ مِدٰادَ كَلِمٰاتِهِ وَ مُنْتَهىٰ رِضٰاهُ وَ عَدَدَ مٰا أَحْصٰاهُ

عرش خدا و امتداد کلمات او و آخرین مرحلهٔ خشنودی او و شمار آنچه در کتابش

كِتٰابُهُ وَ أَحٰاطَ بِهِ عِلْمُهُ، اَللّٰهُمَّ إِنّي أُجَدِّدُ لَهُ في هٰذَا ٱلْيَوْمِ

آورده‌است و علمش بدان احاطه دارد. خداوندا، من پیمان خود را با آن حضرت تجدید می‌کنم، در این روز

وَ في كُلِّ يَوْمٍ عَهْداً وَ عَقْداً وَ بَيْعَةً في رَقَبَتي، اَللّٰهُمَّ

و در همهٔ روزها، عهد و پیمان و بیعتی بر گردن من. خداوندا،

كَما شَرَّفْتَني بِهٰذَا ٱلتَّشْريفِ وَ فَضَّلْتَني بِهٰذِهِ ٱلْفَضيلَةِ

همانگونه که مرا بدین افتخار سرفراز فرمودی و به این فضیلت مفتخر داشتی

وَ خَصَصْتَني بِهٰذِهِ ٱلنِّعْمَةِ، فَصَلِّ عَلىٰ مَوْلايَ وَ سَيِّدي

و به این نعمت بزرگ اختصاص دادی، پس صلوات فرست بر سرور و آقایم

صاحِبِ ٱلزَّمانِ وَ ٱجْعَلْني مِنْ أَنْصارِهِ وَ أَشْياعِهِ وَ ٱلذّابّينَ

صاحب‌الزمان و مرا از جملهٔ یاران و پیروان و مدافعان حق او

عَنْهُ وَ ٱجْعَلْني مِنَ ٱلْمُسْتَشْهَدينَ بَيْنَ يَدَيْهِ طائِعاً غَيْرَ

قرار ده و مرا از شهادت طلبان داوطلب و غیر اجباری در رکاب آن حضرت

مُكْرَهٍ فِي ٱلصَّفِّ ٱلَّذي نَعَتَّ أَهْلَهُ في كِتابِكَ فَقُلْتَ: «صَفّاً

قرار ده در گروهی که نامشان را در قران ستوده‌ای و فرموده‌ای: «صفی

كَأَنَّهُمْ بُنْيانٌ مَرْصُوصٌ» عَلىٰ طاعَتِكَ وَ طاعَةِ رَسُولِكَ وَ آلِهِ

همانند بنیانی استوار»، در راه اطاعت تو و اطاعت فرستادهٔ تو و خاندان او

عَلَيْهِمُ ٱلسَّلامُ، ٱللّٰهُمَّ هٰذِهِ بَيْعَةٌ لَهُ في عُنُقي إِلىٰ يَوْمِ ٱلْقِيامَةِ.

که سلام بر ایشان باد. خداوندا، این عهد و پیمانی است که تا رستاخیز بر گردن من است.

۴ـ دعای عهد: از امام صادق علیه السلام نقل شده است که فرمودند: هر کس در چهل بامداد، با این عهد، به سوی پروردگار دعا کند، از یاران ما خواهد بود. و اگر قبل از ظهور حضرت مهدی علیه السلام بمیرد، خداوند او را، برای یاری آن حضرت، زنده کند:

ٱللّٰهُمَّ رَبَّ ٱلنُّورِ ٱلْعَظيمِ وَ رَبَّ ٱلْكُرْسِيِّ ٱلرَّفيعِ وَ رَبَّ ٱلْبَحْرِ

خداوندا، پروردگار نور عظیم و پروردگار کرسی بلندپایه، و پروردگار دریای

اَلْمَسْجُورِ وَ مُنْزِلَ التَّوْراةِ وَ الْاِنْجيلِ وَ الزَّبُورِ وَ رَبَّ الظِّلِّ

بی‌پایان و فرودآورندهٔ تورات و انجیل و زبور، و پروردگار سایه

وَ الْحَرُورِ وَ مُنْزِلَ الْقُرْاٰنِ الْعَظيمِ وَ رَبَّ الْمَلائِكَةِ الْمُقَرَّبينَ

و گرمای سخت و فرود آورندهٔ قرآن بزرگ، و پروردگار فرشتگان مقرب

وَ الْاَنْبِياءِ وَ الْمُرْسَلينَ، اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ بِوَجْهِكَ الْكَريمِ

و پیامبران و فرستادگان، خداوندا، من از تو می‌خواهم به وجه کریم تو

وَ بِنُورِ وَجْهِكَ الْمُنيرِ وَ مُلْكِكَ الْقَديمِ، يا حَيُّ يا قَيُّومُ،

و به نور وجه تابندهٔ تو و فرمانروایی دیرینه‌اتَ - ای زندهٔ پاینده

اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذي اَشْرَقَتْ بِهِ السَّماواتُ وَ الْاَرَضُونَ

از تو می‌خواهم به آن اسم تو که آسمانها و زمینها بدان تابند

وَ بِاسْمِكَ الَّذي يَصْلَحُ بِهِ الْاَوَّلُونَ وَ الْاٰخِرُونَ، يا حَيّاً قَبْلَ

و به نامی که اولین و آخرین بدان اصلاح شوند، ای زندهٔ پیش از

كُلِّ حَيٍّ وَ يا حَيّاً بَعْدَ كُلِّ حَيٍّ وَ يا حَيّاً حينَ لا حَيَّ، يا مُحْيِيَ

هر زنده و زندهٔ پس از هر زنده، و ای زنده هنگامی که احدی زنده نبود، ای زندگی‌بخش

الْمَوْتىٰ وَ مُميتَ الْاَحْياءِ، يا حَيُّ لا اِلٰهَ اِلّا اَنْتَ، اَللّٰهُمَّ

مردگان و میرانندهٔ زندگان، ای زنده‌ای که جز تو خدایی نیست؛ خداوندا،

بَلِّغْ مَوْلانَا الْاِمامَ الْهادِيَ الْمَهْدِيَّ الْقائِمَ بِاَمْرِكَ صَلَواتُ اللّٰهِ

بر سرور ما امام و رهبر هدایت شده و قیام کننده به فرمان تو ـ که صلوات خدا

عَلَيْهِ وَ عَلىٰ اٰبائِهِ الطّاهِرينَ، عَنْ جَميعِ الْمُؤْمِنينَ وَ الْمُؤْمِناتِ،

بر او و بر پدران پاکش باد و از همهٔ مردان و زنان مؤمن

فِي مَشٰارِقِ ٱلْأَرْضِ وَ مَغٰارِبِهٰا، سَهْلِهٰا وَ جَبَلِهٰا وَ بَرِّهٰا
در شرق و غرب عالم و در کوه و دشت و خشکی

وَ بَحْرِهٰا وَ عَنِّي وَ عَنْ وٰالِدَيَّ مِنَ ٱلصَّلَوٰاتِ، زِنَةَ عَرْشِ
و دریا و از سوی من و پدر و مادرم، صلوات هم وزن عرش

ٱللّٰهِ وَ مِدٰادَ كَلِمٰاتِهِ وَ مٰا أَحْصٰاهُ عِلْمُهُ وَ أَحٰاطَ بِهِ كِتٰابُهُ،
خدا و به امتداد کلمات اوست و آنچه علمش شمارد و کتاب او بر آن احاطه دارد،

ٱللّٰهُمَّ إِنِّي أُجَدِّدُ لَهُ فِي صَبِيحَةِ يَوْمِي هٰذٰا وَ مٰا عِشْتُ مِنْ
خداوندا، من در این روز و در همه روزهای زندگی‌ام

أَيّٰامِي عَهْداً وَ عَقْداً وَ بَيْعَةً لَهُ فِي عُنُقِي لاٰ أَحُولُ عَنْهٰا
پیمانم را با او تجدید می‌کنم عهد و پیمان و بیعت او که بر گردن منست و هرگز باز نخواهم گشت

وَ لاٰ أَزُولُ أَبَداً، ٱللّٰهُمَّ ٱجْعَلْنِي مِنْ أَنْصٰارِهِ وَ أَعْوٰانِهِ وَٱلذّٰابِّينَ
و پیوسته بر آن پابرجا خواهم بود. خداوندا، مرا از یاران و هواخواهان او و از کسانی که مدافع او

عَنْهُ وَٱلْمُسٰارِعِينَ إِلَيْهِ فِي قَضٰاءِ حَوٰائِجِهِ وَٱلْمُمْتَثِلِينَ لِأَوٰامِرِهِ
خواهند بود قرار ده؛ آنانکه امر او را به سرعت انجام می‌دهند و دستورات او را اجرا می‌کنند

وَ ٱلْمُحٰامِينَ عَنْهُ وَ ٱلسّٰابِقِينَ إِلىٰ إِرٰادَتِهِ وَ ٱلْمُسْتَشْهَدِينَ بَيْنَ
و از او حمایت می‌کنند و مشتاقانه بر دلبستگی بدو پیشی می‌گیرند و در کنار او شهید

يَدَيْهِ، ٱللّٰهُمَّ إِنْ حٰالَ بَيْنِي وَ بَيْنَهُ ٱلْمَوْتُ ٱلَّذِي جَعَلْتَهُ عَلىٰ
می‌گردند. خداوندا، اگر میان من و او، مرگ که برای همهٔ بندگانت قضای حتمی

عِبٰادِكَ حَتْماً مَقْضِيّاً، فَأَخْرِجْنِي مِنْ قَبْرِي، مُؤْتَزِراً كَفَنِي،
قرار داده‌ای، جدایی افکند، پس مرا از گورم خارج کن در حالی که کفنم را بر گردن افکنده

شٰاهِراً سَيْفِي، مُجَرِّداً قَنٰاتِي، مُلَبِّياً دَعْوَةَ ٱلدّٰاعِي فِي ٱلْحٰاضِرِ

و شمشیرم را از نیام برکشیده‌ام و نیزه‌ام را در دست گرفته و دعوت او را لبیک گویم در شهر

وَ ٱلْبٰادِي، اَللّٰهُمَّ أَرِنِي ٱلطَّلْعَةَ ٱلرَّشِيدَةَ وَ ٱلْغُرَّةَ ٱلْحَمِيدَةَ

و روستا. خداوندا، آن چهرهٔ زیبای رشید و درخشندهٔ ستوده را به من بنمای

وَ ٱكْحُلْ نٰاظِرِي بِنَظْرَةٍ مِنِّي إِلَيْهِ وَعَجِّلْ فَرَجَهُ وَ سَهِّلْ مَخْرَجَهُ

و دیده‌ام را به نظری بر او زینت بخش و فرج آن حضرت را نزدیک و خروجش را آسان فرما

وَ أَوْسِعْ مَنْهَجَهُ وَ ٱسْلُكْ بِي مَحَجَّتَهُ وَ أَنْفِذْ أَمْرَهُ وَ ٱشْدُدْ

و راهش را وسیع و مرا در سلک رهروان او قرار داده و فرمانش را نافذ گردان و پشتیبان

أَزْرَهُ وَ ٱعْمُرِ ٱللّٰهُمَّ بِهِ بِلاٰدَكَ وَ أَحْيِ بِهِ عِبٰادَكَ، فَإِنَّكَ قُلْتَ

او باش. خداوندا، سرزمینهای خود را به‌وسیلهٔ او آباد گردان و بندگانت را به‌خاطر او زنده ساز، زیرا

وَ قَوْلُكَ ٱلْحَقُّ: «ظَهَرَ ٱلْفَسٰادُ فِي ٱلْبَرِّ وَ ٱلْبَحْرِ بِمٰا كَسَبَتْ

تو گفته‌ای و سخنت حق است: «خشکی و دریا را فساد فرا گرفته به سبب کارهایی

أَيْدِي ٱلنّٰاسِ»، فَأَظْهِرِ ٱللّٰهُمَّ لَنٰا وَلِيَّكَ وَ ٱبْنَ بِنْتِ نَبِيِّكَ

که مردمان کرده‌اند». پس خداوندا، ولی خود و پسر دختر پیامبرت را که

ٱلْمُسَمّىٰ بِٱسْمِ رَسُولِكَ حَتّىٰ لاٰ يَظْفَرَ بِشَيْءٍ مِنَ ٱلْبٰاطِلِ إِلاّٰ

همنام رسول توست بر ما آشکار ساز، تا بر باطل پیروزی یابد و آنرا

مَزَّقَهُ وَ يُحِقَّ ٱلْحَقَّ وَ يُحَقِّقَهُ، وَ ٱجْعَلْهُ ٱللّٰهُمَّ مَفْزَعاً لِمَظْلُومِ

نابود سازد و حق را ثابت گرداند و محقق نماید. خداوندا او را پناهگاه بندگان

عِبٰادِكَ وَ نٰاصِراً لِمَنْ لاٰ يَجِدُ لَهُ نٰاصِراً غَيْرَكَ وَ مُجَدِّداً لِمٰا عُطِّلَ

ستمدیده‌ات و یاری‌دهندهٔ کسی که جز تو یاوری ندارد، قرار ده و بوسیلهٔ او احکام قرآن را

مِنْ أَحْكامِ كِتابِكَ وَ مُشَيِّداً لِما وَرَدَ مِنْ أَعْلامِ دينِكَ وَ سُنَنِ

که تعطیل گردیده برقرار ساز و او را برپادارندهٔ آنچه از نشانه‌های دینت و سنتهای

نَبِيِّكَ صَلَّى ٱللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، وَ ٱجْعَلْهُ ٱللّٰهُمَّ مِمَّنْ حَصَّنْتَهُ

پیامبرت ـ که صلوات خدا بر او و خاندان او باد قرار ده. خداوندا، او را از کسانی قرار ده که محفوظ داشتی

مِنْ بَأْسِ ٱلْمُعْتَدينَ، ٱللّٰهُمَّ وَ سُرَّ نَبِيَّكَ مُحَمَّداً صَلَّى ٱللَّهُ

از هجوم و فتنهٔ تجاوزگران. خداوندا، پیامبرت محمد را ـ که صلوات خدا

عَلَيْهِ وَ آلِهِ بِرُؤْيَتِهِ وَ مَنْ تَبِعَهُ عَلىٰ دَعْوَتِهِ وَ ٱرْحَمِ ٱسْتِكانَتَنا

بر او و خاندانش باد و آنها را که دعوتش را پذیرفته‌اند، به دیدار او خشنود فرما و بر پریشانی ما رحمت آورد.

بَعْدَهُ، ٱللّٰهُمَّ ٱكْشِفْ هٰذِهِ ٱلْغُمَّةَ عَنْ هٰذِهِ ٱلْأُمَّةِ بِحُضُورِهِ

خداوندا، این غم جانکاه را با ظهور آن حضرت از دل این امت برطرف ساز

وَ عَجِّلْ لَنا ظُهُورَهُ، إِنَّهُمْ يَرَوْنَهُ بَعيداً وَ نَراهُ قَريباً بِرَحْمَتِكَ

و به ظهورش تعجیل فرما؛ زیرا ظهور او را بعید دانند و ما آن را نزدیک می‌دانیم.به رحمت تو

يا أَرْحَمَ ٱلرّاحِمينَ.

ای مهربان‌ترین مهربانان.

سپس، سه مرتبه دست بر ران راست خود می‌زنی و در هر مرتبه می‌گویی:

ٱلْعَجَلَ ٱلْعَجَلَ يا مَوْلايَ يا صاحِبَ ٱلزَّمانِ.

شتاب فرما، شتاب فرما؛ ای مولای من، ای صاحب‌الزمان(عج).

بخش پنجم

زیارت امام زادگان معظم و اهل قبور

زیارت امام‌زاده گان معظم

منظور از امام‌زادگان، در این کتاب، کسانی هستند که سلسلهٔ نسب شریفشان، به یکی از چهارده معصوم، پیامبر اکرمﷺ، حضرت امیرالمؤمنین و زهرای مرضیه و ائمه علیهم‌السلام منتهی گردد. گرچه اکثریت قاطع امامزادگان کشور ایران، بلکه سایر امکنه و مناطق، انتساب و اتصال نسبشان به اهل بیت عصمت روشن نیست و دلیل معتبری دربارهٔ اکثرشان در دست نیست؛ لکن ملاحظهٔ حالات و محدودیتها و متواری بودنشان در منطقهٔ خودشان و فرارشان به مناطق دیگر، از ظلم و ستم خلفای بنی امیه و بنی عباس، بطوری که مخفیانه و مظلومانه به شهرها و روستاهای ایران و منطقه‌های دیگر پناهنده شده و زندگی کرده و در همانجا دعوت حق را لبیک گفته‌اند، اطمینان قلب می‌آورد که اغلب امامزاده‌هایی که در نقاط مختلف جهان پراکنده شده‌اند، از خاندان وحی و از ذراری پیامبرﷺ و علی علیه‌السلام بوده‌اند، و در میان آنها عدهٔ زیادی از بزرگان و عابدان و زاهدانِ آن شجرهٔ طیبه وجود داشته است. بی‌تردید رغبت و محبت و علاقهٔ مردم مؤمن و موحد به زیارت آنها و صرف اموال بیکران در راه تعمیر بقعه‌های آنها و مواظبت به زیارت قبورشان، علامت واقعیت و مظلومیت و کرامت ذاتی آنهاست که دلها را ناخودآگاه بسوی خویش جلب می‌کنند؛ چه آنکه مظلومیت، اثر خاصی در دلها ایجاد می‌کند: ﴿وَ إِذَا ٱلْمَوْؤُدَةُ سُئِلَتْ بِأَيِّ

ذَنْبٍ قُتِلَتْ؛[1] و زمانی که از کشته‌شدهٔ بی‌گناه سؤال شود، به چه گناه کشته شد﴾. و نیز: ﴿سَيَعْلَمُ ٱلَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ؛[2] آنها که ستم کردند، بزودی خواهند فهمید که بازگشتشان به کجاست﴾. به هر حال، بهترین طرز رسیدن به ثواب زیارت آنها، چه شناخته شوند یا نشوند، و همچنین رسیدن به زیارت سایر علما، شهدا و صالحان، این است: ابتدا به لحاظ احترام به بقعه‌ای که شاید از مصادیق: ﴿بُيُوتٍ أَذِنَ ٱللَّهُ أَنْ تُرْفَعَ وَ يُذْكَرَ فِيهَا ٱسْمُهُ؛[3] خانه‌هایی که خداوند ظاهر آنها را اعلا و باطنشان را والا قرار داده است﴾. باشد، بدین طرز سلام و درود بگویی:

﴿اَلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ أَيُّهَا ٱلْمُؤْمِنُ ٱلصَّالِحُ وَ رَحْمَةُ ٱللّٰهِ وَ بَرَكاٰتُهُ؛ سلام و رحمت و برکات خدا برتو باد، ای مومن صالح!﴾

سپس دو رکعت نماز، به قصد اهدای ثوابش به روح شخص مطلوب، بخوانی و بعد از آن، از قرآن مجید و سور شریفهٔ آن، خاصه سورهٔ مبارکهٔ فاتحه و قل هو الله، هر چه میل داری بخوانی و حاجات خویش از خداوند بطلبی، چه آنکه حاجتها در نزد قبور صالحان به اجابت نزدیکتر است. و بسیار مناسب است در تمام این مکانها، قصد زیارت یکی از امامان معصوم ﷺ کنی و از راه دور قرآن و دعا بخوانی، که به روح صاحب قبر نیز ثوابی عاید شود و مسرور گردد. و این عمل، در تمام امامزادگان منسوب به اهل بیت ﷺ پسندیده و نیکوست؛ لکن محدثین محترم ما برای چند نفر از امامزادگان معروف، زیارت خاصی نقل کرده‌اند، از آن جمله حضرت معصومه ﷺ است.

فصل اول

زیارت حضرت معصومه ﷺ

از حضرت رضا ﷺ، با سند معتبر، نقل شده است که به سعد اشعری قمی

---

۱. سوره تکویر، آیه ۸ و ۹. ۲. سورهٔ شعراء، آیهٔ ۲۲۷. ۳. سورهٔ نور، آیهٔ ۳۶.

فرمودند: ای سعد! در نزد شما قبری است از ما. سعد گفت: فدایت شوم! قبر فاطمهٔ معصومه را می‌فرمایید؟ فرمود: بلی، هر کس او را با معرفت زیارت کند، مستحق بهشت می‌شود. مراد از معرفت، شناخت زائر به انتساب آن حضرت به خاندان وحی و نبوت، اعتقاد به فضیلت این خاندان، اعتقاد به ولایت و امامت ائمه علیهم السلام، ثبوت مقام محمود شفاعت در حوایج دنیا و شفاعت از کبائر، در آخرت، برای آنهاست. که همهٔ اینها شعبه‌ای است از عظمت روح و مقام والای معنوی آنان و گرنه مغزها را یارای درک حقیقت کمال و جلال آنها و زبان و قلم را قدرت گفتن و نوشتن شأن آنها نیست!

﴿مَوالِیَّ لا أُحْصی ثَنائَکُمْ وَ لا أَبْلُغُ مِنَ الْمَدْحِ کُنْهَکُمْ وَ مِنَ الْوَصْفِ قَدْرَکُمْ؛[1]
ای سروران من! مرا توان شمردن نیکیهای شما نیست و نمی‌توانم چنانچه لایق شماست، مدحتان کنم و چنانکه هستید، توصیفتان کنم!﴾

اگر بخواهی آن حضرت را زیارت کنی، این زیارت را، که مرحوم مجلسی از برخی از کتب نقل فرموده است، به قصد "رجا" قرائت نما و دو رکعت نماز، قبل از زیارت یا بعد از آن، بجاآور و ثوابش را هدیهٔ روح مطهر آن حضرت بکن!

اَلسَّلامُ عَلی آدَمَ صِفْوَةِ اللهِ، اَلسَّلامُ عَلی نُوحٍ نَبِیِّ اللهِ،
سلام بر آدم برگزیدهٔ خدا، سلام بر نوح پیامبر خدا،

اَلسَّلامُ عَلی إِبْراهیمَ خَلیلِ اللهِ، اَلسَّلامُ عَلی مُوسیٰ کَلیمِ اللهِ،
سلام بر ابراهیم خلیل خدا، سلام بر موسی هم سخن خدا،

اَلسَّلامُ عَلیٰ عیسیٰ رُوحِ اللهِ، اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا رَسُولَ اللهِ،
سلام بر عیسی روح خدا، سلام بر تو ای رسول خدا،

---
۱. زیارت جامعهٔ کبیره.

اَلسَّلامُ عَلَیْكَ یا خَیْرَ خَلْقِ اللّٰهِ، اَلسَّلامُ عَلَیْكَ یا صَفِیَّ اللّٰهِ

سلام بر تو ای بهترینِ خلق خدا، سلام بر تو ای برگزیدهٔ خدا،

اَلسَّلامُ عَلَیْكَ یا مُحَمَّدَ بْنَ عَبْدِ اللّٰهِ خاتَمَ النَّبِیّینَ، اَلسَّلامُ

سلام بر تو ای محمّدبن عبدالله، خاتم پیامبران، سلام

عَلَیْكَ یا اَمیرَ الْمُؤْمِنینَ عَلِیَّ بْنَ اَبیطالِبٍ وَصِیَّ رَسُولِ اللّٰهِ،

بر تو ای امیرمؤمنان علی بن ابی طالب، وصی پیامبر خدا،

اَلسَّلامُ عَلَیْكِ یا فاطِمَةُ سَیِّدَةَ نِساءِ الْعالَمینَ، اَلسَّلامُ

سلام بر تو ای فاطمه، سرور بانوان عالم، سلام

عَلَیْكُما یا سِبْطَیْ نَبِیِّ الرَّحْمَةِ وَ سَیِّدَیْ شَبابِ اَهْلِ الْجَنَّةِ،

بر شما ای دو سبط پیامبر رحمت و دو سرور جوانان بهشت،

اَلسَّلامُ عَلَیْكَ یا عَلِیَّ بْنَ الْحُسَیْنِ سَیِّدَ الْعابِدینَ وَ قُرَّةَ عَیْنِ

سلام بر تو ای علی بن حسین، سرور عابدان و روشنیِ چشم

النّاظِرینَ، اَلسَّلامُ عَلَیْكَ یا مُحَمَّدَ بْنَ عَلِیٍّ باقِرَ الْعِلْمِ بَعْدَ

بینندگان، سلام بر تو ای محمّدبن علی شکافندهٔ علم پس از

النَّبِیِّ، اَلسَّلامُ عَلَیْكَ یا جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ الصّادِقَ الْبارَّ

نبی، سلام بر تو ای جعفربن محمّد، صادق و نیکوکار

الْاَمینَ، اَلسَّلامُ عَلَیْكَ یا مُوسَی بْنَ جَعْفَرٍ الطّاهِرَ الطُّهْرَ،

و امانتدار، سلام بر تو ای موسی بن جعفر پاک و پاکیزه،

اَلسَّلامُ عَلَیْكَ یا عَلِیَّ بْنَ مُوسَی الرِّضَا الْمُرْتَضیٰ، اَلسَّلامُ

سلام بر تو ای علی بن موسی الرضا المرتضی، سلام

عَلَيْكَ يا مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ آلتَّقِيَّ، آلسَّلامُ عَلَيْكَ يا عَلِيَّ بْنَ
بر تو ای محمّدبن علی تقی، سلام بر تو ای علی بن

مُحَمَّدٍ آلنَّقِيَّ آلنّاصِحَ آلْأَمينَ، آلسَّلامُ عَلَيْكَ يا حَسَنَ بْنَ
محمّد نقی خیرخواه و امانتدار، سلام بر تو ای حسن بن

عَلِيٍّ، آلسَّلامُ عَلَى آلْوَصِيِّ مِنْ بَعْدِهِ، آللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ نُورِكَ
علی، سلام بر تو ای وصی پس از او، خدایا بر نور

وَ سِراجِكَ وَ وَلِيِّ وَلِيِّكَ وَ وَصِيِّ وَصِيِّكَ وَ حُجَّتِكَ عَلىٰ
و چراغت و ولیّ ولیّت و وصیّ وصیّت و حجّت تو بر

خَلْقِكَ، آلسَّلامُ عَلَيْكِ يا بِنْتَ رَسُولِ آللّٰهِ، آلسَّلامُ عَلَيْكِ
خلقت، درود فرست. سلام بر تو ای دختر رسول خدا، سلام بر تو

يا بِنْتَ فاطِمَةَ وَ خَديجَةَ، آلسَّلامُ عَلَيْكِ يا بِنْتَ أَميرِ آلْمُؤْمِنينَ،
ای دختر فاطمه و خدیجه، سلام بر تو ای دختر امیرمؤمنان،

آلسَّلامُ عَلَيْكِ يا بِنْتَ آلْحَسَنِ وَ آلْحُسَيْنِ، آلسَّلامُ عَلَيْكِ
سلام بر تو ای دختر حسن و حسین، سلام بر تو

يا بِنْتَ وَلِيِّ آللّٰهِ، آلسَّلامُ عَلَيْكِ يا أُخْتَ وَلِيِّ آللّٰهِ، آلسَّلامُ
ای دختر ولیّ خدا، سلام بر تو ای خواهر ولیّ خدا، سلام

عَلَيْكِ يا عَمَّةَ وَلِيِّ آللّٰهِ،آلسَّلامُ عَلَيْكِ يا بِنْتَ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ
بر تو ای عمهٔ ولیّ خدا، سلام بر تو ای دختر موسی بن جعفر

وَ رَحْمَةُ آللّٰهِ وَ بَرَكاتُهُ، آلسَّلامُ عَلَيْكِ عَرَّفَ آللّٰهُ بَيْنَنا وَ بَيْنَكُمْ
و نیز رحمت خدا و برکات او. سلام بر تو، خداوند ما و شما را

فِي ٱلْجَنَّةِ وَ حَشَرَنا في زُمْرَتِكُمْ وَ أَوْرَدَنا حَوْضَ نَبِيِّكُمْ

در بهشت قرین هم سازد و ما را در زمرهٔ شما محشور گرداند و بر حوض پیامبرتان وارد آورد

وَ سَقانا بِكَأْسِ جَدِّكُمْ مِنْ يَدِ عَلِيِّ بْنِ أَبيطالِبٍ صَلَواتُ ٱللهِ

و با کاسهٔ جدّتان از دست علی بن ابیطالب سیرابمان کند.

عَلَيْكُمْ أَسْئَلُ ٱللهَ أَنْ يُرِيَنا فيكُمُ ٱلسُّرُورَ وَ ٱلْفَرَجَ وَأَنْ يَجْمَعَنا

از خدا می‌خواهم که شادمانی و فرج شما را به ما بنمایاند و ما

وَ إِيّاكُمْ في زُمْرَةِ جَدِّكُمْ مُحَمَّدٍ صَلَّى ٱللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ أَنْ

و شما را در زمرهٔ جدّتان محمّد گرد آورد و معرفت

لا يَسْلُبَنا مَعْرِفَتَكُمْ، إِنَّهُ وَلِيٌّ قَديرٌ، أَتَقَرَّبُ إِلَى ٱللهِ بِحُبِّكُمْ

شما را از ما نگیرد که او ولایتمند و تواناست. با محبّت شما

وَ ٱلْبَرائَةِ مِنْ أَعْدائِكُمْ وَ ٱلتَّسْليمِ إِلَى ٱللهِ راضِياً بِهِ غَيْرَ مُنْكِرٍ

و بیزاری از دشمنان شما و تسلیم در برابر خدا و در حال رضایت به آن بی‌انکار

وَ لا مُسْتَكْبِرٍ وَ عَلىٰ يَقينِ ما أَتىٰ بِهِ مُحَمَّدٌ وَ بِهِ راضٍ نَطْلُبُ

و استکبار به خداوند تقرّب می‌جویم و به آنچه محمّد ﷺ آورده یقین دارم و از آن خشنودم

بِذٰلِكَ وَجْهَكَ يا سَيِّدي، اَللّٰهُمَّ وَ رِضاكَ وَ ٱلدّارَ ٱلْآخِرَةَ،

و بدین وسیله تو را می‌جویم ای سرور من، خدایا رضایت تو هست و سرای آخرت،

يا فاطِمَةُ اشْفَعي لي فِي ٱلْجَنَّةِ، فَإِنَّ لَكِ عِنْدَ ٱللهِ شَأْناً مِنَ

ای فاطمه! برای بهشت رفتنم شفاعت کن که تو شأنی بزرگ نزد

ٱلشَّأْنِ، اَللّٰهُمَّ إِنّي أَسْئَلُكَ أَنْ تَخْتِمَ لي بِالسَّعادَةِ، فَلا تَسْلُبْ

خدا داری. خدایا از تو می‌خواهم که مرا عاقبت به خیر کنی و آنچه را در آن

مِنّي ما أَنَا فيهِ وَ لا حَوْلَ وَ لا قُوَّةَ إِلّا بِاللهِ ٱلْعَلِيِّ ٱلْعَظيمِ،
بسر می‌برم، از من مگیری که هیچ جابجایی و قدرتی جز به خدای بلند مرتبهٔ بزرگ نیست.

اَللّٰهُمَّ ٱسْتَجِبْ لَنا وَ تَقَبَّلْهُ بِكَرَمِكَ وَ عِزَّتِكَ وَ بِرَحْمَتِكَ
خدایا ما را اجابت کن و آن را به کرم و عزّت و رحمت

وَ عافِيَتِكَ وَ صَلَّى ٱللهُ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ أَجْمَعينَ وَ سَلَّمَ
و عافیت بپذیر و خداوند بر محمّد و همهٔ خاندانش درود و سلامی

تَسْليماً يا أَرْحَمَ ٱلرّاحِمينَ.[1]
پیوسته بفرستد، ای مهربان‌ترین مهربانان.

فصل دوم

زیارت حضرت عبدالعظیم

عبدالعظیم حسنی، سیدی است جلیل‌القدر، عظیم المنزلة، نسب شریفش، بر طبق آنچه در رقعه‌ای از جیب ایشان، پس از ارتحالشان پیدا شده است، با چهار واسطه، به امام مجتبی، حسن بن علی بن‌ابیطالب علیه‌السلام می‌رسد. در حدیث است: هر مؤمنی او را زیارت کند، مستحق بهشت می‌شود. امام علی نقی علیه‌السلام به مردی از اهل ری، که به زیارت حضرت حسین علیه‌السلام رفته بود، فرمود: اگر به زیارت عبدالعظیم می‌رفتی، مانند آن بود که حسین بن علی علیه‌السلام را زیارت کنی. محقق مرحوم، آقا جمال خوانساری، در کتاب مزار خود فرموده است: مناسب است آن حضرت را به طرز زیر زیارت کرد. (و قبلا ذکر شد که نیکوست دو رکعت نماز، قبل از زیارت یا بعد از آن، به قصد اهدای ثواب، بخوانی.)

---

۱. بحار الانوار / ۹۹ / ۲۶۶.

اَلسَّلامُ عَلىٰ آدَمَ صِفْوَةِ اللّٰهِ، اَلسَّلامُ عَلىٰ نُوحٍ نَبِيِّ اللّٰهِ،
سلام بر آدم برگزیدهٔ خدا، سلام بر نوح پیامبر خدا،

اَلسَّلامُ عَلىٰ إِبْراهِيمَ خَلِيلِ اللّٰهِ، اَلسَّلامُ عَلىٰ مُوسىٰ كَلِيمِ اللّٰهِ،
سلام بر ابراهیم خلیل خدا، سلام بر موسی هم سخن خدا،

اَلسَّلامُ عَلىٰ عِيسىٰ رُوحِ اللّٰهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا رَسُولَ اللّٰهِ،
سلام بر عیسی روح خدا، سلام بر تو ای رسول خدا،

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا خَيْرَ خَلْقِ اللّٰهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا صَفِيَّ اللّٰهِ،
سلام بر تو ای بهترینِ خلق خدا، سلام بر تو ای برگزیدهٔ خدا،

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا مُحَمَّدَ بْنَ عَبْدِ اللّٰهِ خاتَمَ النَّبِيِّينَ، اَلسَّلامُ
سلام بر تو ای محمّدبن عبدالله، خاتم پیامبران، سلام

عَلَيْكَ يا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيَّ بْنَ أَبِيطالِبٍ وَصِيَّ رَسُولِ اللّٰهِ،
بر تو ای امیرمؤمنان علی بن ابی طالب، وصی پیامبر خدا،

اَلسَّلامُ عَلَيْكِ يا فاطِمَةُ سَيِّدَةَ نِساءِ الْعالَمِينَ، اَلسَّلامُ عَلَيْكُما
سلام بر تو ای فاطمه، سرور بانوان عالم، سلام بر شما

يا سِبْطَيْ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ وَ سَيِّدَيْ شَبابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ، اَلسَّلامُ
ای دو سبط پیامبر رحمت و دو سرور جوانان بهشت، سلام

عَلَيْكَ يا عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ سَيِّدَ الْعابِدِينَ وَ قُرَّةَ عَيْنِ النّاظِرِينَ،
بر تو ای علی بن حسین سرور عابدان و روشنیِ چشم بینندگان،

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ باقِرَ الْعِلْمِ بَعْدَ النَّبِيِّ،
سلام بر تو ای محمّدبن علی شکافندهٔ علم پس از نبی،

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ الصّادِقَ الْبارَّ الْأَمينَ،
سلام بر تو ای جعفربن محمّد، صادق و نیکوکار و امانتدار،

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ الطّاهِرَ الطُّهْرَ، اَلسَّلامُ
سلام بر تو ای موسی بن جعفر پاک و پاکیزه، سلام

عَلَيْكَ يا عَلِيَّ بْنَ مُوسَى الرِّضا الْمُرْتَضىٰ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ
بر تو ای علی بن موسی الرضا المرتضی، سلام بر تو

يا مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ التَّقِيَّ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا عَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ
ای محمّد بن علی تقی، سلام بر تو ای علی بن محمّد

النَّقِيَّ النّاصِحَ الْأَمينَ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا حَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ،
نقی خیرخواه و امانتدار، سلام بر تو ای حسن بن علی،

اَلسَّلامُ عَلَى الْوَصِيِّ مِنْ بَعْدِهِ، اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ نُورِكَ
سلام بر وصی پس از او، خدایا بر نور

وَ سِراجِكَ وَ وَلِيِّ وَلِيِّكَ وَ وَصِيِّ وَصِيِّكَ وَ حُجَّتِكَ عَلىٰ
و چراغت و ولیّ ولیّت و وصیّ وصیّت و حجّت تو بر

خَلْقِكَ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا السَّيِّدُ الزَّكِيُّ وَ الطّاهِرُ الصَّفِيُّ،
خلقت، درود فرست. سلام بر تو ای سرور پاک و پاکیزهٔ برگزیده،

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَابْنَ السّادَةِ الْأَطْهارِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ
سلام بر تو ای پسر سروران پاک، سلام بر تو

يَابْنَ ٱلْمُصْطَفَيْنَ ٱلْأَخْيارِ، اَلسَّلامُ عَلىٰ رَسُولِ ٱللهِ وَ عَلىٰ

ای پسر برگزیدگان نیک، سلام بر رسول خدا و بر

ذُرِّيَّةِ رَسُولِ ٱللهِ وَ رَحْمَةُ ٱللهِ وَ بَرَكاتُهُ، اَلسَّلامُ عَلَى ٱلْعَبْدِ

نسل رسول خدا و نیز رحمت خداوند و برکات او. سلام بر بندهٔ

ٱلصّالِحِ ٱلْمُطيعِ لِلّٰهِ رَبِّ ٱلْعالَمينَ وَ لِرَسُولِهِ وَ لِأَميرِ ٱلْمُؤْمِنينَ،

شایسته، مطیع خداوند پروردگار جهانیان و رسول او و امیرمؤمنان.

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا أَبَا ٱلْقاسِمِ ٱبْنَ ٱلسِّبْطِ ٱلْمُنْتَجَبِ ٱلْمُجْتَبىٰ،

سلام بر تو ای ابوالقاسم، پسر سبط برگزیده [امام] مجتبی،

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا مَنْ بِزِيارَتِهِ ثَوابُ زِيارَةِ سَيِّدِ ٱلشُّهَداءِ

سلام بر تو که از زیارتت ثواب زیارت سید الشهدا،

يُرْتَجىٰ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ عَرَّفَ ٱللهُ بَيْنَنا وَ بَيْنَكُمْ فِي ٱلْجَنَّةِ

امید برده می‌شود، سلام بر تو، خداوند ما و شما را در بهشت قرین هم سازد

وَ حَشَرَنا في زُمْرَتِكُمْ وَ أَوْرَدَنا حَوْضَ نَبِيِّكُمْ وَ سَقانا

و ما را در زمرهٔ شما محشور گرداند و بر حوض پیامبرتان وارد آورد و با

بِكَأْسِ جَدِّكُمْ مِنْ يَدِ عَلِيِّ بْنِ أَبيطالِبٍ صَلَواتُ ٱللهِ عَلَيْكُمْ،

کاسهٔ جدّتان از دست علی بن ابیطالب سیرابمان کند.

أَسْئَلُ ٱللهَ أَنْ يُرِيَنا فيكُمُ ٱلسُّرُورَ وَ ٱلْفَرَجَ وَ أَنْ يَجْمَعَنا

از خدا می‌خواهم که شادمانی و فرج شما را به ما بنمایاند و ما

وَ إِيّاكُمْ في زُمْرَةِ جَدِّكُمْ مُحَمَّدٍ صَلَّى ٱللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ أَنْ

و شما را در زمرهٔ جدّتان محمّد گرد آورد

لاٰ یسْلُبَنٰا مَعْرِفَتَکُمْ إِنَّهُ وَلِیٌّ قَدیرٌ، أَتَقَرَّبُ إِلَی ٱللهِ بِحُبِّکُمْ

و معرفت شما را از ما نگیرد که او ولایتمند و تواناست. با محبّت شما

وَ ٱلْبَرٰآئَةِ مِنْ أَعْدٰآئِکُمْ وَ ٱلتَّسْلیمِ إِلَی ٱللهِ رٰاضِیاً بِهِ غَیْرَ مُنْکِرٍ

و بیزاری از دشمنان شما و تسلیم در برابر خدا و در حال رضایت به آن، بی‌انکار

وَ لاٰ مُسْتَکْبِرٍ وَ عَلیٰ یَقینٍ مٰا أَتیٰ بِهِ مُحَمَّدٌ، نَطْلُبُ بِذٰلِكَ

و استکبار به خداوند تقرّب می‌جویم و به آنچه محمّد صلی الله علیه و آله آورده یقین دارم و از آن خشنودم

وَجْهَكَ یٰا سَیِّدي، ٱللّٰهُمَّ وَ رِضٰاكَ وَ ٱلدّٰارَ ٱلْاٰخِرَةَ، یٰا سَیِّدي

و بدین وسیله تو را می‌جویم ای سرور من، خدایا رضایت تو هست و سرای آخرت، ای سرور من

وَ ٱبْنَ سَیِّدي، ٱشْفَعْ لي فِي ٱلْجَنَّةِ، فَإِنَّ لَكَ عِنْدَ ٱللهِ شَأْناً

و پسر سرور من، برای بهشت رفتنم شفاعت کن که تو شأنی بزرگ نزد

مِنَ ٱلشَّأْنِ، ٱللّٰهُمَّ إِنّي أَسْئَلُكَ أَنْ تَخْتِمَ لي بِالسَّعٰادَةِ،

خدا داری. خدایا از تو می‌خواهم که مرا عاقبت به خیر کنی

فَلاٰ تَسْلُبْ مِنّي مٰا أَنَا فیهِ وَ لاٰ حَوْلَ وَ لاٰ قُوَّةَ إِلّٰا بِاللهِ ٱلْعَلِيِّ

و آنچه را در آن به سر می‌برم، از من مگیری که هیچ جابجایی و قدرتی جز به خدای بلند مرتبهٔ

ٱلْعَظیمِ، ٱللّٰهُمَّ ٱسْتَجِبْ لَنٰا وَ تَقَبَّلْهُ بِکَرَمِكَ وَ عِزَّتِكَ

بزرگ نیست. خدایا ما را اجابت کن و آن را به کرم و عزّت

وَ بِرَحْمَتِكَ وَ عٰافِیَتِكَ وَ صَلَّی ٱللهُ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَ اٰلِهِ أَجْمَعینَ

و رحمت و عافیت بپذیر و خداوند بر محمّد و همهٔ خاندانش

وَ سَلَّمَ تَسْلیماً یٰا أَرْحَمَ ٱلرّٰاحِمینَ.

درود و سلامی پیوسته بفرستد، ای مهربان‌ترین مهربانان.

فصل سوم

زیارت اهل قبور

از آثار کمال اعتقاد و ایمان به مبدأ، یادآوری زیاد از عالم معاد است. زیارت اهل قبور و دقت در وضع آنها و رقت به حال آنها، از بهترین راههای تذکر و یادآوری است. امیرالمؤمنین علی ﷺ در برابر قبور می‌ایستاد و می‌فرمود: سلام بر شما ای غریبان و ای خاک‌نشینان، خانه‌ها و منازلتان را، دیگران ساکن شدند، اموالتان را قسمت کردند، همسرانتان همسرانی دیگر گزیدند! اینها خبرهای ماست، شما بگوئید آنجا چه خبر است. بعد می‌فرمود: سوگند به حق، اگر به آنها اجازهٔ سخن داده می‌شد، می‌گفتند: بهترین توشهٔ این جهان، تقواست.

بهرحال، زیارت همهٔ مردگان مستحب است، خاصه زیارت علما و شهدا و صالحان. امام کاظم ﷺ فرمود: کسی که قبور دوستان صالح ما را زیارت کند، برای او ثواب زیارت ما نوشته شود. زیارت اهل قبور بدین صورت است:

امام صادق ﷺ، فرمود: به اهل قبور این چنین سلام کن:

اَلسَّلامُ عَلىٰ أَهْلِ الدِّيارِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِناتِ، أَنْتُمْ

سلام بر اهل گورستان از مردان و زنان با ایمان، شما

لَنا فَرَطٌ وَ نَحْنُ إِنْشاءَ اللّٰهُ بِكُمْ لاٰحِقُونَ.

پیشرو ما هستید و ما نیز اگر خدا بخواهد به شما می‌پیوندیم.

از حضرت امیرالمؤمنین ﷺ، منقول است که چنین می‌گویی:

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ، اَلسَّلامُ عَلىٰ أَهْلِ لاٰ إِلٰهَ إِلاَّ اللّٰهُ مِنْ

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان، سلام بر اهل لااله الاّ الله از

أَهْلِ لا إِلٰهَ إِلاَّ ٱللهُ، يا أَهْلَ لا إِلٰهَ إِلاَّ ٱللهُ، بِحَقِّ لا إِلٰهَ إِلاَّ ٱللهُ،
اهل لااله الاّ الله، ای اهل لااله الاّ الله، به حقّ لااله الاّ الله؛
كَيْفَ وَجَدْتُمْ قَوْلَ لا إِلٰهَ إِلاَّ ٱللهُ مِنْ لا إِلٰهَ إِلاَّ ٱللهُ، يا لا إِلٰهَ إِلاَّ
کلام لااله الاّ الله را از خدایی که جز او خدایی نیست، چگونه یافتید؟ ای خدایی که جز او
ٱللهُ، بِحَقِّ لا إِلٰهَ إِلاَّ ٱللهُ ٱغْفِرْ لِمَنْ قالَ لا إِلٰهَ إِلاَّ ٱللهُ وَ ٱحْشُرْنا
خدایی نیست، به حق لااله الاّ الله، هرکس را که لااله الاّ الله می‌گوید بیامرز و ما را در زمرهٔ
في زُمْرَةِ مَنْ قالَ لا إِلٰهَ إِلاَّ ٱللهُ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ ٱللهِ، عَلِيٌّ وَلِيُّ ٱللهِ.
کسانی محشور کن که می‌گویند: لااله الاّ الله، محمّد رسول الله، علیّ ولیّ الله.

نیکوست سوره مبارکهٔ حمد و سه بار قل هو الله احد بر آنها اهدا شود؛ و نیز مستحب است شخص، تا در گورستان است، یازده مرتبه سوره قل هو الله بخواند و به آنها هدیه کند. خداوند، به عدد مردگان، به این شخص، ثواب می‌دهد. اگر شخص خاصی را زیارت کنی، مستحب است بر سر قبر وی بنشینی و هفت بار سورهٔ انا انزلناه را تلاوت کنی که اجر زیادی دارد.

تذکر ـ حالات اهل قبور، در وسعت و تنگی و راحتی و عذاب، بسیار متفاوت است. بی‌تردید زیارت هر قبری سبب خوشحالی صاحب آن و گاهی سبب رهایی وی از شکنجه و عذاب است. بسا می‌شود با زائرش مأنوس شود، بطوری که در وقت جدا شدن، محزون گردد. چنانچه گاهی میت از حضرت حق، یا از متصدیان امورشان در برزخ، رخصت می‌یابد و به زیارت اهل و خویشان خود می‌آید. دیدن خویشان در کارهای خیر و ثواب، یا در کارهای شر و گناه، تأثیر عمیقی در خوشحالی یا اندوه او دارد. پیامبر

عظیم‌الشأن ﷺ فرمود: آنها رو به خویشان خود کرده می‌گویند: بر ما مهربانی کنید و از آنچه در دست ما بود و حساب و عذابش مال ماست و نفع و سودش مال دیگران، برای ما ارسال کنید! به ما ترحم کنید، گرچه به واسطهٔ دِرَمی و قرص نانی و جامه‌ای باشد. سپس حضرت، از تذکر این حال، سخت گریستند و حاضران نیز گریان شدند.

بخش ششم

آداب متفرّقهٔ اسلامی

آداب متفرقه اسلامی را برای تسهیل امر جویندگان راه و پویندگان آگاه، در چند فصل ذکر می‌کنیم:

فصل اول

نماز میت

واجب است بر کسانی که اطلاع از مرگ مسلمانی پیدا کردند، برای روانه کردن وی به عالم برزخ و سپردنش به نتایج کردار خود، دستورات زیر را، که "تجهیزات اسلامی میت" نامیده می‌شود، دربارهٔ او انجام دهند: غسل، حنوط، کفن، نماز و دفن. این عملها حق مسلّم هر میت مسلمانی، بر عهدهٔ برادران دینیش می‌باشد، در صورتی که سنش به شش سال رسیده باشد، مرد باشد یا زن، عادل باشد یا فاسق، حتی کسی که خودکشی کرده باشد. غیر از شهید در جبههٔ جنگ، سه عمل ساقط و فقط نماز و دفنش واجب می‌شود. مسایل شرعی امور فوق، در رساله‌ها مذکور است. در اینجا فقط به نمازش اشاره می‌کنیم. نماز میت دو قسم است: مختصر و مفصل. هر دو دارای پنج تکبیر و پس از هر تکبیر دارای ذکر خاصند. هر دو در حال اختیار و اضطرار کفایت می‌کنند.

نماز میت (مختصر):

ٱللّٰهُ أَكْبَرُ ـ أَشْهَدُ أَنْ لاٰ إِلٰهَ إِلاَّ ٱللّٰهُ وَ أَنَّ مُحَمَّداً رَسُولُ ٱللّٰهِ.

الله اکبر؛ گواهی می‌دهم که خدایی جز خدای یگانه نیست و محمّد پیامبر خداست.

ٱللّٰهُ أَكْبَرُ ـ ٱللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ.

الله اکبر؛ خدایا بر محمّد و خاندان محمّد صلوات فرست.

ٱللّٰهُ أَكْبَرُ ـ ٱللّٰهُمَّ ٱغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ ٱلْمُؤْمِنَاتِ.

الله اکبر؛ خدایا مردان و زنان با ایمان را بیامرز.

ٱللّٰهُ أَكْبَرُ ـ ٱللّٰهُمَّ ٱغْفِرْ لِهٰذَا ٱلْمَيِّتِ.

الله اکبر؛ خدایا این مرده را بیامرز،

ٱللّٰهُ أَكْبَرُ.

الله اکبر.

نماز میت (مفصل):

اَللّٰهُ اَكْبَرُ ـ اَشْهَدُ اَنْ لاٰ اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ، وَحْدَهُ لاٰ شَرِيكَ لَهُ؛ اِلٰهًا

گواهی می‌دهم که معبودی جز خدا نیست یگانه‌ای که شریک ندارد خداوند

وٰاحِدًا اَحَدًا صَمَدًا فَرْدًا حَيًّا قَيُّومًا دٰائِمًا اَبَدًا؛ لَمْ يَتَّخِذْ صٰاحِبَةً

یگانهٔ بی‌همتای بی‌نیاز فرد زندهٔ بی‌مانند دائم ابدی نه همراه و همسری دارد

وَ لاٰ وَلَدًا. وَ اَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ؛ اَرْسَلَهُ بِالْهُدىٰ

و نه فرزندی و گواهی می‌دهم که محمد بنده و فرستادهٔ اوست او را برای هدایت مردم

وَ دِينِ الْحَقِّ؛ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ، وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ.

و برپایی دین حق فرستاد تا دین را بر همهٔ ادیان آشکار و پیروز گرداند هر چند مشرکان نپسندند.

اَللّٰهُ اَکْبَرُ ـ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ؛ وَ بٰارِکْ عَلیٰ
خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد و برکت فرست بر

مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ، وَ ارْحَمْ مُحَمَّدًا وَ اٰلَ مُحَمَّدٍ؛ کَمٰا صَلَّیْتَ
محمد و آل محمد و رحمت فرست بر محمد و آل محمد همان گونه که بر

وَ بٰارَکْتَ وَ تَرَحَّمْتَ عَلیٰ اِبْرٰاهیمَ وَ اٰلِ اِبْرٰاهیمَ؛ اِنَّکَ حَمیدٌ
ابراهیم و آل ابراهیم درود و برکت و رحمت فرستادی به درستی که تو ستوده

مَجیدٌ؛ وَ صَلِّ عَلیٰ جَمیعِ الْاَنْبِیٰاءِ وَ الْمُرْسَلینَ.
صفات و با عظمت هستی و درود فرست بر همهٔ پیامبران و رسولان.

اَللّٰهُ اَکْبَرُ ـ اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنینَ وَ الْمُؤْمِنٰاتِ، وَ الْمُسْلِمینَ
خدایا بیامرز مؤمنین و مؤمنات را و مسلمین

وَ الْمُسْلِمٰاتِ؛ اَلْاَحْیٰاءِ مِنْهُمْ وَ الْاَمْوٰاتِ؛ تٰابِعْ بَیْنَنٰا وَ بَیْنَهُمْ
و مسلمات را آنان که زنده‌اند و آنان که مرده‌اند و میان ما و آنها،

بِالْخَیْرٰاتِ؛ اِنَّکَ عَلیٰ کُلِّ شَیْءٍ قَدیرٌ.
به خیر و احسانت پیوند ده به درستی که تو بر همه چیز توانایی.

اَللّٰهُ اَکْبَرُ ـ

اگر میت مرد است بگویند: اَللّٰهُمَّ اِنَّ هٰذَا الْمُسَجّیٰ قُدّٰامَنٰا عَبْدُکَ
خدایا به درستی که این کفن پوشیدهٔ پیش روی ما بندهٔ تو

وَ ابْنُ عَبْدِکَ وَ ابْنُ اَمَتِکَ، نَزَلَ بِکَ، وَ اَنْتَ خَیْرُ مَنْزُولٍ بِهِ،
و فرزند بنده و کنیز توست که بر تو وارد شده است و تو بهترین میزبان هستی

اَللّٰهُمَّ اِنَّکَ قَبَضْتَ رُوحَهُ اِلَیْکَ، وَ قَدِ احْتٰاجَ اِلیٰ رَحْمَتِکَ،
خدایا به درستی که تو او را به سوی خود قبض روح کردی و او به رحمت تو احتیاج دارد

وَ اَنْتَ غَنِیٌّ عَنْ عَذٰابِهِ، اَللّٰهُمَّ اِنّٰا لٰا نَعْلَمُ مِنْهُ اِلّٰا خَیْرًا، وَ اَنْتَ
و تو از عذاب کردن او بی‌نیاز هستی خدایا ما از او چیزی جز خیر و خوبی نمی‌دانیم و تو

اَعْلَمُ بِهِ مِنّٰا؛ اَللّٰهُمَّ اِنْ کٰانَ مُحْسِنًا فَزِدْ فی اِحْسٰانِهِ، وَ اِنْ کٰانَ
به او از ما آگاه‌تر هستی خدایا اگر نیکوکار بود پس به نیکی او بیفزا و اگر

مُسیئًا فَتَجٰاوَزْ عَنْ سَیِّئٰاتِهِ؛ وَ اغْفِرْلَنٰا وَ لَهُ، اَللّٰهُمَّ احْشُرْهُ مَعَ
گنهکار بود از گناهان او در گذر و ما و او را بیامرز خدایا او را با کسانی که ولایت آنان را

مَنْ یَتَوَلّٰاهُ وَ یُحِبُّهُ؛ وَ اَبْعِدْهُ مِمَّنْ یَتَبَرَّأُ مِنْهُ وَ یُبْغِضُهُ، اَللّٰهُمَّ
برگزید و آنان‌را دوست داشت محشور فرما و از کسانی که از آنان بیزاری می‌جست و بغض آنان را داشت دور فرما خدایا

اَلْحِقْهُ بِنَبِیِّکَ؛ وَ عَرِّفْ بَیْنَهُ وَ بَیْنَهُ؛ وَ ارْحَمْنٰا اِذٰا تَوَفَّیْتَنٰا یٰا اِلٰهَ
او را به نبیّ خود ملحق فرما و بین او و پیامبرت آشنایی برقرار نما و به ما رحم کن زمانی که ما را می‌میرانی ای پروردگار

الْعٰالَمینَ؛ اَللّٰهُمَّ اکْتُبْهُ عِنْدَکَ فی اَعْلیٰ عِلِّیّینَ؛ وَ اخْلُفْ عَلیٰ
جهانیان خدایا او را نزد خود در اعلیٰ علّیین قرارده و در بین بازماندگان،

عَقِبِهِ فِی الْغٰابِرینَ؛ وَ اجْعَلْهُ مِنْ رُفَقٰاءِ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ
فرزندانش را جانشین او ساز و او را از رفیقان محمد و آل

الطّٰاهِرینَ؛ وَ ارْحَمْهُ وَ اِیّٰانٰا بِرَحْمَتِکَ یٰا اَرْحَمَ الرّٰاحِمینَ؛
طاهرینش قرار ده و به او و به ما رحم کن به حق رحمت تو ای مهربان‌ترین مهربانان.

اَللّٰهُمَّ عَفْوَکَ عَفْوَکَ عَفْوَکَ.
خدایا عفو تو، عفو تو، عفو تو را درخواست می‌کنیم.

و اگر میت زن است بگویند: اَللّٰهُمَّ اِنَّ هٰذِهِ الْمُسَجّاة قُدّامَنٰا اَمَتُکَ

خدایا به درستی که این کفن پوشیدهٔ پیش روی ما کنیز تو

وَ ابْنَةُ عَبْدِکَ وَ ابْنَةُ اَمَتِکَ؛ نَزَلَتْ بِکَ، وَ اَنْتَ خَیْرُ مَنْزُولٍ بِهِ؛

و دختر بنده و کنیز توست که بر تو وارد شده است و تو بهترین میزبان هستی

اَللّٰهُمَّ اِنَّکَ قَبَضْتَ رُوحَهٰا اِلَیْکَ؛ وَقَدِ احْتٰاجَتْ اِلیٰ رَحْمَتِکَ؛

خدایا به درستی که تو او را به سوی خود قبض روح کردی و او به رحمت تو احتیاج دارد

وَ اَنْتَ غَنِیٌّ عَنْ عَذٰابِهٰا؛ اَللّٰهُمَّ اِنّٰا لٰا نَعْلَمُ مِنْهٰا اِلّٰا خَیْرًا،

و تو از عذاب کردن او بی‌نیاز هستی خدایا ما از او چیزی جز خیر و خوبی نمی‌دانیم

وَ اَنْتَ اَعْلَمُ بِهٰا مِنّٰا؛ اَللّٰهُمَّ اِنْ کٰانَتْ مُحْسِنَةً فَزِدْ فی اِحْسٰانِهٰا؛

و تو به او از ما آگاه‌تر هستی خدایا اگر نیکوکار بود پس به نیکی او بیفزا

وَ اِنْ کٰانَتْ مُسیئَةً فَتَجٰاوَزْ عَنْ سَیِّئٰاتِهٰا؛ وَ اغْفِرْلَنٰا وَ لَهٰا؛ اَللّٰهُمَّ

و اگر گنهکار بود از گناهان او در گذر و ما و او را بیامرز خدایا

احْشُرْهٰا مَعَ مَنْ تَتَوَلّاٰهُ وَ تُحِبُّهُ؛ وَ اَبْعِدْهٰا مِمَّنْ تَتَبَرَّأُ مِنْهُ

او را با کسانی که ولایت آنان را برگزید و آنان را دوست داشت محشور فرما و از کسانی که از آنان بیزاری می‌جست

وَ تُبْغِضُهُ؛ اَللّٰهُمَّ اَلْحِقْهٰا بِنَبِیِّکَ؛ وَ عَرِّفْ بَیْنَهٰا وَ بَیْنَهُ؛ وَ ارْحَمْنٰا اِذٰا

و بغض آنان را داشت دور فرما خدایا او را به نبیّ خود ملحق فرما و بین او و پیامبرت آشنایی برقرار نما و به ما رحم کن

تَوَفَّیْتَنٰا یٰا اِلٰهَ الْعٰالَمینَ؛ اَللّٰهُمَّ اکْتُبْهٰا عِنْدَکَ فی اَعْلیٰ عِلِّیّینَ،

زمانی که ما را می‌میرانی ای پروردگار جهانیان خدایا او را نزد خود در اعلی علّیین قرار ده

وَ اخْلُفْ عَلیٰ عَقِبِهٰا فِی الْغٰابِرینَ، وَ اجْعَلْهٰا مِنْ رُفَقٰاءِ مُحَمَّدٍ

و در بین بازماندگان، فرزندانش را جانشین او ساز و او را از رفیقان محمد

وَ آلِهِ الطّاهِرِینَ، وَ ارْحَمْها وَ اِیّانا بِرَحْمَتِکَ یا اَرْحَمَ الرّاحِمِینَ،

و آل طاهرینش قرار بده و به او و به ما رحم کن به حق رحمت تو ای مهربان‌ترین مهربانان.

اَللّهُمَّ عَفْوَکَ عَفْوَکَ عَفْوَکَ.

خدایا عفو تو، عفو تو، عفو تو را درخواست می‌کنیم.

اَللّهُ اَکْبَرُ -

آخرین عمل، از تجهیزات میت، دفن اوست. شب اول قبر وی، اولین مرحلهٔ ورود او به‌عالم برزخ‌است و یکی از خطرناکترین‌حادثه‌هایی است که برای بشر، در تاریخ سفرش، از مبدأ تکوین، تا منتهای استقرار در بهشت یا دوزخ، رخ می‌دهد و یکی از سه روز سخت و وحشت‌ناک است که باید مقدمات تسهیل آن را فراهم آورد: روز اول، روز تولد انسان و روز آخر، روز مبعوث‌شدنش‌از قبر و ورودش‌به صحنهٔ‌قیامت‌است. شایسته است خویشان و دوستان دلسوز، برای آن شب میت، وسیلهٔ آمرزش تهیه کنند و یکی از آنها، نماز شب دفن است، که به آن، نماز وحشت گویند. این نماز را یک نفر یا بیشتر می‌توانند بخوانند و ثواب آن را به میت هدیه کنند. حتی اگر چهل نفر هم "رجاءً" و به قصد اهدای ثواب به میت بخوانند مناسب است. این نماز را با اجرت هم می‌توان خواند.

نماز وحشت

این نماز دو رکعت است، مثل نماز صبح، در رکعت اول، بعد از سورهٔ حمد، "آیةالکرسی"، و در رکعت دوم، بعد از حمد، ده مرتبه "انا انزلنا" بخواند. اگر بخواهد سبکتر باشد، در رکعت اول، بعد از حمد، دو مرتبه "قل هو الله احد" و در رکعت‌دوم، بعد از حمد، ده مرتبه "الهیکم التکاثر" بخواند. پس از سلام نماز، صلوات بفرستد و بگوید: پروردگارا، ثواب این نماز را به روح فلان شخص (اسم میت را بگوید) برسان. امید آنکه هدیه لایقی، از طرف خوانندهٔ نماز، به روح میت برسد و تحفه‌ای، در بدو ورود او به عالم ابدیت، از بازماندگان دریابد و خوشحال شود.

فصل دوم

استخاره

در میان ملت ما، استخاره متداول است. عده‌ای، برای هر کاری و هر تصمیمی، متوسل به استخاره می‌شوند. گاهی به جهت عدم توجه، استخارهٔ بی‌مورد می‌کنند یا استخاره را وسیلهٔ ارتکاب امر باطل یا شرّی قرار می‌دهند. لذا باید عرض کنیم: اولین قدم، در راه بدست آوردن مصلحت کار و خیر و صلاح بودن عاقبت آن، فهمیدن حکم شرعی آن است، که حلال است و حرام نیست؛ وگرنه هیچ استخاره و دعا و تصدقی کار حرام را خوب و ثمربخش نمی‌کند. کار حرام شوم است و بدعاقبت، گرچه احیانا نفع دنیوی هم داشته باشد. قدم بعدی، مشورت با نیکان و خردمندان و متخصصین است. اگر اتفاقا راه حلی بدست نیامد، استخاره مانعی ندارد؛ زیرا حداقل، شک و تردید را برطرف می‌کند. استخاره، از جنبهٔ شرعی چند قسم است:

۱ـ به خداوند متوجه شوی و با زبان و قلب هدایت و کمک بخواهی. سپس، خیر و صلاح و محافظت از شر و فساد را طلب کنی. در احادیث معتبر آمده است که اگر انسان، در هر کار مشکل و سختی، براستی متوجه حق تعالی شود و از او بخواهد، حضرتش راه حل را به قلب او الهام می‌کند.

۲ـ پس از یک نماز واجب، سجده کنی و در سجده، صد بار از خدا طلب خیر نمایی و بعد صلوات بر محمد و آل او فرستی و آنها را شفیع قرار دهی. سپس هر طرف کار را که خدا به قلبت الهام فرمود، عمل کنی.

۳ـ در مسجد خلوت یا جای خلوتی، دو رکعت نماز به عنوان نماز استخاره بجا آوری و پس از نماز، از خداوند صلاح و خیر طلب نمایی، سپس دربارهٔ کار خود تصمیم بگیری.

اقسام سه گانهٔ فوق، در روایتهای معتبر وارد شده است.

۴ـقرآن مجید را باز کنی و به اولین کلامی که نظرت افتاد، عمل نمایی. ظاهراً منظور، سطر اول از طرف دست راست صفحه است.

۵ـاستخارهٔ ذات الرقاع بجا آوری، که بدین صورت است:

شش قطعه ورقه تهیه می‌کنی و در سه رقعه(قطعه) از آن می‌نویسی:

بِسْمِ ٱللّٰهِ ٱلرَّحْمٰنِ ٱلرَّحِيمِ، خِيَرَةٌ مِنَ ٱللّٰهِ ٱلْعَزِيزِ ٱلْحَكِيمِ

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان، اختیار از جانب خداوند عزیز حکیم

لِفُلاٰنِ بْنِ فُلاٰنَةٍ اِفْعَلْ.

برای فلانی پسر مادرش؛ انجام بده

و در سه رقعهٔ دیگر می‌نویسی: لاٰ تَفْعَلْ؛ به جای اِفْعَلْ؛ سپس آنها را در زیر مصلای خود می‌گذاری و دو رکعت نماز می‌خوانی و چون فارغ شدی، سجده می‌کنی و در سجده صد مرتبه‌می‌گویی:

أَسْتَخِيرُ ٱللّٰهَ بِرَحْمَتِهِ خِيَرَةً فِى عٰافِيَةٍ.

از خداوند و به رحمتش خیر می‌خواهم، خیر در عافیت.

سپس می‌نشینی و می‌گویی:

اَللّٰهُمَّ خِرْ لِى وَٱخْتَرْ لِى فِى جَمِيعِ أُمُورِى فِى يُسْرٍ مِنْكَ وَ عٰافِيَةٍ

خداوندا برای من ارادهٔ خیر کن و در همهٔ کارها برایم آسانی و سالمتی اختیار کن.

سپس، رقعه‌ها رابا هم مخلوط می‌کنی و یکی یکی بیرون می‌آوری؛ هرگاه سه اِفْعَلْ پشت سرهم بیرون آمد، چیزی راکه اراده کرده‌ای بجا می‌آوری و اگر سه لاٰتَفْعَلْ بیرون‌آمد، آن را بجا نمی‌آوری و اگریکی اِفْعَلْو دیگری لاٰتَفْعَلْ بود، پنج رقعه بیرون آور و به آن نگاه کن، هرگاه سه اِفْعَلْ و دو لاٰتَفْعَلْ بود، آن را بجا می‌آوری و اگر برعکس است بجا نمی‌آوری.

فصل سوم

عقد اخوت و پیمان برادری

گرچه خداوندمنان ،در قرآن‌مجید ،همه مؤمنین‌رابرادر یکدیگرخوانده ، میان آنها با آیهٔ کریمهٔ ﴿إِنَّمَا ٱلْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ؛ مؤمنان برادر یکدیگرند.﴾[1]، عقد اخوت انشا فرموده ، همهٔ مردان و زنان مؤمن را با هم برادر و خواهر دینی نموده و این اخوت را موضوع آثار و احکام زیادی قرار داده است ، لکن ، در این مقام، عقد اخوت دیگری است ، که مستحب است خود مؤمنین آن را ، دو نفر دو نفر ، بین خود انشا کنند و بدین وسیله پیمان خدایی‌را تأکیدو تقویت‌نمایند .همهٔ اوقات‌برای این‌عقد شایسته‌است ، خاصه اعیاد اسلامی و ایام تولد ائمهٔ معصومین ﷺ و از همه بهتر ، روز مبارک‌عیدغدیر ،که‌پیامبرگرامی ﷺ درآن روزمیان‌عده‌ای ازاصحاب خویش ، دو نفر دو نفر ، عقد اخوت بستند و چون علی بن ابی طالب ﷺ تنها ماند ، حضرت خودشان با او عقد اخوت خواندند .

البته این عقد ، اثری در احکام شرعی ندارد ، نه در مال یکدیگر حقی پیدا می‌کنند و نه از همدیگر ارث می‌برند و نه محرمیتی میان آنها و خویشانشان پیدا می‌شود ؛ ولی این عقد در سه مورد اثر دارد :

۱ـ هر یک از دو برادر ، چون موفق به دعایی شود ، مثل ایام عید و مجالس دعا ، باید دیگری را فراموش نکند .

۲ـ هر یک موفق به زیارت خانهٔ خداوند و کعبهٔ معظم یا به زیارت معصومین ﷺ و حرمهای مطهر آنها و سایر امکنهٔ متبرکه گردد ، از دیگری یاد و او را دعاکند ، یا در حد توان خود ، از طرف او ، زیارت نیابتی بجا بیاورد .

۳ـ روز قیامت ، اگر یکی مقام شفاعت پیداکرد ، آن دیگری را شفاعت نماید .

---

۱ . سورهٔ حجرات ، آیهٔ ۱۰ .

عقد اخوت میان زنها، مانند مردان است و عقد اخوت، بین مرد و زن نامحرم، درست نیست و گاهی هم حرام است؛ لکن اگر چنانچه نسبت به یکدیگر دعا کنند، یا عمل خیری به نیابت از یکدیگر انجام دهند، امید است که همان ثواب را داشته باشند.

چنانچه مرحوم محدث نوری، در کتاب مستدرک الوسائل، نقل کرده، عقد اخوت بدین نحو است که هر دو طرف دست راست بهم بدهند، و یکی اول بگوید:

وٰاخَیْتُکَ فِی اللهِ وَ صٰافَیْتُکَ فِی اللهِ وَ صٰافَحْتُکَ فِی اللهِ

و تو را در راه خدا به برادری برگزیدم و با تو صفا کردم و دستت را فشردم در راه خدا.

وَ عٰاهَدْتُ اللهَ وَ مَلائِکَتَهُ وَ کُتُبَهُ وَ رُسُلَهُ وَ أَنْبِیاءَهُ وَ الْأَئِمَّةَ

با خدا و فرشتگانش و کتابها و فرستاده‌ها و پیشوایان

الْمَعْصُومینَ عَلَیْهِمُ السَّلامُ، عَلیٰ أَنّی إِنْ کُنْتُ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ

پاکیزه‌اش ـ که درود خدا بر ایشان باد عهد کرده‌ام که اگر به بهشت راه یابم

وَالشَّفاعَةِ وَأُذِنَ لی بِأَنْ أَدْخُلَ الْجَنَّةَ لاأَدْخُلُها إِلاّ وَأَنْتَ مَعی.

و مشمول شفاعت واقع شوم و به من اجازهٔ ورود به بهشت داده شود، داخل نشوم مگر آنکه تو همراه من باشی.

آنگاه دیگری بگوید:

قَبِلْتُ، وَأَسْقَطْتُ عَنْکَ جَمیعَ حُقُوقِ الْأُخُوَّةِ ما خَلاَ الشَّفاعَةَ

پذیرفتم و همهٔ حقوق برادری را از گردن تو برداشتم مگر امر شفاعت،

وَ الدُّعٰاءَ وَ الزِّیٰارَةَ.

دعا و زیارت را.